دسایس و جنایات روس در افغانستان

از

امیر دوست محمد تا ببرک

نویسنده: دکتر ش. ن. حق شناس

چاپ دوم: با تجدید نظر کلی و اضافات

نام کتاب: دسایس و جنایات روس در افغانستان از امیر دوست محمد خان تا ببرک .
نویسنده: دکتر، ش، ن، حق شناس .
چاپ اول: میزان سال ۱۳۶۳ش، ایران.
چاپ دوم: ثور سال ۱۳۶۸ هجری شمسی، پاکستان.
مهتمم: ببرک لودی.

خطاطی روی جلد: از عبدالله حنیف.

فهرست مندرجات

عناوین | صفحه

فصل اول

فصل دوم

فصل سوم

گفتار دوم ـ عهد امیر حبیب الله خان (۱۹۰۱ـ ۱۹۱۹م)

فصل چهارم

فصل پنجم

فصل ششم

فصل هفتم

فصل هشتم

فصل نهم

فصل دهم

فصل یازدهم

فصل دوازدهم

فصل سیزدهم

فصل چهاردهم

فصل پانزدهم

فصل شانزدهم

فصل هفدهم

فصل هجدهم

بسم الله الرحمن الرحیم

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز

باردیگر خدای یکتا و آفریدگار بی همتا و مهربان را سپاس می گویم که به این بندهٔ حقیر و ناتوان توفیق و تندرستی ارزانی فرمود تا این سخنان پریشان را از نوبیارایم و آنچه در چاپ اول ناگفته مانده بود ، برآن بیفزایم ۰

درست چهار سال پیش بود که کتاب حاضر در ده هزار نسخه از طبع برآمد و مورد استفادهٔ اربابان مطالعه قرار گرفت ۰ تقدیر و استقبال هموطنان مجاهد و مهاجر من از این کتاب بحدی بود که باهمه کمبودها و خلاها در اندک مدتی نایاب شد و کار خرید و فروش آن ببازار سیاه کشید و ده ها نسخه اش در خارج از ایران و پاکستان «فوتو کاپی» گردید ۰

بعضاً در اخبار و آثار خود ذکر خیری از آن کردند و براین کمینه منت نهادند ، وعدّه ای هم جسته جسته مطالب و محتوایش را بکار بردند ولی در کمال کم لطفی حتی در ماخذ نوشته های خویش نامی از آن تذکرندادند و آئین چیز نویسی را پاس نداشتند ۰

بهرحال دلچسپی و علاقه مندی مردم ، بندهٔ الله را بران داشت تا باهمه افسردگی و ناتوانی و ملال خاطر ، برنخستین چاپ کتاب تجدید نظر کند و جنایات روس را بازهم بیشتر و مفصل تر تصویر نماید ۰

دست یابی به این آرزو مسلماً رنج و سرگردانی طاقت فرسائی باخود همراه داشت و تقریباً دو سال وقت را در برگرفت تا بار دیگر رویت ها و روایت ها از سواد به بیاض آمد و آمادهٔ طبع گردید ۰

اقدام به تجدید نظر باعث شد تا از یکطرف بعضی نام ها و سنوات که در چاپ اول درست «تایپ» و طبع نشده بود، تصحیح گردد ، و از سوی دیگر پاره ای از حرفهای کم اهمیت حذف و بجای آنها اسناد و قرارداد های مهم علاوه گردد ۰ این کاهش و افزایش الزاماً برمتن و محتوا اثر گذاشت و مجبور بودیم نظم و ترتیب پیشینه اش راقسماً برهم زنیم و همه را از آغاز تا انجام برلون دیگر در آوریم ۰

گرچه از کار خود تا حدودی شادم و گمان می کنم نکته های سودمند و تازه ای خدمت خوانندگان ارائه شده است ، مع هذا مساعی من در محدودهٔ امکاناتی خلاصه می شود که

نصیبهٔ یک انسان آواره و بی وسیله است و بیش از این چیزی در اختیارم نبود تا به منابع و کتابخانه های بیشتری دسترسی پیدا می کردم و اسناد زیاد تری را ثبت این دفتر می نمودم ۰

خیلی دشوار و کشنده است که نقد آبرو در پای این و آن فرو ریزد و جبین عزت بر آستان این «فوندیشن» و یا آن «انجمن» سائیده آید ۰ بگفتهٔ حکیم هموطن ما ناصر خسرو قبادیانی ؛

دانش و آزادگی و دین و مروت
این همه را بندهٔ «دِرَم» نتوان کرد

امیدوارم روزهای مصیبت و آوارگی بپایان رسد و مسایلی که هنوز نگفته مانده است ، در چاپ های بعدی افزود گردد ۰

شاد و مفتخرم که چاپ اول این کتاب بمساعی و پایمردی برادران مجاهد و قهرمان هرات زیور طبع یافت و اینک چاپ دوم آن به همت و یاری برادران مجاهد و قهرمان «پنجشیر» امکان پذیر گردید و در خدمت خوانندگان قرارگرفت ۰

در پایان کار از برادر فضیلت مآب ، مجاهد و محترم خویش جناب استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان ممنون و مشکورم که باکمک های اخلاقی و انسانی خود وسیلهٔ مسافرت و آرامش را در پاکستان برایم فراهم کردند و بمن فرصت میسرشد تا این کار را به انجام رسانم ۰

از برادر دانشمند و گرامی جناب آقای دکتر روان فرهادی که فتو کاپی «مناسبات افغانستان و روسیه » را از امریکا برایم فرستادند و دراین امر خیریاری ام کردند ، قلباً سپاسگزارم ۰

همچنان از برادر عزیز و فاضل جناب آقای «نواب پنجشیری» که فوتو کاپی مجلدات «سراج التواریخ» را از هامبورگ برایم گسیل داشتند ، صمیمانه تشکر می کنم ۰ واقعاً از این مدارک خیلی سود بردم و مسایل زیادی را از آنها اقتباس کردم که بسیار مفید و ضروری بود ۰

هکذا از برادر عزیز و دوست دیرین جناب دکتر محمد یونس که بافرستادن بعضی اسناد و کتب از سویس یاری ام دادند ، به نیکی و سپاس فراوان یاد آوری مینمایم ۰

سعی پیگر و زحمات شباروزی برادر فاضل ، هموطن و مهاجر من آقای ببرک لودی در طبع و نشر کتاب حاضر قابل تذکر و ستودنی است ۰ اگر اونمی بود و کار «تصحیح» و «پروف خوانی» و مشکلات مطبعه را به عهده نمی گرفت ، شاید تا یکسال دیگرهم این مامول برآورده نمی شد ۰ خدای بزرگ اجرش دهاد و خیرش را بخیر و نیکی معاوضه فرمایاد!

در اخیر از همه کسانی که به حرفی ، یاد داشتی ، محبتی ، تشویقی ، قلمی و قدمی ، بنده را یاری کرده اند ، اظهار امتنان مینمایم و آرزومندم دست حق باایشان باد و عنایت او تعالی بدرقهٔ راه شان ٠

والسلام

حق شناس

فصل اول

آغاز فتنه

هموطنان من میدانند که کشور ما از نخستین نشانه های هستی اش و از روزگارانی که تاریخ در حافظهٔ خود دارد ۰ پیوسته درگیر تاخت وتاز غارتگران وهدف یورش کشور گشایان قرار داشته است ۰ گاهی غرور و نخوت قلعه گشایی و زور آزمائی ، زمانی آز و حرص زمینگیری و فرمانروائی ، روزگاری جنون وخشم خود کامگی ها وسفاکی ها ، وقتی شهوت و اشتیاق زر اندوزی و تاراجگری ، دوره ای قیام و آشوب مظلومان علیه ستم پیشگان و بیدادگران ، وزمانی هم بر خورد حق و باطل و روشنایی و تاریکی ، میهن مان را بار بار بخون تر کرده و ویرانی ها و آبادی هائی درّپی داشته است ۰ به نحوی که اثرات و نشانه های آن دردل صخره ها و صحراها و تپه ها انباشته باشد و چون دل هر سنگ و کلوخی واشگافی یا بوی خون از آن آید و یا نشانی از مدنیت بملاحظه رسد ۰

اما در هیچ دوره یی از تاریخ حماسی و سیاسی کشور ، بدینسان که روس های جنایتکار و روسیه ، مارا فریفته اند و برسرزمین ماخون ریخته اند ، سفاک و خونخوار دیگری دیده نمیشود ۰ درروزگاری که اکنون باگذشت زمان اساطیر و افسانه اش میخوانیم ، ابزار جنگ و نیروی جنگی ، یا تیر و کمان و ترکش و سنان بود ویاآغوش و بازوان رزم آوران و ابر پهلوانان که دشمن ونیاکان ما ، هر دو از آن برخوردار بودند ۰ و چنانکه می دانیم قهرمانی و پیروزی دررزم گاه دایم از آن دلاوران و رزم جویان مابود ۰ و حتی گردان خراسان زمین گاهی از مرزهای دیگران نیز حراست و پاسداری میکردند ۰

هرگاه هجوم آورانی چون سکندر و چنگیز باسپاه و لشکر فراوان برماتاخته اند وویرانی ها و کشتار هایی بیادگار گذاشته اند ، تفاوت کار در فزونی افراد جنگی آنان بوده است که باوجود آن بازهم مردم ما تسلیم نشدند و کشتند و کشته دادند تا وطن را زنده نگهداشتند ۰

جنگ و پیکار باقوای برتانوی گرچه سه بار و طاقت فرسابود ، اما در تعداد سپاهی و کیفیت سلاح، به تناسب احوال موجود در افغانستان، تفاوت بارزی وجود نداشت۰ و جزیکی دوبار بمبارد و حملات هوائی هم صورت نگرفت ۰ دوری راه ، تغییرآب و هوا و شبیخون و مهارت جنگی و اتحاد وهمکاری خالصانه و صمیمانهٔ سلحشوران کشور، مشکل ترین سد پیشروی وثبات سلطه جویان برتانوی بود ، که در نتیجه باسرازیر شدن

نیروی نظامی اش در افغانستان ودست یابی بر اغلب نقاط کشور ، بازهم تاب نیاوردند و شکست خوردند ٠

واما روس های وحشی جنگ نابرابری را علیه مابکار انداخته اند که در نوع خود بی سابقه ترین ، وحشیانه ترین ، خونین ترین و ظالمانه ترین تجاوز و لشکر کشی بشمار می آید ٠ در این لشکر کشی و غارتگری آخرین و مدرن ترین ابزار و آلات آدم کشی وویرانگری بکار افتاده است و از زمین و هوا برانسان وحیوان آتش می بارد ٠ خانه ها و کشتزارها را می سوزانند ، آب هارا مسموم می کنند ، کودکان و زنان را به گلوله می بندند و هرچه در کف شان افتد به یغما می برند ٠ بم افگن های شان از قلب کابل و تاشکند بپرواز می آیند و شهرها وروستهاهارا بمبار دمان می کنند ٠

ولی متاءسفانه ملت قهرمان افغانستان در برابر این همه نیروی کشنده واهریمنی ، از ساز و برگ جنگی بی بهره اند و جز اندک تفنگی و آنهم درعده یی از جبهات ، چیزی در اختیار شان قرارندارد ٠

بهرحال آنچه مهم است وهدف اصلی مارا در نوشتن این کتاب احتوامی کند ، آنست که حملۀ روس ها در افغانستان یک پدیدۀ آنی و تصادفی نیست ، بلکه هدف مشخص وبرنامه ریزی شده یی می باشد که برای تطبیق و عملی شدن آن سالیان دراز زمینه سازی شده است ٠ گرچه این رشته را سری دراز باشد و بایستی شرح ماجرا به تفصیل گفته آید ، مع هذا سعی ما برآن خواهد بود تا به اختصار سخن گوئیم و خوانندگان را در جریان قرار دهیم که فتنه چگونه واز کجا آغاز شد؟؟ عواملی که روس ها در این مدت زمان ازان سود جستند و اسباب و انگیزه هایی که راه نفوذ آنان و گرایش دولت مردان و بعضی از افراد جامعه را بدوستی و نزدیکی بامسکو مساعد نمود چه بود ؟؟

برای روشن شدن نکات بالا ناگزیریم حداقل یکقرن و نیم به عقب برگردیم تاریشه های اصلی و عناصر اساسی قضیه را بدرستی تشخیص وارزیابی نمائیم ٠ واقعیت این است که افغانستان و منطقه یی که مادر آن زیست می کنیم ، از لحاظ ثروت های بیکران طبیعی و از جهات سوق الجیشی بسیار مهم می باشد و درواقع حیثیت گذر گاهی را داراست که توجۀ استعمار گران و سیاست پیشگان سلطه جورا پیوسته بسوی خویش معطوف داشته است ٠

دست یابی برحوزۀ نفتی خلیج ورسیدن به آبهای گرم جنوب و تصرف هند ، اساس هجوم غارتگران ایام و رقابت های آنان را در طول زمان احتواء می کند ٠ بخصوص کشمکش ها ورقابت های روس و انگلیس در منطقه که از آغاز قرن نوز دهم بوجود آمد ، آرامش و سکون را در این ناحیه از جهان برهم زد و اغلب دولت ها و کشور های آزاد ، حاکمیت ملی و استقلال خویش را از دست دادند ٠

تبارز پطر در عرصهٔ سیاسی و نظامی جهان ، بویژه نقشه یی که جهت استیلای هند ، ایران و ترکستان وضع نمود و اخلافش آنرا دنبال کردند ، مرزهای جغرافیایی و چهرهٔ سیاسی حوزه را بکلی تغییر داد ۰ و اینک بیم آن میرود که روس ها به خواب های افسانوی پطر و تصویر پوچ و بی محتوای سردمداران سوسیال امپریالیزم رنگ تحقق بخشند و پا به بحر هند نهند ۰

پطر در دستور العمل ۱٤ ماده ئی اش که میخواست چوچه های خونخوار خودرا راه ورسم تجاوز و استعمار وسلطه جویی وفتنه آفرینی بیاموزد ، مادهٔ خاصی را به منطقهٔ ما اختصاص داده و گفته بود که:

((۰۰۰ برای تضعیف جهان اسلام باید از اختلافات مذهبی کار گرفت ، گذشته ازان باید چاره جوئی های فراوان کرد که کشور ایران روز بروز تهی دست شود و بازرگانی آن تنزل کند ۰ رویهمرفته باید همیشه درپی آن بود که ایران روبویرانی رود و چنان باید اورا در حال احتضارنگه داشت که دولت روسیه هرگاه بخواهد ، بتواند آنرا بی دردسر از پادر آورد و به اندک فشاری کارخودرا بپایان رساند ۰ اما مصلحت نیست که پیش از مرگ حتمی دولت عثمانی ، ایران را یکبارگی بی جان کرد ۰ کشور گرجستان و سرزمین قفقاز رگ حساس ایران است ۰ همینکه نوک نیشتر استیلای روسیه به آن رگ برسند فوراً خون ضعف از دل ایران برون خواهد رفت و چنان ناتوان خواهد شد که هیچ پزشک حاذقی نتواند آنرا بهبود بخشد ۰ آنگاه دولت عثمانی چون شتری مهار کرده در دست پادشاهان روسیه خواهد بود ، ودم آخررا برخواهد آورد تا در هنگام لزوم بار کشی کند ۰ و پس از انکه دیگر کاری از ان ساخته نشد باید سرش را از تن جدا کرد ۰ برشمالازم است که بی درنگ کشور گرجستان و سرزمین قفقازرابگیرید و پادشاه داخلی ایران رادست نشانده و فرمانبردار خود کنید ۰ پس از ان باید آهنگ هندوستان کرد ، زیرا که کشوری بسیار بزرگ و بهترین بازارگاه تجارت است ۰ وهرگاه بدانجا دست یافتید هر قدر پولی که بوسیلهٔ انگلستان بدست می آید ، میتوان مستقیماً از هندوستان فراهم کرد ۰ کلید هندوستان هم سرزمین ترکستان است تا میتوانید باید بسوی بیابان های قرغزستان وخیوه و بخارا پیش بروید تا بمقصود نزدیکتر شوید ۰ اما تأمل و تأنی را نباید از دست داد و باید از شتاب خود داری کرد ۰)) (۱)

به اساس این وصیت نامهٔ استعماری و ضد انسانی بود که از سال ۱۷۲۳ میلادی به بعد ، روس ها ابتدا پیشروی و تجاوز خودرابر «خیوه» مرکز خوارزم و سپس بر ایران زمین و جزیرهٔ کریمیه «از متصرفات عثمانی» آغاز کردند و در نتیجه باتحمیل معاهدات ننگینی

---

۱ ـ رجوع شود به کتاب: تاریخ ایران تالیف جنرال سرپرسی سایکس ترجمه فخرداعی گیلانی ، چاپ ایران ۱۳۳۰ هـ ، ش جلد دوم ۰

مانند: «معاهدهٔ گلستان ۱۸۱۳م» و «معاهدهٔ ترکمان چای ۱۸۲۸م» قسمت زیادی از خاک ایران ، بشمول داغستان و نیمئ از آذربایجان را به تصرف خود ، دراوردند ۰ (۱).

همچنان روی همان نقشه و هدفی که پطر توصیه کرده بود ، جانشینان او چندین باردست و آستین برزدند تا افغانستان را زیرپاکرده و خودرابه هند برسانند ۰ طرح حملهٔ ناپلیون به هند ، اشتهــا و اشتیاق روس هارا درزمینــه شدت بخشید و پال فرمــانـروای روس (۱۷۹۶ـ۱۸۰۱م) در سال ۱۸۰۱م به یکــی از جنــرالان خود ''اورلــوف'' فرمــان داد تا با ۲۲ هزار عسکر و ۲٤ عراده توپ ، از طریق اور نبرگ و خیوه و بخارا به هند حمله کند و آنجا را تسخیر نماید ۰ اما جنرال مذکور هنوز درنیمه راه نریسده بود که اربابش «امپراطورپال» بوسیلهٔ افسران نظامی پترو گراد و پسر وی در اطاق خوابش کشته شد و این نقشه ناتمام ماند ۰

الکساندر اول «۱۸۰۱ـ۱۸۲۵م» نیز در فکر آن شد تا این نقشه را عملی سازد و ۲۵ هزار عسکر روسی را بسیج نماید تا به اشتراک قوای فرانسوی واطریشی ، از طریق استرآباد و هرات و قندهار داخل هندوستان شود ، لیکن این طرح نیز جامهٔ عمل نپوشید ۰

چخــاچــوف طراح دیگــر روســی،نــظر داد که یک قول اردو از اســترآبــاد اعــزام گردد ۰ و هرات تسخیر شود و بدنبال آن ۳۰ هزار عسکر از طریق قندهار به دیرهٔ اسمعیل خان برود واز انجابه پنجاب حمله کند ۰

سکوبی لیف ، برای رسیدن به هند پلان جامع تری طرح کرد و اظهار داشت که:

۱ ـ نخست راه مذاکره باکابل باز گردد و زمینهٔ استقرار عساکر روسی درانجا فراهم شود ۰

۲ ـ بوسیلهٔ همین عساکر روسی کابل اشغال گردد و بعداً خط حرکت بسوی هند مشخص و معین شود ۰

۳ ـ بایک قوهٔ مکمل و مجهز بصورت سریع و ناگهانی به هند حمله شود و اشغال گردد(۲) ۰

حقایق بالا روشنگر دسایس و توطهٔ هایی میباشد که سلاله های پطر، این استعمار گران حرفه یی از همان آغاز سودای تسخیر کشور مارا در سرداشته اند ولی بعلت نامساعد بودن شرایط و امکانات ودرگیری ها ورقابت هایی که درسایر نقاط منطقه و جهان به آن مواجه بوده اند ، مساعی شان از قوه به فعل درنیامده و نقشه های خودرا بزمان مناسب موکول کرده اند ۰

واما بکمال تاءسف سیر روزگار به مراد روس ها بود و در ایران و افغانستان و منطقه شرایطی پیش آمد و فتنه هایی را خلق کردند که در نتیجهٔ آن رهٔ نفوذ و پیشروی آنان

---

۱ ـ برای تفصیل حملات روس براراضی ایران و جزیرهٔ کریمیه و ترکستان زمین ، رجوع شود به کتاب: «تصویر روس در آئینه تاریخ» اثرنگارنده ، چاپ سال ۱۳٦٦ هـ ، ش ، المان ۰

۲ ـ رک : به کتاب «افغانستان» تالیف سنه سارف طبع مسکو ۱۹۲۱م۰.

بصورت طبیعی هموار گردید ۰

حملات مکرر روس ها بر ایران ، روابط عادی این کشور را که از عهد صفوی ها آغاز گردیده بود ، تدریجاً به نفوذ و تسلط سیاسی منجرساخت و در دورهٔ شاهان قاجار ، بویژه در عهد زمام داری فتح علی شاه ، احمد شاه و محمد شاه قاجار ، به اوج خود رسید ۰

سلطه و نفوذ در ایران ، روس هارا امکان بخشید تا حکومت ایران را بحیث آلهٔ فعل خود قرار داده ، بوسیلهٔ ایشان و بنام ایران ، رهٔ پیشروی خودرا بسوی هرات باز کنند ۰ روس ها فکر می کردند که دست یابی بر هرات ، کار نفوذ و استیلای شان را برقندهار و کابل آسانتر خواهد ساخت و موقعیت تازه یی را در رقابت های خویش علیه انگلیس کسب خواهند کرد ۰

این سعی و تلاش استعماری درنیمهٔ اول قرن نزدهم ، وبالاخص زمانی مورد عمل وتوجه جدی قرار گرفت که افغانستان نیز دستخوش تحولات ودگرگونی های داخلی بود و هستی و آزادی کشور از هر طرف تهدید می شد۰ بدبختی و مصیبت عمدتاً و اساساً از انجا مایه گرفت و بگونهٔ سرطان کشنده یی جامعه و سیاست واقتصاد مارا آفت زده ساخت که:

بعد از مرگ تیمور شاه درانی (۱۲۰۷هـ۰ق)، شیرازهٔ حکومت در افغانستان از هم گسیخت ازیکسو در کشاکش کسب قدرت بین پسران تیمور شاه که تعداد شان به «۳۳» نفر بالغ می شد ، قدرت مرکزی کاهش یافت واز جانب دیگر ملوک الطوایفی و جنگ های داخلی باب روز گردید ۰

داستان غم انگیز حوادث بعدی وقتی آغاز گردید که سردار پاینده خان از شاخهٔ بارکزائی محمد زائی ، درتوطهٔ سرنگونی شاه زمان فرزند تیمور شاه شرکت ورزید و خواست آنرا از بین ببرد ۰ اما این سوء قصد پیش از انکه عملی شود ، کشف شد و شاه زمان بتاریخ ۱۳ رمضان ۱۲۱٤هـ۰ق پاینده خان را بقتل رسانید (۱) ۰

وزیر فتح خان پسر او برای انتقام و خونخواهی پدرش در انهدام دولت شاه زمان سهم فعال گرفت و به شاه محمود فرزند دیگر تیمور شاه پیوست که هرات را در دست داشت ۰

کامران میرزا فرزند شاه محمود ، بنابدرخواست و خشنودی فتح علی شاه قاجار وبیم و هراسی که از شهرت و اعتبار روز افزون وزیر فتح خان داشت ، وی را در هرات کور کرد ۰ برادران وزیر فتح خان (سردار کندل خان و شیر دل خان) از هرات بقندهار فرار کردند تاجهت انتقام جویی برادر خود لشکر ترتیب دهند و به کمک سایر برادران خویش ، خانوادهٔ سدوزائی را از قدرت براندازند ۰ شاهزاده کامران جهت مقابله و سرکوبی آنان از هرات راهی قندهار و کابل شد و وزیر فتح خان را نیز باخود برد و آنرا در سید آباد وردک توسط سرداران

---

۱ ـ برای آگهی از تفصیل قتل سردار پاینده خان رجوع شود به: سراج التواریخ ، جلد اول صفحهٔ ۵۹ ۰

درانی بصورت فجیعی بقتل رساند ۰

کورکردن و قتل وزیر فتح خان فرزند سردار پاینده خان ، در واقع سیر تاریخ را دگرگون ساخت و افغانستان را حدود یکقرن به خانه جنگی کشانید و درعین حال سلطنت افغانستان را از خانوادهٔ سدوزائی احمد شاه ابدالی ، به خانوادهٔ سردار پاینده خان محمدزائی انتقال داد ۰ (۱)

پسران سردار پاینده خان نه تنها در ربودن قدرت از بنی اعمام «سدوزائی» خود ، هنگامهٔ کشت و خون را گرم کردند بلکه در اثر انگیزه های خودی و حرص و آز جاه طلبی برهمدگر نیز شمشیر کشیدند ۰ بحدی که مردم افغانستان بستوه آمدند و مجبور به دخالت و پادرمیانی شدند ۰ در نتیجهٔ این خیرخواهی و کوشش ، سرانجام در سال ۱۸۲۶ میلادی مطابق ۱۲۴۲ه۰ق ، برادران محمدزائی باهم کنار آمدند و مناطق متصرفهٔ افغانستان را بین خود تقسیم کردند ۰ (۲)

اما این سوگند و پیمان گرچه بروی قرآن کریم بسته شده بود ، دیری دوام نکرد و ایشان بار دیگر بجان هم افتادند ۰ درد آور آن بود که در این گیر ودارها و نیز در رقابت ها و تضاد هایی که بین بنی اعمام سدوزائی و بارکزایی جریان داشت ، مردم افغانستان حیثیت پیش مرگانی را داشتند که بیرحمانه وبرسر «هیچ» قربانی می شدند و نیروی مقاومت ملی در برابر حریفان و دشمنان خارجی ، بصورت روز افزونی کاهش می یافت ۰

اوضاع و احوالی از این قبیل در شرق به «رنجیت سنگه» و در غرب به شاه قاجار فرصت و امکان بخشید تا آن یک به کمک و تشویق انگلستان ، اتک ، پشاور ، کشمیر و ملتان را از افغانستان جدا و به پنجاب الحاق نماید ، واین دیگر به تحریک روس ها ، شهر باستانی هرات را مورد هجوم و حمله قرار دهد ۰

در مجموع و باتاءسف اظهار باید کرد که در یکسوی این نمایش نامهٔ خونین ، کهندل خان ، مهردل خان ، رحمدل خان و امیر دوست محمد خان (سرداران بارکزائی) نقش بازی می کردند و درسوی دیگر کامران میرزا و شاه شجاع (از قبیلهٔ سدوزائی) ۰

هدف کلی و نهایئ آنان دست یابی بقدرت بود و برای این منظور هریک می کوشید تادست عنایت و حمایتی بسویش دراز شود و بررقیب خویش پیروز گردد ۰ برای رسیدن به مقصود همه چیز در نظرشان بی تفاوت می نمود ، به همان میل و رغبت که در این رابطه ، یاری و معاونت انگلیسان را می پذیرفتند ، از قول و قرار شاه قاجار و نمایندهٔ تزارنیز به گرمی

---

۱ ـ برای آگاهی از تفصیل و چگونگی کور کردن و قتل وزیر فتح خان رجوع شود به: سراج االتواریخ ، جلد اول صفحهٔ ۹۷ و ۱۰۰ ، و نیز رجوع شود به کتاب: نوای معارک ص ۸۳ ۰

۲ ـ دربارهٔ عهد نامهٔ پسران سردار پاینده خان ، رجوع کنید به کتاب : (در زوایای تاریخ معاصر افغانستان) تالیف مرحوم علی احمد خان کهزاد ۰ طبع کابل ۱۳۳۱ شمسی ،

استقبال میکردند و به آن دلگرم می شدند ۰ بهرحال چون طرح تدوین کتاب حاضر چنانکه گفتیم و از نامش پیداست ، در چوکات بررسی و ارزیابی «دسایس و جنایات روس در افغانستان» محدود و منحصر می باشد و نه تاریخ افغانستان بمفهوم کلی و عام و تام آن ، بنابر این شرح حوادث و قضایا را در همین محدوده و از امیر دوست محمد خان آغاز می کنیم ۰ به این عقیده که وی در برقراری تماس و رابطه باروس ظاهراً نخستین شاه افغانستان است ۰

امیر دوست محمد خان و روابطش باروس

چنانکه گفته آمد روس ها از آغاز قرن نزدهم به بعد ، پیوسته در جستجوی راهها و امکاناتی بودند تا بتوانند طرح پطررا در پیشروی بسوی آبهای جنوب عملی کنند ، وبرای این منظور ضمن مداخلات مستقیم و تجاوزات مسلحانه برسرزمین های ماحول خود ، سعی میکردند از تضادها و اختلافات ذات البینی افراد و قبایل و تحریک و برانگیختن ممالک همسایه علیه یکدیگر نیز استفاده کنند ۰

روی این قصد و نیت نخستین بار در سال ۱۸۱۸م ایران را تشویق کردند تا به افغانستان لشکر کشی نماید و هرات را به تصرف خود در آورد ۰ در نتیجهٔ این تحریکات و برای جلوگیری از اشغال هرات کامران میرزا حاضر شد تا در کمال بی مروتی و نامردی به تقاضا و خشنودی فتح علی شاه قاجار گردن نهد و وزیر فتح خان را که حیثیت خار چشمی را در در دیدهٔ شاه قاجار داشت و میخواست مشهد را اشغال کند ، کور نماید و بعداً اورا بقتل رساند ۰(۱)

برداران وزیر فتح خان جهت انتقام وی ، دست بکار شدند و کوشیدند تا کامران میرزا و شاه شجاع را از قدرت براندازند ۰ در این کشمکش ها امیر دوست محمد خان موفق گردید تا در سال ۱۸۲۶ میلادی ، کابل را به تصرف خویش در آورد ۰

شاه شجاع که توسط شاه محمود از امارت کابل خلع شدهٔ بود و در هندوستان بسر می برد ، بار دیگر بموافقت و حمایت انگلیس ، غرض سرنگونی امیر دوست محمد خان عازم افغانستان گردید و بازهم در ۱۸۳٤ میلادی شکست خورد ، و امیر دوست محمد خان برکابل و شمال شرقی افغانستان تسلط یافت ۰

مردم کابل در همین سال (۱۸۳٤م = ۱۲٥٤ هـ ق) دوست محمد خان را به امارت برگزیدند و خطبه و سکه بنامش جاری گردید ۰ وی که یکسال قبل نیز برپشاور حمله کرده

---

۱ ـ برای آگهی از تفصیل ماجرا رجوع شود به سراج التواریخ جلد اول صفحهٔ ۹۱ ،۹۷ ،۱۰۰ ۰

بود ، پس از انتخابش بعنوان امیر ، مجدداً اعلان جهاد صادر کرد و برپشاور حمله نمود ۰ امابزودی شکست خورد و برای آمادگی بیشتر بکابل برگشت (۱) ۰

در همین احوال روس ها بوسیلهٔ سفیر خویش (کنت سیمونچ) در ایران ، شاه قاجار را تحریک کردند تا از موقع استفاده کرده ، بر هرات حمله کند۰ امیر دوست محمد خان و برادرانش نیز که سرنگونی کامران میرزا را برهر مصلحتی ترجیح می دادند ، شاه ایران را بوسیلهٔ قاصد و نامه در تسخیر هرات و سرنگونی کامران میرزا تشویق کردند ۰ میرزا فیض محمد خان کاتب درزمینه می نویسد که:

((در خلال احوال مذکورهٔ سال ۱۲۵٤هـ محمد شاه قاجار عزم تسخیر هرات کرده مقارن ارادهٔ او اعلیحضرت امیر دوست محمد خان که استرداد پشاور و پنجاب و کشمیر و سند پیشنهاد خاطرش بود ، از کابل و سردار کهندل از قندهار و سردار شمس الدین خان از هرات که اینوقت نزد شاهزاده کامران بود، هر کدام برطبق مرام خویش، نامه ورسولی پیش شاه ایران فرستاده و خواستار شدند که در تسخیر هرات و تدمیر شهزاده کامران کار بتاخیر نیندازد و شاه ایران فرستادگان ایشان را نوازش کرده هریک را باجواب مرقومه رخصت مراجعت داد)) ۰

شاهزاده کامران هم قاصدی باتحایف زیاد نزد شاه قاجار فرستاد واز وی خواست تا از عزم خود منصرف گردد ۰ اما محمد شاه قاجار که سخت زیر تأثیر روس ها قرار داشت ، علی الرغم توصیه هایی که نمایندگان انگلیس در دربار ایران ، بوی نمودند ، از عزم خویش منصرف نگردید و در ماه ربیع الثانی ۱۲۵٤هـ ، ق تهران را بقصد هرات ترک گفت ۰ (۲)

فرستادهٔ انگلیس در ایران (مسترمکنیل) جریانات را به لندن اطلاع داد و خود همراه باشاه قاجار حرکت نمود ۰

امیر دوست محمد خان در بهار سال ۱۸۳٦م مکتوبی به لارد اکلیند گورنر جنرال انگلیس در هند فرستاد و وظیفهٔ او را تبریک گفت ۰ ضمناً ازوی مشوره خواست که در نزاع با (رنجیت سنگه) برسرمسئلهٔ پشاور چگونه راهی را انتخاب کند ۰

لارد اکلیند که به هیچوجه راضی نبود پشاور در دست امرای افغانی قرار گیرد ، بتاریخ ۲۲ اگست ۱۸۳٦ جواب ماهرانه یی به امیر نوشت و اظهار داشت که:

((مقصد انگلیس در هند ترقی تجارت است و به هیچوجه در امور داخلی یک حکومت دیگر مداخله نمیکند ۰ اما بغرض مذاکرات تجارتی هیئتی به افغانستان خواهد

۱ ـ رجوع شود به سراج التواریخ جلد اول صفحهٔ۱۲۷.

۲ ـ ر ک سراج التواریخ جلد اول صفحهٔ ۱۲۸ ۰

فرستاد ۰)) (۱)

بدنبال این مکتوب و براساس وعده یی که لارد اکلیند به امیر دوست محمد خان داده بود ، در ماه سپتمبر همان سال (۱۸۳۶م) هیئتی را بریاست برنس BURNES و عضویت میجر لیچ ، لیفتیننت ووڈ ، داکتر لارد و منشی موهن لال ، بکابل فرستاد تادربارهٔ چگونگی روابط تجاری بین افغانستان وهندوستان با امیر مذاکره کنند ۰ امّا هیئت در مذاکرات خود باامیر موضوعات سیاسی را مطرح کرده و نگرانی انگلیس را نسبت به تماس امیر باایران وروس درمیان گذاشتند و ضمناً سعی کردند تا امیر را از مطالبهٔ پشاور باز دارند و بین او و رنجیت سنگهٔ اتحاد و اتفاق برقرار نمایند ۰ لیکن امیر دوست محمد خان به حرفهای هیت انگلیس اعتنایی نکرد ۰ (۲) و به استر داد پشاور اصرار ورزید ۰

هنوز هیئت انگلیس مشغول مذاکره بود که کنت سیمونچ سفیر روس در ایران ، نمایندهٔ کشور خود ، (ویتکو ویچ Vitkavitch) را به افغانستان فرستاد تاباسرداران قندهار و امیر دوست محمد خان مذاکره کند ۰ موصوف که یکی از جاسوسان درجهٔ اول روس بشمار می آمد و در آموختن زبان های خارجی و فریفتن مردم مهارت خاصی داشت ، در سرراه خود بکابل باکهندل خان حاکم قندهار ملاقات کرد و بعنوان نمایندهٔ روس قرار دادی را مبنی برهمکاری و اتحاد علیه انگلیس ، باوی امضاء نمود ۰ ونیز از کهندل خان تعهد گرفت تا در تسخیر هرات به ایرانیان کمک کند ۰ (۳)

سپس به کابل رفت و نامهٔ «تزار» روس را باهدایا و تحایفی که باخود داشت به امیر دوست محمد خان تقدیم نمود ، و ضمن لاف ها و دروغ هایی که خاصهٔ روس ها است ، از کمک های سیاسی کشورش نسبت به استرداد پشاور وعده ها داد ۰ (از کسیهٔ خلیفه می بخشید) ۰

در جریان مذاکرات نمایندگان انگلیس و روس با امیر دوست محمد خان ، نماینده یی هم از طرف محمد شاه قاجار بکابل رسید و نامه یی را به امیر دوست محمد خان تقدیم داشت که دران شاه ایران از امیر کابل خواسته بود تا از «برنس» بر حذر باشد ودر دام مکاید او نیفتد ۰ نویسندهٔ سراج التواریخ در این باره نوشته است که:

((۰۰۰ و مقارن این حال ، ویت کویچ نامی از دولت روس باتحایف و هدایا وارد کابل شده شرفیاب حضور اعلی حضرت امیر کبیر گشته تحفه اش پذیرفته آمد و هنوز سخن در باب دوستی و مواحدت جانبین درمیان نرفته بود که نامه ورسول محمد شاه نیز رسیده شرف باریافت وچون شاه ایران شرحی از حیله وری الکساندر بارنس مرقوم

---

۱ ـ رک : افغانستان در مسیر تاریخ چاپ دوم صفحهٔ ۵۱۹ ۰

۲ ـ رک : نوای معارک تالیف منشی عطاء الله خان طبع کراچی ۰ ۱۹۵۹م ، صفحهٔ ۳۶۲ ۰

۳ ـ رک: رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان ترجمه دکتر عباس آذرین چاپ ایران ، از صفحهٔ ۳۸ به بعد ۰

داشته و صریح نگاشته بود که از فریبش ایمن نباشد تا بدام تزویرش گرفتار نیاید و امیر کبیر قطع نظر از همه ، اتحاد را با دولت روس اولیٰ دانسته رشتهٔ یک جهتی انعقاد داده الکساندر بارنس را بی نیل مرادش از کابل برون کرده درهند فرستاد ۰ و فرستادگان روس و ایران را نیز بعد از عقد موالات بادولت روس ، رخصت مراجعت داده ۰۰)) (۱)

از متن سراج التواریخ بخوبی پیداست که امیر دوست محمد خان نیز همانند کهندل خان برادرش ، دست روس هارا به گرمی ، می فشارد و برای اولین بار در تاریخ افغانستان با روس ها پیمان دوستی می بندد و عملاً به خواست روس و ایران موافقت می کند ۰ گرچه دربارهٔ جزئیات «موالات» مذکور تذکری داده نشده است ، مع هذا امر مسلم آنست که امیر دوست محمد خان پس از طرح دوستی با روس ، هیئت انگلیس را دست خالی از افغانستان برگردانید و برادران امیر (معروف به سرداران قندهار) ، نه تنها برای دفاع از یک ولایت مهم افغانستان در برابر تجاوز بیگانه کاری نکردند ، بلکه با اعزام چهار هزار عسکر ، ایران را در حمله برهرات عملاً یاری دادند (۲)

روس ها درگرما گرم موفقیت و فعالیت های شیطانی خویش ، نقش چند جانبه یی بازی کردند ۰ در این بازی ها حکام قندهار را تطمیع نمودند که هرات باقندهار الحاق خواهد شد ، برای محمد شاه قاجار وعده دادند که هرات و قندهار هر دو زیر نفوذ ایران قرار خواهد گرفت ، و امیر دوست محمد خان را در تارخام بستند که پشاور را بوی مسترد خواهند کرد ۰

دولت انگلیس از فعالیت روس ها و تماس و مذاکرات شان باکابل و قندهار مشوش گردید ووزارت خارجهٔ آن ، رسماً در این مورد از دولت روس توضیحات خواست ۰ وزیر خارجهٔ روس (نیسلرود) در جوابیهٔ خویش از هر نوع تشبث سیاسی در افغانستان انکار کرد و ماموریت ویتکوویچ را در افغانستان ، مذاکره در امور تجاری خواند ۰

اما عملاً دیده شد که تحریک روس ها کارگر افتاد و محمد شاه قاجار در سال ۱۸۳۷ میلادی باسپاه بیکرانی شهر هرات را در محاصره قرارداد و این محاصره تا هشتم ماه سپتمبر ۱۸۳۸ بطول انجامید ۰

در جریان محاصرهٔ شهر هرات بوسیلهٔ عساکر ایران ، امیر دوست محمد خان نامه ورسولی نزد شاه قاجار در هرات فرستاد و اورا به تسخیر آن شهر باستانی کشور ما تشویق نمود ۰

لارد اکلیند فرمانروای هند برتانوی از مراودهٔ امیر دوست محمد خان با روس و ایران شدیداً برآشفت و پس از مراجعت «برنس» به هند ، مکتوبی عنوانی امیر دوست محمد خان فرستاد و بوی خاطر نشان کرد که : ((حکومت او از رنجیت سنگه حمایت خواهد کرد ،

۱ـ رک : سراج التواریخ جلد اول ، صفحهٔ ۱۲۹ـ۱۳۰ ۰

۲ ـ رک : افغانستان در مسیر تاریخ ص ٤۹٤ و ۵۲۱ ۰

و منـاسب حال شما آنست که ولایات متصرفه خویش را حفاظت نموده ، در ولایات هرات ، قندهار و پشاور مداخلت ننمائی ٠))

امیر دوست محمد خان در برابر مکتوب گورنر جنرال هند پاسخ منفی و مثبتی ارائه نداد واین وضع دولت انگلیس را بیشتر مشوش ساخت ٠ نگرانی انگلیس از آن بود که باتسلط شاه ایران بر هرات تمام ولایات غربـی افـغـانـسـتـان تحت نفـوذ روس در خواهـد آمـد و امیر دوست محمـد خان نیز بایاری و کمک شاه ایران و روس ، آهنگ تسخیر پشاور ولاهور و کشمیر را خواهد کرد ، و در نتیجه امنیت هند را بخطر مواجه خواهد ساخت ٠

بنابراین از یکطرف جهت دفع این خطر (بزعم خودشان) در تاریخ ٢٦ جون ١٨٣٨ مطابق ٢٣ ماه ربیع الثانی سنه ١٢٥٤ ، معاهدهٔ ننگین سه جانبه یی را (از نوع معاهدات تره کی و ببرک و نجیب باروس) ، در لاهور بین مستر ویلیم مکناتن ، شاه شجاع و رنجیت سنگه به امضاء رسانیدند و به اساس آن زمینهٔ حمله به افغانستان و تحمیل شاه شجاع را برمردم ماآماده ساختند ٠ (١) واز جانب دیگر قوای بحری آن ، جزیرهٔ «خارک» را در خلیج فارس اشغال کرد و به ایران التیماتوم داد تابلادرنگ از هرات خارج شود ٠ در اثر این التیماتوم و بخصوص در نتیجهٔ رادمردی و دلاوری مردم هرات که در کمال شهامت و شجاعت از وطن و زادگاه خود حراست می کردند ، لشکر قاجار پس از ده ماه و شش روز مجبور به ترک هرات گردید و بتاریخ نهم سپتمبر ١٨٣٨ مطابق ١٦ جمادی الآخر سنه ١٢٥٥ ، جانب مشهد عزیمت نمود ٠(٢)

برنامهٔ لشکر کشی انگلیس نیز در سال ١٢٥٥ هـ ، ق مطابق فبروری ١٨٣٩ ، آغاز گردید و بسوی کابل وقندهار پیشروی نمود ٠ سرداران قندهار به ایران فرار کردند و شاه شجاع همـراه بامکناتن ، روز یکشنبه دوازدهم صفر سنه ١٢٥٥هـ٠ق مطابق اپریل ١٨٣٩ بدون موانع وارد قندهار گردید و روز دوشنبه ١٣ صفر در میدان عیدگاه قندهار برتخت سلطنت نشست ، وبعد از دو ماه با ٢٨ هزار عسکر راهی غزنه و کابل شد ٠

امیر دوست محمد خان بتاریخ اول اگست ١٨٣٩ ، از ارغنداب بسوی ترکستان متواری شد و از انجا بنابرموافقت امیر نصرالله خان شاه بخارا ، بابرخی از پسران و برادرزادگانش به بخارا رفت و تابهار سال ١٨٤٠ میلادی دران کشور باقی ماند ٠

دو سال بعد مردم افغانستان مجدداً قیام کردند و معرکهٔ کشت و خون در بعضی از گوشه و کنـار وطن ، بخصـوص در کوهستـان و کوهدامن گرم گردید و انگلیس ها باوجـود ورودنیروی تازه نفس از هنـد و قتـل عام و آتش زدن به روستـا های کاپیساو پروان ، نتوانستند آشوب را درهم شکنند ٠

---

١ ـ در بارهٔ نامهٔ امیر دوست محمد خان و معاهدهٔ سه جانبه لاهور ، رجوع کنید به: سراج التواریخ جلد اول صفحهٔ ١٣٦ـ١٣٨ ٠

٢ ـ رک : تاریخ سیاسی ایران و انگلیس تالیف محمود محمود جلد اول صفحهٔ ٢٧٤ ٠

در اوج این قیام ها امیر دوست محمد خان هم بعلت نامساعد بودن زندگی در بخارا ، وارد افغانستان گردید وساکنان کوهدامن و کوهستان و نجراب از وی به گرمی استقبال کردند ۰ انگلیسان که برای سرکوبی قیام و جهاد مردم ، قوای زیادی را به کوهدامن و پروان سوق داده بودند ، در یک رویا روئی بزرگ که بتاریخ ۲ نومبر ۱۸٤۰ در «تتمدرهٔ» چاریکار اتفاق افتاد ، تلفات سنگینی را متحمل شدند ، ولی دوروز بعد در حالی که دشمن به شکست و انهزام مواجه بود ، امیر دوست محمد خان بصورت مخفی معرکه و مردم را ترک گفت و خودرا به مقر فرماندهی انگلیس در بالا حصار کابل رسانید و تسلیم گردید ، و از انجا توسط انگلیسان به هند برده شد و تارمضان ۱۲۵۸هـ ق در کلکته ماند ۰ (۱)

لیکن مردم باوجود فرار امیر ، به جهاد علیه استعمار گران برتانوی ادامه دادند و این مبارزه و پیکار در هفدهم رمضان۱۲۵۷ مطابق ۲ نومبر ۱۸٤۱ بیک قیام عمومی و سرتاسری انجامید و بحدی نیرومند و قوی و عام شد که حتی خود شاه شجاع هم در بالاحصار کابل علیه انگلیس اعلام جهاد صادر فرمود۰ (ص ۵۵٦ غبار)

انگلیس ها که از مقابله در برابر ملت افغانستان به سختی احساس عجز و ناتوانی می کردند ، بالاخره حاضر شدند که افغانستان را تخلیه کنند ، شاه شجاع را باخود ببرند و امیر دوست محمد خان را به افغانستان بر گردانند ۰

بهرحال ، شاه شجاع شب هنگام در نزدیکی بالاحصار کابل کشته شد ، انگلیس ها بتاریخ ٦ جنوری ۱۸٤۲ کابل را تخلیه کردند ، و امیر دوست محمد خان مجدداً بکابل برگشت و در اوایل سال ۱۲۵۹ هـ۰ ق ، مطابق ۱۸٤۳ م بار دیگر برتخت امارت کابل جلوس فرمود ۰

و اما حمله برهرات ودسایس گونا گونی که نسبت به آن در کار بود به همین جا خاتمه نیافت ، بلکه حوادثی را بوجود آوردند که ایرانیان در سال های بعدی نیز تهاجم و حملات خویش را برهرات چندین بار تکرار کردند ۰

آخرین تجاوز ایران در بهار سال ۱۸۵٦ میلادی صورت گرفت که در اثر آن دولت انگلیس بتاریخ ۲٦ جون ۱۸۵۷ معاهده یی را با امیر دوست محمد خان در پشاور به امضاء رسانید ۰ برطبق معاهدهٔ مذکور که دوستی متقابل و احترام به تمامیت ارضی یکدیگر درآن گنجانیده شده بود ، انگلیسان تعهد کردند تاسالانه مبلغ ده هزار لیره به افغانستان کمک کنند و همچنان با اعطای سلاح و مهمات و اعزام مشاورین انگلیس به افغانستان ، کابل را در جنگ با ایران یاری دهند ۰ و نیز توافق گردید تا دو طرف درکابل و پشاور نمایندگی های

---

۱ ـ برای تفصیل جریان مذکور و جنگ اول افغانستان و انگلیس رجوع کنید به: نوای معارک صفحهٔ ٤٤٦ـ٤٧۵ ۰ افغانستان در مسیر تاریخ صفحهٔ ۵۳۹ـ۵٦۵ و سراج التواریخ صفحهٔ ۱۵۷ به بعد ۰

سیاسی برقرا نمایند ۰(۱)

درعین حال باآگاهی و تشویشی که انگلیس ها از قصد و نیت ایران و حامی پشت پردهٔ آن داشتند ، خود در خلیج فارس قواپیاده کردند و جزیرهٔ خارک و بوشهر و شیراز را به تصرف در آوردند ۰ ایرانیان که خودرا در وضع خطرناکی یافتند و از مقابله باقوای انگلیس احساس ناتوانی کردند ، خواهان صلح و مذاکره شدند و سرانجام معاهده یی در سال ۱۸۵۷ میلادی بین انگلیس و ایران در پاریس به امضاء رسید که به اساس آن عساکر ایرانی از هرات خارج شدند ، وشاه ایران تعهد نمود که دیگر از هرنوع مداخله در افغانستان خودداری خواهد کرد ۰(۲)

پس از معاهدهٔ پاریس و حوادث شومی که در اثر تشبثات احمقانه و استعماری روس ها در افغانستان و ایران اتفاق افتاد، تزارهای محیل و سلطه جو بازهم دست از تحریک و تلبیس باز نداشته ، هیئتی را نزد سلطان احمد خان حاکم هرات و هیئت دیگری را در سال ۱۸۵۸ میلادی تحت ریاست «خانیکوف» خدمت امیر دوست محمد خان بکابل فرستادند ۰ ولی اینبار امیر دوست محمد خان و مردم افغانستان صدماتی را که از پذیرائی ویتکوویچ دیده بودند ، بخاطر داشتند ، و هیئت های روسی ارمغانی باخود نبردند ۰

در واقع حمله برشهر باستانی هرات وتماس روس ها باکابل و قندهار ، سرآغاز یک سلسله طرح های آزمایشی و استعماری محسوب می شد که از آن تاریخ به بعد ، دنبال گردید و تاکنون ادامه دارد ۰

---

۱ ـ رک : رقابت روس و انگلیس در ایران ، صفحهٔ ۵۰ ۰

۲ ـ رک: تاریخ ایران ، سرپرسی سایکس جلد دوم صفحات ٤٨٨ ، ۵۰۲، ۵۰۳ ۰

فصل دوم

۱ ـ روابط امیر شیر علی خان باروس

پس از مرگ امیر دوست محمد خان درسال ۱۸۶۳ میلادی ، باردیگر افغانستان در معرض آشوب های داخلی قرار گرفت و پسران امیر که هریک بحکم پدر ولایتی رادردست داشتند ، به هوای جانشینی او وبدست اوردن تاج و تخت کشور قیام کردند ۰ امیر شیر علی خان هم که ٤١ سال عمر داشت و دران ایام حاکم هرات بود ، بتاریخ ۱۲ جون ۱۸۶۳ خود را ولی عهد پدرنامید و اعلان پادشاهی کرد ، ودر دسمبر همان سال موضوع حکومت خودرا از کابل به انگلیس ها درهند اطلاع داد ۰ ولی ازانجا که بین پسران امیر هنوز هم درگیری هاجریان داشت و کشور فاقد ثبات سیاسی و قدرت مرکزی بود انگلیس ها در برابر امیر شیر علی خان و اعلان پادشاهی اش بی تفاوت ماندند وبه تهنیتی ازوی استقبال نکردند ۰

پیکار ونزاع برادران ، تقریباً پنج سال ادامه یافت و دران میان کسی که دست از طلب بر نداشت ، سردار عبدالرحمن خان (برادرزادۀ امیر شیر علی خان) و سردار محمد اعظم خان بود ۰ بالآخره این دو نفر نیز درآخرین مصافی که بین ایشان و امیر شیر علی خان در ششگاو،(۱) صورت گرفت (خزان ۱۸٦۸م) ، رهٔ فرار درپیش گرفتند و به مشهد رفتند ۰ سردار عبدالرحمن خان از مشهد به بخارا رفت و سردار محمد اعظم خان درراه عزیمت به تهران فوت کرد و دربسطام دفن گردید ۰

بافرار دو نفر مذکور از افغانستان ، نایرهٔ خانه جنگی ها در افغانستان فرونشست و امیرشیر علی خان فرصت یافت تایک سلسله اصلاحاتی رادر امور مختلف اجتماعی و فرهنگی و اداری وغیره رویدست گیرد۰ موصوف باوجود همه گرفتاری هایی که داشت درسال دوم سلطنت خویش (۱۸٦٤م)، تشکیلات اداری و اجرائی دولت را تنظیم کرد و کابینه ایرا بوجود آورد ۰ برعلاوۀ تشکیلات مذکور یک شورای انتصابی ۱۲ نفری تاسیس نمود که شکل دایمی داشت ودرتمام امور می توانست اظهار رای کند ۰

در سال سوم سلطنت خویش (۱۸٦٥م) ، امرفرمود تاجهت غور و تصمیم درامور مهم

---

۱ ـ ششگاو ، دشت فراخ و همواریست بین وردک وغزنه ، امااین کلمه دراصل (شجکاو) می باشد ، بمعنی زمین بی آب و علف که درمحاورۀ عوام (ششگاو) شده است ۰

کشور و مخصوصاً خانه جنگی ها وبی نظمی ها «مجلس کبیر مشورتی» یا به اصطلاح امروز (لویه جرگه) تشکیل شود که درآن دوهزار نماینده از طبقات مختلف اشتراک ورزید ٠ تاسیس دومکتب نظامی و ملکی از کارهای ارزشمند دیگر امیر شیر علی خان بود ، مخصوصاً بکار انداختن مطبعه و نشر جریدهٔ (شمس النهار) که هر ماه دوبار ودرشانزده صفحه چاپ می شد ، در تاریخ معاصر افغانستان سابقه ای نداشت ٠ و به همین ترتیب در سایر امور که شرح و بیان آن از محدودهٔ کار ما خارج است ، ابتکارات شایسته ای بعمل آورد ٠(۱)

واقعاً در امور داخلی گام های استواری برداشت و کارهای مهمی انجام داد و هر گاه استعمار گران انگلیس ، سلطه جویان خداع روس ، مجالش می دادند واز دو طرف پای اراده وعملش رانمی بستند ، وضع اجتماعی و اقتصادی افغانستان رنگ دیگر می یافت و مصیبت و بد بختی هر گز اتفاق نمی افتاد ٠

همچنان ، او مرد آزادی خواه وصلح دوستی بود و به هیچوجه نمیخواست با همسایه گان خود درگیری داشته باشد ٠ اما روزگار برمیل و مراد او نبود و تحولاتی که در منطقه به سرعت انکشاف می یافت ، خواه ناخواه بروی اثر می گذاشت ٠

متاءسفانه همزمان با ایامی که افغانستان در آتش نفاق و خانه جنگی می سوخت و برادران امیر شیر علی خان در فکر خود و براندازی او بودند ، روس های تزاری برنامهٔ پیشروی خود را درترکستان زمین آغاز کردند ٠

برطبق این طرح استعماری و ضد انسانی ، درسال های ۱۸٦٥و۱۸٦٦ میلادی تاشکند و بخارا رایکی بعد دیگر مورد حمله قرار دادند و خطوط ارتباطی رادرقلب خان نشین های ترکستان متصرف گردیدند ٠ دو سال بعد (۱۸٦۸م) بار دیگر اردوی خونخوار تزارتحت فرماندهی جنرال کوفمان آدم کش معروف ، دربخارا و سمرقند یورش برد و هر دورا اشغال نمود ٠

اما انگلیس ها روی خوشباوری های بی مورد و اطمینان خاطری که از طریق دپلوماسی واغلب توسط سفیر روس درلندن به ایشان داده می شد ، کاری درزمینه انجام ندادند واز دور نظاره کردند ٠ حتی در سال ۱۸٦٤م که دولت تزارجهت پیشروی و لشکرکشی خود به آسیای مرکزی ترتیبات می گرفت ، گلادستون صدراعظم انگلیس درپارلمان آن کشور گفت:

((٠٠٠٠ بعقیدهٔ من جای هیچگونه نگرانی درمورد توسعه اراضی روسیه درآسیا وجود ندارد ، هیچگونه نگرانی واز هیچ نوعی ٠ من فکر می کنم این نگرانی ها از نوع نگرانی پیر زنان است ٠))

---

۱ ـ برای معلومات دربارهٔ کارهای امیر شیر علی خان رجوع شود به کتاب (شاهان متأخر افغانستان) چاپ کابل ٠

برای گلادستون واقعاً جای نگرانی نبود زیرا صدها هزار انسانی که بوسیله جلادان روسی در آسیای میانه قتل عام می شدند، انگلیسی نژاد نبودند و همهٔ آن مدنیت و فرهنگ و ثقافت انسانی که دربخارا و سمرقند وخیوه و تاشکند بدست وحشیان بی فرهنگ روس ازبین می رفت ، متعلق به جهان اسلام بود وبا(تمدنی) که گلادستون میخواست ، فرق هاداشت!

روی همین انگیزه بود که درسال ۱۸۶۷ میلادی باز هم لندن مکتوب فرمانروا ی کل هند (لارنس) را مبنی برپیشروی روس ها بسوی مرز های افغانستان نادیده انگاشت ودرپاسخ وی نوشت :

((۰۰۰۰ دربارهٔ پیشروی روس ها جای هیچگونه نگرانی نیست و برقراری نظم و اشاعهٔ تمدن در این نواحی دور افتاده تحت رهبری روس هاخیلی بهتر از ادامهٔ فعلی و نا امنی و اغتشاشات است۰)) (۱)

اما پیشروی و نفوذ روس ها درترکستان و نزدیک شدن به سرحدات افغانستان ، بزرگترین و خطرناکترین زنگ خطری بود که امیر نمیتوانست نسبت به آن بی تفاوت باشد ۰ بنا بر این درآغاز کارسعی کرد تا کشور را مخصوصاً از لحاظ نظامی و پشتوانهٔ سیاسی تقویت کند و خودرا برای مقابله با هر نوع حوادث احتمالی آماده سازد ۰

حکومت انگلیس که درآغاز امر نظر مساعدی با امیر شیر علی خان نداشت ، پس از مسلط شدن او بر اوضاع داخلی افغانستان و اعلان تاجپوشی اش درسال ۱۸۶۸م ، امارت افغانستان رابوی تبریک گفت ودوازده هزار تفنگ وشش صد هزار روپیه به اسم ورسم تحفه پیشکش نمود و متعاقب آن درسال ۱۸۶۹م ، لارنس فرمانروای هند برتانوی ازوی خواست تابه هند مسافرت کند ۰

درجریان این مراسلات ، (لارد میو) بجای (لارنس) فرمانروای هند گردید ودعوت از امیر شیر علی خان راتکرار نمود ۰ امیر شیر علی خان همراه باشا هزاده عبدالله (دران وقت ۷ ساله بود) وتعدادی از افراد سرشناس مانند سید نور محمد شاه خان صدراعظم و جنرال حسین علی خان وزیر حرب وغیره باتشریفات وبدرقهٔ خاص نظامی به هندرفت وبتاریخ ۲۷ مارچ ۱۸۶۹ در (امباله) بالاردمیو ، ملاقات و مذاکره نمود ۰ دراولین مذاکراتی که بین جانبین صورت گرفت، امیر شیر علی خان خاطر نشان ساخت که معاهدات سال های ۱۸۵۵ و۱۸۵۷ پدرش با دولت انگلیس به هیچوجه قابل تائید نخواهد بود وباید روی قرار داد جدیدی باهم تبادل نظر شود ۰(۲)

---

۱ ـ رک : رقابت روس و انگلیس در ایران صفحات ۶۱، ۶۲ ۰

۲ ـ برای آگاهی از متن معاهدات سال های ۱۸۵۵و۱۸۵۷ میلادی ، رجوع شودبه سراج التواریخ جلد ۲ صفحهٔ ۲۲۵ ۰

مورخان داخلی و خارجی هریک دربارهٔ این مذاکرات (امباله) ومحتویات آن عمداً ویاازروی اشتباه نظریات متفاوت و نادرست ارائه داده اند بعضاً روی حرفهایی اتکاء کرده اند که اصلاً درمذاکرات مطرح نشده وعدّه ای بشمول میر غلام محمد غبار نوشته اند که مذاکرات بدون عقد معاهده یی پایان یافت ۰(۱)

امامیرزافیض محمد خان کاتب که نوشته هایش براسناد و مدارک رسمی اتکادارد ، موضوع رابگونهٔ دیگری روایت می کند و می نویسد :

امیر شیر علی خان به لاردمیو تذکر داد که هرگاه دولت برتانیه آرزوی آنراداشته باشند که مردم افغانستان دربرابر ده لک و بیست لک و یک کرور روپیه ، از تجاوز دشمن خارجی جلوگـری کننـد غیر ممکن است ، زیرا خیال دولت برتـانیه دردوستی با سلطنت افغانستان آنست که در صورت پیشروی روس بسوی هند مردم افغانستان سد راه او شوند واورا از پیشروی بسوی هند مانع گردند ۰ اینکار از عهده وتوان مردم افغانستان بدوراست ؛ مگر اینکه دولت افغانستان پنجساله مالیات راعفو کند و به اندازهٔ آن از دولت انگلیس کمک دریافت نماید ۰ ونیز به همین تناسب و به اندازه یی که بتواند مصارف امور نظامی و پاسداری از حدود و ثغور افغانستان راتکافو نماید ، دولت برتانیه نقد و سلاح در اختیار افغانستان قرار دهد تا این کشور بتواند قبل از حملهٔ روس ، خود رابرای مقابله و دفاع آماده سازد ۰ لارد میو خواهش امیر شیر علی خان رافوق طاقت خواند و جواب آنرا به آینده موکول نمود و بجای آن پیشنهاد کرد که :

در حال حاضر دولت برتانیه برآنست تا عهد نامهٔ جدیدی ترتیب گردد و براساس آن همه ساله دوازده لک روپیه ، دوازده هزار میل تفنگ و دوازده ضرب توپ مکمل اسباب به افغـانستان کمک شود ، و درعوض به ۳ نفرنمایندهٔ انگلیس که از مردم مسلمان باشند ، درقندهار و هرات و کابل جاداده شود واز ایشان حفاظت بعمل آید تا آنان از احوال دول خارجه اطلاع حاصل کرده و به مامورین دولت برتانیه خبر دهند ۰ البته برطبق راپو رایشان دولت برتانیه افغانستان را از لحاظ سلاح و مهمات و وجه و نقد بقدر کافی کمک خواهد کرد ۰

امیر شیر علی خان روی این خوشباوری که مامورین انگلیسی دروغ نمیگویند ، سخنان لاردمیو را قبـول کرد و بوعـدهٔ اش اطمینان نمود ۰ ولی به اقامت دایمی سه تن نمایندهٔ انگلیس در افغانستان و آنهم بعذر مشکلات امنیتی موافقت نکرد و اظهار داشت که همچو افراد میتواند بصورت موقت و مهمان در افغانستان آمدوشد داشته باشند ۰ لاردمیو نظر امیر را دراینباره پذیرفت و سپس به اساس مذاکراتی که در بالا به آن اشاره شد ، عهد نامه ای ترتیب یافت و هر دوطرف آنرا مهر کرده بیکدیگر تبادله نمودند ۰ دراین عهد نامه ولیعهدی

۱ ـ افغانستان درمسیر تاریخ صفحهٔ ۵۹۸ ۰

شاهزاده عبدالله نیز درج گردیده واز طرف مقابل تائید و پذیرفته شد ۰ (۱)
از متن سراج التواریخ بخوبی پیداست که بین دو طرف معاهده یئ انجام یافته و تقاضای امیر شیر علی خان به موارد زیر معطوف بوده است:

۱ ـ اتحاد و همکاری انگلیس با افغانستان درمقابل تهدید روس ۰
۲ ـ موافقت بادادن کمک های مالی سالیانه وتاءمین سلاح و مهمات موردنیاز امیر ۰
۳ ـ تضمین و موافقت دربارهٔ ولیعهدی فرزند ۷ ساله اش ، شهزآده عبدالله ۰

ولی انگلیس ها از اتحاد با افغانستان علیه تهدید روس ها خود داری کردند ۰ درقسمت تاءمین سلاح و مهمات نیز وعده بفردا گذاشتند و بمقدار اندک و ناچیزی بسنده گردید ۰

تنها فقره ای که در برابر آن پاسخ مثبت و رضائیت بخش دریافت کرد جانشینی فرزندش شهزاده عبدالله بود ۰ بی میلی و بی اعتنائی انگلیس ها نسبت به پیشروی روس درآسیای میانه و امیر شیر علی خان ، اغلب روی اعتماد و اتکاء برمذاکراتی بود که از سال ۱۸٦۹م بین دربار پطرزبورگ و لندن راجع به شناخت افغانستان بحیث یک کشور بیطرف جریان داشت ، ودولت برتانیه که آرزوی نهایی اش متوقف شدن روس درآنسوی (آمو) بود ، سعی می کرد رقیب و رفیق استعماری اش رم نکند و در مذاکرات خدشه یی واردنیاید ۰ چنانچه امروز هم درمواردی که منافع خودشان مطرح باشد ، خشنودی مسکو رابجان می خرند و فریاد میلون ها انسان را در برابر تبسم گوربه چوف به هیچ می انگارند ۰ روس های فرصت طلب و مکارهم که باتمام قوا و امکانات خود سرگرم تسخیر ترکستان زمین بودند ، پیوسته می کوشیدند ، با وعده های کتبی و شفاهی انگلیس هارا درمورد پیشروی و نقشه های خویش اغفال کنند و درکمال اطمینان وراحت بکار های خویش ادامه دهند ۰

تنها اندیشهٔ شان این بود که امیر افغانستان با انگلیس ها پیمانی نه بندد و بااستفاده ازان علیه تجاوز و پیشروی روس در ترکستان و بخارا دست به اقدام نزند ۰

روی این پیش بینی و خدعه درحالی که از سردار عبدالرحمن خان حریف قدرت و سلطنت امیر شیر علی خان درتاشکند و سمرقند بوجه نیکو پذیرائی میکردند وازان بحیث یک وسیلهٔ تهدید و تخویف علیه امیر استفاده می نمودند ، کافمان فرمانروای ترکستان اشغال شده به نیابت از الکساندر دوم تزار روس،باب مراوده را از طریق مکاتبه با دربار کابل گشود و بتاریخ ۲۸ مارچ ۱۸۷۰ در اولین نامهٔ اش عنوانی امیر شیر علی خان نوشت که:

((هر چند که همسایهٔ دورهستیم باید رشتهٔ مودت و دوستی محکم و قلوب بیکدیگر نزدیک باشند ۰ در امور داخلهٔ افغانستان ، من به هیچوجه خیال دخل و تصرفی ندارم نه تنها محض اینکه مملکت افغانستان درتحت حمایت دولت انگلیس می باشد (درحالی

---

۱ ـ برای معلومات درباره شرح و تفصیل این مسافرت و معاهده رجوع شودبه : سراج التواریخ جلد ۲ صفحهٔ ۳۱٤ ـ ۳۱۷ ۰

که افغانستان آزاد بود) وما بین دولتین روس و انگلیس کمال اتحاد و دوستی بر قرار است ، بلکه بواسطه آنست که شما در امورات بخارا دخل و تصرف نکرده اید ۰ وقتیکه سردار عبدالرحمن خان کاغذ بمن نوشته واذن خواسته بودند که به مملکت تاشکند بیایند ، درجواب ایشان نوشتم که اعلی حضرت امپراطورممالک روسیه التفات و مهربانی خودرا دربارهٔ احدی دریغ ندارند و دروازهٔ خانهٔ ایشان ازبرای هر مهمانی باز است بخصوص از برای بیچارگان ۰ از آمدن شمابه تاشکند ماخوشحال خواهیم بود و منتظر نباشید که درخصوص نزاع شما باامیر شیر علی خان ، من از شما حمایت کنم به جهت اینکه امیر درست رفتاری را از دست نداده اند و راهی از برای شکایت باز نگذارده که بتوانم طرف ایشان را از دست بدهم ۰ خیلی خشنود خواهم بود که درجواب ، رقعهٔ محبت آمیز شما بزودی برسد و مرا مطمئن نمائید که در امور داخلهٔ خانات بخارا وخیوه هیچ قسم مداخله نخواهید داشت ۰))

امیر شیر علی خان هم که از انگلیسان مایوس شده بود واز روس وموجودیت سردار عبدالرحمن خان در تاشکند وحشت داشت ، خود را تنها احساس کرد وبران شد تا روزنه یی رادر مناسبات خود با (شمال) باز گذارد ۰ لذا نامهٔ تهدید آمیز، محیلانه و مغرضانهٔ (کافمان) رابه گرمی و نرمی پاسخ داد و نوشت که :

((از وعده های شماخوشحال شدم و تشکر می کنم از اینکه گفتید عمال اعلی حضرت امپراتور روس نه در ظاهر ونه در باطن به هیچوجه در امور مملکت افغانستان دخل و تصرفی نخواهند نمود و بدشمنان افغانستان به هیچ قسم حمایت نخوا هند کرد و اسلحه و امداد نخواهند داد ، من هم به اطلاع دولت انگلیس به سرحد داران خود حکم نوشته و به آنها تهدید کرده ام که من بعد به امورات مملکت و طوایفی که خارج از سرحد ما هستند هیچگو نه دخل و تصرفی نکند من خودم کمال اهتمام را ذارم که سرحد افغانستان همیشه بانظم باشد نه تنها از جهت آنکه فرمان فرمای هندوستان که با اعلی حضرت امپراطور روس دوست است از من خواهش کرده است ، بلکه از برای آنست که من یقین دارم خیریت ملت و مملکت من در آنست که شما همیشه راضی و بی شکایت باشید ۰ امید وارهستم که مرا همیشه از دوستان خود محسوب دارید ۰))(۱)

به همین ترتیب و قرار نوشتهٔ سراج التواریخ (ص ۳۳۵ جلد ۲) ، امیر شیر علی خان مساعی اش را در فرستادن نامه ها به کافمان و نزدیکی با او ادامه داد ۰ این نامه ها اغلب سری ودر رابطه با سردار عبدالرحمن خان بود ۰ به امید آنکه روس هارا درحمایت ازوی بی میل نگهدارد واز شرش درامان باشد ۰ کافمان نیز باتوجه به گرفتاری های روس در آنسوی

---

۱ ـ برای معلومات بیشتر دربارهٔ نامه های جنرال کافمان و امیر شیر علی خان رجوع شود به کتاب : (تاریخ سیاسی افغانستان نوشتهٔ مهدی فرخ ، چاپ ایران و کتاب (سفارت روسیه تزاری بدربار امیر شیر علی خان) ترجمهٔ برشنا چاپ کابل ۰

مرز های افغانستان وجهت انجام نقشه هایی که دردست اجرا داشت ، ظاهراً از طریق نامه و پیام با امیر کله می جنبانید ولی عملاً بکار های استعماری و شیطانی خویش ادامه میداد ۰

مسئلهٔ بیطرفی افغانستان و حوادث بعدی

مذاکرات و مکاتباتی که از سال ۱۸۷۰ میلادی بین روس و انگلیس نسبت به سرنوشت افغانستان ادامه داشت بالاخره با دو فقره مراسله از طرف گورچاکوف (وزیر خارجهٔ روس) به برونو (وزیر خارجه انگلیس) مورخ ۷ دسمبر ۱۸۷۲ و ۱۹ جنوری ۱۸۷۳ پایان یافت و مطابق به آن روس ها موافقت و تعهد کردند که افغانستان خارج از ساحهٔ نفوذ آنان خواهد بود ۰ همز مان با این پیمان و توافق ، درسال ۱۸۷۳ میلادی روس هاباردیگر برخیوه لشکر کشی کردند و به لندن اطمینان دادند که مقدمات اعزام نیرو به خیوه فقط برای سرکوب یاغیان است وقصد الحاق آن به خاک روس هرگز دربین نیست ۰(۱) ولی چند ماه بعد آنرا رسماً از آن خود کردند و به هستی و آزادی اش خاتمه دادند ۰

امیر شیر علی خان از شنیدن این واقعه مجدداً دوچار نگرانی شد و باز هم به انگلیس ها متوسل گشت ودرخواست کرد که در صورت حمله یا تهدید روس ، به او کمک کنند ۰ سید نور محمد شاه خان جهت پیشنهادات امیر ، به (سمله) رفت وباگورنر جنرال انگلیس درهند مذاکره نمود ۰ در این مذاکره انگلیس ها باز هم به همان روش همیشگی درخواست کردند که:

۱ ـ برای نماینده گان سیاسی و نظامی روس بشکل دایمی دربلخ و قندهار و هرات اجازه داده شود ۰

۲ ـ افغانستان باید درسیاست خارجی خود با انگلیس مشوره کند ۰

۳ ـ درعوض انگلیس حاضر است که درصورت حملهٔ خارجی افغانستان راکمک کند و این امداد متعلق به قضاوت انگلیس خواهد بود ۰

هیئت افغانی قبول پیشنهادات انگلیس را مربوط به شاه دانسته و بدون موافقه ای برگشت ۰ ولی انگلیس ها بدنبال آن درماه سپتامبر ۱۸۷۳ نامه ای به امیر نوشتند و مطالبات خود را دران تذکر دادند ۰ ضمناً ۱۵ هزار تفنگ و یک ملیون روپیه بعنوان کمک به افغانستان هدیه نمودند ۰

امیر شیر علی خان جز تفنگ هاچیزی را نپذیرفت و حتی به دو نفر انگلیس که میخواستند حین مراجعت از روسیه وایران ، از طریق افغانستان به هند بروند ، اجازه نداد ، و تقاضای گورنر جنرال انگلیس را رد کرد ۰ و این امر بد گمانی انگلیس هارا نسبت به امیر افزایش داد ۰

---

۱ ـ رک: رقابت روس و انگلیس در ایران صفحهٔ ٦٦ ۰

درسال ۱۸۷۵ میلادی ، روس هاخوقند رانیز اشغال کردند وده ها هزار سکنهٔ آوارهٔ آنرا به فرغانه انتقال دادند ۰ کافمان فرمانروای ترکستان ، درکمال و قاحت وبیشرمی ضمن نامه ای درسال ۱۸۷٦م به امیر شیر علی خان اطلاع داد که :

((میل دولت روس براین است که با حکام و پادشاهان وفرمانفرمایان مستقل و همسایه درصلح و دوستی باشد و این خیال ندارد که ممالک آنهارا ضبط نماید و این که خان نشین های خوقند را دولت روس جزء ممالک خود قرار داده است ، محض خیر خواهی وآسودگی اهالی آنجا بوده است ، نه از لحاظ این که منفعتی بدولت روس خواهد داشت و یقین است که مردم خوقند جز اوامر اعلی حضرت امپراتور ، مطیع هیچ حکمی نخواهند شد ۰))(۱)

اتفاقاً درجریان این احوال کابینهٔ لندن تجدید شد واین وضع باعث گردید تابی تفاوتی ها وخنثی مزاجی های دولت برتانیه نیز نسبت به روس و پیشروی اش عوض گردد ۰ گرچه روس ها بازهم به لندن نامه های دلگرم کننده و اطمینان دهنده یی فرستادند وادعا کردند که

((اعلیحضرت امپراتور روسیه به هیچوجه قصد گسترش مرزهای روسیه را از وضع فعلی آن در آسیای مرکزی نه از جانب بخارا ونه از جانب کراسنودسک واترک ندارند ۰)) (۲)

ولی انگلیس ها دیگر اعتماد نکردند و وزیر خارجهٔ لندن نامهٔ متقابلی برای گورچاکوف وزیر خارجهٔ روس فرستاد و منظور پیشروی روس را در آسیای مرکزی توضیحات خواست ۰ همچنان (سالزبری) وزیرخارجهٔ لندن بنابر تشویشی که از مناسبات امیر شیر علی خان با کافمن داشت ، بتاریخ ۱۹ نومبر ۱۸۷٦ مکتوبی عنوانی (نورث بروک) ویسرای هند نوشت وبوی دستور داد که هر چه زود تر هیئتی بکابل اعزام دارد وترتیبی فراهم آورد که امیر افغانستان هیئت مذکور را بدون تاخیر بپذیرد ۰ ماموریت این هیئت مذاکره درباب اعزام افسران انگلیسی به افغانستان جهت بررسی اوضاع وسازمان دادن به اردوی افغانستان بود ۰ و این همان چیزی بود که امیر شیر علی خان در اولین ملاقاتش با حکام انگلیسی درهند آنرا بصورت جدی وبا اصرار زیاد مطرح کرده بود ، لیکن نورث بروک گورنر جنرال انگلیس درهند به آن موافقت ننمود ۰

درهر حال گورنر جنرال موصوف که حاضر نبود تغییر روش دهد و بدستورات تازهٔ لندن عمل نماید از وظیفه اش استعفا کرد ، وبجای او (لارد لیتن) موظف گردید ۰ حکمران جدید هند برتانوی سعی کرد به درخواستهای سال ۱۸٦۹و۱۸۷۳م امیر افغانستان پاسخ مثبت دهد و بدین منظور ازوی خواست که یک هیئت انگلیس را درکابل بپذیرد ۰

---

۱ ـ رک : افغانستان درمسیر تاریخ صفحهٔ ٤۹٦ ۰

۲ ـ رک : رقابت روس و انگلیس در ایران صفحهٔ ۷۱

امـیر شیر علی خان این پیشنهـادرا بازهم بعذر مسایل امنیتی رد کرد و گورنر جنرال انگلیس درهند ، نواب عطا محمد خان نمایندهٔ سیاسی شان را درکابل احضار نمود تاموارد نارضائی امیر را از حکومت انگلیس توضیح دهد ۰

عطا محمد خان در اکتوبر ۱۸۷۶هجری قمری به (سمله) رفت و مسایلی که آزردگی امیر را از انگلیس فراهم کرده بود به (لاردلیتن) تذکرداد اما اینبار نیز حکام انگلیسی درهند به خیره سری خود ادامه دادند وهمان حرفهای همیشگی وقبلی را تکرار کردند ۰(۱)

باوجود این زور گوئی وبی منطقی ، امیر شیر علی خان کوشید تا درپیشنهاد انگلیس ها تعدیل بعمل آید و انگلیس ها هم بمذاکرهٔ بیشتر درزمینه موافقت کردند ۰ سید نور محمد شاه صدراعـظم افغـانسـتـان در ماه جنوری ۱۸۷۷ همراه باهیئتی وارد پشاور گردید وبا مقامات انگلیسی بمذاکره پرداخت ۰

مسئاله اعزام هیئت انگلیسی به افغانستان ، همانطور که از پیش حدس زده می شد مانع پیشرفت مذاکره گردید وفوت نابهنگام سید نور محمد شاه رئیس هیئت افغانستان در ۲۶ مارچ همان سال (۱۸۷۷م) کنفرانس را بحال تعویق افگند ۰

انگلیس ها کنفرانس پشاور را بصورت یکطرفه خاتمه یافته اعلان کردند ، لیکن امیر شیر علی خان هیئت دیگری معین فرمود تامذاکرات را ازسرگیرد ۰

لوئیس پیلی نمایندهٔ ویسرای هند در سرحد افغانی ، ختم کنفرانس را طبق تیلگراف مورخ ۳۰ مارچ ۱۸۷۷ لارد لیتن به اطلاع هیئت رسانید و ایشان مجبور شدند از نیمه راه باز گردند ۰

کنگرهٔ برلین

درجریان سال ۱۸۷۷ میلادی ، روس ها به دولت عثمانی اعلان جنگ دادند و تانزدیک استانبول پیشروی کردند ۰ سلطان حمید مجبور به پیشنهاد صلح شد و معاهدهٔ ای را با روس ها به امضاء رسانید که بنام معاهدهٔ (سن استیفانو) یاد می شود ۰(۲)

در اثر این معاهده حاکمیت روس ها برشبه جزیرهٔ بالقان تحقق یافت و شرایط سنگینی بر امپراتوری عثمانی تحمیل گردید۰ از جمله آنکه پنجاه هزار عسکر روس تا دو سال دیگر درترکیه باقی بماند و قسمتی از متصرفات آن در اختیار روس ها قرار گیرد ۰

دولت برتانیه یک عده کشتی های جنگی خودرا به آبهای استانبول فرستاد و برمعاهدهٔ مذکور اعتراض نمود ۰ وسپس همراه با اطریش و المان روس ها راتحت فشار قرار داد تادر

۱ـ رک: تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس صفحهٔ ۸۲۰ ـ ۸۲۱ جلد سوم ۰

۲ ـ (San-Estitano) نام روستای کوچکی است در نزدیک استانبول که معاهدهٔ مذکور در آنجا به امضاء رسید ۰ بعضی از مورخین تاریخ این معاهده را ماه جنوری ۱۸۷۸ گفته اند ولی آقای محمود محمود نویسندهٔ کتاب (تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس) تاریخ آنرا سوم مارچ ۱۸۷۸ قید کرده است ۰ جلد ۳ ، صفحهٔ ۸۱۴ـ۸۱۵ ۰

پیمان سن استیفانو تجدید نظر کنند و راجع به معاهدهٔ مذکور بادول یاد شده مذاکره نمایند ۰

لارد بیکانزفلد صدراعظم انگلستان ولارد سالزبری وزیر خارجهٔ انگلیس بتاریخ ۱۲ ماه جون ۱۸۷۸ وارد برلین شدند وبسمارک صدراعظم المان را واداشتند تا از نظریات لندن در مذاکرات حمایت کند ۰ کنگره روز ۱۳جون ۱۸۷۸ در شهر برلین گشایش یافت و بسمارک بریاست مجلس انتخاب گردید.وی نطق مفصلی بزبان انگلیسی ایراد کرد و از روس ها خواست تاخاک عثمانی را ترک گویند ۰ روس ها با آن مخالفت کردند وجلسهٔ آنروز خاتمه یافت ۰

بالآخره در این کنفرانس که حدود یکماه طول کشید ، انگلیس ها و بسمارک روس ها را مجبور کردند معاهدهٔ سن استیفانو راملغی اعلام فرموده و بجای آن معاهده ٦٤ ماده یی دیگری را که از طرف کنگره ترتیب یافته بود ، بپذیرند ۰ روی این معاهده قسمتی از متصرفات عثمانی که به تصرف روس ها درآمده بود ، به آن دولت مسترد گردید ۰ جزیرهٔ قبرس را انگلیس ها قبضه کردند و بندرباطوم هم که روس ها آنرا بندر نظامی ساخته بودند ، برای عبور و مرورکشتی ها آزاد گذاشته شد ۰ و مهم تر آنکه روس ها درهمین کنگره به هیئت انگلیسی تعهد کردند که در امور افغانستان مداخله نکنند ، نمایندهٔ خودرا از کابل احضار نمایند و با امیر شیر علی خان مراوده ای نداشته باشند ۰ کنگره روز ۱۳ جولائی ۱۸۷۸ خاتمه یافت و بنام عهد نامهٔ برلین به امضاء رسید ۰(۱)

هیئت روسی در افغانستان

همزمان با اعتراض بریتانیا ودول اطریش والمان دربارهٔ صلح روس و ترکیه ، روس های محیل و خداع مانورهایی رادرجهت سیاسی و نظامی براه انداختند وسعی نمودند از طریق افغانستان دردسری به انگلیس ها فراهم کنند و از فشارعلیه خود بکاهند ۰ روی این طرح و برنامه ، اقدام به جمع آوری لشکر و سپاه نمودند وشایعاتی را پخش کردند که عازم افغانستان می باشند ۰ حتی به سردار عبدالرحمن خان هم که در سمرقند بود ، می گویند ایشان را درسفر به افغانستان همراهی کند واو درجواب می گوید :

((اگر قصد شما تسخیر افغانستان است ، حاجت برفتن من نیست ، اگر استردادش بمن منظور است ، احیتاج به سپاه دولت نیست ، باهزار تن سواره و هزارتن پیاده خودم اینکار را میکنم ۰ ضمناً علاوه می نماید که : اینکار را می کنید یابرای کدام مصلحت آوازه می اندازید ۰))(۲)

درجریان چنین شایعاتی ، کافمان دو نفرنمایندهٔ مسلمان را نزد امیر شیر علی خان میفرستدتا اخلاص و ارادت اوراخدمت امیر برسانند ۰ سپس در ۲۲ جولائی ۱۸۷۸ هیئتی را که ۵۱

۱ ـ رک تاریخ روابط ایران و انگلیس صفحات ۸۳٦ ، ۸٦۷ ، ۸٦۹ ، جلد ۳ ۰

۲ ـ رک : سراج التواریخ جلد دوم صفحهٔ ۳٤۱ ۰

عضو داشت تحت ریاست جنرال استو لیتوف بکابل فرستاد تابا امیر شیر علی ـ مذاکراتی انجام دهد ۰ هیئت نامه ای از کوفمان عنوانی امیر باخود داشت ودران نوشته شده بود که:

((۰۰۰ بعرض عالی میرسانم که درین هنگام گفتگو بین دولت انگلیس و دولت ما درخصوص مملکت شما بسیار قابل مطالعه و تفکر است ۰ از آنجایی که من نمیتوانم خیالات و اعتقادات خودرا کتباً بیان نمایم ، از جانب خود جنرال استولیتوف رانایب ووکیل نموده خدمت شما فرستادم ۰ این شخص دوست واقعی من هستند و درجنگ روس و عثمانی خدمات شایان نموده و مستحق الطاف اعلی حضرت امپراتور گشته ، اعلی حضرت ایشان همیشه مرحمت مخصوص درحق او مبذول داشته اند ۰ جنرال استولیتوف از خیالات مخفی من شمارا مطلع خواهد نمود ۰ امید وارهستم که نواب عالی کمال التفات را دربارهٔ او مرعی دارید و بیانات اورا باقول من هیچ فرق نگذارید و بعد از غوررسی و مطالعهٔ کامل او راجواب بدهید ۰ این فقره هم برشما مخفی نماند که دوستی شمابا دولت روس از برای طرفین مفید خواهد بود و نتائج و فواید دوستی شما با روس بزودی بظهور خواهد رسید ۰ حاکم کل ترکستان ، و۰ن۰کافمان از تاشکند ۰ ماه جمادی الآخر ۱۲۹۵ ۰)) (۱)

هیئت ۵۱ نفری روس ها بتاریخ جولایی ۱۸۷۸ وارد افغانستان گردیدند و هنوز در قلعهٔ قاضی بودند که جنرال کوفمان جریان قرار داد صلح روس و عثمانی و معاهدهٔ برلین را توسط تیلگرامی به ایشان اطلاع داد.این معاهده نه روز پیش از ورود هیئت به کابل امضاء شده بود وروس ها دیگر مجبور نبودند دست ارادت بسوی امیر شیر علی خان دراز کنند وازوی بحیث وسیلهٔ تهدید استفاده نمایند ۰ امادر اثر هدایتی که جنرال ستولیتوف رئیس هیئت بصورت (شفر) دریافت کرده بود ، موضوع را پنهان کردند وبجای آن مذاکراتی با امیر انجام دادند و مسودهٔ معاهده یی را آماده نمودند ۰(۲)

گرچه بعضاً از تسوید این معاهده بنابر دلایل عاطفی ونه علمی ، انکار می کنند و یا بگونه ای آنراتحریف می نمایند اما متن مسودهٔ معاهدهٔ مذکور ذیل و قایع سنه ۱۲۹۵ هـ ، ق مطابق ۱۸۷۸میلادی ، درسراج التواریخ موجود و بدین شرح است:

((درین سال طریق مودت و موالات امیر شیر علی خان از سبب تکالیف شاقه دولت انگلیس که امیر موصوف چنانچه از پیش مذکور گشت نه پذیرفت مبدل به مخالفت و معادات شد ۰ چنانچه با دولت روس رشتهٔ دوستی را انعقاد داده شرایط ذیل را دربین نهاد که لشکر دولت روس را از میان مملکت افغانستان به جانب هند راه عبور داده تیلگرافش را حفاظت نماید و سه راه آهن که از مملکت افغانستان بسوی هند بکشند

---

۱ ـ رک : افغانستان درمسیر تاریخ صفحهٔ ٤۹٦ ۰

۲ ـ رک : سفارت روسیه تزاری بدربار امیر شیر علی خان ، فصل ۷ صفحهٔ ۷۷ ۰

مانع نیابد و بادولت روس متفق شده با دولت انگلیس محاربه نماید و مصارف سپاه افغانستان را از شروع مقاتله تا وقت فیصلهٔ مجادله با سلاح دولت روس بدهد و علوفه و آذوقه از مملکت خود حمل و نقل داده از مردم افغانستان چیزی مطالبه نکند و اگر عسرت به لشکر روس روی دهد مردم افغانستان درفروختن و نافروختن علوفه به ایشان و کمی و افزونی نرخ مختار بوده ، روسیان به جبر واکراه مطالبهٔ علوفه نکنند و درقیمت آن که مردم افغانستان معین نمایند پول نقد داده بخرند و بعد از فتح هند ممالک جنوبی و شرقی افغانستان را که در عهد احمد شاه و تیمور شاه سدوزائی ضمیمهٔ افغانستان بوده اند ، چون کشمیر و پنجاب و سند و بلوچستان ، همه را به امیر شیر علی خان سپرده درامور ممالک مذکوره و مملکت افغانستان و ترکستان تا رود جیحون هیچ مداخلت روا ندارد ۰))(۱)

اما جنرال ستولیتوف باتوجه به هدایتی که زاجع به برگشت هیئت از جنرال کوفمان (بصورت شفر) دریافت کرده بود ، درپیٔ آن شد تاخودرا از چنگ امیر ووعده هایی که بوی داده بود ، نجات دهد ۰ لذا باعجله و شتاب بار سفر بست و در ماه اگست ۱۸۷۸ همراه بادکتر یاورسکی کابل را ترک گفت و مسودهٔ معاهده رانیز بنام مطالعه وتصویب «زار» باخود برد ۰

شفری که دکتر یاورسکی ازان یادمی کند ، وپی آمد های آنرادر همین بحث دنبال خواهیم کرد ، بدون شک دستوری به هیئت روس بوده است که حتی دیگر موجودیت آنان درکابل و دربار امیر بی لزوم است و روسیه هرگز نمیتواند نقشه هایی را که برای پیشروی به هند و کمک به افغانستان طرح نموده ، عملی کند ۰ این جریان و اسناد بخوبی نشان میدهد که روس ، این قوم غدار و فرصت طلب ، حین نیازمندی و درماندگی چون روباه ضعیفی درمیان خرمن آرمان های سیاسی و اجتماعی کشور ها نفوذ می کند و سرارادت و تسلیم درپیش می نهد ، ولی همینکه مقصودش بر آورده گردید وحاجتش روا شد ودر اطراف خود احساس آرامش کرد چهره اژدهای خونخوار و سرکش را بخود میگیرد که دیگر به هیچ افسون و تضرعی نمیتوان آنرا رام نمود ۰

درهر صورت جنرال ستولیتوف ، دست از اغوای امیر برنداشت و بتاریخ ۲۱ سپتمبر ۱۸۷۸ مکتوبی بنام وزیر خارجهٔ افغانستان فرستاد و اظهار داشت که:

((شب و روز درصدد آن هستم که قرار داد خودمان را مجرادارم ۰ انشاءالله بیاری خداوند مطالب لازمه به امضاء امپراتور خواهد رسید ۰ امید چنان دارم که اشخاصی که از دروازهٔ شرقی میخواهند و ارد کابل شوند (انگلیسان) در را بسته به بینند ۰ بعون الله متزلزل خواهند شد ۰))(۲)

---

۱ ـ رک : سراج التواریخ جلد ۲ صفحهٔ ۳۴۱ ۰

۲ ـ رک : افغانستان درمسیر تاریخ صفحهٔ ۴۹۷ ۰

دکتر یاورسکی که باردیگر ماموریت یافته است تاجهت درمان بیماری های گوناگون اعضای هیئت روسی از تاشکند بکابل برگردد ، درکتاب خود می نویسد که:

((روز ۱۶ نومبر غرض وداع بحضور جنرال گورنر (کوفمان) حاضرشدم ۰ کوفمان راجع به وضع روسیه بعد از فیصلهٔ برلین که در مقابل افغانستان اتخاذ گردد مرا آشناساخته و هم راجع بمسایل مهمی که درآیندهٔ نزدیک بین افغانستان و انگلیس روی خواهد داد ، باچنان وضاحت و سنجش دقیق توضیحات داد که مرا بکلی متعجب ساخت ۰)) (۱)

این گفتار طبیب روسی مویّد آنست که استعمار شرق و غرب درتمام روند تاریخی درمنطقه بطور کلی و درافغانستان به نحو خاص ، باهم منافع مشترک داشته اند و برای حفظ آن پیوسته باهم از تعاطی فکر و نظر برخوردار بوده اند ، وعده یی از نقشه های شان بامشاورت همدگرترتیب می یافته است ۰ چنانچه گورنر ترکستان باآگاهی از تصمیمات روس و انگلیس دربارهٔ افغانستان ، طبیب روسی را از آنچه درآیندهٔ نزدیک بین افغانستان و انگلیس واقع شدنی بود ، خبر میدهد ۰ زیراطبیب موصوف دربرگشت مجدد از ترکستان و هنگام عزیمت بقیه اعضای هیئت به روسیه ، وظیفهٔ وزارت مختاری کشورش را نیز به عهده داشت و در روابط بعدی بین امیر و گورنر جنرال ترکستان نقش اساسی را ایفامی کرد ۰

در ادامهٔ فریبکاری ها و خدعهٔ روس و پس از رفتن جنرال ستولیتوف به ترکستان ، یکی دیگر از جنرال های روسی بنام (راسگونوف) به امیر شیر علی خان اطلاع داد که رئیس هیئت روسی از آن جهت به عجله و شتاب کابل را ترک گفت تا از هیئتی که از سوی امیر به تاشکند می رود پزیرائی کنند ۰ امیر از شنیدن این خبر متعجب گردید ، بدلیل آنکه اصلاً چنین موضوعی درمیان نبود و این بهانه و حرف محض یک جعلی از جعلیات بشمار میرفت که روس ها آنرا دستاویزی برای بازگشت خود از افغانستان عنوان کرده بودند۰

عکس العمل انگلیس

انگلیسان که اوضاع و احوال افغانستان را بدقت دنبال می کردند ، پس از ورود هیئت روسی بکابل و مذاکرات شان با امیر ، هیئتی راماموروساختند تا عازم افغانستان گردد و امیر شیر علی خان را وا دارد که:

هیئت روسی را از کابل خارج کند ، سیاست خارجی خود را به مشورهٔ انگلیس انجام دهد ، اقامت دایمی افسران انگلیس را درنقاط مختلف افغانستان بپذیرد ، ودراینصورت دولت برتانیه درمقابل حملهٔ روس به افغانستان کمک خواهد کرد و سالانه یک میلون و دو صد هزار روپیه به افغانستان خواهد پرداخت و ولیعهدی شاهزاده عبدالله را خواهند شناخت

۱ ـ رک : سفارت روسیه تزاری بدربار امیر شیر علی خان صفحهٔ دوم ، سفر دوم ۰

(درحالی که قبلاً هم شناخته بودند) ٠

این هیئت که دران جنرال نوئل چمبرلین و سرلیوی کیوناری نیز شامل بو و بایکهزارسوار و چند توپ بدرقه می شد در ۲۱ سپتمبر ۱۸۷۸ وارد سرحد افغانی (علی مسجد خیبر) گردید، ولی از ورود ایشان بخاک افغانستان ممانعت بعمل آمد و مجبور به بازگشت شدند ٠

گورنـر جنـرال هنـد برتـانوی از این پیش آمد به شدت برآشفت و بتاریخ ۳۱ اکتوبر التیماتومی فرستاد و برای قبول مطالبات خود تا ۲۰ نومبر به امیر شیر علی خان مهلت داد ٠ لیکن نامهٔ مذکور وقتی به امیر رسید که پسرش فوت کرده بود و کسی جرأت تقدیم آنرا حضوروی نداشت ٠

بعضی از مورّخین مادراینباره نیز نظریات متفاوتی ارائه داده اند و از گفته های شان چنین برمی آید که مرگ شهزاده عبدالله قبل از وصول هیئت انگلیس به سرحدات افغانی بوده است ٠ لیکن از نوشتهٔ میرزا فیض محمد خان کاتب معلوم می شود که مرگ شهزاده، درست درهمان روزی اتفاق افتاده است که التیماتوم انگلیس به امیر شیر علی خان مواصلت می کند و بهمین سبب در پاسخ به آن تاخیر می شود ٠ وی می گوید :

((ودر خلال احوال مذکوره ، امیر شیر علی شهزاده عبدالله جان ولی عهدش را که گرفتار تب مزمن شده بود ، ازراه تفریح مزاج و تبدیل هوا بعزم ییلاق از کابل در استالف فرستاد و در آنجا تبش شدید گشته به شهر مراجعت کرد و شب هفد هم ماه شعبان سال ۱۲۹۵ هجری بعمر ۱٦ سالگی پدرود جهان کرده ، ٠٠٠ونامهٔ مذکورهٔ انگلیسان درروز فوت اورسیده از سبب سوگ و عزای او کارداران حضور به تقدیم آن جرأت نتوانستند اما چون ضرور بود وعدهٔ جنگ را نزدیک نگارداده بودند ناچار میرزا جیب الله خان مستوفی قدم جسارت پیش نهاده حضار مجلس فاتحه را به بهانهٔ کاری کنار کرده نامهٔ انگلیسان را از ملاحظهٔ امیر شیر علی خان گزرانیده جواب حاصل نمود که خود او بادیگر امنای دولت از طرف خود بنویسند که اکنون قضیه مکروبهٔ رحلت ولیعهد رخ داده انشاءالله تعالی پس از پیچیدن بساط ماتم او، خود امیر جواب باصواب نوشته ملتمسات دولت برتانیه را روادانستهٔ اجرا خواهند فرمود و ایشان برطبق امر امیر شیر علی خان صحیفه یی نگار داده و خاتم بر نهاده مصحوب محمد عثمان خان قابوچی در پشاور فرستادند و چون او وارد لعل پور شد ، تاریخ وعده انگلیسان بسررسیده جنرال شام بورن با لشکر بسیاری ازراه دره خیبر و جنرال سرفریدرک رابرتس باسپاه جراری از جادهٔ کرم و خوست و جنـرال دانلد استوارت با عسکر استواری ازراه شالکوت روبسوی قندهار و کابل نهادند ٠٠)(۱)

قوای برتـانـوی درست یکـروز بعد از تاریخ ختم التیماتوم یعنی بتاریخ ۲۱ نومبر ۱۸۷۸

---

۱ ـ رک : سراج التواریخ جلد ۲ صفحهٔ ۳۴۲ ٠

سوقیات خودرا از سه طرف به افغانستان آغاز کردند وبار دیگر مردم افغانستان بیک جنگ تحمیلی واجباری مواجه گردیدند ۰ ولی روز نامه های روسی می نوشتند که جنگ افغان وانگلیس قبل از اول بهار ۱۸۷۹ میلادی شروع نخواهد شد و بدین ترتیب میخواستند امیر شیر علی خان را بازهم اغفال کنند و دریک حالت بی تفاوتی نگاه دارند اما امیر که از جریان اوضاع سخت نگران بود و نمیدانست که روس ها با اوچه نیرنگی بکارمی برند ، نامه های متعددی عنوانی امپراطوار روس ، جنرال کافمان و ستولیتوف فرستاد و تقاضای کمک نمود حتی درقسمتی از نامه اش به (تزار) روس نوشت که:

((حالت دولت انگلیس و دولت افغانستان امروزه باچهل سال پیش ازین فرقی ندارد ۰ یعنی درهمان وقت سفیر کبیری از جانب دولت با اقتدار روس وکارگزاری از جانب انگلیس به افغانستان آمده بودند و امیر مرحوم (دوست محمد خان) به عقل و دانش خود رفتار نموده دوستی با اعلی حضرت امپراتور را بدوستی با دولت انگلیس ترجیح داده و نتیجهٔ آن مخمصهو بلاها بود که به افغانستان روی نمود مختصر عرض می کنم که دولت انگلیس عزم را جزم نموده که باماجنگ نمایند و رعایای مملکت افغانستان هم تا قوه و قدرت دربدن دارند ، جان و مال و وطن خودرا از شر آنها حفظ خواهند نمود ۰۰۰۰ امید چنان دارم که محض حفظ و آسودگی افغانستان ، اعلیحضرت شما بقدر شان و مرتبهٔ خود تان بما امداد فرمائید ، و یقین است مراحم و الطاف ملوکانهٔ خود را دراین موقع دریغ نخواهند فرمود ۰))(۱)

دربرابر این همه تقاضا و لابه و تضرع امیر ، امپراتور روس و جنرال ستولیتوف جوابی ندادند و بجای ایشان جنرال کافمان به امیر نوشت که:

((من به تحقیق خبر دارم که انگلیس ها میخواهند با شما مصالحه کنند ، من بحیث دوست شما ، بشما توصیه می کنم که اگر آنها اظهار صلح نمایند شما بدون درنگ زمینه را فراهم سازید و تاخیر نکنید ۰))(۲)

امیر شیر علی خان به این دستور عمل کرد و مکتوبی به انگلیسان فرستاد و خواهان مذاکره و صلح شد ۰ ولی اینبار دیر شده بود و اندک فایده ای نداشت ۰ زیرا وقتی نامه و درخواست امیر به انگلیسان رسید که جنگ در سرحدات افغانستان دوازد همین روز خودرا طی می کرد و سوقیات و پیشروی آنان بداخل افغانستان از جنوب و شرق به شدت ادامه داشت ۰

جنرال کافمان ضمن یادداشت دیگری ، دونفر از ملازمان امیر را که همراه با ستولیتوف و بحیث نمایندگان او ، به تاشکند رفته بودند ، به افغانستان اعزام نمود و به تعقیب آن نامهٔ

---

۱ ـ رک : تاریخ سیاسی افغانستان از مهدی فرخ ۰

۲ ـ رک : سفارت روسیه تزاری بدربار امیر شیر علی خان ص ۱۸ـ۱۹ ۰

دیگری به سفیر روس ، راسگونوف (یاروزگن اوف) نوشت و تذکر داد که:

((برامیر واضح و آشکاراست که درین فصل زمستان من نمیتوانم بواسطهٔ اعزام عساکر ایشان را کمک نمایم پس بهتر است که جنگ راتاخیر کنند ۰ هیچ لازم نیست دراین فصل بی موقع شروع به جنگ نمایند ، شما به اذن امیر مرخص شده به تاشکند بیائید ۰))

وبدین ترتیب نمایندهٔ افغانستان را از تاشکند اخراج و نمایندهٔ روس را از کابل احضار کرده روابط سیاسی خودرا نیز قطع نمود۰ دکتر یاورسکی می نویسد که:

((بالآخره حوصلهٔ افغان ها از دست هیٔت روسی سررفت ویکی از وزرای امیر شیر علی خان ، جنرال راسگونوف را مخاطب قرارداده گفت : شماچهل سال قبل طوفان مخوفی رابر سرما نازل کردید و آتش جنگ رابین دوکشور همسایه دامن زدید اکنون بازهمان نیرنگ پارینه رابکار برده و میخواهید این صحنهٔ خونین را از دورتماشا کنید ۰))(۱)

درچنـین اوضاع و احوال امیر شیر علی خان ، پسرش محمد یعقوب خان را از زندان رها و بحیث حاکم کابل معرفی نمود وخود رهٔ ترکستان درپیش گرفت ، به امید آنکه استعمار گران (تزاری) بدادش برسند ودست کمکی به سویش دراز کنند ۰ متأسفانه این تصمیم را وقتی بمرحلهٔ عمل گذاشت که جلال آباد و قسمت هایی از جنوب کشور بدست انگلیسان افتاده بود ، قوای دشمن بطرف کابل درحال پیشروی بود ، کشور از دو طرف درمحاصره قرار داشت ، و مردم افغانستان فریاد میزدند که بانیروی خود و شمشیر خود بر دشمن پاسخ باید داد!! امـا امیر که تعادل مزاجی و ذهنی اش را از دست داده بود ، همه تقاضا ها ، مصلحت ها و مکلفیت ها رانادیده انگا شت و بتاریخ ۲۲ دسمبر ۱۸۷۸ خلاف ارادهٔ مردم ، کابل راترک گفت۰

هنگامی که امیر شیر علی خان به تاشقرغان رسید جنرال راسگونوف مفاد مکتوبی را که دو ماه قبل گورنر جنرال ترکستان بوی نوشته بود ، در چند سطری اختصار و به امیر تقدیم نمود ۰

این نامه که در واقع مشی سیاسی روس هارا در رابطه با امیر شیر علی خان وآیندهٔ افغانستان توضیح می کرد بحدی جدی مهم و سری بود که جز راسگونوف ، حتی اعضای دیگر هیئت روسی هم از محتویات آن اطلاعی نداشتند۰بنابراین ، حلقه های دربار نسبت به این مکتوب و محتوای آن مشکوک شدند واز راسگونوف خواستند تا اصل آنرا در اختیار شان قرار دهد اما راسگونوف ، این جنرال محیل روسی از دادن اصل مکتوب اباء ورزید

۱ ـ رک: سفارت روسیهٔ تزاری بدربار امیر شیر علی خان ص ۲۰ ۰

دکتر یاورسکی که امیر درسفر خود وی را همراه داشت ، می گوید که:
((اگر آن مکتوب بدست امیرمی رسید ، طبعاً از ابتدا تا انتها همه رامیخواند و میدانست آنچه روس ها به او وعده نموده اند جز حقه بازی چیزی نبوده است۰))(۱)

دکتر موصوف اگرچه جزء هیئت روسی و سمت وزارت مختاری روس راداشت ، ولی وجدان آگاه و انسانی اش بحیث یک طبیب او را و داشته است تا حقائق را آزاد و بی پرده بیان دارد واز روی آن همه نیرنگ ها ، حیله ها ، منافقت ها و شیطنت های روس پرده بردارد وبرخوشباوری امیر بخندد ۰

ایکاش امیر متکی بروس ها نمی شد و ازنیروی خدایی و بازوان مردم خویش استمدادمی جست که مسلماً دران صورت نه مضحکه یی در اختیار روس ها می بود ونه کشور رابه آتش و خون می کشید ۰ واتفاقاً که اغلب زمام داران افغانستان به چنین بیماری مبتلا بوده اند و در تاریکی غفلت و اوهام و دوری از اتکاء به نیروی خدائی و حمایت مردم ، بی اختیار خودرا بدامان ابر قدرت ها انداخته اند و به امید کمک آنان ، درزیر پای شان خورد شده اند ۰

چنانچه گفته آمد ، امیر شیر علی خان نیز با وجود این همه خیانت ها وحقه بازی های روس ، بازهم بی پروا ازهر اندیشه ای رهٔ ترکستان درپیش گرفت و هنوزهم طمع آن داشت که عرق جبین و آبلهٔ پایش را با مخمل ترکستان پاک خواهد کرد ۰ اوبحدی درکار خود و مملکت فرومانده بود که حقه بازی روس هارا در برابر چشمان خود تماشامی کرد ، ولی جز (اکت) کارگردانان آن ، دیگر هیچ چیزی درذهنش جانشین نمی شد و توان استنتاج و انتباه را از دست داده بود ۰

دکتر یاورسکی بانیشخند زهرناکی که در تاریخ افغانستان درد ناک است ، جاه جائی تابلوهائی از خوش قلبی و خوشباوری امیر ترسیم می کند و آنگاه که امیر در تاشقرغان است واین همه پاسخ های منفی از روس بوی داده میشود و اوبازهم دست طلب و ارادت از دامن آنان برنمی دارد ، می نویسد که:
((امیر موضوع را دفعتاً تغییر داده گفت اگر کوچکترین بی عزتی از طرف تزار روسیه می دیدم آنرا به هیچ صورت دیگر نمیتوانستند جبیره کنند و من ابداً دوباره دست دوستی به آنطرف دراز نمي کردم ۰ دردل گفتم ای بیچاره اگر تو از جملاتی که جنرال کوفمان به جنرال راسگونوف نوشته است ، شمّه ای آگاه می شدی ، تمام امیدها و آرزو هایت به یکبارگی نقش بر آب می شد ۰ این جملات جنرال کوفمان دوباره بخاطرم عبور کرد : خوب شد امیر بطرف مزار شریف عقب نشینی کرد مگر خدا کند دیگر قدمی

۱ ـ رک : سفارت روسیه تزاری بدربار امیر شیر علی خان، صفحهٔ ۲۳ ۰

فراترنگذاشته و بطرف مانیاید ۰ امیر بی خبر هنوز هم امیدش را بطرف سنت بطرز بورگ دوخته و خواب کمک های موعودرامی بیند ۰))(۱)

این آرزوها و امیدواری ها را وقتی امیر شیر علی خان اظهار می کرد که جلال آباد توسط انگلیسان اشغال شده بود و جنرال راسگونوف نامهٔ کوفمان را که دران توصیه شده بودتا امیر باانگلیسان صلح کند وهیئت وزارت مختاری دوباره به تاشکند برگردد و امیر از مزاربه ترکستان نیاید ، حضور امیر قرأت کرد ۰ هرچند نامهٔ فرمانروای ترکستان را جنرال روسی بصورت پراگنده حضور امیر بیان نمود ، اما نکات اصلی ومهم و مقصد کلی روس درآن به صراحت و آشکار تذکار یافته بود ، وجای هیچگونه ابهامی وجودنداشت تابازهم امیر را خالی ذهن نگاه میداشت ۰(۲)

در چنین احوال سال ۱۸۷۸ میلادی در شرف اتمام بود و قوای انگلیس جهت پیشروی بسوی کابل آمادگی میگرفتند و قسمت زیادی از جنوب و شرق کشور در دست ایشان بود ۰ اما دماغ خسته و ذهن خفتهٔ امیر با همه ضربات خورد کننده ای که توسط روس ها بروی وارد می شد ، تکان نخورد و تاشقرغان را بقصد مزارشریف ترک گفت تا از آنجا برای دیدار و ملاقات جنرال ترکستان عازم آن کشور شود و ازوی طلب کمک کند ۰ او فکر می کرد و امیدوار بود که رفتنش به ترکستان و تضرع در برابر فرمانروایان روس ، شاید درتصمیم گیری آنان تغییری وارد کند و بتواند از نزدیک عجز و نیاز خویش را اظهار نماید و بدین ترتیب احساس عطوفت آنان را برانگیزد و بدریافت امدادی نایل آید ۰

امیر باداشتن چنان توقعات و آرمان درطول راه و درتمام مذاکرات خصوصی و رسمی خویش باهیئت روسی از تمایل چهل سال قبل پدرش دردوستی باشوروی و نیز از عشق و علاقه خودش به اینکار صحبت هامی کرد و دراین مجالس و مذاکرات چنان حالت خودمانی و بلاتعارف را اختیار کرده بود که حتی از بیان گفتنی های بی لزوم و غیر ضروری نیز خود داری نمیکرد ۰ و گمان می برد آنچه می گوید کمال آگاهی و سلسله رشته هائی است که میتواند بنای محبت و دوستی اورا باروس استوار کند ۰

درهر حال امیر شیر علی خان با همهٔ پیش آمد های سردی که باوی می شد آنرانادیده می انگاشت و مصمم بودتا بروسیه برود و در پترو گراد قضیهٔ افغانستان را (بزعم خودش) دریک کنفرانس بین المللی مطرح سازد ۰ ولی جنرال کافمان نامهٔ صریح و موکدی به اومی نویسد و می گوید:

((۰۰۰ من بشما توصیه می کنم که به هیچ صورت مملکت خودرا ترک نکنید وفعلاً از خاک خود پا بیرون نگذارید ۰ باور فرمائید که پیشنهاد من بخیر وصلاح شما میباشد ۰

---

۱ ـ رک: سفارت روسیهٔ تزاری بدربار امیر شیر علی خان صفحهٔ ۳۰ـ۳۲ ۰

۲ ـ رک : همین کتاب صفحهٔ ۳۱ـ۳۲ ۰

وورودشما بخاک روسیه وضع را بدتر خواهد ساخت ۰)) (۱)

دراین مکتوب جنرال روسی تاکید کرده بود که باانگلستان بسازید و آنان ضمانت کرده اند که بخاک شما حمله نکنند ۰ اماوصول این مکتوب و سفار ش و اطمینان وقتی بود که انگلیسان جلال آباد را اشغال کرده و درشهر های دیگر کشور مانیز درحال پیشروی بودند ۰

کافمان درپاسخ تقاضاهای مکرر امیر وتاکید دستورات خود ، بازهم درجنوری ۱۸۷۹ به امیر شیر علی خان نوشت که :

((از جانب اعلی حضرت امپراطور دستخطی بمن رسیده که بشما اطلاع بدهم که حال ازبرای ماممکن نیست بشما امداد قشونی نمائیم ۰۰۰ لازم است تا جنرال روزکن اوف (روزگونوف) وهمراهان اورا (هیئت سفارت روس درکابل) بزودی اعزام دارید ۰ اگر میل داشته باشید دکتر یاورسکی را نزد خود نگهدارید ۰))(۲)

بالاخره امیر شیر علی خان از مطالعهٔ مکاتیب جنرال کافمان که پیهم واصل می شد ، برآشفته گردید و گفت: شما مرا از پذیرفتن هیئت انگلیسی باز داشتید و وعده های کمک نظامی کردید ولی اکنون که دشمن خاک مارا اشغال کرده است ، بوعدهٔ خویش عمل نمی کنید و چنان معلوم می شود که شما نیز مانند ویتکاویچ که چهل و اند سال قبل در مملکت ماآمده و آتشی افروخت ورفت ، عین معامله راتکرار می کنید!

امیر از این قبیل سخنان با خشم و عصبانیت بسیارگفت و از نتائج بدی که در اثر اطمینان بوعده های روس ، نصیب کشورش شده بود به سختی رنج می برد ۰ ولی دیگر فایده ای نداشت و فرصت از دست رفته بود ۰

اما درهمان احوال بازهم جنرال راسگونوف سعی میکرد بانیرنگ وافسون وبی حیائی وابرامی که خاص روس هااست ، امیر را تسکین کند واین صید دردام مانده راتاآخرین رمق حیات هم آزاد نگذارد ۰ چنانچه از یکطرف نامهٔ (کافمان) رابه امیر تسلیم کردند که ازوی خواسته بود تاکشورش را ترک نکند و از سوی دیگر درهمان روز دعوت نامهٔ پرنس کوچارکوف وزیر خارجهٔ روسیه را به امیر سپردند که از اوتقاضا داشت تا بروسیه مسافرت کند ۰ این وضع وپیش آمد امیر شیر علی خان را دریک دوراهی وبلاتکلیفی قرار داد و نمیدانست کدام یک از نامهٔ روس ها دارای اعتبار است وچه تصمیمی اتحاذ کند ۰

آری ! روس ها امیر شیر علی خان را به امید و بیم فریفتند و آنقدر اورا سرگرم وعده ها وگفتگو های خود ساختند تازمینه برای پیشروی عساکر انگلیس فراهم گردید ۰

در ۱۸ جنوری ۱۸۷۹ مکتوبی از قندهار به امیر رسید که حاکی از شکست سپاهیان

---

۱ ـ رک : سفارت روسیه تزاری بدربار امیر شیر علی خان ، ص ۳۹ ۰

۲ ـ رک : تاریخ سیاسی افغانستان از سید مهدی فرخ ۰ و افغانستان درمسیر تاریخ ، صفحهٔ ۴۹۸ـ ۴۹۹ ۰

افغانی و پیشروی عساکر انگلیس بود ۰ موصوف در حالی که از خواندن نامه و دریافت حقایق به شدت می لرزید ، آنرابه هیئت روسی قرائت کرد و بار دیگر از بدقولی وبد عهدی و پیمان شکنی آنان شکوه نمود ۰ ولی درعین حال و با وجود آنهمه فریب و فریبکاری که از روس ها دیده بود ، بازهم از (راسگـونـوف) درخواست کردتا بصورت فوری ده بتالیون عسکربه شیرآباد بفرستند ۰(شیر آباد ناحیه ای بوده بین دهدادی و مزار شریف) ۰

مسلماً جنرال روسی نمیتوانست چنین تقاضائی رابر آورده سازد ، لذا امیر شیر علی خان به استناد نامهٔ ۲۳ دسمبر ۱۸۷۹ کافمان ،درآخرین ایام عمر خود از رفتن بروسیه منصرف گردید و درعـوض چهارنفر از معتمدان خود راتعیین فرمودتابوکالت اونزد کافمان ، جنرال ترکستان بروند وازوی استمداد جویند ۰ اینها عبارت بودنداز: سردار شیر علی خان برادرزادهٔ امیر ، وزیر شاه محمد خان ، قاضی عبدالقادر و میرزا محمد حسن خان دبیر الملک ۰(۱)

گرچه ریاست این هیئت به کسی داده نشده بود ، مع هذا قاضی عبدالقادر را مامور کرده بود که باترجمان انگلیسی روس ها (مالینوفسکی) حرف بزند ۰ از مسافرت این هیئت به ترکستـان و مذاکره با مقامات روسی نیز کاری برنیامد و روس ها کماکان به خیانت و غداری و بد عهدی خویش ادامه دادند ۰

تزار های روس علاوه برسایر اغراض و اهداف ومسایلی که بخاطر آن اینهمه کلاه بازی های سیاسی را انجام دادند ، عمداً میخواستند دران ایام افغانستان را به انگلیسان واگذارند تا خود لقمهٔ چرب و گرم ترکستان و بخارا را بخوبی و بی درد سر هضم نمایند ۰ به این ترتیب امیر شیر علی خان رادرتارخام بستند تا آنکه افغانستان توسط انگلیسان پامال شد و اونیز از وقتیکه انگلیسان به سوی افغانستان حرکت کردند (۲۱ نومبر ۱۸۷۸) تا ۲۱ فبروری ۱۸۷۹ سلسله ارادت و مکاتیب خود را با روس ها قطع نکرد و سز انجام بعد از تقوبیاً نه ماه در اثر فرط اندوه و رنج و مایوسی بیمار گردید و بازندگی پدرود گفت ۰

چنانچه گفته آمد نه تنها روس ها امیر شیر علی خان را کمک نکردند ، بلکه از اعتماد و خوشباوری او ، سوء استفاده نمودند و آنقدر او زافریفتند که هم کشور را از دست داد و بدبختی ها و خرابی هابرجای گذاشت ، و هم خودش را ۰ اگر چنانچه درهمان آغاز و بعد از کنگرهٔ برلین که رو س ها کمک های خودرا به افغانستان بی لزوم تشخیص دادند و اصولاً نیاز مندی شان به کشور ما و خوف و ترسی که ازاروپا داشتند از میان رفته بود ، امیر شیر علی خان زا به حال خود می گذاشتند و از تصمیم شان به صراحت اورا آگاه می کردند ، امیر میتـوانست با هیئت صلح انگلیسی از درمذاکره پیش آید و از آن همه جنگ و خونریزی وتبـاهی جلوگـری کنـد۰ زیرا قبـل ازوصـول هیئت انگلیس به کابـل، هیئت روسی وجنـرال

---

۱ ـ رک : تاج التواریخ جلد اول ، صفحهٔ ۱۱۸ چاپ مطبعهٔ اسلامیهٔ لاهور ، و سراج التواریخ جلد دوم صفحهٔ ۳۴۸ ۰

ستولیتوف وزیر مختار روس از فیصله کنگرهٔ برلین و قرارداد صلح بین دولت روسیه و دولت عثمانی ، توسط تیلگرافی که از تاشکند به این هیئت مواصلت کرده بود ، به خوبی آگاهی داشتند ۰ ولی درهمان تیلگراف گورنر جنرال تاشکند چند سطری به شفر.ضمیمه کرده بود که مفادش درجریان پیش آمد هیئت روسی با امیر شیر علی خان آشکار گردید و آن عبارت بوداز اغفال کردن امیر و خالی ذهن نگاهداشتن آن ازاهداف روس ، ودر واقع همکاری با انگلیس غرض اشغال کردن افغانستان ۰ چنانچه دکتر یاورسکی خود درکتابش می نویسد که :

((جنرال ستولیتوف یکروز قبل از مواصلت به کابل ، درقلعهٔ قاضی از فیصله های کنگرهٔ برلین توسط مکتوب جنرال کوفمان و تیلگراف پتر سبورگ واقف گردید و دانست که روسیه دیگر نمیتواند نقشه هائی را که برای ایشیای مرکزی طرح نموده و کمک هائی که میخواست به افغانستان نماید آنرا عملی سازد ، پس چرا حرفی از آن به امیر درمیان نیاورده وآن بیچاره رادرتاریکی و بی خبری گذاشتند ۰۰۰ وخود ناظر بدبختی و فلاکت افغانستان گشتند ۰))(۱)

وهمین دکتر درجای دیگر می گوید که:

((۰۰۰۰۰ اگر هیئت وزارت مختاری ماباآن اعتماد نامه و مکتوب رسمی گورنر جنرال نزد امیر افغانستان نرفته و آن مرد خوشباور را وادار به اجتناب از مراوده بادولت انگلیس نمیکرد ، یقین این جنگ که ما اکنون بصورت تماشابین ، بسوی آن می بینیم هر گز صورت نمی گرفت ۰))(۴)

این بود مختصری از خدعهٔ سیاسی روس دربرابر امیر شیر علی خان ومردم افغانستان که اجمالی از آن را بیان نمودیم تانسل های آینده و مردم جهان از آن آگاهی یابند و بیدار باشند که این سیه رکابان هر جاپاگذارند ، بربادی وتباهی باخود همراه خواهند داشت ۰ چنانچه این مقوله رایکی ازدرباریان امیر به طبیب عضو هیئت روسی گفته بود واو در صفحه ۸۳ـ۸٤ کتابش عین عبارات رادرج کرده است ۰ ولی باوجود همه جنایاتی که روس ها دربرابر افغانستان انجام دادند ، بازهم پس از مرگ امیر ، هیئت روسی را به اعزاز و اکرام تمام مرخص کردند و تحایف و هدایای گران بهایی هم به ایشان پیشکش نمودند ۰

آنطور که بیان گردید و جریانات و تاریخ گواه است ، روس ها وبریتانیا در آن ایام باهم همکاری داشتند و آنچه این خرس قطبی وروباه غربی را درفکر و عمل نزدیک کرده بود ، آن بود که هر دو قصد داشتند از مرزهای خود فراتر روند وکشور های همسایه و بقول

---

۱ ـ رک : به کتاب (سفارت روسیه تزاری بدربار امیر شیر علی خان) فصل ۷ صفحهٔ ۷۷ ۰

۴ ـ رک : به کتاب : (سفر هیئت وزارت مختاری روس درسالهای ۱۸۷۸ـ ۱۸۷۹م درافغانستان وبخارا تالیف دکتر یاورسکی ترجمهٔ المانی صفحهٔ ۶۳ جلد دوم و ترجمه دری قسمت دوم سفر تحت نام (سفارت روسیه بدربار امیر شیر علی خان) ترجمه برشنا ، چاپ کابل صفحهٔ ۷ ۰

خودشان نامتمدن راجزهٔ قلمرو خویش کنند ۰ مخصوصاً از نهضتی که درجهت تشکیل وطرح پان اسلامیزم و اتحاد و همکاری دول اسلام احساس می شد ، این دوکشور استعمار گروتوسعه طلب رابه شدت نگران کرده بود ، وروس ها که ترکستان و بعضی سرزمین های اسلامی را اشغال کرده بودند ، از هر نوع جنبش و حرکت اسلامی ، می هراسیدند ۰ بنابراین هم برای خنثی کردن روحیهٔ اسلامی وهم درجهت تضعیف کردن این کشورها و ممالک همسایه وبرآورده شدن اهدافی که در آینده پیش بین بودند اشتراک مساعی داشتند ۰

لذا جنگ دوم افغان و انگلیس و اغفال کردن امیر شیر علی خان ، همه جزء برنامه های مشترکی بود که قبلاً به آن توافق کرده بودند وباکمال تاءسف دیده می‌شود که اگر از یکطرف هیئت روسی مشغول فریفتن امیر از راههای تزویر و ریاکاری و حقه بازیست ، از جانب دیگر گماشتهٔ انگلیس دردربار امیر که ازهند آمده بود ، با مهارت و زرنگی خاص توفیق می یابد که در افکار و اندیشهٔ امیر خدشه وارد کند و او را دربسا موارد به بیراهه سوق دهد ۰ این شخص که قاضی عبدالقادر نام داشت در واپسین روز های زندگی امیر وی را معتاد کر ده بود ۰(۱)

بدبختی مردم افغانستان هم در مرور ایام ناشی از آن بوده است که هریک از زعماوزمام داران شان ، مخصوصاً از آغاز قرن نوزدهم به اینسو از آزادی فکر و عمل برخوردار نبوده و به گونه ای تحت تاثیر بریتانیا و یا روسیه بوده اند ۰ وهمین امر سبب شده است که از دیرزمان به اینسو افغانستان و زمام دارانش همانند ملعبه ای دردست استعمار باشند و هرگز نتوانند از حدود خواسته های استعماری ابر قدرت ها ، گامی فراترنهند ۰ علت اینوضع قسماً درخود خواهی و جاه طلبی فرمانروایان و عدم اتکاء به قدرت مردم و مشاورت ایشان بوده است و بعضاً مصلحت های شخصی و بقای قدرت ۰

درک وتشخیص این ضعف وزبونی امراء افغانستان ، برای روسیه و بریتانیا وسیلهٔ موثری بود که بصورت مداوم در وطن ما جای پائی داشته باشند و هریک درجهت منافع خویش مسیر جهش های اجتماعی و سیاسی و ملی مارا تغییر دهند ۰ چنانکه در اثر همین بی التفاتی ها قسمت زیادی از محدودهٔ جغرافیائی خودرا تدریجاً از دست دادیم تابدانجا که اینک تمام قلمرو جغرافیائی و سیاسی ماتوسط استعمار گران اشغال شده و کفارهٔ گناهان و خطا کاری های حکام ناعاقبت اندیش را ملت مظلوم افغانستان بخون خویش جبیره می کنند و ملیونها انسان قربانی همین سیاست های نا آگاهانه ای شده اند که سالها و قرنها درکشور ما رائج بوده است ۰

---

۱ ـ رک : سفارت روسیه تزاری بدربار امیر شیر علی خان ، صفحهٔ ۸۶ ۰

امیر شیر علی خان هم یکی از امرائی بود که روح اعتماد به نفس و ارج و اعتبار به مردم درنهادش کشته شده بود و فکر میکرد ، هر چه می گوید ، هر چه می اندیشد و هرچه انجام میدهد ، همه حق است و صواب ودیگران باید ازان اطاعت کنند ۰ وزراء ودرباریان نیز مجبور بودند دربرابر هر حرف اوسر خم کنند , وهر اقدامش را (ولو غلط و مخالف مصالح ملت افغانستان می بود) تائید نمایند ۰ حتی در لحظاتی که ملت افغانستان تصمیم داشت ، مثل همیش بخدا وشمشیر خود تکیه داشته باشند و بدون مراجعه به روس ، علیه دشمن جهاد کنند ، امیر به حرف و رای ایشان گوش نداد و بجای آنکه قیام و جهاد را درمقابله بادشمن رهبری و قیادت می کرد ، راهی ترکستان شد ۰

اوکه از انگلیسان آزرده خاطر بود ، فکر می کرد نزدیکی و دوستی باروس از یکسو مانع پیشروی آنان خواهد شد۰ و از سوی دیگر دست انگلیسان را از مداخلهٔ درافغانستان کوتاه خواهد ساخت ۰ ولی هرگز به این گمان نبود که فسادرا باافسد نمیتوان زدود و استعمار راتوسط استعمار نمیشود از میان برد ۰ بنابراین ، تمایل و همکاری وهمراهی باروس ، فرصتی را برای روس های تزاری فراهم ساخت تا بعد از تقریباً چهل سال وقفه باردیگر درکشور ما فتنه ایجاد کنند و خود ناظر بربادی وویرانی آن باشند ۰*

---

* از سال ۱۸۷۰م تافبروری ۱۸۷۹ تقریباً ٥٤ نامهٔ سیاسی بین امیر شیر علی خان و روس ها تبادله گردید ۰ ولی در این نامه ها جز حقه بازی ، تحریک ، شیطنت ، فرصت طلبی و فریفتن امیر ، معنی و مفهومی وجود نداشت ۰

در اثر این سرگوشی با روس و ارسال و مرسول نامه های دوطرف بود که انگلیسان سراسیمه شدند و درسال ۱۸۷۸ م بر کشور ما لشکر کشی کردند ۰

۲ ـ امیر محمد یعقوب خان وروس ها

امیر محمد یعقوب خان بعد از فوت پدرش ، درماه مارچ ۱۸۷۹ خود رابحیث امیر افغانستان اعلام نمود ۰ می گویند اوپیش از آنکه توسط پدرش زندانی شود ، جوان شجاع ، آزاده ، جنگجو ، وطن دوست ، بااحساس وضد استعمار بود ۰ چنانکه خود ، درمعرکه های کارزار میرفت و بامتجاوزین و قوای استعماری می جنگید ۰ اما امیر شیر علی خان تحت تاثیر حرم و حرمسرا ، پسرهفت سالهٔ خود شهزاده عبدالله را به ولی عهدی برگزید و محمد یعقوب خان را به سن ۲۵ سالگی دربالا حصار کابل زندانی نمود ۰

راویان اخبار چنین روایت کرده اند که امیر شیر علی خان درسال ۱۲۸۸ھ ، ق تصمیم گرفت تا شاهزاده عبدالله پسر ۷ ساله اش راجهت خشنودی مادرش ، به ولیعهدی برگزینند ۰ بنابراین به تمام شهر های افغانستان فرمان داد تاشب دوم ماه شوال همه جاچراغان گردد و مردم کوی و ایوان خویش را آذین بندی کنند و انتخاب ولیعهد راجشن گیرند ۰ تقریباً چهار صد هزار نفراز بزرگان و اشراف دعوت شدند تابکابل آیند ودر این مراسم شرکت فرمایند ، همه جا ازفرمان امیر اطاعت کردند و شهر ها وبازار ها چراغان گردید ۰ شب دوم شوال شش فوج پیاده نظام (۴۸۰۰ نفر بحساب آنروز) درحالی که هریک چراغی بکف داشت درکوچه هاوپس کوچه های تنگ و تاریک کابل (مارش) نمودند و به گرمی وروشنی جشن ولیعهد افزودند ۰

این جشن و طرب تا ۷ روز ادامه داشت وباتقدیم طعام و شربت و شیرینی از مهمانان پذیرائی می شد ۰ تنها درهرات خبری نبود و امیر محمد یعقوب خان فرزند بزرگ امیر که حاکم هرات بود ، روی این استدلال که جانشینی پدر قانوناً حق اوست ، از برپائی همچو آذین و آئین خودداری کرد ۰ نمامان و غمازان ، جریان را به امیر شیر علی خان باز گفتند و او امیر محمد یعقوب خان رابکابل خواست و بز ندانش فرستاد ۰(۱)

موصوف ۷ سال درزندان ماند و دراین مدت ، تنگنای زندان ، تندمزاجی پدر و فرط اندوه و تاءثر ، حالت فکری و مزاجی اورا بکلی دگر گون ساخت وآن شیر بچه را (به اصطلاح کابلیان آنروز) بیک موجود ترسو ، بی اراده وبی خصلت مبدل نمود ۰

اونیز مثل امیر شیر علی خان از موجودیت سردار عبدالرحمن خان درترکستان تشویش داشت وبلا فاصله بعد از تکیه زدن بر تخت پدر ، نامه ای به تاشکند فرستاد و جنرال ترکستان را از فوت پدر و امارت خود آگاه ساخت ۰ ضمناً از دوستی و پیمان پدرش باروس

---

۱ ـ برای معلومات بیشتر درباره این جشن وزندانی شدن امیر محمد یعقوب خان رجوع شود به : سراج التواریخ جلد ۲ صفحهٔ ۳۳۱ـ۳۳۳ ۰

هاو تعهد خودش به قبول وادامهٔ آن تذکرداد ، ودرعوض خواهش نمود تاسردار عبدالرحمن خان راکه در ترکستان نزدیک به افغانستان اقامت داشت ، بجای دور تری انتقال دهند ۰(۱)

حاکم ترکستان گرچه درظاهر از نامهٔ امیر محمد یعقوب خان خشنود گردید ، امادربارپطرزبورگ بعد از کنگرهٔ برلین وتعهداتی که با انگلیسان کرده بود ، دیگر میل نداشت درکار افغانستان آشکارا مداخله کند ودرواقع فرصت و حوصله ای هم جهت مداخله و اغواگری نداشتند ۰ زیرا انگلیسان باقوای چندین هزارنفری خود ، در داخل افغانستان بودند وازدست روس ها هیچکاری برنمی آمد ۰

انگلیسان هم در تلاش افتادند تاباب مذاکره را با امیر محمد یعقوب خان باز کرده و خودرا از صحنه های جنگ بیرون کشند ۰ روی این مصلحت به سردار یحیی خان خسر امیر که دروقت زندانی شدن اوبه هند فرار کر ده بود و در کشمیر اقامت داشت ، متوسل شدند وازوی خواستند تاامیر را به مذاکره و عقدپیمانی با انگلیس راضی سازد ۰ متاءسفانه درنتیجهٔ این اقدام و رقابت اطرافیان امیر در اطاعت وهوا خواهی از انگلیس (مخصوصاً عمویش سردار ولی محمد خان لاتی) ، وی حاضر شد معاهدهٔ معروف وننگین «گندمک» رابتاریخ ۲٦ می ۱۸۷۹ با«ماژورکیوکناری» نمایندهٔ انگلیس امضاء کند وسلطهٔ انگلیس را درامور داخلی و خارجی افغانستان بپذیرد ۰

انگلیسان که به آخرین و اولین آرزوی خود رسیده بودند ، فکرمی کردند مشکل حل شده است و همه چیز خاتمه یافته است ، اما عسکر شجاع افغانستان ، همراه باغازیان کابل ، درسوم سپتامبر ۱۸۷۹ بازهم قیام کردند و کیوناری نمایندهٔ سیاسی انگلیس را باهمراهان و پاسدارانش بقتل رسانیدند ۰

انگلیسان با آگهی از این واقعه ، رابرتس ROBERTS رامامور حملهٔ انتقام جوئی به افغانستان کردند وسر انجام او (رابرتس) امیر محمد یعقوب خان راگرفتار کرد و در اول دسمبر ۱۸۷۹ اوراهمراه بایک قطعهٔ عسکری به هند فرستاد و همدر آنجا بماند تاعمرش بپایان رسید ۰(۲)

---

۱ ـ رک : سراج التواریخ جلد ۲ صفحهٔ ۳۴۸ ۰

۲ ـ برای شرح این ماجرا رجوع شود به سراج التواریخ جلد دوم از صفحهٔ ۳۵۲ به بعد و کتاب : افغانستان درمسیر تاریخ صحفهٔ ٦۰۸ـ٦۱٤ ۰

فصل سوم

گفتار اول

امیر عبدالرحمن خان و روس ها

پس از تبعید امیر محمد یعقوب خان به هند، مردم افغانستان رایت جهاد را کماکان برافراشته نگاه داشتند و در اغلب نقاط کشور عرصهٔ زندگی را بر انگلیسان تنگ کردند. در گرماگرم این کار زار و هجوم عسکر انگلیس بر شهرها و روستا های افغانستان ، سردار عبدالقدوس خان از کابل فرار کرد و نزد سردار عبدالرحمن خان به سمرقند رفت و اورا از آنچه در کشور ما جریان داشت ، آگاه ساخت . سردار عبدالرحمن خان که فکر میکرد فرصت برگشت به افغانستان مساعداست ، سردار محمد سرور خان ، سردار محمد اسحق خان و سردار عبدالقدوس خان را دستور داد تا عازم بلخ شوند و زمینه را مساعد سازند و خود نیز بعد از مذاکره باروسها و کسب اجازه ، راهی افغانستان شد .

در آغاز ورود به افغانستان قیام ها و مخالفت هایی علیه او در بلخ و بد خشان صورت گرفت . اما سردار عبدالرحمن خان با استفاده از شعار «جهاد و غزا» و نجات کشور از سلطهٔ انگلیس ، مردم را به سرعت تحت تاثیر قرارداد . بحدی که میران بدخشان و اعیان قطغن و ترکستان و نیز هر خانواده ای از این مردم بنام جهاد صدها مرد واسپ را با آذوقه و مصارف آنان در اختیار او قرار دادند و سپاه بلخ نیز در اندک مدتی آمادگی خود را بطرفداری وی اعلام داشتند .

سردار عبدالرحمن خان که پس از یازده سال ، بادست خالی و غربت از سمرقند برگشته بود ، اینک پیشاپیش هزاران مردمی حرکت می کرد که همه برای جهاد کمر بسته بودند و هدف مقدس و مشترکی آنان را دریک صف رهبری مینمود .

تعداد داو طلبان جهاد و قوای قومی ، منزل بمنزل افزایش می یافت ، بگونه ای که حین مواصلت به چاریکار شمار ایشان به یکصد هزار نفر میرسید . و درهمین جابود که از طرف مردم به پادشاهی برگزیده شد .

گریفن نماینـدهٔ سیاسی انگلیس که از تجمع مردم و شکست پیاپی عسکر انگیس در جبهات جنگ سخت در اضطراب قرار داشت و با ارسال نامه و پیام قبلا زمینه سازی کرده

بود ، از تاریخ ۳۰ جولائی تا اول اگست ۱۸۸۰ با سردار عبدالرحمن خان مذاکراتی انجام داد ۰ در این مذاکره امیر عبدالرحمن خان با انگلیسان کنار آمد و در نتیجهٔ آن انگلیسان افغانستان را تخلیه کردند ، پایه های قدرت امیر استحکام یافت و جنگ دوم افغان و انگلیس بعد از یکسال و نه ماه بپایان رسید ۰(۱)

و اما بنابر شناختی که امیر عبدالرحمن خان حین اقامتش در سمرقند از روس ها داشت و با انتباهی که از غداری ها و حقه بازی های آنها در رابطه با امیر دوست محمد خان و امیر شیر علی خان گرفته بود ، کاملاً میدانست و عقیده داشت که اعتماد کردن به روس و دوستی با این قوم نا درست وزیان آوراست ۰ لذا رو ابطش با روس ها از همان آغاز توأم با دقت و احتیاط بود و جز داد و ستد تجاری آنهم در مراحل اول و به پیمانهٔ اندک ، معاملهٔ دیگری با روسیه نداشت ۰

حتی به سرحدداران افغانی امر اکید داده بود که آمدوشد اتباع روسی را در مرزها به شدت مراقبت کنند و هر گز اجازه ندهند که یک نفر هم از ایشان داخل خاک افغانستان شود ۰ ولی درهمان حال و باهمه اوامر اکیدی که داده شده بود ، جواسیس روسی میتوانستند به موافقت و حمایت خود سرداران حکمروا و نزدیک به امیر ، داخل افغانستان شوند ، چناچه سردار عبدالقدوس خان والی هرات ، هر گز مانع آمدوشد روسها نمی شد و باهمه شدت وعتابی که امیر عبدالرحمن در این مورد بعمل می آورد ، وابسته گانش کار خود را می کردند ۰

همچنان با آگاهی از برنامه های روس در منطقه و تشویشی که از پیشروی و تجاوز آنان داشت ، درطول سرحدات افغانستان با روس ، مانند میمنه ، هرات ، بلخ وغیره ، قلعه های نظامی مستحکمی بنا نهاد و عساکرزیادی را در آنها جابجا نمود ۰ پس از آنکه روس ها خیوه و عشق آباد را اشغال کردند ، تشویش و نگرانی از روس ها شدت یافت وامیر عبدالرحمن خان در سال ۱۸۸۳ میلادی دستور داد تا قوای امنیتی در شغنان ، واخان وروشنان نیز مستقر گردد۰ باوجود این پیش بینی ها و آمادگی های قبلی، سعی امیرعبدالرحمن خان پیوسته آن بود تا از تصادمات مرزی جلو گیری کند و بهانه ای بدست روسها ندهد ۰ اما روسها طبیعتاً و برمبنای برنامه هایی که داشتند ، فکر تحریک و تجاوز را از کلهٔ خود دور نکردند و هر روز بر قسمتی از متصرفات افغانستان دست درازی نمودند ۰

---

۱ ـ برای شرح جزئیات آمدن سردار عبدالرحمن خان به افغانستان و برقراری تماس و نامه با انگلیسان و اوضاع آنروز افغانستان ، رجوع شود به : تاج التوریخ جلد اول ، سراج التواریخ جلد ۲ از صفحهٔ ۳۵۹ به بعد و کتاب افغانستان در مسیر تاریخ از صفحهٔ ۶۳۳ به بعد ، و نیز کتاب «چهل و یک سال در هندوستان» اثرلاردرابرتس در ۲ جلد متن انگلیسی ، و تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد ٤ ۰

اولین اقدام و تجاوز روس ها آن بود که در ١٤ فبروری ١٨٨٤ برمرو یکی از ولایات تاریخی افغانستان حمله کردند و آنرا به تصرف در آوردند ۰ سفیر روس بدربار لندن در توجیه این تجاوز و جنایت ، بوزارت خارجهٔ انگلیس گفت:

«سیاسمتداران روس و انگلیس همیشه تاکید کرده اند که برای قدرت های متمدن که همسایگان نزدیک غیر متمدنی دارند ، بسیار مشکل است که در محدودهٔ قلمرو خود توقف نمایند ۰»

آری! در قاموس روس ، تمدن یعنی غارتگری و آدم کشی و تجاوز به حریم دیگران ، تمدن یعنی پانهادن بر تمام معیارها و ارزش های انسانی و حقوق بین المللی ، تمدن یعنی وحشت و بربریت و توسل به برچه و تانک و زور ، و جز این ، اصلاً مفهومی ندارد ۰ چنانچه از آن تاریخ تا امروز که بیش از یکقرن میگذرد ، در طبع و خصلت و آئین روسی اندک تغییری واردنشده است و همین اکنون جهانیان جنایات ودد منشی های این قوم «متمدن» را در کشور آزاد و صلح دوست افغانستان عملاً مشاهده می کنند ۰

یکی از مشخصات تمدن در کیش روسی ، بی حیائی و دروغ گفتن است ، چنانچه پس از اشغال مرو و کشتار مردمان بی گناه آن ، وزیر خارجه روس بوزیر مختار انگلیس در دربار پطرزبورگ اطلاع دادکه:

«تراکمهٔ (= ترکمن ها) مرو و آغال ، خودشان بمیل و رضا قبول تابعیت دولت روس را نموده اند و دولت امپراتوری فقط یک حاکم یا چند نفر خواهد فرستاد که مرو را اداره کنند ۰»(١)

در حالی که ساکنین مرو اغلب به افغانستان پناهنده شدند و حاکم مرو با اصرار و تاکید از امیر افغانستان تقاضا داشت تا به کمک مردم بی دفاع مرو بشتابد و آنان را از دستبرد و غارت و محکومیت روس نجات دهد ۰

اشغال مرو زنگ خطری بود که نقاط دیگر افغانستان را نیز تهدید می کرد و بنابر این دستهٔ دیگری از عساکر افغانستان ، اوایل ماه جولائی ١٨٨٤ ، در پنجده متمرکز گردید تا این منطقه را که سالها جزء لاینفک افغانستان بود ، از تجاوز احتمالی روس ها حراست کنند ۰ این ایام مصادف بزمانی بود که هیئت حد بخشی انگلیس و روس برای تعیین نقاط نامشخص سرحدی بین روس و افغانستان آمادگی میگرفتند ۰

لیکن عساکر روسی تحت فرماندهی جنرال «کوماروف» رئیس هیئت حد بخشی روس ، بدون آنکه منتظر هیئت حد بخشی انگلیس باشند ، پل خاتون و قزل تپه را اشغال کردند و در کشک تا پل خشتی رسیدند و اعلام داشتند که جلگهٔ پنجده ، جزء خاک مرو محسوب می شود و افغان ها آنرا غصب کرده اند ۰

١ ـ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس صفحهٔ ٩٩١ جلد ٤ ۰

بعد از اشغال مرو، روس ها سرخس را نیز متصرف شدند و در فکر تسخیر آق رباط در بادغیس هرات افتادند و ازان تاریخ به بعد هرات باخطر مستقیم مواجه گردید ٠

در ۱۷ نومبر همین سال (۱۸۸٤م) هیئت حد بخشی انگلیس بریاست سرپترلمسدن مشاور حکومت هند باتشریفات و ترتیبات خاص همراه با ۳۵ افسر، ۱۳۰۰ عسکر، ٤۰۰ قاطر و ۱۳۰ شتر وارد هرات شدند ٠ روس ها فوراً پشینهاد کردند که نمایندگان روس و انگلیس در سرخس باهم ملاقات کنند و در مورد نقاط نا مشخص سرحدی باهم مذاکره نمایند ٠ ولی عملاً وقت را به ارسال و مرسول نامه و پیام ضایع نمودند و به توافق نرسیدند ٠

در سال ۱۸۸۵م اختلافات روس و افغانستان نسبت به امور سرحدی شدت یافت و احتمال بر خورد های نظامی بیشتر گردید ٠ درهمین احوال حکومت انگلیس از امیر عبدالرحمن خان دعوت کرد تا به هند مسافرت نماید و این امر فرصت دیگری به روس ها فراهم ساخت تا یک گام دیگر نیز به جلو بردارند ٠

امیر در آخر مارچ ۱۸۸۵ وارد راولپندی شد و با گرمی استقبال گردید ٠ در مدت اقامت ده روزه اش پنج بار با انکلیسان مذاکره نمود ، ولارددوفرین وایسرای هند در اولین جلسه به امیر عبدالرحمن گفت : اگر دولت روس به افغانستان حمله کند ، اعتماد داشته باشید که دولت انگلیس از هر طرف با روس ها جنگ را آغاز خواهد کرد ٠ همچنان انگلیسان دربارهٔ تحکیم دفاعی هرات در برابر حمله روس ، اعزام سپاه انگلیس و امداد نظامی را پیشنهاد کردند و امیر در جواب گفت :

سلاح و مهمات نظامی قابل قبول است ، ولی پذیرفتن سپاه انگلیس در افغانستان بدون موافقت و مشوره با مردم نا ممکن می باشد ٠

قضیهٔ پنجده یا اولین جنگ افغان و روس

همزمان با سفر امیر به راولپندی ، رئیس هیئت حد بخشی روس جنرال کوماروف ، در مذاکرات با هیئت انگلیس بهانه جوئی و کار شکنی نمود و بتاریخ ۳۰ مارچ ۱۸۸۵ به افسر افغانی در پنجده اخطار داد که در ظرف ۲٤ ساعت آنجا را تخلیه کند ٠

در برابر این اخطاریهٔ روس ، جنرال افغانی «تیمور شاه» و کرنیل شاه مراد خان که بنا به امر امیر عبدالرحمن خان از هر نوع اقدامی علیه روس ها ممنوع بودند ، در حالت بلا تکلیفی قرار گرفتند و جنرال کوماروف باسه هزار عسکر روسی به پنجده حمله کردند و افغانها نیز مجبور شدند تا از خود دفاع کنند ٠ درین جنگ نا برابر، روس ها یک هزار کشته دادند و تعداد زیادی زخمی بر جا گذاشتند و از عساکر و افسران افغانی ۳ صد نفر شهید و ۸۳ نفر زخمی گردیدند و در اخیر یک تولی (۱) توپچی که زنده مانده بود به هرات

---

۱ ـ تولی: در تشکیلات نظامی افغانستان ، واحد یکصد نفری را گویند ٠

مراجعت کرد و پنجده به تصرف روس ها درآمد ۰

انگلیسان در دومین مجلسی که با امیر داشتند اورا از حملهٔ روس به پنجده آگاه کردند و برایش تذکر دادند که شما هنوز آمادگی دفاعی ندارید و سپاه انگلیس را هم نمی پذیرید ، وقتیکه افغانستان از دست رفت آنوقت کمک انگلیس بی فایده خواهد بود ۰ امیر گفت هرگاه اینطور باشد من پارچه خاکی را که بر سر آن نزاع است ، بدولت روس میگذارم من وقوع این حمله را قبلاً میدانستم لیکن انگلیس به نظر مْن اعتنا نکرد و بجای تقویت دفاعی افغانستان ، به تحریک دشمنان من در پشاور پرداخت ، لذا سپاه من مشغول جلو گیری از آنهاست نه دفاع از روس!

انگلیسان بر خلاف وعده هایی که به امیر عبدالرحمن خان داده بودند ، در برابر حملهٔ روس به پنجده ، از جا تکان نخوردند و حتی هیئت حد بخشی آن که در نزدیکی پنجده و جنوب مرغاب بود ، از محل کار خود فرار کرده و به هرات بر گشتند ، و از دادن تفنگ های خویش به عساکر افغانی هم خود داری کردند ۰

کابینهٔ گلداستون محض در حرف ، به روس ها التیماتوم داد و تقاضا کرد تا از پنجده خارج شوند ولی روس ها یک نفر مهندس را به لندن فرستادند و پس از مذاکره با انگلیسان ، ذهنیت آنان تغییر یافت و التیماتوم خود را پس گرفتند ۰ امیر عبدالرحمن خان که خودش از افغانستان دور بود و ضعف انگلیس ها را در برابر روسیه بخوبی احساس می کرد ، ضمن مذاکرات با ویسرای هند ، به هَیئت سرحدی انگلیس اعلام کرد که برای جلوگیری از جنگ با روسیه حاضر است در بدل ذوالفقار ، پنجده را بروسیه وا گذارد ۰

پس از سقوط کابینـهٔ گلداسـتـون و رویکـار شدن کابینـهٔ «سالزبری» بتاریخ دهم نومبر۱۸۸۵ پروتوکولی بین انگلیس و روس امضاء گردید و حسب آن نمایندگان انگلیس و روس در دهم دسمبر ۱۸۸۵ باهم دیدار کردند و دربارهٔ تعیین خط سرحدی به مذاکره پرداختند ۰ مذاکره برسر این موضوع جنجال برانگیز و سایر نقاط متعلق به آن چند سال طول کشید و بالاخره در ۲۲ جولائی ۱۸۸۷ فیصله نامه ای ترتیب گردید و بر اساس آن روس ها از ادعای خود ، در مورد دهانهٔ ذوالفقار و مرو چاق دست کشیدند و خطوط سرحدی نیز معین گردید ۰ (۱)

عکس العمل مردم در قضیهٔ پنجده

حمله و اشغال پنجده توسط روس ها ناگوار ترین خبری بود که ملت افغانستان و مسلمان همجوار را به شدت تکان داد و همه اعلام آمادگی کردند تا برای مقابله با روس و دفاع از حریم اسلام به جهاد اقدام نمایند ۰ همچنین نامه های بیشماری از مسلمانان سند و پنجاب ،

۱ ـ برای تفصیل موضوع پنجده ، عکس العمل انگلیس ، سفر امیر به راولپندی ، رجوع شود به : تاج التواریخ جلد دوم ، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد ٤ ۰ و افغانستان در مسیرتاریخ صفحهٔ ٦٨٣ به بعد ۰

پشاور ، دیره جات ، باجور ، سوات ، چترال ، بلوچستان و مسلمانان خوقند ، سمرقند ، بخارا و اورگنج به کابل رسید که حمایت خود را از جهاد مردم افغانستان و آمادگی خود را جهت اشتراک در آن ، اعلام داشته بودند ۰ قبل از این نامه های دیگری نیز از خان های اورگنج ، مرو و سمرقند بکابل مواصلت کرده بود و هریک از امیر افغانستان تقاضا داشت تا برای نجات آنان از چنگ روس و پیوستن شان به افغانستان اقدام کند ۰ امیر عبدالرحمن خان بهر یک جواب داد که مسلمانان برادر همدیگراند و جهاد از وظایف مشترک ایشان است ، لیکن قضیهٔ سرحدی روس و افغانستان اکنون به مصالحه انجامیده است و شما کماکان با دول متبوع خود رفتار نمائید ۰

گرچه امیر عبدالرحمن خان از ضعف انگلیس و قدرت نظامی روس بر حذر بود و احساس موفقیت نمیکرد ، اما یکی از بزرگترین اشتباه سیاسی اش همین بود که از فرصت استفاده نکرد و هیجان و احساس مسلمانان را نادیده انگاشت ۰ ورنه روس ها دران ایام به آن حد و پایه نبودند که میتوانستند در برابر قیام همگانی مسلمانان استادگی کنند ۰ و مسلماً نتیجه آن می شد که پنجده باز دیگر از چنگ روس ها رهائی می یافت ، و این ضربت مسلمین نمونه و معیاری می شد برای روس ها تا در آینده از حمله بر حریم اسلام خودداری کنند ، و اینکار بذات خود نقطهٔ عطفی بود جهت اتحاد مسلمانان که نتائج و ثمرات مطلوب آن ، بر آینده جهان اسلام اثر می گذاشت و میتوانستند در موارد نیاز ، چنین تجربه یی را به جرئت تکرار کنند و بقدرت و نیروی خویش واقف باشند و نگذارند تا تفرقه و جدائی آنان بر دشمنان شان امکان تسلط و برتری دهد ۰

ادامهٔ دسایس و تجاوز روس

درسال ۱۸۸۷ میلادی ، هنگامی که هیئت های حد بخشی روس و انگلیس مشغول مذاکره و تعیین سایر نقاط نا مشخص سرحدی بودند ، الکساندر سوم شخصاً جنرال گروبیچوفسکی را مامور نمود تا با سردار محمداسحق خان فرزند سردار محمد اعظم خان ، پسر کا کای امیر عبدالرحمن خان ، والی بلخ مراودهٔ سری بر قرار کرده و او را علیه امیر بر انگیزد ۰ جنرال محیل روسی از تاشکند با سردار محمد اسحق خان تماس بر قرار نمود و ده هزار تفنگ روسی ، یک ملیون کارتوس و صد هزار روبل نقره در اختیار وی قرارداد و او را به امید امارت افغانستان به قیام واداشت ۰ ولی این شورش و حرکت بزودی سرکوب شد و محمد اسحق خان به سمرقند فرار نمود ۰(۱)

پس از این توطهٔ و شکست ، روس ها مدتی آرام شدند ، اما بنابر مرض همیشگی در سال ۱۸۹۳ میلادی بار دیگر عساکر روسی بفرماندهی «ایوانوف» برپامیر حمله کردند

---

۱ ـ تاج التواریخ جلد اول صفحهٔ ۱۹۱ و نیز افغانستان در مسیر تاریخ صفحهٔ ۵۰۰ ۰

و پاسداران افغانی مجبور بدفاع و مقابله شدند ٠

دو سال بعد (۱۸۹۵م) از راه «غند و شاخدره» به شغنان پیشروی کردند و در مواضع «غند ، خرگوشی ، مرغابی و قلعهٔ راش» متمرکز گردیدند ٠ عساکر افغانی هم از آنسوی دریای پنج «آمو» برگشته و در قلعهٔ شغنان موضع گرفتند ٠

در اثر این بحران مرزی و نگرانی از توسعه و ادامهٔ آن ، هیئت انگلیسی تحت ریاست جورج کرزن از راه گنج آب ، به واخان بدخشان رفت و حدود شغنان و درواز و پامیر را مطابق به نقشهٔ قدیم مورد ارزیابی قرار داد ٠ و بعد از مشاهدات و معائنات از طریق چترال به هند بازگشت ٠

در لندن هم مذاکره باسفیر روس آغاز شد و بالآخره در نتیجهٔ سازش های پنهانی دو قوهٔ استعماری ، قسمت دیگری از خاک افغانستان بنام « پامیر کلان » بر روس ها وا گذار گردید و پامیر خورد و واخان ، در تصرف افغانستان باقیماند ٠

برای تعیین حدود شمال شرق و شمال کول (ویکتوریا) نیز هیٔت های حد بخشی انگلیس و روس و افغانستان داخل کار شدند و در مدت سه ماه نقشهٔ آن آماده و امضاء گردید ٠

یکسال بعد (در ۱۸۹٦م) مردم درواز بدخشان به ضد روس ها وسلطهٔ آنان قیام کردند و روس ها که نقاط مهمی را به همکاری هیٔت انگلیس در پامیر و مضافات آن بدست آورده بودند ، از درواز منصرف شدند و بتاریخ ۱۸ میزان همان سال مواضع سه گانه « تنگی ، کوفا ، و واهان» را که از مضافات درواز ، روشان و شغنان هستند ، بمامورین افغانی مسترد نمودند و بدین ترتیب افغانستان در زمان امیر عبدالرحمن خان از تصادمات سرحدی با روس رهایی یافت ٠(۱)

رقابت های روس و انگلیس در قرن نوزدهم واقعاً آفت و فتنهٔ بزرگی بود که در نتیجهٔ آن کشور های آسیایی و از جمله افغانستان به شدت آسیب دیدند و زیان های ناشی ازان نه تنها با گذشت زمان جبیره نشد ، بلکه وضع را بشکل رقت باری کشانید که اینک همهٔ ما در جریان آن قرار داریم ٠

متاءسفانه قدرت های غارتگر استعماری علاوه بر آنکه در محدودهٔ جغرافیایی ما دستبرد زدند و قسمتی از خاک مارا غصب کردند ، بر قلمرو اراده و آزادی های سیاسی ما نیز حاکم شدند و شاهان و امیران افغانستان را در حالتی قرار دادند که خواه نا خواه باید بمراد دیگران زیست کنند ، و روحیه اعتماد به نفس و اتکاء بخدا در نهاد شان کشته شود ٠

دامن زدن به وسوسه های قدرت جوئی ، تحریک هوس های کد خدائی و خان سالاری ، تولیدنفاق و کین توزی و تهدید به حمله و تجاوز ، همه حربه ها و وسایلی بودند که روس و انگلیس هر یک برای کسب منافع خود و استثمار ملت افغانستان ، از آنها استفاده می

۱ ـ تاج التواریخ جلد اول ، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد ٤ ، افغانستان در مسیر تاریخ صفحهٔ ٦۷۹ـ٦۸۰ ٠

کردند ۰ و بدین ترتیب حکام افغانی بعضاً بین این دوفشار ثبات و توازن سیاسی خود را از دست میدادند وبی اختیار یا دست آن می گرفتند و یا دامن این ۰

یکی از سیاست مداران انگلیس و وزیر خارجهٔ هند برتانوی (سرالفریدلایل) حین ماموریت سیاسی اش بکابل ودر جریان جنگ های افغانستان و برتانیه ، منظومهٔ زیبائی بدین مناسبت سروده که وصف الحال امیر و افغانستان را بخوبی تمثیل می کند و آن این است:

افغان چودانه بین دوسنگ است زاسیا — کاخر دران میانه شود همچو توتیا
آن هر دو سنگ دولت روس است و انگلیس — کز آب روز گار بگر دند دایها
اما یکی ازین دو بقانون نظم و عدل — دارد اساس سلطنت خویش را بپا
گویا نوشته است بزرگی ز انگلیس — با عدل و لطف خوش بگشائید ملکها
لیکن بر انگلیس کند روس مسخره — گوید که دست ماست بعالم جهان کشا
چنگال ما که هست بصورت حریر پوش — چنگال آهنی است بمعنی جگر ربا
گاهی لمیده ایم پئ وقت همچومیش ، — گاهی جهیده ایم بد شمن چو اژدها
امروزه روز ، دولت اسلامیان همه — باشند منصرف به تلاشی و افتنا
آید ندای مرگ و خرابی مملکت — از هر طرف بگوش خرد روز و شب مرا

با خود کنم خیال منم واپسین امیر
یا بعد من شود دگری نیز بادشا (۱)

نظر امیر عبدالرحمن خان دربارهٔ روس ها

امیر عبدالرحمن خان ضمن توجیه و توضیح سیاست های خویش در برابر انگلیس و روس ، سخنان جالب و آموزنده یی ارائه میدهد که ذکر آنها در این مبحث کلاً مناسب و به موقع خواهد بود ۰ وی در رابطه به موضوع پنجده و نقاط مرزی افغانستان ، حکایت و شکایت ازان دارد که انگلیسان بوعده های خویش عمل نکردند و هنگام هجوم عسکر روسی به مرز های افغانستان حالت بی اعتنائی اختیار نمودند و نیز حرفها و پیشنهاداتش را دربارهٔ نقشه های پیشروی روس به افغانستان وهند ، نشنیده انگاشته اند ۰ سپس ادامه داده می گوید :

«۰۰۰اگر خط سرحدی بین مملکت روس ها و مملکت خود را بطور قطعی تحدید نمی نمودم ، آنها بعضی نقاط دیگر را هم متصرف می شدند ۰ درینجا لازم است بیان نمایم که تدبیر روس ها در باب تخطی اگرچه آهسته و مستمرمیباشد ، ولی حالت آن محکم است و هیچ تغیر نمی یابد ۰ اگر یکدفعه مصمم شدند که اقدام بکاری می نمایند

۱ ـ نقل از تاج التواریخ جلد ۲ صفحهٔ ۱۱۹ ۰

دیگر هیچ چیز مانع پیشرفت خیالات آنها نیست ۰ بمثل بعضی ممالک دیگر که هر دسته از وزراء که روی کار بیایند بتوانند ترتیب کار های دسته سابق را بهم زنند ، عادت حرکات سبقت جویی آنها مشابه به خصلت فیل است ۰ چنانچه فیل قبل از آنکه پای خود را بجائی بگذارد آن محل را بدقت آزمایش می کند و یکدفعه که سنگینی خود را در نقطۀ مزبور قائم کرد ، دیگر به عقب برنمیگردد و تا تمام گرانی خود را برپای اول ثابت نگرداند و هر چیزی را که بر پایش آمده نرم نکند ، در برداشتن قدم دیگر تعجیلی ندارد ۰ و روس ها در ظرف شصت سال قبل ازین به آهستگی تمام ولی باثبات قدم بطرف هندوستان عازم شده حرکت نموده اند دولت روس قبل از اینکه یقین بحصول مقصود حاصل نکرده باشد هیچ نقطۀ یی را متصرف نگردیده اند و بعد از آنکه جائی را متصرف شدند اظهارات و اشتهارات مینمایند که دیگر جنگی نخواهند نمود و امنیت برقرار است و عهود و قرار و قرار داد هایی فی مابین را هم امضاء مینمایند و هرگونه میثاق و قسمی هم یاد می کنند که دیگر ابداً پیش نخواهند رفت ۰ این مواثیق فقط تازمانی بر قرارا است که آن نقطه را که تازه تصرف نموده اند به جهت پشت بندی عساکر خود کاملاً مستحکم نمایند و تسلط تامی در آنجا پیدا کنند ۰ بعد ازان قدم دیگری که نزدیک قدم اول بوده باشد بر میدارند بدون اینکه خیلی جلو بروند و یا به عقب برگردند ۰ وقتیکه این نقطه را هم به نوبت آن در کمال خوبی به حیطۀ ضبط در آوردند آن وقت روبه نقطۀ دیگر پیش میروند خواه معاهداتی درمیان باشد خواه نباشد ۰»(۱)

موصوف راجع به قصد و نیت روس ها در افغانستان اظهار تشویش کرده و هشدار می دهد که:

«دولت روس تازمانی که افغانستان مقتدر و مستقل است امکان ندارد به هندوستان حمله کند یعنی دولت روس میخواهد افغانستان را با خود دوست نماید یا بیک فریبی آنـرا از پیش پای خود بردارد ، این مطلب کمال اهمیت را دارد که بایـد در بازی با اشخاص پولیتکی روس که میخواهند افغانستان را از میان بردارند مواظبت نمائیم ۰»

بازهم به ادامه حرفهای خویش اظهار میدارد که:

«اما دولت روس در خیال تسخیر هندوستان می باشد به این واسطه محتاج است از مملکت من عبور نماید و نه فقط به همین که عبور نماید و ازعقب سر تشویش نه داشته باشد ، بلکه لازم دارد اگر بتواند افغانستان را متصرف شود ۰ دولت روس چون میخواهد در خشکی با دولت انگلیس بجنگد از این سبب مایل است که افغانستان با او متفق شده در تسخیر هندوستان با او همراهی نماید یا آنکه افغانستان از صفحۀ روز گار محو شده دولتی نبوده باشد ۰»

---

۱ ـ تاج التواریخ ص ۸۸ـ۸۹ جلد ۲ ۰

همچنان در جمله دلایلی که امیر عبدالرحمن خان راجع به مقایسهٔ دوستی با روس و انگلیس بیان مینماید ، و بدوام حرفهائی که در بالا گفته آمد ، می نویسد که:

«۰۰۰دوستی افغان به جهت دولت روس هیچ فایده ندارد جز آنکه دولت مشارالیها را بگذارد از افغانستان بطرف هندوستان عبور نماید و این مثل آنست که افغانستان زیر پای روس گسترده شود و هر گاه چنین شد افغانستان پایمال عساکر دولت روس خواهد گردید ۰ شاید دولت روس به حکمرانان افغانستان وعده هم بدهد که پنجاب یا نقطهٔ دیگری از هندوستان را به او خواهد داد و معاهدات دوستانه نسبت به او اظهار خواهد داشت که افغانستان باید همیشه مستقل بوده باشد ولی اینگونه مواعید و معاهدات همان حالت را خواهد داشت که سایر معاهدات دولت روس داشته است ۰»

امیر موصوف به نحو عجیبی جنگ افغانستان و روس را پیش گوئی کرده و گفته است:

«روس ها در حمله به هند راهی ندارند جز اینکه از افغانستان عبور نمایند ۰ به این قسم افغانستان همیشه پامال روس خواهد بود و افغان ها را به جهت خدمت نظامی خود عنفاً مستخدم خواهد نمود و هرجا که جنگی باشد آنها را در پیش خواهند انداخت و از این اقدام دو مقصود خواهند داشت ۰

اول آنکه افغانها را به کشتن داده آنها را تمام نمایند ، دوم آنکه عیال و اموال آنها را متصرف گردند ۰ مسلمان ها در باب حفظ ناموس خود کمال مواظبت را دارند و متحمل نخواهند گردید که روس ها با آنها به این نوع سلوک نمایند و در مملکت ایشان هر چه بخواهند بکنند ۰ نتیجهٔ تمام این اقدامات این خواهد بود که جنگی بین دولت روس و افغانستان برپا خواهد شد ۰»(۱)

وی در کتاب خویش انگلیس ها را نسبت به مکاید روس و قصد و نیات ایشان در بارهٔ آیندهٔ منطقه بر حذر داشته و به خود روس ها نیز اخطار کرده است که از این اقدام خود یعنی حمله به هند و افغانستان سودی نخواهند برد ۰ (رجوع شود به صفحات اخیر تاج التواریخ جلد دوم) ۰

اتفاقاً همهٔ این پیش بینی ها و پیشگوئی ها یکی بعد دیگر تحقق یافت و بکمال تاءسف شنیدیم و دیدیم که روس های جنایتکار و غارتگر ، پس از تسخیر ترکستان رهٔ پیشروی و نفوذ خود را در بخارا باز کردند و در فرصت مساعد آنرا اشغال نمودند ۰ و انگاه تقریباً شصت سال انتظار کشیده و انواع دسایس و حیل بکار بردند تا مساعی شان در افغانستان باورگردید و بر کشور ما هجوم آوردند ۰ اینک با کلیه امکانات و باتمام وحشت و بربریت می کوشند سلطهٔ خود را در افغانستان تثبیت کنند و از انجا به پاکستان حمله نمایند و بساط

---

۱ ـ دربارهٔ تمام حرفهای امیر و تفصیل مکمل آن رجوع شود به : تاج التواریخ از صفحهٔ ۲۰۷ به بعد جلد دوم ۰

هستی منطقه را درهم نوردند !

ولی ایکـاش اخـلاف امیر حد اقـل یکبـار هم حرفها ، اندرز ها و نگرانی های او را میخواندند و از دوستی و نزدیکی با روس اجتناب می وزیدند ، تا این بد بختی و مصیبت دا منگیر مانمی شد و باغ و راغ وطن عرصهٔ تاخت و تاز خرسان قطبی نمی بود !

این درست است که در فر جام جز خجلت و رسوایی ارمغانی با خود نخواهند برد ، لیکن خون صدها هزار شهید و علیل وطن ، گرامی ترین و مقدس ترین چیزی است که هرگز جبیره نخواهد شد ٠

گفتار دوم

عهد امیر حبیب الله خان (۱۹۰۱_۱۹۱۹م) و گرفتاری های روس در ایندوره

امیر حبیب الله خان که پس از فوت پدر بلا فاصله بر اورنگ شاهی نشست ، در سیاست خارجی خویش درست همان راهی را دنبال کرد که امیر ماضی انتخاب کرده بود و تا آخر کوشید از نزدیکی و گزند روس ایمن ماند ۰ روس ها هم بعد از اشغال پامیر و پنجده و پایان دادن به بر خورد های مرزی ، مدتی از توطئه و دست اندازی در افغانستان خود داری کردند ، و در همین فرصت بود که بلا و فتنه از در و بام خود شان سر کشید و حوادث گونا گون و گرفتاری های پی در پی ، آنانرا بخود و نقاط دیگر مشغول ساخت ۰

اولین در گیری شان در سال ۱۹۰٤ میلادی با جاپانی ها بود که در آن ایام رزم و پیکار سپاهیان تزار ، بیش از یکسال دوام نیافت و باوجود فزونی لشکر و برتری سلاح به سختی شکست خوردند و ناچار به امضاء قرار داد صلح شدند ۰

این سوء اتفاق وضع سیاسی و اجتماعی روس را در اندرون خودش ، دگر گون ساخت و برای نخستین بار جنبش هایی علیه زار و نظام خود کامه و استبدادی اش تبارز نمود ۰ فرمانروای منفور و شکست خوردهٔ روس (نیکولای دوم) در حالی که آشوب گران را به نوآوری ها و اصلاحات نوید می داد و می کوشید از خشم آنان کاسته آید ، به رقابت های خویش با انگلیسان نیز خاتمه بخشید ، و روی پیمانی که طرفین در ۳۱ اگست ۱۹۰۷ باهم بستند ، ساحهٔ نفوذ و تکلیف هریک نسبت به افغانستان روشن و مشخص گردید ۰ متن معاهدهٔ مذکور چنین است :

«مقامات عالیرتبهٔ دوکشور متعهد ، بمنظور بر قراری امنیت کامل در مرز های مربوط خود در آسیای مرکزی و حفظ یک صلح محکم و همیشگی در این نواحی با امضاء قرار داد زیر موافقت مینمایند ۰

مادهٔ اول : دولت پادشاهی بریتانیا اعلام می دارد که قصد تغییر وضع سیاسی افغانستان را ندارد ۰ بعلاوه حکومت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا تعهد می کند که نفوذ خود را در افغانستان فقط در راه صلح اعمال نماید و هیچگاه به اقدامات خصمانه و تهدید آمیز نسبت به روسیه در افغانستان دست نزند و افغانستان را نیز به این امر تشویق

نکند ٠ دولت امپر اطو ری روسیه نیز از طرف خود اظهار می کند که مملکت افغانستان را خارج از منطقهٔ نفوذ خود دانسته و متعهد می شود که کلیه مناسبات سیاسی خود را با افغانستان از طریق دولت پادشاهی بریتانیا بر قرار کند ٠ و همچنان تعهد مینماید که هیچگونه نمایندگان و مامورانی به افغانستان نفرستد ٠

مادهٔ ۲ ـ دولت پادشاهی بریتانیا قبلاً در معاهدهٔ کابل مورخ ۲۱ مارچ ۱۹۰۵ منعقد در کابل (۱) اظهار نموده که قرار داد های منعقده با امیر عبدالرحمن خان را قبول داشته و نیت تعرض به افغانستان و امور داخلی آن ندارد ، حالاهم تعهد مینماید که خلاف قرار داد فوق الذکر اقدام به الحاق و یا تصرف کدام حصه از خاک افغانستان نخواهد نمود ٠ و از مداخله در امور داخلی آن کشور تا وقتیکه امیر افغانستان در انجام تعهدات خود کوتاهی نکند ، خود داری خواهد کرد٠

مادهٔ ۳ ـ مامورین روس و افغانی که مخصوصاً برای انجام این مامول تعیین میشوند ، میتوانند در سرحد و ایالات سرحدی برای تنظیم مسایل محلی که عاری از جنبهٔ سیاسی باشد ، روابط متقابل و مستقیم داشته باشند ٠

مادهٔ ٤ ـ دولتین بریتانیای کبیر و روسیه رسماً اعلام می دارند که در افغانستان در امور تجاری اصل تساوی را رعایت خواهند کرد ٠ و موافقت مینمایند که کلیه تسهیلاتی که دربارهٔ تجارت باتجار انگلیس و تجار هندی در آتیه معمول خواهد شد ، عیناً دربارهٔ تجارت و تجار روس نیز معمول گردد ٠ هرگاه توسعهٔ دامنهٔ تجارت ، لزوم نمایندگان تجارتی ایجاب کند ، دولتین متعاهدتین با یکدیگر داخل مذاکرات لازمه خواهند شد٠ البته بدیهی است که حقوق حاکمیت امیر را در نظر خواهند داشت٠

مادهٔ ۵ ـ این مقررات فقط زمانی بموقع اجرا گذاشته خواهد شد که دولت بریتانیا موافقت امیر افغانستان را به اطلاع دولت روسیه رسانیده باشد ٠»(۲)

ولی امیر حبیب الله خان از قبولی معاهدهٔ مذکوره سر باززد و آنرا برای افغانستان زیانبار خواند ٠ ظاهراً شورای امیر که دستورات و نصایح امیر حبیب الله خان را محترم میدانستند ، به این امر موافقت نکردند ٠ مخصوصاً برادر امیر ، سردار نصرالله خان دربار را در این زمینه تهدید کرد و گفت که:

«اگر امیر این پیمان را بپذیرد و امضاء کند ، پس او باید به سمرقند فرار کند ٠ دیگر جای او در افغانستان نخواهد بود ٠»

۱ـ قرار داد ۲۱ مارچ ۱۹۰۵ کابل ، بین امیر حبیب الله خان و انگلیسان صورت گرفته و در واقع تجدید همان قرار داد هائی است که انگلیسان با امیر عبدالرحمن خان بسته بودند البته بااندک تفاوت ٠

۲ ـ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد ٦ ، و رقابت روس و انگلیس در افغانستان و ایران ٠

استدلال او این بود که اگر برای بریتانیا برابر یک دفعهٔ سوزن راه داده شود ، آنها نظر به مهارت خاصی که دارند چنان وسعتش می بخشند که قافله های فیل همرای بارش بتواند از ان عبور و مرور کند ۰(۲)

و امـا انگلیس و روس بعداً به سفارش عهد نامهٔ شان وفا نکردند و بدون آنکه شاه افغانستان آنرا تائید کند کار خود را دنبال نمودند ۰

بهمین ترتیب دربارهٔ ایران نیز معاهدهٔ پنج ماده یی دیگری بین دو طرف به امضاء رسید و به اساس آن انگلیسان امتیازاتی را دراین کشور به رفقای روسی خود وا گذاشتند ۰ روس ها که پیوسته در کمین و جستجوی فرصت اند ، از این امتیاز و ضعف نظام حاکم برایران استفاده کردند و از سال ۱۹۰۹ میلادی تا آغاز جنگ جهانی اول و در جریان آن (۱۹۱٤م) بدفعات متعدد بر شهر ها و روستا های ایران حمله نمودند و هزاران نفر را در تبریز و گیلان و مازندران و مشهد بدار آویختند ۰

همزمان با آن هر دو قدرت استعماری می کوشیدند با تحریک و دستیاری کشور های اروپائی ، دولت عثمانی همسایه ایران را نیز خورد کنند و از نهضتی که قرار بود اتحاد دنیای اسلام و عظمت پارینه اش را احیاء کند ، جلو گیری فرمایند ۰

مردم افغانستان نسبت به آنچه در ترکیه می گذشت به شدت متأثر بودند و حاضر شدند تا بصورت داو طلبا نه در جنگ علیه کفر ، برادران ترکی خود را یاری دهند ۰ لیکن امیر حبیب الله خان در برابـر این وعـدهٔ انگلیس که: «بعـد از جنـگ استقـلال افغـانستـان را برسـمیت خواهـد شنـاخـت» اعـلان بیطرفی کرد و وعـدهٔ مذکـورهم وفـانـشـد۰

ممقارن این احوال یک نفرسیاح افغانی در استانبول نامه ای عنوانی طرزی مدیر سراج الاخبار افغانیه میفرستد که:

«تمام بدبختی های عالم اسلام و ترکیه را که من به چشم خود دیده ام همه را در بی اعتقادی و بی دیانتی افسر ها و بزرگان آنها یافته ام۰۰۰ و میشنوم که می گویند به مجردی که مسئلهٔ استانبول را فیصله کنند ، روس و انگلیس به مسئلهٔ افغانستان آغاز می کنند ۰ زیرا مقصد همه فرنگی ها همین است که در دنیا حکومات مستقل و مقتدر اسلامی نگذارند ۰»(۳)

بهرحال ، هنوز روس ها از جنگ جهانی فارغ نشده بودند که آفت کمونیزم و انقلاب اکتوبر ، روس و جامعه اش را واژگون ساخت ۰۰ گرچه بارویکار آمدن بلشویک ها خطر استعمار در منطقه بیشتر گردید و آزادی کشور های همجوار مورد تهدید قرار گرفت اما هنوز ، بخارا حایل بود و وارثان استعمار تزار یک گام از ما دور ترک بودند ۰ امیر حبیب الله

---

۱ ـ سیاست خارجی افغانستان درنیمهٔ اول قرن ۲۰ ، نوشتهٔ « ادمک » ترجمهٔ پوهاند فاضل خان متن چاپ نشده ص ۸،۹ ۰

۲ ـ سراج الاخبار شمارهٔ (۹) سوم دلو ۱۲۹۱ ﻫ ش ، صفحهٔ ۸ ۰

موجودیت بلشویزم را برسمیت نشناخت و از استقرار روابط سیاسی با روس ها سرسختانه اجتناب ورزید ۰ همهٔ این جریانات و حوادث که در بالا ازان نام بردیم ، در واقع برای امیر حبیب الله خان یک حسن تصادف بود و بصورت طبیعی مانع ازان گردید که روس ها مثل همیش در کشور ما دستبرد زنند ۰ البته ثبات فکری ، ارادهٔ استوار و تدابیر امیر در حد خود نقش اساسی داشت ۰

مع هذا روس ها بنابر اقتضای طبیعی و سیاسی خود به هیچوجه از مداخله و ایجاد ناراحتی و درد سر بدولت و مردم ما خود داری نمیکردند ۰ منتها روش کار خویش را عوض کردند و بجای عملیات مسلحانه و مشهود ، از طریق شبکه های جاسوسی و ایجاد تحریک و تهدید در مرزها اکتفا کردند که نمونه های آنرا در صفحات بعدی و به اختصار مطالعه خواهیم کرد ۰

عکس العمل افغانستان در فاجعهٔ ایران

چنانکه اشاره شد ، واکنش حکومت افغانستان نسبت به تجاوز و حملات مکرر روس ها در ایران و اوضاع اسفناک این همسایهٔ مسلمان ، درست به همان منوال بود که اکنون مسلمانان جهان در برابر قضیهٔ افغانستان دارند ۰ بدین معنی که وقتی روس ها در ایران سرگرم غارت و تاراجگری و قتل عام بودند ، سایر مسلمین جهان از دورتماشا می کردند ، و احیاناً گاهگاهی با نشر خبری و اظهار تاءثری از دور کله می جنبا نیدند ، و اینک سفاکان روسی ، افغانستان را از خون فرزندان بیگناهش به حمام خون تبدیل کرده است و پیروان قرآن و اسلام از دور خیره خیره می نگرند و دم درنمی کشند ۰ این وضع گویای آنست که روس ها از همان آغاز بی خصلتی ، ضعف مسلمین و عدم همکاری آنان را بایکدگر درک کرده بودند و هر کدام را به تنهائی خورد و خمیر می کردند ۰

واقعاً چقدر درد ناک است که کشور مسلمان و همسایهٔ ما ایران ، در روز گارانی که غرق در آتش و خون بود و سفاکان روسی هر روز صدها مرد و زن را بدار می آویختند و حتی روضهٔ امام رضا را با عدهٔ ای از کودکان و زنان که در آنجا پناهنده شده بودند مورد حمله قرار دادند (۱) ، از هیچ کشوری کمک نشدند و احساس ممالک اسلامی من جمله کابل از روی کاغذ به نوک برچه انتقال نکرد ۰

مهم ترین عکس العمل و همدردی کابل در برابر اوضاع ایران و جنایات روس دران کشور ، تنها نوشته هائی بود که گاهگاهی در سراج الاخبار افغانیه انعکاس می یافت و بیشتر آنهم جنبهٔ خبری داشت که اینک نمونه یی از آنرا به اختصار نقل می کینم ۰

سراج الاخبار در شماره (۱۷) سال اول ، ۱۱ جوزای ۱۲۹۱ هـ ش ، پس از آنکه اشاره یی

۱ـ ملک الشعراء بهار بی حرمتی روس وحشی را به روضهٔ حضرت امام رضا در قصیدهٔ زیبائی وصف کرده است و در دیوان او موجود می باشد ۰

به نقشه و پلان روس راجع به هند و رسیدن به آبهای جنوب می کند ، می نویسد که: همه جا در ایران باغچه های صمصام السلطنة و احتشام الدولهٔ ها و میر بهادر جنگ ، اتابک اعظم ها ، رفیع الملک ها وغیره دیده می شود ، ولی اکنون که روس ها در مازندان و گیلان وآذربایجان حکومت می کنند، این همه صمصام الدوله ها و نظایر آنها کجا است تا از ایران دفاع کنند٠

همچنان درهمین شمارهٔ (صفحهٔ ۵) از حملهٔ روس به مشهد و به توپ بستن روضهٔ امام رضا و قیام سالار الدولهٔ ایران بحث مفصلی دارد که نقل آنها مقدور نیست ٠

ولی این نوشته ها چه دردی را میتوانست درمان کند خصوصاً که مردم ما دران عهد از نعمت سواد محروم بودند و مطالعهٔ اخبار و برانگیختن احساسات مردم از این طریق کار ساده یی نبود ٠ بهرحال روس ها باهمه اطمینان از بی جرئتی دولت کابل وعدم تصمیم گیری عملی و قاطع آن ، بازهم برای اینکه او را بیشتر بخود مشغول نگه دارند ، گماستگانی در نوار مرزی ایران و افغانستان پیدا کردند تا در وقت ضرورت از آنها استفاده کنند ٠ چنانچه وقتی امیر حبیب الله خان از لزوم تقویت سرحدات خود ، درسیستان حرف میزند تا در موقعش بتوانداز نفوذ روس ها در اینسوی مرز افغانستان جلوگیری کند ، شخصی بنام سردار خدا داد سیستانی باجمعی اوباش و اشرار به خاک مرزی افغانستان حمله می کنند و جان و مال مرزنشینان را بغارت می برند که در اثر آن ، حشمت الملک رئیس قشون ایران نامهٔ ای به والی هرات میفرستد و از عملی که توسط خدا داد و یا رانش صورت گرفته است پوزش میخواهد ٠(۱)

ملاحظه می کنید که روس ها تا چه حد در استخدام اجیر ، فریفتن ملت ها و نحوهٔ استفاده از فرصت مهارت و توانایی دارند و در نتیجهٔ همین کارنامه های شیطانی است که حتی میتوانند میلهٔ تفنگ دشمن را از هدف گیری بسوی خود ، منحرف سازند و بوسیلهٔ او دشمنان دیگر خویش را آ ماج گلوله قرار دهند ٠ چنانچه این سردار بی سر سیستانی بجای آنکه بر لشکریان روس حمله برد و آنان را از خاک ایران برون کشد ، بر مرز های افغانستان حمله می کند و برادر کشی مینماید ، و در نتیجه اوضاع سر حدی میان دو کشور مسلمان غیر عادی می شود و روس ها با خیال راحت بکار خود ادامه میدهند ٠

در روز گار ما وضع بدتر ازانست که تذکار رفت زیرا از یکسو با تجاربی که استعمار و بخصوص روس ها در مرور ایام و دراثر تجاوز و پیشروی بر سر زمین های اسلامی و نفوذ درمیان سران و امت های مسلمان اندوخته اند ، میتو انند اعمال شیطانی و نفاق افگنی و ایجاد خصومت و صف آرائی را بین مسلمین ، به شیوه های گوناگون و متفاوتی انجام دهند و بهره برداری بیشتر و موثر تری بنمایند ، و از جانب دیگر ناهنجاری های

۱ ـ سراج الاخبار ، سال اول ، ۸ اسد ۱۲۹۱هجری شمسی . صفحهٔ ۵ ٠

اقتصادی و سیاسی و حالات و گرایش های متفاوت نظام هایی که برامت های اسلامی فرمانروائی میکنند ، فاصله های دوری عالم اسلام را ازهم دگر وسیع تر کرده است • و ابن عوامل گرفتاری ها و بد بختی هائی را ببار آورده است که ثمرهٔ آن مسلماً دردناک و رقت بار خواهد بود ، و دیری نخواهد گذشت که مدنیت و فرهنگ اسلام و آزادی امت های مسلمان دستخوش خرابکاری ها وسیه اندیشی های نوکران نقاب پوش روسی گردد • چنانچه همین اکنون بعضی از تیکه داران قدرت و دکتاتوری در کشور های اسلامی ، چون اسد سوری بعثی آدم کش ، حاکم خود کامهٔ یمن جنوبی ، فرمانروای لیبی و تاجران سر زمین و خون فلسطینیان (عرفات و قدومی) ، همه در زیر ماسک اسلام ، تاآنجا که توانسته اند و بتوانند در تخریب اسلام می کوشند و براین نظام انسانی و انسان ساز از درون ضربه می زنند•

و اما ای مسلمانان! اگر یکقرن پیش از امروز ، استعمار جهان خوار شرق و غرب تک تک از شمارا در زیر دندان های آهنین خویش ، خورد و خمیر کردند و یکی تماشای آن دیگری را کردید ، اکنون بازهم آن اژدهای آزمند و طماع باردیگر قد برا فراشته تا هر یک از شمارا به بلعد و آن دیگری تماشا کند • زنهار ازان همه تجارب تلخ تاریخی درس عبرت گیرید و نگذارید باردیگر کام استعمار گران وسلطه جویان به خون فرزندان اسلام شیرین شود و یکی را بعد دیگری پا در زنجیر اسارت و بردگی کشد •

هرگاه حین حملات روس بر ایران که دوبار این کشور را به خاک و خون کشید ، دنیای اسلام و بخصوص همسایگانش وظایف اسلامی خویش را انجام میدادند و بدستور قران پاک ، علیه اهریمن تجاوزگر اعلان جهاد صادر می کردند ، هر آئینه روس و نقشه اش در منطقه نقش بر آب می شد و نسل های آیندهٔ آن را درس عبرتی می بود و هر گز جرئت ویارای آنرا نمی داشت تا بخارا و ترکستان را اشغال کند ، و امروز در عصر کیهانی و آزادی های انسانی بر افغانستان بتازد و جوهای خون جاری سازد •

هر گاه مسلمانان احکام قران را رعایت می کردند و حین حمله های مکرر استعمار بر افغانستان در قرن نوزدهم ، دست بر شمشیر جهاد می بردند ، امروز هیچکس را یارای آن نبود که بازهم بر حریم اسلام حمله کند و بر مسجد و قران بی حرمتی نماید !

اینک تجربهٔ تاریخ و روز گار هر دو تکرار می شود و باکمال تأسف می بینیم که افغانستان ، این کشور آزاد و مسلمان مورد تجاوز و غارتگری روس های وحشی قرار گرفته است و صدها جوان و کودک مسلمان همه روزه بدست جلادان خونخوار روس کشته می شوند، ولی دنیای اسلام در نهایت بی تفاوتی و بی رحمی و غافل از تکلیف و وظایف اسلامی و شرعی خویش بدان می نگرند و سفارت و تجارت شان کماکان با روس ها بر قرار است ، و چنان انگارند که هر گز در دنیای اسلام اتفاقی نیفتاده است و همه چیز سر جای

خود قرار دارد ٠ ولی دردا و دریغا که اشتباه می کنند و بحکم استعمار و به سود آنان همه بجان هم افتاده اند ، و این وضع زمینهٔ مساعدی را فراهم کرده است تا روس هابی تشویش و آرام به جنایات خویش ادامه دهند ، و آنروز دور نخواهد بود که یکی را پس از دیگری ببلعند و بر هستی شان خاتمه دهند ٠

گرچه از مطلب بدور افتادیم و اندک اضافه گویی شد ، مع هذا من فکر می کنم چینن گفتنی هائی ضروری است و نسل امروز و فردا را مفید خواهد بود ، و هدف کلی هم از نوشتن کتاب حاضر همین است ٠ اگر بتوانیم در خم و پیچ واقعیت های تاریخی ، چراغی فرا راه فرزندان ما که امید فردای کشور اند قرار دهیم و آنان را از بدبختیها و بیچارگی ها و فراز و نیشبی که در مسیر روز گار بر اسلاف شان و دنیای اسلام و افغانستان عزیز وارد آمده است آگاه سازیم ، دین خویش را ادا کرده خواهیم بود ٠ باشد که آنان با انتباه از خطا و صواب کار نامه های نیاکان شان ، دوست را از دشمن باز شناسند و دست دوستی و ارادت بسوی ابلیسان آدم روی دراز نکنند ٠

شیوه هائی جاسوسی روس در زمان امیر حبیب الله خان

امیر حبیب الله خان با تجاربی که در رابطه با روس از اسلاف خود اندوخته بود ، و با آگاهی از نیات روس ها و توجه به روحیهٔ مردم ، به شدت می کوشید از روس و نزدیکی اش دوری جوید و پای این قوم پلید را در کشور مانگذارد ۰ در اینباره بحدی جدی و سخت کوش بود که حتی در برابر پیشنهاد روس ها مبنی بر امحای تخم ملخ در شمال افغانستان و جلوگیری از تکثیر آن گفت :

«اگر ملخ اکنون و یادرفرصت دیگری هجوم آورد ملت افغانستان مرگ و امحای آن از خدا می خواهد ۰ و به طریق و روش خود در امحای آن بحد امکان و توان خود مجادله می کند ۰ روس ها در قسمت خود علیه آن مجادله و فعالیت نمایند و افغان ها در حصه خود سعی می کنند ۰»(۱)

موضوع مجادله با ملخ که نمونه های دیگر آنرا نیز در کتاب حاضر بیان خواهیم داشت ، یکی از بر نامه ها و بهانه هایی بود که روس ها میخواستند بدین نام و عنوان روستاها و دهکده های افغانستان را ارزیابی کنند و برای فعالیت های جاسوسی و جاسوسان خود زمینه سازی نمایند ، ولی امیر بادرک این مطلب از همان آغاز سنگ سردی بر سینهٔ شان کوفت و خیال خود را راحت کرد۰ و اما روس ها جهت رسیدن به آرزوی دیرینهٔ خویش و فراهم ساختن زمینهٔ مقدمات تطبیق پلان های استعماری شان در افغانستان ، از سازمان های جاسوسی استفاده کردند و درپی آن شدند تانخست اوضاع و احوال این کشور و مردم آن و نیز خصوصیات محیطی و فرهنگی و جغرافیائی اش را به نحو کامل و مطلوب ارزیابی کنند و در صورت امکان افرادی را به خدمت و همکاری خود جلب نمایند تا در آینده رهنما و رهگشایی باشد ۰

اینکار سر آغاز دفتر استعماری روس است که در هر کشوری نخست کسب آگاهی می کنند و سپس تحت عناوین داد و ستد تجاری در عمق کشور ها نفوذ مینمایند تا آنکه برسند به مسایل فرهنگی و نظامی و اقتصادی و فراهم سازی نقشهٔ کودتا و برهم زدن سازمان های ملی و برانداختن حکومات و بقدرت رساندن چاکران و مزدورانی که از طریق جاسوسی امتحان خدمتگذاری بروس داده و از مدرسهٔ وطن فروشی گواهی نامه حاصل کرده باشند ۰ برای رسیدن به این آرمان شوم و ضد انسانی خویش بهر وسیله ای که ممکن و در اختیار

۱ـ مناسبات سیاسی افغانستان درنیمهٔ دوم قرن ۲۰ ، نوشتهٔ «أدمک» ترجمهٔ پوهاند محمد فاضل خان نسخه‌خطی صفحهٔ ۲۴۶ ۰

شان باشد متوسل می شوند ۰ پول ، زن رشوه ، قبول عقیدهٔ دیگران و گزینش راه و رسم رایج در محیط مورد نظر از جمله وسایلی است که روس ها ازان در شبکه های جاسوسی خویش استفاده می کنند ۰ به همین روش در عهد امیر حبیب الله خان نیز شیوه های مختلف جاسوسی را بکار بردند و از طرق مختلف و در لباس گونا گون داخل افغانستان شدند که نمونه ای از آنرا درزیر نقل می کنیم:

سراج الاخبار درسال دوم شمارهٔ (۱۵) تاریخ دوم ثور ۱۲۹۲شمسی در صفحهٔ ٦ زیر عنوان: (از ماورای دریای آمو برای مانوشته اند) نامه ای رانقل قول می کند که به ادارهٔ اخبار رسیده و خلاصه اش چنین است ۰

«از چندیست که روس ها به قالب ها و قیافت های مختلف به خاک پاک افغانستان داخل می شوند و چون آسانترین طریق راه مسلمانی را یافته اند ، به حیله های مسلمان شدن داخل افغانستان می شوند ۰ حالانکه مسلمان شدن یک روس از محالات است ۰ مقصد یگانهٔ آنها همین است که از ترکستان تا بدره خیبر راهها و گذر گاهارا ملاحظه و دقت نموده بگذرند و علم آوری ای که لازم باشد بیارند و به این مقصد خود شان بکمال آرامی کامیاب هم می شوند ۰ چون از دریای آمومی گذرند مامورین حکومت افغانیه آنهارا تحت الحفظ بکابل میرسانند و از آنجا نیز از راه خیبر به هندوستان می برارند که اصل مقصد آنها نیز همین است ۰ بعضی از این جاسوسان چون یکبار این سیاحت خود شان را اجرا کردند به آن قناعت نکرده دوم بار باز به این سیاحت می برایند و محصولات معلومات خود رامی آرند ۰ حالانکه اگر مامورین حکومت از سرحد آنهارا پس بگردانند و نگذارند که داخل آن خاک پاک شوند بهتر خواهد بود ۰»

گرچه این طرز جاسوسی ظاهراً بسیار زیرکانه است ولی آنطور که جریانات گواهی میدهد ، دستگاه اداری آنوقت درزمینه غافل و بی تفاوت نبوده با دقت و احتیاط اوضاع را مراقبت می کرده اند و تعداد زیادی از جاسوسان روسی بدام افتاده بود ۰ درعین حال شبکه های مخصوص مراقبت و پاسداری در مرزها ه عیاران ماهری جهت دریافت معلومات و آگهی های لازم گماشته شده بود که در واقع میتوان آنرا یک عمل مثبت تلقی کرد ۰

روس ها که در حیله و مکروبی حیائی یگانهٔ روزگار اند ، از ترس اینکه کوس رسوائی شان بصدا درنیاید و حکومت افغانستان شکوه و شکایتی سرندهد ، گاهگاه در جراید خود از گرفتاری جاسوسان افغانی در روسیه خبرهائی نشر میکرده اند ۰ با این ادعا که افراد متهم می خواسته اند نقشه های سرحدی و نظامی را در اختیار دولت افغانستان قرار دهند ۰

سراج الاخبار در شمارهٔ دوازدهم سال سوم ، نهم حوت ، صفحهٔ ۱۰ و نیز در شمارهٔ چهاردهم ، سال سوم ، حمل ۱۲۹۳ شمسی خبر هائی را در این مورد نشر کرده که یکی آن از قول اخبار«اقدام» چاپ استانبول است۰ در اخبار مذکور از گرفتاری دو نفر در

سرحدات روس بنام های ابراهیم بن محمد وخواجه محمد بن عبدالکریم تذکر داده شده است که ایشـان دربارهٔ اوضاع و احوال ترکستان و بخصوص مسایل نظامی اطلاعاتی را در اختیار دولت افغانستان قرار میدادند ۰ سراج الاخبار در حالی که خبر مذکور و تبصره های جراید روس را در این مورد ، رد می کند بازهم به این نکته اشاره و تاکید مینهاید که اگر چنانچه این اخبار درست باشد و روس آنهارا جز ای عسکری بد هد ، ماهم مخبرین روس را چنان خواهیم کرد ۰ (یعني مجازات بالمثل) ۰

حقیقت این است که روس ها یک تعداد افراد ناراض و ضد دولتی و آزادی خواه را نیز به این نام و بهانه در روسیه و ترکستان گرفتار می کردند ۰ و از بین می برند و این عمل یکـی از ویژگـی های روس است که تا امـروز هم ناراضیان وآزادی خواهـان رادراین کشـور و اقهار آن به جاسوسی متهم می کنند و کمترین جزایش تبعید در اردو گاهای کار اجباری و ناحیهٔ سایبریا است ۰

از طرفی هم روس ها میخواسته اند با این روش اظهار مظلومیت کنند و چنان وانهایند که دولت افغانستان سبب اذیت و آزار شان است و در دسرهائی را به ایشان ایجاد کرده اند و آن بیچاره ها اصلاً کاری بکارکس ندارند ۰ و به این ترتیب و بزعم خودشان میخواسته اند جهان و دولت افغانستان را اغفال کنند و به اعمال ننگین خویش ادامه دهند ۰ ولی مردم حتی برون از مرزهای افغانستان از نیات و کردار ضد انسانی روس ها و نقشه ها و توطئه های اهـریمنی شان در منطقه و علیه افغانستان بخوبی آگاه بودند ، و چه بساکه دولت افغانستان را در این زمینه هشدار میدادند ۰ مثلاً یکی از افراد آگاه و مسلمان بنام ' عزیز احمد قریشی ، از گلاسگوی نامه ای بکابل میفرستد و با نگرانی بسیار از اوضاع ، می نویسد که:

«ای افغانستان توچرا غافلی ؟ آیا بتو معلوم نیست که روس منحوس مانند گربهٔ طماع درکمین توست که چون چشمت خطا بخورد ، او بر تو حمله می کند و هشدار میدهد که آمادهٔ دفاع شو و عسکر تربیت کن ۰» (۱)

ادارهٔ سراج الاخبار ضمن تشکراز احساسات انسانی شخص مذکور ، از آمادگی دولت و مردم افغانستان در برابر حوادث و اتفاقات بوی اطمینان میدهد ۰

روس ها در بُعد جاسوسی خود نه تنها متوجه جمع آوری اطلاعات در ساحهٔ محدود اداری و سیاسی کشور ها اند ، بلکه اینکار را در ابعاد گسترده تری انجام داده و می کوشند حتی از طریق همین شبکه ها (جاسوسی) ، از نحوهٔ روابط کشورها با دیگران نیز آگاهی داشته باشند و در صورت ممکن و ازراه هائی که میسر باشد ، دران خللی وارد نهایند ۰

---

۱ ـ رک : سراج الاخبار شمارهٔ (۱۸) سال سوم ٦ جوزا ۱۲۹۳ ، ص ۸ ۰

به همین اساس ، نه تنها جاسوسان شان در افغانستان فعالیت میکردند ، بلکه در کشور های مجاور نیز این عمل را انجام میدادند تا چگونگی روابط امیر حبیب الله خان را با همسایگان آن کشف نمایند ۰ چنانچه نمونه ای از این اقدام شیطانی را در زیر مطالعه می کنید :

«قونسل های روس و انگلیس در مشهد مراقبت می کنند که بدانند بین دولت افغانستان و ایران مراودات و مکاتبات و مخابراتی هست یا خیر؟

ولی به نتیجه نرسیده اند ۰ در کوه سنگی در پشت کوه اول از طرف روس ها عمارتی بناشده که جهت تفتیش ایالت خراسان بدانجا رفته اند ، ولی بواسطهٔ موانع بسیار بر ایشان مجهول مانده ۰»(۱)

اما آنطور که معلوم می شود دولت افغانستان هر گز از این اقدامات نمی هراسد و بادقت و هوشیاری اعمال روس هارا زیر نظر دارد ۰ به نحوی که روس ها از این اقدام وآگهی وعدم تسلیم بر آشفته می شوند و بعنوان تهدید و تخویف در خواست می کنند که منطقهٔ ذوالفقار در سرحد به ایشان واگذار شود ۰ در عین حال بسیار محتاط و ماهرانه می کوشند در داخل افغانستان و درمیان قشر چیز فهم و دست اندرکاران دولت نفوذ پیدا کنند و از این راه نیز ضربه ای بر دستگاه سیاسی و اداری افغانستان وارد آورند ۰ تا باشد که امیر مجبور گردد، در روش خویش نسبت به روس تجدید نظر کند۰

چون هیچکدام از این حیله ها و قدرت نمائی ها کارگر واقع نمیشود ، آنگاه به نیرنگ دیگری متوسل می شوند و میخواهند بنام معلم و کارشناس در معارف افغانستان که تازه آغاز بکار کرده بود ، راه یابند ۰ بنابراین بصورت مستقیم و غیر مستقیم می کوشند تا درمیان مردم و دربار این زمزمه را سردهند و توجه مسوولین را بخود معطوف دارند ۰ لیکن این حقهٔ روس ها نیز بجایی نرسید و سراج الاخبار که نشریهٔ رسمی دولت بود ، در شمارهٔ (۱۸) سال هفتم صفحهٔ ۷ و ۸ ، هفتم ثور ۱۲۹۷هش ، بمنظور رد آرمان روس ، تحت عنوان : «موانع خارجی معارف افغانستان » مقاله ای نشر می کند و در آن از مشکلات استخدام معلم و کارشناس خارجی صحبت می کند و اشاره به انگلیسان مینماید که چقدر دل شان به حال هندوستان سوخت که بحال ما سوزد و بعد ادامه میدهد که:

«علی الخصوص بالخصوص که کارعلوم و فنون حربیه و عسکریه را به هیچ صورت از دولت همسایهٔ خود آموخته نمی توانیم و افسر از آنها آوردن را باید هلاک خود تصور کنیم و می کنیم ۰ زیرا الای هائی که روس ها در ایران تربیه کردند یک درس عبرتگاه عظیم است ۰»

آری ! روس ها ایران را توسط همان افرادی که تربیت کرده بودند زیر و رو ساختند و بخون کشیدند و میخواستند اینکار را در افغانستان نیز بمرحلهٔ اجرا و عمل گذارند ۰ لیکن

۱ ـ سراج الاخبار سال چهارم ، شمارهٔ ۱۷ ، دهم ثور ۱۲۹٤ش ص ۱۰ ۰

درایت و هوشیاری و یاترس از خود و مآل اندیشی دولت مردان وقت مانع ازان شد ۰ و ایکاش محمد داود خان هم اندکی از هوش و آگاهی در برابر مکاید روس بر خوردار می بود و اجازه نمیداد که هزاران افسر و جاسوس روسی وارد ارتش شوند و صدها جوان مادر روسیه تربیهٔ نظامی به بینند ، تا امروز از شر این جنایتکار تاریخ درامان می بودیم و خاک ما بدست سفاکان روسی به مجمری از آتش و خون تبدیل نمی شد و خود نیز در پیشگاه تاریخ و ملت افغانستان محکوم نمی بود ۰

بهرحال روس ها چنین تلاش هایی راجهت ره یابی به کشور ما در عهد امیر حبیب الله خان انجام دادند که پیشنهاد و طرح بکار انداختن خط آهن در افغانستان و امتداد آن به اروپا یکی از آنجمله بود ۰

در بسا موارد انگلیس و روس هر دو پیشنهاد واحد و یا مشترکی می کردند که نمونه بارزی از اتحاد نظر و منافع مشترک آنهارا بازگومی کرد ۰ اما تمام نیرنگ های روس خنثی می شد و پیشنهادات شان ردمی گردید و باهمه فشاری که از هر جهت واردمی شد برثبات و پایداری امیر در خویشتن داری از نزدیکی با روس خدشه ای وارد نمیکرد و با قاطعیت و صراحت در برابر روس استادگی و مقاومت مینمود ۰ روس ها که در تلاش مداوم شان جهت بدام افگندن امیر و نفوذ در بین مردم بناکامی مواجه شده بودند ، دست به اقدام دیگری زدند و در آخرین مرحله توانستند باب آهنینی را که سالها به روی شان بسته بود ، باکلید تجارت بگشایند و بجای مناسبات سیاسی روابط تجاری بر قرار نمایند ۰ نگارنده فکر می کند که شاید فشار تجار داخلی و نیر و های مرموز دیگری ، امیر حبیب الله خان را وادار کرده باشد تا به انجام همچو معامله یی موافقت کند و آغاز کاری را اجازه دهد که از هر اقدام دیگری خطرناک تربود ۰ و از این طریق روس ها توانستند در بین افراد بانفوذ و سرمایه دار رخنه کنند و خیلی هم به راحتی و آسانی نقشه های خود را بمرحلهٔ تطبیق قرار دهند و شبکه های جاسوسی خود را سرو سامان بخشند ۰ روس ها در این مراوده امتیاز بزرگی برای تجار افغانی قایل شدند ، بدین معنی که هر اندازه تکس و مالیاتی که دولت از تجار و اشیای تجاری می گرفت ، به تجار افغانی تخفیف می دادند و به این ترتیب در اندک زمانی گراف تجارت افغانستان باروسیه به بالا ترین رقم رسید ۰ تا آنکه در سال ۱۹۱۵ میلادی میزان تجارت باروس از نظر ارقام وارداتی بالغ بر پنج و نیم میلیون روبل و از نظر صادرات ، مبلغی حدود ۲٤ میلیون روبیه معادل هشت میلیون روبل را احتوامی کرد ۰ کالائی که بروس صادر می شد عبارت بود از : پشم ، پنبه و میوه های خشک وتر ۰ و آنچه واردمی گردید عبارت بود از : پارچه های ابریشمی ، زری ، پشمی ، المونیم ، شیشه ، شیرینی ، عطریات ، موزه ، کفش ، ظروف چودنی ، ساعت و امثال آن ۰

روس ها از فرصتی که بر ایشان دست داده بود خیلی خوش و راضی بودند و فکر می

کردند که به آرزو های خود رسیده اند و این فکر کاملا درست بود ۰ چه همینکه باشیرینی هلی خود ، دهان تجار و دست اندر کاران دولت را شیرین کردند و در حالی که هنوز هم ایران در دست شان بود ، فوراً به بخارا حمله کردند و طبق سیاست های گام بگام خویش یک قدم به جلو گذاشتند ۰ در نتیجه باید گفت که امیر حبیب الله خان در روابط خود با روس بیش از هر کسی محتاط بوده و در تمام کارهایی که در ساحات نظامی و طباعتی و صحی و عمرانی و اجتماعی داشته است ، از کارشناسان و ماهران ترکی استفاده کرده و تا آخرین دقیقه هم نگذاشته است که یک نفر روسی تحت این عناوین داخل افغانستان شود ۰ ولی بر قراری روابط تجاری با روس این سد را شکسته است و نیکوترین راه و فرصتی را فراهم ساخته که روس ها سال ها در انتظار آن بوده اند ۰

دورهٔ امیر حبیب الله خان که تقریبا ۱۸ سال دوام کرد (باوجود بعضی جنبه های ضعیف و منفی) رویهمرفته از لحاظ ترویج علوم و معارف جدید ، تاسیس مدارس دینی ، و توجه به صنعت ، امورصحی ، طباعتی ، حربی وبکار انداختن فابریکه های مختلف نساجی ، برق ، تخنیک و تهیهٔ آب آشامیدنی ، تعمیر انهار و تمدید سرکها و ده ها کار مثبت و مفید دیگر ، بصورت نسبی و در حد خود تا آنروز و در شرائط آنروز سابقه یی نداشت ۰

ولی آن طوفانی که در ماحول ما اتفاق افتاده بود و آن نیروی مسموم و مرموزی که نظام سیاسی و اجتماعی ترکان و ایرانیان را دران ایام زیرو رو کرده بود ، در افغانستان نیز بکار افتاد ۰ و در اثر آن کشور ما هم سیر سالم و طبیعی اش را از دست داد و کارش را بجائی کشانیدند که ثمرهٔ آنرا اینک همه می بینیم و می چشیم ۰

در چینن هوا و فضا شبکه ای در دربار و دامن امیر رشد و پرورش یافت و همه اعضای آن به اتفاق فرزند امیر (امان الله خان) ، روی صفحه ای از قرآن کریم عهد و امضاء کردند تا امیر حبیب الله خان را از بین ببرند ۰ طبق این پیمان ، شب پنجشنبه ۱۸ جمادی الاول ۱۳۳۷ه ق ، مطابق اول حوت ۱۲۹۷ ه ش ، (= ۲۱ فبروری ۱۹۱۹) امیر حبیب الله خان درکله گوش لغمان بقتل رسید و تاج و تخت وی چنانکه از قبل پیش بینی شده بود ، بدست امان الله خان افتاد ۰ نگارنده را عقیده بر این است که قتل امیر مذکور هر انگیزه یی که داشته باشد و بدست هر کسی که عملی شده باشد ، بریتانیا و روس هردو در آن اشتراک مساعی داشته اند ۰ این یک به هدفی و آن یک به مرامی !! و ظاهراً مهمترین عامل آن هم ، خوف هر دواز عملی شدن اتحاد ممالک اسلامی تسخیر و تصرف بخارا بدون دردسر و مشکلات ، و خنثی کردن نهضت آزادی خواهی افغانستان بوده است ۰

---

۱ ـ برای معلومات دربارهٔ این شبکه ، آغاز توطئه ، جزئیات ، و قتل حبیب الله خان رجوع شود به کتاب افغانستان در مسیر تاریخ از صفحهٔ ۷۲۵ تا ۷٤٦ ۰

فصل چهارم

روس ها و امیر امان الله خان

امان الله خان بعد از مرگ پدر بلا فاصله بتاریخ ۲۱ فبروری ۱۹۱۹ ، اعلان پادشاهی نمود وده روز بعد یعنی درسوم مارچ ۱۹۱۹ نامه ای به لاردچلسفورد نایب السلطنۀ انگلیسی هند فرستاد وخواهان تجدید قرارداد مارچ ۱۹۰۵ گردید که پدرش با انگلیسان امضاء کرده بود ۰ وبدنبال آن پیش از وصول جواب انگلیس ، عملاً سیاست آزاد و مستقلی در پیش گرفت وبران شد تا نماینده ای نزد لینن بفرستد ، حاکمیت بلشویک هارا در روسیه برسمیت شناسد و با آنان روابط سیاسی برقرار نماید ۰

اتفاقاً رویکار آمدن بلشویک ها درروسیه مصادف با ایامی بود که اغلب کشور های آسیائی و افریقائی از بیداد و تجاوز استعمار گران وسلطه جویان تزاری روس رنج می کشیدند وآزادی و استقلال خود را از دست داده بودند ، واین امر با دولت نو خاستۀ بلشویک مساعدت می کرد تاراه نفوذ خود را در همچو کشور ها بگشایند ۰

لینن ویارانش هم که جز خدعه وتزویر ومسخ کردن اندیشه های سالم وانسانی ، ارمغانی باخود نداشتند ، از این موقع وخلاء و فرصت استفاده کرده ، آزادی ملت ها را سرلوحۀ شعار خود قرار دادند ۰ شعاری که قلب میلیون ها انسان رنج دیده ومحکوم را به تپش درمی آورد وفکر می کردند هرچه میشنوند راست استوروزگار اسارت وبردگی اینک بسر آمده است !

متاءسفانه این خوشباوری و ساده دلی اکثر کشورها را غفلت زده ساخت و بلشویک های محیل ومنافق با پیک و پیام و ادعای دوستی و کمک ، آنها را بدام افگندند ۰

امیر امان الله خان هم که تازه بقدرت رسیده بود وهوای خود کامگی واستقلال و نو آوری برسر داشت ، ازهر جهت میخواست با روس ها نزدیک شود واز اینطریق مناسبات سیاسی وتجاری خویش را باجهان دیگر برقرار سازد ۰

بادرک این روحیه وبر اساس برنامه هایی که بلشویک ها در افغانستان و منطقه داشتند ، در اولین فرصت یعنی بتاریخ ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ مطابق حمل ۱۲۹۸ هجری شمسی ،

نماینده و نامه ای به افغانستان فرستادند که متن نامه اش این است:

«مـراسلهٔ کمیسار ملی امور خارجیه جمهوریت شوروی ترکستان به حکومت افغانستان ۰ مورخ ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ مطابق حمل ۱۲۹۸ ش۰

بعـد از ادای کلمات دوستـانـه وسلام ها افتخار دارم به اطلاع شمابرسانم که حکومت جمهوریت روسیه تمام قرار داد هائی را که حکومت تزاری روسیه با حکومت و امپراطوری حریص دنیا بریتانیه دربارهٔ بدست آوردن قسطنطنیه و تقسیم سر زمین ترکیه ، ایران و افغانستان به امضاء رسانیده بودند منسوخ میشمارد ۰ جمهوریت روسیه باترکیه قراردادی به اساس احترام متقابله وحسب فرمان صادره ای که از کشور های دیگران زمینی را متصرف نخواهد شد ، به امضاء رسانیده است و درعین حال روسیه استقلال ممالک کوچک همجوار را برسمیت شناخته و میخواهد با آنها مناسبات دوستانهٔ همجواری و تجارتی را برقرار سازد ۰

برای عمـلی کردن این مفکـوره، جمهـوریت روسیـه وزیر مختار خویش در افغانستان و ایران ، آقای براوین را ازمسکو به تاشکند اعزام داشته ، وی دارای تجارب دپلوماسی بوده وباشرق بلدیت دارد و دوست مردم شرق و طرفدار مردم مسلمان بوده و درفهم زبان فارسی شهرتی دارد ، جمهوریت روسیه نمایندهٔ خویش تعیین کرده است تا مناسبات دوستانه وتجارتی را قایم بدارد ۰

امید وارم که آقای براوین که درزودترین اوقات با افغانستان ارتباط قایم کرده واتحاد آنرا با جمهوریت روسیه قایم نموده و زمینه را برای بهتر ساختن وضع تجارتی ذات البینی مساعد خواهد ساخت و نظر به این منتظرم که حکومت افغانستان از نقطهٔ نظر همجواری نیک خویش از هیچگونه مساعدت و معاونت خودداری نکرده وبدین صورت جمهوریت روسیه را مفتخر خواهند شمرد ۰ با احترامات ۰ بوکویا ولینسکی ۰»(۱)

براوین نمایندهٔ سیاسی روس بانامه ای که با خود داشت ، هنوز وارد افغانستان نشده بود که امیر امان الله خان درهوس دوستی روس ، حوصله اش سررفت و بتاریخ هفتم اپریل ۱۹۱۹ (حدود ٤۷ روز بعد از اعلان پادشاهی اش) نامه ای عنوانی لینن فرستاد که متن آن از اینقرار است :

«جناب جلالتماب اعلیحضرت رئیس جمهوریت دولت معظمهٔ روسیه را پادشاه دولت افغانستان (امیر امان الله) سلام دوستانه و احترامات تعظیم کارانه میرساند واز

---

۱ ـ رک : مناسبات افغانستان و شوروی درسال های ۱۹۱۹ ـ ۱۹۶۹ میلادی ، نشر شده توسط وزارت امور خارجه افغانستان و وزارت خارجه روسیه ۰ متن فارسی ، کابل دلو ۱۳٤۹۰

فاجعهٔ جانسوز قتل پدر خودم ، اعلیحضرت سراج الملة والدین که از دست کدام غدارنا معلوم در اثنای سیاحت ممالک شاهانه مقتول گر دیده اند ، بکمال تاءسف وحسرت به آن دوست مهربان ، عالی جناب ، بیان کیفیت و به خبردادن از تاج پوشی و تخت نشینی خودم که بتاریخ ۱۹ شهر جمادی الاول سنه ۱۳۳۷ هجری قمری مطابق ۲۱ ماه فبروری سنه ۱۹۱۹ عیسوی ، در کابل پایتخت دولت مستقلهٔ آزاد افغانستان بوقوع آمده است ، اظهار یگانگی ، و مخازنت را از لوازم ضروریهٔ اتحاد عالم انسانیت وصلح وصلاح بنی نوعیت ، عهد می کنم ۰

دولت افغانستان که خلقت و طبعیت ، آنرا از اساس و بنیادش باحریت و مساوات عالم انسان ها شریک ساخته بوده است ، تا بحال بنا بربعضی عوارض از شرف مخابرات و مکالمات و مناسبات با دولت های معظمه وملت های مکرمه همنوع خود برکنار مانده بود ، چون آندوست معظم مهربانم اعلیحضرت رئیس جمهور دولت معظمهٔ روسیه به اتفاق دیگر رفقای انسانیت شان ، فخر و شرف صلح و صلاح بنی آدم و اعلان حریت و مساوات دول و ملل عالم را اکتساب نموده اند بناءً علیه این نخستین دفعه است که بنام ملت مستعد باکمال افغان از طرف دولت مستقل و آزاد افغانستان به ارسال این نامهٔ ودادیه خودم را بختیارمی شمارم۰ باقی قبول فرمودن احترامات تعظیمیهٔ خودم را از طرف آن دوستدار عالی جناب امیدواثق و رجای فایق دارم ۰»(۱)

چنانکه خوانندگان گرامی ملاحظه می فرمایند ، امیر امان الله خان در نامهٔ خویش از حدود تعارفات سیاسی پافراتر نهاده وبا اطلاق کلمات : «فخر و شرف صلح ، صلاح بنی آدم ، و اعلان حریت و مساوات دول عالم» **به کسی چون لینن ویاران او ، از حیثیت و مقام فرمانروائی نسبت بفرمانروای دیگر ، کاسته است ۰ واین همان انگیزه های عاطفی واحساسات غیر طبیعی است که گاهگاهی بینش عقلی و روش منطقی آدمیان را سلب می کند وبعضاً از امیر تا فقیر به کجراهه میروند !**

به همین ترتیب درهمان تاریخ (۷ اپریل) محمود بیگ خان طرزی وزیر امورخارجه و خسر امان الله خان نیز مکتوبی عنوانی کمیسار ملی امور خارجهٔ روسیه فرستاد و بوسیلهٔ آن همتای روسی خودرا از درگذشت امیر حبیب الله خان و آغاز پادشاهی امیر امان الله خان آگاه نمود و ضمناً از مساعی خود درجهت نزدیکی افغانستان باروس ها اطمینان داد واز وی خواست تا درتقدیم هرچه زودتر نامهٔ شاه افغانستان به لینن وسیله شود ۰

امیر امان الله خان بدون آنکه منتظر پاسخ نامهٔ اول خود باشد ، دوهفته بعد بتاریخ ۲۱ اپریل ۱۹۱۹ نامهٔ دیگری عنوانی لینن نوشت و آنرا همراه باهیئتی که ریاست آنرا محمد

---

۱ ـ مناسبات افغانستان وشوروی صفحهٔ ۱ ـ ۲ ۰

ولی خان بعهده داشت ، به مسکو فرستاد ۰ هیئت در اواخر ماه می سرحد روس را عبور کرد و در ٤ جون ۱۹۱۹ به تاشکند رسید و با براوین که بحیث نمایندهٔ سیاسی در کابل تعیین شده بود مدتهابه مذاکره پرداخت ۰

هنوز نامهٔ دوم امیر امان الله وهیئت افغانی درراه بود که لینن بتاریخ ۲۲ می ۱۹۱۹ مطابق ثور ۱۲۹۸هـ ۰ ش، نامهٔ اولی شاه افغانستان را پاسخ داد و نوشت که :

«خدمت جناب جلالتماب اعلیضرت امان الله خان امیر مملکت افغانستان ادام الله اقبالـه العالی ، نخستین نامه ازطرف ملت مستقلهٔ افغانستان که مشتمل بردرود دوستانه به ملت روس و خبر دهنده از جلوس آن اعلیضرت بر اورنگ تاجداری مملکت افغـانستان بود بمارسید ، درجواب آن ازطرف حکومت کارگران وکشاورزان واز طرف عموم اهالی روسیه بفرستادن این نامه که مشتمل برسلام دوستانه است ، به ملت آزاد ومستقل افغان که آزادی خودرا باکمال دلاوری ازتسلط جبین خارجه مدافعت کرده است ، مبادرت مینمایم وآن اعلیحضرت را از جلوس اورنگ تاجداری افغانستان که درتاریخ بیست ویکم ماه فورال سنه ۱۹۱۹ بالیمن والا قبال واقع گردیده است ، عرض تبریک می گویم ۰

حقیقتاً حکومت کارگران وکشاورزان روسیه به جمیع ملت هائی که داخل قلم رو جمهـوریت روسیه می باشند برابری و آزادی داده است و چنانکه میفرمائید اساس اتحاد بین المللی جمیع زحمت کشان را برضد غاصبین و استفاده کنندگان از زحمات دیگران استوار نموده است ، امیدوارم که کوشش مردم افغانستان برمتابعت و پیروی اهـالی روسیـه درتحصیل آزادی برای استحکام واستقلال سلطنت افغانستان بهترین وسایط و وسائل خواهد بود ۰

ارادهٔ آن اعلیحضرت را در عقد مناسبات دوستانه با اهالی روسیه باکمال خوشی استقبال کرده از آن اعلیحضرت خواهش میکنم که نمایندهٔ افغانستان را درشهر مسکو معین فرمایند و ماهم ازجانب خود میخواهیم نمایندگان حکومت کارگران وکشاورزان رابه شهر کابل روانه نمائیم واز آن اعلیحضرت خواهش و توقع می کنم که درباب سهولت مرور نمایندگان مابـه جمیـع مامـورین حکومت افغانستان اوامر لازمهٔ فوریه صادر فرمائید ۰ برقرار شدن مناسبات دپلوماسی فیمابین دوملت بزرگ روس و افغان باعث خواهد شد که این دوملت دست یاری و معاونت به همدگر داده هرگونه سوء قصدی که از جانب غارتگـران خارجه بر آزادی و ملل آنها واقع شود دفع و برطرف نمایند ۰ از فرستـادن سلام دوستـانـه خود بمـردم آزاد افغانستان خودرا خوشبخت شمرده ازان اعلحیضرت تمنا می کنم که سلام مارا که دوستان صمیمی اهالی مملکت آن اعلیحضرت

هستیم از ما بپذیرید ۰ ولادیمیر ایلچ لینن ۰۰»(۱)

درگرماگرم این خوش بینی ها وارسال محبت نامه ها ، بتاریخ دهم اکتوبر ۱۹۱۹ محمد ولی خان به مسکورسید واز طرف کمیسار امور خارجی به گرمی استقبال گردید ۰ دربارهٔ این مسافرت و تاریخ دیدار هیئت افغانی بالینن و مذاکرات جانبین ، بسیاری از چیز نویسان و مورخان حرفها نوشته اند ، و نظریات گونانی ارائه داده اند ۰ اماجراید شوروی که مقامات روسی آنهارا بحیث مدارک معتبر رسمی جزء اسناد خود درج کرده اند بتاریخ ۱۲ و ۱٤ اکتوبر ۱۹۱۹ مطابق میزان ۱۲۹۸ هـ ش در اینباره خبرهائی نشر کرده اند که از اینقرار است :

«روز یکشنبه دوازدهم اکتوبر محمد ولی خان سفیر کبیر فوق العادهٔ افغانستان به همراهی سیف الرحمن خان ، قاضی کل اردوی افغانستان ومنشی سفارت از کمیسر ملی امـور خارجه دیدن نمودند واز طرف هیئت رئیسهٔ کمیساریای ملی با حضور تمام اعضای آن پذیرفته شدند ۰

سفیر کبیر افغانستان هنگام مذاکرات باهیئت رئیسهٔ کیمساریای ملی ، دست کمیسر ملی جمهوری روسیه را محکم فشرده ضمناً اظهار نمود که امیدوار است دوستی ملتین استـوار وقـوی بوده ، به آزادی مشـرق زمین از قیـد اسارت امپریالیزم اروپا مساعدت کند ۰ کمیسر ملی از جانب خود اظهار نمود که جمهوری روسیه به دوستی افغانستان اهمیت مخصوص میدهد و به استواری آن امیدوار بوده ، برای نقش مردم افغان درمبارزه بخاطر آزادی مشرق زمین ، نظر به موقعیت جغرافیائی افغانستان و قدرت عسکری مردم قهر مان آن ، ارزش مخصوص زیادی قایل می باشد ۰

۱٤ اکتـوبر درساعت ۷ بعد ازظهر ، رفیق لینن رئیس شورای کمیسران ملی درخصوص نمایندگان کمیسریای ملی امور خارجه ، رفیق قره خان ورفیق نریمانوف ، هیئت سفرای فوق العادهٔ افغانستان رانزد خود پذیرفت ۰

رفیق لینن در اطـاق کارخـود سفیـر را به این سخنان استقبال نمود: بسیار خوشـوقتم که نمایـندهٔ مردم دوست ما افغـانستان را که ظلم می بیند و برضد اسارت امپریالیستی مبارزه می کند ، درپایتخت سرخ حکومت کارگران ودهقانان می بینم !!

سفیر جواب داد : من دست دوستی خودرا بسوی شمادراز کرده امیدوارم که شما به تمام مشرق زمین در آزادی ازقید امپریالیزم کمک خواهید نمود ۰ در موقع صحبت که بعـد ازین آغاز گردید لینن اظهار نمود که حکومت شوروی حکومت زحمت کشان ومظلومین عیناً همان آرزورا دارد که سفیر فوق العادهٔ افغانستان راجع به آن اظهار نمود ۰ لیکن لازم است که شرق مسلمانان این مقصدرا درک نموده و درجنگ آزادی

۱ ـ مناسبات افغانستان وشوروی صفحه ٤ ـ ٥ ۰

بخش کبیر به روسیهٔ شوروی کمک نماید ۰

سفیر جواب داد : که او میتواند تاکید نماید که شرق مسلمانان (مسلمانان شرق) به این امرپی برده است وآن ساعت نزدیک است که تمام جهان یقین حاصل نماید که برای امپریالیزم اروپا درشرق جا و مکانی نیست ۰

سپس سفیر کبیر از جا بلند شده و نامهٔ امیر را به این سخنان تسلیم نمود :

افتخار دارم نامهٔ پادشاه خودرا به رئیس حکومت آزاد پرولتاریائی روسیه تقدیم دارم و امیدوارم آنچه حکومت افغانستان اظهار میدارد مورد توجهٔ حکومت شوروی قرار گیرد ۰

لینن درپاسخ گفت که این نامه را باخشنودی عظیم می پذیرد ووعده میدهد بزودی بتمام مسایل مورد علاقهٔ افغانستان جواب دهد ۰ مذاکرات رفیق لینن باسفیر کبیر بیش از نیم ساعت بطول انجامید»(۱)

نا گفته نباید گذاشت که افغانستان مدت هاپیش از وصول جوابیهٔ لینن به امیر امان الله خان (مارچ ۱۹۱۹) سومین جنگ آزادی خواهانه اش را با انگلیس شروع کرده بود و مجاهدین وسپاه افغانی درمحاذ پکتیا اردوی دشمن را درهم شکسته وبیرق آزادی افغانستان را برقلعه های تسخیر شدهٔ نظامی برافراشته بودند ۰ وبدنبال آن بنابر پیروزی های مبارزین مسلمان درسایر جبهات ، انگلیسان باب مذاکره را با کابل باز کرده و بتاریخ ۳ جون ۱۹۱۹ رسماً بین دوکشور متارکه اعلان شده بود وسپس دوطرف نظریات و مطالبات خودرا بیکدیگر کتباً تبادله می کردند تا آنکه براثر توافق جانبین ، هیئت صلح افغانستان در ماه جولائی ۱۹۱۹ عازم هند گردید و مذاکرات خودرا با مقامات انگلیس در راولپندی آغاز نمود ، که درنتیجه بتاریخ ۸ اگست ۱۹۱۹ بین طرفین معاهدهٔ صلح امضاء گردید و دیگر خطری از جنگ و امثال آن احساس نمی شد ۰(۲)

بنابرین قبل از رسیدن محمد ولی خان به مسکو و مذاکره اش بالینن ، موارد متنازع فیه بین افغانستان و انگلیس کاملاً مرفوع گردیده بود و هیچ بهانه و انگیزه ای که عجله و شتاب امیر امان الله خان را در یاری وهمکاری روس توجیه می کرد ، وجود نداشت ۰

ادامهٔ این نمایش و غداری های روس

در آغاز این مبحث اشاره کردیم که بلشویک ها قبل ازهر اقدامی متوجه افغانستان شدند و بتاریخ ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ هیئتی راتحت سرپرستی K. Bravin نامزد کردند تا عازم

۱ ـ مناسبات افغانستان وشوروی صفهٔ ۸ ۰

۲ ـ برای شرح و تفصیل جنگ افغان وانگلیس واعلان متارکه وامضاء معاهدهٔ صلح واستقلال رجوع شود به : افغانستان درمسیر تاریخ از ص ۷۵۶ ـ ۷۷۶ ۰

افغانستان گردد و دربارهٔ آیندهٔ دوکشور و علاقه مندی و اخلاص روس نسبت به افغانستان با مقامات کابل مذاکره نماید ۰ هیئت مذکور دراواخر اگست ۱۹۱۹ بکابل رسید و بتاریخ ۱٤ سپتامبر (یعنی قبل از آنکه محمد ولی خان به مسکوبرسد و بالینن ملاقات کند) با امیر امان الله خان ملاقات تعارفی نمود ۰

روس های مکار برای اینکه اعتماد مردم افغانستان رابخود جلب کرده باشند وبرای نفوذ بعدی خود زمینه سازی نمایند یا دداشتی رابه «براون» نمایندهٔ خویش داده و دران از واگذاری مجدد «پنجده» به افغانستان وعده داده بودند ۰ همچنان دراین پیشنویس تذکر رفته بود که روس ها برای افغانستان ، پول ، سلاح ، مهمات وکمک های تخنیکی آماده می کنند تا افغانستان تقویه شود و علیه انگلیس با روس ها همکاری کند ۰(۱)

ملاحظه می کنید که این اقدام روس ها ازهمان آغاز به مثابهٔ تار خامی بود که میخواستند پای دولت مردان افغانستان را بوسیلهٔ آن به بندند و ازمردم ماجهت بر آورده شدن مرام های استعماری شان درمنطقه وعلیه بریتانیا استفاده کنند ۰ چنانچه تا آخرین مرحله از این خدعه و فریب استفاده کردند وکشور مارا تسخیر نمودند ۰

تمایل امان الله خان به روس ها و آرزوی دوستی با این کشور نه بدان جهت بود که روس ها از داعیهٔ آزادی خواهی مردم افغانستان حمایت کنند ، زیرا چنانکه گفته آمد روس ها دران ایام ، خود گرفتاری هائی داشتند که پس از انقلاب اکتوبر دران کشور تبارز کرده بود وبه هیچوجه یارای آنرا نداشتند تا در صف ما بایستند و ماراکمک نمایند ، واوضاع افغانستان و پیروزی اش درجنگ نیز در مراحلی قرار داشت که نیازی به کمک وياری روس محسوس نمی شد ۰

تنها انگیزه ای که فکرمی شود این شاهزادهٔ مغرور و خودکامه را وادار به نزدیکی و دوستی با روس کرد ، ازیکطرف عکس العمل و تظاهری بود که میخواست در برابر انگلیس از خود نشان دهد ، واز سوی دیگر خیلی علاقه داشت تا از اینطریق چهرهٔ انقلابی بخود گیرد و خط فکری اش از دیگران متمایز باشد ۰ چنانچه حتی امروزهم خود مشاهده می کنیم که با این همه جنایاتی که روس واقمارش درجهان انجام میدهند وبا آن همه پلیدی و زشتی و سفاکی و بربریت و نامردمی و ناراستی که درنفس اربابان کرملن وجود دارد ، وبا وجود دیدن و شنیدن اوضاع واحوال ملت های مسلمان افغانستان وآسیای میانه ، عده ای از کشورها حتی مدعیان «اسلام» وشعار دهند گان آزادی وعدم وابستگی به شرق و غرب ، هر ماه یکبار برآستان کر ملن ویاکشور های وابسته به آن ، بوسه میزنند وعمده ترین و خطرناکترین قرار دادها را با این کشور ها امضاء می کنند ، کارخانه های شان اغلب

---

۱ ـ رک : کتاب : «افغانستان ـ ۱۹۰۰ ـ ۱۹۲۳» تالیف ادمک متن انگلیسی صفحهٔ ۱٤۳ به بعد ، چاپ کلفورنیا ۰

دردست همین هاست و تجارت وسیاست خویش را درهمین محدوده منحصر ساخته اند ۰ وبرای اینکه انقلابی معرفی شوند وکسی به آنها نظام «ارتجاعی» نگوید ، جزبا روس واقهارش از همه بریده اند ۰

بهرحال امیر امان الله خان در این سودا زیاده روی کرد و افرادی هم در دربار، وخارج از دربار وجود داشتند که اورا بنام ضدیت با انگلیس ، در گرایش به روس تشویق می کردند ۰ لینن و یارانش هم درآغاز باجدیت واشتیاق سعی می کردند اولتر ازهر کسی شاه افغانستان را بسوی خود بکشانند و به همین جهت بود که باشتاب وعجله شخصی را مانند «براون» که بقول خود شان طرفدار مسلمانان و دوست مردم شرق بود و بازبان فارسی آشنائی داشت ، بحیث نمایندهٔ سیاسی خود انتخاب کردند و به او وظیفه دادند تا بهر نحوی که خودش میداند و ممکن باشد حتی باواگذاری مجدد «پنجده» نظر شاه ومردم افغانستان رابسوی خود جلب کند ۰

ولی همینکه نامه های امیر امان الله خان و محمود خان طرزی وزیر خارجه آن ، پیهم وباشتاب به مسکو رسید وبلشویک ها از محتوای آنها برسستی نبض نظام حاکم بر افغانستان آگاه گردیدند ، عزم و گمان شان به سرعت عوض گردید ویک گام به جلو گذاشتند ۰ در رابطه با این تحول آنی بتاریخ ۲۳ جون ۱۹۱۹ مطابق جوزای ۱۲۹۸ ه۰ش ، هیئت دیگری را مامور مذاکره با افغانستان کردند و دراعتماد نامه اش نوشتند که:

«از طرف حکومت کارگران و کشاورزان جمهوریت اشتراکی اتحادی شورای روسیه ، مجلس شورای کمیسر های ملی بموجب این اعتماد نامه ، نمایندهٔ مختار جمهوریت انجمن کومیسری ملی تجارت وصناعت عضو انجمن نظارت و تفتیش دولتی ، رفیق پاکوف زاخارویچ سوریتس رابه سمت نمایندهٔ مختار فوق العادهٔ جمهوریت اشتراکی اتحاد شوروی روسیه درآسیای وسطی تعیین نموده ، عقد روابط و مناسبات دپلوماسی را با اهالی افغانستان مستقل و قبائل مستقلهٔ بلوچستان و خیوه و بخارا وبااهالی وملل هندوستان و کشمیر و تبت که درتحصیل آزادی خودشان می کوشند ، بعهدهٔ مشارالیه محول کرده است ۰ رفیق سوریتس (Suritz) ازطرف حکومت کارگران و کشاورزان وکیل است که بلاواسطه با حکومت هائی که درحال حاضر در ممالک مذکور فوق موجود است ویا اینکه بعد ازین تشکیلات احداث بشود وباجمیع تشکیلات انقلابی که مقصود شان نجات دادن اهالی وملل آسیای وسطی از تسلط وحاکمیت خارجه باشد ، داخل مناسبات و روابط بشود ۰ وهمچنین به رفیق سوریتس وکالت و اختیار داده می شود که ازطرف خود وکیل و نماینده ای تعیین نماید وشخصاً بلاواسطه یا اینکه به توسط وکلا ونمایندگان خود ، داخل مذاکرات شده ، ازطرف حکومت کارگران وکشاورزان اتفاق وعهد نامه بسته واین عهد نامه ها رابعد از تصویب

حکومت مرکزیهٔ مسکو امضاء نماید ۰

برای تصدیق و تاکید مراتب مذکور فوق این اعتماد نامه رابه مشار الیه داده به جمیع حکام و مامورین حکومت شورویه اوامر اکید داده می شود که بمجرد تقاضای مشـار الیه فوراً درحق وی هرگونه مساعده وهمراهی رابنمایند واز جمیع قبایل و ملل وحکومت هائی که باما دوست ومتفق هستند ، خواهش می کنیم که مشار الیه رابسمت فرستـادهٔ فوق العاده ومختار ملت هائی که داخل اجزاء جمهوریت اشتراکی اتحاد شوروی روسیـه هستنـد واز طرف آنهـا وبموجب دستور العمل آنها حرکت ورفتار مینمایند ، پذیرائی کرده درحق وی ازمهمان نوازی ومحافظت وهرگونه یاری وهمراهی مضایقه ننمایند ۰ رئیس مجلس شورای کمیسر های ملی : و۰ا۰ لینن»(۱)

در این مکتوب دو نقطه بارز و مشخص جلب نظرمی کند که درمکتوب های قبلی وجود نداشت ، یکی ازان استعمال کلمهٔ «اشتراکی» است که برای بار اول آنرا بکار میبرند و خیلی هم مطمئن و امیدوار به نظر میرسند ۰ دودیگر افشاء برنامه های استعماری و مداخله بلشویک ها در امور داخلی کشور های منطقه است که از همان آغاز میخواسته اند ، اینجا وآنجا شبکه هائی بنام و عناوین «تشکیلات انقلابی» و«جنبش های آزادی خواهی» بوجود آورند وبا استخدام و تحریک مشتی نا آگاه و مقلد رهٔ پیشروی خودرا بسوی هند هموار سازند۰

لهذا بطور کلی و خلاصه میتوان گفت که این نامه چهرهٔ واقعی بلشویک ها واهداف و اغراض ایشان رابخوبی تمثیل می کرد و در واقع هشداری بود که وطن دوستان و آزادی خواهان واقعی رابر حذرمی داشت تابنام رهائی از دامی ، بدام دیگری نیفتند ۰ ولی برداشت و برخورد دولت مردان کابل دربرابر آن عکس این مطلب بود ۰

بهر صورت هیئت موصوف در ۱۱ نومبر ۱۹۱۹ وارد هرات گردید و با استقبال کم نظیری مواجه شد ۰ سپس رهٔ پایتخت درپیش گرفت و درحالی که مذاکرات هیئت قبلی با مقامات افغانی ادامه داشت ، اوائل جنوری ۱۹۲۰ بکابل مواصلت نمود ۰ وبلافاصله باامیر امان الله خان دیدار و مذاکره کرد ۰ سوریتس بجای آنکه مذاکرات «براون» را دنبال کند اورا از کارکنارکشید وبه این ترتیب همه وعده های روس برهم خورد وحرفها ازسر گرفته شد۰*

---

۱ ـ رک : کتاب مناسبات افغانستان و شوروی ۰

* ـ بعضی از رجال آگاه دورهٔ امانیهی گویند که«براون» از تمام نقشه ها و برنامه های بلشویک ها در آسیاوافغانستان اطلاع داشت و باربار به امیر افغانستان ابلاغ می کرد که از نزدیکی با آنان خود داری ورزد ۰ و اما امیر نه تنها بحرف او گوش نداد بلکه روس ها در جریان قرارداده شدند و آن بیچاره را خلع ید کردند ۰ او هم دیگر به روسیه برنگشت و تابعیت افغانستان را قبول نمود و سرانجام در جنوری ۱۹۲۱ هنگام مسافرت از طریق غزنی به هند ، بوسیله شخصی که لباس عسکر افغانی را در برداشت بقتل رسید ۰ والله اعلم ۰ عین این مطلب را باandک تفاوت ۰ «ادمک»نیز در کتاب «سیاست خارجی افغانستان در نیمهٔ اول قرن بیست» تائید می کند۰ رجوع شود به صفحهٔ ۵۲ـ۵۳ ترجمه پوهاند محمد فاضل خان، نسخهٔ چاپ نشده ۰ و نیز رجوع شود به کتاب افغانستان در مسیر تاریخ ص ۷۸۶۰

مقامات روسی در آغاز به سوریتس صلاحیت داده بودند که درمذاکرات خود ، به افغانستان هم کمک های نظامی وهم امتیازات سرحدی بدهد ، اماهمینکه بکابل رسید (تا آنوقت محمد ولی خان نامه وپیام های شفاهی وارادت امیر امان الله خان را به لینن رسانیده ، با او وسایر مقامات روسی مذاکراتی انجام داده بود) توسط تیلگراف از مسکو بوی هدایت داده شد که هیچگونه وعده ای به افغانستان ندهد تا مبادا این عمل موجب جنگ روس وانگلیس گردد ۰ وبا این روش ، درست همان معامعله ای را که روس های تزاری با امیر شیر علی خان انجام داده بودند ، بلشویک های فرصت طلب نیز آنرا تکرار کردند وبار دیگر برخیانت و غداری فطری روس صحه گذاشتند ۰

مع الـوصف هیئت روسی درکابل ماند وبا مقامات افغانی روی مقدمات پیمانی به مذاکره وبحث ادامه داد که منتج به معاهدهٔ فبروری ۱۹۲۱ گردید ۰

اشغال بخارا

خوانندگان عزیز خود میدانندکه دربارهٔ اشغال بخارا توسط روس و موضع گیری افغانستان نسبت به آن ، حرفها وقصه های زیادی گفته آمده است ٠

مسلماً در اظهار این همه آراء و نظریات متضاد و برداشت های گوناگون ، انگیزه های متفاوتی وجود داشته وباعث شده است جریانات وحقایق تاریخی چنانکه هست ، وصف نشود ٠ بنابراین ایجاب می کند تادراین مبحث نخست سرگذشت بخارا وچگونگی اشغال آن بوسیله روس (هرچند به اختصار و اجمال هم باشد) گفته آید وسپس در روشنی آن ، مسایل بعدی طرح و تحلیل گردد ٠ دراین قسمت نیز کوشش خواهیم کردتاهمانند سایر مباحث کتاب حاضر تسلسل تاریخی جریان و حوادث رعایت شود وازهرنوع ابهام جلوگیری بعمل آید ٠

در جریان لشکر کشی و پیشروی زارهای سلط جو واستعمارگر برماوراء النهر و آسیای میانه ، سرزمین بخارا زادگاه فقها و محدثین بزرگ چون امام محمد بن اسماعیل بخاری (رح) نیز بدست روس افتاد (١٨٦٨م) ، وسایر شهرها و اماکن اسلامی هم یکی بعد دیگر تحت تسلط روس ها قرار گرفت ٠ تاآنکه درسال ١٨٨١ م جنرال سفاک و آدم کش روس (کافمان) کشور های آسیای میانه را کلاً به تصرف خود در آورد وبساط آزادی را در انجا از بنیاد برچید ٠ اما انجام هدف هاوبر نامه های بعدی شان درمنطقه ایجاب می کرد تا نظام شاهی بخارا با حفظ بعضی امتیازات بشمول مراسم مذهبی و قوانین شرعی کماکان تامدتی باقی بماند ٠ مع الوصف عساکر روسی در بخارا موجود بود واندک حرکتی علیه آن به شدت سرکوب می شد ٠

انقلاب اکتوبر ١٩١٧ گرچه برسلطه و حاکمیت «زار» پایان داده بود ، اما مشکلات و گرفتاری های زیادی باخود همراه داشت که جامعهٔ روس را دراندرون خودش خورد میکرد ٠ بحرانات اقتصادی واجتماعی ناشی از جنگ اول جهانی و تضادها و کشمکش های قدرت طلبی بین اعتدالیون ، جمهوری خواهان ، منشویک ها وبلشویک ها تا مدت ها مردم را رنج می داد و اکثراً نسبت بقدرت یابی و حاکمیت کمونستان در کشور نفرت داشتند ٠ درچنین احوال هریک از گروههای رقیب می کوشید با دادن وعده ها و پخش

اعلامیه ها وشعارهای دروغین واغواکننده نظر عامه رابخود جلب نمایند وبر دیگری پیشی گیرند • یکی ازاین شعارها وعوام فریبی ها تضمین آزادی ملت هائی بود که تزاران روس با زور برچه و سرنیزه حاکمیت خود را برآنها تحمیل کرده بودند •

به اساس این طرح و فرصت طلبی ها ، نماینده ای از سوی کرین اسکی (کرنسکی) عازم بخارا شد وضمن امضاء معاهده ای استقلال آن کشوررا برسمیت شناخت • شاه بخارا به استناد این معاهده از روس ها خواست تاکشورش راتخلیه کنند ، لیکن عساکر روسی تکانی بخود ندادند و درانجا باقی ماندند•

پس از آنکه بلشویک ها بررقبای خود پیروز شدند ولینن بحیث «صدر کمیسرهای خلق» روس انتخاب گردید ، اعلامیه های مکرر انتشار دادند و به تمام ملیت های مسلمان تحت ادارهٔ روس ، ابلاغ کردند تا دربارهٔ حق خود ارادیت و آزادی خود تصمیم بگیرند •

اما همهٔ این اعلامیه ها وشعارها ووعده ها جزفریب و تزویر مفهومی نداشت و بجای آزاد ساختن ملت ها عملاً درپئی آن شدند که زمینهٔ اسارت دایمی آنان را مساعد سازند • بنا براین درتمام شهرها من جمله سمرقند ، تاشکند و بخارا شبکه هائی را از بلشویک های محلی و عناصربی ماهیت وابن الوقت سازماندهی کردند وتبلیغات وسیعی راجهت تعمیم و ترویج اندیشه باطل خود براه انداختند • تبلیغ و فعالیت این شبکه ها در بخارا نیز کارگر افتاد و دربدو امر تقریبا ۱۱۷ نفر به بیراهه کشیده شد • درراس این گروه که اولین هستهٔ کمونست دربخارا محسوب می شد و خودرا بنام «جوانان بخارا» مسماکرده بودند ، خواجه محی الدین و خواجه فضل الله ، دوملحد خود فروخته وسرسپردهٔ لینن قرار داشت که بعداً کلمهٔ «یوف» نیز بحیث لکهٔ سیاهی به اسامی آنان افزودگردید •

این افراد بایاری و همراهی بلشویکان سمرقند وتاشکند وعساکر روسی دردهم مارچ ۱۹۱۸ علیه شاه بخارا قیام کردند تا آنراسرنگون ساخته و قدرت را دردست گیرند ، لیکن کاری از دست شان برنیامد و بعد از اندک زد و خوردی صلاح خودرا دران دیدند تاتن به صلح دهند • کولسوف فرمانده عسکر روس به نیابت ازهمه در ۲۵ مارچ ۱۹۱۸ قرار داد صلح را باشاه بخارا امضاء کرد و مدتی خاموش شدند و بازهم به تبلیغات وکارهای زیر زمینی و فریب متوسل گردیدند •

لینن و تروتسکی که یاران شان درعرصهٔ نبرد قماررا باخته بودند ، سعی کردند تا حریف را از دست ندهند وبراي فریب واغفال آن از دلجوئی کاربگیرند • لذا نمایندهٔ با صلاحیتی را نزدشاه بخارا فرستادند وبار دیگر آزادی نامهٔ آن کشور را بدستش دادند ، وعلاوه بران تمام مناطقی راکه تایکسال قبل ازآن متعلق به بخارا بود ، به این کشور مسترد کر دند • وضمناً وعده دادند که کمک های نظامی وپولی نیز دراختیار آن کشور قرار خواهند داد •

اما این وعده ها عملی نشد وشاه بخارا از جریانات و قراین دریافت که رفتار بلشویک ها خلاف گفتار شان است ، وبنابر این بفکر تهیه عسکر و تدراک آلات حربی افتاد واز امیر حبیب الله خان پادشاه افغانستان ، تقاضای سلاح و مهمات نمود ۰ لیکن امیر حبیب الله خان قبل از پاسخ به این درخواست کشته شد واین مامول ناتمام ماند ۰

بلشویک ها که تسخیر بخارا درراس برنامه های شان قرار داشت پیوسته می کوشیدند امنیت رادران کشور مختل سازند و زمینه را بار دیگر جهت قیام و سرنگونی شاه بخارا مساعد گردانند ۰ پادشاه بخارا هم برای دفاع از خود آمادگی گرفت وعساکر خودرا به اطراف راه آهن «کاکان» مستقر نمود تا در صورت حمله بلشویک ها وعساکر روسی ، راه را برایشان سدسازند ۰

حیله و منافقت ها

بلشویک ها در برابر تدابیر امنیتی شاه بخارا مثل همیش به نیرنگ و حیله متوسل شدند ویکنفر نمایندهٔ خودرا بنام «برانوف» از تاشکند به بخارا فرستادند تاباشاه آنکشور مذاکره کند و بازهم اورا بفریبد ۰ این روس محیل در ملاقات خود باشاه بخارا از دوستی بی شائبهٔ ۵۵ سالهٔ روس ها با بخارا یاد کرد وبرای ادامهٔ آن دوستی اصرار ورزید ۰ ودر اخیر مدعای اصلی خود را به این شرح باشاه بخارا درمیان کذاشت که :

«لیکن رجامندیم که عساکر خودرا از بندرات خط آهن ما بردارید تاکه مایان استحکامات بندرات خودرا خواهیم نمود ، عساکر مایان مردمان وحشی ونادان هستند مبـادا عساکر شمارا دیده مقابلیت نموده باعث شرمساری مایان در نزد ذات شاهانهٔ شماگردد ۰ هرچیزی که خواهش ورضا مندی شما باشد برجا خواهیم نمود ۰»

درپایان مذاکرات ، حرفها وتعهدات خودرا روی کاغذ تحریر وامضاء کرد وآنرابه شاه بخارا سپرد ۰ اوهم درکمال سادگی و خوشباوری به این عهد و پیمان اعتماد فرمود وعسا کر خود را بفاصلهٔ ۳ میل از اطراف خط آهن بدورکشید ۰ تنها به تعدادی از پاسداران دستور دادند تاکیشک دهند و درصورت وقوع کدام حادثه جریان رابلا درنگ مخابره نمایند ۰

روس ها از این غفلت و فرصت استفاده کرده شب یکشنبه ۱۵ ذی الحجه ۱۳۳۹ (وسط سال ۱۹۲۰ م) بالای پاسبـانـان حمله کردند وهمه را بقتل رسانیدند وجنگ آغاز گردید ۰ فردای آن زره پوش ها وتانک های روسی از زمین و طیارات آن از هوا شهر بخارا رامورد حمله قرار دادند ۰

شاه بخارا چهار شب و روز درقصر خود مقاومت کرد وبالاخره صلاح برآن دید تاشهر را ترک کند و درخارج ازان سنگر گیرد ۰ دراین چهار روز تقریباً نیمه ئی از شهر بخارا بوسیلهٔ بمبار دمان وفیر توپ با خاک یکسان گردید وروز پنجم سپتامبر ۱۹۲۰ مرکز شهر بدست عساکر روسی افتاد ۰

شاه بخارا ساعت ٤ بعد از ظهر قصر شاهی را ترک گفت و درحالی که عبدالشکور خان سفیر افغانی در بخارا و محمد اسلم خان میر شکار برگد نظامی سفیر تاشکند (۱) ، و ۲۵ هزار عسکر و عمله اورا همراهی می گردند رهٔ غجدوان درپیش گرفت و فردای آن به ولایت «حصار» قسمت شرقی بخارا رفت و مدت شش ماه با بلشویک ها جنگید ۰ سفرای افغانستان در بخارا و تاشکند از همان طریق به افغانستان آمدند ۰

درگرما گرم نبرد بخارائیان با روس های متجاوز و تشویشی که نسبت به کمبود سلاح و مهمات وجود داشت ، شاه بخارا بقصد دریافت کمک از خارج و من جمله افغانستان از ولایت «حصار» به کولاب رفت و بعد از راه گذر گاه «درقد» وارد افغانستان گردید ۰ مدتی اورا در قطغن نگاهداشتند و سپس در فبروری ۱۹۲۱ بکابل رسید و در حسین کوت «باغ شاهی قلعه مراد بیگ» که قبلاً برایش آماده شده بود اقامت ورزید ۰ تقریباً یکماه مهمان دولت بود و دراین میان امیر امان الله خان باوی دیدار و مذاکره کرد ۰

امابجای آنکه تقاضای وی رابراورده سازند وبوطنش برگردانند ، ماهانه دوازده هزار روپیهٔ کابلی برایش مصارف تعیین کردند وازوی خواستند تا درکابل بماند ۰ سپس اورا به جنوب کابل درقلعه فتو بردند تا از سرراه شمال بدورباشد واز اخبار وطن خودهم بزودی اطلاع نیابد ، و مصارفش رانیز از ۱۲ هزار به ٤ هزار کاهش دادند ۰

شاه بخارا باحیاء و ادبی که خاصهٔ مردمان بخارا است ، دراین موردمی گوید که :

«این بندهٔ عاجز برای تردد سرشتهٔ کار خود سعی و کوشش نمودم (یعنی دریافت کمک و بازگشت) بنابرارادهٔ الهی موافق تقدیر نصیبهٔ تردد هایم (اینجا بمعنی قصد واراده است) کارگر نشده رسیدن امداد واعانت از نظر دور بود ۰ لهذا رضا به تقدیر الهی داده به دارالسلطنهٔ کابل اقامت ورزیدم ۰»(۲)

اما جهاد بخارا درهمین جاپایان نیافت ، بلکه علی رغم آنانی که میخواهند هنوزهم بخاطر تبرئه وخشنودی روس ها ، ویا این وآن ، تاریخ مبارزات مردم بخارا را انکار کنند و یادست کم گیرند ، باقوت و شدت خود ادامه یافت ۰ شخصیت های مجاهد و وطن خواهی چون ابراهیم بیگ در پیشا پیش رزمندگان بخارائی قرار گرفتند و عرصه را از هرجهت بر دشمن تنگ کردند۰

ابراهیم بیگ درجنگ های خود با روس ها قلعهٔ نظامی ولایت «حصار» را درشرق بخارا محاصره نمود و در این اثناء بود که مجاهد معروف «انور پاشا = انور بیگ» نیز با اویکجا شد و قلعهٔ مذکور رافتح کردند و سلاح و مهمات زیادی بدست رزمندگان مسلمان افتاد ۰

---

۱ ـ خاطرات شاه بخارا نسخهٔ خطی صفحهٔ ۳۸ ۰

۲ ـ خاطرات شاه بخارا نسخهٔ خطی صفحهٔ ۵۰ ۰

شاه بخارا یکی ازهمراهان دیگر خود (ملا عبدالقهار) راهم بیاری مردم و مجاهدین فرستاد واوتوفیق یافت لشکر بیکرانی گرد آورد وبابلشویکان بجنگد ۰ شجاعت و کارنامه های ملاعبدالقهار مردم را درسرتاسر بخارا به حرکت آورد و اقشار مختلف همه جا اورا یاری وهمراهی میکردند ۰ بحدی که عبدالحمید افندی وزیر حرب جدید بخارا نیز همه امتیازش را ترک گفت وباهزاران نفر به شرق بخارا رفت وبا مجاهدین پیوست ۰

او «ملا عبدالقهار» توفیق یافت که حتی بخارا و حومه اش رابرای کوتاه مدتی آزاد کند ، لیکن روس ها از تاشکند وسمر قند عساکر زیادی جمع آوری کرده واز هرسوبروی هجوم بردند و تلفات سنگین بهر دوطرف واردآمد ۰ دراین نبرد ، ده برادر ملا عبد القهار را به شهادت رسانیدند وتعداد زیادی از مردم به چنگ روس ها افتاد ۰ اوبرای اینکه کشتار وفجایع روس متوقف گردد ، به قزاقستان رفت ودرانجا پنهان گردید ۰

بهمین ترتیب ، انور پاشا چند ولایت را درشرق بخارا به تصرف خود درآورد و دشمن را درشرایطی قرار دادند که دیگر یارای حمله ومقابله را باسپاه اسلام نداشتند ۰

روس های مکار و حیله گر که در میدان نبرد وررویا روئی نتوانستند با انور پاشا این قافله سالار مجاهدان وجوانمردان مبارزه کنند ، بالاخره دست به خدعه زدند وبران شدند تا مخفی گاه او و یارانش راکشف وغافلگیرش سازند ۰ جاسوسان روس دراینکار موفق شدند ولشکر سواره نظام روسی توانست به کمک آنهادر تاریکی شب خود را بدانجا برساند وچهار طرف را محاصره نماید ۰ فردای آن که روز عید بود و اکثر مجاهدین انور پاشا درسنگر خود حضور نداشتند ، روس ها به حمله شروع کردند وجنگ سختی درگرفت ۰ انور پاشا چون شیر خشمناک و انتقام جو بر قلب دشمن حمله کرد وتا آخرین لحظهٔ ئی که دستش کارمی داد شمشیر می زد وسرمی افگند ۰ بالاخره ازهر طرف یکباره بر وی هجوم بردند وآن شیر شر زه را به شهادت رسانیدند ۰(۱)

ابراهیم بیگ پیشوای دیگر مجاهدین همچنان برجهاد وپیکار علیه روس ادامه داد تا آنکه بلشویکان اورا نیز روزی به همان منوال محاصره کردند و با ۲۵ هزار عسکر از چند طرف بروی حمله نمودند ۰ وی پنج روز و شب با عسکر روس جنگید و تلفات سنگینی بر دشمن وارد آورد ۰ همراهان وی نیز یا شهید ویا متواری شدند و خود باسه صدنفرتا آخرین لحظه با بلشویک ها مقابله نمود ، وبالآخره از بیم آنکه بدست روس ها نیفتد ، درسال ۱۹۲۵م به سواری اسپ از آموگذشت و نزد شاه بخارا به افغانستان آمد ۰ اوراهم مدت ها درکابل نگاهداشتند و ماهانه (۵۵۰) روپیه کابلی برایش تنخواه مقرر کردند ۰

روس های وحشی و سفاک نه تنها در قلع و قمع مجاهدان بخارا به این نوع حملات

---

۱ ـ برای شرح حال و کارنامه های انور پاشا وچگو نگی جریان شهادت آن رجوع شود به آخر کتاب ، قسمت «توضیح بعضی از اسماء واعلام» ۰

غافلگیرانـه و نامردانه متوسل گریدند بلکه بافرستادن عوامل خود به پایگاهای مجاهدین و مسموم کردن غذای آنان توسط سیانورپتاسیم وسائر مواد کشنده ، تقریباً تمام آنان را از بین بردند ، وبه این ترتیب نهضت بخارا دراواخرسال ۱۹۲۵ میلادی به خاموشی گرائید ۰ ولی ابراهیم بیگ وهمکارانش هرگز آرام نه نشستند و هروقت که فرصتی برای شان دست می داد ، بر روس ها درآنسوی آموشب خون میزدند ۰ تا آنکه دردورهٔ محمد نادر شاه وتوسط قوائی که اواز کابل تحت فرماندهی شاه محمود خان برادرش به شمال فرستاد ، ابراهیم بیگ به آنسوی آمو عقب نشینی کرد و در آنجا بدست روسها افتاد و به شهادت رسید ۰

امیر بخارا موضوع اشغال کشورش را درسپتمبر ۱۹۲۷ توسط وکیل خود جنرال حاجی یوسف مقیم بای به ملل متحد تقدیم کرد ۰ اما بسیار دیر شده بود وبه سبب نفوذی که روس ها دران مجمـع جهانی داشتند ، جز فرانسه ، ایتالیا ، انگلیس ، المان وایران کسی بفریاد مظلومیت ملت بخارا گوش نداد ۰ از آن تاریخ به بعدهم هرگاه که فرصتی فراهم آمده است ، این مردم برای انتقام جوئی و آزادی خواهی در داخل و خارج علیه روس دست بکار شده اند وبار بار به خطر و ضرر مواجه گردیده اند ۰ چنانچه تا حال چندین بار این قیام ها درسر زمین بخارا با تانک و سرنیزه سرکوب گردیده وهزاران نفر قربانی استعمار سرخ شده است ۰

حتی در جریان جنگ دوم جهانی (۱۹۴۱ م) ، وقتی درکابل شایع شدکه مهاجران مسلمان ممالک آسیائی مقیم افغانستان به جمع آوری سلاح اقدام کرده اند وقصد دارند با استفاده از فرصت خودرا بدانسوی آمو برسانند وبر جمهوریت های تاجکستان واز بکستان حمله کنند ، حکومت کابل تعداد زیادی از مهاجرین بخارا و فرغانه رابشمول سید مبشر طرازی عالم و نویسندهٔ مشهور باز داشت نمود ۰ وی که در دارالتحریر شاهی کار میکرد ، پس از ختم جنگ جهانی ورهائی از زندان، افغانستان را ترک گفت و به مصر مهاجرت نمود ۰

همچنان امیر بخارا را درخانه اش مقید کر دند و قاری عبدالاحد مجاهد وفقیه و حافظ قرآن سالها به همین دلیل در بغلان زندانی بود واینک در عربستان سعودی بسرمی برد ۰

این بود خلاصه ای از داستان غم انگیز ودردآلود ملت مسلمان بخارا ، واینک می بینیم که دولت مردان افغانستان در رابطه بامصیبت بالا وهمدردی باکشور همسایه وبرادر وهم کیش مان ، چه گفتند و چه کردند!(۱)

---

۱ ـ برای شرح وتفصیل مطالبی که درین مبحث تذکار رفت رجوع شود به : خاطرات شاه بخارا نسخهٔ خطی و نیز نشر شده درمجله میثاق خون مربوط جمیعت اسلامی افغانستان سال ۱۳۶۵ هـ ش ، خاطرات آقا بکوف ، و افغانستان درمسیر تاریخ ۰

روابط افغانستان و بخارا

امیر امان الله خان در ۲٤ فبروری ، چهار روز بعد از کشته شدن پدرش درجمع انبوهی از مردم کابـل حضـور یافت وضمن نطق بسیار معروف و تاریخی خود «استقلال کامل افغانستان» را اعلام فرمود و عملاً سیاست آزاد و مستقل در پیش گرفت و برای تحقق این آرمان ، یازده روز بعد از اعلان استقلال افغانستان یک نفر نماینده برای کسب اطلاعات در بخارا ، ویکماه بعد یک هیئت سیاسی تحت ریاست محمد ولی خان به ترکستان و مسکو فرستاد ۰ این هیئت وظیفه داشت تابامقامات شوروی و سایر دول خارجی دربارۀ شناسائی حکومت جدید افغانستان واستقرارروابط سیاسی مذاکراتی انجام دهد ۰

محمـد ولی خان درراه عزیمت به مسکـو ، از بخارا نیز دیدن کرد و باشاه آن کشور ملاقات نمود ۰ امیر سید عالم، شاه بخارا دربارۀ ملاقات خود بانمایندۀ افغانستان می گوید که:

«۰۰۰ همراه وزیر مختار ملاقات نمودم دراثناء مصاحبت از این بندۀ عاجز مقصد شخصی سوال نمـود ۰ به جواب آن گفتم عین مشـوره همین خواهد بود که همراه بلشویک ها آغاز حرب نمایم زیراکه همین فرصت نهایت دلالت درضعف دشمن دیده می شود و وقت را غنیمت دانستن لازم است ۰ ازبسکه این وزیر مختار موصوف شخص دوربین و هوا خواه دولت اسلام می باشد برای من چنین پاسخ داد که شما همراه دولت افغانستان یکی هر دوبرادرهستید ، یکی شما الحال درمقابلۀ دولت برتانیه کمر بسته آغاز حرب نموده شماهم از انیطرف با دولت بلشویک همین رفتار نمائید مبادا خدا ناکره بواسطه شماهر دو برادر خدام ملت سبب خرابی دو دولت بعالم اسلام ظاهر گردد و تعجیل بکارنبریدتا دیده شود که کار برادران تان به کجا انجام خواهد یافت ۰ بعد ازان به صلاح و مشورت همدگر کار نمائید بهتر خواهد بود ۰» (ص ۱۷ ـ ۱۸ ، **خاطرات شاه بخارا۰**)*

همچنان موصوف بامقامات روسی حاکم برترکستان نیز مذاکراتی انجام داد که درنتیجۀ این مذاکرات میر محمد اسلم خان میرشکار و عبدالشکور خان مامور وزارت خارجه ، به صفت نمایندۀ سیاسی و سفیر مختار افغانی در تاشکند و بخارا فرستاده شدند واز بخارا نیز

---

* ـ این حرفها عیناً همان توصیه ئی را بیاد میدهد که در جریان آمادگی اسرائیل جهت حمله بر مصر (سال ۱۹٦۷م) سفیر روس به جمال عبدالناصر گفته بود ۰ وی به رهبر مصر سفارش کرده بود که شما بفکر حمله نباشید تا ملامت نشوید و اسرائیل هرگز در صدد حمله به مصرنیست ۰ ولی فردای آن طیارات اسرائیل مصر را غافلگیر کرده میدان هوائی اش را بمبارد نمود و تمام طیارات آنرا از بین برد ۰

سفیری عازم دربار کابل گردید • بهمین ترتیب امیر امان الله تعدادی از نظامیان که شاه بخارا آنرا دو صدنفر می گوید، تحت فرماندهی فضل احمد خان برگد همراه بایکدسته موزیک ، ۷ توپ و ۷ فیل به بخارا فرستاد • (ص ۲۰ خاطرات شاه بخارا) تانشان دهد که وی دوست بخارا و مدافع حقوق مردم مسلمان آنست و آنهم درشرایطی انجام شد که درخواست شاه بخارا قبلاً در زمان امیر حبیب الله خان بکابل مواصلت کرده بود • (افغانستان درمسیر تاریخ صفحهٔ ۷۸۶) و امان الله خان مجبور بود دران مرحله بحیث یک عمل نمایشی به چنین اقدامی متوسل گردد •

تمام کمک و روابط افغانستان با بخارا از ماه فبروری ۱۹۱۹ تاحملهٔ روس درآن کشور و هجرت سید عالم شاه به افغانستان (فبروری ۱۹۲۱) ، فقط درهمین دو حرف خلاصه گردید وبیش از این چیزی وسندی درتاریخ وجودندارد • برعکس ناجوانمردی هائی صورت گرفته است که در دنبالهٔ همین مبحث میخوانید •

هیئت افغانی درمسکو و ادامهٔ محبت نامه ها

محمد ولی خان رئیس هیئت افغانی در اکتوبر ۱۹۱۹ به مسکورسید و تا دسمبر ۱۹۲۰ دران کشور باقی ماند و بعد از دیدار و ملاقات بالینن ، مذاکرات خویش را با چچرین وسایر مقامات روسی ادامه داد • دراثر تلاش و کوشش هیئت افغانی درمسکو و مساعی هیئت روسی در کابل که در گذشته ازان یادکردیم دو طرف درساحات مختلف تجاری واقتصادی به موافقت هائی نایل گردیدند • یکی از این موافقات تعیین کمیساران سرحدی بود که برای اولین بار دسته ئی ازگ ، پ ، ئو (سازمان جاسوسی روس) یا هستهٔ فساد وفتنه ، بحیث کمیساران سرحدی درهرات وبلخ ومیمنه وارد افغانستان شدند • درجریان اقامت هیئت افغانی به مسکو وادامهٔ مذاکرات شان بارهبران این کشور ، وزیر خارجه افغانستان مرحوم محمود بیگ خان طرزی ، بتاریخ ٤ مارچ ۱۹۲۰ مطابق حوت ۱۲۹۸ هـ • ش مکتوبی عنوانی وزیر خارجهٔ روس صادر فرمود ونوشت که :

«خدمت جناب فخامت نصاب وزیر امور خارجهٔ دولت علیه شورای روس دام مجده العالی ! مقصد از تحریر رقیمهٔ این دوستدار که به جواب نامهٔ وزارت پناهی تقدیم می شود ، افتتاح راه مکالمه است با آنجناب تابواسطهٔ مکالمهٔ تحریری مقاصد ما فی الضمیری درمیان آید ، آنجناب فخامت مآب از دریغ نفرمودن کوشش خود درراه استحکام مناسبات دوستانه فیمابین دولتین مستقلتین همجوار بیان فرموده اند که الحق سعی مشکور همچنین کوشش هارا باید گفت : زیرا استحکام مناسبات دولت بهیه شورای روس با دولت علیه افغانستان نه تنها فایدهٔ متقابله دولتین را داراست ، بل برای تمام عالم انسان خیر و سعادت بار میدهد•

شرق وسطی که درمیان یک ظلمتی مانده بود ممکن است که بواسطهٔ همین استحکام ومناسبات ، روشنی بخش دیدهٔ ایام گردد ٠ کذالک دولت شورای روس نیز اغلب احتمال است که بواسطهٔ همین دوستی با دولت افغانستان بتواند که بر مقاصد خود درشرق و غرب کامیاب آید ٠ منهم به آخر درجه به آنجناب همفکرم که بدرجهٔ ممکن درراه این ارتباط که خیر عالم انسان دران است کوشش ورزم ٠ از اظهار مسرت ولطف و معاونتی که دربارهٔ هیئت سفارت فوق العادهٔ دولت متبوعه ام ابراز فرموده اند کمال امتنان تقدیم شکران وبر استدعای دوستی دولتین خود وشما خاتمهٔ بیان مینمایم ٠»(١)

عجیب است که مرحوم طرزی باری درسراج الاخبار شمارهٔ ١٨ سال ١٢٩٧ هـ ٠ ش صفحهٔ ٧ـ٨ ، راه یابی روس ها را در افغانستان اسباب تباهی و هلاکت می داند و اینک در دورهٔ امان الله خان عقیدهٔ پارینه اش عوض می شود و دوستی با روس هارانه تنها برای افغانستان بلکه به تمام عالم انسانی «مایهٔ خیر و سعادت» میداند !!

توقع مرحوم طرزی از بلشویک ها درحکم عصا خواستن از نابینایان است و معلوم نیست این خوش بینی نسبت به نظام و مردمی که دشمن انسان و سعادت اوست ، چیست ؟

البته حسن نیت این هموطن عالیقدرما نسبت به روس ها و تفاولش دربارهٔ پیشروی آنان درشرق (از طریق دوستی افغانستان) کا ملاً صدق پیدا کرد وهمه دیدیم که بلشویک ها به کمک دوستی افغانستان بر سایر نقاط ترکستان و بخارا تسلط یافتند ٠ سپس رهٔ نفوذ خودرا تحت همین نام «دوستی» درکشور ما باز.کردند و در فرصت مناسب اشغالش نمودند و حالامی کوشند بایک خیز دیگر پاکستان راهم زیر پاکنند و خودرا به بحر هند و خلیج فارس که شاهرگ های حیاتی شرق و غرب به آن اتصال دارد ، برسانند ٠

ولی ایکاش مرحوم طرزی زنده می بود ومی دید که این مدعیان صلح و آزادی و این «افرشته های خیر و سعادت» چگونه کشورش را بخاک وخون کشیده اند وملیون ها هموطن مظلوم و معصومش را قتل ویا آواره نموده اند !!

کاش میٔ بود و می دید که چگونه این بی خدایان کج آهنگ وکج آئین برهمه معیارها وارزش های انسانی پانهاده وجز بندگی و بردگی وبربریت ووحشت وآدم کشی ، ارمغانی برای بشریت ندارند !

ای کاش فریادم بگوش مرحوم طرزی میرسید تاخدمتش معروض میداشتم که :

آنکـه دیشب هوس سوختن مامیکـرد
کاش می آمـد و امـروز تماشـا میکرد

بهر صوٌرت ، محمد ولی خان بنا بر مطلوبیت و موفقیت در ماموریتش از طرف شاه امان الله علاوه بر ریاست هیئت ، بحیث وزیر مختار و سفیر فوق العادهٔ افغانستان نیز در روسیه

---

١ ـ مناسبات افغانستان واتحادشوروی صفحهٔ ٩ ٠

منصوب گردید و وزارت امور خارجه بتاریخ ۲۲ جولائی ۱۹۲۰ مطابق سرطان ۱۲۹۹ هـ ۰ ش در اعتماد نامه ای که بدین مناسبت به مسکو فرستاد مرقوم داشت که :

«ازانجا که تشیید مناسبات همجواری تمهید لوازمات همسایه داری دولتین علیتین روس وافغانستان مصداق تدابیر خیر خواهانه ومساعی صادقانه عالیقدر جلالتماب دوست عزیزم جنرال محمد ولی خان سفیر فوق العادهٔ دولت علیه مستقلهٔ افغانستان بوده ومی باشد ، ازانرو جنرال معزی الیه اضافه بر ریاست اعضای محترم هیئت سفارت مرخصه به منصب جلیلهٔ وزیر مختاری دولت جمهوریه روسیه وحکومت جمهوریهٔ ترکستان از حضور شاهانه ام شرف امتیاز یافت تادرتعمیل فرایض حقوق شناسی و تعدیل مرام اقتصادی و سیاسی دولتین بموافقت دوستانه و مواظبت عاملانه جهد و کوشش نمایند و بموجب این اعتماد نامه مختار است که برای بهبود ترقی و تعالی دولت متبوعهٔ خود با حکومت جمهوریت روسیه و جمهوریت ترکستان مباحثات فواید آمیز و مذاکرات عواید انگیز درمیان آورده بعد از تصدیق حکومت مرکزی افغانستان بر عهد نامه دوستانه وسیاسیانهٔ دول مذکوره امضاء کند ۰ امداد دوستانهٔ وداد خیر خواهانه دولت بهیهٔ جمهوریهٔ روسیه را بامساعی عاملانهٔ عزتمند جنرال محمد ولی خان موافق میخواهم ۰»(۱)

محمد ولی خان از زمستان ۱۹۲۰ میلادی تاشروع مارچ ۱۹۲۱ درمسکو باقیماند و معاهداتی را با روس هابه امضاء رسانید که یکی از آن معاهدهٔ فبروری ۱۹۲۱ می باشد ۰ سپس در اول مارچ بنابر هدایت امیر امان الله خان عازم اروپا و امریکا گردید تازمینهٔ استقرار روابط دپلوماسی وشناسائی افغانستان را درسطح جهانی فراهم سازد ۰

حمله بر بخارا و موضع گیری حکومت افغانستان

روس های فرصت طلب و مکار همینکه افغانستات را دردام دوستی کشانیدند وازهر جهت اطمینان حاصل کردند ، طرح حمله بر بخارا را رویدست گرفتند و درحالی که لشکریان شان باروبنهٔ خودرا بقصد بخارا می بستند ، نمایندهٔ سیاسی شان در کابل بتاریخ ۱۸ اگست ۱۹۲۰ مطابق اسد ۱۲۹۹ هـ ۰ ش نامه ای عنوانی وزارت خارجه فرستاد و تذکرداد که :

«ستیشن رادیو (اصلاً مرکز تیلگراف بی سیم بود) با دستهٔ متخصصین ومیخانیک ها وارد گردیده است ، حکومت فدرالی شوروی روسیه از اعلیحضرت پادشاه افغانستان

---

۱ ـ مناسبات افغانستان واتحادشوروی صفحه ۱۰ ۰

خواهشمنداست آنرا بحیث مظهر دوستی که دربین کشور های ماموجود است بعنوان تحفه بپذیرند»(۱)

این تاریخ مصادف است بروز امضاء قرار داد صلح بین افغانستان و انگلیس که مذاکره دربارهٔ آن پس از متارکهٔ سوم جون ۱۹۱۹ راولپندی آغاز یافته بود ۰

در اواخر همین ماه (اگست ۱۹۲۰) روس ها بر بخارا حمله کردند و شاه آن کشور بعداز چهار روز مقاومت به شرق بخارا رفت و آنجا راسنگر گرفت ۰ در ۵ سپتامبر ۱۹۲۰ لشکر روس برمرکز بخارا و حومه اش حاکم گردید و جمهوریت جدیدی را بنام «جمهوریت ملی شوروی بخارا» اعلام فرمود ۰

در راس این حکومت چنانکه خصلت روس هاست ، دونفر اجیر خودرا بنام های محی الدین «اوف» و خواجه فیض الله «اوف» ، بحیث رئیس جمهور و وزیر خارجه تعیین کردند و چنان وانمودند که تحولات ودگر گونی دران کشور توسط «جوانان بخارا» صورت گرفته است ، و خونخواران روس هرگز دران دخلی نداشته اند ۰ درست آنچه که شواهدش را در افغانستان دیدیم و هنوزهم جریان دارد ۰

امیر امان الله خان نه تنها در برابر این اقدام حیوانی بلشویک ها و حمله و تجاوزبر یک کشور همسایه و مسلمان ، آهی نکشید و حرفی نگفت و حداقل احتجاجی نکرد ، بلکه بتاریخ ۱۸ سپتامبر یعنی ۱۳ روز بعداز لشکر کشی روس به بخارا وقتل هزاران مسلمان ، اهدای تیلگراف بی سیم را بهانه ساخته لینن را چنین مخاطب ساخت :

«با اولین تیلگرام که توسط مرکز رادیو تیلگراف که به قسم تحفه به افغانستان داده شده وبرای من خیلی ذی قیمت است ، برای رفیق بسیار محترمم لینن تشکرات خودرا تقدیم میدارم ۰»(۲)

متعاقب آن بتاریخ ۲۰ اکتوبر ۱۹۲۰ هیئتی را به بخارا فرستاد واین هیئت که ریاست آنرا عبدالهادی خان داوی بعهده داشت (و غلام صدیق خان چرخی و میرزاغلام حیدر خان عضو آن بودند) زمانی به بخارا رسید که هنوز امیر سید عالم شاه در دوشبنه با روس ها وایادی شان می جنگید و درسایرنقاط بخارا نیز قیام های ضد روسی واجیران شان ادامه داشت ۰ اما هیئت افغانی خلاف تمام موازین اخلاقی و اسلامی وهمسایگی وبین المللی ، حکومتی را که روس ها در مرکز بخارا رویکار آورده بودند برسمیت شناخت واز عدم مداخله وبیطرفی خود به روس ها اطمینان داد ، وچند نفرسپاهی افغانی را که درهمان آغاز بدست روس افتاده بود از زندان رها کرده بکابل برگشت ۰(۳)

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ : ۱۳ صفحهٔ ۱۰ ۰

۲ ـ مناسبات افغانستان و شوروی سند شمارهٔ ۱۵ صفحهٔ ۱۱ ۰

۳ ـ دربارهٔ تاریخ فرستادن هیئت ، موجودیت شاه بخارا در دوشبنه و اعلان عدم مداخله وبیطرفی افغانستان و برسمیت شناختن رژیم روسی دربخارا ، رجوع شود به کتاب : افغانستان درمسیر تاریخ صفحهٔ ۷۸۶ ـ ۷۸۷ ۰

ملاحظه می کنید که افغانستان درست چهل و پنج روز بعد از حملهٔ روس بر بخارا بدون کوچکترین عکس العملی ، سلطه و حاکمیت بلشویک هارا دربخارا برسیمت شناخته است ۰ در حالی که شاه بخارا تاشش ماه بعد از این شناسائی (تا فروری ۱۹۲۱) از خود و وطنش دفاع میکرد ، وتا هفت سال دیگرهم مردم بخارا علیه دشمن جنگیدند و جهاد سقوط نکرده بود ۰

نسبت دادن شکست به امیر سید عالم شاه وجبههٔ شرقی بخارا که بعضاً به آن استنادمی ورزند ، یکنوع بی انصافی ودست بردزدن به واقعیت های تاریخ است ۰ زیرا دران ایام نه تنها این جبهه شکست نخورده بود بلکه درتمام قلمرو بخارا قشر مسلمان وباایمان آن برضد روس ها و گماشته های شان می جنگیدند که قیام سال ۱۹۲۱ میلادی یکی ازآن موارد است ۰

به بینید یکی از افسران سازمان جاسوسی روس ها «آقا بکوف» که در اوایل جنوری ۱۹۲۲ [illegible] اوضاع واحوال بخارا بدانجا ماموریت یافته است ، دراینیاره چه می گویند :

«وضع سیاسی بخارا فوق العاده پیچیده بود و گروههای شورشی سراسر ترکستان را به آشوب کشیده بودند ۰ این گر وه که روز بروز برتعداد نفرات واهمیت شان افزوده می شد ، هردم به شهـر ها حمله کرده واروپائی ها (روس های سفید) را از دم تیغ میگذرانیدند وباعث شده بودند که نقشه های لینن دربارهٔ ترکستان نقش بر آب شود ۰»(۱)

درجبههٔ شرقی نیز وضع بدینمنوال بود وهمین افسر سازمان جاسوسی روس که برای مدت کوتاهی به مسکو فرستاده می شود و مجدداً برای انجام ماموریت خویش به بخارا بر میگردد . درجای دیگری از خاطرات خود می نوسید که :

«درماه می ۱۹۲۲ به بخارا بازگشتم و درهمان قسمت ضد جاسوسی ارتش بخدمت مشغول شدم ۰ موقعیت ارتش سرخ درجبههٔ بخارا فوق العاده مغشوش وپریشان بود ۰ تمام قوای نظامی باوجـود آنکـه درقسمت شرقی بخـارا متراکم شده بودند ولی حتی یکوجب جرأت پیشروی بسوی شورشیان رانداشتند ۰ روحیهٔ آنها ضعیف وتدارکات شان غیر کافی بود۰»(۲)

ملاحظه می کنید ! این حرف من نیست ، حرف یک برادر مهاجر بخارائی من نیست ، حرف یک نویسنـدهٔ مسلمان نیست! حرف یک نفـر روس است وآنهم افسـر جاسـوسی و اطلاعاتی آن که دیگر جائی برای انکار وتردید وجود ندارد ۰ این خود تصویری است از واقعیت ها وبخوبی میرساند که حتی درسال ۱۹۲۲ م سرتاسر ترکستان به قیام و مقاومت

---

۱ ـ خاطرات اقا بکوف صفحه ۳۷۰

۲ ـ خاطرات آقا بکوف صفحهٔ ٤٥۰

مسلمانان آزادی خواه مواجه است و درجبههٔ شرقی بخارا نیز روس هارا بزانو در آورده اند !!

ولی دریغ وحیف که این مقاومت ومردانگی رزمندگان مسلمان بخارا و ترکستان از هیچ سو یاری نشد وهیچ نوع پشتوانه ئی نداشت ۰ وسر انجام بعلت بی اعتنائی ها و بی التفاتی وسیر بینی جهان اسلام و حکومات بی درد و ابن الوقت همسایگانش ، بخارا آن مهد فرهنگ و تمدن اسلامی درکام اژدهای سرخ فرورفت ورهٔ نفوذ و پیشروی اش بسوی مرزهای افغانستان نیز هموار گردید ۰

برعکس ، دران ایام که روس ها دربخارا مشغول قتل عام مسلمانان بودند و فریاد کودکان معصوم آن برفضای کابل طنین افگنده بود ، هیئت افغانی درمسکو باتمام اخلاص و صداقت مشغول تهیهٔ آخرین متن معاهدهٔ تجاری و سیاسی بود که ماه ها قبل روی آن کارمی کر دند و امیر امان الله خان بتاریخ اول دسمبر ۱۹۲۰ مطابق قوس ۱۲۹۹ (٤ ماه بعد از حمله روس بربخارا) دررابطه به این معاهده ، نامهٔ ای به لینن فرستاد که در آغاز آن چنین آمده است :

«جناب فخامت انساب شفقت گستر ، مدنیت پرور ، حامی ملل شرقیه ودوستدار دولت و ملت آزاد افغانیه ، اعلیحضرت رئیس جمهوریهٔ دولت معظمهٔ روسیه را زاد الطافه :

مذاکرات اخیره که برحسن مناسبات دوستانهٔ همجواری واساسات معاملات مخادنت کاری (؟) در مابین حکومت جمهوریه شوراهای روسیه که درزیر ریاست عالی شانست و حکومت شاهانه ام بحسن صورت ختام یافته و مسئله را بیک معاهدهٔ دوستانه ربط داده بذات عالی رفیق خودم ، رئیس لینن تبریک وبه این وسیله اظهار ممنونیت نموده امید می کنم که یک آن اولتر معاهدهٔ مذکور به تصدیق رسیده احکام مندرجه آن تطبیق وبه موقع مرعیت ایصال کرده شود ۰(؟)»

درادامهٔ سخنان خود چنانکه محکومی به حاکم عرض حال کند ، ترسان ترسان وستایش کنان (محض برای سجع بیت و اغفال مردم افغانستان) موضوع بخارا را اینطور مطرح کرده و می گوید :

«حکومت جمهوریهٔ شورائیه روسیه به سببی که نیات وحسیات خیر خواهانه خودش را برفع وامحای سیاست جهانگیری از تمام دنیا وعلی الخصوص خلاص نمودن ملت های شرق را از استبداد جهانگیران دنیا و برتائید اینکه هر ملت مقدرات حاکمیت خودش را خودش تقدیر کند ، مصروف ومعطوف شده آمده است ، از آنرو یگانه سبب بزرگترین حسن تنظیم وتنسیق مناسبات حکومت شاهانه ام باحکومت جمهوریه شوراهای روسیه همین مسئلهٔ تعهدات متقابله که درمعاهِدهٔ منعقده در دایرهٔ عین همان

سیاست بر مصوونیت و محفوظیت استقلال کاملهٔ حکومت های بخارا و خیوه معطوف می باشد آنرا نیز یک دلیل مادی همان افکار حریت پرورانه تلقی مینمایم ۰»(۱) وبه همین ترتیب نامه اش رابه تقاضای کمک مادی از روس خاتمه میدهد ۰

مکتوب دیگری هم درهمان تاریخ از طرف وزیر خارجهٔ افغانستان عنوانی وزیر خارجهٔ روس صادر گردید که متن و محتـوای آنها شبیه همدگربود ۰ تنها در اخیر نامه از وزیر خارجه روسیه تقاضا شده بود که محمد ولی خان را درراه عزیمت بدولت های اروپائی غرض ابلاغ پادشاهی امیر امان الله خان مساعدت کند ۰

مسلماً آداب وآئین رسمی و معیار های انسانی حکم می کند که هرنامه و نوشته ئی توأم با احترام ورعایت تعارفات و نزاکت های دپلوماسی و مناسب با احوال جانب مقابل باشد ۰ ولی کسی مانند لینن که هنوز ازچنگ ودندانش خون ملت بخارا می چکید ، به هیچ اسم ورسمی مستحق القابی چون «مدنیت پرور» و«حامی ملل شرق» نبود ! و یاد کردن از مسئلهٔ بخارا تا این حد گنگ و ملفوف جزیک بازی سیاسی مفهومی نداشت !!

عجب تر آنکه بدنبال نامه های یاد شده و درست یک هفته بعد از رسیدن شاه بخارا بکابل ، معاهده ای را که دربالا ازان نام بردیم با روس ها امضاء کردند وبدین وسیله دروازه های افغانستان وراه استثمار واستعمار را رسماً بروی این قوم غدارو خاین باز نمودند ۰ متن معاهدهٔ مذکور از اینقرار است :

«معاهده فی مابین افغانستان و روس ، مورخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ مطابق دهم حوت ۱۲۹۹هـ ۰ ش بمقاصد استحکام مناسبات دوستانه فیما بین افغانستان و روس و برای محـافـظهٔ استقـلال حقیقی افغانستان دولت علیه بهیه افغانستان از یکطرف و دولت جمهوریه شوروی فیدراتیف سوسیالستی روسیه از طرف دیگر عقد این معاهده را مقرر نمودند ۰

فقرهٔ اول

طرفین عالیین معاهدین استقلال یکدیگر را اعتراف نموده متعهد هستند که آنرا محترم بشمارند و فیمابین خود بمناسبت سیاسیهٔ صحیحه داخل میشوند ۰

فقرهٔ دوم

طرفین عالیین معاهدین متعهد هستند که با دولت سوم درموافقه نظامی و سیاسی که ضرر بیکی از طرفین معاهدین برساند داخل نخواهند شد ۰

فقره سوم

سفارت ها و قونسلگری های طرفین عالیین معاهدین امتیازات سیاسی را بموافق عادت های بین المللی مساویاً و متبادلاً دارا هستند ۰

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ ۱۶ ، صفحهٔ ۱۱ ـ ۱۲۰

تشریح اول : در آنجمله :

الف ـ حق برافراشتن بیرق دولتی ۰

ب ـ مصوونیت اجزای فهرست شدهٔ سفارت ها وقونسل خانه ها ۰

ج ـ مصوونیت مراسلات سیاسی واجراآت خدمتی قاصد ها وهرگونه دستیاری متبادل ۰

د ـ درگفتگوی درتیلفون ، تلیگراف بی سیم و تلیگراف سیم دار بموافق حقوق نمایندگان سیاسی.

ه ـ عمارت های سفارت ها وقونسلگری های طرفین عالیین معاهدین امتیاز خارج از مملکت را دارا هستند ولی برای کسانی که حکومت محلیه رسماً آنهارا متجاوز قانون های مملکت خود بداند ملجاء و پناگاه شده نمیتواند۰

تشریح دوم :

سفارت های طرفین عالیین معاهدین متبادلاً دارای «آتشه ملیتر» هامیباشند ۰

فقرهٔ چهارم

طرفین عالیین معاهدین به افتتاح پنج قونسلگری جمهوریه شوروی فیدراتیف سوسیالستی روسیه درخاک افغانستان وهفت قونسلگری دولت علیه بهیه افغانستان در خاک روسیه از آنجمله پنج قونسلگری در آسیای وسطی روسیه اتفاق متبادل میکنند۰

تشریح :ـ علاوه برقونسلگری های مذکور افتتاح قونسلگری ها ونقاط قونسل خانه های دولت روس ، دولت افغانستان در اوقات آینده درهر موقع علیحده بعد از موافقهٔ مخصوص بین طرفین عالیین معاهدین مقرر می شود ۰

فقرهٔ پنجم

قونسلگری های روسیه در امصارهرات ، مزار شریف ، قندهار ، غزنین ومیمنه مقرر می شوند و جنرال قونسلگری دولت علیه افغانستان درپطروگراد ، قازان ، خوقند ، سمرقند ، مرو و کراسناودسک مقررمی شوند ۰

تشریح :ـ ترتیب وقت افتتاح حقیقی قونسلگری های افغانستان در روسیه و قونسلگری های روسیه در افغانستان ازطرف طرفین معاهدین بموجب موافقه جداگانه تعیین می شوند ۰

فقرهٔ ششم

روسیه قبول می کند به ترانزیت آزاد وبی محصول از خاک خود هرنوع احمال راکه افغانستان چه درخود روسیه بتوسط ادارات دولتی بخرد وچه بلاواسطه از خاک خارجه خریداری نماید ۰

فقرهٔ هفتم

طرفین عالیین معاهدین آزادی ملل شرق را به اساس خود مختاری و به موافق خواهش عمومی هر ملت از ملل آن قبول می کنند ۰

فقرهٔ هشتم

بنابر اثبات فقرهٔ هفتم معاهدهٔ هذا طرفین عالیین معاهدین استقلال و آزادی حقیقی دولت بخارا و خیوه را بهر طرز حکومتی که بموافق خواهش ملل آنها باشد قبول می کنند ۰

فقرهٔ نهم

برای اجرا کردن وعدهٔ حکومت جمهوریه شوروی فیدراتیف سوسیالستی روسیه بتوسط رئیس ان جناب لینن به جناب وزیر مختار دولت علیه افغانستان داده شده است ، دولت روسیه قبول می کند که زمین های واقعه درمنطقه سرحدی که درقرن گذشته متعلق به افغانستان بوده است ، به افغانستان تسلیم کند ، با مراعات اساس عدل وانصاف و خواهش آزادانهٔ مللی که دران زمین ها سکنی دارند ۰ ترتیب اظهار رضا و تعیین آرای اکثریت اهالی دائمی آنجا ، بموافقه جداگانه بین دولتین بتوسط وکلای طرفین قرار داده می شود ۰

فقرهٔ دهم

برای استحکام مناسبات دوستانه فیمابین طرفین عالیین معاهدین حکومت جمهوریه شورویه فدراتیف سوسیالستی روسیه قبول می کند که به دولت افغانستان امداد نقدی و دیگر امداد مادی بدهد ۰

فقرهٔ یازدهم

معاهدهٔ هذا بزبان های فارسی و روسی مرقوم شد وهرد و متن حق مساوی دارند ۰

فقرهٔ دواز دهم

معاهدهٔ هذا بعداز اثبات حکومت های طرفین عالیین معاهدین صورت قانونی خودرا حاصل می کند ومبادله تصدیق نامه ها درکابل می شود ۰ وبرای اثبات کردن این مطلب و کلای مختار طرفین این معاهده را امضاء کردند وآنر به مهر خود ممهور نمودند ۰

تحریراً درشهر مسکو بتاریخ ۲۸ ماه فبروری ۱۹۲۱ میلادی مطابق دهم حوت ۱۲۹۹ هجری شمسی ۰

محمد ولی وزیر مختار

مرزا محمد خان — گ ۰ و ۰ چچرین

غلام صدیق خان — ل ۰ م ۰ قارا خان»

در واقع این اولین معاهده ای بود که بعد از رویکار آمدن امیر امان الله خان بایک کشور خارجی انعقاد یافت و حکم «مطلع» نا میمونی را داشت که مقطع آنرا با خون نوشتند وبا خون نقش بستند ٠

تا جائی که مشهود است فقرهٔ دوم قرار داد مذکور، حق خود ارادیت و آزادی افغانستان را بحیث یک کشـور مستقـل نقض کرده است وهیچ تفاوتی با قراردادهای قبلی امیران افغانستان با انگلیسهاندارد ٠

فقره های ۳ ، ٤ ، ۵ ماهیتاً تلاشی است که روس ها خواسته اند به استناد آن ، لانه های جاسـوسی خودرا درافغانستان مستقر سازند وفعالیت های تخریبی و مراکز تبلیغاتی شان مصوون و تضمین باشد ٠

در فقرهٔ ششم تنها به ترانزیت آزاد اشاره شده وبس وهیچ نوع تضمین و شرایطی نسبت به عبور مال التجارهٔ افغانی از خاک روس اشاره و پیش بینی نشده است ٠

در فقره های ۷ ، ۸ و نهم هیچ ذکری از خروج عساکر روسی درمیان نیست و درشرایطی که قوای آن کشـور عملاً مواضع مذکور را تحت تسلط خود داشتند ، صحبت از آزادی واستقلال ، جز مضحکه ای بیش نبود ٠

هکذا حرفهای مشروط و مقید روس ها دراین فقره و حوالهٔ فیصلهٔ موضوع به آینده ، جزء همان سیاست ها و کلاه بازی هائی بود وهست که تا امروزهم تکرار می شود وهیچگاه وحتی برای یکبار هم درتاریخ عملی نشد ٠ و درهمین بحث خواهیم دید که اربابان کر ملن علاوه برینکه یک گامی هم درجهت عملی شدن وعده های خود برنداشتند ، بر ملکیت های دیگر افغانستان هم بنای دست درازی کردند ٠

خلاصه که سنگ تهداب دوستی روس با افغانستان ازهمان آغاز کج نهاده شده بود و گذشت زمان ثابت ساخت که ازاین قوم هر گز و هرگزراستی برنمی آید ٠

پس از امضاء معاهدهٔ مذکور نامه هائی ازلینن و وزیر امور خارجه روس عنوانی امیر امان الله خان و محمود بیگ خان طرزی بکابل مواصلت نمودکه دران از امضاء معاهده وبه ثمر رسیدن مساعی محمد ولی خان به امیر افغانستان چشم روشنی داده بودند ٠ ودربارهٔ موضوع بخارا وخوارزم ، لینن گفته بود که :

«مابه نمایندهٔ فوق العادهٔ خود جناب سوریتس حواله کردیم که شخصاً از افکار ما به شما آگاهی بدهد» و وزیر خارجه اش اظهار نموده بود که :

«مناسبات مانسبت به استقلال جمهوریت خوارزم وهمچنین استقلال جمهوریت بخارا که درین اواخر تشکیل وتنظیم امور داخلی خودها رابه اتمام رسانیده اند بطور دائمی به اساس خط مشی خلل ناپذیری دوام داده خواهد شد که مردم این دول رابطور

کامل مستقل و آزاد به موفقیت هائی که افغانستان نایل گردیده است نایل گردند ۰»(۱)

این قول و قرار هاکه هیچگاه عملی نشد و حرف حرفش گواه حقه بازی و تذویر و دروغ است ، ازهمان آغاز حیثیت دامی را داشت که پای فکر وارادهٔ زمام داران افغانستان رابه آن بستند وبا استفاده از ضعف وناتوانی ایشان تدریجاً چنان گرهش زدند و قائمش کردند که مجال تپش نماند واینک ملت افغانستان چون صید پرشکسته ای دران می تپد ومی غلتد وجان میدهد تا باشد که آن دام بگسلد وآن رشته منقطع گردد ۰

وچه دردناک است که اتکاء بر احساسات و منافع آنی وعدم شناخت وبی اعتنائی هاگاهگاهی درتاریخ فاجعه می آفریند وسیر تاریخ و زندگی سالم و طبعی ملت هارا زیر و رو می کند ۰

بتاءسف باید گفت که همهٔ این تپیدن ها ونامه ها وپیک ها ونماینده ها وقرار دادها وشعارها وادعاهای دوستی ونزدیکی ، دربدو امر (علاوه بر رهگشائی بسوی جنوب) فقط و فقط برای آن بود که روس ها از افغانستان بحیث یک وسیلهٔ فشار علیه انگلیس استفاده کنند ۰ زیرا زمانی که روس ها درترکستان بنای پیشروی کردند ، انگلیس هاهم از گوشهٔ دیگر آن بحرکت افتادند ، وچون روس ها دران مرحله تاب و توان رویا روئی و مقابله با انگلیس نداشتند ، به سلاح توطهٔ و تبلیغ و تحریک و دپلوماسی متوسل شدند واین طرح و توطهٔ فوق العاده موثر افتاد ۰ چنانچه دولت انگلیس نسبت به این فعالیت ها ، درسال های ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ میلادی چندین بار به افغانستان وروسیه شدیداً احتجاج نمود ۰ ودریکی از این اعتراض نامه ها از دولت افغانستان خواست تا قونسلگری های روس را از افغانستان خارج کند ۰ همچنان در یادداشت دیگری که راجع به قرارداد فبروری ۱۹۲۱ روس وافغانستان صادر فرمود ، نسبت به مکتب تبلیغاتی تاشکند ، دعوت هندی ها به مسکو و تبلیغات برضد انگلیس درایران ، افغانستان ، هند ، ودرخواست روس مبنی برتاسیس قونسلگری در جنوب افغانستان شکایت نمود ۰(۲)

ولی باتمام این احوال همینکه بلشویک ها ازان مراحل دشوار گذشتند ومجال تنفس یافتند ، باردیگر با انگلیس ها کنار آمدند و هردو روی منافع مشترک خویش درساحات مختلف تجاری و سیاسی واقتصادی و مخصوصاً جلوگیری از اتحاد مسلمین ، بایکدیگر به همکاری پر داختند ۰ وانگاه روس ها مطابق به نقشه ها وبرنامه های پیش بینی شده وبا امکاناتی که برای شان فراهم آمده بود ، کارهای خودرا در افغانستان آغاز کردند و وزارت خارجهٔ روس درراب‍طه با اهداف و چگونگی برنامه های خویش به نمایندهٔ شان درکابل دستور العملی فرستاد که متن آن این است :

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی اسناد شمارهٔ ۱۹ و ۲۰ ، صفحهٔ ۱۸ ـ ۲۰ ۰

۲ ـ افغانستان درمسیر تاریخ صفحهٔ ۸۰۶۰

هدایت نامه کمیسارملی امور خارجه سوسیالستی روسیه به نماینده‌ٔ مختار شان در افغانستان مورخ ۳ جون ۱۹۲۱ مطابق جوزای ۱۳۰۰ هـ ش

«رفیق محترم ! شما به وظیفه ای تعیین می شوید که تا بحال آنرا رفیق سوریتس اجرا میکرد واین درآوانی است که ما با دولت بریتانیه قراردادی رابه امضاء رسانیده ایم و مارا مجبور گردانیده است که طور مخصوص نسبت به افغانستان همان اوامری که داده شده است مراعات بشود برشما مسوولیت هائی گذاشته است که طور محتاطانه محتویات و دستورات متضمن قرارداد بریتانیه و روسیه را درموضوعات سیاسی خویش در افغانستان رعایت نمائید ۰ درعین حال درترسیم این خط مشی یک فضای مشخص که عبارت از عامل مهم سیاست ما محسوب میگردد مدنظر قرار داده شود ۰ درسیاست داخلی و خارجی اتجاد جماهیر شوری درزمان حاضر طور مجموعی باید اصلاحات بعمل آید ۰

(۰۰۰۰۰) وضع حاکمهٔ دولت بریتانیه در بازار اقتصاد جهان خیلی برای مادارای اهمیت است نظر به این همکاری اقتصادی ، با دولت بریتانیه خیلی مهم است باید بطور صلح جویانه درزمینهٔ اقتصادی با دولت بریتانیه همکاری کینم ۰ در سیاست خویش در آوان خدمت درشرق بایـد شما وضع عمومی مارا مدنظر قرار داده باید درنوبت اول درقسمت پیشرفت اقتصادیات ما زحمت کشیده شود و برای همین مقصد است که مابا دولت بریتانیا به کار آغاز کرده ایم ۰

شما باید از حقایق سیاست ما که درفوق تشریحات داده شده است دستور گرفته ودر امور سیاسی مادر شرق ازان غافل نباشید سیاست ماسیاست صلح وهمکاری بین مرد مان است ۰ درزمان حاضر که مردم شرق از مردم پس مانده حساب می شوند پس آنها خیلی جدیانه درپیکار با اقتصادیات جابرانهٔ دول خارجه می باشند و درین موضوع اقتصـادیات روسیه شوروی یگانه دوست شان شناخته شده میتواند ۰ سیاست مادر شرق تجـاوز کارانـه نبوده (لعنت و نفرین بر دروغگو) وآن عبارت از سیاست صلح جویانه ودوستانه می باشد شما باید درتمام موارد اجراآت خویش بطور مسلسل این موضوع مهم را پیش انداخته وخصوصاً درکابل برای خود یک عنصر اساسی شماریده ودرتمام امور خویش از دوستی با افغانستان خودداری نه نمائید دوستی اجراآت ذات البینی را مسبب است با درنظر گرفتن خواهش های ماتاحد امکان درترقیات مملکت افغانستان از هیچگونه همکاری خود داری نکنید وما حاضریم درصحنهٔ صلح جویانه آنچـه در قدرت ماباشد درین زمینه از افغانستان دریغ نه نمائیم ۰ شماباید احتیاجات افغانستان را معلوم کرده واز خواهش های حکومت آن خودرا آگاه ساخته تاکه طور عملی در عملی کردن مواد قرار داد ترقیات انرا فراهم ساخته بتوانیم ۰ برای شما دستور

داده می شود که طور مخصوص فکر خودرا به امور اصلاحی و پروگرام امیر معطوف نمایید ۰ در دورهٔ موجوده وضع افغانستان مطابق به وضع مطلقیت معارفی سالهای قرن هژدهم روسیه مشابهت دارد وبرای آن حیات مترقی یک کار لازمی شناخته می شود ۰ مابايد درهيچ موقع خودرا طرح گزارندهٔ ترقيات امور اقتصادی افغانستان حساب نه نمائیم۰ درین مورد خوب فهمیـده می شود که باید یک دقیقه این موضوع را از خاطر تان دور نکیند که دربین پروگرام کمونستی ما و پروگرامی که امروز حکومت افغانستان میخـواهد آنرا عملی نماید تفاوت خیلی بارز و نمایان و فوق العاده وجود دارد مابايد برای لحظه هاهم روی خودرا نه پوشانیم اماتمام این ملحوظات مانع آن شده نمی تواند که در امور اصلاحی امیر افغانستان ووضع مطلقیت آن درین مملکت معاونت وهمکاری نه کنیم ۰ ماهیچگاه نمیتوانیم پیرو رژیم شاهی ویا هواخواه مطلقیت باشیم وضمناً این برای عموم باید واضح باشد که درامر اصلاحات امیر افغانستان که در مملکت خود شروع کرده است هر معاونتی که از قدرت ما باشد خودداری نخواهیم کرد ۰

شما باید طور جدی از سهوهای فاحش کوشش های مصنوعی دربارهٔ پهن کردن نظريـات کمونستی درمملکت خودداری نمایید وما برای حکومت افغانستان میگوئیم : مایکنوع ساختمان وخط مشی داریم وشما دیگر نوع خط مشی دارید ، مایک عقیده داریم و عقیدهٔ شما دیگر است ۰ اما کوشش هردوی مابرین یکجا میگردد که هر دوی مابرای پایه داری خودارادیت تام استقلال وفعالیت آزاد منشانهٔ مردم خویش درتلاش هستیم ۰ مادر امور داخلی شما دخالت نمیداریم و مانع فعالیت آزاد مردم شما نمیشویم ، مابـه تمام معنی برهر گونه همکاری که رول انکشافی در ترقی مردم شما داشته باشد حاضریم ۰ ماهیچگاه درنظر نداریم بمردم شما چنین پروگرامی راتحمیل نمائیم که برای آن این پروگرام در امرترقیات شان بیگانه محسوب شود ۰

از طرف دیگر شما باید این موضوع را مدنظر قرار بدهید که برای ما بعضی تمایل محافل افغانی خطرناک می باشد وآنها میخواهند یک اتحادیهٔ رجاعی دول اسلامی درتحت رهـبری افغـانستـان بوجـود بیاورند ۰ تابحال جواسیس بریتانیه از هرگونه مساعدت دراین حرکت خطرناک محافل افغانی که برای مامحسوب میگردد خودداری نکرده اند ۰ مابا وفاداری کامل قرارداد منعقد بابریتانیا را عملی نموده ایم وما ازطرف خودها مجاز هستیم وحق داریم به انگلستان بگوئیم که دولت بریتانیه در امر اجرا آت بعضی محافل افغانی که نظریات پان اسلامیزم (دارند) وآنرا جواسیس بریتانیه معاونت مینـمایـد بحـالت موجـودهٔ آسیای میانهٔ اتحاد شوروی خطرناک محسوب میگردد ، خودداری بنمایند. همکاری صلح جویانه دربین مردم بطور قطعی قبل ازهر چیز باید بشکل تبادل اموال باشد وافغانستان در زمینه برای ماخیلی ذی قیمت محسوب میگردد ۰

درین جالازم نیست که دربارهٔ جزئیات آن توضیحات داده شود چراکه این وظیفه کمیساریت تجارت خارجه محسوب میگردد ۰ (۰۰۰۰)

نظریات اساسی که ذریعهٔ آن به تمام مسائل که درپیش شما قرار دارد تماس حاصل میدارید عبارت از خاصیت تأنی دربارهٔ زمان ما ، انکشاف ما و مناسبات جهانی بصورت عموم است ۰ (۰۰۰۰۰۰۰)

ترقیات تاریخی دروضع موجوده خیلی بطریق آهسته درپیشرفت می باشد ۰ وظایفی که باید ما اجرانمائیم طوری تخمین گردیده است که باید مدت زیاد دوام بنماید ۰ بطور حقیقی ومشخص اجراآت مابا کشورهای دیگر متضمن کارهای طاقت فرسا و مستلزم تأنی می باشد ۰ اینک باین موجب درقبال شما در افغانستان چنین نوع مسوولیت وجود داردکه برای تمام حیات ووضع اقتصادی وسیاسی همهٔ ماخیلی حایز اهمیت می باشد ۰

باسلام کمونستی ۰ چچرین»(۱)

در این مکتوب باوجودی که حین نشرو افشای ان ، نکات بسیار حساس ومهمش حذف گردیده است ، مع هذا مسائل عمده ومهمی بچشم می خورد که دقت درآن ، اهداف ونیات روس رابخوبی آشکارمی سازد ۰ و آن این است که :

۱ ـ روس ها به شدت از روحیهٔ اتحاد بین ممالک اسلامی نگران هستند وبه آن مخالفت می کنند و آنر ناشی از تحریکات انگلیس میدانند ، درحالی که ملت افغانستان درچنان روز هائی تازه از سلطهٔ انگلیس و جنگ با این کشور فراغت یافته بود و خشم و عصبانیت و نفرت مردم هنوز در برابر بریتانیا فروکش نکرده بود واز انگلیس ها اثری در افغانستان دیده نمی شد ۰ علاوه بران خود انگلیسان در تخریب اتحاد مسلمین . باشوروی و بعضی دیگر از کشور های غربی هم پیمان بودند وبه هیچوجه نمیخواستند نهضت پان اسلامیزم قوام پذیرد ۰ چنانچه کشورهای انگلستان ، فرانسه ، ایتالیا و روسیه از نفوذ وسلطهٔ روز افزون امپراطوری عثمانی که برمنطقه پهناوری از جهان فرمانروائی داشت ، احساس خطرمی کردند و برای تضعیف ساختن وبهم زدن نضج یابی مفکورهٔ پان اسلامیزم و دولت عثمانی ، همه باهم نقشه ها طرح کردند وبا مسلح ساختن اروپای شرقی که همه از متصرفات دولت عثمانی بود ، این کشورهارا علیه امپراطوری عثمانی برانگیختند و ضربات کو بنده ای برآن وارد نمودند ۰ غربی هاو روسیه که جلال و شکوه اسلام چون خاری درچشم شان بود به تحریکات خود اکتفا نکرده خود شان نیز دست بکار شدند و درسال ۱۸۷۸ میلادی پیمان «سان ستیفانو» را منعقد کردند که دران استقلال دولت های رومانی ، کوه سیاه و صربستان

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ ۲۱ ، صفحهٔ ۲۱ ، ۲۲ ۰ چون این هدایت نامهٔ تنها در آرشیف وزارت خارجه روس بوده است از انرو نکات حساس و مهم را حذف کرده اند و جاهای سفید ونقطه نقطه بین قوسین در اصل به همین شکل است ۰

تصویب گردید و کشور بلغارستان رابوجود آوردند ۰ این دولت های نوخاسته به محض جدا شدن ازتحت الحمایه گی عثمانی دربرابر این امپراطوری به مخاصمت برخاستند وبدین ترتیب دولت عثمانی را به ضعف وزبونی کشانیدند ، ودر نتیجهٔ همین احساس ضعف مجبورشد موافقت نامه و پیمان ۱۸۷۸م لندن را که درآن به کشتی های روسی و غربی اجازهٔ عبور از آبنای باسفور و در دانیل داده شده بود ، به امضاء برساند ۰ این قرار داد بین کشور های غربی و روس ازیکسو و ترکیه از سوی دیگر منعقد گردید و روس ها به مهمترین هدف خود دست یافتند ۰

روسیه و غرب تحریکات و تخریبات خود را علیه امپراطوری عثمانی یعنی درخشان ترین دورهٔ نفوذ اسلام درجهان ، به همین جا خاتمه ندادند بلکه ازطریق تحریکات و تشبثات بی شرمانه وحتی فرستادن سپاه و اسلحه ، دنیای عرب را از پیکر دولت عثمانی جدا کردند وبعد بخدمت خود آنان نیز رسیدند وبساط نظام اسلام و خلافت را متفقاً دران کشور بر چیدند ۰

۲ ـ هدایت نامهٔ مذکور مداخله صریح در امور داخلی افغانستان بوده و خلاف معاهده ئی می باشد که خود آنرا امضاء کرده بودند و حقه بازی های روس ازهمین جاتبارز می کند۰

۳ ـ خود روس ها دراین مکتوب از انعقاد و قرار داد با انگلیس ، علیه اتحاد ونهضت پان اسلامیزم اعتراف می کنند ، بدین معنی که از قرار داد با انگلیس اشاره مینمایند ولی نام ومطلوب آنرا تذکر نمی دهند، واین همان قرار دادی است که دربالابه اجمال بیان گردید ۰

٤ ـ این مکتوب گویای آنست که روس ها بهترین راه نفوذ خودرا درکشورها از طریق تجارت بازمی کنند، چنانکه در افغانستان اینکار را کردند و وضع درسائر کشور هانیز بدین منوال بوده است ۰

٥ ـ از هدایت نامـهٔ بالابخـوبی پیداست که بعضی افغـان های بادرک و بااحسـاس از همان آغـاز دربارهٔ دوستی افغانستان و روسیه نگران بوده و علیه آن عکس العمل نشان داده اند ، ولی اربابان قدرت و اختیار سری برسم تائید تکان نداده اند ۰

٦ ـ این هدایت نامه صراحتاً بیان می کند که روس ها ازهمان آغاز گلیم اسلام و آزادی را درترکستان جمع شده می انگاشتند وازهر نوع فعالیت اسلامی در افغانستان بخاطر نفوذ احتمالی اش به آسیای میانه ، تشویش داشتند ، وبه همین دلیل بود که کلیه امکانات خودرا درترویج بی خدائی و تبلیغ کمونیزم بکار بردند وآب وخاک مارا مسموم کردند ۰

۷ ـ این هدایت نامه نمایندهٔ روس را از سهو و کوشش های مصنوعی برای پهن کردن کمونیزم برحذرمی دارد و آنرا به روش های اصولی و بنیادی توصیه می کند ۰

۸ ـ این هدایت نامه درحقیقت آئینه تمام نمائیست که چهرهٔ اصلی روس ها دران منعکس شده است ۰

۹ ـ در این مکتوب نقشه ها و برنامه های طویل المدت روس در افغانستان بصورت واضح ونسبی مشخص شده است ودر واقع زنگ خطری بود که امیر امان الله خان آنرا نادیده انگاشت ۰

چون روس ها نبض حکام افغانی را دریافته بودند ، بازهم برای اغفال بیشتر آنان بتاریخ ۲٤ جولائی ۱۹۲۱ مطابق اسد ۱۳۰۰هـ۰ش وزیر امـور خارجهٔ روسیه مکتوبی عنوانی محمود بیگ طرزی فرستاد ونوشت که :

«جناب جلالتمآب اجل افخم سردار صاحب اعلی محمود بیگ طرزی وزیر امور خارجیهٔ دولت علیه مستقلهٔ افغانستان دام اقباله تعالی ! من اظهار بدولت علیه افغانستان می کنم که بعد از مذاکره با حکومت متبوعه ام این دوستدار یقین حاصل کرده ام که تمام امداد های نظامی وفنی معهود رابی هیچگونه عوض بحکومت دولت علیه افغانستان میدهند ۰ زیاده از این موقع را غنیمت شمرده احترامات فایقه را تجدید مینمایم۰»(۱)

این مکتوب اشاره به پروتوکول هائی میباشد که همزمان با معاهدهٔ ۱۹۲۱م بین دو طرف بصورت جداگانه به امضاء رسیده است، ولی متاءسفانه تا نوشتن این سطور ، پروتوکول های مذکور را بدست آورده نتوانستم تامتن آنرا خدمت خوانندگان تذکر می دادم۰

بهرحال درپی این قرار دادها ووعده هائی که هرگز از حرف بعمل درنیامد ، وبه اتکاء دوستی یک جانبـه وبی قید و شرطی که افغـانستـان باروس ها درپیش گرفت ، صدها جاسوس روسی وارد کابل گردید و بکارهای مقدماتی خود آغاز کردند ۰ این وضع مردم رابه شدت نگـران ساخت وتعبیرات گونا گونی نسبت به آن درحلقه های داخلی و خارجی براه افتاد ۰ مخصوصاً درلحظاتی که مسلمانان بخارا و ترکستان جهت نجات کشور شان از چنگ سفـاکـان روسی مشغول نبرد و پیکار بودند وصدای مرمی های لشکر روس از آنسوی آموبگوش ملت مسلمان افغانستان طنین می افگند واز جنایت و کشتار آنان بخوبی آگاه بودند ، این نزدیکی ها وروابط با روس طعم کشنده ئی بود که هیچ مومنی نمیتوانست آنرا هضم کند، وهمه ازان بیمناک بودند که مبادا فاجعهٔ بخارا به اینطرف نیز کشیده شود وبساط اسلام و مسلمانان درهم پیچد ۰

در اثر این عکس العمل ها واعتراضاتی که بر اعمال عمال روس درکابل براه افتاد ، وزیر مختـار آن کشـور مقیم کابـل بتاریخ ۳۰ جولائی ۱۹۲۱ مطابق اسد ۱۳۰۰ هـ ش مکتوبی عنوانی وزیر خارجهٔ افغانستان فرستاد واز تشبثات واقدامات بی شرمانهٔ خود ، در امور داخلی افغانستان انکار نمود و ضمناً اظهار داشت که حکومت متبوعهٔ وی هیچگونه ترغیب و تحریکی را مبنی بر انقلاب اجتماعی یا سیاسی در افغانستان اراده ندارد ۰(۲)

---

۱ ـ مناسبـ ـ فغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ ۲۲ ، صفحهٔ ۲۳ ۰

۲ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ ۲۳ ، صفحهٔ ۲۳ ـ ۲٤ ۰

اما ازان ایام به بعد برعکس تمام این وعده ها و حقه بازی ها ، روس ها درکمال آزادی و اطمینـان بکـارهای خود ادامه دادند که شواهد آنرا بازهم درجایش بیان خواهیم کرد ۰ واکنون لازم به تذکر خواهد بود تابه بینیم ملت افغانستان در قضیهٔ بخارا چه همدردی از خود نشان داد و فرجام کار به کجا کشید ۰

عکس العمل مردم در فاجعهٔ بخارا

در گفته های قبلی دیدیم که حکومت افغانستان از اشغال بخارا بوسیلهٔ روس تکانی نخورد ، بلکه بخاطر خشنودی لینن باشتاب و عجله تجاوز بلشویک ها و حاکمیت مزدوران شانرا در بخارا برسمیت شناخت و شاه آن کشور را که برای دریافت کمک به افغانستان آمده بود ، در کابل نگه داشت ۰

لیکن مردم افغـانستان تا آنجا که شنیدند و امکان داشت اظهار همدردی و آمادگی کردند و هرکه را یارای رفتن بود از راه و بیراهه خودرابه کنار آمو رسانید و درزمان مناسب برادران بخـارائی خودرا در جنـگ علیه روس یاری داد ، چنـانچـه آقـابکوف در کتاب خاطراتش (صفحه ٥٤) به این مطلب اشاره کرده می گوید :

«من پس از مدتی کار دراین سازمان (گ، ب، ئو) بخدمت عملیات ضد جاسوسی افغـانستان و ایران در آمدم دران موقع روابط افغانستان و شورشیان ترکستان بسیار نگـران کننـده شده بود و دولت افغانستان علی رغم اطمینان کاملی که برای حمایت از دوستی با دولت شور وی بهاداده بود، ولی مرز هایش مأمن و محل استقرار شورشیانی شده بود که گاهگاه از انجا حملا تی به اینسو می نمودند ۰»

اتفاقاً اغلب در تاریخ چنین بوده است که حساب مردم از دولت ها جدا باشد ودرینجا هم چنانکه این روسی ، خود به آن گواهی میدهد ، باوجود حمایت دولت از روس و ممانعت مردم از اشتراک درجنگ ، دسته های داو طلب خودرابه جهاد میرسانیدند و وظیفهٔ اسلامی و انسانی خودرا انجام میدادند ۰

درسال ۱۹۲۲ میلادی هنگامی که فعالیت های ضد روسی انور پاشا (=انور بیگ) اوج گرفت و ۲۵ هزار مجاهـد در فرغـانـه و بخـارا هنگـامهٔ کارزار را بادشمن گرم کردند ، مردم افغانستان بخصوص ساکنین سمت شمال افغانستان که در مجاورت بخارا قرار داشتند ، بصورت پنهانی و بدون اجازهٔ حکومت ازراه های غیر مجاز به فرغانه و کولاب میرفتند و با بخارائیان یکجا علیه روس می جنگیدند ۰

مردم کو هدامن و کوهستان و تگاب و پنجشیر نیز دسته دسته به شمال عزیمت کردند

تادرجهاد اشتراک کنند و انور بیگ را یاری دهند ۰ مرحوم مولوی عبدالحی پنجشیری و پدرش جزء اشتراک کنندگان بودند که پدرش بایک تعداد دیگر از مجاهدین درهمانجابه شهادت رسیدند ۰

امیر امان الله خان محمد نادر خان را که دران وقت سپه سالار و وزیر حرب بود با جمعی از سپاهیان به سمت شمال فرستاد تا از نفوذ انور پاشا بداخل افغانستان و پیوستن مردم به آن جلوگیری کند ۰ به این ترتیب ساحۀ فعالیت مجاهدین افغانستان تنگتر گردید و انور پاشا درجبهه تنهاماند تا آنکه دشمن از طریق شبکه های جاسوسی خویش مخفی گاه اورا دریافت کرد و در یک حملۀ غافلگیرانه به شهادت رسید ۰

استعمارگران روسی چنانکه امروز از موجودیت عساکر چینی و امریکائی در افغانستان نام می برند و میخواهند با این نام بر افتضاح و شکست و رسوایی خود پرده بکشند ، دران ایام نیز حکومت افغانستان را در کمک رسانی به مجاهدین و مداخله در بخارا متهم کردند و درماه جون ۱۹۲۲ مطابق ۱۳۰۱ ش اعتراضیه شدیدی را به وزیر مختار افغانستان در مسکو تسلیم دادند که متن آن این است :

«۱ ـ حکومت روسیه آرزو داشت معاهدات روس و افغان را صادقانه بجا آورد ۰ مگر طرزالعمل افغان ها اجرای آنرا ناممکن ساخته است ۰

۲ ـ حکومت شوروی آمادۀ انتقال مهمات و مواد نظامی و تخنیکی به افغانستان بود وهست بشرط آنکه حکومت افغانستان قناعت و اطمینان مارا از عقب کشیدن عساکر خوداز سرحدات بداخل افغانستان حاصل نماید ۰

۳ ـ کمک ها و مساعدت های افغان ها به شورشیان و مجاهدین به هیچوجه قطع نگردید ۰

٤ ـ حکومت افغانستان اعلان کرده بود که در مجادلات خصمانۀ شرق بخارا مداخله نمی کند و به افغان ها اجازه نمیدهدتا جنبش های بغاوت و شورش را علیه ما مساعدت کنند ۰

۵ ـ افغانستان مجبوراست تانمایندۀ خودرا از بخارا مطالبه کند ۰»

در جواب این یادداشت روس ، حکومت افغانستان بتاریخ ۲۹ جولایی ۱۹۲۲ اعلامیه ای را در اخبار «امان افغان» انتشار داد و بار دیگر اظهار بیطرفی کرد ۰ متن اعلامیۀ مذکور بدین شرح است :

«افغانستان تحت هیچگونه شرایطی آرزو ندارد مشکلات و درد سری برای همسایگان ودوستان روس و بخارا ایجاد کند ۰ نا آرامی های امروزی بخارا بعقیدۀ مایک امر داخلی تلقی می شود که نه روسیه و نه افغانستان هیچکدام حق مداخله دران ندارند ۰ افغانستان بخصوص در این نوع نزاع ها وستیزه جوئی های داخلی بیطرف

باقی میماند ۰»

و بدنبال این اعلامیه ، دستور نامه ها و اخطار نامه های جداگانه ای چاپ و توزیع گردید مبنی بر اینکه افغان ها باید صحنهٔ اغتشاش را ترک گویند و درظرف بیست روز به افغانستان برگردند ۰ ورنه تمام دارائی های شان ضبط می شود ۰

تعدادی از این دستور نامه ها به نمایندهٔ سیاسی روس تسلیم داده شد تاتوسط آنان در آنطرف آموپخش و تکثیر شود ۰(۱) و به این ترتیب باب یاری و کمک از هر سو برروی مجاهدین بخارا و ترکستان بسته شد و زمینهٔ سقوط آنها بدامن استعمار فراهم گردید ۰

در جریان حمله بر بخارا و کشتار هزاران انسان بی گناه بوسیلهٔ روس ها و پس ازین همه بی مروتی ها و معامله گری ها ، عده ی از بخارائیان که فرصتی برای شان دست داده بود باقبول صد ها مشکل و خطرهٔ هجرت درپیش گرفتند و از بد حادثه به افغانستان پناه آوردند ۰

متاءسفانه دردیار هجرت هم چنانکه بایستی استقبال نشدند و بعضی از مردم و مامورین دولت بحکم (الناس علی دین ملوکهم) در حق ایشان بی رسمی ها کردند و آنچه داشتند به یغما بردند ۰ شاید بدبختی و آوارگی امروز ما کیفر آن کردار ها باشد !! شاید آه جگر سوخته و آبله پائی ، این همه آتش به هستی و آمال ما زده باشد ! چه کسی میداند ؟ بگفته مولینای بلخی ۰

تو گناهی کرده ئی جای دگر
انتقامش میدهی ای بی خبرا!

---

۱ ـ دربارهٔ مواردی که در بالا نقل شد رجوع شودبه : سیاست خارجی افغانستان درنیمهٔ اول قرن۲۰ صفحهٔ ۸٦ ۰

سال ۱۹۲٤م و ادامهٔ روابط باروس

پس ازانکه حکومت باتهدید و تخویف و توسل به قوه مانع اشتراک مجاهدین افغانستان در جهاد بخارا علیه روس شد ، و بلشویک ها فارغ از هر اندیشه و تشویشی به کشتار و جنایت خود دربخارا و ترکستان ادامه دادند ، مناسبات دو کشور سیر دوستانه و طبیعی خودرا دنبال کرد و درسال ۱۹۲۳ م چیز نوی در روابط شان بوجود نیامد ٠

در فبروی ۱۹۲٤ لنین در گذشت و آدم کش و جانی معروف دیگر «ستالین» جانشینش گردید٠ تا آنزمان شبکه های جاسوسی روس و نیز نمایندگی ها و دفتر های سازمان پخش و تبلیغات کمونیزم (کومنترن = بین الملل سوم) در کشور ها ونقاط مختلف جهان به فعالیت آغاز کرده بودند و سرپرستی شبکهٔ اخیر را اغلب سفرای روس در کشور های خارجی به عهده داشتند ٠

روی همین برنامه (استارک) پسریک دریا سالار روس که از سال ۱۹۰۵م به بعد عضو حزب کمونست آن کشور بود ، بحیث سفیر افغانستان انتخاب گردید تا ضمن کارهای تشریفاتی سفارت، شبکه های «کومنترن» راهم در افغانستان وقارهٔ هند سازماندهی کند ٠(۱)

در این ماموریت علاوه برهمسر و منشی مخصوص (سکرتر) ذوات دیگری هم بنام های دبیر اول سفارت ، رئیس ادارهٔ مطبوعات ، متصدی امور رمز ، خزانه دار و مامور (گ ، پ ، ئو) سفیر مذکور را همراهی میکردند که تعداد شان جمعاً به ده نفر میرسید ٠ این هیئت بتاریخ ۲٤ جون ۱۹۲٤ وارد افغانستان شد و باتشریفات خاصی مورد استقبال قرار گرفت.

آقا بکوف مامور و نمایندهٔ «گ ـ پ ـ ئو» که خود جزءاین هیئت بوده است در کتاب خاطراتش می نویسد:

«درهنگام ورود به مرز افغانستان ، همانطور که انتظار داشتیم ، از ما با تشریفات مفصلی استقبال شد ، امیر امان الله خان برای ما بیست راس اسپ سواری و پنجاه اسپ بارکش فرستاده ویک گروهان سواره نظام را نیز مامور اسکوت ما تا پایتخت نموده بود ٠ همانروز ما از مرز حرکت کردیم وپس از ۲٤ ساعت به (مزار شریف) رسیدیم که در انجا DOUMPISE نمایندهٔ گ ، پ ، ئو که عنوان قونسل شوروی رانیز در این شهر داشت و درزمان خدمت من در «چکا» زیردستم کارمیکرد ، به استقبال مان آمد ٠»(۲)

به این ترتیب روس ها که در آغوش محبت های گرم امیر امان الله خان و اعضای حکومت کابل از آزادی کامل برخوردار بودند ، ساحهٔ فعالیت های تبلیغاتی و جاسوسی

---

۱ ـ خاطرات اقا بکوف صفحه ۱۱۵ ٠

۲ ـ ایضاً فصل ۵ صفحهٔ ۷۱ ٠

خودرا در افغانستان و قارهٔ هند گسترش دادند و بکار هائی اقدام کردند که تفصیل آنرابعد تر گزارش خواهیم داد ۰

قیام پکتیا و بمباران آن ولایت
بوسیلهٔ طیارات شوروی

دوستی بیش از حد با روس ، بی میلی و بی التفاتی در برابر قضیهٔ بخارا ، ازدیاد مالیات بر زمین و مواشی ، فرستادن طلاب بروسیه ، طرف شدن با علما ، منع علمای تحصیلکردهٔ «دیوبند» (۱) از تبلیغ و ارشاد ، اقدام به کار های غیر طبیعی و منافی باسنن وارزش های قبول شدهٔ اجتماعی ، حرکات تقلیدی و نامتناسب ، طرفداری ا ز بی بند و باری های اخلاقی و اجتماعی ، تعویض اصول و احکام شرعی به قوانین مدنی و عصری در محاکم ، اقدام به بعض نو آوری های پیش از وقت ، بی موقع و غیر ضروری ، رشوت ، اختلاس وفساد درادارات دولتی ، عدم وارسی به احوال مردم و ظلم حکام ، و بسا عوامل دیگر که ذکر همهٔ آنها در این مختصر مقدور نیست و خارج از محدودهٔ کار ماست ، بعضاً بدبینی هائی را نسبت به امیر امان الله خان بر انگیخت و نا آرامی هائی را درگوشه و کنار کشور بوجود آورد ۰

بارقهٔ این عکس العمل و مخالفت از همه اولتر در «پکتیا» شعله ورگردید و مردم ځدران و منگل به رهبری دو نفر از علمای محل بنام های ملا عبدالرشید خان و ملا عبدالله خان گردیزی درحوت ۱۳۰۲ ه ش (اواسط مارچ ۱۹۲٤) قیام کردند و شهر گردیز را به محاصره کشیدند ۰ مدتی بعد عبدالکریم خان تحصیلدار نیز با ایشان پیوست و شورش ها تو سعه یافت ۰

امیر امان الله خان در اواسط ماه جولای ۱۹۲٤ (۱۳۰۳ه ش) جرگهٔ بزرگ ملی را درپغمان دایر کردتا ضمن تصویب قانون اساسی ، پشتیبانی ملت افغانستان را هم در محکوم کردن قیام پکتیا حاصل دارد ۰ اما در این باره توفیقی بدست نیاورد و علماء و موسفیدان افغانستان خلاف انتظار امیر ، اصلاحات زیادی را درقانون اساسی مذکور وارد کردند و درمورد قیام پکتیا نیز زیر بار دولت نرفتند ۰

در این مجلس بزرگ اکثر نمایندگان مردم از دوستی و پیمان افغانستان با روس به شدت نکوهش کردند ویکی از نمایندگان نسبت به اشغال خیوه و بخارا از امان الله خان خواست تا علیه روس اعلان جنگ دهد ۰

۱ـ دربارهٔ (مدرسهٔ دیوبند) و سوابق آن رجوع شود به آخر کتاب قسمت «توضیح بعضی از اسماء و اعلام ۰»

وزیر خارجهٔ امیر ، در پاسخ به نمایندهٔ مذکور بالحن اهانت آمیزی اظهار داشت : شمابه سیاست نمیدانید، افغانستان و روسیه باهم دوست اند و علیه همدگر اعلان جنگ نمی دهند!!

حرفها و مباحث زیادی از این قبیل در مورد سیاست های خارجی و داخلی مطرح گردید که اغلب با اعتراض و ناخشنودی نمایندگان مردم مواجه شدونتیجه اش برای دو طرف خوشایند نبود ۰

بهمه حال جنگ پکتیا یکسال طول کشید و دستگاه حاکم از هیچ وسیله ای جهت سرکوبی مردم مضایقه نکرد۰ حتی این قیام و رهبری اش را به اجانب نسبت دادند و از طریق نشریه ها و اوراق تبلیغاتی سعی نمودند احساسات مردم را تحریک کرده و اقوام دیگر افغانستان را علیه پکتیا بر انگیزند ۰ چون با این همه تلاش و سوقیات عسکری و کشتار های بیرحمانه بازهم نتوانستند براوضاع مسلط گردند ، از انگلیسها تقاضای هوا پیما کردند ۰ ایشان هم در آغاز این تقاضا را پذیرفتند ولی بعداً بدلیل عدم توافق دربارهٔ پیلوت های آن ، تصمیم خودرا عوض نمودند ۰

لودویک ادمک در کتاب خود «روابط خارجی افغانستان تانیمهٔ قرن بیستم» جریان واقعه را اینگونه وصف می کند:

«دولت افغانستان در تابستان ۱۹۲٤ ، از دولت هندوستان برای مبارزه باشورشیان تقاضای هوا پیما کرد ولی به این شرط که پیلوت های آنها انگلیس نباشند (دزدی و پلوان خزی)۰

انگلیس ها هم چون هوا پیماهای خود را بدست پیلوت های روسی نمی دادند، پیشنهاد کردند که المان ها این هوا پیما هارا هدایت کنند ۰ و بنابر این ٦ هوا پیمای انگلیسی را که روی بدنهٔ آنها بخط درشت کلمهٔ «الله اکبر» نوشته شده بود،بوسیلهٔ پیلوت های انگلیسی که لباس شخصی پوشیده بودند بکابل فرستادند تا تحویل پیلوت های المانی شود ۰ ولی پس از رسیدن هوا پیماها بکابل عقیدهٔ دولت انگلیس عوض شد و اظهار داشت که چون طبق ماده ۱۷۹ معاهدهٔ صلح وارسا ، پیلوت های نظامی آلمان حق پرواز طیارات جنگی را برفراز افغانستان ندارند ، لهذا بهتر است که همین پیلوت های انگلیسی ماموریت پرواز را بعهده گیرند ۰ ولی دولت افغانستان زیر بار نرفت و درهمین موقع روس ها بلا فاصله پیش قدم شدند و چند هوا پیما به افغانستان آوردند که توسط آنها مواضع شورشیان بمبارد و وغائله ختم شد ۰»

روس ها که برای خشنودی و جلب خاطر امان الله خان از هیچ جنایتی روگردان نبودند ، فوراً پیشنهاد کمک کردند و با کسب موافقت از حکومت کابل، شهر خوست و حومه اش را به شدت و وحشت بمباران نمودند ۰

شاید برای اکثریت مردم افغانستان و جهان چنین چیزی دوراز باور و تصور باشد ، ولی این یک حقیقت است، حقیقت روشنتر از آفتاب و اینهم سندی از خود روس که میخوانید:

«در ماجرای شورش خوست مابه کمک دولت افغانستان شتافتیم ودر بحبوحهٔ شرایط نامساعدی که بوجود آمده بود ، «استارک» پیشنهاد کمک بوسیلهٔ نیروی هوائی شوروی نمود که بلافاصله باشوق فراوان مورد قبول دولت افغانستان قرار گرفت و بدنبال آن هوا پیماهای شوروی مواضع شورشیان رابه شدت بمباران کردند ۰ پس از این موفقیت «استارک» بدولت افغانستان پیشنهاد نمود که اجازه دهند یک پایگاه هوائی بوسیلهٔ دولت شوروی درخاک افغانستان تاسیس گردد ، تادر صورت تهاجم هندوستان مورد استفاده قرار گیرد ۰ بلا فاصله پس از موافقت دولت افغانستان، ماده هوا پیما با خلبانان و میکانیسن در اختیار آنها گذاشتیم و به این ترتیب فرماندهی کل ارتش سرخ توانست یک پایگاه استراتژیک در افغانستان بدست بیارد۰»(۱)

در نتیجهٔ این بمباران که در واقع اولین حمله و تجاوز هوائی روس هابر مردم افغانستان است ، خوست و قسمت های دیگری از پکتیا بکلی ویران گردید و صدها کشته برجای گذاشت ۰ شصت «کراچی» تنها زخمیانی را بکابل حمل می کرد که اغلب از مردم منگل بودند ۰

امیر امان الله خان این فتح را جشن گرفت و به عساکر خود دستور داد تابه افتخار آن رسم گذشت انجام دهند ۰ چندین صد نفررا اسیر و زندانی کردند که از آنجمله ۵۳ نفر اعدام و بقیه بخدمت اجباری سوق گردید ۰

عبدالکریم تحصیلدار یکی از رهبران قیام ، اوایل جنوری ۱۹۲۵ مجبور شد از سرحد بگذرد و به آنطرف عقب نشینی کند ۰ درانجاهم توسط انگلیس ها دستگیر و زندانی شد ۰
(مناسبات سیاسی افغانستان درنیمهٔ اول قرن ۲۰ صفحهٔ ۸۶ ، ترجمهٔ پوهاند فاضل) ۰

رهبران دیگر این قیام نیز در ۳۰ جنوری ۱۹۲۵ بوسیلهٔ عمال امیر امان الله خان گرفتار و بکابل اعزام شدند ۰ و به این ترتیب قیام خوست پایان یافت و سنگ و کلوخ پکتیا باخون هزاران فرزند افغانستان شستشو گردید ۰

بدبختانه در مشرق زمین اغلب وضع چنین بوده است که ملت ها راکشته اند تاافراد بخصوصی زنده بمانند ! بر اقوام و توده های مردم توهین و تهمت کرده اند ، برای اینکه شخص واحدی را تبرهٔ کننـد ! حتی آنانی که دعوی روشنفکری و مردم گرائی دارند ، نتوانسته اند ویا نخواسته اند از قید و بند این راه و رسم نامیمون گامی فراتر گذارند و حقایق تاریخی را چنانکه هست درک و ارزیابی فرمایند ۰ چنانچه امروزهم این بدعت ادامه دارد

---

۱ ـ خاطرات آقابکوف صفحهٔ ۹۲ ۰

و جلوه هائی از شخص پرستی و فرد گرائی در اقشار مختلف جامعه بمشاهده می رسد که برای فردای ما بسیار زیانبار و خطرناک است ٠

استفاده از فرصت ویک گام به پیش

به نحوی که دربالا تذکار رفت روس ها در پاداش بمباران خوست و قتل عام مردم افغانستان فوراً امتیازی را خواستار شدند ویک پایگاه «هوائی» در کابل بدست آوردند ٠ این همان هسته فساد و استثمار و استعمار بود که شبکه های آن بعداً در تمام اردوی افغانستان گشایش یافت و بعضی از افسران جوان را به بیراهه کشید٠

درنیمهٔ ماه دسمبر ۱۹۲۵ بجای آنکه به تعهدات قبلی خود عمل می کردند و طبق معاهدهٔ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ اراضی اشغال شدهٔ افغانستان را واپس مستردمی نمودند ، بدون هیچگونه دلیل موجهی برجزیرهٔ درقد حمله کردند و آنرا اشغال نمودند و همزمان باآن اعلام داشتند که : چون مردم این جزیره از حکومت خود ناراض بودند ، دست به انقلاب زدند ووابستگی سر زمین خویش را بمیل خود بروسیه خواستار شدند ٠

این حقه بازی و دروغ و این اقدام و تجاوز بی شرمانه ، مردم رابه هیجان آورد و بار دیگر زمزمهٔ جهاد درشهر و بازار طنین افگند ٠ شدت خشم و عصبانیت مردم بحدی بود که هیچ روسی جرأت برآمدن در بازار را نداشت ٠ چنانچه آقا بکوف مامور گ ، پ ، ئو ، خود در اینباره می گوید :

«الحاق جزیرهٔ فوق الذکر بخاک شوروی چنان افکار عموم افغانستان را علیه ما برانگیخته وقوای نظامی کشور باما بطور علنی بنای دشمنی را گزارده بودند که هیچکدام از اعضای سفارت شوروی جرأت ظاهر شدن درخیابان هارا نداشتند ٠» (ص ۹۷ خاطرات وی) ٠

حکومت کابل برای مهار کردن خشم مردم و فروکش ساختن هیجان عمومی ، فوراً اعلامیه ئی را پخش کرد و ابلاغ داشت که وزیر خارجه موضوع را باوزیر مختار روس درمیان گذاشته و او این عمل را یک سوء تفاهم وانمود کرده و وعده داده است ، جزیرهٔ مذکور بزودی تخلیه می شود ٠ دو ماه بعد ازین اعلامیه و عوام فریبی ها ، نشر یه «امان افغان» بازهم درشمارهٔ فوق العادهٔ مورخ ٤ فبروری ۱۹۲٦ (۱۵ دلو ۱۳۰٤ هـ ش) اعلان نمود که مسئلهٔ جزیرهٔ درقد به اساس مذاکره بین اتحاد شوروی و افغانستان حل میشود و روس هابه تخلیهٔ جزیره موافقه کرده اند ٠

یکماه بعد بار دیگر نشریه «امان افغان» اطلاع داد که عساکر شوروی در ۲۸ فبروری جزیره را تخلیه کرده اند ٠ در حالی که قضیه عکس این بود و تعدادی از عساکر افغانی مقیم شمال ، اندکی بعد از اشغال جزیره توسط روس ها به آنجا حمله برده و مجدداً آنرا به

تصرف خود در آورده بودند و هیئتی که نشریهٔ «امان افغان» ازان نام می برد ، بتاریخ ۲۶ حوت همین سال از طریق درهٔ پنجشیر راهی بدخشان گردید ۰

درهر حال ، روس ها مجبور شدند تا پروتوکولی رامضاء کنند و روستای «ینگی قلعه» و جزیرهٔ درقد رابه افغانستان واگذار شوند ۰ یعنی همان جائی که نزاع برسر آن در زمان امیر عبدالرحمن خان خاتمه یافته بود ورسماً به افغانستان تعلق داشت ۰

این تعرض و چنگ و دندان نمودن توسط روس ها که هیچ حجت و انگیزه ئی نداشت ، صرف برای آن بود تا امان الله خان را درحین تشویق و نوازش تهدیدی هم بکنند و او را دربرابر گزینش خواسته های بعدی شان آماده سازند ۰

چون خصلت وروش روس ها این است که نخست باهمه امکانات شیطانی خود میکوشند تا دولت هارا دریک تنگنا و محاصرهٔ سیاسی و اقتصادی بکشانند و سپس قهراً وبه اجبار انهارا به پذیرش شرایط و مسایلی وا دارند که در حالت عادی غیر ممکن به نظر میرسد !

روی همین ملاحظه و پرنسیپ روس ها میخواستند تا برنامه های بعدی شان را در افغانستان و منطقه سرعت بخشند وامیر امان الله خان را وا دارند که برای زمینه سازی آن مساعدت نماید ۰

یکی از طرح ها و مهمترین موضوعی که اربابان کرملن ازهمه اولتر به آن دلچسپی د اشتند و «استارک» سفیر خودرا برای انجام آن ماموریت داده بودند، موضوع تبلیغ کمونیزم در قبایل آزاد و تاسیس شبکه های جاسوسی در مرزها و مناطق شمال هند بود ۰ مصداق این مطلب با صرف نظر از سایر اسناد وشواهد عینی ، حرفهای مامور «سازمان های جاسوسی روس در افغانستان و هند» است که می گوید:

«۰۰۰۰۰ مابارهبران درجه دوم عشایر مختلف نیز رابطه برقرار کردیم و توانستیم اغلب آنهارا بصورت عوامل خود دربیاوریم ، که البته طی قرار دادی متعهد شدیم تادر ازای دریافت اطلاعات مختلف از عملیات عشایر مبلغ ۵۰۰ پوند استرلینگ به آنها پرداخت نمائیم و آنها نیز در عوض قبول کردند که دربین افراد خود به تبلیغ مرام کمونیزم بپردازند ۰»(۱)

ایشان فکر می کردند که با نفوذ دربین قبایل و پخش مفکورهٔ کمونیزم میان روستائیان و مرزنشینان مسلمان ، هر چند هم که یک اقلیت کوچک و ناچیز را احتو اکند ، میتو اند بحیث یک وسیلهٔ تحریک و تبلیغ درحال و آینده ازان استفاده شود ۰

بدین منظور شبکه های وسیعی را از سیستان و بلوچستان ایران تا حومهٔ چترال ، سازماندهی وبسیج کرده بودند تادر وقت لزوم و به نحوی که خود میخواستند ، آنانرا وسیلهٔ

---

۱ ـ رک : خطر ـ ـ بجوث صفحه ۸۰ ۰

اغراض خود قرار دهند ۰ برای مثال و نمونه بازهم به منابع روسی استناد می کنیم و حرف های دیگر آقابکوف را در این باره شاهد می آوریم که اینک مطالعه میفرمائید :

«۰۰۰۰ وقتیکه حزب محافظه کار قدرت را در انگلستان بدست گرفت ، روابط روس و انگلستان بوخامت گرائید و بدنبال آن تاکید شد که هرچه زود تر تشکیلات شبکهٔ جاسوسی را در داخل خاک هندوستان سازمان داده و زمینهٔ ایجاد شورش در مرزهای هند وحتی داخل آن کشور را در صورت بروز کشمکش بین روس و انگلیس آماده نمایم ۰ برای اینکار لازم بود که بوسیلهٔ رشوه دادن برسران عشایر مرزی و آماده نمودن مخاذن مخفی اسلحه و مهمات برای مسلح نمودن افراد آنها هرچه زود تر اقدام گردد ۰ در ابتدای این اقدامات من بوسیلهٔ تاجری با «صولت السلطنة» حاکم شهر باخرز (واقع در جنوب شرقی مشهد و نزدیک مرز افغانستان) آشنا شدم ۰ او تعهد کرد که اسلحه وافراد ما رابه هر مقدار و تعداد از مرز بگذراند و درضمن باعده ای از دوستانش نیز آشنا نماید تابتوانیم با کمک آنان افراد و سلاح هارا تاقندهار واز انجا به بلوچستان انگلستان بفرستیم ۰»(۱)

بنابراین در پهلوی این همه تشبثات عملی وشبکه های جاسوسی که روس ها خود به آن دست یازیده بودند و می کوشیدند جای پائی بین قبایلی ها برای خود درست کنند ، کارگردانان سیاست و طباعت افغانستان راهم تشویق فرمودند تابنوبهٔ خویش این داعیه را ممد گردند و برای فعالیت های بعدی آنان زمینه سازی فرمایند ۰

در رابطه با این انگیزه و عوامل ، نخستین بار مسئله قبایل سرحد روی صفحات «امان افغان»(۲) انعکاس یافت و آنرا تضمینی برای امنیت افغانستان خواند (چنانکه روس ها امروز اشغال افغانستان را تضمین برای امنیت سرحدات خود میدانند) و توأم باآن راجع به آغاز «پالیسی» انگلیس در سرحد و کارنامه هایش تو ضیحاتی ارائه داد ۰ در حالی که در معاهدهٔ ۸ اگست ۱۹۱۹ و مناسبات و پیمان های بعدی افغانستان باانگلیس تا آن تاریخ چنین تقاضائی مطرح نشده بود ، واین خود مؤید حقایقی است که در بالا به آن اشاره گردید ۰

به تعقیب این گرم جوشی ها و همکاری ها روس ها کوشیدند تا رشتهٔ خام دیگری هم بپای دولت مردان افغانستان به بندند و آنان را «خام طمع» تر سازند ۰ این «رشته» لکه های سیاهی بود که روی کاغذ نقش کردند و در پایان آن امضاء فرمودند و بنام (معاهدهٔ بیطرفی

---

۱ ـ خاطرات آقابکوف صفحهٔ ۱۲۰ ۰ ۱۲۱ ۰ مترجم کتاب آقا بکوف درپاورقی صفحهٔ ۱۲۰ می نویسد : صولت السلطنة باخرزی (هزاره ای) اصولاً عنصر ناراحتی بود ۰ وی بعد از شهر یور ۲۵ «سنبله» واشغال ایران ، در خراسان دست به شورش زد و توانست حتی شهر فریمان را نیز تسخیر کند ۰ ولی به همت ستونی (قطعه عسکری) که از تهران بفرماندهی سر تیپ نخجوان اعزام شده بود ، طغیان اوسر کوب شد وخودش دستگیر و به تهران تحویل گردید ۰

۲ ـ رک : «امان افغان» سال ششم شمارهٔ های ۴۷ و ۴۸ ۰

و عدم تجاوز) موسومش نمودند ۰

معاهده ای که یک گرگ وحشی و گرسنه بایک گوسفند پاشکسته وضعیف درمیان نهد !! معاهده ای که جز زور و تزویر و خدعه ، هیچگونه ضمانت اجرائی و عملی نداشت ! معاهده ای که اصل بیطرفی افغانستان در لفاظی های پوچ و عبارات گنگ و سخیف آن نقض شده بود ، و جز فرصت طلبی واغوا گری معناومفهومی از ان برنمی آمد !!

معاهده ای که بیش از نیم قرن بارها تجدید و تکرار گردید و روس های مکار و خاین ، به استناد آن رهٔ تجاوز و تسلط خود را برکشور ماهموار کردند و به آنچه خود پیمان بسته بودند، پشت پازدند۰

پیمانی که «بیطرفی و عدم تجاوزش» نامیدند ، اما عملاً و در ذراز مدت وسیلهٔ تجاوز و تعدی اش قرار دادند و اینک متن آن «اغوا نامه» که میخوانید :

«معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز متقابله فی ما بین دولت علیه افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی باپروتوکول مربوط به این معاهده مورخ ۳۱ اگست ۱۹٤٦ مطابق سنبله ۱۳۰۵ ه ش ۰

به مقصد تحکیم مناسبات دوستانه و استحکام روابط همجوارانهٔ دوستی که خوشبختانه فی مابین دولت علیه افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی مبنی بر اساس معاهدهٔ امضا شده در ماسکو مورخه ۲۸ ماه فبروری ۱۹۲۱ بردوام است که معاهدهٔ مذکور قوهٔ خود را در جمیع حصه های خود بی تعلقانه از ابقایا الغای معاهدهٔ هذا حفظ مینماید ۰

و کلای مختار طرفین علیتین جلالتماب وزیر امور خارجهٔ دولت علیه افغانستان آقای محمود بیگ خان طرزی و جناب جلالتماب سفیر مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی در افغانستان آقای لیونید ستارک در تاریخ ۳۱ اگست ۱۹۲٦ در موضع پغمان بعد از تبادلهٔ مختاریت نامه های قانونی خود که آنرا صحیح یافته اند ، مواد آتی راکه مقصد تقویت دادن بمناسبات دوستانه فیمابین دولتین و تامین صلح دایمی دارد ترتیب داده امضاء کردند ۰

مادهٔ اول

در صورت محاربه یا اقدامات حربی فیمابین یکی از طرفین متعاهدتین و یکی یا چند دول ثالث طرف متعاهد دیگر مراعات کردن بی طرفی را به نسبت طرف اول متعهد است ۰

مادهٔ دوم

هر کدام از طرفین متعاهدتین تعهد می کند که از هرگونه تجاوز بطرف دیگر اجتناب بنماید و نیز در خاک خود که درتصرف شان می باشد چنین اقداماتی نمی کند که بدولت

متعاهد دیگر ضرر سیاسی یا نظامی برساند • خصوصاً هر کدام از طرفین متعاهدتین تعهد می کند که بایکی یا چند دول ثالث در هیچکدام اتحاد یا اتفاق سیاسی ، نظامی که برخلاف طرف متعاهد دیگر باشد، همچنین در هیچ بایکوت یا معاصرهٔ مالیه یا اقتصادیه که برعلیه طرف متعاهد دیگر متوجه بشوند شرکت نخواهند ورزید • علاوه برآن در صورتی که اگر مسلک رفتار دولت ثالث یا دول ثالث به نسبت یکی از طرفین متعاهدتین در اقدامات خود خصمانه باشد طرف متعاهد دیگر متعهد است که نه فقط به همچنین مسلک رفتار های دشمنانه مساعدت نکند بلکه متعهد است در خاک خود به مسلک مذکور و به عملیات و اقدامات عداوت کارانه ممانعت بنماید •

مادهٔ سوم

طرفین علیتین متعاهدتین اعتراف متقابل به حقوق حکمرانی و تمامیت ملکیت خود شان نموده متعهد می باشند که از هرگونه مداخلت مسلح و غیر مسلح در امور داخلیه طرف متعاهد دیگر پرهیز بنمایند و نیز بایک دولت یا چند دولت ثالث که برعلیه دولت عاقد دیگر اقدام و مداخلت نماید قطعاً شرکت و مساعدت نمی کنند و طرفین متعاهدتین در خاک خود تاسیس و فعالیت دسته جات و نیز به کارروائی اشخاص علیحده که بضرر طرف متعاهد دیگر باشد و یابرای خلع اصول دولت طرف متعاهد دیگر اقدامات ورزند ویا عملیات برخلاف سلامتی تمامیت ملکیت طرف متعاهد دیگر میکنند ویاتحشدات و جمع آوری قوای مسلح بر علیه طرف متعاهد دیگر بنمایند، اجازه نمیدهند وایشان را ممنوع از عملیات میدارند • کذالک طرفین تمام قوای مسلح و اسلحه و اسباب ناریه و جباخانه و هر نوع تدارکات مواد حربی را که برخلاف طرف متعاهد دیگر متوجه باشند از خاک خود عبور آنرا روانیمدارند و همچنین از خاک خود اجازهٔ گذرانیدن نخواهند داد •

مادهٔ چهارم

طرفین متعاهدتین موافقت می کند که در مدت ٤ ماه در مذاکرات برای تعیین اصول حل اختلافات که میتوانند فیمابین شان ایجاد بشوند که بطریق سیاسی معمولی نیمتوانند تصفیه بشوند داخل خواهند شد •

مادهٔ پنجم

هرکدام از طرفین متعاهدتین فعالیت آزادانه را دارا می باشند که با دول ثالث هر گونه مناسبات و معاهداتی که خارج از حدود تعهداتی که شرایط آن در معاهدهٔ هذا مقرر شده اند اقدام و تثبیت میتوانند •

معاهدهٔ هذا از موقع تصدیق آن باید زیاده تر از سه ماه بعد از امضای آن نباشد قوهٔ

قانونی حاصل مینماید و در مدت ۳ سال قوهٔ خودرا حفظ می کند ۰ بعد از میعاد مذکور معاهدهٔ هذا شناخته می شود که ازخود مداومت برای یکسال دارد ۰ در صورتی که اگر کدام یکی از طرفین متعاهدتین طرف دیگر راشش ماه از انقضای میعاد قوه معاهده از خواهش خود در انقطاع آن آگاهی نخواهد کرد ۰

مادهٔ هفتم*

معاهدهٔ هذا در دو نسخه بزبان های فارسی وروسی مرقوم وهر دو متن حق مساوی دارند ۰

محمود طرزی　　　　ل ۰ ستارک»(۱)

این بود متن معاهدهٔ معروف «عدم تعرض بین افغانستان و روسیه» یا معاهدهٔ «پغمان» که سالها بحیث نقل مجلس و سرلوحهٔ شعار و افتخار سرنوشت سازان قرار داشت و مردمی هم که چون این حقیر از متن و محتوی آن اطلاعی نداشتند فکر میکردند اربابان سیاست در افغانستان چه گلهای قشنگی به آب داده باشند !!

اینهم پروتوکول مربوط به پیمان مذکور:

«پروتوکول مربوط معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز متقابله فیمابین دولت علیه افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی ۰ پغمان ، ۳۱ ماه اگست ۱۹۲٦ سنبله ۱۳۰۵ هجری شمسی ۰

امضاء کنندگان ذیل که بطریق صحیح برای امضای معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز متقابله فیمابین دولت علیه افغانستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی مختار شده اند در موقع امضای معاهدهٔ مذکور حسب الحوالهٔ حکومت های متبوعهٔ خود بااظهارات ذیل تبادله کردند ۰

جناب جلالتماب آقای محمود بیگ خان طرزی وزیر امور خارجه دولت علیه افغانستان اظهار می کند که به اواز طرف حکومت دولت علیه افغانستان اجازه رسیده است که بنام حکومت موصوف تصدیق بنمایند که درحین امضای معاهدهٔ فوق الذکر حکومت دولت علیه افغانستان که به اساس های معاهدهٔ منعقده مورخ ۲۸ ماه فبروری

---

* ـ مادهٔ ششم در متن کتاب مذکور نیست و شاید مادهٔ هفتم در اصل همان رقم ششم باشد که غلط شده است ۰ بهر حال آنچه در متن بود ، در اینجا بعینهٔ نقل گردید ۰

۱ ـ مناسبات افغانستان واتحاد شوروی ۰ سند شمارهٔ ۲۷ ، صفحهٔ ۲٦ ، ۲۷ ۰

۱۹۲۱ وفادار بوده هیچگونه تعهداتی بایکدولت یا دول ندارد که مخالف معاهدهٔ منعقدهٔ مورخ ۳۱ ماه اگست ۱۹۲٦ که در خصوص بیطرفی و عدم تجاوز متقابله است باشد ·

کذالک از طرف حکومت خود اظهار میدارد که حکومت دولت علیه افغانستان تصدیق مینماید که دردوام تمام میعاد بقای معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز متقابله هذا حکومت موصوف درچنان معاهدات و مقاولاتی داخل نشود که مخالف معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز متقابله هذا باشد ·

حکومت دولت علیه افغانستان یقین دارد که مناسبات دوستانه فیمابین دولت علیه افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی بنابر اساس معاهدهٔ منعقدهٔ ماسکو مورخ ۲۸ ماه فبروری ۱۹۲۱ و معاهدهٔ منعقدهٔ پغمان مورخ ۳۱ ماه اگست ۱۹۲٦ بی تغییر ترقی خواهد کرد و بمقصد اعلای صلح عمومی مبتنی خواهد بود ·

جناب جلالتماب آقای لیوند ستارک سفیر مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی در افغانستان اظهار می کند که به اواز طرف حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی اجازه رسیده است که بنام حکومت موصوف تصدیق بنماید که در حین امضای معاهدهٔ فوق الذکر حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی که به اساس های معاهدهٔ منعقدهٔ مورخ ۲۸ ماه فبروری سنه ۱۹۲۱ وفادار بوده هیچگونه تعهداتی بایک دولت یا دول ندارد که مخالف معاهدهٔ منعقده مورخ ۳۱ اگست سنه ۱۹۲٦ که در خصوص بیطرفی و عدم تجاوز متقابله است باشد ·

کذالک از طرف حکومت خود اظهار میدارد که حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز متقابله هذا حکومت موصوف درچنان معاهدات و مقالاتی داخل نشود که مخالف معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز متقابله هذا باشد ·

حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی یقین دارد که مناسبات دوستانه فی ما بین دولت علیه افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی بنا بر اساس معاهدهٔ منعقدهٔ ماسکو مورخ ۲۸ ماه فبروری سنه ۱۹۲۱ و معاهدهٔ منعقدهٔ پغمان مورخ ۳۱ ماه اگست سنه ۱۹۲٦ بی تغییر ترقی خواهد کرد و برمقصد اعلی صلح عمومی مبتنی خواهد بود ·

در تصدیق مافوق امضاء کنندگان ذیل پروتوکول هذا را ترتیب دادند ·

در پغمان در تاریخ ۳۱ اگست سنه ۱۹۲٦ در دو نسخه بزبان های فارسی و روسی مرقوم شد وهردو متن حق مساوی دارند ·

محمود طرزی

ستارک»

ملاحظه می کنید که در مقدمهٔ معاهدهٔ پیمان ۲۸ فبروری سال ۱۹۲۱ تائید گردیده و گفته شده است که :

«معـاهدهٔ مذکور قوهٔ خودرا در جمیع حصه های خود بی تعلقانه از ابقایا الغای معـاهـدهٔ هذا حفظ مینماید» و در پروتوکول ضمیمهٔ آن نیز دوطرف وفاداری خودرا به نخستین پیمان خویش اعلام کرده اند ۰ اما در مدت تقریباً ٦ سال یعنی از ۲۸ فبروری سال ۱۹۲۱ تا ۳۱ اگست ۱۹۲٦ روس هایک گام عملی هم برای تحقق وعده های خود نبرداشتند و فقرات هفتم ، هشتم ، نهم و دهم معاهدهٔ ۱۹۲۱ م اصلاً موردتوجه قرار نگرفت و سیاست مردان کشور ما بجای آنکه روی این مسئلهٔ پافشاری میکردند و استرداد سر زمین های غصب شدهٔ افغـانستـان و آزادی کشـور مسلمان بخارا را مطابق به تعهد مسکو تقاضا مینمودند ، اهم وقت و تلاش خودرا صرف معاهدٔه جدید کردند ۰ معاهده ای که جز عوام فریبی ، فرصت طلبی و اغفال اذهان عامه هرگز مفهومی نداشت !!

شبکه های جاسوسی روس
در عهدامان الله خان

اسناد و شواهد موجود گواه بران است که روس ها ازهمان آغاز روابط خود با امیر امان الله خان (۱۹۱۹ م) دربارهٔ جاسوسی وتاسیس شبکه های آن در افغانستان ، عملاً داخل اقدام شده و فعالیت خودرا عمدتاً به این نقاط معطوف داشته اند :

۱ ـ جمع آوری اطلاعات دربارهٔ دولت و مردم افغانستان ۰

۲ ـ مطالعهٔ اوضاع کلی سیاسی و اقتصادی افغانستان ۰

۳ ـ جمع آوری اطلاعات دربارهٔ المان های مقیم کابل و روابط افغانستان با المان ۰

٤ ـ فعالیت و تاسیس شبکه های جاسوسی درسرحد و میان قبایل ۰

۵ ـ نفوذ دربین بخارائیان مهاجر و تشویق ایشان جهت بازگشت به بخارا ۰

٦ ـ نفوذ دربین هندی های کابل و استخدام بعضی از ایشان برای جاسوسی درهند۰

۷ ـ نفوذ دردستگاه دولت و سرکوبی عناصر ضد روسی بنام «طرفداران انگلیس» ۰

۸ ـ نظارت بر رفتار و گفتار خود اعضای سفارت روس در کابل ۰

آقابکوف مامور سازمان جاسوسی روس در افغانستان که بنام «معاون اداراهٔ اطلاعات

و مطبوعات سفارت روس در افغانستان» با ستارک یکجا وارد کابل گر دیده است ، خود دربارهٔ این ماموریتش می گوید :

«وظیفهٔ من در این ماموریت بدست گرفتن تمام فعالیت های (والتر)(١) را در امور (گ ، پ ، ئو) و بوجود آوردن شبکه ای از جاسوسان بصورت مستقل و بدوراز امور سفارت خانه بود ۰ من می بایستی تمام اطلاعات لازم و ممکنه دربارهٔ دولت افغانستان و روابط آن باقدرت های خارجی رابطور عموم و رابطه اش با انگلستان را بطور اخص جمع آوری نموده و پس از بررسی موقعیت انگلیس ها در افغانستان کار خودرا بسوی المانی های مقیم افغانستان که عدهٔ کثیری از آنان شاغل پوست های مختلف مدیریت درآن کشور بودند سوق دهم ۰ زیرا دولت شوروی از نفوذ آلمان در دولت افغانستان فوق العاده دوچار واهمه بود ۰

دیگر از وظائف من ، مطالعه عمومی در وضع کلی و موقعیت سیاسی و اقتصادی افغانستان بود و همچنین می بایستی دربارهٔ مسئلهٔ مهاجرت مردم از بخارا ، و اوضاع ایلات و عشایر مستقر درمرزهای شمال غربی هند که واقعاً اطلاعات ما دربارهٔ آنها فوق العاده ناقص بود ، تحقیقاتی انجام دهم ، زیرا دانستن مطالبی در این زمینه در صورت وقوع انقلاب درهند برای ما بسیار ضروری می نمود ۰ تحت نظر گرفتن شخص سفیر و تهیهٔ گزارش هائی از اطرافیان و معاشرینش هم بعهدهٔ من قرار داشت ۰»(٢)

لازم به تذکر است که نماینده های (گ ، پ ، ئو) قبل از فرستادن (والتر) وآقابکوف بنام قونسل های مزار و میمنه ، اینکاررا انجام میدادند واسنادقو نسلگری افغانستان در تاشکند بوسیلهٔ همین سازمان ربوده شده بود ۰ (ص ٥٧ ۰ ٥٩ ، خاطرات آقابکوف)

بهر حال سازمان جاسوسی مذکور ، در اثر ضعف نفس ، فساد ، انحطاط اداری دستگاه دولت ، بی کفایتی مامورین و مقامات امنیتی کابل و با استفاده از آزادی های بی حد و قیدی که روس ها در افغانستان داشتند ، به سرعت و وسعت شکل گرفت و عده ای راجلب و استخدام نمود ۰ وحتی بعضی از کارمندان دولت را تطمیع کرده و بخدمت خود در آورد و به این ترتیب کار های خطرناکی در افغانستان انجام داد ۰ یکی از اهداف این شبکهٔ جاسوسی مبارزه علیه کسانی بود که از روس ها نفرت داشتند و نزدیکی افغانستان را با این قوم نکوهش می کردند ۰ این افراد چنانکه امروزهم معمول است ، نه بنام مخالفین و ضد روسی ، بلکه به اتهام طرفدار و عوامل انگلیس بوسیلهٔ مامورانی که (گ ، پ ، ئو)

---

١ ـ «والتر» قبل از آقابکوف ، مامور سازمان «گ ، پ ، ئو» در افغانستان بوده و بنام «کاردار سفارت شوروی در کابل» این وظیفه را انجام می داده است ۰ منتها کار او در ارتباط بامرکز جاسوسی «گ ، پ ، ئو» در تاشکند بود ، ولی آقابکوف راساً به مسکو ارتباط داشت.

٢ ـ خاطرات آقابکوف صفحه ٦٤ـ٦٩) ۰

در دستگـاه امنیتی کابـل استخدام کرده بود ، زندانی می شدند و چه بسا خانواده های مسلمان و محترم کابل که قربانی چنین توطهٔ و تهمت ها و جنایت ها شدند و تاکنون هم بحال نمی آیند ۰

رئیس (گ ، پ ، ئو) در افغانستان ، ضمن توصیف از کارنامه های خود می نوسید :

«پس از چندی من توانستم شبکه ای از عوامل جاسوسی برای سازمان خود فراهم آورم ۰ پسر عموی(عبدالمجید) نامی که در نیروی پولیس پایتخت کار میکرد با شوق عجیبی بامن همکاری مینمود و اطلاعات فراوانی راجع به آنچه که دردسترس پولیس بودبمن میداد ۰ اوهمچنین مرا با (مستوفی) نامی آشنا کرد که بخوبی از اخبار داخلی مسلمانان هندوستان باخبر بود و درحقیقت از جانب امیر امان الله خان ماموریت داشت که با افراد سرشناس جماعت مسلمانان هند زد و بند داشته باشد ۰ یکروز عصر در منزل همین شخص (مستوفی) که الحق کار خودرا بسیار خوب انجام میداد ، بارئیس پولیس کابل آشنا شدم و پس از مذاکرات طولانی ، درطی چند جلسه با اوعهدی بستم که بر اساس تنفر وانزجار هردو نفرما از انگلیس ها استوار بود ۰ طبق این معاهده بنا شد که در عرض یکماه من مبلغ ۶۰۰ روپیه باو بپردازم و درعوض رئیس پولیس کابل نیز متعهد شد که تمام افرادی که طبق تشخیص من از عوامل انگلستان بشمار میروند ، فوراً باز داشت نماید ۰ البته واضح است که منافع من در این معامله خیلی زیادبود ، چون ازان لحظه به بعد هر کسی که از اوبعنوان جاسوس انگلیس ها سوء ظن داشتم بوسیلهٔ همین دوست بزندان افگنده شد ۰»(۱)

بلی ! همین افراد و شبکه ها و دوستان روس هابودند که تدریجاً بصورت پارازیت های خطرناکی درجامعه تکثر کردند و هوا وفضای سالم افغانستان را مسموم نمودند تا بدانجا که اینک اجیرانی ازهمان قماش همه روزه در افغانستان قتل عام می کنند و برکشتگان راه خداوآزادی ، عوامل بیگانه نام می نهند !! فطرت روسی هیمن است و خصلت مزدورانش همین !

فعالیت و نفوذ شبکه های جاسوسی روس تنها دربین بعضی از افراد افغانی باقی نماند ، بلکه تعداد محدودی از کارمندان المانی مقیم افغانستان نیز که با افکار و عقاید کمونستی معتقد بودند ، در این حلقه کشیده شدند ۰ ازانجمله یک متخصص کشاورزی ، یک انجنیر ماشین آلات و یک مترجم که به ترتیب در مزار شریف ، دهات اطراف قندهار و وزارت امور خارجهٔ افغانستان کار می کرده اند خدماتی بروس ها انجام میدهند ۰ بدین معنی که متخصصین مذکـور گزارش هائی ازوضـع اقتصـادی افغـانستان تهیه مینمایندوبه روس هامی

---

۱ ـ خاطرات آقابکوف صحفهٔ ۸۱ ـ ۸۲ ۰

سپارند ، و مترجم آن یک نسخه از اسناد ترجمه شدهٔ وزارت خارجه را به ایشان تحویل می داده است ۰

بهمین منوال ، آقابکوف شبکهٔ دیگری را دربین هندی ها سازماندهی می کند و پس از پایان کارشان در افغانستان آنان راجهت تبلیغ مرام کمونیزم به هندوستان می فرستد ، چنانچه می گوید :

«سفیر انگلیس در افغانستان بعلت اینکه سفارت خانه از نظر جادر مضیقه بود ، نقشه ای برای توسعهٔ ساختمان سفارت خانه تهیه کرد ویک نفر روس سفید بنام (سمی خین) را نیز برای انجام امور ساختمانی اجیر نموده بود ۰ این شخص از کسانی بود که فوق العاده به بازگشت به روسیه علاقه داشت و من از این علاقه او استفاده کرده به اوقول دادم که وسایل عفو و در نتیجه بازگشتش به روسیه را فراهم نمایم ، بشرطی که در مدت کار در سفارت انگلیس تمام اطلاعاتی را که میتواند کسب کند بمن بدهد ۰ بوسیلهٔ اومن در ضمن توانستم با چند نفرهندی زیر دستش نیز آشنا شوم و به این ترتیب ما قادر بودیم از تمام اقداماتی که در داخل سفارت انگلیس انجام می شود باخبر شویم ۰ من این عده را که اطلاعات خودرا از طریق (سمی خین) بمن میدادند پس از پایان کار شان با سپردن ماموریتی جهت تبلیغ مرام کمونیزم به هندوستان روانه کردم ۰»(۱)

راجع به فعالیت های این شبکهٔ جاسوسی دربین عشایر و قبایل مختلف سرحد و استخدام بعضی افراد به همکاری با روس و تبلیغ کمونیزم قبلاً در مبحث «استفاده از فرصت» تذکراتی داده ایم که فکر میکنم برای مثال و نمونه کافی باشد ۰ البته این موضوع به حدی مورد توجه روس هاقرار داشت که در سال ۱۹۲۵ بازهم آقابکوف را برای تشکیل شبکه های اطلاعاتی درشمال هند بکابل فرستادند و برنامه های خود را دنبال کردند ۰ (خاطرات آقابکوف صفحهٔ ۹۵)

از همه مهمتر آنکه نظام جاسوسی روس ، این قوم بی فرهنگ ووحشی ، حتی حین مسافرت امیر امان الله خان به مسکو ، یک نفر مامور (گ ، پ ، ئو) را بحیث مستخدم وی تعیین می کنند واوکه زبان فارسی را هنگام ماموریتش در مشهد آموخته بود ، تمام صحبت های شخصی و خصوصی امیر و همراهانش را به دفتر (گ ، پ ، ئو) گزارش میدهد ۰

همچنان درهمین سفر دو جامه دان (بکس کالا) امیر امان الله خان ، بفکر اینکه حاوی اسناد مهم وسری مسافرت اروپایش خواهد بود ، توسط ماموران (گ ، پ ، ئو) ربوده می شود و پس از ان که مطمئن می شوند دربین آنها جز البسه ولوازم شخصی چیزی نیست ، دوباره آنها را بر میگردانند ۰

---

۱ ـ خاطرات آقابکوف صفحهٔ ۸۲ ـ ۸۳ ۰ چنین بنظر میرسد که این روس سفید (سمی خین) هم از جواسیس روس بوده است که قبل ازآقابکوف وارد افغانستان شده و بامهارت عجیبی خود را به سفارت انگلیس نزدیک کرده است ۰

اسناد وزارت خارجه افغانستان و مکاتیبی را که به سفارت خانه ها صادر می شده است ، ازراه می دزدیده اند ، به این معنا که شبکه های جاسوسی شان در وزارت خارجه ، اسناد مذکور را در خارج از سفارت به اختیار شان قرار می داده است و ایشان از تمام امور و روابط سیاسی افغانستان باکشور های دیگر اطلاع حاصل می کرده اند ۰(۱)

خلاصه اینکه روابط روس ها با افغانستان از همان آغاز بر خدعه و فریب و جاسوسی اتکاء داشت و بحدی در این مورد ماهرانه و آزادانه کار کردند که توانسته بودند جاسوسان خودرا دربین افراد با نفوذ و حتی خانوادهٔ سلطنتی جا بجا سازند ، چنانکه یکی از این افراد بنام (موسیوعبدالرحمن) سالها درخانه سردار حیات الله خان عضدالدوله برادر امان الله خان زندگی می کرد ۰

این شخص که زبان های فارسی ، انگلیسی و فرانسوی را خوب میدانست ، درمیان این خانواده از حیثیت و احترام خاصی برخوردار بود و حتی اورا بحیث معلم مکتب حربی که دران ایام درزیر تپهٔ شهر آرا و درخانهٔ سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله قرار داشت ، مقرر کرده بودند ۰ موصوف با استفاده از فرصت و قدرت سرداران دربار ، روز هابه بهانهٔ پیدا کردن احجار قیمتی در کوهها می گشت و موقعیت آنها و نیز احوال واوضاع جاسوسان دیگر خودرا که بعضاً در مغاره ها و دزلباس ملنگ بسرمی بردند ، برای خود معلوم میکرد وبا خیال راحت بروسیه راپور میداد ۰ و در ضمن بادرک و تشخیص ماهیت سرداران ، میتوانست روس هارا درعیار سازی برنامه های شان کمک کند ۰

گماشتگان روسی درمیان مردم شعار میدادند که اویک نفرانگلیسی است ، ولی کاملاً پیدا بود وبه اثبات رسید که وی یکی از رجال مهم سازمان اطلاعاتی روس بود ۰ و هنوزهم مردمی که اورامی شناختند ، در کابل زنده اند ۰ این جاسوس ماهر درزمان محمد ظاهر شاه به سفارت روس رفت واز انجا درروز روشن و ذریعهٔ طیاره به مسکوفرستاده شد۰

---

۱ ـ دربارهٔ آنچه گفته آمد رجوع شودبه خاطرات آقا بکوف صفحات ۱۹۸ ، ۱۹۹ ، ۲۰۰ ۰

سفر امیر امان الله خان به خارج وپی آمد های آن

در سال ۱۹۲۷ میلادی حکومت ایتالیا از امان الله خان دعوت کرد تا ازان کشور دیدن کند • این دعوت برای امیر امان الله خان فرصت مساعدی فراهم ساخت و بران شد تا برای تحکیم روابط اقتصادی و کلتوری و استفاده از فراورده های علم و صنعت ، به سایر کشور های غربی نیز مسافرت نماید • این دعوت و قصد امیر در نشریهٔ (امان افغان) مورخ ۱۵ اکتوبر ۱۹۲۷ مطابق ۱۳۰۶شمسی رسماً اعلام گردید و برای انجام آن ترتیبات لازم فراهم آمد •

پیش از حرکت شاه بخارج ، رئیس کمیته مرکزی اجرائیه اتحاد جماهیر شوروی (کا • لینن)(۱) ، بتاریخ ۲٤ اکتوبر ۱۹۲۷ مطابق عقرب ۱۳۰٦ تیلگرامی عنوانی امیر صادر کرد واز وی خواست تاحین مسافرتش بخارج ، از روسیه نیز دیدن فرماید • امیر امان الله خان در تیلگرام جو ابیه اش که بتاریخ نومبر ۱۹۲۷ = عقرب ۱۳۰٦ ، صادر شد ، دعوت زعیم روسیه را پذیرفت و وعده داد که تاریخ آنرا قبل از حرکت بسوی اروپا تعیین خواهد کرد •

ساعت ۱۰ و ٤٥ دقیقهٔ صبح دهم دسمبر ۱۹۲۷ ، شاه امان الله خان و همراهان وی از طریق (چمن) وارد خاک هند برتانوی شدند ویک تعداد زیاد موترها تا ایستگاه خط آهن اورا همراهی کردند • در ایستگاه خط آهن ، جنرال St.John و Harington ، نمایندگان دولت انگلیس از وی پذیرائی نمودند و تیلگرام (خوش آمدید) جورج پنجم (پادشاه انگلیس) نایب السلطنهٔ هند را خدمت وی تقدیم داشتند •

شاه از کراچی به بمبئی و سپس توسط کشتی به مصررفت و بعداز ده روز عازم ایتالیا گردید وضمن مذاکره و دیدار بازعمای آن کشور با (پاپ) نیز ملاقات فرمود • بعداً به سویس ، فرانسه ، بلجیم والمان رفت و مخصوصاً با المان ها مذاکرات مفصلی انجام داد • سپس ازراه فرانسه عازم لندن شد و باتشریفات خاصی از وی پذیرائی بعمل آمد • جمعاً ۲۳ روز در انگلستان ماند که از جمله دوروز مهمان شخصی شاه بریتانیا بود ودر قصر (بوکنگهم) جای داشت و بقیه روز ها بحیث مهمان حکومت آن کشور بسرمی برد • در این سفر شاه بریتانیا زنجیر شاهی (ویکتوریا) رابوی هدیه کرد ودانشگاه اکسفورد ، دکترای افتخاری در قانون مدنی بوی عطا فرمود که با تشکر پذیرفته شد •

---

۱ ـ اشتباه نشود که (کا • لینن) ، غیراز ولادیمر الیچ لینن است • زیرالنین رهبر حزب کمونست روسیه درسال ۱۹۲٤ م در گذشته بود

بنابر منابع روسی (نگارنده درجای دیگری تاحال به این مطلب برنخورده ام) ، امیر امان الله خان درمذاکراتش با مقامات لندن ، به فعالیت های انگلیس درمیان قبایل خود مختار تماس می گیرد و به چمبرلین صدراعظم آن کشور می گوید که افغانستان نیز در این منطقه ادعائی داشته و حقوقی برای خود قائل است ۰ وی در جواب شاه افغانستان میگوید که : مسئلهٔ قبایل خود مختار که امیر دراینجا مطرح نموده در حقیقت یک امر داخلی است که بدولت انگلستان ارتباطی ندارد و بایستی بوسیلهٔ دولت هند حل و فصل گردد ۰(۱)

امیر امان الله خان پس از لندن عازم پولیند گردید ۰ حکومت افغانستان و پولیند قبلاً بتاریخ ۳۰ نومبر سال ۱۹۲۷ قرار دادی رادر شهر انقره امضاء و موافقت کرده بودند که مناسبات دپلوماسی و روابط تجاری بین دو کشور برقرار گردد ۰ پولیند دران ایام آزاد بود و حکومت افغانستان علاقه داشت از تجارب این کشور درکشت و زرع پنبه استفاده کند ۰ ولی سفر شاه به پولیند روسهارا نگران ساخت و همین که پس از ۳ روز اقامت دران کشور بمسکو رفت ، وزیر خارجهٔ روس آنرا مطرح کرد و امیر امان الله خان پاسخ داد که قرار داد افغانستان و پولیند یک قرار داد عادی است و هیچ چیز پوشیده ئی درپشت پرده وجود ندارد ۰

امیر امان الله خان در مسکو از طرف (کا ۰ لینن) و چیچرین و سایر مقامات آن کشور پذیرائی گردید و مذاکراتی با مقامات آن کشور انجام داد ۰ در مورد مذاکرات شاه افغانستان با مقامات روسی ، تفصیل و سند درستی در دست نیست ۰ حتی روس ها متن بیانیهٔ امیر امان الله خان را که بتاریخ ۳ می ۱۹۲۸ = ثور ۱۳۰۷ در دعوت رئیس کمیته مرکزی اجرائیه روسیه و در پاسخ به اظهارات او ، ایراد کرده است ، از بین برده اند و آرشیف وزارت خارجه افغانستان هم آنرا در اختیارنداشته است ۰

بهر صورت آنچه ازیادداشت های مجهول و کوتاه وزیر خارجه روس دربارهٔ مذاکراتش باشاه امان الله خان برمی آید این است که :

امان الله خان وجود رژیم شوروی را برای افغانستان ضرورت می داند و می گوید من روسیه شوروی را دوست دارم ، این دوستی برای دو طرف مفید است ۰ روسیه برای افغانستان پوشش تشکیل میدهد ، امنیت آنرا فراهم میسازد و افغانستان نیز در نوبت خود برای روسیه پوشش تشکیل میدهد ۰ وقی که قوای برتانیا درسال ۱۹۱۹ م خواستند به اتکاء برعشق آباد ، ترکستان را اشغال کنند ، جنگ با افغانستان آنهارا منصرف ساخت وبه جمهوری شوروی مساعدت بزرگی نمود ۰

شاه در جریان این اظهارات و تعارفات خود موضوع ترانزیت ، قرار داد تجارت واحداث

---

۱ ـ رک : خاطرات آقابکوف ۰ غبار در صفحهٔ ۷۸۵ کتاب خود ، در این زمینه به اشاره ای اکتفا کرده است ۰

راه (شوسه) بین افغانستان و روس را مورد توجه قرار میدهد واکیداً اصرار می ورزد و پیشنهاد می کند که هرچه زود تر عملی شود ۰

در مقابل وزیر خارجهٔ روس از پروژهٔ زرع پنبه بوسیلهٔ پولیند در افغانستان یاد آوری کرده و تقاضا می کند که این کار بیک شرکت مختلط روس و افغان واگذار شود ۰ ضمناً از نزدیکی احتمالی انگلیس و افغانستان به ایما و اشاره حرفهائی درمیان می کشد که همهٔ آن از طرف امیر امان الله خان ردمی شود ۰ سپس وزیر خارجهٔ روس موضوع تفحص نفت را در مناطق نزدیک به هرات مطرح کرده واز امان الله میخواهد تا درین رابطه به چند نفرکارشناس و متخصص روسی اجازه دهد که داخل افغانستان شوند ۰

شاه افغانستان در پاسخ می گوید : میل دارد قبل از شروع اینکار در افغانستان ، چگونگی جستجوی نفت و نتائج آنرا درباکو مشاهده کند و سپس دربارهٔ برنامهٔ مشابه آن در افغانستان تصمیم بگیرد ۰

در اخیر غلام صدیق خان کفیل وزارت خارجه و عبدالهادی خان داوی وزیر تجارت از طرف شاه موظف می شوند تادربارهٔ تمام مسایل مورد علاقهٔ دو طرف مذاکرات مفصلی با روس ها انجام دهند (۱) و خود بعد از پانزده روز اقامت در مسکو از طریق (کریمیه) به استانبول میرود ۰

موصوف دو هفته در ترکیه ماند و با اتاترک رهبر جدید آن کشور مذاکره نمود تا از کار ها و برنامه های آن استفاده کند۰ از آنجا وارد ایران شد و بارضا شاه پهلوی ملاقات کرد ۰ شاه ایران ورود ملکهٔ افغانستان و همراه هانش را بدون نقاب در ایران ، مخالف عنعنهٔ کشور خود خواند (دران ایام زنان ایران هنوز در حجاب بودند) و ظاهراً به همین دلیل نسبت به امان الله خان بی میلی و سردی نشان داد ۰ ایران آخرین کشوری بود که امان الله خان ازان دیدن کرد ودر ماه جون ۱۹۲۸از طریق مشهد به افغانستان مراجعت نمود ۰

ره آورد سفر امیر امان الله خان

اوکه دراین مسافرت طولانی (تقریباً ۷ ماهه اش) به شدت تحت تاثیر مظاهر پر زرق و برق اروپا ، اندیشه و کردار اتاترک و بی بند و باری نظام و کشور روس قرار گرفته بود ، به مجرد وصول به قندهار (ماه جولائی ۱۹۲۸ = ۱۳۰۷ ش) گفت : «پیشرفت و ترقی افغانستان آنگاه ممکن است که بزنهای افغانستان آزادی داده شود» وسپس در ۲۹ اگست همان سال مجلس بزرگ و تاریخی پغمان را دایر کرد تاجریانات سفر خودرا به نمایندگان مردم افغانستان گزارش دهد ودر ضمن اصلاحاتی راکه دردست اجرا داشت به تصویب رساند ، اماموضوع عجیبی جریان داشت ۰ به تمام اعضای جرگه دستور داده شده بود تادستار ها

---

۱ ـ مناسبات سیاسی افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (۳۹) مورخ ۷ می ۱۹۲۸ صفحهٔ ۳۷ ـ ۴۰ ۰

و لباس های محلی و عنعنوی خود را کنار گذارند و بجای آن کرتی و پطلون سیاه ، نکتائی سیاه ، کلاه شپوی سیاه و پیراهن سفید بپوشند ۰

همچنان دراین مجلس خلاف روحیه و ماهیت جلسات و جرگه های عنعنوی افغانستان به هیچکس اجازه داده نشد تاگفتنی ها و پیشنهادات و اعتراضات خودرا آزادانه ارائه دهند ، و تمام نمایندگان مجبور بودند حرفهای خودرا کتباً به سردار شیر احمد خان رئیس شورای دولت بسپارند و سردارهم حق داشت که چه چیزی را بپذیرد و در برنامهٔ جلسه داخل کند و چه چیزی را ردنماید ۰ به این ترتیب امیرامان الله خان در آخرین لویه جرگهٔ خود یک سلسله اصلاحات ذیل را قهراً به تصویب رسانید :

محاکم شرعی به محاکم عصری و مدنی تبدیل گردد ، اداء (اسلام علیکم) منسوخ و عوض آن برسم فرنگی ها کلاه از سرکشیده شود ، دختران و پسران در مکاتب یکجا درس بخوانند ، امام های مساجد باید جواز نامهٔ دولتی داشته وکلاه پوست بسرنمایند ۰ دهقانان و دکانداران و مامورین تماماً باید دریشی و کلاه شپوبپوشند ، خدمت عسکری برای مدت ۳ سال اجباری و بدون دادن عوض باشد ، اهل هنود از کلا های پوست استفاده کنند ، تعطیل روز جمعه به پنجشنبه تبدیل گردد ، بجای تاریخ هجری از تاریخ میلادی استفاده شود ، زنان نیمتوانند برقع و چادری بپوشند ۰

همچنان در این جرگه سن ازدواج به ۱۸و ۲۲ بالا برده شد ، مالیات زمین افزایش یافت ، برهرفرد افغانستان بنام اینکه اسلحه خریداری می شود مبلغ (۵) افغانی اعانه حواله شد ، نشان بیرق افغانستان که عبارت بوداز محراب و منبر، تیغ و تفنگ ، به کوه ، آفتاب و خوشهٔ گندم تبدیل گردید ۰ وحرفهای دیگری از این قبیل ۰(۱)

پس از ختم جرگهٔ مذکور ، مجلس بزرگ دیگری بااشتراک مامورین ملکی و نظامی در چمن ستـور کابـل تشکیل داد و برنامه های آیندهٔ خودرا تشریح کرد ، و باتعدادی از دختران افغانی که برای اولین بار بدون حجاب در مجلس حضور یافته و عازم ترکیه بودند مراسم تو دیعی بعمل آورد ۰

این اقـدامـات وتصمیمات اغلب با جامعه و خواست مردم مسلمان افغانستان توافق نداشت وعکس العمل در برابر آن ، همانند سال های ۱۳۰۳ و ۱۳۰٤ ه ش کاملاً طبیعی و مسلم بود ۰

لذا بمجرد عزیمت نمایندگان (لوی جرگه) به ولایات مربوطه شان ، نفرت و بدبینی نسبت به امان الله خان و تصمیماتش اوج گرفت و کم کم بشکل انبار باروتی درامد که فقط باجرقهٔ آتشی مشتعل می شد و شد ۰

---

۱ ـ افغانستان در مسیر تاریخ صفحهٔ ۷۹۹ ۰

عکس العمل مردم در برابر امیر امان الله خان

بحث دربارهٔ این مطلب و اصلاحات (ریفورم) امیر امان الله خان کلاً بدو دورهٔ مشخص تقسیم می شود ۰

الف ـ از آغاز تا سال ۱۹۲٤ میلادی و قیام پکتیا ۰

ب ـ بازگشت از سفر اروپا و عنوان کردن اصلاحات (ریفورم های) جدید ۰

الف ـ مرحلهٔ اول:

امیر امان الله خان قبل ازانکه تاج شاهی برسر نهد ، همه ساله دو ماه معمولاً در جریان سفر پدرش به جلال آباد ، از مقام سلطنت وکالت میکرد ۰ در این مدت می کوشید با مردم درتماس باشد ، از زندانیان احوال پرسی کند ، بفریاد دادخواهان گوش فرادهد واز این راه برای اهدافی که در نظر داشت زمینه سازی نماید ۰

مردم افغانستان که نجیب ترین قوم دنیااست و باتیغ تبسم گردن شان بیشتر خم میشود تاشمشیر ظلم ، پیش آمد شاهزادهٔ جوانرا در برابر خود ، ارج می نهادند و به اوحسن نظر داشتند ۰

در چنین هوا و فضا گروه بخصوصی که ظاهراً شعار مشروطه خواهی داشتند وازطرف امیر حبیب الله خان کوبیده شده بودند ، خودرا به (شاهزاده) نزدیک کردند و اورا جهت کسب قدرت و زعامت تشویق فرمودند ۰ همزمان با این فعالیت ها شبکه دیگری نیز دردرون دربار و به ضد امیر حبیب الله خان سازماندهی شده بود که بنام (جمعیت سری دربار) یاد می شد ۰ یکی از این افراد همان محمد ولی خان بود که بعداً در نزدیکی امان الله خان با روس هانقش مهمـی بازی کرد و اولین پیمان دوستی افغـانستـان وروس را در فبروری ۱۹۲۱ در مسکو امضاء نمود ۰

گرچه یغما گران تاریخ و عناصر داخلی و خارجی وابسته به آن ، کوشیده اند تا اسناد و شواهدی در اینباره باقی نماند ، مع هذا از قراین چنین برمی آید که نیروی مرموز و محرکه ای در این جریانات ذی دخل بوده و حلقه محدودی از گروه (مشروط خواه) با (جمیعت سری دربار) رابطه داشته است ۰ تاریخ تشکیل این جمعیت و چگونگی آن دقیقاً معلوم نیست ، ولی اعضای آن عمدتاً از هواداران عضدالدوله (امان الله خان) و خواهان قتل و سرنگونی امیر حبیب الله خان بوده اند ۰

امان الله خان به تحریک همین شبکه و پس از هسته گزاری توطئه در دربار، بعضی افسران بزرگ اردو راهم از آن خود ساخت و برای قتل پدرش نقشه کشید ۰

شاید جهت استفاده از نفوذ درمیان مردم ، و یا شایدهم بخاطر متهم کردن و ازبین بردن آن در آینده ۰ سردار نصر الله خان (نایب السلطنة) کاکای خود را نیز شامل این حلقه (جمعیت سری دربار) ساخت و همه باهم عهد نامه ای در قرآن کریم تحریر و امضاء کردند و پیمان بستند که جای امیر به نایب السلطنة داده شود ۰

در سال ۱۹۱۸ میلادی طرح کودتا آمادهٔ عمل شد و جمعیت سری دربار تصمیم گرفت امیر حبیب الله خان را در جلال آباد بقتل برسانند ، اما سردار نصرالله خان به قتل امیر موافقه نکرد و کار به تعویق افتاد ۰

سال دیگر بتاریخ ۲۱ فبروری ۱۹۱۹ امیر حبیب الله خان به اساس نقشه ای که قبلاً طرح شده بود ، شب هنگام در کله گوش لغمان حین استراحت توسط شجاع الدولهٔ غور بندی عضو جمعیت سری دربار و دوست نزدیک امان الله خان، بقتل رسید۰

امان الله خان از بیعت برسردار نصرالله خان عم خود ، سرباز زد و خود اعلان پادشاهی کرد و خلاف عهد و سوگند خویش ، کاکایش را بزندان افگند و دو ماه بعد دریک محاکمه مصنوعی ، موصوف را بقتل پدرش متهم و محکوم به اعدام نمود ۰ لیکن سرداران دربار (برادران دیگر امیر حبیب الله خان) باحکم اعدام وی مخالفت کردند و خواهان ثبوت جرم شدند و بالاخره وی از اعدام نجات ودر زندان باقی ماند۰ (۱)

انگیزهٔ این همه اقدامات و پدرکشی و توطئه بعقیدهٔ مورخان نزدیک به امان الله خان و روسیه ، از بین بردن شاهی مطلقه، طرد استعمار بریتانیا وورویکار آوردن نظام مشروطیت درکشور بوده است ۰ اما عملاً بمشاهده رسید که رشتهٔ خامی را از پای ملت افغانستان (آنهم به همت خود مردم آن) بریدند و بجای آن زنجیر پولادین دیگری بردست و پای مان بستند که تا امروزهم درقید آن دست و پا میزنیم ۰

علی ای حال ، جنگ افغانستان با انگلیس ، کسب آزادی ، بر انداختن راه و رسم کنیزی وبردگی ، منع کارهای بیگارو اجباری ، الغای اخذ مالیات مواشی شمار نشده ، از بین بردن مالیات جنسی ، حواله غلهٔ خریداری ، رویکار آوردن محاکم شرعی معاملات تجاری ، رفتن بین مردم، آزاد ساختن زندانیان مشروطه خواه ، احترام به علماء و مراسم دینی و امثال آن ، از جمله عواملی بود که در بدو امر توجه مردم را بطرف امیر امان الله خان معطوف داشت و همه او رابه القاب و عناوین : امیر المومنین ، قاید و پیشوای ملی ، غازی امان الله ، محصل

---

۱ ـ برای آگاهی از تفصیل جریانات بقدرت رسیدن امیر امان الله خان و حرفهای مربوط به آن ، رجوع شود به افغانستان در مسیر تاریخ ، صفحات ۷۲۵ ، ۷۲۶ و صفحهٔ ۷۴۰ تا ۷۴۶ ۰

استقلال وغیره یاد مینمودند و احترام می کردند ۰ وبه همین دلیل در تطبیق ریفورم های اولی او همکاری فرمودند ، مکتب درست کردند ، اعانه دادند و تمام کار ها بروفق میل و مراد اوپیش میرفت ۰

در مجموع میتوان گفت او شاهزاده ای بود که میخواست کارهائی درجهت ترقی و پیشرفت کشور و تعمیم معارف انجام دهد وهرگاه دست اطرافیان و همکاران مغرض و وسوسه های شیطانی روس از دامان فکر و اندیشه اش کوتاه می بود و برنامه هاو اقداماتش بصورت سالم و طبیعی و تدریجی مطابق به ارزش های اصیل دینی وقومی انجام می یافت ، میتوانست کارهائی را بثمررساند ۰ لیکن این درخشش دولت مستعجل بود و دیری نگذشت که اورابه کجی وانحراف کشانیدند و کارهایش رنگ دیگر گرفت ۰

منع کردن مردم از اشتراک درجهاد بخارا ، دوستی و نزدیکی بی سابقه و بیش ازحد با روس ، افشاء شدن چگونگی قتل امیر حبیب الله خان ، زندانی بودن نایب السلطنهٔ ، جهت گیری با علماء و احکام شرعی در محاکم ، ازدیاد مالیات ها ، بی توجهی به امور و مضامین دینی در برنامه های معارف ومکاتب ، باب شدن هرچه بیشتر رشوه و فساد در ادارات دولتی ، گرایش به روش ها و تقلیدات بیجا و مخالف با ارزش های قبول شدهٔ اجتماع ، وبسا مسایل دیگر که ذکر همهٔ آنها سخن را بدرازا می کشد ، مردم را تدریجاً علیه امیر امان الله خان بر انگیخت و حوادثی را یکی بعد دیگر ببار آورد ۰

قیام اول

زندانی شدن سردار نصر الله خان نایب السلطنهٔ و مخصوصاً شایعهٔ زجر و شکنجه اش در زندان ، اکثر حلقه های سیاسی و اجتماعی رابه شدت متأثر ساخت ۰ زیرا او مخالف استعمار انگلیس واز جملهٔ آزادی خواهانی بود که بین قبایل سرحد ، رجال برجسته و طبقه چیز فهم و تحصیلکردهٔ افغانستان نفوذ و رسوخی داشت ۰ بنابراین یکی از طرفداران اوبنام محمد اختر خان پسر ناظر محمد صفر خان به عزم انتقام جوئی سردار به تشکیل یک «جمعیت سری» پرداخت و همه باهم تعهد کردند تاحین مراجعتِ امیر امان الله خان به پغمان، اورا در نواحی قرغه بقتل رسانند ۰ اما این توطئهٔ ناکام گردید و عاملان آن اغلب بدست امیر امان الله خان کشته و یازندانی شدند ۰ این حادثه طبیعتاً مردم را نسبت به امیر بدبین ساخت و حس نفرت علیه اوکم کم بالا گرفت ۰(۱)

قیام دوم

دومین قیام علیه امیر شورش پکتیا بود که قبلاً دربارهٔ انگیزه، عوامل و نتائج آن به تفصیل صحبت کردیم ۰ مردم خوست ، گردیز ، چمکنی وزرمت از جمله مناطقی بودند که

---

۱ ـ افغانستان در مسیر تاریخ صفحه ۱٤٦ به بعد ۰

باهمه بیچارگی وفقر دران روزگار، ۷۵ هزار افغانی بدولت کمک کرده بودند تادر اعمار چهار مکتب ازان استفاده شود ۰ اما اقدامات و برنامه های شتاب زده و غیر طبیعی امیر ایشان را به هیجان آورد و به ضد آن قیام کردند ۰

ب ـ مرحلهٔ دوم ، بازگشت از اروپا وریفورم های جدید

امیر امان الله خان با انتباه و الهام از پدیده های علمی و فنی و پیشرفت هائی که از انها دیدن کرده بود ، دست به اقدامات عاجل و خطرناکی زد و بدون آنکه شرایط محیطی و اجتماعی افغانستان را رعایت کرده باشد و اهداف خویش را دریک چوکات معقول و منطقی و زمان بندی شده طرح و عملی سازد ، متوجه اهداف و مسایلی شد که نه مبنای علمی داشت و نه جنبهٔ عملی !!

برای توضیح و تائید این مطلب ، سخنان یکی از نزدیکترین همکار و هم فکر شاه امان الله خان ویکی از هواداران جدی او (غبار) را اقتباس وبه آن اکتفامی کنیم ۰ موصوف در کتاب خود ضمن بیان سفر شاه به اروپا و نتیجه گیری آن مینویسد که:

«وقتیکه شاه برگشت آنمردگذشته نبود ، او بسیار خودرای و خود خواه و مغرور شده بود وبا اقدامات عجولانهٔ ای که نمود بزودی افغانستان را مستعد یک انفلاق منفی نمود ، دیگر دربار سادهٔ قدیم وجود نداشت ، کالر و نکتائی و تجمل و فیشن جای بساطت و البسهٔ وطنی و یخن بسته را گرفت ، عیاشی و خوشگذرانی به شدت شروع شد و ریفورم مفید و حقیقی با تفرعات مضروبچه گانه آمیخته گردید ۰ در تطبیق این مرام ، طبع با صلابت و خواسته های مردم زیر نظر شاه نبود ، واز عسرت اقتصادی و زندگی ملت بی خبر افتاده بود ۰ مثلاً درکشوری که صد ها مشکل اقتصادی و زراعتی و تخینکی واداری مستلزم رسیدگی و اصلاحات بود ، شاه فرمان داده بود که تعطیل روز جمعه بروز پنجشنبه در تمام ادارات کشور عملی گردد ، در حالی که تعطیل جمعه یک عنعنهٔ بی ضرر و بیشتراز هزار سالهٔ کشور بود که جنبهٔ قدسیت مذهبی در انظار ملت افغانستان و کلیه ممالک اسلامی داشت و تاهنوز درکرهٔ زمین هیچ دولتی بنام ریفورم روز تعطیل هفته گی قدیم خودرا مثلاً از یکشنبه به سه شنبه تبدیل نکرده بود ۰ زیرا این تبدیل فضول بود و بحیات جامعه تعلق و تماسی نداشت و نه مانع ترقی و انکشاف کشور بود ۰

همچنین شاه امر نمود تادر جاده های مخصوص در پایتخت تابلوها گذاشتند و نوشتند : هیچ زن با برقع نمیتواند ازینجا عبور نماید ۰ پلیس ها این امر را تطبیق می نمودند و زنان ناداری که البسهٔ عادی خودرا درزیر چادری پنهان نموده و توان پوشیدن لباس نسبتاً خوبتری نداشتند مجبور شدند که از خریداری مایحتاج شبانه روز خود در

بازار های معمور تر صرف نظر کنند ، در حالی که هیچ فابریکه و کارخانه یی برای کار کردن زنان وجود نداشت ۰ شاه امر نمود که تمام مردم شهر کابل دریشی و کلاه بپوشند ودرهر چند قدمی پولیسی استاده بود که از متخلفین جریمهٔ نقدی میگرفت ۰ قطع نظراز مصارف دریشی که از تو ان اکثریت مردم خارج بود ، برای تطبیق این امر هیچ مغازهٔ بزرگی که اقلاً برای صد هزار نفر دریشی و کلاه داده بتواند موجود نبود ، لهذا اغلب دکانداران کلاهای افسران نظامی درسرمی گذاشتند ، مردم سکه که مذهباً موهای ناگرفتهٔ خودرا در دستار های بزرگ می پیچیدند ناچار بودند که با کلاهای پشمی کشدار ، سر و دستار خودرا یکجا بپوشاند ، و این خود شهر را بیک تابلوی کاریکاتوری مبدل ساخته بود ۰ خصوصاً که سلام دادن بادست منع شده و بایستی برسم فرنگ کلاه ازسر برداشته شود ۰ باچنین اوضاعی در پغمان محفل بال ماسکه تشکیل می شد ودرلوی جرگه بر مالیات مردم افزوده میگردید ۰ باقیات مردم توسط محصلین دولت زیر تحصیل قرار داشت و اغلب وزرا و ولات (والیها) و حکام رشوت می خوردند ۰ مردم شکایت کنندهٔ مرکز استغاثه و بازرسی نداشتند و عرائض شکوهٔ مردم از دست مامورین بخود مامور ارجاع میگردید ۰ در مدت ده سال هیچ وزیر و والی و حاکمی ، محاکمه و مجازات نشد و باز خواست بکلی متروک گردید ۰ انتخاب مامورین بزرگ فقط بسته به شناسایی و اعتماد شخص شاه بود که در آن لیاقت و کفایت در نظر گرفته نمی شد ۰ واکثر مامورین بزرگ از رجال قرن ۱۹ ودرباریان قدیم بودند ، خصوصاً اشخاصی که نسبت نزدیک به خاندان شاهی داشتند ۰ گویا ریفورم و تحول جدید که مانندهٔ یک ماشین تازه اختراع بود توسط میخانیک های قرون وسطی بکار انداخته شده بود ۰»(۱)

آری ! امیر امان الله خان میخواست رهٔ صد ساله را بیک سال به پیماید و مردم افغانستان را فقط با پوشیدن کلاه شپو و تقلید از عرف و عادات بی ارزش و خرافی اروپا ، بسوی ترقی وتکامل سوق دهد ۰ اما آنچه را که ملت افغانستان آرزو داشت و آنچه که وی به انجام آن تعهد کرده بود ، و آنچه لازمهٔ تحول اساسی و پیشرفت و تکامل درکشور محسوب می شد ، هرگز و هرگز مورد توجه و عمل قرار نگرفت ۰ بدین معنی که در نظام حقوقی و سیاسی افغانستان اندک تغییری وارد نیامد ۰ تاسیس شورای ملی انتخابی ، تدوین قانون اساسی وتدویر جرگه ها ، جز تظاهر و عوام فریبی و اغفال اذهان عامه ، مفهومی نداشت ۰ وتفکیک قوای سه گانه تنها روی کاغذ ودر حرف خلاصه شده بود ۰ وعملاً به اساس مادهٔ (٤٦) آن تمام لوایح و قوانین توسط وزراء ترتیب می شد وشورای دولت (که مناصفه اعضای آن خود

---

۱. افغانستان در مسیر تاریخ صفحهٔ ۸۱۲ ـ ۸۱۳ ۰

این وزراء بودند) آنراتدقیق میکرد و سپس خود مجلس وزراء آنراء به تصویب میرسانید وشاه بران صحه می گذاشت و مورد تطبیق قرار میگرفت ۰ کذا به اساس مادهٔ (٦) قانون اساسی ، شاه غیر مسوول بود و طبق مادهٔ (۳۱) وزراء تنها نزد شاه مسوولیت داشتند و مردم و آرای آنان اصلاً مطرح نبود ۰

شاه همه چیز راجزء مواریث شخصی می پنداشت و حتی صدارت افغانستان را بیش از ده سال تا آخرین لحظه دردست خود گرفت و بدین ترتیب نظام استبدادی (شاهی مطلقه) همچنان دست نخورده ماند و گروهی از جوانان مشروطه خواه هم که روی این آرمان و هدف با امیر امان الله خان همراهی و همکاری می نمودند ، آزرده خاطر شدند و شاه از هر جهت در جامعه منزوی و منفور گردید ۰

بدبختی در این بوده است که زعما و فرمانروایان افغانستان از سهم گیری مردم در سر نوشت شان پیوسته بیم داشته اند و کسی چون شاه امان الله هم باوجود ادعای (انقلابی) بودن تحمل کوچکترین ایراد و انتقاد را نداشت وعلیه آن عکس العمل نشان میداد ۰ چنانچه عبدالرحمن خان لودی جوان هم فکر و مشروط خواه خودرا در برابر این پیشنهادش که باید عهدهٔ صدارت به شخص دیگری واگذار شود ، مورد سرزنش قرار داد واز ریاست گمرک برکنار کرد ۰ (۱)

قیام های بعدی و پایان کار

آشوب و قیام پکتیا درسال ۱۳۰٤ هجری شمسی هر چند با خونریزی و خشونت و توسط بمباران طیارات و پیلوت های روسی خاموش گردید ، اما هیجان همگانی و انزجار عمومی نسبت به شاه امان الله و افکار و اعمالش کاهش نیافت و بصورت یک بیماری حاد و جدی سرتاسر جامعه رافراگرفت ۰

روس ها بادرک و شناخت از خود خواهی های شاه ، اورا بنام (پتر کبیر) وانواع القاب وعناوین ستایش می کردند ،(۲) واین امر اثرات منفی و نامطلوبی در روحیهٔ او القا میکرد ۰ به همین علت بود که از قیام پکتیا انتباهی نگرفت و به کار ها و برنامه های خویش ادامه داد ۰ مخصوصاً در تضاد و مخالفت با علما وروحانیون به شدت افراط نمود ، حضرت نور المشایخ رابه هندوستان تبعید کرد ، دست های مولوی نجم الدین ، خان آبادی را قطع کرد وخودش را در قفس انداخت و به تماشا گذاشت ۰ بسیاری از علما و شخصیت های دینی و مذهبی گرفتار و زندانی شدند و این وضع ناآرامی هارا در گوشه وکنار دامن زد و افغانستان از هرجهت آبستن حوادث شد ۰

---

۱ ـ افغانستان در مسیر تاریخ صفحهٔ ۸۱۳ ۰

۲ ـ رک : امان افغان ، سال پنجم ، شمارهٔ (۱۳ـ۱٤) صفحهٔ ٥ ۰

بی عدالتی ها ، بالا رفتن بیش از حد نرخ ها ٠ فساد ، رشوه خواری ، خود کامگی و بطور کلی فجایع اداری و خرابی اقتصادی ، از جمله مسایلی بود که نارضائی هاو نا بسامانی های اجتماعی و سیاسی را ممد گردید و در سال های اخیر بمرحلهٔ انفجار رسید ٠

تمام این عوامل که بصورت بسیار فشرده گفته آمدهمه باهم یکجا گردید و بصورت طوفانی از خشم و نفرت مبدل شد که شاه واردوی شصت هزار نفری اش نتوانست آنرا مهار کند ٠

بعد از برگشت اروپا و تحمیل اراده اش برمردم در جرگهٔ پغمان ، اذهان عامه را در بدبینی به خود بیشتر بر انگیخت و در اثر آن جناب محمد صادق مجددی با برادرزاه اش محمد معصوم مجددی (پدر جناب صبغت الله خان مجددی) و قاضی عبدالرحمن خان پغمانی ، قاضی فضل الحق ، قاضی عبدالقادر خان پغمانی ، عبدالحنان خان و محمد میان خان پسران قاضی عبدالرحمن خان ، در خزان ۱۳۰۷ ش مطابق ۱۹۲۸ میلادی از کابل عازم پکتیا شدند تا بار دیگر مردم را علیه شاه به قیام وادارند ٠ دولت از موضوع آگاه شده و به عبدالغنی خان قوماندان جاجی دستور داد تا آنانرا گرفتار و بمرکز ارسال دارد ٠ قوای دولتی در منطقهٔ جاجی آنانرا دستگیر و تحت الحفظ به پغمان فرستاد ٠

شاه ، قاضی عبدالرحمن پغمانی و دامادش قاضی فضل الحق خان را در یکروز و قاضی عبدالقادر خان و عبدالحنان خان پسر قاضی عبدالرحمن خان را روز دیگر در (سیا ه سنگ) تیر باران کرد ٠ واز کشتن حضرات بنا بر عذر خواهی و شفاعت مادر خود و ترس از شورش مردم خودداری نمود و تنها بزندانی ساختن ایشان اکتفا ورزید ٠

اولین جرقهٔ آتش در ننگرهار

همزمان باجریان پکتیا ، شنواری هاهم مخالفت خویش را باشاه امان الله و برنامه هایش اعلان کردند و در ١٤ نومبر ۱۹۲۸ مطابق عقرب ۱۳۰۷ شمسی عملاً قیام نمودند ٠ در اولین اقدام لین های تیلفون را بین داکه و جلال آباد بریدند و خزانهٔ حکومت رابه یغما بردند ٠ درراس شنواریان محمد علم خان جنرال ملکی و محمد افضل خان قرار داشتند و شعار شان این بود که امان الله خان به دین و شریعت اسلامی بی احترامی می کند و قوانین آن مغایر اسلام است ٠ آنان ضمن اعلامیه ای بر اغلب اصلاحات (ریفورم های) امان الله خان انگشت نهادند و خواهان الغای آن شدند ٠

همچنان در اعلامیه ایشان تذکر رفته بود که شاه امان الله در جرگهٔ پغمان نسبت به حضرت محمد (ص) حرفهای بی ادبانه گفته و بنابراین واجب القتل می باشد ٠

در ۱۹ عقرب عساکر قشلهٔ (گهی شنوار) به قیام کنندگان پیوست وداکه و جلال آباد را

اشغال کردند ۰ ضدیت با امان الله خان توسعه یافت و در اندک مدت تمام اقوام و قبایل ننگرهار در صف شنواریان قرار گرفتند ۰

امان الله خان یک هیئت را بشمول غلام صدیق خان چرخی و سردار شیر احمد خان نزد قیام کنندگان فرستاد تا با آنان مذاکره و مغاهمه کرده زمینهٔ مصالحه را فراهم سازند ۰ در ٤ و ۵ دسمبر ۱۹۲۸ جلساتی بین دوطرف صورت گرفت و مردم ننگرهار یک پیشنهاد ۲۱ فقره ئی را که دران عزل شاه ، برکناری کابینه و اخراج محمود طرزی از افغانستان نیز شامل بود ، به هیئت تقدیم کردند ۰ متعاقب آن به جلال آباد حمله بردند و سراج العماره را آتش زدند ۰ قوای دولتی تسلیم شد و سلاح و مهمات زیادی بدست مردم افتاد ۰

مردم پکتیا هم تحت شرایطی با ننگرهار پیمان بستند و ساحهٔ آشوب و قیام در گوشه و کنار کشور توسعه یافت ۰

علمای قندهار نیز پیشنهاد مشابهی فرستادند واز دولت خواستند تا کلیه برنامه های خودرا فوراً ملغی قرار دهد ۰

قیام سمت شمال

هنگامی که مردم ننگرهار با قوای دولتی دست و پنجه نرم می کردند و پکتیا و قندهار آمادهٔ قیام بودند ، در پکتیا و پروان هم رستاخیز آغاز گردید و موجی از دهقانان و جوانمردان و طبقات مختلف مردم تحت سرپرستی حبیب الله خان کلکانی بسوی کابل در حرکت افتاد ۰ دوازده هزار عسکر منظم باتوپ و طیاره بمدافعه پرداختند (صفحهٔ ۸۲۳ـ۸۲٤ غبار) و جنگ های سختی بین دو طرف درگرفت ۰ امیر امان الله خان که ازهر طرف خودرا در محاصره می دید و براشتباهات خود پی برده بود ، اعلامیهٔ ۱۸ فقره ئی را در تعدیل اصلاحات (ریفورم های) خود طبع و توزیع نمود حاوی اینکه :

دختران محصل از خارج مراجعه می کنند ، ملاهای دیوبند در افغانستان داخل خدمت شده میتوانند ، از رشوت جلوگیری می شود ، زنان دست وروی خودرامی پوشند ، در تدریس ملا ها شهادت نامه خواسته نمیشود ، شراب نوشی منع و مرتکب آن مجازات میگردد ، روز تعطیل از یکشنبه به جمعه تبدیل می شود ، زنان بجای لباس اروپائی برقع خواهند پوشید ، وازهمین قبیل حرفهای دیگر !! اما دیگر دیر شده بود و فایده ای نداشت ، زیراجنگ و شورش از هر سو براه افتاده بود و مهار کردن خشم توده ها ناممکن می نمود ۰

مردم کاپسیا و پروان که از همه جا به کابل نزدیک تر بودند ، شب ۲٤ جدی مطابق ١٤ جنوری ۱۹۲۹ خودرا به پشت دیوار های ارگ رسانیدند و قوای دولتی به شکست مواجه گردید ۰

صبح آن شاه امان الله باتعدادی از فامیل خود بقندهار رفت و سردار عنایت الله خان برادرش را بجای خود منصوب فرمود ۰ اونیز سه روز بعد کابل را ترک گفت و ساعت ۲ بعد از ظهر ۱۷ جنوری ۱۹۲۹ دروازه های ارگ بروی حبیب الله کلکانی و یارانش باز گردید و به این ترتیب بساط فرمانروائی شاه امان الله درهم نوردید ۰(۱)

آخرین تلاش برای بقای شاه امان الله خان، وبمباردمان مزار شریف توسط روس ها

امیر امان الله خان بعد از فرار بقندهار ، آنجاراسنگر قرار داد وبسوی غزنه لشکر کشید ۰ در انجاهم ازیاران حبیب الله کلکانی و مردم سلیمان خیل شکست خورد و به قندهار عقب نشینی کرد ۰

حین اقامت امیر امان الله خان در قندهار روس هاواردعمل شدند و سمت شمال را از زمین و هوا مورد حمله قرار دادند ۰ این تجاوز روس هامانند سایر جنایات شان در افغانستان ، سالها پوشیده ماند و ارباب قلم و سیاست یا از ترس حکام ، ملاحظات سیاسی و روابط حسنه دولت ها با مسکو و یا بخاطر دوستی ها و محبت های شخصی با روس ها ، از افشاء آن خوداری کردند ۰ تنها دردوران جهاد و از خیرات و برکت آن بود که همه چیز از پرده برون افتاد و فجایع روس کم کم بمیدان آمد ۰ گرچه نگارنده درچاپ اول این کتاب از حمله و جنایات روس به مزار شریف و سمت شمال ، تذکری داده بودم ، ولی با توجه به اهمیت موضوع و بدست آوردن اسناد و مدارک جدید ، لازم دیدم تادرین مورد قدری به تفصیل صحبت شود و حقایق روشنتر گردد ۰ اینک تفصیل ماجرا که مطالعه میفرمائید :

مرحوم استاد خلیلی که دران ایام مستوفی مزار شریف بود می گوید : اوایل جوزا بود بامداد سرحددار تهانه مرکزی پته کیسر بوسیلهٔ تیلفون اطلاع داد که حدود ، دوغند (۲۰۰۰) روسی در حالی که لباس عساکر افغانی به تن دارند و با اسلحه و ماشیندار و توپ مجهز میباشند از آموگذشته و به پته کیسر وارد گردیده اند ، ۵۰ طیاره هم از بالا بپرواز آمده و سپاهیانی را که مانع ورود آنان شده اند ، همه رابه گلوله بسته اند ۰ شاهدان عینی دیگری هم گذارش داده اند که چنین افرادی بسوی سیاگرد و مزار شریف در حرکت اند ۰

---

۱ ـ برای تفصیل قضیه رجوع شود به : مناسبات سیاسی افغانستان درنیمهٔ اول قرن ۲۰ ، عیاری از خراسان ، افغانستان در مسیر تاریخ ، و امیر حبیب الله کلکانی نوشته شاه آغا مجددی ۰

باالستماع این خبر مرزا محمد قاسم خان رئیس تنظیمه ، قوماندان عسکری ، مدرس بزرگ ده ملای عرب و تعداد زیادی از علماء و افسران و موسفیدان شهر در سلام خانهٔ مزار شریف اجتماع کردند و در نتیجه فتوای جهاد صادر و قرار بران شد که هریک و ظایفی بدوش گرفته و بسرعت آمادهٔ دفاع شوند ۰ فردای آن یک قطعهٔ سه صد نفری دشمن نزدیک بلخ شد و پس از ٤ ساعت جنگ عقب نشینی کرد و معلوم شد که این جنگ و گریز یک خدعه حربی بوده و قوای دیگری دردنبال دارد ۰ نیمه شب احوال رسید که به مزار شریف حمله برده اند و پس از شکستاندن قوای مقاومت ، داخل شهر شده اند ۰ علت شتاب دشمن در تسخیر مزار شریف آن بود که علاوه بر تصرف خزانه ، از قدسیت وامنیت شهر استفاده کند ۰ زیرا میدانستند که مردم به احترام آرامگاه خلیفهٔ چهارم ، هیچگاه آن شهر مقدس را هدف گلولهٔ توپ و تفنگ قرار نیمدهند ۰ اما توپ خانهٔ دشمن در کمال بی رحمی و وحشت سنگر های مجاهدین و روستاهارا به آتش می کشیدند ۰ میرزا محمد قاسم خان رئیس تنظیمه وده ملای عرب حدود دوهزار نفر مجاهد تازه نفس از تاشقرغان فراهم آوردند واز راه دشت شادیان وارد دهدادی شدند ۰ خلیفه صاحب قزل ایاق نیز دو هزار سوار ترکمن با اسلحه فرستاد ولی تفنگ های آنها پنج تیر روسی بود و مرمی های دست داشتهٔ شان به دو معرکه کفایت نمیکرد ۰ دراین احوال ناگهان صحنهٔ جنگ تبدیل گردیدو طیاره های دشمن دسته دسته از ترمذ بپرواز آمده بیش از دوازده بار میدان های مصاف وروستا های بی دفاع را بمبارد کر دند که این حملات بیش از ۷ هزار کشته و زخمی برجا گذاشت ۰ مردم بسوی تاشقرغان فرار کردند و طیارات دشمن فرداتا تاشقرغان آنان را تعقیب و بمبارد نمودند ۰

دریک کشتار ۳ صد اسیر مسلمان تیر باران شد و ٤١ جوان را در پیش روی حمام حاجی یاسین درمیان توده های انبار زنده دفن نموده آتش زده بودند که از بوی و دودگشتگان ، مردم شهر شب ها نخوابیده بودند ۰

در این جنگ طالب العلم های جوان بیش از هر طبقه ای قربانی دادند ۰ آنان کفن های سفید می پوشیدند و چشمان خودرا سرمه می کردند وداو طلبانه به جهاد می رفتند ۰ استاد و پیشوای شان ده ملای عرب گفته بود که در جهاد دین و وطن فرزندان حقیقی اسلام بایدیا پیکر شان بخون خود شان گلگون باشد ، یالبهٔ شمشیر شان به خون دشمن !

درتاشقرغان هم باوجودی که قوای ایبک چیزی دردست نداشت ، ۳ روز جنگ دوام کرد و دشمن مجبور شد شهر را تخلیه کند ۰ ولی روز چهارم قوای تازه نفس دشمن از مزار وارد شد و صبح وقت مردم را در خواب غافلگیر کرده از زمین و هوا حمله نمودند ۰ تلفات مردم در این حمله کم از روز های گذشته نبود ۰

سید حسین که از کابل به کمک مجاهدین اعزام شده بود ، نتوانست دران اراضی هموار و بیابان های بی آب و علف خودرا از بمباردمان دشمن و آتش توپ خانهٔ آن نجات دهد

و بسوی تاشقرغان پیشروی کند ، لذا هنوز او در راه بود که تاشقرغان بار دیگر بدست دشمن افتاد و اوبدون جنگ عقب نشینی کرد ٠

روس ها که میدان را خالی دیدند از تنگهٔ تاشقرغان تارباطک هر جا معموره ای برسرراه شان بود ویران کردند و هرجا جمعیتی می دیدند بمباردمان می نمودند و بدین ترتیب صد ها نفر جام شهادت نوشید ٠

فرماندهٔ اصلی قوای دشمن یک نفر روس بود که بدروغ نام اورا (راغب) مانده بودند تا مردم فکر کنند که مسلمان است ، غلام نبی خان تنها اعلامیه هارا امضاء و مرتب می کرد و با مردم تماس برقرار می نمود ٠

باوجود همه مشکلات ، مجاهدان دست از جنگ نکشیده همیشه بالای قوای دشمن شبخون می زدند تا آنکه وزارت خارجه افغانستان اطلاع یافت و داخل اقدامات شد و روس ها تحت فشار بین المللی و سفارت خانه های خارجی افغانستان را ترک گفتند ٠(۱)

نوسیندهٔ دیگر افغانستان (میر غلام محمد غبار) هم از این موضوع بصورت بسیار کوتاه وفشرده در کتاب خود یاد کرده ولی کوشیده است نامی از روس نبرد ، و این تجاوز و لشکر کشی و کشتار و بمباردمان را در کشور مابه گونه ای یاد کند و افتخار نماید که پنداری مورخی از لینن گراداست و قهرمانی های ارتش سرخ را درج تاریخ کرده است !! ملاحظه بفرمائید این است متن آن نوشته که مطالعه می فرمائید :

«غلام نبی خان چرخی (سفیر افغانی در شوروی) بایک قطعه عسکر چند صد نفری ، هزاره و ترکمنی از آنطرف آمو به موضع (کلفت) افغانی داخل شده و تا دولت آباد پیش آمد ٠ عساکر سقوی مزار به مدافعه رفتند و در موضع خواجه ولی در اخیر حمل ۱۳۰۸ شکست سختی خوردند ٠ غلام نبی خان در ۲ ثور بعد از یک جنگ شدید شهر مزار را اشغال نمود مگر بعد از کمی رئیس تنظیمهٔ حکومت سقوی قشون دو هزار نفری از ایبک و تاشقرغان جمع کرده به شهر مزار شریف حمله نمود و منهزم گردید ٠ معهذا حملات پراگندهٔ طرفداران بچه سقا علیهٔ شهر مزار شریف دوام داشت ٠ غلام نبی خان در ۱۸ ثور معسکر شیر اباد سقوی را اشغال کرد و یکروز بعد با بمباران توپ

---

۱ ـ مرحوم استاد خلیلی دران ایام مستوفی بلخ و جزء مدافعان بوده است ٠ بنابراین رساله اش حاوی یک سلسله حقایق و جریاناتی میباشد که خود آنرا بچشم دیده و یادداشت کرده است ٠ وتا آنجا که نوشته هایش به همین محور (جریان جنگ و بمباردمان روس) دورمی زند ، قابل اطمینان است و با اسنادی که از منبع روسی درهمین مبحث نقل خواهیم کرد قسماً موافقت دارد ٠ این رساله مهم و مستند هنگام مهاجرت استاد به پاکستان در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی به نفقهٔ جمعیت اسلامی افغانستان تکثیر گردیده است ٠ البته در کتاب حاضر بسیار به اختصار ازان استفاده شده ٠ نام رسالهٔ مذکور : (نخستین تجاوز روسیه در افغانستان) می باشد ٠ جریدة حبیب الاسلام هم در شمارهٔ ۱۲ سال اول ، ۲ جوزا ۱۳۰۸ هـ ٠ ش از بمباردمان طیارات روسی به چهل در و حیات آباد خبری را نشر کرده است ٠

وطیاره قلعهٔ جنگی را مسخر نمود ۰ آخرین مقاومت سقوی هانیز در جنگ تاشقرغان از بین برده شد و تمام ولایت بلخ زیر ادارهٔ غلام نبی خان قرار گرفت ۰ حکومت سقوی سید حسین وزیر جنگ را با قشون چار هزار نفری امر حمله به ولایت بلخ داد ۰ قوای غلام نبی خان این قشون راهم در ایبک مغلوب وفراری ساخت و سید حسین بولایت قطغن فرار نمود ۰ تا این وقت شاه امان الله از قندهار به استقامت کابل حرکت کرده و تاغزنی رسیده بود ۰ ولی همینکه از قوهٔ سقوی و سلیمان خیل ها در غزنی مغلوب شد و از افغانستان خارج گردید ، غلام صدیق خان چرخی وزیر خارجه به برادر خود غلام نبی خان تیلگرامی خارج شدن شاه را اطلاع داد و غلام نبی خان در حالت فتح افغانستان را ترک گفت و آمورا عبور کرد ۰ اودر این حرکت خود نشان داد که فقط می خواست برای (شخص امان الله خان) خدمت نماید لهذا کشور را به ترحم اغتشاشیون ارتجاعی گذاشت و برفت ۰»(۱)

متاءسفانه علاوه براینکه در این نوشته نامی از روس و تذکری از جنایت آن نیست و همه چیز به غلام نبی خان نسبت داده شده است ، حقایقی نیز تحریف و جعل گردیده که ایجاب می کند قدری توضیح شود ۰

اولاً چنانکه در بالا بیان گردید و بازهم درهمین مبحث به آن تماس خواهم گرفت ، فرماندهٔ اصلی قوای روس در این حمله ، (پریماکوف) آتشهٔ نظامی روس در افغانستان بوده است ونه غلام نبی خان !

ثانیاً ۰ معلوم نیست هزاره و ترکمن در کجا بودند که با غلام نبی خان از آنسوی آمو به مزار حمله کردند ؟ مگر به مسکو یا تاشکند مهمانی رفته بودند ؟ و دران صورت غلام نبی خان سفیر افغانی در مسکو چگونه توانست آنان را استخدام کند و به قتل مردم افغانستان وادارد ؟ و بفرض اینکه چنین کاری هم بوسیلهٔ پول ممکن بود ، پس طیاره و بمباردمان چی ؟؟ این طیاره ها از کجا بودند و چگونه در خدمت غلام نبی خان قرار داشتند ؟ در حالی که عساکر همراه با غلام نبی خان از ورزیده ترین واحد های روسی مستقر در تاشکند بودند و بدستور مسکو اوراهمراهی میکردند و طیارات هم از ترمز به کمک افراد روسی و غلام نبی خان ، پرواز و فعالیت مینمودند !

ثالثاً : عساکر روسی در اثر فشاربین المللی ، اخطار انگلیس و ترکیه و ایران و دستور مسکو از افغانستان خارج شدند نه بفرمان غلام نبی خان و ترحم به امیر حبیب الله کلکانی ! غلام نبی خان همانطور که صلاحیت و امکانات حمله را نداشت ، ارادهٔ باز گشت هم در اختیارش نبود ۰

رابعاً در جریان این حمله به افغانستان ، همه ادارات دولتی به اختیار امیر حبیب الله

---

۱ ـ افغانستان در مسیر تاریخ صفحهٔ ۸۳۱ ۰

کلکانی و طرفداران اوبود و معلوم نیست که غلام صدیق خان چگونه واز کجا به غلام نبی خان برادر خود تیلگرام داد واو را در جریان خارج شدن امان الله خان از کشور قرار داد؟ مگر دستگاه تیلگراف شخصی درخانه داشت ؟؟

خامساً : از کشتار و فجایع روس و تلفات هموطنان ما اصلاً حرفی برزبان نیاورده ، گمان بری که چند هزار مورچه و ملخ کشته شده باشد ! شاید بعقیدهٔ او این لشکر کشی و هجوم (کمک دوستانه) و مجاز بوده است !! چنانچه (انقلابی های؟) امروز هم در کابل ، قتل و جنایت و بربریت روس هارا بحساب (دوست) مجری میدهند وویرانی و نابودی افغانستان را حق طبیعی آن می دانند ۰

سادساً: لشکر کشی روس به مزار و تاشقرغان در اصل و ماهیت یک تجاوز و مداخله در امور داخلی افغانستان است واز لحاظ حقوقی و تعاملات بین المللی محکوم میباشد ۰ امادر نوشتهٔ (غبار) اصلاً اشاره ای به آن نه شده است ۰

وبالآخره قتل حداقل ده هزار زن وکودک وطن بخاطر بقای قدرت (یک شخص) به هیچ منطق و برهانی توجیه پذیر نیست و هیچ انقلابی و مرتجعی بجز کمونست ها آنرانمی پذیرد !!

واقعاً عجیب است ! گاهی آدمی بخاطر دوستی با این یا دشمنی با آن و تحت تاثیر افکار و گرایش های شخصی همـه معیار ها ، ارزش ها و حقایق را از یاد می برد و حتی وطن و مردم و تاریخش را در برابر عقده های خود و منافع دیگران به هیچ می انگارد ۰ این نوع طرز تلقی و تفکر بجای آنکه در کشف حقایق ممد گردد ، سیر تاریخ و مشخصات آنرا مبهم میسـازد و یک ملتِ را بتـاریکی می کشـانـد که امیدواریم پژوهش گران جوان از چنین ابهـامی در امان باشند !

بهرحال تا اینجا سخن از منابع افغانی درمیان بود ، اکنون می بینیم روس ها در دفتر و دیوان خویش ، این موضوع را چگونه ضبط کرده اند ۰

آقابکوف افسر سازمان اطلاعاتی (گ ، پ ، ئو) ضمن توضیح سیاست ها و فعالیت های کشورش در افغانستان می نویسد:

«دربارهٔ وقایع افغانستان بین گ ، پ ، ئو و وزارت خارجه روس اختلافاتی وجود داشت ، اولی عقیده داشت که چون بچهٔ سقا ازمیان تودهٔ مردم برخاسته باید به او کمک شود واز اینطریق روسیه موفق خواهد شد که افغانستان را تدریجاً بسوی اشتراکیت سوق دهد ۰

وزارت خارجهٔ روس برعکس به این عقیده بود که چون بچهٔ سقا مورد حمایت شمال قرار دارد، لذا بعد از استقرار برسریر قدرت نفوذ خودرا در ترکستان نیز پخش خواهد کرد ، در حالی که امان الله از حمایت قبایل جنوب برخوردار است وروسیه میتواند به کمک اوبا دولت هند بمبارزه برخیزد ، علاوه بران هیچکس باورندارد که بچهٔ سقا بتواند

مدت زیاد برسر قدرت باقی بماند ۰

بالآخره (پولیت بورو) هم از عقیدهٔ وزارت خارجه جانب داری کرد و قرار بران شد که با امان الله خان کمک شود ۰ وزیر مختار افغانستان در مسکو (غلام نبی خان) از دولت شوروی تقاضای حمایت از امیر امان الله کرد و برادرش وزیر خارجهٔ افغانستان نیز خودرا به عجله به مسکورسانید و کمک خو است و قرار بران شد که (پولیت بورو) تصمیم بگیرد ۰

درجلسهٔ پولیت بورو که یکشب با حضور ستالین و (پریماکوف) وابستهٔ نظامی روس در افغانستان و وزیر خارجهٔ افغانستان تشکیل گردید ، تصمیم گرفته شد که یک گروه از سر بازان ارتش سرخ بالباس افغانی و فرماندهی (پریماکوف) عازم افغانستان شوند ۰ آنها بایستی مخفیانه از آمو عبور کرده و یکسره تا کابل بتازند و برای اینکه مشکلی درمسیر آنان بوجود نیاید ، بنا شد فرماندهی ظاهری این گروه با غلام نبی خان باشد ۰

یکروز صبح مردم (ترمز) شاهد بودند که هوا پیماهای شوروی از فراز آمو دریا بسوی پست مرزی (پاتا گیسار = پته کیسر) پرواز نموده و به محض اینکه مرز داران افغانی متوجه آنها شدند ، تمام آنهارا با شلیک مسلسل ازهوا پیماها دور کردند و بلا فاصله بعد ازان یک گروه پیاده نظام ۸۰۰ نفری از ورزیده ترین واحد های مستقر درتاشکند از کنارهٔ آمو دریا سربراورده و در حالیکه با ماشیندار مسلح بودند همراه با چند توپ به سمت مزار بحرکت درآمدند ۰ دربین راه چند دسته از نظامی های افغانی را که برسرراه شان سبز شده بودند بضرب مسلسل و توپ از پادر آوردند ۰ در حومهٔ مزار شریف مقاومت هائی صورت گرفت و سربازان ارتش سرخ (بالباس افغانی) به آسانی شهر را دردست گرفتند ، تعداد تلفات درحدود دو هزار نفربود ، مجاهدین بچه سقا کوشش کردند که از پیشروی قوهٔ غلام نبی خان بسوی کابل جلوگیری کنند ، اوهم بالشکر سرخ بسوی تاشقرغان حرکت کرد ، در نزدیکی تاشقرغان بین دو قواء شش ساعت جنگ در گرفت بالآخره قوای مقابل تارومارشد ۰ حدود سه هزار کشته برجا گذاشت و بقیه فرار کرد ۰ غلام نبی خان بدون زحمت تاشقرغان را گرفت وبسوی خان آباد پیشروی نمود ۰ در جریان این حال مسکو اطلاع یافت که امیر امان الله خان از قندهار به هند گریخته است که در نتیجه کار عملیات قوای اعزامی ماهم بی ثمر ماند و بدستور ماسکو تمام سربازان ارتش سرخ نیز دست از جنگ کشیدند وهمهٔ آنها سه روز بعد در واحد های خود در خاک شوروی مستقر شدند۰»

تاآنجا که معلوم است در جریان حمله و بمباردمان روس به مناطق شمال افغانستان، سفارت های خارجی مقیم کابل ، از جمله برتانیا ، ترکیه و ایران اعتراض نامه های شدیدی

تحویل سفارت شوروی کردند واز مداخله اش در افغانستان برحذر داشتند ودر اثرهمین فشارها و اخطار بود که روس ها دران مرحله از افغانستان خارج شدند ۰ آقا بکوف خود دراینباره می گوید :

«البته برای فراخواندن سر بازان ما از افغانستان دلیل دیگری هم وجود داشت و آن گفتگوئی بود که برسر مداخلهٔ ارتش سرخ در افغانستان در سفارت خانه های خارجی مقیم کابل و در مطبوعات اروپائی در گرفته بود ۰ بخش ویژهٔ (گ ، پ ، تو) با بدست آوردن تیلگراف های دپلومات های خارجی و کشف آنها متوجه شده بود که تمام دنیا از مداخلهٔ شوروی باخبر شده اند ، کلیه ممالک خارجی از جمله دو کشور ایران و ترکیه که از دوستان ما بحساب می آمدند به این مداخله موافقت نداشتند ۰»(۱)

آقابکوف در این گفتار خود بنابر خصلت روس ها ، تعداد عساکر روسی و تلفات افغانی را خیلی کم نشان میدهد واز حملات هوائی شان در تاشقرغان و مزار شریف حرفی درمیان نمی آرد ۰ و دلیل هم آنست که جریانات بعدی این لشکر کشی و چگونگی عملیات مسلماً در اختیار ارتش سرخ بوده است و مامورین گ ، پ ، تو اطلاعات مفصل و دقیقی نداشته اند ۰ البته تنها روسهانبودند که بنام و بهانهٔ کمک به امان الله خان و یا مخالفت علیه حبیب الله کلکانی در افغانستان لشکر کشی کردند و برای توسعه نفوذ بعدی خود در کشور مادست و پامیزدند ، بلکه اوضاع در مرزهای افغانستان باهند برتانوی هم ، وضع نسبتاً مشابهی داشت ، و درحالی که هنوز شخص امیر امان الله در قندهار موجود بود و برای بقای خود علیه امیر حبیب الله کلکانی می جنگید ، محمد نادر شاه و برادرانش سردار محمد هاشم خان وسردار شاه ولی خان نیزدر ۲۲ فبروری ۱۹۲۹=۱۳۰۷ش، به بمبئی آورده شدندوبعد از سه روز به پشاور رسیدند و بتاریخ ۸ مارچ همان سال از طریق (کُرم) داخل افغانستان گردیدند وجهت کسب قدرت شروع به تبلیغات و مبارزه کردند ۰(۲)

مع الوصف شواهدی موجود نیست که تشبث شخص شاه امان الله را در لشکر کشی روس به افغانستان تثبیت کند ، گرچه مسافرت وزیر خارجه اش به مسکو و تقاضای کمک از روس ها این مظنه را تا حدودی بوجود می آورد ، اما اگر چنین چیزی درمیان می بود ، اربابان کرملن حتماً برای توجیه تجاوز و جنایات خود در افغانستان ، آنرا مطرح میکردند ۰

حتی بعید از باور و امکان نیست که روس ها غلام نبی خان راهم ، خود به چنین امری تشویق کرده باشند تابرای تجاوز شان دستاویزی درست کنند و این حدس و گمان راحرفهای آقابکوف موکد می سازد که میگوید :

«در تمام مدت آشوب و جنگ و نزاع در افغانستان وزارت خارجه شوروی نتوانست

---

۱ ـ خاطرات آقابکوف صفحه ۲۰۳ ـ ۲۰۶ (به اختصار نقل شده است) ۰

۲ ـ مناسبات سیاسی افغانستان درنیمهٔ اول قرن ۲۰ صفحهٔ ۱۴۸ ۰

هیچگـونـه سیـاست مشخص را دنبـال کند و اجباراً در جریان حوادث از اینسو به آنسو کشیده می شد ۰ شخص استالین هم باشتابزدگی خود گرهی را که میتوانست باصبر و حوصله بازکند با شمشیر سرخ پاره کرد که نتیجهٔ کلی آن تولید بدگمانی عمومی نسبت به ارتش سرخ و خدشه دار شدن حیثیت کمونیزم در افغانستان بود ۰ و اعمال ستالین در اینباره شدیداً اتهام امپریالیستی شوروی رابه اثبات رسانید و تائید نمود ۰»(۱)

واقعیت این است که روس ها از همان آغاز پیوسته درکمین بوده اند تا بهانه ای بدست آرند و دراینسوی آمو پیشروی کنند و هر زمانی هم که چنین فرصتی برایشان میسر شده است از هیچ نوع تعدی و تجاوز مضایقه نکرده اند ۰ چنانکه اینک همهٔ ما ناظر کارنامه های ننگین و ضد انســانی این قوم غدار و پلید هستیم و اوراق این دفــتر نیز تصــویر آنـان را درگذشته ، پیش ما مجسم می سازد ۰

ولی حیف که این همه تجارب و شناخت ازماهیت روس و اهداف ایشان ، گردانندگان امور اداره و سیاست افغانستان را هرگز هوشیار نه ساخت و پای نحس این خرس قطبی را از کشور ماقطع نکردند !!

---

۱ ـ حضرت اقابکوف صفحهٔ ۲۰۸ ۰

فصل پنجم
امیر حبیب الله کلکانی

چنانچه خوانندگان ارجمند اطلاع دارند دربارهٔ حبیب الله کلکانی حدود نیم قرن تبلیغات منفی ، خصمانه و یکطرفه صورت گرفته است و حکام وقت در مساعی شان جهت ستر و اخفای چهره های واقعی خود ، همه بدنامی ها و خرابی هارا ناجوانمردانه به اونسبت داده اند •

مورخان و چیز نویسان مغرض و ابن الوقت هم بمنظور کسب قدرت و امتیاز و یاروی حساسیت ها و عقده های عندی و شخصی ، یکی به تقلید دیگر داستان ها و افسانه جعل کرده اند که در نتیجهٔ آن ، حقایق مغشوش و چهره واقعی اش در تاریکی پندارها و اتهامات پنهان مانده است • بعض از نوشته ها هم که قسماً بیغرضانه و خوشبینانه به نظر میرسد ، در توضیح و توصیف جزئیات یکسان نیستند و تصویر واحد و مشخصی از آنها بدست نمی آید • علاوه بران بین تاریخ وقوع حوادث و ایام عسکری موصوف اختلافاتی وجود دارد و مقتضی دقت و کنجکاوی بیشتر می باشد •

بنابر این نگارنده لازم دید تا قبل از صحبت پیرامون چگونگی روابط حکومت امیر حبیب الله کلکانی با روس ، سخنی چند دربارهٔ خود او گفته آید واز مجموع آنهمه آرای متضاد و متفاوت ، بذکر کلیات و خلاصهٔ روایات اکتفا گردد ، به نحوی که با واقعیت توأم و ازحب و بغض عاری باشد •

حبیب الله جوان آزاده و روستائی در جریان جنگ استقلال مشغول خدمت دورهٔ عسکری در قطعه نمونه است و در جملهٔ سایر جوانان وطن علیه دشمن می جنگد • و پس از متارکهٔ جنگ و بازگشت بکابل گاهگاهی در ایام رخصتی تفنگش را بدوش می اندازد و باپای پیاده ازراه قلعه حاجی به دهکدهٔ خود (کلکان) میرود واز خانه و دوستان خود احوال پرسی می کند ، و به این ترتیب دورهٔ عسکری اش پایان می یابد •

در سال ۱۹۲٤ م هنگامی که اغتشاش در پکتیا اوج میگیرد حبیب ا لله بار دیگر بنام دورهٔ (احتیاط) جلب و به پکتیا فرستاده می شود • در همین دوره است که او با آن منطقه آشنائی بیشتر پیدامی کند و دوستان تازه یی بدست می آرد • بعد از ختم اغتشاش به جلال

آباد میرود و رفقای دورهٔ عسکری اش را که بجرم کوچکی زندانی شده بودند از محبس فرار میدهد و خود بکابل برمی گردد (ص ۸۱۵ غبار) ۰ هنگام عزیمت بسوی خانهٔ خود (کلکان) درراه قلعه حاجی با داره ای از دزدان بر خوردمی کند و دونفر از سر کرده های آنرا بنام (افضلو) و (لالا شاه محمد) دردم نقش زمین میسازد و بقیه فرار می کنند ۰ حبیب الله خود به وزارت حربیه می رود و کشتن این دو دزد مشهور راکه حکومت از دست آنان بستوه آمده بود گزارش میدهد و تفنگ های آنان را بعنوان شاهد و برگه تحویل حکومت می کند ۰ لیکن وزارت حربیه به این امر التفاتی نمیکند و حبیب الله بدون پاداش مرخص می شود ۰(۱)

مردم ، مخصوصاً کوهدامن و کوهستان که از اذیت و آزار این دزدان بستوه آمده بودند باشنیدن این خبر شادمان میشوند و نام حبیب الله مشهور به (لالا) در روستاها و دهکده های اطراف کلکان برسرزبان هامی افتد و تعداد زیادی از همسالانش شیفتهٔ شجاعت و دلاوری اومی شوند ۰

اما (لالا) اینک به اصطلاح روستائیان پروان (مدعی دار) است ، رفقا و دارهٔ (افضلو) بدنبالش افتاده اند تا بهر نحوی که ممکن باشد از وی انتقام بگیرند ۰ حبیب الله که نمیتوانست دشمنان خودرا نادیده گیرد ، مجبور بود روز هارا دوراز انظار مردم در کوهاسپری کند و مواظب احوال خود باشد ۰

در جریان این آوارگی باری از رفقا و دوستان خود دعوت می کند تا باوی دیدار کنند و برایش مشوره بدهند ۰ یکشب همهٔ آنان در کوه دیگچه (شرق کلکان) مقر حبیب الله حاضر می شوند و هر یک بنوبهٔ خویش دربارهٔ اوضاع و سرنوشت حبیب الله اظهار رای می کنند۰ در اخیر ارباب قریهٔ (کلکان) او را مخاطب قرار میدهد و میگوید :

«لالا»! شما دیگر دروطن آزاد گشت و گذار کرده نمیتوانید ، پس مجبورید جهت خرچ و خوراک خود ، در این کوه بی آب و علف پول بدست آورید و امرار حیات کنید و یگانه راه پیشبرد زندگی تان همانا بسته کردن دارهٔ دزدی است !! رفقا همه سکوت می کنند ولی حبیب الله ناگهان این سکوت را با صدای مردانهٔ خود درهم می شکند و می گوید :

برادران ! شما خبردارید یا ندارید من که تا چند وقت پیش درکابل بودم ، شاه از دین گشته ، دستارکه از پیغمبر اسلام مانده منع شده عوضش کلاهای فرنگی بنام کلاه لگندی

---

۱ ـ بعضی از چیز نویسان دورهٔ عسکری حبیب الله خان را در قطعهٔ نمونه ، مبداء تاریخ حیات سیاسی او میدانند و عقیده دارند که درهمین وقت دزدان را کشت و به اثرآن زندانی شد و بعد فرار کرد ۰ بعضی برانند که جلب غیر حاضری اواز قطعهٔ اش صادر و درپرخاش با عسکر علاقه داری ، اوراکشت و فرار اختیار نمود ۰ عده ای هم معتقد اند که تمام این و قایع بعد از اغتشاش پکتیا و دورهٔ احتیاط اتفاق افتاده ، و نظر اخیر تاحدودی صائب بنظر میر سد ۰ زیرا از همین ایام است که کشور روبه نا آرامی میرود وآهسته آهسته نظم و امنیت ازهم می پاشد و همه چیز زیرورو میگردد ۰

امـر شده ، عیال پادشاه روی لچ گشت و گذارمی کند ، زنان را در سرک ها با چادری نمیهانند ، شراب خوری رواج پیدا کرده ، سینما جور کرده و دختران را به خارج فرستاده و امثال آن۰ ما باید برای مردم و دین خود خدمت کنیم نه اینکه خیانت اگر مابمردم خود خدمت کنیم هرجا برویم یک لقمه نان بما میدهند واگر بدی و خیانت کنیم همه دروازه ها بروی مابسته می شود ۰ افضلو و لا لا شاه محمد که دزدبودند وداره داشتند چه کردند ؟ مردم از مرده های شان نفرت دارند (البته این سخنان در پاسخ ملک کلکان بود) و سپس به سخنان خود ادامه داده میگوید: ما هرگاه بپول ضرورت پیدا کردیم عوض دزدی و چپاول منازل مردم بیچاره ، چرا خزانهٔ دولت لاتی را به غنیمت نگیریم !!

رفقایش همه حرفهای اورا تائید میکنند و باهم عهد می بندند که برای همیش بالالا دریک سنگر خواهند بود ۰

همزمان با آوارگی حبیب الله و در اثر سوء اداره ، بی عدالتی ها، ظلم ، خود گامگی و رشوه خواری و مردم آزاری ، امنیت در کشور مختل می شود و آنهمه غارتگری و آ دم کشی که پس از اغتشاش پکتیا کم کم در گوشه و کنار کشور تبارز کرده بود ، بشکل وسیع فراگیر می شود و داره های دزدان و رهزنان خواب و آسایش را از مردم می ربایند و دولت دریک تنگناه بی کفایتی و نارسایی قرار میگیرد ۰

در اوج این بحران سردار علی احمد خان والی کابل با قوای زیادی بسمت شمال می رود و درسرای خواجه ازمردم میخواهد که در اعادهٔ امنیت و گرفتاری دزدان با دولت همکاری کنند ۰ مردم که خود از دست بدامنی و ناآرامی و داره های دزدان به ستوه آمده بودند ، همه را بوی معرفی کردند واوبعد از یک محاکمهٔ مختصر نظامی عده ای راکشت و تعدادی راهم زنـدانی نمـود ۰ وانگـاه عازم جبل السراج شد و دزدان مناطق کاپسیا و پروان را نیز به همکاری مردم گرفتار و اعدام فرمود ۰

پس ازانکه سردار علی احمد خان از این کارها فراغت می یابد در فکر بدست آوردن حبیب الله کلکانی می شود ۰ چون او دزدنبود و مال و خانهٔ کسی را تاراج نکرده بود ، مردم در گرفتاری اش با دولت همنوائی نمی کنند و برعکس اورا یاری میدهند ۰ والی کابل بالای مردم کلکان فشار می آورد تا حتماً حبیب الله و برادرش حمید الله را بدولت تسلیم نمایند ۰

در اثر این اصرار و فشار ، مردم کلکان از (لالا) و برادرش میخواهند تابرای نجات مردم قریه از ظلم و فشار قوای حکومتی منطقه را ترک گویند ۰ و ایشان هم ره آوارگی درپیش میگیرند و به پاراچنار در جنوب میروند ۰ لا لا درپارا چنار به کمک و رهنمائی دوستان دورهٔ عسکری خود ، دوکانک سماواری باز می کند و چند صباحی را درانجا سپری مینماید ۰

دولت بعد از چندی بوسیلهٔ گماشتگان و جاسوسان خود اطلاع می یابد که حبیب الله و برادرش در پاراچنار زندگی می کنند و بنابر این در صدد گرفتاری اش میشوند ۰

اما حبیب الله که مراقب احوال خود بود از این اقدام دولت باخبر می شود و بار دیگر بزادگاه خود (کلکان) بر میگردد و بازهم کوه دیگچه را ملجاء و ماوای خود قرار میدهد و عزم می کند که بعد از این در برابر دولت آرام ننشیند ۰ در واقع این عمال دولت بودند که وسیله شدند مرد بیکس و مهجوری را در دور ترین نقطهٔ کشورهم آرام نگذارند واورا علیه دولت بر انگیزند ۰ و اینکار نقطهٔ عطفی بود که زندگی سادهٔ آن مرد روستائی را بیک تحریک سیاسی مبدل کرد و دست به اقدامات ضد دولتی زد ۰

رفقای (لالا) بازهم در کوه دیگچه با او دیدار می کنند و همه باهم دست برادری میدهند و تعهد مینمایند که هرچه او دستور دهد عمل کنند ۰ دران ایام که سرک و موتری وجود نداشت خزانه های دولت از سمت قطغن و ترکستان توسط کراکش ها بکابل حمل می شد ۰ اما دیگر حبیب الله ورفقایش نمیگذاشتند که قافله های پول بکابل برسد وآنرا بین جبل السراج و کوتل خیرخانه به غنیمت می گرفتند و اسپان را با رسید خزانه، به صاحبان آن مسترد می کردند ۰ سپس آن پول هارا سه تقسیم می نمودند، حصه ای رابه اعاشه و اباتهٔ خود تخصیص میدادند، حصه ای را برای خرید وتهیه لوازم جنگی صرف می فرمودند و سومین قسمت را به محتاجان و بینوایان محل توزیع میکردند ۰

این وضع دولت را به هراس می افگند و احمد علی خان رئیس بلدیهٔ کابل را با اختیارات تام بحیث رئیس تنظیمهٔ کاپسیا و پروان مقرر می کند تا از سوی شمال مطمئن گردد و توجهٔ خودرا درجهت سرکوبی قیام ننگرهار معطوف دارد ۰ موصوف ارگ جبل السراج را محل کار و اقامت خود قرار میدهد و با تمام امکانات برای دستگیری حبیب الله ویارانش بذل مساعی می کند و موفق نمی شود ۰ بالآخره جوصله اش سر میرود و بجای آنان، ملک محسن و ملک عبدالحکیم (اربابان کلکان) رازندانی مینماید و بکابل میفرستد ۰

چون زندانی کردن این دونفر مشکلات را بپایان نمیرساند، لذا احمد علی خان از در مفاهمه و مذاکره پیش آمده بزرگان و موسفیدان محل را مجبور می سازد تا وسیلهٔ مذاکرات را با حبیب الله مساعد سازند ۰ در اثر پا درمیانی مردم حبیب الله حاضر به مفاهمه می شود مشروط بر اینکه دو طرف خلع سلاح بوده و درباغ (عارق) حضور یابند ۰ در نتیجهٔ این مذاکرات احمد علی خان از حبیب الله میخواهد با حکومت همکاری کند و عهدهٔ (دزدبگیر) را رسماً ازسوی دولت بپذیرد ۰ حبیب الله این پیشنهادرامی پذیرد و به احمد علی خان می گوید که : چون انجام اینکار دزدان قوی را علیه او ورفقایش تحریک خواهد کرد و بقصد نابودی آنان خواهند شد، ایجاب می کند تا حداقل صد نفر رفقایش مسلح شوند و ضمناً دو ملک کلکان از زندان آزاد گردند ۰

احمد علی خان که فوق العاده تحت تاثیر قرار گرفته بود فوراً موضوع را با وزارت حربیه و شاه درمیان میگذارد ودرخواست مینماید که ۸۲ میل تفنگ جاغور دار ۳۰۳ بورد

و مقداری کارتوس با معاش و رتبهٔ غند مشری به هر دونفر (حبیب الله وسید حسین) داده شود ۰

شاه به این فیصله موافقت می کند وطی فرامین جداگانه ای بوزارت حربیه و مالیه دستور میدهد تا ۸۲ میل تفنگ ، ۱٦٤۰ گده کارتوس را با معاش سالانه (سه هزار افغانی) بهریک از حبیب الله و سید حسین ، تادیه نمایند و به صد نفراز رفقای شان نیز از قرار فی نفر ۳٦۰ افغانی سالانه پر داخت شود ۰ (۱) به این ترتیب حبیب الله و رفقایش که تا آنروز محض ده میل تفنگ معمولی در اختیار داشتند ، صاحب اسلحه و مرمی بیشتری می شوند و قدرت رزمی شان افزایش می یابد ۰

امیر امـان الله خان در اندک مدتی از تصمیم خود نادم می شود و بحکومت کلان چاریکار مخفیانه دستور میدهد تا حبیب الله و رفقایش را گرفتار کنند و تفنگ ها را بدولت تسلیم دهند ۰

حاکم کلان چاریکار (عبدالله پسر محمد غوث خان نایب سالار) روزی بوسیله گماشته های خود اطلاع می یابد که حبیب الله و رفقایش در قلعهٔ ریگی قره باغ نزدیک قلعهٔ موسی اجتماع کرده اند ودر اثر آن بلا فاصله قوای دولتی را به آن محل سوق میدهد و قلعه را محاصره می کنند و جنگ سختی بین دو طرف در میگیرد ۰ سر انجام بعد از یکشبانه روز جنگ ، حاکم کلان و چند نفرعسکر کشته می شوند و قوای دولتی عقب نشینی می کند ۰ این اولین برخورد حبیب الله باقوای دولتی و مهم ترین عاملی بود که اورا علیه دولت بمبارزه کشاند و ازهمان تاریخ به بعد دید و باز دیدش با بزرگان و موسفیدان آغاز گردید ۰

علماء و روحانیون و عامهٔ مردم هم که از اوضاع به شدت ناراض بودند و از قیام ننگرهار اطلاع داشتند ، بصدای او از جان و دل لبیک گفتند و مقدمات کار و قیام از هر جهت آماده گردید ۰ در اواسط قوس ۱۳۰۸ هـ ش شورش علیه دولت عمـلاً آغـاز یافت و حکومات سرایخواجه و چاریکاریکی بعد دیگر سقوط کرد و سلاح و مهمات آنها بدست مردم افتاد ۰

در حمله به جبل السراج علی احمد خان و قوای عسکری ۸ روز مقاومت کردند و درارگ آنجا محاصره بودند و بعلت اینکه طیارات از کابل می آمدند و بمباردمی کردند ، دست یابی به تسخیر قلعه کار مشکلی بود ۰ روز نهم در اثر قطع شدن آب به ارگ ، ناگهان بیرق سفید به علامت صلح بلند گردید و احمد علی خان درخواست مذاکره کرد ۰ دراین مذاکره پیشنهاد نمود که هرگاه خوانین منطقه تضمین کنند که کسی درراه مزاحم شان نشود ، ارگ را رها و بکابل خواهند رفت ۰ این خواست او برآورده شد و از طریق کوهستان بطرف سروبی رفت تا ازانجا عازم کابل شود ۰

فردای آن جارچی ها دردهات و محلات دوردست رفتند و مردم را بقیام وجهاد علیه

۱ ـ برای کمی بیشتر از این فرامین و متن آن رجوع شود به کتاب (بحران و نجات) نوشتهٔ غلام محی الدین انیس چاپ کابل ۰

حکومت مرکزی دعوت کردند • مردم از هر طرف به چاریکار روی آوردند وازانجا بسوی کابل در حرکت افتادند • دولت از دو سوی (شرق و شمال) تحت فشار و تهدید قرار گرفت و سر انجام چنانکه قبلاً تذکار داده شد ، مردم کوهدامن و پروان پایتخت را اشغال کردند وحمید الله برادر حبیب الله ، امنیت کابل را در دست گرفت • این روستازادهٔ شجاع و باهمت امنیت شهر را بشمول سفارت خانه های خارجی طوری تاءمین کرد که جزیک افسر هوائی آنهم در اثر مقاومت خودش ، هیچکسی صدمه ندید (ص ۸۲۵ غبار) و به این ترتیب سپاهی ناخوان و شجاع برتخت شاهی تکیه زد و بنام امیر حبیب الله خادم دین رسول الله موسوم و سرافراز گردید

بلی !

چرخ بازیگر ازین بازیچه ها بسیار دارد

آدمی را گاه عزت میدهد گه خوار دارد (۱)

سپاهی بر سریر سلطنت

امیر حبیب الله خان کلکانی وقتی بر اورنگ شاهی تکیه زد که مملکت مادر شدید ترین بحران اقتصادی و سیاسی و اجتماعی قرار داشت و هرج و مرج و بدامنی به اوج خود رسیده بود • شاه امان الله خان هنوز در قندهار مقاومت میکرد و محمد نادر خان تقریباً یکماه بعد از بقدرت رسیدن حبیب الله در حوت ۱۳۰۷ هجری شمسی مطابق ۸ مارچ ۱۹۲۹ وارد پکتیا گردید و مردم را علیه حبیب الله به تحریک واداشت •

دو قدرت استعماری (روس و انگلیس) هم از دو طرف بروی ضربه می زدند ، آن یکی ازرهٔ تجاوز ولشکر کشی و حملهٔ آشکار و مستقیم ، واین دیگری توسط تبلیغات و تحریکات و ایجاد فتنه و آشوب وهیاهوی •

جریان حملهٔ روس در شمال قبلاً تذکار یافت ، اما انگلیس ها از یکطرف بنابرنگرانی خوداز پیشروی روس در افغانستان ، این کشورا را اخطاردادند واز سوی دیگر خود شان با تمام امکانات دست داشته سعی میو رزیدند جای پائی در کشور ماتدارک کنند و امتیازات از دست رفته را باز یابند • روی این حساب حبیب الله کلکانی که از عمق توده های ضد استعمار و ضد انگلیس برخاسته بود ، برای شان بسیار ناگوار بود و بخوبی درک می کردند که این اژدهای سرکش رام و افسون نخواهد شد • لذا همزمان با آغاز نا آرامی ها درسرحدات جنوب ، همفریز نمایندهٔ برتانیا در کابل دست بکار شدو شایعاتی را براه

---

۱ ـ برای تفصیل جریاناتی که در این مبحث بیان گردید ، رجوع شود به : بحران و نجات نوشتهٔ غلام محی الدین انیس، عیاری از خراسان نوشتهٔ استاد خلیلی ، افغانستان در مسیر تاریخ ، و امیر حبیب الله خادم دین رسول الله از شاه آغا مجددی •

انداخت که جنگ های داخلی دو سال دوام خواهد کرد و سفارت خانه های خارجی باید کابل را ترک گویند تا حکومتی استقرار یابد و اکثریت مردم افغانستان به او بیعت کنند .

این فعالیت ها و شایعه سازی ها بحدی جدی و همه جانبه بود که در ظرف دو ماه (٥٨٦) نفر از هیئت های دپلوماتیک و خانواده های شان را توسط طیاره به پشاور انتقال دادند و از آنجا بلافاصله به اوطان شان فرستاده شدند .

در ٢٤ فبروری ١٩٢٩ سه طیارهٔ انگلیسی تمام اعضای سفارت خانه های فرانسه ، ایتالیا و المان را نیز از کابل به پشاور برد و یکروز بعد ازان ٣٢ عضو سفارت برتانیا بشمول (همفریز) افغانستان را ترک کردند .(١)

این اقدامات که یک (سبوتاژ) محسوب می شد ، همه برای آن انجام یافت تا حکومت نو پای حبیب الله کلکانی را درصحنهٔ ملی و بین المللی بی اعتبار سازند وزمینه را برای آنچه که خود میخواستند فراهم نمایند و همانطور هم کردند .

مسلماً درچنان شرایط و در برابر آنهمه نا بسامانی و مشکلات داخلی و توطئه های خارجی ، امیر حبیب الله کلکانی نمیتوانست کاری از پیش برد و اوضاع آشفته و هیجانی کشور را آرام سازد . زیراطرافداران شاه امان الله ، هوا خواهان محمد نادر خان و فعالیت های تخریبی روس و انگلیس همه دریکوقت علیه اوبکار افتاده بود و برای مقابله با آنها امکاناتی وجود نداشت .

علاوه بران ، نا رسائی ها ، بی انظباطی ها و خودسری های افرادی که با حبیب الله یکجا کمر بسته و اورا در قیام یاری داده بودند ، پایه های حکومت را از داخل سست و متزلزل میساخت و رویهمرفته نارضائی و بدبینی مردم رابر می انگیخت . تعدادی از افراد آگاه ، نیک اندیش و چیز فهم و بادرایت هم که در اطراف اوبودند ، نمی توانستند مانع خودسری آنان شوند و یا ایشان را ازصحنه بدور کشند ، و شخص حبیب الله نیز پاس یاری و همراهی را گرامی میداشت و نمیخواست آنان را از خود براند ، و چنین اقدامی دران مرحله واقعاً ناممکن بود . باوجود آن هرگاه شکوه و شکایتی بوی میرسید فوراً به آن وارسی میکرد . چنانچه چندین نفراز هم سنگران خودرا در اثر شکایت مردم بضرب گلوله از پا در آورد ویا از کارکنارنمود .

مع هذا این وضع بذات خود غمی بود بالای غم های دگر که دامن حکومت امیر حبیب الله را درهم پیچید و عمر اورا کوتاه ساخت. او باتمام این مشکلات دست و پنجه نرم کرد اماتن بذلت و حقارت نداد . از هیچ قدرت استعماری کمک نخواست به هیچکس توسل نه جست و هیچگونه پیمانی که حیثیت و آزادی افغانستان را لطمه زند ، باکس نه بست ! و این امر درحد خود فضیلتی است که آن سپاهی ناخوان آزاد ویخن کنده را بربسا افراد و عناصر

١ ـ سیاست خارجی افغانستان درنیمه اول قرن ٢٠ صفحهٔ ١٥٠ ـ ١٥٢) ، نوشتهٔ: ادمک .

وابسته و مزدور باسواد و نکتائی پوش ، امتیازمی بخشد ۰

امیر حبیب الله خان کلکانی
و
روابطش باروس و انگلیس

هرگاه بتاریخ درخشان کشور مانگاهی افگنیم بخوبی معلوم می شود که خراسان کهن و پر افتخار ، پیوسته زادگاه فرزندانی بوده است که درمرور ایام از تمامیت و آزادی اش حراست کرده اند و درفش جلال و شکوهش را مستدام برافراشته نگهداشته اند ، و هیچگاهی پرچم دار استعمار و طبل نواز استثمار ومتجا و زین نبوده اند ۰ در تاریخ خراسان و کارنامه های خراسانیان و درمیان اقشار مختلف اجتماع گروهی جلب نظر می کند که بنام عیاران و جوانمردان یاد می شوند ۰ ازان جمله است یعقوب لیث وابو مسلم خراسانی که با نام و کارنامه های شان همه آشنائی دارند ۰ مهم ترین خصلت این گروه آن بود که درروز های دشوار و در برابر جباران وستمگران و کشور کشایان قیام میکردند و بیاری مردم می شتافتند و کمترین کسی از ایشان بزرگترین کارهائی انجام میداد که درینجا مجال بحث آن نیست ۰

حبیب الله کلکـــانی هم یکی از جملهٔ عیاران در قرن بیستم محسـوب می شود که درروزگار بحرانی کشور قیام کرد و به پیروزی رسید ، اگر مورخان داخلی و خارجی تحت شرایط خاص ، عقـده های رنگـارنـگ شخصی و اجتماعی و با الهام پذیری از تبلیغات و داوری های یک جانبه ، نسبت هائی بوی داده اند و افسانه هائی درست کرده اند ، معنی آن ندارد که همه بدی هارا دروی خلاصه کنیم واز حقایق چشم بپوشیم ۰

نگارنده را عقیده برین است که حبیب الله کلکانی ، اولین کسی در تاریخ معاصر است که پایه های یک انقلاب مردمی را در افغانستان تهداب گذاری کرد و اولین مردی است که طلسم حکومات انحصاری و موروثی را درهم شکست و نظام منحط قبیله سالاری را منکوب نمود ، و هرگاه دست روس و انگلیس هر دو برای از بین بردن او کار نمیکرد ، روند عادی حکومت وی سر انجام بیک حکومت مجرب ، کار آگاه و منور و سالم انتقال می یافت و بتدریج بجائی میرسید که دیگران رسیده اند ۰

جای شک نیست که او آدم ناخـوانی بود و اندک تجربه ای درکار اداره و سیاست نداشت و رفقایش نیز از اندوخته و تجربهٔ لازم بر خور دار نبودند ۰ لیکن در چوکات کابینه و تشکیلات اداری آن یک عده شخصیت ها وچهره های شناخته شده وکار آزموده ای وجود داشت که میتوانستند از کارکشور داری موفق بدر آیند وحداقل برای ایجاد نظم و آئین نو در کشـور زمینـه سازی نماینـد ۰ ولی چنـانچـه عرض شد اوضاع ازهم پاشیدهٔ داخلی

و مداخلات بیشرمانۀ خارجی ، همه چیز را وارونه ساخت ۰

از همه مهتمر شعار آزادی بخارا و ادعای برگردانیدن دروازۀ صندل که در مذاکرات خود با سفیران روس و انگلیس نیز آنـرامطرح کرده بود ، دشمنی این دو کشور همسایه و استعماری رابه شدت بر انگیخت و برای تخریب و سرنگونی اوازهر وسیلۀ ممکن استفاده کردند ۰

این بیانات و اخطاریه های امیر حبیب الله ، هر چند درنگاه اهل غرض و ظاهر بینان ، نوعی ساده لوحی و بی تجـربگی سیاسی معلوم می شود ، امـادر واقع ممثل روحیۀ آزاد منشی ، سلحشوری ، وطن دوستی و ترس نداشتن از استعمار وبی ارتباط بودنش به این کشور هااست ۰ چنانچه پس از روشن شدن مشی سپاسی او ، روسها فوراً به شمال حمله کردند و حکومت برتانیا هم بلا درنگ به اقداماتی دست یازید که نمونه اش دربالا تذکار رفت ۰ علاوه بران شاه این کشور حین افتتاح پارلمان خود ، وضع افغانستان را مبهم و غیر ثابت خواند و گفت تا وقتی که یک حکومت مطلوب بوجود نیاید سفیر انگلستان بکابل باز نخواهد گشت ۰.(۱)

همزمان با این موضع گیری لندن در برابر امیر حبیب الله ، نشریۀ (حبیب الاسلام) در شمارۀ (۲۵_۲٦) سال اول ، صفحۀ دوم خود خبری را انتشار داد مبنی بر اینکه حکومت برتـانیا با محمد نادر خان پیمان بسته است تا اورا در احراز تاج و تخت افغانستان یاری دهند ۰ این خبراز اسناد و شواهدی که نمونه اش درزیر تقدیم می شود ، تائید می گردد ۰

محمد صدیق طرزی در رساله ای که زیر عنوان (پیر کرم شاه) نوشته و نسخۀ دستنویس آنرا بتاریخ ۱۲ حمل ۱۳۵۸ غرض چاپ و توزیع ، به آقای سعیدی سیر جانی معاون قبلی بنیاد فرهنگ ایران فرستاده می نویسد که :

«۰۰۰۰۰ وزارت امور خارجۀ بریتانیا در این مورد تر دیدی داشت که آیا امکان دارد مملکت افغانستان در تحت اقتدار یک نفرتاجیک متحد شده بتواند لذا از حالا باید فکر کرد که شخص دیگری بجای آن انتخاب و تعیین شود ۰»(۲)

از نوشتۀ فوق برمی آید که دولت بریتانیا در تعیین زمام دار برای افغانستان و انتخاب افـراد جهت فرمـانروائی در کشور ما ، نقش کهن و اساسی داشته و روان شناسی مردم افغانستان را بخوبی میدانست و بایدهم میدانست ۰ زیرا سه بار به میهن ما لشکر کشید و سالها درمیان مردم مابود ۰ و طبیعتاً باید علیه کسی که ادعای بازگرداندن دروازۀ صندل

---

۱ ـ رک : حبیب الاسلام سال اول شمارۀ (۱۷) ۰ نشریۀ مذکور خبر خودرا از جریدۀ تایمز لندن مورخ ۱۱ می ۱۹۲۹ ، اقتباس کرده است ۰

۲ ـ اقتباس از نسخۀ خطی (پیر کرم شاه) نوشتۀ محمد صدیق طرزی صفحۀ ٤۱ موصوف این سندرا از کتاب (افغانستان) چاپ مسکو صفحۀ ۲۳۸ ـ ۲۳۷ ونیز اسناد و سیاست خارجی اتحاد شوروی چاپ مسکو نقل کرده است ۰

و آزادی بخارا را داشت ، و بطرفداری از کسانی که وطن و مافیها را در طبق اخلاص به طلایه داران استعمار پیشکش کردند ، داخل اقدامات میشد ۰ چنانچه شد و حبیب الله کلکانی را پس از نه ماه خلع کردند و در واقع طرح آزادی بخارا و دروازهٔ صندل بلائی بود که توسط روس و انگلیس بروی و در نتیجه بر ملت افغانستان نازل گردید و تااکنون ادامه دارد ۰

****

بدبختانه در کشور ما بیماری افتراء و اتهام همیشه و جود داشته و جائی که اربابان غرض از ارائه حجت و برهان جهت کوبیدن و محکوم کردن عاجزمانده اند ، این حربه رابکاربسته اند ، یکی را بنام دزداهانت کرده اند و دیگری را بنام بچهٔ سقاوسومی را هم بنام های دیگر ۰ حتی برای اینکه از خود و مشی سیاسی خود و احیاناً فرد مورد نظر خود دفاع کنند ، بدیهی ترین و طبیعی ترین جنبش هاو قیام هارا که از عمق توده هابرخاسته و ماهیت کاملاً اسلامی و ملی داشته است ، به (غیر) نسبت داده اند ۰

اتفاقاً حبیب الله کلکانی هم ازاین نسبت ها مصوون نمانده است و بعضی از چیز نویسان عقده ئی که در مذمت و نکوهش آن دست خالی بوده و سند و دستاویزی نداشته اند ، سعی کرده اند بالعن و طعنی از قبیل (بچه سقا) ، (دزد) ، (بی سواد) و امثال آن ، اورابه خواری و حقارت گیرند ۰ و این شیوه ایست که باداوری سالم ، وجدان سلیم و معیار های علمی و تحقیقی و اخلاقی جهان امروز منافات دارد و هر انسان فرهیخته و بافرهنگ ازآن دوری می جوید ۰

از نظر علم و اسلام و منطق و انسانیت همانطور که هیچ فردی از بطن مادر ، سلطان ، امیر، شاه ، وزیر ، سیاست مدار ، حقوق دان ، علامه ، فیلسوف ، مورخ ، ملا ، طبیب ، مهندس ، فزیک دان ، تاجر ، تعلیم یافته ، ثروتمند ، نویسنده ، قهرمان ، و امثال آن ، بارنمی آید ، سقا ، پیشه ور ، صنعتگر و کاسب هم متولد نمی شود ۰ آن امتیاز ها و این بی امتیازی ها.و آن هنرها واین عیب ها، همه مولود شرایط اجتماعی و محیطی می باشد ، نه زادهٔ خلقت و فطرت آدمی !! و اصولاً کسب و کار ولو شغل سقائی باشداز نظر اسلام وارزش های انسانی عیب نیست و تاءمین آب و نان از این راه و هرکار شرافتمندانهٔ دیگر بمراتب بهتراز آنست که از خون مردم ، وطن فروشی ، جاسوسی ، پستی ، مفت خواری ، خود فروشی و فرومایگی فراهم شود !!

بسیاری از سلاطین ، فرمانروایان ، جهانگشایان وامراء را در تاریخ می شناسیم که چوپان ، غلام ، نوکر ، بی سواد ، حاضرباش ، دهقان ، کسبه کار و آدم های خیلی عادی در جوامع خود بوده اند ، ولی یک تصادف کوچک ، تحول بزرگی در زندگی شان وارد کرده است واز حضیض ذلت به اوج عزت رسیده اند !

ارزش واقعی انسان وانسانیت درتقوا ، پاکی ، بی آزاری ، بی آلایشی ، کردار نیک و پندار نیک است ، نه درنحوهٔ شغل و کار و القاب و عناوین و منسوب بودن به این قبیله یا آن قبیله ، این روستایا آن روستا ، این نژادیا آن نژاد ، این زبان یا آن زبان ، این ولایت یا آن ولایت !! .

البته اینگونه طعن و لعن ، از بازاریان عوام و خواص بازاری دوراز توقع نیست ، اما آنانی که لاف دانش میزنند و دعوی روشنفکری دارند ، با عیب جوئی و بدگوئی دیگران از خوبی وهنر خود (اگرداشته باشند) میکاهند و حرف وادعای شان را اوج و اعتباری نمیمانند!!

فصل ششم

محمد نادر شاه و روابطش با روس

شرح اینکه محمد نادر شاه چگونه به سلطنت رسید و ماجراهائی که در افغانستان اتفاق افتاد ، تا حدودی روشن میباشد و تکرار آن بی مورد خواهد بود ، لذا در این مختصر میخواهیم از هدف اصلی که روشن ساختن روابط روس با افغانستان است بدورنشویم ۰ مع هذا نگاه مختصری به اوضاع کلی می اندازیم و برمیگردیم به اینکه در ارتباط با روس هاچه کارهائی صورت گرفت و حقه بازان کرملن چه حقه هائی در کشور مابکاربرده اند !!

محمد نادر شاه در ۲۵ میزان ۱۳۰۸هـ ش مطابق ۱۵ اکتوبر ۱۹۲۹ زمام قدرت را بدست گرفت و بلا فاصله محمد هاشم خان برادرش را مامور تشکیل کابینه ساخت که ازآن تاریخ تا سالیان درازی در عهد محمد ظاهر شاه عهده دار صدارت بود ۰

حرص و آز ، بیرحمی ها وقساوت های قلبی و ظلم هاو کارنامه های او در حد خود نوشتن کتاب جداگانه ای را ایجاب می کند که درینجا مجال آن نیست ۰ ولی شخص محمد نادر شاه هم به اساس یک پلان پیش بینی شده و منظم سعی داشت هیچ مرد سیاسی و نظامی را که نیروی مردمی داشتند در افغانستان زنده نگذارد ۰ مخصوصاً مردم کوهدامن و کوهستان را به بهانه ها وتوطئهٔ هائی که هر روز خود و بعضی همکارانش طرح می کردند ، بنام های دزد و رهزن بیش از حد منکوب نمود ، و به اصطلاح سری نگذاشت تاگردن بر افرازد ۰ تنها سه هزار نفر از مردم کوهدامن دریکروز و در حضور یکی از نایب سالارهای او (محمد غوث خان) ، بجرم اینکه پسر آن نایب سالار در قیام حبیب الله کلکانی کشته شده بود ، قتل عام شدند ۰

بهر حال بعد از بقدرت رسیدن محد نادر خان ، روس ها فوراً نسبت به اوضاع نابسامان افغانستان و خسارات و خرابی هائی که درزمینه ببار آمده بود اظهار همدردی کردند و آمدن اورا فال نیک گرفتند ۰ و در مقابل محمد نادر شاه هم از همدردی روس ها تشکر کرد و سخن از روابط حسن هجواری و حفظ آزادی درمیان آورد ۰(۱)

همزمان با این اظهارات و تعارفات ، ستارک سفیر روس که ۵ سال در کابل بود بازهم بحیث سفیر کشور خویش اعتمادنامه اش را به محمد نادر شاه تقدیم کرد و درمقابل ، سردار

---

۱ - برای آگاهی بیشتر در زمینه رجوع شودبه : روزنامهٔ انیس سال ۱۳۰۸ ش شمارهٔ (٤٦) ، ۲۸ قوس صفحهٔ دوم ۰

محمد عزیز خان بحیث سفیر افغانستان به مسکورفت و روابط عادی بین دو کشور برقرار گردید ۰

شش ماه بعد در ماه حمل ۱۳۰۹ مطابق اول اپریل ۱۹۳۰ روس ها برنامه کارهای خود را در افغانستان که در عهد امیر حبیب الله کلکانی معلق مانده بود ، از سر گرفتند و بدین منظور در اطاق تجارت مسکو مجلسی ترتیب دادند واز سفیر افغانستان دعوت کردند تا دران اشتراک کند ۰

در آغاز این مجلس ، روس ها پیمان های دوستی سال های ۱۹۲۱ و ۱۹۲۶ میلادی را مطرح کرده و کوشیدند خودرا (گربۀ زاهد) معرفی دارند ۰ و سپس هریک ازانها دربارۀ انکشاف تجارت و مفادآن به افغانستان تذکراتی داده خواهان قرار داد های تجاری ، تخنیکی و فرهنگی بین دو کشور شد ند و دراخیر نمایندۀ صنایع روس در مجلس اظهار داشت که :

«صنایع اتحاد شوروی میتواند در مزرعه های افغانستان تراکتور های خودرا سوق نماید ، سامان برقی از قبیل گروپ های برق برای تنویر در افغانستان استعمال شده میتواند ، صنایع اتحاد شوروی همین وقت را انتظار می کشد که در بین افغانستان و اتحاد شوروی ارتباط مستحکم اقتصادی برگزار شود ۰»

سفیر افغانستان وعده داد که می کوشد در این راه مساعدت کند و بختیار خواهد بود که اگر این اقدامات منتج به امضاء قرار داد تجارتی گردد ۰

در واقع روس ها سعی میکردند با این نوع تلاش ها وطرح ها ، در عمق توده های افغانستان و بین کارگران و دهقانان راه یابند و بنام تجارت و امور زراعی ، شبکه های جاسوسی و فعالیت های شیطانی خودرا در کشور ما وسعت بخشند ۰

ولی اسناد و شواهدی در دست نیست که حکومت محمد نادر شاه چنین قرار دادی را با روس هاعقد کرده باشد و برعکس از قراین چنین برمی آید که روس هادراین تلاش خود ناکام گردیده و گمان برده انـد که حکومت افغانستان اعتمادی به ایشان ندارد ۰ چنانچه رئیس کمیتۀ مرکزی اجرائیه آن کشور (م ـ ا ـ کالینن) در صحبت ۱۵ دقیقه ای خود با سفیر افغانستان (۷ نومبر ۱۹۳۰ = عقرب ۱۳۰۹) ضمن پرسش از اوضاع و احوال داخلی افغانستان ، این مطلب را نیز به ایماء و اشاره درمیان میگذارد و می گوید :

«مابه افغانستان نظر سوء نداریم چراکه هردو طرف در نظر دارند که تمام مسایل عمومی مورد دلچسپی را بطور مثبت حل و فصل بدارند و برای اجرای آن وقت معین کار است ۰ اگر حکومت افغانستان کدام خواهش داشته باشد توقع میرود آنرا رویت دهند وآنها با خوشی ازطرف حکومت شوروی تحت غور قرار داده خواهد شد ۰»(۱)

۱ ـ رک : مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارۀ (۵۱) صفحۀ ۵۲ ۰

همزمان با این تشویش و تشبث هنگامهٔ جهاد بار دیگر بوسیلهٔ ابراهیم بیگ در مرزهای شمال بالاگرفت و برای هر دو طرف نگرانی هائی ببار آورد ۰

ابـراهیم بیگ که باشـاه بخارا یکجا در کابل می زیست ، حین حملهٔ روس به مزار شریف ، همراه با لشکریان اعزامی امیر حبیب الله کلکانی به شمال رفته بود تا در جنگ علیه روس ها شرکت کند ۰ بعد از ختم غائلهٔ روس و سقوط حکومت (کلکانی) بازهم درهمانجا بماند و برای آزادی کشورش (بخارا) مجدداً به فعالیت آغاز نمود۰ این اقدام او در اندک مدت اوج گرفت و مبارزات ضد روسی در دو سوی آموار سرگرفته شد ۰

درگرمـا گرم این جریان، بوسیلهٔ روس ها ویا حکـومـت کابـل شایعـاتی پخش گردید که بریتانیا میخواهد یک منطقه حایلی را بین تاجکستان و افغانستان بوجود آرد و ابراهیم بیگ را به حکومت آن تعیین کند ۰ این شایعات دستاویزی بود که به اساس آن محمد نادر شاه برادر خود شاه محمود خان را مامور سرکوبی ابراهیم بیگ و خاتمه دادن به مبارزات ضد روسی کرد ۰

موصـوف در رأس قوای مجهـز عسکری از طریق کوتل خاواک عازم شمال گردید و ابراهیم بیگ رادر کنار دریای پنج مورد حمله قرار داد ۰ در نتیجهٔ این حمله و جنگهای شدیدی که بین طرفین در گرفت ، خسارات و تلفات زیادی بر افراد ابراهیم بیگ وارد آمد و او مجبور شد از همانجا بخاک اشغالی روس عقب نشینی کند ۰ درانجا نیز بعد از مدت ها مبارزه بدست روس ها افتاد و آن شیر شرزه را توسط قطار بمسکو انتقال دادند و بزاری زار کشتند ۰ و به این ترتیب نهضت آزادی خواهی و ضد روسی مسلمانان آسیای مرکزی که تا آنروز از داخل افغانستان نیز تقویت می شد بکلی از هم پاشید و بزرگترین خدمتی بود که بسود مسکو انجام یافت (۱)

روس ها که از مبارزهٔ بی امان ابراهیم بیگ و احیاء روحیهٔ آزادی خواهی در بخارا و ترکستـان به شدت نگـران بودند پیوسته سعی میکردند ، پیمانی با کابل عقد کنند واز اینطریق داعیهٔ آزادی خواهی رادر آنسوی آمو خنثی سازند ۰

متاء سفانه این آرزوی شان به سهولت براورده شد و یکروز قبل ازانکه ابراهیم بیگ بخاک روسیه رانده شود قرار دادی را زیر عنوان (معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز) با کابل امضاء کردند ۰ در حالی که دو معاهدهٔ دیگر پیش از آن به همین نام ، با افغانستان عقد کرده بودند و نیازی به معاهدهٔ جدید نبود ۰

هدف روس ها در قرارداد جدید

روس ها در این قرار داد با کمال مهارت و تر دستی ، فقره های هفتم ، هشتم ، نهم و دهم

---

۱ ـ رک : به کتـاب (جنبش اسلامی و مسلمانان آسیای میانه در مقابل کمونیزم روس) نوشتهٔ فضل الرحیم مروت ، ترجمه عبدالجبار ثابت ، چاپ پاکستان از صفحهٔ ۲۱٦ به بعد۰

قرار داد ۲۸ فبروری سال ۱۹۲۱ راکه دران آزادی خیوه و بخارا ، استر داد و اعادهٔ سر زمین های غصب شدهٔ افغانستان و کمک های نقدی و مادی ، تعهد و تضمین شده بود ، حذف کردند و بجای آن دو مطلب دیگر را در پیمان جدید علاوه نمودند ۰ یعنی جلوگیری از تحریکات سرحدی و خود داری از پیمان و موافقت های سری و علنی با کشور های دیگر ۰

و این عمل در حالی انجام یافت که قرار داد های قبلی فسخ نشده بود و حتی تا امروز هم بهمان حالت باقیست و روس ها خود جائی که بمفاد شان باشد ، به آن ها اتکاء و استنادمی کنند ۰

معاهدهٔ مذکور بتاریخ ۲ سرطان ۱۳۱۰ مطابق ۲٤ جون ۱۹۳۱ در کابل به امضاء رسید و بتاریخ ۳۰ اسد همان سال در شورای ملی (فرمایشی) افغانستان تصویب شد و محمد نادر شاه آنرا توشیح فرمود که اینک متن آنرا در زیر مطالعه میفرمائید :

معاهده راجع به بیطرفی و عدم تجاوز متقابله فی ما بین دولت علیه افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی ۰ مورخ ۲٤ جون ۱۹۳۱ مطابق سرطان ۱۳۱۰

«اعلیحضرت شاه افغانستان و کمیتهٔ مرکزی اجرائیه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بمقصد تحکیم مناسبات دوستانه و همجوارانه که خوشبختانه بین هر دو حکومت به اساس معاهده ای که در مسکو بتاریخ ۲۸ فیورال (فبروری) ۱۹۲۱ امضاء شده برقرار است و متیقن بوده که این مناسبات در آتیه بلا تغییر ترقی خواهد کرد ، نظر بمقاصد عالی صلح عمومی برای انعقاد معاهدهٔ هذا که بر اساس معاهدهٔ پغمان منعقده ۳۱ ماه اگست بوده می باشد تصمیم فرموده به این غرض تعیین کردند ، اعلیحضرت شاه افغانستان آقای فیض محمد خان وزیر امور خارجه دولت علیه افغانستان را ، کمیته اجرائیه مرکزی اتحاد جماهیر سوسیالستی شوروی ، آقای ستارک سفیر کبیر اتحاد جماهیر سوسیالستی شوروی در افغانستان را ، که بعد از ارائه اختیار نامه های خود ها که صحیح شناخته شده بمواد ذیل موافقت نمودند :

مادهٔ اول

در صورت جنگ یا عملیات جنگی بین یکی از طرفین متعاهدین و یکی یا چند دولت ثالث طرف متعهد دیگر متعهد است که به نسبت طرف اول بیطرفی را رعایت کند ۰

مادهٔ دوم

هریکی از طرفین متعاهدین تعهد می کند که از هرگونه تعرض بطرف دیگر خودداری نماید و نیز در داخل خاک خود که در تصرف آن میباشد چنین اقداماتی نکند

و همچو عملیات هر طرف را که بدولت متعاهد دیگر ضرر سیاسی یا حربی برساند ، در خاک خود مانع شود . خصوصاً هرکدام از طرفین متعاهدتین تعهد می کند که بایکی یا چند دول ثالث در هیچکدام اتحاد یا اتفاق سیاسی و حربی که بر خلاف طرف متعاهد دیگر باشد و همچنین درهیچ بایکوت یا محاصرهٔ مالی یا اقتصادی که بر علیه طرف متعاهد دیگر متوجه بشوند شرکت نخواهد ورزید . علاوه بران در صورتی که اگر خط مشی دولت ثالث یا دول ثالث نسبت بیکی از طرفین متعاهدین در اقدامات خود خصمانه باشد طرف متعاهد دیگر متعهد است که نه فقط به همچنین خط مشی دشمنانه مساعدت نکند بلکه متعهد است در خاک خود به خط مشی مذکور و به عملیات و اقدمات خصمانه ای که از آن تولیدمی شود مخالفت کند .

مادهٔ سوم

طرفین علیتین متعاهدین اعتراف متقابل بحقوق حاکمیت وتمامیت مملکت همدگر نموده متعهد اند که از هرگونه مداخلت مسلح یا غیر مسلح در امور داخلی طرف متعاهد دیگر خود داری نمایند و نیز بیک دولت یا چند دولت ثالث که بر علیه دولت عاقد دیگر اقدام به مداخلت نماید قطعاً شرکت و مساعدت نکند و طرفین متعاهدین در خاک خود تاسیس و فعالیت دسته جات و نیز به کارروائی اشخاص علیحده که بضرر طرف متعاهد دیگر باشد و یا برای خلع اصول ودولت طرف متعاهد دیگر اقدامات ورزند ویا عملیات بر خلاف سالمیت تمامیت مملکت طرف متعاهد دیگر بنمایند و یا تحشیدات و جمع آوری قوای مسلح بر علیه طرف متعاهد دیگر بکند اجازه نمیدهند و ایشان را ممنوع از عملیات میدارند . کذالک طرفین تمام قوای مسلح و اسلحه و اسباب ناریه و جباخانه و تجهیزات حربی و هرنوع مواد حربی را که بر خلاف طرف متعاهد دیگر متوجه باشند از خاک خود عبور آنرا روانمیدارند و همچنین از خاک خود اجازهٔ گذرانیدن نخواهند. داد .

مادهٔ چهارم.

بقرار متذکرهٔ فوق معاهدهٔ هذا هریک از دولتین علیتین اظهار میدارد که هیچگونه تعهدات سری یا علنی نسبت بیکی یا چند دولت دیگر که مخالف معاهدهٔ هذا باشد نداشت و ندارد . وهم در تمام مدت عمل این معاهده طرف مذکور داخل همچو معاهدات و موافقت هانخواهد شد که به معاهدهٔ هذا مخالف باشد .

مادهٔ پنجم

همچنین هریکی از طرفین متعاهدین اظهار میدارد که بین او ودول دیگر که همجواری متصل بری یا بحری با طرف متعاهد دیگر باشند هیچنوع تعهدات غیرازانکه اعلان شده موجود نیست .

مادهٔ ششم

خارج از تعهداتی که شرایط آن در معاهدهٔ هذا قرار یافته هریکی از طرفین متعاهدین برای اقدام باستقرار هرگونه مناسبات و اتحادات با دول ثالث بکلی حایز عملیات آزادمی باشد ۰

مادهٔ هفتم

طرفین متعاهدتین اعتراف مینمایند که فیصله وحل تمام مباحثات و اختلافات که بین ایشان بوقوع میتوان رسید هر خاصیت و ماخذی داشته باشد بایست همواره بذرایع صلح جویانه اجرانمود ۰ برای توسعهٔ مادهٔ هذا بین طرفین متعاهدین میتوان موافقه حسب اقتضای حال امضاء نمود ۰

مادهٔ هشتم

معاهدهٔ هذا برای عرصهٔ پنجسال منعقد گردیده واز موقع تصدیق آن که نبایست دیر تراز دوماه از روز امضاء باشد عمل قانونی خودرا حاصل خواهد کرد تبادله اسناد مصدقه در کابل درحین یکماه بعد از تصدیق معاهده در معرض اجرا خواهد آمد ۰ بعد از انقضای پنجسال معاهدهٔ هذا سال بسال خود بخود بعمل خود ادامه خواهد داد وهریکی از طرفین متعاهدتین حق فسخ معاهده رادارد ، در صورتی که شش ماه قبل تر اطلاع بدهد ، در موقعی که یکی از طرفین راجع به فسخ معاهده اطلاع بدهد طرفین متعاهدین درهمان حال داخل مذاکرات راجع به شکل تجدید معاهدهٔ هذا خواهند شد ۰

مادهٔ نهم

معاهدهٔ هذا به دو نسخه بزبان های فارسی و روسی تحریر شده ، هر دو متن حق مساوی دارند ۰

فیض محمد وزیر امور خارجیه دولت علیه افغانستان

ل ـ ن ـ ستارک ـ سفیر کبیر اتحاد جماهیر سوسیالستی شوروی ۰»(۱)

در قرار داد مذکور علاوه بر حذف چهار ماده از قرار داد سال ۱۹۲۱ م که قبلاً به آن اشاره شد ، همه پیش بینی ها و مندرجات دیگرنیز به نحو دلخواه و بسود روس ها رقم زده

۱ـ مناسبات افغانستان و شوروری ، سند شمارهٔ (۵۲) صفحهٔ ۵۳ ، ۵۵ ۰ و جریدهٔ اصلاح ۲۷ سرطان ۱۳۱۰ شمارهٔ (۹٦) سال دوم صفحهٔ ۲ ۰

خوانند گان گرامی میتوانند متن این قرار داد هارا که همه در کتاب حاضر گنجانیده شده است ، بدقت باهم مقایسه فرمایند ۰ گرچه فارسی آن از خواندن نیست و معلوم می شود که هرچه روس ها بازبان شکستهٔ خود گفته اندو بادستان پلید خود نوشته اند ، برادران مادر وزارت خارجهٔ افغانستان جرأت تعدیل و اصلاح آنرانداشته اند ، خدایا تو بداد مابرس ۰

شده است و متن و محتوای آن با مفهوم و ماهیت (خودارادیت) ، (آزادی) و بیطرفی افغانستان مغایرت دارد ۰

در حقیقت اهداف و مساعی روس ها دراین تپ و تلاش ها عمدتاً این بوده است تا افغانستان را بیک سیاست انحصاری و انزوای سیاسی بکشانند و حتی از داشتن روابط با همسایگانش باز دارند ۰ زیرا روس ها از نزدیکی احتمالی کابل با دولت برتانیا و برقراری مجدد روابط بازرگانی و نظامی با آن ، در هراس بودند و فکر می کردند ، هر دو کشور از اشغال خیوه و بخارا ناراض اند و ممکن داعیهٔ آزادی خواهی و جنبش های ضد روسی ملیت های مذکور را دامن زنند واز آن حمایت کنند ۰ لذا در اثر این دور بینی های سیاسی دست و پای افغانستان را با انعقاد پیمان یاد شده از هر نوع تشبث و آزادی عمل بستند و همه چیز بمیل و مراد ایشان خاتمه یافت ۰

بهمین ترتیب یک موافقت نامهٔ پستی و تیلگرافی در ثور ۱۳۱۱ ﻫ ش = ۲٤ اپریل ۱۹۳۲ و موافقت نامهٔ دیگری بتاریخ ۲٦ سنبله مطابق ۱۷ سپتامبر ۱۹۳۲ بین کابل و مسکوبه امضاء رسید۰ (۱)

حسب موافقت نامهٔ اخیر به روس ها اجازه داده شد که دفاتر کمیساری خویش را مجدداً در ٦ حوزهٔ شمال افغانستان باز کنند و کارهای خودرا از سر گیرند ۰ و در حقیقت با این اقدام شش دروازهٔ جاسوسی بر روی روس ها گشوده شد که اثرات آن در دوره های بعدی کاملاً محسوس و مشهود بود ۰

رویهمرفته محمد نادر شاه علاقه و تمایلی بروس ها و نزدیکی و همکاری شان نداشته و میخواسته است تدریجاً از نفوذ آنان در افغانستان بکاهد ۰ چنانچه تعداد پیلوت هاو کار شناسان روسی را که در عهد شاه امان الله به افغانستان آمده بودند ، بتدریج کاهش داد واز قرار داد همکاری های صنعتی و تجاری با مسکو خودداری نمود ۰

اما روس ها که در حیله و ابرام دست شیطان را از پشت بسته اند، کارهای خودرا به عناوین مختلف کم کم پیش می بردند و هرگاه دیگر بهانه ای هم جهت ورود جاسوسان شان به افغانستان نمی داشتند ، طرح مجادله با ملخ در مزار شریف و سرحدات شمال کمترین مضمونی بود که عنوان میکردند واز ان برای مقاصد سیاسی استفاده می نمودند ۰ چنانکه در اواخر سال ۱۹۳۲ میلادی یکدسته از کارشناسان روسی اجازه یافتند که بنام مجادله با ملخ در ساحهٔ سرحد شمال فعالیت کنند ۰ (۲)

بهر حال ، جز آنچه عرض شد روابط دیگری بین روسیه و افغانستان درزمان محمد نادر شاه وجود نداشت و خود اوهم بتاریخ ۱٦ عقرب ۱۳۱۲ ﻫ ش = ۸ نوامبر ۱۹۳۳ ساعت سه

---

۱ ـ جریدهٔ اصلاح ، سال چهارم ، شمارهٔ (۳۸) ، ۲۷ سنبله ۱۳۱۱ ﻫ ش ۰

۲ ـ مناسبات سیاسی افغانستان در نیمهٔ اول قرن ۲۰ صفحهٔ ۱۹۱ ۰

بعد از ظهر حین معاینهٔ طلاب معارف و اعطای جوائز به ایشان ، توسط یکی از شاگردان مکتب بنام عبدالخالق بقتل رسید و شاه محمود خان بحیث وزیر حربیه درهمان روز وفاداری اردوی افغانستان را به محمد ظاهر شاه ، به صفت وارث و جانشین او اعلام کرد ۰

واینک پیش ازانکه وارد بحث در دورهٔ محمد ظاهر شاه شویم ، نمونه هائی از نقشه های شوم روس و نحوهٔ فعالیت های جاسوسی اش را در افغانستان تذکار میدهیم ۰

نمونه ای از نقشه های استعماری روس

هنگامی که حبیب الله کلکانی زمام امور را دردست گرفت و شاه امان الله از کشور خارج شد ، عده ای از افغان های طرفدار او بشمول عبدالحسین عزیز ، عبدالهادی داوی ، فیض محمد خان ناصری واحمد جان نوید ، جهت برانداختن نظام حبیب الله و بقول خود شان جلوگیری از هرج و مرج و نجات افغانستان از استعمار انگلیس ، از همسایه شمالی افغانستان (روس) که فکر میکردند از دوستان امان الله است ، تقاضای کمک کردند ومذاکراتی را بانماینده ان کشور انجام دادند ۰

در این مذاکره روس ها بدرخواست ایشان موافقت نمودند اما پیشنهاد کردند که در صورت موفقیت به سرنگونی حبیب الله و دست یابی بقدرت ، شرایط آتی را عملی سازند ۰

۱ ـ افغانستان باید با روس قرار داد های بزرگ اقتصادی را عقد کند ۰

۲ ـ بروسیه اجازه داده شود که جهت دریافت منابع طبیعی و نفت در افغانستان به سروی و حفریات اقدام کند ۰

۳ ـ افغانستان با روس قرار داد های نظامی به بندد و تحت شرایطی که مسکو پیشنهاد می کند ، افسران و مهمات نظامی وارد افغانستان شود ۰

٤ ـ جهت فعالیت های روسیه زمینه مساعد گردد تاوی بتواند از سرحدات افغانستان عبور کرده و به بحر هند نزدیک شود ۰

هیئت افغانی این پیشنهاد و شرایط روس را جنایت تلقی می کند واز قبول آن خود داری می ورزد ۰

ملاحظه می کنید که هدف های بنیادی و اساسی روس ها در افغانستان کم کم روشن می شود ۰ و این همان آرمان شوم و استعماری است که بعداً درزمان محمد ظاهر شاه و توسط محمد داود خان برآورده گردید۰

نمونهٔ دیگر

بعد از آمدن محمد نادر خان بکابل دسته ای از افغان ها بشمول فیض محمد خان ناصری و عبدالرحمن لودی بار دیگر بفکر آن شدند تا محمد نادر خان را از سلطنت بر اندازند و زمینه رابری بازگشت امیر امان الله خان آماده سازند ۰

برای این منظور توسط یکی از خانم های روسی که با افغانی ازدواج کرده بود (۱) زمینه مذاکره و ملاقات را با سفیر روس در کابل فراهم کردند وروزی در نزدیکی های قرغه باوی ملاقات نمودند ۰ در صحبت اول مسئله مطرح گردید و جنبهٔ تعارفی داشت ، و در ملاقات دوم سفیر روس وعده داد که مبلغ یک هزار پوند روسی و اسلحه جهت سرنگونی محمد نادر شاه در اختیار آنان قرار خواهد داد ۰ مشروط بر اینکه همان شرایط قبلی روس که درزمان حبیب الله کلکانی پیشنهاد گردیده بود ، پذیرفته شود ۰ موضوع ارزیابی این شرایط و پذیرش و انکار آن به جلسهٔ دیگر موکول شد ، و در سومین دور مذاکره ، بازهم پیشنهادات روس از طرف هیئت افغانی رد گردید و آنرا نوعی خیانت و وطن فروشی انگاشتند ۰(۲)

جریانات بالا و شرایط روس ها که بیانگر نیات پلید و نقشه های شوم و شیطانی این کشور در افغانستان می باشد ، گواه بارز و آشکاری است که اربابان کرملن یک لحظه هم از دست زدن به دسیسه و اعمال استعماری در کشور ما فارغ نبوده اند و دست یابی به منابع طبیعی افغانستان وراه یابی به آبهای گرم جنوب جزء مهم واساسی سیاست ایشان بوده است ۰ و برای رسیدن به این هدف دایماً در کمین بوده اند که روزنه و بهانه ای دریافت نمایند و پلان های خویش را از تصور و خیال بمرحلهٔ عمل پیاده کنند ۰ و حقا که این کاررا با موفقیت و مهارت انجام دادند ۰

نمونه هائی از شبکه های جاسوسی روس

روس ها پس از اشغال ملت های مسلمان آنسوی آمو و نزدیک شدن به مرزهای افغانستان ، شبکه های تخریبی و جاسوسی خویش را در کشور ماگسترش دادند و سعی کردند از اینطریق مردم و اجتماع مارا شناسایی نمایند وبراساس آن نحوهٔ کارهای بعدی خودرا عیارسازند ۰ مهمترین چیزی که روس ها از شبکه های خویش آرزوداشتند این بود که:

۱ ـ ذهنیت مردم افغانستان را نسبت به اشغال بخارا تغییر دهند ۰

۲ ـ نهضت ها و جنبش هائی را که دربارهٔ مسئلهٔ بخارا و اسلام می اندیشیدند ، شناسائی وخنثی سازند ۰

۳ ـ باتبلیغ علیه انگلستان و خرابی های این کشور در افغانستان ، اذهان عامه را از جنایات و اعمال ضد انسانی روس بدور نگه دارند ۰

---

۱ ـ نگارنده فکر می کند که این خانم روسی ، همان خانمی است که عزیز الرحمن فتحی مشاور وزارت معارف حین قونسل بودنش در تاشکند باوی از دواج کرده بود و تاچند سال قبل هم زنده بود که درجایش ازان صحبت خواهیم کرد ۰

۲ ـ اینهاهمه حقایقی اند که جناب محترم دکتر تورپالی ناصری شخصاً از زبان و یادداشت های پدر مرحوم شان فیض محمد خان ناصری شنیده و اقتباس کرده است ۰ من حرفهای اورا عیناً و به اجازهٔ خود ایشان غرض آگاهی مردم از حیله های روس نقل کردم ۰ و یقین دارم که همه درست و صحیح است ۰

٤ ـ چهره های بانفوذ و انعطاف پذیر را تشخیص و تطمیع نمایند ۰
۵ ـ قدرت دفاعی افغانستان را شناسائی و درک کنند ۰
٦ ـ باانجام دادن اعمال منافی بااسلام و تحت نام اسلام ، ضعف عقیده و ایمان را درمیان مردم ببار آورند ۰
۷ ـ جریانات و گزارشات روزمره را به روسیه مخابره کنند ۰
۸ ـ افراد و اشخاصی را دریابند که باروس ها همکاری نمایند ۰

لذا گماشتگان اطلاعاتی روس در چهره های متفاوت و در لباس و کردار افرادی که طرف توجه مردم عام درآن ایام بود ، خود را می آراستند و در گوشه و کنار کشور ما به انجام وظایف شان مشغول می شدند ۰ ساده دلی و خوشباوری مردم چانس نفوذ جاسوسان روس را در حلقه های اجتماعی و سیاسی مساعد کرده بود ۰ هیچکس در هیچ جانمی پرسید که چنان افراد مشکوک و ناشناخته چه کسانی اند و از کجا آمده اند؟

یکی از این افراد بنام «بینه» سالها در افغانستان اقامت داشت و بامهارت و استعدادی که در عوام فریبی داشت ، توانسته بود حتی مامورین ملکی و نظامی را در حلقهٔ ارادتمندان خود در آورد ۰ واین امر بالآخره اشتباه مقامات را برانگیخت و مجبور شدند تا حجرهٔ وی را باز جوئی نمایند که در نتیجهٔ این کار تعدادی از اسناد و پول و آلهٔ مخابره در حجرهٔ وی کشف و بدست پولیس افتاد ۰ در تحقیقاتی که از وی بعمل آمد صراحتاً بیان داشت که او در راس هفت نفری قرار داشته است که به همین منظور وارد افغانستان شده اند و مشغول بکاراند ۰ از ان میان حسب معلومات موصوف سه نفر از همکارانش گرفتار گردید و چهار نفر آن فرار کردند ۰ و بارفقایش بکابل فرستاده شد و معلوم نگردید که باچه سرنوشتی مواجه شدند ۰

شخص دیگری از همین شبکه سالها در کابل می زیست ، مهارت او دراین بود که در سرد ترین ایام زمستان جاکت های مجهزبا بطری برقی ، به تن میکرد و آلهٔ مخابره را دران تعبیه می نمود و بربالای آنها چپن سفیدی که از گردن تاناخن پایش را می پوشانید ، فرامی کشید و هرشامگاه کنار دریای کابل و در جوار شاه دو شمشیره می استاد و باآب دریا زمزمه می کرد۰(۱) بنابر این مردم اورا بنام «پیرکفن پوش» مسمی کرده و معتقد بودند که از حال و قالی خالی نیست ۰ سرانجام بروی مشتبه شدند و اورا باآلات مخابره دستگیر کردند و یک هفته بعد در کابل شایع شد که وی درزندان خود کشی کرده است ۰ (۲) اما

۱ ـ دران ایام سفارت روس در نزدیک پل شاه دو شمشیره بود و اعضای سفارت به ندرت از سفارت خارج می شدند و به همین سبب این جاسوس روس روزها در لباس دیگری می گشت و احوالات راجمع آوری می کرد و شام کفن می پوشید و از کنار دریا اطلاعات خویش را به سفارت روس مخابره می نمود ۰

۲ ـ این معلومات همه از یادداشت های مرحوم فیض محمد خان ناصری و توسط پسر محترم او دکتر توریالی ناصری اقتباس شده است ۰

د.گروال (=لوامشر) دوست محمد خان پنجشیری پدر مسعود قوماندان معروف جهاد ، به نقل از افراد نزدیک به مقامات حاکم ، گفت که جاسوس مذکوررا در اثر فشار روس ها رها کردند ٠

به همین ترتیب دربسا از نقاط کشور دستگاه استخباراتی روس ها کشف و نابود می شد ٠ ولی بجای یکی ده نفردیگر وارد میگردیدند و به اینکار ادامه میدادند و کارشان بجائی کشید که جوانان تحصیل کرده و آگاه را به اینکار استخدام کردند و آشکارا وبی پرده در میهن ما فعالیت های خویش رادنبال نمودند ٠

اصلاً جاسوسی و اتکاء به آن جزء فطرت روس است ودر نظام روسی جز جاسوسی و عوام فریبی و حقه بازی ، فضیلتی وجود ندارد و حتی همین اکنون در نیمهٔ دوم قرن بیستم دپلومات های آن در خارج به جاسوسی اشتغال دارند و همه ساله تعدادی از آنان از ممالک مختلف اخراج می شوند ٠

فصل هفتم

دورهٔ محمد ظاهر شاه
یا
روزگار طلائی برای کمونست ها

برای آنان که مرده اند فرقی نمیکند که نسل های آینده دربارهٔ شان چگونه قضاوت کند ۰ ولی برای ما که زنده ایم واجب است انصـاف را رعایت کنیم و پیرو حقایق تاریخی باشیم ۰

گ ۰ ماتینگلی

در آغاز ایندوره (که تقریباً چهل سال ادامه داشت) روابط افغانستان باروس سیر عادی خودرا می پیمود ۰ حتی تیلگرام هائی که در روز های مشخص و ملی دو کشور تبادله می شد ، خیلی کوتاه و درچوکات تعارفات کاملاً طبیعی و معمولی قرار داشت ۰ دولت مردان افغانستان و در راس سردار محمد هاشم خان سعی میکردند تا کشور را در روابط خارجی اش از انزوای سیاسی بکشانند و باب مراوده و دوستی را با ممالک مختلف بگشایند ۰ به اساس این مشی و مساعی جدید مرزهای افغانستان با ایران مشخص گردید و کشور ما در بیستمین مجمع عمومی ملل متحد به عضویت این سازمان پذیرفته شد ۰

اما روس های خداع و مکار آرام نه نشستند و اینبار بادرک حساسیت ها و موضع گیری حکـومت جدید ، ساحـهٔ فعـالیت خویش را بمسایل فرعی و در حواشی سرحد اختصاص دادند ۰ بروی این نیرنگ و تدبیر موضوع مبارزه باملخ را درسرحدات دو طرف مطرح کرده واز حکومت افغانستان خواستار شدند تاقراردادی را در زمینه بامسکو امضاء کند ۰ این تقاضای روس ها پذیرفته شد و چنین قراردادی بتاریخ ٦ می ۱۹۳۵ مطابق ۱٦ ثور ۱۳۱٤ در دوازده ماده توسط فیض محمد خان وزیر خارجه افغانستان وستارک سفیر روس ، در کابل به امضاء رسید ۰(۱)

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (۵۵) صفحهٔ ۵٦ـ۵۹ ۰

در قرارداد مذکـور دو طرف موافقه کردند که برای مبارزهٔ دایمی باملخ انجمن هائی تشکیل دهند و مراکز این انجمن ها در ترمذ و مزارشریف استقرار یابد ۰
بتـاریخ ۹ حمـل ۱۳۱۵ مطابق مارچ ۱۹۳٦ نخستین معـاهـدهٔ مودت بین افغـانستـان و امریکا توسط علی محمد خان وزیر مختار افغانی در لندن ، به امضاء رسید ۰ واین اقدامی بود که برای مناسبات آیندهٔ افغانستان گام نوی بحساب می آمد ۰ همزمان با اقدام مذکور ، روس ها که دیگر حرف و مضمونی برای گفتن نداشتند ، تمدید «معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز بین افغانستان و روسیه» را پیشنهاد کردند ، و در اثر آن بتاریخ ۲۹ مارچ ۱۹۳٦ مطابق حمل ۱۳۱۵ پروتوکولی بین دو طرف به امضاء رسید که متن آن این است:
((پـروتـوکـول تمدید معاهدهٔ بی طرفی وعدم تجاوز بین افغانستان واتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی مورخ ۲۹ مارچ ۱۹۳٦ مطابق حمل ۱۳۱۵ ۰
اعلیحضـرت پادشـاه افغـانستان و کمیتهٔ اجرائیهٔ مرکزی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی به نسبت اینکه در آتیه اساس متینی را برای پیشرفت مناسبات فی مابین ممالک شان تاءمین و بایک دلیل جدیدی به ثبوت برسانند که روابط دوستانه همجواری که خوشبختانه فی مابین ایشان وجود دارد مستحکم و تغییر ناپذیر می باشد و همچنین اثرات مساعدی را که معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز متقابله فیمابین ایشان منعقدهٔ ۲٤ جون ۱۹۳۱ در پیشـرفت این منـاسبات داشته است ، تصدیق نموده تصمیم گرفتند پروتوکول هذارا امضاء نمایند و برای این مقصد وکلای ذیل خودرا مقرر نمودند ۰
اعلیحضرت پادشاه افغانستان ، عالی قدر جلالت ماب فیض محمد خان وزیر امور خارجه افغانستان را ، و کمیته اجرائیه مرکزی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی آقای نیکولایویچ کرستنسکی عضو کمتیهٔ اجرائیه مرکزی قایم مقام کمیسار ملی امور خارجه را ، وکـلای مذکـور پس از ارائـه اعتبـار نامـه های خود به همـدگر که به ترتیب لازمـه و صحیح تنظیم شده بود ، در مراتب ذیل موافقت حاصل نمودند:

مادهٔ اول

در تغییر مقررات راجع به میعاد ترتیب انقطاع قوهٔ قانونی معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز که در تاریخ ۲٤ جون ۱۹۳۱ در کابل فیمابین دولت پادشاهی افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی منعقد گردیده ، معاهدهٔ مذکور تا ۹ حمل ۱۳۲۵ مطابق ۲۹ مارچ ۱۹٤٦ مرعی الاجرا خواهد بود ۰ بعد از میعاد مزبور معاهدهٔ فوق الذکر سال بسال قوهٔ قانونی خود را خود بخود امتداد خواهد داد ۰ هر یک از طرفین علیتین متعاهد تین حق خواهند داشت معاهدهٔ مذکور را فسخ نمایند ، مشروط به اینکه شش ماه قبل در اینباره اطلاع بدهد ۰

مادهٔ دوم

پروتوکول هذا باید تصویب گردد و از تاریخ تبادل تصویب نامه ها قوهٔ قانونی خواهد داشت ۰ تبادل تصویب نامه ها در اسرع اوقات در شهر کابل بعمل خواهد آمد ۰

مادهٔ سوم

پروتوکول هذا بزبان فارسی وروسی ترتیب داده شده در موقع تفسیر ، هر دو متن حق مساوی دارند ۰ برای تصدیق مراتب فوق ، وکلای فوق الذکر پروتوکول هذا را امضاء و به مهرهای خود ممهور نمودند ۰

بتاریخ ۹ حمل ۱۳۱۵ مطابق ۲۹ مارچ ۱۹۳٦ در شهر مسکو در دو نسخهٔ تدوین گردید (۱)

فیض محمد　　　　　　ن ۰ ن ۰ کرستنسکی))

پیشنهاداین پروتوکول و امضاء آن اصلاً موردی نداشت ، زیرا در ماده (۸) معاهدهٔ ۲٤ جون ۱۹۳۱ (عهد محمد نادر شاه) صراحتاً گفته شده بود که بعد از انقضای ۵ سال ، معاهدهٔ مذکور همه ساله خود بخود (یعنی بدون تجدید آن) ادامه خواهد یافت و هرگاه طرفی به فسخ آن اقدام کند باید ٦ ماه قبل اطلاع بدهد ۰

لیکن قصد روس ها از این کار ، صرف آن بود که طرف را از طریق تاکید برعدم تجاوز وبیطرفی ، مطمئن و اغفال کنند و زمینه را برای برنامه های بعدی و معاهدات دیگر آماده سازند ۰ مع هذا تلاش های شان تا مدت ها در همین محدوده باقی ماند و بیش از این مجال نیافتند که بکارهای دیگری دست یازند ۰

مطلب دیگری که روس ها سخت به آن دلچسپی داشتند و مذاکرات دامنه داری با افغانستان انجام دادند ، برقراری روابط تجاری و تبادلهٔ اجناس بود ۰ درتمام این مذاکرات تقاضا داشتند که نمایندگی های تجاری شان در تمام شهر های مهم افغانستان تاسیس یابد و تبادلهٔ اجناس از مجرای این نمایندگی ها بعمل آید ۰ در واقع از همان ایام میخواستند لانه هاوشبکه های جاسوسی خودرا در نقاط مختلف کشور ماتحت نام تجارت بکار اندازند و برنامه های استعماری وضد انسانی خودرا در مرحلهٔ تطبیق قرار دهند ۰ اما افغانستان حاضر نبود این امتیاز را بروسیه یا به کشور های دیگر بدهد ، تاآنکه در ماه می ۱۹۳٦ عبدالمجید خان زابلی مدیر شرکت هاشمی (بعد ها به اسم بانک ملی مسمی شد) موافقت نامه ای را در مورد تجارت و تبادلهٔ اجناس از طرف شرکت خود باشوروی امضاء نمود ، وبه اساس آن توريد کالاهای روسی در افغانستان افزایش یافت ۰

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (٥٦) صفحهٔ ٥۹ ـ ٦۰ ۰

بتاریخ ۲ میزان ۱۳۱۵= سپتمبر ۱۹۳٦ شاه محمود خان وزیر حربیه عازم مسکوشد و در این سفر از ترکیه و ایران نیز دیدن نمود ۰ ومتعاقب آن در ۲۲ میزان ۱۳۱۵ (= اکتوبر ۱۹۳٦) محمد هاشم خان صدر اعظم غرض معالجه و تداوی از طریق تورخم به هند برتانوی واز آنجابه اروپا رفت ۰

بتاریخ ۲۷ عقرب ۱۳۱۵ هـ ش = ۱۹۳٦م قراردادی توسط فیض محمد خان وزیر خارجهٔ افغانستان بایک کمپنی امریکائی بنام « انلاند اکسپلوریشن» به امضاء رسید ۰
و پروتوکول ضمیمهٔ آن بتاریخ ۲٦ حمل ۱۳۱٦ ش = ۱۹۳۷م بوسیلهٔ عبدالحمید معین وزارت خارجه ونمایندهٔ کمپنی مذکور در کابل امضاء گردید ۰

در قرار داد مذکور تعهد و پیش بینی شده بود که در مدت ٦ ماه بعد از شروع کار ، در چهار حوزه شروع به استخراج نفت خواهد کرد که میزان بهره برداری از آن سالانه (٦,۰۰۰,۰۰۰) تن تخمین شده بود ۰ اما متاءسفانه و از بخت بد ما جهان در آستانهٔ جنگ دوم قرار گرفت وبعلت بحران های اقتصادی و تجاری و خرابی اوضاع اروپا ، درکار این کمپنی ورسیدن ماشین آلات و نیازمندی هایش مشکلات ایجاد شد و ناگزیر گردید افغانستان را ترک گوید وامتیاز استخراج نفت را از دست بدهد ۰

کمپنی مذکور ضمن اظهار تشکر و قدردانی از همکاری مردم ، بتاریخ ۱۸ جون ۱۹۳۸ حکومت افغانستان را نسبت به تصمیم خویش در جریان گذاشت و تمام نقشه ها واسناد واوراق مطالعات و تحقیقات خودرا بوزارت خارجه سپرد تا از آنها غرض استخراج نفت در آینده استفاده شود ۰ در راپور مذکور گفته شده بود که در تمام افغانستان بخصوص در شمال مقدار زیادی نفت وجود دارد ۰(۱)

بدبختانه آنهمه نقشه ها ، اوراق وراپور ها بعداً بوسیله بعضی از گماشتگان روس ، در دست روسها افتاد و آز و حرص این کشور را در نفوذ به افغانستان و بدام افگندن آن ازدیاد بخشید ۰ وبه همین علت بود که اولین و مهمترین توجهٔ شان را در قرار داد های بعدی با افغانستان روی این مسئلهٔ معطوف داشتند ۰ ولی ازان تاریخ تا حمله و لشکر کشی مسلحانهٔ شان به کشورما ، که تقریباً نیم قرن میگذرد بوی نفت هم بمشام مانرسید وتاوقتی که دست این غارتگر وحشی عصر از میهن ما کوتاه نگردد ، بی نصیبی ما از این ثروت بیکران طبیعی ادامه خواهد داشت ۰

اشتراک افغانستان در پیمان «سعدآباد» اقدام و یا ابتکار دیگری بود که در سال ۱۳۱٦ هـ۰ش = ۱۹۳۷ بعمل آمد ۰ نمایندگان چهار کشور مسلمان منطقه (ایران ۰ ترکیه ۰

---

۱ ـ متن این مذاکرات ، قرارداد وراپور ها همه در جراید دولتی نشر شده است ۰ برای آگاهی از تفصیلات موضوع رجوع شود به: روزنامهٔ اصلاح شمارهٔ (۲۲۱) سال هشتم.۱۳ ثور ۱۳۱٦ ، صفحهٔ اول ۰ روزنامهٔ اصلاح سال نهم شمارهٔ ۱٤۹ ، ۵ دلو ۱۳۱٦= ۲٤ جنوری ۱۹۳۸ صفحهٔ اول ۰ روزنامهٔ اصلاح مورخ ۳۰ اگسبت ۱۹۳۸=۷ سنبله ۱۳۱۷هـ ۰ش صفحهٔ اول ۰

افغـانستـان ۰ عراق) در سال ۱۹۳۷م بمنظور تاءمین و استقرار صلح ، امنیت در خاور نزدیک ، عدم تعرض ، وتشیید روابط دوستانه و همکاری های متقابل ، پیمانی را بداخل ده ماده تنظیم و آنرا بتاریخ ۱۷ سرطان ۱۳۱٦= اوایل جولای ۱۹۳۷ در کاخ سعد آباد (کاخ تابستانی پادشاه ایرانْ در شمال تهران) امضاء نمودند ۰

روس ها مخصوصاً بعلت نفوذ انگلیس در ایران و عراق آنروز ، از این پیمان و آیندهٔ آن ناخوشنود و نگران بودند ۰ ولی جز حیله و خدعه کاری از دست شان ساخته نبود ، و پیمان مذکور نیز بعلت اختلافات مذهبی ، درگیری های سرحدی و تحریکات پشت پرده ، دیری دوام نکرد ۰

در گرما گرم قرارداد افغانستان باکمپنی نفت امریکائی وشمول درپیمان سعد آباد ، روس ها موضوع مبارزه با «حشرات مضره و امراض نباتات پنبه» را عنوان کردند و بنابر این تقاضا بتـــاریخ ۲٦ می ۱۹۳۸ مطابـــق جوزای ۱۳۱۷ موافـــقـــت نامـــه ای در ده ماده بین کابـــل و مسکو به امضاء رسید ۰(۱)

در مادهٔ هشتم آن پیشنهاد کرده بودند که هرگاه حکومت افغانستان بخواهد ، مقدار لازمهٔ مواد «سمی و کنجاره» ونیز آلات و اسبابی که برای نابودی حشرات وسم پاشی بکار میروند ، بقیمت مناسب بحساب تبادله های مالی به افغانستان تادیه می شود ۰

بلی! آنروز ها که افغانستان در جستجوی استخراج نفت در شمال و قرار داد آن باکشور های دیگر بود ، همکاری روس ها و نقش اقتصادی و سیاسی شان در سطح مبارزه بامور ملخ وحشـــرات موذی و اعـــطای «کـنجـــاره» قرارداشت، ولی واحســرتـــا که این حشـــره های موذی در اثر آب و هوای مساعد سیاسی و آغوش گرم سیاست مردان افغانستان تدریجاً تخم گذاری نمودند ، چوچه بار آوردند ، اژدها شدند و سرانجام قصد بلعیدن ماکردند!!

در جریان جنـــگ خانـــمانـــسوز و خونـین که تقـریبـــاً شش سال (۱۹۳۹ ـ ۱۹٤٥م) را در برگرفت و ملیون ها انسان مظلوم و بیگناه قربانی حرص و آز و جاه طلبی های فرمانروایان شرق و غرب گردید ، کشور ما از شر روس ها نسبتاً درامان بود ۰ زیرا مسکو خود ، در جملهٔ جنگ افروزان قرار داشت و به کارهای شیطانی دیگر کمتر میتوانست اقدام کند ۰

روابط افغانستان باسایر کشور ها نیز در طول سالهای جنگ خیلی عادی وقسماً باوقفه ورکود مواجه بود ۰ آنچه در ایندوره قابل یاد آوریست ، معاهده ای می باشد که بنام «پیمان دوستی چین و افغانستان» بتاریخ ۱۲ حوت ۱۳۲۲ مطابق اوایل مارچ ۱۹٤٤ توسط فیض محمد خان سفیر افغانستان و سفیر چین در ترکیه به امضاء رسید و به اساس آن برای اولین بار ، دو طرف نمایندگی های سیاسی خودرا در کشور های همدگر تاسیس نمودند ۰

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (۵۷) صفحهٔ ٦۱ ـ٦۳ ۰

مطلب دیگر ، مسافرت هئیت روسی است که بازهم بنام مذاکره روی موضوعات مجادله یا ملخ و آفات زراعی ، در ماه میزان ۱۳۲۳=اکتوبر ۱۹٤٤ ، از مسکو وارد کابل می شوند و بابعضی افراد و موسسات ذی علاقه آشنائی می یابند ٠

به همه حال نکتهٔ جالب این است که افغانستان بیطرفی و استقلال فکر و عمل خود را در این جنگ حفظ کرد و همانند جنگ اول جهانی از پیوستن به اینسویا آنسو ، خوددای نمود ٠ گرچه روسها متحدین غربی خود «انگلیس و امریکا» را تحریک و تشویق کردند تا افغانستان را پایگاه خود قرار دهند و از آنجابه روسیه سلاح و مهمات برسانند ، اما این اقدام صورت نگرفت واز ترس آنکه مبادا المان ها ایران را پایگاه نظامی خود سازند و حاکمیت منطقه را بدست گیرند ، از لشکر کشی و هجوم در افغانستان منصرف گردیدند و بجای آن ایران را انتخاب کردند ٠

پس از پایان یافتن آشوب در جهان و خاتمهٔ جنگ دوم ، اوایل سال ۱۳۲۵ هـ‌ش = ۱۹٤٦م شاه محمود خان وزیر حربیه و عم دیگر شاه ، بجای سردار محمد هاشم خان بحیث صدر اعظم انتخاب گردید و تحولاتی در کشور بمیان آمد که بعداً روی آن صحبت خواهیم کرد ٠

صدارت شاه محمود خان و تلاش مجدد روس ها درافغانستان

همینکه جنگ خاتمه یافت و روس ها بادستیاری و کمک یاران وهمدستان غربی خود برنده شدند ، مجدداً وبدون درنگ بفکر افغانستان افتادند و اینبار مسئله حد بخشی را درمیان گذاشتند و موافقت نامهٔ دیگری را در زمینه با افغانستان امضاء کردند ٠ همان حد بخشی که بار بار و آخرین بار در سال های ۱۸۸۵ـ۱۸۸۸ میلادی توسط هیئت های انگلیسی و روسی انجام یافته بود و مواضع هر یک روی نقشه ها و خریطه ها مشخص و معین شده بود٠ لیکن این اقدام و عمل مجدد روس ها روی اهداف ودسایسی اتکاء داشت که مشخصات آنرا در همین مبحث ودر متن قرار داد جدید مطالعه خواهیم کرد:

((موافقت نامه بین دولت پادشاهی افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی در مسایل سرحدی باپروتوکول و مکاتیب ضمیمه ٠ مورخ ۱۳ جون ۱۹٤٦ مطابق جوزای ۱۳۲۵ ٠

جهت تحکیم مناسبات دوستانه که خوشبختانه بین مملکتین موجود است وبرای توسعهٔ آتیهٔ آنها دولت علیه افغانستان از یکطرف و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طرف دیگر ، تصمیم گرفتند موافقت نامهٔ هذا را عقد نمایند و برای این وکلای خودرا مقرر نمودند:

اعلیحضرت پادشاه دولت علیه افغانستان سفیر کبیر افغانستان در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ع ج سردار سلطان احمد خان را ۰ هیئت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالستی شوروی وزیر امور خارجهٔ اتحاد جماهیر سوسیالستی شوروی ع ج آقای ویاچیسلا و مخایلو ویچ مولوتف را ۰

وکلای معزی الیهم بعد از ارائه اعتبار نامه های خود به همدیگر که به ترتیب لازمه و قانونی تنظیم شده در مراتب ذیل موافقت نمودند:

مادهٔ اول

خط سرحد دولتی بین افغانستان و اتحاد جماهیر سوسیالستی شوروی در دریای آمویه و در قسمت کشتی رانی دریای پنج در تلویک خواهد گذشت ۰ اگر تعیین وضعیت تلویک غیر ممکن باشد خط سرحد درمیان فارواتر اصلی این دریاها ودر قسمت غیر قابل کشتی رانی دریای پنج درمیان دریای اخیر خواهد گذشت ۰ ضمناً جزیرهٔ ارال پیغمبر کما فی سابق در جزو خاک اتحاد جماهیر سوسیالستی شوروی داخل خواهد بود و جزیرهٔ اورته توغای ، من بعد نیز در جزو خاک افغانستان داخل خواهد بود ۰

مادهٔ دوم

تعیین صریح خط سرحد دولتی متذکرهٔ مادهٔ اول موافقت نامه هذا از قریهٔ خمیاب تا دریاچهٔ زار قول به کمیسیون مختلط مرکب از سه نفر نمایندگان هر طرف سپرده می شود ۰ این کمیسیون مختلط خط سرحد را که در فوق مذکور است بالای خریطه تقسیم و تعلق جزایررا معین و درانجا که لازم بداند علائم سرحدی مربوطه را نصب خواهد نمود ۰ کمیسیون بعد از ختم اینکار شرح مفصل خط سرحد و نقاط نصب علائم سرحدی را تنظیم خواهد نمود ۰ کمیسیون در ظرف مدتی که از تاریخ بموقع اجرا گذاردن موافقت نامهٔ هذا ازسه ماه تجاوز نکند شروع بکار خواهد نمود۰

پروتوکول های کمیسیون باشرح سرحد و خریطه از طرف حکومت های طرفین متعاهدین تصویب می شود ۰

مادهٔ سوم

تعلق جزایر در دریا های آمویه و پنج از طرف کمیسیون مختلط متذکره مادهٔ دوم موافقت نامهٔ هذا بقرار مشخصات ذیل معین خواهد شد:

جزایری که بین تلویک یاوسط فارواتر اصلی وساحل چپ دریای آمویه و پنج در قسمت قابل کشتی رانی آن واقع میباشد متعلق افغانستان خواهد بود و جزائری که بین تلویک یاوسط فارواتر اصلی و ساحل راست دریا های مذکور واقع میباشند در جز و خاک اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی می ماند ۰

در قسمت غیر قابل کشتی رانی دریای پنج تعلق جزائر حسب وضعیت خط سرحد دولتی معین میشود ۰

ماده‌ٔ چهارم

موافقت نامهٔ هذا باید به تصویب برسد ۰ مبادلهٔ تصویب نامه ها در کابل در اسرع وقت ممکنه بعد از تاریخ امضاء بعمل خواهد آمد ۰ موافقت نامه از روز مبادلهٔ تصویب نامه ها بموقع اجرا گزارده خواهد شد ۰

ماده‌ٔ پنجم

موافقت نامهٔ هذا در دو نسخه بزبان های فارسی وروسی تنظیم یافته و هردو متن حق مساوی دارند ۰

در شهـر مسکـو بتـاریخ ۲۳ جوزا ۱۳۲۵ مطابق ۱۳ جون ۱۹٤٦ تنظیم گردید ۰

بوکالت اعلیحضرت پادشاه افغانستان	بوکالت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد جماهیر
سلطان احمد	سوسیالستی شوروی ۰ مولوتوف ۰))

اینهم متن پروتوکل مربوط به موافقت نامهٔ یاد شده۰

((بر اثر امضای موافقت نامه بین افغانستان و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در مسایل سرحدی مورخهٔ تاریخ هذا طرفین متعاهدین تصدیق مینمایند که مادهٔ نهم و دهم معـاهـدهٔ فیمابین افغانستان و جمهوریت اشتراکیه شورائیه روسیه مورخه ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ خاتمه یافته لذا از اعتبار ساقط شناخته می شود ۰

پروتـوکول هذا قسمت موافقت نامه را که بتاریخ هذا امضاء شده تشکیل میدهد ۰

بتاریخ ۲۳ جوزا ۱۳۲۵ مطابق ۱۳ جون ۱۹٤٦ ۰

بوکالت اعلیحضرت پادشاه دولت علیه افغانستان	بوکالت هئیت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی
سلطان احمد	مولوتوف))

همچنـان در همین تاریخ سفارت افغانستان در مسکو یادداشتی را به وزارت خارجه روسیه تقدیم می کند و از آمادگی افغانستان برای تجدید نصب علایم در سرحد خشکی از ذوالفقار الی خمیاب اطمینان میدهد ۰

دومین یادداشت سفارت افغانستان نیز درعین روز راجع به موافقت نامهٔ مذکور بین دو کشور ، عنوانی وزارت خارجهٔ روس صادر می شود که متن آن این است:

(مورخ ۱۳ جون ۱۹٤٦ مطابق جوزا ۱۳۲۵ ۰

جنـاب آقای وزیر! احترام دارم وصول یادداشت مورخ تاریخ هذا جناب عالی را تصدیق نمایم که به مضمون ذیل است:

احترام دارم باطلاع جناب عالی برسانم که حکومت شوروی به آرزوی اینکه مسئلهٔ استفاده از آب های دریای کشک و مسئلهٔ ساختمان بندر در دریای مرغاب به روح مناسبات دوستانه بین طرفین تصفیه گردد ، موافقت مینماید ۰ منع استفاده از آب دریای کشک شمال تر از چهل دختر را که طبق اسناد تقسیمات انگلیس و روس ، سالهای ١٨٨٥ـ١٨٨٨م بطرف افغانی پیش بینی شده بود رفع نماید ۰ لیکن طرف افغانی برمقدار آبی که از دریای کشک درین ناحیه میگیرد نباید بیفزاید و در اینباره باید وضعیت موجودهٔ حاضره را حفظ نماید ۰

حکومت شوروی از حق ساختمان بند در دریای مرغاب بااستفاده از ساحل افغانی صرف نظر مینماید ۰ مشروط به اینکه طرف افغانی در قطعه سرحدی خاک خود چنین بند را نخواهد ساخت که مقدار آب دریای مزبوررا که بخاک شوروی جریان دارد تقلیل دهد ۰

به این مناسبت احترام دارم به اطلاع جناب عالی برسانم که حکومت افغانستان از طرف خود باتصفیه مسئلهٔ استفاده از آب دریای کشک و حق ساختمان بند شوروی در دریای مرغاب به ترتیبی که در یادداشت فوق الذکر جناب عالی تشریح گردیده موافقت مینماید ۰ خواهشمندم اطمینان و احترامات فایقه ام را بپذیرید ۰(١)

سلطان احمد　　　　　　　　مولوتوف))

نکتهٔ قابل توجه آنست که روس ها اهداف اصلی و مورد نظر خودرا در متن موافقت نامه درج نکرده بلکه آنرا بوسیلهٔ مفاهمات خصوصی و در پروتوکول و یادداشت علیحده افزوده اند ۰ و عجیب آنکه سفیر افغانی در مسکو بحدی دراین مسئلهٔ عجله و شتاب داشته که همه مسایل را در یکروز خاتمه‌بخشیده و بدون آنکه در زمینه تأمل کند و موضوع به آرای مردم ارجاع شود ، خود حاتم بخشی کرده و حتی تبادلهٔ نامه های دو طرفه را بشکل یک موافقت نامهٔ ثانی در آورده است ۰

بهرحال چنانکه خوانندگان ارجمند خود ملاحظه میفرمایند ، در این موافقت نامه مشکلی حل نشده و تمام نقاط غصب شده که جزء ملکیت افغانستان و قابل استرداد بود ، کما کان مبهم وبه آینده موکول گردیده است ۰ تنها مطلبی که روس ها در این موافقت نامه وپروتوکول مربوط به آن گنجانیده اند و هدف اولی و نهائی شان را احتوا می کند ، حذف فقره های نهم و دهم معاهدهٔ ٢٨ فبروری سال ١٩٢١ میباشد ۰

در فقرهٔ نهم سال ١٩٢١م روس ها به صراحت تعهد کرده بودند که: ((زمین های غصب

---

١ ـ مناسبات افغانستان و شوروی صفحهٔ ٦٥ـ٦٩ ، و نیز رجوع شود به: روزنامهٔ اصلاح ، ٢٧ سنبله ١٣٢٥ مطابق ١٩ سپتامبر ١٩٤٦ ۰

شدهٔ سرحدی قرن گذشته ، متعلق به افغانستان را تسلیم میدهند)) واین پیمان شامل پنجده ، پامیر کلان و نقاط دیگر هم می شد که در موافقت نامهٔ حد بخشی جدید اصلاً از آنها نام برده نشده است ۰ و بنابراین باحذف فقرهٔ مذکور در قرارداد جدید ، حق مسلم و ملکیت قانونی افغانستان در مواضع یادشده ، نفی گردیده و موافقت نامه کلاً به میل و مرام روس ها ترتیب یافته است ۰

همچنان در حد بخشی سال های ۱۸۸۵ـ۱۸۸۸م ، استفاده از دریای «کشک» تنها در یک نقطهٔ مشخص و محدود «شمال تر از چهل دختر» منع گردیده و نه در تمام طول آن!! حالانکه این دریا ساحهٔ بسیار وسیع و طولانی را در خاک افغانستان می پیماید و اعمار بند و یا هر نوع استفادهٔ دیگر ازان حق طبیعی ما بشمار می آید ۰ وبنابراین سخاوت روس ها در این مورد بمثابه «بخشش از کیسهٔ خلیفه» می باشد که خیلی بی معنی و احمقانه است ۰

کذا منع افغانستان از اعمار بند در دریای مرغاب یعنی در سرزمین خودش و ملکیت خودش ، نیز از همان بی منطقی ها ، زورگوئی ها ، خیره سری ها و لجاجت هائیست که روس ها همیشـه در فرصت های مناسب و ضعف جانب مقابل آنرا بکار می برند وتا حد ممکن استفاده مینمایند ۰

اصولاً بین تعهد «استرداد زمین های واقع در منطقه سرحدی» که در معاهده سال ۱۹۲۱م تذکر رفته ، و موضوع «تعیین خط سرحدی» که در موافقت نامهٔ جدید عنوان شده است ، تفـاوت بسیار وجـود دارد ۰ چنانچه متن موافقت نامه کاملاً آنرا تصریح می کند ۰ ولی مسوولین امر در کشور مایک لحظه هم روی منافع ملی و حقوق مردم درنگ نکرده اند و بحکم «پهلوان زنده خوش است» هر چه روس ها گفته اند ، به آن صحه گذاشته اند ۰ حتی شورای افغانستان که در حقیقت ممثل اراده و مدافع حقوق و مصالح ملی افغانستان بشمار می آید ، این موافقت نامـه را عامـل «تشیید روابط و توسیع مناسبات دوستانه طرفین» خوانده ، چشم بسته وبه اتفاق آرا آنرا بتاریخ ۱٦ سپتامبر ۱۹٤٦= سنبله ۱۳۲۵ تصویب نموده اند و بلاوقفه از طرف شاه توشیح شده است ۰

متـاءسفـانـه این «تشیید منـاسبـات دوستانه» که با از دست دادن قطعاتی از خاک افغانستان توأم بود ، در مطبوعات افغانستان نیز اثر گذاشت و تدریجاً تبلیغات و تبصره هائی به نفع روس و معرفی این کشور براه افتاد ۰

باوجود آنچه گفته آمد ، روس ها دران ایام نقش مثبتی در تصمیم و ارادهٔ دولت مردان افغانستان نداشتند و حکومت می کوشید در سیاست ملی و بین المللی خویش آزاد عمل کند وبـاهـمه کشور ها مناسبات سالم و مشابهی داشته باشد ۰ چنانچه حکومت توانست در خشـک سالی ، سال ۱۳۲۵هـ ش از امریکا گندم وارد کند و مردم را در شدید ترین ایام زمستان از تشویش گرسنگی وارهاند ۰

لیکن روس های مکار که کم کم درساحهٔ بین المللی جان گرفته بودند ، از سیاست معقول و جهانی افغانستان به شدت رنج می بردند و برای فراهم ساختن و مساعد شدن فرصتی می کوشیدند تابتوانند کشور مارا منزوی سازند و علایق و نزدیکی اش را منحصراً بخود جلب کنند ۰

درتداوم این فعالیت ها موافقت نامهٔ دیگری هم بنام «موافقت نامهٔ رادیوتیلگرافی» در ۱٦ ماده بتاریخ ۱۳ ، اپریل ۱۹٤۷ مطابق حمل ۱۳۲٦ بوسیلهٔ نمایندگان دو طرف در شهر کابل به امضاء رسید و روابط مستقیم و منظم رادیو تیلگرام نیز بین کابل و مسکو برقرار گردید ۰(۱)

تغییر اوضاع در منطقه و افغانستان

در اثر مبارزات طولانی و آزادی خواهی مسلمانان و هندوان شبه قارهٔ هند که سالیان زیادی را در برگرفت ، دولت برتانیا بالاخره مجبور شد به صدای آنان پاسخ دهد و حقوق مسلم ایشان را برسمیت بشناسد ۰ لذا مجلس عوام انگلستان قانون استقلال هند را بتاریخ ٤ جولائی ۱۹٤۷ مطابق ۱۲ سرطان ۱۳۲٦ تصویب نمود و بموجب آن در ماه اگست ۱۹٤۷ در متصرفات هند برتانوی دو کشور آزاد و مستقل (پاکستان و هند) بوجود آمد ۰

در جریان این تقسیمات برای پشتون های شمال غرب ضمن یک همه پرسی موقع داده شد که یا به پاکستان ملحق شوند و یا به هند ۰ عدهٔ زیادی از آنان پیوستن به پاکستان را ترجیح دادند ، ولی خان عبدالغفار خان آنرا رد کرد ۰ (در اینباره بعداً به تفصیل صحبت خواهیم کرد) ۰

دولت افغانستان موضوع سرحد را مورد توجه قرارداد و در جولای ۱۹٤۷ مطابق ۱۳۲٦ه ش قبل از اعلام پاکستان بحیث کشور آزاد و مستقل ، یادداشتی بحکومت برتانیا فرستاد و تقاضا کرد تا برای پشتون ها و بلوچ ها هم فرصت داده شود که حکومت جداگانه ای تشکیل دهند و یا به افغانستان به پیوندند ۰ حکومت برتانیه پاسخ داد که سوال سرحدات آزاد به اساس پیمان ۱۹۲۱م بین انگلیس و افغانستان حل گردیده و خط دیورند بحیث حد فاصل و سرحد بین المللی شناخته شده است (۲) ۰

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (٦۸) صفحهٔ ٦۹ـ۷۳ ۰

۲ ـ این مطلب اشاره بقرار دادی می باشد که بتاریخ نوامبر ۱۹۲۱ مطابق ۳۰ عقرب ۱۳۰۰ شمسی بین محمود بیگ طرزی وزیر خارجهٔ افغانستان و سرهنری دابس رئیس هیئت انگلیسی در کابل به امضاء رسیده است ۰ در مادهٔ (۲) قرارداد مذکور متاءسفانه هیئت افغانی معاهدهٔ مورخ ۸ اگست ۱۹۱۹ ، انگلیس و افغانستان را که در آن به تقسیمات سرحدی و خط دیورند صحه گذاشته شده بود ، قبول کرده است ۰ برای آگاهی از متن کامل این معاهدات رجوع شود به: افغانستان در مسیر تاریخ ، صفحات ۷۷٤ ، ۷۷۹ تا ۷۸۲ ۰ ناگفته نماند که خط دیورند در سال ۱۸۹۳م به اثر معاهده ای بین امیر عبدالرحمن خان و دولت انگلیس برمردم ما تحمیل شد وازان تاریخ به بعد دیگران هم در معاهدات خویش بابرتانیا آنرانادیده انگاشتند ۰

در سپتامبر ۱۹٤۷ (=۱۳۲٦ش) هنگام پذیرفتن پاکستان به عضویت ملل متحد ، نماینده افغانستان رای مخالف داد و این حرکت از همان آغاز در روابط دو کشور مسلمان و همسایه اثرات نامطلوب و منفی برجا گذاشت و به مراحل حساس و خطرناکی کشانیده شد ۰ بدنبال این عکس العمل ناجوانمردانه علیه پاکستان ، شاه افغانستان در تالار شورا ، از افغان های آنسوی دیورند نام بردوتقاضا کرد تابه ایشان نیز مانند هندی ها و پاکستانی ها حق خودارادیت داده شود ۰ این بیانات تعبیرات مختلفی را در پاکستان برانگیخت و شاه دکتور نجیب الله خان را به صفت نماینده اش نزد محمد علی جناح به کراچی فرستاد تا موضوع و هدف بیانات اورا روشن کند و در مورد پشتون های سرحد از نزدیک باوی مذاکره و مفاهمه نماید ۰ اما این مذاکرات به نتیجه ای نرسید و متعاقب آن سردار شاه ولی خان بحیث سفیر افغانستان به کراچی رفت و موضوع پشتون های قبایل ادامه یافت ۰ بیانات شاه در «پارلمان» بهترین دستاویزی بود که روس ها بوسیلهٔ آن توانستند در عمق فکر و اندیشهٔ دولت مردان افغانستان نفوذ کنند و تا آخرین حد ممکن بهره برداری نمایند ۰

اواخر سال ۱۳۲٦ ه۰ش = ۱۹٤۷ حزبی بنام «ویش زلمیان = جوانان بیدار یا روشن فکر» تاسیس گردید وبه فعالیت های سیاسی دست یازید ۰ سردار محمد داود خان و عبدالمجید خان زابلی «در پشت پرده» از بانیان و حامیان این حزب بودند یکی آنرا رهبری و حمایت می کرد ، دیگری تمویلش می نمود ۰ حزب مذکور ظاهراً برای آزادی ودیموکراسی شعار میداد ، لیکن هدف عمده واصلی آن حمایت از داعیهٔ آزادی قبایل پشتون ، ایجاد روحیهٔ پشتونیزم ، تضاد و مقابله باشاه محمود خان ، مخالفت باهمکاری و پروژه های امریکا در افغانستان و زمینه سازی برای قدرت یافتن محمد داود خان بود ۰ گرچه تشکیل احزاب هنوز جنبهٔ رسمی و قانونی نداشت و محمد داود خان هم به سفارت افغانستان در پاریس تعیین شده بود ، مع هذا بزور خود آنرا بکار انداخت و از آن در مبارزات بعدی علیه شاه محمود خان استفاده نمود ۰

در سال ۱۳۲۷ ه۰ش = ۱۹٤۸م موضوع قبایل سرحد با آب و تاب خاصی در جراید افغانستان انتشاریافت و در نتیجه کار بجائی کشید که شاه محمود خان صدراعظم در حمل ۱۳۲۸ شمسی = ۱۹٤۹م به جلال آباد رفت و ضمن ایراد بیانیه ای در محضر شهریان آنجا از حکومت پاکستان تقاضا کرد تا بحقوق پشتون های سرحد گردن نهد ۰ پس از آن داعیهٔ قبایل سرحد ، شعار روزگردید و سیاست های داخلی و خارجی افغانستان کلاً در همین محورپایه گذاری شد ۰ بحدی که هر نوع ایراد و حساسیت نسبت به آن گناه کبیره و حرکت ضد ملی محسوب می شد ۰

روس ها که هنوز از ظاهر شدن بروی صحنه و مداخلات علنی و مستقیم در امور

افغـانستـان ناتـوان بودنـد ، حسب برنـامـه های پیش بینی شده به تحـریکـات خویش درنهـان و پشت پرده ادامـه میدادنـد که در نتیجهٔ آن جدال های لفظی و مخالفت افغانستان با پاکستان از روی کاغذ و امواج رادیو به تظاهرات خیابانی کشید و زمینه برای فعالیت های مخفی روس فراهم گردید •

ولی با این مایه کار و شرایطی که جریان داشت ، دست یابی روس ها برای زمینه سازی بیشتر و مخصوصاً ایجاد اختلال در روابط افغانستان و غرب ، امر سهل و ساده ای نبود و بخوبی میدانستند که باموجودیت شاه محمود خان درراس قدرت و ادامهٔ سیاست نسبتاً متـوازن و معتـدل ، فعالیت های شان از سرعت و موفقیت لازم برخوردار نخواهد بود • بنابراین در پی آن شدند تاپیش از هر اقدامی شاه محمود خان را از قدرت بر اندازند و فضای سیاسی افغانستان را که امکان تکوین «دیموکراسی» دران پیش بینی می شد ، مغشوش سازند •

مسلماً با اطلاع و شناختی که روس ها تا آنروز از افغانستان و رجال آن داشتند ، محمد داود خان را نسبت به هر کسی ترجیح میدادند و باتوجه به حالات روانی وی کاملاً مطمئن بودند که بارویکار آمدن او در صحنهٔ قدرت ، همه کارها بمیل و مراد مسکو انجام خواهد یافت •

به اساس این پیش بینی و محاسبه ، شبکه های مرمُوزی در افغانستان بکار افتاد و دیری نگذشت که محمد داود خان خلاف میل و رضای شاه محمود خان از سفارت پاریس فرا خوانده شد و درراس وزارت های داخله و حربیه قرار گرفت •

باگرم شدن هنگامهٔ آزادی قبایل و غوغائی «دیموکراسی» مبارزات انتخاباتی نیز برای دور هفتم شورای ملی افغانستان آغاز گردید (سال ۱۳۲۸ هـ ش= ۱۹٤۹م) ، و حلقه ها و گروههـای سیاسی برقـابت برخـاستند • درحوزه های انتخاباتی کابل دکتر عبدالرحمن محمـودی و میر غلام محمد غبار برحریفانِ خود پیشی گرفتند و بوکالت برگزیده شدند • همچنان تعدادی از اعضای ''ویش ځلمیان'' در بعضی حوزه ها پیروزی کسب کردند و به شورا آمـدنـد • و به این ترتیب در شورای دورهٔ هفتم یک جبهـهٔ مخـالف «اپـوزیسیون» تشکیل یافت و تضادهای فکری وسیاسی تبارز کرد •

گرچه مبارزات «پارلمانی» لازمهٔ دیموکراسی و از شرایط اولی و اساسی آن بشمارمیرود ، اما محمد داودخان مخفیانه می کوشید این مبارزه علیه شاه محمود خان تمرکز یابد و مسایل اصلی و مهم وملی (= قومی) در محور رقابت های فامیلی متوقف گردد •

از اوایل همان سال (۱۳۲۸ش) رادیو پاکستان هر روز به نقل از رادیوی مسکو خبری انتشار میداد و از خرابی روابط افغانستان و امریکا سخن می گفت و رادیو کابل آنرا رد می کرد • همچنان اوضاع سرحد و مناسبات سیاسی دو کشور در این سال بیش از حد به

تیرگی گرائید ، بحدی که پاکستان چندین بار به حریم افغانستان و مناطق قبایل بمبارد نمود و حکومت افغانستان بتاریخ ۲۹ جوزای ۱۳۲۸= جون ۱۹٤۹ در برابر این عمل بحکومت پاکستان اخطار داد (اصلاح شمارهٔ ٦۲ سال ۲۰) ۰ باوجود آن تحریکات و فعالیت ها در سرحد از هر دو طرف ادامه یافت و همه روزه حوادث در نوارمرز ی اتفاق می افتاد که بسود هیچکس نبود ۰

در ماه قوس ۱۳۲۸ ه ش (= دسمبر ۱۹٤۹) حکومت امریکا مبلغ ۲۱ ملیون دالر به افغانستان قرضه داد (۱) تا از آن در طرح پروژه های عام المنفعه استفاده شود ۰ این اقدام تبلیغات مسکو را مبنی برخرابی روابط افغانستان و امریکا تا حدودی خنثی نمود ۰ اما بازهم روس ها از تحریک و تخریب دست بردار نبودند و بکارهای خویش ادامه میدادند ۰

شاه محمود خان که بعد از یکدوره استبداد و اختناق در افغانستان عهده دار صدارت شده بود ، ظاهراً سعی میکرد آن حالت را خاتمه دهد و بارویکارآوردن آزادی های قانونی از بدبینی و انزجارمردم تدریجاً بکاهد ۰ مردم و مطبوعات هم از شاه محمود خان بنام «پدر دیموکراسی» استقبال و قدردانی کردند و اورا در تعمیل اراده اش تشویق نمودند ۰

بااستفاده از این فضای مساعد تعدادی از جوانان و عناصر چیز فهم و تحصیل کرده به فعالیت های سیاسی اقدام کرذند وگردهم آئی ها و انجمن آرائی هائی رابراه انداختند که تدریجاً گرم تر گردید و منتج به تشکیل احزاب و گروههای سیاسی شد ۰ اتحادیهٔ محصلین پوهنتون نیز در همین سال (۱۳۲۸ش) تشکیل گردید و اهم ابتکار و فعالیت های آن دردست طرفداران محمد داود بود ۰

محمد داود خان هم که طبیعتاً باهر نوع آزادي فکر و عمل در افغانستان مخالف بود وهرگز نمی خواست هستهٔ آزادی و «دیموکراسی» در کشور جوانه زند ، در این جنب و جوش سیاسی خود وارد عمل گردید و فعالیت هائی را بوسیلهٔ عمال خویش بین مردم براه انداخت ۰ او سعی میکرد باجلب و جذب افراد بانفوذ ، اعضای شورا و کسانی که باآراء و افکارش نظر مساعد داشتند ، در دستگاههای مختلف اجتماعی واداری و سیاسی کشور نفوذ کند و شبکه های ارتباطی خویش را در جامعه برقرار سازد واز اینطریق زمینهٔ سرنگونی شاه محمود خان را از صحنهٔ قدرت فراهم سازد و خود جانشینش گردد ۰

روی این انگیزه و بمنظور خنثی کردن سایر حلقه ها و فعالیت های سیاسی ، برعلاوهٔ «ویش ځلمیان» که قبلاً تذکار رفت ، انجمن و یا حزب دیگری را هم در کابل بنام «کلوپ ملی» پایه گذاری نمود و اولین جلسه اورا برسم تشریفات ، اغوای مردم و پخته ساختن کار خود ، توسط شاه محمود خان صدراعظم در منزل غلام فاروق خان عثمان افتتاح فرمود (۲)

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ، سال ۲۱ شمارهٔ (۱۰۵) ۲۲ قوس ۱۳۲۸ ه ش مطابق ١٤ دسمبر ۱۹٤۹م ۰

۲ ـ روزنامه اصلاح ، سال ۲۱ شمارهٔ (۱۳۲) ۲٦ جدی ۱۳۲۸ ه ش ۰

او «محمد داود خان» خود در این محفل سخن گفت واهداف کلوپ مذکورا تأمین وحدت ملی ، اتحاد آراء و افکار مردم و جلوگیری از تشتت و پراگندگی فکری و تعدد سازمان های مختلف نامید واز حضار خواست تا نظریات و گفتنی های خودرا آزادانه بیان نمایند ۰ اما این کلوپ که محمد داود خان و برادرش محمد نعیم خان از موسسان او بودند و تعدادی از بزرگان محمد زائی و عبدالمجید خان زابلی و امثال آن دران عضویت داشتند ، کاری از پیش برده نتوانست واز کسانی هم که دعوت بعمل آمد پس از درک ماهیت واهداف اصلی اش آنرا ترک گفتند ۰

در نخستین ساعات روز اول حمل ۱۳۲۹ ه ش = ۱۹۵۰م تعدادی از هموطنان ما توسط نیروی امنیتی گرفتار شدند و در کابل شایع گردید که سوء قصدی علیه شاه محمود خان صدراعظم درشرف وقوع بوده ولی قبل از عمل کشف شده است ۰ آنانی که در این قضیه گرفتار شدند عبارت بودنداز:

مرحوم سید اسماعیل بلخی ، محمد صفر خان غزنوی وکیل شورا و دوبرادرش غلام حیدر خان کندکمشرقوماندان فابریکۀ حربی و محمد حسن خان تولیمشر ، خواجه محمد نعیم قوماندان امنیه کابل (عهد محمد هاشم خان صدراعظم) ، سید علی گوهر غوربندی ، سید اسماعیل لولنجی ، محمد اسلم خان شریفی غزنوی مدیر فواید عامه ، محمد ابراهیم خان مشهور به «گاو سوار» از شهرستان هزاره جات ، عبداللطیف قوماندان پولیس*، قربان نظر ترکمن و عبدالغیاث ترکمن که آنهم فرد نظامی بوده ، و نیز تعدادی از مردم پروان ، کابل و سایر نقاط که اسامی شان تانوشتن این سطور در اختیار من نیست ۰

در ماههای اول افراد مذکور را به سیه چاهای ارگ بردند ، سپس در زندان ولایت و مدتی بعد به زندان دهمزنگ (جائی که روزگاری خود خواجه محمد نعیم سرپرستی اعمار آنرا به عهده داشت) انتقال داده شدند و تقریباً ۱٤ سال در شرایط بسیار نامناسب و غیر انسانی درزندان ماندند تا آنکه بساط صدارت محمد داود خان درهم پیچید و در عهد صدارت دکتور محمد یوسف خان از زندان بحال نیمه جان رها گردیدند ۰

برنامۀ کار آقایان که بعضاً در سمت های دولتی کار میکردند ، طوری بوده است که شاه محمود خان صدراعظم را حین افتتاح مراسم باستانی نوروز دردامنۀ «سخی» بااعضای کابینه اش بقتل رسانند و یابه اصطلاح امروز ترورکنند ۰

البته هریک از آنان کشتن افراد خاصی را بعهده داشتند و یا امرکشتن ایشان را به افراد خاصی محول کرده بودند ۰ ترتیباتی هم در بین افراد نظامی بوسیلۀ غلام حیدر خان قوماندان فابریکۀ حربی ، و در بین قوای امنیتی و پولیس توسط خواجه محمد نعیم و عبدالطیف گرفته شده بود ۰

نشـانی بین شان این بوده که بعـد از انجـام موفقانه «ترور» بالای کوه آسمائی آتش برافروزند ویا روشنی انداز بکار برند تا دیگر رفقای شان در برون از ساحهٔ «سخی جان» اطلاع یابند و وظایفی را که برای شان سپرده شده بود مورد عمل قرار دهند ۰ لیکن شبی که فردایش بایستی نقشهٔ شان عملی می شد ، قضیه به اطلاع حکومت رسید و پیش از عمل خنثی گردید ۰(۱)

مع الوصف بعضی از دوستان مرحوم بلخی که درزندان و یابرون از زندان باوی نزدیکی وتماس داشته اند ، حکایت می کنند که وی خود از اقدام مذکور به عنوان «یک حرکت شتاب زده» انتقاد داشت و می گفت باید حداقل ده سال کارهای تشکیلاتی و فکری و فرهنگی صورت میگرفت بعد به چنین کاری اقدام می شد ۰

در خلال این همه حوادث و اتفاقات داخلی ، روس ها به تشبثات و فعالیت های خود در افغانستان ادامه میدادند و سلطان احمد خان سفیر افغانستان نیز در توسعهٔ روابط جانبین بذل مساعی میکرد ۰ چنانچه در نتیجهٔ مساعی اوهیئتی از کابل اواسط حمل ۱۳۲۹ هـ ش بمنظور توسعه مراودات تجاری عازم مسکو گردید (روزنامهٔ اصلاح ۱۹ حمل ۱۳۲۹) وبرای عقد موافقت نامه ای زمینه سازی شد ۰

این موافقت نامه تحت عنوان «تبادلهٔ اجناس وپرداخت» بین افغانستان و روسیه بتاریخ ۱۷ جولای ۱۹۵۰ مطابق سرطان ۱۳۲۹ بداخل ١٤ ماده در مسکو به امضاء رسید (۲) وفی الجمله اولین موافقت نامهٔ تجاری بود که در سطح دولت با روس ها انجام یافت و باب دیگری بروی شبکه های جاسوسی روس بازگردید.۰

طبق مندرجات موافقت نامهٔ مذکور ، حکومت افغانستان عمدتاً از شوروی پارچه باب نخی و مواد نفتی (تیل خاک) دریافت میکرد و در عوض ، پشم گوسفند و پنبهٔ خودرا به مسکو تحویل می داد ۰ برای تطبیق چنین دادوستد پیش بینی شده بود که هیئت های دو طرف هرسه ماه یکبار باهم دیدار کنند و اجرای موافقت نامه را ارزیابی نمایند ۰ همچنان تجـار ، افـراد و موسسات افغانی حق داشتند که باموسسات تجاری روس قرارداد های

---

۱ ـ این خبر در روز نامهٔ اصلاح سال ۲۱ شمارهٔ (۱۹۳) مورخ دهم حمل ۱۳۲۹ هـ ش= ۳۰ مارچ ۱۹۵۰ صفحهٔ اول ، نشر شده است ۰ و نیز از یادداشتی که دوست دیرین و برادر محترم من جناب آقای دکتر مولائی از تهران به نگارنده فرستاده بودند (در چوکات کار کتاب) به اختصار استفاده شده است ۰ آقای دکتر مولائی حقایق را از زبان پدر محترم شان محمد صفر خان که جزء یاران مرحوم بلخی و سالها باوی درزندان بود شنیده و ضبط کرده است که از هر جهت مستند است ۰ موسفید معزز و محترمی بنام کمندی از اهالی چنداول نیز عین مطلب را بیان داشت ۰

سال واقعه و بعضی از اسامی مذکور در رسالهٔ «نگاهی به دیروز و امروز افغانستان» نوشتهٔ طالب قندهاری نیز درج می باشد ۰ ص ۳۱ چاپ تهران ۰

۲ ـ مناسبات سیاسی افغانستان و شوروی سند شمارهٔ (۶۹) صفحهٔ ۷۳ ۰ ۷۶ ۰

مشابهی دراین مورد و در سایر امور تجاری عقد نمایند ۰

بهای کالا های تجاری هم باید به طلا و یادولار امریکائی پرداخت می شد و این امر بذات خود افغانستان را از لحاظ تبادلهٔ اسعار و تاءمین آن تحت فشار قرار میداد و کاملاً بسود روس ها بود ۰ زیرا صدور امتعهٔ تجاری افغانستان به روس ، به پیمانه ای نبود که بتواند کالاها و بهای آنهارا توازن بخشد ۰ لذا مجبور بود مقدار اضافی را یا از بازار تهیه کند ، یا به بهائی که روس ها میخواستند طلابدهد و یاهم از قرضه های خارجی کارسازی نماید ۰

نشـرات افغـانستـان موافقت نامـهٔ یاد شده را خیر مقدم گفتـه و سر مقالـه های پر آب و تابی به نشر رسانیدنـد ۰ و از آن تاریخ به بعـد همـه روزه تبصره ها و مقالاتی مخصوصاً بوسیلهٔ محمد محسن فیروز مدیر روزنامه اصلاح بطرفداری از روس ها وعلیه انگلستان بچاپ میرسید و به این ترتیب آن حساسیتی که سالها در برابر روس وجود داشت تدریجاً از میان رفت و هیچکس راجع به اینگونه تبلیغات انگشت انتقاد نه نهاد ۰

بتاریخ ۱۱ جدی ۱۳۲۹ مطابق ۲ جنوری ۱۹۵۱ خبر تصویب و توشیح قانون مطبوعات در جراید انعکاس یافت وتوقع میرفت تا مردم افغانستان آهسته آهسته از تجارب سیاسی و آزادی های قانونی بهره مند شوند و از دبستان «دیموکراسی» رمز و رازی بیاموزند ۰

گرچه بعضاً به این عقیده اند که همهٔ آن وعده ها و شعار ها در واقع دام ودانه ای بود تا مردم رابه آزمـایش گذارنـد وباتشخیص و شنـاسائی افـراد چیزفهم ومبارز، آنـان را از بین ببرند ۰ مع هذا باقبول چنین طرز تفکری هرگاه مردم از حدود قانونی پافراتر نمیگذاشتند ، این امکان وجود داشت که بهانه ای بدست نیفتد و جریان سیرطبعی خویش را به پیماید ۰ ولی عدم تجربهٔ سیاسی و تحریکات و تخریبات نهانی که اغلب بوسیلهٔ گماشتگان روس و محمد داود صورت میگرفت ، از عمر این دیموکراسی آزمایشی و تصنعی کاست و گلیمش بدست محمد داود جمع گردید ۰

پس از توشیح قانون مطبوعات ، شاه محمود خان صدراعظم بنام بیماری وتداوی عازم امریکا گردید (اصلاح جدی ۱۳۲۹ مطابق جنوری ۱۹۵۱)۰ دوری وغیبت او برای محمد داود خان فرصـت و امـکـانـات بیشـتری فراهـم ساخـت تا بحـیث وزیر داخلـه و حربیـه وکفیل صدارت، کارهایی راکه میخواست انجام شود، دردست اجرا قراردهد۰

موصوف پیش از هرکاری مسئلهٔ پشتونستان را رویدست گرفت و آنرا بحدی دامن زد که باعث برانگیختن برخورد های لفـظی و عمـلی بین افغانستان و پاکستان و منجر به تظاهرات خیابانی و حمله به سفارت خانه وقونسلگری های همدگر درکابل و پشاور گردید ۰

در جریان این اوضاع و احوال و مطابق به قانون مطبوعات ، از آغاز سال ۱۳۳۰ه‍ ش به بعد یک تعداد جراید شخصی مانند:

ندای خلق ، وطن ، نیلاب ، ولس ، انگـار وغیره به نشـرات آغاز کردند و هریک ضمن

حملات شدید به کارنامه های دولت ، تغییراتی را نیز در قانون اساسی سال ۱۳۱۰هـ ش مطالبه می نمودند ، که اهم خواست آنان از بین رفتن سلطنت موروثی و انحصاری بود ۰

این جراید هریک به حزب و گروهی تعلق داشت و افکار و اندیشهٔ آنرا منعکس می ساخت۰ چنانچه «ندای خلق» نشریهٔ حزب خلق، متعلق به دکتور عبدالرحمن محمودی بود که مسوولیت نشر آنرا دامادش انجنیرولی محمد عطائی به عهده داشت۰

جریدهٔ «وطن» مربوط به حزب «وطن» بود و بوسیلهٔ غبار انتشار می یافت ۰ و بهمین ترتیب نشریه های دیگر ۰

امتیاز این نشرات هم اغلب بنام کسانی بود که در مجلس شورای ملی عضویت داشتند وبا استفاده از مصوونیت های قانونی میتوانستند حرفهای خود را آزادانه بگویند و نشر کنند ۰

در هر صورت این اولین بار بود که جراید آزاد و غیر دولتی در کشور ما عرض وجود نمود و صداها و تقاضا های مردم روی صفحات آنها تصویر گردید ۰ ولی محمد داود خان در پشت پرده به همهٔ آن بازی ها نظارت داشت و برای برکناری شاه محمود خان و جمع کردن بساط مطبوعات آزاد ، زمینه سازی میفرمود ۰

همزمان باآغاز انتشارات جراید شخصی ، نشریه های دولتی اخبار و تبصره هائی پیرامون فعالیت های کمپنی «موریسن» در قندهار به نشر رسانیدند ۰ کمپنی مذکور در سال ۱۹٤٦م قرار دادی را برای مهارکردن رودخانه هیرمند درغرب کشور باافغانستان امضاء کرده بود و مهمترین طرحی (پروژه) محسوب می شد که میتوانست بااعمار بند و انهار ده ها هزار هکتار زمین بایر و خشک را درودای های هیرمند و قندهار تحت آبیاری قرار دهد و در تولید نیروی برق افغانستان را یاری نماید ۰ اما این قرارداد و شروع فعالیت های کمپنی موریسن (Morrison Knudsen) در قندهار، آتش در کرملن زد و از همان تاریخ به بعد عملاً و آشکارا شروع به مداخله کردند و تحریکات و تبلیغات وسیعی را براه انداختند که نتایج آنرا در مرور مباحث آینده مطالعه خواهید کرد ۰

بتاریخ ۲۹ سنبلهٔ ۱۳۳۰ هـ ش مطابق ۲۲ سپتامبر ۱۹۵۱ شورای دورهٔ هفتم روزی را بنام روز «پشتونستان» به تصویب رسانید وقرار بران شد تا هر سال از این روز تجلیل بعمل آید ۰ واویلا! چه بازی های کودکانه و مسخره که فکر میکردند میتوانند باچنان اقدامات بی محتوا و تشریفاتی همهٔ مشکلات و مسایل راحل نمایند واز زیر سقف شورای افغانستان برملت ها و ملیت ها سرنوشت سازی نمایند!

همزمان بافیصلهٔ شورا دربارهٔ «روز پشتونستان» حکومت افغانستان از ملل متحد درخواست کرد تاکارشناسانی را غرض کشف و استخراج نفت در افغانستان بفرستد ۰ در اثر این تقاضا از طرف ملل متحد یک نفر کارشناس هالندی که مهارت خاصی درکار

استخراج نفت داشت به افغانستان فرستاده شد که در نتیجهٔ مطالعات آن شش حوزهٔ نفتی در کشور شناسائی گردید و قرار شد سامان و آلات آن توسط ملل متحد تهیه وارسال گردد[۱] ۰

مسافرت طولانی شاه محمود خان به امریکا گرچه برای کشور ما پرباربود و قرارداد های مهمی را دربارهٔ همکاری های صنعتی و اقتصادی با افغانستان همراه داشت ، لیکن بقای خودش را به مخاطره افگند ۰ زیرا دور بودن او از کابل به محمد داود خان فرصت بخشید تا جوّسالم سیاسی را در کشور مسموم کند وتمام امکانات و اختیارات خودرا علیه آن بسیج نماید ۰ او سعی میکرد از طریق جبههٔ مخالف و بوسیلهٔ طرفداران خود در شوری شاه محمود خان را به استعفاوا دارد و یا امکان سلب اعتماد آنرا فراهم سازد و با این تدبیر کرسی صدارت را برای خود خالی سازد ۰

در اثر این تحریک و تلاش عده ای از وکلاحین بازگشت شاه محمود خان از سفر (ماه میزان ۱۳۳۰ ش) مسئلهٔ سلب اعتماد اورا مطرح کردند ، اما اکثریت اعضای شورا با طرح مذکور مخالفت ورزیده واز شاه محمود خان خواستند تابکارخود ادامه دهد ۰

شاه محمود خان بادرک توطهٔ های محمد داود خان و اطلاع از چگونگی جریانات شورا ، به شاه توسل جست و توانست موافقت اه را در برکناری محمد داود خان از وظیفه حاصل کند ۰ روی این موافقت محمد داود خان بتاریخ ۱٦ میزان ۱۳۳۰ هـ ش از وزارت دفاع عزل گردید و بجای او جنرال محمد عارف قوماندان قوای مرکز بوزارت دفاع برگزیده شد ۰ محمد نعیم خان برادرش نیز ازوزارت معادن سبکدوش و بنام سفیر به امریکا اعزام گردید ۰

شاه محمود خان که فکر میکرد همه ناآرامی ها و ناهنجاری ها و کار شکنی ها ناشی از تشبثات و مداخلات محمد داود خان است و اینک این خار بغل را بدور افگنده است ، کارها وبرنامه های خویش را با اطمینان و آزادی کامل دنبال نمود و خیلی هم موفق بود ۰ اما روس ها که تا آنروز چون موریانه ای در تار وپود اجتماع رخنه کرده بودند وبرنامه های خویش را موفقانه پیش می بردند ، توأم باتحول اخیر در افغانستان به دسایس خود افزودند و کارهای خویش را باجدیت و مهارت دنبال نمودند ۰

یکی از وسایلی که روس ها به موثریت او در دگر گونی اوضاع سیاسی و اجتماعی افغانستان اطمینان راسخ داشتند ، دامن زدن به مسئلهٔ پشتونستان بود ۰ لذا اینبار چنین طبلی را از مسکو بصدا دراوردند و به سردار سلطان احمد خان سفیر افغانی مورد اعتماد مسکو ، هدایت دادند تا از زبان دوست سخن گوید و خواست کرملن را اشاعه دهد ۰ وی درماه عقرب ۱۳۳۰=۱۹۵۱م تقریباً بیست روز بعد از برکناری محمد داود خان ، در یک کنفرانس مطبوعاتی که بوسیلهٔ روس ها در مسکو ترتیب یافته بود شرکت کرد و قضیهٔ

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح سال ۲۳ ، شمارهٔ (۲۲) مورخ ۲۹ سنبله ۱۳۳۰ هـ ش ، صفحهٔ ٤ ۰

پشتونستان را رسماً مطرح و موضوع سخنرانی خود قرار داد ۰ روس ها آنرا باطمطراق خاصی در جراید خود منعکس کردند و ظاهراً اولین باری بود که موضوع مذکور بصورت رسمی درجراید روسی انتشار یافت وازان تاریخ به بعد عنوان سیاست های روزگردید ۰(۱)

در داخل افغانستان نیز قضیه مذکور اوج گرفت و بحیث وسیله ای تلقی می شد که هنگامه سازان و استفاده جویان در سطح فرهنگی و سیاسی واداری از آن بهره برداری میکردند ۰ اما شاه محمود خان پس از برکناری محمد داود تطبیق برنامه های خویش را بصورت جدی دنبال نمود و درراس همه کارهایش کشف و بهره برادری از نفت قرار داشت وبه اثر همین تلاش در قوس ۱۳۳۰ش = ۱۹۵۱م هیئت استخراج نفت ملل متحد وارد کابل شد و بکار آغاز نمود ۰

ولی محمد داود خان چون ماردم بریده ای آگنده از خشم و انتقام باتمام شدت دولت را تخریب می کرد ۰ مخصوصاً از طریق دانشگاه (پوهنتون) کابل و شوری که شبکه های ارتباطی اش در این دو مرکز بیشتر فعالیت میکردند ، هر روز برای حکومت دردسرهای تازه ای می آفرید ۰ گماشتگان کی۰جی۰بی مانند ببرک و حسن شرق که معلوم نیست قبل از معرفت به محمد داود خان عضویت این سازمان را داشتند ویابعداً استخدام شدند ، از جمله افرادی بودند که درمیان محصلان جوان تبلیغات می کردند و آنانی را که تحت تاثیر شان قرار میگرفتند باخود بمنزل محمد داود خان می بردند و وسیلهٔ شناسائی می شدند ۰

انتقادات و حملات در جراید شخصی نیز روز افزون بود و هریک بگونه ای که منافع حزبی و گروهی اش اقتضاء میکرد از دولت نکوهش می نمود ۰ در حقیقت آزادی مطبوعات و جراید در محدودهٔ منافع ملی و بیطرفی باقی نماند و عمداً یا سهواً به جهت گیری ها و جهت هائی سوق داده شد که بامعیار های فکری مردم افغانستان و شرایط سیاسی آنروز چندان موافق نبود و حکومت مجبور گردید عده ای را مصادره نماید ۰

انتخابات دورهٔ هشتم شورای ملی (۱۳۳۱ هـ ش) = ۱۹۵۲ م

در آغاز سال ۱۳۳۱ هـ ش موسسه ای بنام «اتوریتی ملی نفت افغانستان» تشکیل گردید و قانونی هم زیر «قانون نفت» تدوین شد و به توشیح رسید ۰کندن «نهر بغرا» باجاپانی ها قرارداد گردید و چندین پروژهٔ دیگر درساحات انرژی ، نفت و آبیاری به همکاری ملل متحد رویدست گرفته شد که هر کدام در حد خود ارزش خاصی داشت و درحیات اقتصادی و اجتماعی آیندهٔ کشور اثرات مطلوبی برجامی گذاشت ۰ اما روس ها که از شروع این پروژه ها در افغانستان چون مار زخم خورده ای در خود می پیچیدند و همه تلاش های خود را نقش

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح سال ۲۳، شمارهٔ (۷۵) ۲۲ عقرب ۱۳۳۰ هـ ش ۰

برآب می پنداشتند ، به فعالیت های تخریبی خود افزودند و بوسلیهٔ افرادی که تا آنروز برای خود دست و پاکرده بودند ، ناآرامی هائی را در معارف و پوهنتون براه انداختند ۰

همچنان مبارزه وفعالیت برای انتخابات دورهٔ هشتم شورای ملی که چند ماه قبل آغاز یافته بود ، در اواخر حمل ۱۳۳۱ هـ ش به اوجش رسید و اغلب کسانی که در دورهٔ هفتم برنده شده بودند، اینبار شکست خوردند۰

بعضی از نامزدهای انتخابات بشمول دکتور عبدالرحمن محمودی و میر غلام محمد غبار ، روی این استدلال و اعتراض که حکومت در انتخابات دست زده و باعث ناکامی شان شده است ، اعضای حزب و دوستان خودرا به تظاهرات فراخواندند و بتاریخ ۳۱ حمل مظاهرات شدیدی در کابل برپاگردید ۰ صف این تظاهرات تا ارگ شاهی وسعت یافت و در جلودرب ورودی آن بین قوای امنیتی و تظاهر کنندگان زد و خوردی صورت گرفت ۰ و در نتیجه تعدادی از آنان مانند : غبار ، دکتر محمودی ، رحیم محمودی ، امان الله محمودی ، دکتر هادی محمودی ، میر محمد صدیق فرهنگ ، برات علی تاج ، سرور جویا ، دکتور فاروق اعتمادی ، یوسف آئینه ، ببرک و امثال آنان که اسامی شان در اختیار من نیست ، به نام ماجرا جو و مخالف امنیت زندانی شدند ۰ (۱)

عده ای چون دوکتور فاروق اعتمادی ، ببرک وغیره بعد از اندک مدتی از زندان رها گردیدند ولی عدهٔ دیگر یا در زندان جان سپردند و یا سالیان درازی در زندان ماندند و توانائی خودرا از دست دادند ۰

واقعیت این است که در کشور های کم رشد و فاقد سواد کافی و پختگی سیاسی ، مردم بیشتر تابع احساسات اند تا تعقل و واقع گرائی ۰ ودر همچو شرایطی استعمار میتواند کارها و نقشه های خودرا بسیار به سهولت و بی درد سرانجام دهد ۰ زیرا جهت براه انداختن هر صد نفر ، فقط ده نفر کافی است وهمینکه این ده نفر فریادی بکشند ، دیگران طبیعتاً وناخودآگاه از آنان همراهی و تابعیت می کنند بدون اینکه وارد ماجرا شوند ویابه کنه قضیه وارد گردند ۰

البته قصد من از این گفتار محکوم کردن احساسات جوانان و یانهضت های مردمی نیست ! بلکه میخواهم از توطهٔ گران و توطهٔ های پشت پرده ای اظهار نفرین و تاءثر کنم که بسا از جوانان بیگناه و خانواده های نجیب را در آتش بیداد سوخت و در فرجام نفع از آن کسانی بود که در طرح این دسایس دست داشتند و جنبش های فکری و آزادی خواهی را در افغانستان و در نطفه خنثی کردند، و مسیرآنرا به جهتی سوق دادند که همه چیزوحتی وطن و آزادی و عقیده و هستی مارا به پرتگاه نابودی وزوال کشانید ۰

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح سال ۲۳ شمارهٔ (۲۱۷) ۲۰ ثور ۱۳۳۱ هـ ش صفحهٔ اول ۰

در هر صورت از مطلب بدور نشویم که در جریان حوادث یاد شده بعضی افراد و عناصر مشکوک نیز وجود داشت که با مسکو و یا محمد داود خان رابطهٔ نزدیک داشتند و از احساسات پاک مردم برای لطمه زدن به شاه محمود خان استفاده کردند ۰ حتی گفته می شد کسانی چون ببرک درزندان هم به جاسوسی گماشته شده بودند تا ذهنیت ها و شخصیت هارا شناسائی کنند و یا درهمانجا و بین زندانیان بطرفداری محمد داود خان تبلیغات نمایند ۰

واقعهٔ مذکور باوجود آنکه در زندگی سیاسی ملت ها امر پیش پا افتاده ای تلقی میشود ، مع هذا در شرایط آنروز افغانستان تاحدودی زیاده روی محسوب می شد وبرای دستگاه حاکم تکان دهنده بود ۰

شاه محمود خان صدراعظم در اثر آنهمه فشاری که از داخل و خارج بروی وارد می شد مجبور گردید تابسوی روس ها هم گوشهٔ چشمی داشته باشد و موازنه اش را در کشاکش ایام حفظ کند ۰ اتفاقاً زعمای کشور ما بعضاً در جریان روزگار مصالح و منافع ملی و مردم را پیوسته قربانی خود و بقای خود کرده اند و رفع دشواری و مشکلات آنی را براثرات و نتایج ناگوار بعدی ودایمی ترجیح داده اند ۰ و شاه محمود خان هم نمیتوانست از این شیوه مستثنی باشد ۰

روس ها که همیشه در کمین اندتا ناخن افگار دریابند و حریف را در حال ضعف پهلو زنند ، موقع را غنیمت شمرده از حکومت افغانستان درخواست کردند تا به افتتاح نمایندگی «آژانس تاس» در کابل موافقت کند ۰ شاه محمود خان هم به این تقاضا موافقه نمود و نماینده آژانس مذکور در اندک مدتی وارد کابل شد ۰ (۱)

همزمان بادایر شدن نمایندگی آژانس تاس در کابل ، نور محمد تره کی بحیث مدیر «باختر آژانس» مقرر گردید۰(۲) یکجا شدن این دو قطب استخباراتی در واقع باز کردن ادارهٔ شبکه های جاسوسی روس در افغانستان (آنهم در مطبوعات) بشکل رسمی آن بود که بصورت تصادفی نی ، بلکه زیرکانه و ماهرانه عملی گردید ۰

باتوجه به این مطلب خوانندگان ارجمند خود بخوبی درک خواهند کرد که روس ها تاچه حد در دستگاههای دولت و درمیان رجال و افراد مقتدر و سرشناس افغانستان نفوذ کرده بودند و چگونه میتوانستند عناصر مزدور خودرا (چون تره کی) از گوشه و کنار به جاهای حساس و مورد نظر شان مقرر نمایند ۰

نور محمد تره کی که افسانهٔ زاد وولدآن دراز است ودر اینجا مجال بحث آن نیست ، از

---

۱ ـ رک: روزنامهٔ اصلاح شمارهٔ (۲۶۵) سال ۲۳ ، ۲۱ سرطان ۱۳۳۱ ش ، صفحهٔ اول ۰

۲ ـ رک: روزنامهٔ اصلاح شمارهٔ (۲۷۶) سال ۲۳ ، ۳ اسد ۱۳۳۱ش ، صفحهٔ اول ۰

آوان کودکی در دستگاه و خانهٔ بانفوذ ترین و ثروتمند ترین فرد کشور (عبدالمجید خان زابلی) تربیت یافت وبوسیله وپایمردی همین شخص دردوایر وادارات مهم دولتی وملی راه پیدا کرد و سرانجام بجائی رسید که دیدیم و شنیدیم ۰

گرچه عقلاً فکر نمیشود که زابلی این چوچه مار روسی را آگاهانه در آستین خود پرورده باشد ، ولی قراینی وجود دارد که سوال هائی را بوجود می آورد و ذهن آدمی را مشکوک می سازد ۰ آری!

زابلی تحصیلات خویش را در رشتهٔ اقتصاد در تاشکند بپایان رسانیده است و سالها در متصرفات روسی مشغول تجارت بود ۰ همینکه وارد کابل شد ابتدا مدیر شرکت «هاشمی» ، بعد رئیس بانک و در کوتاه مدتی سمت وزارت یافت واز همان آغاز دوست و همکار محمد داود و دشمن شاه محمود خان بود ۰ بااینکه در کابینهٔ شاه محمود خان عضویت داشت ، علیه او فعالیت میکرد و حتی در مجالس وزراء باوی ضدیت نشان میداد و دست بکارهائی میزد که بعضی از اعضای کابینه در همان وقت علیه اوحرفهائی داشتند که شاید برداشت ایشان قدری بدبینانه و مغرضانه باشد! ولی به مجردی که تره کی بقدرت رسید، زابلی فوراً مکتوبی فرستاد و بعضی از املاک شخصی خویش را بدولت تره کی واگذار گردید ۰ و در واقع این اقدام اوهم جنبهٔ تائیدی داشت وهم جنبهٔ تشویقی! مهمتر از همه آنکه تره کی ویارانش (یعنی آنانکه شعار ضدسرمایداری وفیودالیزم میدادند) برهیچکس و هیچ چیزی ترحم نکردند وخانه و مال و هستی مردم را ضبط و غارت نمودند ، لیکن فابریکهٔ کوکاکولای زابلی و دیگر فابریکه ها ودارائی اش تازمان تره کی آزاد و در اختیار خودش بود که پسرش از آنها وارسی میکرد ، وشاید که امروز هم به تصرف پسرش باشند ۰

ازدواج زابلی باخانم روسی که تااکنون هم زنده است وباوی در امریکا بسر می برد ، برهمه گمان ها وبدگمانی ها می افزاید ۰ وبی علاقه بودنش به آزادی افغانستان و عدم توجه و رابطه با جهاد و مردم مجاهد افغانستان ، پرسش های بی جوابی را در اذهان عامه خلق می کند که امیدواریم چنین نباشد!

کار یکجا کشید

در ذکر وقایع سال ۱۳۳۱ش تا اینجا رسیده بودیم که انتخابات دوره هشتم شورای ملی توأم باناآرامی ها آغاز گردید و در اوج خشونت ها پایان یافت ۰ اما وکلای جدید برخلاف سالهای قبل که در ماه جوزا شروع بکار میکردند ۰ تا ماه اسد همان سال در مجلس حاضر نه شدند و روابط شورا و دولت در حال بلاتکلیفی قرار گرفت ۰ بتاریخ ۱۴ اسد حکومت ابلاغیه ای انتشار داد و از وکلا خواست تاکار خودرا آغاز کنند ۰

در اثر این اعلامیه شورا دایر شد و بتاریخ ۲۰ میزان رسماً افتتاح گردید ۰ ولی دو هفته بعد بار دیگر جلسات آن تعطیل شد و کلام بنام رخصتی زمستانی بخانه های خود رفتند ۰ (اصلاح سال ٢٤ شمارهٔ ۵۳) ۰

در همین احوال دسته ای از روس ها بنام هیئت زراعی (مجادله با امراض نباتی) وارد کابل شدند ۰ این افراد معمولاً شبکه های اطلاعاتی روس را به عهده داشتند و بارها دیده شده بود که در همچو حالات به افغانستان می آمدند و هیچکس نمیدانست که چه کاری انجام میدهند !

روابط افغانستان و امریکا در طول سال بسیار حسنه بود و به نحو مطلوب ادامه داشت ، تحریکات و ناآرامی ها هم بعضاً از همین جا و بهمین علت صورت میگرفت ۰

بتاریخ ۷ حوت ۱۳۳۱ ش مطابق ۲۵ فبروری ۱۹۵۳ روس ها از طریق سازمان خبری «آژانس تاس» نسبت به موجودیت کارشناسان ملل متحد در شمال افغانستان اعتراض کردند وادعا نمودند که هیئت مذکور تحت عنوان همکاری های زراعی واقتصادی ، میخواهد از سمت شمال نقشه برداری کند و موقعیت جغرافیائی آنرا ارزیابی نماید ۰ (روزنامهٔ اصلاح سال ٢٤ شمارهٔ ، ١٦٦ ، ۷ حوت ۱۳۳۱ ش) ۰

این ادعا از طرف حکومت افغانستان ردگردید ومسافرت هیٔت ملل متحد به شمال کشور ، صرف همکاری های زراعی واقتصادی وانمود شد ۰ امر مسلم آن بود که روس ها از موجودیت نفت و گاز در شمال کشور آگاهی داشتند و آنرا میراث پدر خود می انگاشتند وازان بیمناک بودند که باکشف آنهمه ثروت های طبیعی بوسیلهٔ متخصصان ملل متحد ، همه امیدها و نقشه های استعماری شان نقش برآب میشود واز لقمه ای که برای بلعیدن آن دندان تیز کرده بودند ، بی نصیب میگردند ۰

در هر حال این حرکت و عکس العمل روس ها آشکارا ترین و بیشرمانه ترین نوع مداخله در کشور مابود و زنگ خطری محسوب می شد که بایستی فرمانروایان افغانستان پنبهٔ غلفت را از گوش خود بدورمی افگندند و از همان روز برای جلوگیری از نفوذ روس ومداخلات بعدی اش آمادگی میگرفتند ۰ لیکن زمان رنگ دیگر گرفت و کارها برلون دیگر شد!!

یک هفته بعد از گفتگوی (دیالوگ) رادیوئی بین کابل ومسکو، ستالین آدم کش وجانی معروف در گذشت (۱۵ حوت ۱۳۳۱ ش= ۵ مارچ ۱۹۵۳)۰ ومحمد داود خان و عبدالحمید عزیز معین سیاسی وزارت خارجه ماموریت یافتند تابه نمایندگی از دولت افغانستان در مراسم تدفین او شرکت کنند ۰ این سفر که گمان میرود بخواهش خود محمد داود خان صورت گرفته باشد ، فرصت بسیار خوبی برای او بود وتوانست از نزدیک بامالنکوف جانشین ستالین، بولگانین معاون او، ومولوتوف وزیرخارجه روسیه دیدار

و مذاکره کند • (۱)

گرچه محتوای مذاکرات اوبازعہای کرملن افشا نشد ، اما در کابل شایعاتی پخش گردید مبنی براینکه بین محمد داود خان و رهبران روس قول و قراری صورت گرفته است • حقیقت امر را خدا می داند ، لیکن اثرات فوری و مستقیم این دید و بازدیدها آن بود که دربازگشت محمد داود خان بکابل ، سلطان احمد خان سفیر افغانستان در مسکو بوزارت خارجه مقرر گردید • واو همان کسی است که قبلاً جای جای درباره اش صحبت کردیم •

این دگرگونی آنی و فوری بیانگر واقعیتی است که روس ها در قدم اول و باوارد کردن فشار (که شاید توسط محمد داود خان انجام شده باشد)، شخص مطلوب و مورد نظر خودرا در حساس ترین مرجع دولتی به کرسی نشاندند تا از اینطریق بتوانند برجریانات امور واقف گردند واز بساکارهائی که ممکن انجام می شد جلوگیری نمایند •

تقریباً ٦ ماه بعد ، محمد داود خان نیز پس از مدت ها بیکاری ، به سمت رئیس هلال احمر مقرر گردید (۲۱ اسد ۱۳۳۲ش) ، و همزمان با تقرر او به این وظیفه ، شایعاتی در کوچه و بازار وادارات ، به راه افتاد که شاه محمود خان صدراعظم از وظیفه اش استعفا میدهد • این شایعات و تبلیغات اغلب بوسیلهٔ روس ها و گماشتگان شان واحیاناً توسط شاه و در اثرفشاری که بروی وارد آمده بود ، درمیان مردم پخش گردید • زیرا بارها تجربه شده بود که آنچه دربار میخواست در زمینه اش تصمیم بگیرد ، قبلاً آنرا شایع میکردند تا افکار عمومی را در برابر آن بیازمایند و آمادگی های قبلی را فراهم کنند • بهرحال شاه محمود خان این افواهات را در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی رد کرد و گفت:

تادامن کفن نکشم زیر پای خاک
باور مکن که دست زدامن بدارمت

ولی از انجا که روس ها مقدمات کار را فراهم کرده بودند و بر ماروشن نیست که چگونه فشاری برشاه وارد کردند ، یکروز پس از این مصاحبه شب هنگام رادیو کابل محاصره شد واز قول دارالتحریر شاهی اعلامیه ای نشر گردید که شاه محمود خان صدراعظم از وظیفه اش استعفا داد و بجای او محمد داود خان بحیث صدراعظم افغانستان مقرر گردید •

این اقدام درست یکماه بعد از تقرر محمد داود خان بسمت رئیس هلال احمر و در شب دو شنبه ١٤ سنبله ۱۳۳۲ هجری شمسی صورت گرفت ، و قرار اظهارات بعدی شاه محمود خان با بعضی همکارانش ، شخص شاه ازوی تقاضا کرده بود که در اینباره مقاومت و پافشاری ننماید • به این ترتیب چنانکه گفته آمد روس ها راه را برای بقدرت رسیدن محمد

---

۱ ـ مسافرت محمد داود خان و خبر مذاکرات اوبارهبران روس در روزنامهٔ اصلاح ۲۵ حوت ۱۳۳۱ش=۱۵ مارچ ۱۹۵۳ صفحهٔ اول نشر شده است •

داود خان هموار کردند و مرحله ای از نقشه های شان را عملی نمودند ۰ محمد داود خان بتاریخ ۲۸ سنبله کابینه اش را معرفی کرد که محمد نعیم برادرش بسمت معاون صدراعظم و وزیر امور خارجه و عبدالملک خان عبدالرحیم زی بحیث کفیل وزارت مالیه مقرر گردیدند و دورهٔ دیگری در تاریخ کشور آغاز گردید ۰

ماجرا چگونه آغاز و چطور پایان یافت؟

خوانندگان ارجمند بخوبی آگاهند که ملت مظلوم افغانستان بخصوص از یک قرن واند سال به اینطرف در بدترین شرایط وسیه ترین ایام بسربرده اند ۰ حکایت ها وافسانه هائی از آدم کشی ها ، سفاکی ها ، بیدادگری ها ، سیاه کاری ها وسیه چاه ها در بین مردم و حافظهٔ کهن سالان موجوداست که به آسانی نمیتوان آنرا باور کرد ۰

موجودیت دستگاههای وحشتناک جاسوسی ، زندان های هولناک وانواع وسایل عذاب و شکنجه مردم را درچنان وضعی قرار داده بود که مرگ را برزندگی ترجیح میدادند ۰ اهم تلاش و سیاست این بوده تا مردم را گرسنــه نگهـدارنـد ، بی سواد باشنـد ، تحت فشـار قرار گیرند تا نتوانند گردن برافرازند و باد و بخاری در کلهٔ شان راه یابد ۰ چون قدرت را بدون استحقاق و به حمایت استعمار تصاحب کرده بودند ، سخت می کوشیدند از دست شان نرود و در برابر خشم و انتقام جوئی قرار نگیرند ۰ ادارات دولتی و مراجع فرمانروائی و تصمیم گیری همه دردست یک خانواده و افراد وابسته به ایشان بود ۰ وبقیهٔ ملت جز حیثیت غلام وبرده از امتیازی برخوردار نبودند ۰

عمال و گماشتگان دولت هرکاری که دل شان میخواست انجام میدادند ، هیچکس برجان و مال خویش اطمینان نداشت ورشوه ستانی وبی عدالتی به اوج خود رسیده بود ۰ توجه به خود و معیشت خود وبی اعتنائی بمردم بین طبقه حاکم و مردم فاصله های ژرفی ایجاد کرده بود و بتدریج بزرگتر و بزرگتر می شد ۰ هیچکس بمشکلات جامعه ورفع نیازمندی های افراد کشور نمی اندیشید ۰ بهترین راه رابرای ادامه و بقای خویش در آن می دانستند تا بجای رأفت و مروت و محبت ، شدت و خشونت را در جامعه حکمفرماسازند ودار و زندان و برچه راجاگزین قانون و عدالت و انسانیت نمایند ، واین وضع که سالیان دراز ادامه داشت وضع جامعه را به حال خودکشی و قیام و انفجاردر اورده بود ۰ بنابراین مصلحت اندیشی دربار و افراد مربوط به آن جهت بقای فرمانروائی شان حکم می کرد تا باآوردن شاه محمود خان بروی صحنه و برکناری محمد هاشم خان و پخش شعارهای آزادی و دیموکراسی ، عقده های مردم را در گلوی شان باز کنند و فرصتی فراهم نمایند تا نفس های گره خورده برهوا شود ۰ ودر عین حال جنبش های زیر زمینی و آزادی خواه مورد آزمایش و شناسائی قرار گیرد ۰

اینکار بامهارت و زرنگی در مرحلهٔ عمل قرار گرفت وبزودی دریافتند که حدس شان در بیداری ملت بیجا نبوده و مردم شایستگی آنرا دارند که نیک و بد را از هم تمییز کنند و در سرنوشت خویش سهم موثر و عملی گیرند ۰

آزادی مطبوعات ، انتخابات پارلمانی ، بوجود آوردن احزاب و انجمن ها و مساعد ساختن تظاهرات خیابانی همه از جملهٔ آزمایش هائی بود که فرمانروایان افغانستان آنرا بکار بردند ، ولی همینکه دریافتند ملت افغانستان از آگاهی و بیداری کامل برخوردار گردیده است وادامهٔ اوضاع خطراتی را برای بقا و ادامهٔ فرمانروائی شان در پی خواهد داشت ، فوراً دست بکار شدند و باآوردن محمد داود برصحنهٔ قدرت و سیاست ، آنهمه بساط آزادی و دیموکراسی تصنعی را درهم پیچیدند ۰ البته عوامل مختلف دیگری نیز طبعاً در تداوم آن دکتاتوری ها واین دیموکراسی وجود داشت که در مباحث قبلی جای جای به آن اشاره شده است ۰ روش ها و سیاستی که ازان یاد کردیم بعد از تغییر قانون اساسی در سال ۱۳۴۳ش باردیگر به آزمایش گذاشته شد و چنانکه دیدیم بازهم کلید کار و جریان امور دردست خود ایشان بود و هرکس که از حدود بردگی پا فراتر گذاشت بیرحمانه کوبیده شد و افراد ورجال زیادی را روی صحنه آوردند و بدور افگندند که در جایش از آنها به تفصیل صحبت خواهیم کرد ۰ اما همانطورکه در صفحات قبلی بیان داشتیم این همه بازی ها و عواملش بدست روس ها اسباب سازی می شد و مجریان اموررا در شرایطی قرار میداد که از قبول آن ناگزیر بودند ۰

فصل هشتم
نخستین دورهٔ صدارت محمد داود خان

تقرر محمد داود خان بحیث صدراعظم باوصف آنکه روس ها قبلاً ذهنیت مردم را در اثر پخش شایعات و تبلیغات برای تحولی در دستگاه دولت آماده کرده بودند، باورنکردنی و غیر مترقبه بود بخصوص از ان جهت که شاه محمود خان از استعفای خویش انکار داشت و شایعات در اینباره را یکروز قبل رد کرده بود ۰ چنان قدرت و فشاری که در یکروز توانست چرخ سیاسی افغانستان را وارونه کند و باسرعتی فوق تصور مسیرش را عوض نماید، جز توسط کرملن امکان پذیر نبود ۰ زیرا محمد ظاهر شاه به هیچوجه نمیخواست عمش را از خود برنجاند، بخصوص که او شاه را برسریر سلطنت نشانده بود و حقی بگردن وی داشت ۰

اما در هر صورت مرحلهٔ مهمی از تطبیق نقشه های روس فرارسید، و رسیدن محمد داود بمقام صدارت مهمترین موفقیت و پیروزی ای بود که روس ها در افغانستان بدست آوردند و بعد ازان آشکار اوبی پرده در سرنوشت کشور مادست درازی کردند ۰ و آنچه انجام آن برایشان رویا و تصور بود، جنبهٔ عملی و تحقق یافت که در فصول بعدی از آن بحث خواهیم کرد ۰

محمد داوذ خان بتاریخ ۲۸ سنبله ۱۳۳۲ خورشیدی = سپتامبر ۱۹۵۳، کابینهٔ خویش را اعلان نمود و در اولین بیانیه اش که از رادیو پخش شد از آزادی «پشتونستان» نام برد و آنرا حق مسلم شان خواند، واین یگانه «تز» و حربه ای بود که روس ها پیوسته در آرزوی آن بودند تابوسیلهٔ آن ریشه های آزادی و فکری مردم افغانستان را در داخل قطع کنند و زمینه را برای نفوذ خود و پیشروی بسوی جنوب آماده سازند ۰

البته از اینکه روس ها قبلاً کارهای مقدماتی را انجام داده بودند و بر اوضاع اطمینان داشتند، میخواستند مدتی تظاهر کنند و از نزدیکی زیاد با محمد داؤد خان خودداری نمایند ۰ ولی دیگر این بازی های احمقانه آشکار شده بود و نمیتوانست پنهان گردد ۰ هنوز روزی چند از صدارت محمدداود نگذشته بود که برای اولین بار در تاریخ دپلوماسی افغانستان و روس، دعوت باشکوهی به افتخار سفیر روس (میخائیل واسلیویچ دکتیار) در کابل از طرف وزارت امور خارجه برپا گردید که دران محمد نعیم خان معاون صدارت

ووزیر خارجه و هیئت کابینه اشتراک کردند و تاساعت یازده شب ادامه یافت ۰ این دعوت که درماهیت خود مظهر سپاسگزاری و امتنان محمد داود خان از کمک های روس دربارهٔ بقدرت رسیدنش تلقی می شد ، وسیله ای بود که محمدنعیم خان میخواست اهمیت سفیر روس وتوجه حکومت جدید را در داشتن روابط بهتر باروس ، به اعضای کابینه تفهیم نماید ۰

سفیر روس«دکتیار» بازرنگی و مهارتی که داشت افغانستان را بارویکار آوردن محمد داود خان بکام روس کشید و بیچارگی و بدبختی امروزی مارا ببار آورد و همین شخص بود که بعداً سفیر روس در پاکستان شد و پای نحس روس هارا به این سرزمین پاک کشانید و در نتیجه بنگله دیش را از پیکر پاکستان جدا ساخت ۰

جریان از اینقـرار بود که او «دکتیار» باهمان تردستی های سیاسی و تجارب شیطانی خویش ، ذهنیت مردم و حکومت پاکستان را نسبت به امریکا و کارشناسان امریکائی در پاکستان برانگیخت و نتیجه آن شد که ایالات متحده بساط خویش را برچید و کارشناسان خودرا از آن کشور خارج کرد ۰ اندکی بعد از خروج کارشناسان امریکائی از پاکستان ، مردم بنگله دیش را علیه حکومت مرکزی تحریک کردند و آشوب هائی را به کمک و یاری مستقیم و نظامی هنـد درانجا براه انداختند و پس از جنگ های خونینی که اتفاق افتاد پاکستان مجبور شد از بنگله دیش صرف نظر کند ولذا این قطعه خاک پاکستان در سال ۱۹۷۱ میلادی بحیث کشـور جداگانه ای عرض وجود نمود و گماشته روس ها «مجیب الرحمن» فرمانروای آن شد ۰ اما وی پس از اندک مدتی بدست یکتن از مسلمانان کشته شد و زمام امور آنجا برخلاف توقع هند و روس بازهم در دست مسلمانان افتاد ۰ البته مداخلات و تحریکات مستقیم وبی شرمانهٔ هند و روس هنوز هم ادامه دارد تا دیده شود کار بکجا میرسد ۰

برگردیم به جریانات کشور خود و آن اینکه در اوایل قوس ۱۳۳۲ش= (۱۹۵۳م) نکسن که دران ایام سمت معاونیت ریاست جمهوری امریکا را بعهده داشت وارد کابل گردید واز کوچه ها و بازار های کابل دیدن نمود ۰ قصدوی آن بود تا نظام واجتماع مارا ارزیابی کند و سیاست های آیندهٔ کشور خودرا به اساس آن پایه گذاری نماید ۰

محمد داود خان حین مذاکراتش بانکسن حرفی از پسمانی و بدبختی مردم افغانستان و توجـه و کمـک به کشـور ما بر زبـان نیاورد و بجـای تمام مسـایل و مشکـلات اقتصـادی و اجتماعی ، قضیهٔ پشتونستان را درمیان کشید ۰ ونامه ای هم در ارتباط به همین موضوع تسلیم وی نمود تا به آیزنهاور رئیس جمهور امریکا تقدیم کند ۰

برداشت نکسن از این سفر و نتیجهٔ مذاکراتش بازعمای افغانستان و تبصره هائی که در جراید امریکا انتشاریافت ، منفی و غیر مطلوب بود ۰ او در یکی از مصاحبه های خود گفته بود که در افغانستان از حیات اثری نیست و هر آنچه از داخل و خارج بدست می آید صرف

خود کامگی و عیاشی چند دزد ورهزنی میگردد که براین مملکت فرمانروائی دارند ۰ نکسن گرچه قدی بلند داشت اما در این داوری اش منطقی و آگاهانه عمل کرده است ۰

پس از مسافرت نکسن ، نزدیکی کابل و مسکو عملاً تبارز نمود و بتاریخ ۱۷ قوس ۱۳۳۲هـ ش مطابق ۹ دسمبر ۱۹۵۳ یک هیئت فرهنگی تحت ریاست دکتر محمد انس خان رئیس پوهنتون کابل عازم مسکو گردید ۰ ظاهراً این اولین هیئت فرهنگی می باشد که در تاریخ مناسبات فرهنگی دو کشور ، به مسکو رفت واز آن به بعد باب معارف افغانستان بروی روس ها بازگردید و این جرثومه های تباهی و فساد ، درکانون فکری و تربیوی ماراه یافتند و آهسته آهسته آنهمه فضای پاک و انسانی را مسموم و فاسد کردند ۰

در همان ایام رادیوی مسکو سروصداهائی بلند کرد و به اتهام اینکه پاکستان باحکومت امریکا پیمان نظامی بسته است ، از این کشور توضیحات خواست ۰ پاکستان این اخبار و ادعارا رد کرد و تبلیغات مسکو را بی اساس خواند ۰ این حرفها و شایعه سازی ها همه برای آن بود تا حکومت افغانستان را به تشویش اندازد و آنرا جهت افتادن بدامن روس تشویق کند ۰ از همه مهمتر آنکه میخواست بااین نوع مداخله در امور کشور های آزاد چنگ ودندان بنماید و خودرا ژاندارم منطقه معرفی سازد ۰ چنانچه امروز خود این کشور به بهانهٔ اینکه شخص مجهول الهویه و یاگماشته و دست نشاندهٔ روس در کابل ، از مسکو تقاضای کمک کرده ، بیش از صدهزار قشون سرخ را باپیشرفته ترین ساز و برگ نظامی وارد افغانستان کرده است و روزانه صدها دهکده وروستا را به خاک و خون می کشد وملیون ها انسان را تاکنون متواری و شهید کرده اند ، ولی همهٔ اینهارا مجاز می دانند!!

هنـوز شش ماه از صدارات محمـد داود خان سپری نشده بود که روس ها دست به اقدامـات اسـاسی و برنـامه های بنیادی خودزدند و درانجام آن شتاب و عجلهٔ عجیبی داشتند ۰ سومین سال پروتوکول تجاری بین دو کشور در برج جدی ۱۳۳۲هـ ش به امضاء رسید و جراید کابل ازان استقبال بی سابقه ای کردند ۰

بتـاریخ ۸ برج دلـو همان سال ۱۳۳۲هـ ش مطابق ۲۷ جنـوری ۱۹۵٤ قرارداد اعـمار «دوسیلو» بین تخنو اکسپورت روس ووزارت مالیه افغانستان ، توسط (دکتیار) سفیر روس درکابل و عبدالملک خان وزیر مالیهٔ امضاء گردید و به همین منظور مبلغ سه و نیم ملیون دالر از طرف روس ها به وزارت مالیه کریدت داده شد تا از آن درکار اعمار سیلوهای مذکور

استفاده شود ۰ (۱) متن قرارداد مذکور چنین است:

((حسب موافقت حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که بحکومت شاهی افغانستان نسبت به ساختمان دو الیواتور و آسیاب و کارخانهٔ نان پزی معاونت رسانیده باشد هر دو حکومتین راجع به مواد آتی موافقت نمودند ۰

مادهٔ اول

حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به حکومت افغانستان قرضهٔ پولی بمبلغ سه و نیم میلیون دالر اتازونی میدهد ۰ این قرضه نظر به ساختمان دوسیلو و آسیاب و کارخـانهٔ نان پزی و برای تادیه جات سامان ولوازمات که از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رسانیده میشود و برای پرداخت اجرا کردن کارهای تحقیقاتی و پروژه نمودن و همچنین برای جبران مصارف سمت شوروی که مربوط به اعزام متخصصین اتحاد شوروی به افغانستان برای اجرانمودن کارهای تخنیکی میباشد استفاده خواهد شد۰ مبلغ قطعی این قرضهٔ متذکره بعد از موافقت طرفین نسبت به اندازهٔ رسانیدن سامان وخدماتی که سمت (طرف) شوروی اجرا می کند تعیین خواهد شد۰

مادهٔ دوم

موعد استفاده کردن از قرضه که در مادهٔ اول ذکر شده است مدت سه سال معین میگردد که از اول ماه جنوری سال ۱۹۵٤ شروع می شود ۰ تکت پولی به اندازهٔ سه فیصد در یکسال از همان روزی که همان حصه قرضه مورد استفاده قرار میگیرد ، حساب می مشود ۰

مادهٔ سوم ۰

حکومت افغانستان قرضهٔ متذکرهٔ مادهٔ اول و همچنین تکت پولی آنرا بذریعهٔ رسانیدن پشم و پنبه به اتحاد شوروی به مقادیری که در بین طرفین موافقت شده است به قیمت هائی که راجع به این اموال درسالهای مربوطه برای تبادلهٔ اموال بین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی تعیین خواهد شد تادیه میگردد ۰

پرداخت کریدت مدت پنج سال است که از اول ماه جنوری سال ۱۹۵۷ به قسمت های مساوی سالیانه پرداخته می شود ۰ تکت پولی قرضه در جریان کورتال اول (ربع اول) هریک سال ازبابت دورهٔ سال گذشته که تکت پولی حساب شده است تادیه میگردد ۰

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ، سال ۲۵ شمارهٔ (۱٤۳) ، ۹ دلو ۱۳۳۲ش صفحهٔ اول ۰

ماده‌ٔ چهارم

موسسات مربوط افغانی و شوروی در بین خود ها قرارداد هائی نسبت به رسانیدن سامان ولوازمات وخدمات تخنیکی مربوط و همچنین رسانیدن پشم و پنبه که در موافقت نامهٔ هذا ذکر رفته است منعقد میدارد ۰ در این قراردادها اندازه و قیمت ها و مواعد و دیگر شرایط رسانیدن آن و خدمات در نظر گرفته خواهد شد ۰

ماده‌ٔ پنجم

برای مقصد عملی ساختن حسابات قرضه که در موافقت نامهٔ هذا پیش بینی شده است ، دافغانستان بانک و بانک دولتی اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی حساباتی را مفتوح میدارند و اصول و ترتیب حسابات و عملی کردن حسابات را آنهامعین خواهند نمود ۰

در شهر کابل مورخه ۲۷ ماه جنوری سال ۱۹۵٤ در دو نسخه که هر یک نسخه بزبان های فارسی و روسی بوده و هر دو متن یک نوع قوه را داراست عملی گردیده است ۰

بوکالت حکومت شاهی افغانستان — بوکالت حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

(عبدالملک) — م ـ دکتیار»(۱)

تاجائی که اسناد و مدارک دست داشته گواهی میدهد ، روس ها باوجود تعهد شان درمادهٔ (۱۰) موافقت نامه ۲۸ فبروری سال ۱۹۲۱ و قرار دادها و پیمان های متعدد بعدی ، هرگز دربارهٔ امداد پولی به افغانستان ، اقدام نکرده اند واین بار اول بود که چنین برنامه ای را درمیان گذاشتند و آنهم باشرایطی که صدها جاسوس روسی و خانواده های شان بنام تکنیشن و کارشناس وارد افغانستان شدند و مصارف اعاشه و اباته و اجرت ماهوار آنان از همان پول قرضهٔ روسی توسط افغانستان و به حساب افغانستان تاءمین و تادیه می شد۰ این قرضه راهم روس ها یکباره به افغانستان نمی پرداختند بلکه آنرا بدفعات مختلف کارسازی می نمودند و بهمان مقدار تادیه میکردند که مصارف خود روس هارا تکافومیکرد۰ از همین سبب بود که افغانستان در دراز مدت باید بمقدار قرضه های روس می افزود و تمام دار و ندار خود را در بدل تکتانه و ربح آن می پرداخت۰

پشم و پنبه ای هم که افغانستان در بدل تکت پولی قرضهٔ روس و پرداخت اقساط آن تحویل میداد ، بنازل ترین قیمت و مطابق به خواست و میل روس ها معامله می شد ۰ وازان

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۷۰) صفحهٔ ۷۷ـ۷۸ ۰

بدتر که تمام سامان آلات روسی بوزن محاسبه میگردید و نه بنام جنس و مقدار ۰ ودر نتیجهٔ همین بی التفاتی ها بود که در لجن زار قرضه های روس تا گلو غرق شدیم و آزادی سیاسی و اقتصادی ما به مخاطره افتاد ۰

در اوایل سال ۱۳۳۳ه‍ ش مطابق اپریل ۱۹۵٤ قرار داد هائی بنام بیمهٔ افغان و انگلیس ، ورکشاپ ترمیم موترهای انتر نیشنل امریکائی ، کمپنی زیمنس المان ، به امضاء رسید که تمام اینها جنبهٔ نمایشی و عوام فریبی داشت تا مردم گمان برند که همه چیز بر وند عادی است و چیز فوق العاده ای اتفاق نیفتاده است ۰ چنانچه در همین اوقات اصولنامهٔ سرمایه گذاری خارجی نیز به تصویب رسید و بانک صادرات و واردات امریکا هجده و نیم ملیون دالررا غرض ادامهٔ کار هیرمند که قبلاً در عهد شاه محمود خان شروع شده بود ، بدولت افغانستان قرضه داد ۰(۱)

ولی هم پاکستان وهم امریکا از تحول اوضاع در افغانستان و نزدیکی بیش از حد محمد داود خان با روس هانگران بودند ۰ مخصوصاً از جریانات پنهانی ودامن زدن به قضیهٔ پشتونستان که بهترین وسیله برای روس ها بود و تحریکات و تخریبات درمرز پاکستان که همه روزه توسط بعضی افراد بعمل می آمد ، و نیز تهدید و آمادگی های هند علیه پاکستان ، این کشور را بران داشت تا حمایت امریکا راجلب کند ، وایالات متحده نیز که منافع خودرا نسبت نفوذ و پیشروی روس در منطقه بخطر می دید ، ناگزیر بود پاکستان را در مسایل نظامی یاری دهد ۰ لذا در ماه می ۱۹۵٤ مطابق جوزای ۱۳۳۳ ش معاهده ای بین این دو کشور به امضاء رسید که به اساس آن امریکا تعهد خویش را در تربیت افراد نظامی پاکستان و تهیهٔ وسایل حربی آن اظهار نمود ۰ لیکن از استقرار پایگاههای نظامی امریکا در پاکستان هنوز هم خبری نبود ۰

رفت و آمد هیئت های روسی در همین ایام بنام های مشاورین زراعت و امثال آن خارج ازوصف است ۰ فعالیت های مربوط به پشتونستان همه جاچشمگیروفرا گیربود و بسیار کسان درزیر سایهٔ همای این نام کام یافتند و به نواهارسیدند ۰ وعدّه ای هم به جرم درک واقعیت امر ، ضد ملی وضدّ سیاست های روز قلمدادشدند و مغضوب گردیدند ۰ ملیون ها افغانی مصارف روزانهٔ افرادی بود که در استراحت گاهی بنام «قبایل» خوابیده بودند و گاهگاهی اخباری از کندن یکپایه برق در قلمرو پاکستان ویا قطع کردن لین تیلفون در آنسوی مرز ، در اختیار محمد داود خان قرار میدادند ۰ و روس ها هم از این فرصت

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ۱٦ ثور ۱۳۳۳ ش مطابق ٦ می ۱۹۵٤ ، صفحهٔ اول ۰

طلائی حد اکثر بهره برداری میکردند و کارهاهمه برطبق مراد ایشان ادامه داشت ۰ هر جا حرف از روس و دوستی اش بود و فرصت طلبان در کمین استفاده و سود جوئی ۰

شاه نیز که دروضع بدی قرار داشت و ناز محمد داود خان را برهر نیازی ترجیح میداد ، می کوشید تا بهرنحوی که میسر آید رضائیت روس ها مراعات گردد و منافع شان محفوظ بماند ، و بدین ترتیب روس ها هر روز یکی از برنامه های خودرا عملی میکردند ۰

آنچه در پهلوی دیگر اقدامات شان به آن توجه داشتند ، نفوذ مستقیم درکانون های فرهنگی بود تا بتوانند یک عده افراد را به عنوان تحصیل و تربیه در روس ، تحت تاثیر قرار دهند ۰ مخصوصاً سعی میکردند تا تعدادی از جوانان قبایلی را از لیسه های رحمن بابا و خوشحال خان که در سال ۱۳۳۳ش تاسیس یافته بودند بنام تحصیل بروسیه اعزام دارند و آنان را در رشته های نظامی و فنی تربیت نمایند ، تا در برنامه های آیندهٔ خود از ایشان استفاده کنند ۰ گرچه عدهٔ زیاد آنان باهمه مساعی روس ها بازهم از روسیه سالم برگشتند و خصوصیات ملی خودرا حفظ کردند ، اما تعداد محدودی مانند اسلم وطن جار ، فیض محمد ، پاچاگل و امثال آنان رنگ روسی پذیرفتند و همه چیز را بجز اندیشهٔ انحرافی لینن و منافع استعماری روس ، فراموش کردند ۰ و ایشان بودند که درکودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ ، اشتراک داشتند و با دست یابی بقدرت برصاحبان خانه تاختند و حرمت نمک-نگاه نداشتند ۰

در ادامهٔ این اوضاع و احوال بتاریخ ۱۲ قوس ۱۳۳۳ھ ش یک هیئت فرهنگی روسیه بنابدعوت دانشگاه کابل وارد افغانستان شد و از بعضی فاکولته ها ولسیه ها و موسسات صحی و موزیم دیدن کردند ۰

در ۱۸ دلو همین سال مطابق ۷ فبروری ۱۹۵۵ به دولت پیشنهاد گردید تاسامان آلات مورد نیاز وزارت فواید عامه و بلدیهٔ کابل از شوروی خریداری گردد ۰ این پیشنهاد از طرف مجلس شورا واعیان تصویب و پذیرفته شد و شاه نیز آنرا توشیح و قبول نمود ۰(۱)

این قرارداد ها قسمیکه در سال های اخیر و آنهم پس از خرابی روابط محمد داود خان باروس ها مورد توجه قرار گرفت ، فاقد تعیین و تشخیص نوع و کیفیت بود و سمنت و پرزه باب و تراکتور و خشت پخته ، همه بوزن بالای افغانستان بفروش میرسید و در اندک زمانی تحویل خانه های افغانستان مملو از آهن کهنه و پرزه های از کار افتاده و چیزهای دیگر گردید که هیچکس تاهمین اکنون بشمول خود روس ها نمیدانند که آنها چه هستند و برای چه کاری میتوان استفاده نمود!

---

۱ ـ رک : روزنامهٔ اصلاح سال ۲۷ شمارهٔ (۱۵۱) ۱۸ دلو ۱۳۳۳ ش ۰

ای داد و بیداد! که هیچکس دران ایام از ترس محمد داود خان و یاتطمیع شدن بوسیلهٔ روس ها ، نه در شورا ، نه در مجلس سنا ، نه در کابینه و نه در مطبوعات ، لب به اعتراض نگشود و به عنوان احتجاج علیه این جنایات دست از کارنکشید ۰ پنداشتی همه افسون شده اند و دلها از تپش باز مانده است ۰

اقدام بی نتیجه و جنون بی محتوا

در گذشته اشاره گونه ای کردیم که با رویکار آمدن محمد داود خان برمسند قدرت و صدارت افغانستان ، مسئلهٔ پشتونستان به شدت اوج گرفت و در مناسبات ما با پاکستان اثرات نامطلوب گذاشت ، و تا بدانجا پیش رفت که جنگ سرد و شدید تبلیغاتی ، به برخوردهای مسلحانهٔ مرزی تبدیل گردید ۰ در ماه فبروری ۱۹۵۵ ، مالنکوف جانشین ستالین و دبیر اول حزب کمونست روس از عهده اش اسعفاداد و در کادر رهبری کرملن تغییراتی وارد آمد ۰ دراین تحول بولگانین بحیث رئیس شورای وزیران و خروشچف به صفت دبیر اول حزب برگزیده شدند ۰

ناظرین اوضاع در کابل فکر می کردند که شاید مشی سیاسی روسها نیز در منطقه عوض شود و از دست اندازی و تحریک خودداری کنند ۰ لیکن جریانات بعدی نشان داد که روس ها نه تنها در روش خویش تجدید نظر نکردند ، بلکه آنرا تائید و توسعه دادند ۰

در اوایل حمل ۱۳۵۵ه۰ش مطابق مارچ ۱۹۵۵ حکومت پاکستان تمام مناطق قبایل پشتون آنسوی خط دیورند را جزء واحد اداری خود ساخت وآنرا بنام «یونت غربی» پاکستان اعلام نمود ۰ این اقدام عکس العمل هائی را در کابل برانگیخت و محمد داود خان بتاریخ ۹ حمل ۱۳۳٤ ه ش مطابق ۳۰ مارچ ۱۹۵۵ بیانیه ای از طریق رادیو ایراد کرد و اقدام حکومت پاکستان را در زمینه ، غصب حقوق پشتون ها خواند و از آن به شدت نکوهش نمود ۰

فردای آنروز در اثر اوامری که به والی ها و حکام داده شده بود ، در اکثر ولایات افغانستان تظاهراتی علیه پاکستان براه افگنده شد و روستائی و شهری دران شرکت کردند ۰ دوستان داخلی و خارجی و در مجموع افرادی که قضیه پشتونستان برای شان حکم «مائدهٔ» آسمانی را داشت ، در دامن زدن به هیجان عمومی و تحریک بیشتر محمد داود خان ، همنوا گردیدند ۰ تاآنکه در برج ثور ۱۳۳٤ ه ش بار دیگر تظاهرات شدیدی در کابل و جلال آباد اوج گرفت و بیرق سفارت وقونسلگری پاکستان پائین کشیده شد و به تعقیب آن از طرف

محمد داود خان امر آماده باش و احضار عمومی و سفر بری صادر گردید ۰

موضع گیری و خصومت علیه پاکستان به حدی از طریق رادیو و جراید تبلیغ و تلقین شد که مردم بی خبر و بیچارهٔ ما درتحت تاثیر آن سرازپا نشناختند و در یک هفته از تمام ولایات افغانستان به کابل سرازیرشدند و گمان میرفت که در اندک زمانی باهمان عجله و شتاب به بحرهند خواهند رسید ۰ ولی محمد داود خان که در چنته اش جز حرف و احساسات چیزی نداشت وفکر میکرد روسها بصورت اضطراری بیاری اش خواهند شتافت ، پس از استمزاج دریافت که سخت اشتباه کرده و خیز بیجازده است ۰ بنابراین گامی فراتر ننهاد و کماکان به جنگ سرد و تبلیغات رادیوئی ادامه داد ۰ در جریان این بحران و هیجان «دکتیار» سفیر روس شام ۷ جوزای ۱۳۳٤ هـ ش از شاه درخواست ملاقات فوری نمود ،(۱) و مسلماً میخواست اورا از عواقب امر برحذر دارد ۰ اینکه چرا سفیر روس در همان آغاز داخل اقدامات نشد ، منتظر ارزیابی قضیه توسط مسکو و اوامر هدایت کرملن بود ۰ زیرا روس ها هنوز برنامه های عملی خویش را تازه در افغانستان آغاز کرده بودند و کارهای شان در نیمه راه قرار داشت و هرگز یارای آنرا نداشتند و نمیخواستند به آن زودی در منطقه دست به اقدامات عملی و خطرناک بزنند ۰ لذا خواستند از طریق شاه و خیلی هم ماهرانه ناتوانی های نظامی و اقتصادی افغانستان رامطرح کنند و زمینه را برای بهره برداری بیشتر و کار های اساسی تر و مطابق بانقشه های قبلی آماده سازند ، و خواهیم دید که چگونه اینکاررا بامهارت انجام دادند و کشور مارا به این تباهی وسیه روزی کشانیدند ۰ روس ها میدانستند که مداخله نظامی در این مسئلهٔ پای امریکا وانگلستان راحتماً درمیان خواهد کشید و در فرجام نفعی از آن ایشان نخواهد بود ۰ در عوض می کوشیدند از جریاناتی که اتفاق افتاده بود و از کمبود ها و نیازمندی هائی که برغرور و خود خواهی محمد داود لطمه وارد کرده بود ، بحد کافی استفاده نمایند ۰

مقارن در گیری ها وجدال های یاد شده ، هیئتی از افغانستان بمسکو فرستاده شد تا دربارهٔ ترانزیت مال التجارهٔ افغانستان از خاک روس بامقامات آن کشور مذاکره کند ۰ در نتیجهٔ آن دو طرف به داشتن حق ترانزیت آزاد در خاک همدگر موافقه کردند و بتاریخ ۵ سرطان ۱۳۳٤هـ۰ش مطابق ۲۸ جون ۱۹۵۵ موافقت نامهٔ هشت ماده ای را در مسکو امضاء نمودند ۰ (۲)

موافقت نامهٔ مذکور بتاریخ ۱٦ اسد ۱۳۳٤هـ۰ش = ۷ اگست ۱۹۵۵ ، از طرف دورهٔ نهم شورای ملی به تصویب رسید و شاه آنرا توشیح فرمود ۰ و در ۲۱ همین ماه معاهدهٔ تبادلهٔ

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ۸ جوزای ۱۳۳٤ ش ، صفحه اول ۰ ونیز دراینباره رجوع شود به شماره های برج ثور اصلاح در همان سال ۰

۲ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (۷۱) صفحهٔ ۷۸ـ۸۰ ۰

پارسل های پوستی بین مملکتین نیز به امضاء رسید ، و بدینمنوال همه روزه موافقت نامه هائی با روس ها امضاء می شد و هزاران روسی بنام های متخصص و مشاور فنی وارد افغانستان میگردید ۰

در جریان سفر بری ها ، عربده ها و غرزدن ها که در بالا اشاره شد بعضی از کشور های اسلامی جهت پایان دادن به ماجـرا و جلوگیری از تصادمات مسلحانه ، بین دو کشور پادرمیانی کردند و در نتیجهٔ این وساطت بتاریخ ۱۹ سنبله ۱۳۳٤ش مطابق ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۵ بیرق سفارت و قونسلگری پاکستان بار دیگر توسط محمد نعیم خان معاون صدارت ووزیر امور خارجه ، در کابل و جلال آباد بر افراشته شد و از مساعی برادرانهٔ کشور های سعودی ، ایران ، مصر و عراق قدردانی و سپاسگزاری بعمل آمد ۰(۱)

محمد داود خان که از اقدامات جنون آمیز و بی اثر خود ، سر شکسته و نادم به نظر میرسید ، در پی آن شد تا التماس بیشتری از روس ها بکند و سلاح و جنگ افزار دریافت نماید ۰ روس ها نیز که مدت ها صرف مساعی کرده بودند تا چنین فرصتی را فراهم سازند ، این احساس و درخواست محمد داود خان را به گرمی و سرعت استقبال کردند و موضوع از مذاکرات مخفی و پشت پرده روی صفحات جراید و درمیان مردم افتاد-بتاریخ ۲۱ میزان ۱۳۳٤ ش مطابق ۱۵ اکتوبر ۱۹۵۵ در جراید خبری انتشاریافت که بنابدعوت محمد داود خان صدر اعظم ، بولگانین و خروشچف در اخیر نوامبر بکابل می آیند ، قبل از مسافرت آنان بکابل ، هیئتی از کانگرس امریکا وارد کابل شد (۱۷ عقرب= ۱۰ نومبر) و با محمد داود خان ملاقات کردند ۰ ولی موضوع و نتیجه اش اعلان نشد ، و پیدا بود که محمد داود خان نمیتوانست در چنان حالت و شرایط پا از گلیم روس فراکشد و باهیئت امریکائی مذاکرات مثبت و سازنده ای انجام دهد ۰

لویه جرگه سال ۱۳۳٤ هـ ش

برای اینکه محمد داود خان وابستگی و گرایش فکری خودش را جنبهٔ قانونی بخشد ، وبرای اینکه اتمام حجتی در برابر مردم ارائه دهد وزمینه را جهت انجام تمنیات روس ها وسرازیر شدن سلاح های زنگ زده و فرسودهٔ آنها فراهم سازد ، قبل از ورود مهمانان روسی خود ، بتاریخ ۲۳ میزان ۱۳۳٤ ش فیصله ای را در شورای ملی به تصویب رسانید که:

ملت افغانستان به هیچوجه ، علاقه های پشتونستان را که خلاف میل وارادهٔ خود آن مردم به پاکستان الحاق گردیده جزء خاک پاکستان نمیداند و آنرا محکوم میکند ۰

سپس اقدام به تدویر «لویه جرگه» نمود و جرگهٔ مذکور بتاریخ ۲۲ عقرب ۱۳۳٤ ساعت دو و سی دقیقهٔ بعد از ظهر در تالار قصر «ستور» توسط شاه افتتاح گردید ۰ بعد از بیانات

۱ـ روزنامهٔ اصلاح ۲۰ سنبله ۱۳۳٤ ش ، = ۱۳ سپتمبر ۱۹۵۵ ۰

شاه محمد، گل خان مومند به صفت نایب رئیس انتخاب شد و ادارهٔ مجلس را به عهده گرفت ۰ و آنگا محمد داود خان پشت میز خاطبه رفت و ضمن بیانات مفصل و پر طمطراق در مورد پشتونستان و سیاست های دولت اظهار داشت که:

((حکومت افغانستان در مدت ۸ سال سعی و کوشش کرد تا از راه مفاهمه و دوستانه اهمیت موضوع را به زمام داران پاکستان حالی سازد و برای حل مسالمت جویانه ای به فیصله برسد ۰ متاءسفانه که تمام مساعی حکومت افغانستان بجائی نرسید بلکه نتیجهٔ آخرین آن ادغام جبری خاک پشتونستان درخاک پاکستان گردید با این اقدام خود زمام داران پاکستان ثابت کردند که تصمیم گرفته اند برخلاف میل و آرزوی ملت پشتونستان شخصیت ملی و حقوقی آن قوم را برای همیش از بین برده و علاقه های آنرا برخلاف میل آن مردم جزء پاکستان بسازند ۰ از طرف دیگر باکمک های نظامی و اقتصادی که پاکستان از بعضی ممالک بزرگ دریافت کرده و میکند ، موازنهٔ قوارا بکلی دراین قسمت آسیابرهم زده و خطرات مدهشی برای امروز و فردای افغانستان تولید کرده است ۰ چنانچه همین تقویت نظامی پاکستان موقع داده است تا از راه جبر و ظلم بیشتری حقوق مردم پشتونستان را پامال ساخته و برای نابودی و امحای آنها قدم های درشت و سنگین بردارد ۰))

و در اخیر بیانیه اش را به نکات زیر که هدف اصلی و اساسی اش را احتوا میکرد ، خلاصه نمود و گفت:

((بنده بحیث خدمتگار قوم وظیفه وجدانی و ملی خود میدانم که حقایق و خطراتی را که افغانستان به آن مواجه شدنیست ، به اطلاع نمایندگان محترم ملت برسانم و باکمال وضاحت روشن سازم که در این موقع مهم و تاریخی دو نقطهٔ بارز برای فیصله نزد حکومت و ملت افغانستان عرض و جود می کند:

اول ۰ آیا حکومت افغانستان صدای تظلم وندای مصرانهٔ مردم پشتونستان را مربوط به حمایهٔ حقوق مسلم آن برادران خون شریک خود لبیک بگوید و حقوق مشروع شان را حمایت کند یانی؟

دوم ۰ چون موازنهٔ قوا باکمک تسلیحاتی ای که با پاکستان کرده شده ومی شود کاملاً برهم خورده ، آیا حکومت افغانستان برای بقا و محافظهٔ شرافت ملی خود بغرض تقویهٔ دفاعی اقدام نماید یا خیر))

مجلس که ۳۷۱ نفر نماینده دران اشتراک داشت ، سه روز در اطراف پیشنهاد حکومت به شور و مباحثه پرداخت و بتاریخ ۲٤ عقرب کمیسیونی را موظف ساخت تا فیصلهٔ آخری «جرگه» را تسوید وبه مجلس عمومی حاضر دارد۰ کمیسیون مذکور تسوید

نهائی را که مطابق بفرمایش محمد داود خان و محمد گل مومند ترتیب یافته بود، بتاریخ ۲۷ عقرب به مجلس عمومی ارائه داد و به اتفاق آراء تصویب شد که:

۱ ـ حمایت حقوق و تعیین سرنوشت مردم پشتونستان که برادران هم کیش وهم نژاد ما هستند بنا بدرخواست عامهٔ مردم پشتونستان، وظیفه ملت و حکومت افغانستان است ۰ بناءً علی هذا لویه جرگه بحکومت توصیه می کند که مطابق ایجابات اوامر شرعی و اشتراک تاریخ و عرق و کلتور، از درخواست عامهٔ مردم پشتونستان برای حق تعیین سرنوشت آنها حمایت نماید ۰

۲ ـ نظر به سیاست موجودهٔ حکومت پاکستان مخصوصاً بهم خوردن توازن قوا در این منطقه که در اثر گرفتن کمک های نظامی پاکستان از ممالک بزرگ بعمل آمده ، و اضرار ، ارادهٔ سوء و اقدامات خطرناک پاکستان به افغانستان نیز متوجه گردیده است ۰ پس در چنین موقع پر خطر وظیفه حکومت است تا مملکت را نظر به فریضهٔ حفاظت استقلال و تمامیت تقویه کند ۰ بناءً علیه لویه جرگه بملاحظهٔ این ایجابات و ضرورت وقت ، حکومت را توصیه می کند تابهرگونه طرق ووسایل که ممکن و بهرقسمتی که بصورت شرافتمندانه میسر شود ، مملکت را بغرض دفاع مجهز و تقویت نماید ۰

۳ ـ لوی جرگه بنمایندگی از ملت افغانستان (در حالی که همه بوسیلهٔ حکومت انتخاب شده بودند نه ملت) ، اعلام می کند که به هیچ صورت علاقه های پشتونستان را برخلاف میل و آرزوی خود ملت پشتونستان جزء خاک پاکستان ندانسته و در این مورد تصویب نمبر ۷۲ تاریخی ۲۳ میزان ۱۳۳٤ مجلس شورای ملی و اعضای آنرا تائید می کند ۰ در خاتمه لوی جرگه به پشتیبانی هر سه مطلب فوق آمادگی ملت را بحکومت وعده و اطمینان میدهد ۰»(۱)

جنرال آیزنهاور رئیس ایالات متحدهٔ امریکا در جریان جرگهٔ موصوف آنهم در مورد خاص پشتونستان ، مکتوب مفصلی بنام ملت افغانستان و لوی جرگه فرستاد که ترجمهٔ فارسی آن توسط محمد نعیم خان معاون صدارت و وزیر امور خارجه ، در جرگه قرأت گردید ۰ او در مکتوب خود علاقه مندی ملت امریکا را بمردم افغانستان وانموده واز جرگه خواهش کرده بود تا در قضیه خویشتن داری نشانداده و برای حفظ صلح و ثبات منطقه از صبر و تحمل کار بگیرند ۰ (۲)

چنانکه ملاحظه میشود و بدانگونه که در بالا اشاره شد هدف اصلی محمد داود خان از دایر کردن این جرگه ، عقد قرارداد های نظامی با روس و خریداری اسلحه از این کشور

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ۲۲ عقرب ۱۳۳٤ ش مطابق ۱۵ نوامبر و شمارهٔ ۲۸ عقرب = ۲۱ نوامبر ۱۹۵۵ صفحهٔ اول و چهارم ۰

۲ ـ لویه جرگه ها ، نسخه خطی نوشته : م ۰ ع ۰ ف صفحهٔ ۱۸۲ ۰

است ٠ وروس ها هم به بهانهٔ اینکه کشور پاکستان خودرا تقویت نظامی می کند محمد داود خان را در اینکار تشویق میکردند و می کوشیدند نقشه ها و پلان های خویش را گام بگام در کشور ما پیاده کنند ٠

خرید سلاح های روسی طبعاً ایجاب میکرد تا افسران روسی هم در اردوی افغانستان راه یابند و جوانان افغانستان و افسران جوان باید به روسیه می رفتند و طریق کاربرد این سلاح ها را فرامیگرفتند ٠ و این یگانه راه و اصولی ترین اقدامی بود که درفرجام اردوی افغـانستان را در اختیار روس ها وافراد تربیت کردهٔ شان قرار میداد و راه نفوذ روس و سرنگونی نظام را فراهم می کرد و همینطورهم شد ٠

البته محمد داود خان باتدویر لویه جرگه از یک زرنگی و عوام فریبی خاص استفاده کرد و آن رسمیت دادن به اقداماتش دربارهٔ خریداری سلاح و قرارداد های نظامی از طریق تائید و سفارش نمایندگان مردم بود ٠ وبدین ترتیب خواست تا ذهناً خودرا در برابر پی آمد آینده تبرئه کنـد ٠ گرچه این نمایندگان نیز بدستور خودش انتخاب شده بودند وارادهٔ مرم هرگز دران دخالت نداشت ٠

بهمـه حال ، این جرکهٔ فرمایشی ، جهت گیری محمد داود خان علیه پاکستان وزمینه سازی برای نزدیکی باروس و خریداری اسلحهٔ روسی ، جز خیره سری و خود خواهی محمد داود خان اصلاً ماهیت و مفهومی نداشت و باهیچ منطقی جور درنمی آمد ٠

طرح مسایلی از قبیل: ((بهم خوردن توازن قوا در منطقه)) ، «محافظت شرافت ملی» و «تظلم وداد خواهی پشتون ها» و امثال آن که محمد داود خان در توجیه اقدامات و انگیزه های روانی خویش میخواسته است از آنها استفاده کند ، در حقیقت حرفهای خیلی بی محتوا و مغایر باواقعیت های عینی و ذهنی و تاریخی و مخالف با مصالح و منافع ملی افغانستان در حال و آینده بود زیرا:

اولاً: مسئلهٔ قبایل سرحد به اساس پیمان هائی که امیر عبدالرحمن ، امیر حبیب الله خان و امیر امان الله خان با دولت برتانوی حاکم برقارهٔ هند انجام داده بودند و قبلاً از آن نام بردیم ، بکلی روشن بود وجائی برای نزاع ودعواوجود نداشت ٠

ثانیاً: اکثـریت قبـایل پشتون هنگام رای گیری عمومی در سال ۱۹۴۷ م به تشکیل حکومت اسلامی پاکستان و الحاق خود به آن کشور رای دادند و دیگر حرفی از «تظلم و داد خواهی» درمیان نبود ٠ آنکه این «تظلم» راشعارخود قرارداده بود ، خادم سرسپردهٔ گاندی و نهرو « خان عبدالغفار خان» بود و جائی که این «تظلم» ازانجا الهام میگرفت و تحریک وتمویل می شد ، کنگرس هند و کرملن بود ٠

ثالثـاً: توجـه پاکستان به امور نظامی آن کشور بخاطر دفاع از خود و آنهم در برابر تهدیداتی بود که هر آن از سوی هند بروی وارد می شد ٠ اشتراک پاکستان درپیمان دفاعی

«بغداد» هم روی همین احساس و مجبوریت بود و هرگز ربطی به افغانستان نداشت ۰
اصولاً ساختمان واهداف پیمان مذکور که اکثریت آنرا چهار کشور مسلمان منطقه تشکیل میداد ، به هیچوجه خطری را متوجه افغانستان نمیساخت ۰ بخصوص که سه کشور عضو پیمان (ترکیه ، ایران ، عراق) با افغانستان روابط حسنه داشتند و حکومت انگلستان و امریکا با افغانستان دوست وبرای بقا وآزادی آن علاقه مند بودند ۰
اساساً فکر «بهم خوردن توازن قوا در منطقه» و «تقویت نظامی پاکستان» وسوسه هائی بود که خناسان دهلی و مسکو در گوش محمد داود خان زمزمه میکردند و میخواستند از اینطریق و باایجاد درگیری بین پاکستان وافغانستان اهداف چند بعدی خودرا براورده سازند ، چنانچه اینکاررا کردند ۰
رابعاً: «شرافت ملی افغانستان» بمفهوم اصلی کلمه تا آنروز کاملاً محفوظ بود و دلیلی وجود نداشت که محمد داود خان در جرگه آنرا مطرح کرد و سلاح روسی را وسیلهٔ «محافظت» آن وانمود ساخت ۰ این «شرافت» وقتی بخطر افتاد که دست پاک جوان افغان به سلاح روس ملوث گردید و ذهن و فکر و خصوصیت های قومی و اسلامی اش تحت تلقینات ضد انسانی و استعماری مشاورین و معلمین روسی مسموم و فاسد شد ۰

خامساً: با روس یعنی کشوری که در خونش ، در اندیشه اش ، در ضمیرش و در حرف و کلامش باخدا ، اسلام و انسانیت تضاد وجود داشت و دارد ، دوستی و موالات شرعاً ، عقلاً و مصلحتاً ناجایز بود و معلوم نیست جرگه سازانی که دشمنی علیه یک کشور مسلمان را امر شرعی وانمود میکردند ، دربارهٔ دوستی با روس چه فتوائی داشتند؟
سادساً: اگر واقعاً قلب محمد داود خان و دستگاه حاکم به افغانستان بخاطر قطعه خاکی می تپید که در آنسوی دیورند قرار داشت و استعمار بریتانیا آنرا از پیکر افغانستان جدا کرده بود و یا احساس شان به علتی جریحه دار شده بود که تعدادی از برادران خون شریک پشتون ما درتحت ادارهٔ پاکستان درامده بودند ، پس چه رمزی بود و چه دلیلی وجود داشت که در برابر اسارت و غصب حقوق برادران خون شریک و مسلمان دیگر ما در مرو ، پنجده ، پامیر کلان و جزایر خورد وکوچک دوسوی آمو ، مهر سکوت برلب نهاده بودند؟؟
اگر این طرف باچهار تاکوه خشک و آفتاب زده محاط بود ، در آنسو حداقل لعل ولاجورد وجود داشت! اگر دراین سمت یک کشور مسلمان بتازگی سربراورده بود ، در آنطرف شیطان استعمار و ملحد دیرین قد بلندک میگرد! اگر در اینطرف زخم استعمار تا حدودی التیام یافته بود، در آنطرف هنوز از قلب و سینهٔ کودکان مرو و بخارا و پنجده و پامیر خون می چکید! هنوز از فرغانه بوی خون می آمد، هنوز اشک برادران بخارائی ما، نه خشکیده بود! هنوز فریاد وامصیبتا و «تظلم» آنان در شهر ها و روستاهای افغانستان به گوش میرسید! هنوز مردم

از نام روس و روسی نفرت داشتند •

چرا محمد داود خان و زعمای قبل و بعد آن یکروز هم علیه روس و مظالم آن جرگه سازی نکردند؟ چرا یکبار هم کسی از سرزمین های افغانستان یاد نکرد که روس ها آنرا در قرن ۱۸ و ۱۹ به خاک خود الحاق نمودند؟ چرا در برابر تجاوز و پیشروی روس در خاک بخارا و مرزهای کشورما ، لشکر کشی و سفر بری صورت نگرفت؟؟

آری جواب این همه «چرا» ها روشن است! آنجا منافع تعدادی از عناصر مفت خوار و طفیلی مطرح نبود ، ولی اینجا دامن دامن پول میگرفتند ، آنجا هنگامه سازی درمیان نبود ، اما اینجا هر روز سرنای آن از دهلی و مسکو پف می شد! آنجا به قبایل و عشایر دیگری تعلق داشت ، واینجا به قبایل دیگر!!

و خلاصه آنکه خ‌‌ِاست ما وغوغای ما وکج کلاهی ماوارادهٔ ما علی الرغم ادعای ما ، از نفس ما و تمنیات مردم ما ومنـافـع قومی «مـلی» ما الهام نمی گرفت ، بلکه همه چیز تا دیرزمانی برما تلقین می شد و همه کارما و حرکات ما و تصمیم ما آگاهانه ویا غیر شعوری مدت ها به تحریک دیگران و مراد دیگران انجام می یافت • وقتی بخود آمدیم که فرصت از دست رفته بود و تانک های روسی جهت حرکت بسوی ارگ شاهی آمادگی میگرفتند •

اولین دیدار زعمای روس از افغانستان

هنگامی که محمد داود خان سرگرم مرخص کردن اعضای لوی جرگهٔ خود بود و برای پذیرائی از مهمانان روسی اش ترتیبات میگرفت ، بولگانین و خروشچف در دهلی بسرمی بردند و مشغول مذاکره با «نهرو» بودند تا برنامه ها و دسایس استعماری و شیطانی خویش را در افغانستان و پاکستان هم آهنگ سازند •

پس از دیدار با نهرو بتاریخ ۲۲ قوس ۱۳۳٤ مطابق ۱۵ دسمبر ۱۹۵۵ وارد کابل شدند و باتشریفات خاص بدرقه گردیدند • این نخستین بار بود که پای نحس سردمداران کرملن در خاک ماوارد گردید و نکبت و نحوست و بدبختی وادباررا باخود ارمغان آورد •

آسمان دران روز گریه میکرد ، فضای کابل سخت سوگوار و ماتم زده به نظر میرسید ، پنداشتی که شبح آفت واندوه برکوی و ایوان کشور سایه افگنده و ایام آبستن حوادث است!!

کهن سالانی که روس هارا میشناختند وازکید وحیله و غداری آنان آگاه بودند ، مسافرت بولگانین و خروشچف را به افغانستان ، طلیعهٔ استعمار نو و نشانهٔ بدبختی وسیه روزی می انگاشتند و به شدت اظهار ناراحتی و نگرانی میکردند • من که هنوز رشد نکرده بودم واز روس و کارنامه ها و ماهیتش چیزی نمیدانستم ، بکلی بهت زده شده بودم و باخود می گفتم ، اینهمه نفرین و بدبینی برای چه؟؟

خوب بیاد دارم که مردم جهت اشتراک در مجلس سخنزانی مهمانان محمد داود خان

بسوی «چمن» سرازیر بودند ولی در چهرهٔ یکی هم آثار شادمانی دیده نمی شد بعضی از موسفیدان باتاءثر عمیق و نگاههای پرخشم و حسرت آلود ، مراجعین به «استید یوم چمن» را مورد نکوهش قرارداده و سرنوشت بخارا را در زیر لب زمزمه میکردند ،لیکن رمز این وسواس ودلهره ها در ذهن اغلب مردم ماناشناخته بود!!

بولگانین و خروشچف مذاکرات سازنده و مفصلی باشاه و محمد داود خان انجام دادند و بااتکاء و اشاره به معاهدهٔ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ تاکید کردند که روابط افغانستان و روسیه در آینده گسترش یابد ۰ در حالی که معاهدهٔ مذکور قبلاً از طرف روس ها نقض شده بود و در گذشته آنرا ارزیابی کردیم ۰

محمد داود خان در سخن رانی کوتاهی مهمانانش را خیر مقدم گفت و اظهار داشت که:

((مهمانان محترم ما پس از مسافرت دور و درازی در کشور پهناور هند باهوای گوارای آن مملکت دراین موسم به پایتخت باستانی و کوهستانی ما تشریف آورده اند ، متاءسفانه بادهای سرد زمستانی میوزد و درین فصل شادابی کشور وزیبائی های آن جلوه گری ندارد ولی شاید گرمی محبت و آغوش بازمردم افغانستان برودت زمستان و ناملایمات طبیعت و کمی وسایل را تا حدی جبران نماید و دوستان ما خویشتن را درخانهٔ دوستان صمیمی خود و دیار آزادگان قلب آسیا بیابند که همواره آزادی را گرامی ترین گنجینه و غنای خویش محسوب داشته اند ۰))

چنانچه بملاحظه میرسد دراین بیانیه روی دو نکته یعنی: آزادی خواهی و آزادگی مردم افغانستان و محبت و دوستی آنان تکیه و تاکید شده است که هر دوهم واقعیت دارد واوراق تاریخ شاهد آنست ۰ شخص محمد داود خان نیز بدون تردید باهمه اشتباه و معایب سیاسی خویش ، مرد آزاده و آزادی خواهی بود و طبیعتاً با هرنوع سلطه ای تضاد داشت ۰ ولی این حرفها در گوش مهمانان روسی اش ناآشنا بود و چنین آرزوئی بدان مانستی که از کام اژدها انگبین توقع شود ۰

اساس لغزش سیاسی محمد داود خان هم از همین جا مایه گرفت که باوجود همه شواهد تاریخی و باتمام اسناد و قراینی که دربارهٔ روس وماهیت و شناخت آن وجود داشت ، احساساتی ، خوش بینانه و شتاب زده عمل کرد و کارنامه های خاینانه و استعماری کرملن را در تاریخ و ماحول خود نادیده انگاشت ۰ آری!

هر که نامـخـت از گزنـد روزگـار
هیچ نامـوزد زهـیچ آمـوزگـار

در اعلامیهٔ مشترکی که بتاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۵۵ مطابق قوس ۱۳۳٤ ، انتشاریافت سه مطلب جلب نظر می کرد ۰

۱ ـ روس ها بمنظور همکاری تخنیکی و مالی به افغانستان پرداخت اعتباری (کریدت) معادل یکصد ملیون دالر امریکائی را به محمد داود خان وعده دادند تا ازان در ساحات: پیشرفت زراعت ، ساختمان استیشن برق ، سیستم آبیاری ، ترمیم خانه های موتر و ساختمان میدان هوائی کابل استفاده شود ۰ و موافقه شد تانمایندگان باصلاحیت دو طرف در فرصت ممکن باهم مذاکره کرده ، نحوهٔ استفاده و شرایط قرضهٔ مذکور را ارزیابی نمایند ۰

میعاد قرضهٔ مذکور برای مدت ۳۰ سال در نظر گرفته شده بود که بعد از ۸ سال تادیهٔ آن آغاز می شد و در ۲۲ سال باپرداخت دو در صد تکت پولی آن خاتمه می یافت ۰

در واقع میعاد این قرضه طوری پیش بینی و محاسبه شده بود که باختم آن واکمال «پروژه های» روسی ، تجاوز و حملهٔ آنان نیز در افغانستان آغاز می شد و همه چیز در اختیار خودشان قرار می گرفت ۰ وفی الجمله دامی بود که سروکلهٔ محمد داود خان را دربند کشید و دیگر نتوانست پایش را از آن حلقه برون کشد ۰

۲ ـ در اعلامیهٔ مذکور تذکر رفته بود که:

((حکومت پادشاهی افغانستان و حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی عقیده دارند که آن ملل و اقوامی که هنوز از آزادی و حاکمیت ملی خود محروم اند به اساس منشور سازمان ملل متحد مستحق میباشند که سرنوشت آیندهٔ خودرا بدون قید وفشار خودشان تعیین نمایند ۰

حکومت پادشاهی افغانستان و حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی احترام تطبیق پرنسیپ پنجگانه یعنی احترام متقابله کاملیت و حاکمیت ممالک ، عدم تجاوز عدم مداخله در امور داخلی کشور ها بعلل اقتصادی و سیاسی وایدیولوژی ، مساوات ، انتفاع متقابله وزندگانی باهمی در صلح را که به اتحاد آراء از طرف اعضای شامل کنفرانس آسیائی و افریقائی درباندونگ تصویب شده است ، اساس متین تاءمین صلح و حسن تفاهم بین المللی جهان مطابق به پرنسیپ پیمان ملل متحد می شمارند ۰))

ملاحظه می کنید که روس ها در سر فصل روابط خود با افغانستان از همان حرفها و شعارهائی استفاده کرده اند که باروحیه ، اخلاق و عنعنهٔ مردم ماسازگاری دارد و همیشه به آن اعتقاد و احترام داشته اند ۰ اما تاریخ و تجربه نشان داد که حرفهای مذکور جز سیاهی برروی کاغذ اصلاً اعتبار وارزشی نداشت و روس ها غیر از منافع خود ، باهیچ معیار و موازینی پابند نیستند ۰ فقط فرصت می جویند و حیله بکار می برند تا نقشه های شیطانی شان از قوه به فعل آید ۰ وانگاه چون حیوان وحشی و گرسنه حمله می برند و هرچه بدست ودهان شان افتاد می بلعند ۰

۳ ـ به اساس همین اعلامیهٔ مشترک پروتوکولی هم بین سردار محمد نعیم خان وزیر خارجه وگرومیکو معین وزرات خارجهٔ روسیه به امضاء رسید و مدت اعتبار معاهدهٔ بیطرفی

وعدم تجاوز متقابله بین دو کشور که در ۲٤ جون ۱۹۳۱م به امضاء رسیده بود ، برای ده سال دیگر تمدید شد ۰(۱)

طرح و امضاء این پروتوکول و گنجانیدن آن در اعلامیهٔ مشترک از جملهٔ حقه بازی هائی بود که روس ها در هر دوره آنرا عنوان میکردند واز آن بحیث وسیلهٔ اغفال جانب مقابل استفاده می نمودند ۰ ورنه در مادهٔ (۸) معاهدهٔ ۲٤ جون ۱۹۳۱ تذکر رفته بود که معاهدهٔ مذکور بعد از انقضای پنج سال ، همه ساله خود بخود تمدید می گردد ، ولذا تجدید آن هرگز لزومی نداشت ۰

به اساس اعلامیهٔ مذکور نمایندگان باصلاحیت دوکشور در اواسط جنوری ۱۹۵٦ باهم دیدار و مذاکره نمودند و در نتیجه بتاریخ ۲۸ جنوری ۱۹۵٦ مطابق دلو ۱۳۳٤ موافقت نامه ای راجع به : «همکاری در توسعهٔ امور اقتصادی ودادن کریدت طویل المدت نسبت به این موضوع» توسط نمایندگان دو طرف بداخل ٤ ماده در کابل به امضاء رسید ۰

همچنان دومین موافقت نامه در ارتباط با همین قرضه ، بنام: «موافقت نامهٔ امداد تخنیکی به افغانستان» بتاریخ اول مارچ ۱۹۵٦ مطابق حوت ۱۳۳٤ ش بوسیلهٔ نمایندگان طرفین ، امضاء گردید ۰ و درآن نسبت به طرز کار روس ها در افغانستان ، اعزام متخصصین و کارگران روسی ، تحویل دهی سامان آلات و قیمت ها ، مشاورهٔ تخنیکی ، بکار انداختن دستگاهها و تربیهٔ کارشناسان وغیره ، پیش بینی هائی صورت گرفت و قرار شد تا در هر مورد از مسایل نامبرده ، موافقت نامه های جداگانه ای ترتیب و امضاء گردد ۰

بدنبال آن موافقت نامهٔ دیگری تحت عنوان « سرویس هوائی» بتاریخ ۲٤ مارچ ۱۹۵٦ مطابق ٤ حمل ۱۳۳۵ بین طرفین در کابل امضاء گردید و بدین ترتیب ده ها موافقت نامه و قرارداد، در کوتاه مدتی بامسکو امضاء شد و روس ها مانند مور و ملخ از زمین و هوا به کشور ماسرا زیر گردیدند ۰ (۲)

بولگانین درختم دیدارش از افغانستان که برای روس هابسیار پر بار و پرثمر بود ، دوازده عراده سرویس شهری و مقداری سامان و لوازم بیمارستان به افغانستان پیشکش نمود ۰ او باید چنین میکرد ، زیرا در تابلوی حدود مستعمراتی اش ملاحظه کرده بود که روزی هموزن هریک ازان سرویس های شهری ، طلا و جواهرات و اشیاء قیمتی را از افغانستان خواهند برد!!

---

۱ ـ برای آگهی از جریان مشروح و مفصل مسافرت رهبران روسی به افغانستان رجوع شود به: روزنامهٔ اصلاح شمارهٔ های مورخ ۲۲، ۲٦، و ۲۷ قوس ۱۳۳۴ ش مطابق ۱۵، ۱۹ و ۲۰ دسمبر ۱۹۵۵ ۰ و نیز دربارهٔ این مسافرت و موافقت نامه های یاد شده ، رجوع شود به: مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی از صحفهٔ ۸۱ تا ۸۵ ۰ اسناد شمارهٔ ۷۲ ، ۷۳، ۷٤و ۷۵ ۰

۲ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، اسناد شمارهٔ ، ۷٦ ، ۷۷ ، ۷۸ ، صفحهٔ ۸۵ـ۸۸ ۰

در برج دلو ۱۳۳٤ ش پس ازانکه روس ها افغانستان را بدام افگندند وراه را برای نفوذ اقتصادی و سیاسی خود هموار نمودند ، یادداشتی بوسیلهٔ سفیر خود در کراچی تقدیم مقامات پاکستانی کردند و کمک های تخنیکی واقتصادی مشابهی را به این کشور پیشنهاد فرمودند . گرچه دریاد داشت روس ها تذکر رفته بود که در هر احوال روس نمیتواند در برابر پیمان بغداد (۱) چشم خود را پت کند ، معهذا این حرفها جنبهٔ عوام فریبی و تفنن داشت وروس ها جداً در پیٔ آن بودند تاهمزمان در افغانستان ، نقشه ها وبرنامه های خودرا در پاکستان نیز بمرحلهٔ اجرا در آورند . ولی پاکستانی ها از افتادن به این دام تا حدودی خودداری کردند .

پس از اعطای قرضهٔ روس و امضای موافقت نامه ها ، هیئتی از افسران نظامی افغانستان به کشور های اروپای شرقی رفت واز انجا بتاریخ ۲٤ اپریل ۱۹۵٦ مطابق ٤ ثور ۱۳۳۵ ه وارد مسکو شد . رفتن این هیٔت به اروپای شرقی صرف جنبهٔ مردم فریبی داشت ، ورنه هدف اصلی مسافرت شان مذاکره وعقد قراردادهای نظامی و دریافت سلاح و مهمات از روس و مسایل مربوط به آن بود ازان تاریخ به بعد چنانچه خود ناظر بودیم و تماشامی کردیم سیل اسلحه و مهمات روسی به افغانستان سرازیر گردید و روس ها بحدی در اینکار عجله و شتاب داشتند که در اندک مدتی جائی برای این سلاح هانماند و مقدار زیاد آن در زیر آفتاب سوزان فرسوده ترگردید واز میان رفت . ولی از اینکه دیگر همهٔ آنها بحساب افغانستان معامله می شد ، برای روس ها اهمیتی نداشت .

تحولات بعدی

چنانکه پیش از این نیز اشاره کرده بودیم سفر زعمای روس به افغانستان حیثیت آب سردی داشت که برکلهٔ جوشان و احساسات خروشان محمد داود خان فروریخت و آن همه بدمستی و عربده اش در موضوع پشتونستان به نرمش و سازش گرائید . مسلماً روس ها دران مرحله تازه فرصت یافته بودند تا برنامه ها و نقشه های خویش را در افغانستان و پاکستان پیاده کنند : وبنابراین ترجیح میدادند از اختلافات این دو کشور در دراز مدت استفاده نمایند و محمد داود خان را از در گیری فوری با پاکستان برحذر دارند .

البته ضعف نیروی نظامی افغانستان و پادرمیانی عده ای از کشور های مسلمان نیز در تجدید روش و سیاست کابل نسبت به پاکستان بی تاثیر نبود و همهٔ این عوامل در مجموع باعث گردید تاشیوهٔ انعطاف پذیری در پیش گیرند و از غوغا و خشونت خود داری نمایند .

روی این منظور و مصلحت در تاریخ دهم می ۱۹۵٦ مطابق ۲۰ ثور ۱۳۳۵ شاه

---

۱ ـ روس ها پیمان بغداد را علیه خود میدانستند و می کوشیدند از طریق افغانستان پاکستان را تحت فشار قرار دهند تا این کشور مجبور گردد باروس ها کنار آید .

افغانستان از اسکندر میرزا رئیس جمهور پاکستان دعوت کرد تا از کابل دیدن کند ۰ این دعوت پذیرفته شد و رئیس جمهور پاکستان بتاریخ ۱۸ اگست ۱۹۵٦ وارد کابل گردید و باشاه و محمد داود خان مذاکراتی انجام داد ۰ در اثر این دید و بازدید جنگهای تبلیغاتی در روی صفحات جراید و امواج رادیو ، جایش را به حرفهائی از محبت و برادری واگذاشت و سیاست افغانستان در برابر پاکستان تغییر نمود ۰

در ١٤ میزان ۱۳۳۵ مطابق هفتم اکتوبر ۱۹۵٦ خریداری چهل هزار تن گندم از امریکا با این کشور قرارداد گردید و یک هفته بعد آن یعنی بتاریخ ١٦ اکتوبر ۱۹۵٦= ۲۳ میزان ۱۳۳۵ ، بنابدعوت روسیه محمد داود خان عازم مسکو شد و بامقامات کرملن مذاکره نمود ۰

در ابلاغیۀ مشترکی که بتاریخ ۳۰ اکتوبر ۱۹۵٦ مطابق عقرب ۱۳۳۵ ش انتشاریافت ، دو طرف محتویات ابلاغیۀ مشترک مورخ ۱۸ دسامبر سال ۱۹۵۵ راکه حین مسافرت بولگانین بکابل ، امضاء و اعلان شده بود ، مورد تائید و تاکید قرار دادند و اظهار توقع کردند تا اختلافات بین المللی از راه صلح و مفاهمه حل و فصل گردد ، و جز این مطلب عمده و مهمی نداشت ۰

بدنبال آن در ۱۱ عقرب یک هیئت مطبوعاتی تحت ریاست سید قاسم رشتیا رئیس مطبوعات به شوروی رفت و تقریباً بیست روز از آن کشور بازدید بعمل آورد ۰ این رفت و برگشت ها مصادف با ایامی بود که حملات قوای خارجی برمصرو کانال سویز جریان داشت و مردم در حالت فوق العاده هیجانی و عصبانیت بسرمی بردند و داو طلبانه میخواستند تا به کمک برادران مصری خود بشتابند ۰ اینکه در آغاز جهاد افغانستان ملت بزرگ مصر و محمد انور السادات رئیس جمهور آن صدای رسا و مردانۀ خودرا به حمایت از مجاهدین و جهاد افغانستان بلند کردند ، شاید انگیزۀ همان خاطرات تلخ و شیرینی باشد که مردم مصر هنوز هم در حافظۀ خود دارند ۰

سرازیر شدن روس ها در افغانستان ، ورود کاروانهای سلاح و مهمات روسی به کشور ما و گرایش غیر طبیعی و بیش از حد زمام داران کشور به روس ، در اذهان عامۀ جهان اثرات نامطلوب و منفی برجاگذاشت و بعضاً حدس و گمان هائی را ببار آورد ۰

برای رفع این سوء تفاهم و صحه گذاشتن به استقلال کامل سیاسی و اقتصادی و فکری افغانستان ، حکومت در صدد آن شد تا به کشور های دیگر نیز سری بجنباند و خودرا از اتهام وابستگی بروس وارهاند ۰ بنابر این نخست هیئتی از اهل فرهنگ و معارف به چین اعزام گردید و بدنبال آن از چوئنلای صدراعظم آن کشور دعوت بعمل آمد تا از کابل دیدن کند ۰

موصوف در ۱۸ جنوری ۱۹۵۷= ۲۸ جدی ۱۳۳۵ به افغانستان مسافرت نمود و باشاه و

محمـــد داود خان دیدار و مذاکـــره کرده ٠ این دیدار و دعـــوت جز تبلیغـــات حاصـــلی نداشت و باوجود آنکه چوئنلای به افغانستان وعدهٔ همکاری داد ، روس ها هرگز نگذاشتند تاچین هم در افغانستان نقش پائی داشته باشد و بزودی و آسانی وارد معرکهٔ مسابقه شود ٠

در طول سال ۱۳۳۵ ھ ش ده ها فلم بردار و جاسوس روسی از اکثر نقاط کشور ما بخصـوص از «پروژه» هائی که توسط روس ها تهداب گذاری و در حال اعمار بود ، فلم برداری کردند و آنهارا بعنوان نشانه های دوستی و پیروزی در افغانستان ، بمردم روسیه نمایش دادند ٠

بتاریخ ۱۲ حمل ۱۳۳۶ ش مطابق اول اپریل ۱۹۵۷ نمایندهٔ خاص رئیس جمهور امریکا وارد کابل شد و پیام رئیس جمهور آن کشوررا بمقامات عالی کشور تقدیم نمود ٠ گرچه دربـارهٔ ماموریت وی ومتن پیام ، خبری انتشار نیافت اما جریانات بعدی نشان داد که رئیس جمهور امریکا آمادگی اش را جهت کمک به افغانستان اعلام و تشویش و نگرانی ایالات متحده را از نفوذ روز افزون روس در افغانستان اظهار کرده بود ٠

پس از دریافت پیام رهبر امریکا ، محمد داود خان به خارج رفت واز کشور های ترکیه ، چکوسلواکیا ، مصر و لهستان دیدن نمود ٠ دربازگشت محمد داود خان از خارج ، وزیر مالیات عبدالملک خان عبدالرحیم زی در راس هیئتی عازم امریکا شد تا دربارهٔ کمک های موعود واوضاع مالی واقتصادی افغانستان بازعمای ایالات متحده مذاکره کند ٠ سفر مذکور بسیار سازنده و موفقیت آمیز بود و چنانکه خواهیم گفت کمک های غیر قابل تصوری به افغانستان وعده داده شد ٠

بتاریخ ۲۸ ثور مطابق ۱۸ می همین سال یک هیئت ثقافی بسر کردگی رئیس پشتوتولنه عازم مسکو (۱) شد و پس از مراجعت بکابل راجع به معارف و پیشرفت های فرهنگی روس کنفرانس هائی ایراد کردند که تمام این برنامه ها واقدامات از طرف دولت رهنمائی و سفارش می شد ٠

بهمه حال محمد داود خان باگذشت ایام و تجارب تلخی که تاآنروز اندوخته بود ونیز مجبـوریت ها و کمبـودهائی که درساحهٔ اقتصاد ، سیاست و امور مالی کشور احساس میکـرد ، بران شد تا در منـاسبـات بین المللی رهٔ تعادل در پیش گیرد و نسبت به قضیهٔ پشتونستان و روابط با پاکستان نرمش نشان دهد ٠

در روشنی این نرمش و تحـول بتـاریخ ۸ جون ۱۹۵۷ مطابق ۱۸ جوزای ۱۳۳۶ ، سهروردی صدراعظم پاکستان به افغانستان مسافرت نمود و باشاه و صدراعظم مذاکراتی بعمل آورد ٠ در اعلامیهٔ مشترکی که به نشر رسید نامی از پشتونستان برده نشد و محض به این نکته اکتفا گردید که هر دو کشور اختلافات خودرا ازراه سیاسی حل خواهند کرد ٠

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ۱۸ می ۱۹۵۷= ۲۸ ثور ۱۳۳۶ صفحه اول ٠

در این سفر از شاه دعوت شد تا به پاکستان سفر کند و نیز موافقت بعمل آمد تا سفرای هر دو کشور هرچه زودتر تعیین و بکار خود آغاز کنند ۰

در اوایل سرطان ۱۳۳۶ش (= اواخر جون ۱۹۵۷) دولت امریکا مبلغ یک میلیون و ششصد هزار دالر جهت اعمار پوهنتون «دانشگاه» کابل اختصاص داد و قرضهٔ پنج میلیون و هفت و نیم لک کلداربین افغانستان و امریکا به امضاء رسید و نیز ضمن قرارداد دیگری مبلغ یک ملیون و یکصد و شانزده هزار دالر امریکائی بوزارت مالیه کمک داده شد (۱) که این همه کمک ها در یکزمان و دردههٔ اول برج سرطان همان سال صورت گرفت ۰ و مسلماً نتیجهٔ مذاکراتی بود که بعضی مقامات فرهنگی و اقتصادی کشور ، بخصوص عبدالملک خان وزیر مالیه بازعمای ایالات متحده انجام داده بود ۰

کمک های مذکور شایعاتی را در کابل برانگیخت که ممکن درمسیر سیاسی افغانستان تغییری وارد آید و بحیث یک کشـور بیطرف بتواند پای خودرا از زنجیر استعمار روس فراکشد ۰ روس ها هم که از سفر عبدالملک خان و نتایجش بسیار خشمگین و نگران بودند و فکر می کردند نقشه های شان در نیمه راه خنثی خواهد شد ، دست بکار شدند و از طریق سازمان های اطلاعاتی خود و به همکاری محمد نعیم خان معاون صدارت ووزیر خارجه که از قدرت و اعتبار روز افزون و کار آگاهی عبدالملک خان رنج می برد ، توطئهٔ بزرگ و خطرنـاکـی را طرح کردنـد و توسط شبکـه های استخبـاراتی روس در گوش شاه و محمد داود خان چنان زمزمه کردند که عبدالملک خان وزیر مالیه بیاری و کمک ایالات متحده قصد کودتا و برانداختن نظام را دارد و در هنگام اداء نماز عید آنرا عملی خواهد کرد ۰ (۲) وحتی شنیده می شد که اسنادی هم بدست دارند مگر تا امروز هم از ان اسناد اثری دیده نشد و هرگاه چنان چیزی وجود میداشت حتماً آنرا غرض تبرئه خود ، در جراید به نشرمی رسانیدند ۰

علی ای حال محمـد داود خان باهمـه نزدیکی و صمیمیت و اعتماد به عبدالملک خان نمیتوانست در برابر چنان توطئهٔ خطرناک بی تفاوت بماند و آنرا نادیده انگارد ، مخصوصاً که برادرش نیز به آن صحه گذاشته و اورا باعث سرنگونی رژیم قلمداد کرده بود ۰ لذا بی تأمل و جنون آسا چون تصمیمات دیگرش اقدام به گرفتاری او کرد (۳) و قبل از عید بتاریخ شب

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح مورخ ۵ سرطان ۱۳۳۶ خورشیدی ۰

۲ ـ دران سال ها معمولاً نماز های عید به اشتراک شاه و صدراعظم در مسجد عیدگاه مقابل «چمن حضوری» خوانده می شد واز آن سال به بعد کسی دیگر دران مسجد نماز عید نخواند و تا امروز هم متروک است ۰ شاید به همین دلیل بود که ازان تاریخ به بعد کسی آن مسجد را ترمیم هم نکرد و اکنون بحال ویرانه ای درامده است ۰

۳ ـ دربارهٔ گرفتاری و اتهامی که برای عبدالملک خان وارد کردند رجوع کنید به : روزنامهٔ اصلاح مورخ ۱۹ سرطان ۱۳۳۶هـ۰ش صفحهٔ اول ۰

دهم جولای ۱۹۵۷ مطابق ۱۸ سرطان ۱۳۳۶ ش عبدالرسول خان (معروف به رسول جان) رئیس ضبط احوالات را بخانهٔ عبدالملک خان فرستاد تا اورا به بهانه ای از خانه برون سازد و بزندان برد ۰

وی نزد عبدالملک خان رفت و بنام اینکه امر بسیار عاجل و مهمی اتفاق افتاده و سردار صاحب (محمد داود خان) انتظار شمارا دارد ، آن مردرا از خانه اش بالباس خواب کشید وراساً به صدارت برد و توسط نظامیانی که درانجا ماموریت داشتند ، گرفتار وزندانی اش نمود که تاکودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ درزندان ماند ۰

او بارها با این لباس بخانه محمد داود خان رفته بود و فکر میکرد مثل همیش باوی کار و مصلحتی دارد و یا اینکه از برخوردهای لفظی او با محمد نعیم خان آگاهی یافته و درباره باوی صحبت خواهد کرد ۰ و اصلاً تصور نمیکرد که محمد داود باآنهمه دوستی ها روزی اورا راهی زندان کند و شاه که کلید خزاین ارگ رابوی سپرده بود ، به این سادگی و کم لطفی مورد غضبش قرار دهد ۰

متاءسفانه خود عبدالملک خان تا آخرین روز های حیاتش هم واقف نبود که چه دستی و کدام توطهٔ ای اورا بزندان افگند واز اوج جاه به حضیض ذلتش کشید؟ وهرگز فکر نمیکرد که روس ها آنهمه بلا و مصیبت را بروی وارد کردند تا جلو کارهای اورا بگیرند ونگذارند جز خود ایشان کشور دیگری در افغانستان راه و نفوذ داشته باشد ۰

بحق باید گفت که او در امور مالی واقتصادی استعداد فوق العاده ای داشت وچون در ترکیه تحصیل کرده بود، سیستم کاردوایر را در امور مالی به شیوهٔ آن کشور در آورد و درمدت کم کارهای زیادی انجام داد ۰ وهرگاه اوضاع به همانگونه ادامه می یافت وضع مالی واقتصادی کشور بلاتردید بهبود پیدامی کرد و امکان داشت از افتادن بدامن روس و نفوذ اقتصادی و سیاسی آن تاحدودی جلوگیری می شد ۰

بهره برداری روس ها از این توطهٔ

روس ها از این توطهٔ خویش به نحو مطلوب وبی سابقه ای بهره برداری و استفاده نمودند که امکان آن درحال عادی ممکن ولی طولانی به نظر میرسید ۰ ایشان توانستند با این بازی زیرکانه وخطرناک دست امریکا را از یاری دربرنامه های انکشافی واقتصادی افغانستان قطع کنند ودربارا به این باور وادارندکه روس ها اورا از خطر سقوط و سرنگونی نجات بخشیده و یار ویاورهمیشگی و قابل اعتماد شاه وافغانستان هستند ۰

سرعت نتیجهٔ کارشان در دگرگونی اوضاع و تغییر ذهنیت دربار و محمد داود بحدی بود که یکهفته بعد از گرفتاری عبدالملک خان و تعدادی دیگر از همکاران و رفقاء

و نزدیکانش ، شاه به مسکو رفت (۱) و پسر کاکایش محمد نعیم خان معاون صدارت و وزیر امور خارجه نیزوی را همراهی میکرد ۰

در اعلامیه ای که پس از مذاکرات وزیر خارجهٔ روس و محمد نعیم انتشاریافت نکات تکان دهنده و اسفباری بملاحظه میرسید ۰ به این جهت که در اعلامیهٔ مذکور موافقت شده بود که روس ها بدون قید و شرط به تحقیقات جیالوجی در صفحات شمال کشور اقدام کنند و معاهدهٔ سرحدی و امکانات استفاده از آب های سرحدی را مطالعه نمایند ۰ (۲)

در واقع این اعلامیه خنجری بود که در قلب ملت افغانستان فرورفت و استعمار واستثمار روس عملاً در افغانستان آغاز گردید ۰ دستیابی به چنین هدفی از جمله آرزوهائی بود که روس ها سالیان دراز در جستجوی آن بودند ۰ این قرارداد که در اواخر جولای واوایل اگست ۱۹۵۷ صورت گرفت ، همه مطالعات و تحقیقات کارشناسان نفت و جیالوجی ملل متحد را نقش برآب کرد و پای آنان وسایر کشور هارا برای همیش از سمت شمال کشور قطع نمود ۰ وبطور کلی این قرارداد کلید ثروت های طبیعی افغانستان را بصورت انحصاری در دست روس ها قرارداد و زمینه های بردگی و اسارت مردم مارا هموار تروسریع تر ساخت ، واز آن تاریخ به بعد چندین هزار روسی از سازمان های اطلاعاتی و جاسوسی آن کشور بنام های متخصص نفت و کارشناس جیالوجی وارد افغانستان گردید ۰ اما در اعلامیه مشترکی که بتاریخ ۳۰ جولای ۱۹۵۷ مطابق اسد ۱۳۳۶ ، از سوی شاه و صدر هیئت رئیسهٔ اتحاد شوروی انتشاریافت ، جزهمان کلمات تشریفاتی واجد نکات خاصی نبود ۰ واصل مطلب وهدف کلی همان قرارداد تحقیقات جیولوجی و تفحصات نفت بود که محمد نعیم خان درپاداش از بین بردن حریفش عبدالملک خان ، در طبق اخلاص نهاد و بروس ها پیشکش نمود ۰

در جریان این مذاکرات و قراردادها در مسکو ، قرارداد سامان آلات و پرزه های احتیاطی مورد نیاز فابریکه قیرریزی بلدیهٔ کابل نیز به قیمت معادل سی هزار دالر بین افغانستان و روس در کابل به امضاء رسید ۰ شاه پس از ختم سفرش به مسکو عازم ترکیه شد و محمد داود خان نیز یکماه بعد از قرارداد ننگین برادرش باروس، عازم چین گردید ۰(۳) تابمردم نشان دهد که او هنوز هم از تصمیم گیری های آزاد و سیاست های عنعنوی و بیطرفی افغانستان پیروی می کند، ولی ارمغانی از این سفر باخود نداشت ۰

در روابط پاکستان و افغانستان بهبود قابل ملاحظه ای احساس می شد چنانکه بتاریخ

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ۲۵ سرطان ۱۳۳۶ ش مطابق ۱۷ جولای ۱۹۵۷ صفحهٔ اول ۰

۲ ـ روزنامهٔ اصلاح ۹ برج اسد ۱۳۳۶ مطابق اول اگست ۱۹۵۷ صفحهٔ اول ۰

۳ ـ روزنامهٔ اصلاح ۲۷ میزان ۱۳۳۶ = ۲۰ اکتوبر ۱۹۵۷ ، صفحهٔ اول ۰

۲۱ اکتوبر ۱۹۵۷ سرویس هوائی بین کراچی و کابل براه افتاد واز شاه دعوت شد تابه پاکستان مسافرت کند ۰ شاه دردهم دسامبر ۱۹۵۷ مطابق ۱۸ قوس ۱۳۳۶ ش آمادهٔ رفتن به کراچی شد ولی سفرش معطل گردید و علت آنرا خرابی هوا وانمود کردند ۰ در واقع تاخیر سفرشاه به دلیل خرابی اوضاع سیاسی در پاکستان بود ونه خرابی هوا ۰

بتاریخ ۱۸ جنوری ۱۹۵۸ مطابق ۲۸ جدی ۱۳۳۶ به اساس موافقت قبلی محمد نعیم خان باروس ها، قراردادهائی بشرح زیر بین شاه عالمی سفیر افغانستان و گرومیکو وزیر خارجهٔ روس در مسکو به امضاء رسید:

۱ ـ قرارداد راجع به: «رژیم سرحدات مملکتی افغانستان واتحاد شوروی» ۰

۲ ـ قرارداد راجع به : «آبهای سرحدی و ترتیب استفاده از انها و طریقهٔ استفاده از جاده هائی که سرحد را قطع مینماید» ۰

۳ ـ قرارداد راجع به : « ماهیگیری ، شکار ، معادن ، زراعت ، و جنگل داری در آب ها و جنگل های سرحدی» ۰

٤ ـ قرارداد راجع به : «مامورین سرحدی و ترتیب عبور در سرحد» ۰(۱)

این قرار داد ها از نوع همان دلقک بازی ها وشیطنت ها و مضحکه ای بود که روس ها بار بار آنرا به نمایش در آورده بودند و اصلاً معنی و مفهومی نداشت ۰ زیرا خط سرحدی ، حدود سرحدی ، علایم سرحدی ، نشانه ها ، نقشه ها ، خریطه ها ، وطرق استفاده از مرزهای آبی و خشکه ، و جنگل و معادن و نحوهٔ آمد و شد در سرحدات ، مکلفیت های دو طرف در مورد حفظ و مراقبت علایم و نشانه های سرحدی ، ووظایف طرفین وغیره وغیره همه در قراردادها و پروتوکول هائی که در سال های ۱۸۸۰ـ۱۸۸۵م ، ۱۸۹۰م ، ۱۳ جون ۱۹٤٦ ، وسال های ۱۹٤۷ و ۱۹٤۸ میلادی امضاء شده است ، بصورت دقیق مشخص و روشن میباشد ولزومی به تکرار و تجدید نداشت ۰

هدف روس ها فقط مشغول نگاه داشتن و اغفال کردن افغانستان بود و نیز میخواستند با استفاده از فرصت و خوشباوری ها و دوستی های بی قید و شرط زعمای کشور ما ، در اینطرف و آنطرف ، نقطه ای ، علایمی و خط و نشانه ای را به نفع خود تغییر دهند و هربار قسمتی از خاک و آب مارا به بهانه ای از آن خود کنند ۰

شاه بتاریخ اول فبروری ۱۹۵۸= ۱٤ دلو ۱۳۳٦ بنابدعوتی که ازان نام بردیم عازم پاکستان شد و ازانجا بتاریخ ۱۲ فبروری به هندوستان رفت تا از آشنایان هندی نیز دیدن کند ۰ این سفرها اغلب تشریفاتی و معمولی بود و طرح خاصی باخود همراه نداشت ۰ مع هذا در ایجاد حسن تفاهم و بهبود مناسبات افغانستان و پاکستان بی اثر نبود ۰

---

۱ ـ دربارهٔ متن و محتوای قراردادهای نامبرده رجوع شود به: مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۸٦) صفحهٔ ۹۷ تا ۱۱۵ ۰

این آرامش نسبی و تصنعی فرصت خوبی بود تا روس ها بکارهای خود در افغانستان وارسی کنند و نقشه های شان رایکی بعد دیگر وارد عمل سازند • شبکه های ارتباطی وپروژه های روس چون سرطان بهرگوشه و کنار جامعه ماریشه دوانیده بود و در تمام ساحات اقتصادی و تجاری وزراعی و معارف و مطبوعات وفابریکه ها ونیز نظامی و معادن وصنایع ، موجودیت و اثرات افراد روسی آشکارا احساس می شد • فرصت طلبان و چوکی پرستان نزدیکی و دوستی باروس هارا وسیلهٔ پیشرفت خود میدانستند وواقعاً در بعضی ادارات وضع بدینمنوال بود و روس ها نفوذ خاص داشتند •

در چنین فرصتی هیئت دیگر «پشتوتولنه» به سرپرستی صدیق الله رشتین رئیس آن موسسه عازم مسکو گردید (نوامبر ۱۹۵۷) که هدف آن برقراری هرچه بیشتر پیوند های فرهنگی و جلب وجذب فرهنگیان وقشر آگاه افغانستان بود و بسرعت پیش میرفت • مخصوصاً از این «تولنه» همه ساله تعدادی غرض تحصیل به شوروی میرفتند و در رشتهٔ زبان پشتو تحصیل می کردند ، که بعضی از آنان در برگشت از شوروی خصلت و ماهیت خودرا ازدست میدادند •

تحصیل پشتو در روسیه بذات خود حیثیت دام ودانه ای را داشت که روس ها بوسیلهٔ آن شکار میکردند ، ودرست مانند آن بود که روس های سفید در دانشگاه کابل درس روسی بخوانند •

بهرحال بعد از دگرگونی هائی که در افغانستان اتفاق افتاد ، بخصوص گرفتاری عبدالملک خان و سفر شاه به مسکو وقرارداد های امتیاز تفحصات نفت و تحقیقات جیالوجی و امثال آن ، دنیا را بار دیگر به حیرت افگند و نگرانی هائی را ببار آورد ، ودرین احوال آیزنهاور رئیس جمهور امریکا از محمد داود خان دعوت کرد تا به امریکا سفر کند •(۱)

از موضوع بدور نشویم که تحقیقات جیالوجی در افغانستان در همان شش ماه اخیر سال ۱۳۳۶ ش و نتایجی که ازان بدست آمده بود ، روس هارا به شدت هیجانی و جنون زده ساخت ، به نحوی که سر از پانمیشناختند و باهمه محافظه کاری و خبث سیاسی بازهم فریاد می کشیدند• چنانچه یکی از کارشناسان آن کشور بنام «تخستوف» پس از بازدید معادن افغانستان در آخر همان سال و حین باز گشت بروسیه ، اظهار داشت که ثروت معادن افغانستان بحدی غنی است که اگر بکار بیفتد این کشور از ثروتمند ترین ملل جهان خواهد بود • و عجیب این است که این خبر از رادیو مسکو بخش گردید •(۲)

شاید روس ها فکر می کردند که باپخش این خبر و مژده دادن به ملت افغانستان ،

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ۷ حوت ۱۳۳۶ ش مطابق ۲۵ فبروری ۱۹۵۸ •

۲ ـ روزنامهٔ اصلاح ۵ حمل ۱۳۳۷ ش مطابق ۲۵ مارچ ۱۹۵۸ •

میتوانند احساسات مردم و گرایش دولت را بیشتر برانگیزند و به این وسیله در گوشه و کنار دیگر افغانستان نیز دست به سروی و کاوش زنند و صدها جاسوس روسی را بازهم بنام متخصص و زمین شناس وارد کابل کنند ۰ بدبختانه همینطور هم بود و هیچکس تصور نمیکرد که روزی آنهمه ثروت ها بدست اهریمنان آدم خوار تاراج گردد ۰

آنطور که قبلاً اشاره کردیم در اخیر برج جوزای ۱۳۳۷ مطابق ۲۱ جون ۱۹۵۸ محمد داود خان بنابدعوت آیزنهاور به امریکا رفت و باسران قصر سفید مذاکراتی انجام داد ۰ شاید زعمای ایالات متحده فکر می کردند که میتوانند محمد داود خان را از نزدیکی بی قید وحدش بروسیه برحذر دارند وخطر روز افزونی که از نفوذ آن در منطقه احساس می شد ، بوی گوشزد فرمایند تاباشد که در روابط خود با روس محتاط و خویشتن دار باشد ۰ همچنان از مذاکرات آنها پیدا بود که دربارهٔ مسایل امنیتی و دفاعی گفتگو هائی انجام داده اند ، ولی نتایج ومتن این مذاکرات و تبادل افکار تا امروز هم ناگفته و ناشنیده ماند ۰ و آنچه مردم درجریان آن قرار گرفتند این بود که محمد داود خان از سرمایه داران امریکائی دعوت کرد تا در افغانستان سرمایه گزاری کنند ۰ و میدانست که نسبت نفوذ روس ها در کشور اینکار غیر عملی است ۰ قصدش آن بود تا بمردم امریکا و افغانستان اطمینان دهد که او از آزادی رای و عمل در افغانستان برخورداری کامل دارد و همه چیز برروند عادی در جریان است ۰ اما پس از برگشت بوطن کار «توپوگرافی» و «سروی» هوائی را در شمال کشور نیز باروس ها قرارداد نمود (۲۲ سرطان ۱۳۳۷= ۱۳ جولای ۱۹۵۸) ۰

در گرما گرم این هنگامه روس ها مبلغ پانزده ملیون دالر دیگر راهم بنام خریداری آلات وابزار «پروژه» های مذکور به افغانستان پیشکش کردند و قرار شد که این مبلغ را حکومت افغانستان درمدت ۵۰ سال از صدور مال التجارهٔ خود به روسیه ، کارسازی کند ۰

تمام قرارداد های روسی ، اعم از تفحصات نفت ، تحقیقات جیالوجی و عکس برداری هوائی از صفحات شمال ، در شورا وسنا به تصویب رسید (۱) و هیچکس علیه آن سخنی برزبان نیاورد ۰ چون در انتخاب وکلای شورا وسنا شخص محمد داود خان نقش داشت و از چنین مجمع فرمایشی جز «لبیک گفتن» کاری ساخته نبود ۰

ملاحظه می کنید که روس ها از یکطرف میخواهند تمام نقاط شمال را بمنظور کشف منابع و ذخایر طبیعی و استفادهٔ سوق الجیشی نقشه برداری کنند ، واز آن در آینده به نفع خود بهره برداری نمایند ، از سوی دیگر مصارف این طرح شیطانی خویش را بدوش افغانستان میگذارند ، حتی پول سامان آلات و استهلاک آنراهم به حساب قرضه های خود محاسبه مینمایند و تبلیغات هم می کنند که روس به افغانستان کمک می کند ۰

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ، ۱۲ اسد ۱۳۳۷ مطابق ۲ اگست ۱۹۵۸ ۰

این قرضه هاهم طوری بود که در برابر هر صد روبل روسی یا ده دالر امریکائی ، یک نفر میخانیک و یا جاسوس آن کشور وارد افغانستان می شد و ماهانه حداقل هزار روبل مصرف داشت و همهٔ اینها باری بود که هر روز برپیکر ملت افغانستان فشار وارد می کرد و بحساب خود مردم ما بر ما تحمیل می شد ٠

و در واقع این نوع معامله و سازش با روس حکم قراردادهای خودکشی را داشت که دارو دستـهٔ محمد داود خان و خودش مجری آن بودند ٠ در جریان این روابط ونزدیکی باروس ، کشور های بلوک شرقی کمونست مانند چکوسلواکیا و بلغاریا نیز بی نصیب از خوان احسان محمد داود نبودند و هرکدام به نحوی منافع شان را در افغانستان تاءمین کرده بودند و پایه های سلطهٔ روس هرروز مستحکم تر می شد ٠ بااستفاده از این فرصت روس ها بسرعت مشغول دریافت نفت و گازشدند و از تمام منابع و معادن افغانستان عکس برداری کردنـد وزمینـه را برای انجام پروگرام های زمان بندی شدهٔ خود مساعد ساختند ٠ ولی هیچکس بربدبختی های ملت افغانستان ترحم نمیکرد و از دربار تاقصر صدارت همه حیثیت مارهای افسون شده ای را داشتند که مار افسای عصر «خروشچف» دندان های شان را ازبن کنده بود ٠ هیچ هفته و ماهی نبود که زعمای روسی به افغانستان نیایند و برنگردند واز کابل هم هیئت هائی به آن کشور نروند ٠

به سلسلهٔ همین آمد و شد ها و دعوت قبلی شاه ، بتاریخ ۹ میزان ۱۳۳۷= اول اکتوبر ۱۹۵۸ ورشیلوف صدر هیئت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد شوروی وارد کابل گردید و تطبیقات عسکری و سلاح روسی را در حومهٔ پلچرخی مشاهده نمود ٠ و صدای دوستی روس و افغانستان بیش از پیش در هواطنین افگند و اما!

در ماحول ماچه میگذشت!!

در گذشته اشاره هائی کردیم که روس ها باتحریک ودامن زدن به مسئلهٔ پشتونستان و بدام افگندن افغانستان قصد آن داشتند تا از یکسو توسط هند و از سوی دیگر بوسیلهٔ اقـدامـات و کارهـای ناعـاقبت اندیشانهٔ محمد داود خان اوضاع را در پاکستان بمراحل خطرناک بکشانند و از آن بسود خویش بهره برداری نمایند ٠ هدف شان از اینکار آن بود که یا پاکستـان را در تحت فشـار دوجـانبـه وادار بـه پذیرش قرار دادهای ننگین خود نظیر افغـانستـان ، کننـد ویا این کشـور را مشغـول نگهـدارنـد تابتوانند به استخدام افراد و سازماندهی شبکه های جاسوسی خود دران کشور بفراغ خاطر اقدام نمایند ، وبرای عملی کردن نقشه های بعدی خود زمینه سازی فرمایند ٠

دلچسپی و اشتراک مساعی هند با روس و افغانستان در جهت ایجاد درد سر هائی به پاکستان به اساس همین انگیزه هائی استوار بود که روس ها داشتند ٠ بدین معنی که در

قدم اول هم روس و هم هند از اتحاد و نزدیکی دو کشور مسلمان در منطقه و همسایگی شان بیمناک بودند و فکر می کردند در صورت آرام بودن اوضاع ، شاید روزی این دو کشور بحیث قدرتی در منطقه تبارز کنند و باعث برانگیختن احساس آزادی خواهی مسلمانان تحت سلطهٔ روس و هند شوند ۰ و در مرحلهٔ دوم سعی میکردند افغانستان و پاکستان را تضعیف نمایند تازمینهٔ نفوذ و پیشروی خودشان فراهم گردد ۰ بنابراین هر دو کشور قضیه «پشتونستان» را دامن میزدند و آنرا مهمترین عامل انجام نقشه های خود تلقی میکردند ۰ و در نتیجه با صرف میلیون ها کلدار هندی و پول افغانی ، اوضاع سیاسی را بار بار در پاکستان بحرانی کردند و آنرا بمراحل حساسی کشانیدند ۰ چنانچه در اثر این تحریکات و تخریبات روس و هند ، وضع پاکستان در سال مورد بحث (۱۳۳۷ خورشیدی) بوخامت گرائید و در برج میزان حکومت نظامی اعلان شد ۰ و اینکار در وقتی بود که جدال تبلیغاتی و تحریکات عملی در رادیو و جراید و در مرزهای بین دو کشور به اوج خود رسیده بود و درست در ایامی انعکاس یافت که بار دیگر جهانیان از وابستگی افغانستان به روس ، حرفهامی گفتند و آنرا یکی از اقمار روس مینامیدند ۰ ولی در کابل و مسکو جراید و روزنامه ها می کوشیدند تا این اتهامات را بگونهٔ تبصره های خبری و ماهرانه رد کنند و نزدیکی روسیه و افغانستان را جزئی از روابط حسنه بین دو کشور همسایه وانمود سازند و آنرا دوستی و همکاری بی شائبه توصیف نمایند ۰

همزمان با این جریانات تحول بارزی در روسیه بمیان آمد و آن انتخاب «خروشچف» بحیث صدراعظم بود ۰ در اثر این تحول محمد نعیم خان معاون صدراعظم و وزیر خارجه بتاریخ هفتم جدی ۱۳۳۷=۲۸ دسمبر ۱۹۵۸ بصورت غیر مترقبه عازم مسکو گردید و باخروشچف و ورشیلوف دیدار و مذاکره کرد ۰ و ارادت خود و دربار و محمد داود را به ایشان اظهار نمود ۰ در اعلامیهٔ مشترکی که بتاریخ ۵ جنوری ۱۹۵۹= جدی ۱۳۳۷ ش نشر گردید سیاست آزاد و بیطرفی افغانستان مورد تائید قرار گرفت واز روابط نیک همسایگی بین دو کشور ستایش بعمل آمد و آنرا وسیلهٔ مناسب و فرصت خوبی نامیدند که بکشور افغانستان موقع میدهد تا انکشاف اقتصادی و عمرانی خود را دنبال کند ۰ ولی از مسایل و مذاکراتی که بین محمد نعیم خان و مقامات روسی بصورت خصوصی انجام یافت ، خبری منتشرنشد ۰ و محمد نعیم خان و همراهان پس از نه روز اقامت در روسیه بکابل بازگشتند ۰ در همان سال از برکت قدم نحس روس ها و مجادلات آنان باآفات زراعی ، قحط سالی بی سابقه ای در وطن ببار آمد و مردم را به تشویش و نگرانی اندرساخت که برای رفع مشکل مذکور چهل هزار تن گندم از روسیه و پنجاه هزار تن از امریکا به افغانستان وارد گردید ۰ روس ها که خود از اروپا و امریکا غله خریداری می

کردند ، در همچو موارد همان گندم را به قیمت بیشتر بالای افغانستان و کشور های همانند آن بفروش میرسانیدند و توسط شبکه های تبلیغاتی خویش طوری وامینمودند که آنرا کمک کرده اند ۰

در اخیر این سال (حوت ۱۳۳۷= فبروری ۱۹۵۹) شایعاتی پخش گردید که امریکا در پاکستان پایگاه نظامی درست می کند و به تعقیب آن خبرهائی انتشاریافت مبنی براینکه بین پاکستان و امریکا و ترکیه پیمان نظامی انعقاد یافته است و مرکز آن در پاکستان قراردارد ۰

این همه سروصدا ناشی ازان بود که گرایش بیش از حد افغانستان به روس در ذهن مردم سوال هائی ایجاد کرده بود و مصارفی که بنام پشتونستان بعمل می آمد درورشکست اوضاع اقتصادی افغانستان اثر خاصی داشت و خوش آیند نبود ۰ و درعین حال روس ها با اینگونه تبلیغات سعی میکردند اثرات فشار را بردستگاه حاکم ثابت نگهدارند و در نتیجهٔ آن کارها و برنامه های خویش را بی دردسر دنبال کنند ۰ چنانکه در جریان این خبرهای خود ساخته و جعلی ، روس ها به پاکستان اخطار دادند و بدنبال آن محمد داود خان نیز در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی که خودش فرمایش داده بود ، از کمک احتمالی نظامی امریکا به پاکستان اظهار نگرانی کرد و آنرا تهدیدی برای صلح وامنیت منطقه خواند ۰(۱)

واقعاً زورگوئی و ماجرا جوئی و دنباله روی و متابعت از روس بیش از این نمیتوانست باشد که محمد داود خان از قرارداد نظامی خود باروس و ورود سیل آسای سلاح های روسی به افغانستان حرفی نمیزند و آنرا مجاز میداند ، ولی کشور دیگری را به همین جرم (آنهم احتمالی) نکوهش می کند و چنین عملی را برای صلح و امنیت منطقه خطرناک معرفی میکند ۰

چه بازی ها که بساز روس صورت نگرفت! وچه صداها که به تحریک روس برنخاست! وچه بی اعتنائی ها که درحق ملت مظلوم افغانستان بعمل نیامد!

درگرماگرم این صحنه سازی بتاریخ ۲۳ حوت ۱۳۳۷=۱٤ مارچ ۱۹۵۹ یک هیئت افغانی به مسکو رفت تاجنبه های عملی کمک هائی را که محمد نعیم خان هنگام سفر اخیرش بمسکو ، ازان کشور دریافت کرده بود ، ارزیابی نمایند ۰

مسافرت های مکرر محمد داود خان به هند که بعد از شایعات کمک های نظامی امریکا به پاکستان صورت گرفت ، مناسبات هند و پاکستان را به سرحد خرابی کشانید و روس ها از پشت پرده به آن همه خیمه شب بازی ها نظارت وسیادت می کردند وبافراغ خاطر بکارهای خویش ادامه میدادند ۰

نهرو که مهرهٔ دیگر نرد سیاسی روس ها در منطقه بود ، درتمام حادثه آفرینی ها و ایجاد

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ، ١٦ حوت ۱۳۳۷= ۷ مارچ ۱۹۵۹ ۰

بدامنی در پاکستان دست داشت و محمد داود را (به اشارهٔ روس ها) در اقداماتش تشویق میکرد • وحتی گفته می شد که مصارف تمام تخریبات و تحریکات در پاکستان و نوار مرزی تمام پشتونستان ، از سوی کنگرس هند پرداخت می شد و حدود سی سال اینکار ادامه داشت •(۱)

روس ها چگونه از فرصت استفاده می کردند؟

هر قدر اوضاع جدی تر و روابط بین دو کشور همسایهٔ (پاکستان و افغانستان) تیره تر ی شد ، زعمای افغانستان بیشتر احساس نیازمندی میکردند و بیشتر به مسکو رو می آوردند • روس ها هم پیوسته درکمین بودند تا از موقع بحد کافی و خاطر خواه خویش بهره برداری نمایند و تمام این هنگامه سازی ها و فشار های تصنعی توسط روس ایجاد میگردید وحتماً خوانندگان عزیز قضایا را تا اینجا دنبال کرده خواهند بود که چگونه روس ها بعد از شدت نزاع و کشمکش بین افغانستان و پاکستان وبافروختن فتنه در داخل کشور ، فرمانروایان افغانستان را در تنگنای سیاسی واقتصادی کشانده و خطرناکترین «پروژه» های خود را مطرح و آنرا بمرحلهٔ اجرا در آورده اند •

اینبار و در چنان شرایطی که بوجود آمده بود یکی از شوم ترین و کشنده ترین برنامه و «پلان» خود را برافغانستان تحمیل کردند و آن این بود که:

در ثور ۱۳۳۸ مطابق مي ۱۹۵۵ محمد داود خان جهت تداوی عازم سویس شد واز آنجا بمسکو رفت و باخروشچف و سایر زعمای روسی دیدار و مذاکره نمود • چند روز بعد از سفر اوهیئتی بشمول شاه عالمی سفیر افغانستان وجنرال عبدالرزاق میوند آتشهٔ نظامی در مسکو ، مقرر گردید تادربارهٔ همکاری های اقتصادی بین روس و افغانستان که حین مسافرت محمد نعیم خان به آن کشور وعده شده بود ، باهم مذاکره نمایند •

در نتیجهٔ این مذاکرات بتاریخ ٦ جوزای ۱۳۳۸ = ۲۸ می ۱۹۵۹ موافقت نامه ای بنام «توسعهٔ همکاری اقتصادی و صنعتی» بین دو طرف در مسکو به امضاء رسید • به اساس موافقت نامهٔ مذکور روس ها امداد اقتصادی و تخنیکی ساختمان راه بین «کشک» وقندهار را بعهده گرفتند • این سرک که در واقع حیثیت شاهرگ افغانستان را داشت و روسیه را از طریق «تورغندی» به حوزه های غربی کشور و سرحد ایران وصل میکرد ، از جمله کارهائی بود که دسترسی به آن این چنین ساده و بلاتکلیف از تصور روس ها بدور بود • زیرا آنها میخواستند با دستیابی به این پروژه پای کارمندان امریکائی را که سرک کابل و قندهار را آماده کرده بودند و آنرا امتداد میدادند ، بکلی قطع نمایند • وهمانطور هم شد وتمام کارهائی که قبلاً کمپنی موریسن به عهده گرفته بود ، در اختیار روس ها قرار

۱ ـ شخص خان عبدالغفار خان خودش در مصاحبهٔ مطبوعاتی با روزنامهٔ مسلم چاپ پاکستان ، به این حقیقت اعتراف کرده است • رجوع کنید : روزنامهٔ مسلم مورخ ۳۰ می ۱۹۸۲ •

گرفت ۰

روس ها در این سرک که ۷۵۰ کیلومتر طول داشت به اندازه ای پول مصرف کردند و به میزان قرضه های خود افزودند که پیکر اقتصادی افغانستان را تازانو در گل فروبرد و امکان برخاستن از زیر آن بارگران سلب گردید ۰ ایشان آنهمه راه عریض و طویل را بجای قیرریزی «کنکریت» کردند و در هرمترآن چندین هزار روبل مصرف نمودند ۰ هدف روس ها از این کار به اساس نقشه ها و پیش بینی های شان آن بود که روزی بتوانند تانکها و زره پوش های خود را از آن عبوردهند وحتی در برنامه های بعدی خود در منطقه ، از این سرک بحیث خط پرواز هوا پیماهای خود استفاده کنند ۰

این پروژه نیز صدها روسی دیگر را به کشور ما سرازیر ساخت وازهمان پول قرضه ای که قبلاً به افغانستان تخصیص داده بودند چندین عمارت ورهایش گاه که مصارف گزافی را در برگرفت ، بنام منازل رهایش کارگران روسی ، در وادی ها و صحرا ها و در امتداد همین سرک ها اعمار گردید که بعد از تکمیل کارسرک سازی، همهٔ آن عمارات متروک و بلا استفاده ماند ۰

هوتل های بزرگی که از همین قرضه و درجریان کار «پروژهٔ» مذکور در نواحی فراه رود و هرات بین صحراها اعمار کردند ، از جمله کارهائی بود که جز بالا بردن میزان قرضه های روس مفهومی نداشت ۰ زیرانه از نظر موقعیت و نه از لحاظ نیازمندی مملکت به این هوتل ها دران وقت وامروز وحتی سالیان دیگر ، عمل حسابی و اقدام مفید بحساب نمی آمد ۰ و بهمین منوال مصارف پروژهٔ روس ها چند برابر بودجه ای بود که هزینهٔ عمومی افغانستان را احتواء میکرد ۰ همچنان سرعت و پیشرفت پروژه های روسی معمولاً بگونهٔ ای بود که کار یکماهه را درشش ماه و از یکسال را درشش سال انجام میدادند ۰ وبه این ترتیب پول معاش و خوراک و مصارف کارشناسان و کارگران روسی از اصل قرضه ای که روس می پرداخت ، ده برابر فزونی داشت ۰

اعمار میدان هوائی اسفزار «شین دند» که ضرورت آن نزد مردم افغانستان معما بود و همه کس می پرسید برای چی ؟ درهمین ایام صورت گرفت ۰ واینک بعد از گذشت چندین سال مردم ما به راز آن پی برده اند که روس ها در ساختن آن چه منظوری داشته اند ۰

البته گماشتگان روسی آنرا یک ضرورت دفاعی تلقی میکردند، اما کشوری که داد از بیطرفی و صلح خواهی میزد هیچ خطری متوجه اش نبود ۰ مگر آنچه که روس ها در ذهن مردم بصورت تصنعی تصویر کرده بودند و آن تشویش و ترس از حملات ایران و پاکستان بود ۰ درحالی که چنین خطری وجود نداشت وموجودیت و نفوذ روس ها در افغانستان از هر خطری ، خطرناکتر و زیان آور محسوب می شد ۰

متـاءسفانه اغلب کارها و پروژه های روسی در کشور ما بوسیلهٔ خود ایشان طرح ، انتخاب و عملی میگردید وفرمانروایان افغانستان فقط در زیر قرارداد و انتخاب روس ها امضاء میکردند ۰

درجریان مذاکرت روی قرارداد راه «گرشک ۰ قندهار» وقبل از تصویب مجلس شورا وسنای افغانستان وبه اساس این اندیشه که جنجالی درزمینه برپانگردد وبه تعویق نیفتد ، تعـدادی از سناتور ها و وکلا به شمول رئیسان دو مجلس ، از طرف شورای عالی روس دعوت شدند تا از مسکو دیدار کنند ۰(۱) این دعوت با افتخار و تشکر پذیرفته شد و همهٔ آنان از مسافرت به روسیه اطمینان دادند ۰

چنین بود اوضاع در کشور ما که هیچکس در فکر آیندهٔ آن و سرنوشت مردم بدبخت افغانستان نبود و منافع ملی قربانی هوس ها و سود جوئی های فردی میگردید ۰ و مطبوعات افغانستان هم که دردست دولت بود ، به همه جنایات روس و بی مبالاتی ها و خود کامگی های محمد داود خان وبرادرش صحه میگذاشت و روزها درباره اش نشرات مینمود ۰

بتـاریخ ۱۸ جولای ۱۹۵۹=سرطان ۱۳۳۸ موافقت نامهٔ دیگری دربارهٔ «همکاری در ساختمان ۳ پل موتررو» بین دو طرف امضاء گردید و روس ها وعده دادند تا درکار اکمال پل هائی که به اساس قرارداد مذکور درنواحی بهسود ، کامه ، و اسمار اعمار میگردد ، معاونت تخنیکی نمایند ۰ ولی در مادهٔ(۵) این قرارداد تذکر رفته بود که بهای سامان ولوازمی که روس ها به افغـانستـان تحـویل میدهنـد، به اسـاس قیمت های بازار جهانی تعیین خواهد شد(۲) مفهـومش آنکه تمام سامان ولوازم کهنه و فرسودهٔ خودرا به دالر محاسبه میکردند و آنرا از افغانستان دریافت می نمودند ۰

نکتهٔ قابل توجه این است که مسوولین امر ، این پروژه هارا به اساس تعاملات جهانی دربازار داوطلبی و رقابت نمی گذاشتند و روس هایکه وبی رقیب بهرنحوی که دل شان میخـواست معـامله میکردند ۰ وبنابراین سامان آلاتی را که در افغانستان بکار میبردند و استهلاک می شد به بهای ده چند بالای افغانستان میفروختند و به آن «کمک» نام می نهادند و دل اربابان کابل هم خوش بود که روس ها به افغانستان کمک می کنند ۰

بتأسف باید گفت که قراردادها و کارنامه های روس در افغانستان از همان گونه استثمار و استعـمار ظالمانه وبی شرمانه ای بود که در تاریخ مناسبات بین المللی سابقه و نظیری نداشت ۰ ولی کرسی نشینـان بی پروا و فرمـانـروایان مغـرور و ناعـاقبت انـدیش هرگزبه آن توجه نکردند و رضای روس را به بقای افغانستان ترجیح دادند ۰

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ، ۱۲ جوزای ۱۳۳۸ مطابق اوائل جون ۱۹۵۹ ۰

۲ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۹۳) صفحهٔ ۱۲۳ ۰

به سلسلهٔ قراردادهای همکاری باروس ، بتاریخ ۲۳ اگست ۱۹۵۹= اسد ۱۳۳۸ پروتوکولی توسط وزیر فواید عامه (محمد کبیر خان) و سفیر روس (دیکتیار) به امضاء رسید • در مادهٔ اول این پروتوکول آمده بود که:«حکومت اتحاد شوروی سوسیالیستی انجام معاونت تخنیکی را به افغانستان از طرف موسسه های شوروی در امور کانال آبیاری جلال آباد بشمول بند یا فابریکهٔ برق آبی و کانال و شبکه توزیع و مناطق آبیاری توسط ماشین ولین های انتقال برق از کارخانه برق آبی تا شهر جلال آباد و مناطق آبیاری ماشینی برطبق موافقت نامهٔ مورخ اول مارچ ۱۹۵۶ ، افغانستان و شوروی تاءمین خواهد نمود •»(۱)

بنابه این پروتوکول و قراردادهای اصلی دیگری که بعداً دربارهٔ «پروژهٔ» مذکور به امضاء رسید ، پیش بینی شده بود که بامهار کردن دریای کابل و اعمار «هوس پمپ» به ارتفاع ۲۲ متر و ساختن کانال های فرعی ، ۳۱۵۰۰ هکتار زمین تحت آبیاری قرار خواهد گرفت • امازمین هائی که در این پروژه تحت نظر گرفته شده بود اصلاً سنگلاخ و ریگستان بود و هرگز برای زراعت ویا زرع نهال مساعد نبود • وبنابه همین علت تاحال هم استفادهٔ مطلوب ازان نمیشود • روس ها که در واقع میخواستند اهداف نظامی و سیاسی خودرا دنبال کنند از این پروژه بحیث وسیلهٔ موثری استفاده کردند و حدودبیست سال وحتی تااین - زمان هم دراینجا وجود دارند و سالانه حدود ، دو صد میلیون افغانی دران بمصرف میرسد •

ثمره ای که بعد ازین مدت طولانی و مصرف بیش از هشت ملیارد افغانی از این پروژه بدست می آید ، سالانه حدود چهار هزار تن سیتروس و یکهزار و دو صد تن زیتون تلخ است که ارزش آن در حدود نود میلیون افغانی میشود و هرگاه تولیدات دیگر این پروژه را به آن بیفزائیم در مجموع از یکصد و بیست ملیون افغانی تجاوز نمی کند و آنهم بروسیه برده می شود • وبه این ترتیب چنانکه در بالا اشاره کردیم بعد از این مدت طولانی که تقریباً ربع قرن را احتوا می کند ، هنوز هم سالانه هشتاد میلیون افغانی در این پروژه ، بیشتر از عوایدش بمصرف میرسد • واین خون میلیون ها بیوه و یتیم کشور ماست که روس ها آنرا می مکند تا برقطر شکم های گندیدهٔ خود بیفزایند و برای انجام جنایات بیشتر در افغانستان نیرومند تر شوند • بدینگونه بود پروژه های دیگر روس ها در افغانستان که نمونه های دیگر آنرا در جایش تذکر خواهیم داد •(۲)

عجیب آنکه اغلب مصارف این پروژه ها و معاش کارکنان روسی از طرف خود

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۹٤) صفحهٔ ۱۲۵ •

۲ ـ برای معلومات بیشتر دربارهٔ پروژهٔ آبیاری جلال آباد رجوع کنید به رسالهٔ:
«سوسیال امپریالیزم روس در صحنهٔ اقتصادی افغانستان» نوشتهٔ ابوالمجد نشر کردهٔ جمعیت اسلامی افغانستان صفحهٔ ۸

افغانستان تاءمین می شد و روسها در حقیقت بالابین مزد بگیر بودند ۰

کاهش خشونت در برابر پاکستان

پس از کارهائی که روسها در اثر ایجاد هیجان و اضطراب در منطقه و وارد کردن فشار برحکومت کابل انجام دادند و ماازان به اختصار تذکر دادیم ، باردیگر اوضاع بحال عادی برگشت و شدت و خشونت باپاکستان فروکش کرد و محمد نعیم خان در ۱۳ سبنله ۱۳۳۸= ۵ سپتمبر ۱۹۵۹ عازم چین شد و درسرراه خویش بانهرو ملاقات نمود ۰ وی در چین مذاکراتی با «مائو» ولیوشاوچی انجام داد و در اعلامیهٔ مشترکی که در ختم مسافرتش انتشاریافت چنین آمده بود که دوطرف دربارهٔ مسایل ذات البینی، همکاری های اقتصادی و تخنیکی و فرهنگی باهم مذاکره کرده اند ۰ ولی نحوهٔ عمل کرد و نتایجش گنگ و نامعلوم بود ۰ در این اعلامیه که اغلب جنبهٔ تشریفاتی داشت به مسئلهٔ روز « پشتونستان» اشاره ای بعمل نیامد ۰ محمد نعیم خان ازانجابه جاپان رفت و نتیجهٔ سفرش درآنجانیز بدین منوال بود ۰

در اواخر سنبله ۱۳۳۸ نهرو صدراعظم هند بکابل آمد و مذاکراتی باشاه و صدراعظم انجام داد ۰ اما در اعلامیهٔ مشترکی که انتشاریافت برخلاف روش های قبلی از پاکستان و پشتونستان نامی برده نشد و علت آن چنانکه بارها گفته آمد خاطر داشت روس ها بود ۰ بدین معنی که روس ها هر وقت لازم میدیدند موضوع را درمیان می کشیدند و هرگاه مصلحت شان ایجاب نمیکرد آنرا نادیده می انگاشتند و کسی هم در هند و افغانستان جرئت ارادهٔ آزاد را در زمینه نداشت ۰

در چنین احوال محمد نعیم خان و محمد داود خان به کشور های دیگر هم مسافرت میکردند تانشان دهند که گردی بالای ابروی شان نیست ۰ چنانچه محمد نعیم خان پس از مسافرت به چین بتاریخ ۲۳ میزان ۱۳۳۸ وارد لندن شد و بارهبران آن کشور تبادل افکار نمود ۰ وازانجا به یوگوسلاویا رفت و باتیتو مذاکره نمود و در برگشت بکابل مسافرت خویش را به کشورهای یاد شده مفید خواند ۰

ظاهراً هدف از این سفرها آن بود تاذهنیت جهانیان را در برابر حکومت خویش درک کند واز سوی خود نیز نسبت به عدم وابستگی شان بروس به کشور های نامبرده اطمینان دهد ۰ ولی همهٔ این اندیشه ها سودای خام بود و مردم میدانستند که اوضاع چگونه است!!

دردههٔ اول برج عقرب ۱۳۳۸ هیئت های شورا و سنای افغانستان بنابدعوتی که قبلاً ازان یاد کردیم راهی مسکو شدند و مدال های یادگار برسینه های شان تعلیق گردید ۰ همزمان باآن مطابق بدرخواست روس ها «انجمن دوستی افغان وروس» در مسکو گشایش یافت وسپس در ٤ دلوهمان سال چنین انجمنی درکابل نیز دایرگردید ۰ روس ها بااین اقدام سعی کردند تا وانمایند که تنها محمد داود خان و برادرش دوست روس ها نیستند بلکه نمایندگان

مردم افغان نیز بنیان گذار این انجمن آرائی ها و دوستی ها میباشند ۰

در این سال همانطور که گفته آمد روابط پاکستان وافغانستان تقریباً عادی و آرام به نظر میرسید و بااستفاده از چنان شرایط و فرصت بتاریخ دهم برج قوس ۱۳۳۸ = نوامبر ۱۹۵۹ محمد نعیم خان دعوت حکومت پاکستان را برای دیدار ازان کشور و مذاکره دربارهٔ حل اختلافات پذیرفت و دردهم جنوری ۱۹۶۰ عازم آن کشور گردید ۰ و اینبار علی الرغم تعاملات دپلوماسی کدام اعلامیه ای انتشار نیافت ۰ علت آن بود که هرگاه اعلامیه ای نشر می شد و ذکری از پشتونستان درمیان نمی بود ، سازش و مصلحت بینی تلقی میگردید و هواخواهان این موضوع را آزرده خاطر میساخت ۰ علاوه بران سیاست مردان افغانستان دراصل و حقیقت چیزی درزمینه برای گفتن نداشتند تا آنرا بازعمای پاکستان درمیان می گذاشتند وروی آن استدلال میکردند ۰ همه چیز روی شعار و عوام فریبی استوار بود و آنهم بوسیلهٔ دیگران تلقین می شد ۰

مهمتر از همه آنکه اوضاع اقتصادی کشور بنابر مصارفی که روی موضوع پشتونستان و بنام آن صورت میگرفت ، بکلی از هم پاشیده شده بود و مردم سخت ناراض و متنفر بودند ۰ لذا دست اندرکاران دولت مادامی که کارها بروفق میل وارادهٔ خودشان انجام می یافت ، سعی میکردند لحظاتی در اینباره درنگ کنند و باسایر کشور ها هم از در لطف پیش آیند ۰ به اساس همین آرزومندی ، شاه افغانستان از آیزنهاور رئیس جمهور امریکا دعوت کرد تابه افغانستان مسافرت کند ۰ موصوف در اثر این دعوت بتاریخ ۱۶ قوس ۱۳۳۸= ۸ دسمبر ۱۹۵۹ وارد کابل گردید و باشاه و صدراعظم دیدار و مذاکره نمود ۰ در اعلامیه ای که درختم مسافرت او انتشار یافت از کمک های اقتصادی و فرهنگی ایالات متحده به افغانستان نام برده شد و هر دو طرف پشتیبانی خودرا از منشور ملل متحد و صلح جهانی اظهار داشتند ۰ (۱)

غربی ها دران ایام فکر می کردند که فشار داخلی و نارضائی مردم افغانستان نسبت به روش های دولت و نزدیکی اش باروس ، شاید فرمانروایان خود کامهٔ کابل را وادار به تجدید نظر در اجرآات و اقدامات شان کند واز مرکب خودی و احساسات بزیر آیند ۰ بنابراین سعی میکردند بیکار نه نشینند و محمد داود خان را بوخامت اوضاع و عواقب آن ملتفت سازند ۰ روی این پندارهای سیاسی و بدنبال مسافرت آیزنهاور بکابل ، حکومت انگلستان از محمد داود خان خواست تابه لندن سفر کند ۰ محمد داود خان نیز بنام تداوی بتاریخ ۲۳ قوس ۱۳۳۸=۱۳دسمبر ۱۹۵۹ نخست به اطریش و سپس به لندن رفت و با مقامات آن کشور مذاکره نمود ۰ متعاقب آن قراردادی دربارهٔ همکاری های علمی ، تخنیکی و اقتصادی بین افغانستان ویوگوسلاویا نیز به امضاء رسید ۰ وبدین ترتیب امید میرفت که افغانستان از

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ۱۷ قوس ۱۳۳۸ ش= ۹ دسمبر ۱۹۵۹ ۰

حالت انزوا و انحصار اقتصادی و سیاسی برون آید ۰ ولی روس های غدار بازهم دست بکار شدند واوضاع را بسرعت دگرگون کردند ۰

آتش در کرملن و بازهم نا آرامی ها

چنانچه بارهاتذکاررفت باوجود قراردادهای استثماری و ننگینی که دراین سال باروس ها عقد گردید ، ایشان از تماس و برقراری روابط بین افغانستان و سایر دول به شدت رنج می بردند و در برابر آن حساسیت داشتند و باتمام حیله و نیرنگ می کوشیدند از آن جلوگیری نمایند و کشور مارا از هر جهت در انحصار خود داشته باشند ۰ یکی از راههائی که موفقیت روس هارا در زمینه فراهم میساخت و همیشه ازان استفاده میکردند ، مسئلهٔ پشتونستان بود ۰ لذا با اندک تحولی که دراراده و روش سیاسی حکومت افغانستان احساس میکردند فوراً آنرا مطرح می نمودند و همه چیز رابهم میزدند و سیرعادی وطبیعی زندگی مردم ما و روابط کشور باهمسایگان وجهان آزاد ، بکلی وارونه می شد ۰

به این اساس مسافرت های محمد داود خان و برادرش به کشور های غربی و چین و سفر آیزنهاور بکابل ووعده های کمک امریکا به افغانستان ، از جمله مسایلی بود که بازهم درکرملن آتش زد و سردمداران آنرا واداشت که ریکارد مرغ طلائی «مسئلهٔ پشتونستان» را از سربگذارند و همان نغمه های کهن و پارینه راتکرار کنند ۰ تابتوانند بازهم اوضاع را در منطقه و بخصوص بین پاکستان و افغانستان مغشوش نمایند واز آب گل آلود ماهی مقصود بکف آرند و رشته هائی را که زعمای کابل در حال پیوند آن بادنیای آزاد بودند ، ازهم منقطع سازند ۰

روی این قصد و نیت ، مکار و شعبده باز معروف کرملن «خروشچف» در اوایل حوت ۱۳۳۸ راهی دهلی نوشد تابانهرو همتای هندی خود ، درزمینه مذاکره کند وبرای ایجاد مجدد فتنه و آتش افروزی در منطقه باوی مشوره نماید ۰ پس از دیدار بانهرو بتاریخ ۲ مارچ ۱۹۶۰= ۱۲حوت ۱۳۳۸ وارد کابل گردید و مدت سه روز در افغانستان اقامت نمود : دراین مدت مذاکرات مفصلی باشاه و محمد داود خان انجام داد که گرومیکو وزیر خارجه ودکتیار سفیر روس در کابل اورا همراهی می کردند ۰

اعلامیهٔ مشترکی که درختم سفر هیئت روسی بکابل منتشر شد حاکی ازان بود که طرفین به همکاری و دوستی ادامه میدهند و از نتایج آن در گذشته بسیار راضی اند ۰ البته این رضائیت برای روس ها واقعی بود ، لیکن به حکام خوشباور کابل حکم تائید خفت و ذلت را داشت ۰

همچنان در اعلامیهٔ مذکور تاکید شده بود که تماس بین سران کشور ها باید ادامه یابد واین کاریست که بسود مردمان هر دوکشور میباشد ۰ بهیمن ترتیب روس ها در این

اعلامیه ادامهٔ کمک های اقتصادی و تخنیکی خودرا وعده دادند و آمادگی شان را برای هموار سازی و اسفلت میدان هوائی کابل اظهار نمودند · در حالی که موضوع میدان هوائی کابل در نخستین قرارداد همکاری روس باافغانستان مطرح وامضا شده بود و تکرار آن موردی نداشت ·

اما حدف نهایی واصلی مسافرت خروشچف عنوان کردن قضیه پشتونستان بود که اینبار علناً وباصراحت آنرا در اعلامیهٔ مشترک گنجانید و خواهان حقوق خودارادیت شان شد و در بازگشت خود بمسکو نیز آنرا تکرار نمود ·

در پایان اعلامیه خاطر نشان گردید که: «طرفین نخواهند گذاشت به روابط دوستی وحسن همجـواری که بین آنها وجود دارد لطمه وارد آید» وبرای تاکید به این مطلب و استوار نگهداشتن دوستی هاوروابط بازهم از شاه و محمد داود خان دعوت بعمل آمد تا در فرصت های مناسب از دوستان شوروی خود مجدداً بازدید نمایند ·(۱)

دیدار و مذاکـرات هیئت روسی بازعـمای افغانستان برای هر دو طرف بسیار مطلوب و سازنده بود · برای روس ها از آنجهت که توانستند باذکر قضیهٔ پشتونستان در اعلامیهٔ مشـترک بررگهای حساس محمد داود خان نیشترزنند و خواست واراده اش را در ایجاد روابط بادنیای آزاد مهارکنند و درفرجام اورا مثل همیش متکی به روس سازند ·

برای محمد داود خان به این دلیل که خروشچف در قضیهٔ مذکور موقف جدی و مشخص (بزعم خودش) گرفته بود واو را در پرخاش و نزاع همیشگی اش باپاکستان وعدهٔ کمک داده بود ·

این اولین اظهارات رسمی خروشچف درزمینه بود که هم در اعلامیهٔ مشترک وهم در جراید و رادیوهای کابل و مسکو انتشاریافت وبه این ترتیب فتنه ای که خفته بود بحرکت آمد و فضای نسبتاً آرامی که مردم میتوانستند نفس های خودراراست کنند و مشغول کار و زندگی خود باشند ، بار دیگر مکدر گردید ·

محمد داود خان بااحساس اطمینان از روس ها وبنابه تحریک خروشچف مجدداً غریدن گرفت و مسئلهٔ پشتونستان را برای مردم افغانستان حیاتی خواند ، وادعاکرد که به هیچ وجه ازان منصرف نخواهد شد · این حرفها در واقع یک «دکته» بود که خروشچف بزبان اونهاده بود زیرا روس ها فکر می کردند که شاید دید و بازدید محمد داود خان از غرب و کشورهای آزاد ، سیر فکری اورا در این مسئلهٔ و بطور کلی نسبت به روس تغییر داده باشد و یابعداً تغییر یابد ·

پس از بیانات محمد داود خان روابط افغانستان و پاکستان باردیگر روبه خرابی نهاد

---

۱ ـ دربارهٔ متن اعلامیهٔ مذکور رجوع شود به: مناسبات افغانستان و شوروی ، صفحهٔ ۱۲۳ ·

و جنگ سردی که سالها در مطبوعات هر دو کشور ادامه داشت و دران ایام خاموش گردیده بود ، از سرگرفته شد • البته تذکر این مطلب لازم است که درتمام مدت صدارت محمد داود خان روس ها توانسته بودند احساس نفرت و خصومت و کین توزی را بین افغانستان و ایران نیز برسر مسئلۀ آب هیرمند برانگیزند واز هر دوسوی روابط مارا با دو کشور همسایه و مسلمان سالها تیره نگهدارند تاخود یکه تاز میدان باشند و افغانستان را در نتیجۀ این خرابی اوضاع در محاصرۀ اقتصادی و سیاسی خود درآورند •

بتاءسف باید گفت که در جریان سالهای صدارت محمد داود و در اثر تخریبات وسیه کاری های بعضی عناصر فاسد واستفاده جو و فاشست نام بردن از ایران و پاکستان در کشور ماجرم تلقی می شد و بسیار کسان تحت این نام مغضوب گردیدند و پست های دولتی خودرا از دست دادند ، وحتی کارتبعیض را به جائی کشانیده بودند که در بعضی ادارات از سپردن کارهای بزرگ و مهم به بعضی از اقوام خود داری می شد •

هرگاه کسی پیدا شود و بگوید که چنین چیزی وجود نداشت ، بتاریخ افغانستان ونسل های آیندۀ آن خیانت خواهد بود • ونگارنده هم از اشاره به اینگونه موارد جز در جریان گذاشتن نسل های آینده و آگاه ساختن ایشان ازکید استعمار و فعالیت های پشت پردۀ استعمار گران هدف دیگری ندارد •

علاوه بردست آوردی که خروشچف در این سفر باخود داشت و حکومت افغانستان را به گرایش مجدد و بیش از حد بامسکو واداشت ، قرارداد دیگری هم بنام «موافقت نامۀ کلتوری بین افغانستان واتحاد شوروی» بتاریخ ٤ مارچ ۱۹۶۰ مطابق ١٤ حوت ۱۳۳۸ توسط محمد داود خان وخروشچف در کابل به امضاء رسید • به اساس این موافقت نامه که آنرا «وسیلۀ تفاهم بین المللی» نام نهادند ، دوطرف تعهد کردند تا در موارد زیر باهم همکاری نمایند:

۱ ـ تبادلۀ هیئت های کلتوری ، علمی و سپورتی •
۲ ـ تبادلۀ هیئت های هنری و تدویر کنسرت ها •
۳ ـ ارائه و برپائی کنفرانس ها •
٤ ـ افتتاح نمایشگاههای علمی و هنری •
۵ ـ تشویق توریزم و ایجاد سهولت به آن •
٦ ـ تبادلۀ کتاب ها ورساله های چاپ شده بین دو کشور بادرنظرداشت مقررات هریک از طرفین •
۷ ـ تبادلۀ فلم های مستند و هنری و ترتیب و تنظیم برنامه های رادیوئی •
۸ ـ تبادلۀ مکروفلم و آثار قلمی •

وبالاخره تقویت مناسبات بین موسسات نشراتی ، تاریخ و موزیم ها۰(۱)

موافقت نامهٔ مذکور به اساس مادهٔ (٦) آن برای مدت پنج سال اعتبار داشت و بعد از ختم این میعاد ، در صورتی که یکی از طرفین ٦ ماه قبل به فسخ آن اقدام نمیکرد ، ۵ سال دیگر قابل اعتبار و اجرا بود ۰

خوانندگان ارجمند حتماً جریان کارنامه ها وبرنامه های روس را در افغانستان تا اینجا بدقت دنبال کرده خواهند بود و بیاد خواهند داشت که چطور این قوم محیل اول بنام مبارزه باملخ و حشرهٔ نباتی وارد افغانستان شدند ، بعد مسایل تیلگراف و تیلفون رامطرح ساختند ، و سپس همکاری های تخنیکی و اعمار سیلوهارا عنوان کردند ، وانگاه به تفحص نفت و گاز و نقشه برداری اراضی افغانستان پرداختند ، اندکی بعد به سرک سازی و بند برق و پروژه های آبیاری اقدام نمودند و پس ازانکه افغانستان را تا گلو در زیر بارقرضه ها وقراردادهای یک جانبه ، دلخواه و ننگین و استثماری خود فروبردند ودرساحات سیاسی و اقتصادی مسلط شدند ، نقشهٔ مهم و اساسی دیگر خودرا رویدست گرفتند و سعی دارند در معارف و مطبوعات و بین اهل علم و هنر و ادب و تاریخ و فرهنگ نیزرهٔ نفوذ و تماس مستقیم و بیشتر خویش را هموار سازند وطبقهٔ تحصیل کرده و چیزفهم افغانستان رابسوی خود کشند و مسموم سازند ۰

چنانچه روی این برنامه و بااستفاده از قرارداد یاد شده تعداد زیادی از جوانان را بنام تحصیل دررشته های هنر و فلم برداری و تیاتر و امثال آن به مسکو بردند و لوح خاطر شان را از اسلام وانسانیت وافغانیت زدودند ، این طرح بسرعت توسعه یافت و هزاران جوان مسلمان دیگررا از صنوف ٦ و ۷ مکاتب جمع آوری کردند و بعنوان تحصیل طب و تخنیک وفزیک وشیمی وفنون نظامی وغیره ، بروسیه فرستادند ۰ اما بجای آنکه جوانان افغانستان را از علم و هنر و ساینس و تکنالوخی بهره ور سازند ، آنانرا به آموزشگاههای ایدیولوژی بی محتوا و ضد انسانی «کمونیزم» بردند و پس از شستشوی مغزی و تلقین و تدریس الحاد وبی خدائی دیپلوم هائی بگردن شان آویختند وبنام های ماستر و افسر و دکتر و انجنیر و هنرمند ، به افغانستان فرستادند ۰ وسرانجام این چهره های مسخ شده در اندیشه و نشهٔ «ودکای» روسی ، خدا ، وطن و مردم وهستی و آزادی و تاریخ وحیثیت خودرا فراموش کردند و در پیشاپیش عساکر روسی ، وابستگان ، دوستان و هموطنان خودرا کشتند و قتل عام کردند تاباشد که سیادت روس ها استوار گردد وبه ایشان آب و نانی رسد!!

البته بودند و هستند انسان های باشخصیت وارجمند و فرزانه ای که در همان حال و درمیان همان جامعهٔ فاسد و حیوانی و گندیدهٔ روسی و در همان شرایط اختناق و جاسوسی

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (٩٦) صفحهٔ ۱۳۰ـ۱۳۲ ۰

وضد انسانی ، هویت اسلامی ، انسانی و ملی خویش را حفظ کردند و باهمه فشار و تهدید ، تن به ذلت و پستی ندادند و از آنجا با اندوختهٔ علمی و عقیدهٔ اسلامی خود برگشتند و اینک باافتخار و عزت درمیان مردم خودبسر می برند وصف این جوانان وخدا پرستان ، از آن خود فروختگان جداست!!

درست بیست روز بعد از موافقت نامه ای که درباره اش بحث کردیم ، روس ها بتاریخ ۲٤ حوت ۱۳۳۸= ١٤ مارچ ۱۹٦۰ قرارداد دیگری را باریاست مستقل مطبوعات امضاء کردند و به اساس آن نیم ملیون «روبل» را برای افغانستان قرضه دادند تا ازان جهت اعمار «کابل ننداری = تیاتر» استفاده شود ۰(۱)

اینکاررا وقتی بمرحلهٔ عمل دراوردند که هیچکس یارا و جرئت حرف زدن نداشت واز پارلمان تاسنا همه مهر سکوت برلب نهاده بودند ۰ ممکن است در ذهن بعضی از خوانندگان ارجمند این سوال پیش آید که «تیاتر» هم در یک کشور لازمهٔ زندگی و ضروریست ، واین حرف درست است ، درصورتی که اهداف آن مثبت وسالم و در جهت تنویر مردم باشد و جامعه از هرجهت در شرایط رشد و کمال بسر برد ۰

لیکن متاءسفانه اقدام به چنین کاری در کشور مازمانی مورد توجه روس ها وفرمانروایان کابل قرار گرفت که میلون ها انسان در اغلب نقاط کشور بشمول خود کابل آب آشامیدنی نداشتند ، و در مناطق شمال حتی در مجاورت روس مخصوصاً نواحی قطغن و ترکستان ، آب باران را در حوض های بزرگ ذخیره میکردند وازان خود و حیوانات شان استفاده می نمودند ۰ به قسمی که این آب ها در گرما گندیده می شد و کرم پیدامی کرد و اما بازهم مردم ناگزیر بودند ازان بنوشند ۰ هزاران هموطن ما از فقر و بیکاری و بیماری رنج می کشیدند و کسی در فکر پیدا کردن زمینهٔ کار ودرمانگاه برای ایشان نبود ، و اصلاً درتصور شان هم نمی گنجید که آن انسان های زحمت کش و عزیز و محروم حق زندگی دارند و باید برای شان کاری انجام شود ، و روس ها این دایه های مهربانتر از مادر میتوانستند بااین مقدار پول که بنام اعمار «تیاتر» قرضه دادند ، چندین چاه عمیق حفرکنند و بسیاری ازروستاهارا از این مشکل حیاتی و اساسی وارهانند ۰

از همه مهمتر آنکه ۵۰۰ هزار روبل روسی در حالی صرف ساختن «تیاتر» در کابل می شد که درسر تاسر این شهر یک «مستراح» وجود نداشت وساکنین شهر وحتی سیاحان خارجی مجبور بودند در پشت هر تعمیری واز جمله تعمیر خود ریاست مطبوعات ، دامن بالا کشند و رفع حاجت کنند ۰ واین وضع پایتخت افغانستان را به شکل یک «مستراح عمومی» و در مجموع بحیث یک «تیاتر» شرم آور و مسخره دراورده بود و ایجاب می کرد تا قبل از اقدام به اعمار «نندارتون = تیاتر» در رفع این نیازمندی عمومی و ضروری اقدام می شد ۰

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ۲٤ حوت ۱۳۳۸ ش ۰

آری ! درچنان جامعه و شرایطی حتی مدارس دینی را می بستند وقبل از هرکاری بفکر ساختن تیاتـر بودنـد ، آنهم چرا؟؟ برای اینکـه تاوقتی در یک جامعهٔ اسلامی معیار های اخلاقی ، دینی ، فرهنگی ، انسانی و ملی (قومی) تغییر نیابد استعمار کمونیزم نمیتواند دران رخنـه کند و روس ها بادرک این حقیقت می کوشیدند آن معیارها را بوسیلهٔ «تیاتر» زیر و رو کنند ، و کردند ۰ و چنانکه خود شاهد بودیم برای اولین بار در تاریخ کشور پردهٔ حیارا از بعضی پرده نشینان دریدند و آنانرا بروی صحنه آوردند که در جایش به تفصیل ازان صحبت خواهیم کرد ۰

رفع حجاب و ایجاد فتنه

از ابتکار دیگر محمد داود خان در سال ۱۳۳۸ ، وموفقیت روس در افغانستان این بود که موصوف فرمانی صادر نمود واکیداً دستور داد تا تمام دختران و خانم هائی که به مکتب و یا ادارات دولتی هستند ، پرده از چهره برافگنند و از استعمال هر نوع روپوشی خودداری کنند ۰

البته در ابتدا شرایطی به همراه داشت و دختر یا خانمی که به مکتب یا اداره میرفت مجبور بود لباس های خودرا مطابق به «مدل» و نمونه هائی که پیش بینی شده بود عیارمی ساخت ، یعنی بجای چادری باید چپن می پوشید وسرخودراهم بادستمالی می پوشانید ۰

ولی بعضی از والی ها و همکاران نزدیک به محمد دواد خان بفکر اینکه در ترویج این اقدام پیش قدم شوند و خشنودی اورا حاصل کنند ، مامورین وسرشناسان محل را به اجبار واکراه واداشتند تا باخانم های خویش در محافل شب نشینی و دعوت هائی که بوسیلهٔ ایشان ترتیب می یافت اشتراک کنند و به ارزش های سنتی و مذهبی پانهند ۰

در اثر اینگونه زیاده روی ها و تقلید بیجا ، دیری نگذشت که «چپن و روسری» بدور افتاد و لباس اروپائی باب روز گردید ۰ لباسی که توأم بابی حیائی و مود پرستی بود واز سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم افغانستان حداقل یکقرن فاصله داشت ۰

این اقدام و عمل باعث شد تا قبل از همه مردم شجاع و باایمان قندهار در برابر والی و فرمان محمد داود خان وبی حیائی و بی حجابی قیام کنند و مخالفت خودرا علیه آنچه که اومیخواست انجام دهد ، آشکارا بیان نمایند ۰

در مقابل تانک های محمد داود خان جهت سرکوبی مخالفین و خاموش ساختن اعتراض آنان بغرش درامد و هزاران هموطن بی دفاع ماجام شهادت نوشیدند ۰ وبه این ترتیب اولین استفاده از تانک های روسی علیه خود مردم افغانستان بعمل آمد و باعث شد تافرمانده آن عملیات ضد مردمی «خان محمد خان» برتبهٔ های وزارت و «سترجنرالی» ارتقاکند و محمد داود خان را به تهیهٔ بازهم بیشتر سلاح های روسی تشویق فرماید ۰

تحول در روسیه واقدامات بعدی

قبلاً اشاره کردیم که روابط بین افغانستان وایران سالها وضع نا مطلوبی داشت و بنابه همین کشیدگی و خرابی روز افزون مناسبات بین دو کشور ، اواخر سال ۱۳۳۸ ش ، دکتر محمد اقبال نخست وزیر ایران از محمد داود خان دعوت کرد تابه ایران مسافرت کند و روی مسایل مورد علاقه با زعمای آن کشور مفاهمه و مذاکره نماید ۰ در اثر این دعوت محمد داود خان به ایران رفت و نظر خود را دربارهٔ آب هیرمند ، بیطرفی افغانستان وعدم هم بستگی باپیمان های نظامی ، بامقامات ایرانی درمیان گذاشت و از دکتر اقبال دعوت کرد تا از افغانستان دیدن کند ۰ سپس از ایران به ویانا رفت و بتاریخ ۲۶ حمل ۱۳۳۹ مطابق ۱۵، اپریل ۱۹۶۰ وارد مسکو شد و حدود یکماه در آنجا معطل گردید ۰ گرچه علت اقامت او را درمسکو انجام معاینات پزشکی وتداوی وانمود کردند ولی جریانات بعدی نشان داد که زعامت کرملن درحال تغییر وتحول بود وکسی بصورت مشخص نمیتوانست باوی مذاکره کند ۰

تحول در روسیه آن بود که بتاریخ ۱۷ ثور ۱۳۳۹ ورشیلوف از مقام خود استعفا داد وبجای آن بریژنیف بحیث صدر هیئت رئیسهٔ شورای عالی آن کشور انتخاب گردید ۰ وحداقل چند روزی ایجاب می کرد تاوی از مراسم تشریفات فارغ می شد وبا محمد داود ، دیدار و گفتگو می نمود ۰ و بنا بر این نامبرده بعد از مدتی نسبتاً طولانی بتاریخ ۳۱ ثور بکابل بازگشت ۰

در اثناء این تحولات وزیر جیالوجی روس سرگرم بازدید از افغانستان بود و نتایج کار تفحصات نفت و گاز را درشمال کشور ما بررسی می نمود ۰ بتاریخ ۲۵ می ۱۹۶۰ مطابق ٤ جوزای ۱۳۳۹ پروتوکولی زیر نام : «انجام معاونت به افغانستان در کار ساختمان بندر قزل قلعه از طرف اتحاد جماهیر شوروی» درکابل به امضاء رسید ۰ در مادهٔ (۲) پروتوکول مذکور معاونت تخنیکی روس به این شرح مشخص شده بود که :

۱ ـ تحویل سامان ومواد ساختمانی که در افغانستان وجود ندارد ۰

۲ ـ روان کردن متخصصین شوروی به افغانستان برای مشورت فنی ونظارت پروژه درطی ساختمان ونصب سامان وبکار انداختن و بهره برداری از تاسیسات بندر ۰

۳ ـ تعلیمات و تدریس پرسونل افغانی برای کار دربندر مذکور ۰

مصارف این بندر نیز همانند سایر پروژه های روسی و موافقت نامه های شان طبق مادهٔ(۳) پروتوکول، به همان قرضهٔ صدمیلیون دالری حواله گردیده است که بتاریخ ۲۸ جنوری ۱۹۵٦ به افغانستان اختصاص داده شده بود ولی درهمین ماده علاوه گردیده بود که :

«در صورتی که قیمت کل مصارف مربوط معاونت تخنیکی که از طرف اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان از پول قرضهٔ مذکور (همان کریدت قبلی) بشمول مصارف مربوط انجام معاونت تخنیکی درامور ساختمان بندر قزل قلعه درمادهٔ یک پروتوکول هذا در نظر گرفته شده است انجام می شود از مبلغ قرضهٔ فوق الذکر متجاوز باشد ، مبلغ اضافهٔ آن برطبق موافقت نامهٔ تجاری جاری بین افغانستان و شوروی از طرف جانب افغانی پر داخت می شود ۰»(۱)

در این پروتوکول ولفاظی های آن چنانکه ملاحظه میفرمائید ، سه نقطهٔ بارز جلب توجه می کند ۰

اول ـ برای سرازیر شدن تعدادی از روس های گرسنه وجاسوس در افغانستان زمینه سازی شده است ۰

دوم ـ موضوع پیش بینی «تعلیم و تدریس» برای پرسونل و کار گران افغانی در پروتوکول ، محض بدست آوردن یک مجوزهٔ قانونی است تاباستفاده از آن ، کارگران افغانی را اغوا کنند وبنام «درس و تعلیم کار دربندر» آنانرا به بیراهه کشند ۰

سوم ـ تمام مصارف پروژه و افراد روسی راحسب پیش بینی مادهٔ (۳) بدوش مردم افغانستان اندازند ۰

بدبختانه سرنوشت تمام پروژه های روسی و موافقت نامه ها وقرار داد های همکاری شان در افغانستان بهمین منوال بود ۰ و هر گاه جزئیات قرار داد های شان و پولی که بنام مصارف پروژه های خود از افغانستان دریافت کرده اند بدست آید (که متاءسفانه تا کنون دردست نیست) و محاسبه شود بصورت مسلم ویقین چندین برابر صدمیلیون دالر کریدتی میشود که بتاریخ ۲۸ جنوری ۱۹۵٦ به افغانستان اختصاص داده بودند ۰ وهمین امربود که افغانستان درمدت بیش از نیم قرن توفیق نیافت تاحداقل از لحاظ مواد خوراکی خود کفا شود وحتی سوزن و سنجاقی درست کند ۰

در برج جوزای ۱۳۳۹ مطابق جون ۱۹٦۰ یک هیئت فرهنگی تحت ریاست دکتر علی احمد خان پوپل وزیر معارف و معاون دوم صدارت بمسکورفت ۰ منظور روس ها از این دعوت آن بود تا کارهای خویش را درساحهٔ معارف نیز سرعت بخشند و تعدادی از گماشتگان خود را که تا آنروز درلیسه ها و مکاتب جابجا کرده بودند ، از فشار و مراقبت های احتمالی مصوون دارند ۰

در همین ماه ، دکتیار سفیر روس در کابل که سالیان درازی در افغانستان ماموریت داشت وکشور مارا بدام روس کشید تبدیل شد و بپاکستان مقرر گردید ۰ این تغییر در حالی

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (۹۸) ص ۱۳٤ ـ ۱۳۵ ۰

صورت گرفت که اوضـــاع در مرز های پاکستـــان و افغـانستـــان به شدت بحـرانی بود وتحـــریکـــات از دو طرف ادامـه داشت ۰ همچنـان یک هیئت هوانـوردی و وزیر راه و ترانسپورت روسی وارد کابل شد و در حالی که جنگ سرد و تبلیغاتی و برخوردهای مرزی میان دوکشور افغانستان و پاکستان ادامه داشت ، دربارهٔ امکانات انکشاف برنامه های هوائی و مسئلهٔ ترانـزیت بین روس و افغـانستان ، با مقامات کشور ما مذاکراتی بعمل آورد ؟

به سلسلهٔ این رفت و آمـدها که در هر ماه وآنهم بسویه های بالا صورت میگرفت ، بتاریخ سوم سرطان ۱۳۳۹ = ۱۸ جولائی ۱۹۶۰ ، دکتر محمد یوسف خان در راس هیئتی عازم مسکو گردید ۰ موصوف در آن ایام عهده دار وزارت معادن و صنایع بود و اغلب پروژه های صنعتی من حیث ارتباط ، توسط این وزارت با روس ها قرار داد می شد ۰

در ۲۸ جولائی ۱۹۶۰ مطابق ٦ اسد ۱۳۳۹ ش سفیر جدید روس «انتو نوف» وارد کابل شدو کارهـای سلف خود را دبنال نمود ۰ سفیر جدید روس در زرنگی و تلبیس کمتر از دیکتیار نبود و بزودی توانست شبکه های روس را در افغانستان توسعه دهد ۰ البته در آن ایام نفـوذ روس ها در درون جامعـه و اقشـار مختلف کشـور بحـدی راه یافته بود که کوچکترین مشکل و دشواری در برابر شان قرار نداشت وحتی میتوانستند افرادی را که استخدام کرده بودند ، آزادانه بخانه های خود دعوت کنند ویا به خانه های ایشان دعوت شوند و بزم میگساری و باده خواری ترتیب دهند ۰

بتاریخ ۱۷ اسد ۱۳۳۹ مطابق ۸ اگست ۱۹۶۰ کارساختمان بند برق نغلو توسط محمد داود خان افتتاح گردید ۰ قرار داد این پروژه درسال ۱۳۳۵ ش انجام یافته بود و روس ها در این مدت مورچه وار به اینطرف و آنطرف می دویدند وباپول بازی می کردند و میلیارد ها افغانی را بمصرف رسانیدند ۰ قدرت تولیدی این دستگاه شصت هزار کیلووات پیش بینی شده بود ۰ ولی در فرجام با صرف هزینه های گزاف ، نیمه ای از تولید پیش بینی شده هم بدست نیامد وکار آن نیز مثل سایر پروژه ها سالیان دراز ادامه یافت ۰

بتاریخ ۱۹ اسد ۱۳۳۹ مطابق اگست ۱۹۶۰ قرار دادهای مختلفی باپنج کمپانی روسی عقد گردید که به اساس آن سامان و آلات روسی از قبیل تراکتور و جرثقیل ، انواع سامان رادیو ، کامره های عکاسی و فلم برداری ، یخچال و خلاصه هر آنچه در روسیه تولید می شد به افغانستان سرازیر گردید و در اندک زمانی بازارهای کابل مملو از سامان روسی شد ۰ اینکار فقط برای راه یابی در بین طبقهٔ تاجر و جلب توجه آنها به سامان ولوازم روسی بود ۰ ورنه بعلت نقصان درکیفیت کالاهای روسی خریداری نداشت ۰

بتاریخ ۳۰ میزان ۱۳۳۹ = ۲۲ اکتوبر ۱۹۶۰ ، شاه به مصر رفت و بعد از دیدار و مذاکره

بارهبران آن کشور ، در اول نوامبر ۱۹۶۰ عازم بلگراد گردید ۰ این سفر ها اغلب تشریفاتی و تفریحی بود و ره آوردهای مثمر و سود مندی با خود نداشت ۰ البته در اعلامیه های مشترک از همکاری های متقابله نام برده می شد ولی اثرات آنها محسوس نبود ۰

در ماه اکتوبر و نوامبر دکتر ایرهارد معاون صدراعظم المان و شریف امامی صدراعظم ایران به ترتیب از افغانستان دیدن کردند و هر یک بنوبهٔ خویش همکاری کشور های شان را در برنامه های اقتصادی و تخنیکی افغانستان اظهار داشتند ۰ اما این همه علاقه مندی و آمادگی کشور ها برای سهم گیری در انکشاف عمرانی و اقتصاد افغانستان عملاً بجائی نمیرسید و مداخلات و ممانعت آشکار و مسقیم روس ها از انجام هر اقدام و تصمیمی مانع می شد ۰

بتاریخ ۵ جدی ۱۳۳۹ = ۲۶ دسمبر ۱۹۶۰ قرار داد دیگری با روسیه امضاء گردید که در آن ساختن دستگاه تولید برق در بندر قزل قلعه عنوان شده بود ۰ (پروتوکول مربوط به اعمار بند قزل قلعه و ماهیت آنرا قبلاً بیان داشتیم)۰

ساختن چنان بندی در قزل قلعه که درساحل آمومرز دریائی بین شیر خان بندر و روسیه قرار دارد ، نه تنها کو چکترین سودی برای افغانستان نداشت و از تولید آن روس ها بهره مند می شدند ، بلکه از نظر سیاسی و اقتصادی نیز ضربهٔ دیگری به پیکر افغانستان وارد میکرد ۰ زیرا روس ها میخواستند به این بهانه تعداد دیگری از افراد خود را در اینجا مستقرسازند و قسمت زیادی از مناطق ساحلی مارا از بین ببرند ویا توسط احداث بند درمحل آنرا تخریب کنند ومسیر دریای آمورا به سواحل افغانستان تغییر دهند و در فرجام پلی بر فراز این بندر اعمار نمایند تا آمد وشد جاسوسان روسی به سهولت فراهم شود، ۰ (متن قرار داد اخیر در دست نیست)

در اواخر جدی ۱۳۳۹ محمد داود خان به ایتالیا رفت و پس از انجام عمل جراحی ستون فقرات و مسافرت به ویانا ، بتاریخ ۱۵ حمل ۱۳۴۰ ش مطابق ٤ اپریل ۱۹۶۱ وارد مسکو گردید۰ در مذاکرات و ملاقات هایی که باسران کر ملن انجام داد ، بار دیگر قضیهٔ پشتونستان رامطرح ساخت و خروشچف نیز در پاسخ به آن ، موضع گیری مارچ ۱۹۶۰ خود را تائید و تکرار نمود و بهمین بسنده کرد ۰

این گفتگو وزمزمه ها و مسافرت ها در حالی جریان داشت که در طول سال ۱۳۳۹ه۰ش روابط افغانستان و پاکستان به اوج بحران و تیره گی رسیده بود ۰ و حتی گاهگاه طیارات دو طرف بمناطق مرزی همدگر تجاوز میکردند ۰ درعین حال تعدادی از کشور ها مانند المان ، چین، مصر ویوگوسلاویا آمادگی خود را برای سهم گیری در پلان پنجسالهٔ دوم اظهار کرده بودند ۰

سال ۱۳٤۰ خورشیدی و پی آمدهای آن

قبلاً اشاره کردیم که در آغاز این سال محمد داود خان برسر راه خود از مسکو دیدن کرد و مذاکراتی بازعمای آن کشور انجام داد وبازهم قضیه پشتونستان را درمیان کشید و خروشچف هم اظهارات مارچ ۱۹٦۰ خود را تکرار کرد • در این سال روابط افغانستان و پاکستان بدتر از پیش بود و جنگ سرد میان دو کشور به شدت ادامه داشت • واما در داخل کشور دولت می کوشید با تبلیغات و تلقینات بیش از حد دربارۀ پلان دوم اقتصادی ، مردم را که از ظلم و فقروبی عدالتی رنج می کشیدند به خواب مصنوعی فروبرد و در عالم تصور و خیال ایشان را به باغها وقصر هائی بکشاند که محمد داود خان و دار و دسته اش اعمار آنرا وعده می دادند •

در دوم سرطان ۱۳٤۰ مطابق ۲۳ جون ۱۹٦۱ سالگردسی ساله قرار داد عدم تعرض و بیطرفی بین کابل و مسکو ، با آب وتاب خاصی تجلیل گردید و مطبوعات هردو کشور در زمینه نشرات خاصی داشتند و دعوت ها و شب نشینی ها و باده گساری ها از یاد بود افتخارات این روز محسوب می شد • دران ایام تشخیص و برداشت جهانیان از محمد داود خان و اوضاع افغانستان خیلی مبهم و گنگ به نظر میرسید • و هیچکس بدرستی نمیدانست که در فرجام، از این معجون مرکب چه چیزی بمیان خواهد آمد •

نظامی که از یکسو شعار آزادی و عدم انسلاک و بیطرفی را به کهکشان ها میرساند ولی عملاً درسیاست های داخلی و خارجی نقش پای روس را دنبال میکرد و پا و دست خود و مردم خود را درزنجیر روس گرائی بسته بود ، واقعاً برای جهانیان معمای لاینحلی شده بود و باهمه تاریکی ها و ابهامی که از چهرۀ واقعی محمد داود خان وسیاستش در اذهان قرار داشت ، بازهم اغلب کشور ها می کوشیدند از طریق سهم گیری کمک های اقتصادی ، تعادل سیاسی را در منطقه و افغانستان بر قرار نگه دارند • ولی محمد داود خان که دیگر نمیتوانست پا از حریم قرار داد های روسی فرابکشد، فقط هر جامیرسید جز قضیه پشتونستان مضمونی برای گفتن نداشت و همین وضع باعث گردیده بود که بعضی از کشور ها در روابط خود با افغانستان محتاط و خویشتن دار باشند •

مع هذا در سوم سرطان ۱۳٤۰ء = ۲٤ جون ۱۹٦۱ محمد داود خان بنا بدعوت حکومت انگلستان و المان غرب عازم این کشور ها گردید و در مصاحبه مطبوعاتی ای که درلندن انجام داد بار دیگر مسئلۀ پشتونستان را در بازار تجارت سیاسی عرضه کرد و از جهانیان تقاضای کمک نمود، تا از طریق رای گیری و همه پرسی و یاراه دیگر تمنیات مردم پشتونستان براورده گردد • این جنون و غوغای محمد داود برسر «هیچ» اغلب اورا بادست

خالی به کشور باز میگردانید • زیرا قضیه مذکور نزد جهانیان جزبازیچهٔ مسخره وبی محتوا مفهـومی نداشت • باآنهم سفر محمد داود خان به غرب روس ها را بیقرار ساخت و فوراً هیئتی را بنام «هیئت انرژی» بکابل فرستادند • هیئت مذکور از طرف محمد نعیم خان به گرمی استقبال گردید و اعلان داشتند که افغانستان دارای انرژی اتومی خواهد شد •

آمدن هیئت روسی به افغانستان در زمانی که محمد داود خان سرگرم بازدید از غرب بود معنی آنرا داشت که روس ها با این نوع شعار ها ، در تصمیم گیری غرب نسبت به کمک های شان اختلال وارد سازند، واز سوی دیگر پاکستان را وا دارند تا بر کشور های مربوط فشـار آورد واز کمک به افغانستان خود داری شود و نیز درتحت چنان فشار وشرایطی پاکستـان را مجبور سازند تا دستی بسوی روس ها دراز کند • ورنه کشوری که توان ساختن «کبریت» را هم نداشت چگونه میتوانست اتوم تولید کند و اصولاً اقدام به اینکار یعنی چی ؟؟

خلاصه درهمان ایام و به اثر تحریکات روس ها تشنجات و برخورد های مرزی هرروز بیشترمی شد و طیارات پاکستان همه روزه گوشه ای از نوار مرزی را بمباردمان میکردند و اوضاع در سرحدات فوق العاده بحرانی ونا مطلوب بود •

در سرطـان و اسـد ۱۳٤۰ = جولائی ۱۹٦۱ میونـدوال سفیر افغانستان در واشنگتن باکندی ملاقات نمود و اعلام داشت که رئیس جمهور امریکا بوی اطمینان داده است تا در قضیه پشتونستان از هیچ طرفی طرفداری نکند •

در جریان بحران روابط بین پاکستان و افغانستان وپس از ملاقات میوندوال باکندی، خروشچف پیام عاجل و مخصوصی به محمد داود خان فرستاد که متن آن افشانگردید • ولی پی آمـد و نتایجش آن بود که خزابی اوضاع بیشتر و شدید ترشد و بتاریخ ۱۵ سنبله = ۵ سپتـامبر ۱۹٦۱ ، باردیگـر قونسلگـری های افغانستان در کویته ، چمن و پشاور بسته گردید • و ده روز بعد ازآن بتاریخ ۲۵ سنبله محمد نعیم خان عازم مسکوشد و دراعلامیهٔ مختصری که انتشار یافت تنها به همینقدر اکتفا شده بود که بین جانبین دربارهٔ مسایل ذی علاقه مباحثاتی صورت گرفت •(۱)

بدنبال سفر محمد نعیم خان ودرایامی که مناطق «باجور» گاهگاهی تحت فشار های عملیات هوائی قرار میگـرفت ، یک هیئت پارلمـانی روسیه دراوایل اکتـوبـر ۱۹٦۱= میزان ۱۳٤۰ وارد کابل گردید و نیز هیئتی تحت ریاست دکتر محمد یوسف وزیر معادن وصنایع غرض جلب کمک های روس در «پلان پنجسالهٔ دوم» بمسکورفت • همهٔ این آمد و شد ها دراثر همان فرصت طلبی هائی انجام می یافت که روس ها درتمام جریان روابط خود

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ۱۵ سنبله ۱۳٤۰ ش مطابق ۵ سپتامبر ۱۹٦۱ و۲۵ سنبله = ۱٦ سپتامبر •

با افغانستان ازآن استفاده میکردند وکارهای خویش را بسرعت جلومی بردند ۰ چنانچه روی همین تلاش ها بتاریخ هفتم عقرب ۱۳٤۰=۲۸ اکتوبر ۱۹۶۱، شورای ملی افغانستان کمک های روسیه را در پلان پنجسالهٔ دوم تصویب نمود و یکصد و شصت نماینده آنرا تائید کرد(۱) این نماینده هانه از آن گونه افرادی بودند که میتوانستند در مسایل و موضوعات به اساس درک و فهم و منافع ملی تصمیم بگیرند بلکه همه در این مورد حیثیت طوطی های خوش کلامی را داشتند که هر آنچه محمد داود خان می گفت آنرا تقلید میکردند ۰ افرادی هم که دارای احساس بودند در اقلیت قرار داشتند وکاری کرده نمیتوانستند ۰

در برج جدی همین سال قرار داد ، ده هزارتن کشمش نیز بین افغانستان و روسیه به امضاء رسید این قرار داد نوعی تظاهر و عوام فریبی بود و روس ها میخواستند بوسیلهٔ آن توجه اقشار مختلف را بخود جلب کنند ۰ زیرادر اثر خرابی روابط با پاکستان ، راه ترانزیت و تجارت افغانستان که از طریق پاکستان و بندر کراچی انجام می یافت ، مسدود گردیده بود ۰ اما در عمل اینکار را هم روس ها حسب دلخواه خویش انجام میدادند و صدها صندوق میوهٔ خشک و تر را به بهانهٔ اینکه دیر رسیده ویا خراب است ، درکنار آمو انبار می کردند و از انتقال آن خود داری می نمودند و برای تجار افغانستان میلیون ها افغانی خساره وارد می شد ۰

بتاریخ ۱۳ جنوری ۱۹۶۲ = جدی ۱۳۴۰ ، موافقت نامه ای راجع به : «تحویل دهی اجناس مصرف عامه از طرف شوروی به افغانستان» توسط غلام محمد خان شیرزاد وزیر تجارت و ن ۰ سمیلیاکوف نمایندهٔ روس ، درکابل به امضاء رسید طبق این موافقت نامه روس ها برای پرداخت ارزش تحویلی اجناس خود به افغانستان حدود ۱۲ میلیون دالر امریکائی را از قرار تکت پولی سالیانه ۲ فیصد بحکومت افغانستان وعده دادند و توافق کردند که بعد از ۸ سال تادیهٔ کریدت مذکور آغاز و درمدت ۲۲ سال از طرف افغانستان تاءمین خواهد شد و تاریخ استفاده از هر قسمت کریدت از زمانی محسوب می شود که همان قسمت به انبار های مرزی در شهر های ترمز و یا کشکی (؟) میرسد ۰

شاید وزارت تجارت افغانستان از این موافقت نامه خیلی خوش و راضی شده باشد ، اما توجه فرمائید که روس ها در این قرار داد چون سایر موافقت نامه های شان قبر افغانستان را کنده اند ۰ بدین معنی که درموافقت نامه مذکور از جنس ، نوعیت و فهرست و مقدار امتعه و کالا های تحویل دهی خود به افغانستان و نیز از کمیت و کیفیت و چکونگی بهای فی واحد کالاهای خود ، حرفی درمیان نیاورده اند ، و بصورت کل و سر جمع آنها را محاسبه نموده اند ۰ چنانچهٔ در مادهٔ (۱) آن آمده است که :

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ، ۷ عقرب ۱۳٤۰ = ۲۸ اکتوبر ۱۹۶۱ ۰

«در مدت ، از سال ۱۹۶۲ الی سال ۱۹۶۶ ، اجناس مصرف عامه به مبلغ کل ۱۲ میلیون دولار امریکائی طبق ضمیمهٔ این موافقت نامه از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی به افغانستان تحویل داده خواهد شد ۰ (اصلاً چیزی بنام ضمیمه در این موافقت نامه وجود ندارد۰)

من جمله اجناس مذکور در سال ۱۹۶۲ به مبلغ دو میلیون دولار، درسال ۱۹۶۳ مبلغ دو میلیون دولار، در سال ۱۹۶۴ مبلغ ۲ میلیون و پنجصد هزار دولار ، درسال ۱۹۶۵ مبلغ ۲ میلیون و پنجصد هزار و درسال ۱۹۶۶ به مبلغ ۳ میلیون دولار امریکائی تحویل داده خواهد شد ۰»

ولی در هیچ کدام از ماده های موافقت نامه تذکر نداده اند که چه چیزی زا روی این موافقت نامه به افغانستان تحویل میدهند ، سنگ ، کلوخ ، روغن نباتی ، سمنت ، کنجاره، چي؟ از همین جابود که تمام کالاهای روس اعم از مصرفی و غیر مصرفی ، نه بنام جنس ونوع ومقدار، بلکه بحساب«تن» وبدون فهرست اجناس وبهای فی واحد جنس به افغانستان فروخته می شد، و آنهم به دولار۰ یعنی ماشین های کهنه واز کار افتاده ، خشت پخته ، پرزه های فرسوده و غیر قابل استفاده ، تیل خاک ، کفش ، یخچال، ظروف نکلی ، جرثقیل و تراکتور وامثال آن ، همه بوزن بالای افغانستان بفروش میرسید وبجای آن عمده ترین تولیدات و مورد نیاز خود مردم را به کمترین بهائی که خود تعیین میکردند ، بروسیه می بردند ۰

اما در مادهٔ (۴) این موافقت نامه ، آنجا که تکلیف جانب افغانستان دران درج است ، نوشته اند که :

«مبلغ کریدت وتکت پولی آن از طرف افغانستان یا تحویل دهی به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی، پنبه، پشم واجناس افغانی دیگری که مورد علاقه موسسات شوروی میباشد ، بشرایط موافقت نامه تجارتی معتبر افغانی و شوروی تادیه خواهد شد ۰

فهرست ومقدار اجناس افغانی که بعنوان استهلاک مبلغ کریدت و تادیهٔ تکت پولی آن برای تحویل دهی به اتحاد شوروی سوسیالستی پیش بینی می شود ، از طرف طرفین هر سال ۳ ماه قبل از شروع سال نوین تحویل دهی موافقت خواهد گردید۰»(۱)

ملاحظه می کنید که در اینجا جنس ، مقدار ، فهرست و شرایط خریداری اجناس افغانی همه مشخص شده است و انتخاب جنسی هم که در موافقت نامه معین نگردیده ، به اختیار

۱ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی سند شمارهٔ (۱۰۶) صفحهٔ ۱۴۰، ۱۴۲ ۰

موسسات شوروی گذاشته شده است ٠

معلوم نیست وزرائی که در زیر همچو موافقت نامه ها امضاء میکردند ، آنرا مطالعه میفرمودند یا خیر ؟ ویا اینکه گماشتگان روسی در ادارات و دوایر افغانستان همه اسناد را با روس ها یکجا ترتیب می دادند و وزراء در پایان آن صحه می گذاشتند !!

بهمین ترتیب با استفاده از فرصتی که پیش آمده بود روس ها در دلوهمان سال = جنوری ۱۹۶۲ قرار داد هیدرو مترولوژی و هواشناسی و آب شناسی را در نواحی مرغاب با افغانستان امضاء کردند که تجهیزات و سامان و لوازم آن نیز دران گنجانیده شده بود ٠ این قرار داد ها و پروژه ها اصلاً خواست خود روس ها بود و حکام افغانستان هر گز نمی پرسیدند فایدهٔ آن چیست و برای چی ؟ جالب توجه آن بود که روس ها در اینقرار داد پیش بینی کرده بودند که دستگاه هواشناسی مرغاب و هریرود بادستگاه رادیو تیلیفون مجهز باشد ٠(۱)

این قرار داد که برای افغانستان کوچکرین ارزشی نداشت و اصلاً نیازی به آن احساس نمی شد ، همه بهانه و وسایلی بودند که روس ها میخواستند با مطرح کردن این نام ها و پروژه ها، اصلاً ساخات سوق الجیشی ، ثروت های طبیعی ، چگونگی اوضاع مرزی بین ایران و افغانستان را ارزیابی نمایند و در فرجام برای شبکه های جاسوسی خود دران نواحی ، جای پائی درست کنند ٠ و راپور کارنامه های خود را همه روزه به مسکو اطلاع دهند وتمام مصارف آنرا هم بدوش ملت افغانستان حواله نمایند ٠

در اثر تیره گی روابط بین پاکستان و افغانستان و مسدود شدن راه ترانزیت که قبلاً اشاره کردیم ، صدهاتن کالا دربندر کراچی انباشته گردید ودر همین ماه (جدی ۱۳۴۰ = جنوری ۱۹۶۲) حکومت کابل از نرسیدن اموال افغانی به ایالات متحده اطلاع داد و تقاضا کرد به پاکستان فشار وارد کند تا مال التجارهٔ افغانی را از انبار خانه های خود خارج و به افغانستان انتقال دهد ٠

این بود آنچه در سال ۱۳۴۰ ، اتفاق افتاد و اینک صفحهٔ دیگری از تاریخ را ورق میزنیم و جریانات بعدی را دنبال می کنیم ٠

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح دلو ۱۳۴۰ ٠

سال ۱۳۴۱ خورشیدی آخرین سال صدارت محمد داود خان
یا
سال «دیا لوگ» های تحریری بین شاه و محمد داود خان

قبل ازانکه وارد جریانات ورویداد های سیاسی این سال شویم ناگزیریم بازهم از دو موافقت نامهٔ دیگری یاد آوری کنیم که روس ها در آغاز سال ۱۳۴۱ ش بامقامات افغانی امضاء کرده اند ۰

نخستین آن موافقت نامه ای است که بتاریخ ۱۱ اپریل ۱۹۶۲ مطابق ۲۲ حمل ۱۳۴۱ زیر نام : «همکاری در توسعهٔ ساختمان منازل و تنظیم عمومی پلان شهر کابل» بوسیلهٔ عبدالله خان ملکیار وزیر مالیه و انتونوف سفیر روس در کابل به امضاء رسیده است ۰

طبق مادهٔ (۱) موافقت نامهٔ مذکور ، روس ها تعهد می کنند که در تنظیم پلان عمومی شهر کابل ، ساختن یکدستگاه فابریکهٔ خانه سازی و پروژهٔ خانه سازی به افغانستان «معاونت اقتصادی و تخنیکی رایگان» می کنند واقدامات ذیل را بعمل می آورند ۰

کار سروی و پروژه سازی ، کار های توپوگرافی ، جیودیزی، جیولوژی ، هیدرولوجی وانجنیری ساختمان و تحویل دهی سامان آلات که در افغانستان پیدا نمیشود ۰

ولی در بند «ب» مادهٔ «۳» تذکر می دهند که:

«حکومت شاهی افغانستان فابریکهٔ مذکورا باکارگران و مواد ساختمانی محلی ، به پول خود ووسایل ترانسپورت و میکانیزم های ساختمان مطابق لست و محتویاتی که بعد در قرار داد ذکر می شود تاءمین نموده کارگاه تعمیراتی میدان هوائی کابل (۱) را به صفت جزو فابریکهٔ خانه سازی واگذار می کند ۰»

و در بند «هـ» مادهٔ «۳» می گویند که: «مصارف موسسات شوروی به اسعار افغانی مربوط اعاشهٔ متخصصین شوروی را که طبق مادهٔ(۲) این موافقت نامه به افغانستان اعزام می شوند، تادیه وجبران نمایند ۰» و بعد در مادهٔ«۷» علاوه می کنند:

«طرف شو روی تعداد ۳۰ موتر و پرزه جات و تیل و روغنیات طرف ضرورت در وقت ساختمان فابریکهٔ خانه سازی مختلط بر موضوع موافقت نامه تحویل میدهد وطرف افغانستان قیمت سامان ومواد فوق الذکر را از پو ل قرضهٔ ۷۳ میلیون روبل که مطابق موافقت نامهٔ مورخ ۱۶ اکتوبر ۱۹۶۱، بین شوروی وافغانستان، به افغانستان داده شده ، خواهد پرداخت ۰(۲)

---

۱ ـ در گذشته دیدیم که تعمیر و قیرریزی و تسطیح میدان هوائی کابل را چندین بار روس ها قرار داد کرده اند و اینبار بازهم آنرا بعهدهٔ پروژهٔ فابریکهٔ خانه سازی می اندازند ۰

۲ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی سند شمارهٔ (۱۰۷) صفحهٔ ۱۴۲ـ۱۴۵ ۰

بلی ! به اســاس این موافقت نامــه ، کاری که روس ها باید در پروژۀ یاد شده انجام میدادند ، فقط سروی و نقشه برداری بود و تحویل دهی بعض سامان آلات که در برابر آن صدها روسی بنام متخصص از هزینۀ افغانستان معاش دریافت می کردند و اعاشه و اباته می شدند ٠ پول موتر و پرزه و تیل و روغنیات راهم از افغانستان تحصیل می نمودند و با این شرایط نام آنرا : «معاونت اقتصادی و تخنیکی رایگان به افغانستان» می نهادند !!

در حالی که کارهای نقشه برداری و مهندسی شهر سازی را انجنیران افغانی خود به نحو بهتر انجام می دادند و نیازی بروس هانبود ٠ و معلوم نیست کدام قسمت کارشان رایگان بوده است ؟؟

تمام این برنامه ها فقط و فقط جنبۀ استثماری و استعماری داشت و برای آن صورت می گرفت تا روس ها درافغانستان مشغول باشند ، زندگی شان از پول یتیم و بیوۀ افغانستان تاءمین شود و روز بروز ساحۀ نفوذ خود را گسترده تر سازند ٠

دو دیگر «پروتوکولی» میباشد که بتاریخ ۱۷ می ۱۹٦۲ مطابق ۲۷ ثور ۱۳٤۱ تحت عنوان «معاونت اقتصادی و تخنیکی» بین وزارت مالیه و نمایندۀ روس در کابل به امضاء رسیده است و روس ها ۱۸ میلیون روبل را به شرایط موافقت نامۀ ۲۸ جنوری سال ۱۹۵٦ قرضـه داده اند ٠ تا از آن در ساختمان سرک موتر رواز جبال هندوکش و کا نال آبیاری جلال آباد استفاده شود ٠(۱)

ولی در مادۀ (۱) آن تذکر داده شده است که :«٠٠٠٠٠ از قرضۀ مذکور برای پرداخت مصارف موسسات شوروی مربوط به انجام معاونت تخنیکی بیشتر ، مخصوصاً اتمام ساختمان سرک موتررو از جبال هندوکش موضوع موافقت نامۀ مورخ اول مارچ سال ۱۹۵٦ بین افغانستان و شوروی (۲) و همچنین برای تادیۀ مصارف موسسات شوروی مربـوط به معـاونت در انجام کار های «امیلیوراسیون» زمین های واقع منطقۀ کانال جلال آباد استفاده می شود ٠»

و به این ترتیب مصارف صد ها جاسوس روسی که از آموتا تورخم جابجا شده بودند ، همه روزه بنام ها و عناوین مختلف بالای افغانستان تحمیل می شد وبه حجم و مقدار قرضه های روسی افزایش بعمل می آمد ٠ حالانکه دربارۀ هریک از موارد یاد شده در این موافقت نامه بار بار قرار داد های جداگانه ای صورت گرفته بود که هر کدام تخصیصیه و حساب جداگانه ای داشت ٠ لیکن هیچکس درفکر این حرفها نبود روس ها خود می بریدند ، خود می دوختند و خود می فروختند !!

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی سند شمارۀ (۱۰۸) صفحۀ ۱٤۵ـ ۱٤۷ ٠

۲ ـ اشاره به همان کریدت یکصد ملیون دالری است که در حین مسافرت بولگانین به افغانستان اختصاص داده شده بود ٠ وازان تاریخ به بعد تمام پروژه ها و موافقت نامه های روسیه به آن حواله می شد و هیچ خلاصی نداشت ٠

اوضاع داخلی کشور و جریانات اجتماعی واداری آن نیز در حالت اسفناکی قرار داشت و مردم به سختی نفس می کشیدند • بدامنی ، ظلم ، تبعیض ، بی عدالتی ، خود کامگی ، بی بند و باری ، فحشاء وفسادی که مخصوصاً درسال های اخیر صدارت مجمد داود خان در سرتاسرکشور سایه افگنده بود ، سر نوشت افغانستان را هر روز به قهقراميکشانید و دورنمای تاریک و یاس آوری قلب وروح مردم را درهم می فشرد •

استبداد ، اختناق و مظالم عمال محمد داود خان بحدی رسیده بود که مردم حتی جرئت سرگوشی را هم در بین خود نداشتند و به اصطلاح از سایهٔ خود ، رم میکردند •

معیار شناخت و تشخیص وقضاوت محمد داود از اوضاع واحوال اجتماع و بدبختی مردم ، به اساس راپور های غلط و اغواگرانه ای استوار بود که از طریق شبکه های جاسوسی اش بوی مواصلت میکرد • وجز این دگر نه کسی به نزد اورسیده میتوانست تا عرض حال کند و نه یاراو جرئت بیان حقایق را داشتند و نه هم او بحرف کسی گوش میداد • در اثر چنین روش های نادرست زندگی به مردم تلخ و ناگوار شده بود وحتی هیچکس درخانه و دفتر وبازار احساس مصوونیت نمیکرد •

تنها گروهی که باجرئت و صراحت و درکمال آزادی و اطمینان بکار های حزبی و سازماندهی و تبلیغات و فعالیت جلب و جذب جوانان می پرداختند ، افراد و عناصر وابسته به مسکو بودند •

ترتیب کار وبرنامه های ایشان در وهلهٔ اول این بود تا درپوشش «روشنفکری» و ستایش و تمجید از محمد داود خان و کارنامه هایش ، نظر او را بخود جلب کنند و درزیر چتر حمایت او خود را سازماندهی نمایند •

محمد داود خان در تحت تاثیر تبلیغ و تلقین این گروه و باالتکاء به پشتیبانی آنان که گمان میکرد واقعاً درخط فکری او قرار دارند و از آرزو های وی پیروی می کنند ، طرح تازه ای را رویدست گرفت و دربی آن شد تازیر نام مشروطیت و تحول ، سیستم یک حزبی را در افغانستان رویکار آورد وخود در راس آن قرار گیرد • و بدین ترتیب از یکطرف قدرت و حاکمیت را قانوناً و برای هیمش از آن خود سازد واز سوی دیگر رهٔ جنبش های مرئی وغیر مرئی آزادی خواهی را در اجتماع سد سازد و تلاش رقبای خویش را در خانواده اش نیز خنثی نماید •

روی این منظور از آغاز سال ۱۳٤۱ ش مرام ها ونقشه های خویش را بصورت ملفوف وخیلی ماهرانه ترتیب و تنظیم نمود و آنرابصورت نامه ای غرض تائید و منظوری شاه به دارالتحریر شاهی فرستاد که متن آنها بعد از کودتای ۲٦ سرطان ۱۳۵۲ و توسط خود وی فاش گردید • واینک آن حرفها و تعاطی نظر را که بین شاه و محمد داود خان بصورت «دیا لوگ» کتبی انجام یافته بود، غرض استفادهٔ خوانندگان عزیز در ذیل نقل می کنیم •

متن مکتوب مورخ ۹ سرطان ۱۳٤۱ ش محمد داود خان

«حضور اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان ! آنچه را امروز حضور شما بغرض میرسانم تصور می کنم در سرنوشت آیندهٔ ملت افغان آنقدر مهم وحیاتی وبدورهٔ سلطنت شما آنقدر اقدام بزرگ و تاریخی باشد که میتوان در اطراف آن کتابی نوشت ویک عالم دلایل وتوضیحات بعرض رساند ۰ اما میدانم عرایض طولانی هم برای کسی که مینویسد وهم برای خواننده بعضاً خسته کننده می باشد لذانمیخواهم عریضهٔ من طولانی باشد ۰ کوشش می کنم بصورت بسیار مختصر چیزی را که بعقیدهٔ خود (که این همیشه عقیدهٔ من بوده و خواهد بود) خیر وسعادت ملت افغانستان و اقدام بزرگ و تاریخی دورهٔ سلطنت شمامیدانم بحضور شما بعرض رسانم ۰ موجبات و دلایل اینکه چرا تحول اجتماعی باید در این مملکت بعمل آید ضرورت نیست در اینجا توضیح کنم ۰ زیرا در اطراف آن همیشه صحبت نموده ایم و افکار و نظریات بنده در این خصوص گمان می کنم کافی ، واضح وروشن بحضور شما معلوم است ۰ تصور میکردم که بهترین موقع اظهار همچویک مفکوره از طرف حکومت ، وقتی بود که پلان دوم اقتصادی به شورای ملی تقدیم می شد و در ضمن آن از خطوط اساسی تحول اجتماعی ای که به اساس یک پلان مدنظر دولت است به سمع و کلای شورا رسانیده می شد ۰ چون از یکطرف از طرز تفکر بعضی از رفقای کابینه اطلاع نداشتم و از طرف دیگر حضور شما بکابل تشریف نداشتید ، بنا بر این موقع گذشت ۰ اما هر قدمی که برای خیر و سعادت ملی برداشته می شود بهر وقت وزمانی که باشد یقیناً مفید و موثر است مشروط براینکه بسیار نا وقت نشده باشد ۰

بعقیدهٔ من وضعیت مملکت و جریانات عصروزمان تحولی را ایجاب می کند و اگر حضور شما چنین یک تحولی را بحال مملکت موزون و مفید می شمارید (که بنده از هر نقطه نظر آنرا لازم میدانم) پس تصور می کنم عملی ساختن همچویک مفکوره اگر بوقت ودریک فضای نسبتاً مساعدتر صورت بگیرد تاثیر آن عمیق تر و انعکاسات آن خوبتر خواهد بود ۰ از این لحاظ بازهم بنده همین موقع را برای شروع اینکار بوقت وبجا میدانم ۰ شک نیست که تطبیق پلان پنجسالهٔ اول از هر جهت نزد اکثر طبقات بی تاثیر نبود و نهضت نسوان که یکقدم مهم اجتماعی بود، مخصوصاً نزد طبقات منور وجوان طرف تقدیر واقع شد و رویهمرفته تا اندازه ای یک فضای امید وخوش بینی تولید نمود ۰ اما باید دانست که انکشاف اقتصادی، افکار و ذهنیت های جدید اجتماعی راحتماً باخود آورد نیست وا گر در این قسمت معنوی حیات که بعقیدهٔ من فوق العاده مهم ، ضروری و خالی از اشکال نیست توجه و سنجش عمیق بعمل نمی آید و به غرض

راهنمائی یک ملت بمقصد رسیدن به هدف مطلوب ، موازی باپلان اقتصادی ، پلان تحول اجتماعی طرح و عملی نمیگردد ، روزی خواهد رسید که مواز نه بکلی برهم خورده و دفعتاً این مملکت به مشکلاتی دو چار گردد که ممکن است در آن وقت حل آن آنقدر سهل و ساده نبوده وبه منفعت ملی افغانستان تمام نشود ۰ مردم مخصوصاً طبقهٔ منور از نقطهٔ نظر اجتماعی آرزومند تحول وبه آن انتظار دارند ۰

درخفا اقسام افکار وعقاید و ذهنیت ها موجود است ، دست اجانب برای مقاصد سیاسی خود مشغول فعالیت اند ۰ این طرز حکومت برای مردم مخصوصاً طبقات منور چندان خوش آیند نیست وخسته شده اند ۰ برای حضور اعلیحضرت وبعضی دیگران اگر هنوز این طرز قابل تحمل است ، برای بنده که منسوب به خاندان هستم چون عاقبت آنرا بضرر مملکت و ناکامی سلطنت می بینم راستی عرض می کنم که بعد ازاین قابل دوام نیست ۰ بصورت مستقیم وغیر مستقیم افراد منسوب به خاندان (زیرا حدود خاندان ومربوطین آن امروز به پیمانه ای رسیده که مشکل است برای آن حدود قایل شد) کار دار یا بیکار ، خورد و کلان امتیازاتی به خود ها قایل هستند و این چیز را یک حق مثبت وطبعی خود میدانند ۰ قوانین مملکت هرچه باشد در نظر آنهابیش از چند کلمهٔ بی معنی دیگر ارزشی ندارد وغیره وغیره ۰۰۰۰۰، پس یا باهمه باید مطابق قانون ومقرارت رفتار کرد که حتماً عکس العمل هائی را بار آوردنیست ویا اینکه تحمل کرد وچشم پوشید، که خود سبب بی عدالتی وبی انظباتی گردیده و گردیدنی است ، پرسش وبازخواست وقتی ممکن و میسر شده میتواند که دران امتیاز ی موجود نباشد و اگر امتیاز موجود باشد مفهوم حقیقی قانون و عدالت از بین رفته واگر این باز خواست یکطرفه اجرامی شود، نتیجه جزاز تولید عکس العمل وبدبینی مدهش تری بمقابل حکومت و سلطنت چیز دیگری نخواهد بود ۰

اعلیحضرتا! صفحات تاریخ گذشتهٔ افغانستان بهترین درس است که میتوان از آن عبرت گرفت (کاشکی) تاریخ گذشته و آنچه را خود درحیات دیدیم و تجربه کردیم بما واضح ساخت که جاه طلبی ها و رقابت ها، شخصیات و خود سری های افراد چه در خاندان های سلطنتی و یادستگاه حکومت و چه در بین طبقات با نفوذ مملکت جز ناکامی وبربادی خود آنها و خسارت مادی و معنوی مملکت نتیجه نداشت و ندارد ۰ خدانکند که آن وقایع تلخ در این عصر دورهٔ سلطنت اعلیحضرت شما دوباره تکرار شود ۰ مسئله ای که بار ها بحضور شما عرض نموده ام از صمیم قلب یکبار دیگر عرض می کنم که این طرز اداری مملکت و این فضای خاندانی با ذهنیتی که آنها تربیت شده اند بعد از این باهرتعبیری که به آن کرده شود چه از نگاه مسوولیت وظیفه و چه از نقطه نظر عقیدهٔ

شخصی برای من قابل تحمل نیست . لذا نظر و پیشنهاد من بحضور اعلیحضرت شما .
از اینقرار است :

اول ـ الترناتیف اول :

اینکه ملت افغانستان چه شکل و طرز اداره را برای آیندهٔ مملکت مفید و مناسب میداند ، توسط یک رفراندم عمومی رای آزادانهٔ ملت افغانستان خواسته شود . درجهٔ فهم و تطبیق و عملی ساختن همچویک رای گیری نظر به سویهٔ فعلی مردم ، چه خواهد بود ، خیلی مجهول و در ظاهر غیر عملی به نظر میرسد . از طرف دیگر چون در همچو یک رفراندم طبیعتاً حرف ازسیستم های مختلف بمیان خواهد آمد ، لذا فیصله وقرار آخرین آنها تنها و تنها به شخص اعلیحضرت شما بحیث پادشاه افغانستان مربوط است وبس .

دوم ـ الترناتیف دوم:

۱ ـ کمیسیونی مرکب از متخصصین حقوق و اشخاص با صلاحیت و باتجربه تعیین گردد تا در قانون اساسی تجدید نظر نموده پروژه های قانون اساسی جدید را (به اساس سلطنت مشروط) ترتیب و بحکومت تقدیم دارند .

۲ ـ همچنان عین کمیسیون ویا کمیسیون دیگر قانون انتخابات و دیگر قوانین مهمی که به قانون اساسی رابطهٔ نزدیکی دارد تدوین و بغرض غور و مطالعه بحکومت تقدیم دارند .

۳ ـ پس از غور و تصویب دولت ، لویه جرگه انعقاد گردیده و قوانین مذکور، بغرض غور و تدقیق و تصویب به لویه جرگه تقدیم گردد .

٤ ـ پس از تصویب قانون اساسی از طرف لویه جرگه آمادگی برای انتخابات گرفته شده و به اساس قانون جدید انتخابات عملی گردد .

۵ ـ با ختم انتخابات وافتتاح شورای جدید (به اساس یک حزبه و دو حزبه) حکومت فعلی مستعفی و حکومت جدید تشکیل و زمام امور مملکت را بدست خواهد گرفت . این اجراآت باید به اساس یک پروگرام بوقت معین عملی گردد ... (گراف ضمیمه) . در این موضوعات بابعضی از اعضای کابینه که بصورت انفرادی و مجموعی مذاکره و تبادل افکار نموده ام اینها هستند :

۱ ـ علی محمد خان معاون صدارت .

۲ ـ وزیر خارجه .

۳ ـ وزیر داخله .

٤ ـ وزیر مالیه .

۵ ـ وزیر معادن و ضایع .

٦ ـ وزیر معارف ۰

۷ ـ رئیس مستقل قبایل ۰

الـترناتیف اول از طرف همه بصورت مجموعی غیر قابل تطبیق و مفید خوانده نشد ۰ بنابر این از مباحثات در اطراف آن فعلاً صرف نظر گردید ۰ راجع به الترناتیف دوم اینکه در مسایل اجتماعی بوجود آید همه ضرورت آنرا حس نموده و به آن گمان می کنم اتفاق داریم ۰ اما در طرز عملی ساختن آن ممکن در نظریات و افکار تفاوت هائی باشد که طبعاً موقع مذاکرات و مباحثات امیدواریم بالاخره به نتیجه برسیم ۰»(۱)

چنانکه تذکر رفت محمد داود ، در این پیشنهاد خود به چند نکتهٔ مهم اشاره می کند ۰ نخست از انتخـاب و نحـوهٔ حکـومت بر اسـاس آرای مردم برای آیندهٔ افغانستان ۰ ولی علی الفور خودش دست رد میگذارد و آنرا بالاتر از سویهٔ مردم افغانستان میداند که این خود توهینی به ملت افغانستان بود ۰ او در این پیشنهاد و عبارات میخواست خود را از طرفداران آزادی های فردی و اجتماعی قلمداد کند در حالی که چنین چیزی در روح و اندیشه و طبعیت او وجود نداشت وهیچ آزاد مرد و آزاد اندیشی را در ماحول خود اجازه نمیداد و تاروز مرگ هم بدینمنوال بسر برد ۰

نکتهٔ دومی گله و شکایتی است که محمد داود در معروضهٔ خود از خانوادهٔ سلطنت دارد ۰ و این انگیزهٔ او برای کسانی که جریان امور را در افغانستان دنبال میکردند بخوبی آشکار بود که هدف وی از آن اعتراض ، محض تشویش و نگرانی محمد داود از سردار عبدالولی داماد شاه بود که آهسته آهسته رشد می یافت و درمیان ارتش افغانستان جای پائی برای خود باز کرده بود و از همان آغاز به محمد داود خان و برادرش اعتنائی نداشت ۰ و بنابر این محمد داود که از هیچ قدرت و حریفی خوشش نمی آمد دربرابر نفوذ روز افزون سردار عبدالولی ناخشنود وعصبانی بود و اشارات مکررش به عبارات : (جاه طلبی ها و رقابت ها درمیان افراد خانوادهٔ سلطنت و یا حکومات) همین عبدالولی بود وبس ۰ زیرا در روزگار فرمانروائی محمد داود نه کسی یارای رقابت را داشت ونه میتوانست میل جاه طلبی داشتـه باشـد ، جز سردار عبـدالـولی که واقعاً تلاش میکرد و میخواست خودکامهٔ آیندهٔ افغـانسـتـان شود ۰ متـاءسفانه خود خواهی ها و رقابت های این دو عضو خانوادهٔ شاهی همانـطور که محمد داود پیش بینی میکرد و عمل نی ، زمینهٔ بربادی و تباهی و مصیبت و اسارت را در افغانستان ببار آورد که اینک در آتش آن میسوزیم و همه چیز خود را از دست دادیم ۰

---

۱ ـ به نقل از بیانیهٔ محمد داود خان در اولین سالگرد جشن جمهوریت ، منتشره مجلهٔ اردو ، شمارهٔ سیزدهم ، سال ٥٤ ، برج اسد ۱۳٥۳ ش ، جولای و اگست ۱۹۷٤ ۰ وکتاب مجموعه مصاحبه ها وپیام ها و بیانات محمد داود ۰ چاپ وزارت اطلاعات و وکلتور جلد اول ۰

نکتهٔ سومی که محمد داود خان در پیشنهاد خود مطرح کرده و از آن بیم دارد نارضایتی های مردم است که ناشی از اعمال عمال خود اوست • ولی او وضع را به گونهٔ دیگر مطرح کرده ومی گوید که :

«در خفا انواع عقاید و افکار و ذهنیت ها موجود است و دست اجانب برای مقاصد سیاسی کارمی کند و آیندهٔ اوضاع را به ضرر سلطنت میداند •» وبا این اظهارات خود بازهم ناخودآگاه مافی الضمیرش را بیان می کند که به هیچوجه طرفدار رشد افکار و عقاید در جامعـه نیست و نمیخواهد منافع خانوادگی اش به ضرر مواجه شود • فقط میخواهد برخرابکاری های خودش پرده اندازد و دست دیگران را درخرابی افغانستان ذیدخل شمارد •

چهارمین مطلبی که محمد داود مطرح می کند تدوین قانون اساسی جدید بر اساس سلطنت مشروطه است که بعد از عملی شدن آن حکومتی به اساس انتخابات بوجود آید و با ختم انتخابات وافتتاح شورئ حکومت فعلی مستعفی و حکومت جدید زمام حکومت را در دست گیرد • او در این فقره از پیشنهاد خود از سیستم یک حزبی و دو حزبی نام می برد ولی هرگز در پهلوی تذکر از انتخابات ، از آزادی و نحوهٔ عملکرد آن حرفی بمیان نمی آرد •

مردم میدانستند که محمد داود خان طبیعتاً مخالف آزادی بود و میخواست با این طرح خویش روزی در افغانستان از طریق انتخابات توسط شورائی که خودش انتخاب میکرد قدرت را بدست گیرد، وانگاه با اتکاء به آن هر چه دلش میخواست انجام دهد • زیرا او و کسانی که حدود هشت سال از طرف او فرمانروای شهر ها و روستاهای افغانستان بودند مردم را بگونه ای در زیر فشار وشکنجه قرار داده بودند که هیچکس جرأت نمیکرد جز محمد داود حرفی برزبان آرد •

دستگاههای استخباراتی او که مهمترین نیرو و اتکایش بود ، اندک حرکتی را بابرچه پاسخ میدادند • وحیثیت وشرف و آبروی مردم در هیچ جا مصوون نبود • بفرض اینکه چنین قانون و انتخاباتی عملی می شد مسلماً برندهٔ میدان شخص محمد داود خان بود و در شرایطی که تذکار رفت فردی هم نمیتوانست در برابر او عرض اندام کند ویا حرف از دیموکراسی و آزادی بزند •

محمد ظاهر شاه که از اوضاع و احوال افغانستان کم و بیش اطلاع داشت و محمد داود خان را به خوبی میشناخت ، در برابر این پیشنهادات او موافقت عملی نشان نداد و مشاورین و اطرافیان او و شاید کاکایش مارشال شاه ولی خان و دامادش سردار عبدالولی او را از قبولی چنین پیشنهـادی آگـاه و برحذر داشتند • وبنابر این بتاریخ ۱۲ سنبله ۱۳٤۱ خورشیدی مکتوب محمد داود خان را پاسخ داد و در اصول باوی موافقت نشان داد و آنرایکی از آرزوهـای پدرش «محمد نادر شاه» خواند • ولی عملی شدن آنرا بوقت وزمان وافرادی که بتوانند مسوولیت عملی ساختن آنرا بدوش گیرند موکول نمود •

به نظر شاه که از اهداف نهائی و پنهانی محمد داود آگاهی داشت ، این پیشنهاد عملی نبود و به اجرای آن سر توافق نشان نداد ۰ ولی محمد داود بازهم جوابی تهیّه کرد وبه شاه فرستاد که متن آن ، درموضوع روشنی بیشتری می افگند و اینک آنرا مطالعه میفرمائید :

نامه مورخ ۲٤ جدی ۱۳٤۱ محمد داود خان به شاه

یا

دو مین نامهٔ آن

«بعد از القاب : به جواب مکتوب تاریخی ۱۲ سنبله ۱۳٤۱ ، اعلیحضرت احتراماً بعرض میرسانم ۰ برای من و رفقای من جای بس مسرت است که اعلیحضرت همایونی خوشبختانه در اصل پرنسیپ که میفرمایند یکی از آرزوهای دیرین شان است ، لله الحمد توافق نظر موجود است ۰ همچنان اعلیحضرت به نکتهٔ مهم دیگری تماس فرموده ومی نوسیند که :

«بلکه یک هدف مقدس ومشخص است که از افکار و آرزوهای عالی موسس ایندوره یعنی اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید سرچشمه میگیرد وامانتی است که بردوش ماگذاشته شده ۰۰» بلی : یک حقیقت مسلم است و به پیروی از افکار وآرزوهای عالی آن شخصیت بزرگ است که میخواهم به آن هدف مقدس و مشخصی که خیر وبهبود ملت افغان دران متصور است نایل شوم ۰ این فرمایش اعلیحضرت همایونی را کاملاً تائید و تصدیق میکنم که اگر این مفهوم عالی انجام طبیعی و هدف نهائی ایندوره نباشد گویا همه مبازرات وقربانی های پدران و مساعی امروزی مامعنی حقیقی خود را از دست خواهد داد اینکه حضور اعلیحضرت درپراگراف اخیر مکتوب خویش بوقت وزمان و اشخاص ورجالی که فردا مسوولیت عملی ساختن این آرزو ها را بدون تردید بدوش گیرد اشاره فرموده وآنرا دو عامل مهم بلکه شرط اساسی تطبیق نمودن این آرزوها شناخته اند فرمایش اعلیحضرت بجاست ۰ اینک درطی این پیشنهاد بعرض میرسد که ما به این عقیده رسیده ایم که وقت آن رسیده است که چنین نهضتی آغاز گردد ، وهم بوجود آمدن اشخاص و رجالی که ادارهٔ مملکت را در آینده به آنها تفویض نمود، مربوط به این است که چنین نهضتی موجود باشد و چنین محیطی ایجاد گردد تااستعداد مردم موقع بروز وانکشاف را بیابند، من معتقدم که اگر چنین حرکتی نباشد رجالی که مسوولیت ادارهٔ آینده را به عهده بگیرند اصلاً بوجود نخواهد آمد ۰ پس از تذکر فوق اینک به اصل موضوع می پردازیم: آرزوی یک تحول اجتماعی از دیر زمان به اینسو نزد همهٔ ما موجود است۰ به سایقهٔ این آرزو در این چند سال اخیر در ترقی و تعمیم

معـارف، انکشاف عمومی اقتصاد و آماده ساختن محیط برای اصلاحات اجتماعی و نشونمای افکار ترقی خواهی حتی الامکان سعی و مجاهدت بعمل آمده است که در نتیجهٔ این مجاهدات و انکشافات مذکور طبقه معتنابهای جوانان و منورین در وطن بوجود آمده که حالا آرزوی این تحول بیک عقیدهٔ قابل تطبیق منجر گشته است ۰ بنابران وقت آن رسیده است که برای آن غور بیشتر بعمل آید و سعی جمیل بکار رود تا برای مردم افغانستان یک محیط اجتماعی و سیاسی مناسب تر و مترقی تر ایجاد شود که دراین سیر تکامل جامعه و افراد این وطن در شرایط موافق با عصر و زمان و مطابق باتمنیات مردم امکان پذیر باشد۰ خوشبختانه از یکسو این اهداف مارا دین مقدس اسلام تائید می کند و از سوی دیگر سنن و روایات باستانی ملی ماهم موید آنست ۰ برای تثبیت هدف های مهم و نقاط برجستهٔ چنین تحول باهمکاران خود تبادل افکار نمودیم و پس از مباحثات زیاد و طولانی و مجالس متعدد به این نظر رسیدیم که بایست باتوکل بخدای بزرگ بانیت نیک و باحوصلهٔ فراخ این، نهضت طوری براه انداخته شود که بالتدریج بصورت ارتقائی بمدارج عالی ترمنتج و منتهی گردد و نتایج مفید و مثبت ازان بدست آید ۰

اجـرای این مرام و پیشبرد این نهضت طوری پیش بینی شده است که در ذیل بعرض میرسد :

الف ـ قانون اساسی افغانستان که در وقت وزمان دیگر و شرایط و ایجابات جداگانه ترتیب و تدوین شده است باید تجدید گردد ۰ نقاط اهم و هدف های برجستهٔ این قانون که پیش بینی میشود چنین است :

۱ ـ رژیم شاهی مشروطه و طرز حکومت سیستم پارلمانی ودیموکراسی خواهد بود ۰ حقـوق جلیلهٔ پادشـاهی دران تثبیت خواهد شد ۰ پادشاه نشانهٔ وحدت و سلطهٔ ملی وشیرازهٔ تمام مملکت است ۰ پادشاه بالاتر از قوای ۳ گانه قرار دارد ۰ پادشاه بحیث فرد اول کشـور غیـر مسـوول شنـاخته میشود ۰ لازمهٔ عدم مسوولیت، بیطرفی مقام پادشاهی در برابر احزاب سیاسی و عدم مداخله در امور اداری است ۰ یعنی حکومت انتخـابی باداشتن مرام و هدف معین سیـاست خارجی و داخـلی وروش اقتصادی و اجتماعی خود در تطبیق واجرای آن مسوول تمام امورجزئی وکلی شناخته خواهد شد ۰ غایه و نیتجهٔ مفید این ترتیب این است که پادشاه بحیث رئیس مملکت درحالی که نقطهٔ اتصـال قوای سه گانـه میبـاشـد ، مرجـع آمال همگانی شناخته می شود ، از انتقاد و اعتراض مصوون و محفوظ میماند و این مصوونیت از اغراض به محبوبیت او می افزاید ۰

۲ ـ قانون اساسی تصریح خواهد کرد که اعضای خانوادهٔ سلطنتی کدام اند وچه حقوق و مزایا دارند ۰

۳ ـ آزادی های فردی و حقوق شخصی در این قانون اساسی تثبیت خواهد شد ۰

٤ ـ در قانون اساسی جدید بوجود آمدن دو حزب پیش بینی خواهد شد که درسیستم پارلمانی دو حزب فعالیت خواهند کرد و برای اشغال کرسی های شورا جدوجهد خواهند نمود ۰ حزب اکثریت را پادشاه به تشکیل حکومت مامورخواهد ساخت ۰

توضیح : چون فعالیت های حزبی و مجادلات سیاسی در مملکت مابی سابقه است برای اینکه این فعالیت ها موجب شقاق و نفاق نشود وهرج و مرج فکری و سیاسی نامطلوب بوجود نیاید برای مدت ٤ سال که اغلباً مساوی بایکدورهٔ پارلمانی است ، تنها یک حزب اجازه خواهد داشت فعالیت کند ۰ کسانیکه مرام و اساس حزب مذکور را مطابق آمال خود می یابند دران داخل و شامل می شوند و در ادارهٔ مملکت طبق مرام حزب سهم میگیرند و کسانیکه به اساسات مذکور اتفاق نداشته باشند موقع کافی برای غور وتعمق خواهند داشت که برای خود مرام واساسات دیگری را که بخیر و سعادت مملکت باشد ، برگزینند ۰ در صورتی که چنین یک آرزوی دیگر در محیط نشونمای کافی کرده باشد بعد از انقضای مدت پیش بینی شده حزب دوم تاسیس شده خواهد توانست ۰

۵ ـ قانون جدید تثبیت خواهد کرد که دولت عبارت از قوای سه گانه: تقنینیه ، قضائیه و اجرائیه می باشد ۰ قوهٔ تقنین عبارت از مجلس شورای است که نمایندگان از اعضای حزب تثبیت شده از حوزه های معینهٔ انتخابی خواهند آمد ۰

قوهٔ قضائیه متشکل از محاکم ثلاثه، ابتدائیه ، مرافعه و تمیز است وبکلی از تاثیر و اعمال نفوذ قوهٔ اجرائیه محفوظ و مصوون خواهد بود ۰ قوهٔ اجرائیه عبارت از حکومت است که از حزب اکثریت تشکیل شده است و بوسیلهٔ ارگان های معین اداری وامنیتی ودفاعی مملکت را اداره مینماید ۰

٦ ـ قانون انتخابات طبق شرایط یک نظام پارلمانی دموکراسی ترتیب خواهد شد ۰

ب ـ درصورتی که اساس تجدید قانون اساسی منظور شود و تصمیم برای تدوین نمودن آن گرفته شود اقدامات ذیل باید بعمل آید :

۱ ـ نشر یک ابلاغیه از طرف دولت که آغاز این تحول را با پروگرام آن به اطلاع عامه برساند ۰

۲ ـ یک عده علماء و متخصصین برای تثبیت و تدوین مسودهٔ قانون اساسی موظف خواهند شد که مسودهٔ متذکره را حد اکثر در مدت دوازده ماه ترتیب نمایند ۰

نوت ـ در اعلامیه این مدت به اطلاع عامه رسانیده خواهد شد ۰

۳ ـ بعد از تهیهٔ مسوده ، لویه جرگه دعوت شود که بحیث مجلس موسسان قانون مذکور را تدقیق و تصویب نمایند ۰

٤ ـ بعد از تصویب قانون که از طرف لویه جرگه بعمل آید ، حکومت اجازه خواهد داد حزب اول به فعالیت در محیط آغاز نماید و نمایندگان خود را از راه مرام حزبی به شورای ملی بفرستد ۰ برای اینکه این فعالیت صورت بگیرد حداکثرشش ماه فرصت داده خواهد شد ۰ پس ازشش ماه شورای جدید افتتاح خواهد شد و حکومت جدید از راه انتخاب طبق قانون اساسی جدید تشکیل خواهد شد ۰ درخلال مقدماتی که قانون اساسی جدید ترتیب و تدوین میشود حکومت اجازه خواهد داد مطالعاتی دربارهٔ حزب اول صورت بگیرد و مقدمات آن چیده شود ۰

ج ـ در چنین سیستمی که آزادی عقیده و بیان ، آزادی اجتماع وفعالیت سیاسی بیشتر میشود و هنگامهٔ زندگی گرم ترمیگردد، حکومت سرپرست وحکومت های مابعد دیگر برای حفظ امنیت و حفظ مصالح ملی به توجه ومراقبت جدی تر ومسوولیت بیشتری مواجه خواهد شد ۰ برای اینکه بنام حفظ مصالح ملی و امنیت عامه حکومت متوسل به اقدامات اقتضائی و عندی نشود و دراین آزادی مداخلهٔ بیجا ننماید و برای اینکه حکومت مسوولیت خود را قانونی و به حسن صورت انجام داده باشد، بوجود آمدن یک قانون حفظ امنیت ضروری دیده می شود و هم تاسیس مراجع و محاکم لازم است که به چنین قضایا رسیدگی کند ۰ و به سرعت ممکنه به محاکمه و تعیین مسوولیت متهمین بپردازند ۰ لهذا در خلال مدتی که قانون اساسی تدوین میشود مسودهٔ این قانون نیز تهیّه گردد ۰ این است مفکوره و پیشنهاد ما (یعنی من و رفقای من) که فوقاً بحضور شما رسانیده شد ۰

اعلیحضرتا! دراخیر میخواهم عقیدهٔ شخصی خود را بعرض حضور شما برسانم ۰ باید بدانیم که این اقدام تحول بزرگی است و هراقدام بزرگ مخصوصاً در مملکت ماشک نیست که مشکلات بزرگ هم دارد اما گذشتن از مشکلات ورسیدن بمنزل مقصود، درصورتی ممکن است که انسان ها اولاً به آن مفکوره عقیدهٔ کامل داشته مشکلات وخطرات آنرا به تمام معنی قبول کرده باشند پس از ان در تطبیق و عملی ساختن آن باعزم راسخ، خود گذری ، صمیمیت وحسن نیت کامل به توکل خدای بزرگ بکوشند وبیاری خدای متعال پیش بروند ۰ در خاتمه صحت ، موفقیت و سعادت دارین اعلیحضرت شما را از درگاه خالق بی نیاز خود تمنا دارم ۰ بااحترامات فائقه ۰»

چنانچه خوانندگان ارجمند مطالعه میفرمایند ، محمد داود ، در این مکتوب خود ضمن آشکار کردن بعضی از نظریاتش بازهم به چند نکته اساسی و مهم اشاره می کند :

۱ ـ اعضای خانوادهٔ سلطنتی و حقوق آنها ۰

۲ ـ قانون اساسی جدید ۰

۳ ـ سیستم دو حزبی و تاکید بر یک حزبی ۰

۴ ـ قانون حفظ امینت و محاکمی که به این نوع قضایا رسیدگی کند ٠

هدف اواز تعیین اعضای خانوادهٔ سلطنتی و تعیین حقوق آنها چنانکه قبلاً گفتیم بیشتر متوجه جزال عبدالولی بود و درنهایت یک عوام فریبی مطلق ، زیرا خودوی سالها از این امتیاز برخوردار بود و در اثر آن هرچه دلش میخواست انجام میداد ـ واینک درحالی که عمر او بپایان رسیده بود ، میخواست به این امتیاز چهرهٔ زشت بخشد و از طریق دیگری قدرت را دردست نگه دارد و به این ترتیب فقط سد راه عبدالولی شود ٠

اصرار بر قانون اساسی جدید نیز بهمین روحیه استوار بود ، یعنی میخواست تضادهای درونی خود را باخانوادهٔ اش و بخصوص سردار عبدالولی توسط این قانون بروز دهد و خود که در زمان زمام داری واستفاده از قدرت و زور دار و دسته ای برای خود تدارک دیده بود از راه انتخابات تصنعی و بحیث رئیس حزبی که در نظر داشت قدرت را در دست گیرد وقوهٔ تقنینیه و اجرائیه هر دو را دردست داشته باشد و فارغ از هر سودائی به پلان های بعدی خود جنبهٔ عملی بخشد ٠

نام بردن از سیستم دو حزبی و تکیه بریک حزب درمراحل اولی ناشی از همان پلانی بود که به آن اشاره کردیم ، و محمد داود بخوبی میدانست و مطمئن بود که جز او.هیچکس جرأت این اقدام را نخواهد داشت و در چهار سال اولی که او قدرت را در دست داشته باشد میتواند تمام حریفان خود را از میان ببرد و مردم را به جبر واکراه و تطمیع و تهدید به حزب خود بکشاند و درشرایط آنروز کشور ، زور و زر بهترین وسیله و معیار جلب و جذب مردم بود ٠ چنانچه امروز هست ٠

اصرار ورزیدن برقانون حفظ امنیت و محاکم در ارتباط باهمین پیش بینی ها بود که محمد داود خان میخواست درهمان دورهٔ اول بقدرت رسیدن راه را از طریق قانون امنیت عامه بروی مردم بسته کند و هیچکس جرأت و یارای فکرو عملی را نداشته باشد ٠ چنانچه در دورهٔ دوم فرمـانروائی خود اینکار را انجام داد که در جایش ازان به تفصیل صحبت خواهیم کرد ٠

بهر حال این همه پیشنهادات محمد داود خان از طرف شاه پاسخ داده نشد واز اینکه دربـارهٔ اوضاع افغانستان ونیات ونقشه های محمد داودخان آگاهی داشت ، هرگز جرأت نمیکرد یا مصلحت نمی دید که خود کامگی های اورا جنبهٔ قانونی بخشد ودستان خویش را از پشت به بندد ٠

از سوی دیگر اوج نارضایتی ها و ناآرامی ها که هر روز در اثر اعمال افراد حکومتی و یاران و همکاران محمد داود بیشتر می شد ، شاه را باوجود آنکه در آغاز ، هدفش از آوردن محمد داود خان سرکوبی مردم و برقراری سکوت وسکون در مملکت بود ، نگران و مشوش

کرده بود ومی کوشید تا ازان ورطه خود را نجات بخشد ۰ زیرا کار بمرحله ای رسیده بود که خودش احساس خطر میکرد ۰ ولی جرأت تصمیم گیری راهم دربارهٔ محمد داود خان نداشت وحتی نمیتوانست بوی بگوید که فلان کار طبق مصالح ملی نیست ویا در فلان محل حکام دست به ظلم وناروا زده اند ۰ اما بخوبی احساس می شد که درپیٔ بهانه و فرصت است تازمینه فراهم گردد و او را از صحنه کنار کشد ۰ و در فرجام هم چنین شد و ازینکه شاه در جواب مکتوب اخیروی سکوت اختیار کرد ، محمد داود خان قهراً بتاریخ ۱۱ حوت ۱۳٤۱ ش مطابق سوم مارچ ۱۹۶۲ ذریعه مکتوبی استعفای خود را برای شاه پیش کرد ۰

متن استعفای محمد داود خان ، کابل ۱۱ حوت ۱۳٤۱ ش

«بعد از القاب : نه سال قبل بماه میزان بود که اعلیحضرت شما اعتماد فرموده وظیفهٔ صدارت عظمی را به اینجانب تفویض نمودید ۰ درهمان وقت اگر بیاد حضور شما باشد عرض کردم که ممکن اعـظمی الی ۳ سال بتوانم این وظیفهٔ سنگین را ایفاء نمایم ۰ درظـرف این مدت واقعـاتی بمیـان آمد که مجبوراً دوام را بوظیفه ایجاب می کرد ۰ مخصوصاً شروع و تکمیل پلان پنجسالهٔ اول که همهٔ ما اخلاقاً خود را به اجرای آن مقابل مردم افغانستان موظف میدانیم بیشتر سبب شد که مدت طولانی تری از آنچه لازم بود و تخمین کرده بودم به این وظیفه بمانم ۰ پلان پنجسالهٔ اول انکشافی مملکت ما با تمام نارسائی ها و مشکلاتی که دربرداشت تاجائی که استعداد شخصی ، قدرت مالی مملکت و سیاست داخلی و خارجی افغانستان اجازه میداد وایجاب میکرد حتی المقدور کوشش بعمل آمد تا فیصدی بیشتر آنچه درپلان پیش بینی شده بود بپایهٔ تکمیل برسد و خداوند بزرگ را شکرگزارم که آن پلان به همکاری صمیمانهٔ مردم نجیب افغانستان ومساعی وزحمت کشی مامورین موظف یکنیم سال قبل بپایان رسید ۰ پلان دوم طرح و از ده ماه به اینطرف کار آن آغاز گردیده که امیدوارم بازهم باهمکاری نزدیک دولت وملت و بخیر وسعادت ملت افغان موفقانه انجام گردد و افغانستان عزیز را یک قدم دیگـر بسوی پیشرفت و انکشاف مادی و معنوی که آرزو و تمنیات هرفرد وطندوست است نزدیکتر سازد ۰

اعلیحضرتا! بعقیدهٔ من از خدمت باصداقت مملکت و خدمت خلق مقدس ترچیزی نیست ، واگرحیات برای یک انسان ارزشی دارد بازهم ارزش و قیمت حقیقی آن درهمین است وبس ۰ اما این عقیده (مخصوصاً درپست های حساس و پر مسوولیت) تازمانی ارزش دارد که اشخاص بتوانند طور شایسته وظایف ومسوولیت های اداری و وجدانی خود را انجام دهند ولی همینکه یک شخص بفهمد وحس کند که نظر به معاذیری ، دیگر قدرت ایفای وظیفه را ندارد و بازهم بوظیفه دوام بدهد بعقیدهٔ من گناه است ۰ امروز

نظر به بسامعاذیری که حضور شما خوبتر هرکدام آنرا میدانید و از سالیان دراز هیچکدام آنرا از حضور شما پوشیده نگذاشته ام حس می کنم که بیش از این دوام به وظیفه چه از نقطه نظر طرز تفکر وچه نظر وبوضع صحی بسیار دشوار است ۰ نظریات و پیشنهادات آخرین خود و بعضی از رفقای کابینه را درمورد غور بر ترمیم قانون اساسی مملکت و ایجاد تحولی در وضع اجتماعی مردم افغانستان برای یک آیندهٔ پابر جای دیموکراسی در وطن ما بتاریخ ۲۴ جدی بحضور شما تقدیم نمودم ۰ ۴۷ روز از آن گذشت تاحال کدام جواب مثبت یا منفی نگرفتم ۰ مقصدم از ذکر آن درینجا اصرار به گرفتن جواب نیست بلکه یگانه مقصد این است که آن چیزی راکه بحضور شما پیشنهاد نموده بودم از صمیم قلب و بعقیدهٔ ماقدم بزرگ و مفیدی برای خیرو بسعادت آیندهٔ ملت افغانستان و موفقیت تاریخی دورهٔ سلطنت شما بود که طبعاً رشد اجتماعی ملت افغانستان و ایجابات عصر وزمان حتماً چنین تحولی را آوردنیست پس از تجارب چندین ساله در خدمت این مملکت وبافهم حقایق اوضاع مملکت بازهم اگر چوکی صدارت عظمی را غنیمت شمرده به این وظیفه دوام میدهم نه تنها از اعتماد شما سوء استفاده کرده ام بلکه برخلاف اصل های عقیده وی وهدف زندگی خود رفتار کرده خواهم بود ۰

لذا باکمال احترام از اعتمادی که در تمام دوره های ماموریت بمن فرموده اید از صمیم قلب اظهار شکران و سپاس گذاری نموده توسط این نامه استعفای خویش را بحضور اعلیحضرت شما تقدیم میدارم ۰ سعادت و تعالی وطن عزیز و موفقیت اعلیحضرت شما را در راه خدمت افغانستان از درگاه خالق بی نیاز تمنا دارم با احترامات فایقه ۰»(۱)

محمد داود خان فکر میکرد مثل همیشه این بار نیز ناز وی از سوی شاه به نیاز مواجه خواهد شد و بازهم با غرور بیشتر وظیفه اش را دنبال خواهد کرد ۰ او گمان داشت که شخص دیگری نخواهد توانست جانشینش گردد و شاه این امتیاز را جز بخانوادهٔ خودش بکسی نخواهد داد ۰ اما اینبار اشتباه کرده بود وشاه که از خود کامگی های او بستوه رسیده بود و کشور را در حالی پر از خشم و نفرت می دید و منتظر فرصت بود تا چطور صفحه را برگرداند و برای مدتی خود را از شر این دو برادر خلاص کند ، خلاف توقع محمد داود خان استعفایش را پذیرفت و به ماموریتش خاتمه داد

---

۱ ـ به نقل از کتاب بیانیه ها و مصاحبه های محمد داود که درسال دوم جمهوریت از طرف وزارت اطلاعات و کلتور بچاپ رسید ۰ وهم به نقل از مجلهٔ اردو شمارهٔ ۱۳، سال ۵۴ ، اسد ۱۳۵۳ ش= جولائی و اگست ۱۹۷۴م ۰.

فصل نهم

تحـول در افغـانستـان و آغاز صدارت دکتر محمد یوسف خان

۱۹حوت ۱۳٤۱ ـ ۷ عقرب ۱۳٤٤ ش

شب ۱۹ حوت ۱۳٤۱ مطابق ۷ مارچ ۱۹۶۳ رادیو کابل از قول دارالتحریر شاهی اعلامیه ای را بشرح زیر ابلاغ نمود:

«والا حضرت محمد داود خان که مدت ۸ سال وشش ماه مقام صدارت را بعهده داشت ، استعفای خود را حضور اعلیحضرت تقدیم کرد ۰ استعفای وی از طرف مقام سلطنت منظور وبجای آن دکتر محمد یوسف مامور تشکیل کابینه گردید ۰»

دکتر محمد یوسف خان بتاریخ ۲۵ حوت ۱۳٤۱ = ۱۳ مارچ ۱۹۶۳ کابینه اش را اعلان نمود که دران ٦ تن از اعضای کابینهٔ قبلی وبقیه چهره های نو بودند ۰

انتخاب دکتر محمد یوسف بحیث صدراعظم افغانستان و اصولاً انتقال کرسی صدارت از خانوادهٔ شاهی ، برای همه غیرمترقبه وباور نکردنی بود ۰ مردم از شنیدن این خبر بسیار خوش و امیدوار بنظر میرسیدند و فکر میکردند دیگر دروازه های جیات بروی شان بازشده است واز این پس میتوانند آزادانه حرف بزنند و بدون تشویش و ترس دربارهٔ وطن وسرنوشت آن اظهار رای کنند ۰

محمد داود که فکر نمیکرد روزی واقعاً از مسند قدرت بزیر افتد پس از اعلان رادیو و عکس العمل های مردم ، به موسسه نسوان رفت و از بعضی مکتب های دخترانه نیز دیدن نمود تابا ابراز آخرین احساسات خانم ها برجراحات نهانی اش مرهم گذارد ۰ اوبازهم توقع داشت که مردم در برابر استعفایش دست به اعتصاب خواهند زد وازشاه خواهند خواست که اورا بار دیگر به صدارت برگرداند ۰ اما مردم که بابر کناری او ونجات یافتن از شر بعضی عمال و همکاران نزدیکش از خوشحالی درجامه های خود نمی گنجیدند، کنار رفتن او رابه شادمانی استقبال کردند و از این اقدام قلباً مسرور شدند ۰

روزنامه ها و جراید بانشر سرمقاله ها و مقلات رنگین از تحول درافغانستان و رویکار آمدن حکومت قانون و آزادي های قانوني ، تمجید می نمودند و مردم را بزندگی نو و بهره

یابی از مزایای «دیموکراسی» بشارت میدادند • هر طرف از شادمانی وسرور زمزمه هائی بگوش میرسید و گروهها و اقشار مختلف هریک به گونه ای نسبت به این تحول خوش بینی نشان میدادند •

شاه که محمد داود را خوب می شناخت و می فهمید بیکار نخواهد نشست ، تصمیم گرفت تا از طریق قانونی و به اساس ارادهٔ مردم اورا از صحنهٔ سیاست وروی‌کار آمدن مجدد و رسیدن بقدرت از راه فعالیت های سیاسی ، بکلی باز دارد و دروازه های امکانات را برویش به بندد • لذا بتاریخ ۷ حمل ۱۳٤۲ مطابق ۲۸ مارچ ۱۹۶۳ فرمانی صادر نموده و کمیته (= هیئت ، انجمن) ای را مامور تسوید قانون اساسی ساخت که عبارت بودند از:

۱ـ سید شمس الدین خان مجروح وزیر عدلیه بحیث رئیس کمیته•
۲ ـ سید قاسم خان رشتیا رئیس مستقل مطبوعات بحیث عضوکمیته •
۳ ـ دکتر میر نجم الدین خان انصاری مشاور وزارت معارف بحیث عضوکمیته •
٤ ـ دکتر عبدالصمد خان حامد رئیس پوهنتون بحیث عضوکمیته•
٥ ـ محمد موسی شفیق معین وزارت عدلیه بحیث عضو کمیته •
٦ـ حمید الله استاد حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل بحیث عضوکمیته •
۷ ـ میر محمد صدیق فرهنگ آمرپلان وزارت معادن وصنایع بحیث عضوکمیته •

کمیتهٔ مذکور اولین جلسهٔ خود را دردهم حمل ۱۳٤۲= ۳۱ مارچ ۱۹۶۳ دایر کرد و از بین خود ، آقایان دکتر حامد ، شفیق ، حمیدالله و فرهنگ را موظف ساخت تا بااستفاده از بعضی قوانین اساسی جهان ، قانون اساسی جدیدی را برای آیندهٔ افغانستان تسوید نمایند • انجمن موصوف کار خود را بمشورهٔ یک نفر فرانسوی متخصص در قانون، به اکمال رسانید و مصلحت بران شد تا کمیسیون دیگری نیز آنرا مرور و بررسی کند •

به اساس پیشنهاد دکتر محمد یوسف صدراعظم ، ۲۹ نفر بشمول دوخانم از طرف شاه تعیین و ماموریت یافتند تا مسودهٔ قانون اساسی را تحت ریاست دکتر عبدالظاهر غور و مطالعه فرموده نظریات و پیشنهادات خود را پیش از تدویر لوی جرگه و تصویب نهائی ارائه دهند •

نتایج آنی وفوری کنار رفتن محمد داود و تغییر اوضاع و احوال

هنگامهٔ تحول و دیموکراسی تاثیر مثبتی در اذهان عامه وارد آورد و جهان آزاد بیش از همه به آن علاقه گرفتند و برای از سرگرفتن کمک های خود به افغانستان اظهار آمادگی نمودند ۰ در اثر این تمایل بتاریخ ٦ حمل ۱۳٤۲= ۲٦ مارچ ۱۹٦۳ حکومت امریکا از همه اولتر مبلغ یک میلیون دولار راجهت اکمال کار دانشگاه کابل در اختیار افغانستان قرار داد و کمک های اقصادی و تخنیکی بیشتری را تعهد فرمود ۰

روس ها که از این تحول به تب لرزه مبتلا شده بودند و احساس میکردند منافع شان بخطر افتاده است ، از وار خطائی و دست پاچگی وبی مضمونی فوراً بهمان حرفها و شعبده بازی های کهن و همیشگی خود متوسل شدند و مقدار ۳۰۰ کیلو گرام حروف مطبعه را به عنوان تحفه بریاست مستقل مطبوعات پیشکش کردند تاخبری در جراید نشر شود ونام روس از خاطر ها فراموش نگردد ۰

سه روز بعد آن بتاریخ ۱۱ حمل ۱۳٤۲ خبری درجراید و روز نامه ها انتشار یافت که معادن افغانستان بوسیلهٔ کارشناسان روسی و کمپنی تخنو اکسپورت آن کشور «سروی» می شود ۰ و بدین ترتیب همان برنامه ای که روس ها سالیان دراز به بهانهٔ آن در افغانستان مشغول بودند از سر گرفته شد۰ همزمان با این تبلیغات یکمقدار گندم نیز به افغانستان اعطا کردند تا مردم گمان برند که این «گربهٔ زاهد» دیگر دست از جنایت برداشته است و یار ویاور مردم افغانستان می باشد ۰

تقریباً دو ماه بعد از اعلان صدارت دکتر محمد یوسف خان، شاه ایران مجدداً کوشش هائی را رویدست گرفت تا روابط پاکستان و افغانستان را که روی موضوع «پشتونستان» بمرحلهٔ خطرناکی رسیده بود ، بهبودبخشد و خشونت و خصومت بین دو کشور مسلمان را از میان بردارد ۰ در اثر این پادرمیانی بتاریخ ۳۰ ثور ۱۳٤۲ ، نور احمد خان اعتمادی معاون وزارت خارجه وسید قاسم خان رشتیا رئیس مستقل مبطوعات (۱) از طرف افغانستان،با بوتو وزیر خارجهٔ پاکستان و همراهانش در تهران مذاکراتی انجام دادند ۰.و درنتیجه بتاریخ ٦ برج جوزا =۲۸ می ۱۹٦۳ ، اعلامیه ای از وزارت دربار ایران و هیئت های طرفین انتشار یافت و درآن از موافقت هر دو طرف مبنی برعادی شدن روابط ، فرستادن سفرا وباز شدن قونسل خانه ها و وکالت تجاری های افغانستان و پاکستان مژده داده شد ۰ همچنان در اثر این اقدام راه ترانزیت طبیعی از طریق پاکستان باز گردید و ملیون ها افغانی اموال دولتی

---

۱ ـ مطبوعات تاآن تاریخ ریاست متسقل بود و در ۱٦ سرطان ۱۳٤۲ ش بوزارت ارتقاء یافت ۰

و شخصی که درگـدام های کراچی ، پشاور و قطار آهن انبار گردیده بود ، به افغانستان انتقال یافت ۰

اصولاً اینکار حرکت بسیار مثبت وسودمند بود و عادی شدن روابط با پاکستان موقف از دست رفتهٔ افغانستان را در جهان اسلام اعاده کرد زیرا کشور ما بعلت روش ها و سیاست های خصمانه علیه پاکستان درزمان محمد داود ، تقریباً درجهان اسلام منزوی شده بود و روس ها از آن بهره برداری میکردند ۰

بتاریخ ۱۳ برج جوزای ۱۳٤۲ شورای ملی بریاست دکتر عبدالظاهر خان تشکیل جلسه داد و دکتر محمد یوسف خان رای اعتماد گرفت ۰ ولی اندک روزی نگذشته بود که غرض تداوی به ویانا رفت و درهمان ایام شاه از بریژنیف دعوت کرد تابکابل مسافرت کند۰ (روزنامهٔ اصلاح ۲۵ جوزای ۱۳٤۲)

بتاریخ ۲ سرطان هیئتی از خانم های افغانی عازم مسکو گردید تا در کنگرهٔ جهانی زن که بتاریخ ۲۷ جون =٦ سرطان دران کشور برگزار می شد ، شرکت نماید ۰ ظاهراً این اولین هیئت درسطح خانم ها بود که بروسیه فرستاده شد و تا آنروز سابقه ای نداشت ۰

بتـاریخ ۱۱ سرطـان ۱۳٤۲ = ٤ جولائی ۱۹٦۳ هیئتی از کارشنـاسـان روسی وارد افغانستان شدند وبنام اینکه عضوکمیتهٔ شورای اقتصادی روسیه هستند و پروژه های آن کشـور را در افغـانستـان وارسی میفـرمـاینـد ، بابعضی از مقامات و افراد دیدن کردند و اطلاعاتی را دربارهٔ تحولات و اوضاع افغانستان جمع آوری نمودند ۰ هنوز این هیئت عزیمت نکرده بود که هیئت هنرمندان روسی وارد کابل شدند و ساز دوستی رابصدا در آوردند ۰

باوجود این همه آمد و شد و تماس ها ونزدیکی ها ، روس ها از تحول و دگرگونی در افغانستان بیمناک بودند و انتونوف سفیر این کشور بهر جا و هر کسی که ممکن بود خود را میرسانید تاراجع به چگونگی اوضاع و برنامه ها وماهیت حکومت جدید و جریانات محتمل بعدی چیزی بدست آرد ۰ زیرا جنایاتی که روس ها در دراز مدت و بخصوص در عهد محمد داود خان در افغـانستان انجام داده بودند ، از هر جهت نفرت انگیز بود و جانیان کرملن تشویش داشتند تا مبادا پرده از روی کارهای ننگین شان برداشته آید و بارویکار آمدن حکومت مردمی در آینده ، دست منافع و بهره برداری آنان کوتاه گردد ۰

گوشهٔ چشمي به غرب و تلاش های مجدد مسکو

چنانچه گفته آمد روس ها از کنار رفتن محمد داود خان و تغییر اوضاع در افغانستان به شدت نگـران بودنـد و تلاش های دپلومـاسی گسترده ای را انجـام میدادند ۰ مردم افغانستان هم توقع داشتند که حکومت جدید باانتباه از گذشته و درک آرزومندی های مردم

درسیاست های آینده وروابطش باکشور های مختلف تجدید نظر خواهد کرد و از لغزیدن بدامان روس و جهت گیری های منفی و یک جانبه جلوگیری خواهد نمود ۰ جریانات و پدیده های روز مره نیز گواه آن بود که حکومت سعی میکرد تا در مناسبات اقتصادی و سیاسی خود باجهان دیگر و من جمله امریکا ، باب نوی بگشایند و توازنی را که در زمان محمد داود خان بهم خورده بود ، مجدداً برقرار سازند ۰

بتاسی از این تصمیم و روش بتاریخ ۱۹ سرطان ۱۳٤۲ =۱۱ جولائی ۱۹٦۳ هیئتی از شورای ملی افغانسان بشمول دکتر عبدالظاهر رئیس شورا عازم امریکا گردید و با کندی رئیس جمهور و اعضای مجلس سنای آن کشور دیدار و مذاکره کرد ۰

تقریباً یکماه بعد آن روس ها هیئت های دیگری بکابل فرستادند و بنام تبادلهٔ اموال تجاری ومسایل مربوط به آن مذاکراتی را بامقامات افغانی انجام دادند ۰ این مذاکرات اصلاً موردی نداشت وفقط روی انگیزهٔ تشویش واضطرابی بود که روس ها از نزدیکی احتمالی وهمکاری امریکا باافغانستان داشتند و میخواستند به بهانه های مختلف وارد افغانستان شوند و جای پای خود را ثابت نگهدارند ۰

در ۲۸ اسد ۱۳٤۲ = ۲۱ اگست ۱۹٦۳ موافقت نامه ای بنام : «همکاري فرهنگی بین امریکا و افغانستان» توسط دکتر علی احمد پوپل وزیر معارف وسفیر امریکا در کابل به امضاء رسیذ ۰ در این قراز داد پیش بینی شده بود تایک تعداد محصلان و دانشمندان افغانی همه ساله به امریکا سفر کنند و از بورس های تحصیلی «فولبرایت» و موسسات تحقیقاتی آن کشور استفاده نمایند ۰ همچنان متخصصان امریکائی غرض تدریس در مکاتب و فاکولته ها دعوت شوند و از دانش و تجارب آنان در ساحات مختلف علمی وفنی استفاده بعمل آید ۰

این قرار داد که جنبه های عملی آن به سال ۱۳٤۵ ش در نظر گرفته شده بود ، بحدی روس ها را وارخطا ساخت که فردای آنروز ، انتونوف سفیر روس در کابل بصورت عاجل با دکتر محمد یوسف خان ملاقات کرد ومسلماً نگرانی مسکو را در زمینه به اطلاع وی رسانید ۰

درجریان این تحول، کندی رئیس جمهور امریکا از شاه و ملکه دعوت نمود تابه امریکا سفر کنند ، و در اثر این دعوت هر دو بتاریخ نهم سنبله ۱۳٤۲ش عازم آن کشور شدند (روز نامهٔ اصلاح دهم سنبله ۱۳٤۲) ۰

سه روز بعد از سفر شاه به امریکا، روس ها قرار داد ساختمان یک ریاکتور اتو می را با افغانستان عقد کردند ۰(۱) این قرار داد اقدامات شیطانی و منافقانه ای بود که هر وقت

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح، ۱۳ سنبله = ۵ سپتامبر ۱۹٦۳ ۰

زعمای افغانستان به امریکا می رفتند و یاسعی می شد از این کشور کمک هائی بدست آید ، روس ها فوراً آنرا درکابل مطرح میکردند (چنانچه قبلاً نیز نمونه آنرا معروض داشتیم) و هدف شان آن بود تا اذهان زعمای امریکا را از اینطریق مغشوش ومنحرف ساخته ، تمایل شان را درباری و کمک به افغانستان خنثی نمایند ۰

متاءسفانه مسوولین امر در افغانستان نیز ماهیت این نوع قرارداد ها واهداف استعماری روس را درکمال بی تفاوتی نادیده می انگاشتند و هر طرحی را که روس ها عنوان می کردند بکمال میل می پذیرفتند ۰ ورنه کشوری که تا آنروز حتی در شهر ها و مراکز مهم آن آب آشامیدنی وجود نداشت وفقر و بیچارگی و بدبختی از در وبامش جلوه نمائی میکرد، به آب و نان ولباس وخانه و دکتر و درمانگاه نیاز داشت، نه به ریا کتوراتومی و آنهم به پول قرضهٔ روس ۰

آری ! قرارداد یاد شده فقط یک حقه بازی سیاسی وبرای مغشوش ساختن ذهنیت امریکا بود و چنانکه دیدیم تا امروز هم از حرف بعمل درنیامد ۰

بتاریخ ۱۹ میزان ۱۳٤۲ ش = ۱۲ اکتوبر ۱۹۶۳ لیوند بریژنیف صدر هیئت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد شوروی بنابدعوت قبلی شاه ، وارد کابل شد و در دوران اقامتش در افغانستان که تا ۲٤ میزان ادامه داشت باشاه و صدراعظم ملاقات و مذاکره کرد ۰ او در این سفر از پروژه هائی چون میدان هوائی کابل ، فابریکهٔ ترمیم موتر در جنگلک و جادهٔ سالنگ بازدید بعمل آورد و انستیتوت پولی تخنیک را در جوار دانشگاه کابل تهداب گذاری نمود ۰

تهداب گذاری پولی تخنیک بدست بریژنیف در واقع اساس نهادن اولین و خطرناکترین بناء فساد و جاسوسی بشکل علمی آن در افغانستان بود و بدانگونه که اکثر مردم ما اطلاع دازند روس ها از این ساختمان بحیث یک سنگر دفاعی و تربیوی استفاده کردند و صد ها جوان محصل را به شیوه های گوناگون فریفتند و منحرف نمودند ۰

ولی در جریان این سیه کاری ها همانطور که خداوند بزرگ حضرت موسی علیه اسلام را درخانه وخوان فرعون پرورش داد ، جوانان عزیز وارجمند و مسلمان و مبارزی رانیز در پولی تخنیک ، ایمان ، اخلاص، هدایت ، عنایت و فهم و شهامت ارزانی فرمود که انجنیر حبیب الرحمن شهید یکی از آن جمله بود ۰ وبه اساس این قانون علمی که هر چیز ضد خود را در نفس خویش می پرورد ، ترویج و تبلیغ الحاد وبی خدائی در پولی تخنیک ، خدا پرستان روس کش را هم ببار آورد که انجنیر احمد شاه مسعود و صدها جوان سنگرنشین دیگر، از آنجمله اند که خداوند همه را حفظ کناد !

در اعلامیه مشترکی که بتاریخ ۲۳ میزان ۱۳٤۲ = ۱٦ اکتوبر ۱۹۶۳ درپایان سفر بریژنیف انتشار یافت ، تذکر رفته بود که:

«طرفین راجع به موضوع اجرای کارهای تفحصات مشترک و ترتیب پروژهٔ استفاده از منابع آبی سرحدی دریای پنج و تعمیر یک سلسله کارخانه های برقی آبی سرحدی و تاسیسات آبیاری در آینده ، تبادل افکار بعمل آمد ۰ همچنین اتحاد شوروی نظر به تمایل افغانستان برای دادن امداد تخنیکی در امور استفاده از ذخایر کشف شدهٔ گاز طبیعی چه بمنظور رفع احتیاجات داخلی وچه بمقاصد صادراتی ، آمادگی خویش را تائید نموده است ۰»

«۰۰۰۰ طرفین روی قضیهٔ سرنوشت مردم پشتونستان تبادل نظر نموده و بار دیگر تائید نمودند که برای تخفیف تشنجات و تاءمین صلح شرق میانه و بتاسی از اصول منشور ملل تطبیق اصل خود ارادیت برای حل قضیهٔ فوق ، راه معقول می باشد ۰»

«طرفین تائید نمودند که برقرار نمودن تماس های شخصی بین زعمای کشور ها و تبادل افکار بصورت دوستانه برای تحکیم علایق مودت و همکاری بین کشور ها مساعدت می نماید ۰»(۱)

به اساس اعلامیهٔ مذکور، بریژنیف از شاه و صدراعظم دعوت کرده بود تا از مسکو بازدید فرمایند ۰ همچنان در نتیجهٔ این مذاکرات و اعلامیهٔ مشترکی که ازآن نام بردیم، بتاریخ ۱۷ اکتوبر ۱۹۶۳ = ۲٤ میزان موافقت نامه جداگانه ای هم زیر نام : «معاونت تخنیکی از طرف اتحاد جماهیر شوروی به افغلنستان در ترتیب امور استخراج و بهره برداری از گاز طبیعی شمال افغانستان» بین دو کشور به امضاء رسید ـ در مادهٔ (٤) این موافقت نامه تذکر رفته است که:

«موسسات شوروی قرضهٔ معادل ۳۵ ملیون روبل را باربح ۲/۵ فیصد برای اجرای تادیات درمقابل مصارف مربوط به انجام کارات پروژه وی وسروی ، فرستادن متخصصین از اتحاد شوروی به افغانستان، تحویل دادن مواد و سامان کار آمد، ترتیب امور استخراج گازوساختمان پیپ لین ازمعادن گازتا سرحد اتحاد شوروی ،به موسسات افغانستان خواهد داد ۰»

مادهٔ (۵) آن حاوی این مطلب می باشد که:-

«حکومت پادشاهی افغانستان استهلاک قرضهٔ معادل مبلغ ۳۵ ملیون روبل را توسط موسسات شوروی واگذارمی شود، ودرمادهٔ (۳) موافقت نامه پیش بینی گردیده ونیز تادیهٔ بهرهٔ استفاده از قرضه را از طریق صدور گاز طبیعی معادن واقع در مناطق شمالی افغانستان بمیزان ۱/۵ ملیارد متر مکعب فی سال سر از ربع چهارم سال ۱۹۶۶ م به اتحاد شوروی طوریکه میزان صادرات گاز در آینده در اثر موافقهٔ طرفین افزوده

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی، سند شمارهٔ (۱۲۲) واعلامیهٔ مشترک، صفحهٔ ۱۵۷ـ ۱۵۹ ۰

میتواند ، تامین نماید .»(۱)

شرایط دیگر این موافقت نامه همانند موافقت نامه های قبلی بود و حکومت افغانستان علاوه برتادیهٔ قرضه وربح آن ، تمام مصارف کارکنان روسی و قیمت سامان آلات و مواد مصرفی آنرا باید تمویل وتادیه می کرد ، و علاوه بران قوای بشری و مواد لازم پیداوار افغانستان را باید در اختیار روس ها قرار میداد .

قیمت سامان آلات و اجناسی که از طرف روس ها در این پروژه استهلاک می شد به اساس نرخ بازار های بین المللی پیش بینی شده بود ، ولی دربارهٔ بهای گاز طبیعی افغانستان تذکر داده بودند که کیفیت گاز و قیمت هائی که در تجربهٔ جهانی خرید و فروش رایج است ، در نظر گرفته خواهد شد .

اساساً مشکل عمده ای که در آن مرحله و مراحل بعدی پیش روی حکومات افغانستان قرار داشت و ناگزیر باید با روس ها کنار می آمدند این بود که :

از یکطرف روس ها بعد از نیمهٔ دوم سال ۱۳۳۲ش = ۱۹۵۳ م باپرداخت قرضه های مکرر ومتعدد وکمر شکن ، افغانستان را تحت نفوذ اقتصادی و سیاسی خود قرار داده بودند و از سوی دیگر منابعی وجود نداشت تابه افغانستان امکان می بخشید که قرضه های روسی وربح آنرا تادیه کند و از فشار و نفوذ روز افزون مسکو بکاهد .

گاز طبیعی هم که تازه کشف شده بود و تنها منبعی محسوب می شد که میتوانست قرضه های روسی را تا حدودی جبیره کند از بدحادثات و موقعیت نامناسب جغرافیائی افغانستان، جز روسیه خریداری نداشت ، و تمدید پیپ لین آن بکابل نیز سرمایهٔ گزافی را ایجاب می کرد که جز توسل بروسیه و دریافت قرضهٔ جدید نا ممکن می نمود .

بنابراین ، تولید و تورید گاز طبیعی افغانستان استثناءً در انحصار روس ها قرار داشت و این کشور بادرک مجبوریت ها ، بیچارگی ها و خصلت های استعماری خود ، شرایط نامناسب وغیر انسانی اش را بر حکومات تحمیل میکرد و ایشان هم چاره ای نداشتند جز آنکه آنرا بپذیرند و به آن گردن نهند .

در ۲۸ نوامبر ۱۹٦۳ مطابق ۷ قوس ۱۳٤۲ قرار داد یکصد هزارتن گندم بین امریکا و افغانستان به امضا رسید و موافقت بعمل آمد تاکار تحویل دهی آن به افغانستان از شروع سال ۱۳٤۳ آغاز یابد .

متعاقب قرار داد یاد شده ، بتاریخ ۲٤ قوس =۱٦ دسمبر ، روس ها موافقت نامهٔ دیگری را بنام «وترنری و صحی» با کابل امضاء کردند . معاونت تخنیکی ، اعزام متخصص وارسال سامان وادویه ، از جملهٔ محتویات این موافقت نامه بود که نمونه ها و شرایط آنرا در موافقت نامه های دیگر روس با افغانستان قبلاً تذکر دادیم .

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۱۲۳) ، صفحهٔ ۱۵۹ـ۱٦۳ .

بتاریخ ۲۱ دلو ۱۳٤۲ ش از دارالتحریر شاهی فرمانی صادر گردید و دورهٔ خدمت وکلای دورهٔ یازدهم شورای ملی و سناجهت اشتراک در لویه جرگه سال ۱۳٤۳ ش تمدید شد ٠

سه روز بعد از این اعلامیه دکتر محمد یوسف خان صدراعظم غرض معالجه و تداوی بمسکو رفت و در یکی از بیمارستان های مسکو به استراحت پرداخت ٠ این مسافرت و معالجهٔ او تقریباً تا اواسط جون ۱۹٦٤ طول کشید و در این مدت فرصت کافی داشت تا ضمن تداوی ، دربارهٔ روابط دو کشور وادامهٔ همکاری های روس به افغانستان بازعمای کرملن\مذاکرات مفصلی انجام دهد ٠

در همان ایام مکنامارا وزیر دفاع ایالات متحده انتقاد کرد که کمک های امریکا به افغانستان مطابق پیش بینی شده انجام نمی یابد و درساحهٔ فرهنگی و نظامی نیز منحصر به تربیهٔ چند ظابط افغانی میباشد ٠ این اظهارات مکنامارا یک تشویش آگاهانه ولی بی ثمر بود، وباوجود تمایل امریکا برای سهمگیری و کمک در پروژه های انکشافی افغانستان عملاً کاری انجام نیافت ٠ علت عمده آن بود که روس ها تا آنزمان در تمام ادارات افغانستان و مراجع تصمیم گیری بحد کافی نفوذ کرده بودند واز هر نوع نزدیکی و مراوده و همکاری امریکا و کشور های غربی با افغانستان جلو گیری میکردند ـ امریکائی ها هم که طبیعتاً مردم بی پروائی اند و از دور بوسه بر رخ مهتاب میزنند ، نتوانستند ویا نخواستند از وضع مناسبی که در افغانستان پیش آمده بود ، بسود صلح جهانی و امنیت منطقه گام های اساسی ومثبت بردارند ٠ وبنابر این همه چیز در اختیار روس ها قرار داشت وهرآنچه میخواستند انجام میدادند ٠

سال ١٣٤٣ھ ش

تصویب قانون اساسی ، لویه جرگه ، ادامهٔ فعالیت ها وپروژه های روسی

در آغاز این سال هیئت تجاری روس وارد کابل گردید و در نتیجهٔ مذاکرات ایشان بامقات مربوط افغانی ، حجم تجارت بین دو کشور ٢٠ در صد بالا برده شد ۰

دکتر محمد یوسف خان پس از دو نیم ماه تداوی واستراحت ، در برج جوزا (اواسط جون ١٩٦٤) بکابل بازگشت و عودت وی بوطن مصادف به ایامی بود که کارقانون اساسی مراحل نهائی خود را می پیمود و در آستانهٔ تصویب قرار داشت ۰

اوایل جولای ١٩٦٤=سرطان، مارشال ایوب خان رئیس حکومت نظامی پاکستان وارد کابل گردید و باشاه مذاکره و ملاقات نمود ، ولی در اعلامیه ای که انتشاریافت از موضوع مذاکرات ایشان حرفی درمیان نیامد و تنها به : «آرزوی ادامهٔ مذاکرات اکتفا گردید» ۰ سه روز بعد آن میکویان معاون صدراعظم روسیه بکابل آمد و پس از دیدار بامقامات افغانی و بازگشت بروسیه سفرش را بسیار مفید و مطلوب توصیف کرد۰(١)

بدنبال بازدید میکویان از کابل ، یک هیئت نظامی افغانستان تحت ریاست جنرال خان محمد وزیر دفاع عازم روسیه گردید و با خروشچف دیدار ومذاکراه نمود ۰ گرچه از جریان مذاکرات شان چیزی افشاء نشد ولی پیدا و مسلم بود که سهم گیری روز افزون افسران روسی در اردوی افغانستان ، تهیه و خریداری بیشتر سلاح های از کار افتادهٔ روسی و فرستادن افسران افغانی غرض آموزش نظامی بروسیه ، نقاط مهم مذاکرات جانبین را احتوا میکرد ۰

روس ها که چون لاشخواران صحرائی پیوسته در کمین بودند تاطعمه ای بدست آرند ، بااستفاده از دوستی ها و حسن نظر زعمای افغانستان و فرصت مساعدی که برای شان فراهم شده بود، در گرماگرم بازگشت دکتر محمد یوسف خان از روسیه و مسافرت هیئت نظامی افغانستان بمسکو، موضوع استفاده از دریای پنج و آمو را مطرح کردند که بلا درنگ مورد اجابت قرار گرفت و بتاریخ ٢٨ سرطان ١٣٤٣ = ١٩ جولای ١٩٦٤ موافقت نامه ای زیر عنوان : «مطالعهٔ استفادهٔ مشترک ومتنوع المرام از آب و انرژی دریای پنج ودریای آمو در طول سرحد مشترک افغانستان و اتحاد شوروی» در ٧ ماده توسط نور احمد خان اعتمادی معاون وزارت خارجه و انتونوف سفیر روس در کابل به امضاء

١ـ روزنامهٔ اصلاح ١٤ سرطان ١٣٤٣ ۰

رسید : در مادهٔ اول این موافقت نامه آمده بود که:

«حکومت پادشاهی افغانستان و حکومت اتحاد جماهیر شوروی بمنظور مطالعهٔ استفادهٔ مشترک از آب و انرژی دریای پنج و دریای آمو در طول سرحد مشترک مملکتین بمقصد آبیاری ، تولید برق ، تنظیم رژیم دریا (؟) وکشتی رانی همکاری خواهند نمود ۰ به این منظور در دو ساحل دریای پنج و آمو در نواحی سرحدی عملیات تحقیقی ، همچنین عملیات پروژه وی اجرامیگردد و در نتیجهٔ این عملیات راپور تخنیکی واقتصادی مربوط به استفادهٔ مشترک ومتنوع المرام از آب وانرژی دریاهای مذکور ترتیب می شود ۰ این عملیات بعد از ۳ ماه از تاریخ انعقاد این موافقت نامه شروع و درطی سه و نیم سال به اتمام خواهد رسید»(۱)

مطابق موافقت نامهٔ مذکور ۳ سال ونیم باید روس ها محض بنام مطالعات و تهیّهٔ راپور اقتصادی و تخنیکی ، از زمین و هوانقاط مرزی افغانستان را در آب و خشکه عکس برداری میکردند و تمام مصارف اعاشه و اباتهٔ کارکنان و کارشناسان روسی هم در این مدت توسط افغانستان تاءمین می شد ، و همینطور هم شد ۰

این موافقت نامه چنانکه از آغاز پیدا بود وبعداً به اثبات رسید ، برای افغانستان حکم مرگ و نابودی را داشت و روس ها همانطور که از استفادهٔ متنوع المرام نام برده بودند ، ۳ سال و نیم سعی کردند سواحل آمورا ارزیابی و مطالعه فرمایند و در دستگاه حاکم بر افغانستان زمینه سازی کنند تابعداً «پلی» را روی آمو اعمار نمایند و راه را برای تهاجم تانک ها وزره پوش ها وعساکر خود به افغانستان مساعد سازند ۰

آری ! هدف اولی و نهایی این موافقت نامه همین بود ، ورنه موضوع کشتی رانی در دریای آمو برای کشوری مثل افغانستان که جز روسیه راهی به سایر کشور ها از طریق آمونداشت ، خیلی مضحک بود ۰ همچنان سروی دریای پنج و آمو بمنظور آبیاری و تولید برق جزحقه بازی اغواگرانه ای بیش نبود ۰ و بفرض اینکه چنین طرحی در عمل نیز پیاده می شد، تولید برق در ساحل آموو سرحد روس برای افغانستان صرفه ای نداشت ۰ جز اینکه مانند گازطبیعی کشور، روس ها از ان استفاده می کردند ویا ملیون ها دالر دیگر قرضه دریافت می شد تا امکان انتقال آن به شهر های دیگر افغانستان فراهم میگردید ۰

اواخر سرطان مسودهٔ قانون اساسی پس از بررسی نهایی توسط کمیسیون مشورتی ، درجراید نشر گردید و مردم باشور و شوق آنرا مورد ارزیابی و مطالعه قرار دادند ۰ متعاقب آن در اوایل اسد دکتر محمد یوسف خان به دانشگاه کابل رفت و ضمن بیانیهٔ مفصلی که در ادیتوریم (= اطاق سخن رانی) دانشگاه ایراد فرمود، دانشجویان و محصلان را مخاطب قرار داده گفت :

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (۱۲۵) صفحهٔ ۱۶۵ـ۱۶۸ ۰

«شاگردان باید تمام توجهٔ خود را بدروس و تحصیل و تحقیق مبذول دارند ودرطی سالیان تحصیل بهتر خواهد بود تا در فعالیت ها و دسته بندی های سیاسی اشتراک نورزند ٠»(٣)

این اظهارت او درجامعه و دانشگاه واکنش های مختلفی داشت ، بعضاً با توجه به شرایط آنروز افغانستان ودلایلی که نزد خود داشتند . حرفهای او را تاکید کردند و عده ای هم روی انگیزه های حزبی و گروهی ویا رقابت های شخصی آن گفته ها را مخالف دیموکراسی و حقوق محصلان تعبیر کردند و ازان بهره برداری نمودند ٠

بتاریخ ٢١ اسد ١٣٤٣ = ١٢ اگست ١٩٦٤م دارالتحریر شاهی اعلامیه ای صادر فرمود و از مردم خواست تا نمایندگان خود را انتخاب و به لویه جرگه معرفی دارند ٠ تعدادی هم از طرف شاه و به اساس فرمان انتخاب گردیدند ٠

بتاریخ ٢٨ اسد = ١٩ اگست ، درست در ایامی که مردم افغانستان مشغول آمادگی برای لویه جرگه و انتخاب نمایندگان خود بودند ، روس ها پروتوکول دیگری را بنام : «معاونت تخنیکی روسیه در امور بهره برداری از فابریکهٔ خانه سازی کابل» با افغانستان امضاء کردند ٠ و اعتباری (کریدت) را در حدود ٥ ملیون روبل باربح دو در صد به افغانستان اختصاص دادند تا در ساختمان مکروریان شهر کابل ازان استفاده شود ٠

شرایط این موافقت نامه از سایر قرضهٔ ها و موافقت نامه های روسی فرقی نداشت و آنچه جالب بنظر میرسید این بود که در این پروتوکول پشتوانه ویابهای یک روبل روسی مساوی به ٩٨٧٤١٢ ٠ گرام طلای ناب و بیشتر از مقدار طلائی بود که در قرارداد های قبلی خود بمقابل دالر محاسبه میکردند ٠

به اساس این دست و پازدن ها و تلاشی که روس ها دران ایام جهت جلب توجه افکار عامه وحفظ موقعیت و اعتبار خود داشتند ، کاسگین معاون اول صدراعظم روسیه بتاریخ ٢ سپتامبر ١٩٦٤ = ١١ سنبله ١٣٤٣ وارد کابل گردید و فردای آن در مراسم افتتاح شاهراه «سالنگ» که توسط شاه انجام یافت، اشتراک ورزید ٠ دو طرف دربیانیه هائی که ایراد فرمودند ، شاهراه مذکور را در انکشاف سویهٔ حیات واقتصاد مردم افغانستان مفید و موثر توصیف کردند و از همدگر نسبت به همکاری های ذات البینی تشکر نمودند ٠ این پروژه که کار آن در عهد صدارت محمد داود آغاز یافت ، از لحاظ شرایط قرار داد ، نحوهٔ کمک ها و اعزام کارشناسان روسی و قرضه وربح روسها دارای عین ماهیتی بود که نمونه های آنرا در موافقت نامه های دیگر روس ها با افغانستان مطالعه کردیم ٠ علاوه بران اعمارسرک مذکور در دره های پرخم وپیچ و برف گیر وعبور آن از بلند ترین قلهٔ هندوکش ، از نقطه نظر

---

٣ ـ روزنامهٔ اصلاح، انیس و کابل تائمز، ٤ اسد ١٣٤٣ = ٢٦ جولای ١٩٦٤ ٠

تخنیکی و اقتصـادی سودی برای افغانستان نداشت • چنانکه تا همین اکنون در موسم زمستان روز ها مسدود میگردد و همه ساله ملیون ها افغانی صرف ترمیم و برف پاکی آن می شود وهرگاه کارآن مطابق نقشه ای که قبلاً المان ها تهیه و ترتیب کرده بودند عملی می شد، حدود یکصد کیلومتر از طول سرک می کاست و ملیون ها دالر کمتر از آنچه روس ها مصرف کردند ، بمصرف میرسید و از خطرات «برف کوچ» و سیلاب هم مصوون می بود •

ولی روس ها در اینکار اهداف نظامی و اقتصادی خود را مدنظر داشتند و میخواستند از یکسو قامت استوار افغانستان را در زیر بار قرضه های نامساعد و کمرشکن خود ، خم سازند و از جانب دیگر روزی از این «قلّه» و «معبر» وموقعیت مهم سوق الجیشی و دفاعی آن بحیث پایگاهی برای زره پوش ها و تانک ها وراکت های خود استفاده نمایند •

بتاریخ ۱۸ سنبله ۱۳٤۳ = نهم سپتامبر ۱۹٦٤ مجلس بزرگ قومی یا «لویه جرگه» که دران نمایندگان انتخابی ، اعضای دورهٔ یازدهم شورای ملی، اعضای سنا، اعضای انتصابی ، اعضـای کابینـه ، اعضـای ستره محکمـه (دادگـاه عالی) ، کمیتهٔ تدوین قانون اساسی وکمیسیون مشورتی اشتراک داشتند و تعداد مجموعی شان به ٤٥٢ نفر میرسید ، در تالار سلام خانه دایر گردید •

شاه ساعت ده صبح همانروز وارد تالار سلام خانه شد و بعد از ایراد بیانیه ای مجلس را افتتـاح نمـود • سپس دکـتر عبـدالـظاهر به نیابت رئیس مجلس و شفیق بحیث منشی آن برگزیده شدند و مجلس کار خود را آغاز نمود •

در جریان بررسی قانون اساسی و احکام آن بحث های تندو داغی روی موضوع «زبان» و تکلیف وحقوق خانوادهٔ شاهی بین نمایندگان اتفاق افتاد • بحث و جدال از انجانشئت کرد که برای نخستین بار در قانون اساسی افغانستان، در پهلوی زبان فارسی دری، پشتونیز بحیث زبان رسمی افغانستان قلمداد شده بود و خانوادهٔ شاهی از اشتراک درکابینه ، داد گاه عالی (= ستره محکمه) ، شورای ملی ، احزاب و فعالیت های سیاسی محروم گردیده بودند •

در گیری دربارهٔ «زبان» باعث کین توزی ها وسوء تفاهماتی شد، که اثرات آن بعداً در تاریخ سیاسی و اجتماعی کشور تبارز نمود و زیان های زیادی ببار آورد •

متـاءسفـانه دران ایام افراد و عناصری وجود داشتند که دامن زدن به تبعیض قومی و زبانی و ایجاد اختلاف و نفاق بین مردم افغانستان ، جزء وظایف روز مرهٔ شان بود و آنرا وسیلهٔ تامین آب و نان وحتی کرسی و مقام خود می دانستند • این افراد فقط بخود و منافع خود می اندیشیدند، نه به افغانستان و مردم وسرنوشت آن !

سیاست کلی افغانستان هم درشصت سال اخیر مویدّ این جریان بود وطبقهٔ حاکم جهت بقای خود عمداً می کوشید این روحیه را در جامعه تقویت کند.

بهر صورت جرگهٔ مذکور در تاریخ ۲۸ سنبله پایان یافت و قانون اساسی جدید بداخل یازده فصل و ۱۲۸ ماده به تصویب رسید و بتاریخ ۹ میزان مطابق اول اکتوبر توشیح و نافذ گردید ۰

در ١٤ اکتوبر = ٢٤ میزان خروشچف صدراعظم روسیه استعفا کرد و جایش را به کاسگین گذاشت ۰ سفارت روس در کابل بلافاصله اعلامیه ای انتشار داد و اظهار داشت که در سیاست شوروی نسبت به افغانستان هیچگونه تغییری وارد نخواهد شد۰ البته این اعلامیه چیز جالبی نبود و کسانی که نقش قدم های روس را در افغانستان دنبال می کردند و از نقشه های کهن واستعماری آن آگاهی داشتند بخوبی میدانستند که سیاست وروابط روس باافغانستان مربوط به شخص نیست بلکه اساس و پایهٔ آن از مفکورهٔ تزارها و پلان های پطر واندیشهٔ لینن مایه گرفته است و جزء برنامه های استعماری و تغییر ناپذیر این کشور می باشد ۰

در اواخر میزان و اوایل عقرب، شاه به چین سفر کرد و احساس می شد که میخواهد توجهٔ چین را در رابطه باتحول افغانستان جلب کند و این کشور را به سهم گیری در برنامه های انکشافی افغانستان تشویق نماید ۰ چینی هاهم وعدهٔ همکاری دادند و فضای نسبتاً مساعدی بین دو کشور بوجود آمد که در نتیجهٔ آن سرحد بین دو کشور در همان سال علامه گذاری شد ۰

بتاریخ ۱۵ نوامبر ١٩٦٤= عقرب ۱۳٤۳ دومین پروتوکول بین افغانستان و شوروی دربارهٔ: «معاونت اقتصادی وتخنیکی روس به افغانستان در امور بهره برداری از فابریکهٔ خانه سازی شهر کابل» به امضاء رسید و به اساس آن ۵ ملیون روبل دیگرنیز بنام کریدت اضافی باربح سالانه ۲ در صد دراختیار افغانستان قرار داده شد تا از آن جهت پرداخت قیمت سامان و مواد روسی ، کرایهٔ حمل ونقل آنها ، مصارف اعزام متخصصین روس به افغانستان و همچنان مصارف تعلیم و تربیهٔ افراد افغانی استفاده بعمل آید ۰(۱)

بتاریخ ۳ دسمبر ١٩٦٤ = ۱۱ قوس ۱۳٤۳ شورای عالی روسیه اعلام داشت که این کشور کمک های اقتصادی و تخنیکی خود را در پلان پنجسالهٔ دوم به افغانستان ادامه خواهد داد (روزنامهٔ اصلاح ۱۲ قوس ١٣٤٤ ش) ۰ همچنان موافقت بعمل آمد که در سرحدات افغانستان و روسیه مجادلهٔ مشترک علیه امراض ساری حیوانی آغاز گردد ۰ مجادله با امراض ساری حیوانی در مناطق سرحدی اصلاً نامی بود که روس ها بوسیلهٔ آن سعی میکردند در روستا ها و دهکده های مرزی افغانستان شبکه های جاسوسی خود را وسعت بخشند و خصوصیت قومی و فرهنگی و اجتماعی آنهارا کشف و بررسی نمایند و در نهایت طوری وانمود سازند که روس ها حتی به حیوانات ایشان هم دلسوزی و ترحم دارند ۰

۱ـ منهیات افغانستان و شوروی . سند شمارهٔ (۱۳۲) صفحهٔ ۱۷٦ ـ ۱۷۷ ۰

در ۱۸ جنوری ۱۹٦۵ مطابق ۲۸ جدی ۱۳٤۳ موافقت نامهٔ دیگری راجع به تحویل دهی اموال استهلاکی از روسیه به افغانستان برای سالهای ۱۹٦۵ ـ ۱۹٦۷ م توسط وزیر تجارت «محمد سرور عمر» و انتونوف سفیر روس در کابل به امضاء رسید و به اساس آن روس ها جهت پرداخت اجناس تحویلدهی خود به افغانستان کریدتی (=اعتبار) به مبلغ ده ملیون روبل از قرار ۲ فیصد تکت پولی در سال ، بوزارت تجارت اعطا کردند۰ و موافقت گردید که تادیهٔ پول وربح آن بعد از ۳ سال آغاز ودرمدت ۷ سال به اتمام رسد و حکومت افغانستان پول اصلی کریدت وربح آنرا باتحویل دادن پشم وپنبه و دیگر اموال افغانی بروسیه ، جبران و پرداخت نماید۰(۱)

نکتهٔ جالب در این موافقت نامه آنست که برای تعیین قیمت اجناس استهلاکی روسیه که به افغانستان تحویل داده می شد و همچنان قیمت های اجناسی که برای جبران اقساط قرضه و تکت پولی آن از افغانستان بروسیه پرداخت می گردید، شرایط و پیش بینی های لازم و مفیدی در نظر گرفته شده است که باموافقت نامه های قبلی فرق دارد و معلوم می شود که ناخوانده امضاء نشده است ۰

ولی باهمه توجه بازهم بملاحظه میرسد که روس ها در موافقت نامهٔ مذکور بهای ده ملیون روبل را مساوی ۱۱/۱ ملیون دالر امریکائی محاسبه کرده اند ، درحالی که قیمت روبل هیچگاه با دالر مساوی نبوده چه رسد به اینکه اضافه باشد و این خود نشان دهندهٔ آن است که روس ها در روابط خود با افغانستان هر گامی که برداشته اند و هر قلمی که روی کاغذ کشیده اند توأم باغداری و خیانت بوده است ۰

در اول برج دلو ۱۳٤۳ = ۲۰ جنوری ۱۹٦۵ ، انتونوف سفیر روس نقشهٔ ۲۵ ساله شهر کابل را که توسط کارشناسان روسی ترتیب یافته بود به شاه تقدیم کرد ۰ این نقشه طوری ساخته شده بود که تمام اماکن مذهبی و تاریخی و مظاهر معماری سنتی و ملی و فرهنگی کشور ما بایستی منهدم می شد و بجای آن «اپارتمان» ها و منازل فاقد حریم و خصوصیت اسلامی اعمار میگردید و در نتیجه مردم اجباراً به سبک زندگی روسی عادت داده می شد ۰ چنانچه اینکار را به سرعت دنبال کردند و موفقیت هائی هم بدست آوردند ۰

قانون انتخابات وکلا، قانون سرمایه گذاری های خارجی و قانون مطبوعات از جلمه کارهائی بود که درهمین ماه وسال (دلو ۱۳٤۳) نشر و مورد تطبیق قرار گرفت ۰ واقعاً آنروز ها برای مردم افغانستان روزگار خوشی بود ۰ همه جا انجمن آرائی ها و فعالیت های سیاسی و اجتماعی جلب توجه میکرد ، درهر گوشه وکنار مردم آزادانه حرف میزدند وبا همدگر دربارهٔ وطن وجریانات سیاسی کشور تبادل نظر بعمل می آوردند ۰

دسته بندی های سیاسی کم کم جان میگرفت و هر گروهی سعی میکرد خود را برای

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (۱۳۳) صفحهٔ ۱۷۷ـ ۱۷۹ ۰

زعامت فردای افغانستان آماده سازد ۰ افرادی هم که مثل همیش بی اعتنا و تماشاچی بودند حداقل روی منافع وروابط شخصی و احیاناً به امید کسب چوکی و قدرت ، اشخاصی را در ذهن خود نامزد زعامت میکردند و هر کس به نحوی شادمان بود و خوش می زیست ۰

اوایل مارچ ۱۹٦٥ = اواسط حوت ۱۳٤۳ هیئت های روسی و افغانی مذاکرات پر سروصدائی را درزمینهٔ روابط فرهنگی بین روسیه وافغانستان آغاز نمودند و در نتیجه همکاری های زیادی را در اینباره پیش بینی کردند ۰ تپ و تلاش روس ها در این مذاکرات و همکاری های فرهنگی عمدتاً آن بود که تعداد بیشتری از جوانان افغانستان بروسیه فرستاده شود تا آنها بتوانند ایشان را زیر نام تحصیل شستشوی مغزی کنند و از وجود آنان بحیث ژاندارم و سپاهی خود ، در آیندهٔ افغانستان استفاده نمایند ۰

بتاریخ ۲۲ حوت ۱۳٤۳ = ۱۱ مارچ ۱۹٦٥ کانال ننگرهار یادومین پروژهٔ ساخت روس درافغانستان توسط شاه افتتاح گردید و بدین مناسبت زعمای افغانستان و روس پیام های تبریک و شادباش به همدگر تبادله کردند ۰ پولیانسکی معاون صدراعظم روسیه همراه باهیئتی در این مراسم اشتراک نمود و به نمایندگی از حکومت و مردم روسیه از اکمال پروژهٔ مذکور و مساعی کارشناسان و کارکنان روسی وافغانی و دوستی دو کشور تمجید و قدردانی بعمل آورد ۰

وبه این ترتیب سال ۱۳٤۳ه ش درمیان فعالیت های بی شمار و روز افزون روس ها در افغانستان پایان یافت و زعمای کشور مامثل همیش و کماکان دست جنایتکار روس ها را به گرمی فشردند و به تمام خواسته های ایشان بالاجبار لبیک گفتند ۰

سال ۱۳٤٤ هـ ش
یا
سال تحول و پرهیجان

درسالی که از آن صحبت می کنیم بازهم رفت و آمد های زعمای دو کشور ادامه داشت و بازار صرافان سیاست گرم و پر جوش بنظر می رسید ۰ از پا در آوردن حریفان ورقابت های سیاسی مشغولیت های روزانهٔ مردم را تشکیل میداد ۰ آمد و شد زعما و سران کشور های مختلف به این گرمی سیاست افزوده بود ۰

چینی ها از جمله مردمی بودند که میخواستند نقش پائی در افغانستان داشته باشند و همکاری های خود را آغاز نمایند ۰ روی این آرزو مندی بتاریخ ۳ حمل ۱۳٤٤ = ۲۳ مارچ ۱۹٦۵ مارشال چن ئی معاون صدراعظم چین بدعوت شاه وارد کابل شد و مذاکراتی را با مقامات کشور ما انجام داد ۰ اما در اثر فشار روس ها وکار شکنی های افراد وابسته بمسکو در دستگاه حاکم ، کوشش و تلاش پکن بجائی نرسید و در محدودهٔ همان روابط عادی، سیاسی و همکاری های بسیار کوچک اقتصادی باقی ماند ۰

روس ها که بیش از هر شخص دیگری دران مرحله متوجه دکتر محمد یوسف خان بودند و فکرمی کردند موصوف میتواند در نظام پارلمانی آینده بحیث صدراعظم پیوند های سیاسی و اقتصادی و نظامی روس و افغانستان را مستحکم ترسازد ، بار دیگر ازوی دعوت کردند تا از مسکو دیدن کند ۰ وی در اول ثور = ۲۰ اپریل بروسیه رفت وبا گرمی و حرارت استقبال گردید و تادهم ثور دران کشور باقیماند و بازعمای روس دیدار و مذاکره نمود ۰

در اعلامیهٔ مشترکی که بتاریخ ۳۰ اپریل مطابق دهم ثور انتشار یافت ، روس ها اعزام کارشناسان بیشتری به افغانستان وعده دادند تا در پلان پنجسالهٔ سوم باافغانستان همکاری کنند و دکتر محمد یوسف خان نیز از کاسگین دعوت کرد تا به افغانستان مسافرت کند ۰(۱)

دکتر محمدیوسف خان پس از بازگشت بروسیه ، عازم ولایات کشور شد وهمه جابیانیهٔ هائی ایراد فرمود و بربعضی نقاط حساس و پدیده های نا مطلوب اجتماعی امثال فقر ، بی عدالتی ، رشوه خواری ، عدم وسایل و شرایط نامناسب تعلیم و زندگی در روستاها وغیره انگشت نهاد ۰ موصوف در یکی از این بیانیه ها گفت : «این مفکوره که مابیک لب نان قانع وراضی باشیم مفکورهٔ اسلامی وافغانی نیست» ، همچنان وی ضمن این دیدار ها

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۱٤۱) صفحهٔ ۱۹۱ ۰ ۱۹٤ ۰

و صحبت بامردم در اجتماعی از شهریان قندز (۱) اظهار داشت که : «افغانستان بیک خانه تکانی عظیم نیاز دارد ۰»

البته منظور دکتر محمد یوسف خان از عبارات یاد شده ، تطبیق ارزش های قانون اساسی ، از میان بر داشتن حکومات فردی وخانوادگی ، تامین عدالت و مساوات ، از بین بردن شیوه های کهنه ونامانوس اداری ، رفع تبعیضات قومی ولسانی و رویکار آوردن یک نظام قانونی بود ۰ اما از آنجاکه «اصطلاح خانه تکانی» در قاموس زندگی مردم افغانستان مفهوم خاصی دارد، در کابل تعبیرات گونا گونی شد و حریفان از آن بسیار بهره برداری کردند ۰

بتاریخ ۲۵ ثور حکومت اعلامیه ای پخش کرد و تاریخ ۱۹ سنبله را روز انتخابات وکلاتعیین نمود ۰ از همانروز به بعد فعالیت های انتخاباتی در سراسر کشور آغاز گردید و تعداد زیادی از مردم برای راه یابی به شورا خود را نامزد کردند ۰ ایندوره انتخابات با آنچه در گذشته انجام می شد تفاوت کلی داشت و نخستین بار بود که مردم فکر میکردند میتوانند آزادانه مبارزه کنند ، آزادانه رای بدهند ، آزادانه انتخاب کنند و انتخاب شوند و آزادانه در مجلس شورای ملی افغانستان حرف بزنند و از خود سری های حکومت وعمال آن جلوگیری نمایند ۰ اما چنانکه بعداً تذکر خواهیم داد بعلت نداشتن تجارب سیاسی ، دست اندازی های بعضی از ملاک و سرمایداران و کفن کشان قدیم و مداخلهٔ بجا و بیجای بعضی افراد با نفوذ واراکین دولت وهمکاران نزدیک دکتر محمد یوسف خان ، انتخابات بصورت طبیعی وسالم انجام نشد و این امر روحیهٔ خوش بینی نسبت به دکتر محمد یوسف خان را دگر گونه ساخت ۰

در اوایل جون ۱۹٦۵= اواسط جوزای ۱۳٤٤ شاه به فرانسه رفت و چنان نمود که افغانستان میخواهد در روابط خود باکشور ها تجدید نظر کند و ازهمه جهان درخواست همکاری نماید ۰ در نتیجهٔ این سفر دولت فرانسه آمادگی اش راجهت کمک به افغانستان اعلام داشت و قرار شد هیئتی از موسسات اقتصادی آن کشور به کابل مسافرت کند و امکانات کمک های فرانسه را مطالعه وارزیابی نمایند ۰

در ماه اسد = جولای ۱۹٦۵ بین وزارت مالیه و سفارت روس موافقت نامه ای در کابل به امضاء رسید و مطابق به آن ربح و تکت پولی (۲) قرضه های روس که تاآنروز به سه صد و پنجاه ویکهزار دولار بالغ می شد و باید در سال های ۱۹٦۵ ، ۱۹٦٦ و ۱۹٦۷ م تادیه می

۱ـ درچاپ اول کتاب بجای «قندز» ، مسکوچاپ شده که باعرض معذرت از خوانندگان التماس می شود آنرا تصحیح فرمایند ۰

۲ـ روزنامهٔ انیس ۷ برج اسد ۱۳٤٤= ۲۸ جولای ۱۹٦۵ء ۰ هموطن عالیقدر و محترمی ، این مبلغ را ، تحویق تادیهٔ اقساط قروض روس میداند ، نه «تکتانهٔ آن» ۰ ولی در روزنامهٔ انیس چنانکه تذکره داده ایم بنام تادیه تکت پولی ذکر شده است ۰ بنظر بنده حقیقت هرچه باشد ، چه قسط قرض و چه تکتانهٔ آن، پولی بود متعلق بروس و ذمت افغانستان که حکومت وقت باید آنرا در زمان معین تادیه می کرد ۰

گردید ، به سال های ۱۹۹۲ ، ۱۹۹۳ و ۱۹۹٤ م به تعویق افگنده شد و اعلام گردید که این موافقت در اثر مذاکرات دکتر محمد یوسف خان بامقات روسی بعمل آمده است ۰ گرچه اینکار روی توازن مالی و مشکلات بودجوی صورت گرفته بود و برای سید قاسم خان رشتیا وزیر مالیات و دکتر محمد یوسف خان موقع میداد تا آنرا صرف کارهای دیگر دولتی نمایند ، امـا دراصول و از لحاظ تعامل حقوقی و بشری نوعی گناه و جفا محسوب می شد ۰ زیرا انداختن بار خویش بگردن دیگران و مقروض ساختن نسلی که هنوز در دنیا وجودندارد ، به هیچ وجه توجیه پذیر نیست ۰ وعلاوه بران این اقدام بذات خود عاملی بود که ریشه های نفوذ روس وسیاست های استعماری و استثماری آنرا عمیق تر و بادوام ترمی ساخت ۰

بهر حال پس از این موافقت نامه و دعوتی که قبلاً روس ها از شاه و ملکه بعمل آورده بودند ، موصوف بتاریخ ۳ اگست ۱۹٦۵ مطابق ۱۲ اسد عازم روسیه شد و تقریباً مدت ده روز دران کشور باقی ماند و از شهر های مختلف روسیه دیدن نمود ۰ درجریان مذاکرات بین شاه وزعمای روس، روابط اقتصادی و تخنیکی دو کشور درآینده مورد بحث قرار گرفت و حقه بازان کرملن وعده های گرم و نرمی به شاه افغانستان ابراز داشتند ۰ همچنان در اعلامیهٔ مشترکی که بتاریخ ۱٦ اگست ۱۹٦۵ = ۲٤ اسد ۱۳٤٤ ، انتشاریافت ، دو طرف تصمیم گرفتنـد تا مدت اعتبـار پیمان بیطرفی و عدم تجاوز متقابل بین افغانستان و اتحاد شوروی منــعــقــدهٔ سال ۱۳۱۰ش مطابـق ۱۹۳۱ میلادی را برای ده سال دیگــر تمــدید نمایــنــد ۰(۱) البته این معاهده قبلاً نیز چندین بار و آخرین دفعه ضمن امضای پروتوکولی بتاریخ ۲۵ قوس ۱۳۳٤ مطابق ۱۸ دسمبر ۱۹۵۵ منعقدهٔ کابل تمدید شده بود ۰

معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز که روس ها آنرا عنوان کرده بودند و هر بار هم بمناسبتی ، ۵ سال و ۱۰ سال تمدیدش می نمودند ، بذات خود مظهر اندیشهٔ تجاوز وسیه کاری بود و معنی آنرا داشت که ایشان در دراز مدت نقشهٔ تجاوز و مداخله را درسر داشتند و در انتظار فرصت بودند۰ در غیر آن چنین مسئله ای بین دو کشور آزاد و دارای حدود و ثغور معین و مشخص و آنهم در حالت صلح و عادی ، اصلاً قابل طرح و معاهده نبود ۰ از همه مهمتر آنکه درگذشته هم ثابت شده بود که روس ها با هیچ پیمان و معاهده ای پابند و صادق نیستند ، چنانچه به نخستین معاهدهٔ خود (۲۸ فروری ۱۹۲۱) هر گز عمل نکردند و این در حد خود کافی بود که زعمای افغانستان انتباه می گرفتند و چنین طبلی را هر بار بصدا در نمی آوردند ۰

مقارن سفر شاه بروسیه و فرارسیدن ایام انتخابات ، فعالیت ها و تلاش های زیادی درجـریان بود ۰ یکی جهت بدست آوردن وکالت می کوشید و دیگری برای کاندید شدن

۱ـ مناسبات افغانستان و اتحاد وشوروی ، اسناد شمارهٔ (۱٤۲) و (۱٤۵) صفحات ۱۹٤ و ۱۹۹ ۰

صدارت ۰ درمیان افـرادی که مردم برای کرسی صدارت پیش بینی میکردند ، نام دکتر محمد یوسف خان بیشتر ورد زبان ها بود وگمان میرفت که برای سالیان دیگر نیز عهده دار صدارت خواهد بود ۰ اما در اثر عوامل متعدد ومن جمله بی نظمی ها ودست بازی هائی که در جریان انتخابات اتفاق افتاد از میزان پیروزی اوکاهش بعمل آمد ۰

جریان از اینقرار بود که طبق احکام قانون انتخابات هر شخص واجد شرایط رای دهی باید در حوزهٔ محل تولد خود رای میداد و به این ترتیب در حوزه های انتخاباتی کابل ، جز باشندگان اصلی و مربوط به همان ناحیه و حوزه ، دیگران حق رای دادن رانداشتند ۰ لیکن درجریان انتخابات عملاً بمشاهده رسید که خلاف قانون انتخابات به حمالان و کارگران گمرکات ، مامورین وزارت مالیه و پلان و موسسات مربوط به آنها که اغلب از ولایات دیگر کشور بودند ، دستور داده شد تا در حوزه های انتخاباتی کابل شرکت کنند و رای خود را در دو حوزهٔ مورد نظر حکومت به صندوق های مشخص بریزند ۰

من که خود دران صحنه حضور داشتم و بحیث وکیل یکی از نامزد های انتخاباتی در حوزهٔ مکتب استقـلال انجـام وظیفه می کردم باسایر نمایندگان، این جریانات را بچشم خویش تماشا میکردیم، وهر چند اعتراض و شکوه کردیم جزتهدید و تخویف اثری نداشت ۰

موضوع جالبی که شاید برای خوانندگان باور نکردنی باشد ، ولی واقعیت دارد ومن دراندیار غربت و آوارگی و شرایط جهاد اصلاً نمیخواهم حرفی را افتراء ویا مبالغه کنم این است که :

در روز سوم انتخابات جوانی بنام «ادهم» پسر میر غلام محمد خان غبار که دران ایام محصـل طب و نمایـندهٔ پدر خویش در حوزهٔ انتخـاباتی مکتب استقلال بود نزد من آمد و گفت : «همین امشب از درون ارگ شاهی براي ما اطلاع موثق رسیده است که میر محمد صدیق فرهنگ، ببرک ، اناهیتا و میرمن (=خانم) رقیه ابو بکر بحیث وکلای کابل قبول و مشخص شده اند و این فیصله را در رای گیری عملی خواهند کرد ۰ پس بهتر است خود را درد سرندهید ، زیراهمه چیز انجام شده است ۰»

این گفتار او برای من که تا آنوقت تجربه و شناختی نداشتم و از حقه بازی ها و توطئه ها خبرم نبود ، باور نکردنی تلقی می شد ، اما در جریان رای دهی افراد غیر قانونی و دست وپازدن های آشکار و مخفی ماموران وزارت عدلیه وناظرین بر انتخابات ، و نیز هنگام شمارش آراء همه حقایق آشکار گردید ۰

البته این وضع تنها در کابل و بصورت استثنائی نبود بلکه در سرتاسر کشور دست اندازی ها و اقدامات مشابهی بعمل آمد و انتخابات بشکل غیر طبیعی انجام یافت و بدبینی هائی را علیه دکتر محمد یوسف و همکارانش برانگیخت ۰ حتی در جریان انتخابات ذخایر تانک های پطرول را قفل زدند و خود که از پیش پطرول را بوسیلهٔ آشنایان خود ذخیره کرده

بودند ، به بهای گزاف آنرا دربازار سیاه بفروش رسانیدند ۰

وسایل نقلیه و پطرول مورد نیاز کمونست ها هم علناً بوسیلهٔ کارکنان سفارت روس تهیه می شد و بقیه بمشکلات زیادی مواجه بودند ۰ خلاصه آنکه درچنان فضائی آگنده از شور وهیجان و ناخشنودی بتاریخ ۲۱ میزان = ۱۳ اکتوبر دکتر محمدیوسف خان ختم دورهٔ انتقالی را به شاه گزارش داد وبار دیگر ماموریت یافت تابه تشکیل کابینه اقدام کند ۰ یکروز بعد از آن (۲۲ میزان) نخستین دورهٔ شورای ملی بعد از قانون اساسی تشکیل جسله داد و کار خود را عملاً آغاز نمود ۰

جریان رای اعتماد و حادثهٔ سوم عقرب

دکتر محمد یوسف خان همراه با اعضای کابینهٔ جدید بتاریخ ۲٤ اکتوبر ۱۹٦۵ مطابق ۲ عقرب ۱۳٤٤ به شورا رفت تاخط مشی واعضای کابینه اش را به نمایندگان ملت معرفی کند و رای اعتماد بگیرد ۰ اما دران روز تعداد زیادی از محصلان پوهنتون تالار شورا را اشغال کرده بودند و در اثر این ازدحام وبی نظمی و تشنج و سخن رانی و حملات شدید لفظی بعضی از وکلاً جلسهٔ رای گیری به تعویق افتاد ۰

در خارج از تالار شورا نیز اجتماع زیادی بچشم میخورد که بعضاً علیه بعضی از وزراء شعار میدادند و معلوم می شد تحریکات و تخریبات وسیع و شدیدی جریان دارد ومی کوشند جریان رای اعتماد را مختل سازند ۰

دکتر محمد یوسف خان که از اوضاع ناراحت و عصبانی شده بود ، پس از ترک جلسه بلا فاصله نزد شاه رفت و از کاری که بوی محول شده بود معذرت خواست ۰ لیکن شاه با اصرار زیاد او را واداشت تا عهده اش را ایفاء کند ۰

فردای آنروز یعنی بتاریخ سوم عقرب (= ۲۵ اکتوبر) جلسهٔ شورا بصورت سری دایر شد و دکتر محمد یوسف خان با اعضای کابینه اش به شورا رفت تارای اعتماد حاصل کند ۰ آنروز بازهم محصلان پوهنتون وصنوف بالائی لیسه های کابل به محوطهٔ شورا هجوم بردند تا تالار را اشغال کنند ولی قوای امنیتی و قطعات عسکری از داخل شدن آنان بداخل شورا جلوگیری کردند و بنا بر این تظاهرات شدیدی در حومهٔ شورا ، سرک دارالامان ، کارته ۳ و نواحی منزل دکتر محمد یوسف خان براه افتاد ۰

در این تظاهرات که آشکارا معلوم می شد قبلاً طرح وبرنامه ریزی شده است ، کارمندان سفارت روسیه دوشا دوش مظاهره چیان حرکت میکردند و با کامره های عکاسی خویش از صحنهٔ تظاهرات عکس برداری می نمودند ۰ حوالی شام آنروز تظاهرات شکل آشوب رابخود گرفت و نگارنده که با دکتر عبدالولی زکی رئیس فاکولتهٔ طب ناظر صحنه بودیم ، متوجه

شدیم که تظاهر کنندگان با سنگ و کلوخ قوای امنیتی و پولیس را مورد حمله قرار دادند و برخورد شدیدی بین دو طرف آغاز گردید ۰ دقایقی بعد دوسه فیرتفنگچه یا تفنگ بگوش رسید وسپس تظاهرات خاموش گردید ۰ علت مهم از هم پاشیدن تظاهرات، فرارسیدن شب و تاریکی بود که دیگر تظاهر کنندگان به هیچوجه نمیتوانستند بکار خود ادامه دهند ۰

فردای آنروز کمونست ها و رقبای سیاسی دکتر محمدیوسف آوازه انداختند که دران حادثه چندین نفر کشته شده است، درحالی که جز یک نفر شاگرد خیاط ، شخص دیگری مشخص نبود ۰ وآنهم بقول بعض از ناظرین در صحنه ، توسط کمونست ها بقتل رسیده بود ۰ زیرا ایشان در جریان زد و خورد از پشت سر فیر می کردند وخود را دربین انبوه جمعیت پنهان می نمودند ۰

اینکه آیا واقعاً امرفیر به قوای امنیتی داده شده بود یانه وچه کسی به اینکار اقدام کرده بود ، دقیقاً معلوم نیست ۰ بعضاً بخصوص کمونست های طرفدار محمد داود خان ، سردار عبدالولی قوماندان قوایمرکز رامتهم می کردند و بعضاً دکتر عبدالقیوم وزیر داخله را ۰ عده ای هم فیر تفنچگه را به عبدالاحد (برادر دکتر عبدالظاهر رئیس شورا و دکترعبدالقیوم وزیر داخله) ، نسبت می دادند و مدعی بودند که فردای آنروز کابل را ترک گفت و بخارج رفت ۰ (والله اعلم)۰

آنچه مسلم به نظر میرسید آن بود که در تظاهرات و خشونت آنروز دسته ها و گروههای مختلف و در راس همه گماشتگان محمد داود خان شرکت داشتند و تعداد زیادی از جوانان هم بدون اینکه از کنه ماجرا باخبر باشند و بدانند هدف چیست وچه می کنند ، آنان را همراهی کردند ۰

بهمه حال، واقعه سوم عقرب در کشوری که تازه مشق دیموکراسی میکرد ، امرخیلی بزرگ و خارق العاده نبود و همین اکنون می بینیم که همه روزه نظایر آن در گوشه وکنار جهان اتفاق می افتد ۰ ولی کمونست ها آنرا وسیله و بهانه قرار داده همه ساله تعدادی از جوانان وکودکان معارف را به خیابان ها می کشیدند و بنام تجلیل از «محصلان و زحمت کشان کشته شده» مظاهره می کردند ۰ درحالی که خود هنگام دست یابی به قدرت همه چیز را از یاد بردند و تاریخ ثابت ساخت که این بی عرضه های فرومایه و دون حتی تحمل فریاد چند دختر معصوم لیسه ها را هم نداشتند و آنان را که در واقع ناموس افغانستان و خواهران شان محسوب می شدند ، توسط تانک ها وزره پوش های باداران خود به گلوله بستند ۰

نقطهٔ قابل توجه این است که هجوم بردن محصلان در تالار شورا وتظاهرات سوم عقرب، یک پدیدهٔ تصادفی وطبیعی نبود، و همانطور که گفته آمد ، افراد و گروههای مختلفی در برپائی و ایجاد آن دست داشتند ۰

در پهلوی افـراد و عوامـل داخلی ، روس ها نیز که از رویکار آمدن دیموکراسی در افغانستان بوحشت افتاده بودند ونضج و کمال آنرا باعث از بین رفتن نفوذ و منافع خود می انگاشتند ، به شدت می کوشیدند ، تابا ایجاد بدامنی وبی نظمی توسط عمال خویش ، سیر سالم وطبیعی دیمـوکراسی را در افغانستان لطمه زنند و آنرا در نطفه خنثی سازند ۰ ویا حداقل از اینطریق بحکومات افغانستان چنگ و دندان بنمایند تا درروابط خود با روس ها خویشتن دار باشنـد ۰ بنـابـر این چنـانکه همه در جریان بودیم و بچشم خویش مشاهده میکردیم ، روس ها از همان آغاز در برابر نهضت نوپای دیموکراسی در افغانستان واردعمل شدند وباتمام امکاناتی که در دست داشتند سعی کردند تاقبل از انکه این کودک نوزاد پاپپا رفتن آموزد ، از بین برود ۰

متاءسفانه بی التفاتی های زمام داران و خود خواهی و رقابت های آزمندان قدرت در افغانستان، نقش و نقشه های روس را بصورت خواسته یا نا خواسته ، ممد گردید و در نتیجهٔ آن ، شیرازهٔ امور از هم گسیخت وزمینه برای دگرگونی احوال فراهم آمد ۰

در هر صورت روز سوم عقرب مجلس شورای ملی در پشت دروازه های بسته به خط مشي دکتر محمد یوسف خان رسیدگی کرد و از جملهٔ ۲۱۶ وکیل حاضر درمجلس، ۱۹۸ نفرآن به حکومت او رای اعتماد دادند ۰

موصوف پس از کسب رای اعتماد ، کرسی صدارت را مجدداً اشغال وبکار خود آغاز نمود ۰ اما* ناآرامی ها و تشنج همچنان ادامه یافت و او مجبور شد بعد از چهار روز یعنی بتاریخ ۷ عقرب استعفا بدهد ۰

چرا دکتر محمد یوسف خان شکست خورد؟

نامبرده وقتی مسوولیت امور دورهٔ انتقالی را در افغانستان عهده دار گردید که مردم در اثر از بین رفتن دکتاتوری و اختناق و بیداد گری دورهٔ صدارت محمد داود خان نفس های عمیقی می کشیدند و اندک تحولی را مایهٔ خشنودی و آسایش تلقی می کردند ۰

او بادرک این احـوال در مدت دو سال و هفت ماه، ماموریت خود بحیث صدراعظم کارهـای خوبی هم انجـام داد که مهمـترین آنهـا از بین بردن سازمـان های وحشتناک جاسوسی ، انتخاب و تقرر بعضی از جوانان و اهل معارف و مطبوعات در راس کارهای اداری و اجتماعی ، تدوین یک سلسله قوانین و از بین بردن کرسی های انحصاری بود که همـهٔ آنهـا در جلب توجـهٔ مردم اثـرات خاصی داشت وقشر منور و تحصیل کرده از وی جانبداری میکردند و هر گاه بهمان منوال ادامه می یافت شاید کارهای ارزنده تر و بیشتری انجام میداد ۰ اما عوامل متعدد و مختلفی باعث شد تا دکتر محمد یوسف خان خلاف توقع به سرعت از صحنه کنار رود وجایش را بدیگران واگذارد ۰

این عوامل که بصورت بسیار مختصر از آنها یاد خواهیم کرد عبارت بودند از :

۱ ـ مداخلهٔ دربار در امور حکومت : از قراین و شواهد چنین بر می آمد که دکتر محمد یوسف خان تا ختم تسوید ، تصویب و توشیح قانون اساسی ، از اعتماد و حمایت دربار به نحو مطلوب برخوردار بود و در تمام مسایل بین او وشاه وحدت نظر وجود داشت ۰ ولی بعداً به اثر تحریکات ، تخریبات و فعالیت هائی که علیهٔ او در دربار صورت گرفت، ذهنیت شاه نسبت به وی تغییر یافت و مداخلهٔ کلی و جزئی در امور آغاز گردید ۰

۲ ـ اثرات منفی انتخابات : در اولین انتخاباتی که پس از قانون اساسی برگزار گردید، عمدتاً چهار سازمان مختلف یعنی : مسلمانان اعتدالی یامیانه رو (وحدت ملی) ، ناسیونالست های افراطی (افغان ملت) ، چپ های داغ (کمونستان طرفدار مسکو) و دوستان و هواخواهان دکتر محمد یوسف خان وآقای رشتیا، برقابت برخاستند و برای احراز کرسی های شوری جدوجهد نمودند ۰ البته افراد و گروههای دیگری نیز در مبارزات انتخاباتی سهم گرفتند ولی توفیق چندانی نداشتند ۰

این انتخابات چنانچه عرض شد بصورت طبیعی وسالم انجام نیافت و تشبثات و مداخلات غیر قانونی در آن یک سلسله مخالفت ها و تضاد ها را ازدیاد بخشید که بعداً در جلسات شوری و تظاهرات سوم عقرب بصورت عقده ای تبارز نمود وسایر دسته بندی ها وانگیزه ها را ممد گردید ۰

۳ ـ ادامهٔ همکاری و روابط با روس ها : دکتر محمد یوسف خان در روابط خود با روس ها نقش پای محمد داود را دنبال کرد و مناسبات کابل و مسکو را کماکان حفظ نمود ۰ گرچه روس ها قبلاً کار خود را کرده بودند و بحدی افغانستان در زیر بار قرضه های کمر شکن و نفوذ آنان خورد و زمینگیر شده بود که مجالی برای برخاستن نبود و دکتر محمد یوسف خان چاره ای نداشت جز اینکه روابط اقتصادی و سیاسی افغانستان رابا روس ها حفظ می کرد و روش های قبلی را دنبال می نمود مع هذا ادامهٔ این همکاری با مسکو ، بخصوص قرارداد سروی معادن کشور، و تهداب گذاری انستیتوت پولی تخنیک در کابل توسط بریژنیف ، اثرات منفی در جامعه برجاگذاشت و رقبای سیاسی دکتر محمد یوسف خان از آن بهره برداری کردند ۰ همچنان آمد وشد بیش از حد زعمای دو کشور باوجود آنکه مناسبت هائی در زمینه و جود داشت، اذهان عامه را متغیّر ساخت ۰

٤ ـ موضوع قبیله سالاری و تعصب: چون اولین بار بود که «صدارت» در افغانستان بصورت عمدی ، آزمایشی و یا تصادفی از شکل انحصاری وچوکات قبیله سالاری خارج شده بود ، لذا مشتی متعصب و قدرت طلب بیم داشتند تا معیار دانش و استعداد ، عام

و همیشگی نشود و امتیاز آنان سلب نگردد ۰ روی این انگیزه و احساس آشکارا و نهان سعی می کردند دکتر محمد یوسف خان را تخریب کنند حتی بعضی از وزراء کابینه هم پیدا و پنهان با این تبلیغات و تحریکات همنوائی داشتند ۰

هر چند دکتر محمد یوسف خان کوشید تا این ذهینت ها وفعالیت ها را از راههای معقول و منطقی، حتی بااعطای بعضی امتیازات خنثی کند ، لیکن این سعی و تلاش کارگر واقع نشد و حریفان بکار خود ادامه دادند ۰

۵ ـ مخالفت میوندوال و خلیلی : میوندوال و خلیلی درجملهٔ دیگر کسانی بودند که درسطح مسایل شخصی ویاروی اهداف و دلایل رسمی وسیاسی با دکتر محمد یوسف خان وآقای رشتیا وزیر مالیات به شدت اختلاف داشتند و پیوسته سعی میکردند یکدگر را ضربه زنند و تخریب کنند ۰ حتی پس از آنکه همه چیز پایان یافت و دو طرف از قدرت فرو افتاده بودند بازهم کدورت هائی بین شان وجود داشت ۰

باوجود آنکه داکتر محمد یوسف خان صدراعظم بود وقدرت و صلاحیت زیادی در دست داشت، مع الوصف مخالفت این هر دو باوی در حد خود بی تاثیر نبود ۰

۶ ـ مشـوره های نادرست : افواهات در کابل چنین بود که بعضی همکاران و مشاورین نزدیک به دکتر محمد یوسف خان روی اغراض و منافع شخصی خود ، او را به جهت گیری ها و کارهائی تشویق میکردند که به هیچ وجه سودمند نبود و همین امر باعث شد تا از خوش بینی مردم نسبت به او کاسته آید و مخالفت هائی را علیه وی بر انگیزد ۰

اتفاقاً همیشه در تاریخ دیده شده است که اکثر زعما و فرمانروایان وحتی رهبران سیاسی در اثر مشوره های نادرست ، مغرضانه ، منفعت نگری و یاناآگاهی و خود خواهی مشاوران واطرافیان خود از رهٔ صواب بدور افتاده اند وبه سختی زیان دیده اند ۰ وبا همه عشق و آگاهی و دانش و علاقه بکار و خدمت و پیشرفت ، در نیمه راه باز مانده اند ۰

برعکس بعضاً بمشاهده رسیده است که ناتوان ترین افراد، در نتیجهٔ مصلحت و مشوره و استفاده از رای و دانش افراد نیک اندیش و نیک اعتقاد وبی آلایش ، نیرو گرفته اند و کار های خارق العاده ای انجام داده اند ۰

۷ ـ واقعهٔ سوم عقرب : آشوب و ناآرامی سوم عقرب که اولین و شدید ترین مظاهره در نوع خود محسوب می شد ، همه را از بازار تا دربار تکان داد و اثرات نامیمون و بدشگون آن سیر دیموکراسی و تاریخ آنرا در افغانستان با خون رقم زد و با خون شست ۰

رقبا و حریفان دکتر محمد یوسف خان هم آنرا دستاویز خود قرار دادند و تاآنجا که ممکن بود بهـره برداری نمـودنـد و اومجبـورشـد استعفا بدهد ۰ دربارهٔ کناره گیری واستعفای او نظریات و تبصـره های گوناگونی شایع گردید ۰ بعضاً بران بودند که متهم شدن سردار

عبدالولی داماد شاه در حادثهٔ تیر اندازی آنروز که اغلب از پشت پرده توسط محمد داود خان پخش و دامن زده می شد ، حمایت شاه را نسبت به دکتر محمد یوسف خان کاهش داد و زمینه را جهت کنار رفتن وی مساعد نمود ۰

عده ای عقیده داشتنـد که شاید شخص شاه او را به استعفا و کناره گیری از عهدهٔ صدارت تشویق کرده باشد تا از شدت عکس العمل ها و بهره برداری محمد داود خان در زمینه بکاهد ۰

در واقع همهٔ این جریانات و عواملی که دربالا به آن اشاره شد ، دست در دست هم داد و اوضاع را بگونه ای در آورد که دکتر محمد یوسف خان چاره ای نداشت جز آنکه استعفا بدهد ۰

گرچـه عده ای از همراهان و همکارانش او را به مبارزه علیه مخالفین و مخالفت ها وادامهٔ کار تشویق میکردند ، اما او بخوبی درک کرده بود که علاوه بر تغییر ذهنیت شاه و پنهان کاری ها و تخریبات محمد داود خان ، اکثریت اعضای شورا نیز در صف مخالفین قرار دارند و در چنان شرایطی کاری از پیش برده نخواهد توانست ۰

البته در یک نظام دیموکراسی وجوامعی که مراحل رشد وتکامل سیاسی را پیموده اند ، مسـایلی از قبیل تظاهـرات ، تضادها ، اختلافات، کشمکش ها و امثال آن درحدودی که قوانین اجازه میدهد ، کاملاً طبیعی وبدیهی می باشد ۰ واما در کشوری مثل افغانستان و در شرایط آنروز که کلمهٔ دیموکراسی تازه در قاموس اصطلاحات سیاسی ما وارد شده بود وسوابقی نداشت ، طبیعتاً خام کاری ها و خام جوشی هائی را درپی داشت و کار رشد و پختگی آن بمشکل مواجه شد ۰

آری ! معیار های آنروز افغانستان رنگ وبوی دیگری داشت و دکتر محمد یوسف خان نه به سمت و قبیلهٔ خاص و صاحب امتیازی متعلق بود ، نه حزب نیرومندی از وی حمایت میکرد و نه هم پشتوانه ای در شورا و دربار داشت ! و درچنین احوال درخت پرباری را می مانست که با همه قابلیت و استعداد ، از هر باد و بارانی به شدت آسیب می دید ، و دید ۰

فصل دهم

میوندوال و صدارت افغانستان

(۷ عقرب ۱۳٤٤ ـ ۱۸ میزان ۱۳٤٦ هـ ش)

موضوع سوم عقرب تا آنجا تبلیغ گردید و بزرگ جلوه داده شد و تشویش بار آورد و اضطراب تولید کرد که حتی روز جمعه ۷ عقرب ، شاه استعفای دکتر محمد یوسف خان را پذیرفت (ویا او را وا داشت که استعفا کند) و بلا فاصله محمد هاشم میوندوال وزیر اطلاعات وکلتور را مامور تشکیل کابینه ساخت و ساعت ۳ بعد از ظهر همانروز رادیو کابل اعلامیه ای را از دارالتحریر شاهی پخش کرد که :

«دکتر محمد یوسف خان بعلت مریضی از عهدهٔ صدارت استعفا داد و محمد هاشم میوندوال مامور تشکیل کابینه گردید ۰»

میوند وال کابینه اش را بسرعت تشکیل داد و از شورای ملی افغانستان رای اعتماد گرفت ۰ یکهفته بعد بتاریخ ۳ نوامبر ۱۹۶۵ = ۱۳ عقرب به دانشگاه (=پوهنتون) کابل رفت و در مجلس سوگواری ای اشتراک کرد که از طرف محصلان نسبت به حادثهٔ سوم عقرب برگزار شده بود ۰ محصلان درحالی که میوندوال دستمال سیاهی را به علامت سوگواری سوم عقرب بگردن آویخته بود و با ایشان همدردی و همنوائی نشان میداد ، از وی خواستند که :

۱ ـ افرادی که بجرم اشتراک در تظاهرات سوم عقرب باز داشت شده اند ، فوراً رهاگردند ۰

۲ ـ به محصلین اجازه داده شود تابه تشکیل اتحادیه ای اقدام کنند ۰

۳ ـ واقعهٔ سوم عقرب تحقیق وعاملین آن مجازات شوند ۰

میوند وال به ایشان وعده داد که :

دربرگشت از پوهنتون افرادی را که در واقعهٔ سوم عقرب گرفتار وزندانی کرده اند ، فوراً آزاد خواهد کرد ۰ پس از آنکه انتخابات درپوهنتون صورت گرفت ، تشکیل اتحادیهٔ محصلین نیز در قانون پوهنتون گنجانیده می شود و بعد از طی مراحل قانونی ، شاگردان پوهنتون می توانند اتحادیهٔ خود را تشکیل دهند ۰ همچنان دربارهٔ حادثهٔ سوم عقرب تحقیق آغاز وعاملین آن به محاکمه کشانیده خواهند شد ۰

گفتار و وعده های میوندوال در روحیهٔ محصلان چنان اثر گذاشت که او را بعنوان تقدیر و بزرگداشت برشانه و دوش کشیدند و فریاد «زنده باد میوندوال» صحن پوهنتون رابه لرزه در آورد ۰

حقیقت این است که در کشور های عقب مانده حتی در دانشگاهها و مدارس ، جوانان و مردم بیشتر تابع احساسات اند تاتعقل و دورنگری، و بنابر این اغلب اوقات آنانرا بصورت ناخود آگاه و غیر ارادی به صحنه می کشند و از عواطف پاک ایشان استفاده می کنند ۰ لذا در چنین جوامعی نه دشنام و نفرین اینگونه افراد ، آگاهانه وشعوریست و نه تحسین ایشان ۰ نه آن شیوه مستدام و با اهمیت است ونه این روش در خور اطمینان و باور ۰ به اندک فشار و حرکتی چون سودا واتر بجوش می آیند و کف می کنند ولی لحظه ای بعد آنهمه غلیان و جوشش فروکش می کند و به سردی می گراید ۰

استقبال و پذیرائی گرم دانشجویان از میوندوال نیز چنین ماهیتی داشت که بعد از چند روز در اثر توطهٔ ها و تحریکات گماشتگان روس بهم خورد و جای آنرا خشونت و تظاهرات خیابانی گرفت ۰

گزینش میوندوال بحیث صدراعظم ، برای روس ها اتفاق درد ناکی بود ، زیرا بخوبی میدانستند که میوندوال دپلومات آگاه وزیرکی است و به هیچ نیرنگ تحت سلطهٔ ایشان قرار نخواهد گرفت وروش دیگران را دنبال نخواهد کرد ۰ و از این جهت سخت به هراس افتادند و مصلحت دران دیدند تا از هر راهی که میسرآید در براندازی او سعی و تلاش ورزند ۰

هنوز بیش از دو هفته سپری نشده بود که سفیر امریکا در کابل با میوندوال ملاقات نمود(۱) و ضمن آن کمک های اقتصادی امریکا را به افغانستان وعده داد ۰ یکروز بعد از آن (۱٤ نومبر ۱۹٦۵ = ۲۳ عقرب) یک هیئت روسی به سرپرستی گیریل مازوروف معاون صدراعظم روسیه وارد کابل شد تا در مراسم افتتاح سرک موتررو (کشک تور غندی ، هرات ـ قندهار) اشتراک کند ۰ مازوروف باشاه و صدراعظم دیدار و مذاکره نمود و در دعوتی که جهت استقبال از هیئت روسی ترتیب یافته بود ، پری به کلاه میوندوال زد و گفت :

«آقا ی صدراعظم در شوروی اهمیت و قیمت قابل ملاحظه ای به خط مشی شما داده می شود ۰۰۰۰۰»(۲)

روس ها در آغاز می کوشیدند با این نوع مکر و مداهنه و روش های همیشگی ، میوندوال را هم بدام روس گرائی بکشانند ، ولی دام و دانهٔ مسکونتوانست طایر اندیشه

۱ـ روزنامهٔ اصلاح ۱۳ نوامبر ۱۹٦۵ = عقرب ش ۰

۲ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، اسناد شمارهٔ(۱٤٦) و (۱٤۷) صفحهٔ ۲۰۲ ـ ۲۰۵ ۰

ودرک او را اسیر کند و از روابطش باجهان دیگر بکاهد ۰ لذا درکمال بی حیائی و بی شرمی قصدآن کردند که از طریق شبکه های جاسوسی خود زمینهٔ ظاهرات و نا آرامی هارا در دانشگاه کابل و مکاتب فراهم سازند و از این طریق میوندوال را تحت فشار قرار دهند ۰ تا باشد که به خواست های شان تن در دهد و منافع شان را در افغانستان تامین نماید ۰

در اثر این طرح و دسیه حدود یکماه بعد از صدارت میوندوال ، اجیران روس بازهم موضوع سوم عقرب را بهانه قرار داده و محصلان را به تظاهرات خیابانی تحریک کردند ۰ تعدادی از این تظاهر کنندگان تا داخل قصر صدارت پیش رفتند و در آنجا بامیوندوال گفتگو نمودند ۰

موصوف از عدم وفابه تعهد خود درباب تحقیق و تعقیب حادثهٔ سوم عقرب ، بنابدلایلی که بعقیدهٔ او غیر قابل شرح بود ، معذرت خواست و از شاگردان خواهش کرد تا مشغول درس های خود باشند ۰ اما وسوسه های شیطانی روس و تحریکات گماشته های شان ادامه یافت و محصلان پوهنتون و معارف بدون آنکه بفهمند گپ چیست وچه کسی از نام ونیروی آنان سوء استفاده می کند ، به خیابان ها ریختند و دست به مظاهره وغوغا زدند ۰ و بحدی در این عمل افراط کردند که حکومت بتاریخ ۱٤ دسمبر = ۲۳ قوس اعلامیه ای صادر فرمود و هر نوع مظاهره ای را منع نمود ۰

در جنوری ۱۹٦٦ = جدی ۱۳٤٤ مارشال ایوب خان فرمانروای کشور پاکستان در راه عزیمت به تاشکند وارد کابل گردید وباشاه و میوندوال مذاکراتی انجام داد ۰ واندکی بعد بتاریخ ۲٤ جدی کاسگین صدراعظم روسیه ، هنگام بازگشت از دهلی در کابل توقف نمود وباشاه و میوندوال دیدارکرد ۰ او درآن ملاقات طبق روش های همیشگی کرملن از میوندوال دعوت کرد تا از روسیه دیدن کند و همانند دیگران حلقهٔ گلی برآستان کرملن نهد ۰ این دعوت پذیرفته شد و تاریخ آن اعلان نگردید ۰

اتفاقاً در سال های ۱۹٦٤ و ۱۹٦٥ میلادی بنا به تحریک و تشویق روس ها وسیاست های خصمانهٔ هند علیه پاکستان روابط دو کشور بحد اعلای تیرگی رسیده بود و بسیار امکان داشت که تصادمات مداوم مرزی و جنگ تبلیغاتی بین دو طرف ، منجربه لشکر کشی ودرگیری بیشتری گردد ۰ در آستانهٔ این در گیری ، نهرو همکار وفرمانبردار مسکو و نایب شیطان در منطقه ، فوت کرد وشاستری جانشینش گردید (۱۹٦٤ م)۰

روس ها برای اینکه جنایات خود را سرپوش گذارند و بنام صلح خواه وصلح طلب ، کشور های منطقه را دردام خود بکشند ، بین پاکستان و هند تقاضای میانجیگری کردند و بران شدند تا آتشی را که خود افروخته بودند و سالها دامن زده بودند ، برای مدتی مصلحتاً خاموش سازند ۰

این درخواست از سوی هندو پاکستان پذیرفته شد وشاستری و جنرال ایوب خان در کنفرانسی که بوسیلۀ روس ها در تاشکند ترتیب یافت شرکت کردند وباهم مذاکره نمودند (۱۹۶۵م) ۰

روس ها از این اقدام خود بسیار بهره برداری کردند وافکار عامه را به نحو عجیبی بسوی خود معطوف داشتند ۰ مخصوصاً ازان جهت که دران ایام جنگ ویتنام جریان داشت و امریکا بامداخله و درگیری خود در آن اذهان جهانیان را علیه خویش برانگیخته بود ۰

از مطلب بدور نرویم که میوندوال در جریان این رویداد ها بنا بدعوت کاسگین بتاریخ اول فبروری ۱۹۶۶ =۱۲ دلو ۱۳٤٤ عازم مسکو شد و تادهم فبروری مطابق ۲۱ دلو دران کشور باقیماند و از شهرهائی چون یالتا، دو شنبه ، تاشکند و سمرقند دیدن نمود ۰

روس ها در این دعوت که اولین سفر میوندوال بمسکو بود ، سعی کردند خود را صلح خواه و طرفدار همزیستی مسالمت آمیز و دوست وحامی کشورهای آزاد معرفی کنند و امریکا را متجاوز وسلطه جو نشان دهند وبدین ترتیب درذهن و اندیشۀ میوندوال تغییری وارد آورند ویا از اینطریق روابط افغانستان را با امریکا مغشوش سازند ۰ چنانچه کاسگین در اولین دعوتی که به افتخار میوندوال در مسکو ترتیب داد ، سخنانش را به همین مطلب اختصاص داد و گفت :

«ما در عین حال باید مدنظر داشته باشیم که در دنیا حکومت هائی وجود دارند که پرنسیپ های همکاری صلح آمیز وحسن همجواری را که می بایست سیاست خارجی شان را معین ساخت ، دور افگنده اند ۰ مانمیتوانیم در این مورد با صدای رسا نگوئیم، مخصوصاً در این روز ها هنگامی که ایالات متحدۀ امریکا برخلاف افکار عمومی جهان حملات هوائی خود را به جمهوریت دیموکراتیک ویتنام تجدید کردند حالابرای هر کس باید واضح و آشکار باشد که سخنان اخیر نمایندگان امریکا راجع به کوشش برای حل و فصل سیاسی و راجع به تعرض صلح جویانه چه ارزشی دارد ۰ چون این تعرض صلح جویانه بلا واسطه منجر به تجدید تعرض نظامی واقعی برضد خاک دولت مستقل می شود و در واقع فقط آمادگی برای عملیات جدید تجاوز کارانه می باشد ۰ واین قدمی که مقیاس عملیات نظامی را وسیع تر سازد فقط دو روز بعد ازبیانیۀ مهم رفیق هوچی مین ، رئیس جمهـور جمهوریت دیموکراتیک ویتنام که اساس حل و فصل عادلانۀ مسئلۀ ویتنام را بیان کرده بود برداشته می شود ۰

ایالات متحدۀ امریکا با توسعۀ تجاوز خود درهند وچین و تجدید بمباردمان خاک ویتنام سوسیالستی ، در انظار تمام جهانیان بحیث دشمنان استقلال ملی و آزادی که قصداً برای صلح و امنیت عمومی خطر تولید می کنند ، عرض اندام نموده است ۰ حسن نظر تمام بشریت مترقی متوجه مردم قهرمان ویتنام می باشد که حتماً ازآزادی و استقلال وحق

مسلم برای حل و فصل امور خود بدون مداخلهٔ بیگانگان ناخوانده دفاع خواهند کرد .»(۱)

این حرفها را وقتی کاسگین اظهار می کرد که بریژنیف ، پادگورنی و گرومیکونیز در مجلس حضـور داشتنـد و نوشتهٔ او را قبلاً بمشاورت هم ترتیب کرده بودند . ولی همین بریژنیف و گرومیکو بود که خود فرمان تجاوز ولشکر کشی را به افغانستان آزاد و بیطرف و صلح دوست و مسلمان صادر کردند و اینک بیش از نه سال است که مردم را می کشند ومی بندند وفرار میدهند تا آنجا را اشغال کنند وبخاک خود ملحق سازند و تمام آن حرفها وادعاها فقط درهمان لحظه و دربارهٔ امریکا مدار اعتبار بود وبس ....

کاش در روی این کرهٔ خاکی دادگـاهی وجـود میداشت تا این داوری را به اومی گذاشتیم و از آدم کشان کرملن می پرسیدیم که : خود چرابه کشور افغانستان تجاوز کردید و پرنسیپ های صلح آمیز و حسن همجواری را تهٔ پاگذاشتید؟ چه کسی اینک کشور آزاد و مسلمان افغانستان را همه روزه بمبارد می کند؟ کدام وحشی بی فرهنگ بیش از یک ملیون و پنجصد هزار انسان بیگناه را درخاک خودش و بجرم آزادی خواهی و آزاد زیستن قتل عام کرده است ؟؟ این عملیات نظامی و لشکر کشی بخاک دیگران چه دلیل و برهانی دارد؟ آنهمه معاهدات و پیمان های پی درپی چه شد ؟ آیا شما جنایتکار تر از امریکا نیستید ؟ آیا شما از خون ملت های آزاد و مستقل تغذیه نمی شوید ؟ آیا برای سلب آزادی و استقلال و حاکمیت ملی کشور های آزاد و همسایه، دشمن خطرناکتری از شما وجود دارد ؟

شاید روزی تاریخ خود به این همه جنایات وفجایع روس داوری کند ، واما در حال حاضـر مابـه جانشینـان کاسگین می گوئیم که : مردم قهرمان افغانستان نیز بدون تردید و قاطعیت از آزادی وحیثیت و حاکمیت خویش دفاع خواهند کرد و دست بیگانهٔ ناخوانده و متجاوز و سفاک را از مداخله در سرنوشت خود کوتاه خواهند ساخت .

بهر حال میوندوال در پاسخ به حرفهای کاسگین در زمینه ، از امریکا نام نبرد و چنانکه در خور و شایستهٔ دپلومات وسیاست مداری چون او بود گفت :

«حکومت و مردم افغانستان از وخامت اوضاع در ویتنام و عواقب ناگوار آن اندیشه ناک می باشند . میدانیم که همه ملل جهان در این اندیشه سهیم اند . توقع ما این است که هیچ اقدام که سبب توسعهٔ جنگ دران سر زمین شود صورت نگرفته و همه اعمال نظامی بدون هیچگونه تاخیر دران کشور منقطع گردد . در حالی که همه جوانب ذیـدخل محاربه، پیمان های ۱۹۵٤ ژنیو را برای رسیدن به موافقه بحیث اساس می پذیرند ، برای تطبیق واقعی آن برداشتن یک قدم متین بکار میباشد . تاآنکه مردمان

۱ـ مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی ، سند شمارهٔ (۱۵۰) صفحهٔ ۲۰۶ ـ ۲۰۷ .

آسیا وهمه جهان از خطر توسعهٔ وحشتناک ساحهٔ مصادمه و عواقب وخیم آن برکنار باشند.»(۱)

در اعـلامیهٔ مشترکی هم که انتشار یافت بجز همان حرفهای همیشگی و تشریفاتی مطلب تازه و مهمی وجود نداشت و معلوم می شد که روس ها در تلاش خود برای جلب و جذب میوندوال به نتیجه ای نرسیده اند.

در این سفر نور احمد خان اعتمادی ، وزیر خارجه دکتور عبدالحکیم ضیائی وزیر پلان، دکتر روان فرهادی مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه ، دکتر عبدالواحد کریم مدیر روابط اقتصادی وزارت امور خارجه ، و عبدالغفور باهر وهلال الدین بدری اعضای شورای ملی افغانستان میوندوال را همراهی میکردند.

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی سند شمارهٔ (۱۵۱)، صفحهٔ ۲۰۸ ـ ۲۱۱.

سال ۱۳۴۵ هجری شمسی

مهارشدن آتش چاه گازیتیم تاق ، بهبود نسبی مناسبات افغانستان و پاکستان ، پلان پنجسالهٔ اقتصادی و کم کردن محصول برق، از جمله کارها و اقداماتی بود که در اولین طلیعهٔ بهار توسط میوندوال وهمکارانش رویدست گرفته شد ۰ اودر جستجوی امکانات وراههایی بود که بتواند همکاری دول مختلف راجلب کند و افغانستان را از حال رکود و انحصار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی وا رهاند ۰ ظاهراً دربار نیز در این مرحله باپلان های میوندوال همنوائی نشان میداد و از او حمایت می کرد ۰

اما روس های غدار که از جریانات سیاسی افغانستان وبرنامه های میوندوال به شدت تشویش داشتند و نتوانسته بودند او را باخواست های خود همنواسازند ، دست به دسیسه زدند وچنانکه خصلت روس ها است ، خواستند اورامتهم سازند ۰ روی این برنامه، شبکه های کی ۰ جی ۰ بی بکار افتاد و بادادن چند هزار دالر مقاله ای رادریک مجلهٔ ورشکسته وگمنام امریکائی بنام «رامپارتس» بتاریخ اول اپریل ۱۹۶۶ =۱۲ حمل ۱۳۴۵ بچاپ رسانیدند که در آن از قول یک محصل افغانی ادعاشده بود که سی ۰ آی ۰ ای محصلین افغانی را به همکاری باخود فرامیخوانند و حتی بامقامات عالی رتبهٔ افغانستان هم تماس دارد ۰ این مجله توسط شبکه های کی ۰ جی ۰ بی و سفارت خانه های روس در ظرف ۲۴ ساعت به اکثر نقاط جهان پخش گردید و غوغای زیادی را براه انداخت ۰

روس ها میخواستند با اینکار خودهم محصلان افغانی را در امریکامتهم سازند وحکومت افغانستان را در اعزام محصل به امریکا بر حذر دارند ، هم شخصیت های افغانستان را بدنام سازند وهم خسته بپای امریکا بشکنند و این شایعات و تبلیغات منفی و خصمانه را به او نسبت دهند و از اینطریق روابط افغانستان وایالات متحده را به تیرگی کشانند ۰

گرچه در این مقاله از میوندوال ویا سایر مقامات افغانی بصورت واضح نام برده نشده بود، زیراهم ادارهٔ مجله وهم روس هامی دانستند که در صورت عدم ثبوت اتهام ، طبق قوانین بین المللی خسارهٔ سنگینی را متحمل خواهند شد ۰ مع هذا بوسیلهٔ اجیران خود در افغانستان نام میوندوال را در این رابطه برسر زبان ها انداختند و تاتوانستند ازان بهره برداری کردند ۰ ازان تاریخ به بعد کمونست ها و رقبای میوندوال پیوسته آنرا بحیث شعار بکار بردند وعلیه او تبلیغات نمودند ۰

شاید در ذهن بعضی از هموطنان خوش قلب ما این سوال پیش آید که مجلهٔ امریکائی چگونه به نفع روس ها و بضدیک زعیم افغانستان تبلیغ میکرد، و حق هم دارند چنین سوالی را مطرح کنند ۰ لیکن آنانی که درجریان حقایق قرار دارند بخوبی میدانند که همین امروز

هم بعضی جراید و مجلاتی در امریکا وسایر جهان غرب وجود دارد که به ضد جهاد و مجاهدین افغانستان وحتی علیه منافع ملی وامنیتی کشور های خود نشرات مینماید ۰ و از این هم بدتر که بعضاً برای روس ها جاسوسی می کنند چنانچه اخبار و شواهد آنرا گاهگاه در اخبار و جراید میخوانیم ۰

این نوع خوش خدمتی ها وخود فروختگی ها اگر درسایر کشور هابصورت تصادفی ومدلول خیله گی وحماقت ونادانی و ناآگاهی باشد ، درغرب کاملاً حساب شده است وبخاطر دریافت پول انجام می شود ، و در واقع برای اینگونه افراد و عناصر جز پول هیچ چیزی ارزش ندارد ۰

همزمان باجریانی که تذکار رفت، لیوشاوچی رئیس جمهور چین بنابدعوت قبلی شاه وارد کابل شد (۱۵ حمل = ٤ اپریل) و مذاکرات مفصلی باشاه و صدراعظم انجام داد که در نتیجهٔ آن دو طرف به همکاری هائی درساحات فرهنگی ، تخنیکی و اقتصادی موافقت کردند و قرارداد هائی رابعداً به امضاء رسانیدند ۰

در گرما گرم شایعات و تبلیغات علیه میوندوال ، خلقی ها توانستند امتیاز جریده ای را بنام «خلق» از حکومت بدست آرندو افکار و اندیشهٔ خویش را دران منعکس سازند ۰ این جریده که امتیاز آن بنام «تره کی» بود و مسوولیت نشر آنرا بارق شغیعی بعهده داشت، شمارهٔ اول و دوم خود را یکجا بتاریخ ۲۲ حمل منتشر نمود و صفحات آنرا به نشر مرام نامه حزبی «خلق» اختصاص داد ۰ ولی بعد از شمارهٔ ششم بعلت نشرات نا مطلوب و اعتراض شوری ، میوندوال آنرا متوقف نمود ۰

روابط افغانستان و پاکستان در این سال بهبود قابل ملاحظه ای داشت وهر دو طرف سعی میکردند تاعلی الرغم توطهٔ ها و تحریکات روس، کینهٔ دیرینه را فراموش کنند و باهم همکاری نمایند ۰ گرچه مازوروف معاون صدراعظم روسیه در اوایل برج جوزابه پاکستان رفت واز همان طریق وارد افغانستان شد و تلاش کرد تا در مذاکرات و دید و بازدیدش بازعمای دو کشور فضا را مکدر سازد و دربین دو همسایه مجدداً سوء تفاهم خلق کند، اما حیله ها و مکاید روس دیگر برای افغانستان و پاکستان شناخته شده بود و حقه بازی شان اینبار کارگر واقع نشد ۰ چنانچه در اثرحسن نیت و تفاهم بتاریخ ۳۰ جوزا هیئتی از کابل به پاکستان اعزام گردید تا امکانات امتداد خط آهن را بین چمن و سپین بولدک مطالعه وبامقامات پاکستان مذاکره نماید و قرار داد عملی کردن آنرا بعد از بررسی های مقدماتی انجام دهد ۰

مقارن این احوال وضع شورای افغانستان به اثربی بندوباری بیش از حد کمونستان وتعرض و توهین آنان بدیگران بحرانی و متشنج گردید و کار بجائی رسید که بدستور سردار عبدالرشید خان وکیل پلخمری ، چندتن از وکلا بر ببرک ونور احمد نور در تالار شوری حمله

کردند و به شدت آنان را لت وکوب نمودند که در اثر آن ببرک درشفاخانهٔ ابن سینا بستری گردید و نور احمد نور غرض معالجه به چکوسلواکیا رفت ۰ این عمل تا حدی از زیاده روی کمونستان کاست و باعث شد تا در اعمال خود خویشتن دار باشند ۰ سردار عبدالرشید خان مرد کهن سال و محترمی بود که سخت از کمونیزم نفرت داشت و همیشه باکمونستان برخورد می کرد ۰

درماه سرطان سرک کابل ـ قندهار که توسط کارشناسان و انجنیران امریکائی تسطیح و اسفالت شده بود ، افتتاح گردید ۰ این سرک که فاصلهٔ کابل قندهار راخیلی کوتاه ساخته بود جهت آمد و شد وسایل نقلیه ، مسافرین و انتقال مال التجاره سهولت های زیادی فراهم ساخت و با وصف آنکه کارآن قبلاً آغاز یافته بود برای حکومت میوندوال موفقیت محسوب می شد ۰

روس ها که تا آنوقت تبلیغات و فعالیت های زیادی علیه میوندوال انجام داده بودند وبرای بقا وادامهٔ دست اندازی ها و نفوذ شان در افغانستان زمینه سازی شده بود ، باردیگر طرح های کهنهٔ خود را از سر گرفتند و پروتوکولی را باوزارت مالیه افغانستان به امضاء رسانیدند ۰ این پروتوکول برعکس سایر موافقت نامه ها و پروتوکول های امضاء شده بین افغانستان و روس ، به موضوع خاصی اختصاص نداشت ، بلکه همانند «سرطانی» بود که شاخ و پنجه اش همه جابر پیکر اقتصاد و فرهنگ و سیاست افغانستان ریشه دوانیده بود وخلاصه وسیله ای محسوب می شد که باز هم روس ها در افغانستان مشغول باشند و بکار خود ادامه دهند ، و خوانندگان عزیز حتماً متوجه خواهند بود که روس ها از کجا شروع کردند ، چه نیرنگ ها بکار بردند و چگونه شرایط را مجدداً بمیل خود مساعد ساختند ۰ واینک برای اینکه موضوع روشن تر شود باوجود طوالت کلام ، متن پروتوکول مذکور را در زیر اقتباس می کنیم :

«پروتوکول بین حکومت پادشاهی افغانستان وحکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی دربارهٔ
همکاری اقتصادی وفنی ۰ مورخ ۱۳ جولای ۱۹۶۶ =۲۲ سرطان ۱۳۴۵

حکومت شاهی افغانستان وحکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باحسن نیت وجهت مساعدت به توسعهٔ همکاری اقتصادی وفنی بین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی در مورد مراتب ذیل به موافقه رسیده اند :

مادهٔ اول

حکومت پادشاهی افغانستان وحکومت اتحاد شوروی در امور توسعهٔ فابریکهٔ برق حرارتی ، مربوط بفابریکهٔ کود ازوتی ، بلند بردن ظرفیت آن از ۲۴ هزار کیلووات تا

۳٦ هزارکیلو وات ، و در امور ساختمان و تمدید لین انتقال برق از فابریکهٔ برق مذکور الی شهر مزار شریف همکاری مینمایند وبرای مقصد فوق موسسات شوروی کارهای سروی و پروژه سازی را اجرا می کند ، سامان و مواد لازمه را به افغانستان تحویل میدهند و تعداد مقتضی متخصصین شوروی را اعزام مینمایند ۰

طرف افغانی مصارف موسسات شوروی مربوط به اعطای معاونت تخنیکی را که درمادهٔ هذا پیش بینی شده است ، از درک قروضی که مطابق موافقت نامهٔ افغانستان و شوروی مورخه ۱٦ اکتوبر ۱۹٦۱ به حکومت شاهی افغانستان داده شده تادیه می کند و مبالغ استفاده شده تحت شرایط قرضهٔ ۷۷۳ ملیون روبل که درهمان موافقت نامه پیش بینی گردیده است ، اجرا می شود ۰(۱)

مادهٔ دوم

موسسات شوروی در امور ساختمان شبکه های آبیاری در زمین های بند سرده به موسسات افغانی مساعدت تخنیکی می کند ۰ برای این مقصد سامان و مواد را بمقدار لازمه ارسال و متخصصین شوروی را به تعداد طرف ضرورت به افغانستان اعزام مینمایند و در صورت لزوم کارهای سروی و پروژه سازی را اجراء مینمایند ۰

موسسات افغانی مصارف موسسات شوروی مربوط به معاونت تخنیکی را که درمادهٔ هذا پیش بینی شده است، مطابق موافقت نامهٔ تجارتی افغانستان وشوروی تادیه می کنند و تادیات بابت سامان ارسالی از اتحاد شوروی و خدمات در ظرف مدت الی هشت سال اجراء خواهد شد ۰

مادهٔ سوم

مدت کارپانزده نفر پروفیسر و معلم شوروی که مطابق موافقت نامهٔ تاریخی ۲۸ جولای سال ۱۹٦۵ افغانی و شوروی چهت تدریس در پولی تخنیک کابل به افغانستان اعزام میشوند ، بدون تغییر شرایط از دوبه پنج سال افزایش داده می شود ۰(۲)

۱ـ این موافقت نامه در اسناد «مناسبات افغانستان و روس وجود ندارد و معلوم می شود که روس» ها آنرا حذف کرده اند ۰ اینقدر معلوم است که در اوایل اکتوبر ۱۹٦۱ هیئتی جهت جلب کمک های روس در پلان پنجسالهٔ دوم تحت ریاست دکتر محمد یوسف خان بمسکو رفت و روس ها برای سهم گیری درپلان پنجسالهٔ دوم اظهار آمادگی کردند ۰ شاید موافقت نامه ای مبنی براعطای قرضه و همکاری روس در همان ایام بین دو طرف امضاء شده باشد ۰

۲ـ از این موافقت نامه هم سوادی در دست نیست ۰ روس ها اغلب قرار داد هائی که در مسکو به امضاء رسیده در دسترس مقامات افغانی نگذاشته اند ۰

ماده‌ٔ چهارم

طرفین تثبیت کرده اند که :

۱ ـ ورکشاپ مرکزی شهرهرات که درجریان ساختمان سرک غربی در نتیجهٔ همکاری موسسات افغانی و شوروی احداث گردیده است ، بحکومت شاهی افغانستان تسلیم داده می شود ۰

۲ ـ حکومت شاهی افغانستان مصارف موسسات شوروی مربوط به احداث ورکشاپ مذکور را از درک قرضهٔ ۷۲ ملیون روبل که در موافقت نامهٔ تاریخی ۱۶ اکتوبر ۱۹۶۱ ، افغانی و شوروی پیش بینی گردیده و تحت شرایط آن قرضه ، جبران می کند ۰

ماده‌ٔ پنجم

حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حاضر است ، از طریق موسسات شوروی، معاونت بلا عوض به اندازهٔ دوصد هزار روبل را در امور ساختمان و تجهیز کودکستان برای دوصد طفل ، و شیر خوارگاه برای پنجاه طفل ، به موسسهٔ نسوان افغانستان اعطاء نماید ۰ جهت معاونت در امور ساختمان کودکستان و شیرخوارگاه، کارهای پروژه سازی ، سامان ، مواد ومتخصصین شوروی به افغانستان اعزام میشوند ۰

ماده‌ٔ ششم

متخصصین افغانی و شوروی تجهیزاتی را که بعد از تکمیل ساختمان کانال آبیاری ننگرهار وسرک موتر روهندوکش (سالنگ) و فابریکهٔ برق آبی نغلو فارغ شده وضیعت آن رضائیت بخش بوده قابل استفادهٔ موسسات افغانی نباشد وقابل بازگشت بشوروی باشد مطالعه خواهند نمود ولست آنرا ترتیب خواهند داد ۰ موسسات صلاحیت دار طرفین ترتیب مواعد و شرایط دیگر بازگشت تجهیزات مذکور را به اتحاد شوروی تعیین میکنند ، تا قیمت باقیمانده (قیمت بعد از وضع استهلاک) تجهیزات فوق الذکر برای تقلیل قسمت استفاده شدهٔ قروض که جهت ساختمان پروژه های مذکور داده شده است ، استفاده شود ۰

موسسات بر بوطهٔ طرفین بعد از موافقه ، قرار داد هارا انعقاد می کنند وتادیات لازمه ناشی از مادهٔ هذا را اجراء می کنند ۰

ماده‌ٔ هفتم

موسسات صلاحیت دار افغانی و شوروی قرارداد هائی که بین خود منعقد می کنند ویا تغییراتی که از پروتوکول هذا نشئت می کند بقرار داد های موجوده داخل می کنند ۰

ماده هشتم

پروتوکول هذا سر از روز امضای آن اعتبار دارد ۰

بتاریخ ۲۲ ماه سرطان ۱۳٤٥ که مطابق ۱۳ جولائی ۱۹٦٦ می باشد در شهر کابل در دو اصل ، هر یک بلسان دری و روسی به امضاء رسیده است و هر دو متن آن دارای اعتبار مساوی است ۰

بنمایندگی حکومت شاهی افغانستان
محمد انور ضیائی

بنمایندگی حکومت اتحاد جماهیر شوروی سو سیالیستی
۱ ـ سکاوتین»(۱)

هر گاه به ماهیت این پروتوکول نظر افگنیم بخوبی برمی آید که :

۱ ـ متاءسفانه این پروتوکول طوری عیار گردیده است که طبق مادهٔ (۱) آن برای تمدید لین برق یا به اصطلاح لین دوانی هم باید چندین روسی بنام متخصص وارد افغانستان شود و مصارف ومعاش آنان را حکومت افغانستان کارسازی کند ۰ درحالی که اینکار به روس و متخصص روسی نیازی نداشت و خود افغان ها به بسیار سهولت میتوانستند آنرا انجام دهند ۰

همچنـان مصارف موسسات شوروی اعم ازسامان ولوازم مربوط به آن ، همه بدوش افغانستان گذاشته شده است که مسلماً به اساس براورد ها و قرارداد های بعدی و جداگانه بهای ده چند آنرا از افغانستان دریافت کرده اند ۰

۲ ـ مطابق به مادهٔ (۲) پروتوکول مذکور برای سرازیرشدن مقداری سامان کهنه وزنگ زدهٔ روسی به افغانستان زمینه سازی شده است و آنهم بگونه ای که تمام آنها از قرار فی تن وزن بالای افغـانسـتـان بفروش میرسید و پول و کرایه و انتقال آنها نیز بالای افغانستان محاسبه می شد ۰ وبهمین ترتیب صد ها جاسوس روسی باید زیر نام پروژه سازی و کارهای (سروی) وارد افغانستان میگردید و مصارف اعاشه و اباتهٔ آنان توسط افغانستان تاءمین و تمویل می شد ۰

۳ ـ درمادهٔ (۳) مطابق بمیل وخواست خود، کار معلمین روسی را در پولی تخنیک به ۵ سال تمـدید می کننـد وافغـانسـتـان ناگزیر است ، هزینهٔ مصارف آنانرا از کیسهٔ خود کارسازی نمایند ۰

٤ ـ درمادهٔ (٤) بصراحت معلوم می شود که پرزه های فالتو و از کار افتاده ای را که روس ها در دوران کار تسطیح و قیرریزی سرک هرات ـ تورغندی بکار برده اند و مصارفی که در نصب «ورکشاپ» و انتقال سامان آلات خود کرده اند . همه را به حساب افغانستان

۱ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۱۰۳) صفحهٔ ۲۱۵ ـ ۲۱۷ ۰

معامله می کنند • یعنی حتی سامان های بیکاره و استهلاک شدهٔ خود را هم بالای افغانستان بفروش میرسانند •

۵ ـ به اساس مادهٔ (۵) مبلغ دوصد هزار روبل بنام کمک بلاعوض به افغانستان وعده میدهند و در برابر آن چندین روس بنام های متخصص و «پروژه سازی» به افغانستان میفرستند که بدون شک مصارف اعاشه و اباتهٔ همین افراد ، ده برابر دو صد هزار روبل روسی بود • کما اینکه بعداً مصارف سامان آلات خود را هم بالای افغانستان محاسبه و دریافت میکردند ونام آنهم کمک بلا عوض بود • جالب تر آنکه این مساعی و تلاش محض روی آن انجام می شد تا در کانون پرورشی نوباوگان افغانستان هم راهی برای خود باز کنند و از همان کودکی آنان رابه شیر روس و خصلت روسی تربیه نمایند • حالاآنکه ساختن شیر خوار گاه و موسسهٔ نسوان نیازی به متخصص روسی نداشت و خود افغان ها میتوانستند بخوبی آن کار را انجام دهند ، چنانچه انجام داده بودند •

٦ ـ مادهٔ (٦) طوری تنظیم یافته است که:

اولاً ترتیب لست مندرج در آن نا ممکن بود ، زیرا از سالنگ تا تورخم همه جا سامان آلات از کار افتادهٔ روسی و پرزه های شکسته و فرسودهٔ آن بچشم می خورد و جمع آوری آن کار ساده ای نبود •

ثانیاً : هرگاه به این کار اقدام می شد بایستی چندین روس دیگر در رابطه به آن مشغول می شد و معاش دریافت میکرد ، و به این ترتیب مصارفی که صورت می گرفت بمراتب بیشتر از قیمت سامان آلات بیکارهٔ روسی بود •

ثالثاً : پول این سامان آلات چنانچه درموافقت نامه ها و قرارداد های قبلی مطالعه گردید ، قبلاً بحساب افغانستان معامله گردیده بود و روس ها حقی در آن نداشتند • ولی باکمال تعجب مشاهده می شود که روس ها یکبار از درست آن سامان آلات پول گرفته بودند و اینک میخواهند از شکسته های آن هم پول بگیرند •

مع الوصف آنچه تا اینجا گفته آمد ویا بعداً تذکار خواهد رفت ، نمونه ای از صد ها موافقت نامه و قرار داد و پروتوکول و معاهده ای می باشد که روس های خاین و جنایت کار درشصت و اند سال اخیر با ادارات افغانستان امضاء کرده اند و اکثر آنها در دسترس مردم افغانستان قرار نگرفته است • وبصورت یقین میتوان گفت که اسناد موجود در وزارت خانه های افغانستان هم در چند سال اخیر توسط تاراجگران روسی به یغمابرده شده است •

جای تاءسف این است که افراد و شعبات مربوط در افغانستان ، نسبت به این همه قرارداد ها و موافقت نامه های استثماری واستعماری ودلخواه روس، کاملاً بی اعتنابوده اند و یا از ترس آنکه کرسی ها و امتیازات خود را از دست ندهند ، در برابر این همه جنایات عمداً اغماض کرده اند •

در برج اسد قانون احزاب از مجلس شورای ملی گزارش یافت وبه تصویب رسید و غرض توشیح به دارالتحریر شاهی فرستاده شد واما تا امروزهم از این قانون در افغانستان خبری و اثری وجود ندارد ٠ دکتر محمد یوسف ومیوندوال هر دو کوشیدند این قانون توشیح شود ، اما به نتیجه ای نرسید ٠

توشیح نشدن قانون احزاب، تشکیل سازمان ها و فعالیت های سیاسی را به تعویق افگند و مانع ازان گردید تا دیموکراسی در افغانستان سیر سالم و طبیعی خود را به پیماید ٠ افراد و گر وههائی که بعد از توشیح قانون اساسی وبه استناد آن سعی میکردند خود را تبارز دهند و دیموکراسی را در چوکات قانون اساسی تمثیل نمایند ، یا تهدید می شدند و یابه انواع اتهام و دسیسه تخریب می گردیدند ٠

اما در برابر اینهمه کم لطفی نسبت به عناصر سالم ، مسلمان و وطندوست ، عوامل بیگانه و طرفداران مسکو از ، حد اعظم آزادی و امکانات برخوردار بودند و شبکه های خود را در مرکز وولایات سازماندهی میکردند ٠

این آزادی و اطمینان به ایشان مجال داده بود تا آموزشگاههائی در نواحی مختلف تاسیس نمایند و جوانان.پوهنتون و معارف را گمراه کرده با آموزش ایدیولوژی مارکسیزم لیننیزم ، مسموم سازند ٠ تظاهرات خیابانی ، اختلال نظم و درس در پوهنتون و معارف ، تبلیغ بی دینی و بی وطنی و ده ها دردسر و جنایت دیگر همه بوسیلۀ همین حلقه طرح ورهبری می شدو هیچکس نمیدانست این امتیازچرا؟و این بی اعتنائی برای چیست؟

به تعویق افگندن توشیح قانون احزاب واقعاً اشتباه بزرگی بود و هرگاه به ملت افغانستان موقع داده می شد تا به تشکیل احزاب و انجمن ها بپردازند ، این احتمال وجود داشت که از نفوذ و وسعت اندیشه های کمونیزم وفعالیت کمونست ها در کشور جلوگیری می شد وزمینه برای رشد و بار وری یک حرکت مثبت و سالم از هرجهت فراهم میگردید ٠

متاءسفانه دربار و اطرافیانش در برابر خطرات کمونیزم و فعالیت های غیر قانونی پیروان آن ، کاملاً بی اعتنا بودند ٠ حتی قصه هائی از نزدیکی ببرک بادربار شنیده می شد که نقل آنها در اینجا سخن را بدرازا می کشد ٠

دست های دیگری نیز در پشت پرده از کمونست ها حمایت میکردند وسعی می شد تا پیوسته در کشور بدامنی و هرج و مرج وجود داشته باشد و چنان وضعی بوجود آید که مردم از دیموکراسی بستوه آیند و کاری از پیش برده نتوانند ٠ یکی از این دست ها و نیرومندتر آن محمد داود خان بود که آزادانه و مستقیم از ببرک وطرفدارانش جانبداری می کرد و پول و امکانات در اختیار ایشان قرار میداد وبی التفاتی دربارهم نسبت به فعالیت های تخریبی

ایشان از همین جامنشاء می گرفت ۰(۱)

بتاریخ ۸ اسد = ۲۹ جولای ۱۹٦٦ حکومت افغانستان و چین پروتوکولی را امضاء کردند که به اساس آن چینائی ها همکاری خویش را در ساحات اقتصادی و تخنیکی به افغانستان وعده فرمودند ۰ همزمان با این قرار داد یک هیئت زراعی کشور بروسیه رفت تا دربارهٔ امکانات همکاری بیشتر بین دوطرف مذاکراتی صورت گیرد ۰ روس ها به هیئت افغانی وعده دادند که در صورت قلت علف در افغانستان ، مواشی این کشور میتواند از علف زارهای آنسوی دریا و متعلق بروس استفاده کند ۰ گرچه خشکسالی عجیبی بود و بعضاً مواشی تلف گردید ، اما نه حکومت و نه مردم هیچکدام حاضر نشدند تا گوسفندان وحیوانات شان از آب و علف روسی تغذیه شوند و بازهر کمونیزم مسموم گردند ۰ روس ها هم که بیشتر میخواستند استفادهٔ تبلیغاتی کنند از این اعلان ووعدهٔ خویش توسط عمال شان در کابل بهره برداری های زیاد کردند و متعاقب آن در برج سنبله به کار قیر ریزی سرک دوشی و شیر خان بندر اقدام نمودند ۰

میوندوال صدراعظم بنا بدعوت حکومات جمهوریت عربی متحد و ترکیه بتاریخ ۲٤ سنبله = ۱۵ سپتامبر عازم قاهره شد و پس از دیدار و مذاکره باجمال عبدالناصر به ترکیه رفت تا بازعمای آن کشور نیز ملاقات نماید ۰ درجریان دیدار از ترکیه باردیگر به بیماری بطنی مبتلا گردید و تحت عمل جراحی قرار گرفت و مدتی بعد سالم بوطن برگشت ۰

در همین سال بانک جهانی آمادگی نشانداد که درپلان پنجسالهٔ سوم کمک موثری به افغانستان خواهد کرد و قرار شد چند کارخانهٔ نساجی دیگر در کشور بکار افتد ۰ مازاد برآن یک سلسله برنامه ها وطرح های دیگری هم حکومت در دست اجرا داشت که از آنجمله «پروژهٔ دهقان» تسوید شد و در مجلس شورای ملی به تصویب رسید ۰

روس ها نیز توأم بابرنامه های حکومت کارهای خویش رابسرعت انجام میدادند ، چنانچه کار قیرریزی سرک شیر خان بندر دوشی ، که ۲۱٤ کیلومتر طول دارد ، در مدت تقریباً دو ماه بپایان رسید و بتاریخ ۲۲ عقرب = ۱۳ نوامبر ، توسط احمد شاه فرزند بزرگ شاه افتتاح گردید ۰

یفریموف معاون صدراعظم روسیه که در مراسم افتتاح این سرک شرکت کرده بود،

---

۱ ـ یکی از وزراء عدلیهٔ سابق که اکنون درخارج بسرمی برد ، بیکی از دوستانش حکایت کرده بود که : هر وقت یکی از پرچمی هارا بعلت تخلف از قوانین ویا گفتار و کردار ضد دولتی و اسلامی وملی ، باز داشت میکردیم فردا آزاد می شد ۰ از دروازه بان زندان تاصدراعظم از هر که می پرسیدیم که او را چه کس آزاد کرده ، همه اظهار عجز و بی خبری می کردند ۰ بناچار روزی موضوع را حضور شاه عرض کردیم و جویای راز شدیم، در پاسخ فرمودند که: «چکنیم! آغه لالیم زور آوراست» آنوقت فهمیدیم که سر نخ بردست محمد داود خان بوده است ۰

آغه لاله: لقبی بود که محمد داود را به آن یاد می کردند ۰

بیانیه ای ایراد کرد و با استفاده از فرصت امریکا را مورد حمله قرار داد و گفت :

«۰۰۰۰ ایالات متحدهٔ امریکا و متحدین آن باخشونت در امور داخلی کشور های دیگر مداخله کرده ، مقررات حقوق بین المللی و منشور سازمان ملل متحد را بیشرمانه پامال می کند ۰ امپریالست های امریکائی وهمدستان آنها تاهنوز از کوشش های خود معطوف به سرکوب نمودن مبارزهٔ عادلانهٔ ملل در راه استقلال واقعی ، آزادی و عدالت اجتماعی صرف نظر نکرده اند ، آنها ارادهٔ ملل راکه در اعلامیهٔ موسسه ملل متحد راجع به غیر مجاز بودن مداخله در امور کشور ها و راجع به حفظ نمودن استقلال و حاکمیت آنها بیان شده است، نادیده می انگارند وتجاوز ایالات متحدهٔ امریکا در ویتنام مظهر بارز اینگونه سیاست می باشد ۰

اتحاد شوروی از تمام حیثیت و قدرت خود برای دفاع از صلح برضد سیاست قوت و تجاوز، برای دفاع از حقوق ملل استفاده مینماید ۰ این امر درپیشنهادی که هیئت شوروی برای بحث در بیست ویکمین دورهٔ اجلاسیهٔ اسامبلهٔ عمومی موسسه ملل متحد تقدیم نمود ، انعکاس یافت ۰»(۱)

ای وای ! اگر کسی روس ها را نه شناخته باشد از شنیدن و خواندن این حرفها فکر می کند که در رگهای این قوم هم خون انسان وانسانیت جریان دارد ، و آنچه می گویند راست میگویند و خود بانی و مجری آنند ۰ یعنی چهره روس در آئینهٔ این عبارات افرشته ای را تمثیل می کند که از عالم برین به زیر آمده باشد و پیام صلح و آزادی و عدالت و همزیستی مسالمت آمیز را به ساکنین کرهٔ خاکی تلقین نماید ۰ و به این پرورده های آب و خاک توصیه کند که به حاکمیت ملی و استقلال و آزادی همدگر احترام گذارید و از تجاوز و مداخله درخاک و امور یکدگر خود داری ورزید ۰

زعمای افغانستان هم بحیث انسان ، مانند هر انسان دیگر با این افسانه ها افسون می شدند وگمان می بردند شاید در فطرت و آئین روس ها تغییر وتحولی راه یافته باشد و به آنچه می گویند عمل خواهند کرد ۰ اما روز گار مجدداً به اثبات رسانید که ابلیس در کسوت آدم ـ آدم نمیشود و روس ها این اهریمنان مردودوملعون ، هیچگاه با انسان و حقوق انسانی خوپذیر نخواهند شد وبعکس آنچه ادعا می کنند، درغارتگری وتجاوز و مداخله وتوسعه جوئی و استعمار گری ، دست امریکا را از صد جابسته اند ۰ و بر همه غارتگران و وحشیان و جباران وستمگران زمان و تاریخ حق استادی دارند ۰

آری ! آن ملل متحد وآن اعلامیه و منشوری که دران حق آزادی ، استقلال و حاکمیت ملی ملت های جهان تضمین و توصیه شده است ، هنوز بر جاست و تغییری دران وارد نیامده

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و اتحاد و شوروی ، سند شمارهٔ (۱۰٤) صفحهٔ ۲۱۸ ـ ۲۲۰ ۰

است ۰ ولی این شما بودید و هستید ای روس ها ، ای قوم وحشی وستمگر که خلاف تمام معیار ها و موازین حقوقی وبین المللی و مغایر کلیه پیمان ها و تعهدات خود و علی الرغم ادعـاهای دوستی و محبت و اعتماد مردم افغانستان، اینک آنچه امریکا در ویتنام انجام میداد ، صد برابـر شدید تر وخـونین تر آنـرا در کشـور ما انجـام میدهید و به تصمیمات و تصویبات و فیصله های ملل متحد اعتنائی نمیکنید !! نفرین باد برشما ای مدعیان کاذب صلح و عاملان تاراج و غارت و استثمار و استعمار و آدم کشی در روی زمین !!

خیلی عذر میخواهم که سر رشتهٔ سخن از کف رهاشد و آن این بود که : بعد از افتتاح سرک دوشی ـ شیر خان بنـدر ، پروژهٔ آبیاری دشت کیله گی که ساحـهٔ (۵۶۵۰) جریب زمین را احتوا می کرد نیز در همین ماه (عقرب = نومبر) بوسیلهٔ کارشناسان روسی آغاز گردید ۰ این پروژه که از نظر فنی امکانات چندانی نداشت و تا امروزهم زمین خشک و تفتیدهٔ آن در حسرت آب می سوزد ، وسیله وبهانه ای بود که روس ها در افغانستان و در شمال کشور مشغول باشند و کارهای خود را پیش ببرند ۰ با اینهمه امتیازات بازهم روس ها ناراض بودند و بدانگونه که قبلاً اظهار گردید ، دایم می کوشیدند توسط مزدوران خویش امنیت وآرامش را در کشور مابهم زنند ۰

در اثر این تحریکات و دسایس باردیگر بتاریخ ۹ قوس= ۳۰ نوامبر تظاهرات شدیدی بوسیلهٔ عنـاصـر وابستـه بمسکو در کابل براه افتاد و جریان درس را در دانشگاه کابل و مکاتب مختل نمود ۰ مقصد از برپائی این تظاهرات و برهم زدن نظم آن بود تا از برگزاری امتحانات بشکل عادی و طبیعی اش جلوگیری کنند و مخالفت ها وبدبینی هائی را نسبت به میوندوال برانگیزند ۰ حکومت بادرک این روحیه اعلامیه ای صادر فرمود و تظاهرات راممنوع قرارداد ۰

در همان ایام روس ها حقـهٔ دیگری بکار بردند وبرای اینکه تعداد دیگری از جوانان افغـانستـان را اسیر دانـه و دام خود کننـد ، تدریس زبـان دری و پشتو را در دانشگاه مسکـو اعلان نمودند و از افغانستان درخواست کردند تاشاگردانی جهت تحصیل در این دو رشته به مسکو اعزام دارد ۰ این اقدام و تقاضای مضحک مانا بدان بود که روس ها در دانشگاه کابل زبان روسی می آموختند و دکتورا وفوق لیسانس بدست می آوردند ۰ ولی هیچکس متوجه این حرفها و حیله هانبود و صدائی از حنجره ای برنمی خاست ۰

اواخر ماه قوس اعلان گردید که تاسیس سه دارالمعلمین در ولایات مختلف کشور ویک فابـریکهٔ سمنت در هرات رویدست گرفته شده است و حکومت در نظر دارد تا در پلان پنجسالهٔ سوم یک مرکز تحقیقات اسلامی را نیز در دانشگاه کابل تاسیس نماید ۰ اینها همه برنـامــه هایی بود که مردم به آن دلچسپی داشتنـد و از عمـلی شدنش استقبـال میکـردنـد ۰

در ماههای اخیر سال ۱۳٤٥ ش یک سلسله سرقت ها، جنایات، رهزنی وآدم کشی به جریان افتاد و حکومت راسخت نگران ساخت ٠ شایعات درکابل این بود که داره های دزد و جانی در اثر هدایت محمد داود خان وبوسیلهٔ رئیس ضبط احوالات سابق آن ، سازماندهی وبسیچ می شد تا مردم بستوه آیند ، حکومت هایکی بعد دیگر سقوط کنند و بساط دیموکراسی برچیده شود ٠

بتاریخ ٤ دلو ۱۳٤٥ = ۲۳ جنوری ۱۹٦۷ در کابینه تبدلاتی صورت گرفت و عبدالستار شالیزی مستعفی گردید ٠ برکناری شالیزی که جز حرف کاری از وی ساخته نبود ، بگمان اغلب باموضوع بدامنی وبی نظمی درکشور ارتباط داشت ٠

پیش از ترمیم کابینه ویاهمزمان باآن دکتر احسان تره کی بجای دکتر عبدالحکیم طبیبی بحیث وزیر عدلیه مقرر گردید و طبیبی سفیر مقرر شد ٠ تقرر احسان تره کی که اغلب باخلق و پرچم آمیزش داشت و بنام کمونست یاد می شد دور از توقع بود، ومردم چنین حدس میزدند که شاید این اقدام و انتخاب بخاطر آن صورت گرفته باشد تاخشنودی کمونست ها فراهم گردد و از غوغای شان کاهش بعمل آید ٠

٠همچنان در این تغییر و تبدیل محمد عثمان صدقی از وزارت اطلاعات وکلتور برکنار وبجایش عبدالروف بینوا مقرر گردید٠ بینوا عضوی از اعضای حزب ویش ځلمیان و درجملهٔ کسانی بود که دردورهٔ صدارت میوندوال باا‌و وحزب دیموکرات مترقی (یا مترقی دیموکرات) پیوستند وحین در ماندگی و بیچارگی از وی بریدند وبامخالفینش همکاری کردند ٠ وی در دورهٔ کمونست ها سفیر لیبی شد و چندین سال در این کار بسربرد تا آنکه وفات نمود ٠

به تعجب باید گفت که میوندوال در آغاز تشکیل کابینه اش نیز مصحلت هائی را معیار قرار داده بود ، ولی این مصلحت اندیشی هابجای آنکه اثرات مثبت داشته باشد ، نتایج منفی در پی داشت ٠ مثلاً قصد اواز مقرر کردن محترمه کبرا نورزائی در راس وزارت صحیه آن بود تانشان دهد که برای اولین بار به خانم ها هم موقع داده می شود در کابینه اشتراک داشته باشند ٠ مسلماً این عمل در حد خود یک ابتکار سیاسی محسوب می شد وکبرا نورزائی هم خانم تحصیل کرده و پرکاری بود که میتوانست بوظایف محوله رسیدگی کند اما چون غیر مسلکی بود اکثریت جامعهٔ طب انتخاب او را حق تلفی بخود تلقی کردند وبه مخالفت پرداختند و حق هم داشتند ٠

تقریباً یکماه بعد از ترمیم کابینه ، چهلمین سالگرد معاهدهٔ دوستی افغانستان و شوروی تجلیل گردید وحسب معمول مقالات و سر مقالاتی در زمینه به نشر رسید ٠

بتاریخ ۲۳ حوت ۱۳٤٥ = ۱٤ مارچ ۱۹٦۷ هانریش لوبکه رئیس جمهور المان وارد افغانستان گردید و پس از دیدار و مذاکره با مقامات ، آمادگی کشورش را جهت کمک به پروژهٔ آبرسانی خوست و نظایر آن وعده داد ۰ وامکان بیشتر همکاری المان در برنامه های انکشافی کشور مامورد مطالعه قرار گرفت ۰ باوجود این آمد و شد و اظهار همکاری، غربی ها و منجمله آلمان از عدم ثبات سیاسی و نفوذ روسها در افغانستان تشویش داشتند و باهمه علاقه مندی جرئت نمیکردند کمک های زیادی به کشور ما انجام دهند ۰ وبرهمین اساس سهمگیری دولت المان در پروژه های پکتیا بیشتر جنبهٔ اکتشافی وسیاسی داشت ، مخصوصاً تفحصات پطرول و منابع زیر زمینی ۰

سال ۱۳٤٦ خورشیدی

سالی که راجع به آن صحبت خواهیم کرد با مسافرت میوندوال به امریکا آغاز گردید ۰ موصوف بنا بدعوت لیندن جانسن رئیس جمهور امریکا بتاریخ ۳ حمل ۱۳٤٦ برابر با ۲۳ مارچ ۱۹٦۷ وارد آن کشور شد و مذاکراتی را باوی و نیز سرمنشی ملل متحد انجام داد ۰ مقامات امریکائی در ملاقات ها و مذاکرات شان با میوندوال مسایل اقتصادی را مطرح کردند وبر انکشاف زراعت و خود کفائی افغانستان در زمینه اصرار ور زیدند ۰ اما میوندوال در این سفر روی انگیزه های سیاسی و خاطر داشت مشی این و آن ، فقر وبیچارگی و مشکلات درونی جامعهٔ افغانستان را فراموش کرد و چاشنی سخنانش همه جا «پشتونستان» بود و هی داد میزد که موضوع از طریق منطقی حل شود ۰ کاش می بود و می دید و می شنید که علم برداران پشتونستان وهمان هائی که بیش از ۳۰ سال درچشم ودیدهٔ مردم افغانستان جا داشتند واین ملت تاریخی و باستانی قربانی تجارت وسیاست آنان شد اینک درکنار دشمن افغانستان قرار گرفته اند وبا تمام امکانات خود می کوشند از روس و مظالم و اهداف و تجاوزش در افغانستان پشتیبانی کنند ۰

آری ! کاش میوندوال زنده می بود و دشمنی این خانوادهٔ نمک ناشناس یعنی غفارخان و پسر و عروس و دار و دسته اش را نسبت به هموطنان رنجدیده و آوارهٔ خود تماشا میکرد و میدانست که باسرنوشت ملت مظلوم افغانستان چقدر در تاریخ بیرحمانه بازی شده است!!

بهر حال ، میوندوال در امریکا به گرمی استقبال شد و دانشگاه کالیفورنیا دوکتو رای افتخاری حقوق را بوی اعطا نمود ۰ لیکن در اعلامیهٔ مشترکی که انتشاریافت نقطهٔ مشخص و قابل توجهی بمشاهده نمیرسید ۰ مع الوصف موصوف سفرش را رضائیت بخش خواند و در راه عزیمت بوطن با دوگول نیز دیدار و مذاکره بعمل آورد ۰

رفت و برگشت میوندوال به ممالک غربی و استقبال سران و سیاست مداران این کشور ها ازوی ، روس ها، عناصر جاه طلب و حریفان اورا به شدت ناراحت ساخت و درپی آن شدند تا از طریق شورا و معارف درد سرهائی برایش فراهم سازند که نتایجش را در همین مبحث بیان خواهیم داشت ۰ ولی باهمه مشکلاتی که دشمنان آرامی و آزادی افغانستان آنرا بوجود می آوردند حکومت می کوشید برنامه هایش را در ساحات مختلف دنبال کند و پلان پنجسالهٔ سوم را مورد تطبیق قرار دهد ۰ چنانچه برای ۲۹ موسسهٔ صنعتی که در سال ۱۳٤٥ درخواست داده بودند ، اجازه داده شد تابکارهای خود اقدام کنند ۰ همچنان مبلغ ده ملیارد وشش صد و هشتاد ونه افغانی در ساحهٔ معادن وصنایع اختصاص داده شد تا در جریان پلان پنجسالهٔ سوم مورد استفاده قرار گیرد ۰ وبهمین ترتیب پیش بینی هائی صورت گرفت که درجریان ٥ سال آینده، در محصولات زراعی کشور مقدار ۸۲۰هزارتن افزایش بعمل آید ۰

در قسمت فرهنگی نیز برنامه های جالبی طرح گردید و قرار شد مرکزی برای مطالعات تاریخ و تمدن دورهٔ کوشانی وموسسه ای بنام «اکادمی علوم» تاسیس یابد ۰ (۱) اما بدانگونه که قبلاً اشاره شد اجیران روس وگماشتگان کی ۰ جی ۰ بی در دانشگاه کابل وشورای ملی تحریکات وتشنجاتی را بوجود آوردند وباتمام وسایل و امکانات که در اختیار داشتند ، سعی کردند نظم وامنیت عمومی را برهم زنند ۰ این افراد که نمیتوانستند بنام و گناه دیگری میوندوال را محکوم و متهم کنند و در مبارزات خود بر خورد منطقی و انسانی داشته باشند ، بدستور و آئین باداران روسی شان او را وابسته به سی ۰ آی ۰ ای خواندند و مظاهرات بسیار شدیدی را براه انداختند ۰ حکومت این حرکت را اخلال گری و آشوب توصیف کرد و ضمن اعلامیه ای که بتاریخ ۱۱ ثور = اول می پخش شد ادامه وبرپائی تظاهرات را به حکم مادهٔ (٤) قانون اساسی ممنوع قرار داد ۰

تقریباً یکماه بعد از این نا آرامی ها، پادگورنی صدرهیئت رئیسهٔ شورای عالی شوروی بنا بدعوت شاه وارد کابل شد و در مراسم افتتاح بند برق «نغلو» اشتراک ورزید ۰

شاه هنگام افتتاح بند مذکور به سخنان کوتاهی اکتفا کرد و گفت : «بنام خداوند بزرگ و به آرزوی ترقی افغانستان مرکز برق نغلو را افتتاح میکنم ، اما پادگورنی به اقتضای طبعیت روسی اش نیش خود را متوجه امریکا ساخت و در حالی که هیچ قرینه و موردی نداشت ، اظهار نمود که :

«۰۰۰اکنون میان قوای صلح و جنگ مبارزهٔ سختی در جریان است، امپریالیزم قصد دارد باتمام وسایل حتی باوسایل عسکری نهضت مردم رابرای حصول آزادی و استقلال سرکوب کنند و اوضاع بین المللی را متشنج وحاد سازند ۰ نیم میلیون (مبالغه بی شرمانه) عسکر امریکائی خاک ویتنام را پایمال کرده قصد دارند مردم این کشور را از حقوق مقدس حل سرنوشت شان محروم سازند ۰ بمب ها ، مرمی ها و ناپالم باعث هلاکت هزاران نفر شده ، مردم ویتنام را دو چار عذاب و مشقات می کنند و زمین های حاصل خیزی را به بیابان بی آب و علف تبدیل میسازند ۰ مردم پاک دامن و باصداقت تمام جهان به جنگ راهزنانهٔ ایالات متحدهٔ امریکا در جنوب شرق آسیا جداً اعتراض مینمایند اتحاد شوروی بمبارزهٔ عادلانهٔ مردم ویتنام کمک روز افزونی مینماید و مایقین داریم که مردم ویتنام پیروز خواهند شد و مبارزهٔ عادلانهٔ آنها به فتح وظفر خواهد رسید ۰»

---

۱ ـ تاسیس و کار عملی این دو موسسه در دوره های بعد آغاز گردید لیکن در چاپ اول این کتاب اشتباهاً چنان وانمود شده است که این دو موسسه علمی در سال ۱۳٤٦ ش تاسیس گردیده است ۰ امید که خوانند گان محترم ، تاریخ طرح موضوع ، و زمان عملی شدن آنرا که بعداً خواهیم گفت در نظر داشته باشند تا حق هر کس بجایش ادا شده باشد ۰

همچنان در دعوتی که از طرف شاه به مهمانان روسی ترتیب یافته بود ، امریکا را مورد حمله قرار داد و ضمن سخنانی گفت :

«ایالات متحده قصد دارد همه جا مانع تاءمین حقوق ملل به آزادی و استقلال گردد و درعمل بازوال کامل استعمار قدیم ونوین مخالفت ورزیده صلح را در سراسر جهان در معرض خطر قرار میدهد ۰»

بهمین ترتیب او در ادامهٔ حرفهایش روس ها را مردم صلح خواه ، عدالت پسند و پشتیبان کشور های عرب وانمود ساخت و گفت :

«اتحـاد شوروی پشتیبـان کشور ها و ملل عرب است که امپریالست ها قصد دارند بوسیله ترتیب دادن تحریکات خطرناک عسکری ، براستقلال ملی آنان لطمه وارد آورند ۰»

پادگورنی در این دعوت و افسون گری هایش ، دوستی ۵۰ سالهٔ افغانستان و روسیه را نیز با آب وتاب عنوان نمود و ادعا کرد که :

«تاریخ مناسبات حسن همجواری ما سر مشق و نمونهٔ بارز آن است که چگونه در عمل ونه با کلمات ، روابط دول برپایهٔ احترام متقابل به حق حاکمیت واستقلال ملی ، مساوات حقوق ، وعدم مداخله در اموریکدیگر برقرار میگردد ۰»(۱)

متـاسفـانـه زعـمای افغـانسـتان باوجـود آنکـه از کذب،غداری و خیانت و خصلت و سلطه جوئی و مکر و فریب و فرصت طلبی و منش و کنش اهریمنی این قوم خاین و وحشی در تاریخ داستان ها خوانده بودند و افسانه ها و حکایت ها شنیده بودند وکارنامه های استعماری وضـد انسـانی روس را در آنسوی آمو بخاطر و حافظهٔ خود داشتند ، بازهم این حرفها را باورمی کردند و روابط اربابان کرملن را با افغانستان ، به تقلید از حرفهای خود ایشان ، مظهـر حسن همجـواری و نمونهٔ همزیستی مسالمت آمیز بین دو کشور دارای رژیم های مختلف می دانستند و هرگز گمان نمی بردند که آنچه امریکا در ویتنام انجام داد و روس ها به آن انگشت می گذاریدند ، روزی بوسیلهٔ خود ایشان در افغانستان صورت خواهد گرفت ۰

در اعلامیهٔ مشترکی که بتاریخ ۳ جون ۱۹۶۷ مطابق ۱۲ جوزای ۱۳۴۶، انتشار یافت از همکاری های اقتصادی ، تخنیکی ، علمی ، و فرهنگی بین دو کشور ستایش بعمل آمد و برای ادامه وانکشاف این همکاری ها سفارش گردید ۰ روس ها از توسعهٔ علایق بین طرفین درسـاحهٔ تعلیم و تربیه مخصوصاً تدریس در پولی تخنیک کابل اظهار خرسندی کردند و معلوم می شد که در این زمینه به هدف رسیده اند ۰

موضوع ویتنام، شرق میانه و سایر مسایل جهانی جزء حرفهای دیگر این اعلامیه بود،

۱ـ دربارهٔ تفصیل مسافرت پادگورنی و همراهان و متن بیانیه های او رجوع شود به : مناسبات افغانستان و شوروی ، اسناد شمارهٔ : ۱۵۷ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، مورخ ۳۰ می واول جون ۱۹۶۷ = ۸ و ۹ برج جوزای ۱۳۴۶ش ۰

و در آن میان این عبارات جلب نظر میکرد که :

«طرفین این ضرورت را تائید نمودند که همه کشور ها اعلامیهٔ ملل متحد را دربارهٔ آزادی و استقلال همه کشور ها و مردم تحت استعمار و نیز اعلامیهٔ آن موسسه را دربارهٔ غیر مجاز بودن مداخله در امور داخلی کشور ها ورعایت استقلال و حاکمیت آنها دقیقانه رعایت نمایند»(۱)

یعنی همان چیزی که روس ها نه در آن زمان به آن پابندی داشتند ونه بعد ازان به آن احترام قایل بودند وبرعکس بالشکر کشی وتجاوز خود به افغانستان وعدم اعتنا به احکام و اعلامیه ها و تصاویب و فیصله های ملل متحد ثابت کردند که هیچ حق و ارزشی به آنان مطرح نیست و آنجا که منافع شان درمیان باشد جز زور گوئی و بربریت و حقه بازی و دروغ ، معیاری را نمی شناسند ۰

اتفاقاً دو روز بعد از عزیمت هیئت روسی ، بتاریخ ۱٤ جوزای ۱۳٤٦ = ٥ جون ۱۹٦۷ جنگ اعراب و اسرائیل آغاز یافت ۰ کشور های امریکا ، انگلستان و فرانسه بطرفداری از اسرائیل وارد جنگ شدند و درنتیجه کانال سویز مسدود گردید ۰ جانب داری غرب از اسرائیل هیجان و احساسات عمومی را در دنیای اسلام برانگیخت و همه جا اظهار آمادگی شد تابه کمک ، اعراب بشتابند و وظیفهٔ اسلامی خود را بجا آرند ۰

این وضع بار دیگر دنیارا در آستانهٔ یک درگیری عمومی وجهانی قرار داد وسازمان ملل متحد دریک جلسهٔ اضطراری وفوق العاده از سران و زعمای کشور های عضو دعوت کرد تابرای جلو گیری از فاجعه و مصیبت چاره جوئی کنند ۰ میوندوال صدراعظم غرض اشتراک در این جسله عازم نیویارک شد و در بیانیه ای که درسازمان ملل ایراد فرمود ، سیاست امریکا و غرب را در خاور میانه و جانب داری از اسرائیل ، به شدت نکوهش نمود ۰ مطبوعات و جراید افغانستان نیز در اثر هدایت او از داعیهٔ اعراب پشتیبانی کردند و روش مثبتی را در زمینه اتخاذ نمودند ۰

حریفان میوندوال وچاکران روس، بیانیهٔ او را مخالف مصالح ملی و منافی بامشی بیطرفی افغانستان خواندند وعلیه اوبه تبلیغات پرداختند ۰ حتی امروز هم بعضی افرادی که دل شان بیاد غربی ها بسیار می تپد و میخواهند قرینه ای برای ملامتی میوندوال ارائه دهند به همین مطلب اتکاء واستناد می کنند ۰ ولی اگر غرض و مرض را در داوری های خود بدور اندازیم و قضایا را در روشنی واقعیت های عینی و ذهنی ارزیابی نمائیم ، به این نتیجه میرسیم که میوند وال در این عمل خویش مطابق به خواست و اراده و مصلحت اسلامی و ملی مردم افغانستان عمل کرده است و هر صدراعظمی هم که بجای او می بود ، راهی نداشت جز

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، اعلامیهٔ مشترک ، سند شمارهٔ ۱٦۳ ، صفحهٔ ۲۳۲ ـ ۲۳٦ ۰

اینکه به خواست مردم عمل می کرد و هویت اسلامی افغانستان را تمثیل می نمود ۰ زیرا همانطور که امروز مردم افغانستان از جهان و بخصوص از ممالک اسلامی توقع دارند که در مجامع و محافل بین المللی جانب حق و عدالت را رعایت کنند و از قیام مردم افغانستان حمایت نمایند ، ملت های عرب نیز چنین توقعی را از مسلمانان جهان و من جمله افغانستان داشتند که داعیهٔ برحق آنان مورد تائید قرار گیرد ۰

متاءسفانه بعضاً کلمهٔ «بیطرفی» را در سیاست جهانی با «خنثی مزاجی» ، بی شعوری ، وبی خاصیتی توأم میدانند که این طرز فکر و اندیشه ، احساس و عواطف را در نهاد آدمی منجمد می سازد و جامعه را به بی تفاوتی ، بی خصلتی و مرگ ونیستی می کشاند ۰ در حالیکه کلمهٔ «بیطرفی» مقابل «وابستگی» بکار میرود واین امر طبیعتاً حق قضاوت آزاد را در مسایل جهانی برای کشور های «بیطرف» محفوظ میدارد ۰

بتاریخ ۱۳ اسد = ٤ اگست خبری در جراید انتشار یافت که حکومت امریکا مبلغ ٤/٦ میلیون دالر را غرض آبادی بیشتر زمین های هیرمند و ارغنداب به افغانستان کمک می کند . پروژهٔ وادی هیرمند گرچه پر مصرف و دراز مدت بود اما نتایجی که ازان بدست آمد ، زحمات و مصارف آنرا جبیره میکرد ۰ چنانکه در سال های اخیر قبل از کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ کشور ما از لحاظ تولید غله خود کفا شده بود و دیگر گندم امریکائی وروسی جزبه ندرت و به پیمانهٔ کم وارد نمی شد ۰ واینهم یکی از مواردی محسوب می شد که روس ها شدیداً علیه آن حساسیت داشتند و بضدش تبلیغات میکردند ۰

میوندوال بازهم در برج سنبله به سبب همان بیماری بطنی تحت عمل جراحی قرار گرفت و وضع صحی او، رو بوخامت گذاشت ۰ در را پوری که اوایل ماه میزان بوسیلهٔ دکتران معالج انتشار یافت اعلام گردید که وی باید برای تکمیل تداوی ومعاینات به امریکا برود ۰ زیرا سه بار در یک ناحیهٔ بطنش عمل جراحی صورت گرفته بود و عملیات چهارم جز در امریکا امکان نداشت ۰

در همان ایام اعلام شد که حکومت برنامهٔ ملی کردن طبابت را در افغانستان رویدست گرفته و امکانات و طرق عملی آن را مورد غور و مطالعه قرار داده است ۰

بتاریخ ۱۱ اکتوبر ۱۹٦۷ = ۱۷ میزان ۱۳٤٦ ش درست یک هفته قبل از آنکه میوندوال عازم امریکا شود ، از عهدهٔ صدارت استعفا داد و عبدالله یفتلی ماموریت یافت تاتعیین صدراعظم جدید از امور یومی وارسی کند ۰(روز نامهٔ انیس ۱۲ اکتوبر = ۱۸ میزان)

دو هفته بعد از استعفای میوندوال بتاریخ ۲ عقرب = ۲٤ اکتوبر شورای عالی پوهنتون اعلامیهٔ مشابهی انتشار داد واز دانشجویان و محصلان پوهنتون تقاضا کرد تا قانون را رعایت کنند و برای بهم نخوردن دیموکراسی از تحریک وتخریب خود داری فرمایند ۰

با توجه به جریانات یاد شده بخوبی معلوم می شود که نا آرامی ها، بی نظمی ها و تحریکات و تخریبات در پوهنتون همه تصنعی و فرمایشی و محض برای بدنام ساختن میوندوال وناکامی حکومت او بود و دست هائی از پشت پرده باهمکاری کی·جی·بی آنهمه فتنه و آشوب را دامن میزدند · هدف روس ها در این تلاش عمدتاً آن بود تا افراد و رجال کشور مارایکی بعد دیگر به ناکامی وشکست مواجه نمایند و زمینه را برای رسیدن مجدد قدرت به محمد داود فراهم سازند ·

عواملی که برای میوندوال درد سر ایجاد کرد

۱ ـ عدم وفا به تعهد : چنانچه در آغاز گفته آمد ، میوندوال پس از تقررش بحیث صدراعظم به دانشگاه کابل رفت تا درمحفلی که از طرف محصلان نسبت به حادثهٔ سوم عقرب برگزار شده بود، اشتراک ورزد · شاگردان و استادان ازوی باگرمی واحساسات کم نظیری استقبال کردند و در عین حال از وی خواستند تا مسوولین حادثهٔ سوم عقرب را که دران یک نفر (وبقول کمونسنت ها ۳ نفر) بقتل رسیده بود مورد مواخذه و محاکمه قرار دهد · میوندوال هم در تحت تاثیر پذیرائی واحساس زایدالوصف محصلان وعده داد تا عاملین دستور فیربه تظاهر کنندگان و مسوولین فاجعهٔ ۳ عقرب را هرچه زودتر شناسائی و مجازات خواهد نمود · اما او در جریان تحقیق وجستجو دریافت که سر این رشته دراز است وافرادی چون دکتر عبدالقیوم وزیر داخله و سردار عبدالولی را که در قضیه متهم بودند ، نمیتواند مواخذه و محاکمه کند · البته پاسخ آنان هم این بوده که چنین عملی را بحکم وظیفه و برای جلوگیری از بدامنی و آشوب انجام داده اند · شاید هم در اینباره توصیه و سفارشی از بالا صورت گرفته باشد که نه جریان موضوع به اطلاع عامه رسید ونه هم برای کتمان آن دلیلی اقامه شد ·

چند روز بعد از سکوت حکومت درقضیه ، کمونسنت ها مجدداً به تحریکات دست یازیدند و تظاهرات از سر گرفته شد · میوندوال در پاسخ به گروهی از تظاهر کنندگان که در صحن قصر صدارت گرد آمده بودند گفت : از اینکه نتوانسته بدلایل غیر قابل شرح به تعهدش وفا کند ، عذر میخواهد ·

اجیران روس و گروهی از مغرضین ومفسدین که درپئ بهانه بودند ، این موضوع را دستاویز خود قرار دادند وجوانان و محصلان را مکرراً به تحریم درس و برپائی تظاهرات دعوت کردند · ناآرامی و تشنج تا آنجا ادامه یافت که درس ها در دانشگاه تعطیل شد و این کانون دانش و فرهنگ به مرکزی از توطئهٔ و تحریک و آشوب مبدل گردید ·

۲ ـ پیوستن میوندوال باگروه ویش ځلمیان

پس از تدوین قانون اساسی گروهها واحزاب مختلفی دست به سازماندهی زدند وهر

کدام برای جلب و جذب افراد سعی وتلاش مینمودند به امید آنکه قانون احزاب توشیح می شود و آنان میتوانند درفعالیت های سیاسی سهم گیرند ۰ میوندوال هم با این آرزومندی حزبی را بنام دیموکرات مترقی (= مترقی دیموکرات) پایه گذاری کرد و در آن یک تعداد افرادی که در سابق عضو ویش ځلمیان بودند ، نیز تقاضای شمولیت کردند ۰

میوندوال بنابر آشنائی های شخصی اینگونه افراد را در حزب خود پذیرفت و گمان میکرد که بهترین رفیق راه وسنگرش خواهند بود ، به این امید و احساس هر یک از آنها را به کارهای مهمی گماشت و صلاحیت هائی را برای آنان تفویض نمود ۰ ایشان هم درایام قدرت میوندوال را همراهی کردند و در جلسات حزبی و تصمیم گیری ها وحتی تقرر مامورین اشتراک داشتند و بوی مشورت میدادند ۰ ولی همینکه تبلیغات کی۰جی۰بی علیه میوند وال موثر افتاد و مظاهرات و نا آرامی ها اوج گرفت و احساس گردید که دیگر میوندوال از قدرت و صلاحیت برخوردار نخواهد بود ، دوستان و همسنگران میوندوال که از آنها نام بردیم یکی بعد از دیگری از وی دوری گرفتند و گروهی از ویش ځلمیان قدیم و اعضای جدید حزب دیموکرات مترقی ، جدائی خود را از میوندوال در جراید اعلام داشتند که پوهاند عبدالحی حبیبی وپوهاند عبدالشکور رشاد وعبدالروف بینوا جزء آن گروه بودند ۰ گرچه شایعاتی درهمان وقت برسر زبان ها افتاد که شاید اینکار روی مصلحت های سیاسی صورت گرفته باشد تا بتوانند در انتخابات آینده موفقیت بیشتری بدست آرند ، اما واقعیت این بود که بیماری های پی درپی میوندوال و تخریباتی که از دربار تابازار علیه او صورت میگرفت، امید ادامهٔ کار و بقای قدرت آنرا کاسته بود ، لذا بعضاً در فکر چاره جوئی و آینده نگری بودند و چنانکه دیدیم همین امر باعث تضمین حیات آنان شد و درحالی که میوندوال کشته شد و بسا از همکاران و همراهان او زندانی ویا مغضوب گردیدند ، افراد موصوف از هر گونه آسیب پذیری در امان ماندند وتا روز مرگ با دست نشانده های روس در کابل همکاری کردند ۰

جدائی این گروه از میوندوال باهمه بی اثری اش بزرگترین ضربه ای بود که از نظر سیاسی و روانی بروی وارد آمد و به حیثیت حزب دموکرات مترقی لطمه زد ، واو در عالم تاءثر و تاءسف از انتخاب خویش ، با خود نجوا میکرد که :

زین همرهان سست عناصر دلم گرفت
شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

۳ ـ اعلام برنامهٔ دیموکرات مترقی(۱)

میوندوال که در آغاز تجارب دیموکراسی زمام امور را بدست گرفته بود ، ناگزیر باید

۱ ـ دربارهٔ «دیموکرات مترقی» وبرنامه هایش ، در صفحات آینده بازهم صحبت خواهیم کرد ۰

دست بکار می شد و در گرما گرم رونق بازار سیاست ، حزب و گروهی برای خود تدارک می کرد • بدین منظور و مجبوریت حزبی را بنام «دیموکرات مترقی یا مترقی دیموکرات» تاسیس نمود و از افراد و گروههای مختلف دعوت کرد تا دران شرکت کنند •

اوبرای توضیح و تشریح اهداف خویش و نیز جهت پاسخ دهی به رقبا و حریفانش که دران ایام روی جراید و روزنامه ها پیوسته انتقاد می کردند ، اخباری را بنام «مساوات» انتشار میداد و برنامه هایش را تدریجاً در آن منعکس می ساخت • قصد میوندوال آن بود تا از اینطریق و به اساس معیار های علمی و منطقی با افکار منحط و انحرافی مبارزه کند و برای رشد شعور سیاسی در چوکات سالم آن ، جدوجهد نماید •

امـا برنـامه های او توسط عمال روس ، بعضی افراد خود خواه و تنگ نظر و حریفان سیاسی اش بگونه ای تحریف گردید و اذهان عامه را قسماً متغیر ساخت • حتی بعضاً افراد مسلمانی را در سلطح سنا و شورای افغانستان تحریک کردند تا در برابر میوندوال وبرنامه ديش عكس الـعـمـل نشـان دهـنـد و بجـای ببرک و تره کی با او در آویزنـد •

این نا عاقبت اندیشی ها و عدم تشخیص که در فرجام به نفع کمونست ها بود، میوندوال را در حد خود تخـریب کرد و زمینه برای یکه تازی کمونست ها درصحنهٔ سیاسی بیشتر مساعد گردید •

٤ ـ ائتلاف میوند وال بابعضی گروهها وافراد اپرچونست

به اساس برنامه ای که بدان اشاره کردیم میوندوال می کوشید تا حمایت افراد و عناصر چیز فهم رابخود حلبب کند • ولی در این میان و با استفاده از اوضاع ، تعدادی افراد ابن الوقت و استفاده جو نیز خود را زیر نام های این و آن با میوندوال نزدیک کردند و صاحب جاه و مقامی شدند ، اما هیچکدام این افراد توانائی جدال های سیاسی و حمایت از میوندوال را نداشتند و او را در میدان رقابت و رویا روئی با رقبای سیاسی اش تنها گذاشته بودند • وهمین افـراد بعـد ازانکـه میونـدوال استعفـا کرد ازوی نکـوهش کردنـدوخود راباعتمادی جانشین او نزدیک ساختند •

خلاصه آنکه میوندوال با اتکاء به افراد و گروههائی که هرگز باوی وفادار نبودند و از روی فرصت طلبی و سود جوئی و کسب قدرت او را احاطه کرده بودند ، واقعیت ها وشرایط عینی و ذهنی افغانستان را نادیده انگاشت و یا عملاً خود را به آن عیار نساخت ، و لذا دست بکار هائی زد که روس ها و دربار هر دو در برابر آن حساسیت داشتند و همین امر بر درد سرهای اوافزود تا آنکه مجبور به استعفا گردید •

۵ ـ سعی درکاستن از نفوذ روس

میونـدوال باتمام امکانات و درک مسایل کوشید تا توجهٔ جهانیان را جهت کمک به

افغـانستان جلب کند و بتدریج از نفوذ اقتصادی و سیاسی روز افزون روس در کشور بکـاهـد ۰ کشـور های غربی و ممالـک بیطرف هم اظهار آمادگی کردند تا در نو سازی افغانستان سهم گیرند و میوندوال را در انجام برنامه هایش یاری دهند ۰ اما رقبای میوندوال بخصوص کمونست ها در شورا و پوهنتون به فعالیت ها و تخریبات خصمانهٔ خود ادامه دادند و با ایجاد مشکل و موانع در کارهای حکومت، عرصه را از هر جهت بروی تنگ کردند ۰

بیماری مداوم وعدم هم آهنگی و اعتماد دربار بامیوندوال وبرنامه هایش در حد خود ، مسئله ای بود که با دشواری ها و مشکلات دیگر توأم گردید و اومجبور شد استعفا بدهد ۰

اما موصوف پس از استعفای خود انزوا اختیار نکرد و همینکه اندک بهبود یافت فعالیت های سیاسی را از سرگـرفت ۰ بارها در تظاهرات عمومی شرکت جست و حرفها و گفتنی هایش را پیرامون نابسامانی ها و اوضاع کشور بصراحت بیان داشت ۰

از فحوای کلامش پیدا بود که دل پر خونی داشت و میخواست راز هائی که دیگران مصلحت نمی دیدند از پرده برون افتد ، همه را بازگوید چنانچه در یکی از سخن را نی هایش (وقت صدارت دکتر ظاهر خان) صلاحیت و حیثیت صدر أعظمان افغانستان را به حیثیت و صلاحیت بخچـه (۱) بر داران دربـار تشبیه کرد ، یعنی فاقد ارزش و قدرت و تصمیم و صلاحیت ۰ واقعـاً چنان بود و ما دیدیم که درمدت تقریباً نه سال پنج صدراعظم تغییر و تبـدیل گردید ولی هیچکـدام نتوانست آنطور که لازم بود و میخواستند ، کاری انجام دهنـد ۰ زیرا سررشتـه بدست شاه و درارگ شاهی قرار داشت و محمـد داود و دستگـاه جاسوسی روس به آن همه مشکلات افزوده بودند ۰

۱ـ بخچه بردار : در اصطلاح قدیم کابل به کسانی اطلاق می شد که بخچه را از یک جابجای دیگر انتقال میدادند ۰ در کابل قدیم یعنی زمانی که هنوز میراث مدنیت قرن بیستم در کشور ما رایج نشده بود و از موتر وتشناب های لاجوردین و مرمرین اثـری وجـود نداشت مردم اغلب از حمام های عمـومی استفـاده می کردنـد ۰ بعضـاً آقـایان وخانم های ثروتمنـد لبـاس ها و سامـان آلات کار آمد حمام را دریک پارچهٔ بزرگ و پاک می پیچیدند و خادم یا خدمه ای آنرا تا حمام انتقال می داد و از آنجا بخانه می آورد ۰ همان بستهٔ پر از لباس و لوازم را بخچه مینامیدند و شخصی که حامل آن بود بنام بخچه بردار یاد می شد ۰ البته این امر تنها برفتن حمام اختصاص نداشت بلکه در سفر ها و امثال آن نیز رایج بود ۰ بعضاً ، این شغل چون فراش باشی و خانه سامان و امثال آن درد بار ها تشکیل خاصی داشت ۰

فصل یازدهم

دورهٔ صدارت نور احمد خان اعتمادی
(۹ عقرب ۱۳٤٦ش - ۲٦ ثور ۱۳۵۰ش)

پس از استعفای میوندوال بتاریخ ۹ عقرب ۱۳٤٦= اول نوامبر ۱۹٦۷ سردار نور احمد خان اعتمادی ماموریت یافت تابه تشکیل کابینهٔ جدید اقدام کند ۰ موصوف که در واقع حیثیت پلی را بین شاه و محمد داود داشت ، درمیان اوجی از ناآرامی ها بتاریخ ۱۵ نوامبر=۲۳ عقرب از مجلس شورای ملی رای اعتماد گرفت و عملاً آغاز بکار کرد ۰

اعتمادی در کابینه اش قشر کهن سال وجوان هر دورادرهم آمیخت و کوشید از تجارب و اندوختهٔ این یک ، و نیرو وتوانائی آن دیگر ، استفاده کند و چرخ اداری و سیاسی کشور را به نحو بهتری به گردش در آورد واوضاع را سروسامان بخشد ۰ این اقدام در آغاز جالب و امیدوار کننده بود و فکرمی شد باب نوی درروش اداری و سیاسی افغانستان گشوده شده است ۰

روابط باکشور های خارجی نیز آغاز خوبی داشت و گمان میرفت دولت می کوشد بااستفاده از منابع مختلف اوضاع آشفتهٔ اقتصادی کشور را بهبود بخشد ۰ کشور های خارجی نیز به علاقه مندی خود نسبت به افغانستان ادامه دادند و ازهمه اولتر نمایندهٔ خاص امریکا «اوریل هریمن» در اولین روزهای صدارت اعتمادی (ماه عقرب) وارد کابل گردید وآمادگی کشورش را جهت سهم گیری در پلان پنجسالهٔ سوم اعلام نمود ۰ اما بتاءسف باید گفت که دربارهٔ این سهم گیری ها ومقدار و کیفیت و چگونگی آن گزارشی در اختیار مردم قرار نمیگرفت و بعداً بمشاهده میرسید که به اثر فشارروس ها وایادی شان در دریافت و استفاده از کمک های دیگران بی میلی نشان داده می شود و همه چیز بصورت انحصاری و بی رقیب در اختیار استثمار گران مسکو قرار میگیرد ، چنانچه آمادگی امداد امریکا در پلان پنجسالهٔ سوم دنبال نشد وبجای آن در ماه جدی ۱۳٤٦ هیئتی تحت ریاست عبدالله یفتلی معاون صدارت به شوروی اعزام گردید تا دربارهٔ سهم گیری روس ها در پلان پنجسالهٔ سوم بامقامات این کشور مذاکره کنند ۰

در جریان مذاکرات هیئت افغانی با روس ها کاسگین صدراعظم روسیه بتاریخ ۳۱ جنوری ۱۹٦۸= دهم دلو ۱۳٤٦ ، از طریق هند وارد کابل گردید و بعد از اقامت مختصری

در افغانستان از اعتمادی دعوت کرد تابه مسکو مسافرت نماید ۰

روس ها برحسب عادت و نقشه های شیطانی خود هر افغانی که در مقام تصمیم گیری اثـر می داشت و برباریکهٔ قدرت تکیه میزد ، فوراً او را بروسیه دعوت می کردند تا در افسونگـاه کرملن فکـر و انـدیشـه اش را عوض کنند ومرام های شوم خویش را بروی بقبولانند ۰ البته بالای اعتمادی بیشتر حساب می کردند ، زیرا نزدیکی وی با دربار ورابطهٔ پشـت پرده اش با محمـد داود خان ، انتخـاب راه و رسم را بروی مشخص وآسـان کرده بود و میتوانست تاحدی آزاد عمل کند ۰

هیئت اقتصـادی افغـانستـان تقـریباً یکـماه دران کشـور باقی مانـد ، و در نتیجـه بتاریخ ٦ فبروری ۱۹٦۸= ۱٦ دلو ۱۳٤٦ش موافقت نامه ای را باروس ها به امضاء رسانید که متن آن این است:

((مـوافقت نامه بین حکومت پادشاهی افغانستان و حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیـالستی راجـع به همکاری اقتصادی و تخنیکی در سال های ۱۹٦۷ـ۱۹۷۲ ۰ مورخ ٦ فبروری ۱۹٦۸ مطابق دلو ۱۳٤٦ ۰

حکومت پادشاهی افغانستان و حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی مبنی بر مناسبات دوستانهٔ موجوده بین افغانستان واتحاد شوروی به مقصود توسعه و ترقی مزید همکاری اقتصادی و تخنیکی بین دو مملکت به شرح ذیل موافقت نمودند:

مادهٔ اول

دولت پادشاهی افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی درمدت اجرای پلان پنجسالهٔ سوم (۱۹٦۷ـ۱۹۷۲) افغانستان همکاری خواهند نمود:

۱ ـ در تکمیل ساختمان پروژه ها وامور دیگری که در موافقت نامه ها و پروتوکول های دارای اعتبار راجع به همکاری اقتصادی و تخنیکی افغانستان و شوروی پیش بینی گردیده است ۰

۲ ـ در ساختمان پروژه ها و اجرای کارهائی که در ضمیمهٔ نمبر (۱) موافقت نامهٔ هذا شامـل است و همچنـان در مورد پروژه های دیگری که لست آن بعد از تهیهٔ راپور اقتصادی و تخنیکی و مطالعهٔ اساسات هرپروژه از طرف جانبین تعیین خواهد شد ۰

۳ ـ در ساختمان پروژه های صنعتی که لست آن بعد از ترتیب راپورهای اقتصادی و تخنیکی و مطالعـهٔ امکانات آن از طرف موسسهٔ صلاحیت دار افغانی و شوری تعیین خواهد شد ۰

مادهٔ دوم

بمنظور امداد اقتصادی به افغانستان درساختمان پروژه ها و امور دیگری که در مادهٔ اول موافقت نامهٔ هذا شامل است ، حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی:

۱ ـ کریدت مبلغ ١٤ میلیون روبل با اضافه ۷۳ میلیون روبل که تحت موافقت نامهٔ ١٦ اکتوبر ۱۹٦۱ به حکومت پادشاهی افغانستان داده شده است جهت جبران مصارف موسسات شوروی مربوط به انجام امداد تخنیکی در تکمیل ساختمان پروژه ها و امور دیگری در ضمیمهٔ نمبر ۲ موافقت نامهٔ هذا شامل است(۱) ، به حکومت پادشاهی افغانستان تحت شرایط موافقت نامهٔ متذکره میدهد ۰

۲ ـ کریدت تا ٦٥ میلیون روبل به ربح سالانه دو فیصد ، جهت تادیهٔ مصارف موسسات شوروی در ساختمان پروژه ها و اجرای اموری که در فقرهٔ ۲ مادهٔ اول موافقت نامه هذا تذکار یافته است ، به حکومت پادشاهی افغانستان میدهد ۰

۳ ـ اموال‌استهلاکی را در جریان سال های ۱۹٦۷ـ۱۹۷۲ به افغانستان صادر می نماید ، به این منظور کریدتی تا ۱۷ میلیون روبل با ربح دو فیصد فی سال جهت تمویل قسمتی از مصارف پروژه هائی که به همکاری افغانستان و شوروی اجرا می شود ، میدهد ۰

٤ ـ اعتبار مبلغ تا ۱۸ میلیون روبل از طرف موسسات شوروی به موسسات و شرکت های افغانی به اقساط تا ۸ سال باربح ۲ـ۳ فیصد فی سال نظر به ماهیت و مدت ساختمان پروژه های مندرجهٔ فقرهٔ ۳ مادهٔ موافقت نامهٔ هذا را تاءمین مینماید ۰

مادهٔ سوم

کریدت شصت و پنج میلیون روبل که مطابق فقرهٔ ۲ ۰ مادهٔ دوم موافقت نامهٔ هذا داده می شود برای تادیات ذیل استفاده خواهد شد:

بابت کارهای سروی و پروژه سازی که از طرف موسسات شوروی اجرا خواهد شد ۰ بابت تجهیزات ماشین ها و تجهیزات ساختمانی و موادی که در افغانستان تهیه شده نتواند ، از طرف اتحاد شوروی به شرایط فرانکو ترمذ یا کوشکه تحویل داده می شود ۰ و همچنین پرداخت مصارف حمل و نقل ، تجهیزات و مواد مذکور تا شگذر کلفت یا شیرخان بندر و مصارف تجهیزات وماشین هائی که به شرایط کرایه از آن استفاده میشود ۰

بابت مصارف موسسات شوروی مربوط به اعزام متخصصین شوروی به افغانستان جهت انجام امداد تخنیکی در اجرای تمام مسایل مربوط موافقت نامهٔ هذا ومن جمله

---

۱ ـ متاء سفانه ضمایمی که به آن اشاره شده در کتاب مناسبات افغانستان وشوروی که ماخذ این موافقت نامه است ، وجود ندارد ۰

اعزام متخصصین شوروی جهت امداد تخنیکی در تدویر و بهر برداری پروژه ها ۰

بابت مصارف معیشت پرسونل افغانی که بغرض تحصیلات علمی و تخنیکی درموسسات مربوطه شوروی به اتحاد شوروی اعزام میگردند حکومت پادشاهی افغانستان قسمت کریدتی که در سال تقویمی استفاده می شود سه سال بعد از سال استفاده از قسمت مربوط کریدت به ۱۲ قسط مساوی سالیانه می پردازد ۰ ربح قرضه از تاریخ استفاده از قسمت مربوط کریدت محاسبه می شود و نه ناوقت تراز اول ماه می سال مابعد که دران ربح محاسبه شده است ، پرداخته می شود ۰ آخرین پرداخت ربح همزمان باتادیهٔ اصل قرضه بعمل می آید ۰

تاریخ اکت (عمل) تحویل دهی و تحویل گیری ، تاریخ استفادهٔ کریدت برای تادیه تجهیزات و مواد دانسته می شود و تاریخ صدور صورت حساب ، تاریخ استفادهٔ کریدت برای تادیهٔ خدمات و کرایه شمرده می شود ۰

ضمن تهیه لست پروژه های متذکره فقرهٔ ۲ ـ مادهٔ اول و تعیین حجم تعهدات موسسات شوروی برای انجام امداد تخنیکی ، درساختمان پروژه های فوق الذکر طرفین در نظر خواهند داشت که مجموع مخارج موسسات شوروی برای انجام امداد تخنیکی نباید از مبلغ کریدت شصت و پنج میلیون روبل تجاوز نماید ، هرگاه حجم مجموعی تعهدات موسسات شوروی مربوط به انجام امداد تخنیکی از مبلغ کریدت ٦٥ میلیون روبل تجاوز نماید ، طرفین برای بررسی امکانات حذف بعضی پروژه ها از لست موافقت شده یاپرداخت این چنین مبالغ اضافی از طرف افغانستان براساس موافقت نامهٔ دارای اعتبار تجارتی افغان-شوروی مذاکره خواهند نمود ۰

مادهٔ چهارم

حکومت پادشاهی افغانستان از قسمت کریدت ۱۷ میلیون روبل شامل فقرهٔ ۳ ، مادهٔ ۲ موافقت نامهٔ هذا که در هر سال تقویمی استفاده می شود، سه سال بعد از سال استفاده از قسمت مربوط کریدت به اقساط مساویانه سالانه، در هفت سال می پردازد ۰ ربح قرضه از تاریخ استفادهٔ قسمت مربوط کریدت محاسبه ونه ناوقت تر از اول ماه می سال ما بعد که ربح دران محاسبه شده است، پرداخته می شود ۰ آخرین پرداخت ربح همزمان باتادیهٔ اصل قرضه بعمل می آید ۰

تاریخ بل اف لیندنگ ، برای تحویلی های سیف بنادر افغانی و تاریخ اکت تحویل دهی و تحویل گیری برای تحویلدهی ، به شرایط فرانکوترمز یا کشکه در تحویل خانه فروشنده ، تاریخ استفادهٔ کریدت محسوب می شود ، نوعیت اموال ، مقدار و مدت تحویل دهی به حساب مبالغ کریدت فوق الذکر بموافقهٔ جداگانه طرفین تعیین خواهد شد ۰

مادۀ پنجم

استرداد قرضه ها و پرداخت ربح بابت قرضه های فقرۀ دو و سه مادۀ دوم موافقت نامۀ هذا از طرف حکومت پادشاهی افغانستان توسط صدور گاز طبیعی و تحویل دهی سایر اموال افغانی از افغانستان به اتحاد شوروی طبق موافقت نامۀ دارای اعتبار تجارتی افغان-شوروی ، به ترتیب آتی صورت میگیرد ۰

مقدار گاز طبیعی وانواع سایر اموال افغانی و قیمت های آن و همچنین مقدار مدت تحویل دهی ۳ ماه قبل از شروع سال استرداد قرضه و پرداخت ربح از طرف جانبین برای هر سال تقویمی تعیین می شود ۰

هرگاه ارزش گاز طبیعی تحویل داده شده و سایر اموال افغانی برای پرداخت قروض بسر رسیده و ربح آن در جریان سال تقویمی کفایت ننماید ، قسمت باقیمانده از طرف افغانستان طبق مادۀ ۱۳ موافقت نامۀ تجارت و تادیات افغان-شوروی ناریخی ۱۷ جولای ۱۹۵۰ ، به اسعار قابل تبادله و اسعار یکدیگر که از طرف جانبین تعیین می شود پرداخته خواهد شد ۰ تسعیر روبل به اسعار دیگر به اساس مقدار محتوی طلای اسعار مربوط در روز پرداخت صورت خواهد گرفت ۰

مصارف موسسات شوروی متعلق به امداد تخنیکی در ساختمان پروژه های متذکرۀ فقرۀ ۳ مادۀ اول موافقت نامۀ هذا توسط صدور گاز طبیعی و سایر اموال افغانی بادر نظر گرفتن مفاد فقرۀ چهارم مادۀ دوم موافقت نامۀ هذا تحت شرایط موافقت نامۀ دارای اعتبار تجارتی افغان-شوروی پرداخته خواهد شد ۰

مادۀ ششم

بمنظور محاسبۀ استفاده و تادیۀ قرضه وربح قرضه هائی که طبق مادۀ دوم موافقت نامه هذا داده شده است ، ستیت بانک شوروی یا به دستور آن بانک تجارت خارجی اتحاد شوری و «افغانستان بانک» حسابات مخصوص قرضه را بروبل افتتاح نموده وبه موافقۀ یکدیگر ترتیب تصفیه حسابات و محاسبات کریدت را تعیین یاتعدیلات لازمه را در ترتیب تخنیکی محاسبات موافقه شدۀ گذشته وارد می سازد و در صورت لزوم راجع به ترتیب محاسبات و تادیۀ قرضۀ فقره چهار ـ مادۀ دوم هذا باهم موافقت مینمایند ۰

مادۀ هفتم

در صورت تغییر مقدار محتوی طلای روبل (یک روبل حاضر دارای ۰٫۹۸۷٤۱۲ ، گرام طلای خالص می باشد) ستیت بانک اتحاد شوروی یابه دستور آن ، بانک تجارت خارجی اتحاد شوروی و «دافغانستان بانک» حسابات قسمت باقیماندۀ کریدت راکه مطابق مادۀ ٦ موافقت نامۀ هذا افتتاح گردیده است ، در روز تغییر مقدار محتوی طلای

روبل (؟) متناسباً عیار مینمایند · مبالغ قرضهٔ استفاده نشده به همین ترتیب عیار می شود ·

ماده‌ٔ هشتم

بمنظور انجام همکاری مندرجهٔ مادهٔ اول موافقت نامهٔ هذا:

۱ ـ موسسات شوروی کارهای ذیل را انجام میدهند:

پیشبرد و انجام امور لازمه سروی و پروژه سازی ·

تحویل دهی تجهیزات و ماشین باب ، تجهیزات ساختمانی وهمچان موادی که در افغانستان تهیه شده نتواند ·

اعـزام متخصصین شوروی برای تهیهٔ ارقام معلومات ابتدائی انجام امور اکتشافی و سروی جیـولـوجی ، مشوره و کنترول در حصهٔ تطبیق کار با پروژه و اجرای امور ساختمانی ، تربیهٔ عملی و تخنیکی پرسونل افغانی و همچنین بسته کاری و تنظیم و بکار انداختن تجهیزات ·

تربیـهٔ عمـلی و تخنیکی پرسـونل افغانی در موسسات مربوط شوروی به منظور استفاده از این پرسونل در پروژه هائی که تحت این موافقت نامه احداث میشود ·

اعزام متخصصین شوروی مطابق مادهٔ نهم موافقت نامهٔ هذا ، بمنظور همکاری در تدویر وبهره برداری پروژه هائی که به کمک تخنیکی اتحاد شوروی احداث میشود ·

۲ ـ موسسات افغانی کارهای ذیل را انجام میدهد:

تهیه ارقام و معلومات ابتدائی به موسسات شوروی که برای پروژه سازی لازمی باشد و در افغانستان بدست آمده بتواند و همکاری با موسسات شوروی در تهیه سایر ارقام و معلومات لازمه ·

مطالعهٔ اساسات پروژه و تصویب آن در صورتی که طرف قبول واقع شود ، در مدت شصت روز از روز تسلیم آن از طرف موسسات شوروی ·

اجرای کارهای ساختمان پروژه های قبول شده و امور دیگر مطابق اساسات تخنیکی پروژه به همکاری موسسات شوروی ادارهٔ کار ساختمان های اصلی و فرعی پروژه ها ، تهیّه کارگران و مواد لازمه که در افغانستان پیدایش دارد ·

تاءمین مصارف افغانی پروژه هائی که تحت ساختمان بوده و اموری که تحت اجرا باشد و همچنین تامین مجانی محل رهایش ، معاونت طبی ، سایر تسهیلات وخدمات وسـایـل حمـل و نقـل برای مسـافرت های رسمی در داخل خاک افغانستان برای متخصصین شوروی و ترجمان ها و فامیل های شان که بغرض انجام همکاری تخنیکی تحت این موافقت نامه به افغانستان اعزام می شوند ·

مادهٔ نهم

حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی انجام امداد تخنیکی رادرتدویر و بهره برداری پروژه هائی که به همکاری تخنیکی اتحاد شوروی ساخته شده و میشود به افغانستان تاءمین مینماید ، به این منظور:

متخصصین مربوطهٔ شوروی را به افغانستان به تعداد و به مواعدی که بین موسسات صلاحیت دار طرفین موافقه شود طبق شرایط مادهٔ سوم موافقت نامهٔ هذا اعزام مینمایند ۰

پرزه جات فالتو ، مواد و پرزه جات و تجهیزات تعویضی که برای تدویر موزون پروژه ها لازمی باشد ، تحویل میدهند ۰ موسسات افغانی میتوانند که قیمت سامان و مواد را به اقساط پنجساله باربح دو فیصد فی سال تادیه نمایند

مادهٔ دهم

اجرای کارهای سروی و پروژه سازی ، تحویلدهی تجهیزات و مواد تربیهٔ عملی و تخنیکی پرسونل افغانی و انجام سایر انواع امداد تخنیکی ، مطابق موافقت نامه هذا براساس قرارداد هائی که بین موسسات صلاحیت دار افغانی و شوروی که از طرف مقامات مربوط افغانستان و اتحاد شوروی برایشان اختیارات داده شده است منعقد می شود ، عمل خواهد شد ۰ این قرار دادها در زودترین فرصت از طرف جانبین مطالعه و امضاء خواهد شد ۰

حجم مواعید ، قیمت ها وسایر شرایط انجام امداد تخنیکی به موسسات افغانی بالتفصیل در قرار داد ها قید میگردد ۰ قیمت های تجهیزات و موادی که از طرف اتحاد شوروی مطابق این موافقت نامه تحویل داده می شود بر اساس قیمت های بازار جهانی تعیین میگردد ۰

علاوه برین در قرارداد های مذکور تعهدات جانب افغانی مبنی برجمع آوری ارقام و معلومات ابتدائی ، تهیه محل ساختمان و تهیه جای رهایش متخصصین شوروی بشمول تسهیلات وخدمات لازمه ، معاونت طبی ، وسایل حمل و نقل برای مسافرت های رسمی ، مطالعه و تصویب پروژه ها ، تهیهٔ کارگران وغیره ، همچنان مدت انجام تعهدات مذکور ذکر می شود ۰

مادهٔ یاز دهم

برحسب موافقت نامهٔ مورخه ۱۷ اکتوبر ۱۹۶۳ ، افغانستان و شوروی و به حساب کریدت موافقت نامهٔ مذکور، موسسات شوروی در توسعهٔ تاسیسات و معادن گاز در ساحهٔ شبرغان بشمول حفر چاه های استخراجی به موسسات افغانی امداد تخنیکی را

انجام داده و همچنان متخصصین شوروی را برای انجام امداد تخنیکی در تدویر و بهره برداری معادن گاز ولولهٔ گاز اعزام مینماید ۰

حکومت پادشاهی افغانستان از آن قسمت کریدت فوق الذکر که از ۱۸/۳ میلیون روبل تجاوز نماید (تا ۱٦/۷ میلیون روبل) و در جریان هر سال تقویمی استفاده شود ، درظرف هشت سال بعدی به اقساط مساویانه سالانه خواهد پرداخت ۰

مادهٔ دوازدهم

نمایندگان طرفین بغرض غور و مطالعهٔ پیشرفت و اجرای موافقت نامهٔ هذا و ترتیب پیشنهادات مناسب ، درصورتی که لازم باشد منظماً بنابدرخواست یکی از طرفین ملاقات مینمایند ۰

پیشنهادات متذکره فوق بغرض غور و مطالعه حکومات طرفین تقدیم خواهد شد ۰ ملاقات های متذکرهٔ فوق در کابل و مسکو بصورت متناوب صورت خواهد گرفت ۰

مادهٔ سیزدهم

موافقت نامهٔ هذا منوط به طی مراحل قانونی مطابق مقررات هریک از مملکتین بوده موقتاً از تاریخ امضاء اعتبار داشته و بعد از تبادلهٔ اسناد مصدقه مبنی بر طی مراحل قانونی که در کابل صورت خواهد گرفت قوهٔ کامل خودرا بدست می آورد ۰

در ماسکو بتاریخ ۱٦ دلو ۱۳۳٦ مطابق ٦ فبروری ۱۹٦۸ در دو نسخهٔ اصلی دری وروسی ترتیب گردیده ، هر دو نسخه دارای قوهٔ مساوی می باشد)) ۰(۱)

البته خوانندگان ارجمند ، خود این قرارداد و ماهیت و محتوای آنرا بدقت ارزیابی خواهند کرد و پی خواهند برد که چگونه روس های غدار این سودخوران بین المللی ، سامان و پرزه ها و ماشین آلات فالتو و از کار افتادهٔ خود را بالای افغانستان بفروش میرسانیدند ، چگونه چند برابر قرضه ای که می دادند مصرف میکردند ، چطور بنام پروژه و پروژه سازی صدها روس بافامیل های خود به افغانستان سرازیر می شدند ، بچه ترتیب خون ملت افغانستان را می مکیدند ، چگونه شرایط را برای بهره برداری های خود در آینده عیار می نمودند و حتی پول مصارف محصلین افغانی در کشور روسیه را هم بحساب قرضه های خود می افزودند ، وبه این ترتیب دوش ملت افغانستان را هر روز در زیر بار قرضه های خود خم تر میکردند ۰

البته این موافقت نامه کلیات مسئله را در بر میگیرد ومسلماً در ارتباط به هر مادهٔ آن ده ها قرارداد و موافقت نامهٔ دیگر را بطور دلخواه و مطلوب خود امضاء کرده اند که در اختیار ما نیست ۰ از همین جا بود که ملت افغانستان درنیم قرن روابط خود باروس حداقل یکقرن از کاروان پیشرفت و انکشاف عقب افتاد و بالاخره پایمال هجوم ارتش سفاک روسی شد ۰

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۱٦٦) صفحهٔ ۲۳۸ـ۲٤۳ ۰

در خلال این تحولات و تبدلات و دگرگونی ها (رفتن میوندوال و آمدن اعتمادی) ، روس ها از فرصت استفاده کرده ، انتقال گاز طبیعی افغانستان را بروسیه که به اساسی موافقت نامهٔ ۱۷ اکتوبر ۱۹۶۳= میزان ۱۳۴۲ ، بایستی سر از ربع چهارم سال ۱۹۶۶ رسماً آغاز می یافت ، به تعویق افگندند (۱) وازان تاریخ به بعد تا اکتوبر ۱۹۶۷ میلیون ها متر مکعب گاز طبیعی افغانستان را بصورت غیر رسمی بروسیه انتقال دادند و آنرا یک عمل امتحانی نام نهادند • تاآنکه نیروهای مسلمان و وطندوست ، فریاد اعتراض بلند کردند و روس ها مجبور شدند از شرم و رسوائی و انعکاسات بین المللی موضوع صدور گاز افغانستان را رسمیت بخشیدند • آنهم به ترتیبی که میتر «محاسبه» و کلید آن در آنسوی آمو و بدست خود روس ها بود •

باید گفت که ذکر مطالب مذکور نه بدان جهت است که ماميتوانيم از روس ها تقاضای جبران خسارت کنیم ، زیرا دیگر جنایات روس و خرابکاری ها و زیان هائی که توسط ایشان برمردم و وطن ما وارد آمده است ، درحساب نگنجد و هرگاه روزی فرا رسد (که ان شاءالله می رسد) تا با روس ها تصفیهٔ حساب کنیم ، این مسایل را نیز بیگمان از یاد نخواهیم برد • وامابیان کارنامه های ننگین روس ها در افغانستان و در این نوشته ها بخاطر آنست تا بشریت را در جریان جنایات و حیله های روس قرار دهیم تا از این همه خصلت روسی و مکر و افسون آن بر حذر باشند و به این خرسان و ابلیسان آدم روی هرگز اطمینان نکنند •

در ماه حوت ۱۳۴۶ حکومت اعتمادی به جریدهٔ «پرچم» اجازهٔ نشر داد و اولین شمارهٔ آن بتاریخ ۲۵ حوت ۱۳۴۶ = ۱۴ مارچ ۱۹۶۸ بمدیریت سلیمان لایق و امتیاز میر اکبر خیبر انتشاریافت و ببازار عرضه گردید • این نشریه از همان آغاز صف خود را مشخص ساخت و با نشر و تبلیغ برنامه های خویش و طرفداری از مشی فکری و اقتصادی روس عملاً وابستگی خود را به اثبات رسانید •

متاءسفانه اینکار بدترین اقدام و تصمیمی بود که اعتمادی بدان دست یازید و برای خود و جامعه دردسرهائی خلق کرد که جریان آنرا درهمین مبحث مطالعه خواهید کرد •

---

۱ ـ در چاپ اول این کتاب متاسفانه سهواً طوری تائپ و طبع شده که گویا انتقال گاز بروسیه از سال ۱۳۴۳ • صورت گرفته است ، با عرض معذرت از خوانندگان محترم رجامندیم در این قسمت ، چاپ دوم را مورد اعتبار قرار دهند •

سال ۱۳٤۷ش
یا
سال بحرانی و داغ

گرچه آغاز این سال بهار خوشی داشت و گمان میرفت پربار و پر ثمر باشد ، اما دیری نگذشت که اوضاع رنگ دیگر یافت و باز همان آفت پارینه پادرمیان نهاد که جریانات را در زیر مطالعه خواهید کرد ۰

بدانگونه که عرض شد باآمد و رفت زعمای کشور ها به افغانستان و آرامش نسبی در اوضاع و احوال ، آغاز سال ۱۳٤۷ش زیبا می نمود و مردم احساس خوشی میکردند ۰ چنانچه در اوایل برج می ۱۹٦۸ و اواخر ثور ۱۳٤۷ پومپید و رئیس جمهور فرانسه و رئیس جمهور ترکیه بکابل آمدند و دولت فرانسه یک سلسله کمک هائی را در پروژهٔ نساجی مزار شریف به افغانستان وعده نمود ۰ وحکومت امریکا نیز مبلغ شانزده میلیون دالر را غرض ساختن بند برق کجکی و دستگاه ساختمانی هیرمند در اختیار مقامات افغانی قرارداد ۰

جار و جنجال همیشگی با پاکستان سرد و خاموش بود و اغلب کشور ها فکرمی کردند که میتوانند باهمکاری های اقتصادی و فنی خویش افغانستان را از فرو افتادن بکام روس نجات بخشند ۰ واقعاً اینگونه پندار ها بر صواب بود و هرگاه دولت مردان و دست اندر کاران قدرت و سرنوشت کشور ، جر ئت و تصمیم و علاقه ای برای رهائی ازدام روس می داشتند به آسانی میتوانستند دران مرحله آنرا عملی کنند ۰ ولی چنانکه بارها گفتیم کسی حتی به سیه روزی و بدبختی خودهم نمی اندیشید تاچه رسد به ملت مظلوم و محکوم افغانستان ۰

بتاریخ ۱۲ جوزای ۱۳٤۷ مطابق ۳ جون ۱۹٦۸ شاه و ملکه بنا بدعوت پادگورنی رئیسهٔ هیئت شورای عالی روسیه ، عازم آن کشور شد و مذاکرات مهم و مفصلی باپادگورنی وسایر رهبران کرملن انجام داد ۰ در اعلامیهٔ مشترکی که بتاریخ ۲۲ جوزا= ۱۳جون انتشاریافت از مبارزات افغانستان درراه صلح و استقلال ملی و طرد استعمار ستایش بعمل آمد ۰ سیاست بیطرفی افغانستان تائید گردید و عدم مداخله در امور یکدیگر بازهم نُقل و نقل اعلامیه بود ۰ همچنان در این اعلامیه راجع به اوضاع منطقه، انکشاف روابط جانبین موضوع شرق میانه ، مسئلهٔ ویتنام و جنوب آسیا سخنانی به نشر رسید که چندان تازگی و لطفی نداشت ۰ و در اخیر این اعلامیه هم دو طرف خاطر نشان کردند که اجرای موافقت نامهٔ دولتین منعقدهٔ ۱٦ دلو ۱۳٤٦=٦ فبروری ۱۹٦۸ در مسکو راجع به همکاری اتحاد شوروی و افغانستان در دورهٔ اجرای سومین پلان پنجسالهٔ انکشاف اقتصادی افغانستان ،

موجب تقویت مزید دوستی و همکاری باثمر هر دو کشور خواهد بود ۰(۱)
در جون ۱۹٦۸= سرطان ، مبلغ ٤١ میلیون افغانی توسط یونیسف به افغانستان اختصاص داده شد تا از آن در امور معارف و مجادله با ملاریا استفاده شود و همچنان اعلان گردید که مقدار نودهزار تن گندم و شش هزار تن روغن نباتی در مدت ۳ سال از امریکا به افغانستان وارد می شود ، که این کمک قرضهٔ طویل المدت بوده و بهای آن باید درمدت چهل سال پرداخت گردد ۰

اما این آرامش نسبی بیش از چند ماه طول نکشید و آشوب طلبان مخصوصاً مزدوران روس دست به تحریکات زدند و در مدت کمتر از سه ماه یعنی از اپریل تا جون همین سال ۲۱ اعتصاب را در بخش پروژه های ساختمانی ، کارخانه ها و معادن و حمل و نقل براه انداختند ، و دانشجویان معارف را در همین مدت بیش از ده بار به خیابان ها کشیدند ۰

در شورا نیز آتش نفاق و تعصب افروختند و در حالی که آثار خشکسالی مردم را رنج می داد و صدها مشکلات اقتصادی و اجتماعی وفقر و بیکاری ، هستی ملت افغانستان را تهدید می کرد ، هیچکس نه درپارلمان و نه در دربار و سنا و کابینه حرفی در این زمینه برلب نمی آورد و یگانه موضوعی که بحیث یک مشکل حاد و اضطراری در شورا مطرح می شد واز صبح تا شام وکلای ملت باید دربارهٔ آن می اندیشیدند و تدابیر عاجل وفوری اتخاذ میکردند ، مسئله زبان بود ۰ و حریفان سیاسی اعتمادی ازان بهره برداری میکردند ۰ در واقع تصویر اوضاع کلی کشور شبیه مرده خانه ای بود که هرکس بدرد خود در آن نوحه سر می داد و ماتم ملی و مصالح عمومی از یاد رفته بود ۰

خلاصه اوضاع نسبتاً آرامی که در آغاز کار اعتمادی احساس می شد دوام دار نبود و پس از اندک مدتی بحرانی و متشنج گردید و حتی درمیان گروههای متضاد این انگیزه بوجود آمد تاهمه در برابر اعتمادی و دگرگونی حکومت او باهم متحد شوند ۰ گرچه اینکار بنابر خود خواهی ها وریاست جوئی ها و اصولاً منافقت کمونست ها جنبهٔ عملی نیافت ، ولی این حالت را بوجود آورد تا همه در برابر دولت تظاهرات مشابهی انجام دهند که پارک زرنگار همه روزه شاهد این صحنه ها بود ۰
در اثر این اوضاع و فشارهائی که تا آنوقت برای آقای اعتمادی ناآشنابود ، موصوف دفعتاً به بیماری شدید روانی مبتلا شد و بلادرنگ در برج اسد= جولای عازم پاریس گردید وپس از تداوی و استراحت بتاریخ ۲۳ سپتامبر باردیگر بکابل برگشت ۰
گرچه اعتمادی پس از بازگشت بوطن بار بار در محافل واز طریق رادیو ، از مطبوعات

---
۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۱۷۱) صفحهٔ ۲۵۰ـ۲۵۳ ۰

آزاد و سالم نام برد و مردم را از زیاده روی برحذر میداشت ، اما حریفان او سلامتی مطبوعات و اجتماع و سیاست اعتمادی را به سخره گرفتند و کماکان بکار خویش ادامه دادند و تظاهرات و انجمن آرائی ها همچنان ادامه داشت ۰
در اوایل میزان ۱۳۴۷ قانون پوهنتون و معارف به شوری تقدیم گردید و همه روزه دربارهٔ آن مباحثاتی صورت میگرفت ۰ ولی در اثر مداخلت از خارج شورا کار تصویب آن ماهها طول کشید(۱) قبل از این بتاریخ ۲۱ سنبله همین سال صدراعظم المان وارد کابل شد و مساعدت کشورش رادر ساحات علمی و اقتصادی به افغانستان وعده نمود ۰ اما اوضاع وجریانات داخلی و خارجی چهرهٔ مطلوب نداشت وگرفتاری ها وجدال های بیشماری اتفاق افتاده بود ۰

در داخل نه تنها هنگامه ها و تظاهرات پیهم شاگردان معارف و پوهنتون حوصله افزا شده بود بلکه ایجاد نفاق بین اقوام جاجی و منگل دردسر فوق العاده ای داشت و حکومت از ادامهٔ آن سخت می هراسید ۰ گرچه در ابتدا خود محرک آن بود و آنرا دامن میزد ۰

از سوی دیگر خرابی سواحل دریای آمو و تغییر مسیر جریان آب که در اثر پخته کاری سواحل روس ها بوجود آمده بود مهمترین حادثهٔ روز تلقی می شد که بایستی حکومت اعتمادی در برابر آن حالت جدی و اساسی بخود میگرفت ۰ اما اعتمادی فقط در تحت تاثیر افکار عامه یکبار بدانجا سفر کرد وبادیداری از ویرانی هائی که بوسیلهٔ روس ها وارد آمده بود ، اکتفأ ورزید ۰

در جریان این همه پدیده ها واتفاقات ، شورای ملی افغانستان گاهگاهی اعتمادی را نزد خود فرامیخواند وبه اصطلاح ازوی استیضاح می نمود واوهم دربارهٔ مسایل ملی، بین المللی و روابط با همسایه ها توضیحات می داد ۰

در ماه میزان مذاکرات بین افغانستان وایران به گرمی ادامه داشت ۰ گرچه عمداً مسایل مورد بحث کتمان میگردید ولی همه مردم میدانستند که اهم موضوع مورد بحث طرفین مسئلهٔ آب هیرمند است ۰ در نتیجهٔ این مذاکرات بتاریخ ٦ عقرب = ۲۸ اکتوبر ۱۹٦۸ عباس هویدا نخست وزیر ایران وارد کابل شد ومذاکرات مفصلی باشاه و صدراعظم انجام داد ۰ لیکن در اعلامیهٔ مشترکی که انتشار یافت جز مسایل کلی جهانی و حرفهای تشریفاتی نکتهٔ بارزی انعکاس نیافت ۰

تاآنجا که محسوس بود اعتمادی سعی میکرد جنجال آب هیرمند را هرچه زود تر حل کند و در یک فضای تفاهم و دوستی از همکاری ها و کمک های اقتصادی و مالی ایران استفاده

---

۱ ـ قوانین معارف و پوهنتون در دورهٔ میوندوال ترتیب وتسوید شده بود ولی بعد از استعفای او هنگام تعطیل شورا توسط فرمان تقنینی نافذ شد اما در ۲٦ نوامبر ۱۹٦۸ شورای ملی در اثر تظاهرات دامنه دار محصلان و شاگردان ، آنرا منسوخ اعلام کرد ۰

نماید ۰ ولی ترس از غوغای رقبای سیاسی و تحریکات در مجلس شورای ملی و پوهنتون جرئت عمل را از وی سلب کرده بود۰

متاءسفانه دران ایام بنابر تبلیغات ، فعالیت ها ، دشمنی ها و تخریباتی که مدت ها توسط روس ها ، محمد داود و بعضی عناصر متعصب و مغرض در رابطه با ایران و پاکستان بعمل آمـده بود ، تماس و نزدیکـی و داشتـن روابط با این دو کشـور جرم تلقـی می شد و هیچکس یارای آن نداشـت تاحـرفی در زمـینـه برزبـان آرد ۰ چه بسـا افـرادی که زیر نام دوستی ایران یا پاکستان ، مورد اذیت و آزار قرارگرفتند و تمام امتیازات حقوقی خودرا از دست دادند و به گلیم سیه روزی نشستند ۰

بتاریخ ۵ نوامبر ۱۹۶۸ مطابق ۱٤ عقرب ، اعتمادی بنابدعوت کاسگین راهی مسکو شد تا از این شهر دیدن کند و بامقامات کرملن مذاکره نماید ۰ او در این دیدار باروس ها ، گل سرخوان سیاست افغانستان (مسئلهٔ پشتونستان) را درمیان نهاد وبرای این مردم خواهان حق خودارادیت گردید ۰ گرچه در اعلامیهٔ مشترک نامی ازان برده نشد ، معهذا پیدا بود که جز این موضوع ، حرفی برای گفتن نداشت ۰ زیرا همه چیز ها و کارها و قراردادها وموضوعات قبلاً در کرملن طرح وبرزعمای افغانستان تحمیل میگردید ۰ واصلاً کسی اجازه و جرئت نداشت تا در برابر تصمیمات مسکو چین برجبین نهد و آنرا رد کند ۰

اعتمادی هم به یقین از دل چنین موضوعی را عنوان نمی کرد و می دانست که گل خشک به دیوار زدن جز حماقت و جنون مفهومی ندارد ۰ لیکن اینراهم بخوبی درک میکرد که خاموشی در برابر این قضیه وآنهم در مسکو و در دعوت رسمی ، کفر تلقی می شد وحریفان در کمین نشسته از آن بهره برداری میکردند ۰

در اعلامیهٔ مشترکی که بتاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۶۸=۲۲ عقرب منتشر شد یک سلسله مسایلی مانند موضوع ویتنام ، تائید فیصله نامهٔ مورخ ۳۰ عقرب ۱۳٤٦= ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت سازمان ملل مبنی برخروج اسرائیل از سرزمین های عربی ، تائید سیاست بیطرفی افغانستان ، توسعه و ادامهٔ همکاری بین دو کشور و تائید موافقت نامهٔ ۱٦ دلو ۱۳٤٦ ، وغیره جلب توجه می کرد ۰ ودر اخیرهم از کاسگین دعوت شده بود تاسال آینده از افغانستان دیدن کند ۰(۱)

علی ای حال در دوران سفر اعتمادی بروسیه و در تمام ایام برج عقرب این سال مظاهرات به نحو بی سابقه ای در کابل جریان داشت و در نتیجهٔ آن بتاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۶۸= ۲۸ عقرب ۱۳٤۷ دکتر علی احمد خان پوپل وزیر معارف و معاون صدراعظم از انجام کارهای وزارت معارف استعفاء کرد و این یکی از پیروزی هائی بود که گروههای مخالف بدست آوردنـد ۰ کمونست ها دراین مظاهرات نقش اساسی داشتند و با برانگیختن احساسات

---

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۱۷٤) صفحهٔ ۲۵۹ـ۲٦۲ ۰

نوجوانان که اکثریت آنان نمیدانستند چه می کنند و چرا می کنند ، وزارت معارف و دفتر کارپوپل را سنگ باران کردند تاوی مجبور به استعفا گردید ۰ زیرا پوپل میخواست در معارف تسلط داشته باشد واز فعالیت معلمان کمونست در موسسات عرفانی جلو گیری کند ۰ البته عدهٔ دیگر نیز که دربرابر پوپل بنابر تعصب زبانی برداشت منفی داشتند ، در تظاهرات با سایر گروههای ویرانگر یکجا شدند و خرابی هائی ببار آمد ۰

در جریان این احوال و به اساس قرارداد همکاری های اقتصادی و تخنیکی سال ۱۹۶۶ بین چین وافغانستان ، اعمار بعضی پروژه ، از جمله پروژه های آبرسانی بااین کشور قرارداد گردید ۰ این اقدامات که گاهگاه و به ندرت صورت میگرفت ، نوعی عوام فریبی بود تا چنان وانمایند که حکومت افغانستان از آزادی اراده و عمل برخودار است و میتواند هر عملی را برحسب مصالح ملی خود انجام دهد ۰

همـزمـان با جریانـات بالا وادامهٔ تظاهرات ، در شورا نیز تحریکات آغاز گردید و از اعتمادی خواستند تا درجلسهٔ استیضاح حضور یابد و به سوالات وکلا پاسخ گوید ۰ اعتمادی بنابه این درخواست به شورا رفت و پیرامون مسایل داخلی ، مسافرت صدراعظم ایران به کابل ، و چگونگی سفر خود بروسیه توضیحات داد ۰

آتش زدن به قصر دارالامان

در دسمبر ۱۹٦۸ مطابق قوس ۱۳٤۷ قصر تاریخی دارالامان به آتش کشیده شد و میلیون ها افغانی خسارت ببار آورد ۰ آنچه مردم گمان داشتند این بود که اختلاس گران اینکار را انجام داده اند تا اوراق و اسناد از بین برود و به حسابات خویش یکسره خاتمه دهند ۰ این تبصره ها ناشی ازان بود که دران ایام دارالامان مرکز وزارت فواید عامه بود و میلیون ها افغانی در پروژه های سرک سازی و سایر پروژه های مربوط بروس ها حیف و میل می شد ۰ به نحوی که تانک های پطرول ، لاری های آهن چادر ، سیخ ، مصالح تعمیرات ، سمنت وغیره آلات و ابزار توسط افراد مسوول و موظف و دریورانی که بامتخصصان روسی کار میکردند دربازار عرضه می شد وبنازل ترین قیمت بفروش میرسید ۰ (چنانکه روس ها درجریان جنگ امروزی چنین دزدی ها واختلاس را انجام میدهند) تمام این شرایط و دزدی هارا کارشناسان روسی مساعد می ساختند و در برابر اندک تحفه و یا سهمیه ای که دریافت میکردند ، همه دارائی مردم افغانستان آشکارا به یغما میرفت ۰

چپاولگران روسی که از نقشه های استعماری کشور شان بخوبی آگاهی داشتند سعی میکردند تاطبق دستورات کرملن به این فساد اداری ودزدی ها و اختلاس ها مساعدت کنند و افغانستان را بیش از پیش در برابر قرضه های روسی نیازمند و متکی سازند ۰ ولی این جنایات ایشان بحدی بیشرمانه و روز افزون بود که سرانجام در جراید شخصی راه یافت و از ترس اینکه مبادا دوسیه های خیانت و جنایت شان روزی بدست مردم افتد وآنرا بداوری جهان بکشانند ، شب هنگام قصر دارلامان و وزارت فواید عامه را که در مجاورت سفارت روس در دارالامان کابل قرار داشت ، توسط پولیس کی۰جی۰بی و همکاران افغانی شان به آتش کشیدند و تمام اوراق و اسناد و قراردادها و موافقت نامه های ننگین خود را از بین بردند ۰ چنانچه همین اکنون بعد از حمله به افغانستان اسناد و اوراق و قرار داد ها را از وزارت پلان ، مالیه ، تجارت ، فوائد عامه ، و وزارت امور خارجه بروسیه انتقال داده اند. وحتی اخبار وجراید مهم را از کتاب خانه ها وموسسات خصوصی ودولتی جمع کرده همه را ربوده و یا حریق کرده اند ۰

اما درد آورتر آنکه آتش سوزی قصر دارالامان باهمه اهمیت و بزرگی اش چنانکه لازم بود ، انعکاس نیافت ، زیرا دستگاه حاکم و کمونست ها می دانستند که دست ناپاک چه کسانی دران دخیل است ۰ ولی بجای آن و همزمان باحادثهٔ مذکور بازهم در جراید و روز نامه ها و مصاحبه ها قضیهٔ پشتونستان را عنوان کردند و تاجران نقاب پوش سیاست بازار

خویش را به آن رنگ و رونق دادند ۰ متاءسفانه آنچه دران ایام نایاب بود ، درک و آگهی واقعی مردم و جرئت اظهار حقایق بود ۰ مردم بر هر چیز خورده می گرفتند و انتقادمی کردند ، اما هستهٔ فساد و تباهی را نمیدانستند و در تحت تاثیر تبلیغات مداوم و خوف از تکفیر محتسبان سیاست و حکومت ، این وضع را ملی گرائی تلقی میکردند ۰

روس ها از این هوا و فضای سیاسی سود فراوان می بردند و باهشیاری و زیرکی وسرعت پلان های خویش رابمرحلهٔ عمل می گذاشتند و هر روز به بهانه ای ولو کاملاً تصنعی وخنده آور می بود کوشش می نمودند تا رشته های خویش را در افغانستان بگسترند ۰ مثلاً قرارداد صدور سمنت از افغانستان بروسیه که خبرآن در دسمبر ۱۹۶۸= قوس ۱۳۴۷ منتشر شد ، هر انسانی را که از حداقل آگاهی برخوردار بود ، به تعجب واداشت ۰ زیرا روس ها بحد کافی سمنت دارند و به کشورهای دیگر نیز میتوانند صادر کنند ۰ فقط این اقدام و نظایر آن همه دام وحیله و حقه و نیرنگ بود و بس ۰ وبدین ترتیب میخواستند از یکطرف با صدور سمنت افغانستان بروسیه ، عرضهٔ آنرا در بازار داخلی محدود سازند و به نارضائی مردم بیفزایند و از سوی دیگر چنان وا نمایند که با خرید سمنت افغانستان میخواهند به اقتصاد ما کمک کنند ۰

درست یکماه بعد از آتش زدن به قصر دارالامان یعنی در جنوری ۱۹۶۹ مطابق جدی ۱۳۴۷ ، اعتمادی پیام بلند بالائی بمردم و حکومت روس فرستاد و درآن عدم مداخله درامور یکدیگر و دوستی بی شائبه و همسایگی نیک دو کشور را ستود و آنرا به سود صلح جهانی خواند و ادامهٔ همکاری این کشور را تقاضا نمود ۰ و بدنبال این پیام اسناد موافقت نامهٔ همکاری اقتصادی و تخنیکی بین سرابی وزیر مشاور والکساندروف کانستانستین سفیر روس در کابل تبادله گردید ۰

گرچه انگیزهٔ این پیام غیر مترقبهٔ اعتمادی بخوبی روشن نبود ، اما چنان احساس می شد که وی میخواهد با این حرکت سیاسی ، افواهات و زمزمه هائی را که مبنی به دست داشتن روس ها در حریق دارالامان ، بین مردم شایع بود خنثی نماید ۰ و بروس ها اطمینان دهد که اعتماد و دوستی فرمانروایان کابل در برابر اربابان کرملن کما کان برجاست وحدس و گمان و تبصرهٔ مردم اعتباری ندارد ۰ از سوی دیگر فشاری که روس ها از طریق تظاهرات و اعتصابات مزدوران شان در طول سال براعتمادی وارد کردند ، او را بیش از پیش به نزدیکی با روس ها مجبور ساخت و ناگزیر تن به سازش داد ۰

سال ۱۳٤۸ هـ ش ، سال هیاهو و پر ماجرا انتخابات شورا ، اِعتصابات پوهنتون وسایر جریانات

چنانکه گفته آمد سال ۱۳٤۷ ش درمیان امواجی از ناآرامی ها و خشونت ها بسرآمد وجنگهـای تبلیغـاتی شدیدی بین میوندوال و اعتمادی در جریان بود و گروههای مختلف هریک روی هدف خود و درمجموع علیه دولت فعالیت میکردند واین اوضاع بافرارسیدن سال جدید هنوز هم ادامه داشت ٠

آقای اعتمادی در بیانیه ای که بمناسبت آغاز سال جدید از رادیو کابل ایراد کرد ، ضمن تشریح اهداف و پروگرام های دولت در سال جدید و اظهار امیدواری به خود کفا شدن ، به حریفـان سیاسی خویش حمله کرد واز جمله میونـدوال را به کنایه و آشکار مورد حمله قرارداد ٠ واین امـر خشـونت بیشـتر میونـدوال و طرفـدارانش را برانگیخت و به تضاد و مبارزات خویش علیه حکومت افزودند ٠

روابط پاکستان و افغانستان بازهم به اثر تحریکات روس ها به تیرگی گرائید و در داخل کشور پاکستان نیز تحریکات و تخریبات شدیدی توسط عمال روس علیه جنرال ایوب خان براه افتاد ، که در اثر آن بتاریخ ۲۵ مارچ ۱۹٦۹ مطابق ۵ حمل ۱۳٤۸ مارشال مذکور از وظیفه اش استعفا کرد و یحیی خان جانشینش گردید ٠

در اوایل اپریل ۱۹٦۹= اواسط حمل ، شاه به مسکو رفت وازآنجا عازم جاپان گردید ٠ ولی هیچ معلوم نشد که قصد او از این سفرچه بود وچه ارمغانی باخود آورد !!

انتخابات شورا

در اول ماه ثور فرمانی از دارالتحریر شاهی صادر گردید و انتخابات شورای ملی را اعلام نمود ٠ به اساس این اعلامیه فعالیت های چشمگیری در گوشه و کنار کشور براه افتاد و تعداد زیادی از مردم خود را جهت احراز کرسی های شورا نامزد کردند ، میوندوال نیز جزء کسانی بود که برای راه یابی به مجلس شورا خودرا از «مُقر» کاندید کرد وبه فعالیت های انتخاباتی اقدام نمود ٠ حکومت که فکر میکرد باآمدن میوندوال در شورا درد سرهای تازه ای برایش خلق خواهد شد ، درزمینه مداخله کرد و بران شد تا راه رابرایش سد سازد ٠

نگـارنده که بااستفاده از رخصتی های ایام تحصیل بکابل آمده بودم ، از این جریان

آگاهی داشتم که حاکم اعلای آن منطقه بمقامات عالی فرا خوانده شد و در حالی که تازه بعنوان مرخصی بخانه اش در کابل آمده بود ، شب هنگام او را بصوب مُقر فرستادند تا از ورود میوندوال بشورا مانع شود ۰ سرانجام چنانکه هدایت داده شده بود یکی از دوکانداران مقررابجای میوندوال وکیل ساختند و بشورا آوردند که این وضع حتی بر رقبای سیاسی میوندوال (بجز اعتمادی) ناراحت کننده و تاءثر آور بود ، وهمین امر احساس و عواطف اغلب مردم را در همکاری و همدردی بامیوندوال برانگیخت ۰

بهمین ترتیب در اثـر مداخـلات غیر قانونی حکومت در بسیاری از حوزه های دیگر انتخـابـاتی نیز حق تلفی هائی صورت گرفت و بعضـاً افـراد و عنـاصـر نابـابی به شورا راه یافتند و باعث شد تاناآرامی ها و تشنج افزایش یابد ۰

میوندوال هر قدر کوشید و بهر منبع قانونی که مراجعه کرد کسی بحرف و شکایاتش گوش نداد و مسلماً همه در جریان بودند و می دانستند که موضوع از چه قرار است ۰ آقای کشککی در «دههٔ قانون اساسی صفحهٔ ۵۱» می نویسد که:

((این نگارنده در دفتر کار ولید حقوقی یکی از قضات پر نفوذ و متصدی اداری «ستره محکمه» بود که نامه ای از میوندوال به او آورده شد ، میوندوال دران نامه دربارهٔ غیر قانونی بودن نتایج انتخابات در حوزه ای که او خود را از انجا کاندید کرده بود شکایت نموده بود ، حقوقی که با خاندان سلطنت ارتباطات قومی داشت و یکی از شخصیت های مورد اعتماد آن خاندان بود ، نامه را پاره پاره کرد و به باطله دانی انداخت و اینکار را در حضور من ظاهراً برای آن کردتا نشان دهد که تاچه حد نظام برسراقتدار از میوند وال متنفر شده است ۰))

اصولاً میوندوال مثل هر افغان دیگر حق داشت تا شکایات خودرا بمراجع قانونی تقدیم کند واین مراجع نیز قانوناً مکلف بودند تا دربارهٔ شکایت او مانند سایر عرایض و شکایات برخورد منطقی وقانونی نمایند ۰ اما عکس العمل ولید حقوقی نسبت به شکایت میوندوال گویای آنست که در بعضی ادارات افغـانستان حتی اخلاق اداری و عمل قانونی وجود نداشته است ۰ و دیموکراسی و آزادی و قانون ، وسیله ومضحکه ای بوده است در خدمت اربابان جاه و قدرت و تاءمین منافع و بقای آنها!!

این حرکت بخوبی نشان میدهد که چقدر عرایض مردم به باطله دانی ها انداخته شده!! چه تعداد ، داد خواهان از پشت دروازه ها رانده شده اند! چه اندازه فریادها ناشنیده مانده! ودر حق این ملت مظلوم چه کم لطفی ها و مظالم نبوده است که انجام نشده است!! همین وضع بود و همینگونه افراد که کار ما تا این حد زار شد و بساط حاکم و محکوم درهم پیچید ۰

تظاهرات در پوهنتون و معارف

در اوایل ماه می ۱۹۶۹= ثور ، تظاهرات ونا آرامی ها در پوهنتون (دانشگاه) کابل از سرگرفته شد و جریان درس را بکلی مختل ساخت ۰ دو هفته بعد قوای پولیس آنجارا محاصره کرد و سعی نمود نظم و آرامش را اعاده کند ۰ اما این اقدام اوضاع را بدتر ساخت و منجر به تصادم گردید که در اثر آن چندین پولیس و محصل زخمی شد و خساراتی ببار آمد ۰

بتاریخ ۱۹ می ۱۹۶۹= ۲۹ ثور حکومت ابلاغیه ای را صادر کرد و بصراحت اظهار داشت که در اثر تظاهرات و آشوب محصلان خسارات زیادی به ملکیت عامه وارد شده است و محصلان حتی از انتقال پولیسان زخمی به بیمارستان جلوگیری کرده اند ۰

در این ابلاغیه عمل محصلان ، خلاف قانون و تحریک وتوطهٔ افراد غیر مسوؤل خوانده شد و تمام مظاهرات به استناد ماده های ۱٤ و ۳۲ قانون اساسی ممنوع گردید ۰ لیکن ازانجا که واقعاً افراد و گروههای مختلفی در برهم زدن اوضاع و ایجاد بدامنی در پوهنتون دست داشتند ، ابلاغیه حکومت و حملهٔ پولیس تاثیری نه بخشید و محصلان و استادان همچنان به تحریم درس ادامه دادند ۰

این ناآرامی ها تنها در محدودهٔ پوهنتون باقی نماند ، بلکه در معارف ولیسه های مرکز و اطراف نیز سرایت نمود و حکومت را در وضع عجیبی قرارداد ۰ هر قدر کوشش بعمل آمد تا اوضاع بحال عادی بر گردد ، نشد و شاگردان و محصلان در برابر درخواست و مساعی حکومت تقاضا کردند که:

فعالیت های سیاسی آنان در حومهٔ پوهنتون آزاد باشد ، به حریم پوهنتون مداخله صورت نگیرد ، محصلانی که در تظاهرات زندانی شده اند رها گردند ، افراد مسوول در حمله به پوهنتون مجازات شوند ، عکس العمل پولیس نکوهش شود وبه آنانی که مال شان بسرقت رسیده و یاخساره دیده اند ، غرامت پرداخت گردد ۰

مسلماً پذیرش چنین تقاضاهائی تائید عمل قبلی و تضمین حرکات محصلان در آینده بود و حکومت به هیچوجه نمیتوانست در برابر آن پاسخ مثبت دهد ولذا ، اوضاع همچنان بحرانی و متشنج باقی ماند ۰

بتاریخ ٦ سرطان ۱۳٤۸= ۲۷ جون ۱۹۶۹ ، اعتمادی صدراعظم باشورای عالی پوهنتون جلسه کرد و شب آن در یک بیانیهٔ مفصل رادیوئی ضمن تشریح اوضاع و شکایت و گله از شاگردان و استادان و حتی جراید شخصی ، اعلام داشت که دیگر حکومت نمیتواند به فعالیت ها وتحریکات غیر قانونی اجازه دهد ونسبت به اخلال تعلیم و تربیه بی تفاوت بماند ۰ کسانی که قانون و اعلامیهٔ دولت را نادیده انگارند و بازهم به تحریک و اخلال گری ادامه دهند ، شدیداً مجازات خواهند شد ۰

سه روز بعد از این اعلامیه ، جریدهٔ پرچم در مضمونی همهٔ این ناآرامی ها وبینظمی ها

و اخلال گری هارا در پوهنتون و معارف زادهٔ فعالیت شبکه های امپریالیزم و محرکین داخلی و بین المللی وانمود ساخت واز طرفداران خود خواست از هر نوع عمل خلاف قانون اساسی خودداری فرمایند ۰ (۱)

پرچمی ها بااین نوع تبلیغ و تلقین سعی میکردند ، مسوولیت تخریب قانون اساسی و نهضت دیموکراسی را در افغانستان به عهدهٔ دیگران اندازند وبه اصطلاح تیرخود را رهاکنند و کمان خویش را پنهان نمایند ۰ در حالی که سراین رشته بدست شبکه های روسی بود وهمه مردم می دانستند و بچشم خود تماشا می کردند که عامل اصلی این فتنه و آشوب در پوهنتون و معارف ، خود ایشان بودند ولاغیر!

بهرصورت ، در اثر اعلامیه ای که ازان نام بردیم پوهنتون باز شد و شاگردان کم کم به صنوف خویش رفتند ۰ لیکن درس ها بازهم بصورت منظم پیش نمی رفت و شبکه هائی در داخل وخارج از دانشگاه می کوشیدند فضارا کماکان برافروخته و متشنج نگاه دارند ۰ انگیزه و بهانه ای که این افراد و گروهها به آن استناد می کردند ، مداخلهٔ پولیس به حریم دانشگاه وحمله به استادان و دانشجویان بود ۰ زیرا تا آنروز ها واقعهٔ سوم عقرب کهنه و بی تاثیر شده بود وباید به حربهٔ جدیدی متوسل می شدند ۰

در اثر ادامهٔ تحریم درس وناآرامی ها سرانجام حکومت تصمیم گرفت تارسماً پوهنتون را به بندد و بنابراین از شاگردانی که در پوهنتون اعاشه واباته می شدند خواست تالیلیه های خودرا ترک گویند و بخانه های خود برگردند ۰ تقریباً یکماه بعد لیسه های مرکز نیز مسدود و تعطیل گردید واین بلاتکلیفی تانیمهٔ عقرب ۱۳٤۸ و اوایل نومبر ۱۹٦۹ ، ادامه یافت ۰ در اخیر سال هم ، محصلین از آنچه نخوانده بودند ، به اصطلاح امتحان دادند و بیک صنف بالاتر ارتقا کردند ۰

ادامهٔ روابط خارجی وبقیه جریانات

بارویکار آمدن حکومت جدید در پاکستان مناسبات دو کشور تقریباً عاری از خشونت بود واین وضع نیز تا حدودی به چگونگی روابط فرمانروای جدید پاکستان باروس ها ارتباط داشت ۰ زیرا بارها تجربه شده بود که هرگاه حکومت پاکستان طبق میل و منافع روس ها رفتار می کرد ، اصلاً مسئله و مشکلی مطرح نمی شد و برعکس اگر فرمانروائی در برابر منافع و مصالح کشورش نسبت به خواست روس ها بی میلی نشان میداد ، در آنصورت تحریکات و تخریبات آغاز می یافت ورادیو و جراید سرکاری کابل هم به آن همنوائی میکردند ۰

هنگامی که یحیی خان قدرت را در پاکستان بدست گرفت در فکر آن شد تا با برقراری مجدد روابط باامریکا و بهبود بخشیدن مناسبات با افغانستان فرصت از دست رفته واشتباه

۱ ـ جریدهٔ پرچم ، ۳۰ جون ۱۹٦۹ = ۹ سرطان ۱۳٤۸ ۰

گذشته را جبران کند و بهمین سبب در اواخر ماه می ۱۹۶۹= جوزای ۱۳۴۸ ، از امریکا خواست تا از تحریم سلاح خود علیه پاکستان دست بر دارد و همچنان از افغانستان تقاضا کرد تا بااین کشور روابط برادری و نزدیکی و همکاری داشته باشد ۰

در ۲۵ ماه می = ٤ جوزا وزیر خارجهٔ امریکا (راجرز) وارد کابل شد وراجع به امکان کمک های امریکا و سهم گیری این کشور در پروژه های انکشافی افغانستان باشاه و اعتمادی مذاکره نمود ۰ ولی هیچکس ندانست که سیاست مردان افغانستان در برابر این آمادگی امریکا چه تصمیم گرفتند و چه کردند ۰

یکروز بعد از وزیر خارجهٔ امریکا ، کاسگین صدراعظم روسیه به افغانستان آمد و با شاه و صدراعظم مذاکرات و ملاقات هائی انجام داد ۰ وی در دعوتی که شام ۲۶ می = ۵ جوزا ، از طرف اعتمادی ترتیب یافته بود سخنانی ایراد کرد و گفت:

«ماهمیشه بخاطر خواهیم داشت که پایه های دوستی وروابط حسن همجواری بین هر دو کشور ما از طرف لینن موسس دولت شوروی و دوست بزرگ ملل مشرق زمین واز جانب رجال برجستهٔ افغانستان در دورهٔ مبارزه در راه استقلال گذاشته شده است ۰ امروز ملل ما اساس ودلایل کاملی دارند که این سالگره (۱) را با جلال و شکوه تمام جشن گیرند ۰

تجارب نیم قرن همکاری اتحاد شوروی و افغانستان سخنان لینن را دربارهٔ اینکه بابرقراری روابط دپلوماسی دایمی بین دولت های کبیر ما امکانات وسیعی برای مساعدت وتعاون مشترک برضد هرگونه تجاوزات درندگان اجنبی نسبت ، به آزادی و دارائی دیگران فراهم خواهد شد تائید گردید ۰»

بهمین منوال موصوف از نزدیکی و دوستی افغانستان و روس بحیث نمونه وسرمشق همزیستی مسالمت آمیز وبی شائبه ، یاد کرد و اظهار داشت:

((این سرمشق در اوضاع بین المللی کنونی زمانی که قوای امپریالیزم ، استعمارنو و شو ونیزم ، عظمت طلبانه سعی دارند بهر وسیله که شده مبارزه درراه آزادی ملل و استقلال ملل مشرق زمین را مختل ساخته مانع تحکیم صلح و امنیت عمومی گردند ، حایز اهمیت مخصوصاً بزرگ می باشد ۰))

ولی روزگار قبلاً به اثبات رسانیده بود که برای ملل شرق وآزادی و استقلال آنان دشمن تر از لینن کسی نیست ، وگذشت ایام بازهم ثابت کرد که درنده تر و جانی تر از روس کشور و مردمی در صحنهٔ هستی وجود ندارد ۰ واستعمار و توسعه طلبی در قرن بیستم جز خصلت روسی ، در هیچ قومی بمشاهده نمیرسد ۰ و معلوم نیست این قوم کذاب و بی حیا و محیل ،

۱ ـ اشاره به پنجاهمین سالگرد استقلال افغانستان است که در ۲۷ می سال ۱۹۱۹ حاصل شده بود ۰

اینک چگونه این حرفهای خودرا که نیم قرن آنرا درگوش زعمای افغانستان زمزمه کردند ، به هیچ می انگارند واز تضاد قول و عمل خود خجالت نمی کشند؟؟

در واقع دوستی روس با افغانستان سرمشقی از خیانت و غداریست که باید کشور های جهان از آن عبرت گیرند واز نزدیکی و همکاری بااین آدم کشان عصری و درندگان متمدن دوری جویند!!

بلی! تاوقتی که خوشباور و خوشباوری درجهان وجود دارد ، روس ها به فریفتن بشریت و جنایات خود در روی کرهٔ زمین ادامه میدهند واین چیزیست که درخون شان عجین شده است و جز بامرگ و نیستی آنان از بین نخواهد رفت!!

کاسگین بتاریخ ۲۸ می = ۷ جوزا در مراسم افتتاح فارم غازی آباد ننگرهار و بتاریخ ۲۹ می = ۸ جوزا در مراسم افتتاح رسمی پولی تخنیک کابل اشتراک ورزیده و همه جا حرفها و بیانیه های مشابهی ایراد نمود ۰

در اعلامیهٔ مشترکی که بتاریخ ۳۰ می ۱۹۶۹ = ۹ جوزای ۱۳۴۸ منتشر شد دو طرف به معاهدهٔ تاریخی ۲۸ فبروری ۱۹۲۱م و معاهدهٔ مورخ ۲۲ سرطان ۱۳۱۰=۲٤ جون ۱۹۳۱، اشاره کردند وآنرا اساس و پایهٔ دوستی دو کشور توصیف نمودند ، (در حالی که معاهدهٔ سال ۱۹۲۱م را روس ها خود قبلاً نقض کرده بودند و در مباحث گذشته ازان یاد کردیم ۰)

همچنان دو طرف به ادامهٔ همکاری ها اصرار ورزیدند وفیصله بعمل آمد تا کمیسیون مشترکی در زمینه تاسیس یابد ۰

دربارهٔ مسایل بین المللی جز موضوع ویتنام وشرق میانه مطلب تازه ای وجود نداشت و درپایان اعلامیه از شاه و صدراعظم دعوت گردید تا از روسیه باز دید نمایند ۰(۱)

روزنامه ها و جراید کابل آمدن کاسگین را به گرمی استقبال کردند و بانشر مقاله ها و سرمقاله ها مناسبات روس و افغانستان را ستودند ۰ آری! دران ایام یک بوتل «ودکا» کافی بود تا بعضی قلم برکفان حرفه ای وسرکاری احساس و وجدان و منافع ملی خودرا تهٔ پابگذارند و وطن و مرم و مصالح کشور را به هیچ انگارند ۰ من که کارمند وزارت اطلاعات بودم واز مدت ها قبل مطبوعات و مردمش را می شناختم ، کسانی را می دیدم که در یک حبیب عکس نکسن را داشتند و در جیب دیگر تصویر بریژنیف را ۰ دربالای میزشان نقشه و بیرق امریکا بود وبرروی دیوار اطاق دفتر های شان پرچم روسی ۰ وهمینگونه افراد سالها مطبوعات رادر انحصار خود داشتند و هیچ وزیر و صدراعظمی هم نمیتوانست آنان را برکنار کند ۰

---

۱ ـ دربارهٔ سفر کاسگین و مسایلی که گفته آمد رجوع شود به: مناسبات افغانستان و شوروی ، اسناد شمارهٔ ، ۱۷۷ تا ۱۸٤ ، از صفحهٔ ۲٦٤ تا صفحهٔ ۲۸۰ ۰

واقعاً مطبوعات کشور چهرهٔ مسخ شده و شرم آوری داشت و گردانندگان مطبوعات هر سخت کوش و سخت گیری را هم از صدراعظمان و وزراء بامهارت عجیبی مهار میکردند و دست هایی هم از پشت پرده هریک را حمایت می نمود ، وبی خصلت ترین افراد ناشر افکار و اندیشهٔ مردم بود ۰ از یکسو سوانح افراد خانوادهٔ شاهی را می نوشتند واز سوی دیگر از سفارت روس جایزه هنری لینن را دریافت می داشتند !!

البته مطبوعاتی های بامسلک ، وطن دوست وباشخصیت و با عقیده نیز وجود داشتند که پیوسته در معرض اذیت و آزار بودند و حتی بعضاً به محاکمه کشانیده شدند مسلماً تاریخ از هر گروه بگونه ای که بود یادمی کند و برزشتی ها و زیبائی ها داوری مینماید ۰

سه روز بعد از مسافرت کاسگین ، بتاریخ اول جون ۱۹۶۹= ۱۱ جوزای ۱۳٤۸ پروتوکولی توسط دکتر عبدالخالق رئیس موسسهٔ هوا شناسی و سفیر روس در کابل به امضاء رسید و به اساس آن اقامت ۸ نفر کارشناسان روس ویکنفر ترجمان آنها که طبق پروتوکول مورخ ۲۳ جنوری ۱۹۶۲ بین روس و افغانستان ، به کشور ما آمده بودند ، برای مدت ٤ سال دیگر تمدید شد ۰

اصلاً موسسهٔ هوا شناسی افغانستان بیک نفر از این کارشناسان روسی هم احتیاجی نداشت و ساحهٔ کار و فعالیت آن در محدوده ای بود که خود افغان ها میتوانستند آنرا بخوبی انجام دهند ۰ ولی روس ها برای ادامهٔ اقامت جاسوسان خود و مکیدن خون ملت مظلوم افغانستان در فرصت های لازم چنین پروتوکول هائی را بالای مقامات افغانی تحمیل میکردند و هیچکس علیه آن عکس العمل نشان نمیداد ۰

مهمتر از همه آنکه درمادهٔ ٤ پروتوکول یادشده ، شرایط و سخنانی جلب نظر می کند که درآن ماهیت همکاری روس و خیانت و جنایت این سوسیال امپریالیزم شرق در افغانستان بخوبی تمثیل شده است ، و آن این است:

((طرف افغانی برای متخصصین و ترجمانان شوروی که در پروتوکول هذا پیش بینی شده است ، دفتر کار و وسایل نقلیه برای مسافرت رسمی و ماکولات در داخل افغانستان بمصرف خود تهیه وتاءمین خواهد کرد و همچنان برای متخصصین و ترجمانان شوروی واعضای فامیل شان هم در محل وظیفه وهم در وقت مسافرت رسمی در داخل افغانستان محل رهایش مجهز بامبل و تمام وسایل بود و باش بشمول یخچال ها ، بادپکه ومعاونت طبی بشمول بستری نمودن در صورت لزوم تهیه و تاءمین خواهد کر ۰(۱))

واقعاً در تاریخ مناسبات کشور های جهان ، استعماری تااین حد مفتضح وبی شرمانه سابقه ندارد و خواننده خود میتواند حدس بزند که قرار دادها و موافقت نامه های دیگر روس از چه قرار بود و کشور ماچگونه درکام روس ها فرو رفت ، واین قوم خاین تا کجا هستی

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۱۸۵) صفحهٔ ۲۸۱ ـ۲۸۳ ۰

ودارائی افغانستان را به یغما برده اند و تاچه حد به سرنوشت مردم مابی اعتنائی شده است!!

این غداران تاریخ باوجود آنکه تمام قرضه های خودرا بنام معاش و مصارف کارشناسان روسی و سامان ولوازم کهنه و زنگ زدهٔ خود محاسبه می کردند و برای کمترین روس بیشترین معاش و مصرف اختصاص داده می شد ، بازهم مصارف اضافی دیگری بشمول مبل و یخچال وسیر و سیاحت و تداوی خود و فامیل های خودرا بالای افغانستان می قبولانیدند و هرکاری که سفیر روس میخواست انجام شود ، مسوولین امر به آن لبیک می گفتند ۰

شبکه های خارجی روس هم کمتر از ارتباطات درونی کشور نبود و مخصوصاً هند و خانم گاندی در اجرای نقشه های کرملن و عملی شدن برنامه های آن نقش مهمی ایفا میکرد، چنانکه اینک پسرش آنرا انجام میدهد ۰

روی این همکاری و اهداف مشترکی که بین دهلی و مسکو در ارتباط با افغانستان و منطقه وجود داشت ، هرگاه در افکار و اذهان زعماء و مردم افغانستان راجع بروس ها و نفوذ شان در کشور ما سوال هائی ایجاد می شد یا مسکو میخواست طرحی را درمیان گذارد و آنرا جنبهٔ عملی بخشد ، خانم گاندی بحیث متمم فعل ، خود را می آراست و دست حنائی اش در طبع و تصمیم دولت مردان افغانستان اثرات قابل ملاحظه ای وارد می کرد ۰ اوکه دران ایام ازطراوت و ملاحت بیشتری برخوردار بود و حرفهای سیاست از لب های مذاب آلودش رنگ و کیفیت خاصی داشت ، به سهولت میتوانست همه را افسون کند و در تقویت پایه های روس در افغانستان کمک نماید ۰

به اساس آنچه گفته آمد ، وی چند روز بعد از سفر کاسگین بتاریخ ۴ جون = ۱٤ جوزا بکابل آمد و با شاه و اعتمادی مذاکرات مفصل و طولانی بعمل آورد ۰ هدف او در این سفر آن بود تا افغانستان را بار دیگر به بهانهٔ مجهز شدن پاکستان توسط سلاح امریکائی تحریک نماید و بصورت غیر مستقیم زعمای کشور مارا به روس گرائی بیشتر تشویق کند ۰ واتفاقاً این نقش خویش را همیشه و خیلی ماهرانه و موفقانه عملی می نمود ۰

خانم گاندی در تمام دورهٔ کارخود ، تقویت نظامی پاکستان را بوسیلهٔ امریکا شعار خویش قرار داده بود و این مهمترین وسیله و بهانه ای بشمارمی آمد که او میتوانست در قبال آن ، هم ملت هندرااز حقایق بدور نگه دارد وهم درد سرهائی برای پاکستان بوجود آرد ۰

همزمان باآمدن گاندی و کاسگین به افغانستان موضوع «دفاع امنیت آسیائی» که از طرف روس عنوان شده بود ، در جراید خارجی انعکاس یافت و اغلب توسط نشریه های وابسته بروس دنبال می شد ۰ روس ها در دنبال این پیشنهاد میخواستند ممالک آسیائی بخصوص هند و ایران و پاکستان و افغانستان را بزعم خودشان از خطرات خیالی ای که کرملن تصویر کرده بود ، بر حذر دارند و به این بهانه بتوانند همه را درزیر پوشش اهداف نظامی خویش در آورند ۰ و در نتیجه همان کاری را انجام دهند که امروز باصرف میلیارد ها دولار

وتـوسط «میگ» و تانـک و راکت و گازهـای زهردار و قتل عام میلیون ها مسلمان در افغانستان انجام میدهند ۰

اما حکومت افغانستان تلویحاً آنرا رد کرد و اعلان نمود که در هیچ پیمان نظامی داخل نمیشود ، و اینکار خلاف توقع هم نبود ۰ زیرا مسئلهٔ بیطرفی افغانستان وحیثیتی که ظاهراً تحت این نام بدست آمده بود ، لطمه می دید و افکار عامه نیز در برابر آن شدیداً حساسیت داشت ۰

پروتوکول شناسایی اسناد تحصیلی و درجه های علمی

بتـاریخ ۱۵ جوزای ۱۳٤۸ = ۵ جون ۱۹٦۹ پروتوکولی بین پوهاند فضل ربی پژواک رئیس پوهنتون والکزاندروف سفیر روس در کابل به امضاء رسید که متن آن این است:

((پروتوکول معادلت اسناد تحصیلی متوسط ، مسلکی ، عالی و درجه های علمی دولت پادشـاهی افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی بمنظور انکشاف و تحکیم مزید روابط دوستانه در ساحهٔ علوم و فرهنگ بین دولت پادشاهی افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی ۰ طرفین موافقت مینمایند تا اسناد تحصیلی و درجه های علمی ذیل هر دو کشور را معادل یکدیگر بشناسند ۰

اول

شهادت نامهٔ دورهٔ اول ثانوی (نه سال) دولت پادشاهی افغانستان ، باتصدیق نامهٔ دورهٔ متوسط غیر کامل (۸سال) اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی ۰

دوم

شهـادت نامهٔ دوم ثانوی (۱۲ سال) دولت پادشاهی افغانستان ، باشهادت نامهٔ ختم تحصیلات متوسط (ده سالهٔ) اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی ۰

سوم

دپلوم مکـاتب تخنیکی یا دارالمعلمین کابـل یا موسسات تعلیمی مشابه دولت پادشاهی افغانستان که دورهٔ تحصیل آن کمتر از ۳ سال نبوده و با سویهٔ تعلیمی موسسات تعلیمی فوق مطابق باشـد، بادپلوم های موسسـات تعلیمی اختصـاصی متوسط (تخنیکم ها و موسسات معادل اتحاد شوروی سوسیالستی) ۰

چهارم

دپلوم های لیسانس دولت پادشاهی افغاسنتان که بعد از ٤ سال تحصیل داده می شود ، با دپلوم هائی که توسط موسسات تعلیمات عالی اتحاد شوروی سوسیالستی و فارغ التحصیلان بعد از چهار سال تحصیل و گذراندن امتحان دولتی (بدون دفاع تیسس) داده می شود ۰

پنجم

دپلومهـائی که توسط موسسات تحصیلات عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی

برای فارغان بعد از ختم لااقل پنج سال تحصیل موفقانه و گزراندن تیسس داده می شود ، با دپلوم ماستری اتباع دولت پادشاهی افغانستان ۰ (ماستری در علوم ، ماستری در هنر و آرت) ۰

ششم

دپلوم دکتوری طب دولت پادشاهی افغانستان (در حالی که حق معالجه مستقل را داشته باشد) با دپلوم هائی که در ختم دورهٔ تحصیل موسسات عالی طبی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی داده می شود و دورهٔ تحصیل آن از پنج سال کمتر نبوده و موفقیت درآن منوط به گذراندن امتحان دولتی باشد ۰

هفتم

دپلوم کاندیدات ناوک (علوم) که از طرف اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی داده می شود با دپلوم دکتورای فلسفه (پی۰ اچ۰ دی) ، مشروط براینکه داوطلب قبلاً دپلوم ماستری یا معادل آنرابدست داشته و حداقل در دورهٔ «اسپرانتوری» سه سال تحصیل و تحقیق نموده و تیسس کاندیدات ناوک (علوم) را موفقانه دفاع کرده باشد ۰

تبصره:

۱ ـ حق شمول در موسسات مسلکی تعلیمی دولت پادشاهی افغانستان واتحاد شوروی به اساس اسنادی صورت میگیرد که مطابق موادیک و دوی این پروتوکول باشد ۰

۲ ـ حق شمول در موسسات عالی تعلیمی دولت پادشاهی افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی به اساس اسنادی صورت میگیرد که مطابق ماده دو و سه این پروتوکول باشد ۰

۳ ـ حق شمول اسپرانتوری در موسسات عالی تعلیمی دولت پادشاهی افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی به اساس اسنادی صورت میگیرد که مطابق مادهٔ پنج و شش این پروتوکول باشد ۰

این پروتوکول که دارای هفت ماده و سه تبصره میباشد بتاریخ ۱۵ جوزای ۱۳۴۸ مطابق ۵ جون ۱۹۶۹ در دو نسخه به لسان های دری و روسی در شهر کابل به امضاء رسید و هر دو متن دارای اعتبار مساوی است ۰ محل امضاها ۰))(۱)

این پروتوکول که باید آنرا ((ناشناسایی و نابرابری اسناد تحصیلی و درجه های علمی))بنامیم بحدی ظالمانه وماهرانه ترتیب یافته بود که روس ها به استناد آن نرس های خودرا بنام دکتر طب در افغانستان میفرستادند وکارگران راه آهن مسکو را بحیث متخصص و کارشناس معرفی می نمودند و هیچ مرجعی هم حق تردید و اعتراض نداشت ۰

اصلاً این تبعیض و تفریق بخاطر آن بود که درس روسی و تحصیل درروسیه از اعتبار

۱ ـ مناسبات افغانستان و شوروی ، سند شمارهٔ (۱۸۶) صفحهٔ ۲۸۳ ۰

و امتیازی برخوردار باشد وجوانان در رفتن بروسیه تشویق گردند ، چنانچه بسیار جوانان را از صنوف پائین مکاتب ولیسه ها بروسیه بردند و پس از مدتی دپلومی به گردنش آویختند و بکابلش فرستادند ۰ که این عمل رقابت وگرایش خاص دانشجویان افغانی را جهت رفتن بروسیه برانگیخت و همه ساله تعداد زیادی از جوانان ونوجوانان ما بروسیه برده می شد حتی در سال های اخیر دورهٔ شاه کار بجائی رسیده بود که روس ها خودشان از میان کاندیداها انتخاب می کردند و مسلماً این انتخاب براساس شناختی انجام می شد که لست آنان قبلاً از طرف همکاران روس و دستگاههای استخباراتی اش از پوهنتون و مکاتب تهیه میگردید ۰

برای روس ها درس و تحصیل محصلان افغانی و سویه و عدم سویه مطرح نبود ۰ آنچه ایشان میخواستند به جوانان افغانستان بیاموزند ، درس الحاد و ایدیولوژی کمونیزم بود و هرکه آنرا می پذیرفت سند و مدرک تحصیلی روی دستش گذاشته می شد ۰

البته در این میان عده ای از جوانان و تحصیل کردگان افغانی بودند که باحفظ هویت و اصالت اسلامی و افغانی خود ، تحصیلات علمی شان را در شهرهای مختلف روسیه به اکمال رسانیدند و اینک اکثر آنان در زمرهٔ مجاهدین و مهاجرین قرار دارند ، و بحیث عناصر صالح و مفید در خدمت عقیده ، وطن و مردم خودهستند ۰

موافقت نامهٔ باستان شناسی

چون در سایر امور متعلق به کشور ماعم از سیاست و اقتصاد و سرک سازی و عمرانات و معادن و نفت و گاز و هوا شناسی و نظامی و فرهنگی وغیره ، روس ها کارها وبرنامه های خودرا انجام دادند و همه چیزرا در حیطهٔ صلاحیت و اقتدار وانحصار خود در اوردند ، بحکومت افغانستان پیشنهاد کردند تا درکنار دریای آمو و پنج تحقیقات باستان شناسی بعمل آید ۰ زیرا ممکن است بااعمار فابریکه های برق درآینده ، حوزه های باستانی نواحی مذکور زیر آب شود ۰ در حالی که ساحل آمو و پنج اصلاً فاقد آثار باستانی بود و هیچ علایم و قراینی وجود نداشت که تحقیقات باستان شناسی درآنجا بعمل آید ۰

اما از آنجا که تحقیقات باستان شناسی در شمال افغانستان ، اغلب مدت ها قبل بوسیلهٔ باستان شناسان فرانسوی و بعضی کشور های دیگر شروع شده و آثار گران بهائی بدست آمده بود ، حقه بازی روس ها و پیشنهاد آنان تمهیدی محسوب می شد تا بدان وسیله کار باستان شناسی را نیز تدریجاً در انحصار خود در آورند و دست دیگران را کوتاه سازند ۰ چنانچه در فقرهٔ (۵) موافقت نامه ای که بتاریخ ۳ نومبر ۱۹۶۹=۱۲ عقرب ۱۳٤۸ با مدیریت عمومی باستان شناسی و حفظ آبدات تاریخی وزارت اطلاعات و کلتور به امضاء رسانیدند ، تذکر داده بودند که:

((هیئت تحقیقات خود را نخست در منطقهٔ کنار دریای پنج که زیر بند خواهد آمد آغاز خواهد کرد ، بعد از تکمیل آن بدیگر ساحات (بعد از موافقت مدیریت عمومی باستان شناسی و حفظ آبدات تاریخی افغانستان) خواهند پرداخت (به استثناء نقاطی که قبلاً حفریات شده یا اینکه تحت حفاری هیئت های دیگر است) ۰ این تحقیقات ماهیت امتیازی ندارد ۰))(۱)

متاءسفانه همینطور هم شد و باوجودی که مدیریت عمومی پاستان شناسی و حفظ آبدات تاریخی وزارت اطلاعات و کلتور ، شرایط و پیش بینی های لازم و مقتضی را در موافقت نامه گنجانیده بود ، روس ها در سال های بعد بخصوص در دورهٔ جمهوری محمد داود خان ، سایر حوزه های مهم باستان شناسی شمال کشور را تحت تصرف خود در اوردند و گنجینه های سرشاری راباخود بردند که مجسمه های طلایی و مسکوکات طلایی «طلاتپه» یکی از آنجمله بود ۰

گریچکو و اکنیو در کابل

در تابستان ۱۳٤۸ هـ۰ش شایعاتی توسط شبکه های جاسوسی روس و گماشتگان آن در کابل پخش گردید که پاکستان بوسیلهٔ امریکا و سلاح و مهمات نظامی آن تجهیز می شود ۰ هدف از این تبلیغات آن بود تا روس ها بهانه ای بدست آرند ونفوذ نظامی خویش را در افغانستان وسعت بخشند ۰

در گرما گرم این شایعات ، اوایل ماه جدی ، مارشال گریچکو وزیر دفاع روسیه وارد کابل شد و در حالی که کنفرانس سران اسلامی در رباط سرگرم جلسات و رسیدگی بمشکلات و گرفتاری های عالم اسلام بود ، وی با مقامات افغانی به مذاکره نشست که مسلماً موضوع مذاکرات او بر حذر داشتن رهبران افغانستان از تقویت نظامی پاکستان وسرا زیر شدن سلاح و مشاور بیشتر روس در کشور مابه این بهانه بود ۰

مارشال روسی دراین سفر از «تطبیقات» عسکری در ساحهٔ پلچرخی دیدن کرد و بنام مشاهدهٔ فارم غازی آباد ، نقاط سوق الجیشی و مهم نظامی را در مرزهای شرقی مطالعه نمود۰

روس ها ضمن تحمیل و تطبیق هدف ها وبرنامه های خود در افغانستان ، سعی میکردند با این نوع تبلیغات و حرکات سیاسی و نظامی ، پاکستان را نیز تهدید کنند واز نظر روانی بروی فشار وارد نمایند تا در خاطر خواهی مسکو هم مضایقه نکنند ۰

تقریباً پانزده روز بعد از مسافرت وزیر دفاع روسیه ، بتاریخ ٦ جنوری ۱۹۷۰ مطابق ۱٦ جدی ، سایروس اکنیو معاون رئیس جمهور امریکا در راه سفر به کشور های آسیائی و مطالعهٔ امکانات کمک به این کشور ها وارد کابل گردید تابامقامات باصلاحیت افغانستان

۱ ـ مناسبات افغانستان وشوروی ، سند شمارهٔ (۱۸۸) صفحهٔ ۲۸۵ ۰

نیز مذاکره کند • ولی در کابل خلاف تمام ارزش ها و سنن اسلامی و ملی افغانستان ، نسبت به اوبی حرمتی کردند و موترش راحین عبور از جادهٔ میدان هوائی باتخم های گندیده ملوث نمودند • در حالی که اعتمادی خود درکنار او نشسته بود و به این بی رسمی ها تماشا میکرد •

گرچه عاملین اینکار پرچمی ها و خلقی ها بودند ، اما در بین مردم شایع شد که چنین عملی بدستور و اجازه و مشورت مقامات دولتی و حتی ذریعهٔ پولیسان بدون «یونیفورم» صورت گرفته است ، تا تلویحاً چنان و انمایند که ملت افغانستان در برابر امریکا حساسیت دارد •

حقیقت امر را خدا می داند که چه کسی در اینکار مخفیانه نقش بازی کرد ، اما از نظر عقلی با اینکه کمونست ها به این عمل دست یازیدند ، موافقت حکومت نیز محسوس بود • زیرا اگر خلاف آن و خود سرانه چنین کاری را انجام میدادند ، دلیلی نبود که تنها از تخم گندیده استفاده شود و بس • مخصوصاً که در حالت هیجانی و احساسات بکار بردن سنگ و کلوخ و هر نوع وسایل دیگر یک امر عادی و طبیعی است ، واحساسات کنترول شده و حسابی جز از طریق شبکه های دولتی امکان پذیر نیست •

انگیزهٔ این عمل علاوه برآنچه گفته آمد ، فراهم ساختن خشنودی روس ها و مزدوران شان بود و چنانچه بعداً معلوم گردید و اغلب مردم در جریان قرار داشتند ، ببرک شب ها درخانهٔ بیلاقی اعتمادی (قرغه) باوی مجلس و مذاکره می کرد و بهمین دلیل و امثال آن بود که پرچمی ها در دوران صدارت اواز آزادی عمل ، بیشتر برخوردار بودند •

بهرحال اکنیو دربارهٔ ادامهٔ همکاری های اقتصادی و فرهنگی امریکا ، بااعتمادی مذاکراتی انجام داد و از سیاست بیطرفی افغانستان ستایش کرد (چه حماقت و خوشباوری؟) • به تعقیب این مسافرت و مذاکرات ، بانک انکشاف آسیائی کمک های خود را به افغانستان اعلام نمود •

اقتصاد بیمار و آشفته

در سالی که ازان گفتگو کردیم علاوه برمشکلات و نابسامانی های سیاسی و اجتماعی ، ناتوانی ها ونگرانی های اقتصادی نیز مردم و حکومت را آشفته حال کرده بود و همه کس از ادامه و فرجام آن بیمناک به نظر میرسید • اعتمادی در ارتباط با این مسئلهٔ ، شعار «جهاد ملی» را اعلان نمود و از مردم خواست در اعمار جامعه و رفع عقب مانی های کشور ، حکومت را یاری دهند • و برای این منظور یک شورای عالی اقتصادی را نیز تعیین فرمود تا مشکلات ومسایل را علماً ارزیابی نمایند و برای رفع آن بحکومت مشوره دهند •

باید گفت که اعتمادی همانند میوندوال و دکتر محمد یوسف ، قشر تحصیل کرده و جوان را بیشتر در امور مملکت بسیج کرده بود که میتوانستند خوب فکر کنند و نیکو تصمیم

بگیرند ۰ اما مداخلات بیجا و بجای شورا و ارادهٔ دربار و تخریب وتحریک روس ها ، اغلب فیصله ها و برنامه ها را خنثی میکرد و هیچکس از آزادی عمل و اراده در چوکات کابینه وپائین تر آزان برخوردار نبود ۰

حقیقت امـر آن بود که اسـاس و هستهٔ اقتصاد کشور در اثر قراردادهای یک جانبه و قرضه های کمرشکن روس و تورید کالاها و اجناس روسی که جبراً برحکومات افغانستان تحمیل می گردید ولی بعلت عدم قابلیت استفاده ، در تحویل خانه ها انباشته می شد ، بکلی از هم فرو ریختـه بود و هیچ اقتصاددانی توانائی حل آنرا نداشت ۰ ولذا تلاش در بهبود اوضاع اقتصادی افغانستان شبیه بیماری بود که تشخیص ناشده میخواستند آنرا درمان کنند و مسلماً هر روز بدتر می شد ۰

اختلاس ورشوه و قاچاق در بدترین معیاری قرار داشت و استفاده جویی از نفوذ پارلمانی و دولت به این وضع نیرو می بخشید ۰ هرکه هر چه دلش میخواست انجام میداد و تا آنجا که درد سری برای حکومت بارنمی آورد کسی مانع کار کسی نمی شد ۰ این همه لگام گسیختگی ها در تحت نام و شعار دیموکراسی انجام می یافت وثروت اندوزی مفت کسانی بود که خدا ، وطن و مردم را به هیچ می انگاشتند و راه و رسم آنرا به نیکوئی میدانستند ۰

خلاصه که بی پروائی و روز گذرانی اکثر مسوولان امور و عدم شناخت اساس و پایهٔ ناهنجاری های اقتصادی و گرایش مردم به سود جوئی و زر اندوزی و خود پروری و در راس همـهٔ آن برنـامه ها فعالیت های تخریبی روس ، هرگز مجال نمی داد تا اقتصادیون و شورای عالی اقتصادی بتواند کاری از پیش برد و یا برفع معضله ای نایل آیند ۰ وبنابراین درسالی که تااینجا مورد گفتگوی مابود ، باهمه حرف ها ، شعارها ، واعلامیه ها ، عملاً کار عمده ای انجام نیافت ۰

سال ۱۳٤۹ هـ ش
یا
سال بحرانی و پرغوغا

سالی که از آن گفتگو می کنیم از لحاظ آمد و شد سران کشورها و دریافت کمک و قرضـه ها پر بارترین سال است ، ولی از لحاظ جریانات سیاسی و اجتماعی مشکل ترین وبحرانی ترین آن ۰ اما رویهمرفته جریان اوضاع به نفع روس وبمیل این کشور بود و حوادثی پیهم اتفاق افتاد که شرح آن تاریخ وار در زیر ارائه می شود ۰

بتـاریخ ۳۰ حمل= ۹ اپریل ۱۹۷۰ نوراحمد خان اعتمادی صدر اعظم ، هدایت داد تا ضرورت و بکـار انداختن یک دستگاه تصفیهٔ نفت به ظرفیت روزانه یکنیم میلیون تن مطالعه گردد ۰ بعضی از کشور ها آمادگی خود را درانجام این پروژه اظهار نمودند ، ولی روس ها که فکر اشغال افغانستان را درسر داشتند ، هرگز به اینکار تمایل نشان ندادند واز اقدلم و درخواست سایر کشور ها نیز بدلیل آنکه نباید در مجاورت مرزهای روس کشور های دیگر مشغول کار باشند ، جلوگیری وممانعت کردند ۰

فتنهٔ جریدهٔ پرچم و حادثهٔ ناگوار مسجد پل خشتی

در ۲۲ اپریل = ۲ ثور ، جریدهٔ پرچم ارگان نشراتی حزب «پرچم» بصورت فوق العاده و در ۱۲ صفحـه به نشر رسید که تمام صفحات آن به تجلیل از سالگرد لینن و عکس ها و تصاویر و زندگی او اختصاص داشت و اشعاری هم در مدح و ستایش این بنیان گذار جنایت وآدم کشی بچشم می خورد که تا آنروز در مطبوعات افغانستان چاپ نشده بود ۰ گرچه روز نامه های سرکاری و بعضی جراید شخصی دیگر نیز همه سال مخصوصاً در تجلیل سالگـرد انقـلاب اکتـوبـر، عکس ها و تصـاویر لینن را خیلی بزرگـتر از «پـرچم» چاپ می کردنـد و سر مقاله ها ومقالات پرآب و تابی درزمینه نشرمی نمودند ، مع هذا اشعار مدحیهٔ جریدهٔ پرچم و شعار کفر آگین «درود برلینن» ، عمده ترین انگیزه ای بود که خشم و هیجان عمومی را علیه آن بر افروخت و حکومت مجبور گردید مصادره اش کند ۰

علمای دینی وجوانـان مسلمان (مـربـوط به نهضت اسـلامی پوهنتـون کابـل) که عمق و ماهیت و منشاء این حرکت ضد اسلامی را بخوبی درک می کردند ، نسبت به نشریهٔ پرچم شدیداً عکس العمل نشان دادند و تظاهرات وسیع و دامنه داری را براه انداختند ۰

علما و روحانیون که بعضاً از ولایات دیگر بمرکز آمده بودند تقریباً ٤۳ روز مسجد پل خشتی را سنگر تجمع و تبلیغات خود قرار دادند و سعی کردند مردم را از سیر و شیوع

کمونیزم وجریان نامطلوبی که اسلام ، وطن و هستی افغانستان را تهدید میکرد ، آگاه سازند و توجه شان را برای جلوگیری از این فتنه معطوف دارند ۰ مردم هم در کمال اخلاص به سخنان ایشان گوش میدادند و هریک فراخور احوال خویش باتهیه و تقدیم غذا و لباس آنان را پذیرائی میکردند ۰

امـادر همـین احـوال تعـدادی از گماشـتـگـان روس و کمـونـست ها در صف علما و روحانیون مبارز رخنه کردند و تبلیغ وانتقاد را عمدتاً متوجه سلطنت ساختند وبه این ترتیب بهانه ای بدست دولت دادند تا در موضوع مداخله کند و جریان را بهم زند ۰ چنانکه دارو دستهٔ تره کی خود به این موضوع اعتراف می کنند و می گویند:

((حزب دیموکراتیک خلق افغانستان برطبق هدایت رهبر محبوب خویش (تره کی) در جمعیت ملایان ، علمای وطن پرست را طوری تنظیم ساخت که نوک تیز این تبلیغات ارتجـاعی متـوجه فسادهای سلطنت گردد ۰ بمحض اینکه تاکتیک های حزب خلق کارگر افتاد ، سلطنت مجبور گشت که پس از ٤۳ روز جلو اجتماعات را در مسجد پل خشتی بگیرد ۰)) (۱)

واقعـاً پس از ٤۳ روز بتاریخ ٤ برج جوزا ، نظامیان و پولیس مسجد پل خشتی را محاصره کردند و شب هنگام بداخل مسجد یورش بردند و پس ازآنکه علم مبارک را پاره پاره کردند و تهٔ پا انداختند ، علما را به ضرب دنده های برقی ، سوار موتر ها نمودند و همه را بولایات دور دست انتقال دادند ۰

این اقـدام ننگین علیه علما و موسفیدان افغانستان ، نفرت مردم را در برابر حکومت افزایش داد و ازآن تاریخ به بعد درگیری بین مسلمانان و کمونست ها وضع خشن تری بخود گرفت ۰

راه یابی و نفوذ افراد گماشته شده دربین علما و دگرگون ساختن احوال در مسجد پل خشـتـی بوسـیلهٔ آنـان ، از باور به دورنـیسـت ، زیرا در جریان ده سال جهـاد نیز دیدیم و شنیدیم که ده ها افراد و عناصر گماشته شده از باند های پرچم و خلق ، به حریم سنگرها و دفترهای جهاد راه یافتند وسعی کردند لبهٔ تیغ تبلیغات و نشرات و هدف گیری را از روس و جنایات روسی ، بسوی دیگری متوجه سازند و باایجاد درگیری های بی معنی ودامن زدن به کین توزی ها و اختلافات و تفرقه افگنی بین مجاهدین ، روس و مزدورانش را در راه نیل به هدف یاری دهند ۰

بهرحال بی حرمتی به علماء در مسجد پل خشتی ، سر آغاز فتنه و فاجعه ای بود که سیرکمونیزم را در افغانستان سرعت و وسعت بخشید و فعالیت روس وشبکه هایش را بیش

---

۱ ـ تاریخ مختصر حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ، چاپ کابل ، مطبعه دولتی ، سال ۱۳۵۷ هـ ش صفحهٔ ۳۷ ۰

از پیش تضمین نمود و عاقبت بجائی رسید که همه دیدیم و شنیدیم ۰

هر که در پایان کاری ننگرد
عاقبت روزی پشیمانی خورد

وقایع دیگر

اواسط ماه ثور هنگامی که علیه نشریهٔ پرچم و کمونست ها در کابل ناآرامی و تظاهرات جریان داشت ، اعلان شد که تمام ولایات افغانستان بوسیلهٔ کارشناسان روسی از نظر هایدروجیولوجی و جیوالکتریکی مطالعه و «سروی» می شود ۰ این موضوع در حقیقت شعاری بود که روس ها بار بار و درهر دوره ای آنرا عنوان و اعلان میکردند و یکی از وسایل زمینه سازی های شیطانی کرملن و مهم ترین آن در افغانستان محسوب می شد ۰ همزمان باآن اعلام گردید که بانک جهانی زراعت در کمک های خود به افغانستان ۵ میلیون دالر افزایش میدهد ۰

اوایل جوزا دراوج ناآرامی ها و تظاهرات و تحصن علما در مسجد پل خشتی ، خبری در جراید ورادیو نشر گردید که سیلوئی در هرات و سیلوی دیگر در قندهار توسط روس ها اعمار میگردد ۰ اقدام به اینکار جزء برنامه هائی بود که روس ها میخواستند هر چه زود تر در افغانستان انجام شود تا فردائی که در انتظارش بودند به کمبودی مواجه نگردند ۰
اعلان پروژه های روسی یکی بعد دیگر درآن شرایط ، نوعی بی اعتنائی به تمنیات و خواست و عواطف مردم ، و دلجوئی و خاطر خواهی از روس ها محسوب می شد و ماهیت بی ماهیتی حکومت را آشکارا تمثیل می کرد که واقعاً تاءثر آور بود ۰

بتاریخ ۲۳ جوزا = ۱۳ جون ۱۹۷۰ ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی بکابل آمد و باشاه و اعتمادی دیدار ومذاکره نمود ۰ در اعلامیهٔ مشترکی که پخش گردید ، دو طرف از جرگهٔ سران دول اسلامی در رباط (۱۹۶۹م) و جرگهٔ وزرای ممالک اسلامی (مارچ ۱۹۷۰) تائید و تمجید کردند و علاقه مندی خودرا جهت برقراری روابط و همکاری های مادی و معنوی بین ممالک اسلامی اظهار فرمودند ۰

پادشاه عربستان سعودی کمک های خود را در ساحات فرهنگی ، اقتصادی ، برنامه های اسلامی و امور اوقاف ، بمقامات افغانستان وعده داد و مرکز تحقیقات اسلامی را در دانشگاه کابل (پوهنتون) تهداب گذاری کرد ۰ تهدابی که هرگز عمارت نشد ۰
بدنبال سفر ملک فیصل روس ها فوراً احداث سرک بندر حیرتان را پیشنهاد کردند و این پروژه که تنها کار خامه کاری وتسطیح آن ۲۲٤ میلیون دالر و ٦٦٤ هزار افغانی مصارف ایجاب میکرد ، به پول بیوه و بیچارهٔ افغانستان و به نفع روس ها در جون ۱۹۷۰

سرطـان ، شروع گردید ، و خبر آن هشت ماه بعـد اعلان شد(۱) واین همان سرکی است که بعداً اسفالت گردید و برای حرکت تانک های روس آماده شد ۰

در ماه سرطان = جولای کارشناسان جاپانی که مشغول تحقیقات و مطالعات جیالوجی در افغانستان بودند ، اعلام داشتند که در «کندلان» بزرگترین ذخیرهٔ مس وجود دارد که بابهره برداری از آن سالانه میلیون ها دالر نصیب افغانستان خواهد شد ۰ اما ازان تاریخ تاحال که تقریباً هجده سال میگذرد ، یک پول هم از همچو منابع طبیعی عاید افغانستان نشد و روس ها هرگز نگذاشتند که چنین اقدامی عملی گردد ۰

بتاریخ ۵ سنبله = ۲۷ اگست إعتمادی جهت اشتراک در سومین جلسهٔ سران کشور های غیر متعهد عازم «لوساکا» شد و در سرراه خویش از مسکو دیدن نمود ۰ مقامات روسی از وی پذیرائی کردند و بانشر مقاله ها و تبصره ها روابط روسیه و افغانستان را ستودند ۰

درهمین ماه (سنبله) شاه و ملکه مشغول باز دیداز یوگوسلاویا و کشور های اروپای شرقی بودند واز آنجا بتاریخ ۲۹ سنبله وارد مسکو شدند و مدتی به استراحت پرداختند ۰

مسکو دران روزگار برای زعامت افغانستان حیثیت خانه ییلاقی و استراحتگاه را داشت و روس ها هم بادرک این موضـوع هرچنـد گاه یکبار برای مسافرت ایشان زمینه سازی میکردند تا برنامه های خود را در افغانستان بی درد سر و به سهولت انجام دهند ۰

بتاریخ ۲۱ میزان = ۱۳ اکتوبر دورهٔ ۱۳ شورای ملی در غیاب شاه ، توسط احمد شاه وکیل مقام سلطنت افتتاح گردید و عملاً بکار آغاز نمود ۰ همزمان با این جریانات روس ها کمک هائی را در امور وترنری به افغانستان وعده دادند و حکومت برای جبران کمبود غله که در اثر خشک سالی عاید شده بود ، قرارداد پنجاه هزار تن گندم را با روسیه به امضاء رسانید ۰

---

۱ ـ روزنامهٔ اصلاح ۲۷ دلو ۱۳٤۹ = ۱٦ فبروری ۱۹۷۱ ۰

نابسامانی های فرهنگی
بهره برداری روس ها،نشر کاریکاتور در روز نامۀ اصلاح
و جریانات دیگر

اوضاع فرهنگی و نشراتی کشور نیز در سال ۱۳٤۹ ش وضع نامطلوبی داشت ۰ بی بندوباری در نشریه های دولتی و نحوۀ برنامه های رادیو و مطالب و محتویات جراید و مجلات سرکاری همه بگونه ای بود که بازندگی مردم افغانستان کمتر تطابق میکرد و جز مشتي مقلد و بی خدایان معلوم الحال که میخواستند بتمام ارزش ها و سنن و معتقدات جامعه پشت پازده شود ، دیگران ناراض و شاکی بودند ۰ کمونست ها وشبکه های شان می کوشیدند از آن هوا و فضاحد اکثر بهره برادری کنند و افکار و اهداف خود را آهسته در مطبوعات و رادیو منعکس سازند ۰

چاپ عکس های برهنه در بعضی از مجلات دولتی و نمایش فلم هائی که بعضاً باروحیه اسلام و فرهنگ ملی افغانستان مغایرت داشتند ، هر روز افزایش می یافت و بخوبی احساس می شد که دست نیرومندی از پشت پرده ، مطبوعات و کانون های آنرا رهنمائی واداره می کند و هدف کلی زیر و رو کردن معیار هاو سنت هائی است که قرنهابا عقیده و ایمان مردم توأم و درخون ایشان عجین بوده است ۰

روی این برنامه های منظم وحساب شده در ماه عقرب ۱۳٤۹=نوامبر ۱۹۷۰ کاریکارتوری بنام «مرد نه زنه» توسط سراج وهاج مامور وزارت اطلاعات و کلتور ترجمه و در روز نامۀ دولتی «اصلاح» به نشر رسید که بسیار تکان دهنده و تاءثر آوربود ۰ این کاریکاتور که بعداً معلوم شد بوسیلۀ صیهونست ها در یک مجلۀ المانی طبع گردیده واز همان طریق به افغانستان وارد شده و در اثر تشبث و فعالیت صیهونست ها وکمونست ها بچاپ رسیده است ، جزبی احترامی و استهزاء واهانت به رهبر اسلام ، هیچگونه انگیزه ودلیل و منطقی برای نشرنداشت ۰ ولذا موجی از خشم و نفرت جامعۀ کابل را فرا گرفت و شورای ملی مجبور شد باصادر کردن فیصله نامه ای از دکتر محمود حبیبی وزیر اطلاعات و کلتور سلب اعتماد کند ۰

اعتمادی بجای آنکه از انجام چنان عملی در مطبوعات اظهار تاءسف کند و حکم مواخذه و محاکمه اشخاص مسوول را صادر نماید ، از دکتر محمود حبیبی حمایت کرد و به استناد این حکم قانون اساسی که :((شورای ملی حق ندارد بصورت مشخص علیه یک وزیر

رای اعتماد و یا عدم اعتماد بدهد و باید چنین فیصله ای بصورت مجموعی دربارهٔ حکومت بعمل آید)) فیصلهٔ شورای ملی را رد کرد • اما در اثر فشار افکار عامه و مبارزات بی امان وپیگر مرحوم گهیځ واصرار کمیتهٔ فرهنگی شورا و تظاهرات علما و دانشجویان مسلمان ، بالآخره از وزیر اطلاعات خواست تا از عهده اش استعفا دهد •

دربارهٔ سید فقیر علوی مدیر روزنامهٔ اصلاح و ناشر کاریکاتور مذکور که مسوول درجه یک قضیه بود ، نیز کدام اقدام قانونی و مقتضی صورت نگرفت و حسب ایجاب دورهٔ کار و ماموریتش به تقاعد سوق داده شد •

بتاءسف باید گفت که دراندوره و بعضی از دوره های دیگر کمونست ها اغلب در مطبوعات حمایه و تربیه می شدند و حتی اگر یکی از آنان در دفتر عصبانی می شد و وظیفه را ترک می کرد ، معاش اورا بخانه اش میفرستادند و بطور کلی در سال های اخیر فقط نام شان در ادارات و حاضری وجود داشت ولی خود شان از صبح تا شام برای انجام امور حزبی در خارج از محیط ماموریت فعالیت میکردند •

در معارف نیز باندهای خلق و پرچم نفوذ فراوان داشتند و هیچکس نمیتوانست و یانمی خواست معلمان کمونست را ازلیسه ها و مکاتب خارج کند و یا مانع فعالیت شان گردد •

مقارن این آشفته حالی ها و عنان گسنیختگی های سیاسی واجتماعی یک هیئت فرهنگی روس تحت ریاست معین وزارت تعلیمات عالی آن کشور وارد کابل شد و بتاریخ دهم دسمبر ۱۹۷۰ = ۱۹ قوس قراردادی دربارهٔ تبادلهٔ دانشجویان واستادان بین طرفین امضاء گردید • گرچه متن کامل این قرارداد مثل همیش به اطلاع عامه نرسید لیکن مسلم بود که روس ها سعی میکردند تا همزمان باتربیهٔ افسران نظامی در ارتش ، نفوذ وبرنامه های خودرا در معارف افغانستان نیز گسترش دهند و تعدادی از معلمان و استادان و اهل معارف و منسوبین تعلیم و تربیت را تحت عناوین مختلف بروسیه دعوت و همه راشستشوی مغزی نمایند •

بدبختانه اوضاع دراردوی افغانستان بدتر از مطبوعات ومعارف بود • جنرال خان محمد خان وزیر دفاع هر دو ماه بعد یکبار به مسکو می رفت و باهدایا و تحایف بی شمار برمی گشت واردو عملاً دردست روس ها قرار داشت • بهر تعدادی که میخواستند افسران افغانی را تحت نام آموزش وسایل وسلاح های جدید نظامی بروسیه میفرستادند وبه هر پیمانه ای که اراده مینمودند افسران و اعضای کی•جی• بی را بنام مشاور و کارشناس نظامی وارد افغانستان میکردند ، هیچ هفته و ماهی نبود که هیئتی از روسیه نیاید و یا بعضی افراد به مسکو دعوت نشود •

بصورت مختصر میتوان گفت که کشور ما دران مرحله بیشتر شباهت بیکی از

مستعمرات روسی داشت و روس ها به تمام مقدرات آن اعم از سیاسی و نظامی و اجتماعی نظارت می کردند ۰

به سلسلهٔ همین دید و باز دیدها اوایل جدی وزیر آبیاری و زراعت روس بکابل آمد و دربارهٔ مسایل زراعی و کمک های روسیه در زمینه ، بامقامات افغانی مذاکراتی انجام داد ۰ ولی همهٔ این حرفها ماهیت عوام فریبی داشت و روس ها جز بکار های اصلی و پیش بینی شده و مطلوب خود به چیزی دلچسپی و علاقه نداشتند ۰

در جنوری ۱۹۷۱ = دلو ۱۳٤۹ قراردادی بین روس و افغانستان به امضاء رسید که به اساس آن افغانستان میتوانست کالاهای تجاری خویش را از طریق روسیه به اروپا و یاسایر کشور ها صادر کند ۰ این قرارداد جز ارزش تبلیغاتی برای روس ، عملاً فایده ای به کشور ما نداشت ۰ زیرا رسیدن کالاهای صادراتی افغانستان از طریق روسیه به کشور های دیگر وبالعکس ، همانقدر وقت ومصارفی را ایجاب می کرد که از بهای کالا بیشتر می شد ۰ علاوه بران تورید و صدور مال التجارهٔ افغانستان از خاک شوروی از نظر حفظ و مراقبت عملاً تضمینی نداشت ، و مقداری از آن دزدی می شد و یا در اثر بی اعتنائی کارمندان گمرکات و بنادر روسی آسیب می دید وارزش خودرا از دست میداد ۰

تلاش و توجه روس ها در این قرارداد عمدتاً آن بود تا افغانستان را تجرید کنند و به زمام داران ناعاقبت اندیش کشور ماچنان وانمایند که در صورت ادامهٔ درگیری و مخاصمت با ایران و پاکستان چیزی را از دست نخواهند داد وتنها راه ترانزیت است که آنهم از طریق روسیه کارسازی میشود ۰

بدنبال قرارداد یاد شده ، در برج حوت کار تسطیح سرک بلخ و شبرغان که مدتی قبل شروع شده بود خاتمه یافت و روس ها آنرا جهت اسفالت و استفادهٔ تانکهای خویش آماده کردند ۰

در آخر سال اعلان گردید که در بالاحصار بلخ هوتلی بمصرف بیست میلیون افغانی اعمار میگردد ۰ اقدام به ساختمان این هوتل و نظایر آن در شرایط آنروز افغانستان هیچگونه نیاز و ضرورتی نداشت و فقط همه ناشی از تلاش هائی بود که روس ها میخواستند از یکطرف افغانستان را بطور دایم مقروض و تحت سلطهٔ اقتصادی خود داشته باشند واز سوی دیگر بمصرف افغانستان آبادی هائی را برای آینده خویش انجام دهند ۰

خرابی اقتصادی و تشویش خشکسالی در اخیر این سال به شدت افزایش می یافت و به همین جهت حکومت جاپان مقداری برنج معادل سیصد هزار دالر امریکائی به افغانستان کمک بلاعوض نمود و بانک انکشاف جهانی پرداخت یک میلیون وشش صد هزار دالر به افغانستان وعده داد ۰

بازار سیاست در اواخر این سال گرم و پررونق بود و سال ۱۳٤۹ خورشیدی درمیان اوجی از ناآرامی ها و اسفبار برای مردم افغانستان ، ولی پربار برای روس ها پایان یافت ۰

سال ۱۳۵۰ ه ش
سال شکست و سقوط حکومت اعتمادی

نحـوست این سال از همان آغـاز پیدا بود ، زیرا بتـاریخ ٦ برج حمـل = ٢٦ مارچ ۱۹۷۱ هیئتی از مسکو وارد کابل شد تابزعم خودشان در مورد ترتیب و تنظیم پلان پنجسالهٔ چهارم باوزارت پلان همکاری کنند ۰ البته این عمل چیز تازه ای نبود و روس ها از مدت ها قبل براقتصاد و سیاست افغانستان نظارت داشتند و هیچ کاری بدون میل و مشورهٔ ایشان انجام نمی شد۰ وحتی به کشـور های دیگـر اجـازه نمیدادنـد تا در انجام برنـامـه های اقتصـادی و یاساختمانی و تخنیکی با افغانستان کمک کنند ۰ و احیاناً آنچه دیگران انجام میدادند کمک های ناچیز مالی ومسایلی بود که چندان تاثیری در عقب زدن روس هانداشت ۰ چنانچه در آخر مارچ ۱۹۷۱ حکومت ۳ میلیون دالر جهت خریداری غله و بعنوان کمک های مالی از امریکا دریافت نمود ، واما جرئت آنرا نداشت تا در سال های اخیر پروژهٔ کوچکی را به کارشناسان امریکائی و امثال آن بسپارد ۰

بریژنیف در جلسـهٔ گنگـرهٔ حزب کمونست که در اپریل ۱۹۷۱ در مسکو دایر شد از پیشرفت مناسبات افغانستان و روسیه با افتخار و اطمینان یاد کرد و در واقع خواست تا موفقیت های روس را در این باره نتیجهٔ فعالیت ها و کار آگاهی های خویش وانمود سازد و به اعتبار خود در حزب کمونست آن کشور بیفزاید ۰ در جریان مذاکرات گنگرهٔ حزب کمـونست مسکـو ، رادیو کابـل اعـلان نمود که در اثر مطالعات و تحقیقات جیالوجی موجودیت دو هزار میلیون تن آهن در کشور پیش بینی می شود ۰ این اعلان و نظایر آن معمـولاً هنگـامی صورت میگرفت که نسبت به روس ها و اعمال شان ، در افکار عامه سوالاتی ایجاد می گردید و حکومات وقت بنابر تقاضا و یا گزارش هائی که روس در اختیار شان قرار میداد به چنین تبلیغاتی اقدام میکردند ، ورنه موجودیت آهن و مس در افغانستان سالها قبل تثبیت شده بود وهمه مردم اطلاع داشتند ۰ و متاءسفانه از همین ثروت طبیعی هم بنابر دخالت روس ، افغانستان نتوانست تا امروز بهره برداری نماید ۰

در اواخر ماه حمل روابط اعتمادی با شورای ملی روبه تیرگی نهاد و بهانه گیری ها ونزاکت هائی بین دو طرف تبارز نمود ۰ در اثر این ناهمگونی و خرابی مناسبات بین قوای تقنینیه و حکومت که بعضاً توسط افراد وگروهائی خارج از شورا تحریک و زمینه سازی می شد ، بتاریخ ۲۸ حمل از اعتمادی و کابینه اش در شورای ملی استیضاح بعمل آمد ۰ اما اعتمادی به طرز سوال وکلا مطابق به مادهٔ ٦٦ قانون اساسی اعتراض کرد واز پاسخ

دادن در برابر هر سوال بصورت منفرد و شخصی خود داری نمود و جلسهٔ را ترک گفت ۰
متعاقب آن و کلا جلسه ای دایر کردند و ازوی سلب اعتمادی نمودند ۰ اما این فیصله به اثر پادرمیانی و توصیهٔ شاه اعلان نشد و نظر به توافقی که بین وکلا و شاه صورت گرفت ، از نوراحمد خان اعتمادی خواسته شد تا استعفا بدهد ۰ اعتمادی هم که ادامهٔ کار را از هر جهت نامساعد و غیر ممکن می دید در ۲٦ ثور استعفایش را به شاه تقدیم کرد و بعد از ۳ سال و ۸ ماه از عهدهٔ صدارت کنار گرفت ۰ (۱)

موصوف اندکی بعد از استعفا بحیث سفیر روم مقرر شد و همدرآنجا بود که محمد داود خان کودتا کرد و او بین کابل و روم سفرهائی انجام داد تاآنکه شاه را متقاعد ساخت از مقامش استعفا دهد ۰

در دورهٔ ریاست جمهوری محمد داود خان ابتدا به سفارت مسکو و بعد در اکتوبر ۱۹۷٦ به اسلام آباد تعیین گردید ۰

می گویند شبی که فردایش کمونست ها کود تاکردند و محمد داود خان باخانواده اش از بین رفت ، اعتمادی بنابه اصرار و تقاضای روس ها بکابل آمده بود تا راجع به سرنوشت سران کمونست افغانستان که در زندان بودند با محمد داود خان مذاکره کند ۰ قبل از حرکت نیز موضوع را توسط تیلفون باوی در میان گذاشته بود ۰ زیرا محمد داود خان قصد داشته است که همان شب تره کی و ببرک و سایر کمونست های زندانی شده را اعدام نماید ۰ لیکن روس ها از این اقدام بحیث یک وسیله و خدعه استفاده کردند و در فاصله ای که برای شان فراهم شده بود ، خود و اجیران خویش را دراردوی افغانستان آماده ساختند و دستور کودتارا صادر فرمودند وشخص اعتمادی نیز در جملهٔ سایر افراد و رجال بزندان برده شد تاآنکه در تابستان ۱۹۷۹م = ۱۳۵۸ش (عهد حفیظ الله امین) او را از مجس کشیدند و دیگر از وی خبری بدست نیامد ۰

شایعات چنین بود که روس ها بعد از قتل تره کی و رسوائی خود و عمال شان در افغانستان ، میخواستند اعتمادی را رویکار آرند و از اینطریق آرامش را درافغانستان باز گردانند و برای خود بینی خمیری درست کنند ۰ اما در گرما گرم این آوازه ها حفیظ الله اورا از زندان کشید و بقتل رسانید ۰

بروایت دیگر روس ها اورا از زندان کشیدند و بمسکو بردند تا موضوع ادارهٔ افغانستان را باوی درمیان گذارند لیکن اعتمادی از حکومت کردن تحت اداره و سلطهٔ روس خود داری کرد و بنابراین روس ها او را باردیگر به افغانستان آوردند و اعدامش کردند ۰ والله اعلم بالصواب ۰

---

۱ ـ روزنامهٔ انیس ۲۷ ثور ۱۳۵۰ ش = ۱۷ می ۱۹۷۱ ۰

مسایلی که اعتمادی را لطمه زد

اعتمادی باوجود آنکه شخص فهمیده و هوشیاری بود ، لیکن در جریان کار به لغزش ها و مسایلی مواجه گردید که هم برای خودش گران تمام شد و هم مردم رانسبت بحکومت او متنفر ساخت ٠ ناهنجاری ها وسوء اتفاقات در مجموع عبارت بودند از:

١ ـ دیر خوابی و کم کاری

اعتمادی برحسب عادت و روش ...رادگی شب ها تا دیر می نشست و صبح ها تا دیر می خوابید و حوالی ساعت ١١ و ١٢ عازم دفترش می شد ٠ این عمل او بر حریفانش بهانه ای می داد تا بروی بتازند و بحیث یک نقطهٔ ضعف او را در اذهان عامه تخریب کنند ٠ واقعاً در شرایطی که ملت افغانستان دران ایام قرار داشت ، این وضع مطلوب نبود و کارها به کندی انجام می یافت ٠ گرچه وی تعدادی از اهل خبره را بنام وزیر مشاور در اطراف خود جمع کرده بود که بکار های روزمره و عادی رسیدگی میکردند اما در اصول ، دیر آمدن بسرکار و زود رفتن از اداره ، طبیعتاً به اداره و روش دیگران اثر میگذاشت و هر که هرچه دلش میخواست انجام میداد ٠

٢ ـ طرف شدن بامیوندوال

اعتمادی پس از رسیدن به صدارت سعی کرد تا درمیان طرفداران میوندوال تضاد و دوئی ایجاد کند ، وبااستفاده از ضعف نفس و خاکشیر مزاجی بعضی افراد ، انان را بسوی خود بکشد ٠ قصد او از اینکار تضعیف ساختن حزب میوندوال وجلوگیری از قدرت و نفوذ او در جامعه و پارلمان بود و نگارنده را درست معلوم نیست که ایماء و اشاره ای هم از دربار در این مورد دخالت داشت یا خیر؟ اما شیوهٔ اعتمادی هر جنبه ای که داشت حس انتقام جوئی وکین توزی میوندوال را برانگیخت واز آنچه اعتمادی تشویش داشت بروز نمود ٠

میوندوال بوسیلهٔ مقاله هایش که در جریدهٔ «مساوات» به نشر می رسید و همچنان در سخن رانی هائی که گاهگاه در پارک زرنگار انجام میداد ، پیوسته از اعتمادی و کارهایش نکوهش و انتقاد میکرد ٠ و در مقابل اعتمادی نیز هر چند گاه یکبار زمینه ای را فراهم میساخت و بوی پاسخ میداد ٠ این دیالوگ های سیاسی دیگر برای میوندوال بی اثر بود و اما اعتمادی را سخت ضربه می زد ٠ بخصوص که طرفداران میوندوال در شورا مسایل را دامن میزدند و هر روز درد سر هائی برای حکومت اعتمادی فراهم می نمودند ٠

٣ ـ رعایت پرچم

اعتمادی شاید به اثر سفارش محمد داود خان یا خاطر داشت روس ها ، و یاهم جهت یاری جستن از این گروه در مقابله بامیوندوال ، باببرک درتماس و مذاکره بود ٠ زیرا وی هم عضو پارلمان بود و هم پیشگام پرچمیان ٠

کمونست ها از این نزدیکی و فرصت بسیار استفاده کردند و بکارهائی دست یا زیدند که تا آنوقت جرئت انجام آنرا نداشتند و یا از اقدام آنان جلوگیری می شد • نشر جریدهٔ پرچم ، تجلیل سالکرد لینن و تاسیس آموزشگاههای فکری در نواحی مختلف کابل ، از جمله کارهائی بود که در دورهٔ اعتمادی صورت گرفت و بیطرفی او را مورد سوال قرار داد •

چون احزاب سیاسی رسمیت نداشت و فعالیت کمونست ها در افغانستان غیر قانونی و مغایر با شعایر دینی بود ، لذا اعتمادی نسبت به بی اعتنائی اش در برابر اعمال و حرکات کمونست ها به شدت لطمه دید و مورد بی اعتمادی مردم قرار گرفت • تظاهرات مسلسل در دانشگاه و مکاتب و حادثهٔ پل خشتی در حد خود عمده ترین مسایل دیگری بودند که حکومت اعتمادی در رابطه باآن شدیداً ضربه خورد و اذهان عامه را نسبت به او متغیر ساخت •

خلاصه این جریانات و سایر مسایلی که قبلاً به آنها اشاره شد ، اثرات منفی و نامطلوب درپی داشت و در فرجام معلوم گردید که موقع دادن به کمونست ها و تماس باببرک پایه های حکومت او را استوار نساخت ، بلکه خود آنان در تیره کردن اوضاع و ایجاد بدامنی ها سهم مؤثر داشتند و از قوت اعتمادی علیه خود او کار گرفتند تا آنکه شاه مجبور گردید در برابر افکار عامه گردن نهد و اعتمادی را در تصمیمش به استعفا تشویق کند •

فصل دوازدهم
صدارت دکتر عبدالظاهر خان
۱۸ جوزای ۱۳۵۰ - ۱٤قوس ۱۳۵۱هـ ش

بتاریخ ۱۸ جوزای ۱۳۵۰ش = ۸ جون ۱۹۷۱م دارالتحریر شاهی فرمانی صادر کرد و دکتر عبدالظاهر را مامور تشکیل کابینه ساخت ۰ موصوف هنگامی به این عهدهٔ پر مسوولیت موظف گردید که بحران اقتصادی و خشکسالی متواتر کشور را در وضع المناک و اسفباری قرار داده بود ۰

دکتر عبدالظاهر خان برای تشکیل کابینه اش مدت ها مشوره و مطالعه کرد و در فرجام آقای دکتر عبدالصمد خان حامد ، محمد موسی شفیق و محمد ابراهیم عباسی را به ترتیب ، بحیث معاون صدراعظم ، وزیر خارجه و وزیر اطلاعات و کلتو در جمله سایر اعضای کابینه اش به شوری معرفی نمود ۰

تشریفات رای گیری و رای دهی به سبب سخن رانی وکلا هفته ها طول کشید و بالاخره بتاریخ ٤ اسد = ۲٦ جولائی ۱۹۷۱ خاتمه یافت و دکتر عبدالظاهر خان رای اعتماد گرفت ۰ ولی از همان آغاز پیدا بود که دولت او نیز مستعجل است و پیکر بیمار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور غیر قابل علاج ۰

گرچه دکتر عبدالظاهر خان شخص محافظه کار و بی طرفی بود و باگروههای سیاسی سر وسری نداشت تا آن یکی را نسبت بدیگری ترجیح دهد ، و هم سوابق دیرینه اش در شوری و شناخت با اعضای آن ، زمینهٔ مساعدی رابوی فراهم ساخته بود که میتوانست به انجام کارهائی موفق گردد ، لیکن حوادث نا مطلوب و مختلفی پیهم اتفاق افتاد که حدس و گمان هارا دربارهٔ کم دوام بودن عمر حکومت او تحقق بخشید ۰

روسها بدلیل اینکه دکتر عبدالظاهر خان و بعضی از اعضای کابینه اش تحصیلات غربی داشتند ، نا خشنود و نگران بودند و می کوشیدند تا او را نیز آرام نگذارند و اوضاع را بیش از پیش بسود خود بد تر سازند ۰ تاباشد که مهره اصلی شان رویکار آید و بمنزل مقصود نزدیک تر شوند ۰ نارضائی و تشویش روس ها از همان آغاز و زمانی آشکار گردید که نماینده و سخنگوی شان (ببرک) در شورای ملی افغانستان ، حین سخن رانی در جلسهٔ رای

اعتماد ، دکتر عبدالظاهر را مخاطب قرار داده گفت :

«ارتجاع راست افراطی و شعله افروزان چپ افراطی عملاً در زیر لوای انتی سویتیزم (= ضد روسی) دریک جبهه باجناح راست محافل حاکم و سازمان های جاسوسی داخلی و خارجی در تفتین و توطئه اند تا روابط نیک و حسن همجواری افغانستان و اتحاد شوروی را بسود ارتجاع برهم زنند ۰ می گوئیم که باید توسعه و تحکیم مناسبات نزدیک افغان و شوروی صریحاً دفاع و پشتیبانی گردد ۰۰۰ روابط نزدیک وصلح جویانه و دوستانه افغانستان و اتحاد شوروی کاملاً به نفع مردم و وطن ما است و با مصالح استقلال و ترقی کشور مطابقت دارد ۰»(۱)

تقریباً سه ماه بعد از شروع کار دکتر عبدالظاهر یعنی در اواخر سنبلهٔ ۱۳۵۰ حسب روش های معمول، شاه بمسکو رفت و از روس ها خواست تا به همکاری خویش ادامه دهند ۰ هدف از این مسافرت و تقاضا ظاهراً آن بود تا بمسکو اطمینان داده شود که در ماهیت رژیم و سیاست افغانستان نسبت بروس تغییری وارد نیامده است و جریان امور بر روال همیشگی اش ادامه خواهد داشت ۰

واقعاً نه تنها اوضاع فرق نکرد و در روابط افغانستان با روسیه عملاً تغییری بعمل نیامد ، بلکه بااستفاده از این پیش آمد و فرصت ، روس ها آزاد تر و مطمئن تراز هر وقت دیگر دست بکار شدند و در قدم اول ده ها پایه تلویزیون را در ولایات مزار شریف ، شبر غان وقندز بین مردم توزیع نمودند تا از برنامه ها ونمایشات دستگاههای تلویزیون تاجکستان وازبکستان مستفید شوند ۰

این اقدام بمشابهٔ زنگ خطر محسوب می شد و کاملاً آشکار بود که روسها سعی میکردند قبل از فرستادن ارتش وحشی سرخ به افغانستان فرهنگ حیوانی و استعماری خود را به کشور ما صادر کنند و اذهان مردم را پیش از پیش برای پذیرش آن آماده سازند ۰

نگارنده خوب بیاد دارد که در رابطه با این موضوع راپور مفصلی از طریق وزارت مالیه (آنهم بخاطر روشن شدن تکلیف مسایل گمرک) بوزارت اطلاعات و کلتور مواصلت کرد وحاکی ازان بود که روس ها همه روزه از طریق زمین تلویزیون هائی را با خود می آورند و بمردم هدیه می کنند تا برنامه های تلویزیون مستعمرات روسی را در آنسوی آموتماشا کنند ۰

من موضوع را با وزیر اطلاعات و کلتور درمیان نهادم و با اظهار تاءسف گفتم کشوری دارای استقلال و حاکمیت ملی نباید اینقدر ناتوان و استثمار شده باشد که هر چه روس ها انجام میدهند در برابر آن بی اعتنا بماند هر گاه جلو اینگونه فعالیت ها گرفته نشود عواقب دردناک و اسفباری در پی خواهد داشت ۰ اصولاً کشوری که خود دستگاه فرستندهٔ

۱ - مجلهٔ ولسی جرگه ، متن سسخنرانی وکلا هنگام رای دهی به دکتر عبدالظاهر خان ، سال ۱۳۵۰ ه ش ۰

تلویزیون ندارد (درآن ایام نبود) وارد کردن و توزیع کردن آن نباید مجاز باشد !

آقای عباسی مکتوب را گرفت و یک هفته وقت خواست تا موضوع را در کابینه و با صدراعظم مطرح کند • من فکرمی کردم که حکومت نسبت به این عمل غیر قانونی اقدام مقتضی خواهد کرد و به روس ها اخطار خواهد داد ، لیکن پس از وقت موعود با تاءثر زیاد بمن گفته شد که: کسی درغم اینکارها نیست ، مکتوب را حفظ کنید •

از سیما و تاءثری که وزیر اطلاعات نشان میداد بخوبی معلوم می شد که او موضوع را با مقامات بالا مطرح کرده بود ، ولی جز اغماض ، بی توجهی ، بی التفاقی و احیاناً خشونت وپیشانی ترشی و توصیهٔ منفی پاسخی با خود همراه نداشت • کار بجائی رسیده بود که هیچکس دربارهٔ افغانستان و مردم و آینده اش نمی اندیشید و از شاه تا گدا «بمه چی» می گفتند و دم را غنیمت می شمردند •

ایجاد بدامنی و تحریکات

گماشتگان روس با درک این ضعف و خلا و اشارهٔ باداران خود پا از گلیم خویش فراتر نهادند و تحریکات گسترده ای را در جامعه و موسسات تعلیمی براه انداختند • حتی در کمال ابـرام و بی حیائی به اسلام و مقدسات دینی بی حرمتی و اهانت می کردند و می کوشیدند از راه آزار و اذیت و استهزاء، جوانان مسلمان را از انجام فرایض و وجایب دینی در لیلیه مانع شوند • در مقابل جوانان مسلمان مجبور بودند از خود دفاع کنند و بامشت و سیلی ملحدین راسر جایشان بنشانند •

بتاریخ۲۵اکتوبر۱۹۷۱=۳عقرب ۱۳۵۰ ، کمونستان دست به تظاهرات زدند وضمن برپائی اجتماعات و سخن رانی ها در سر تا سر افغانستان به اسلام و مسلمانان بی حرمتی کردند • در اثر این سوء نیّت و کردار که مسلماً روی طرح مشخص و به اشاره و ایمای روس ها انجام می شد ، حوادث ناگواری در گوشه و کنار کشور اتفاق افتاد که بسیار نگران کننده بود • از جمله در پولی تخنیک کابل و «میترلام » مرکز ولایت لغمان بین مسلمانان و کمونستان بر خورد شدیدی بوقوع پیوست که به اثر آن یک نفر کمونست در لغمان کشته شد و تعدادی از هر دو طرف زخمی گردید • پولیس جنگ دو طرف را در پولی تخنیک کابل تماشامی کرد و اقدامی نمی نمود • در لغمان هم قوای امنیتی به حمایت از کمونستان متهم بود • زیرا دکتر خلیل ابوی والی آنجا خود در حلقهٔ پرچم قرار داشت و به اتکاء و پشتوانهٔ او بود که کمونستان در آن ولایت آزاد و بی باکانه فعالیت می کردند و به اسلام و مسلمانان اهانت می نمودند •

پرچمی ها کشتـه شدن عبدالـرحمن کمـونست را درلغـمان بهانه و وسیله قراردادند

و تظاهرات و اجتماع بزرگ و بی سابقه ای را در پارک زرنگار کابل تشکیل دادند . در این اجتماع که خان عبدالغفار خان نیز شرکت داشت تعداد زیادی از افراد پرچم سخن رانی کردند و هر یک بنوبهٔ خویش به جوانان مسلمان و علما ناسزا گفتند .

حکومت این خیره سری و خود کامگی را به بی اعتنائی مینگریست و گمان می رفت که اصلاً نظم و نظامی در افغانستان وجود ندارد . اواسط ماه حوت ۱۳۵۰ ش = ٤ مارچ ۱۹۷۲ هنگامی که مسلمانان در پکتیا مشغول اداء نماز عید بودند ، کمونستان در اطراف شان اجتماع کردند و بضد آنان و شعایر اسلامی شعار دادند . البته اینبار از بیم آنکه حادثهٔ سال ۱۹۲٤م = ۱۳۰۳ شمسی در آن ولایت تکرار نشود ، حکومت در زمینه مداخله کرد و بیش از ۳۰ نفر کمونست را زندانی نمود .

روابط با پاکستان

در ایندوره که ملت افغانستان با دشوار ترین و تلخ ترین بحر ان اقتصادی و گرسنگی دست وگریبان بود و مردم حتی جگر گوشه های خود را در بدل چند افغانی و یا چند سیر آرد تبادله میکردند و در واقع سرتاسر افغانستان در سوگ و ماتم بسرمی بردند ، رادیوی کابل بازهم آهنگ «پشتونستان» می نواخت و نشرات دولتی در سر مقاله ها و مقالات خویش آنرا دامن میزدند و پنداشتی که در کشور ما اصلاً مسئله ای و مردمی و جود ندارد و فریاد صدها هزار انسان مصیبت زده و مظلوم و گرسنه در نیمه راه از پا وامی فتد و بگوش صدر نشینان عاطل و بی اعتنا نمیرسد .

همزمان با این اوضاع و احوال شاه افغانستان به لندن رفت (قوس ۱۳۵۰ =دسمبر ۱۹۷۱) و بجای مطرح کردن مصایب و مشکلات مردم افغانستان و جستجوی کمک های اخلاقی و انسانی ، موضوع قطعه خاکی را درمیان کشید که بقول او از کشور ما جدا و بخاک دیگران ضمیمه شده است . گرچه محمد ظاهر شاه از قطعه خاک مورد نظرش به صراحت نام نبرد اما پیدا بود که مقصودش آنسوی خط دیورند بود .

او از خاکی نام می برد که دربارهٔ آن سه بار و آخرین بار در دورهٔ امان الله خان و بوسیلهٔ نمایندهٔ او محمود بیگ طرزی، قرار دادها و موافقت نامه هائی امضاء شده بود (۱) و دیگر ماهیت وجودی و جنبهٔ حقوقی نداشت . این موضوع را زعمای افغانستان معمولاً بخاطری عنوان می کردند تانشان دهند که به اراضی از دست رفتهٔ افغانستان و در حقیقت به موضوعیکه مخلوق روس وسیاست های استعماری آن در منطقه بود ، علاقه مند می باشد . در حالی که زمینهٔ نابودی و اسارت کشور بزرگی را خود توسط روس ها مساعد می ساختند

۱ - در بارهٔ متن و چگونگی قرار داد های مذکور ، رجوع شود به : افغانستان در مسیر تاریخ ، عهد امیر عبدالرحمن خان ، امیر حبیب الله خان و امیر امان الله خان ، صفحات ۷۲۸ به بعد ، صفحهٔ ۷۲۷ و صفحهٔ ۷۷۷ تا ۷۸۳ .

و در اثـر همین سیاست های منفی و فرصت طلبـانـه ، واقعیت ها قربـانی تصورات شد و افغانستان را از دست دادیم ـ

از همه بدتر آنکه اظهارات شاه در لندن وقتی صورت گرفت که جنگ بین پاکستان و هندوستان به شدت ادامه داشت و اینگونه حرفها بمثابه خنجری بود که از پشت سر بر ملت پاکستان وارد می شد و خشنودی هند را فراهم می ساخت و به هیچوجه با آداب و رسوم عنعنوی مردم افغانستان جور در نمی آمد۰ متاءسفانه بعض از مشاورین نا عاقبت اندیش و فرصت طلب و استفاده جو که جز منافع خود بکسی و چیزی نمی اندیشیدند ، شاه را در این موارد تشـویق و تحـریک میکردند ۰ ولی یکبار هم چنین مدعیان سیاست و کیاست و دپلوماسی ومشاورین بااحساس و وطن خواه ، شاه را وادار نکردند تا از پنجده ، مرو ، پامیرکلان ، در قد و سایر نقاطی که روس ها در شمال کشور آنها را بزور و خدعه و سازش با انگلیس غضب کرده اند ، حرفی بر زبان آرد و تقاضای استر داد آنها را کند ۰ آیا بین قرار داد ننگین پنجده ، پامیر کلان ، جزیرهٔ درقد و دیورند از لحاظ تعاملات حقوقی و معیار های بین المللی چه تفاوتی وجود دارد ؟ آیا ارزش خاک یک کشور و یک سر زمین از نظر سیاسی در شمال و جنوب آن است ؟ من فکرمی کنم همه چیز واضح و روشن بود اما سیاست مردان افغانستان در اثر تحریک روس ها و بخاطر دوستی آنان عمداً میخواستند سنگ بتاریکی زنند و خود و مردم را اغفال کنند ۰

علی ای حال، شاه پس از باز دید لندن و اروپا در نیمهٔ دوم برج دسمبر ۱۹۷۱ وارد مسکوشد و باوجـودی که مســافرتش در ان کشور غیر رسمی بود ، اربابان کرملن و در راس همه خونخوار جنگ افروز «بریژنیف » ازوی به گرمی و محبت زایدالوصفی استقبال کردند و در جریان دیدار و مذاکره از شاه خواستند تا موقع را مغتنم شمرده به پاکستان لشکر کشی نماید ۰ زیرا در آن ایام روس ها و هندوستان تحریکات تجزیه طلبی را در بنگله دیش به اوجش رسانیده بودند و پاکستان نسبت به مداخلهٔ هند عملاً با این کشور در حال جنگ قرار داشت ۰ هدف روس ها آن بود تا افغانستان را درجنگ مسلحانه با پاکستان در گیر سازند وخود به بهانه و پشتیبانی و حمایت وارد خاک افغانستان شوند و به این ترتیب دهلی را یاری دهند تا نقشه ها یش را در بنگله دیش و سایر هدفهای مورد نظر در خاک پاکستان آسان و بی درد سر عملی کند ۰ اما شاه این پیشنهاد را نپذیرفت و از اقدام به چنین عملی خودداری کرد ـ*

---

* ـ شاه در سال های اخیر ضمن تذ کار این مطلب به بعضی از افغان ها گفته است که وی در آن سفراز پیش آمد گرم و غیر عادی بریژنیف در میدان هوائی مسکو تعجب می کند ۰ ولی ساعتی بعد معلوم می شود که وی چنین مدعا و مقصدی داشته است ۰ اما شاه به مجرد برگشت بکابل سفیر پاکستان را نزد خود میخواهد و بوی اطمینان میدهد که از طرف افغانستان نگرانی نداشته باشند ۰ اگر کمکی نشود ، مزاحمتی نخواهد شد ۰

در جریان این احوال و نا آرامی ها ، یحیی خان رئیس جمهور پاکستان بتاریخ ۲۷ دسمبر استعفا کرد و بوتو جانشنیش گردید ۰ موصوف با درک مشکلات و مجبوربت های پاکستان و برای فرصت یابی و کاهش گرفتاری هایش ، در فکر آن شد تا سر نخی به ارگ شاهی به بندد و حد اقل برای چند روزی هم که باشد خود را از هیاهوی رادیو کابل بدورنگه دارد ۰ بنا بر این بتاریخ دهم جنوری ۱۹۷۲ مطابق ۲۰ جدی ۱۳۵۰ سفری بکابل نمود ۰ (روز نامهٔ اصلاح ۲۱ جدی همان سال) وباشاه و صدراعظم مذاکراتی انجام داد ۰ ولی در ختم سفروی اعلامیه ای پخش نشد و کسی ندانست که چه گفتند و چه شنیدند؟؟

مناسبات افغانستان با کشور های دیگر

پس از انکه احساس شد روس ها در همکاری خود به افغانستان بی میلی نشان میدهند حکومت سعی کرداز اتکاء به روس وا رهد و روابط اقتصادی و تجاری خویش را با سایر کشور ها توسعه دهد ۰ لازم بیاد آوریست که در ماه جوزای ۱۳۵۰ قبل از تعیین دکتر عبدالظاهر خان بحیث صدراعظم ، حکومت دنمارک اعلام داشت که بیست میلیون دالر به افغانستان قرضه میدهد ۰ همچنان جاپان نیز اظهار آمادگی کرده بود تا در پلان پنجسالهٔ چهارم به افغانستان کمک کند ۰

در ماه اسد ۱۳۵۰ حکومت اتحادی المان هشتصد هزار مارک ، موسسات برنامه ریزی انکشاف ملل متحد ۱۲۰ هزار دالر و جاپان ۲۱۰۰ تن برنج به افغانستان وعدهٔ کمک دادند ۰

بتاریخ ۱۰ نومبر ۱۹۷۱ مطابق ۱۹عقرب ۱۳۵۰ ، اعلام شد که بانک انکشاف آسیائی برای پروژه های زراعی کامه و بلخ ، مبلغ ۳۲۹۰۰۰ دالر بحکومت افغانستان کمک می کند و بهمین ترتیب بعضی کشور های دیگر نیز هریک به تناسب احوال خویش در همکاری و کمک به افغانستان اظهار علاقه مندی کرد ۰

در ماه جدی روس ها اعلان کردند که مقدار ۶۰۰ تن آرد به «درواز» کمک می کنند[۱] این اعـلان مثـل سایر اعـلامیه ها و وعـده های روس ، جنبـهٔ تبلیغـاتی و عوام فریبی داشت و فقط با استفاده از بحران خشکسالی میخواستند چند سیر آرد را در آنجا انتقال دهند و به این بهانه منطقه را از جنبه های مختلف ارزیابی نمایند وعده ای از جاسوسان خود راهم بنام اخذ احصائیه و مطالعه و نظارت به کار کمک رسانی در میان مردم مستقر سازند ۰

همزمان با این اعلان خبری انتشار یافت که در بندر کلفت بالای دریای آمو بطول ۶۶۵ متر و ارتفاع ۶ متر یک معبر هوائی اعمار میگردد تا از آن در انتقال گاز بروسیه استفاده شود ۰ روس ها چنـاچنـه مکرراً گفته آمد تمام این مصارف را بحساب افغانستان انجام

---

۱ - رک : روزنامهٔ اصلاح ، ۲۹ حمل ۱۳۵۱ ۰

میدادند ولی حاصل کار و بر نامه های شان از آن خود ایشان بود • حتی گاز طبیعی که میلیون ها دالر صرف کاوش و استخراج آن شد (و بعداً به تفصیل درباره اش صحبت می شود) و مردم ما سخت به آن محتاج و نیازمند بودند ، بدسترس ما قرار نگرفت و تا امروز هم روس ها آنرا بغارت می برند •

در اواسط مارچ ۱۹۷۲ = اواخر حوت ۱۳۵۰ دکتر عبدالظاهر خان عازم مسکو گردید (روزنـامـهٔ اصـلاح همین تاریخ) تابـازعـمای روس مذاکـراتی انجـام دهـد • روس ها برسبیل عادت هر شخصی را که بحیث صدراعـظم افغـانستـان انتخاب می شد بمسکو دعوت میکردند و او را به انواع کید و حیل وا می داشتند تا روابطش را در چوکات منافع روس استوار سازد • در غیر آن دست به تحریک و تخریب می زدند و عرصه را از هر جهت بروی تنگ می نمودند •

دکتر عبدالظاهر هم از کسانی بود که مسلماً نیمتوانست به روس ها تعهدی بسپارد • بنا بر این دست خالی از مسکو برگشت که اثرات آنرا در همین مبحث مطالعه خواهیم کرد •

سال ۱۳۵۱ خورشیدی

دومین سال صدارت دکتر عبدالظاهر

در آغاز سالی که از آن گفتگو می کنیم ، ظاهراً سعی حکومت بران بود تا از اتکاء بروس خود داری کند و روابط اقتصادی خویش را باسایر کشورها گسترش دهد ۰ به اساس این تصمیم و روش ، اوایل اپریل ۱۹۷۲ = اواسط حمل ۱۳۵۱ش هیئتی از مقامات تجاری و اقتصادی چین وارد کابل شد و با مسوولین تجارت و اقتصاد در افغانستان مذاکره و مفاهمه نمود ۰ متعاقب آن بتاریخ ۲۹ حمل =۱۸ اپریل محمد موسی شفیق وزیر امور خارجه عازم چین گردید (۱) و از آن کشور خواست تا مناسبات تجاری اش را با افغانستان تقویت کند ۰

در اثر مسافرت شفیق به چین ، پکن وعدهٔ همکاری داد و یکماه بعد اعلان شد که این کشور مبلغ چهل میلیون دالر به افغانستان کمک می کند تا در بعضی پروژه های ضروری از آن استفاده شود ۰ برای باز پرداخت قرضهٔ مذکور مدت ۲۰ سال مهلت داده شده بود به نحوی که بعد از ده سال آغاز می یافت و در این مدت پروژه های مورد نظر قابل بهره برداری می شد ۰ (روزنامهٔ اصلاح ۳۱ ثور ۱۳۵۱)

این رفت و آمدها و تغییر در مشی سیاسی و اقتصادی دولت ،بازهم آتش در کر ملن زد و فوراً به گماشتگان و پیروان خویش دستور دادند تا اوضاع را برهم زنند و امنیت را مختل سازند ۰ تحریکات و تخریبات روس ها و عمال شان بحدی وسیع ، بی شرمانه و غیر انسانی بود که پوهنتون (= دانشگاه) کابل را به کانونی از آشوب ها و تظاهرات و نا امنی مبدل ساخت و در نتیجه بعضی از روسای فاکولته ها ، رئیس پوهنتون و شواری عالی آن مجبور به استعفا شدند و نظم و جریان درس و تعلیم بکلی مختحل گردید ۰

ضعف و درماندگی حکومت دربرابر باندهای خلق و پرچم وعدم جلوگیری از فعالیت های غیر قانونی ایشان ، به جناح دیگر کمونستان یعنی « شعله ئی» ها هم جرئت بخشید تا عرض موجودیت کنند و از آشفته حالی دستگاه حاکم استفاده نمایند ۰ این گروه از رفقای دیگر کمونست خود « خلق و پرچم » گامی فراتر نهادند و برای اینکه خود را انقلابی تر جلوه دهند ، بر انبیا علیهما السلام اتهام بستند و مقدسات دینی را مورد تعرض قرار دادند ۰

محصلان مسلمان جهت ابراز عکس العمل جلسه ای در مقابل عمارت فاکولتهٔ حقوق

---

۱ - روزنامهٔ اصلاح ، مورخ ۲۹حمل ۱۳۵۱ش ۰

تشکیل دادند وضمن سخن رانی های خویش به شعله ئی ها پاسخ دادند ۰ این صحنه آرائی ها بالآخره به خشونت مبدل گردید و دو طرف با چاقو و سنگ بجان همدگر حمله کردند ۰ در در گیری و تصادم بین این دو گروه که اوایل سرطان ۱۳۵۱ ش صورت گرفت ، دوسه تن از طرف مسلمانان وتنی چند از شعله ئی ها شدیداً زخمی گردید ۰ یکی از شعله ای های زخمی بنام «سیدال» محصل فاکولته ساینس به اثر ضربه ای که بر کله اش وارد آمده بود ، در شفاخانه در گذشت و پولیس کابل در رابطه با آن سه نفر از محصلان مسلمان (انجنیر حبیب الـرحمن محصل پولی تخنیک ، انجینیر حکمتیار محصل فاکولتهٔ انجنیری و دکتر محمد عمر محصل طب) را دستگیر و زندانی کرد ۰ دو نفر از این محصلان در فاصله های کمتر و آقای حکمتیار بعد از یکسال زندان و رویکار آمدن محمد داود از قید رها گردیدند ۰

حوادث بالا هر چند در ظاهر کوچک می نمود ، اما در کشور مسلمانی چون افغانستان بسیار مهم و قابل اندیشه بود وایجاب می کرد نسبت به شیوع و نفوذ کمونیزم و جلوگیری از آن جداً اقدام می شد ۰ لیکن حکومت در برابر این سرطان کشنده و مهلک اغماض کرد و کمونستان مجال یافتند بیشتر رشد کنند و شدید تر عمل نمایند ۰

به ادامهٔ تلاش های حکومت جهت بهبود اقتصاد و روابط سیاسی افغانستان با کشور های مختلف ، شفیق وزیر امـور خارجـه ، از وزیر خارجـهٔ انگلستـان دعوت کرد تا از افغانستان دیدن کند ۰ موصوف بتاریخ ۵ جولائی ۱۹۷۲=۱٤ سرطان ۱۳۵۱ وارد کابل شد و مذاکرات مفصلی با صدراعظم و وزیرامور خارجه انجام داد ۰ اندکی بعد از برگشت او به لنـدن اعـلام گردید که حکومت انگلستان مبلغ ۲٤۰ هزار پوند سترلنگ برای افغانستان کمک می کند تا از آن برای حفر چاه های عمیق و پروژه های آبیاری و آبرسانی استفاده شود ۰ همچنان اعلام شد که انگلستان در نظر دارد مبلغ یکصد هزار پوند ستر لنگ را جهت تحقیقات هایدرولوجی در ساحهٔ هیرمند بحکومت افغانستان اختصاص دهد ۰

درست در همان روزی که وزیر خارجهء انگلیس وارد کابل می شد ، دکتر عبدالصمد خان حامد معاون صدارت در راس هیئتی عازم مسکو گردید تا کمک های روسیه را در پلان پنجسـالـهٔ چهـارم جلب کند ۰ در مذاکراتی که هیئت با مقامات روسی انجام داد مسکو ظاهراً اظهار آمادگی نشان داد تا به همکاری های اقتصادی و تخنیکی خود ، در افغانستان ادامه دهد ۰ اما کاملاً پیدا بود که روس ها از تلاش های حکومت جهت نزدیکی با دیگران ناراض اند و در امداد به افغانستان تعلل می ورزند ۰

در ۲۸ سرطان اعلان شد که ظرف پنجسال آینده صادرات کشور به ۱۱۵ میلیون دالر ارتقا خواهد یافت و این رقم در شرایط آنروز بسیار نوید بخش و دلگرم کننده بود ۰ ولی روس ها هرگز تحمل پیشرفت و آزادی عمل دست اندرکاران قدرت را در افغانستان نداشتند و آگـاهـانـه وجدی می کوشیدندتا حکومات را یکی بعد دیگری سقوط دهند و از این

نابسامانی ها بهره برداری کنند ۰

یکی از مواردی که روس ها در این دوره بیشتر روی آن اتکاء می کردند و بحیث یک وسیلهٔ تبلیغاتی و نفاق افگنی بین کتله های مختلف مردم از آن استفاده می نمودند ، دامن زدن به تعصبات قومی، نژادی و زبانی بود ۰ متاءسفانه این تحریک و تفتین حتی گاه گاهی در شورای ملی افغانستان نیز اثر می گذاشت و عمدی یا تصادفی جنجال ها و جهت گیری هائی بروز میکرد ۰

زبان جنگی در شوری و جراید

در دوران صدارت اعتمادی قانون مامورین ملکی تجدید و در آن ماده ای گنجاینده شد که افراد تازه وارد به خدمات دولتی باید زبان پشتو را بدانند و پیش از استخدام به ماموریت آنرا امتحان بدهند ۰ چون اعتمادی از بین رفت و فرصت فراهم نشد که روی آن بحث و تصمیم صورت گیرد ، لذا قانون مذکور در عهد صدارت دکتر عبدالظاهر خان به شوری ارائه گردید (اوایل اسد ۱۳۵۱) و تحت بحث و بررسی قرار گرفت ۰ گنجانیدن مادهٔ مذکور در قانون خدمات ملکی که تا آنوقت سابقه ای در تاریخ افغانستان نداشت و بامادهٔ (۳) قانون اساسی مغایر بود ، از طرف وکلای دری زبان و افراد چیز فهم و آگاه نوعی تبعیض ، بی عدالتی و امتیاز طلبی توصیف شد و به این استناد که فارغان صنف ۱۲درلیسه های خود زبان را می خوانند و امتحان میدهند و تکرار امتحان گیری و امتحان دهی خواهی نخواهی مردم آزاری و ارتشاء را در جامعه و ادارات استخدام کننده ببار خواهد آورد ، از تصویب آن خود داری کردند ۰ ولی وکلای پشتو زبان به تصویب آن اصرار ورزیدند و در نتیجه منازعات و مباحثاتي بین آنان در گرفت و از آنجا روی صفحات جراید شخصی انعکاس یافت و بمراحل حساس و خطرناکی رسید ۰ بالآخره حکومت در زمینه مداخله کرد و توسط ابلاغیه ای که بتاریخ ۲۵ اسد ۱۳۵۱= ۱٦ اگست ۱۹۷۲ پخش شد ، ادامهٔ این مناظره و منازعه را ممنوع قرار داد ۰

آری! در روزگاری که هزاران هموطن ما در حسرت آب و نان جان می سپردند و سرتاسر افغانستان در سوگ وماتم فرو رفته بود و صدها موضوع عمده و عاجل در برابر مردم افغانستان قرار داشت ، در شوری و مطبوعات کشور جز غوغای «زبان» و «پشتونستان» حرفی مطرح نمی شد و مسوولان امر با کم لطفی و بی دردی خود دربارهٔ مردم و جامعه ادامه میدادند۰

بتاءسف باید گفت که بهم افگنی و تولید نفاق از طریق «زبان» بین مردم افغانستان در عمق و بعدش ریشهٔ استعماری داشت و بوسیلهٔ بیگانگان تحریک می شد ۰ زیرا تا جائی که تاریخ گواهی میدهد در افغانستان و بین مردم آن هیچگاه نزاع ، اختلاف و مشکلی بنام

«زبان» وجود نداشته است ۰ حتی در دورۀ معاصر و پس ازانکه احمد شاه بابا افغانستان نوین را پایه گذاری کرد ، این موضوع هرگز مورد ذکر و فکر قرار نگرفت ۰ او بفارسی شعر میگفت ، تیمور شاه پسر ارشدش دیوان شعر فارسی دارد، دفتر ها و دواوین آنان و سلالۀ شان همه بفارسی بودند ۰ روی مسکوکات و فرامین ایشان اشعار فارسی نوشته شده است ، و ازان به بعد نیز جریان به همین منوال ادامه داشت ۰

دلیل مهم و عمده آن بود که هنوز استعمار شرق و غرب در کشور ما راهی نداشتند و فرمانروایان افغانستان بقای خود و کشور را در اتحاد و برابری وبرادری و وحدت ملی افغانستان میدانستند ، نه در «زبان» و دامن زدن به تعصبات «زبانی» ۰

اما هنگامیکه دولت بریتانیا در راه پیشروی خود بر آسیا از مردم افغانستان پیهم شکست خورد و به تلخی دریافت که رمز پیروزی ما در اتحاد و اتفاق ما بنهفته است ، و انگاه تجربه های استعماری خود را بکار افگند و برای اینکه این طلسم را بشکند و از ملت افغانستان انتقام بگیرد ، موضوع نثراد و زبان را ماهرانه بر سر زبان ها انداخت و بمجردی که افغانستان آزادی خود را اعلان کرد ، این زمزمه هم بالا گرفت ۰

در دوره های بعدی موضوع زبان نه بحیث وسیلۀ افهام و تفهیم و عنصر فرهنگی ، بلکه بعنوان یک اصل سیاسی و اقامۀ برتری جوئی ، تعصب ، تبعیض وامتیاز در جامعه تبارز داده شد و تاآنجا تبلیغ و تلقین گردید که حتی جوانان تحصیل کرده و منورین ما هم بسویۀ دکتر و پروفیسر و حقوق دان و اسلام شناس و روزنامه نگار و ملا و محتسب و شیخ و قاضی وغیره وغیره ، همه در حلقۀ تعصب کشیده شدند، و زندگی سالم و طبیعی مردم افغانستان دستخوش تضاد ها گردید ۰

روس ها یا جانشینان استعمارکهن ، روش حریف استعماری خود را در کشور ما دنبال کردند وتضاد و دوئی را در چوکات «زبان» بمرحله ای رسانیدند که شواهد و آثارش در شوری و مطبوعات افغانستان منعکس شد و مردم در برابر هم قرار گرفت ۰

امیدواریم جهاد مقدس افغانستان توأم بانجات کشور از چنگ استعمار ، این فتنه را نیز معدوم سازد و ملت افغانستان را به برادری و محبت و اتحاد و یگانگی هدایت کند ۰

ادامۀ جریانات سال ۱۳۵۱ه ش

در اوایل سنبلۀ ۱۳۵۱ سردار عبدالولی بدعوت گریچکو وزیر دفاع روسیه به آن کشور مسافرت نمود ۰ گرچه هدف و برنامه این دعوت و سفر معلوم و مشخص نبود ، مع هذا مردم حدس می زدند که روس ها میخواهند موافقت او را در انجام بعضی اقداماتی که در نظر دارند جلب کنند و از نفوذ و قدرت او بحیث فرد دوم افغانستان بعد از شاه استفاده نمایند اما روس ها با وصف این گرم جوشی های ظاهری ، جز فروش ۳۰ عراده تراکتور که قرار داد

آن در آخر سنبلهٔ ۱۳۵۱ بین طرفین امضاء شد ، کمک و معاملهٔ دیگری در ایندوره انجام ندادند۰

یک هفته بعد از بر گشت سر دار عبدالولی (اواسط سنبله ۱۳۵۱) منهاج الدین گهیځ (ناشر و مدیر مسوول جریدهٔ گهیځ) شب هنگام توسط پولیس کی۰ جی۰ بی در خانه اش بقتل رسید و در حالی که مهمانان گهیځ و همسایگان او جیپ سفارت روسیه و افراد روسی داخل آنرا بچشم خویش دیده بودند و گواهی میدادند ، هیچکس به آن اهمیت نداد و چنان انگاشتند که هیچ حادثه ای اتفاق نیفتاده است ۰ حتی مقامات و دستگاه پولیس باتهدید و توصیه به افراد ذی علاقه و جراید ، سعی میکردند این جنایت ناگفته ماند و از انعکاس بیشتر آن در جامعه و مطبوعات جلو گیری شود ۰

مرحوم گهیځ شخصی بود که در خارج از موسسات تعلیمی و دانشگاه ، از اسلام و مبارزات مسلمانان ، شجاعانه دفاع وحمایت می کرد و دولت را در برابر بی بندوباریها ، نفوذ کمونیزم و عواقب نا مطلوب آن بر خدر می داشت ۰

روس های وحشی و خونخوار که در جنگ علم و منطق حربه و سلاحی برای ثبات و پایداری ندارند و به اقتضای فطرت خویش بایداز شاخ و پنجهٔ خود کار بگیرند ، آن مرد مومن و مبارز را از بین بردند و فرمانروایان افغانستان هم این قربانی را نذر خشنودی مسکو کردند و حرفی بر لب نیاوردند ۰

اواسط سنبله ۱۳۵۱= سپتامبر ۱۹۷۲ هیئتی از کارشناسان اقتصاد و تجارت جاپان بکابل آمد و پرداخت مبلغ ۳۵ هزار دالر کمک رایگان را بامقامات افغانی امضاء نمود ۰ هیئت مذکور منابع طبیعی و دست نخوردهٔ افغانستان را ثروت هنگفت و قابل ملاحظه توصیف کرد و بهره برداری از آنرا برای رشد و بار وری اقتصاد کشور ما کافی و بسیار مهم خواند ۰

در اکتوبر ۱۹۷۲ حکومت استرالیا اعلام داشت که مبلغ ۳۲ میلیون دالر به افغانستان کمک می کند ۰ بهمین ترتیب حکومت امریکا سه میلیون دالر قرضه وعده داد و موافقت نامه آن بتاریخ ۱۱ نوامبر = ۲۰ عقرب همان سال در کابل به امضاء رسید ۰ این همکاری و کمک ها مویّد آن بود که کشور های آزاد و ثروت مند جهان نسبت به خود کفاشدن افغانستان و رهائی اش از دام و دانهٔ روس نظر مساعد داشتند و هرگاه اوضاع داخلی کشور بصورت عادی و طبیعی پیش میرفت ، این امکان و جود داشت که کارهای مهمی انجام شود ۰ لیکن روس های استثمارگر و غدار با همکاری افراد و گروههای گماشتهٔ شان انواع گرفتاری ها و مشکلات را در جامعه ، شوری و موسسات تعلیمی خلق کردند و عرصهٔ تپیدن و تنفس از هر جهت برای حکومت تنگ گردید ۰

بحران خشکسالی و گرسنگی

متاءسفانه از سال ۱۳٤۸ هجری شمسی به بعد آثار خشکسالی و قحطی کم کم کشور را تهدید میکرد و در سال ۱۳۵۰ ش بحدی رسید که اکثر آب رود خانه ها خشک شد و حیات انسان و حیوان و نبات در معرض خطر و نابودی قرار گرفت ۰ حتی آب ذخایر بند برق به آخرین درجه کاهش یافت و بیم آن میرفت که بکلی بخشکد ۰

در اثر این آفت که زارعان و مالداران کشور بیشتر صدمه دیدند ، اغلب هموطنان ما مخصوصا از نواحی بدخشان و غور و بادغیس ، خانه و کاشانهٔ خود را ترک گفتند و متواری شدند ۰ تعدادی از فامیل های یاد شده در اثر گرسنگی مداوم جان خود را از دست دادند و عده ای هم برای زنده ماندن خویش، جگر گوشه های شان را در بدل مقدار ناچیزی غله و یاپول نقد تبادله کردند ۰ هزاران کودک و نوجوان از آغوش گرم خانواده ، زادگاه و پرورشگاه خود به دور افتادند و در شهر های مختلف کشور پراگنده شدند ۰ احوال مردم این ولایات دور افتاده چنان درد انگیز و رقت آور بود که قلم از ذکر آن می لرزد و خاطر حزین من تحمل تکرار و ترسیم آن فاجعهٔ جانکاه را ندارد ۰

وزارت خارجه درسال اول صدارت دکتر عبدالظاهر خان اعلامیه ای انتشار داد و از کشور های جهان خواست تا برای مصیبت زدگان افغانستان و مبارزه با خشکسالی کمک کنند ۰ بسیاری از کشور ها من جمله امریکا ، المان ، فرانسه ، عراق ، جاپان ، بازار مشترک اروپا ، ملل متحد و غیره ، با دادن گندم ، مواد غذائی و پول نقد به تقاضای افغانستان پاسخ مثبت دادند ۰

هر گاه قلب کشور داران ما چون زبان شان به تپش در می آمد و با آن مقدار مواد خوراکی بسراغ هموطنان بدبخت و دور افتادهٔ خود میرفتند ، چندین هزار انسان از چنگال گرسنگی و مرگ نجات می یافت و صدها روستا و دهکده به دخمه های سرد و کرخت مبدل نمی شدند ۰ اما هیچکس از جانه جنبید و هیچ اقدام عاجل صورت نگرفت تا آنکه سرما و زمستان بی سابقهٔ سال ۱۳۵۰ شمسی بر مشکلات و مصیبت افزود و میزان قربانی و تلفات صد برابر گردید ۰

در تابستان سال ۱۳۵۱ وقتی که برفها آب شد و خبر مرگ و نابودی هزاران هموطن محروم و مستمند ماروی جراید داخلی و رسانه های خبری جهان انعکاس یافت ، زعمای افغانستان هم از کنار بخاری ها و خانه ها و دفتر های گرم خود برون رفتند و اطلاع یافتند که جریان از چه قرار است و در گوشه و کنار کشور چه می گذرد ۰

این بی اعتنائی و بی التفاتی بر دلهای ریش مردم نمک پاشید و خشم و نفرت در برابر دولت به شدت افزایش یافت ۰ چنانچه وقتی دکتر عبدالصمد خان حامد معاون صدراعظم

به چخچران مرکز ولایت غور رفت تا اوضاع را مطالعه کند و چند خریطه گندمی را که به آنجا انتقال داده بودند بین مردم توزیع نماید ، تظاهر کنندگان و ساکنین آنجا محل جلسهٔ هیئت را سنگباران کردند ۰ در کابل نیز عکس العمل هائی تولید گردید که رویهمرفته جریان امور کلاً بسود روس ها بود وبوسیلهٔ گماشته های خود از آن بهره برداری می کردند ۰

علاوه بر قحطی و گرسنگی وضع امنیت نیز در اغلب نقاط کشور اسف انگیز بود و پای اداره چپان در اداره و اعادهٔ آن سستی میکرد ۰ قتل چهار سیاح فرانسوی در قندهار و دو نفر امریکائی بین راه کابل و جلال آباد و حوادث مشابه آن که همه روزه در گوشه و کنار کشور اتفاق می افتاد ، ضعف و بی کفایتی دستگاه حاکم رابخوبی تمثیل میکرد و دور نمای تاریک و غم اندودی را در اذهان مجسم می نمود ۰ بعقیدهٔ افراد کنجکاو و آگاه ، روس ها و ایادی شان در تمام این جنایات و ایجاد بد امنی دست داشتند و باتمام امکانات خود می کوشیدند سیر دیموکراسی را در افغانستان مختل سازند و زمینه را برای آنچه خود می خواستند مساعد سازند ۰

در گیری با شوری و استعفا

مجلس شورای ملی افغانستان در روزگار صدارت دکتر عبدالظاهر خان یا اصلاً به سبب پوره نشدن اکثریت اعضاء دایر نمی شد و یا به استیضاح از حکومت که آنهم اغلب جنبهٔ شخصی داشت ، روز گذرانی می کرد ۰ این وضع اغلب ناشی از آن بود که کمونستان در ایجاد بی نظمی و مختل ساختن شوری دست داشتند و سعی میکردند حکومات یکی بعد دیگر سقوط کند ۰ گرچه تعداد آنان در شوری اندک و نا چیز بود ، اما به انواع دسیسه وحیل و منافقت عده ای را می فریفتند و در صف خود قرار میدادند و به این ترتیب مرام خود را به پیش می بردند ۰

در خارج از شوری هم افراد وحلقه هایی بودند که بسویهٔ ملی و بین المللی دکتر عبدالظاهر را تخریب می کردند و برای رویکار شدن « شفیق » زمینه سازی می نمودند ۰ شاید به این امید که وزارت و ریاستی نصیب شان گردد و در سایهٔ او بیشتر استفاده کنند ۰ خلاصه در اثر تداوم این احوال ومخالفت های گوناگون و خرابی مناسبات با شوری دکتر عبدالظاهر خان هم تقریباً بهمان سر نوشتی مواجه شد که اعتمادی شده بود و بالآخره مجبور گردید استعفا بدهد ۰

موصوف در سوم ماه میزان ۱۳۵۱ از تصمیم خود به شاه اطلاع داد و تقاضای کناره گیری کرد ، لیکن شاه به سبب آنکه عازم ترکیه بود و نمیتوانست سفرش را به تعویق اندازد ، از دکتر عبدالظاهر خان خواست تا در مورد استعفای خویش غور و تجدید نظر کند ۰

دکتر عبدالظاهر خان که میدانست کاری از پیش برده نمیتواند و بهبودی در وضع نابسامان جامعه و شوری بوجود نخواهد آمد ، بتاریخ ۱٤ قوس ۱۳۵۱ = ۵ دسمبر ۱۹۷۲ مجدداً استعفایش را به شاه تقدیم نمود • اینبار استعفایش پذیرفته شد و دو روز بعد آن محمد موسی شفیق مامور تشکیل کابینه گردید •

فصل سیزدهم
صدارت محمد موسی شفیق

۱۶ قوس ۱۳۵۱ ـ ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ خورشیدی

از اوضاع جاری در دورۀ دیموکراسی بخوبی احساس می شد که شاه افغانستان برای عهده داری مقام صدارت افرادی را قبلاً در نظر داشت ویکی بعد دیگر استعداد و کاردانی آنان رابه آزمایش می گذاشت ۰ یکی از این افراد و مهم ترین کسی که شاه بالای او بیشتر از دیگران حساب میکرد و گمان میرفت روزگار درازی در کرسی صدارت باقی بماند ، محمد موسی شفیق بود ۰

اوبا دریافت اختیارات و صلاحیت های فوق العاده واتکاء به حسن نظر و اعتماد شاه ، کرسی صدارت را پذیرفت و با استفاده از حمایت و سفارش شاه توانست علی الرغم اسلاف خویش در یکروز از شوری رای اعتماد بگیرد وکار های خویش را زودتر آغاز نماید ۰ اما در صحنۀ عمل ، هم به اثر تخریب روس ها و ایادی شان و هم به سبب بعضی ناتوانی ها ، خلاها وضعف اداری خودش ، خیلی زود از پادر افتاد و زمینه برای کودتا مساعد گردید ۰ اینک دورۀ کار صدارت او را که بیش از هفت ماه وده روز طول نکشید ، به اجمال و قرار آتی ارزیابی می کنیم ۰

روابط با ایران و پاکستان

روس ها در جملۀ سایر طرح ها و فعـالیت هائی که برای منـزوی ساختن افغانستان و پخش و تعمیم نفوذ اقتصادی وسیاسی و نظامی خود در کشور ما داشتند ، دو موضوع عمـده واسـاسی رانیز تا آنجـا که توانستند دامن زدند واز آن بهره برداری کردند ۰ این دو موضوع عبارت بودند از نزاع و دعوی «پشتونستان» و تقسیمات آب هیرمند که سالیان دراز روابط مارا با دو کشور مسلمان و همسایه یعنی ایران و پاکستان در وضع اسفناک وخصمانه قرار داده بود و بهر پیمانه که این کشور های مسلمان از هم فاصله می گرفتند و دوری می جستند ، روس ها در افغانستان نزدیک ترمی شد ند و نفوذ آنان گسترده تر و وسیع ترمی شد ۰

شاه و شفیق بادرک این واقعیت و مجبوریت ها و مشکلاتی که افغانستان را تا حلق در مرداب بدبختی فرو برده بود ، ظاهراً می کوشیدند این دو غدۀ سرطانی را که روس ها بصورت تصنعی بر پیکر اقتصاد و سیاست افغانستان القاء کرده بودند ، از میان بردارند ۰

به اساس این تصمیم و اراده ، مذاکراتی که قبلاً در زمان اعتمادی با ایران آغاز شده بود ، بصورت جدی و وسیع از سر گرفته شدو مسایل مختلفی مورد بحث و مذاکره قرار گرفت ٠ در نتیجهٔ این مذاکرات وتماس ها که بسیار مثبت و سازنده بود ، دو طرف موافقت کردند تا موضوع تخنیکی تقسیمات آب هیرمند راحل کنند و در ساحات مختلف اقتصادی ، سیاسی وفرهنگی با هم همکاری نمایند ٠

به اساس تفاهم و توافق یاد شده ، حکومت ایران حاضر شد جهت حمل و نقل مال التجارهٔ افغانستان یک راه آزاد دریائی را از طریق بندر عباس در اختیار افغانستان قرار دهد ٠ این بندر ذریعهٔ احداث و امتداد خط آهن از راه کرمان شاه به گرشک و قندهار وصل می شد و امکان استفاده از منابع داخلی و صدور آن به خارج فراهم می گردید ٠(١)

اکمال این پروژه که قرار بود کار آن تا آخر سال ١٣٥٤ پایان یابد ، مشکل اساسی افغـانستـان نسبت به نداشتن راه ترانـزیت درخشکـه و آب برای همیش حل می شد و مامی توانسیتم با کشور های حوزهٔ خلیج و اروپامستقیماً داد وستد داشته باشیم ٠

علاوه برمسایل مذکور ، تلاش های دیگری نیز در جریان بود تاچهار کشور مسلمان منـطقـه (افغـانستـان ، ایران ، ترکیه و پاکستان) یک پیمان اقتصادی را امضاء کنند و برای بهبود احوال مردم و بلند بردن سطح زندگی کشور های خود ، از منابع ، تولیدات و تجارب همدگر استفاده نمایند ٠

برای تطبیق و عمـلی شدن اهـداف بالا ، نخست ازهمه دو طرف کار تخنیکی و فنی تقسیمات آب رود خانه هیر مند را بوسیلهٔ هیئت های منتخب خود ترتیب و تکمیل کردند و بتاریخ ٢٤ حوت ١٣٥١ هـ ش = ١٢ مارچ١٩٧٣ معاهده ای بین شفیق و هویدا صدراعظم ایران در کابل به امضاء رسید که به اساس آن این مشکل دیرینه حل شد و انگیزهٔ نزاع ازمیان رفت٠*

امضاء این موافقت نامه که ضمن اعلامیهٔ مشترک به اطلاع مردم رسانیده شد ، فصل نوی در مناسبات دو کشور گشود وفضای کین توزی و عداوت به برادری و محبت مبدل گردید ٠

باندهای پرچم و خلق موضوع آب هیرمند را بهانه قرار دادند و بدستور باداران خود

---

١ ـ ک: روزنامهٔ اصلاح ١٨ دلو ١٣٥١= ٨ فبروری ١٩٧٣ ٠

* قرار اظهارات اهل فن وافرادی که از نزدیک در قضیه وارد بودند، آب مورد نزاع اصلاً آبی بود که بصورت طبیعی در ریگ زارهای سیتان وهیرمند فرو می رفت ولی افغانستان اجازه نمیداد تا ایرانی ها آنرا مهار کنند واز آن برای آبیاری زمین های شان در آنسوی مرز مشترک استفاده نمایند ٠ با امضاء این قرارداد، افغانستان در بدل امتیازات زیادی که بدست آورد به حکومت ایران حق داد تابه اساس نظر و سنجش هیئت های دو طرف ، آب مذکور را بصورت فنی و اساسی مهار واز آن استفاده کنند ٠ متاءسفانه متن این قرارداد در اختیار بنده نیست تا آنرا غرض استفادهٔ خوانندگان عزیز نقل می کردم ٠

تبلیغات وسیعی را علیه شفیق براه انداخند وا او را به آبفروشی متهم کردند ٠ همان هائی که اینک آب و خاک افغانستان را خود از آمو تا تورخم و از اسلام قلعه تا واخان در اختیار روس ها قرار داده اند و از هیچ نوع دنایت و خیانت وجنایت و بی آبی هم ابائی ندارند ٠

تبلیغات روس ها و اجیران شان وضع شوری را نیز مختل گردانید و مدت ها از نصاب افتـاد ٠ البته افراد دیگری هم بشمول میوندوال و محمد داود خان بودند که فقط برای موضع گیری علیه حکومت ، بازی کردن با احساسات مردم ، جا خالی نمودن برای خود و ابراز ضدیت با ایران (بعضاً آنرا وطندوستی و فضیلت می دانستند) مسئلهٔ آب هیرمند را عمداً تحریف و به آن مخالفت می کردند ٠

باوجود این همه سنگ اندازی ها و جهت گیری های منفی ، شورای ملی در اول برج جوزای ۱۳۵۲ ه٠ش = ۲۲ می ۱۹۷۳ دایر گردید واز جملهٔ ۱۵۳ نفر وکیل حاضر در مجلس ۱۲۷ نفرآن رای مثبت و موافق دادند و موافقت نامهٔ آب هیرمند توسط وکلای دورهٔ سیزدهم به تصویب رسید ٠ همچنان موافقت نامهٔ مذکور بتاریخ نهم جوزا از مجلس (سنا) گزارش یافت و مورد تصویب و اجابت قرار گرفت ٠

دربارهٔ پشتونستان نیز نظرشفیق بران بود که دیگر بساطش را برچیند و موانعی را که چندین سال سد راه نزدیکی وهمکاری بین پاکستان و افغانستان بود ، از میان بردارد ٠

او دریک کنفرانس مطبوعاتی که بمناسبت امضاء موافقت نامهٔ آب هیرمند دایر گردیده بود ، روی این موضوع تماس گرفت و گفت امیدوار است که بتواند مسئلهٔ (پشتونستان) را با پاکستان نیز حل کند ٠ همچنان وی در پاسخ به سوال نمانیدهٔ جریدهٔ افغان ملت روی این موضوع به صراحت اظهار داشت که مانمیخواهیم افغانستان را قربانی پشتونستان کنیم و باید درهر امری منافع جامعهٔ افغانی خودرا در نظر داشته باشیم ٠

واقعاً دراینڍوره از پشتونستان و غوغای آن خبری نبود و پاکستان و افغانستان همد گر را به برادری و همکاری فرامیخواندند ٠ هرگاه اوضاع بهمین منوال ادامه می یافت ، امکان آن وجود داشت که افغانستان بجائی برسد واز اتکاء به روس نجات یابد ٠ اما سردمداران کرملن طرحی داشتند و نقشه ای که به هیچوجه از انجام آن روگردان نبودند و پیوسته می کوشیدند هرنوع اقدام وحرکت را در نطفه خنثی سازند ٠

روابط با روس

در سال های اخیر مسوولین کشور و مردم بخوبی درک کرده بودند که روس ها در دوستی خود با افغانستان خیانت کرده اند و کشور ما را از لحاظ اقتصادی و سیاسی به شکست مواجه ساخته اند ٠ بنابراین خواست دربار و شفیق و مصلحت ملی وعمومی کشور آن بود تا در روابط با روس و سایر همسایگان کلاً تجدید نظر شود و سیاست پوچ و بی

محتوائی که مدت ها چون تار عنکبوت پا و دست سیاست مردان را درهم پیچیده بود ، از میان برود • البته این تصمیم بدان معنی نبود که همه چیز به یکبارگی عوض شود و یا روس ها فوراً اخراج گردند ، بلکه میخواستند در حین آنکه با روس ها داد وستد دارند ، معاملات تجاری ، اقتصادی وغیره را با سایر دول نیز تقویت و توسعه بخشند و بدین ترتیب توازنی را در کلیه امور برقرار نمایند •

روی این حسن نیت ، شفیق درنخستین روز های صدارتش آقای دکتر عبدالصمد خان حامد و عبدالهادی داوی را بروسیه فرستادتا بحیث نمایندگان دولت در پنجاهمین سالگرد تاسیس نظام جدید روسی شرکت کنند • بهیمن ترتیب سعی می شد تا اخبار و مطالبی از فعالیت روس ها و کارشناسان شان در افغانستان ، روی اخبار و جراید نشر گردد و طوری وانمود شود که در روابط کابل با مسکو کوچکترین خلل و تغییری وارد نیا مده است وجریان امر کاملاً به روند عادی و تکاملی خویش ادامه دارد •

بتأسی از این روش در ۲۸ جدی ۱۳۵۱ ، اعلان گردید که درچاه جرقدوق ۳۸ میلیارد متر مکعب گاز کشف گردیده و جریان کار سایر چاههای گاز نیز اطیمنان بخش است •

در ۳۱ جنوری ۱۹۷۳ = دهم دلو ۱۳۵۱ ، اعلام شد که در سال ۱۹۷۳ م = ۱۳۵۲ ش حجم صادارت روسیه به افغانستان به چهل میلیون دالر ارتقا می یابد و از (بیرایت) هرات نیز بهره برداری بعمل خواهد آمد • چهار روز بعد آن خبری انتشار یافت که از ذخایر خواجه گوگردک و یتیم تاق از آغاز قرارداد تاآن تاریخ ۵ میلیارد و هفتاد و چهار میلیون مترمکعب گاز ، به شوروی صادر شده است •

متعاقب این هیاهو بتاریخ ۲ مارچ ۱۹۷۳ = ۱۱ حوت ۱۳۵۱ وزیر تعلیمات عالی روسیه وارد افغانستان شد و فردای آن «تخنیکم نفت و معادن» در مزار شریف افتتاح گردید • با افتتاح تخنیکم مذکور یکی از لانه های جاسوسی دیگر روسیه عملاً در کشور ما آغاز بکار کرد و بروس ها امکان بخشید تا بعضی از شاگردان افغان را همانند پولی تخنیک کابل ، بخدمت خود درآورند •

اواخرحوت ۱۳۵۱ ش پنجاهمین سال معاهدهٔ دوستی افغانستان و روسیه با گرمی خاص تجلیل گردیده روزنامه ها و جراید از این روز استقبال کردند و بانشر مقالات و سر مقاله ها آنرا گرامی داشتند •

قرضهٔ یکصد میلیون روبل روسی که در پلان انکشافی چهارم به افغانستان وعده شده بود ، در شوری به تصویب رسید و با تمام اخلاص کوشش می شد طبع روس ها مکدر نشود • ولی روس ها باوجود تظاهر به همکاری ، از رویکار آمدن شفیق به شدت ناراض بودنـد وازهمان آغـاز او را متـمایل به غرب می دانستند • این نارضائی بعد از نزدیکی افغانستان و پاکستان و امضای موافقت نامهٔ آب هیرمند ، دو بالا گردید و بخوبی احساس

می شد که روس هادرتب و تاب اند ۰

در این احوال شاه افغانستان جهت توضیح سیاست های جدید حکومت و اطمینان دادن به روس ها از پادگورنی صدر هیئت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد شوروی دعوت کرد تا از افغانستان مجدداً دیدن کند ۰ این دعوت بسرعت عمل شد و پادگورنی بتاریخ ۳۱ ثور ۱۳۵۲ مطابق ۲۱ می ۱۹۷۳ خود را با عجله و شتاب بکابل رسانید ۰ گرچه محتوای مذاکرات ایشان افشانشد ، اما از جریان پیدا بود که شاه و شفیق میخواستند روس هارا نسبت به مسایل و مشکلاتی که افغانستان به آن مواجه بود ، در جریان گذارند و به رهبران کرملن اطمینان دهند که تماس و نزدیکی با ایران و یا دریافت کمک از دیگران وبطور کلی برنامه ها و اقدامات جدید هرگز بضد روس ومنافع آن در افغانستان نخواهد بود ۰

اما روس هابنابه خبث باطن و نقشه های شوم و شیطانی خویش سعی داشتند افغانستان را از نزدیکی و همکاری با ایران و پاکستان باز دارند و بجای آن طرح (امنیت آسیائی) رامورد بحث و پذیرش قرار دهند ۰

این طرح در اصل و اساس ماهیت ضد چینی داشت و زمانی توسط بریژنیف عنوان شد که جنگ ویتنام کم کم پایان می یافت و چینائی ها گاه گاه از پشت دیوار چین کله کشک می کردند و میخواستند از آن محدوده پا فراتر گذارند و باکشور های منطقه در ساحات اقتصادی و تجاری همکاری کنند ۰

روس هاکه تقریباً بعد از جنگ دوم جهانی در کشور های آسیائی یکه تاز بودند و هستی آنان را به عناوین مختلف می بلعیدند ، سر سختانه تلاش داشتند از چین (هیولای خطر) ترسیم کنند و به کشور های منطقه فشار آورند تا از نزدیکی و تماس به آن خود داری ورزند ۰ این مطلب را پادگورنی در دعوتی که شاه برای مهمانان روسی خود ترتیب داده بود ، فاش کرد و اظهار داشت که :

«حالاحق داریم تا دربارهٔ تاسیس یک سیستم قابل اعتماد امنیت در قارهٔ آسیا بحیث یک مسئلهٔ فوری و عاجل سخن بگوئیم ۰ حاجت به بیان نیست که بگوئیم حل این مسئله آسان نمی باشد ۰ بقایای استعمار نه تنها بر عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی بسا کشور های آسیا ، بلکه بر اختلافات سابق ارضی و دیگر مسایل شان که تاحال دوام دارد نیز تاثیر داشته است ۰

استعمار گران هنوز هم سعی دارند تابا مساعی مربوط به تقویت صلح در آسیا مخالفت ورزند ۰ عظمت طلبان * در همکاری با استعمار گران میخواهند در آسیانقش بارز داشته باشند ۰»(۱)

* کلمهٔ «عظمت طلب» اصطلاحی بود که روس ها معمولاً دربارهٔ چین بکار می بردند ۰

۱ ـ رک : روزنامهٔ «اصلاح ۰ انیس» اول جوزای ۱۳۵۲ ۰

پیشنهاد مذکور که عملی شدن آن بصورت قطع ویقین عواقب ناگواری داشت و تسلط اقتصادی و نظامی و سیاسی روس رادر منطقه پایه گذاری میکرد ، در دورهٔ حکومت اعتمادی با قاطعیت و جدیت رد گردیده بود ۰ ولی اینبار.موضع گیری حکومت چندان قاطعیت نداشت و اعلامیهٔ مشترک در زمینه به این مضمون ترتیب یافته بود که :

«۰ ۰ ۰ بادر نظر داشت این موضوع که احترام به اصول زیست باهمی میان دول دارای سیستم های مختلف اجتماعی و سیاسی راه موثری برای تاسیس صلح دوام دارهم در آسیا وهم در قسمت های دیگر جهان می باشد ، اتحاد شوروی و افغانستان یکبار دیگر اعلام میدارند که برای اینکه امنیت در آسیا تاءمین گردد ، برای همه کشور های منطقه ضروری است تادر این راه مساعی مشترک بخرچ دهند ۰»(۱)

جای شک نیست که پیشنهاد روس ها با اصل بیطرفی و سیاست عنعنوی افغانستان مغایرت داشت و حکومت هرگز نمی خواست درآن شامل شود ، اما عباراتی که در اعلامیه بکار رفته بود ، این مطلب را بصورت ضمنی تائید می کرد ۰ به عبارت دیگر زمام داران افغانستان آرزو داشتند هم از روس ها خاطرداری نمایند و هم برنامه ها و کارهائی را بمرحلهٔ اجرا در آورند که اربابان کرملن قلباً به آن ها مخالف بودند ۰

همزمان با مسافرت پادگورنی و موجودیت آن در کابل ، موضوع آب هیرمند در شوری به تصویب رسانیده شد واین امر در حد خود ضربه ای محسوب می شد که برای روس هاغیر قابل تحمل بود ۰

بهر حال ، پادگورنی از این سفر دست خالی برگشت و نتوانست مطلوبش رابر زعمای افغانستان تحمیل کند ۰ لیکن اطلاعاتی که در مذاکرات خود ازنحوهٔ تصمیم ، اهداف وبرنامه های جدید حکومت بدست آورد ، باعث شد تابه اقدمات فوری و جدی متوسل گردند ۰

یک هفته بعد از سفر پادگورنی اعلان گردید که روسیه چهل هزارتن سمنت از افغانستان خریداری می کند ۰ این خبر و معامله بحدی ناچیز و بی مقدار بود که ارزش خبری راهم نداشت ، مع هذا روس هامی کوشیدند با حفظ خون سردی وشعارهائی از این قبیل ، حکومت افغانستان را اغفال کنند و کارهای خود را مخفیانه انجام دهند ۰

حکومت کابل نیز با فراغ خاطر برنامه های خویش را دنبال میکرد و از فتنه ای که روس ها در فکر ایجاد آن بودند ، هرگز گمان و اطلاعی نداشت ۰

---

۱ ـ رک : روزنامهٔ «اصلاح ـ انیس» ۷ جوزای ۱۳۵۲ ۰

حکومت شفیق و کمونستان

جای تردید نیست که هم شفیق و هم صدراعظمان قبل از وی از لحاظ فکری و عقیده وی باکمونیزم و کمونستان مخالف بودند ۰ ولی افغانستان در اثر سیاست های منفی وتصمیمات عجولانه و شتاب زدهٔ دورهٔ صدارت محمد داود خان به نحوی در دام روس ها افتاده بود که صدراعظمان بعد از وی نیز یارای تپیدن و رهیدن از این دام نداشتند و سازش و مصلحت را نسبت به هر اقدامی ترجیح میدادند ۰

قرضه های کمرشکن ، استثماری و خاینانهٔ روس و نظر مساعد شاه به داشتن حسن روابط با مسکو ، افغانستان را بحیث یک پایگاه فکری کمونیزم در آورده بود و کمونستان میتوانستند بسیار به سهولت حکومت هارا تحت فشار قرار دهند ۰ چنانچه کارنامه های ننگین آنان را خود بچشم خویش دیدیم و در مباحث قبلی این کتاب شواهدش را تذکر دادیم ۰

شفیق هم با وجودی که میخواست در برنامه های سیاسی و اقتصادی اش ابتکاراتی رویکار آورد و روابط افغانستان را با سایر کشور ها ، مخصوصاً همسایه های دیگر افغانستان بهبود بخشد ، سر از دوستی روس ها برنتافت ، بلکه برعکس بگفته آقای کشککی وزیر اطلاعات و کلتور کابینهٔ شفیق و دوست و همکار نزدیک آن :

«آنچه شفیق در نظر داشت انجام بدهد به هیچصورت انگیزهٔ ایجاد پایگاه مخاصمت آمیزی رابر ضد اتحاد شوروی نداشت ، بلکه او در نظر داشت پیشرفت و تعالی و انهماک افغانستان رابه اصول ملی و قانون اساسی آن در چوکات روابط نزدیک و صمیمانهٔ آن با اتحاد شوروی عیار سازد ۰ اما هدف همسایهٔ شمالی افغانستان این بود تا آن کشور (این کشور) را بیک کشور کمونستی متکی به شوروی مبدل سازد ۰»(۱)

آری ! شفیق به اساس این خط فکری و ابتکاراتش که حتی در نظر داشت نسبت به روابط افغانستان و روس هم ابتکار کند ، یکی از پرچمی های شناخته شده (نعمت الله پژواک) رادر کابینهٔ خود بحیث وزیرداخله مقرر کرد که میتوانست ازدورترین روستاهای افغانستان تاارگ شاهی را تحت نظر و ادارهٔ خود داشته باشد و هرچه دلش بخواهد انجام دهد ۰ در سایر وزارت خانه هاهم نقش کمونستان و تقرر آنان به سمت های مهم و حساس چشمگیر بود و بصراحت میتوان گفت که گماشته های روس درهیچ دوره ای تا این حد پست های دولتی را در اختیار نداشتند ۰

شاید شفیق فکرمی کرد که میتواند با این اقدام و روش ، خشنودی روس ها ورضائیت کمونستان وابسته به مسکو را جلب کند واز شر آشوب و غوغای شان در امان بماند ، ولی

---

۱ ـ رک: دههٔ قانون اساسی صفحهٔ ۹۳ ۰

روس ها وایادی شان با استفاده از این فرصت کار و برنامه های خودرا دنبال می کردند و شفیق رابه شدت تخریب می نمودند ۰

علاوه بر آنچه گفته آمد ، قراینی وجود داشت که دو طرف به همکاری و نزدیکی بیشتر بایکدگر تمایل داشتند ۰ حکومت غرض پُت کردن دهان کمونستان و ایشان جهت سوء استفاده وبهره برداری و جابجا ساختن افراد و اعضای حزب خود در دستگاه حاکم ۰ آقای کشککی در دهه قانون اساسی، خود به این مطلب اشاره فرموده می گوید:

«کارمل پیشنهاد همکاری خود را با حکومت برای این نگارنده در زمستان ۱۹۷۲ هنگامی تقدیم کرد که من بحیث وزیر اطلاعات و کلتور ایفای وظیفه میکردم ۰ درهمان ملاقات خود او پیشنهاد کرد تا دکتر عبدالغیاث صافی که بعداً در رژیم های کمونست بحیث یک کمونست سرسخت تبارز کرد ، بحیث مشاور در وزارت صحیه مقرر شود ۰

صدراعظم شفیق چند روز بعد از این ملاقات کارمل برایم گفت که پرچمی ها مجلسی دریک اپارتمان مکروریان بر پاداشته بودند و دران دربارهٔ دایر کردن یک مظاهرهٔ ضد حکومت پلان می چیدند ۰ من کارمل را برای بحث بر این موضوع نزد خود خواستم و برایش گفتم که در روشنائی پیشنهاد او مبنی برهمکاری پرچم با حکومت ، جای تعجب است که حزب او چنین مجلسی دایر کند ۰ کارمل که از آگاه شدن حکومت از مجلس پرچمی ها به تعجب افتاده بود ، کاملاً از دایر شدن چنین مجلسی انکار کرد ۰»(۱)

واقعاً حکومت شفیق از برپائی تظاهرات و ایجاد بد امنی به شدت تشویش داشت و برای جلوگیری از چنین امری ترجیح میداد حتی به سفارش پرچمی ها گوش دهد و رفقای شان رابه کرسی های دلخواه مقررنماید ۰

باوجود آنکه بعضی از همکاران شفیق حکومات قبلی رابه اتهام جلوگیری از برپائی تظاهرات و مانع شدن رشد سیاسی مردم محکوم می کنند ، خود در این مورد برهمه پیشی گرفتند و تا آنجاز یا ده روی کردند که از برپائی تظاهرات در روز کارگرهم بنام اینکه حکومت آنرا تجلیل می کند ، جلوگیری نمودند ۰

پرچمی ها با درک این ضعف و خلاء و موقع مناسبی که برایشان دست داده بود ، در اکثر ادارات بشمول ارگان های نشراتی نفوذ کردند و بعضی از آنها را بحیث وسیلهٔ نشر افکار و اندیشهٔ خود قرار دادند ۰ جالب آنکه روزنامهٔ کاروان این نقش را بیشتر به عهده

---

۱ ـ دههٔ قانون اساسی صفحهٔ ۱٤۸ ۰ لازم به تذکراست که دکتر عبدالغیاث صافی سالها قبل از رویکار آمدن رژیم کمونستی در افغانستان استاد فاکولتهٔ طب کابل بود وتمام محصلین، استادان و کسانی که در جریانات سیاسی کشور وارد بودند از همان وقت او را به صفت یک کمونست سرسخت می شناختند ۰

گرفت و صفحات آن بوسیلهٔ عبدالحق واله مدیر مسوولش در اختیار کمونستان قرار داده شد ۰

این روزنامه طوری بیباک و مطمئن به منافع روس ، حزب پرچم و مخالف ارزش های قانون اساسی نشرات میکرد که سوال هائی را در اذهان برانگیخت و حتی شاه افغانستان تحت فشار افکار عامه نگرانی اش را در این موردبه وزیر اطلاعات و کلتور گوشزد فرمود ۰ این موضوع را جناب آقای کشککی به این ترتیب تذکرداده می نویسد :

«متاءسفانه در هنگامی که من بحیث وزیر کارمی کردم کارمل (هم صنف فاکولته با عبدالحق واله مدیر کاروان) کاروان را بحیث یک وسیلهٔ فراکسیون پرچم حزب دیموکراتیک خلق افغانستان بکار می برد ۰ این وضع نیز اسباب تشویش زیاد حکومت شفیق را بار آورده بود ۰» **یکی دو سطر پیشتراز این می گوید :**

«پادشاه بمن گفت : مابا کاروان بسیار مشکلات داریم ، صرف نظر از اینکه موقف خودت چه می باشد ، مردم فکر می کنند که جریده به نمایندگی خودت بحیث وزیر اطلاعات و کلتور حرف میزند ۰

من آرزو نداشتم که کاروان نشرات خودرا متوقف سازد ۰ زیرا از آن چنین استنباط می شد که احراز مقام وزارت برایم نسبت به جریده مهم تربود ۰»(۱)

واقعاً سوال انگیز و تعجب آور است که چگونه در برابر این همه تشویش و نگرانی ناشی از نشرات کاروان که از دربار تا بازار را فرا گرفته بود هیچکس جرئت نداشت تصمیم بگیرد و یا نمیخواستند راجع به آن عکس العمل نشان دهند!!

این جریانات مبیّن آنست که مصلحت های شخصی در افغانستان بر هرامری مرجع بود و روس هابحدی در کشور ما حاکمیت داشتند که هیچکس حاضر نمی شد نسبت به اعمال و فعالیت های غیر قانونی آنان و گماشته های شان اقدام قانونی کند ۰

خلاصه شفیق برعکس جرئت و جسارتش در سایر موارد ، نسبت به روس ها و عمال شان ناتوانی از خود نشان داذ ۰ بحدی که نعمت الله پژواک عضو کابینه اش بار بار از اوامر اوسر کشی می کرد و شفیق باهمه غرور و خود خواهی و صلاحیتش آنرانادیده می انگاشت۰ برای مثال در این مورد بازهم به نوشتهٔ آقای کشککی استشهاد می شود که می گوید :

«۰۰۰ در نزدیک شهر جلال آباد ، در منطقهٔ ثمرخیل باری یک تعداد اشخاص بریک موتر سیاحان خارجی فیر کردند ، این حادثه شفیق را خیلی ها مشتعل ساخت و اوامر صادر کرد که یا والی ولایت ننگرهار درظرف ۴۸ ساعت مسوولین این فیر را

---

۱ ـ دههٔ قانون اساسی صفحهٔ ۱۷۲ ۰

پیدا کند یا از وظیفه اش سبکدوش شود ٠ شفیق خواست از اوامر او در این مورد خبری نشر شود ولی پژواک بحیث وزیر داخله با نشر این خبر مخالفت کرد و صدراعظم نیز در برابر او تسلیم شد ٠

حکومت فیصله کرد تابه احترام از مقام کارگر ، خود روز کارگر را تجلیل کند ٠ ولی ضمناً شفیق خواست تا از موضوع به رهبران احزاب سیاسی تذکر داده شود که از مظاهرات ضد حکومتی در روز اول می خود داری کنند ، زیرا اینک حکومت این روز را تجلیل می کند ٠ در مجلس وزراء از پژواک بحیث وزیر داخله تقاضا شد تا بعد از ظهر همان روز رهبران جمعیت های سیاسی را بخواهد و موقف حکومت را برای شان ابلاغ کند ٠ پژواک از ابلاغ این موضوع به رهبران جریان های سیاسی خود داری کرد واز این رو من (وزیر اطلاعات و کلتور) این وظیفه را بدوش گرفتم ٠»(۱)

خوانندهٔ دقیق و باهوش از جریانات یاد شده میتواند دریافت کند که کشور ما درچه وضعی قرار داشت و سلطه و سیطرهٔ روس تا کدام مرحله پیش رفته بود :

در روشنی این اوضاع و احوال میتوان گفت که اغماض حکومت در برابر حرکات غیر قانونی افراد وابسته به مسکو و مساعی آن جهت جلب خشنودی روس ها ، دیگر ماهیت سدی را داشت که از کاغذ در مسیر سیل خروشانی ساخته آید و کدخدای شهر فارغ البال و ایمن باشد و فکر کند که با این سد میتواند خانه و مزرعه اش را از ویرانی و تباهی نجات بخشد ٠ ولی عواقب اینگونه سدها معلوم است و ماهم بدبختانه دیدیم که نتایج آن چه بود و بکجا انجامید !

مشکلات دیگر

علاوه بر اینکه شفیق توسط روس ها و کمونستان تخریب می شد با مشکلات و دشواری های دیگری نیز دست و گریبان بود ٠ او میخواست حاکم جامعه ای باشد ، آرام ، مطیع ، بی سر و صدا و دور از غوغا ها و رقابت ها و کشمکش های سیاسی ٠ اما اوضاع در افغانستان بگونه ای درآمده بود که چنین چیزی امکان نداشت ٠ آزادی مطبوعات (شخصی) ، بالابینی ، نظارت ، انتقاد و استیضاح شوری ، جنجال احزاب سیاسی و امثال آن ، هریک بنوبهٔ خود مسایل و مشکلاتی بود که شفیق نمیتوانست به آسانی و بی درد سر در برابر آنها مقابله کند ٠

گرچه با پرداخت ۳۰ فیصد مصارف طباعتی جراید و ۲۰ فیصد مصارف طباعتی روزنامه های شخصی از بودجهٔ دولت(۲) که حکم رشوهٔ سیاسی و حق السکوت را داشت ، توانست

---

۱ ـ دههٔ قانون اساسی صفحهٔ ۸۵ـ۸۶ ٠

۲ ـ دربارهٔ تادیهٔ این پول به جراید شخصی رجوع شود به : دههٔ قانون اساسی صفحهٔ ۸۳ ٠

بعضی از آنهارا مهار کند واز شر زبان و قلم شان ایمن گردد ، لیکن تطبیق اینکار بر شوری و یا احزاب سیاسی ناممکن بود • بنابر این شفیق برای ازاله و از بین بردن این مشکل به تدابیر دیگری متوسل گردید که نه تنها گرهی را باز نکرد بلکه بر دشواری ها افزود و از اعتبارش کاست •

آری ! درماه ثور ۱۳۵۲ ش دورهٔ سیزدهم شوری بپایان میرسید و باید مطابق به قانون اساسی در کشور انتخابات میشد • اما شفیق ازبیم آنکه مبادا در دورهٔ جدید افراد با نفوذ و مخالف حکومت در شوری راه یا بند و برای او درد سر ایجاد نمایند ، از یکطرف انتخابات را بصورت غیر رسمی به تعویق انداخت و خواست تاحد اقل یکسال از جنجال شوری فارغ باشد واز سوی دیگر در نظر داشت در این مدت قانون شوری و قانون مطبوعات را بسود خود تغییر دهد • حتی سعی میکرد بعضی از مندرجات قانون اساسی بشمول حق نظارت قوهٔ قضائیه را بر انتخابات از بین ببرد •

این اقدام و تلاش گویای آن بود که مردم و آرای شان در افغانستان اصلاً ارزشی نداشت و آقایون قدرتمند و قانون ساز هرچه میل و منافع شان اقتضاء می کرد ، اداره و سیاست افغانستان را بهمان گونه عیارمی ساختند • زیرا شفیق خود در زمرهٔ کسانی بود که در ترتیب و تنظیم قانون اساسی افغانستان و حتی گنجانیدن بعضی از ماده های جنجال برانگیز در آن ، سهم بارز داشت • آنوقت قانون اساسی را طوری آراستند که سود خود شان دران مضمر بود ، اینک بازهم تلاش میکرد تابخاطر خود و بقای حکومتش آنر تغییر دهد •

در هر صورت قوهٔ قضائی افغانستان تصمیم شفیق را دربارهٔ سلب حقوق قضا و تغییر قانون اساسی رد کرد و سخن بجائی کشید که باید شخص شاه در قضیه مداخله می کرد و آنرا حل می نمود •

بتاریخ ۱۶ می ۱۹۷۳ = ۲۶ ثور اعلان شد که پادشاه تقرر یک کمیتهٔ مشترک اجرائیه و قضائیه را هدایت داده است تا این رکود را حل کند ، لکین باوجود اعلام این خبر و مساعی شفیق برای جلب توجه شاه ، از اوضاع چنین برمی آمد که وی هرگز راضی نبود تا در قانون اساسی دستبردی صورت گیرد و آنچه را خود توشیح فرموده بود ، به آن زودی نقض کند •

اساس این اقدامات و کوشش هرچند توأم باحسن نیت بود و معلوم می شد که میخواهند جای غوغا های بیهوده و روز گمی در افغانستان ، کار شود و گامی به جلو برداشته آید ، ولی شیوه ای که برای عملکرد آن اتخاذ شد در اذهان عامه و حتی دربار نوعی درماندگی و ناتوانی تعبیر گردید و بقای حکومت شفیق را متزلزل ساخت •

برنامه ها و اجرآت شفیق

شفیق شخص با استعداد ، با هوش و پر کاری بود و میخواست در کلیه امور اعم از اقتصادی و اجتماعی و سیاسی تحولات وابتکاراتی بوجود آورد ۰ هرگاه مجال می یافت و برنامه هایش از قوه به فعل در می آمد ، بدون شک میتوانست کارهائی انجام دهد ۰ او در نخستین روز های صدارتش طرح یک دستگاه تصفیهٔ نفت را رویدست گرفت و بتاریخ ۲۷ قوس ۱۳۵۱ ، اعلام گردید که چنین دستگاهی به ظرفیت سالانه صد هزار تن نفت، اعمار خواهد شد ۰ البته این موضوع در وقت اعتمادی نیز اعلان و مطرح شده بود ، اما سرنخ بدست روس ها بود و به هزار ویک بهانه نگذاشتند که افغانستان گامی به جلو بردارد و حد اقل از نفت خود کفاشود ۰

اوسعی داشت کارها و برنامه هایش را با جدیت و سرعت انجام دهد و رکود و اسلوب دیرینـه و منفی را ازمیان بردارد ۰ لذا در انـدک مدتی علاوه برحل موضوع آب هیرمند و رویدست گرفتن طرح امتداد خط آهن از قندهار تابندر عباس ، قرضه هائی راهم که بعضی از کشور های خارجی وعده داده بودند، بسرعت درشوری به تصویب رسانید ۰

با توجـه به این امکانات در ۷ ۲ ثور ۱۳۵۲ ش اعلان شد که (۱۵۰) پروژهٔ صحی و صنعتی بمصرف ٤۵۰ میلیون افغانی اعمار میگردد که با بکار افتادن و بهره برداری از آنها قسمت زیادی از نیاز مندی های کشور تاءمین خواهد شد ۰ همچنان در ۲۳ جوزای ۱۳۵۲ ش ، خبری انتشار یافت که ده فابریکهٔ مختلف به مصارف (۲۳۰) میلیون افغانی ساخته خواهد شد ۰

بتاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۵۲ شورای ملی افغانستان به شفیق اجازه داد تابرای تمویل و بکار انداختن ٤۸ پروژهٔ صنعتی ازهر منبعی که میتواند کمک دریافت نماید ۰

این پروژه ها و سایر موسسات صنعتی که بعضاً سرمایه گذاری خارجی نیز دران ها منظور گردیده بود ، هم از لحاظ کاریابی برای بیکاران، وهم از جهات تولید و سرمایه گذاری و هم از جنبـه های رفع نیاز مندی های کشور و بکار افتادن منابع داخلی ، ارزش خاص اقتصـادی داشتنـد که یقیناً بر اوضاع اقتصادی کشور و زندگی مردم اثرمی گذاشت ۰ مخصوصاً توجه به این امرکه باید به منابع داخلی اتکاء شود و ثروت های طبیعی افغانستان مورد بهره برداری قرار گیرد ، از هر جهت مفید و امیدوار کننده بود ۰

در ساحهٔ معارف نیز توجه خاصی بملاحظه میرسید و احساس می شد که با عملی شدن برنامه های دولت جلو نفوذ استعمار فرهنگی و مسموم ساختن افکار و اندیشهٔ جوانان معارف بسرعت گرفته خواهد شد ۰ فکر تاسیس مرکز تحقیقات اسلامی در دانشگاه کابل (گرچه دروقت اعتمـادی رویدست گرفتـه شده بود) وتاسیس وزارت تعلیمات عالی وازسرگیری موثـر

و عملی پروژهٔ سواد آموزی وغیره ، از جمله کارهائی بود که بصورت جدی دنبال میگردید ۰
واقعاً شفیق در مدت کم کارهای زیادی را براه انداخت وهمین تپش و تلاش و دوربینی از تحول در افغانستان بود که روس هارا وارخطاساخت و بران شدند تانقشهٔ تسخیر افغانستان را هرچه زود تر عملی کنند و نگذارند تا لقمهٔ چرب و نرمی را که سالها برای دست یابی به آن صرف مساعی کرده بودند ، به آسانی و سادگی از دست بدهند ۰

لغزش های آگاهانه

بدانگونه که شفیق از دانش و زیرکی سیاسی واز هوشیاری و کار آگاهی برخوردار بود ، طبیعتاً بحیث یک انسان لغزش ها و اشتبا هاتی نیز داشت که مهم ترین آنها بدین شرح است ۰

الف ـ موضع گیری در برابر محمد زائی ها : او در ایام افتادگی اش که بحیث مشاور در وزارت امور خارجه بسرمی برد ، نسبت به برخورد محمد زائی های این وزارت در برابر خود ، احساس حقارت میکرد و سخت ناراض به نظر میرسید ۰ این امر مسلماً او را بران داشت تاحین رسیدن بقدرت از ایشان انتقام گیرد و به آنان توهین و تحقیر روا دارد ۰ چنین تصمیم و برخوردی سران محمد زائی را وادار ساخت تا از طریق مختلف و وسایل متعدد علیه شفیق تبلیغات کنند و محمد داود را در سرنگونی او و کسب قدرت تشویق نمایند ۰ یکی از عللی که محمد داود حاضر شد به تقاضای روس ها در سرنگونی رژیم پاسخ مثبت دهد ، شاید همین موضوع بوده باشد ۰ حتی این تصور وجود دارد که ممکن است شاه در اثر فشارهای خانوادگی و مایوس شدن از او ضاع تن به مصالحه داده باشد و باخروج خویش از کشور بازگشت مجدد محمد داود را به صحنهٔ قدرت فراهم نموده باشد ۰

ب ـ آزرده ساختن غرب : کشور های غربی با تمام امکانات و علاقه مندی میخواستند شفیق رادر عملی شدن برنامه های اقتصادی واجتماعی و کاستن از نفوذ روس یاری دهند ۰ چنانچه نمونه های آنرا قبلاً تذکر دادیم ۰ اما شفیق دراثر منهدم ساختن کلیسائی که مسیحیان برای انجام امور مذهبی خود اعمار کرده بودند ، حمایت و یاری آنانرا به تاءثر و بی میلی مبدل ساخت ۰

کلیسائی که از آن صحبت می کنیم در دارالامان کابل و در مجاورت سفارت روسیه قرار داشت و فکر می شد که غربی ها بعلاوهٔ انجام مراسم مذهبی خود حرکات و فعالیت های جاسوسی روس هارا نیز از این طریق تحت نظر داشته باشند ۰

یکی از مهندسین جوان که در جملهٔ سایر اعضای هیئت مامور ارزیابی و تخریب کلیسای مذکور بود به نگارنده گفت:

«دیدن کلیسا و سبک معماری آن همهٔ مارا بهت زده ساخت ، راهبه ها از شنیدن تخریب کلیسا به زاری تمام می گریستند و می گفتند با ویرانی این عبادتگاه شاهم آباد

نخواهید شد ۰ ما از طریق رئیس بلدیهٔ کابل به شفیق عرض حال کردیم که بجای تخریب کلیساء مذکور، از آن بحیث موزیم ، کتابخانه ویا سایر امور فرهنگی استفاده شود ، ولی شفیق در پاسخ برآشفت و گفت : من نمیخواهم کسی برای من سیاست بیاموزد ، فوراً تخریبش کیند !»

بدی کار درهمین جابود و مشکل همین ۰ هریک از ما که برمسند قدرت تکیه می زدیم خودرا عقل کل و کمال کل می انگاشتیم و هرچه در کلهٔ مامی گنجید ، همان خیر و مصلحت و سیاست بود ورای و مشورهٔ دیگران به پشیزی هم ارزش نداشت ۰

اصلاً موجودیت کلیسا در کشوری مثل افغانستان و آنهم در دور ترین نقطهٔ شهر کوچکترین ضرری نداشت واسلام بزرگتر و قوی تراز آن است که از معبد مسیحی دریک قلمرو اسلامی تشویش داشته باشد ۰

بعضاً برای تبرئه شفیق در اینکار مدعی اند که اعمار کلیسا در افغانستان مخالف اسلام بود و علاوه بران خارجی ها حق نداشتند در افغانستان زمین بخرند ۰

معلوم نیست این آقایون چنین فتواهائی را ازکجا و چگونه صادرمی کنند و چرا میخواهند برای اقامهٔ دعوا و تبرئه کارهای نادرست خود ، اسلام را وسیله قرار دهند و آنرا حقیر و متحجر معرفی نمایند !! آیا همین اکنون در اغلب کشور های اسلامی بشمول پاکستان کلیسا وجود ندارد ؟ آیا اینها (نغوذ بالله) مسلمان نیستند؟

واقعاً عجیب است ! همهٔ ما بچشم می دیدیم که هر سال دربین خانه های مسلمانان و دریکی از نواحی پر جمعیت شهر کابل (درمسالی) اعمارمی شد ، اما کسی نمی گفت که این عمارات مراکز شرک و بت پرستی و مخالف اسلام است ، ویرانش کنید!

حتی درگردنهٔ باغ بالا و حصّه دوم کارتهٔ پروان جائی برای مسجد تخصیص داده نشده بود ، ولی هندو ها درمسال بزرگ ومجللی دران جا درست کرده بودند که نه تنها کسی مانع شان نشد بلکه بعضاً والی ها و روسای بلدیهٔ کابل هم هر سال یکی دوبار سری به آنجا میزدند ، و در مراسم (ویساک) شرکت می کردند ۰

کذا ده هاتیاتر و سینما و (صحنه های ثابت وسیار) در گوشه و کنار مملکت مشغول نمایش و منحرف ساختن جوانان بودند ولی کسی اعتراض نمیکرد که (مخالف اسلام است) نابود گردند ۰ تنها عمارت کلیسا و آنهم از اهل کتاب که خود نیز به کتاب و پیغمبر شان ایمان داریم ، بزعم ایشان (مخالف اسلام بود) و باید ویران می شد ۰

همچنان تعدادی ازهندو های هندوستان همه ساله به کمک و استشارهٔ آن دولت به افغانستان می آمدند و بهترین زمین هارا در مهم ترین و حساس ترین نقاط شهرمی خریدند وخانه آبادمی کردند و به کرایه می دادند ، اماهیچکس مانع نمی شد که خارجی ها حق خرید زمین را ندارند !! نیمه ای از باغ های کوهدامن ولوگر و شش کروهی کابل را همین

ها خریده بودند و همه روزه هم می خریدند ، لیکن چون پای هند درمیان بود و برای روس ها کارمی کردند ، آهی از نهادی برنمی آمد و نامی از قانون و بی قانونی درمیان نبود ۰ اما در برابر اعمار کلیسا احساس اسلامی شان گل کرد و بیاد قانون افتادند و بحکم اینکه خریداری زمین آن مغایر قانون است ، آنرا ویران کردند ۰

بفرض اینکه زمین کلیسا خلاف قانون خریداری شده بود و حکومت شفیق حق داشت دران مداخله کند ، ضبط تعمیر و استفاده از آن بحیث یک مرکز فرهنگی چه موانعی داشت ؟ و چرا آنرا ویران کردند ؟

چرا راستش رانمی گویند که شفیق اینکار رابه اثر درخواست روس ها انجام داد و فکر می کرد که با این عمل میتواند از اتهام تمایل به غرب تبرئه حاصل کند و روس ها دیگر موانعی برسر راهش ایجاد نکنند ! در حالی که اقدام به چنین کاری هیچگونه فایده ای نداشت و علاوه برآنکه گماشتگان روس به تبلیغات خود علیه شفیق کماکان ادامه دادند ، غربی ها را نیز نسبت به او بدبین ساختند ۰

ج ـ تجمل پرستی : شفیق با صرف نظر ازضعف ها و خلا های شخصی که همهٔ ما به تناسب احوال خود کم و بیش داریم ، در مصرف بیت المال و هزینهٔ دولت نیز فوق العاده بی اعتنائی وزیاده روی میکرد ۰ دعوت ها و شب نشینی های مجلل وباشکوه اویاد بعضی از (لوئی های فرانسه) را در خاطر ها تداعی می نمود که به هیچوجه با اوضاع و احوال کشور گرسنه و قحطی زدهٔ ما تناسبی نداشت ۰

پولی که او در یک شب صرف مهمانان خارجی میکرد بدون تردید میتوانست افراد دهکده ای رابرای یکهفته اعاشه کند و یا مصارف یکساله دوای آنان را تکافو نماید ۰ این دریا دلی ها و کته خرچی ها در حالی صورت می گرفت که هنوز هم در غور و بادغیس و چخچران و بدخشان صد ها نفراز گرسنگی وبیماری جان میدادند و کسی در ذکر و فکر آنان نبود ۰

شفیق خوش داشت آخرین (مدل) و معروفترین (موتر) را در هرکجا که باشد خریداری کند و برایش فرقی نداشت که بهای آن چند است واز حبیب چه کسی تاءمین می شود ۰ چنانکه (موتری) را از فرانسه خرید و توسط طیاره بکابل آورده شد که مسلماً مصارف کرایهٔ آن بذات خود بهای یک (موتر) بود ۰

دیگران هم با پیروی از وی به هزینه های مصرفی خود افزوده بودند ۰ تشکیلات عریض و طویل وزارت خانه ها وباب شدن تشریفات و (مود) پرستی ، میلیون ها افغانی پول دولت راهمه روزه درحبیب دلالان (موتر) می ریخت و خریداری چوکی ومیز جدید جزء وظایف روزمرهٔ ادارات محسوب می شد ۰ به جرأت میتوان گفت که مصارف اداری هفت ماه صدارت شفیق مبلغ هنگفت و قابل ملاحظه ای را احتوا میکرد که با سایر دوره ها هرگز قابل مقاسیه نبود ۰

آماده شدن زمینه برای کودتا

در جریان آنچه گفته آمد، تذکار رفت که روس ها از زمان (پتر) به بعد ایجاد امپراطوری وسیعی را بشمول رسیدن به آب های گرم جنوب و تسخیر خلیج فارس در نظر داشتند و این هدف شوم و استعماری خویش را آهسته آهسته با اشغال ترکستان به پیش بردند ۰

جا نیشنان تزارها به سرکردگی لینن و ستالین ، دو آدم کش معروف نقشهٔ پتر را دنبال کردند و بخارا رابه تصرف خود در اوردند ۰ همزمان با اشغال بخارا طرح تسخیر افغانستان را نیز روی دست گرفتند و بیش از شصت سال حیله وخدعه بکار بستند تا چنین زمینه ای رامساعد ساختند ۰

در دورهٔ به اصطلاح دیمو کراسی کار های باقیماندهٔ خود رانیز به سرعت انجام دادند و ضمناً اجیران خودرا در اردو ، معارف ، دانشگاه ، مطبوعات ، ادارت دولتی ، کارخانه ها و جامعه سازماندهی نمودند ۰

قرضه های روس و شبکه های آن بحدی سنگین و وسیع شده بود که هیچکس مجال نفس کشیدن نداشت و هر صدراعظمی هم که رویکارشد با الهام از دربار و برای بقای احتمالی خود سراز خط فرمان نتافت ۰ بعضاً که آرزو داشتند پر و بالی بیفشانند واز دام روس ها وا رهند ، باتیر دسیسه و تهمت هدف قرار گرفتند و بسرعت کنار زده شدند ۰

روس ها با درک این بیچارگی و تسلیم و بی خصلتی دستگاه حاکم بر افغانستان گامی به پیش نهادند و برای اینکه طرح خود را درکشور ما آرام وبی دردسر بمرحلهٔ اجرا در آورند ، موضوع (پیمان امنیت آسیائی) را رویدست گرفتند ۰

روس ها فکر کرده بودند که هرگاه افغانستان چنین پیمانی را بپذیرد ، بصورت طبیعی در منطقه و جهان تجرید میشود و مجبور می گردد سیادت مسکو را بپذیرد و در جملهٔ اقمارآن قرار گیرد ۰ در انصورت ایشان نیازی به لشکر کشی و مصارف و پذیرش رسوائی بین المللی نخواهند داشت ۰

و هرگاه افغانستان از قبول آن سر باز زند ، و انگاه بفکر دگرگونی نظام و مداخلات نظامی شوند و برای کودتا نقشه کشند ۰

زعمای افغانستان که میدانستند توطئهٔ (امنیت آسیائی) در قدم اول علیه «چین» است و پذیرش آن بیطرفی عنعنوی کشور را نقض می کند و برای شان حکم مرگ و نابودی را خواهد داشت ، باوجود فشارهای پیهم و مکرر روس ها ، آنرا رد کردند و در گرما گرم آن معضلهٔ (پشتونستان و آب هیرمند) را نیز که روس ها سال ها آنرا دامن میزدند و مارا از دو طرف در محاصرهٔ سیاسی و اقتصادی کشانیده بودند ، از بین بردند ۰

(شجاعت شفیق در این دو مورد قابل ستایش است ۰)

اربابان کرملن باتوجه به این جریانات و از بیم آنکه مبادا افغانستان از زنجیری که بپایش بسته اند خود را وا رهد و سیاست ملی و مستقلی را در پیش گیرد و منافع استعماری و سلطهٔ روس بخطر افتد ، تصمیم آخرین خودرا گرفتند و به طرح کودتا صحه گذاشتند .

اوضاع دراردو و جامعهٔ افغانستان هنوزهم بگونه ای بود که گماشتگان روس به تنهائی از عهدهٔ انجام چنین امری برنمی آمدند و مسکوهم دران مرحله نمی خواست که خود در کشور ما لشکر کشی کند . بنابر این جهت زمینه سازی و راه پاک کردن برای یک نظام روسی ، نخست مصلحت دران دیدند تا با دوست صمیمی و همکار قدیم و کهن سال خود (محمد داؤد خان) درتماس شوند و او را برای کودتا و واژ گونی سلطنت تشویق و تحریک نمایند .

محمد داود خان که خود شیفتهٔ قدرت بود و در تخریب دیموکراسی و صدراعظمان ایندوره آشکارا دست داشت ، این پیشنهادرا پذیرا شد و دو طرف جهت عملی کردن آن آمادگی گرفتند .

این تصمیم وقتی گرفته شد که پادگورنی از سفرش به افغانستان (۳۱ ثور ۱۳۵۲) مایوس برگشت و نتوانست شاه وشفیق را از تصمیم شان دربارهٔ کنار آمدن با ایران وپاکستان وردّ پیشنهاد (پیمان امنیت آسیائی) باز دارد ومرام خویش را چطوریکه میخواست به آنان بقبولاند .

اتفاقاً افغانستان در حالتی قرار داشت که باهمه علاقه به دوستی روس ها دیگر نمیتوانست از راهی که اختیار کرده بود برگردد و خواه نا خواه باید این تختهٔ نرد را تا آخر بازی می کرد .

به مجرد باز گشت پادگورنی به روسیه تعدادی از صاحب منصبان جوان افغانی را که دران کشور مشغول آموزش فنون نظامی بودند ، بکابل فرستادند و به افسرانی هم که قبلاً آنان را به محمد داود خان معرفی و آشنا ساخته بودند ، امر آماده باش دادند .

عبدالحمید محتاط یکی از افسران کودتاچی پس از انکه محمد داود خان اورا از کابینه اخراج کرد ، در برابر نکوهش یکی از و طنداران خود گفته بود که : «ما اصلاً از موضوع خبر نداشتیم ، برای ما در مسکو دستور داده شده بود که با محمد داود خان همکاری کنید ، ماچه می فهمیدیم که خصلت سرداری او عوض نشده است .»

درست یکنیم ماه بعد از سفر پادگورنی به افغانستان یعنی در ۱۸ سرطان ۱۳۵۲ ، یکصدوبیست تانکست روسی وارد کابل گردیده و در قوای چهار زرهدار شایع شد که ایشان جهت آموزش کاربرد تانک های (۶۲) برای افراد افغانی ، به افغانستان آمده اند و بخاطر آن آمادگی گرفته می شود که شاه، اعضای کابینه و شوری از تانک ها و تانکست

های جدید دیدن می کنند ۰(۱)

این حالت مبیّن آنست که اقدام به کودتا خیلی عاجل واضطراری بوده است و محمد داود و رفقایش هنوز هم نتوانسته بودند در بین افسران و افراد اردو تانکست ها و افراد مورد نظر خودرا به تعداد کافی جلب کنند و تشویش داشته اند که همکاری خواستن از تانکست های افغانی باعث ناکامی شان خواهدشد ۰

بهرحال ، تانکست های روسی را در (کلوپ عسکری) جا بجا ساختند و همین هابودند که در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ش تانک هارا بسوی ارگ و رادیو کابل بحرکت در آوردند و همه چیز از بنیاد واژگون گردید ۰

عواملی که باعث سرعت و موفقیت کودتاشد

از آنچه تذکار رفت چنین برمی آید که کودتا در افغانستان امر حتمی بود و دیر یازود باید عملی می شد اما ناهنجاری ها و عواملی یاری کرد که کودتای مذکور بسیار بسرعت وسهولت انجام یافت و شیرازهٔ امور ازهم گسیخت ۰ این عوامل وعمده ترین آن عبارت بودند از :

الف ـ سفر غیر مترقبه و ناگهانی شاه بخارج

شاه چند روز پیش از آنکه کودتا صورت گیرد ، بصورت آنی و بدون برنامهٔ قبلی عازم لندن شد و از آنجابه ایتالیا رفت ۰ یک مامور آگاه و عالی رتبهٔ وزارت دربار در سال ۱۹۸۶م به نگارنده گفت:

«شاه جهت سفر بخارج اصلاً برنامه ای نداشت ۰ یکروز صبح وقتی که بدربار تشریف آورد ، دستور داد تا فوراً به دکتر معالج چشم او در لندن تماس گرفته شود تا برای معاینات چشم وی آماده باشد ۰ در حالی که هیچگونه ناراحتی در چشمان او بشماهده نمیرسید وکاملاً صحت بود ۰ همچنان اوامر و هدایات دیگری در احضار بعضی افراد و اشخاص صادر کرد و ازهمان لحظه رخت سفر بست ۰

افرادی هم که جریان سفر و بار و بنهٔ غیر عادی شاه را درمیدان هوائی مشاهده کرده بودند ، چنین حدس می زدند که موصوف از نقشهٔ کودتا اطلاع داشته و عمداً از کشور خارج شده است ۰

اغلب آگاهان سیاست به این عقیده اند که شاه بعد از مدتی در اطمینان و باورش نسبت به موفقیت و حکومت داری شفیق متردد شده بود ۰ زیرا بهمان اندازه که او در سیاست خارجی خود باجرئت و شهامت عمل کرد ، در برابر قضایا وجریانات داخلی با عجز

---

۱ ـ از جملهٔ شاهدان عینی در این مورد یکی هم دگرمن دین محمد خان برادر مسعود قوماندان پنجشیر است که دران ایام در قوای ٤ زرهدار جگرن بود ۰

و درماندگی مواجه شد ۰ مثلاً در گیری اوبا قوای قضائیه ، به تعویق افگندن انتخابات شورای ملی و تلاش برای تجدید نظر در قانون اساسی و نظایرآن ، همه در حد خود روشنگر این واقعیت بود که شفیق توان مقابله با مشکلات و در گیری های سیاسی معمول در شوری و جامعه رانداشت و باید شاه در هرمورد مداخله میکرد واو را یاری می داد ۰ یا برهمه قوانین افغانستان خط می کشید و آنها را مطابق به خواست خود بازسازی می نمود ۰

این ضعف و ناتوانی بحدی محسوس بود که شفیق نمیتوانست حتی در برابر نشرات ضد اسلامی و ضد قانون اساسی روزنامهٔ کاروان و مدیر مسوول آن ، تصمیم بگیرد واز نشر آن جلوگیری کند ۰ همچنان اوقادر نبود تانعمت الله پژواک را نظر به عدم اطاعت و سر پیچی از اوامرش ، تبدیل و یا عزل نماید ۰

این موضوعات و مسایل دیگری که در بالا به بعضی از آنها اشاره شد ، همه دشواری هائی بود که شاه در آن وضع و حال هرگز نمیتوانست نسبت به آن هابی اعتنا بماند ، و مسلماً به این نتیجه رسیده بود که بار کشور داری و مسؤولیت بردوش شفیق سنگینی می کند ۰

ولی از انجا که دیگر از مهره بازی های سیاسی خسته شده بود و ممکن نبود بیش از این آنرا ادامه دهد ، راهی نداشت جز اینکه یا بهمان حال و سقوط و نابودی احتمالی اش تن در دهد و یا جهت بازگشت مجدد محمد داود خان به صحنهٔ قدرت موافقت نماید ۰

بنابر این از باور بدور نیست که دو طرف در زمینه به توافق و تفاهم رسیده باشند و شاه به این فکر که با بر کناری شفیق و آرامش روس ها بازهم میتواند به کشور برگردد وبه سلطنت خویش ادامه دهد ، رهٔ سفر اختیار وجاه رابرای محمد داود خان خالی کرده باشد!!

اما در عمل قضیه رنگ دیگر گرفت و کمونستانی که محمد داود را در کودتا یاری داده بودند ، دیگر نگذاشتند تا اوضاع بحال اول برگردد ۰

سردار عبدالولی در مسافرت شاه به لندن او را همراهی میکرد ، اماپس از ۳ روز بوطن برگشت و این امر در ذات خود معمائی بود که جز شاه کسی آنرا نمیدانست ۰

ب ـ <u>ازهم پاشیدگی اردوی افغانستان</u> : قبلاً جای جای به این نکته اشاره کرده ایم که در اثر تماس و سفر های بیشمار جنرال خان محمد خان وزیر دفاع به روسیه و حاکم بودن مشاوران روسی در اردوی افغانستان ، نظم و دسپلین عسکری بکلی از هم گسیخته بود و در نتیجهٔ فعالیت های مداوم گماشتگان روسی بعضی از افسران و افراد اردو ماهیت افغانی و اسلامی و روحیهٔ سر بازی و وطن دوستی را بکلی فراموش کرده بودند۰ تعصب ، تبعیض و بی عدالتی ها در تقرر قوماندان ها و افسران بالا رتبه و اوضاع آشفته و نابسامان افراد ارتش که حتی از نان و لباس ایشان نیز سوء استفاده می کردند ، قشله های عسکری را به دخمه های سرد و کرختی تبدیل کرده بود که نه احساسی در آنها وجود داشت و نه

حرکتی ٠

وزیر دفاع توانائی و عرضهٔ آنرا نداشت تا در برابر دستورات و تحزیبات و پیشنهادات روس ها مقابله کند واز انجام کارهائی که به ضرر منافع ملی افغانستان تمام می شد جلوگیری نماید ٠ او فقط مقام وزارت را غنیمت می شمرد وسفر های مکرر مسکو را ٠

از آنچه در قطعات مختلف اردو می گذشت ، چیزی نمیدانست و باری هم به قشله های عسکری قدم رنجه نیمکرد تا از نزدیک جویای احوال شود ٠

حتی روس ها با استفاده از ضعف و بی خبری وزیر دفاع وصلاحیت خویش ، در آستانهٔ کودتا جاهای حساس و مهم را توسط دوستان محمد داود ویا عمال خود پر کردند ٠ چنانچه جنرال مستغنی که از ارادتمندان خاص محمد داوٗد خان محسوب می شد بحیث رئیس قوای زرهدار مقرر گردید واسلم وطن جار وسرور نورستانی که هردو کمونست وازعمال روس بودند ، در قوای چهار زرهدار پست های فعال و مهمی را اشغال نمودند و همین ها و رفقای شان بودند که به همکاری تانکست های روسی درنیمه شب قیام کردند و کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ را قوام بخشیدند ٠

در اثر همین غفلت وبی خبری بود که شب کودتا وزیر دفاع را از زیر خانهٔ منزلش کشیدند ودست بسته با خود بردند ٠ اردواز جای خود تکان نخورد و فردای آن جنرالان و افسرانی که هنوزهم از دنیا بی خبر بودند و باچشمان خواب آلود و کسل زده راهی سرباز خانه ها و دفتر های خود بودند ، همه در حصهٔ دهمزنگ کابل گرفتار وموقتاً در باغ وحش زندانی گردیدند ٠

ج ـ غرور بیجا و غفلت سردار عبدالولی : به عقیدهٔ اکثر آگاهان امور ، یکی از عللی که محمد داود خان را درکار برانداختن نظام و شفیق تشویق و تحریک کرد و بدرخواست روس ها لبیک گفت ، عقده و کینه ای بود که او علیه عبدالولی داشت و قبول چنین امری باشناخت حالات روانی محمد داود کاملاً درست به نظر میرسید ٠ زیرا موصوف از زمان کود کی تاکهولت یکه تاز و ناز دانهٔ خانوادهٔ خود بود و هیچکسی از محمد زائی های مربوط بدربار ، بشمول خود شاه نمیتوانستند مانع کارهای او شوند ویا جلو تصمیمات افراطی و خود سرانهٔ او را بگیرند ٠ ولی با بر کناری اش از عهدهٔ صدارت ، سردار عبدالولی این نقش را بعهده گرفت و تاحدی در امور نظامی و ملکی و حتی خانوادگی مداخله میکرد که این وضع محمد داود را به شدت رنج میداد و برایش دور از تحمل بود ٠ عبدالولی هم در برابر او بی اعتنائی میکرد و همین کار خشم او را بیشتر برمی انگیخت وحس کین توزی و انتقام جوئی اش بیشتر تحریک می شد ٠

واقعاً سردار عبدالولی بعد از شاه شخص دوم محسوب می شد و بهمین علت بین او و شاهزاده احمد شاه نیز روابط نیکی وجود نداشت ٠

نافذ بودن دستورات او بر امور ملکی و نظامی و موقعیت عسکری اش بحیث قوماندان خود کامه و پر صلاحیت قوای مرکز ومراجعه و کرنش افراد مختلف درنزد او ، وی را بیش از حد مغرور و غفلت زده ساخت و فکر می کرد نسیمی از فراز ایوانش نخواهد گذشت ۰

افراد وارد در جریان می گفتند هنگامی که سازمان های اطلاعاتی دولت راپور احتمالی وقوع کودتا و لست افراد آنرا برایش تقدیم کردند ، او از فرط غرور اشاره ای به کلاه جنرالی خود کرد و گفت : این اردو و مملکت را کلاه من کافی است که اداره کند ، هیچکس نمیتواند غلطی انجام دهد ۰

او فکر می کرد که قطعهٔ کوماندو و افسرانی راکه به اساس تعصب و پایه های قومی و سمتی انتخاب و مقرر کرده است ، میتوانند ازوی حمایت کنند و درهنگام ضرورت او را تاپای جان یاری دهند ۰ ولی هرگز تصور نیمکرد که حتی افراد و قطعاتی هم که او به آنها اطمینان و اتکاء داشت در اختیارش نبودند و در موقع آزمایش یک لحظه هم درنگ نکردند ۰

بروایت دیگر سردار عبدالولی سه روز پیش ، از نقشهٔ کودتا اطلاع حاصل کرد و موضوع را تلفنی به احمد شاه وکیل مقام سلطنت و فرزند بزرگ شاه اطلاع داد ۰ اما وی بجای اینکه در فکر چاره اندیشی شود و برای جلوگیری از کودتا اقدام کند ۰ بامحمد داود خان تیلفونی تماس میگیرد و می گوید که بعضی افراد چنین و چنان می گویند و میخواهند بین ما اختلاف اندازند ۰ بنابراین محمد داود خان برنامهٔ کودتا را تغییر می دهد و آنرا دو روز قبل بمرحلهٔ اجرا در می آورد ۰

اما اینکه چرا سردار عبدالولی بحیث قوماندان قوایمرکز ، خود در این باره اقدامی نکرد و فقط بدفاع از خود وخانهٔ خوذ پرداخت ، سوالی است که حدس مردم را دربارهٔ توافق شاه بامحمد داود، روی تعویض قدرت ، تائید می کند ۰

شفیق هم به آمید اینکه اردوئی هست و پولیس و جنرال ها وافرادی و هریگ آگاه و سرگرم وظیفهٔ خویش ، بحدی در اینباره اهمال و اغفال ورزید که فردای آن شب در عالم بی خبری او را از محل اقامتش (قرغه) دستگیر کردند و بزندان بردند ۰ و به این ترتیب بساط سلطنت در افغانستان برچیده شد و نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آن از هم پاشید ۰

فصل چهار دهم
کودتای محمد داود خان
شب ۲٦ سرطان ۱۳۵۲ خورشیدی
یا
نقطهٔ عطفی در تاریخ و حیات مردم افغانستان

شب ۲٦ سرطان ۱۳۵۲ یا شبی که هرگز در خاطر ها نبود و از خاطر ها نمی رود تاریخ چندین سالهٔ افغانستان را ورق زد و فصل نو و صفحهٔ جدیدی را درآن باز نمود • شبی که پاسداران امنیت و برچه داران منافع سلطنت را خواب عمیق و مرگباری در خود فرو برده بود و مسوولان امراعم از ملکی و نظامی مست از بادهٔ غرور و بی اعتنائی بربستر های نرم خویش پهلو می زدند و غرش توپ ها و تانک ها هم ایشان را از جا تکان نمیداد •

آری! در چنان شبی اندک تعدادی از افسران پائین رتبهٔ اردو که ابتکار عمل و قدرت نظامی کودتا در دست آنان بود ، تحت نام و رهبری محمد داود تانکهای خویش را بحرکت در آوردند و پیش از آنکه مردم شهر از خواب بخیزند و آفتاب نور خود را به شهریان کابل نثـارکنـد ، تقـریباً همه جا را به تصرف خویش در اوردند و اراکین دولت بشمول شفیق صدراعظم ، جنرال خان محمد وزیر دفاع و سردار عبدالولی قوماندان قوای مرکز را دستگیر و زندانی نمودند • میگویند دران شب از جملهٔ آنهمه جنرال ها و افسران اردو تنها عبدالولی اندک مقاومتی در خانه اش کرد ولی بزودی تسلیم شد ، و دیگران حتی اعتراض لفظی هم نکردند • یگانه جائی که زد و خوردی صورت گرفت و تعدادی از افسران و سپاهیان کشته شدند ، گارد شاهی بود و بس •

جنرال ها و فرماندهان اردو با اینکه در هر دوره ای از ترفیع خود و یا حد اقل حین فراغت از آمـوزشگـاه های شان ، به قرآن و شمشیر و شرف سوگند یاد می کردند تا از آزادی ، نوامیس ملی و نظام شاهی بجان خویش دفاع کنند ، همه چیز را از یاد بردند و از کودتای محمد داود استقبال کردند • شاید برای این جنرال ها و افسران عالی رتبه که سالها دور از غوغاها و در کمال آرامش بسر برده بوند ، تغییر افراد و نظام مفهومی نداشت و فکر می

کردند محمد داود خان ایشان را بیشتر خواهد نواخت و به حیثیت و اعتبار و معاش شان افزوده خواهد شد ۰ ممکن بعضاً گمان می کردند که این دگرگونی و تحول یک سازش و تفاهم خانوادگی است و باید فرصت را از دست ندهند ۰

سحرگاه آن شب محمد داود پیام کودتا و تبریکی نظام جمهوری را از طریق رادیو کابل بمردم ابلاغ نمود که همه را حیران و بهت زده ساخت ۰ زیرا بسا افراد حتی در خود کابل هم از آنچه در شب اتفاق افتاده بود خبر نداشتند ۰

محمد داود در این پیام خود علل و انگیزه های کودتا را برشمرد و خط مشی و اهداف نظام جدید را باز گو نمود ۰ آنچه اهمیت داشت این بود که او در اولین پیام خویش باز هم از «پشتونستان» یاد کرد و آتش خاکستر گرفته را بار دیگر دامن زد ، و آنچه مردم نمیخواستند دیگر بشنوند ، شنیدند ۰ او ده سالی را که خودش از قدرت و فرمانروائی برکنار بود ، یکدورهٔ رکود خواند و از تحولاتی که در این مدت در کشور بوجود آمده بود ، بنام دیموکراسی «قلابی» یاد نمود ۰ اینک متن کامل بیانیهٔ محمد داود خان که بنابه اهمیت تاریخی اش جهت استفادهٔ خوانندگان در زیر نقل می شود :

«بسم الله الرحمن الرحیم

خواهران و برادران عزیز سلام!

بنده در طول مدت مسئولیتهای مختلف در خدمت وطنم همیشه در جستجوی هدفی بودم که برای مردم افغانستان مخصوصاً طبقات محروم و نسل جوان مملکت ، یک محیط مثبت و واقعی نشونمای مادی و معنوی میسرگردد و در آن همه افراد وطن ما بدون تبعیض و امتیاز در راه تعالی و عمران وطن خودسهم گرفته و احساس مسوولیت نمایند ۰

مدتها سپری شد ومساعی زیادی بعمل آمد تا عواملی را که نظر به تجارب به شکل های مختلف مانع رسیدن به چنین هدفی می شد تدریجاً از بین برداریم و مخصوصاً در مملکت امنیت قابل اعتباری قایم سازیم که تحول مثبت اقتصادی و اجتماعی را بصورت سالم اجازه دهد ، به نسل جوان احساس مصئونیت بخشد و از نشونمای خرافی و ارتجاعی جلوگیری کند ۰

پس از طی این مراحل دیگر علتی سراغ نداشتم که در وطن ما صفحه جدیدی بغرض رسیدن به هدف فوق باز نگردد ۰ من برای سعادت آیندهٔ وطن خود جز قایم ساختن یک دیمو کراسی واقعی و معقول که اساس آن بر خدمت به اکثریت مردم افغانستان برقرار باشد راه دیگری سراغ نداشتم و ندارم ۰ به نظر بنده تهداب اصلی چنین یک وضع اجتماعی ، تاءمین کامل حقوق مردم و اعتراف کامل به اصل حاکمیت ملی است که نباید به دو اصل فوق ظاهر یا پوشیده خللی وارد شود ۰

این آرزوی مقدس بود که مرا وا دار ساخت ده سال قبل من و رفقایم پیشنهاد آخرین خود را بحضور شاه پیش و تطبیق آنرا برای خیر و سعادت ملت افغانستان تمناکنم ۰ آن آرزوی مقدس چرا به این بی سروسامانی مملکت منجر گردید و چرا آن رفقای ضعیف النفس از اصل هدف منحرف وراه خطائی را تعقیب کردند داستانیست بس طولانی که تفصیل آن در این فرصت کوتاه گنجایش ندارد و در فرصت مساعد البته به اطلاع هموطنان عزیز رسانیده خواهد شد ۰

بهر صورت نتیجه آن شد که آن امیدهای دیرینه وآن آرزوهای نیک بیک دیموکراسی قلابی که از ابتدا تهداب آن بر عقده ها و منافع شخصی و طبقاتی ، بر تقلب و دسایس ، بر دروغ وریا و مردم فریبی استوار گردیده بود ، مبدل گردید ۰ اما تمام اینهمه تبلیغات دروغی در ظرف همین ده سال نتوانست حقایق تلخی را که عبارت از انحطاط وورشکستگی مطلق وضع اقتصادی ، وضع اداری ، و وضع اجتماعی و سیاسی مملکت باشد از انظار ملت افغانستان و دنیای خارج بپوشاند ۰

خلاصه دیموکراس یعنی حکومت مردم بیک انارشیزم و رژیم سلطنت مشروطه بیک رژیم مطلق العنانی مبدل شد و هر کدام از این قدرت ها بجان همدگر وبجان مردم افتادند و به پیروی از فورمول تفرقه انداز و حکمرانی کن آتشی را درسر تاسر مملکت افروختند تا بتوانند در سایهٔ این فضای ملوث وتیره و تار پر از بدبختی و فقر و فلاکت مقاصد شوم مادی و ممکن سیاسی خود را حاصل نمایند ۰

وطن پرستان در هر گوشه و کنار مملکت که بودند این حالت رقت بار وطن خود را بایک دنیا تأسف و تألم نگاه میکردند و مراقب احوال وطن خود بودند ۰ مخصوصاً اردو این در درا ازهمه بیشتر احساس می کردند و به امید اینکه امروز و فردا این دستگاه فاسد و فرسوده بالآخر از وضع بدبخت ملت مطلع و به اصلاح خود خواهد کوشید انتهای صبر و تحمل را بخرچ دادند اما نتیجه ثابت ساخت که این امیدها بکلی بیجا ورژیم ودستگاه دولت بحدی فاسد گردید که دیگر امید و انتظاری برای اصلاح آن باقی نماند ۰ لذا همه وطن پرستان خاصه اردوی وطن پرست افغانستان تصمیم گرفت که دیگر به این نظام فاسد خاتمه داده شود و وطن از این ورطهٔ بدبختی نجات یابد ۰

هموطنان عزیز! باید به اطلاع شما برسانم که دیگر این نظام از بین رفت و نظام جدیدی که عبارت از نظام جمهوریت است و با روحیهٔ حقیقی اسلام موافق است جاگزین آن گردید ۰ رفقای من ومن از صمیم قلب این اولین جمهوریت افغانستان عزیز را بشما تبریک میگویم و آنرا برای سعادت و سرفرازی افغانستان و ملت افغانستان مسعود ومیمون میخواهم ۰

اردوی فداکار افغانستان بهر کجا و هر گوشه و کنار مملکت که هستید این موفقیت

را بهمهٔ تان تبریک می گویم یقین دارم همچنان بوظایف خود که عبارت از تاءمین امنیت وحفظ حاکمیت ملی افغانستان است مواظب خواهید بود ٠

نظام نوین طبعاً باخود ریفورم های بنیادی دارد که تفصیل آن در این فرصت کوتاه ممکن نیست و در آیندهٔ نزدیک به اطلاع هموطنان عزیز خواهد رسید ٠

سیاست خارجی افغانستان باساس بیطرفی ، عدم انسلاک در پیمان های نظامی و قضاوت آزاد خود مردم افغانستان استوار خواهد بود ٠

سیاست بین المللی افغانستان براساس تمنیات ملی کشور برای حیات مادی ومعنوی مردم ما طرح گردیده است ٠ از روی مساعی و آرزومندی های ملی مابطور واضح معلوم میٔ شود که براوردن تمنیات ما بیشتر از همه چیز به صلح جهانی نیازمند است ٠ هیچ کشور جز در پرتو صلح گیتی نمیتواند به آرزوهای ملی خود موفق آید ٠ چون ما بیشتر از همه کس خود را نیازمند سعی در راه انکشاف مملکت خود میدانیم بیشتر از همه کس خواهان صلح و سلام جهان هسیتم ٠

از این رو پایهٔ نخستین سیاست افغانستان صلح خواهی و دوستی با همه مردم و ملل جهان است ٠ در این آرزومندی هیچگونه تبعیض در مورد هیچ کشور یا مردم چه خورد وچه بزرگ ، چه دور و چه نزدیک در نزد ما وجود ندارد ، این ارادهٔ مستقل از تمنیات مردم افغانستان سرچشمه میگیرد ٠ عنصری که سیاست بیطرفانهٔ عنعنوی افغانستان را امتیاز می بخشد ، صراحت و صمیمت آشکار آن است که از استقلال ارادهٔ ملی افغانستان نمایندگی می کند ٠

باین اساس روابط مودت افغانستان با دول متحابه پایهٔ تزلزل ناپذیر خود را استوار نگهداشته و در توسیع و تشئید مزید آن از طرق دپلوماسی ، تماس های شخصی ، ایجاد وجلب همکاری بین المللی سعی بعمل خواهد آمد و آرزوی ما این است که از آن نتایج مثبت و عملی گرفته شود ٠

این نظام اساسات منشور ملل متحد را که هدف آن سعادت و آرامش دنیای بشری است ، ملحوظ و محترم می شمارد ٠

در مورد روابط ما با پاکستان که یگانه کشوری است که روی قضیهٔ پشتونستان با آن یک اختلاف سیاسی داریم و تاکنون بحل آن موفق نگردیده ایم ، سعی دایمی ما برای یافتن راه حل قضیه پشتونستان دوام خواهد کرد ٠

در خاتمه یکبار دیگر این موفقیت بزرگ ملی را به هموطنان عزیز خویش تبریک گفته و از همه وطن پرستان خاصه اردوی فداکار افغانستان که از هیچگونه سعی و کوشش مقدور و خالصانه دریغ ننموده اند از صمیم قلب اظهار تشکر و امتنان خود را تقدیم می کنم ٠

چون سعی و آرزومندی مانمیتواند نقطهٔ انجام داشته باشد دوام این همکاری از طرف همه افراد خاصه طبقه جوان کشور از تمنیات ملی همهٔ ماست و بدریافتن آن امید قوی دارم ۰ زنده باد افغانستان پاینده باد جمهوریت ۰»(۱)

کسانی که دوره های کار محمد داود خان را در افغانستان بچشم ندیده باشند و یا از شیوه و عمل کرد اداری وسیاسی آن بی خبراند واز نیّت و سیرت وی نسبت به طبقات واقشار مختلف افغانستان اطلاعی ندارند ، بعد از مطالعهٔ این بیانیه گمان خواهند برد که محمد داود فرشتهٔ رحمت و عطوفت و برادری و برابری وعدالت و آزادی و دیموکراسی بوده است ، و در ده سالی که او برسر قدرت نبود ، ملت افغانستان از این نعمات بهره ای نداشته است!

البته مسایلی از قبیل مطلق العنانی ، انارشی ، تفرقه اندازی ، سود جوئی های شخصی و طبقاتی ، دروغ ، تبعیض ، دسیسه ، تقلب ، خود کامگی و امثال آن که محمد داود روی آنها انگشت نهاده است ، در دورهٔ مورد نظر او وجود داشت ، ولی این پدیده ها و بدبختی ها نه تنها میراثی بودند که از دورهٔ صدارت خود او سالها قبل از آن در جامعه بر جا مانده بودند ، بلکه دردههٔ تجدید قانون اساسی و دیموکراسی نیز بوسیلهٔ او و همکارانش دامن زده می شد و شخص وی در ایجاد تمام انارشی ، خود کامگی ، و فساد وبی نظمی ایندوره دست داشت و دوشادوش روس ها وایادی شان سعی میکرد تا از رشد و تطبیق دیموکراسی در افغانستان جلوگیری شود ۰

به تلخی و تأثر باید گفت که محمد داود خان ، خود طبیعتاً با آزادی ، مشروطیت ، دیموکراسی و حکومت قانون ، مخالف بود ۰ چنانچه خلاف این گفتار هایش در اولین روز کودتا ، قانون اساسی را منسوخ اعلان کرد ، دروازهٔ شورا را برای همیش بست و بساط جراید و نشرات شخصی را درهم پیچید و در حقیقت دیموکراسی را با سرنیزه کشت و آنرا در گورستان استبداد دفن نمود ۰

بهر حال ، شهر کابل در روز اول کودتا منظرهٔ عجیبی داشت ۰ کمونست ها بطور عام و پرچمی ها بصورت خاص ، مردم را به استقبال از رژیم جدید فرامیخواندند و در کوچه ها و خیابان ها با ابر از احساسات توجه رهروان رابخود جلب می کردند ۰ فردای آن برای ادارهٔ امور کشور یک شورای انقلابی تشکیل گردید و ادارات دولتی کار خویش را از سرگرفتند ۰

چند روز بعد تریعنی در برج اسد ، محمد داود از طرف شورای انقلاب بحیث صدراعظم و رئیس دولت انتخاب گردید و اقدام به تشکیل کابینه کرد، درنخستین کابینه ای که

۱ـ بیانیهٔ تاریخی ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هـ ش محمد داود خان از طریق رادیوی کابل ، به نقل از رسالهٔ : بیانیه ها ، پیام ها و مصاحبه های مطبوعاتی محمد داود خان ، چاپ وزارت اطلاعات و کلتور ، از ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ــ سرطان ۱۳۵۳ ۰

او تشکیل داد، شش نفر از اعضای حزب کمونست وابسته به مسکو عضویت داشتند ۰ اینها عبارت بودند از :

۱ ـ حسن شرق بحیث معاون صدارت (از افراد غیر نظامی) ۰

۲ ـ باختری پسر خالهٔ ببرک بحیث وزیر زراعت (از افراد غیر نظامی ، عضو پرچم) ۰

۳ ـ نعمت الله پژواک به صفت وزیر معارف (از افراد غیر نظامی ، عضو پرچم) ۰

٤ ـ فیض محمد ظابط بحیث وزیر داخله (از افراد نظامی ، عضو پرچم) ۰

۵ ـ پاچا گل ظابط بحیث وزیر سرحدات (از افراد نظامی ، عضو پرچم) ۰

٦ ـ عبدالحمید محتاط ظابط مخا بره بحیث وزیر مخا برات (از افراد نظامی ، منسوب به باند خلق) ۰

علاوه بر افراد مذکور تعداد زیادی از پرچمی ها در قطعات مختلف اردو و وزارت خانه ها مقـرر گردیدند و در راس کارهای حساس و مهم قرار گرفتند ۰ سهم خلقی ها درمیان کودتاچیان و افراد ادارات بسیارکم به نظر می رسید و تنها محتاط را به آنها نسبت میدادند که بعداً محمد داود از کارش برکنار نمود ۰

البته خلقی نها تا آنزمان به اهمیت جلب و جذب افراد اردو پی نبرده بودند و پس از انکه موفقیت پرچمی هارا درک کردند فعالیت جدی و گسترده ای را درمیان افسران جوان آغاز نمودند ۰

با انتخـاب و تقـرر افراد معلوم الحال و کمونست در کابینه، امیدواری مردم دربارهٔ جمهوری محمد داود خان به یأس مبدل گردید و شک و تردید و نفرت فضای اجتماع را فراگرفت ۰ کمونست ها با استفاده از فرصت و بنام محمد داود به سرعت می کوشیدند تا شخصیت های سیاسی و نظامی و علمی را که باکمـونیزم آشتی ناپذیر بودند و ایشان را خاری برسر راه خود تلقی میکردند ، به بهانه ها وتوطهٔ های مختلف ازبین بردارند ۰ روس ها کودتـای محمـد داود را بدون درنگ در اول اسد برسمیت شناختند و ادامهٔ همکاری خویش را مجدداً اعلان کردند ۰

شام روز اول سنبله ۱۳۵۲هـ ش محمد داود خان بمناسبت پنجاه و چهارمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان ، بیانیهٔ مفصلی تحت عنوان «خطاب بمردم» از طریق رادیو ایراد نمود و درآن علل و انگیزهٔ کودتا و برنامه های حکومت خود را در ساحات مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به صراحت بیان فرمود ۰

وی در اظهارات خود از ده سال دورهٔ دیموکراسی به شدت نکوهش کرد و مسایلی را مطرح ساخت که اهم نکات آن این است:

«۰۰۰ حتماً این سوال مهم در افکار عامهٔ مردم ما و افکار عامهٔ جهان بوجود خواهد آمد که ما چرا منافع خانوادگی وطبقاتی خود را در راه منافع ملی و طبقات محروم کشور

قربانی کرده ایم؟ جواب گویای این سوال این است که سیاست غیر عادلانه ضد ملی رژیم سلطنتی طی دهۀ اخیر و عکس العمل های مشهود تمام طبقات مردم افغانستان خصوصاً منورین وطن علیه آن و همچنان مشاهدۀ تحولات سریعی که درسیمای منطقه و جهـان به منفعت آزادی و ترقی و بزیان استبداد، ارتجاع و استعمار بوجود آمد، به وجدان هیچ فرد وطن دوست افغان اجازه نمیداد که در برابر این همه فجایع خاموش بنشیند ۰

درطی دهۀ اخیر سطح زندگی مردم افغانستان مرتباً پائین آمد و مخارج زندگی بالا رفت که بار سنگین و تحمل ناپذیر آن هر سال کمر شکن تر می شد ۰ قیمت ها بطور سرسـام آوری بالا رفت ولی معـاش مامورین پائین رتبه و مستخدمین دولت واجرت کارگران از حد بخـور و نمیـر تجاوز نکرد ۰ فقر وبیکاری در جامعه و سیاه روزی و آوارگی مردم شدت یافت، بیـماری درمیان مردم بیش از پیش شیوع کرد ۰ معارف وفـرهنگ ملی ما به انحطاط گرائید ۰ عدم مصوونیت و عدم تطبیق قانون در جامعه حکمفرما گردید ۰ مطلق العنانی، ظلم وستم مستبدین و متنفذین و مامورین عالی رتبه و بی رحم شدت یافت ۰ فساد دستگاه دولت بالا گرفت و به رسوائی کشید ۰ دستبرد از بیت المال از ثروت ملی مملکت و از کیسۀ مردم رایج گردیده اختلاس، ارتشا، احتکار، قاچاق بری، تقلب و سود خواری بطور روز افزون شیوع یافت ۰ از این رو عرصۀ زندگی که به اکثریت مردم ما محدود بود تنگتر گردید ۰

تحریک قوای ارتجاعی و تشویق آنها به تاخت و تاز علیه وطن دوستان، آنهم به بهانه و در تحت اسم به اصطلاح «دیموکراسی» در سیاست داخلی رژیم منسوخ گذشته مقام بلندی داشت ۰۰۰۰

نه آه و فریـاد مظلومـان و نه زنگهای خطری که از هر طرف بصدا در آمده بود نتوانست آن رژیم مغرور را از حال بدبخت و فلاکت بار وطنش ملتفت سازد ۰ دیگر امید اصلاح بکلی قطع گردید و جز سرنگون ساختن رژیم راه دیگری و جودند اشت ۰»

چنانچه ملاحظه می شود، محمد داود خان در این خطابه اش به نکاتی اعتراض کرده که خود سالها از مشاهدۀ آن لذت می برد و اغلب آن نابسانی ها مولود اندیشه و سیاست های لجوجـانـه ای بود که از دوران صدارت او بجا مانده بود ۰ ولی او در تمام بیانیه ها و مصاحبه هایش پیوسته می کوشید تاهمه خرابی ها را در افغانستان نتیجۀ ده سالی وانمود سازد که خود از کارکنارشده بود و مردم افغانستان میتوانستند اندک نفسی براحت بکشند ۰

متـاءسفـانـه این شیوه در تمام ادارات فرهنگی و مطبـوعـاتی کشور دنبال می شد و روزنامه ها و نشرات سرکاری، خرابی ها و ویرانگری های چندین سالۀ افغانستان را در

ده سال اخیر خلاصه می کردند تا بتوانند توجه و مرحمت محمد داود را به خود جلب کنند ۰ در حالی که در یک قرن اخیر افغانستان میتوان همان ده سال را بصورت نسبی ، سالهای آزادی و شادکامی مردم افغانستان نامید و بس ۰ ولی از ان جهت آنرانکوهش می کردند که خود مردم در تعیین سرنـوشت شان انـدک اندک سهم می گرفتند و میرفت تابرج و بارهٔ انحصار قدرت از هم فرو ریزد و حق به حقدار برسد ۰

همچنان موصوف در این بیانیهٔ رادیوئی ، پس از این حرفها و مذمت دورهٔ دیموکراسی ، به ارائه برنامه های کار جمهوری خود پرداخت وجنبه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی وغیره اش را توضیح داد که لب و لباب آن بقرار زیر است :

«۰۰۰ براساس قانون اساسی جمهوریت که نافذ میگردد ، انتخاب هیئت دولت جمهـوری و تفکیک قوای دولت بر اساس مساوی حقوق و اشتراک قانونی مردم افغانستان صورت خواهد گرفت ۰»

***

«با در نظر داشت موازنهٔ قوا در این منطقهٔ دنیا قوای مسلح و قدرت دفاعی کشور تقویه خواهد شد ۰»

***

«دولت جمهـوری ، دستگاه اداری دولت را از لحاظ پرسونل ، شیوه های کار ، سادگی و سرعت عمل وسیستم اداره، تصفیه و اصلاح خواهد کرد ۰»

***

«دولت جمهوری افغانستان برای تامین آزادی های مردم در چوکات منافع ملی ومصالح رژیم جمهوری از همین اکنون به اقدامات مقتضی متوسل خواهد شد ۰»

***

«دولت جمهوری برای ایجاد یک اتحاد واقعی مادی و معنوی بین مردم افغانستان به اسـاس برابـری ، برادری ودوستی سعی مینـماید ودرپیٔ آن است که همه انواع و اشکال تبعیض را ریشه کن سازد ۰»

***

«استخـراج معـادن ، ایجـاد صنایع فلز کاری وماشین سازی ، صنایع کیمیاوی و برق ، استفاده از معدن آهن حاجی گک بمنظور ایجاد کارخانهٔ ذوب آهن و صنعتی ساختن کشور آرزوی دیرینهٔ ما است ۰ سرمایه گذاری های خصوصی در ایجاد صنایع کوچک و متـوسط و صنـایع دستی تشویق ، حمایه ورهبری خواهد شد ۰ حمایت از صنایع ملی ، صنایع دستی و هنر های ملی وظیفه دولت است ۰ اسعار خارجی در کشور کنترول خواهد شد ، از دوران پول در بازار سیاه جلوگیری می گردد و امانات و پس

انداز ها در بانک ها تشویق و تضمین می شود ۰ سیستم مالیات به اساس رجحان دادن مالیات مستقیم بر غیر مستقیم اصلاح خواهد گردید ۰»

***

«اصلاحات اراضی برای منافع اکثریت مردم در نظر گرفته می شود ، کوپراتیف ها و شرکت های تعاونی زراعی به اشتراک اکثریت زارعین تشکیل خواهد شد ۰»

***

«دولت فعـالیت های خانه سازی را سرعت خواهد بخشید ، توسعهٔ شبکه های مواصلاتی و امکان تاسیس شبکه های راه آهن را برای آینده مطالعه خواهد کرد ۰ در امور سرویس های شهری برای مردم سهولت بیشتری فراهم خواهد گردید ۰»

***

«دستمزد کارگران را متناسب با مخارج زندگی و احتیاجات ضروری مادی و معنوی ایشان وساعات کارگران تعیین خواهد کرد و اصل مزد مساوی در برابر کار مساوی برقرار خواهد شد ۰ بیمه های اجتماعی را برای کارگران وسایر زحمت کشان شهر و ده تاسیس خواهد کرد ۰»

***

«در پروگرام های معارف تجدید نظر می شود ۰ برای امحای بیسوادی و ایجاد تحول فرهنگی به اساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود ۰ برای بسط و توسعهٔ مطبوعات کمک موثر خواهد کرد و هنر های ملي تیاتر ، سینما و رادیو را تقویه خواهد کرد ۰ برای ایجـاد شبکـهٔ تلویزیون اقدام خواهد شد ۰ برای حفظ آثار باستانی ، تاسیس موزیم ها وکتـابخـانـه ها در نقاط مختلف سعی خواهد کرد ۰ طب وقایوی و معالجوی و شفاخانهٔ های دولتی بسط و توسعه خواهد یافت ۰ زایشگاهها ، شیرخوار گاهها و کودکستان ها را توسعه خواهد داد ۰ از اعتیاد به مواد مخدر والکول جلوگیری خواهد شد ۰ علیه گرانی ، احتکار و قا چاق جداً مبارزه خواهد کرد ۰ برای تساوی حقوق زنان ومردان در کلیهٔ شئون حیات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی اقدام خواهد شد ۰ آثار حیات بدوی ، کوچی وعشیره وی را با توزیع زمین و اسکان آنها ازبین خواهد برد ۰»

***

«در سیاست خارجی به معاهدات عادلانهٔ بین المللی خود وفادار می باشد ۰ آثار تجـاوز اسـرائیـل بایـد از بین برود وحقوق ملی مردم فلسطین احیاء گردد ۰ دولت جمهـوری سیاست مستقل صلح جویانه ، بیطرفی مثبت وعدم شرکت در پیمان های

نظامی و احترام به منشور ملل و روابط حسنه با کشورها را دنبال خواهد کرد ۰ ماهیت سیاست داخلی و خارجی افغانستان را اصل صلح و عدالت ، آزادی ملی ، حاکمیت ملی و استقلال ملی تشکیل میدهد ۰ خاطر نشان می سازیم که روابط همسایگی نیک و دوستی ، با اتحاد جماهیر شوروی خلل ناپذیر است ۰

یگانه کشوری که روی مسئلهٔ پشتونستان و حقوق حقهٔ برادران پشتون و بلوچ خود با آن اختلاف داریم پاکستان است ۰ دولت جمهوری برای پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز سعی خواهد کرد ۰»

***

«دولت جمهوری در روشنی واقعی ترقی خواهانهٔ اسلامی و مطابق به ایجابات عصر و زمان ریفورم های عمیق و بنیادی را تدریجاً رویکار خواهد آورد ۰»

***

«در اخیر از تمام نیروهای ملی و مترقی و تمام طبقات وطن پرست کشور میخواهد تا در یک جبههٔ وسیع تحت لوای رژیم جمهوریت جوان کشور متحد گردند ۰»(۱)

متاءسفانه در این بیانیه از احیاء فرهنگ اسلامی ، تضمین مطبوعات شخصی و آزاد ، تشکیل احزاب سیاسی و انتخابات آزاد شوری وادامهٔ دیموکراسی بمعنی واقعی آن خبری نیست ، و دربقیه حرفهای اونیز کدام تازگی و ابتکار مهم به نظر نمیرسد ۰ آنچه جالب و مهم می باشد این است که محمد داود خان بعد از سپری شدن هجده سال بازهم در بیانیه اش روی دو مطلبی تکیه و تاکید می کند که درلویه جرگه عقرب ۱۳۳٤ خورشیدی آنرا مطرح کرده بود ۰ این دو موضوع یعنی «تقویت قوای دفاعی کشور» به بهانهٔ بهم خوردن توازن قوا درمنطقه و «حقوق حقهٔ برادران پشتون و بلوچ» ، در واقع همان حرفها و دسایس اغوا گرانه واستعماری بود که از آغاز بوسیلهٔ روس ها خلق شد و توسط ایشان در مغز و اندیشهٔ محمد داود ترزیق گردید ۰ همین تحریک و وسیله بود که محمد داود را از لحاظ سیاسی و نظامی و اقتصادی متکی بروس ساخت ورهٔ نفوذ مسکو را در اردو و جامعهٔ افغانستان هموار نمود ۰

مایهٔ تاءثر و تعجب است که چگونه عدم توازن قوا (بعقیدهٔ محمد داود) در مدت هجده سال باوجود سرا زیر شدن سلاح های روسی به افغانستان ، و تحولات و دگرگونی ها در منطقه باز هم به تعادل نه انجامیده بود و محمد داود خان هنوز چنین ضرورتی را محسوس و مبرم می دانست ۰ تنها این آهنگ کهنهٔ گوش خراش نبود که به اثر تلقین روس ها ، محمد داود خان آنرا زمزمه می کرد ، بلکه در ماه دوم کودتا تحریکات و ناآرامی ها نیز عملاً در

---

۱ ـ بیانیه ها و مصاحبه های مطبوعاتی محمد داود ۰ چاپ وزارت اطلاعات و کلتور ، از سرطان ۱۳۵۲ تا سرطان ۱۳۵۳ ۰ صفحهٔ ۲٤ ـ ٤۳ ۰

مرزهای پاکستان و افغانستان از سرگرفته شد ۰

روس ها در این مرحله که برای شان حکم دورهٔ انتقالی را داشت ، سه هدف را به شدت و سرعت دنبال می کردند : نخست ، می کوشیدند محمد داود را مجدداً با پاکستان در گیرسازند و بدین وسیله سلاح ها و مشاورین بیشتری به افغانستان بفرستند ۰ نزاع و درگیری با پاکستان مسلماً به حجم قرضه های روسی و نفوذ آن در افغانستان می افزود ، دنیای اسلام و جهان آزاد را نسبت به محمد داود بدبین می ساخت و باعث می شد تاکشور ما در حلقه انحصار سیاست و اقتصاد روس باقی بماند ۰

دو دیگر آنکه رقبای پرچم و خلق و افرادی را که در جامعه و اردو مخالف روسیه و کمونیزم بودند و امکان داشت بعداً بحیث شخصیت های ملی در افغانستان تبارز کنند ، توسط محمد داود خان تصفیه و پاکسازی نمایند ۰

اقدام به اینکار طبعاً در جامعه اثرات منفی داشت و اقشار مختلف را در نفرت وکین توزی علیه محمد داود بر می انگیخت و پایه های قدرت او در داخل سست و لرزان می شد ۰

سه دیگر ، سعی می کردند شبکه ها و گماشته های خود را در قطعات عسکری تنظیم و تقویت کنند و برای استقرار رژیم کمونستی در افغانستان آمادگی بگیرند ۰

محمد داود خان هم که برسبیل عادت و مساعی اطرافیان کمونست خود با مردم تماس نداشت و تقریباً در حال محاصره بسر می برد ، در اثر تصمیمات عجولانه وخیره سری های جنون آمیز خویش ، انجام برنامه های استعماری مسکو را ممد گردید و سرانجام خود و کشور را بنا بودی کشانید ۰

روس ها بحدی در تطبیق اهداف یاد شده شتاب داشتند که اثرات آن در ظرف دو ماه به ظهور رسید و ازان به بعد پیوسته و مسلسل ادامه یافت ۰

جریان دسایس روس و جنایاتی که شبکه های آن زیر نام محمد داود خان وتوسط او انجام دادند ، در حد خود مستلزم چندین کتاب و رساله است ۰ اما در حال حاضر به ایجاز و اجمال در زمینه اکتفا می شود ویقین داریم که با این مقدار و نمونه هم ، سیمای روس ها و توطه های شان در اذهان مجسم خواهد شد و خوانندگان ارجمند اشتباهات محمد داود خان و کارنامه های ننگین همکاران روسی گرایش را بخوبی درک خواهند کرد ۰

آغاز توطهٔ و قتل میوندوال

هنگامی که محمد داود کودتا کرد ، میوندوال مشغول باز دید از بعضی کشورها و معاینات طبی در خارج بود ۰ آنطور که او خود گفته بود و دیگران نیز روایت می کردند ، محمد داود خان در اولین روز های جمهوری اش بوی پیام می فرستد تا بکابل برگردد و باوی همکاری کند ۰ میوندوال با اعتماد به پیام محمد داود علی الرغم توصیهٔ بعضی از دوستان و آشنایانش ، اوایل اسد ۱۳۵۲ شمسی بکابل برگشت و با محمد داود خان در دفتر کارش ملاقات نمود ۰ امایکی دو روز بعد شبکه های جاسوسی دستگاه حاکم ، گاراج امان الله رسول را که در مقابل منزل میوندوال بود مرکز قرار دادند و از افرادی که بخانهٔ میوندوال آمد و شد می کردند ، عکس برداری می نمودند ۰(۱)

میوندوال از موضوع به محمد نعیم خان شکایت می کند و میخواهد تا جریان را به محمد داود خان برساند ۰ او هم وعده می دهد که با محمد داود خان در اینباره صحبت خواهد کرد ۰ لیکن قضیه کاملاً روشن بود و نه تنها از وی رفع مزاحمت نشد ، بلکه مراقبت جدی تر و شدید تر گردید ۰

سردار محمد نعیم خان در اولین سفرش پس از کودتا بتاریخ ۱۹ سنبله راهی مسکو شد تا بحیث نمایندهٔ فوق العاده و باصلاحیت برادر خود ، دستورات کرملن را بشنود و اخلاص و ارادت دیرینهٔ خود و محمد داود را بار دیگر تجدید نماید ۰

همینکه محمد نعیم خان از مسکو برگشت دستور گرفتاری میوندوال صادر شد و شام ۳۱ سنبلهٔ ۱۳۵۲ش اعلامیه ای بدین شرح از رادیو کابل انتشار یافت که:

«یک عده خاین و مرتجع که به کمک یک کشور خارجی میخواستند نظام جمهوری را از بین ببرند با اسناد و شواهد بالفعل گرفتار شدند این افراد عبارت انداز : میوندوال ، دگر جنرال عبدالرزاق قوماندان سابق هوائی ، تورن جنرال خان محمد معروف به (مرستیال) ویک عدهٔ دیگر۰۰۰» ۰ منظور از کشور خارجی پاکستان بود که ادعای کابل را پوچ و مضحک خواند و آنرا به شدت رد کرد ۰

افتراء و دروغ بودن قضیه از انجا پیدا بود که افراد مذکور همه از دوستان محمد داود بودند ، چنانچه او شخصاً توسط تیلگراف از میوندوال خواست تا بوطن برگردد و او را در ادارهٔ کشور یاری دهد ۰ همچنان خان محمد مرستیال را در اولین روز کودتا موظف ساخت

---

۱ ـ محمد هاشم میوندوال ، نوشته آقای محمد نجیم آریا صفحهٔ ۱۰۷ ۰

تا بوزارت دفاع برود و امور آن وزارت را در دست گیرد ۰(۱)

جنرال محمد رحیم خان ناصری قوماندان عمومی ژاندارم و پولیس و جنرال عبدالسلام ملکیار نیز از جمله افرادی بودند که قربانی این توطئۀ شدند ۰ دستۀ اولی چون میوندوال و خان محمد خان و جنرال ناصری بوسیلۀ عمال روس و جلادان محمد داود به شهادت رسیدند و دومی همانند سایر متهمین چندین سال در زندان بسربردند ۰

جنرال ها و سایر افرادی که در این رابطه متهم و گرفتار شدند، همه اشخاصی بودند مسلمان، آگاه، بااحساس، ضد کمونیزم و از دوستان میوندوال ۰ بنابراین در مرحلۀ اول هدف قرار گرفتند و راه کشتار و جنایت در افغانستان از همین جا آغاز یافت ۰

محمد نعیم خان پس ازگرفتاری میوندوال به هند رفت و معلوم نشد که چه مسایلی را با دوستان هندی شان درمیان گذاشت ۰ میوندوال را در حال بیماری و ناتوانی تقریباً دهٔ روز و شب شکنجه کردند تا آنچه جلادان محمد داود به او می گویند، همان را روی کاغذ بنویسد. غرض از این وحشت و بربریت آنکه چنان نوشته هائی را بعداً بحیث سند بمردم ارائه دهند و توطئه خویش را واقعیت بخشند ۰

شام نهم میزان ۱۳۵۲ش دو مین اعلامیۀ حکومت به این شرح انتشار یافت که :

«میوندوال و همکارانش به جنایات خود اعتراف کرده اند وچون میوندوال عرصه را بخود تنگ دید وراه نجات را مسدود، لذا شب گذشته حوالی ساعت صبح دست به خود کشی زده و بانکتائی اش خود را غرغره کرده است و فردا اسناد خیانت او چاپ می شود ۰»(۲)

روز بعد یک سلسله سوال و جوابی بنام میوندوال در روزنامۀ انیس نشر گردید که نه تنها هیچگونه دلیلی بر اعتراف یا محکومیت میوندوال نداشت، بلکه معلوم می شد که هر سطر وحرف آن تحت فشار برچه وماشیندار نوشته شده وکاملاً بی محتوا وبی ارزش است ۰ جز همین سوال وجواب شرم آور وبی ماهیت اصلاً سند ومدرک دیگری در اختیار نداشتند تا اتهام خود را به اثبات میرسانیدند وبرای خود بینی خمیری درست می کردند ۰

همچنان خبر خود کشی میوندوال از جملۀ افتراآت وحرفهای کودکانه ای بود که همه مردم آنرا می دانست، ولی جلادان محمد داود سعی میکردند با این غوغا وتبلیغ، جرم

---

۱ ـ مرحوم لاله میرزا خان یکی از افسران مسلمان و پائین رتبۀ اردو که بعد از کودتا، تا درجۀ غندمشری ارتقا کرد ولی بوسیلۀ عمال روس در وقت تره کی از فرقه عسکری نهرین گرفتار و به شهادت رسید، برای این نگارنده گفت : روز اول کودتا او در خانۀ محمد داود وظیفه دار بود، همینکه کودتا موفقانه بپایان رسید، قبل از همه جنرال عبدالستار خان، جنرال سید حسن خان و جنرال خان محمد خان ارکان های حرب، خود را بخانۀ محمد داود خان رسانیدند و بعد از کف زدن ها و نثارگل او را تبریک گفتند ۰ محمد داود خان گفت : کف نزنند و گل نپاشید ! و بعد به خان محمد خان مرستیال دستور داد که برود و کارهای وزارت دفاع را علی العجاله در دست گیرد ۰ (سید حسن خان و خان محمد خان قبلاً تقاعد کرده بودند) ۰

۲ ـ روزنامۀ انیس مورخ ۱۰ میزان ۱۳۵۲ش شمارۀ (۷۲) ۰

و جنایت ضد انسانی خود را سرپوش گذارند و با اذهان عامه بازی کنند ۰

چون دروغگو حافظه ندارد ، این باند جنایتکار هم شام همان روز (نهم میزان) یعنی قبل از اعلان خود کشی میوندوال در رادیو ، جسد او را به خانمش در ولایت کابل نشان داده بودند و او از گرمی بدن میوندوال و زخم ها و آثارلگدها روی سینه و شکم و گردن میوندوال ، بخوبی درک کرده بود که در همان لحظات او را بقتل رسانیده بودند ، و نه ساعت صبح که ۱٦ ساعت ازان می گذشت و طبعاً دراین مدت بدن او باید کاملاً سرد می بود ۰

واقعیت ، چنانکه خود این آدم کشان بعداً در محافل و مجالس خصوصی اعتراف می کردند ، آن بود که فیض محمد وزیری وزیر داخله ، عبدالقدیر قوماندان عمومی ژاندارم و پولیس ، نصر الله و صمد اظهر ظابطان پولیس عضو باند پرچم ، او را به ضرب لگد و قنداق تفنگ از پا در آورده بودند و برای اینکه عمل ننگین و حیوانی خود را پنهان نگه دارند ، عنوان خود کشی به او دادند ۰

در پاداش همین خیانت ملی و خدمت به روس ها بود که هر کدام از این قاتلان بمدارج عالی رسیدند و صمد اظهر یک افسر بی سواد پولیس اینک بحیث سفیر رژیم دست نشاندۀ روس ، در دهلی بسر می برد ۰

مسلماً همۀ این کارها به اساس امر و موافقت محمد داود انجام می شد و در غیر آن کسی نمیتوانست چنان جنایت بزرگی را مرتکب شود و بدون مجازات باقی بماند ۰ و از همین سبب بود که حتی مردۀ میوندوال را هم به کسی نشان ندادند و معلوم نشد که او را در کجا دفن کردند ۰

شام ۱۳ قوس ۱۳۵۲ش خبری پخش شد که امشب اعترافات دار و دستۀ میوندوال انتشار می یابد و تاجائی که پالیسی هیئت تحقیق اجازه دهد برموضوع روشنی افگنده خواهد شد ۰ اما در جریان این حرفها که معلوم بود ، باند پرچم تعدادی از حریفان دیگر خود را نیز در ارتباط به قضیۀ مذکور گرفتار و شکنجه کرده اند ، اصلاً شواهد و براهینی وجود نداشت تا حداقل به اقامۀ دعوی و ادعای شان صحه می گذاشت ۰ جریان سوال و جواب از متهمین در روزنامۀ انیس مورخ ١٤ قوس ۱۳۵۲ نیز نشر گردید که اکراه و اجبار و دروغ و زورگوئی اتهام کنندگان از متون آنها آشکاربود ، و در حقیقت سندی از جنایات این گروه (پرچم) محسوب می شد که برای همیش ثبت تاریخ گردید ۰

بهمین ترتیب آن عده از زندانیان که در برابر سوال های بی مورد و احمقانۀ هیئت تحقیق اظهار نفرت می کردند و نمی خواستند آنچه را که برای شان دکته می شد ، در اوراق تحقیق بنویسند ، به انواع شکنجه تهدید می شدند ۰ بحدی که دختران و همسران متهمین را در نزد شان حاضر می کردند و می کوشیدند با تهدید به تجاوز ، نظر خود را به آنان بقبولانند و بجرم ناکرده ، روی کاغذ اقرار نمایند ۰ چنانچه جنرال خان محمد خان مرستیال را با آنهمه دوستی

و نزدیکی با محمد داود خان محکوم بمرگ ساختند و افراد دیگری هم که در این توطهٔ گرفتار شده بودند یا به قتل رسیدند ویا به مدت های دراز و کار اجباری و شاقه زندانی شدند ۰

آری! مزدوران روس ، همکاران و رفقای محمد داود ، اینچنین بی پروا و خود کامه دست به انسان کشی و جنایت زدند و برهیچکس رحم نکردند ۰ تا بدانجا که کشتارهای دسته جمعی انجام میدادند و اجساد مردم بیگناه را در «زنده بانان» وسایر حومهٔ شهر زیر خاک می کردند ، چنانکه بعد از محمد داود، خود شان تعدادی را از زیر توده های خاک برون کردند و آنرا بنام سیه کاری های محمد داود قلمداد نمودند ۰ این دار و دسته از بس کشتند و بستند ، وزیر داخله لقب قهرمان آدم کشی را دریافت و بنام «فیضوی قصاب» معروف شد ۰ ولی خوشبختانه روزگار انتقام مردم را از وی گرفت و در سال ۱۳۵۹ه۰ش هنگامی که بحیث وزیر سرحدات ببرک ، باپول هنگفتی به پکتیا سفرکرد تا مردم را توسط پول از قیام باز دارد ، توسط همان مردم و مجاهدین مسلمان کشته شد و حتی خبرش را هم کسی نشر نکرد ۰

زد و بندها و دسیسه سازی و توطئه ها بدانگونه که ذکر شد علیه افراد خبیر و مسلمان و وطن دوست ادامه داشت و هر روزی که می گذشت عده ای راهی زندان می شدند و بدین روش حتی اردو را،از وجود افسران با ایمان و وطن دوست پاک سازی کردند که در جایش از آن صحبت خواهیم کرد ۰

محمد داود و روابط بین المللی اش

آنچه مردم در روابط خارجی افغانستان پس از رویکار آمدن محمد داود خان می اندیشیدند و از آن بیمناک بودند ، بحران و خرابی روابط با پاکستان کشور همسایه و مسلمان ما بود ۰ زیرا محمد داود خان بنابر تحریکات روس ها و بعضی افرادی که ازآن اوضاع آب و نانی برای خود تدارک میکردند ، در برابر پاکستان از آغاز تا انجام رویّهٔ خصمانه داشت و بدون آنکه کوچکترین مفادی عاید افغانستان شود ، پیوسته می کوشید فضای مناسبات را تیره نگهدارد و آنرا مایهٔ مباهات و افتخارات و کار آگاهی و میهن دوستی قلمداد کند ۰ البته نقش هندوستان در این روش وقضا یا کاملاً روش و محسوس بود که در مباحث بعدی از ان صحبت خواهد شد ۰

باوجود این همه کشیدگی های سیاسی بتاریخ ١٤ دلو ۱۳۵۲ش وزیر خارجه و دفاع پاکستان وارد کابل شدند و دعوت نامهٔ بوتو را مبنی بر اشتراک محمد داود در کنفرانس سران اسلامی لاهور ، بوی تقدیم نمودند ۰ محمد داود از رفتن به این سفر خود داری کرد و به آقای عبدالرحمن پژواک سفیر افغانستان در دهلی دستور داد تابجای وی در کنفرانس لاهور شرکت کند ۰

در این کنفرانس که بتاریخ ۲۲ فبروری ۱۹۷٤ در لاهور افتتاح شد و هدف آن مذاکره روی موضوعات و مشکلات اساسی دنیای اسلام و نحوهٔ همکاری ذات البینی این کشور هابود ، نمایندهٔ افغانستان بجای تماس و صحبت روی قضا یای کلی جهان اسلام و دسایس استعمار علیه آنها ، باز هم دوسیهٔ کهنه و بی محتوای «پشتونستان» را گشود و نفرت و اعتراض اکثر کشورها را برانگیخت ۰

محمد داود خان و همکارانش فکر می کردند که مطرح کردن قضیه «پشتونستان» در هر محفل و مجلسی که باشد ، مظهری از دانش و ڈپلوماسی و سیاست است ۰ عده ای در موافقت به داعیهٔ مذکور از هیچ به مدارج عالی رسیدند و نام و نان هر دو بدست آوردند ، وعدهٔ دیگر باوجود اهلیت و استعداد و استحقاق فقط به اتهام مخالف ، مورد بی مهری و آزار قرار گرفتند و منزوی شدند ۰

واقعاً افرادی که این شعار را تکرار می کردند و به هوا خواهی از «پشتونستان» تظاهر می نمودند ، اعتبار و حیثیت شان بیشتر از دیگران بود ۰ اما این وضع در عمل هر روزی که می گذشت افغانستان را از جهات سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی یک گام بسوی پرتگاه نابودی و سلطهٔ استعمار نزدیک تر می ساخت ، تا آنکه بخاطر کلاه ، کله را نیز از دست دادیم ۰

بتاریخ ۱۳ فبروری ۱۹۷٤ = ۲۵ دلو ۱۳۵۲ قراردادی بنام «استفاده از آب دریای آمو غرض آبیاری اراضی پائین آب وادی بلخ» بین کابل و مسکو به امضاء رسید ۰ این نوع قرار دادها معمولاً جز اغواگری مقامات افغانی ، فرستادن چند جاسوس گرسنه بنام متخصص ، افزایش قرضه ها ، سرگرم بودن در افغانستان و تقویت شبکه های روسی ، اصلاً مفهوم و ماهیتی نداشتند ۰ چنانچه عین قراردادی را زیر نام «استفاده از دریای آمو و پنج۰۰۰» در سرطان ۱۳٤۳ نیز با افغانستان امضاء کرده بودند ۰ ولی ازان تاریخ تا دلو ۱۳۵۲ش که تقریباً ده سال ازان می گذشت ، عملاً کاری انجام نیافت و کسی هم نپرسید که کار قرارداد اول بکجا رسید !

اواخر دلو ۱۳۵۲ حکومت چکوسلواکیا بیست میلیون دالربه افغانستان قرضه داد و اعلام شد که متخصصین این کشور امکان بکار انداختن بس های برقیّ را در شهر کابل مطالعه خواهند کرد ۰ در حقیقت بیست میلیون دالر قرضهٔ چکوسلواکیا هم صرف متخصصین خود آن کشور وپروژه ای می شد که اصلاً در کابل لزومی نداشت ، و هرگاه ضروری هم تشخیص می شد کشور های دیگر آنرا ارزانتر و خوبتر میتوانستند انجام دهند ۰ غرض از این کار و تشویق محمد داود به این پروژه فقط برای آن بود که همه چیز بصورت انحصاری در اختیار روس و اقمار آن باشد و از سهم گیری کشورهای دیگر دربرنامه های انکشافی و عمران افغانستان جلوگیری نمایند ۰

بهمین سلسله در ماه حوت ۱۳۵۲ یک هیئت عالی رتبه و باصلاحیت اقتصادی مسکو نیز وارد کابل گردید و مذاکراتی را با محمد داود و مقامات افغانی انجام داد که نتایجش را در سال بعد آن مطالعه خواهید کرد ۰

اوایل مارچ ۱۹۷٤ = اوسط حوت ۱۳۵۲ محمد نعیم خان بحیث نمایندهٔ فوق العادهٔ برادرش به هند رفت ۰ گرچه هدف مسافرت او کاملاً روشن و مشخص نبود ، اما اندکی بعد یک هیئت نظامی هند به سرپرستی رئیس کل قوای زمینی آن کشور بکابل آمد ، متعاقب آن بتاریخ دهم مارچ = حوت ۱۳۵۲ ، معاون وزارت دفاع هند نیز وارد کابل شد و مذاکراتی را با مقامات نظامی افغانستان و محمد داود انجام داد ۰

آمد و شد هیئت های نظامی هند تشویش و سوالاتی را در اذهان عمومی ایجاد نمود و فکر می شد توطئه هائی درکار باشد که پی آمد آن در منطقه مطلوب نخواهد بود ۰

مدتی بعد یک تعداد جوانان و افسران نظامی را به هند فرستادند تا در انجا تربیه شوند و روابط نظامی باهند مستحکم تر شود ۰ چنین به نظر میرسید که تشبث افغانستان در استقرار روابط نظامی باهند ، به اثر توصیهٔ روس ها انجام می شد و هدف ازآن ایجاد تشویش و نگرانی برای پاکستان بود ۰

اینکه راه یابی و نفوذ روس و هند در اردوی افغانستان چه اثراتی برجای می گذاشت

و آیندهٔ کشور به کجا منتهی می شد ، از جملهٔ حرفها و اندیشه هائی بود که این دو برادر هرگز به آن ارجی نمی نهادند ۰ آنچه برای شان اهمیت داشت خشنودی دهلی ومسکو بود ، ورنه بعضی کشورهای اسلامی مانند مصر و ترکیه در فن نظامی و مهارت های عسکری بمراتب از هند پیشرفته تر بودند و با آن صمیمیت و علاقه ای که بمردم افغانستان داشتند ، میتوانستند در تربیهٔ افسران افغانی ما را یاری دهند ۰

اصولاً در کشوری که مردم از اظهار رای و نظر دربارهٔ سرنوشت خود محروم باشند و طرز حکومت و اداره کاملاً شخصی باشد ، جز این توقعی نمیتوان داشت و نتایج خود سری وخود کامگی نیز همان است که طعم تلخ آنرا چشیدیم و هنوز هم در ورطهٔ این بدبختی و مصیبت دست و پا میزنیم ۰

در دههٔ اول مارچ ١٩٧٤ = اواسط حوت ١٣٥٢ برای اولین بار قراردادی توسط علی احمد خرم معین وزارت پلان (تا آن تاریخ وزیر نشده بود) وسفیر امریکا در کابل به امضاء رسید که به اساس آن حکومت امریکا مبلغ ١٦٥ هزار دالر کمک بلا عوض را در اختیار افغانستان قرار داد تا از آن جهت تحقیقات جیالوجی ، هایدرولوجی و کارتوگرافی ساحات زراعی استفاده شود ۰ آغاز این اقدام و ارتباط با امریکا اطرافیان کمونست محمد داود را ناراض ساخت و از همین جا بر خوردها و تضادها در شواری انقلاب و کابینهٔ محمد داود شروع گردید که نتایج آن در صفحات بعد ارائه خواهد شد ۰

سال ۱۳۵۳ هـ.ش
یا
سال دوم جمهوری محمد داود خان

اساساً کودتای محمد داود خان با آن شکل و ماهیتی که داشت برای اکثر کشورها ، من جمله جهان اسلام سوال انگیز بود ۰ مخصوصاً اشتراک کمونستان در کابینه، نزدیکی با روس و هند ، مخاصمت با پاکستان و قتل و کشتار چهره های شناخته شده و مسلمان در کابل ، همه را نسبت به محمد داود و جمهوری اش بدگمان ساخت و از همین جهت بود که تمام کشورهای اسلامی در سال اول کودتا از نزدیکی با نظام جدید افغانستان خود داری کردند ۰

محمد داود خان که احساس میکرد ، در انزوا قرار گرفته و کمک های روس ها هم اینبار نخواهد توانست پاسخ گوی برنامه های اقتصادی وانکشافی او باشد ، لذا تصمیم گرفت با کشور های ثروتمند عرب و عجم درتماس آید و از ایشان کمک و استمداد جوید ۰ روی این قصد و نیت در اولین طلیعهٔ بهار سال ۱۳۵۳ش (۵ حمل) برادرش محمد نعیم خان را بحیث نمایندهٔ فوق العادهٔ خود به کشورهای مصر ، لیبی ، عراق ، الجزایر وسعودی فرستاد تا از یکطرف اشتباهات وابهاماتی که دربارهٔ او و نظام نو پایش وجود داشت ، از بین برود و از سوی دیگر با توضیح ماهیت و اهداف رژیم بمقامات کشورهای یاد شده ، آنان را برای کمک و مساعدت به افغانستان راضی سازد و تاحدی هم دراینکار موفق گردیدند ۰

لیکن روس های محیل هم یک لحظه از غوغا و عوام فریبی و بازی دادن محمد داود دست نمی کشیدند و بانشر خبر هائی که سالیان دراز آنها را تکرار کرده بودند ، سعی می کردند وی را خوش و راضی نکهدارند و در واقع اغفالش کنند ۰ چنانچه بدنبال سفر محمد نعیم به کشور های مسلمان ، روس ها اعلان کردند که در سال های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۰م ، ۳۵ میلیاردمتر مکعب گاز استخراج می شود ۰ در حالی که این خبر و نظایر آن بار بار اعلان شده بود و در معنی و ماهیت برای مردم تازگی نداشت ۰

درپیٔ این خبر بتاریخ ۲۵ حمل اعلام گردید که روسیه در مجادله علیه ملخ و امحای موش به افغانستان کمک بلا عوض می کند ۰ چه چشم روشنی و کمکی! که کشور ما را از همه آلام نجات می بخشید و بیکاری و بیماری و فقر و غربت از وطن رخت می بست!!

واقعاً این اقدام روس ها بدیع و ابتکاری بود ، زیرا تا آنوقت انسان های افغانستان را

مسموم کرده بودند و بایستی خدمت موش هایش نیز می رسیدند ۰ کاش بجای این برنامه ، علیه نابودی خود مجادله می کردند و بشریت را از آزار و اذیت خویش نجات می دادند ۰ زیرا هیچ مور و ملخ و موشی موذی تر از روسان آدم نما نیست و تاریخ مکرراً آنرا تجربه کرده است ۰

علی ای حال ، تا جائی که مدارک دست داشته و جریانات ایام گواه ماست ، روس ها هرگز تا آن تاریخ و حتی بعد ازان هم اقدام بکار های مثبت و یا همکاری هائی که واقعاً میتوانست دردی را درمان کند ، نکردند و انتظار فرصتی بودند که محمد داود را در تنگناه قرار دهند و امتیازاتی کسب کنند ۰

امریکا شاید دراثر تشویق بعضی مقامات افغانی و یا غرض کمک به افغانستان و نجات محمد داود از چنگال روس ها ، ظاهراً کله می جنبانید و کمک هائی را وعده می داد ، چنانچه به اثر قرار دادی که بین علی احمد خرم معین وزارت پلان و سفیر امریکا بتاریخ ۲۵ حمل در کابل به امضاء رسید ، حکومت امریکا مبلغ ۳۹۸ هزار دالر را برای پروژهٔ سروی نفوس به افغانستان کمک نمود ۰ اما این کمک ها و امثال آن در دی را در مان نمیکرد و روس ها و شبکه های شان که «پیله» وار اطراف محمد داود خان را احاطه کرده بودند ، هرگز نمی گذاشتند کاری از پیش رود ۰

درهمین ماه (حمل) یک هیئت تعلیمات روسی وارد کابل شد تا حسب معمول بازهم زمینهٔ انتقال تعدادی از جوانان افغان را بنام تحصیل ، به روسیه فراهم سازند و این خطرناکترین برنامه ای بوذ که روس ها به سرعت و اشتیاق تمام آنرا همه ساله عملی می کردند و مقامات مسوول در کمال بی پروائی آنرا نادیده می انگاشتند ۰

اوایل ماه ثور خبری در جراید انتشار یافت که از کشف یک منبع جدید نفت در ساحهٔ جرقدوق نوید می داد ۰ ولی این خبر هم مانند سایر اخبار مربوط به کار روس ها محض جنبهٔ تبلیغاتی داشت و هرگز تحقق نیافت و تا امروز هم بوئی از نفت بمشام ما نرسید ۰

مهم ترین پروژه ای که قبل از رویکار آمدن مجدد محمد داود مورد بحث قرار داشت و اینبار نیز ملل متحد میخواست آنرا دنبال کند ، موضوع احداث شاهراه بزرگی در نقاط مرکزی افغانستان بود که با عملی شدن آن قسمت های مختلف کشور باهم اتصال می یافت و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و نزدیک شدن به مرزهای غربی و جنوب غربی و انتقال کالاهای وارداتی و صادراتی و از همه اولتر دست رسی به استخراج معادن و انتقال آنها ، نقش اساسی و سازنده داشت ۰ بهمین دلیل منشی اجرائی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد به اثر درخواست حکومت افغانتسان ، در اپریل ۱۹۷٤ = ثور ۱۳۵۳ وارد کابل گردید و با مقامات کشور ما مذاکره نمود ۰ این مذاکرات بعداً نیز چندین بار تکرار شد ولی در اثرفشار روس ها و فعالیت های پشت پردهٔ شان ، کاربه جائی نرسید و این پروژه تا امروز

هم از حرف بعمل در نیامد •

در ۷ می = ۱۷ ثور ، محمد داود رئیس هیئت اقتصادی روس را در دفتر کارش پذیرفت و باوی ملاقات کرد • روس ها سخت تلاش میکردند تا با اظهارات میان تهی و وعده های کمک و همکاری محمد داود را در تار خام نگه دارند و از این فرصت برای انجام کارهای باقیماندهٔ خود استفاده نمایند •

هیئت اقتصادی روس در پایان بازدید خود از افغانستان ، دعوت نامهٔ هیئت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد شوروی را به محمد داود تقدیم کرد که درآن از وی خواسته شده بود تا بمسکو مسافرت کند • این دعوت بکمال میل پذیرفته شد و محمد داود بتاریخ ۱٤ جوزای ۱۳۵۳ عازم مسکو گردید و مذاکرات مفصلی بازعمای کرملن انجام داد • موصوف سفر چهار روزهٔ خود را به مسکو بسیار مفید و مثمر خواند و اعلام شد که روس ها در ۲۱ پروژه با افغانستان همکاری و کمک خواهند کرد • همزمان با این سفر قرار داد صدور ۲/۸ میلیاردمتر مکعب گاز در سال ۱۹۷٤م نیز با روس ها عقد گردید و گرم جوشی ها از سرگرفته شد •

اما در اعلامیهٔ مشترکی که پخش شد ، جز همان کلمات متداول وچوکات بندی شدهٔ دپلوماسی نکتهٔ مهمی جلب نظر نمیکرد و وعده های کمک های اقتصادی نیز برهمان معیار و موازینی بود که همیشه جریان داشت • تنها در قسمت قضیه پشتونستان اینبار نرمش و تغییر قابل ملاحظه ای بنظر میرسید و بهمین کلمات اکتفا شده بود که :

«طرفین اظهار امید نمودند که اختلافات سیاسی بین افغانستان و پاکستان از طریق مسالمت آمیز و مذاکرات راه حل بیابد» • و نیز این مطلب در اعلامیهٔ مشترک تازگی داشت که :

«جمهوریت افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی به نهضت های آزادی بخش ملی در آسیا ، افریقا ، امریکای لاتین و به مبارزهٔ مردمان ستمدیده بر ضد استعمار و تبعیض نژادی در آینده نیز با استفاده از هرگونه تدابیر کمک خواهند کرد•••»(۱)

این عبارات و کلمات نه تنها بااصول و معیار های بیطرفی افغانستان مغایرت داشت و صلح دوستی مردم ما را نفی میکرد ، بلکه جمهوری محمد داود را نیز بحیث مویّد و دنباله رو سیاست های روس در جهان معرفی و متهم می نمود • چنین اشتباه بی سابقه ای ناشی از ان بود که همراهان محمد داود کمتر به مفاهیم و معانی کلمات توجه می کردند تا به صلابت الفاظ و عبارات آن! و بهمین دلیل میتوان گفت که گنجانیدن همچو جملات و اهداف در اعلامیهٔ مشترک ، در حقیقت سندی بود که روس ها آنرا توسط خود محمد داود

---

۱ ـ رک: بیانیه ها و مصاحبه های محمد داود ، نشر کردهٔ وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان ، جلد اول ، اعلامیهٔ مشترک جمهوریت افغانستان واتحاد شوروی ، صفحهٔ ۳۲ ـ ۳۳ •

به امضاء رسانیدند و راه کمک رسانی به نوکران خویش را در افغانستان ، رسماً هموار نمودند ٠

به ادامهٔ چنین دوستی ها ، در برج سرطان (۲۲ جون) روزنامهٔ انیس خبری از کشف یک ذخیرهٔ بزرگ دیگر گاز در ساحهٔ «جمعه» ولایت شبرغان انتشار داد ٠ این خبر درماهیت خود باز هم چشم روشنی ای بود برای روس ها که به ذخایر انحصاری شان افزوده می شد ٠ زیرا همانطور که قبلاً بیان شد چندین چاه گاز در شمال کشور کشف و هر یک آمادهٔ بهره برداری بود و روس ها از هر کدام که دل شان میخواست به روسیه انتقال می دادند ٠ لیکن این گازها حتی برای یکبار هم در داخل بالون های گاز بکابل و یا در خود محل انتقال داده نشد و مورد استفاده قرار نگرفت ٠ مردم بیچارهٔ ما در عصر کیهانی جهت گرم کردن خانه های خویش در زمستان از کشنده ترین مواد «زغال سنگ» استفاده می کردند و آنهم چه مکافاتی بود ٠ باید روز ها بدنبال آن می رفتند و هفته ها آنرا از شکل خاکه اش بصورت گلوله در می آوردند تا آمادهٔ سوخت می شد و در تمام زمستان هم رنج سردردی و بدبوئی اش را می کشیدند ٠ همچنان برای استفادهٔ مطبخ ، مردم مجبور بودند که از چوب استفاده کنند و به این ترتیب هزاران درخت مثمر وغیر مثمر در شهرها و روستا ها همه ساله قطع میگردید و مصرف می شد ٠ تنها عدهٔ بسیار اندک و محدودی آنهم فقط درکابل میتوانستند از لوله های گازی استفاده نمایند که از پاکستان وارد می شد ٠

این وضع درست شبیه آن بود که در خانهٔ کسی چشمهٔ آبی جریان داشته باشد و دیگران آنرا ذریعهٔ لوله کشی بخانهٔ خود انتقال دهند و اما صاحب خانه تشنه کام بمیرد و حق استفاده از آن را نداشته باشد ٠ این یکی از نمونه های دوستی روس با افغانستان بود که نفرین جهانیان برایشان باد و مرگ ابدی !

و اما محمد داود این شیفته و عاشق روس که روزگاری بوتل نفت خام بدستش به شهر ها و ولایات افغانستان سفر می کرد وبمردم با غرور و مباهات می گفت : این است نمونه و مثال برجستهٔ همکاری روس ها با افغانستان ، هرگز نتوانست و جرئت آنرا نداشت تا به دوستان خود از تمدید پایپ لین گاز بکابل و دیگر شهرهای افغانستان سخن گوید و آنان را وا دارد که حتی از آن همه چاههای بی حساب، اندکی را توسط لوله ها بکابل انتقال دهند واحتیاجات یومی واساسی مردم را مرفوع نمایند ٠

در جون ۱۹۷٤ = سرطان ، اعلان شد که حکومت امریکا مبلغ ۷/۵ میلیون دالر به افغانستان قرضه میدهد و این مقدار پول رقم قابل ملاحظه ای بود که حکومت امریکا فکر می کرد با اعطای آن محمد داود خان را کمک خواهد کرد تا از لغزش بدامان روس ها نجات یابد ٠ البته مساعی افراد کارفهم و بخصوص وزارت پلان در تدارک این نوع قرضه ها نقش اساسی داشت ٠ چنانکه بدنبال اعلان کمک امریکا و تشبث بعضی از مامورین عالی رتبهٔ

وزارت مذکور ، در همان ماه یک هیئت اقتصادی کویت نیز وارد کابل شد تازمینهٔ کمک های این کشور را در ساحات مختلف ارزیابی کند ۰

اواخر سرطان یک هیئت عالی اقتصادی و تجاری ایران نیز به افغانستان مسافرت نمود تا نیازمندی های کشور ما و ساحات کمک و همکاری خود را مطالعه کرده و به اساس آن اقدام کنند ۰

حکومت ایران وقتی به همکاری و کمک تصمیم گرفت که محمد داود خان بر موضوع تقسیمات آب رودخانه هیرمند و قرار داد شفیق صحه گذاشت ۰ محمد نعیم خان بحیث نمایندهٔ فوق العادهٔ برادر خود ، در ماه ثور به ایران رفت و باشاه وسایر مقامات این کشور مذاکره و ملاقات نمود ، علاوه برآن تلاش و مساعی زلمی محمود غازی سفیر افغانستان در تهران برای ایجاد حسن تفاهم و همکاری و دوستی بین دو کشور ، در حد خود بسیار مؤثر بود ۰

همچنان جمهوریت اتحادی المان مبلغ ده میلیون مارک را به افغانستان قرضه داد که موافقت نامهٔ آن بتاریخ ۳۰ جولائی ۱۹۷٤، به امضاء رسید ۰

تصادفاً فرصت خوب و زمان مساعدی فراهم شده بود تا محمد داود را یاری دهد که گلیم روس ها را آهسته آهسته جمع کند و مردم نیز فکر میکردند که محمد داود خان کم کم بخود می آید و از بیراهه باز میگردد، ولی متاءسفانه برای او و برادرش محمد نعیم نابودی افغانستان در برابر خشنودی روس ها اصلاً ارزشی نداشت ۰ چنانکه در همین اوضاع و احوال محمد نعیم خان با خانمش بتاریخ ۳۰ جولائی راهی مسکوشد تا بتواند زمام داران کرملن را از مشکلات گوناگون اقتصادی و اجتماعی افغانستان آگاه کند و به آنان توضیحات دهدکه دریافت کمک از امریکا و یا هر کشور دیگری معنی بازگشت سیاست محمد داود نیست وایشان مثل همیشه به دوستی و پشتوانهٔ روس ها اتکاء خواهند داشت ۰

ولی از انجا که روس ها همه چیز را به معیار فطرت و نیت و روش خود می سنجند و از نزدیکی افغانستان با ایران و کشور های اسلامی و غربی تشویش داشتند ، سفر محمد نعیم خان هم ایشان را قانع نساخت ۰ بنابراین بتاریخ ۲۰ اسد سفیر سیار و نمایندهٔ فوق العادهٔ روس وارد کابل شد تا نگرانی های مسکو را از نزدیکی افغانستان با سایر کشورها به اطلاع برساند و نظریات و پیشنهادات شان را به محمد داود باز گوید ۰

اتفاقاً هر بار و در هر مرحله ای که افغانستان می خواست خود را تکان دهد ، روس ها فوراً دست به ایجاد فتنه و توطهٔ می زدند و یکی از کارهای شان این بود که می کوشیدند روابط افغانستان و پاکستان را بهم زنند و به این ترتیب توجه زمام داران کشور ما را اجباراً به حمایت و عنایت اربابان کرملن معطوف دارند ۰

اینبار نیز چنان شد و در گرما گرم بازدید سفیر روس از کابل ، حکومت افغانستان

«پروتست» شدیدی را تسلیم شارژ دافیر «= کاردار سفارت» پاکستان در کابل نمود و درآن بحکومت این کشور نسبت به پرواز طیاراتش به قلمر و فضائی افغانستان اعتراض بعمل آورد ۰

در اول سنبله نخستین بهره برداری از نخلستان زیتون در جلال آباد شروع گردید و بیش از سه صدتن زیتون به روسیه انتقال یافت ۰ (۱) و از آن تاریخ به بعد همیشه محصولات زیتون چون سایر محصولات نباتی بروسیه برده می شد و تا امروز هم ادامه دارد ۰

بتاریخ ۲۷ اگست مطابق ۵ سنبله ، خلعت بری وزیر امور خارجهٔ ایران وارد کابل شد تا با محمد داود خان وسایر رجال افغانی در مورد روابط و همکاری دو طرف مذاکره کند ۰ مقامات ایرانی با آنکه از موجودیت محمد داود در راس قدرت افغانستان چندان خوش و راضی نبودند و در مورد سیاست و شخصیت او شک و تردید داشتند ، باز هم مصمم بودند تا او را یاری دهند و از لغزش احتمالی قدرت بدست کمونستان چار آتشه جلوگیری کنند ۰ روی این اندیشه و مصلحت اظهار آمادگی کرده بودند که در صورت موافقت محمد داود ایران حاضر است تا تمام قرضه های روس را تادیه کند و پای نفوذ مسکو را کوتاه سازد ۰

نزدیکی ایران با کابل بعضی کشور های دیگر را نیز تشویق کرد تا به افغانستان کمک نمایند ۰ از جمله در سپتامبر ۱۹۷٤، اعلان شد که حکومت عربستان سعودی مبلغ ده میلیون دالر کمک بلا عوض و پنجاه میلیون دالر قرضه بدون ربح به افغانستان مساعدت می کند ۰ کشور عراق نیز در همان ایام آمادگی خویش را برای پرداخت کمک بلا عوض به افغانستان اظهار نمود و به این ترتیب جریان امور و رقابت های بین المللی و انگیزه های انسانی همه بسود افغانستان بود و جرئت و واقع بینی کار داشت تا ازان استفاده کند ۰

در ۲۹ ماه دسمبر ۱۹۷٤ = نهم جدی قرار دادی بین افغانستان و روسیه به امضاء رسید که به اساس آن روس ها مبلغ دو نیم میلیون روبل را جهت اعمار «گالری» های سرک سالنگ به افغانستان اختصاص دادند ۰ همزمان با این قرار داد موافقت نامهٔ چهار ده میلیون دالر قرضه و ۲۵۰ هزار دالر کمک بانک انکشافی آسیائی برای افغانستان توسط مقامات مربوط امضاء گردید و حکومت امریکا نیز مبلغ یکنیم میلیون دالر را برای پروژهٔ «نصاب تعلیمی» مساعدت نمود ۰

با توجه به این رقابت ها و موضع گیری مثبت کشور های دیگر در برابر افغانستان ، مسکوهم قرضه ای معادل ۳۰۸ میلیون روبل را به کشور ما اختصاص داد و موافقت نامهٔ آن در همین ماه (جدی) بین دو طرف نشانی گردید تا ازآن در پروژهٔ های خانه سازی ،

---

۱ ـ روزنامهٔ انیس، دوم سنبله ۱۳۵۳ هـ ش ۰

مخابـرات ، برق ، صنایع کیمیاوی ، صنایع سبک و مواد ارتزاقی استفاده شود ٠ و نیز موافقت بعمل آمد که ربح قرضه های قبلی و اقساط سال های ۱۹۷۵-۱۹۸۰ مربوط به قرضه های مذکور که حاوی مبلغ یکصد میلیون روبل می شود ، به اقساط مساوی سالانه ده میلیون روبل طی سالهای ۱۹۸٦- ۱۹۹۵م از طرف افغانستان پرداخت گردد و هیچگونه ربحی از قسمت تعویق شدهٔ تادیات محاسبه نشود ٠(۱)

ملاحظه می کنید که افغانستان تا حلق زیر بار قرضه و ربح کمک های نام نهاد روس ها در گل فرورفته بود و روس ها می کوشیدند تا سر این رشته را باز هم دراز تر سازند و پای محمد داود و دست اندرکاران سرنوشت مردم افغانستان را محکم تر به بندند ٠

این قرضه ها و نحوهٔ استفاده از آنها همه در دست خود روس ها بود و صرف همان پروژه هائی می شد که به آن علاقه مند بودند ٠ اغلب کارهای ایشان جنبهٔ مشغولیت افراد روسی و روزگذرانی را داشت و جائی که می بایست یکصد روبل مصرف گردد ، یکهزار روبل مصرف می کردند ٠ بدین معنی که خود پروژه میساختند ، خود مصرف میکردند ، خود ناظر بودند و خود محاسبه میفرمودند ٠ تفتیش و مراقبت و محاسبه ای درکار نبود و هیچکس یارای آن نداشت تا در این موارد حرفی برزبـان آرد ٠ هر نوع صحبت دربـارهٔ روس ها و کارهای شان جرم تلقی می شد و حتی خطر مرگ و نابودی در پی داشت و روس هاهم با استفاده از فرصت دو اسپه می تاختند و پلان های شوم خویش را یکی بعد دیگر در مرحلهٔ تطبیق قرار می دادند ٠

---

۱ - روزنامهٔ انیس ، برج جدي ۱۳۵۳ هـ ش ٠

در حواشی سال ۱۳۵۳ ه‍٠ش

هنوز بیش از چند ماه نگذشته بود که بین محمد داود و همکارانش تضادهائی تبارز کرد ٠ بخصوص افسران جوان و کمونست با تائید و پشتیبانی پرچمی های عضو شورای عالی و کابینه ، انجام کارهایی را از وی تقاضا می کردند که برای محمد داود مشکل و نا مطلوب بود ٠ بنا براین موصوف درپیٔ آن شد تا بصورت تدریجی آنان را بکار های دیگری مشغول سازد و خود را از شر شان نجات دهد ٠ اولین اقدام او در حمل ۱۳۵۳ تعیین پاچا گل وزیر سرحدات بحیث سفیر افغانستان در بلغاریا بود ، و از آنوقت به بعد احساس می شد که دیگران نیز از صحنه کنار خواهند رفت ٠

در اواخر ثور ۱۳۵۳ش ، از ترتیب و تدوین مسودهٔ قانون اساسی نام برده شد و اعلان گردید که کمیسیونی برای انجام اینکار موظف خواهد شد ٠ مردم مشتاقانه و بی صبرانه انتـظار می کشیدند تا این قانون چه وقت ساخته خواهد شد و چه ارمغان هائی به ملت افغانستان خواهد داشت و تطبیق آن سرنوشت ملت بدبخت مردم ما را بکجا منهتی خواهد کرد ٠

در نهم می ۱۹۷٤= ۱۹ ثور ۱۳۵۳ محمد داود اولین بیرق جمهوری خود را در ارگ شاهی بر افراشت ٠ در این بیرق بجای محراب و منبر که نشان بیرق شاهی بود ، تصویر مرغی دیده می شد که پاهایش برفراز منبری قرار داشت و مردم با دیدن آن از همان روز اول بر آشفتند و آنرا فال بد گرفتند ٠ تعبیرات و توجیهات مردم دربارهٔ نشان و علامت بیرق جمهوری محمد داود ، هر چند عامیانه تلقی می شد عمق و معنی وسیعی داشت و چنانکه دیدیم آن همه پندارها تحقق یافت ومنابر و مساجد توسط کرگسان سرخ لگدمال گردید ٠ درهمین ماه علی احمد ، خرم معین وزارت پلان که در جلب کمک های خارجی و طرح پروژه های داخلی سهم موثر داشت ، بمقام وزارت ارتقاء یافت و این عمل روس ها را سخت بر آشفت ٠ زیرا موصوف را متمایل بغرب می دانستند و از افشای قرار داد های ننگین خویش بوسیلهٔ او ، تشویش داشتند ٠

هکذا در این سال تقسیم اراضی دولتی که جدیداً در مناطق مختلف سروی شده بود رویدست گرفته شد و تابرج سنبله ، ۱۲٦٠ جریب زمین به افرادی که درخواست کرده بودند توزیع گردید ٠ گرچه ظاهراً این تقسیمات به اساس قرعه انجام می یافت ، اما عملاً مشاهده می گردید که دست بازی ها و انگیزه های متفاوت دران ذید خل بود و مستحقین واقعی به جائی که میخواستند کمتر موفق بدریافت زمین می شدند ٠

مسئلهٔ بسیارمهمی که دران سال اتفاق افتاد ، مهاجرت برادران بلوچ از آنسوی مرز به قندهار بود ۰ این موضوع یکی از دسایس مسلم روس ها و بازی های سیاسی محمد داود محسوب می شد تا روابط تیرهٔ پاکستان را تیره تر سازند ۰ در اثر این تحریکات بتاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۷٤ مطابق ۱٦ سنبله ۱۳۵۳ محمد داود خان پیامی عنوان کورت والدهایم سرمنشی ملل متحد فرستاد واز سیاست پاکستان مبنی براینکه در برابر آزادی خواهان بلوچ از قواء استفاده می کند ، نکوهش نمود و از ملل متحد خواست تا در اینباره توجه کند ۰

بوتو صدراعظم پاکستان بتاریخ اول اکتوبر ۱۹۷٤ ضمن نامهٔ جوابیه ای اظهارات محمد داود را رد کرد و حکومت افغانستان را به مداخله در امور داخلی پاکستان و ایجاد بد امنی و خرابکاری و دهشت افگنی متهم نمود و از ملل متحد خواست تا اوضاع توسط یک هیئت بین المللی تحقیقات شود ۰(۱)

محمد داود محض برای نمایش و ایجاد درد سر بحکومت پاکستان ، ولی روس ها قصداً و روی خدعه ، به این اقدامات دا من میزدند تا محمد داود را در وضعی قرار دهند که مجال آنرا نیابد تا پا از گلیم خویش فراتر نهد و با دریافت کمک از سایر کشور هاو برقراری روابط حسنه باآنان ، نیازش از روس هاکمتر شود ۰ ورنه دلیل و ضرورتی وجود نداشت تا عده ای در شرایط عادی و امن ، از آنسوی مرز به افغانستان مهاجرت کنند ۰ واقعاً این صف آرائی های بی جهت هر روز وسیع تر می شد و در برج جدی همان سال بوتو نامهٔ دیگری عنوانی کورت والد هایم فرستاد و باز هم از روش حکومت افغانستان در برابر پاکستان و امور داخلی این کشور شکایت نمود :(۲)

به تعقیب آن وحید عبدالله معین بی مایه و خود کامهٔ وزارت خارجهٔ افغانستان در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی باخبر نگارسندی تایمز ، سرحدات بین افغانستان و پاکستان را کاملاً مصنوعی و غیر حقوقی خواند و آنرا بی اعتبار وانمود ساخت ۰ او که نمیدانست حرفهایش چه معنی دارد و آیا میتواند سرحدات دیگری با پاکستان ایجاد کند ؟ با این گفته هایش بصورت ناخود آگاه اهداف روس را بر اورده می ساخت و بجای آنکه در بهبود روابط میان دو کشور کوشا باشد ، آنرا بدتر می کرد ۰ متاءسفانه وحید عبدالله و آنانی که سرحدات افغانستان و پاکستان را مصنوعی و غیر حقوقی می نامیدند ، نه تنها در عمر خود یکبار از غیر حقوقی بودن سرحدات ما با روس صحبت نکردند ، بلکه این را هم نمیدانستند که موضوع سرحدات شرقی افغانستان یکبار در عهد امیر عبدالرحمن ، بار دوم در زمان امیر حبیب الله خان و برای آخرین بار هم در دورهٔ شاه معتبر و به اصطلاح مترقی و انقلابی

---

۱ ـ برای معلومات از متن پیام ها رجوع شود به : بیانات ، پیام ها و مصاحبه های مطبوعاتی محمد داود ، چاپ کابل جلد دوم ص ۱۱ ـ ۱۸ ۰

۲ ـ همین ماخذ ص ۱۱ ـ ۱۸ ۰

و قانونی افغانستان «امیر امان الله خان» و توسط محمود طرزی وزیر خارجه و نمایندهٔ او در ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ = ۳۰ حوت ۱۳۰۰ شمسی با دولت هند برتانوی امضاء شده است ۰(۱) عجیب آنکه در مادهٔ(۲) معاهدهٔ هیئت امان الله خان با هیئت برتانوی ، عهدنامهٔ مورخ ۸ اگست ۱۹۱۹م بین دو کشور نیز تائید و قبول شده است ۰ هرگاه این معاهدات فاقد اعتبار باشد ، معاهدات و پیمان های دیگر امان الله خان و شاهان قبل و بعد از وی نیز قانوناً بی اعتبار است ۰ مخصوصاً آن عده از پیمان ها و معاهداتی که بین انگلیس وروس راجع به حد بخشی و تعیین مرزهای افغانستان و روس صورت گرفته است ، باید بکلی منسوخ و غیر قانونی اعلام شود ۰ حالانکه درهفتاد سال اخیر یکبار هم کسی بخاطر خشنودی روس ها چنین مسئله ای را مطرح نکرد و پنداشتی که این قسمت از تاریخ و سرزمین افغانستان از آرشیف هستی ماحذف شده است!

بهرحال ، محمد داود خان بتاریخ یازدهم حوت همان سال نامهٔ دومی «بوتو» را نیز پاسخ گفت و بدین ترتیب سال ۱۳۵۳ شمسی درمیان موجی از خشونت های سیاسی بین افغانستان و پاکستان پایان یافت و جز برای روس ها هیچ طرف را از آن همه جدالها بهره ای نبود ۰

علاوه برجنجال ها و کشمکش با پاکستان که اغلب به تحریک روس ها و توسط خود محمد داود خان بوجود می آمد ، در داخل نیز با مشکلات فراوانی مواجه بود و مردم نسبت به رژیم و همکاران محمد داود تصویرهای گوناگونی داشتند ۰ چنانکه ذر اثر این انگیزه ها و شایعات ، محمد داود خان به قندهار رفت و درمیان شهریان آنجا گفت :

«انقلاب ما انقلاب اصیل افغانی بود یقین داشته باشید که نظام موجودهٔ افغانستان فقط روی اساسات ملی و ناسیو نالیزم افغانی استوار بوده و خواهد بود ۰ آنچه دشمنان ما به ما و رفقای مانسبت داده اند همه را خوب می دانیم ۰ ما مسلمان هستیم و بخداوند خود ایمان داریم ۰»(۲)

چه عجیب که محمد داود به مسلمانی حسن شرق و گل پاچا و فیض محمد و امثال ایشان باور داشت و فکر میکرد مردم نیز این حرفها را باور خواهند کرد!

مسافرت های محمد داود

محمد داود خان باوجودی که از دگرگونی احتمالی اوضاع در کشور می هراسید و اطرافیانش مخصوصاً کمونستان پیوسته تلاش می کردند او را در بیم و گمان و منزوی نگاه دارند ، مع الوصف در پایان سال ۱۳۵۳ شمسی دل بدریا زد و بار سفر بر بست ۰ اما در این بر نامه هم نخست بدهلی رفت و از تاریخ ۱۹ تا ۲۳ حوت بازعمای آن کشور

۱ـ افغانستان درمسیر تاریخ ، صفحهٔ ۷۷۹ ـ ۷۸۳ ۰

۲ـ رک : بیانات ، پیام ها و مصاحبه های مطبوعاتی محمد داود ، جلد دوم ۰

دیدار و مذاکره نمود . هندی ها در این سفر از طریق دانشگاه پنجاب به او دکتورای افتخاری حقوق هدیه کردند و حرفهای گرم و نرمی بین دو طرف تعاطی گردید .

از انجا عازم بنگله دیش شد و تا ۲۵ حوت دران کشور باقیماند . در این مدت با مجیب الرحمن رئیس جمهور آن کشور ملاقات ها و مذاکراتی انجام داد و سپس را ه عراق در پیش گرفت .

از تاریخ ۲۶ تا ۲۹ حوت مهمان حسن البکر رئیس جمهور عراق بود و پس از دیدار و مذاکره باوی جانب عربستان سعودی شتافت .

سال ۱۳٥٤ خورشیدی

یا

سومین سال جمهوری

<u>ادامهٔ مسافرت های محمد داود</u>

محمد داود هم جهت رفع شک و تردید مردم دربارهٔ ماهیت و ره آورد های کودتایش و هم بخاطر اطمینان بخشیدن به کشورها و عامهٔ جهان و هم برای دریافت و جلب همکاری و کمک های بیشتر از کشور های مختلف جهان ، می کوشید تا علاوه برمسافرت های برادرش ، خود نیز گاهگاهی سر از روزن فراکشد و به اینطرف و آنطرف سفرکند ۰ زیرا او بخوبی درک کرده بود که کمک ها و همکاری های روس دیگر نه بدان پیمانه است که نیازمندی های او را بر اورده سازد ، و نه میتواند بااتکاء به روس برنامه های بلند بالای خود را عملی نماید ۰

بنابراین درپایان سال ۱۳۵۳ش یک سلسله دید و باز دیدهائی را آغاز کرد و از سه کشوری که قبلاً نام بردیم دیدن نمود ۰ به ادامهٔ این سفر در اولین روز سال ۱۳٥٤ش وارد عربستان سعودی شد تا با ملک فیصل دیدار و مذاکره کند ۰ لیکن بخت یاری اش نکرد و پیش از انکه مذاکراتش را باشاه سعودی بپایان رساند ، موصوف بدست برادر زادهٔ عیاش و فاسدش به شهادت رسید و محمد داود بجای مذاکره با او ، در جنازه اش شرکت کرد ۰ مذاکرات محمد داود با سایر مقامات سعودی دران مرحله بجائی نرسید و او از انجا دست خالی برگشت ۰

چون حکم رانان سعودی درحال سوگواری بسر می بردند و محمد داود نتوانست دران وضع باایشان بیشتر مذاکره کند و حل مطلب نماید ، لذا متوجه ایران گردید و بتاریخ ٦ ثور عازم تهران شد ۰ در ایران با تشریفات کم نظیر و بی سابقه ای از وی پذیرائی بعمل آمد و مذاکرات مفصلی با شاه و صدراعظم این کشور انجام داد ۰

بعضی افراد و حلقه های آگاه در ایران و افغانستان می گفتند که شاه ایران در مذاکرات خود با محمد داود ، از نفوذ روز افزون روس و گسترش مفکورهٔ کمونیزم در بین مردم افغانستان و عواقب آن ، اظهار نگرانی کرده بود و از تجارب تلخ و آموزنده و اطلاعاتی که نسبت به فعالیت ها و سوء اراده و قصد روس ها و ایادی شان در اختیار داشت ، محمد داود را حالی ساخت ۰

در این دیدار و مذاکرات شاه ایران به محمد داود پیشنهاد کرده بود که برای نجات افغانستان از نفوذ روس ، وی حاضراست تا قرضه ها و ربح روس ها را کلاً تادیه کند و اغلب پروژه های انکشافی افغانستان را تمویل نماید ۰ محمد داود خان هم از این سفر خیلی خوش و راضی به نظر میرسید و معلوم می شد که بسیار چیزها اندوخته و در اکثر موارد ذهنش تغییر یافته است ۰

گرچه در اعلامیهٔ مشترکی که پس از پایان سفر محمد داود به ایران انتشار یافت ، نقطهٔ بارزی جلب نظر نمیکرد وتنها بذکر حقوق مردم فلسطین وصلح بین المللی وتوسعهٔ همکاری های اقتصادی اکتفا شده بود ، مع هذا روس ها این تماس ها و مذاکرات را بدقت دنبال می کردند و اطلاعات کافی و لازم را بوسیلهٔ «جلالر» وزیر تجارت بدست می آوردند ۰

او در تمام این سفرها با محمد داود همراه بود وسایه وار او را دنبال می کرد و تمام جریان مذاکرات و دید و باز دیدها را بمسکو گزارش میداد و روس هابه اساس آن کارهای خود را در افغانستان سروسامان می دادند ۰

سوال مهم این است که روس ها چگونه برنامهٔ همراهی او را با محمد داود تنظیم می کردند وچه افراد و یانیروئی آنان را در این امر یاری میدادند ، وچطور دو نمایندهٔ خود (حسن شرق وجلالر) را در پهلوی او جا داده بودند و این مغرور پر ادعا را اغفال می نمودند؟

محمد داود در برگشت خویش از سفر ایران با هلیکوپتر وارد هرات شد و از طرف شهریان هرات با گرمی و حرارت استقبال گردید ۰ او در این مراسم که هزاران نفر دران شرکت کرده بودند سخنانی ایراد کرد و گفت:

«۰۰۰ پس ای جوانان عزیز! وای فرزندان عزیز! خود را آمادهٔ خدمت سازید و وقتی شایستهٔ خدمت شده می توانید که علم بیاموزید و صاحب یک ایدیولوژی ملی و وحدت فکر و عمل باشید ۰

برادران! ایدیالوژی های وارد شده هیچگاه به تنهائی بدرد یک ملت نمی خورد ۰ ملت مرد و قهرمان آن ملتی است که از آنهمه ایدیالوژی ها از همهٔ دنیا چیزهای بهتری که موافق باعنعنات ملی ، منافع ملی و معتقدات دینی آن باشد ، استخراج و جمع آوری نموده بفکر ودماغ خود برای خویشتن و وطن خویش ایدیولوژی نوی را خلق کند که در پرتو آن راه سعادت و اعتلا را به پیماید ۰»(۱)

قصد محمد داود از ایدیولوژی وارداتی مسلماً کمونیزم بود که آهسته آهسته در جامعه رشد می یافت و احساس خطر می شد ۰ این گفتار که تا آنوقت سابقه ای نداشت و فکر می

۱ ـ رک : بیانیه ها ، پیام ها و مصاحبه های مطبوعاتی محمد داود ، نشر کردهٔ وزارت اطلاعات وکلتور از ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ تا ۲۶ سرطان ۱۳۵٤ شمسی ۰

شد از صحبت ها و مذاکراتش در ایران الهام گرفته باشد ، اجیران روس را به شدت برانگیخت و تبلیغات وسیعی را علیه او آغاز کردند ۰

واقعاً محمد داود خان هم در دورهٔ صدارتش و هم در عهد ریاست جمهوری اش در فکر آن بود تا در افغانستان اقتصادی از نوع «مختلط و رهبری شده» پیاده کند که این روش نه سوسیالیزم روسی بود و نه سرمایه داری امریکا ۰ بلکه میخواست از این و آن و تجارب کشور های دیگر چیز هائی را بگیرد و از ترکیب همهٔ آنها چوکات نوی را بوجود آورد که نه باعنعنات و روحیهٔ ملی و معتقدات دینی تضاد داشته باشد ، و نه تقلید و پیروی از دیگران بحساب آید ۰

بعبارت دیگر او در نظر داشت ، با حفظ ملکیت های محدود و مقید ، سرمایه گذاری ها و تشبثات شخصی در کشور مجاز باشد ، ولی نوع سرمایه گذاری ، تولید ، درامد و نحوهٔ کار بوسیلهٔ دولت تشویق ، رهبری و نظارت شود ۰ چنانچه در مصاحبه ای بایک ژورنالست فنلندی در همین سال گفت : «۰۰۰ هر مفکورهٔ خوبی که در هر جا و هرسیستم بنظر برسد و موافق با روحیهٔ محیط ، عنعنات ملی و مذهبی باشد ، پسندیده است ۰»

و در جواب سوال دیگر همین ژورنالست که : «آیا جناب شما سوسیالیزم را یک وسیلهٔ موفقیت در رسیدن به اهداف ملی خویش میدانید؟» ، گفت :

«گفته میتوانم بسا چیزهای خوبی دران موجود است که میتواند طرف استفاده قرارگیرد ۰»(۱)

اینکه محمد داود خان ، خود مبتکر این مفکوره بود و یا دیگران میخواستند با این نام کارهای مقدماتی برنامه های خود را بوسیلهٔ او در افغانستان انجام دهند ، موضوعی است که برای نگارنده دقیقاً روشن نیست ۰ ولی تا جائی که از خودی و طبعیت محمد داود خان برمی آید و حرفها و بیانیه هایش بران صحه می گذارد ، امکان چنین ابتکاری با روحیهٔ ملی گرائی وخاصی که وی داشت ، توافق دارد ۰

مگر متأسفانه عنصر و وسایلی را که او برای نیل به این هدف استخدام کرده بود و از راهی که او میخواست طی طریق کند و شیوه هائی که او در پیش گرفت ویا نا خود آگاه به آنطرف سوق داده شد ، تشخیص صحیح و راه سالم نبود ، و از همین سبب هر دوبار بناکامی مواجه شد و زمینه برای رشد و نفوذ بیگانگان و بیگانه پرستان مساعد گردید ۰

در هر صورت ، ارزیابی و مطالعهٔ کامل برنامه های اقتصادی و انکشافی محمد داود خان و مقایسه آن ها با اوضاع و احوال کشور ، وتحقیق این مطلب که آیا از نظر علمی و عقلی انجام و اجرای همچو طرح ها و برنامه ها ، آنهم از پول قرض و تحت نفوذ قرار دادن کشور ، درست بود یا نی ، کاریست که درحد خود نوشتن کتاب دیگری را ایجاب می کند

۱ ـ بیانیه ها و مصاحبه های مطبوعاتی محمد داود ۰ جلد ۲ ۰ از ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ ـ ۲۶ سرطان ۱۳۵٤ ۰

و امیداست متخصصین اقتصاد ، در اینباره بیندیشند و حداقل برای انتباه و استفادهٔ نسل های آینده آنرا ترتیب و تدوین نمایند ٠

روابط با روس ها

روس ها در عین حال که دید و بازدید و روابط محمد داود را باسایر کشورها بدقت دنبال می کردند ، سعی مینمودند باتبلیغات و نشر خبرهائی از کار وفعالیت خود درکشور ما ، محمد داود را خوش و راضی نگهدارند ٠ ضمناً به شذت تلاش میورزیدند تاکارهای اساسی وعمده ای را که تا آنروز انجام نشده بود و موانعی علیه آن وجود داشت ، در عهد محمد دواد خان انجام دهند ٠

یکی از کارها و نقشه هائی که برای افغانستان حکم خود کشی و نابودی داشت و روس ها باتمام امکانات و علاقه مندی می کوشیدند آنرا عملی سازند ، اعمار پلی بالای آمو ، در بندر حیرتان بود ٠ این پل که بعداً وسیلهٔ حمل و نقل تانک ها ، زره پوش ها وعساکر روسی به افغانستان گردید ، از دورهٔ اعتمادی به بعد چندین بار مطرح شد ولی شورای افغانستان و در بارتحت فشار افکار عامه به اعمار آن موافقت نه نمودند ٠ اما محمد داود خان درباز دیدش با مقامات کرملن که در جوزای ۱۳۵۳ش صورت گرفت ، ضمن ۲۱ پروژهٔ پیشنهادی روس ها، اعمار این پل را نیز پذیرفت وکار آن در چوکات پلان هفت سالهٔ انکشافی محمد داود ، در سال ١٣٥٤ ش آغاز گردید ٠

با اعمار این پل در بندر حیرتان که پیش از لشکر کشی روس ها به افغانستان اکمال یافت ، یکی از آرزوهای اساسی و دیرینهٔ مسکو براورده گردید و جمهوریت های تحت الحمایهٔ روس در آسیای میانه عملاً با افغانستان اتصال یافت ٠

متأسفانه از همان آغاز احساس می شد که اعمار این پل آخرین طرح استعماری روس برای اشغال افغانستان است و بااکمال آن لشکر کشی ایشان نیز آغاز خواهد شد ٠ و حقا که همینطورهم شد و چنین حدسی بیجانبود!

به سلسلهٔ این فریب کاری ها و غداری ها بتاریخ ۲ ثور ١٣٥٤ش خبری را به نشر سپردند که در «انگوت» دو نیم میلیون تن نفت تثبیت شده و سال گذشته بیش از ۳۲ هزار متر برمه کاری صورت گرفته است ٠ البته این مقدار نفت و کشف آن واقعیت داشت ، ولی افغانستان را بحرف فریفتند و مجال ندادند تا ازاین ثروت های طبیعی خود استفاده کند و بهای خود استاد شود ٠

همچنان در همان تاریخ اعلام شد که امسال ۱۷۱ میلیون افغانی برای تفحصات پطرول

اختصاص یافته است ۰(۱) این مقدار پول و بیشتر از آن همه ساله بنام تفحصات پترول اختصاص می یافت ولی همهٔ آن صرف اعاشه و اباتهٔ صدها روس مفت خوار و بیکاری می شد که بنام متخصص و کارشناس امورنفت در حوزهٔ شمال زندگی میکردند ۰ روی این علت بود که افغانستان در ظرف سی سال امکان آن نیافت تابه استخراج نفت دست یابد و اوضاع آشفتهٔ اقتصادی خود را سروسامان بخشد ۰

بتاریخ ۲ جولای ۱۹۷۵ = ۱۱ سرطان قرارداد تخنیکی پروژهٔ استفاده از آب قسمت سفلای دریای کو کچه را با افغانستان امضاء کردند که تنها برای مطالعهٔ مقدماتی این پروژه مدت یکنیم سال پیش بینی گردید و مبلغ یک میلون و دو صد و سه هزار و نهصد وشصت و دو روبـل (۱۲۰۳۹۶۲) ، از کریدت روسیه برای مصـرف این مطالعـه اختصاص داده شد۰(۲) در حالی که ده سال پیش ازان نیز مطالعهٔ استفاده از دریای کو کچه را بامقامات افغانی قرار داد کرده بودند و میلیون ها روبل تحت این نام و پروژه بحساب قرضه های شان بالای افغانستان محاسبه شده بود ۰

بهمین اساس در تاریخ ۱٤ اسد اعلان گردید که ده هزار مترصوف کنی و یازده هزار متر برمه کاری در معدن مس عینک لوگر صورت گرفته و حجم ذخیرهٔ مس در معدن مذکور به اندازهٔ دو میلیون تن تخمین شده است ۰(۳) همچنان خبری انتشار یافت که ذخایر بیرایت هرات بیش از یکنیم میلیون تن می باشد و ازاین مقدار، شش صدتن آن در سال ۱۳۵۳ش بروسیه صادر شده است ۰

واقعیت آن بود که ده هاتن بیرایت از هرات همه روزه بروسیه انتقال داده می شد ولی بنام اینکه آنرا تجربه و آزمایش می کنند ، یک پول هم در برابر آن به افغانستان پرداخت نمیکردند ۰ چنانچه به عین نام و بهانه یورانیم لشکر گاه را به یغما بردند و هرگز حرفی از مقدار و قیمت آن درمیان نبود ۰

نشر اخبار و اعلان دربارهٔ کارنامه ها و فعالیت های روس ها برای خوانندگان و بطور کلی برای اکثریت مردم افغانستان از لحاظ اهمیت و حقیقت ارزشی نداشت ، زیرا بار بار تکرار شده بود و همه میدانستند که وضع برچه منوال است ۰ لیکن هدف حکومت از پخش چنان خبرها ، محض بخاطر آن بود تا احساس نفرت و بدبینی مردم را نسبت بروس ها کاهش دهند و بزعم خودشان آنان را منبع خیر و برکت و حرکت در افغانستان معرفی نمایند ۰

بتاریخ ۲۸ اسد قرار دادی را با افغانستان امضاء کردند که مطابق به آن باید قسمتی از برق سروبی به درهٔ سالنگ و از انجا به بلخ و مزار شریف انتقال می یافت ۰ عجیب آنکه

---

۱ ـ روزنامهٔ انیس ، ۲ ثور ۱۳۵٤ ش ۰

۲ ـ ایضاً ۱۱ سرطان ۱۳۵٤ ش ۰

۳ ـ ایضاً ۱٤ اسد ۱۳۵٤ ش ۰

سامان ولوازم این پروژه قبل از توافق روی اصل موضوع ، با مسکو قرار داد شده بود ۰
واقعاً باید به مظلومیت و بیچارگی و بیکسی ملت افغانستان گریست و بر غداری ها و خیانت ها و خباثت ها و جنایت های روس نفرین فرستاد!

چقدر شرم آورست که این قوم خاین در سال ۱۳٤۳ش پیمانی با افغانستان امضاء کردند و اعلام داشتند که برای احداث بند برق و آبیاری و استفاده از دریای آمو مطالعه می کنند۰ بدنبال آن اعمار فابریکۀ کود حرارتی را در مزار شریف روی دست گرفتند و شعار دادند که بلخ و مزار شریف را چراغان خواهند ساخت ۰ واینک همۀ آن حرفها و قرار داد ها را فراموش کرده ادعا دارند که از گلبهار الی بلخ پایه نصب می کنند ولین دوانی مینمایند تا آن ولایت را از نور برق مستفید سازند ۰

از این هم بدتر واسف انگیزتر که پیش از توافق در اجرای طرح مذکور ، تورید و خریداری سامان آلات آنرا با مقامات افغانی امضاء کرده و میلیون ها روبل دیگر را نیز بحساب قرضه های خود افزوده بودند و کاملاً اطمینان داشتند که هر چه عنوان کنند و پیشنهاد نمایند ، تردیدی علیه آن وجود ندارد ۰ در حالی که مصارف نصب پایه ولین دوانی آن از گلبهار تا بلخ میلیون ها دالر مصرف ایجاب می کرد که به هیچوجه برای افغانستان صرفه ای نداشت ۰ فقط روس ها سعی میکردند برای بیکاران خود سرگرمی خلق کنند و به حجم قرضه و ربح شان در کشور ما بیفزایند ۰

باصرف نظر از اینکه پروژه مذکور همانند ده ها کار دیگر روس ها از حرف بعمل در نیامد و فقط پول آن بحساب مسکو معامله می شد ، درد اصلی و کشنده این است که افراد و ادارات ذیدخل در افغانستان چگونه با هستی و سرنوشت کشور بازی میکردند ؟ چگونه خشنودی روس ها را بر منافع ملی خود تر جیح میدادند ؟ و چگونه در پای این همه قرار داد های ننگین و استعماری امضاء می نمودند ؟ و افغانستان چگونه مبتوانست با این همه خیانت ها میدان تاخت و تاز روس ها قرار نگیرد ؟

به سلسلۀ همین بازی ها وکلاه برداری ها ، در برج سنبله اعلان گردید که برمه کاری نفت در ساحۀ «کوهسان» هرات شروع گردیده و کارشناسان نفتی نتایج آنرا مفید و دلچسپ خوانده اند ۰ اما تا امروز هم کسی موفق نشد که نفت هرات را استخراج و از آن بهره برداری کند ۰ زیرا تمام کاوش ها و تحقیقات و تفحصات نفت در اختیار روس ها بود و بفرض اینکه کشور دیگری میخواست در هرات یا جنوب به چنین کاری اقدام نماید ، روس ها از هر راهی که ممکن می شد آنرا مانع می گردیدند ۰ تمام مساعی روس ها آن بود که از منابع طبیعی افغانستان آگاهی یابند و نقشۀ آنرا باخود داشته باشند ۰ ورنه در هرات نیز مانند صفحات شمال کشور ذخایر نفتی بحد کافی وجود دارد و روس ها چشم آن دارند تا روزی آنرا تصاحب کنند ۰

همچنان در همین ماه (سنبله) قرار داد سامان و مواد مورد ضرورت استخراج گاز و انتقال آن بروسیه ، بین کابل و مسکو عقد گردید و قرار شد روسیه سامان آلات مذکور را بقیمت معادل ٨٠٤/٩٨٤ دالر در چوکات موافقت نامۀ کریدت ١٩٧٢ به افغانستان برساند ٠

ملاحظه می کنید که روس ها پول سامان آلات استخراج گاز را به افغانستان قرض میدادند و ربح آنرا هم دریافت می کردند ، اما از همین پول لوله های گاز را به کشور خود تمدید می کردند و یک پول آنهم بدرد افغانستان نمی خورد ٠ بعبارت دیگر پول قرضه و مصارف پروژه متعلق به افغانستان بود ، ولی کاری که در بدل این پول باید صورت می گرفت به نفع روس ها و برای انجام کارهای خود ایشان بمصرف میرسید ٠ چه بدبخت ملتی و چه بی پرواز مام دارانی !

علاوه بران چنانکه در مباحث گذشته بیان داشتیم ، همه ساله قرار دادی به همین نام و عنوان از سوی روس ها به فرمانروایان کابل تقدیم می شد و به امضاء می رسید و اینکار هرگز پایانی نداشت و هیچکس هم بقرار دادهای قبلی توجه نمیکرد ٠

بتاریخ ٢٢ عقرب قرارداد اعمار یک فابریکۀ پروسس زیتون (Olive Processing Plant) به ظرفیت هشت هزار تن در سال با روس ها عقد گردید و بتاریخ ٤ قوس اعلان شد که ٣٣٥ تن کانسرو (Conserve) زیتون و دو هزار تن میوه و پنج هزار تن پنبۀ محلوج بروسیه صادر می گردد که بهای دو قلم اول بالغ بر ٨٧/٣٣٥ دالر خواهد بود ٠

بتأسف باید گفت که تمام محصولات میوه های زمستانی مانند مالته ، سنتره ، کینو، همچنان زیتون وغیره که در جلال آباد بدست می آمد، همه در اختیار روس ها بود ٠ خود می چیدند ، خود بسته بندی می کردند ، خود حمل می نمودند و بهای صد هزار را به یکهزار مجری و محاسبه می فرمودند و کسی حاضر نمی شد بگوید چرا!

اینکار در حالی انجام می شد که افغانستان خودش همه ساله برای مصارف و نیازمندی مردم مقداری روغن زیتون و صدها تن مالته و امثال آنرا به قیمت گزاف از خارج وارد می کرد ، ولی محصولات کشور را بصورت مفت و رایگان روس ها می بردند ٠

شاید برای بسیاری از مردم جهان و نیز نسل های بعد ، اینگونه داد و ستد در یک نظام و در یک کشوری که دم از استقلال و حاکمیت ملی می زد ، از باور بدور باشد ٠ ولی مردم امروز افغانستان و کسانی که به قصه های معروف ملا نصرالدین آشنائی داشته باشند ، حتماً میدانند که جوامع بشری از اینگونه ملا نصرالدین ها بسیار داشته است!

<u>طرح خط آهن و مداخلۀ روس ها</u> در ماه عقرب ١٣٥٤ش پروژۀ مهمی در روزنامه های افغانستان عنوان گردید و از جریان مذاکرات دولت با یک کمپنی فرانسوی راجع به احداث

وامتداد خط آهن ، مردم را بشارت دادند • این خط آهن چنانکه خود محمد داود خان نیز در جشن دومین سال جمهوری اش ازان نام برد ، قرار بود در پلان هفت ساله تکمیل شود و ایستگاه (= ستیشن) مرکزی آن در ساحهٔ دو صد جریب زمین در منطقهٔ صناعتی کابل اعمار گردد • با تمدید چنین خطی بعضی از نقاط افغانستان ، مثل کابل ، غزنی ، قندهار ، سپین بولدک ، هرات و اسلام قلعه با هم اتصال می یافت و گام مهمی در امور تجارت وحمل و نقل کالا های افغانی برداشته می شد • در واقع این همان پروژه ای بود که شفیق میخواست آنرا به کمک ایران عملی کند ولی روس ها نگذاشتند وحتّی خود او را از بین بردند •

اعلان پروژهٔ مذکور و معامله با فرانسوی ها بار دیگر اربابان کرملن را نا آرام و مشوش ساخت و بتاریخ ۱۸ قوس = ۹ دسمبر ۱۹۷۵ پادگورنی سراسیمه وارد افغانستان شد تا موضوع را با محمد داود درمیان گذارد • از موضوع مسافرت ومذاکرات پادگورنی با محمد داود که فقط برای یکروز تنظیم شده بود ، خبری انتشار نیافت ، و آنچه در ختم مسافرت او اعلان گردید ، امضاء پروتوکول تمدید معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز بین دو کشور بود • در این پروتوکول و معاهده ، همان پیمانی که بین کشور ما و روسیه به اساس معاهدهٔ مودت مورخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ و معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز مورخ ۲٤ جون ۱۹۳۱ به امضاء رسیده بود ، مورد تائید و تاکید قرار گرفت و مدت اعتبار آن برای ده سال تعیین گردید •

در اخیر این پروتوکول تذکر رفته بود که بعد از ختم میعاد معینه هرگاه یکی از طرفین به ادامهٔ آن راضی نباشد ، باید از تصمیم خود یکسال قبل جانب مقابل را اطلاع دهد •

البته این اولین و آخرین قرار داد بود که روس ها بوسیلهٔ آن رشتهٔ محکمی برپای محمد داود بستند و آنرا از هر نوع خطر احتمالی مطمئن ساختند و خود از همان تاریخ و بادرک روحیهٔ محمد داود و مشکلات مردم افغانستان در فکر طرح کودتا افتادند • زیرا راه دیگری جهت رسیدن به آرمان های استعماری خود نداشتند و وصول به هدف نزد ایشان امر حتمی بود •

اصلاً بدانگونه که در مباحث قبلی تذکر فت ، عنوان کردن این نوع پیمان ها بوسیلهٔ روس ها ، کلاً و ماهیتاً جنبهٔ اغواگری و سالوسی داشت و بار بار تجربه شده بود که هر وقت در تطبیق نقشه های خود به موانعی بر میخوردند و یا حکومتی نسبت به دوستی و طرح پیشنهادی آنان شک و تردید نشان میداد ، فوراً معاهدهٔ بیطرفی و عدم تجاوز را پیشکش می کردند و به این ترتیب میخواستند جانب مقابل را اغفال کنند • پیمان اخیر پادگورنی هم از همین قبیل تزویرهائی بشمار میرفت که هیچ انگیزه و موردی دربارهٔ آن وجود نداشت •

منابع آگاه و نزدیک به محمد داود خان حکایت می کردند که وی در مذاکره اش با پادگورنی روی احداث خط آهن ، پافشاری کرده بود • سرسختی محمد داود در برابر روس

ها بعید از باور نبود ، زیرا وی بعد از مسافرت به ایران و بعضی کشور های دیگر چیز هائی آموخته بود و احساس می شد که با اتکاء و اطمینان به وعدهٔ همکاری کشور های یاد شده ، و انتباه از انعکاسات درونی جامعه حتماً قصد داشت تا خود را آهسته آهسته از لجن زاری که دران فرورفته بود ، بیرون کشد ۰ اما روس ها به فشار خود در زمینه ادامه دادند تا آنکه از طریق محمد نعیم برادرش او را متقاعد گردانیدند که از طرح احداث خط آهن منصرف شود ۰

مداخلهٔ بیشرمانهٔ روس ها در امر احداث خط آهن و جلوگیری از انجام آن ، اغلب کسانی را که از نیات استعماری روس ها در افغانستان آگاهی داشتند ، سخت به تشویش افگند وجای هیچ شبهه ای باقی نماند که عملاً کشور ما را چون مستعمرهٔ خویش می پندارند و بفرمانروایان افغانستان هرگز اجازه نمیدهند که از حلقهٔ انحصار ایشان گامی فراتر نهند ۰

روابط افغانستان با پاکستان — به ادامهٔ خرابی روابط بین دو کشور ، در ماه ثور ١٣٥٤ش مسئلهٔ «پشتون و بلوچ» بار دیگر اوج گرفت و تعدادی از بلوچ های آنسوی مرز باز هم بقندهار مهاجرت کردند ۰ وزارت خارجهٔ افغانستان آمدن چند نفر را از آنسوی مرز که آنهم روی مصلحت و فرمایشی انجام یافته بود ، یک پدیدهٔ مهم سیاسی خواند و کوشید تا از آن بحیث یک وسیلهٔ تبلیغاتی علیه پاکستان استفاده کند ۰ این رویداد ، بحران مناسبات را تیره تر ساخت و آهنگ دشمنی و کین توزی در رادیو های اسلام آباد و کابل بلند تر وخشن تر گردید ۰

در اواخر ماه جوزا حکومت پاکستان ، افغانستان را به خرابکاری و تحریکات در داخل قلمرو خود متهم نمود و ادامهٔ آنرا ناگوار خواند که این ادعا توسط مقامات افغانی رد شد ۰ ولی ادعای پاکستان حقیقت داشت و یک تعداد طفیلی و مفت خوار همانطور که امروز در بدل پول با حکومت دست نشانده و اجیر روس همکاری می کنند و مشغول فعالیت های خرابکاری در پاکستان هستند ، دران ایام نیز توسط وزارت سرحدات استخدام می شدند و از همین مدرک امرار حیات می نمودند ۰

افراد و عناصری که بنام «پشتون و بلوچ» در خدمت استعمار بودند و برای نفوذ و منافع روسیه وهند در منطقه راه سازی میکردند ، با استفاده از همکاری حکومت افغانستان ، وضع پاکستان را بحرانی ساختند و این حالت در طول سال ١٣٥٤ش ادامه یافت ۰

البته حکومت پاکستان هم در مقابله با تحریکات وتخریباتی که از کابل رهنمائی می شد ، آرام نبود و با تمام امکانات خود می کوشید در افغانستان بحران ایجاد کند و حکومت محمد داود را به مشکلات مواجه سازد ۰ بعضاً واقعاتی که در سال ١٣٥٤ش بداخل افغانستان اتفاق افتاد ودر همین مبحث به آن اشاره خواهد شد ، زادهٔ این نوع فعالیت ها

بود و حکومت پاکستان به نحوی از انحاء در تحریک و ایجاد آن دست داشت ٠
ولی بتأسف باید گفت که نتیجهٔ آنهمه اختلافات وبرخوردها به سود دشمنان واقعی ملت افغانستان و پاکستان بود و دهلی و مسکو سرسختانه تلاش می ورزیدند تا فاصله بین دو کشـور مسلمان را وسیع تر و تضادهای آن را عمیق ترسازند و خود بهره برداری نمایند ٠ به اساس همین شیطنت ها و دراوج خرابی مناسبات افغانستان و پاکستان، چاوان وزیر خارجهٔ هنـد وارد کابل شد و پس از مذاکراتش بازعمای افغانستان انجمن مشترکی ترتیب یافت تا دربارهٔ روابط فرهنگی و تاریخی هند و افغانستان مطالعاتی را انجام دهند ٠

افرادی که باهند ، مردم و سیاست های این کشور آشنائی دارند بخوبی میدانند که هنـدو ها بخصـوص حزب کنگـرس هنـد، نسبت به افغـانستـان و مردم آن عمیقـاً تضـاد دارنـد و خاطرات لشکر کشی های سلطان بزرگ شرق «محمود بت شکن» و احمد شاه بابا را نسل به نسل در گوش فرزندان خود زمزمه می کنند و هرگز میل ندارند تا دربارهٔ تاریخ افغانستان و هند مطالبی را بشنوند ٠ برعکس تا جائی که ممکن بوده است کوشیده اند از افغانستان و مردم آن بوسیلهٔ کنفرانس ها ، فلم ها ، نمایش نامه ها و نوشته های شان ، چهره های زشت و نادرستی در تاریخ تصویر کنند و وقایع را به لون دیگری بیارایند ٠ لیکن در وقت محمد داود همین هندی ها و گردانندگان حزب کنگرس به مطالعهٔ روابط تاریخی دو کشور علاقه نشان میدهند و او هم باور می کند و گمان می برد که بااینگونه حرکات و صحنه سازی های تصنعی میتواند پاکستان را به تشویش اندر سازد ٠

روابط با سایر کشورها

اوایل میزان همان سال اعلان گردید که افغانستان قصد دارد با کیوبا روابط دپلوماتیک برقرار کند، چنانکه قبلاً نیز بابوخی از کشور های وابسته بروسیه که تا آنوقت افغانستان باآنها روابط نداشت، سفرائی تبادله کرده بود ٠

این اقدامات محمد داود هر روز مردم را خشمگین تر می ساخت و سوءظن هائی را فراهم می کرد ٠ اما محمد داود فکر می کرد بااین روش میتواند تعادل سیاسی اش را باهمه کشور ها حفظ کند و مخصوصاً روس هارا از خود راضی نگهدارد ٠

ولی روس ها اهداف خود را دنبال می کردند و مزدوران شان برای بدنام ساختن موصوف و برانگیختن نفرت عامه به شدت تلاش می ورزیدند ٠

در اوایل سپتـامـبر = سنبله ، حکـومت امریکا مبلغ ٤٥٠ هزار دالر به معارف افغانستان کمک بلاعوض نمود تا در ساختمان عمارات مکاتب و منازل برای معلمان ازان استفاده شود ٠ ولی پول های قرضه و یا اعانه و امداد کشورها هیچگاه در محلش مصرف

نمی شد ۰ چنانچه از این پول هم حتی یک خانه برای یک معلم اعمار نگردید و خانه بدوشی این طبقهٔ عزیز و قابل قدر اجتماع از بین نرفت ۰ در حالی که دزدان بیت المال و رشوه خواران و قاچاق چیان معلوم الحال حتی برای نوکران خودهم منزل و ماوائی تهیه کرده بودند ۰

در همین ماه (سنبله) قرارداد مطالعات تخنیکی و اقتصادی پروژهٔ انکشاف مالداری بین استرالیا و افغانستان عقد گردید و قرار شد به کمک این کشور در ساحات بادغیس، جوزجان وفاریاب به احداث کارخانه های پشم ریسی، پشم شوئی وهمچنان اعمار مسلخ و ذخیرهٔ گوشت اقدام شود ۰ لیکن باتمام این مساعی استعمار روسی نگذاشت کار بجائی برسد و قامت خم شدهٔ کشور از زیر بار قرضه های آن فراز شود و زنجیر وابستگی افغانستان از هم بگسلد ۰

اوایل اکتوبر ۱۹۷۵ = دهم میزان ۱۳۵٤ ، اعلام شد که دولت کانادا مبلغ یک میلیون و یک صد هزار دالر کمک بلاعوض می کند ، اما این نوع کمک ها در برابر مصارفی که دار و دستهٔ محمد داود بعمل می آوردند و دستبردهائی که در ادارات دولتی صورت می گرفت ، دردی را درمان نمیکرد ۰ مثلاً هر سفری که وحید عبدالله بیکی از کشور های خارجی انجام می داد ، چندین هزار دالر صرف عیاشی اش می شد و وزیر اطلاعات و کلتور محمد داود علاوه بر مصارف روزانه فامیلش که از طریق کلوپ مطبوعات تهیه می گردید ، سالانه چند صد هزار افغانی را از هزینهٔ دولت صرف کلکسیون عکس های خانوادگی خود میکرد که شعبهٔ عکاسی آژانس باختر مامور ترتیب و تهیهٔ آن بود ، و بهمین منوال سایر مصارف و سود جوئی های شخصی که سالانه به میلیون ها دالر می رسید ، در هر دفتر و اداره ای کم و بیش وجود داشت ۰ از همه مهمتر هزینه ای که در اختیارادارات جاسوسی ، پولیس و وزارت داخله قرارداده می شد ، بدون مبالغه نصف هزینهٔ مجموعی کشور را احتوامی کرد و آنهم قسمی بود که تفتیش و محاسبه ای نداشت و هر نحوی که میخواستند عمل می کردند ۰ بنابراین ازان همه کمک ها و قرضه ها و عواید ملی ، مردم عادی و بیچارهٔ افغانستان را نصیبهٔ ای نبود و بایستی بحسرت می دیدند و به عسرت جان می سپردند ۰

جریانات داخلی کشور
در
سال ١٣٥٤ ه ش = ١٩٧٥م

متاءسفانه محمد داود خان در اثر تحریک اطرافیان و همکاران پرچمی اش از همان آغاز در برابر نهضت اسلامی رویۀ خصمانه درپیش گرفت و بران شد تا همه را نیست و نابود کند • به اساس این فکرونیت در لیل ١٤ ثور ١٣٥٣ ه ش استاد غلام محمد نیازی رهبر نهضت اسلامی را باتعدادی از یاران و همسنگرانش بوسیلۀ پولیسان پرچمی گرفتار کردند و همه را به شکنجه گاههای غیر انسانی انتقال دادند • عده ای هم که دران شب بدست پولیس نیفتاده بودند بناچار رهٔ هجرت در پیش گرفتند و وطن را به ناکسان بی وطن گذاشتند •

زندانی شدن استاد غلام محمد نیازی ، همسنگران ، شاگردان و دوستان اورا در داخل و خارج برانگیخت و عزم آن کردند تادست بقیام عمومی و مسلحانه زنند و محمد داود را با دار و دسته اش سرنگون سازند • لیکن این برنامه که قرار بود در یکروز معین و درسراسر افغانستان صورت گیرد بنا بر عللی که معلوم نیست عملی نشد • مع هذا در بعضی نقاط ترتیبات و اقداماتی علیه دولت بعمل آمد که عبارت بودند از:

١ ـ در ولایت لغمان

به اساس برنامه ای که از ان یاد کردیم در ولایت لغمان پیش بینیها و آمادگی هائی گرفته شده بود تا در روز موعود به مراکز حکومتی حمله برند و همه را متصرف شوند • اما این بندوبست چند روز قبل از تاریخ معینه افشاء گردید و تعدادی زیادی از مسلمانان بااخلاص و مبارز مانند مولوی حبیب الرحمن ، برادرش فضل الرحمن ، انجنیر عبدالعالم فارغ التحصیل پولی تخنیک ، دکتر عبدالشکور و امثال آنان که اسامی شان متاءسفانه در اختیار من نیست ، دستگیر و زندانی شدند • از جملۀ این رزمندگان راه خدا مولوی حبیب الرحمن و تنی چند از همسنگران دیگرش را جلادان محمد داود به شهادت رسانیدند و بقیه شب ٩ جوزای ١٣٥٨ه ش توسط آدم کشان پرچم و خلق در زندان پلچرخی جام شهادت نوشیدند •

بعضی برادران لغمانی ما می گویند که مرحوم مولوی حبیب الرحمن و سایر همسنگران شان بشمول محمد اعظم نام شاگردش و بعضی افراد دیگر در لیل ١٣٥٤/٤/٢٥ ش ساعت ٩ ، در یک قیام مسلحانه به ولایت لغمان حمله کردند که دران

سرمامور و محافظین بانک لغمان کشته شدند و تاساعت ٥ صبح ولایت در دست مسلمانان بود ٠ بعد قوای عسکری فرقه یازده ننگرهار رسید و در نتیجه همه گرفتار شدند ٠

ولی تاریخ قتل سرمامور لغمان باتاریخ یاد شده سر نمی خورد ممکن قبل و بعد از این صورت گرفته باشد ٠والله اعلم ٠

٢ ـ در سرخ رود ننگرهار

در سرخ رود نیز عده ای از اعضای نهضت اسلامی افغانستان چون استاذ حمایت الله از شاه شهید کابل ، استاذ محمد الله فارغ التحصیل فاکولتهٔ ساینس از سرخ رود ، عطا گل محصل فاکولتهٔ ساینس مشهور به قوماندان آدم خان (بعداً دز دوران جهاد به اثر انفجاربم شهید شد) ، عتیق الله صدیقی محصل صنف ٤ فاکولتهٔ ساینس و یک تعداد استادان و محصلان دیگر بتاریخ ٣٠ سرطان ١٣٥٤ ش بالای حکومت محلی سرخ رود حمله کردند و آنرا به تصرف خود در اوردند و تمام زندانیان را آزاد ساختند ٠ لیکن چند ساعت بعد قوای امنیتی بدانجا حمله بردند و قیام کنندگان که از افراد و سلاح کافی برخوردار نبودند ، بناچار محل را ترک گفتند ٠ در جریان این برخورد بجز عتیق الله صدیقی که زخمی شد و بدست دولت افتاد ، کسی تلف نگردید ٠ اما دستگاه حاکم تعداد زیادی را در ارتباط به قیام کنندگان دستگیر و زندانی کرد که بعداً همه آنان را به شهادت رسانید٠ (١)

٣ ـ در پنجشیر

پنجشیر هم بنوبهٔ خویش در ارتباط با این قیام شاهد خونین ترین بر خوردها بود که خلاصهٔ آن چنین است:

تعدادی از جوانان مسلمان عضو نهضت اسلامی ، حسب برنامهٔ معین و هدایتی که از مقامات و مراجع رهبری برای شان داده شده بود اواخر سرطان ١٣٥٤ راهی پنجشیر شدند و منزل جان داد خان را در قریهٔ «شصت» رخه مرکز تجمع خویش قرار دادند ٠ دسته ای از این جوانان موظف بودند تا تحت رهبری و اوامر احمد شاه مسعود به مرکز حکومتی رخه حمله کنند و آنرا اشغال نمایند و گروه دیگری ماموریت داشتند تا به سرپرستی «شاه ابدال» علاقه داری های حصهٔ اول و دوم پنجشیر را به تصرف خود در آورند ٠ معلم نظامی برادران خواجه محفوظ منصور بود ٠

هر دو دسته در یکروز معین (شب اول اسد ١٣٥٤ هـ ش) بعد از نماز صبح عملیات

---

١ ـ دربارهٔ رویداد های لغمان و سرخ رود ننگرهار ضمن روایات دیگر از یادداشت های شفائی برادر مجاهد و محترم آقای محمد عزیز، عزیز لیسانسهٔ اقتصاد که خود دران ایام محصل و عضو نهضت بود و از جریانات بخوبی اطلاع داشت استفاده شده است ٠ البته جریان خیلی مفصل تر و اسامی افراد و جوانان شامل در قضیه بیشتر ازین است که متاءسفانه بعلت گذشت زمان کمتر در حافظه ها باقی مانده ٠ امیدواریم تفصیل این قضایا و اسامی اشخاص و افرادی که در رابطه باآن جان های عزیز خود را از دست داده اند ، بوسیلهٔ برادران مجاهد و مومن هر محل برشتهٔ تحریر آید تا حق همگان به نیکی ادا گردد ٠

خویش را آغاز می کنند و علاقه داری ها و حکومت رخه را بدون سلاح ، اما مجهز با نیروی عقیده و ایمان ، بسرعت اشغال مینمایند ۰ ایشان بگمان اینکه همسنگران شان در کابل و سایر نقاط افغانستان عملیات مشابهی انجام داده خواهند بود ، مردم را به موفقیت قیام و سرنگونی محمد داود اطمینان میدهند و به اعلام رادیو انتظار می کشند ۰ ولی همینکه سرویس های مسافربری از کابل وارد پنجشیر می شوند و مردم در می یابند که در کابل خبری نیست ، و انگاه در برابر جوانان و اقدام شان مشکوک و متردد می شوند و اوضاع بشکل دیگری در می آید

حکومت باکسب اطلاع از واقعه ، هلیکوپتری بحکومت محلی پنجشیر می فرستد تا جریان را مطالعه و راپور دهد ۰ بمجرد نمایان شدن هلیکوپتر در فضای حکومتی ، هنگامۀ بگیر بگیر گرم می شود و بعضی از عناصر ناآگاه و جاهل و مفسد سعی می کنند تا جوانانی را که مرکز حکومتی محلی را اشغال کرده بودند ، گرفتار و تسلیم قوای امنیتی کنند۰ ایشان هم که دریافته بودند در کابل و سایر نقاط کشور عملیاتی صورت نگرفته و خواه ناخواه اسیر می شوند ، می کوشند خود را از بین مرم بکشند و از طریق کوهها فرار کنند ۰ روی این قصد و نیت به تپه ای بالا می شوند که در مجاورت حکومتی قراردارد ، و از انجا گروهی بسوی بازارک می روند و گروه دیگر راه قریۀ «چهال ورده» و «پیاوشت» را در پیش می گیرند ۰

در همان لحظات حساس بعضی افراد اجیر و جاسوس بنام اینکه ایشان دزد اند و چند نفر را کشته اند ، مردم را علیه «جوانان ناشناخته» تحریک می کنند و این امر باعث می شود تا یکی دو نفر افراد خدا نشناس باقوای دولتی همکاری کنند و جوانی را ازان میانه بنام «صوفی محمد نعیم» در وسط راه بین قریۀ «پیاوشت» و حکومتی به شهادت رسانند ۰

محمد ولی ، عبدالعزیز متعلم لیسۀ رخه و انجنیر شفیق کهٔ خود از قریۀ «پیاوشت» بود ، توسط ملک آن قریه گرفتار و در کمال بی مروتی بحکومت تسلیم داده می شوند ۰

شاه ابدال نیز که بعد از تسخیر علاقه داری های حصۀ اول و دوم پنجشیر ، همراه با «افضلی» و محمد نعیم و احمد جان پسران وکیل عبدالقیوم مامایش و محمود شاه جهت احوال گیری همرزمان خود بحکومت محلی رخه آمده بود ، دران معرکه زخمی می شود ولی باوجود آن میتواند خود را همراه با محمود شاه تا قریۀ «رحمان خیل» بازارک برساند ۰

در انجا بازهم یکی دو نفر خود فروخته و جاسوس توسط موتر بدنبال شان می روند و باپخش این شایعه که «ایشان دزد اند» و چهل نفر را کشته اند ، احساسات مردم را علیه شان تحریک می کنند ۰ بعضی از مردم رحمان خیل در اثر این تبلیغ هیجانی می شوند و میخواهند شاه ابدال و محمود شاه را به شهادت رسانند ۰ اما خانمی که از قریۀ شاه ابدال بود و درانجا ازدواج کرده بود ، او را می شناسد و مردم را از سوء قصد بجان ایشان مانع

می شود ۰ در جریان این گیر و دار قوای امنیتی میرسد و شاه ابدال و محمود شاه را به موتر می اندازند و باخود می برند ۰

حفیظ الله افضلی در راه بازگشت از بالای پنجشیر بسوی رخه در محلی بنام «لغانهٔ اورنگ» هدف گلوله قرار می گیرد و به شهادت می رسد و عبدالستار مشهور به مستوفی از جبل السراج در حصهٔ «راه تنگ» بوسیلهٔ یکی از اجیران دولت گرفتار و به قوای امنیتی سپرده می شود ۰

فردای آن وزارت دفاع افغانستان بقدرت نهائی می پردازد و چندین تانک و طیاره بسیج می شود تا علاقه داری حصهٔ اول پنجشیر را از دست مبارزین جوان باز ستاند ۰ وزیر دفاع شخصاً به پنجشیر می رود و «دالان سنگ» را قرارگاه خود قرار میدهد تانحوهٔ حمله و لشکرکشی را علیه چند جوان بی دفاع مسلمان ، شخصاً رهبری کند و مدال فتح و پیروزی را برسینه اش تعلیق نماید ۰

پنداشتی که این لشکر باآن ساز و برگ نظامی اش به فتح بخارا می رود و یا کمر بسته است تابترکستان هجوم برد و آنجارا از سلطهٔ استعمار سرخ نجات دهد!

باحمله و هجوم عساکر به علاقه داری حصهٔ اول ، جوانانی که آنجارا در دست داشتند، راه کوهها درپیش میگیرند وعقب نشینی می کنند ۰ دراین میان سه نفر از همسنگران شان بنام های «میر غلام رسول» ، «صوفی نعیم» و محمد نسیم ولد محمد شریف به اثر اصابت مرمی جام شهادت می نوشند و جوان دیگری معروف به «طارق مسلم یار» شدیداً زخمی می گردد که آنهم تحت شکنجه های حیوانی دژخیمان حکومت قرار میگیرد و پس از ساعتی به شهادت میرسد ۰

به این ترتیب در اثر بی تجربگی ، عدم وسایل کافی ، عدم ارتباط قبلی با اهالی ، عدم پیش بینی ها و شناسائی های لازم وبروز سوء تفاهم و تشخیص و خیانت و جنایت دو سه تن افراد جاهل و هرزه از اهالی آنجا ، تعدادی از جوانان یاد شده بدست دولت افتادند ، عده ای به شهادت رسیدند و آن عده هم که از این معرکه جان بسلامت بردند راهی پاکستان شدند و قیام پنجشیر پایان پذیرفت ۰

روز سوم قوای دولتی عازم «پشغور» شد و پس از فیر های هوائی آن قریه را محاصره کرد ۰ در این عملیات که قوماندانان امنیهٔ ولایات بلخ ، بغلان ، کاپیساوپروان نیز جزء قوای دولتی بودند ، خانه های مردم کلاً تلاشی گردید ۰ هنگامی که خانهٔ مدیر نصر الله خان پدر «شاه ابدال» تلاشی می شد ، سید عمر وردک قوماندان امنیهٔ پروان برفقایش گفت: ((کورئی و گوره اوکارئی و گوره)) یعنی عجب است که در این خانهٔ حقیر و کلوخی و بااین زندگی فقیرانه ، جوانی بار آید و تربیه شود که دست به چنین کار بزرگی زند!! اما یکی از ریش سفیدان محل بنام ملا محمد مقیم تعجب اورا فوراً درهم می شکند و در پاسخ می گوید که:

«جای شیران همیشه در بیشه هاست و نه در قصرها!»

این عکس العمل ها و نظایر آن در واقع زنگ خطری بود که محمد داود را از ادامهٔ اعمال و نزدیکی باروس ها بر حذرمی داشت ، اما لجاجت و خیره سری اش هرگز بوی اجازه نمیداد تا به این زودی و سادگی در شیوهٔ خویش تجدید نظر کند و از خصومت با افراد و نهضت اسلامی کشور بپرهیزد • برعکس تبلیغات و اخبار بسود روس ها ادامه می یافت و دوستی با روس شعار و افتخار روز بود ؛

من بعضی از این جوانان من جمله شاه ابدال ، انجینیر شفیق و محمود شاه را از نزدیک و بخوبی می شناختم • ایشان ورفقای شان واقعاً مجسمه هائی از ایمان و تقوا و شجاعت بودند • هر وقت آنان را می دیدم از سیمای نورانی ، قلب پاک ، تهذیب ، اخلاق ، همت ، و عشق و علاقهٔ شان به اسلام ، قرآن ، و وطن روحاً شاد و مسرور می شدم و یقین کامل دارم که سایریاران و همسنگران شان نیز بدین منوال بودند و از بهترین و شایسته ترین فرزندان اسلام محسوب می شدند •

آن عده از جوانانی که در قیام پنجشیر بدست حکومت افتادند تا کودتای ۷ ثور در زندان «دهمزنگ» بسر می بردند و بعد ازان بزندان پلچرخی انتقال یافتند و در همانجا بماندند تا آنکه در یکی از شب های تاریک و سیاه (۸ جوزای ۱۳۵۸ هـ ش) جلادان تره کی آنان را از زندان پلچرخی کشیدند و همه را با استاد و رهبر شان استاد غلام محمد نیازی به جای نامعلومی بردند و دیگر خبری از آنان بدست نیامد •

میگویند در آخرین لحظاتی که اجیران ملحد و بی خدا میخواستند ایشان را از محبس خارج سازند ، همه بیکبارگی بالای آنان یورش بردند وعدهّ ای از تفنگ بدستان کمونست را به جهنم فرستادند ، و به این ترتیب باآخرین ضربه بر دشمنان خدا و مردم افغانستان وظایف خود را بحیث سربازان اسلام انجام دادند و نام خویش را برای همیش در دفتر مبارزات ملت افغانستان ثبت کردند •

افراد و جوانان مسلمانی که در قیام مذکور شرکت داشتند و اغلب دران ایام محصل بودند ، بدین شرح است:

۱ ـ خواجه محفوظ منصور از شکر دره معلم نظامی برادران مسلمان

۲ ـ احمد شاه مسعود از قریهٔ جنگلک بازارک پنجشیر محصل پولی تخنیک کابل

۳ ـ محمد نسیم مشهور به «طارق مسلم یار» از کوهستان ، محصل سال سوم فاکولتهٔ ادبیات •

٤ ـ حبیب الرحمن مشهور به «انجنیر اسحق» از قریهٔ شیخان پنجشیر صنف آخر فاکولتهٔ انجنیری کابل •

۵ ـ صوفی نعیم از کوهستان محصل صنف ۵ فاکولتهٔ انجینری کابل •

٦ ـ حفیظ الله افضلی برادر قوماندان افضلی شهید از هرات ، فارغ التحصیل شعبهٔ ژورنالیزم فاکولتهٔ ادبیات ٠

٧ ـ محمد نسیم از قلعچهٔ کابل صنف چهارم رشتهٔ دری فاکولتهٔ ادبیات ٠

٨ ـ محمد شفیق از قریهٔ «پیاوشت» پنجشیر محصل صنف ۵ فاکولتهٔ انجینری کابل ٠

٩ ـ شیر محمد خان از بدخشان صنف چهارم فاکولتهٔ ساینس ٠ (در پنجشیر شهید شد) ٠

١٠ ـ محمد نادر از بدخشان صنف ٤ فاکولتهٔ حقوق ٠

١١ ـ میر غلام رسول از فرنگ خوست فارغ التحصیل انستیتیوت صنعت و قاری قرآن کریم ٠

١٢ ـ کفایت الله مشهور به «مصطفی» صنف سوم فاکولتهٔ ساینس (درجریان جهاد در پنجشیر شهید شد) ، از قریهٔ شیخان رخه پنجشیر ٠

١٣ ـ صفر محمد شیون از جرم بدخشان محصل فاکولتهٔ ساینس ٠

وی در جملهٔ بعضی جوانان دیگر توانسته بود خودرا نجات دهد ولی در زمان تره کی از پشاور بکابل رفت و در جریان عملیات ضد رژیم کمونست گرفتار و شهید گردید ٠

١٤ ـ عبدالستار مشهور به «مستوفی» از جبل السراج پروان لیسانسهٔ فاکولتهٔ اقتصاد ٠

موصوف حین بازگشت از پنجشیر درراه «تنگ» توسط عبدالقدوس نام دریور گرفتار و بدولت تسلیم داده شد ٠

١٥ ـ عبدالعزیز مراد از بولغین کوهستان محصل صنف آخر فاکولتهٔ حقوق ٠

١٦ ـ آقا محمد از بغلان محصل صنف دوم فاکولتهٔ وترنری کابل ٠

١٧ ـ عبداللطیف تخاری محصل صنف اول طب ، مشهور به «نصرالله» ٠

وی نیز از پنجشیر خود را نجات داده بود و اما هنگامی که میخواست از بیرون «دهمزنگ» کابل بداخل آن سوف زند و برادران زندانی اش را نجات دهد ، دستگیر شد و به شهادت رسید ٠

١٨ ـ محمد ولی از قریهٔ «فروبل» پنجشیر محصل داروسازی (=فارمسی») ٠

١٩ ـ گل محمد خان معلم لیسهٔ حبیبیه تحصیل کردهٔ شرعیات ، مولدش را نیافتم ٠ (در پنجشیر شهید شد) ٠

٢٠ ـ دکتر عبدالقادر از بگرام محصل طب ٠

٢١ ـ شاه ابدال از قریهٔ «پشغور» پنجشیر محصل فاکولتهٔ ادبیات ٠

٢٢ ـ امان الله مشهور به «نصیر» از بگرام متعلم صنف دهم ٠

٢٣ ـ محمد عثمان دین پرور صنف دهم لیسهٔ جامی هرات (در پنجشیر شهید شد) ٠

٢٤ ـ محمود شاه از قریهٔ «سنگنهٔ پنجشیر» متعلم لیسهٔ غازی کابل ٠

چنانچه قبلاً تذکار رفت ، وی در پنجشیر دستگیر و پس از مدت زمانی رها گردید • ولی به اثر فعالیت ها و مبارزه علیه کمونستان و نظام بی خدائی باردیگر در وقت تره کی گرفتار شد و به شهادت رسید • دو برادر دیگر او بنام های احمد شاه و محمد شاه محصلان میخانیکی و دارالعلوم عربی ، نیز در ارتباط با قضیهٔ پنجشیر در کابل دستگیر شدند و همراه با سایر جوانان در حادثهٔ شب ۸ جوزای ۱۳۵۸ ش زندان پلچرخی جام شهادت نوشیدند •

۲۵ ـ عبدالعزیز از قریه «شصت» رخه پنجشیر ، متعلم لیسهٔ رخه •
۲۶ ـ عبدالحمید از بازارک پنجشیر مامور در فاکولتهٔ انجینری •
۲۷ ـ عنایت الله از قریهٔ «سنگنهٔ» پنجشیر متعلم متوسطهٔ بازارک •
۲۸ ـ محمد عمر مشهور به «عارف» از قریهٔ «سنگنهٔ» پنجشیر •

عارف ضمن دیگر دلیری ها و شهامت ها ، رهبری جوانان مسلمان را در قیام تاریخی چنداول بعهده داشت و در همان حادثه به شهادت رسید •

۲۹ ـ محمد نعیم و احمد جان از «سفید چهر» پنجشیر •
۳۰ ـ محمد نسیم دریور پسر کاکای «عارف» از قریهٔ «سنگنهٔ پنجشیر» •
۳۱ ـ محمد عظیم مرد محترم و معمر از «بهارک» پنجشیر •
۳۲ ـ محمد اصغر پسر محمد عظیم از بهارک پنجشیر •
۳۳ ـ ملک خان از «بهارک» پنجشیر •
۳۴ ـ غلام حیدر از «خاواک» پنجشیر •
۳۵ ـ محمد نعیم پسر محمد رسول خان از قریهٔ خواجهٔ رخه پنجشیر متعلم صنف ۱۲ لیسهٔ آنجا • (۱)

تغییر در برنامه های معارف:

قبلاً اشاره کردیم که روس ها و مزدوران شان در دستگاه دولت می کوشیدند به انجام کارهائی دست یازند و یا محمد داود را وادار به قبول آنگونه برنامه هائی سازند که انزجار و نفرت مردم را برانگیزد و باعث بدنامی او شود • از جمله کارهائی که در این سال و در تاریخ جمهوریت محمد داود انجام یافت و خشم و نارضائی عمومی را ببارد آورد ، عمل احمقانه و شرم آوری بود که در برج اسد توسط وزارت معارف صورت گرفت •

---

۱ ـ دربارهٔ چگونگی رویداد پنجشیر و اسامی افراد مربوط به آن ، از روایات و تقریرات شفائی افراد آتی الذکر استفاده شده است: مدیر نصر الله خان پدر شاه ابدال ، انجنیر محمد ایوب ، انجینیر حبیب الرحمن مشهور به «انجینیر اسحاق» ، انجنیر رحیم ، قاضی سلیم ، محمد عزیز عزیز و احمد ضیاء مسعود •

شاید جوانان و افراد دیگری هم جزء قیام کنندگان پنجشیر بوده باشند که از حافظه ها فراموش شده اند •

وزارت موصوف که در راس آن دکتر عبدالقویم وردک قرار داشت ، اصلاحاتی را اعلان کرد که باتوجه به اوضاع اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی وسیاسی افغانستان جز جنون و دشمنی با مردم ، مفهومی نداشت ۰

به اساس این اصلاحات (ریفورم) اساسات تعلیمی و معیار های معارف بکلی تغییر یافت و فیصله گردید تا شاگردان را بعد از تحصیل صنف ٦ ابتدائی از رفتن به صنوف بالاتر ممنوع سازند و آنرا به اداء امتحان «کنکور» موکول نمایند ۰

در نتیجهٔ این تصمیم دستوری و تخریب که تقلیدی از اسلوب تعلیم و تربیهٔ روسی بود ، ده ها هزار جوان در نیمه راه تحصیل و در وضع کشنده و نامطلوب باز ماندند ۰ زیرا برای این نوع جوانان محروم از درس نه آموزشگاههای حرفه وی وجود داشت که پیشه و هنری بیاموزند و نه سرمایه ای داشتند که شغل و کاری برای خود تدارک نمایند ۰ بنابر این اغلب فامیل ها مخصوصاً قشربی واسطه ، بینوا و مستمند نسبت به بی سر نوشتی و تشویش آیندهٔ جگر گوشه های شان در وضع بدی قرار گرفتند و به شدت رنج می بردند ۰

این بیداد و ستمگری طبیعتاً مردم را به ضد محمد داود برمی انگیخت و اذهان عامه را برای پذیرش هرنوع دگرگونی و تحول در کشور آماده می ساخت ۰

اوضاع اقتصادی و مالی

در سال ١٣٥٤ ش باوجود بعضی ناهنجاری ها و اقدامات نادرست و خطا که به اجمال گفته آمد ، یک سلسله کارهای مهمی در ساحات اقتصادی رویدست گرفته شد ۰ مثلاً ٢٥ پروژهٔ صنعتی به سرمایهٔ ٣٤٠ میلیون افغانی بصورت مقدماتی تصویب گردید ۰ شانزده پروژهٔ صناعتی دیگر بسرمایهٔ بیش از ٦٢٩ میلیون افغانی به فعالیت آغاز نمود (١) و چهار پروژهٔ اقتصادی بسرمایه (٣٠٦٠٣٠٠٠) مورد موافقت قرار گرفت تا در امور فابریکهٔ نساجی (نخی و سندی) و خریطهٔ پلاستیکی و شمع سازی بکار افتد ۰

این پروژه ها اغلب به فعالیت آغاز کردند و تاکودتای ٧ ثور ١٣٥٧ ش بکار خود ادامه میدادند و قسمتی از نیازمندی های مردم در داخل کشور تهیّه می شد ۰ اما در همان اوضاع و احوال شبکه های روسی و همکاران کمونست محمد داود که بدقت مراقب اوضاع بودند ، او را تشویق وتحریک کردند تابانک هارا «ملی» اعلان کند ۰

اقدام به اینکار مردم را واداشت تا پول های خودرا به سرعت از بانکها خارج سازند و دولت را در مضیقهٔ پولی قرار دهند ۰ این عمل دستگاه ادارای محمد داود را نگران ساخت و به خروج پولهای شخصی در بانک ها قیوداتی را وضع نمود ۰ مگر باآنهم مردم بصد بهانه و در چوکات همان قیودات پولهای خویش را از بانک ها می کشیدند و تشویش عامه هر

---

١ ـ رک: روزنامهٔ انیس ٢٨ اسد مطابق ١٩ اگست ١٩٧٥ ۰

روز بیشتر می شد ۰

محمد داود و سررشته داران امور مالی اش مجبور گردیدند تا مفاد پس انداز را در بانک ها از ۵ در صد به ۸ در صد بالا ببرند و مردم را مجدداً جهت پس انداز و ذخیرهٔ پولهای شان دربانک تشویق کنند ۰ لیکن دیگر اعتبار دولت سقوط کرده بود و مردم جرأت نمیکردند تا بازهم پول های خودرا در بانک ها به امانت گزارند و یاپس انداز نمایند ۰ در نتیجهٔ این تصمیم کار بانک ها عملاً از رونق افتاد و کمونست ها با این مشوره و طرح خویش محمد داود را ضربهٔ محکمی حواله کردند۰

دولت برای توازن وضع مالی وتاءمین مصارفات خویش راهی نیافت جزاینکه مالیات را افزایش دهد ۰ افزونی مالیات سنگین برتجار و مغازه دار و خورده فروش ، و حوالهٔ پرداخت مالیه حتی بالای سلمان و حمال و کفش دوز و سایر کسبه و افرادی که درامد بسیار کم و بخور نمیر داشتند ، وضع را بیش از پیش بدتر ساخت ۰ بحدی که از فرط اندوه و نارضائی ونفرت ، سرنگونی و مرگ محمد داود و نظامش را تقاضا می کردند ۰

واقعاً فشار مالی واداری و ظلم و بیداد برمردم بی سابقه بود و هیچکس نمیتوانست آن خود کامگان زور گوی و بی مغز را از آنچه انجام میدادند بر حذر دارد ۰ چه کسی میتوانست به محمد داود برسد و به این کد خدای غفلت زده و خود خواه بگوید که خانه ات را کمونستان خراب می کنند و افغانستان به آتش کشیده می شود؟ اگر باری چنین حرفی هم بگوش او می رسید ، چون ببر بیمار سر بزیر می افگند و از خشم می غرید۰

تحول در کابینه

محمد داود هم برای تغییر افکار عامه و هم جهت رهائی اش از جنجال عناصر افراطی و تند رو ، اوایل میزان ۱۳۵٤ ش عبدالحمید محتاط وزیر مخابرات و باختری وزیر زراعت را که یکی به «خلق» و دیگری به «پرچم» منسوب بودند ، از وظیفه برکنار ساخت و کابینه اش را نیز به این شرح تعدیل و ترمیم فرمود:

۱ ـ عبدالقدیر نورستانی قوماندان ژاندارم و پولیس بحیث وزیر داخله ۰

۲ ـ فیض محمد وزیری ، وزیر داخله بحیث وزیر سرحدات ۰

۳ ـ عزیز الله واصفی بحیث وزیر زراعت ۰

٤ ـ انجنیر عطائی رئیس رادیو بحیث وزیر مخابرات ۰

۵ ـ محمد تواب آصفی بحیث وزیر معادن و صنایع ۰

همچنان عبدالاله موظف گردید تا علاوه بر وزارت مالیه بحیث معاون دوم صدارت نیز انجام وظیفه کند ۰ هدف از این کار آن بود تا موصوف آهسته آهسته کارها را از حسن شرق معاون اول صدارت بستاند و دست اورا از سلطه بر امور کوتاه سازد۰ زیرا وی بحیث عضو کی ۰ جی ۰ بی سرسختانه می کوشید تا مرحلهٔ دوم وظیفه اش یعنی براندازی محمد

داود خان از قدرت نیز عملی شود و زمینه برای انتقال مستقیم قدرت به اجیران روس فراهم گردد ۰

بعضی از همکاران محمد داود از جمله غوث الدین فایق وزیر فواید عامه گوشه ای از فعالیت ها و تبلیغات حسن شرق را که بضد محمد داود و براندازی او صورت می گرفت ، بوسیلهٔ افراد موظف و مورد اعتماد خود ثبت وضبط کرده و محمد داود را در جریان قرار داده بودند که حکایت آن در مباحث بعدی به تفصیل گفته آید ۰ و بنابر این محمد داود باوجود آنکه عکس العمل عاجل و مثبتی از خود نشان نداد ، قلباً در صدد بود تا او را از عهده اش برکنار سازد ۰

آیا واقعاً محمد داود میخواست باکمونستان جبهه گیری کند؟؟

آری! محمد داود خان بعد از گذشت مدت زمانی باتمام امکانات خود سعی داشت کمونست هارا براند و آنان را تضعیف نماید ۰ امانه از ان جهت که کمونست اند ، بلکه بخاطر دور ساختن آنان از مراکز قدرت و تشویشی که از آنان درخود احساس میکرد ۰ او در تمام عمر خویش شریک قدرت و حریف قدرت را تحمل نداشت و جنون خود خواهی اش بگونه ای بود که از همان کودکی در برابـر دیگران کودتامی کرد ۰ در کودکی علیه «لا لا» و «دادی» خود ، در مکتب علیه معلم و مربی اش ، دراردو علیه افسران بالا رتبه اش ، در کابینه علیه شاه محمود خان صدراعظم و در صدارت علیه شاه ۰ و اینکار جزء آکسیجنی محسوب می شد که درخون او جریان داشت ۰

به اســاس همین خصلت جبلی بود که او در آغـاز کار به نزدیکی و همکـاری باکمونستان محض جهت رسیدن بقدرت تن درداد و فکر نمود ایشان افسران و یا افراد بی تجـربه و کوچکی اند که هرچه او خواست انجام دهد ، در برابرش لب به سخن نخواهند گشود ۰ ولی در صحنهٔ عمل وقتی که قدرت را بدست گرفت و احساس کرد که همان افراد حقیر در مجالس و محافل شورای انقلاب و کابینه برکارهای او خورده میگیرند و اظهار بزرگی و موجودیت می کنند ، آنگاه غرایز دیرینه اش در کار شد و تصمیم گرفت تا ایشان را تصفیه کند ۰ اما دریغ و درد که حریفان روسی اش کارخود را کرده بودند و برای فرصت مناسب روز شماری می نمودند ۰

محمد داود خان در سال دوم جمهوری خود بخوبی درک کرده بود که کمونست ها درپی دگرگونی اوضاع و کسب قدرت اند وعّده ای از محمد زائی های نزدیک به او نیز ، از فعالیت کمونست ها و نحوهٔ عمل آنان در خارج از ارگ جمهوری ، پیوسته وی را مطلع می ساختند ۰ گرچه محمد داود عادت داشت حتی در برابر حرفهای خوب و مورد قبولش نیز ظاهراً تبسمی برسم پذیرش اظهار نکند ، لیکن عملاً میخواست محض برای بقای خویش در فرصت مناسب و تدریجی رفقای کودتا و رقبای قدرتش را از صحنه دور نماید و این وضع

کاملاً محسوس بود ۰ اما چنانکه در جریان مباحث آینده خواهیم دید، روس ها و مزدوران شان چنان ماهرانه و زیرکانه صحنه ارائی می کردند که محمد داود مجبور می شد تادر کنار زدن کمونستان درنگ کند و پیش از آنان بفکر نابودی دشمنان دیگری باشد که شبکه های جاسوسی روس بروی مجسم می کردند و او را چنان مشغول نگه میداشتند که برای مدتی کمونستان را فراموش می کرد ۰

مثلاً اطرافیان و همکاران کمونست او ، هر چند ماه یکبار فهرستی از افراد مسلمان و ضد روس و شخصیت هائی که در برابر ایشان عقده ای داشتند و یا فکر می کردند سد راه شان خواهند بود ، ترتیب می کردند و آنرا از طریق شبکه های مختلف خدمت محمد داود میرسانیدند و چنان وامی نمودند که توطه و کودتائی را کشف کرده اند و افراد شامل فهرست در آن دست دارند ۰ محمد داود هم بی درنگ فرمان گرفتاری آنان را صادر می کرد و بقیهٔ ماجرا نیز در دست خود دستگاه جاسوسی و پولیس بود و هرچه دلشان میخواست انجام میدادند ۰

این پدیده ها و جنایات که همه روزه اتفاق می افتاد ، به شک و بدگمانی مردم دربارهٔ نظام جمهوری می افزود و فکر می کردند سر رشتهٔ امور بدست روس ها است و هر آنچه بخواهند انجام می دهند ۰ کسی جز کمونستان و همکاران محمد داود نزد او رفته نمیتوانست و همین فاصله و دوری از مردم و بی خبری و ناآگاهی از درون جامعه ، کمونستان را در کارشان بیباک تر و گستاخ ترمی ساخت که نتایجش را در مباحث بعدی مطالعه خواهیم کرد ۰

سال ۱۳۵۵ خورشیدی
یا
چهارمین سال حکومت محمد داود

سالی که ازان گفتگو می کنیم ، سالی بود پرغوغا ، مهم و از هرجهت در خورتوجه ، که اینک اجمال و خلاصه اش در زیر ارائه می گردد:

۱ ـ روابط با پاکستان

سال ۱۳۵۵ ش از همان آغاز توأم بود با باران ها وزلزله های شدید که خسارات زیادی را به اکثر نقاط و روستاههای کشور وارد کرد و مشکلات و بیچارگی مردم را دوبالا ساخت ۰ خرابی ناشی از باران ها و سیلاب ها بحدی بود که در داخل و خارج نگرانی هائی را بار آورد و عواطف جهانی را در همدردی و کمک به آسیب رسیدگان کشور ما برانگیخت ۰

بوتو صدراعظم پاکستان نیز از این فرصت استفاده کرد و ضمن بیانیه ای که از رادیو پاکستان پخش شد ، نسبت به حوادث مذکور اظهار تاءثر و همدردی نمود و متعاقب آن کمک هائی هم گسیل داشت ۰ فردای آن بتاریخ ۲۰ حمل = ۸ اپریل ۱۹۷۶ تبصرهٔ مثبتی پیرامون بیانات او در روزنامهٔ انیس انتشار یافت و تعجب همگانی را برانگیخت ۰ زیرا دران ایام تبلیغات شدیدی از طریق زادیو های دو کشور علیه یکدیگر جریان داشت و روابط دو کشور نامطلوب و بحرانی بود ۰ بدنبال این نرمش و تحول وانعطاف پذیری ، وزارت خارجهٔ افغانستان بتاریخ ۱۷ ثور اعلامیه ای را انتشار داد که مفاد آن این است:

((از چندی به اینسو ملاحظه می شود که حکومت پاکستان تبلیغات رادیوئی خودرا علیه افغانستان تخفیف داده و همدردی هائی در حوادث سیلاب و زلزلهٔ اخیر به افغانستان بعمل آورده است که حکومت افغانستان آنرا یک گام مثبت تلقی می کند ، بنابراین حسن نیت و برای حل مسئلهٔ ذات البینی ، از طرف محمد داود رئیس دولت به شارژدافر سفارت افغانستان در پاکستان هدایت داده شد تا از بوتو دعوت بعمل آورد که به افغانستان سفر کند ۰))

این دعوت پذیرفته شد و بوتو که منتظر چنین روزی بود بتاریخ ۱۷ جوزا مطابق ۷ جون وارد کابـل شد و چهار روز در افغانستان اقامت نمود ۰ در اعلامیهٔ مشترکی که درپایان دیدار بوتو از افغانستان انتشاریافت ، مذاکرات دو طرف مفید و صریح توصیف شد

و برهمزیستی مسالمت آمیز تاکید بعمل آمد • اما از اصل موضوع مورد نزاع (مسئلهٔ پشتون و بلوچ) یعنی آنچه که سالها برسر آن غوغا بود و محمد داود یخن پاره می کرد ، حرفی تذکر نیافت •

نقطهٔ قابل ملاحظه و چشمگیر در اعلامیه ، خود داری از تبلیغات رادیوئی علیه همدگر بود که محمد داود سخت از آن می هراسید و بهمین دلیل رهٔ نرمش در پیش گرفت و حاضر شد از ادعای همیشگی خود صرف نظر کند و با بوتو کنار آید • بوتو در ختم مسافرتش از محمد داود خان دعوت کرد تا به پاکستان مسافرت کند واوهم دعوت را باکمال میل پذیرفت و خشونت های دیرینه اش را فراموش نمود •

آری! آنکه سی سال در خواب و بیداری «پشتونستان» می گفت ، به یکبارگی آنرا ترک کرد و کاری که بخاطر مصالح و منافع مملکت انجام نداده بود ، محض جهت بقای خویش انجام داد • این عمل در ذات خود برای ملت ها و کشور هائی چون افغانستان و همانند آن بسیار آموزنده است و بخوبی نشان میدهد که چگونه اربابان جاه و قدرت وقتی برای تاءمین منافع خویش از یک قضیه بگونه ای استفاده می کنند ، وزمانی به گونهٔ دیگر • لیکن آنکه زیان می بیند ملت ها است و آنچه از دست میرود فرصت و هستی مردم است •

بعد از سفر بوتو و بهبود یافتن مناسات بین پاکستان وافغانستان ، در ۱۲ سرطان خانم گاندی نخست وزیر هند خود را بکابل رسانید • شاید از بیم آنکه دو کشور باهم جور در نیامده باشند و منافع شیطانی هند بخطر مواجه نگردد •

او در حرفهایش برسرخوان مهمانی ها ، آزادی خواهی مردم افغانستان را ستود و ازان دفاع کرد • ولی حیف و دریغ که خزان عمر و دوستی بابریژنیف ، گلشن عقل و اندیشه و احساس گاندی را بتاراج برد و هنگامی که کشور آزادگان توسط روس اشغال و باخون و اشک ترشد و مردم برای دفاع از آزادی خود قیام کردند ، خانم گاندی به آن موافق نبود و جنبش آزادی خواهی مردم مارا تائید نمیکرد • گوئی که آزادی هم بزعم گاندی حکم پرتو آفتاب را داشت که درزمستان خوش آیند بود و در تابستان ناخوش •

محمد داود در برابر اظهارات گاندی بوجد آمد و بدون آنکه متوجه باشد که چه می گوید از استعمار نکوهش کرد و غصه نشان داد که بین ملت های هند و افغانستان جدایی افگند • معنی حرفهای بی مزه و احساساتی محمد داود خان آن بود که وی اصلاً باموجودیت پاکستان بحیث یک کشور مسلمان و همسایه راضی نبود و در عین حال ترجیح میداد که منطقه (قارهٔ هند) بصورت نخستین آن که تحت سلطهٔ استعمار قرار داشت ، باقی می

ماند ۰ یعنی از یکسو میخواست با استعمار عدم هم آهنگی نشان دهد واز سوی دیگر به بقای آن تمایل نشان میداد ۰

بهـرحال ، وی باوجود نگرانی های داخلی بتاریخ ۱۵ اگست ۱۹۷۶= ۲٤ اسد غرض اشـتراک در کنفرانس سران کشور های غیر منسلک که در کولمبو دایر می شد ، عازم سریلانکا شد و در بازگشت از کنفرانس مذکور بنابدعوتی که ازان یاد کردیم ، بتاریخ ۲۹ اسد وارد پاکستان گردید و بابوتو صدراعظم این کشور مذاکراتی بعمل آورد ۰ همچنان موصوف در اجتماع بزرگی از شهریان لاهور حضور یافت و ضمن ایراد بیانه ای گفت:

((آرزومندی ما برقراری روابط برادرانه ای می باشد که بطور جاودان و برپایهٔ حسن نیت استوار بماند ۰))

سخنان او از طرف مردمی که درانجا گرد آمده بودند باحرارت و گرمی خاصی استقبال گردید و همه کس گمان می کرد که بساط کین توزی ها درهم خواهد پیچید و نزاع و دعوی دیگر تکرار نخواهد شد ۰ واقعاً از آن تاریخ به بعد دهل و سرنای «پشتونستان» جز در موارد خاص و استثنائی ، بصدا در نیامد و روابط سیر عادی و طبیعی خود را می پیمود ۰

۲ ـ مناسبات باروسیه

در سال ۱۳۵۵ ش تا ماه سرطان از روس ها و فعالیت های شان خبری در روزنامه ها و جراید نیست ۰ ولی پس از مسافرت بوتو بکابل و پدیدار شدن یک افق روشن در فضای روابط افغانستان و پاکستان اعلان گردید که در سال آینده بین روسیه و افغانستان به ارزش یکهـزار میلیون دالـر اموال تبادله خواهد شد ۰ این اعلان قبل از وقت مفهومی نداشت ، جز آنکه مردم را از تبصره های بیشتر باز دارند و خشنودی مسکورا جلب نمایند ۰

همزمان بااعلان مذکور بتاریخ ۲۰ سرطان بیمارستان مرکزی اردو (معروف به چهار صد بستر) در حضور وزیر صحیه روسیه افتتاح گردید ونام روس ها بازهم کم کم روی صفحات اخبار و جراید افغانستان انعکاس یافت ۰

در این شفاخانه بیش از یکهزار و دو صد میلیون افغانی بمصرف رسیده بود که در واقع شصت در صد مصارف اعمار کل شفاخانه های افغانستان را در ۲۵ سال اخیر احتوا میکرد ، واین مقدار مصرف تنها در یک شفاخانه و در کشوری که ده در صد مردم آن از امکانات اولیهٔ بهداشت برخوردار نبودند ، جز کشتن یک ملت و نابود کردن آن مفهومی نداشت ۰ مسلماً باصرف این اندازه پول ، دولت میتوانست چندین شفاخانه اعمار کند و اکثر ولایات کشور را از مشکلات صحی نجات بخشد ۰

اما روس ها از یکسو جهت خم ساختن پیکر اقتصاد افغانستان در زیر بار قرضه های

خود ٠ وازسوی دیگربرای رفع نیازمندی های فردائی که برای آن می اندیشیدند و امیدوار بودند ، دست به ساختن چنین شفاخانه ای زدند و گوشهٔ دیگری از طرح های خودرا بمرحلهٔ عمل در اوردند ٠

بکمال تاءسف مشاهده می کنیم که آنهمه پیش بینی ها و آمادگی های روس در کشور ما عملاً تحقق یافت و شفاخانه ای که بخون میلیون ها بیوه و بیچارهٔ افغانستان اعمار شده بود ، اینک برای مداوای زخمیان عساکر متجاوز روس و کشتن وبستن و خون کشیدن از رگهای مردم افغانستان اختصاص یافته است ٠

در ماه اسد خبری انتشاریافت که برمه کاری یک چاه دیگر نفت در سر پل جوز جان به عمق ۱۵۰۲ متر نتیجهٔ مطلوب و مثبت داشته است ٠ این سومین برمه کاری چاه نفت محسوب می شد که تاآن تاریخ در شمال کشور به طبقات نفت دار رسیده بود ٠ ولی چاه یاد شده نیز به سرنوشت سایر چاهای نفت مواجه شد و در اعماق زمین زندانی گردید تا روزی اهریمنان روس سنگ از سرآنها بر دارند و همه را به یغمابرند ٠

بتاریخ ۷ قوس قراردادی بنام «مطالعات تخنیکی و اقتصادی» بین مقامات افغانی به امضاء رسید تا امکانات اعمار و بکار انداختن یک دستگاه برق آبی در «چشمهٔ شفا» بالای دریای بلخ مطالعه گردد ٠

مصارفی که تنها برای مطالعهٔ مقدماتی این پروژه اختصاص یافت ، بالغ بر (۳٦۲۱۸۵۳) روبل روسی بود که آنهم باید توسط افغانستان کارسازی می شد ٠

ملاحظه می کنید که روس ها این قوم خاین و غدار ، از سال ۱۳٤٦ تا سال ۱۳٥٤ش چندین قرار داد رابهمین نام (تنویر مزار شریف) با افغانستان امضاء کرده اند ٠ بار اول بنام اعمار فابریکهٔ برق حرارتی درمزار شریف ، دفعهٔ ثانی و ثالث زیر عنوان «استفاده از دریای کوکچه و آمو» ، چهارمین نوبت بنام انتقال برق از گلبهار به بلخ ، بار پنجم به بهانهٔ «مطالعهٔ امکانات ذخیرهٔ چشمهٔ شفابالای دریای بلخ» ، وهر بار و در هر قراردادی هم میلیون ها دالر رابحساب قرضه های خود بالای افغانستان افزودند و صدها روس بیکار در همین رابطه به افغانستان آمدند و امرار حیات کردند ٠ ولی در نتیجهٔ این همه قرار دادها و مصارف و در مدت تقریباً ۱۸ سال جز ۲٤ هزار کیلوات برق که از فابریکهٔ برق حرارتی مزار شریف تولید گردید ، اثری از محصول این پروژه ها در افغانستان وجود نداشت ٠ نیمه ای از برق فابریکهٔ حرارتی هم صرف فابریکهٔ کود کیمیاوی می شد (۱) و محض ۱۲ هزار کیلووات آن برای تنویر شهر مزار شریف و بلخ مورد استفاده قرار داشت و بس ٠

شاید بعد از کودتای ۷ ثور چندین قرارداد دیگری در اینباره بین کابل و مسکو به

---

۱ ـ تنها در فابریکهٔ کود کیمیاوی مزار شریف ، ٥۱۸ نفر روس بنام متخصص و کارگر مشغول بودند و تمام مصارف ایشان به عهدهٔ حکومت افغانستان بود ، در حالی که بیش از ۲۰ نفر گنجایش و ضرورت نداشت ٠

امضاء رسیده باشد که اسناد آن فعلاً در دست نیست ۰

۳ ـ روابط با امریکا و سایر کشورها

در اثر تبلیغات سوئی که نسبت به رژیم و محتوای جمهوری افغانستان و طرز کار و اندیشهٔ محمد داود خان در ممالک مختلف بعمل می آمد ، وی برادرش محمد نعیم خان را مامور ساخت تا بحیث نمایندهٔ فوق العادهٔ او بخارج سفر کند و ضمن توضیح سیاست و اهداف نظام جدید ، مساعدت و همکاری این کشور ها را جلب نماید ۰ موصوف در جون ۱۹۷۶= سرطان ، عازم امریکا و فرانسه شد تا مشکلات و ماهیت جمهوری افغانستان را بازعمای دو کشور درمیان گذارد ۰ او در قصر سفید باریافت و بارئیس جمهور امریکا ملاقات کرد و نیز در مجلس سنای امریکا سیاست های خارجی افغانستان را توضیح داد و ازانجا به اروپا رفت ۰

در همین ایام مبلغ ۱۵ میلیون دالر از طرف بانک جهانی غرض انکشاف پروژه های مالداری به افغانستان قرضه داده شدو بعضی از کشورهای دیگر نیز تاحدی در همکاری به افغانستان علاقه نشان دادند ۰

تقریباً یکماه بعد از مسافرت محمد نعیم به امریکا و دیدار با رئیس جمهور و اعضای سنای آن کشور ، اوایل اگست ۱۹۷۶= اسد ، کیسنجر وزیر خارجهٔ امریکا وارد کابل شد و با محمد داود خان مذاکراتی انجام داد ۰ گرچه این مسافرت و ماموریتی که وزیر خارجهٔ امریکا داشت بسیار مهم بود ، اما تا امروز هم کسی از آن آگاهی نیافت که روی چه موضوعاتی صحبت شد و نتایجش چه بود؟ آنچه در روزنامه ها انتشار یافت همان کلمات و موضوعات متداول و تشریفاتی بود و بس ۰ مثلاً همکاری های دو جانبه ، مسایل بین المللی و ساحات مختلف ۰ ولی کدام همکاری وچه مسئلهٔ ای و کدام ساحه؟ جز خدا کسی نمیدانست ۰

مع الوصف تبصره هائی بگوش میرسید که کیسنجر در ملاقات خود با محمد داود خان ، این مطلب را به ایماء و اشاره حالی کرده بود که افغانستان در مناطق تحت سلطهٔ روس قرار دارد و حکومت امریکا نمیتواند کمک و همکاری موثر و بیشتری بنماید ۰

اینگونه افواهات وزمزمه ها تا حدودی حقیقت داشت واز انجا منشاء می گرفت که در سال ۱۹۷۲ میلادی بین امریکا و روسیه پیمانی به امضاء رسیده بود و به اساس آن کرهٔ خاکی را به دو بخش (ساحهٔ نفوذ روس ، و سلطهٔ امریکا) تقسیم کرده بودند ۰ منتها با قید این مطلب که دو کشور نباید در مناطق تحت سلطهٔ خود ، دخالت و تجاوز نظامی کنند و

در صورتی که یکی از طرفین «اقدام نظامی» را لازم بداند باید طرف مقابل را قبلاً از قصد و نیت خویش آگاه سازد ۰

بنابر همین پیمان بود که کارتر رئیس جمهور امریکا پس از دریافت خبر لشکر کشی روس به افغانستان ، زعمای کرملن را بنام «دروغگوی» یاد کرد و بریژنیف را به شکستن عهد محکوم نمود و فهمیده بود که فریب خورده است ۰

پس از دیدار کسینجر با محمد داود خان حکومت امریکا بی میلی اش را بیشتر ساخت و جز در ساحات فرهنگی و زراعی آنهم بسیار اندک و ناچیز، کمکی به کشور ما انجام نداد ۰

مقارن سفر کسینجر بکابل بانک آسیائی مبلغ ١٤ میلیون دالر را طور قرضه در اختیارات مقامات افغانی گذاشت تا ازان در تهیهٔ تخم اصلاح شدهٔ بذری استفاده شود ۰

درماه عقرب بین علی احمد خرم وزیرپلان ودانشگاه «نبراسکای» امریکا مذاکرات و موافقاتی صورت گرفت که بتاءسی از آن دانشگاه مذکور حاضر شد در تاسیس یک فاکولتهٔ دیگر انجینیری در کابل با حکومت افغانستان همکاری کند ۰ بااتکاء به این کمک و همکاری ، در ختم سال تحصیلی ١٣٥٥ ش اعلان گردید که برای سال تحصیلی ١٣٥٦ ش یکهزار محصل تنها در رشتهٔ انجنیری پذیرفته می شود و این رقمی بود که تا آنوقت در دانشگاه کابل و معارف افغانستان سابقه نداشت ۰

هدف از پذیرش بیشتر دانشجو در رشتهٔ انجنیری آن بود تا افغانستان در قسمت مهارت های فنی و کارشناسان انجنیری و تخنیک خود کفا شود و نیازمندی های آیندهٔ کشور بوسیلهٔ خود جوانان وطن برآورده گردد ۰ ولی همهٔ این آرزوها بخاک یکسان شد و جنایتکاران کرملن نگذاشتند تا افغانستان از چنگ شان رها گردد ۰

توأم با تلاش حکومت جهت بهبود روابط باغرب و بدست آوردن کمک از این کشور ها ، موافقت نامه های فرهنگی دیگری نیز با کیوبا و رومانی به امضاء رسید ۰ محمد داود و همکارانش شاید فکر می کردند که به این ترتیب میتوانند از هر دو جناح استفاده کنند و سیاست متوازنی را برقرار سازند ، لیکن داشتن روابط با کشوری مثل کیوبا برای مردم افغانستان و جهان آزاد خوش آیند نبود و جزاینکه به روش های ضد و نقیض محمد داود صحه گذارد ، ثمره ای نداشت۰

جریانات داخلی کشور در سال ۱۳۵۵ ش

مرجودیت بیش از حد کارشناسان روسی در افغانستان ، عقد پیمان های متعدد و مکرر تجاری و اقتصادی و نظامی بامسکو، عضویت افراد کمونست وابسته بروس در کابینه ، طرف شدن محمد داود با اعضای نهضت اسلامی دانشگاه کابل و علمای مسلمان ، ازبین بردن تعدادی از افراد سرشناس و ضد روسی و مسایل دیگری از این قبیل ، ماهیت جمهوری محمد داود را در سال های اول مورد شک و تردید قرار داد وبعضی از کشور ها افغانستان را در زمرهٔ اقمار روسی می پنداشتند ۰ این تعبیرات و توجیهات او را مجبور می ساخت هر چند ماه یکبار از آزادی و بیطرفی و ایدیولوژی ملی حرف زند و بر تبصره ها و تبلیغات سوء پاسخ گوید ۰

روی این انگیزه بتاریخ ۵ حمل ۱۳۵۵ بازهم در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد و به جواب سوالی که نمایندهٔ آژانس «رویتر» در زمینه ازوی بعمل آورد گفت:

((افغانستان از اقمار هیچ کشوری نیست و نخواهد بود)) ۰ البته این اظهارات او کاملاً راست بود و حق می گفت ۰ زیرا افغانستان در دورهٔ او بمعنی واقعی کلمه از اقمار روس نبود و قبول چنین امری با روحیهٔ ملی گرائی و غرور محمد داود طبیعتاً تضاد داشت ۰

در برج جوزا قانونی بنام « مالیات مترقی» انتشار یافت و اعلام شد که قانون مذکور باروحیهٔ اصلاحات ارضی مطابقت دارد ۰ در قانون مذکور مالیات اراضی طوری پیش بینی و سنجش شده بود که پول مالیات زمین در بعضی مناطق از حاصلی که مالک آن بدست می آورد بمراتب بیشتر بود و این امر سبب شد تا مالکان زمین قسمتی از زمین های خود را بفروشند و یا از آن دست بکشند و خود را از جنجال مالیاتش نجات دهند ۰ هدف حکومت و گردانندگان امور مالی نیز چنین بود تا به این نیرنگ مردم حاضر شوند ، زمین های خویش رابه میل خود شان در اختیار حکومت واگذارند ۰

در اثر این قانون ناآرامی و تشویش عمومی همه جارا فراگرفت و فروش زمین به شدت و سرعت جریان یافت۰ ولی دولت اعلامیهٔ ای را نشر کرد و فروش املاک شخصی را ممنوع قرارداد ۰ البته این قانون و اعلامیهٔ دولت عملاً شامل حال خانوادهٔ محمد داود نبود و نزدیکان او بخصوص برادرش محمد نعیم زمین های محمد هاشم خان کاکای شان را وهم آنچه خود داشتند و در واقع همه ملکیت عامه بود ، درگوشه و کنار افغانستان بفروش رسانیدند ، وپول آنرا همه روزه بخارج انتقال میدادند۰ بسیاری از مردم بخصوص افراد

ابن الوقت ، بی ثبات و پولداری که می خواستند خود را به محمد نعیم خان نزدیک سازند ، در خرید این زمین ها داوطلبانه اقدام کردند وحتی بعضی از این فرصت استفاده کرده ، جهت صیانت خویش از چنگ بیداد گران رژیم و بنام خریداری زمین مبلغ هنگفتی را در اختیار محمد نعیم قرار میدادند • مثلاً یکتن از سرمایه داران و تاجری که سالها با روسیه داد وستد داشت ، در بهای یک نمره زمین واقع در کنار سرک شهر آرا (مقابل سرای شمالی) که آنهم در واقع ملکیت بلدیه بود ، مبلغ هجده میلیون افغانی خدمت محمد نعیم خان پیشکش کرد و خود او (آق مراد) بارهابه رفقایش می گفت که من این پول را رشوه داده ام تا در امان بمانم و رنه زمین مذکور بیش از پنجصد هزار افغانی ارزش ندارد •

قانون اصلاحات اراضی ، مالیات کمرشکن وسایر مسایل و موضوعاتی که تذکار رفت و نیز جور و آزاری که اطرافیان محمد داود برمردم روا می داشتند ، نفرت و بدگمانی عامه را در برابر نظام محمد داود می افزود و احساس می کردند که نظام کمونیزم تدریجاً در کشور پیاده می شود • مخصوصاً از این جهت که کمونست ها از آزادی کاملی برخوردار بودند ولبّهٔ تیغ بیداد عمال محمد داود متوجهٔ افراد مسلمان ووطن دوست بود •

گسترش اینگونه پندارها و شدت نگرانی ها دربین اجتماع ، محمد داود را بران داشت تا بازهم از ایدیولوژی ملی حرف بزند و شرایط کار خود را مقتضی برضرورت و روحیهٔ مردم اعلان کند • او در بیانیه ای اصلاحات ارضی را ازبین بردن مناسبات قرون و سطائی خواند و آنرا بحال جامعه مفید وانمود ساخت •

ولی آنطور که گفته آمد ، مشکلات و نارضائی مردم تنها ناشی از تقسیمات اراضی و یا مالیات مترقی نبود ، زیرا تعداد کمی از افراد بود که در این رابطه متضرر می شدند • آنچه عامهٔ مردم ازان رنج می بردند ، یک سلسله غارتگری ها ، ناهنجاری ها ، بی کفایتی ها ، فساد اداری ، توطئهٔ سازی ، ظلم ، بی عدالتی ، خودی و خود کامگی هائی بود که همه جا و در همهٔ امور بمشاهده میرسید و ملت افغانستان در همچو فضای مخوف و غم اندود به سختی نفس می کشیدند •

البته باتمام این احوال ، مساعی دولت در پیشبرد صنایع و برنامه ریزی تا حدودی محسوس بود ، چنانچه در ماه عقرب پنج پروژهٔ صنعتی بسر مایهٔ یکصد وسی و دو میلیون وسه صد هزار افغانی جهت «پروسس» روده و چرم سازی منظور گردید ، و یک فابریکهٔ نساجی به ظرفیت سالانه دوازده میلیون متر در هرات تهداب گذاری شد • همچنان در ماه قوس اعلان گردید که اضافه از چهل میلیون متر پارچهٔ نخی و سندی از سه فابریکهٔ کشور تولید شده است که این خبر برای هر افغان بااحساس خوشحال کننده بود •

متاءسفانه در جریان این قضایا و تشبثات ، شبکه های جاسوسی نظام که بعضاً کمونستان وابسته به مسکو درانها نفوذ داشتند ، توطهٔ دیگری راجعل وبه محمد داود گزارش دادند که در اثر آن بتاریخ دهم عقرب جنرال میر احمد شاه باتعدادی از صاحب منصبان اردو گرفتار و زندانی گردیدند و خوف و تهدید بیش از پیش برجامعه سایه افگند ۰

قانون اساسي ، جرگه کبیر یا «لوی جرگه» محمد داود

محمد داود خان پس از سرنگونی نظام سلطنت ، قانون اساسی و شوری را ملغی اعلان نمود و هیئتی را موظف ساخت تا قانون اساسی جمهوری را ترتیب و تدوین کند ۰ هیئت (=کمیسیون) مذکور کار خودرا بتاریخ ٢٦ حوت ١٣٥٤ ش تکمیل و تسلیم دفتر ریاست جمهوری نمود ۰

رئیس دولت ، محمد داود طی فرمانی که بتاریخ ٢٩ حوت ١٣٥٤ عنوانی دکتر عبدالمجید وزیر عدلیه صادر گردید ، هیئت بیست نفری دیگری را انتخاب و موظف ساخت تا برمسودهٔ قانون اساسی غورنهائی کنند و آنرا برای تقدیم به «لوی جرگه » آماده سازند ۰ اعضای این هیئت عبارت بودند از:

دکتر عبدالمجید وزیر عدلیه بحیث رئیس ، حسن شرق معاون صدارت ، سید عبدالاله وزیر مالیه ، دکتر عبدالرحیم نوین وزیر اطلاعات و کلتور ، عزیز الله واصفي وزیر زراعت ، وفی الله سمیعی معین معارف و استاد پوهنتون ، غلام صدیق محبی وزیر تحصیلات عالی ، برید جنرال شاهپورخان ، برید جنرال یحیی نوروز ، دکتر ضامن علی ، دکتر سید مخدوم رهین ، محمد اکرم عبقری ، محمد اسماعیل قاسم یار ، یار محمد دلیلي وکیل در دورهٔ ١٣ ، پوهنمل دکتر بشیر وهاب زاده ، پوهنمل عالیه حفیظ ، فاطمه کیفی ، دکتر محمد اعظم وهاب زاده ، دکتر محمد آصف سهیل و سید ناصر سادات ۰

هیئت مذکور کار تدقیق و بررسی مسودهٔ قانون اساسی را در مدت ٤ ماه بپایان رسانید و آنرا جهت ارائه به «لوی جرگه» آماده ساخت ۰ بتاریخ ٧ جدی ١٣٥٥ ، محمد داود فرمانی صادر کرد واز مردم خواست تابرای مجلس «لوی جرگه» نمایندگان خودرا انتخاب فرمایند ۰ بتاریخ ٦ دلو = ٢٦ جنوری ١٩٧٧ متن مسودهٔ قانون اساسی در جراید انتشار یافت و حکومت ضمن ابلاغیه ای گزینش اعضای لوی جرگه و چگونگی ترکیب و برگزاری آنرا به این شرح اعلام فرمود:

نمایندگان انتخابی مردم ، رئیس و اعضای کمیتهٔ تدقیق و غور برمسودهٔ قانون اساسی ، اعضای کمیتهٔ مرکزی ، رئیس و اعضای شورای عالی قضا ، صاحب منصبان و افرادی که از طرف ریاست جمهوری تعیین می شوند ، و اعضای کابینه ۰

ولی انتخاب نمایندگان مردم در این مجلس نیزمانند سایر انتخابات محمد داود اکثراً

بمیل خودش و یا معرفی همکاران و دار و دسته اش بود و هرکه را لازم و مصلحت می دیدند آنرا نامزد و انتخاب میکردند ۰

در هر صورت ، این جرگه بتاریخ ۱۰ دلو ۱۳۵۵ در تالار اجتماعات (کنفرانس های) صحت عامه واقع جادهٔ انصاری بکار خود آغاز نمود و پس از بیانیهٔ افتتاحیه توسط محمد داود ، عزیز الله واصفی وزیر زراعت بحیث رئیس مجلس برگزیده شد تاجلسات جرگه را سرپرستی کند ۰

جرگهٔ مذکور مدت ۱۵ روز ادامه یافت و سرانجام قانون اساسی جمهوری محمد داود با ایزاد ۵ ماده و یک مقدمه ، بتاریخ ۲۵ دلو ۱۳۵۵ ش در ۱۳ فصل و ۱۳۶ ماده به اتفاق آراء تصویب گردید و نیز شخص محمد داود در جریان این جرگه بحیث رئیس جمهور افغانستان انتخاب شد و بتاریخ ۲۶ دلو در حضور اعضای جرگه حلف وفاداری یاد کرد ۰ (روزنامهٔ انیس شماره های ۲۶ و ۲۷ دلو ۱۳۵۵ش)

بعقیدهٔ نگارنده سه موضوع بیش از سایر فقره ها در قانون اساسی جمهوری جلب نظر می کرد و درخور ایراد.بود:

نخست آنکه ماده ای را به آن افزودند تا رئیس جمهور باید در همان جرگه انتخاب گردد ، و مسلماً جز محمد داود کسی نامزد و مورد نظر نبود ۰ گرچه محمد داود و واصفی رئیس مجلس در جریان جلسات از اعضای جرگه تقاضا کردند تا هر کسی که داوطلب ریاست جمهوری باشد خود را نامزد فرماید ، اما این حرفها و بازی ها کاملاً تصنعی و مضحک بود ۰ زیرا مردمی را که خود برای عضویت در «لوی جرگه» انتخاب کرده بودند ، دران لحظه و در جریان کار لوی جرگه ، جرئت و آمادگی کاندید شدن را نداشتند و همه می فهمیدند که تمام جریان قبلاً صحنه سازی شده است و محمد داود به هیچوجه کنار نخواهد رفت ۰

از بیرون هم کسی یارای پرواز وارد شدن در جلسات «لوی جرگه» را نداشت تا خودرا برای احراز مقام ریاست جمهوری نامزد می فرمود ، بنابراین همه دم در گلو فروبستند و ریاست جمهوری بدون منازعه و رقیب به محمد داود اختصاص یافت ۰

دودیگر، طبق مادهٔ (٤٠) این قانون اساسی ، محمد داود هرگونه آزادی و فعالیت های سیاسی را در افغانستان سلب نمود و تنها سیستم یک حزبی را که آنهم به خودش تعلق داشت ، مجاز فرمود ۰ متن مادهٔ یاد شده از اینقرار است:

((برای انعکاس خواسته های اجتماعی و تربیت سیاسی مردم افغانستان تازمانی که این آرزو براورده گردد و برشد طبیعی خود برسد ، سیستم یک حزبی در کشور برهبری حزب «انقلاب ملی» که بانی و پیش آهنگ انقلاب مردمی و مترقی ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ مردم افغانستان است برقرار خواهد بود)) ۰

بنظر من در کشوری مثل افغانستان آنروز نبودن حزب ، بهتر از اسلوب تک حزبی بود ۰ بدلیل آنکه این روش در حقیقت دکتاتوری بی قید و شرطی است که بادیموکراسی و جمهوری منافات داشت و بازهم به محمد داود و عمالش اجازه میداد تا هرچه دل شان خواست انجام دهند ۰

سه دیگر آنکه به اساس مادهٔ (٦٥) این قانون ، ارزش عنعنوی ، ماهیت تاریخی وطبیعی «لوی جرگه» هارا قسماً ازبین بردند و آنرا از شکل مردمی و ملی اش در چوکات رسمی و حکومتی در اوردند ۰ زیرا در مادهٔ (٦٥) تذکر رفته بود که : ((لویه جرگه مرکب است از: اعضای ملی جرگه ، اعضای شورای مرکزی حزب ، اعضای حکومت و شورای عالی قوای مسلح ، اعضای ستره محکمه ، پنج الی هشت نفر از هر ولایت ، سی نفر اعضاء که بوسیلهٔ فرمان از طرف رئیس جمهور تعیین می شود)) ۰

گنجانیدن چنین قید و شرطی دربارهٔ «لوی جرگه» طبعاً برای آن بود که اعضای شوری و سنای آینده در جمهوری محمد داود ، همه به حزب «انقلاب ملی» و خود او تعلق می داشت و میتوانست تصمیات وارادهٔ خودرا بدون درد سر بمرحلهٔ اجراء در اورد ۰ اما باذکر و قید چنین مطلبی در قانون اساسی ، حقوق طبیعی و ملی مردم را نادیده انگاشتند و اکثریت ملت افغانستان و افراد خبیر و خیر خواه و صادق و بیغرض را از سهم گیری در تعیین سرنوشت شان محروم گردانیدند ۰

بتاءسف و خلاصه باید گفت که محمد داود با این جرگهٔ تصنعی و قانون اساسی فرمایشی خود ، علی الرغم حرفها ، ادعاها و انتقاداتش بر ده سال دورهٔ دیموکراسی ، بار دیگر چون زمان صدارت خود به مطلق العنانی گرائید و به همان شیوه های کهن و استبدادی خودرا بر ملت افغانستان تحمیل نمود ۰

مردم که سنگ سردی برسینهٔ شان کوبیده شد بود ، بازهم احساس امید می کردند تا شاید محمد داود حداقل بجای خود ، اعضای کابینه اش را عوض خواهد کرد و باتجدید نظر در روش و گزینش همکاران خویش به توقعات و خواست مردم پاسخ مثبت خواهد داد ۰ لیکن اینکارهم انجام نیافت و دست اندر کاران دولت مطمئن تر از هر زمان دیگر بوظایف خویش ادامه دادند ۰

سال ۱۳۵٦ شمسی
یا
پنجمین سال جمهوری محمد داود

سالی که ازان بحث می کنیم از هر جهت مهم ، جنجالی ، پرماجرا و قابل توجه بود ۰ از یکطرف محمد داود خان آرزو داشت باسازماندهی و تقویت حزبش (انقلاب ملی) ، به فعالیت و موجودیت سایر احزاب و هسته هائی که بصورت پنهان و پیدا در کشور وجود داشتند ، خاتمه دهد و خودرا از گرفتاری های سیاسی در داخل وا رهاند ، واز سوی دیگر می کوشید با ایران و پاکستان نزدیک تر شود و روابط اقتصادی و تجاری و سیاسی افغانستان را در سطح جهانی وسعت بخشد ۰

گرچه این اقدامات محمد داود جبهه گیری در برابر روس نبود و فقط میخواست آزاد عمل کند واز شرق و غرب یکسان استفاده نماید ، اما روس های جنایت پیشه آنرا منافی با منافع استعماری خود انگاشتند و ازبیم آنکه مبادا نقشهٔ استعماری شان نقش برآب شود و آنچه را که سالها برای آن زمینه سازی کرده بودند ، از دست بدهند ، طرح سرنگونی او را زود تر تجویز کردند و برای برپائی یک نظام الحادی و متعلق به مسکو در افغانستان دست بکار شدند ۰ اینک تفصیل جریانات بالا و سایر پدیده هائی که در سال ۱۳۵٦ ش اتفاق افتاد به ترتیب زیر ارائه می شود:

<u>روابط محمد داود با روس ها</u>

از اوضاع چنین برمی آمد که روس ها در جریان سال ۱۳۵۵ ش نسبت به محمد داود بدگمان شده بودند و هر روزی که سپری می شد این حساسیت و بدگمانی افزایش می یافت ۰ تبلیغات و فعالیت های خلق و پرچم علیه محمد داود نیز از همان سال آغاز گردید و این امر گویای آن بود که فتنه ای در حال تکوین است و روس ها برای دگرگونی اوضاع آماده گی میگیرند ۰ ولی از انجا که امکانات چنین اقدامی هنوز در افغانستان فراهم نشده بود و مدت زمانی کارداشت تا آنرا ترتیب و تنظیم کنند۰ بنابراین سعی نمودند بادستان و حیل ، محمد داود را اغفال کنند و آرام آرام کارهای خود را در جامعه و اردوی افغانستان سازماندهی نمایند ۰

روی این نیرنگ و منافقت و فرصت طلبی از وی دعوت کردند تا به مسکو سفر کند و دربارهٔ همکاری های اقتصادی بازعمای آن کشور مذاکره نماید ۰ محمد داود این دعوت را پذیرفت ویکروز قبل از عزیمت به روسیه ، غرض پاسخ به افکار عامه و مشخص نمودن مشی سیاسی خویش در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی شرکت کرد و گفت:

((شرایط کشور ما ایجاب می کند که راه وسط را بدون افراط چپ و راست اختیار کنیم)) (۱)

این اظهارات محمد داود در آستانهٔ دیدارش با رهبران کرملن از هر لحاظ بسیار مهم و حساس بود و ظاهراً معنی آنرا داشت تا روس ها از موضوع آگاه باشند و مذاکرات و روابط خود را در چوکات این مشی و اصول دسته بندی کنند ٠*

موصوف روز ۲۳ حمل در راس هیئتی عازم مسکو گردید و بازعمای روس مذاکره و ملاقات نمود ٠ در این سفر که آخرین دیدار محمد داود از مسکو و زعمای آن کشور بود ، یک موافقت نامهٔ همکاری اقتصادی آنهم برای مدت ۱۲ سال بین دو طرف به امضاء رسید ٠

در اعلامیهٔ مشترکی که بتاریخ ۲۵ حمل انتشاریافت ، سخنانی از قبیل: تساوی حقوق ، عدم مداخله در امور یکدیگر ، احترام متقابل به استقلال ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ، انکشاف تجارت ، ازدیاد تبادلهٔ اموال بین افغانستان و روس جلب توجه می کرد ٠ یعنی همان کلمات و عباراتی که نیم قرن تکرار شده بود و در قاموس استعماری روس اصلاً مفهومی نداشت ٠

محمد داود بااطمینان به معاهدهٔ عدم تعرض که قبلاً روس ها باوی امضاء کرده بودند ، و اتکاء و اعتماد به پیمان جدید همکاری اقتصادی دوازده سالهٔ مسکو ، فکر میکرد فرصت کافی بدست آورده است و میتواند در این مدت تدریجاً ازرشد کمونستان و نفوذ روس در کشور بکاهد ٠ چنانچه در برگشت از روسیه ، حسن شرق معاون اول صدارت و فیض محمد

---

۱ ـ رک: روزنامهٔ انیس ، شمارهٔ ۲۲ حمل ۱۳۵٦ ش ٠

* بعد از سفر محمد داود به مسکو در کابل شایعاتی پخش شد که در این سفر بریژنیف راجع به روابط و نزدیکی افغانستان با امریکا ، سعودی و بعضی کشور های دیگری ، به لحن انتقاد آمیزی از محمد داود سوال کرده بود ، و او بعنوان اینکه رئیس یک کشور مستقل است و کسی حق ندارد نسبت به روابطش بادیگران ازوی سوال کند ، جلسهٔ را ترک گفته بود ٠ بعضی نویسندگان خارجی هم بدون ذکر نام و منبع از این برخورد داستان ها درست کرده اند و تیرگی روابط روس و افغانستان را در همین نقطه مضمر می دانند ٠

البته وقوع چنین امری باتوجه به خباثت روس ها و طبیعت محمد داود خان بعید از باور نیست ، ودراین حقیقت هم تردیدی وجود ندارد که محمد داود خان در سال ۱۳۵۵ش گام هائی در جهت بهبود روابط باکشورهای عربی ، ممالک غربی و ایران و پاکستان برداشته بود و صمیمانه تلاش می کرد تا توجه این کشور هارا درهمکاری و کمک به افغانستان جلب کند و آهسته آهسته پایش را از دام وحصار روس بیرون کشد ، مع هذا اگر چنین برخوردی بین او و بریژنیف اتفاق می افتاد ، بدون شک محمد داود خود را جمع وجور می کرد و در راوبطش باروس احتیاط می نمود ٠ اما نه تنها چنین اقدامی صورت نگرفت بلکه پروژه ها وبرنامه های دیگری را هم روس هابه مرحلهٔ اجرا در اوردند که تا آنوقت انجام نشده بود ٠

شاید غرور و غفلت محمد داود باعث گردیده باشد تا دربارهٔ اقدامات بعدی و نقشهٔ استعماری روس ها بی اعتنابماند و شاید هم باحیله و افسونی که خاص اربابان کرملن است، او را فریفته باشند و تصور هر نوع احتمال از ذهنش بدور شده باشد ٠

بهر حال دربارهٔ این برخورد ، منبع و سند موثقی در اختیار نگارنده نیست و آنچه مردم گفتند و بگوش من رسیده بود ، همین است که معروض گردید ٠

وزیرٌ سرحدات را که هر دو از گروه پرچم بودند و در حمایت کمونستان و کشتار و زندانی کردن هزاران انسان بیگناه دست داشتند ، ازکار برکنار نمود و هر دو را بیحث سفیر بخارج فرستاد ٠

برون کردن پرچمی ها از کابینه برای محمد داود موفقیت محسوب می شد ، زیرا تمام قرار دادها و مذاکرات و داد وستد تجاری و اقتصادی باسایر کشور هایا بوسیلهٔ ایشان خنثی می شد و یا روس هارا در جریان قرار میدادند و از آن طریق بالای محمد داود فشار وارد می کردند ٠ اما او فراموش کرده بود که محمد خان جلالر وزیر تجارت در کنارش قرار داشت و تمام مسایل را بمقامات روسی اطلاع میداد ٠

در هر صورت ، قرارداد اخیر با مسکو دام تزویری بود که روس ها فرا راهٔ محمد داود تعبیه کردند و خود در کمین نشستند تا او را شکار کنند ٠ تقریباً یکماه بعد از این قرارداد ، روس ها حقهٔ دیگری بکار بردند و بحکومت افغانستان پیشنهاد کردند که برای استفاده از مس «عینک» ، میخواهند امکانات اقتصادی و تخنیکی اعمار یک فابریکهٔ ذوب مس را تحت مطالعه قرار دهند ٠ محمد داود هم این طرح را پذیرفت و بتاریخ ٢٤ جوزای ١٣٥٦ ش موافقت نامه ای باروس ها امضاء شد که به اساس آن بیش از یک میلیون و پنصد هزار روبل جهت مطالعات مقدماتی این پروژه اختصاص یافت و آنهم از کریدت روس ها و جهت مصارف خود آنان ٠

متاءسفانه این پیشنهاد و قرارداد مانند صدها طرح و پروژه و معاهدات دیگر روس از قوه به فعل در نیامد و همه کس می دانست که غداران قطبی کاری انجام نمیدهند تا ازان سودی عاید افغانستان شود ٠

تغییرات در کدر رهبری روس و نتایج آن

بتاریخ ٢٧ جوزای ١٣٥٦ شمسی= ١٧ جون ١٩٧٧ درکادر رهبری روس تغییرات مهم و چشمگیر بوجود آمد و بریژنیف بحیث صدر هیئت رئیسهٔ شورای عالی روسیه مقرر گردید ٠ انتخاب بریژنیف به این سمت صد در صد با نقشهٔ بعدی روس ها در افغانستان ارتباط داشت و فعالیت های مسکو را در سرنگونی محمد داود بیش از پیش سرعت بخشید ٠

هنوز یکماه از انتخاب بریژنیف ، این مکار خونخوار و انسان کش نگذشته بود که ایادی مسکو (پرچم و خلق) در کابل باهم متحد شدند و افواهاتی در جامعه پخش گردید که اتحاد پرچم و خلق به اثر پادرمیانی و توصیهٔ محمد داود صورت گرفته است ٠ اخبار

و رسایلی هم که بعداً توسط این دو گروه در دورهٔ تره کی منتشرشد تلویحاً این مطلب را تائید می کرد ٠ مثلاً ضمن معرفی « زندگی نامه = بیوگرافی» تره کی در روز نامهٔ انیس نوشته بودند که:

((٠٠٠ در سال ١٣٥٦ ش رژیم داود چهرهٔ اصلی اش را که ارتجاعی و به امپریالیزم پیوسته بود روز تا روز باوضوح بیشتر نشان میداد و برضد حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و منشی عمومی آن رفیق تره کی و کمیتهٔ مرکزی به دسایس وسیع دست زد و بمنظور آنکه چهرهٔ سیاهش را بازهم پوشانده باشد دست به حرکات تصنعی میزد که گویا خلقی ها و پرچمی ها در بین خود به توافق نمیرسند و خلقی ها برای نظام او ایجاد خطر مینمایند ، پس بایست خلقی ها و پرچمی ها ازبین بروند تا آنگاه او به اصطلاح به امور مترقی اش بپردازد ٠ اگر اینطور نیست چرا آنها وحدت نمیکنند؟ در اینجابازهم رفیق تره کی به ابتکار دیگری دست زد بخاطر آنکه برای حزب زمینهٔ فعالیت بیشتر فراهم گردیده و دست دشمن را نیز به نحوی از انحاء از ایجاد عکس العمل شدید ولو بصورت موقت کوتاه ساخته باشد اعلام کرد بهرقیمتی که ممکن باشد وحدت خلقی هاباپرچمی ها حتمی است ٠ همان بود که در سرطان ١٣٥٦ش بین خلقی ها و پرچمی ها بدون آنکه تعداد هر دو جناح ، میزان محبوبیت در بین توده ها و قدرت سازماندهی و یامیـزان مبارزهٔ حزبی و طبقاتی در نظر گرفته شود ، در سازمان های رهبری کننده وحدت بصورت مساویانه تاءمین گردید ٠)) (١)

عین مطلب و صریح تر از آن (باصرف نظر از حشو و زواید و لاف زدن های شان) در «تاریخ مختصر حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ، چاپ کابل ، سال ١٣٥٧ صفحهٔ ٥٦» نیز بچشم می خورد و وساطت محمد داود را در اتحاد این دو گروه تائید می کرد ٠

تصادفاً بندهٔ الله پس از یکجا شدن خلق و پرچم ، بایکی از اعضای حزب خلق که مامور وزارت اطلاعات بود و بعداً در کابینهٔ تره کی وزیر شد ، روبرو گردیدم و بطور طعن و طنـز از وی پرسیدم که باآنهمـه تظاهر به ضدیت علیه محمد داود ، چگونه اینک به اوپیوستید و به توصیهٔ آن اختلافات خود را با پرچمی ها کنار گذاشتید؟؟ او در پاسخ تبسم تلخی کرد و گفت : «همه چیز معلوم خواهد شد و تو خواهد دیدی که چه می شود»٠

باوجود این حرفها و شایعات ، جریانات بعدی و گذشت ایام ثابت ساخت که تمام آن دسـایس و نمایش نامه ها عملاً بوسیلهٔ روس ها طرح و کارگردانی می شد ، ولی سعی میکردند آنرا به محمد داود نسبت دهند تاهم مردم را اغفال نمایند و هم اذهان عامه را دربارهٔ او مغشـوش سازنـد ٠ عقـلاً نیز محـال به نظر میرسید که محمـد داود توأم با تصفیهٔ کمـونستـان

---

١ ـ رک: روزنامهٔ انیس مورخ ٨ عقرب ١٣٥٧ ش ، صفحه ٧ ستون ٢ ٠

از کار و کابینه و اعلام حزب «انقلاب ملی» در توحید وانسجام پرچم و خلق کوشیده باشد !!

بهرحال ، آنچه اهمیت داشت این بود که روس ها در گرما گرم همچوشایعه سازی ها و صحنه آرائی ها ، اعمارشش میدان هوائی را در حوزهٔ شمال شرق کشور بحکومت پیشنهاد کردند و محمد داود نیز بدون چون و چرا توافق نشان داد و در نتیجه بتاریخ ۲۰ سرطان= ۱۱ جولای ۱۹۷۷ قراردادی بنام «مطالعات اقتصادی و تخنیکی» شش میدان هوائی (=فرودگاه) در نواحی شمال شرق کشور یعنی فیض آباد ، واخان ، شغنان ، خواهان و درواز ، بین کابل و مسکو به امضاء رسید و قرار شد کار مطالعات این پروژه درمدت شش ماه انجام یابد ٠

روس ها که به اخرین و مهم ترین هدف خود دست یافته بودند ، بسرعت اقدام کردند و بجای مطالعهٔ «تخنیکی و اقتصادی» کار تسطیح و قیر ریزی و اعمار میدان های مذکور را به اتمام رسانیدند و همه را برای پرواز و نشست طیارات خود آماده ساختند ٠

افرادی که از درک و دانش بهره ای داشتند و به کشور خود علاقه مند بودند ، بخوبی میدانستند که روس ها آشکارا غرض حمله و تجاوز به افغانستان آمادگی میگیرند و مقدمات کار خود را یکی بعد دیگر انجام میدهند ٠ اما هیچکس جرئت ، صلاحیت و حق اظهار رای و انتقاد برکارهای روس هارانداشت و محمد داود هم باری از خود نپرسید ، این شش میدان هوائی درنوار مرزی و درنقاط مهم سوق الجیشی ،چه مفهومی دارد؟ و برای چی؟

آری! این ها همان میدان های هوائی بودند که بعد از کودتای ۷ ثور در اختیار طیارات روسی قرار گرفتند و تا امروز جهت کشتار مردم بدخشان و بمباردمان روستاها وشهرهای منطقه و حومهٔ آن ، از آنها استفاده می کنند ٠

متاءسفانه در نظام های استبدادی و کشور هائی که زور و خود کامگی و خود سالاری برهمه چیز حکومت می کند و مردم در تعیین سرنوشت و مقدرات خویش اندک سهمی ندارند ، اوضاع برهمین منوال می باشد و خیر و مصلحت عمومی و اجتماع قربان خیره سری ها ، زور گوئی ها وبی منطقی های افراد و اغراض میگردد ٠ اینگونه کشور ها و جوامع پیوسته آسیب پذیر اند و استعمار میتواند به آسانی و زودی در آنها نفود کند و هستی مادی و معنوی شان را تاراج نماید ٠

در اول سنبله اعلان گردید که در چاه شمارهٔ (۲) علی گل قیسار مربوط ولایت فاریاب ذخیرهٔ دیگر نفت به عمق ۹۷۲ مترکشف گردیده است که در یک شبانه روز میتوان ۲۵ تن نفت از آن استخراج نمود ٠ طبق اخبار نشر شده در روزنامه ها ، این پنجمین حوزهٔ نفت شمال بود که نتیجهٔ کاوش نفت درانهامثبت قلمداد می شد و نتایجش اطمینان بخش ٠ ولی نه بدان معنی که مورد بهره برداری قرار میگرفت و ملت افغانستان میتوانست ازآن

استفاده کند ، بلکه بمفهوم عوام فریبی و اغفال کردن بیش از حد محمد داود ۰ چنانچه تا امروزهم جز روس ها کسی ازان چاه ها چیزی بدست نیاورده است ۰

مروری بر تفحص و نتایج نفت و گاز

چون سال ۱۳۵٦ش آخـرین سالیست که از نحـوهٔ تفحص و نتایج نفت و گاز ، قراردادها ، وچگونگی انتقال گاز بروسیه ، مدارکی در دست است و بعد ازان قطع می شود ، لهذا بی مورد نخواهد بود تا جریان وسوابق آن بار دیگر بحیث یک کل بررسی گردد و جنایات روس ها روشن ترشود ۰

چنانکه گفته آمد تفحص و جستجوی نفت نخستین بار در سال ۱۳۱۵ شمسی بوسیلهٔ یک کمپنی امریکائی آغاز شده بود و بعد درزمان صدارت شاه محمود خان نیز این موضوع دنبال شد و تلاش هائی صورت گرفت تا کار تحقیق و استخراج نفت و گاز بوسیلهٔ کارشناسان ملل متحد و کشور سویدن انجام یابد ۰ نتایج کار و مطالعه در هر دو دوره موفقیت آمیز و درخور اطمینان بود ولی روس ها بگونه ای که ذکریافت شاه محمود خان را ازبین بردند و کوس فرمانروائی بنام محمد داود نواخته آمد ۰

در سرطان ۱۳۳٦ ش محمد نعیم وزیر خارجه و معاون صدارت موافقت نامه ای را با روس ها در مسکو امضاء کرد و کار تحقیقات و مطالعات و تفحص نفت و گاز را در شمال افغانستان به روس ها واگزار گردید ۰ روس ها که قبلاً توسط شبکه های جاسوسی خود نقشه ها و نتایج کارشناسان امریکائی ، ملل متحد و سویدنی هارا بدست آورده بودند و از تمام منابع نفت و گاز در شمال افغانستان اطلاع داشتند ، فوراً دست بکار شدند و در مرحلهٔ اول ۵۳ حوزه را تحت بررسی و برمه کاری قراردادند ۰ حوزه های کاوش و تحقیقات وبرمه کاری و نتایجی که از آنها بدست آمد ، اجمالاً به این شرح است:

اول ۰ تفحص نفت

تحقیقات و مطالعات برای جستجوی نفت نشانداد که در اغلب نقاط شمال مانند بلخ ، غورماچ ، علی گل قیسار ، کلفت ، جوزجان ، مزار شریف ، فاریاب وغیره ذخایر سرشار نفت وجود دارد واینک بطور نمونه بیکی دو مورد آن در زیر اشاره می شود:

الف ـ حوزهٔ «انگوت»:

در «انگوت» واقع شش کیلومتری ناحیهٔ سرپل ولایت جوزجان برمه کاری ١٤ تا ١٦ چاه که تا سال ۱۳۳۹ ش به اتـمام رسـید ، نتـایج مثبت داشت و ذخیرهٔ مجمـوعی آنهـا حدود ٤ میلیون تن نفت پیش بینی گردید ، و ازان جمله تنها چاه شماره(۸) آن که در عمق

۱۰۸۰ متر به ذخیرهٔ نفت رسیده بود ، ظرفیت آنرا داشت که در ۲٤ ساعت (۷۰) تن نفت از آن استخراج شود ۰

ب ـ حوزهٔ «اقدریا»:

برمه کاری نخستین چاه این حوزه که در ١٤ کیلومتری سر پل ولایت جوزجان قراردارد ، در ماه ثور ۱۳۵۳ش شروع گردید و در نتیجه اعلام شد که به سطح نفت رسیده است و مقدار ذخیرهٔ آن حدود یکنیم تا دو میلیون تن تخمین شده است ۰

وضع سایر حوزه ها و چاهای نفت نیز بدینمنوال بود ، اما روس های خاین از سال ۱۳۳۹ش تا روزی که کودتــا کردنــد و اجیران خود را برسـر نوشت افغـانستـان حاکم ساختنـد ، هرگز نگذاشتند تا ملت افغانستان از این ثروت طبیعی خود استفاده کند و هر صدراعظمی هم که بهره برداری از چاه های نفت و تصفیهٔ آنرا عنوان کرد به نحوی او را تخریب نمودند و مانع شدند ۰

دوم ـ تفحص گاز:

کار تفحص و مطالعات گاز نیز از همان سال ۱۳۳۶ش در جوزجان ، شبرغان ، بلخ ، فاریاب و مربوطات آنها بوسلیهٔ روس ها آغاز گردید و در نتیجه معلوم شد که این ثروت عظیم و طبیعی در شمال افغانستان بوفرت وجود دارد و ذخایر مجموعی آنها به میلیاردها متر مکعب بالغ میگردد ۰ اما روس ها ثقل کارخودرا در جوزجان وشبرغان متمرکز ساختند و چهار حوزه را برای برمه کاری و استخراج گاز اختصاص دادند که نتایج خاصله ازآنها بدین شرح است:

الف ۰ خواجه گوگردک: این ساحه تقریباً در ۲۰ یا ۲۲ کیلومتری شهر شبرغان قراردارد و ذخایر گاز طبیعی آن بین ٤٦ تا ٤٨ میلیاردمتر مکعب تخمین زده شده است ۰

ب ـ ساحهٔ جرقدوق : این ساحه نیز از مربوطات شبرغان می باشد و ذخایر گاز آن بیش از٤٠ میلیارد متر مکعب پیش بینی گردیده است ۰

ج ـ خواجه برهان: این حوزه تقریباً در ۳۵ کیلومتری جنوب شرق شهر شبرغان موقیعت دارد و ذخایر گاز آن تا ۵ میلیارد مترمکعب برآورد شده است ۰

د ـ یتیم تاق: ساحـهٔ مذکور جزء ولایت جوزجان است و مقدار گازی که درانجا کشف گردیده تخمیناً ۲۰ میلیار دمتر مکعب می باشد ۰

از آغاز کار تا سال ١٣٥٤ ش درحوزه های یاد شده بیش از یکصد چاه برمه کاری شده و ذخایر مجموعی گاز طبیعی در آنها بین ۱۱۰ تا ۱۲۰ میلیاردمتر مکعب پیش بینی گردیده است ۰

استخراج و بهره برداری از گاز

بتاءثر و تاءسف باید گفت که روس ها از شروع برمه کاری تا استخراج گاز و تمدید پایپ لین میلیاردها دالر و افغانی و روبل را بحساب افغانستان مصرف کردند و حتی دستگاه تصفیه و دستگاه خشک کنندهٔ گاز را هم در داخل افغانستان اعمار نمودند تا مصارف آنرا بحساب افغانستان معامله نمایند ۰ ولی در نتیجهٔ این همه مصارف و سرمایه گذاری که ملت افغانستان را تا حلق در لجن زار قرضه های کمرشکن و غیر انسانی روس ها فروبرد ، چراغ پیرزنی در کشور ماروشن نگردید و همینکه این پروژه ثمرداد و آمادهٔ بهره برداری شد ، روس ها آنرا در حصار خود در اوردند و زمینهٔ استخراج و انتقال آنرا بروسیه فراهم نمودند ۰

بهره برداری از گاز و انتقال آن بروسیه بتاریخ ۲۹ میزان ۱۳٤٦ ش = ۲۱ اکتوبر ۱۹٦۷ در حالی شروع گردید که میوندوال صدراعظم افغانستان ۱۱ روز قبل ازان استعفا کرده بود و نوراحمد خان اعتمادی هنوز ، ماموزتشکیل کابینه نشده بود ۰ روس ها از همین خلاء استفاده کردند و تنها در همان ماه اول (اکتوبر) مقدار یک میلیون و پنجصد هزار متر مکعب گاز را از ۲۸ حلقه چاه استخراج و به کشور خود انتقال دادند و تا ۲ ثور ۱۳٤۷ ش که انتقال گاز بروسیه رسماً افتتاح گردید ، آنرا امتحانی نام نهادند ۰

کار استخراج نفت از چاه های گاز بعداً ازدیاد یافت و تاسال ۱۳٥٤ ش ۳۲ حلقه چاه مورد استفاده قرار گرفت که سالانه بین ۲ تا ۳ میلیارد متر مکعب گازبه شوروی صادر می شد ۰ ولی در ۲۸ میزان ۱۳٦۲ ش= ۳۰ اکتوبر ۱۹۸۳ هنگامی که رادیو کابل دربارهٔ سفر کشتمند صدراعظم حکومت اجیر و سفیر روس به شبرغان گزارش میداد گفت: بیست چاه گاز اکنون فعال است و ٥ میلیون متر مکعب در شبانه روز از انها استخراج می شود ۰

از گفتار رادیو کابل چنین برمی آید که تاحال چندین ذخیرهٔ گاز توسط روس ها به یغما برده شده است و هرگاه صدور گاز بروسیه در همین محدوده ادامه یابد ، ممکن تاده سال آینده ذخایرگاز در ساحات یاد شده به اتمام رسد ۰

بنابرهمین پیش بینی ها بود که روس ها در سال ۱۳٥٥ش تلاش داشتند به بهانهٔ سهم گیری در پلان انکشافی ۷ سالهٔ جمهوری محمد داود ، ساحهٔ تفحص و استخراج گاز را بمصرف ٤ میلیون روبل و ۲۰۰ میلیون افغانی در نواحی خواجه گوگرد ک وسعت بخشند و برای استفادهٔ آیندهٔ خود ذخایر تازه ای بدست آرند ۰

مع الوصف غداران کرملن برای اینکه تاراج و غارتگری این سرمایه و ثروت ملی افغانستان راجنبهٔ قانونی دهند و فردا در برابر محاسبهٔ تاریخ و مردم افغانستان اتمام حجت کنند ، بهائی بالای آن وضع کردند که ننگین تر از دزدی ورایگان بود ، و آن از اینقرار است:

از تاریخ ۲۹ میزان ۱۳٤٦ تا ۱۸ ثور ۱۳۵۲ ش (= ۲۱ اکتوبر ۱۹٦۷ـ می ۱۹۷۳) قیمت هزار متر مکعب گاز ، ۵/٦ دالر ۰

از تاریخ ۱۹ ثور ۱۳۵۲ تا ۲۵ میزان ۱۳۵۲ش (= ۹ می ۱۹۷۳ـ۱۷ اکتوبر ۱۹۷۳) قیمت فی هزار متر مکعب ٦/۸ دالر ۰

از تاریخ ۲٦ میزان ۱۳۵۲ تا ۱۰ جدی ۱۳۵۲ش (= ۱۸ اکتوبر ـ ۳۱ دسمبر سال ۱۹۷۳) قیمت فی هزار متر مکعب ٦/۷۵ دالر ۰

ملاحظه می کنید که روس ها گاز افغانستان را تقریباً ۷ سال بقیمت ۵ تا ۷ دالر فی هزار متر مکعب محاسبه کرده اند و آنهم به گونه ای که 'میتر' اندازه گیری انتقال گاز ، در آنسوی آمو و به اختیار خود روس ها بود ۰

این قیمت درسال هائی که ازان نام بردیم معادل ربع قیمت هائی بود که دربازارهای بین المللی به فی هزار متر مکعب گاز پرداخت می شد ، ولی ازان تاریخ تانیمهٔ سال اول جمهوری محمد داود هیچ حکومتی در افغانستان جرئت نکرد تا راجع به این یغماگری روس ها حرفی بر زبان آرد و به قیمت گاز تجدید نظر کند ۰ پنداشتی که این گنج شایگان بی صاحب است و یاچپاولگران روسی آنرا در محدودهٔ جغرافیائی خود یافته اند و همه را چون میراث پدرهای شان بمسکو انتقال میدهند ۰

در اواخر سال ۱۳۵۲ ش قیمت های گاز آنهم نه به تناسب قیمت های بین المللی بلکه به پیمانهٔ ناچیزی بالابرده شد و تا آخر دورهٔ محمد داود خان بشرح زیر بود:

از تاریخ ۱۱ جدی ۱۳۵۲ تا ۸ میزان ۱۳۵۳ ش (= اول جنوری ۱۹۷٤ـ آخر سپتامبر ۱۹۷٤) قیمت فی هزار متر مکعب ۹/۱۰ دالر ۰

از تاریخ ۹ میزان تا ۱۰ جدی ۱۳۵۳ش (= اول اکتوبر ـ آخر سال ۱۹۷٤م) قیمت فی هزار متر مکعب ۱۳/٤۰ دالر ۰

از تاریخ ۱۱ جدی ۱۳۵۳ تا ۱۲ حوت ۱۳۵٦ش(=آغاز سال ۱۹۷۵ـ آخر فبروری ۱۹۷۸) قیمت فی هزار متر مکعب ۱٦/۱۰ دالر۰

بتاریخ ۳ ثور ۱۳۵۷ش فیمت فی هزار متر مکعب به ۱۹/٦۵ دالر بالا برده شده و ازان تاریخ به بعد معلوم نیست که سرنوشت ذخایر گاز افغانستان بکجا انجامیدو امپریالیست های سرخ این دزدان قطبی تا چه حد و چگونه آنرا بغارت برده اند۰(۱)

---

۱ ـ برای معلومات بیشتر در اینباره رجوع شود به نشریه های ریاست احصائیه مرکزی صدارت ، وزارت پلان ، وراپور های صادرات گاز «دتیلوملی موسسه» نشریهٔ وزارت معادن و صنایع ، از سال ۱۳٤۹ تا سال ۱۳۵٦ ش ۰

ادامهٔ روابط باروس در سال ۱۳۵٦ش

اینک برمی گردیم به ادامهٔ گفتار اصلی و آن اینکه:

در ماه سنبله ۱۳۵٦ ش عبدالعظیم غازی (غند مشر) پسرعم محمد داؤد و آتشهٔ نظامی افغانستان در مسکو به گونهٔ مرموزی کشته شد • او از تحصیل کرده های غرب و افسر جوانی بود که بین افراد و افسران اردو، مخصوصاً در قوای ٤ زرهدار شهرت و محبوبیت خوبی داشت و میتوانست روزی نقش رهبری و قیادت اردو را بدست گیرد •

در کابل شایعاتی براه افتاد که روس ها اورا در رابطه با پیش بینی هائی که داشتند بوسلیهٔ «زهر» از بین برده اند تا در آینده برای شان درد سری ایجاد نکند • این افواهات گرچه ظاهراً عکس العمل رسمی در پی نداشت ، اما از جریانات بعدی احساس می شد که چیزی در بین بوده و محمد داود از آن متاءثر است •

تقریباً یکماه بعد از واقعه یاد شده ، بند سرده ولایت غزنی که بمصرف یک میلیارد و دو صد و پنج میلیون و پنجصد هزار افغانی توسط روس ها اعمار گردیده بود ، افتتاح شد • این پروژه که حوض ذخیرهٔ آن ظرفیت ۱٦٤ میلیون متر مکعب آب را داشت ، میتوانست ۱٦ هزار هکتار زمین را تحت آبیاری قراردهد • لیکن قبل از استفاده از چندین جا و چندین بار شکست که تاحال هم معلوم نیست از آن استفاده میشود یاخیر؟

شیوهٔ روس ها و همکاران و هواداران شان دایم آن بود که وقتاً فوقتاً کارنامه های خویش را توسط شبکه های تبلیغاتی به رخ مردم بکشند و اینکه واقعیت و ماهیت کار ایشان چگونه بود؟ مورد سوال قرار نمی گرفت •

بتاریخ ۱٦ برج دلو موافقت نامهٔ دیگری بنام «همکاری های طبی» بین افغانستان و روسیه امضاء گردید که بموجب آن ده ها روسی بنام های نرس و دکتر در موسسات صحی و بیمارستان های افغانستان مشغول بکار شدند واین مراکز و ادارات هم که تا آنروز از فتنهٔ روس ها در امان بودند کم کم مسموم گردیدند •

باتمام این احوال در سالی که ازان گفتگو می کنیم محمد داود ، در دوستی اش با روس ها ذهناً تغییر کرده بود و همانطور که روس ها در فکر برانداختن او از قدرت بودند ، او نیز راهها و امکاناتی را جستجو می کرد تا از دام ایشان وا رهد و روش هایش را در امور ملی و بین المللی برنگ دیگری آراید •

در کابینه هم اعتراضاتی علیه روابط با روس ها صورت می گرفت و بعضی از وزراء مانند و فی الله سمیعی وزیر عدلیه ، علی احمد خرم وزیر پلان و غوث الدین فایق وزیر فواید عامه اصرار می ورزیدند تا در قراردادهای اقتصادی ، تجاری و فرهنگی با روس ها

تجدید نظر شود ۰ زیرا در تمام مدتی که روس ها با افغانستان روابط تجاری داشتند قراردادهائی را باموسسات دولتی و وزرارت خانه ها عقد کرده بودند که «کمیت» ، «کیفیت» و «نوع و جنس» کالا های وارداتی از روسیه اصلاً معلوم نبود و همه اجناس روسی اعم از آهن پاره و تراکتور و بولدوزر و پرزه های ماشین و یخچال و کاغذ و امثال آنها ، به اساس وزن (فی تن یا فی کیلو) محاسبه می شد و بدین ترتیب اکثر تحویل خانه های افغانستان از سامان ولوازم کهنه ، زنگ زده ، بیکاره و آهن پاره هائی انباشته شده بودند که هیچکس حتی خود کارشناسان روسی هم نمیدانستند در چه موردی از انها استفاده کنند ۰ در مقابل سالانه میلیون ها دالر از این مدرک بحساب قرضه های روسی بالای افغانستان افزوده می شد و این کشور بدبخت و فقیر هر روز بیچاره تر می گردید ۰

اعتراض وزراء دربارهٔ قراردادهای روسی که مسلماً از خواست محمد داود الهام می گرفت ، این مطلب را نیز درمیان کشید تا از تعداد دانشجویان افغانی که همه ساله بروسیه فرستاده می شدند ، کاسته آید و این سلسله تدریجاً قطع شود ۰

روس ها طبعاً ازاین همه جریانات و تصامیم توسط شبکه های خود اطلاع داشتند و برای خنثی کردن آن به تشبثاتی دست یازیدند که نمونه و نتایج آنرا بعداً بیان خواهیم داشت ۰

روابط با ایران

بهمان اندازه که محمد داود ، در دوره های کار خود باروس ها نزدیکی داشت واز روابط مسکو باافغانستان احساس خشنودی میکرد ، بهمان پیمانه از دوری جستن با ایران و پاکستان لذت می برد و آنرا نوعی از غرور ملی و آگاهی تلقی می نمود ۰ اما در دوره های اخیر زمام داری خود متوجه گردید که فرجام کار روس ها برکجی استوار است و او در اطمینان به ایشان سخت اشتباه کرده است ۰

در اثر این شناخت و مشکلات گوناگونی که به آن مواجه بود ، مجبور شد در روابط خود با ایران و پاکستان تجدید نظر کند و مناسباتش را با دو کشور همسایه و مسلمان بهبود بخشد ۰

روی این انگیزه و نیت بتاریخ ۱۷ ثور محمد نعیم بحیث نمایندهٔ فوق العادهٔ برادر خود عازم تهران شد تابامقامات ایرانی مذاکره کند و همکاری آن کشور را در برنامه های انکشافی و اقتصادی افغانستان جلب نماید ۰

ایرانی ها از وی باگرمی و محبت استقبال کردند و مذاکراتی باشاه و صدراعظم وسایر مقامات ایرانی انجام داد که در نتیجهٔ آن بتاریخ ۱۱ جوزا یک موافقت نامه همکاری اقتصادی بین دو طرف به امضاء رسید ۰ به اساس این موافقت نامه حکومت ایران مبلغ ده

میلیون دالر را به بانک «صادرات» افغانستان کمک نمود و مصارف ساختمان کارخانه های نخی و پشمی وکارخانه سمنت قندهار و مصرف کار باقیماندهٔ مسلخ هرات را بعهده گرفت ۰ همچنان اظهار آمادگی نمود تا مصارف راه آهن را از افغانستان الی بندر عباس تمویل نمایند ۰

چهار روز بعد از امضاء موافقت نامهٔ مذکور (۱۵ جوزا) اسناد مربوط به آب هیرمند نیز بین زلمی محمود غازی سفیر افغانستان در ایران و خلعت بری وزیر خارجهٔ آن کشور تبادله گردید (۱) وبه این ترتیب باب نوی در مناسبات دو کشور گشوده شد ۰

علاوه برکمک هائی که ازان نام بردیم ، ایرانی ها متمایل بودند تا افغانستان را در بسیار موارد یاری دهند و برای بهبود اوضاع اقتصادی اش کمک کنند ۰

نزدیکی و تفاهم باایران به تعداد کارگران افغانی دران کشور افزود وباعث شد تا میلیون ها دالر سالانه به افغانستان انتقال یابد و زندگی مردم راحتی در دور ترین روستاها رونق بخشد ۰ تنها عوایدی که در سال های اخیر از مدرک پاسپورت «گذرنامهٔ» این کارگران به حزانهٔ دولت واریز می گردید ، درشت ترین رقم عایدات را در تاریخ درامد مالیاتی نشان میداد و این امر دولت را از هرجهت یاری میکرد تاکارهای خود را به پیش برد ۰

بهمین منوال صدور میوه و سایر امتعهٔ افغانی به ایران و تورید کالاهای ایرانی به افغانستان ، در عواید ملی و تجارت کشور اثرات قابل ملاحظه ای داشت و میرفت تا آرام آرام پای انحصار روس را در هم شکند ۰ ولی روس های محیل و استثمار گر تحمل یکروز بهبود روابط بین ایران و افغانستان را نداشتند واز آن رنج می بردند و باتمام امکانات در فکر توطئهٔ و برهم زدن این روابط بودند که آنهم جز با کودتاناممکن بود ۰

روابط باسایر کشورها

تلاش دولت برای بهبود وضع اقتصادی و توسعهٔ مناسبات باسایر کشور ها در سال ۱۳۵۶ش تا حدی محسوس و امیدوار کننده بود و کارها واقداماتی صورت گرفت که خلاصهٔ آنها چنین است:

در آغاز سال مذاکراتی بین کابل و بلگراد بعمل آمد و موافقه گردید تا یک کمیسیون مشترک تاسیس یابد و امکانات توسعهٔ همکاری های اقتصادی بین دو کشور را مطالعه کند ۰ در نتیجهٔ این تماس و تفاهم حکومت یوگوسلاویا برای اعمار و بکارانداختن یک کارخانهٔ دواسازی در افغانستان اظهار آمادگی کرد و مسایل دیگر نیز تحت ارزیابی

---

۱ ـ این معاهدهٔ چنانکه قبلاً تذکار رفت ، بتاریخ ۲۲ حوت ۱۳۵۱ ش توسط شفیق و هویدا صدراعظمان افغانستان و ایران به امضاء رسید ، بتاریخ ۹ جوزای ۱۳۵۲ش در شوری تصویب شد و بتاریخ ۱۲ جوزای ۱۳۵۲ش توشیح گردیده بود ۰

و مطالعه قرار گرفت ۰

در ماه ثور موافقت نامه ای بین حکومت افغانستان و اتحادی المان به امضاء رسید که به اساس آن حکومت المان فدرال مبلغ ۲۰ میلیون مارک را بحکومت افغانستان قرضه داد تا ازان برای توسعهٔ فرستنده های رادیو و دستگاههای آخذه در ولایات استفاده شود ۰ (انیس ، ۳۱ ثور ۱۳۵۶) ۰

درماه سرطان حکومت کانادا یک موافقت نامهٔ همکاری را با افغانستان امضاء نمود و تعهد کرد که مبلغ ۱/۹ میلیون دالر برای احداث بند های ذخیره در مسیر رودخانه کابل و هشت میلیون دالر جهت اعمار مطبعهٔ جدید ، همراه باکارشناسان فنی ، به افغانستان کمک بلاعوض می کند ۰

بتاریخ ۷ سنبله ۱۳۵۶ش موافقت نامه ای بین علی احمد خرم وزیر پلان و شارژدافیر سفارت امریکا در کابل به امضاء رسید که به اساس آن دولت امریکا مبلغ ۱۹ میلیون دالر را بعنوان کمک بلاعوض در اختیار افغانستان قرارداد تا از آن برای زهکشی مرحلهٔ دوم وادی هیرمند استفاده شود ۰ در همین ایام وزیر خارجهٔ هند وارد کابل شد و مذاکراتی بامقامات افغانستان انجام داد ۰ اتفاقاً دران روزها حزب «جنتای» هند در راس قدرت بود و خلاف خانم گاندی و کانگرس هند از نزدیکی با روس ها اجتناب می کرد ۰

در ۲۳ میزان رئیس جمهور مجارستان و در آخر ماه قوس طه محی الدین معاون رئیس جمهور عراق بنابدعوت رسمی و دوستانه از افغانستان دیدن کردند و دربارهٔ همکاری های دو جانبه و متقابل با محمد داود مذاکره نمودند ۰

بتاریخ ۸ قوس حکومت جاپان مبلغ ۷۵۰ هزار دالر کمک بلاعوض را به افغانستان اختصاص داد تا از آن جهت خریداری برنج و انتقال آن به کابل استفاده شود ۰

اوایل جدی موافقت نامه ای بین کابل و حکومت کوریای جنوبی به امضاء رسید واین کشور حاضر شد تا در مسایل اقتصادی، تخنیکی، پروژه های زراعی، صناعی و ساختمانی ، افغانستان را کمک کند ۰

در تاریخ ۷ جدی موافقت نامهٔ دیگری بین علی احمد خرم و شارژدافیر امریکا امضاء گردید و قرارشد تا حکومت امریکا مقدار ۵۰ هزار تن گندم را به شرایط سهل در اختیار افغانستان قرار دهد ۰

بتاریخ ۲۲ دلو قرارداری با جاپان صورت گرفت که مطابق به آن جاپانی ها آمادگی نشان دادند تا با احداث و نصب هشت دروازهٔ جدید در بند کجکی (۱) ظرفیت ذخیرهٔ آب

---

۱ ـ پروژهٔ بند برق کجکی بمصرف ۳۵ میلیون دالر تکمیل و بتاریخ ۲۶ ثور ۱۳۵۶ ش افتتاح گردید که از آنجمله مبلغ ٤/٥ میلیون دالر از کریدت امریکا و متباقی بوسیلهٔ حکومت افغانستان تمویل شده بود (انیس ، ۳۱ ثور ۱۳۵۶ ش) ۰ این پروژه یکی از مهم ترین و پربارترین پروژه هائی محسوب می شد که در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم ما اثرات قابل ملاحظه ای داشت ۰

آنرا به ۳ میلیاردمتر مکعب بالا ببرند ۰ مصارف این کار که ۱/٦ میلیون دالر امریکائی براورد شده بود ، توسط حکومت جاپان کارسازی می شد ۰

بتاریخ ۲ حوت = ۲۱ فبروری ۱۹۷۸ محمد داود بدعوت مارشال تیتو رئیس جمهور یوگوسلاویا عازم آن کشور گردید و پس از دیدار و مذاکره با تیتو رهسپارلیبی شد ۰ وی درمذاکراتش با معمر القذافی ضرورت همبستگی کشور های اسلامی را تاکید کرد و از اتحادیهٔ جامعهٔ عرب ، نهضت فلسطین و عدم انسلاک پشتیبانی نمود ۰ درپایان این سفر دو طرف قراردادی را امضاء کردند تا در ساحات اقتصادی ، کلتوری و تخنیکی باهمدگر همکاری نمایند ۰

محمد داود از لیبی به استانبول رفت و پس از امضای موافقت نامه ای باوزیر خارجه ترکیه دربارهٔ امور ترانزیت بین دو کشور ، بتاریخ ۱۲ حوت رهسپار دهلی شد و باموراجی دیسای صدراعظم هند دیدار و مذاکره نمود ۰

اواخر حوت اعلان شد که بانک انکشاف اسلامی علاوه برشش میلیون دالری که برای پروژهٔ میدان هوائی لوگر وعده داده بود ، تادیهٔ هشت میلیون دالر دیگر را نیز جهت ساختمان مرکز (=استیشن) مخابراتُ زمینی و اقمار مصنوعی ، برای افغانستان اختصاص داده است ۰ (روزنامهٔ انیس ، ۱۹ مارچ = ۳۰ حوت) ۰

این پروژه یکی از مهم ترین کاری بود که عملی شدن آن دست روس هارا از فضا و زمین در کشور ما ، بخصوص در همین زمینه کوتاه می کرد ، ولی آنهم به اثر مداخله و نفوذ روس ها در ادارات افغانستان از حرف بعمل در نیامد ۰

روابط باپاکستان

در جریان وقایع سال ۱۳۵۵ ش گفته آمد که روابط افغانستان و پاکستان بعد از سالها نزاع و کشمکش روبه بهبود نهاد و تبلیغات رادیوئی علیه همدگر تا حدودی کاهش یافت ۰

اما در سال ۱۳۵٦ ش کینه ها وکدورت های دیرین جایش را به مهرورزی و نزدیکی و برادری گذاشت و روابط دو کشور وارد مرحلهٔ جدیدی شد ۰ زیرا از یکطرف محمد داود خان برحقه بازی روس ها و اشتباهات خود پی برده بود واز سوی دیگر بارویکار آمدن جنرال محمد ضیاءالحق در پاکستان (سرطان ۱۳۵٦ ش = جولائی ۱۹۷۷م) اوضاع کاملاً رنگ دیگر گرفت ۰(۱)

---

۱ ـ جنرال محمد ضیاء الحق رئیس کل قوای عسکری پاکستان در جولائی ۱۹۷۷ علیه «بوتو» صدراعظم پاکستان کودتاکرد واز آن تاریخ تا ۱۷ اگست ۱۹۸۸=۲٦ اسد ۱۳٦۷ ش رهبری ملت پاکستان را بعهده داشت ۰

جنرال محمد ضیاءالحق این مرد مومن و خیراندیش تقریباً یکماه بعد از کسب قدرت بتاریخ ۱۸ میزان = ۱۰ اکتوبر ۱۹۷۷ به افغانستان سفر کرد و پس از دیدار و مذاکره با محمد داود به کشورش بازگشت ۰ گرچه هیچگونه اعلامیهٔ رسمی درزمینه انتشار نیافت ، مع هذا موصوف در این سفر دعوت نامهٔ حکومت پاکستان را خدمت محمد داود تقدیم کرد وازوی خواست تابه این کشور مسافرت کند ۰

محمد داود بعد از مسافرت به کشورهای مختلف در اواخر سال ۱۳۵۶ش ، بتاریخ ۱۳ حوت از طریق هند وارد پاکستان شد واز طرف مردم و حکومت آن کشور باگرمی و محبت فوق العاده پذیرائی گردید ۰ او در این سفر با فضل الهی چودری رئیس جمهور ، جنرال محمد ضیاء الحق رئیس حکومت نظامی، روسای سه گانهٔ اردو، رهبران سیاسی و مذهبی پاکستان دیدار و مذاکره نمود ۰

همچنان موصوف در اجتماع بزرگی از شهریان لاهور اشتراک ورزید و ضمن اشاره به پیوند های تاریخی و معنوی بین دو کشور اظهار امیدواری کرد تا این پیوندها و روابط هرچه بیشتر مستحکم تر گردد ۰

جنرال محمد ضیاء الحق در دعوتی که به افتخار محمد داود ، در مهمان خانه دولتی راولپندی ترتیب داده بود گفت:

((اگر در ظرف سی سال گذشته بین پاکستان وافغانستان ناملایمات و کشیدگی وجود داشت ، اینها نتیجهٔ سیاست همان وقت بود ۰ از آنجائی که در این سیاست ها تغییر وارد شده اوضاع شکل نورمال بخود گرفت ، هر دو کشور پیوسته راه مذاکره را در پیش گرفت تافضای مساعد بوجود آورند ۰))

محمد داود به جواب ایشان فرمودند

((مسافرت کوتاه و مختصر شما به کشور من و مذاکرات دوستانه و صمیمانهٔ ما پیرامون علایق دو کشـور و مخصـوصاً روی آن اختلاف سیاسی که متاءسفانه در این سی سال اخیر ابرهای شک و تردید را بین مردمان و حکومت دو کشور بوجود آورده بود نهایت مفید و مثمر بوده و امروز کمال مسرت دارم اظهار نمایم که تجدید آن مذاکرات یک فصل جدید حسن نیت بهتر و تفاهم بیشتر را میسر گردانیده است ۰))

همچنان وی قبل از حرکت بسوی افغانستان در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی شرکت کرد وطی بیانیه ای گفت:

((۰۰۰ مذاکرات بین جنرال ضیاءالحق و من دریک فضای صمیمیت ، برادری و کمال دوستی صورت گرفت و باتمام صمیمیت میتوانم بشما بگویم که ماموفق شدیم تا قدم دیگری درراه بهبـود تشئید روابط بین دو کشـور برداریم ۰ یقین داریم که نتایج این مذاکرات به منفعت افغانستان و پاکستان ثابت شده و بمفاد مردمان هر دو کشور خواهد بود ۰ مانقاط نظر یکدگر را

کاملاً درک کردیم و مشاهده نمودیم که تا چه حد آیندهٔ مشترکی باهم داریم ۰

ما کاملاً واقف هستیم که در این جهان پرآشوب دوستی و برادری ما یکی از شرایط پیشرفت و سعادت دو کشور می باشد ۰ امیدوارم همه شک و بیم و سوءظن ها برطرف گردد و در قلوب مردمان افغانستان و پاکستان کدورتی باقی نماند تامارا دیگر ازهم دورنگه دارد ۰ مردم افغانستان عقیدهٔ راسخ دارند که پیشرفت و سعادت پاکستان پیشرفت و سعادت مردم افغانستان است و عقیده دارم که عین همین احساسات نزد مردم پاکستان در برابر مردم افغانستان نیز موجود می باشد وایشان هم مردم افغانستان را دوستان و برادران نزدیک خود میدانند ۰ ببارگاه خداوند دعا می کنم روزی فرارسد که کوچکترین شک و تردید بر روابط بین پاکستان و افغانستان سایه نه افگند ۰

با استفاده از موقع از جلالتماب رئیس جمهور پاکستان و همچنان جلالتماب جنرال ضیاءالحق رسماً دعوت می نمایم تا در یک فرصت مساعد از افغانستان بازدید رسمی و دوستانه بعمل آورند ۰ امیدوارم بتوانیم روابط خودرا در ساحات اقتصادی ، تجارت و فرهنگ توسعه بخشیم و توقع دارم توسعهٔ روابط مادر این ساحات به منفعت کشور ها و مردمان ماباشد ۰۰۰))

محمد داود برخلاف عادات و شعار همیشگی اش دیگر نه در پاکستان و نه در افغانستان ، از « پشتونستان» نام نبرد و در برابر این سوال که: «آیا اختلاف سیاسی بین افغانستان و پاکستان در مذاکرات شما مطرح گردید یاخیر؟ اگر مطرح شد چه اهمیتی در مذاکرات کسب کرد؟» اظهار داشت که:

((چنانکه قبلاً گفته ام ما همه موضوعات را مورد بحث قراردادیم و امیدواریم که باگذشت زمان هر چیزی بجای درست خود قرار گیرد (۱)

در این سفر دو طرف به همکاری های اقتصادی ، تجاری و فرهنگی تاکید کردند و موافقت بعمل آمد تا امکانات ونحوهٔ عملکرد این همکاری ها بوسیلهٔ یک هیئت مشترک ارزیابی و مشخص گردد ۰

از حرف ها ، بیانه ها و مصاحبه های محمد داود بخوبی پیدا بود که واقعاً میخواست با پاکستان دست دوستی دراز کند و به آنچه درسی سال مانع این امر بود خط بطلان کشد ۰ لیکن جانیان کرملن نزدیکی و بهبود روابط بین این دو کشور همسایه و مسلمان را خلاف منافع استعماری خود می انگاشتند و برای نابودی محمد داود توطهٔ می چیدند ۰

موصوف درپایان سفرش به پاکستان از طریق تورخم وارد جلال آباد گردید و درمیان انبوهی از مردم که برای پذیرائی و شنیدن حرفهای اوگرد آمده بودند ، سخن رانی نمود و

۱ ـ دربارهٔ مسافرت محمد داود خان به پاکستان و حرف هائی که در این باره نقل شد ، رجوع شود به: روزنامهٔ انیس ، شمارهٔ ۱۸ حوت ۱۳۵٦ ش= ۹ مارچ ۱۹۷۸م ۰

مشی حکومتش را به اساس اندیشه و مفکوره ای وانمود ساخت که با «ناسیونالیزم» افغانی توافق داشته باشد ٠

به این ترتیب اوباردیگر بر افکار وارداتی والهام پذیری از خارج انگشت نهاد و بمردم هشدارداد تا تلقینات منفی را از این و آن نپذیرند ٠ وی این حرفهارا هنگامی ایراد فرمود که اجیران مسکو در سرتا سر افغانستان به شدت فعالیت داشتند و بسیاری از ذهنیت هارا مسموم کرده بودند٠

موصوف در این سفر از لغمان و کنرها نیز دیدن کرد ، اما در هر دو جا باسردی مواجه شد و تعداد ماموران امنیتی بیشتر از استقبال کنند گان بود ٠ علت سردی مردم در برابر محمد داود سوابق دیرینه داشت و یک سلسله مسایل دیگر نیز مانند قتل و گرفتاری جنرال خان محمد خان ، دگروال زرغون شاه و تعداد زیادی از علما وافراد مسلمان آن ولایت ، به درد و داغ ایشان افزوده بود ٠

رویدادهای داخلی در سال ۱۳۵٦ش

بتاریخ دهم حمل سنگ تهداب دستگاه تلویزیون در کابل گذاشته شد و اعلام گردید که تا اخیر همان سال تکمیل خواهد شد ٠ گرچه پروژهٔ مذکور در سالهای قبل طرح و دربارهٔ ساختمان آن بافرانسوی ها و جاپانی ها مذاکراتی انجام شده بود ، مع هذا قرعه بنام محمد داود خان زده شد و هرگاه در آینده از این دستگاه استفادهٔ مثبت شود ، ابتکار و افتخارش از آن وی خواهد بود ٠

محمد داود بدانگونه که میخواست سیاست های خارجی اش تعادل یابد واز اتکاء به اینطرف یا آنطرف خودداری کند ، خواستار آن بود تا در اداره و سیاست داخلی نیز بمیانه روی گراید و بقول خودش از افراط و تفریط دوری جوید ٠ روی این منظور درماههای اول سال ۱۳۵٦ش به تصفیهٔ کمونستان پرداخت و در قدم اول حسن شرق ، فیض محمد وزیری و پاچا گل را از کابینه عزل و به سفارت خانه های افغانی در خارج منصوب نمود واز سوی دیگر با اعلام اساسنامهٔ حزبش « انقلاب ملی» در رادیو و جراید که بتاریخ ۲۵ سرطان صورت گرفت رهٔ هرگونه فعالیت های سیاسی را بروی دیگران مسدود ساخت ٠

گرچه این حرکت از سال ۱۳۵۵ ش عملاً در جامعه بمشاهده می رسید و بعضی از اطرافیان محمد داود مردم را به حزب مذکور دعوت می نمودند ، اما بعد از انفاذ اساسنامه اش دعـوت و گزینش افـراد آشکـارا آغـاز گردید و سیستم یک حزبی که محمد داود سالها در اشتیاق آن بود ، بمرحله تطبیق قرار گرفت٠

وی در نظر داشت تا اکثر افرادی را که بزعم او سالم و بیطرف بودند ، در حزب خود بکشاند و بدین ترتیب قدرت و نفوذ خودرا در بین اقشار مختلف جامعه بگسترد ۰ لیکن آنـانی که در سطح رهـبری حزب قرار داشتنـد و یا از همکـاران و معتمدان نزدیک به محمد داود محسوب می شدند ، دارای رسوخ و اعتباری در جامعه نبودند و شخص محمد داود نیز فرصت جلب رضائیت مردم را از دست داده بود و تمام اقداماتش ولو معقول هم می بود به شک و تردید مواجه می شد ۰

بنابر این حزب «انقلاب ملی» از طرف اکثریت مردم باسردی وبی میلی مواجه گردید و جز تعداد محدودی از عناصر قدرت طلب وارادتمندان محمد داود کسی ازان استقبال نکرد ۰

باند های خلق و پرچم نیز که بعلت استخراج یاران شان از کابینه ناراحت بودند ، در برابر این حزب ، جبهه گیری کردند واز بیم آنکه مبادا مردم به آنسو بسیج شوند و بساط شان درهم نوردد ، به فعالیت های تخریبی و حزبی خود در گوشه و کنار افزودند ۰

متاءسفانه رفقای حزبی محمد داود که اغلب بخاطر جاه و مقام بدور او جمع شده بودند و نه روی یک مفکوره و هدف مشخص و مشترک ، اصلاً جرئت رویا روئی و مبارزه باخلق و پرچم رانداشتند و هیچگونه کاری جهت جلوگیری از نفوذ و خنثی کردن فعالیت های آنان انجام ندادند و در نتیجه اوضاع بشکلی درامد که بعضی از محمد زائی ها و افراد آگاه کم کم بار سفر می بستند و از کشور خارج می شدند ۰ اکثر مردم بشمول نزدیکان محمد داود به این عقیده بودند که او خود و کشور را در دام روس ها انداخت و دیر یا زود افغانستان را اژدهای سرخ خواهد بلیعد ۰

محمد داود درمیان امواجی از اتهامات ، نگرانی ها و بیم و امید بتاریخ ۵ عقرب مطابق ۲۷ اکتوبر شورای عالی قوای مسلح را تاسیس کرد و بدنبال آن در ۱۵ عقرب مطابق ۷ نومبر ۱۹۷۷م اعضای کمیتهٔ اجرائیه حزب خودرا از طریق رادیو اعلان نمود و به این اساس هر نوع فعالیت دیگر را خارج از حزب خود ممنوع قرارداد ۰

قتل علی احمد خرم وزیر پلان

در صفحات قبل جای جای اشاره کردیم که محمد داود خان و بعضی از اعضای کابینه اش من جمله علی احمد خرم وزیر پلان در سال های اخیر جمهوری محمد داود خان به این نتیجه رسیده بودند که روس ها در همکاری خود با افغانستان خیانت کرده اند و تمام پروژه ها و قراردادهای این کشور خاینانه و به ضرر افغانستان بوده است ۰ بنابراین سعی می کردند تا تدریجاً از ادامهٔ همکاری های روس ها در پروژه های انکشافی افغانستان و قرارداد

با این کشور تدریجاً کاهش بعمل آید و بجای آن از همکاری و تجارب سایر کشور ها استفاده شود ۰ روس ها که مسلماً از تصمیمات دولت اطلاع داشتند سه ماه قبل از قتل خرم ، وزیر جیالوجی و پوزانوف سفیر خودرا در کابل نزد وی فرستادند تا آمادگی روس را در همکاری بیشتر به افغانستان و بخصوص در پروژه های تمدید خط آهن و استخراج مس عینک ، به اطلاع برسانند و قراردادهای تازه ای به امضاء رسانند ۰ لیکن خرم به اساس فیصلهٔ قبلی دولت در مذاکرات سردی وبی میلی نشان داد و پیشنهادات هیئت روسی را قاطعانه رد کرد و ایشان باخشم و سرافگندگی مجلس را ترک گفتند ۰

حدود سه ماه بعد بتاریخ ۲۵ عقرب ۱۳۵۶= نومبر ۱۹۷۷ در حالی که خرم مشغول مذاکـره باهیئت جاپانی بود، مردناشناسی وارد اطاق او شد و باتفنگچه تهدیدش کرد که وی را در موتر خود نزد محمد داود خان برد ، وبه این ترتیب خرم را تادرب خروجی وزارت برد و در آنجـا بقتـل رسـانید ۰ فردای آن اعـلان شد که قاتل در سید نور محمد شاه میته گرفتار گردیده و تحقیقات جریان دارد ۰

بتاریخ ۲۵ قوس خبری به این مضمون در رادیو و جراید پخش گردید که : «مرجان ولد غلام سخی ساکن ولسوالی شیوهٔ ننگرهار بایکدستهٔ دیگر از مرتجعین در قتل وزیر پلان دست داشته و میخواسته اند با استفاده از موتر وی بداخل ارگ جمهوری رفته و رئیس جمهور را نیز بقتل رسانند و اینک به گناه خود اعتراف کرده اند ۰»(۱)

قاتل در اولین پرسش خودرا مسلمان و انگیزهٔ قتل خرم را «انقلاب اسلامی» نامید و دریکی از محاکم ولایت کابل که ریاست آنرا آقای عبدالسمع ژوند به عهده داشت محاکمه شد و صریحاً بجرم خویش اعتراف نمود ۰ اما رئیس محکمه جزای اعدام اورا به حبس ابد تعـدیل کرد و زنـدانـی شد و در عفـو عمـومی دورهٔ کمـونستـان از زنـدان رهـا گردید ۰

اما مرجان قاتل ، مسلمان نبود و چنانکه در جریان تحقیق به اثبات رسید وی یکی از ملحدان خدا نشناس و خلقی سر سختی بود که در ولایت قندز شغل معلمی داشت و دستگاه کی۰جی۰بی و شبکه های همکارش از همانجا او را استخدام کرده و برای انجام چنین جنایتی تربیه و آماده ساخته بودند ۰ اینکه او در جریان تحقیق خودرا مسلمان و عملش را «انقلاب اسلامی» نامید ، طرح قبلی و دستور حساب شده ای بود تا از یکطرف اذهان عامه را از اصل ماجرا منحرف سازند واز جانب دیگر حس کین توزی محمد داود را علیه نهضت اسلامی کشور تحریک نمایند ۰ چنانچه اوهم آنرا باور کرده بود و در یکی از بیانات خود نهضت اسلامی کشور را که در داخل و خارج فعالیت می کرد ، مسوول آن فاجعه وانمود

---

۱ ـ روزنامهٔ انیس ، مورخ ۲۹ قوس ۱۳۵۶ش = دسمبر ۱۹۷۷م ۰

ساخت ٠ وهرگز گمان نداشت که سراین نخ برپایه های کرملن بسته است ٠

آری! روس ها وشبکه های روسی در تاریخ از این فجایع و جنایات بسیار کرده اند ، واین بعهدهٔ ملت ها است تا در برابر مکاید ایشان بیدار باشند واز این جانیان وحشی و مکار دوری جویند ٠

سال ۱۳۵۷ خورشیدی
یا
پایان کار محمد داود خان

محمد داود در سال های اخیر جمهوری خود درک کرده بود که ادامهٔ دوستی یک جانبه و انحصاری باروس ها و مجال دادن به افراد و عناصر وابسته به مسکو در ادارات دولتی و نظامی ، نه تنها شک و تردید جهانیان را نسبت به او و رژیمش فزونی می بخشید ، بلکه خطراتی را نیز در کمین داشت ٠ لذا در صدد بود تا بااکثر زعمای جهان ، بخصوص ممالـک اسـلامی دیدار و تبـادل افکـار نماید و با بدست آوردن اعتـماد ایشـان و جلب حمایت و معاونت این کشو، ها خودرا از گودالی که تا دو گوش دران فرو رفته بود بیرون کشد ٠

به اساس این مفکوره و تصمیم بتاریخ ۱۳ حمل = دوم اپریل ۱۹۷۸ در راس هیئتی عازم عربستان سعودی شد و بخت یاری اش کرد تا در آخرین روزهای عمر باردیگر به آستان بوسی کعبه مشرف گردد و طلب غفران نماید ٠

سفر او به کشور سعودی خیلی موفقانه بود و پس از مذاکرات مفصلی که باشاه آن کشـور انجـام داد کمـک های زیادی برایش وعـده داده شد ٠ او از آنجـا به کویت رفت و مذاکراتی را پیرامون تقویت و انکشاف روابط و همکاری بین دو کشور با امیر کویت انجام داد واز انجا رهسپار قاهره شد ٠

دیدار و صحبت با محمد انور السادات رئیس جمهور آن کشور از هر جهت برای محمد داود آموزنده بود و چنانچه بعداً توسط همراهان وی افشاء گردید ، رئیس جمهور مصر در تمام مذاکراتش محمد داود را از تجارب خویش و ملت مصر مبنی بر دوستی و اعتماد با روس ها و ضررهائی که به آن کشور وارد شده بود آگاه ساخت وبوی گوشزد کردتا هرچه زود تر دست و آستین برزند و خطری را که در فرجام بوسیلهٔ روس ها متوجه او و افغانستان خواهد بود از میان بردارد ٠

مسافرت محمد داود به کشور های یاد شده واقعاً نتایج مثبت داشت ٠ او در همه جابه ضرورت اتحاد و همکاری بین کشور های مسلمان تاکید کرد و توسعهٔ روابط تجاری

و فرهنگی آنان را خواستار گردید و در پایان سفر از محمد انورالسادات دعوت کرد تا بکابل مسافرت کند ٠

در اثر این مسافرت و تحولی که در ذهن و فکر محمد داود فراهم آمده بود ، در نظر داشت تا برای نجات خود و کشور به اقدامات مقتضی دست یازد و در أمور ملکی و نظامی تغییرات مهم و بنیادی بوجود آرد ٠ اما روس های خاین و جنایت پیشه که از تمام جریانات و قصد و نیت محمد داود بخوبی آگاه بودند ، او را امان ندادند و از ترس اینکه وی نیز چون سادات عمل مشابهی را در برابر ایشان انجام ندهد ، (١) برنامهٔ کودتای خودرا در افغانستان به جلو انداختند و تقریباً ٢٠ روز بعد از سفر اوبه مصر کودتا کردند ٠

بتاریخ ٢١ حمل = دهم اپریل موافقت نامهٔ مرحلهٔ دوم پروژهٔ آبیاری «کندز_ خان آباد» بین نمایندهٔ بانک جهانی و سفیر افغانستان در واشنگتن به امضاء رسید ٠ این مهم ترین پروژه ای بود که کار آن به کارشناسان غیر روسی سپرده می شد و ارادهٔ آزاد محمد داود را تمثیل می کرد ٠

روس ها برای اینکه محمد داود را اغفال کرده باشند ، برخلاف روش های قبلی خود ، نسبت به این تصمیم ظاهراً عکس العمل نشان ندادند ٠ ولی در خفا دندان به دندان می زدند و مشغول طرح سرنگونی محمد داود بودند ٠

درهمین ماه (حمل) بانک انکشاف اسلامی و همچنان کشور های کانادا و دنمارک نیز کمکهائی در اختیار افغانستان قراردادند که از نظر مالی دولت را فوق العاده یاری میکرد ٠

تلاش برای اعمار یک دستگاه مخابرهٔ بین المللی زمینی (تیلیفون، تلکس تیلیگراف) و همچنین تبادلهٔ برنامه های تلویزیون از طریق اقمار مصنوعی ، با دیگر ممالک در حمل و آغاز ثور سال ١٣٥٧ ش به شدت ادامه داشت ، واما روس ها نگذاشتند و پیش از انکه محمد داود نقشه هایش را بمرحلهٔ اجرا در آورد ، او را ازبین بردند ٠

---

١ ـ روس ها آنگونه که محمد داود را بدام افگندند و سرانجام هستی و آزادی ملت افغانستان را قربانی منافع استثماری و هوس های استعماری خود کردند ، در مصر نیز جمال عبدالناصر را فریفتند وبا استفاده از مجبوریت ها و مشکلات اوصد ها روسی و سیلی از سلاح های کهنه و از کارافتادهٔ خود را به آن کشور گسیل داشتند و پیکر ملت مصر را در زیر بار قرضه های خود خم کردند ٠

بالاخره باگذشت زمان و حوادثی که اتفاق افتاد ، مصری ها درک کردند که روس ها برای شان خیانت می کنند و علاوه برهمکاری بادشمنان مصر وور شکست ساختن اقتصاد آن کشور قصد دارند تا آنجا را بحیث یک پایگاه سیاسی ، فکری و نظامی خود در آورند و پایه های عقیده وی وسنتی ملت مصر را درهم شکنند ٠

سادات روی این شناخت و تجربه باایمان و شهامتی که داشت تقریباً بیست هزار مشاور روسی را در سال ١٩٧٢م از مصر اخراج کرد و در سال ١٩٧٦م قرارداد دوستی روس و مصررا نیز ملغی قرارداد و پس از حملهٔ روس ها به افغانستان روابط دپلوماسی و سیاسی خودرا بامسکو قطع نمود ٠

نگاهی به عقب و آمادگی برای کودتا

بدانگونه که در جریان مباحث گذشته اشاره کردیم ، محمد داود خان در اثر هشدار و مشوره های بعضی از افراد خانواده اش و کشورهای خیر خواه افغانستان و نیز راپورهائی که از فعالیت های تخریبی کمونست ها بگوش او میرسید ، مدت ها قبل عده ای از آنان را بشمول دگروال عبدالقادر از ادارت نظامی و مقامات فرماندهی برکنار کرده بود ٠ ولی این اقدام آنطور که انتظار میرفت عملی نشد و افسران زیادی چون اسلم «وطن جار» و امثال آن در قطعـات مختلف و حساس اردو بشمول قوای زرهدار ، هوائی ، و توبچی قرغه باقی ماندند و آنانی هم که قبلاً دست شان از کارگرفته شده بود ، در اثر فشار مستقیم و غیر مستقیم روس ها و پادرمیانی و پایمردی رسولی وزیر دفاع ، سه ماه قبل از شروع کودتابار دیگر بوظایف خود برگشتند و مقامات حساس را اشغال کردند ٠ چنانچه عبدالقادر که بعلت اختلاس در مسلخ از کاربرکنار شده بود ، بار دیگر قرب و منزلت یافت وبحیث رئیس ارکان قوای هوائی مقرر گردید و او بود که کودتای ناکام و شکست خوردهٔ ۷ ثور کمونست ها را براه انداخت و محمد داود را از پادر آورد ٠

این تحــول و برگشت و راه یابی و مقـرری مجـدد کمـونستـان در اردو، سوال ها و تبصره های گوناگونی در جامعه ایجاد کرد و چنان شایع شد که در این رابطه لک ها افغانی رشوه ستانی شده و وزیر دفاع ، محمد داود را در تقرر عبدالقادر و رفقای دیگر شان ، اغفال کرده است ٠

البته واقعیت امر را خدا میداند ، اما آنچه اتفاق افتاد و کمونستان بار دیگر در اردو راه یافتند ، یک عمل عادی و تصادفی نبود و معلوم می شد که روی پلان و هدف بزرگی اتکاء دارد ٠

اصولاً نظم و اداره و دسپلینی که وزارت دفاع افغانستان بران نیاز داشت ، از میان رفتـــه بود و «رسـولی» توانـائی آنـرا نداشت که قطعـات مختلف اردو را اداره، تفتیش و پاکسازی کند و فکر چنان کاری هم در خاطر شان نمی گنجید ٠ بنابراین روس ها وایادی شان کاملاً اطمینان داشتند که قیام آنها بامقاومت رو برو نخواهد شد و پیروزی شان حتمی است ٠

در جریان آن نابسامانی ها و در محیطی آگنده از خود کامگی ها لگام گسیختگی ها واز هم پاشیدگی ها، مقـدمـات کودتای ضد محمد داود آهسته آهسته فراهم می شد و کاربجائی رسیده بود که روس ها وگماشته های شان در جستجوی فرصت و بهانه بودند تا انگیزه ای را خلق کنند و عملاً دست بکار شوند ٠ چنانچه خود اعتراف مینمایند که:

((۰۰۰ از این به بعد رفیق نور محمد تره کی ورفیق حفیظ الله امین مترصد فرصت بودند تا برای قیام انقلابی انگیزه ای میسر شود)) (۱) آری! این انگیزه را هم روس ها به سرعت زمینه سازی و فراهم کردند و بایک تیر دو شکار نمودند ۰ بدین معنی که میر اکبر خیبر یکی از رقبای سر سخت تره کی و یکتن از سران باند پرچم را شام ۲۸ حمل ۱۳۵۷ ش در عقب مطبعهٔ دولتی توسط پولیس کی۰ جی۰ بی. بقتل رسانیدند و آنرا به دولت نسبت دادند ۰ جسد وی بتاریخ ۳۰ حمل توسط کمونستان و طرفداران شان توأمْ باشعار ها و زمزمه های دسته جمعی و مرموز از مقابل ارگ جمهوری انتقال داده شد و در عقب بالای حصار کابل دفن گردید ۰ عده ای از پرچمیان و خلقیان برفراز قبر او بیانیه های تند و آتشینی ایراد کردند و هرچه دل شان خواست به دولت گفتند و اعلام داشتند که خون وی بی انتقام نخواهند ماند ۰

گرچه روس ها وایادی شان از همان لحظات اول دولت را در قتل «خیبر» متهم کردند و تبلیغات وسیعی را براه انداختند ، اما ناظران امور بخوبی میدانستند که او بوسیلهٔ ماموران کی۰ جی۰ بی کشته شده است ۰ زیرا آنطور که خود پرچمی ها و خلقی ها می گفتند ، میر اکبر خیبر در عین گرایش شدید به کمونیزم وایدیولوژی منفورلینن و مارکس ، روحیهٔ ناسیونالستی داشت و میخواست با استقرار نظام کمونیزم در افغانستان استقلال عمل نیز از آن خود ایشان باشد و این احساس چیزی بود که روس ها آنرا منافی بامنافع آیندهٔ خویش می دانستند و طبیعتاً باآن مخالف بودند ۰ لذا خواستند تا از یکطرف باقتل واز بین بردن او موانع آینده را از مسیر خود دورسازند واز جانب دیگر بهانه و دستاویزی برای برپائی قیام و کودتا داشته باشند ۰

آغاز کودتا وسرنگونی محمد داود

دسیسهٔ قتل خیبر و بیانیه ها و شعارهائی که در حین مراسم تدفین او بوسیلهٔ کمونستان صورت گرفت ، محمد داود را واداشت تا دست به اقدامات عاجل زند و سران پرچم و خلق را ازبین ببرد ۰ روی این هدف روز چهار شنبه ٦ ثور ۱۳۵۷ ش عده ای از آنان بشمول تره کی ، ببرک واناهیتا گرفتار و زندانی گردیدند و شام همان روز رادیو کابل از کشف یک توطهٔ ضد دولتی خبرداد و گفته شد که در این رابطه تعدادی از گروهک های ضد اسلامی باز داشت و تحت باز پرس قانونی قرار گرفته اند ۰

محمد داود فکر می کرد که با از بین بردن تره کی و ببرک و تنی چند از یاران دیگر شان ، گلیم کمونستان را درهم می پیچد و خود و مملکت را از شرّ شان نجات میدهد ۰ ولی هرگز متوجه نشده بود که این جرثومه های فساد ، در اردو ریشه دوانیده اند و باید قبل از

۱ ـ رک : رسالهٔ : «تاریخ مختصر حزب دیموکراتیک خلق افغانستان» نشر کردهٔ حزب خلق ۰ کابل ، صفحهٔ ٦٩ـ۷۰ ۰

هر اقدام و حرکتی آنان را پاک سازی می کرد ٠ بنابراین در اولین دقایق گرفتای سران پرچم و خلق ، روس ها نیز وارد عمل شدند و تمام افسرانی را که برای دگرگونی نظام در اردوی افغانستان تربیت و جذب کرده بودند ، به انقلاب فراخواندند ٠

افسران کمونست من جمله اسلم وطن جار ، قادر ، و امثالهم بادریافت این دستور فوراً با «رسولی» وزیر دفاع تماس گرفتند و به بهانهٔ اینکه فردا تظاهرات ضد دولتی صورت می گیرد و باید قطعات زرهدار جهت حفظ نظم و امنیت و سرکوبی تظاهرات پرچم و خلق آمادگی قبلی داشته باشند ، افراد تحت ادارهٔ خودرا امر آماده باش دادند ٠ وزیر دفاع حرفهای آنان را باور کرد و به این گمان که همهٔ ایشان ازیاران ورفقای کودتای اویند و با محمد داود قول وفاداری داده اند، تمام مسوولیت ها، خطرات احتمالی و عواقب کار را فراموش نمود و در نتیجه افراد و افسران کمونست آزاد و بی تشویش خودرا جمع و جور کردند و برای حرکت و قیام علیه محمد داود آماده شدند ٠

ساعت ۹ صبح پنجشنبه هفتم ثور دستور کودتا صادر شد و اسلم وطن جار (کسی که محمد داود ۳ ماه قبل یکصد هزار افغانی اورا بخشیده بود) با چندین دستگاه تانک از قوای چهار زرهدار بسوی شهر حرکت نمود ٠ نیم ساعت بعد آن مخابرهٔ تیلفونی وزارت دفاع باقوای زرهدار قطع گردید و ساعت یازده ونیم قبل از ظهر تانک های کودتاچیان قصر ریاست جمهوری را در محاصرهٔ خود در آوردند ٠

محمد داود و کابینه اش بی تشویش وفارغ البال در قصر ریاست جمهوری سرگرم جلسه بودند و دربارهٔ مجازات رهبران خلق و پرچم تصمیم می گرفتند که ناگاه تانک ها به گلوله باری شروع کردند و قصر ریاست جمهوری را به لرزه در آوردند ٠ تکان ارگ و صدای گلوله های تانک اعضای کابینه را هم به شدت تکان داد و اغلب بلادرنگ ازراه دروازهٔ دیگر قصر خارج شده و به ادارات خود رفتند ٠

عبدالقدیر نورستانی وزیر داخله از دفتر کار محمد داود تیلفونی به «نورگل» سرمامور پولیس هدایت داد تا تره کی ، ببرک وسایر کمونستانی را که در ولایت کابل زندانی بودند ، فوراً بقتل رساند ٠ اما او درانجام این کار تعلل ورزید و قضیه را با عبدالحکیم خان والی کابل درمیان گذاشت ، والی کابل بعذراینکه سند دردست نیست و بدستور شفاهی نمیتواند عمل کند ، کشتن آنان را به تعویق افگند و این امر باعث گردید تا ایشان نجات یابند و ملت افغانستان را در خاک و خون کشند ٠

وزیر داخله برای مقابله باکمونستان وازبین بُردن سران ایشان قصر ریاست جمهوری ، را ترک گفت ولی در جنگ خونینی که مقابل بانک ملی بین قوای پولیس و کودتاچیان اتفاق افتاد ، شدیداً زخمی گردید و در شفاخانه «چهار صد بستر» جان سپرد ٠

رسولی وزیر دفاع که از غفلت و بی پروائی خود سراسیمه شده بود ، همراه با جنرال عبدالعزیز رئیس ارکان حرب (= لوی درستیز) وزارت دفاع به قرغه رفت و به افسران این فرقه دستور داد تا قوای خود را جهت سرکوبی کودتاچیان بطرف شهر کابل حرکت دهند ۰ اما پس از برگشت او این امر بوسیلهٔ یک افسر خلقی خنثی گردید و بجای اینکه قطعهٔ مذکور بحمایت از محمد داود بسیج شود ، علیه او به فعالیت پرداخت ۰

همچنان وزیر دفاع بدلیل آنکه اطمینانی به قوای هوائی کابل و بگرام نداشت ازنیروی هوائی سبزوار (شیندند) خواست تا به کمک محمد داود خان وارد عمل شود ۰ ولی این طیارات بعلت بعد مسافه نمیتوانستند بیش از ده دقیقه در فضای کابل باقی بمانند و دوست را از دشمن تفکیک کنند ۰ لذا کاری بطرفداری محمد داود عملاً انجام نیافت و بالاخره رسولی و رئیس ارکان حرب او نیز در جریان این تپ و تلاش بدست کمونستان افتادند و کشته شدند ۰

اما گارد جمهوری در کمال شجاعت و مردانگی بمقابله برخاست و نایرهٔ جنگ در اطراف قصر ریاست جمهوری به شدت شعله ورگردید ۰ بیش از دو صد تانک دراین معرکه اشتراک داشت که تعدادی از آنها در اثر اصابت مرمی توپ و ماشیندار افرادگارد به آتش کشیده شد ۰

محمد داود فرماندهی عملیات افراد گارد را که تقریباً دو هزار نفر بود شخصاً بعهده گرفت و پس از چهار ساعت جنگ و پیکار باکودتاچیان ، ایشان را مجبور ساخت تا عقب نشینی کنند ۰ لیکن قبل از فرار تانک ها ، عبدالقادر رئیس ارکان قوای هوائی از پایگاه خواجه رواش سوار هلیکوپتر گردید و خودرا بمیدان هوائی بگرام رسانید و به پیلوت های خلقی و پرچمی که منتظر چنین روزی بودند دستور داد تا فوراً کاخ ریاست جمهوری را تحت بمبارد مان قرار دهند ۰

هوا پیماهای "SU-7" که بعضاً بوسلیهٔ پیلوت های روسی هدایت می شدند باتوپ های ۲۰ ملی متری وراکت های هوا بزمین کاخ ریاست جمهوری را زیر آتش گرفتند و این امر موجب گردید تا قوای زمینی از باز گشت و فرار ، خود داری کند و بسوی هدف پیشروی نماید ۰ دستگاههای خود کار (اتوماتیک) دفاع زمین به هوا ، در اولین ساعات حملهٔ هوا پیماها از کار افتادند و قوای گارد بیش از پیش به مشکل مواجه گردید ۰ مع هذا جنگ و خونریزی در حومهٔ کاخ جمهوری ، وزارت دفاع و اطراف رادیو کابل به شدت ادامه یافت و هوا خواهان محمد داود سرسختانه مقاومت میکردند ۰

صحنهٔ دلخراش و عجیبی بود ، هیچکس نمیدانست عامل این زدو خورد کیست؟ شخص محمد داود خان هم آنطور که شاهدان عینی حکایت می کردند، در لحظات اول از

افراد و ماهیت کودتاچیان اطلاعی نداشت ، ولی بعداً از قادر و اسلم و بطور کلی از اقدام کمونستان و چگونگی کودتا آگاه گردید ، وانگاه مرمی های توپ را خود بدست خویش به سپاهیان می داد و می گفت:

((فرزندانم بزیند که جنگ روس و افغانستان است)) ٠ اما دیگر دیر شده بود و فرصت از دست رفته برنمی گشت ٠

در حوالی ظهر قوای توپچی وراکت انداز «قرغه» بطرفداری از کودتاچیان برخاست و در مقابل عبدالعلی وردک رئیس ارکان حرب قوایمرکز به فرقه هفتم «ریشخور» رفت و عساکر این فرقه و مهتاب قلعه را بدفاع از محمد داود و مقابله با کودتاچیان بسوی کابل سوق داد ٠ لیکن این قوا نیز در حصهٔ «گذرگاه» مورد حملات هوائی و زمینی قرار گرفت و از پیشروی بداخل شهر باز ماند ٠ گرچه دو طیاره را سقوط دادند اما بعلت شدت بمباردمان ، اندیشهٔ تلفات مردم شهر واز بین رفتن خانه ها و منازل و نیز حملات شدید و متواتر قوای توپچی و راکت انداز «قرغه» مجبور به عقب نشینی شدند و در نتیجه کمکی به محمد داود خان نرسید و شخص عبدالعلی وردک و چند افسر عالی رتبهٔ دیگر هم در این کار زار به شهادت رسیدند ٠

فرقه عسکری جلال آباد نیز تحت قیادت و فرماندهی جنرال محمد یونس خان قوماندان آن فرقه بطرفداری از محمد داود قیام کرد و پس از کشتن افسران کمونست در خود فرقه ، بسوی کابل حرکت نمود ٠ لیکن گماشتگان روس وزره پوش های شان در حصهٔ «سروبی» جلو آنان را گرفتند و در برخوردی که بین دو طرف واقع شد جنرال محمد یونس خان به شهادت رسید و دیگران عقب نشینی کردند ٠

شام همان روز رادیو افغانستان به تصرف کمونستان درامد و برنامه های عادی آن قطع گردید ٠ همزمان باآن وزارت داخله و ولایت کابل نیز بدست ایشان افتاد و تره کی ورفقایش بوسلیهٔ یاران کودتاچی شان از زندان رها گردیدند و بمیدان هوائی خواجه رواش برده شدند تا در صورت شکست و ناکامی به مسکو انتقال یابند ٠ حفیظ الله امین هم که صبح آنروز توسط قوای امنیتی دستگیر وزندانی شده بود ، آزاد گردید و به جمع دیگران پیوست ٠

باوجود این پیروزی و پخش اعلامیه ها و شعارها از رادیو ، بازهم کمونستان آزاد شده از زندان و پیروان شان اطمینانی به موفقیت خویش نداشتند و اکثراً خواهان آن بودند تا بروسیه انتقال یابند ٠ اما تره کی و ببرک و حفیظ الله امین که قبلاً توسط روس ها در جریان قرارداده شده بودنـد ، سایرین را دلـداری و اطمینـان میدادنـد و پیروزی کودتـا را حتمی می انگاشتند ٠

تقریباً ساعت ۷ شام حفیظ الله امین خودرا به رادیو افغانستان رسانید و رهبران نظامی انقلاب را از طریق رادیو بمردم معرفی نمود ۰ سپس عبدالقادر بحرف زدن آغاز کرد و گفت:

((۰۰۰ برای اولین مرتبه در تاریخ افغانستان بقای رژیم خونخوار و فاسد سلسلهٔ سلطنتی نادرخانی از بین رفت ۰ تمام قدرت حکومت در دست مردم افغانستان می باشد ، حاکمیت دردست نیروهای مسلح شورای انقلاب است ۰)) بعد از وی اسلم وطن جار ، رشتهٔ سخن را بدست گرفت و عین جملات را به پشتو قرائت نمود ۰ باتمام این احوال محمد داود خان و صاحب جان قوماندان گارد ، درکاخ ریاست جمهوری مقاومت می کردند و کمونستان به موفقیت کامل و نهائی شان اطمینان نداشتند ۰

اما حدود ساعت یک شب طیارات روسی از تاشکند بپرواز آمدند و بعد از سوخت گیری در میدان هوائی بگرام همراه باهلیکوپتر هائی که در نورماه هم میتواند عمل کند ، ارگ جمهوری را مورد حمله قراردادند ۰ بمباران بی امان هوا پیماها و شلیک توپ های کالیبر ۱۹۰ ملی متری تاساعت ٤ بامداد پیهم و به شدت ادامه یافت که در نتیجهٔ آن تقریباً یکهزار نفر از افراد گارد به شهادت رسید و بقیه مجبور به تسلیم شدند ۰

آن شب ، شب هولناک و هراس انگیزی بود ۰ شهریان کابل اغلب در بیداری بسر می بردند و بخاطر کشتار هموطنان ماو فردای مجهولی که ازان بیمناک بودند می گریستند ۰

طیارات روسی پس از بمباردمان ارگ جمهوری ودرهم کوفتن مقاوت گارد ، در میدان هوائی بگرام فرود می آمدند و صبح شنبه نهم ثور ساعت ۹ بوقت کابل جمعاً بگرام را ترک کردند وراهی تاشکند شدند ۰ جریان آمد و شد طیارات روسی و چگونگی بمباردمان آنها برفراز قصر ریاست جمهوری کاملاً آشکار بود و تمام مردم سمت شمال و باشندگان کابل عملیات آنهارا بچشم سرمشاهده می کردند ۰

پسر بزرگ محمد داود که جوان بی آزار و شایسته ای بود ، ساعت ۱۲ همان روز (۷ ثور) به اثر اصابت مرمی درگذشت وخود او بعد از آنهمه پیکار و مقاومت همراه بابرادر ، خانم و خانواده اش ساعت ۷ صبح روز جمعه (۸ ثور) توسط جلادان اجیر و کمونست بقتل رسیدند و نظام چندین سالهٔ افغانستان کلاً زیرو روگردید ۰ جای تاءسف است که نمک پرورده های محمد داود وارگ شاهی چون عبدالحق علومی و محمد عمر برادرزادهٔ جنرال محمد عارف در این کودتاسهم موثر داشتند ۰

روز جمعه ۸ ثور قوای «ریشخور» و مهتاب قلعه باردیگر از سمت دارالامان ، سنگ نوشته و بینی حصار بطرف شهر حرکت نمودند تا محمد داود را یاری دهند ۰ ولی این

قواهنوز در نیمه راه بود که خبر قتل محمد داود خان از رادیو و تلویزیون پخش گردید و قوای مذکور مایوس و متاء ثر به پایگاه خود بازگشت ۰

قوماندانان قطعات مختلف اردو مانند قندهار ، حسین کوت ، هرات ، غزنه ، پکتیا وغیره که خیلی هم مجهز و طرف اعتماد محمد داود بودند کوچکترین حرکتی انجام ندادند و یکی بعد دیگر تسلیم شدند و به این ترتیب در ساعات اول صبح روز جمعه ۸ ثور ۱۳۵۷ ش عملاً قدرت بدست کمونستان افتاد و پرچم کفر و الحادو بی دینی و استعمار و اسارت برفراز ادارت افغانستان به اهتزاز درامد و طومارسنت ها وارزش ها وآزادی و انسانیت درهم نوردید که در مباحث آینده نتایج واثرات آنرا مفصلاً بیان خواهیم داشت ۰

خلاصه در این نبرد و پیکار تعداد زیادی از افسران وافراد مسلمان در قطعات مختلف اردو ، بخصوص گارد جمهوری ، فرقه هفتم ، فرقهٔ ننگرهار ، مهتاب قلعه ، میدان نظامی خواجه رواش وغیره هنگام اداء رسالت خویش و مقابله باپیشگامان استعمار سرخ جان های عزیز شان را از دست دادند که اسامی آنان در اختیار من نیست ۰ خداوند همه را مغفرت کناد وخاطرات جانبازی شان رازنده نگهداراد !

اشتباهات محمد داود و مساعد شدن زمینهٔ کودتا

محمد داود خان در اثر لجاجت، خود خواهی ، اتکاء به روس، موقع دادن به افراد بی مایه و بکار بردن شیوهٔ دکتاتوری وجاسوس پروری ـ خود و ملت افغانستان را به پرتگاه نابودی کشاند و بدبختی میلیون ها انسان را فراهم نمود ۰ او پس از رسیدن به قدرت که مسلماً بدستیاری روس ها و گماشتگان آنان کسب کرده بود و در برابر ایشان احساس امتنان میکرد ، ناگزیر وبی اختیار ، شورای عالی انقلاب ، کابینه وادارات فرماندهی اردو را بدست کمونستان شامل در کود تا و کسانی که توسط آنان معرفی می شدند ، سپرد وفکر میکرد روس ها فقط آنهمه اقدامات راجهت بقدرت رسیدن او انجام داده اند ، و وی میتواند ایشان را بمیل خود تاهر زمانی که اراده داشته باشد ، در خدمت خویش نگه دارد ۰ این انگیزه موصوف را واداشت تا خلقی ها و پرچمی هارادر امور سیاسی ، اداری و نظامی تبارز دهد و در تمام بیانیه های خویش ذکر دوستی روس را ورد زبان سازد ۰

کمونستان هم بااستفاده از این روحیه و فرصت می کوشیدند ذهنیت اورا در برابر دیگران و بخصوص افراد چیز فهم ، مسلمان و وطن دوست مسموم سازند و رقبای سیاسی و ایدیولوژی خودرا بوسیلهٔ او تصفیه و پاکسازی کنند ۰

متاءسفانه در سال های اول جمهوری توفیق از آن ایشان بود و محمد داود در تحت تاثیر تلقینات منفی کمونستان وگزارش های جعلی دستگاههای جاسوسی اش که آنهم بوسیلهٔ باندهای پرچم و خلق طرح و تنظیم می شد ، ده ها انسان منور و مسلمان و کار آگاه

افغانستان را به اتهام «ضد انقلاب» ، غربی بودن ، و یاتحت نام وشعار «مرتجع» بقتل رسانید که مرحوم میوندوال ، جنرال خان محمد خان و انجنیر حبیب الرحمن جزء این کشته شدگان بودند ۰

این اقدامات و موضع گیری های منفی علیه مسلمانان وافراد مومن و وطندوست ، از حرمت او در اجتماع و بین مردم می کاست و هر روزی که سپری می شد برحدس و گمان ها می افزود۰

بهمین منوال ، کشتن و بستن افراد بی گناه ، برکنار ساختن افراد مجرب ، مسلمان و وطن دوست از اردو ، شدت عمل در برابر منورین و اشخاص غیر وابسته به روس ، پیاده کردن نظام مالیاتی بسیار ظالمانه و ضد مردمی ، کار شکنی در ادارات و خود سری و بی بند و باری در انجام امور ، همه از جمله کارهائی بود که کمونستان به نحوی از انحاء دران دست داشتند و این امر برنفرت مردم علیه محمد داود می افزود و ازان فاصله می گرفتند۰

بلاتکلیفی مردم ، گنگ بودن اوضاع و نحوهٔ ترکیب نظام وهمکاران محمد داود همه را به حیرت و افسردگی کشانیده بود۰ بحدی که هر پدیده و تحولی را در برابر نابودی او وسقوط نظام ترجیح می دادند ، به امید آنکه ازان حالت وا رهند و نفسی براحت کشند ۰

ره یابی به ارگ جمهوری که حکم حصار آهنین را داشت ، اصلاً ممکن نبود و کمونستان او را در وضعی قرارداده بودند که هیچکس نمیتوانست بحضور او باریابد و عرض خود و احوال مملکت را بازگوید ۰ بدین ترتیب هر روزی که می گذشت خشم وعصیان مردم ازدیاد می یافت و کمونستان در راه حصول بمقصد یک گام نزدیک تر می شدند ۰

همزمان با این تخریبات در جامعه وادارات فعالیت های گسترده ای را در اردو نیز آغاز کردند و بوسیلهٔ کمونستانی که بعد از کودتا در راس ادارت فرماندهی سپاه و مراکز حساس مقرر شده بودند ، توانستند آشکارا و سریع نظامیان جوان راجلب کنند و در همه جا ریشه دوانند ۰ آزادی عمل و فعالیت پرچم و خلق در اردو بگونه ای بی پرده و علنی بود که شخص عادی ولی کنجکاو ، وناظر بر اوضاع آنرا بخوبی درک می کرد و شواهدش را به چشم تماشامی نمود ۰

نشرات روسیه بزبان های دری و پشتو ، به پیمانهٔ زیاد وارد و توزیع می شد ، و وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان که درراس آن بی کفایت ترین شخص (دکتر عبدالرحیم نوین) قرار داشت ، هرگز از توزیع کتب روسی جلوگیری نمی کرد ۰

نود در صد حکام و مامورین حکومت محلی و علاقه داری ها توسط فیض محمد وزیری ، وزیر داخله از اعضای پرچم انتخاب می شد و این افراد وظیفه داشتند در پهلوی سازماندهی وجلب و جذب افراد جدید ، عناصر مسلمان و خداپرست و ضد کمونیزم را نیز

تشخیص و شناسائی نمایند ۰

بیداد گری ها، ویرانـگـری ها و جور و اذیت مردم بوسـیلهٔ پرچـمـیان، شهـر ها و روسـتـاهـارا به ماتم کده ای تبدیل کرده بود و مردم دربارهٔ محمد داود خان همان می اندیشیدند که بعداً دربارهٔ تره کی ، حفیظ الله و ببرک می اندیشیدند ۰

ضعف انتخاب و خوشباوری محمد داود

علت دیگری که محمد داود را از مردم برید و خواسته یاناخواسته بدامن روس و کمونستان انداخت ، این بود که وی در تمام دوره های زعامت خود ، علی الرغم سخت کوشی هایش از حسن انتخاب برخوردار نبود و افراد واجد فضیلت و شخصیت کمتر در اطراف او دیده می شدند ۰ زیرا او طبیعتاً از اجتماع دوری می جست و مردم را چنانکه بودند نمی شناخت ۰ اغلب افراد توسط دیگران به او معرفی می گردیدند و همینکه باکسی اطمینان و اعتماد می کرد ، دیگر همه زشتی ها ومعایبش را فراموش می نمود و حرف هیچ فردی را درباره اش نمی شنید ۰ این ضعف و خوشباوری باعث شده بود تا بعضی از همکاران محمد داود ، هر بیدادی که از دست و زبان شان ساخته آید برملت مظلوم و محروم افغانستان روا دارند وفریاد از نهادشان برآرند ، و مردم هم تمام بی عدالتی ها ، جنایات وفساد اداری و اجتماعی را از هر دستی که انجام می شد ، از آن محمد داود میدانستند واز او آزرده خاطر می شدند ۰

متاءسفانه این ضعف محمد داود پس از مدت ها تجربه و گذشت زمان بازهم در دورهٔ اخیر زمام داری اش نه تنها بهتر نشد ، بلکه بدتر از پیش بود و بهیمن سبب نتوانست ویا نخـواست در کابیـنـه وچـوکـات اداری و سیاسی خود از افـراد سالم ، آزمـوده و مجرب و چیز فهم استفاده کند ۰ لذا در انتخاب خویش به عناصری متوسل گردید که نتایجش را دیدیم و آن عبارت بودند از:

اول ـ کمونستان: تعداد زیاد اعضای کابینه و کادرهای رهبری واداری محمد داود از کمونستان انتخاب شده بود که قسماً افسران نظامی و عده ای هم افراد ملکی بودند ۰ از جمله نظامیانی که بیش از دیگران نقش داشتند میتوان این اشخاص را نام برد:

دگروال عبدالقادر ، جگرن اسلم وطن جار ، پاچاگل وفادار ، فیض محمد ، عبدالحمید محتاط و سرور نورستانی که هر یک از آنان در مراحل اولی وظایف زیر را بعهده داشتند:

عبدالقادر مدت ها رئیس مسلخ وزارت دفاع ملی بود و میلیون ها افغانی را از آنجا اختلاس و صرف امور حزبی و نیازمندی های باند پرچم می کرد ۰ بهمین دلیل او را مدتی از کار برکنار کردند ولی دوسه ماه قبل از کودتا بحیث رئیس ارکان قوای هوائی مقرر گردید واز همین جابود که نیروی هوائی را علیه محمد داود بکار انداخت و باعث سرنگونی او شد ۰

اسلم وطن جار (وطن غار) قطعهٔ مستقلی را در قوای زر هدار بعهده داشت • در همانجا افسران جوان و بی تجربه و ناآگاه را به بیراهه می کشید و آنان را به آئین خویش سازماندهی می نمود •

فیض محمد در راس امور وزارت داخله قرار داشت و هر روز صدها انسان بیگناه را راهی زندان می کرد و سرنوشت اداری و اجتماعی روستاها و شهر هارا در اختیار پرچمیان گذاشته بود •

پاچا گل وزارت سرحدات و محتاط وزارت مخابرات را عهده دار بودند و هر یک بنوبه خویش بااستفاده از قدرت و صلاحیتی که داشتند مردم را بسوی خویش جلب می کردند • سرور نورستانی هم قوماندان پر اقتدار قوای چهارم زرهدار بود که خود بارگاهی داشت و کارنامه هائی •

افراد ملکی و کمونست کابینهٔ محمد داود عبارت بودند از : حسن شرق معاون صدارت ، نعمت الله پژواک وزیر معارف ، باختری وزیر زراعت ، خان محمد جلالر وزیر تجارت • البته افرادی هم که بعداً در تغییر و تبدیل اعضای کابینه بجای بعضی از اشخاص یادشده مقرر گردیدند ، از شخصیت و ماهیت مثبتی برخوردار نبودند • مانند عبدالقیوم وردک وزیر معارف محبی وزیر تعلیمات عالی و عبدالقدیر وزیر داخله •

دوم ـ <u>مسلمانان بی تجربه:</u> دستهٔ دیگر کابینهٔ محمد داود و همکارانی که او جهت ادارهٔ کشور انتخاب کرده بود ، گرچه مسلمان بودند و ضد کمونیزم ، اما از تقوی و تجربهٔ کافی برخوردار نبودند و نمیتوانستند کاری از پیش برند و از نفوذ و رسوخ کمونستان و عناصر تخریب کار و فاسد جلوگیری کنند • نمونهٔ بارز این گروپ رسولی بود که مدت ها وزارت دفاع را به عهده داشت و کمونستان از ضعف اداره و شناخت او سود فراوان بردند که در جایش به آن اشاره خواهیم کرد •

دکتر عبدالمجید و غوث الدین فایق علاوه برعدم شناخت از مردم و مسایل ، جرأت جلوگیری از کردار کمونستان و اظهار حقایق را در حضور محمد داود خان نداشتند • اگر گاهی هم دل بدریا می زدند و محمد داود را در جریان خرابی اوضاع و اقدامات و فعالیت های کمونستان قرار میدادند ، او در پاسخ ایشان به بالا کشیدن ابروهایش اکتفا می کرد و حرفی برلب نمی راند ، و همین حرکت کافی بود که حریفان دیگر زبان از گفتار باز دارند •

وحید عبدالله که محمد داود اورا عهده دار وزارت امور خارجه ساخت و خود را سخنگوی سیاست داخلی و خارجی افغانستان میدانست ، یکی از مامورین بسیار عادی و پائین رتبهٔ وزارت خارجه بود که در نازلترین سطح تعلیم و تجربه قرارداشت و درایتی که لازمهٔ این عهده است در وجود او دیده نمی شد ، و بهمین ترتیب بعضی افراد و عناصر دیگر •

فصل پانزدهم

نگاهی به چنبش های فکری و سیاسی (راست و چپ) در افغانستان

گفتار اول ۰ از امیر دوست محمد خان تاختم صدارت محمد داود خان

رقابت های استعماری در قدرت سلطه جو و استعمارگر (روسیهٔ تزاری و انگلستان) و تضادها و کشمکش های قبیلوی و ذات البینی حکام و فرمانروایان افغانستان در قرن نوزدهم ، کشور مارا سخت به عسرت کشیده بود و مردم مجال آنرا نداشتند تا نفسی براحت کشند و بفکر اصلاحات سیاسی و اجتماعی شوند ۰ گرچه سید جمال الدین افغانی بعد از اندوختن علوم روز و فلسفهٔ جدید ، در سال ۱۸۵۷م بدربار امیر دوست محمد خان پیوست و تامرگ امیر باوی بماند ، اما شرایط ملوک الطوایفی و خانه جنگی های مداوم امان نداد تا از این مرد متفکر و انقلابی استفاده شود و یا استعداد و قابلیت آن در دربار مورد توجه قرار گیرد ۰

پس از آنکه امیر شیر علی خان قدرت را از رقبایش ربود و امکان اصلاحات اجتماعی وبهره برداری از افکار و نظریات سید در جامعه فراهم گردید، عناصر مغرض و مفسد دست بکار شدند و بنام اینکه شاید سید جمال الدین سردار محمد اعظم خان برادر بزرگ امیر را یاری و حمایت کند ، نظر امیر را نسبت بوی دگرگون ساختند۰

سردار محمد اعظم خان مدتی در عهد پدرش (امیر دوست محمد خان) شاگرد سید جمال الدین بود و مردم گمان می کرد که بعد از مرگ امیر به جانشینی او منصوب خواهد شد۰ لیکن حرص و آز قدرت این دو برادر را در برابر هم قرارداد و سرانجام در سال ۱۸۶۸م از امیر شیر علی خان شکست خورد و به ایران پناه برد ۰

پس از آنکه تحریک و تلقین مغرضین علیه سید جمال الدین افغانی در دربار امیر شیر علی خان کارگر افتاد و او تمایل امیر را نسبت به خروج خود از افغانستان درک نمود رهٔ هجرت در پیش گرفت و از کشور خارج شد ۰ اما امیر شیر علی خان ، خود بیک سلسله ابتکارات و اصلاحات اداری ، اجتماعی و فرهنگی دست یازید که تشکیل قوهٔ اجرائیه

(هیئت وزراء) تاسیس شورای دولت و انعقاد مجلس کبیر مشورتی ازان جمله بود ۰ همچنان در عهد او مطبعه ای از نوع «لیتوگرافی» بکار افتاد و قسمتی از احتیاجات فرهنگی افغانستان که تاآنروز بصورت دست نویسی انجام میشد ، مرفوع گردید ۰

از همه مهمتر تاسیس دو مکتب (نظامی و ملکی) بطرز جدید و انتشار جریدهٔ «شمس النهار» بود که هر ماه دوبار و در ۱۶ صفحهٔ بچاپ میرسید و تاآنروز در کشور سابقه ای نداشت ۰ این اقدامات و کارهای مشابهٔ دیگری که در امور اقتصادی ، نظامی ، عمرانی وغیره توسط او بعمل آمد ، حرکتی بود بسیار سازنده و مثبت که هرگاه بهمان منوال ادامه می یافت اثرات انکار ناپذیری در حکومات بعدی بجا می گذاشت ۰ ولی در اثر دسایس شیطانی و حرکات تخریبی روس ها ، جنگ دوم افغانستان و بریتانیا آغاز گردید و همه چیز رو به ویرانی نهاد ۰

در جریان این جنگ امیر شیر علی خان در گذشت و کوس فرمانروائی بنام امیر عبدالرحمن نواخته آمد ۰ با رویکار آمدن امیر عبدالرحمن برصحنهٔ قدرت ، هر آنچه آغاز یافته بود به رکود مواجه شد و فضای اختناق و استبداد که تقریباً ۲۱ سال بدرازا کشید ، کودک نوپای فکری و اصلاحی را از نمو و تکامل بازماند ۰ گرچه اقدامات و مظالم امیر عکس العمل هائی باخود داشت و مردم من جمله بعضی از علما و مشایخ در برابر آن امستادگی کردند و قربانی هادادند ، اما ادارات جاسوسی و شکنجه گاههای افسانوی او هر گونه امکان تفکر و آزادی خواهی را در جامعهٔ سلب کرده بود و اندک حرکتی با بیرحمی و قساوت سرکوب می شد ۰

قیام هزاره جات ، قندهار ، میمنه ، بلخ ، قوم اندر ، نجراب ، پنجشیر ، پکتیا و اقوام جمشیدی هرات و سایر نقاط کشور در حقیقت واکنش هائی بود که خصلت آزادگی و طبع بلند وستیزه جوی مردم مارا علیه بیداد و ستمگری بخوبی تمثیل کرد ، ولی این شورش ها و قیام ها باتاراج و یغماگری و اعدام و اسارت هزاران هموطن مظلوم و محروم ماخاموش گردید و مجالی برای تنفس باقی نماند ۰

سیاست کلی و روش دایمی امیر عبدالرحمن خان همین بود و کم مهری و سردی ایام همین ۰

<u>عهد امیر حبیب الله خان و آغاز مشروطه خواهی</u>

باانتقال تاج و تخت به امیر حبیب الله خان (۱۹۰۱م= ۱۲۸۰ ش) وضع و حشتناک و اختناق آوری که در جامعه وجود داشت ، نسبتاً بهبودیافت و مردم تاحدی فرصت یافتند به آرامی نفس بکشند ۰

امیر حبیب الله خان در بدو کار رهٔ و رسم مردمی و نرمش در پیش گرفت ، زندانیان چندین ساله را آزاد ساخت ، سیه چاههای دوران امیر ماضی را در کابل و هرات و سایر نقاط

منهدم نمود کارهای بسیار مفید وارزشمندی در قسمت فرهنگ و معارف و عسکری و عمرانات و تجارت و خدمات عامه وغیره انجام داد که شرح و تفصیل آن از چوکات کارما خارج است ٠

تغییر و دگرگونی اوضاع و احوال در جامعه ، فکر اصلاحات و نوآوری را بعد از مدت ها باردیگر در کشور تبارز داد و عقده هائی که سالها در سینهٔ مردم گره خورده بود از هم بازگردید ٠ زیرا امیر عبدالرحمن خان توانسته بود باقمچین و شلاق دهان مردم راتبه بندد لیکن قلب و احساس و اندیشهٔ آنان در تحت سلطهٔ کس قرارنداشت و از آنچه در اجتماع و ماحول شان اتفاق می افتاد متاءثر و متحسس می شدند ٠

جریانات اصلاحی و مشروطه خواهی در ترکیه و ایران و مطالعات اخبار و کتب و جراید خارجی و تحولات چشمگیر جهانی ، احساس جوانان و عناصر آزادی خواه و چیزفهم افغانستان را بیشتر تحریک می کرد و آهسته آهسته یک جنبش فکری و اصلاحی و سیاسی در جامعه بار ور می شد ٠ به این ترتیب نخستین طرح مشروطه خواهی در مدرسه شاهی (مسجد جامع چوب فروشی کابل) و در اطاقی که بمولوی عبدالروف خان قندهاری مدرس آن مدرسه تعلق داشت ، اساس نهاده شد (۱) و پس ازانکه دارالعلوم حبیبیهٔ (لیسهٔ حبیبیهٔ کنونی) در سال ۱۹۰۳م = ۱۲۸۲ ش افتتاح گردید ، این مفکوره توسط مولوی محمد سرور «واصف» معلم دارالعلوم مذکور به آنجا انتقال یافت و کم کم تعدادی از استادان و شاگردان آنجا به این حلقه پیوستند و تشکیلات منظمی را بوجود آوردند ٠

عده ای از مسلمانان هندی هم که خود را «جان نثاران اسلام» مینامیدند و امیر حبیب الله خان ایشان را غرض تدریس در لیسهٔ حبیبیه از هند باخود آورده بود ، جزء این جنبش شدند و فعالیت هائی رابراه انداختند ٠

چون کار به اینجا رسید عده ای از علما و معلمین مدرسهٔ شاهی و دارالعلوم حبیبیهٔ به امیر حبیب الله خان معروضه ای تقدیم داشتند و نشر جریده ای را مطالبه نمودند ٠ امیر موصوف که در بدو امر بانهضت مشروطه بد بین نبود بدرخواست ایشان موافقت کرد و نشر جریده ای را بنام «سراج الاخبار» در سال ۱۹۰۵م = ۱۲۸٤ ش به مولوی عبدألروف خان مدرس مدرسهٔ شاهی کابل اجازه داد ٠

اولین شمارهٔ سراج الاخبار بعد از ۸ ماه بتاریخ ۱۱ جنوری ۱۹۰٦م در ۳٦ صفحه منتشرگردید ، ولی بعد از یک شماره که آنهم به ندرت پیدا می شود ، از نشربازماند ٠

هدف گروه مذکور عمدتاً رویکار آمدن اصلاحات ، تبدیل نظام شاهی مطلقه وخود کامه به نظام مشروطیت ، تدوین قانون اساسی و حصول آزادی افغانستان بود ٠

همزمان باجویان یاد شده ، دو حلقهٔ لیبرال و مشروطه خواه دیگر نیز یکی در داخل

۱ ـ جنبش مشروطیت در افغانستان ، نوشتهٔ پوهاند عبدالحی حبیبی ، طبع کابل سنه ۱۳٦۲ هـ ش ٠

دربار و یکی هم خارج از آن در حال رشد و فعالیت بودند ، ولی در حلقه های دیگر افراد رادیکالی وجودداشت که تبدیلی نظام ، استقرار دیموکراسی و أصلاحات اجتماعی تقاضا می کردند و حتی حاضر بودند جهت نیل به هدف دست به ترور و کودتا زنند ٠

سرانجام هر سه حلقه یعنی بعضی از روشنفکران دربار ، استادان و کارکنان «لیسهٔ حبیبیه» وعده ای از اصلاح طلبان خارج از لیسهٔ حبیبیه باهم متحد شدند و به تشکیل حزب واحدی بنام «جمعیت سری ملی» اقدام کردند ٠ این جمعیت که به حلقه های کوچک ده نفری تقسیم شده بودند و هرکدام بوسیلهٔ یکی از اعضای موسس رهبری می شدند ، تشکیلات بسیار سری و فعالیت های منظم داشتند ٠ بحدی که بعضاً همدگر را نمی شناختند ٠

جمعیت مذکور در یکی از محافل حزبی خود اعضای حزب را بداشتن تفنگچه مکلف ساخت و این تصویب در کوتاه زمانی بدست امیر رسید و بدنبال آن دو نفر اعضای حزب ، آن عده از رفقای خودرا که می شناختند نام نویسی کردند و آنرا در زمستان ۱۹۰۹م = ۱۲۸۸ ش بحضور امیر در جلال آباد تقدیم نمودند و علاوه کردند که هدف اصلی «جمعیت سری ملی» کشتن امیر و تاسیس دولت مشروطه است ٠

امیر از خواندن فهرست اسامی اعضای مشروط خواه بشدت برآشفت و در اثر آن تقریباً ٤٣ نفر مشروطه خواهان یا اعدام شدند و یا به چندین سال زندان محکوم گردیدند ٠ مدتی بعد چند نفر دیگر نیز مورد عفو قرار گرفت ولی یک عده تا آخر عمر امیر محبوس ماندند و رنج زندان را باثبات و پایداری تحمل کردند(۱)

میر غلام محمد غبار دربارهٔ هستهٔ اولی نهضت مشروط و محل بنیان گذاری و بانی آن حرفی نمیگوید و سخن را رندانه از لیسهٔ حبیبیه آغاز می کند ٠ اما عبدالحی حبیبی علاوه بر ذکر این مطلب که دربالابه آن اشارت رفت ، روایتی هم دربارهٔ مرام نامهٔ نهضت مذکور نقل کرده است که اینک آنرا مطالعه میفرمائید:

((٠٠٠ این جمعیت ظاهراً مرام نامهٔ خاص و کتبی نداشته و یابهانرسیده ولی از زبان بعضی اعضای آن نقل شده که وقتی یک عضو جدید را داخل جمعیت می ساختند قابل اعتماد بودن اورا دریک حلقهٔ محدود فرعی با اهلیت اودرنظر می گرفتند وبعد ازان اورا درهمان حلقهٔ کوچک بقرآن عظیم الشان و شمشیر سوگند می دادند و او مرام های عمدهٔ ذیل را می پذیرفت٠

۱ ـ اطاعت به اصول اسلام و تقدیس قرآن عظیم و قبول تمام احکام اسلامی ٠

۲ ـ کوشش مداوم در بدست آوردن حقوق ملی و مشروطه ساختن رژیم حکومت تحت نظر نمایندگان ملت وتاءمین حاکمیت ملی و حکم قانونی ٠

۳ ـ سعی درراه تلقین عامه بدرستی امور معاشرت و نکوهش عادات ضمیمه ٠

---

۱ ـ دربارهٔ جزئیات و تفصیل این موضوع و نیز اسامی اعدام شدگان و زندانیان نهضت مشروطهٔ اول (عهد امیر حبیب الله خان) رجوع شود به کتاب «افغانستان در مسیر تاریخ» از صفحهٔ ۷۱۷ به بعد ٠

٤ ـ آشتي و حسن تفاهم بين تمام اقوام و قبايل افغانستان و تحكيم وحدت ملي ٠
٥ ـ سعي در اصلاح ملت از راه صلح و آشتي ، نه بادحشت افگني و استعمال سلاح و زور ٠
٦ ـ تعميم معارف و مكاتب و وسايل بيداري مردم و مطبوعات ٠
٧ ـ تاسيس مجلس شوراي ملي از راه انتخابات آزاد نمايندگان مردم ٠
٨ ـ تحصيل استقلال سياسي و آزادي افغانستان و گسترش روابط سياسي و اقتصادي با دنياي خارج ٠
٩ ـ تاءمين اصول مساوات و عدالت اجتماعي ٠
١٠ ـ بسط مباني مدنيت جديد از صنعت و حرفت و ساختن شوارع و بلاد وابنيه و منابع آب و برق وغيره ٠

اين ده مبداء را ايشان به تعبير قرآني «تلک عشرهٔ كامله» مي گفته اند ٠ هنگامي كه اعضاي جرگه فراهم مي آمدند و به بحث و مذاكره مي پرداختند قرآن عظيم را در بين خود مي گذاشتند كه بالاي آن يک شمشير و قلم هم بود كه سمبول علامت تبرک و قبول ايشان از احكام و هدايات قرآن عظيم و دين اسلام و تكيه ايشان به شمشير براي تحصيل استقلال و وطن بود و قلم از دانش طلبي و نشر و تعميم معارف نمايندگي مي كرد كه هر دو را بوجود قرآن شريف متبرک مي ساختند ٠» (١)

از محتواي مرام نامهٔ مذكور و نيز از بانيان و قربانيان اين نهضت كه بنام «مشروطهٔ اول» در تاريخ ياد مي شود ، بخوبي برمي آيد كه افكار و آراي ايشان برموازين و اصول اسلامي اتكاء داشته و اكثر اعضاي آن علما و اساتيد مدارس بوده اند ٠

مشروطهٔ دوم

نهضت مشروطه خواهي اول باوجود آنكه در سال ١٩٠٩م بشدت آسيب ديد و خاموش گرديد ، ليكن اثرات آن در بين جامعه و قشر باسواد افغانستان همچنان باقي ماند و تدريجاً بصورت حلقه هاي كوچک و مخفي ديگري تشكّل يافت ٠

چون اين نوع فعاليت ها قانوناً در كشور مجاز نبود و گروههاي مذكور نميتوانستند آشكارا بمبارزات خود ادامه دهند ، لذا بعضاً به نشر و پخش شب نامه ها متوسل مي شدند و شاه را هدف قرار مي دادند ٠

اسناد و شواهد موجود گوياي آنست كه نهضت نامبرده پس از حبس و اعدام مشروطه خواهان اول ، برنگ ديگر در مي آيد واز لحاظ فكري و سياسي وارد مرحلهٔ جديدي مي شود والهامات بيروني برانگيزه هاي داخلي ممد مي گردد ٠ غبار خود در رابطه به اين موضوع مي نويسد كه:

---
١ ـ جنبش مشروطه خواهي در افغانستان ، صفحهٔ ٥٥ـ٦٠ ٠

«۰۰۰ امـا سرکـوبی مشروط خواهـان در نفـوس روشنفکـران باقی مانـده تاثیـر عمیق و شدیدی کرد ۰ در کابل بتدریج حلقه های کوچک و مخفی تشکیل شد که آثار راجع به انقلاب عثمانی و نهلیست (۱) های روسیـه و فعالیت های آزادی خواهان و مشروطه خواهان شرق رامیخواندند و بعضاً اینگونه آثار را در نسخه های خطی نقل کرده و بهمدگر میرساندند ۰ چون در جملهٔ دیگر ممالک اسلامی ، ترکیه بیشتر در آستانهٔ انقلاب قرار گرفته بود ، آثار ترکی زیاد تر مورد دلچسپی بود و یک عده روشنفکران زبان ترکی را بهمین مقصد فرا گرفتند ۰)) (۲)

از نوشتهٔ بالا و علاقه مندی روشنفکران اصلاح طلب و مشروطه خواه افغانستان به مطالعهٔ آثار «نهلیست» های روسیه و انقلابیون عثمانی ، چنین استنباط می شود که اختلال و تزلزل عقیده در بعضی افراد شاید از همین جامنشاء گرفته و بتدریج در روند گرایش های فکری و سیاسی بعدی اثر گذاشته باشد ۰

بهرحال اغلب چیز نویسان ما نقطهٔ آغاز مشروطه خواهی دوردوم را بعد از نشر مجدد «سراج الاخبار» در سال ۱۹۱۹م میدانند و معتقداند که ادارهٔ سراج الاخبار برهبری و مدیریت محمـود طرزی بنـابـرموضـع گیری ضد انگلیسی ، استقـلال طلبی ونیزنشـرات تازهٔ ادبی وسیاسی وانتقادی اش طرف توجه محافل روشنفکر قرار گرفت و بحیث یک کانون فکری و تجمع آزادی خواهان و اصلاح طلبان تجلی نمود ۰

جای شک نیست که محمود طرزی از طریق ازدواج دخترش باامان الله خان پسر امیر حبیب الله خان ، در دربار و دگرگونی احوال و سیاست افغانستان نقش بسیار عمده ای بازی کرد و حتی این حدس و گمان در محافل سیاسی وجود دارد که وی باهستهٔ تجدد طلب و مخالف امیر در دربار نیز روابطی داشته و این حلقه را برای دگرگونی نظام و رویکار آوردن امان الله خان تشویق می کرده است ۰

حقیقت امررا خدامی داند ولی قدر مسلم این است که در ایام مورد بحث ما دوجریان مخفی سیاسی ، یکی در دربار و یکی هم خارج از آن در کشور وجود داشت و هر دوبرای استقرار مشروطه و برانداختن امیر ، نقشه می کشیدند و فعالیت می کردند ۰ کار این حلقه هاوشبکـه های مخفی ضد دولتی بجـائی کشید که جوانی از دیمـوکـرات های خارج دربـار بنام «عبدالرحمن لودی» امیر حبیب الله خان را در سال ۱۹۱۸م = ۱۲۹۷ ه ش حین عبور از شوربازار کابل هدف گلوله قرارداد ولی مرمی اوبه شیشهٔ «موتر» اصابت کرد و شاه جان سالم بدربـرد ۰ در اثر این اقدام ، عبدالرحمن لودی و تعدادی از رفقایش زندانی شدند وفشار برمشروطه خواهان بیشتر گردید ۰ حلقه سری دربارهم از ترس آنکه مبادا قبل از هر اقدامی

---

۱ ـ اشـاره است به عقـاید «نهلیست های» روسیه تزاری که کلیه نوامیس و عقـایدتاریخی را بی اساس و مهمل مینامیدند، عالم وجود را بی معنی: و موهوم می انگاشتند واز اصول اخلاقی انکار داشتند ۰

۲ ـ افغانستان در مسیر تاریخ صحفهٔ ۷۲۰ ۰

افشاء و گرفتار شوند ، تصمیم گرفتند تا درزمستان همان سال امیر را در جلال آباد بقتل رسانند ۰ اما نایب السلطنه که با این گروه هم پیمان ، و خواستار تحول و اصلاحات در کشور بود ، به قتل امیر موافقت نکرد و بدون آنکه موضوع را فاش سازد و رفقایش را به کشتن بدهد ، در مورد سکوت نمود ۰

یکسال بعد درزمستان سال ۱۹۱۹م بدون آنکه نایب السلطنه در جریان قرار گیرد ، بار دیگر حلقهٔ سری دربار که در راس آن امان الله خان قرار داشت ، نقشهٔ نابودی امیر را طرح کردند و او را در شکارگاه زمستانی اش (کله گوش لغمان) بقتل رسانیدند ۰

امان الله خان چنانکه در فصل چهارم تذکار رفت فوراً در کابل اعلان پادشاهی نمود و عمش نایب السلطنه را خلاف تعهد خویش به زندان افگند ۰ ولی در عوض تمام کسانی را که در قتل پدرش دست داشتند رهانمود و همه را بکار های مهم دولتی گماشت ۰ و از همین جا بود که روابط او با این حلقه نزد مردم صد در صد تثبیت گردید ۰

جمعیت سری ضد امان الله خان

هنگامی که سردار نصر الله خان نایب السلطنه در زندان امان الله خان بسر می برّد ، در کابل شایعاتی پخش گردید که باوی بد رفتاری میشود و سخت تحت شکنجه قرار دارد ۰ این افواهات طرفداران و هواخواهان او را به شدت برآشفت و بران شدند تا از امیر امان الله خان انتقام کشند ۰ یکی از مصاحبین وارادتمندان او بنام محمد اختر پسر ناظر محمد صفر خان امین الاطلاعات امیر حبیب الله خان، به تشکیل یک «جمعیت سری» اقدام کرد و تعداد زیادی را بدور خود جمع نمود ۰ مرام این جمعیت آن بود تا امان الله خان را بقتل رسانند و نایب السلطنه را بپادشاهی برکشند ۰

اما آرزوی ایشان ناتمام ماند و روزی که میخواستند امیر امان الله را در نزدیکی پل قرغه بقتل رسانند همه دستگیر شدند۰ امیر امان الله ، محمد اختر خان و تعدادی از رفقایش را به توپ بست وعده ای را زندانی نمود و به اتهام اینکه نایب السلطنه دران دست دارد ، عرصهٔ زندان را بروی تنگ تر ساخت تا آنکه در ۳۱ ثور ۱۲۹۹ ش = ۱۹۲۰ م از جهان در گذشت و جمعیت مذکور نیز از هم پاشید۰(۱)

سایر احزاب دورهٔ امان الله خان

امیر امان الله خان چنانکه در زمان پدرش با بعضی حلقه ها و گروههای سیاسی در ارتباط بود و از عواطف و نیروی آنان جهت دست یابی به تخت و تاج استفاده کرد ، پس از کسب قدرت نیز روابطش را بایشان حفظ نمود و هریک را فراخور حالش بوظیفه ای گماشت ۰ این روش و فضای نسبتاً باز و مساعدی که بوجود آمده بود باعث گردید تا بعضی

۱ - برای تفصیل موضوع و دانستن اسامی اشخاص ذی دخل در قضیه رجوع شود به «افغانستان در مسیر تاریخ» ، صفحهٔ ۷۴۰-۷۵۰) ۰

حلقه های سیاسی و تجدد خواهان که در زمان امیر حبیب الله خان بصورت مخفی عمل می کردند وارد صحنۀ شوند و فعالیت های خویش را علنی سازند ٠

«جمعیت سری ملی» هم که در دورۀ امیر حبیب الله خان چندین حلقه را در خود مدغم کرده بود، به اساس معیار های فکری و چگونگی طرز اندیشه و هدف به دو گروه (تندروان چپ و اعتدالیون) از هم مجزا گردید ٠

حلقۀ اول که غبار و عبدالرحمن لودی نیز دران عضویت داشتند بنام «جوانان افغان» یاد می شدند و دارای مرام تند و چپی بودند ٠ سازمان «جوانان افغان» در تمام فعالیت های سیاسی حتی در جرگه های کبیر پغمان و مجالس مشورتی (برج شمالی ، ارگ ، و چمن قصر ستور) اشتراک داشتند واز نزدیک با دولت همکاری می کردند ٠

ظاهراً این اولین هستۀ چپ در کشور ما است که بحیث یک ارگان سیاسی علناً و عملاً تبارزمی کند و شاه امان الله باایشان کاملاً همنوائی دارد ٠ گرچه احزاب سیاسی در دورۀ امیر امان الله خان قانوناً رسمیت نداشتند ، مع هذا از قراین چنین برمی آید که «جوانان افغان» در فعالیت های خویش آزاد بوده و آنچه میل وبرنامۀ شان اقتضامی کرده است ، انجام میداده اند ٠ غبار در اینباره خود می نویسد که:

((٠٠٠ولی باوجود فعالیت های سیاسی روشنفکران افغانی که روح دست چپی ازان آشکار بود ، درزمان دولت امانیه یک نفر اینهابه اعدام و یاحبس سیاسی محکوم نگردیده اند ٠)) (١)

آری! امان الله خان نه تنها مانع برنامه ریزی ها و فعالیت های گروه «چپ» نشد ، بلکه اکثر اعضای انرا بکارهای مهم و حساس دولتی گماشت و برای رشد و تبارزآن در جامعه زمینه سازی کرد ٠ چنانچه جریدۀ دولتی «ستارۀ افغان» در دست غبار بود و رفقای دیگر شان نیز هر یک به تناسب احوال خود جاه و مقامی در دستگاه داشتند و توسط شاه حمایه می شدند ٠

شاید بهمین دلیل باشد که کمونستان افغانستان تضادهای بنیادی و برخورد فکری واعتقادی خویش را نسبت به شاه و نظام شاهی در برابر او فراموش می کنند وهمینکه سخن از امیر امان الله خان درمیان آید ، فوراً «تز» شان عوض می شود و از وی ستایش می نمایند ٠

حلقۀ دوم یا «اعتدالیون» که میر سید قاسم خان آنرا رهبری می کرد و عبدالهادی خان داوی یکی از اعضایش بود ، روش نسبتاً ملایم داشتند و درمبارزات شان برای «مشروطه» ، تعقل و تدبیر را بر احساسات تند و خشن ترجیح می دادند ٠ این گروه نیز بابرنامه های اصلاحی (=ریفورم) امیر امان الله خان قلباً موافق بودند و در بدوامر او را یاری

١ـ افغانستان در مسیر تاریخ . صفحۀ ٧٩٨ ٠

دادند و بکارهای مهمی گماشته شدند ٠

توافق روحی و فکری امیر امان الله با افراد و گروههای نامبرده اغلب براین انگیزه استوار بود تا از یکطرف چهرهٔ انقلابی بخود گیرد و توجه دوستانش را در آنسوی آمو بیشتر جلب کند ، واز سوی دیگر جهت تطبیق برنامه هایش پشتوانه ای در اجتماع داشته باشد ـ ورنه او یک شهزادهٔ خود خواه ، جاه طلب و مقلد بود و نه سوسیالست ٠ ولی نزدیکی گروه یاد شده باشاه امان الله در آخرین سال های حکومت او روبکاهش نهاد و اغلب افرادی که باوی همکاری داشتند یا خود استعفا کردند و انزوا اختیار نمودند ویا اینکه بکار هائی در سفارت خانه های خارج منصوب گردیدند و رشته ای که دو طرف به آن اتصال داشتند ازهم گسیخت ٠

زیرا امیر امان الله خان برخلاف سوگند و تعهداتی که باحزب سری دربار و مشروطه خواهان خارج از آن بعمل آورده بود ، عملاً کاری در جهت تبدیلی نظام ، تحقق یابی مشروطه ، وجلب حمایت و پشتیبانی توده های مردم انجام نداد ، برعکس بروش ها وخود خواهی هائی دست یازید که عاقبت همه از وی بریدند واز همکاری و همراهی باوی مایوس گردیدند ٠ مسلماً کودتائی که از بالا و بوسیلهٔ خود امیر امان الله خان ولیبرال های درباری انجام شده بود ، نمیتوانست بامردم جوش خورد و آنانرا در قدرت وادارهٔ کشور باخود شریک سازد ، لذا خشم و قیام توده ها در برابروی حتمی بود و نابودی وناکامی اش حتمی ٠

جمهوری خواهان

در جریان فعالیت احزابی که از آنها نام بردیم ، گروهی نیز در مرکز و شرق افغانستان بنام «جمهوری خواهان» وجود داشته و در نقطهٔ مقابل حزب «جوانان افغان» مبارزه می کرده است ٠

غبار برسم و آئین حریفان سیاسی و روی تضادهای عقیدتی ، از این گروه بنام «حزب نقابدار» (۱) یاد می کند و فعالیت های ایشان را در تحریک مردم علیه امان الله و از پا در آوردن آن مهم و موثر می داند ٠ متاءسفانه دربارهٔ اسامی اعضاء و چگونگی مرام این حزب معلوماتی در اختیار بنده نیست ، ولی از گفته های غبار در اینباره چنین استنباط می شود که حزب مذکور روحیهٔ دست راستی داشته و با امیر امان الله و برنامه هایش شدیداً مخالف بوده است ٠

جریدهٔ «امان افغان» علاوه بر احزاب یاد شده ازحزب دیگری هم بنام «اصلاح طلبان» (۲) یاد میکند که معلوم نیست منظورش همین گروه چپ میباشد که در بالا تذکررفت و یا گروه دیگری ؟

خلاصه با وصف اینکه در دورهٔ امیر امان الله خان آرمان مشروطه خواهی عملاً بر

۱ ـ افغانستان در مسیر تاریخ صفحه ۸۱٤ ٠

۲ ـ امان افغان ، شمارهٔ اول ، سال ششم ۱٦ حمل ۱۳۰٤ هـ ش ٠

آورده نشد و قدرت اداری و سیاسی افغانستان بدتر از هر وقت دیگر در وجود شخص شاه خلاصه گردید ، مع هذا موجودیت احزاب (ولوبصورت غیر قانونی) وانتشار تقریباً ۱۳ جریده و روزنـامـه و مجله در کشـور ، بذات خود عامـل مهمی در رشد فکـری و سیاسی محسـوب می شد که در این دوره قابل تذکر است ٠

محمد نادر شاه و مشروطه خواهان

محمد نادر شاه با انتباه از دورۀ امانی کارهایش را خیلی آرام ، خون سرد و باتاءنی آغـاز کرد و روابـطش را با ارباب و خان و علمای دینی و روشنفکران مشروطه خواه توأم و یکسان برقرار نمود ٠ او همچنانکه در بدو امر کارهای دینی را به علمای دین واگذاشت و نظارت ایشـان را برمسـایل حقوقی در کشور محترم شمرد ، به عناصر مشروطه خواه ونوگرایان نیز موقع داد تا درکارهای دولتی اشتراک داشته باشند و نیروهای شان را در بازسازی کشور بکاربرند ٠ چنانچه عبدالهادی خان داوی بحیث وزیر مختار افغانستان در لنـدن وسید قاسم خان به صفت معین معـارف مقرر گردیدند وجوان دیگر مشروطه خواه «عبدالرحمن لودی» از جناح چپ ، بریاست بلدیۀ کابل منصوب گردید و بهیمن ترتیب دیگران نیز در جملۀ ماموزین ایندوره بکار هائی گماشته شدند و با دولت همکاری نمودند ٠

اما همۀ این اقدامات و جلب و جذب مشروطه خواهان در دستگاه دولت ، چیزی جز روش های دفع الوقت و تزویر بیش نبود و همینکه محمد نادر شاه بر اوضاع واداراۀ کشور تسلط یافت ، دست به تصفیه زد و بساط آنان را در هم پیچید ٠ بعضی از این افراد بدون آنکه جرمی و محاکمه ای درکار باشد اعدام گردیدند ، بعضاً بزندان های دراز مدت محکوم شدند و عده ای را هم بولایات دور دست تبعید نمودند ٠

گرچـه دلیل ظاهـری این امـر متهم ساختن بعضی از مشـروطـه خواهـان بطرفداری از امیر امان الله خان بود ، ولی در حقیقت محمد نادر شاه میخواست از هر نوع تشویش و درد سر خودرا فارغ سازد و سری را برای سربرافراشتن در کشور باقی نگذارد ٠ بدین ترتیب موصوف اهم توجه اش را به بازگردانیدن روش های سنتی ، استقرار نظام شاهی و قبیله سالاری معطوف داشت و باتدویر جرگۀ کبیر (= لویه جرگه) در سال ۱۹۳۱م = ۱۳۱۰ هـ ش حکومت خود و سلطنت موزوثی را در افغانستان استحکام بخشید ٠

تداوم مشروطه خواهی در عهد محمد ظاهر شاه

در دهۀ اول سلطنت محمد ظاهر شاه یعنی هنگامی که محمد هاشم خان صدارت افغانستان را عهده داربود ، اثری از آزادی های سیاسی و اجتماعی در کشور وجود نداشت و مردم چون مرغکـان تیر خورده و پرشکسته سردرتۀ بال داشتند و به سختی نفس می کشیدند ٠ لیکن آن احساس آزادی خواهی که هسته اش در اعماق اجتماع بذر شده بود ، همانـنـد سبـزۀ زیر سنـگ کماکـان می بالید و جوانـه میزد و هیچگـاه ریشـه هایش نه خشکید

وازبین نرفت ٠

پس از استعفای محمد هاشم خان در می ١٩٤٦= ١٣٢٥ هـ ش و تقرر شاه محمود خان بحیث صدراعظم ، فضای دکتاتوری و اختناق تا حدودی عوض گردید و گمان میرفت نهضت مشروطه و آزادی خواهی باردیگر جان خواهد گرفت ٠ البته این حدس قسماً بیجا نبود و هرگاه جریان بگونۀ طبیعی اش ادامه می یافت و از توطه و اخلال گری دراامان می ماند ، کاربجائی میرسید و رهٔ دیموکراسی در کشور هموار می شد ٠ اما در اثر تحریکات روس ها ، رقابت های شرق و غرب و خود خواهی و مخالفت محمد داود خان با عمش «شاه محمود خان» اوضاع بگونۀ دیگر درآمد و عروس آزادی فقط جلوه ای نمود و از انظار ناپدید شد ٠

اجمال قضیه از اینقرار بود که شاه محمود خان در نخستین سال صدارتش ضمن اعلام آزادی و دیموکراسی دست بیک سلسله اقدامات و فعالیت هائی زد تا افغانستان را از انزوا و سکون و رکود برون کشد و درامور اقتصادی و سیاسی و اجتماعی حرکتی ایجاد نماید ٠ زیرا افغانستان هم بدلیل گرفتاری اکثر کشورها در جنگ دوم جهانی وعدم امکان دریافت کمک از ایشان ، و هم بعلت استبداد واختناق دورهٔ صدارت محمد هاشم خان ، در وضع آشفته و نامساعدی بسر می برد ٠

روی این انگیزه و برنامه ، موصوف در آغاز کارقراردادی را بایک شرکت امریکائی بنام «موریسن ندسن» امضاء کرد که به اساس آن کمپنی مذکور متعهد گردید تا با اعمار دو بند آبگردان برروی رود خانه های هیرمند و ارغنداب و حفر نهر بغرا ، افغانستان را در تولید برق و آبیاری و زراعت یاری دهد ٠

فعالیت این کمپنی امریکائی در غرب کشور مسلماً هزاران هکتار زمین خشک و بی آب و گیاه را تحت آبیاری قرار میداد و صد ها افغان بیکاررانه تنها مشغول بکار می کرد بلکه اکثر آنهارا به آموزش و فراگیری مهارت های فنی و تخنیکی معاصر نیز آشنا می ساخت ، واین اقدام در حد خود تحول مثبتی در جهت توسعهٔ اقتصادی کشور بشمار می رفت ٠ چنانچه اثرات آن در اقتصاد و زراعت و انرژی افغانستان ، بخصوص در سال های اخیر و پیش از کودتای ننگین ٧ ثور سال ١٣٥٧ ش کاملاً محسوس و آشکار بود ٠

اما این اقدامات و قرارداد افغانستان باکمپنی موریسن ندسن ، روس ها را که در فکر برنامه ریزی و نفوذ در کشور ما بودند ، بسیار نگران ساخت و فکر می کردند حریف تازه ای بجای رقیب کهن «انگلستان» وارد عمل شده است واینک از نفوذ واثرات شان در افغانستان جلوگیری خواهد کرد ٠

بنابر این باتمام امکانات و مهارت های شیطانی شان در پی آن شدند تا در برابر فعالیت های کمپنی مذکور و نزدیکی افغانستان با امریکا موانع ایجاد کنند ٠

چون روس ها دران مرحله تازه از جنگ فارغ گردیده بودند و مستقیماً نمی توانستند

کاری درزمینه انجام دهند ، لذا از انگیزه های خودی و رقابت های محمد داود باشاه محمود خان صدراعظم استفاده کردند و او را جهت مقابله بابرنامه های شاه محمود خان وفعالیت علیه کمپنی امریکائی تشویق نمودند ۰

تحریک مقتدر مردی که درخانه و دربار و اجتماع یگانه و خود کامه بود ، در واقع سر آغاز پیاده کردن نقشه های شیطانی روس در افغانستان و موفقیت آنان بشمار می رفت ، واز همین جا بود که فتنه بالیدن گرفت و روس ها آهسته آهسته وارد صحنه شدند ۰

محمد داود ، در آرزوی برانداختن شاه محمود خان و رسیدن بمقام صدارت ، و روس هابفکرهسته گذاری یک نیروی ضدامریکائی و هوا خواه مسکو به فعالیت ها و تشبثاتی دست یازیدند و در سال۱۹۴۷م = ۱۳۲۶ ش درست یکسال بعد از شروع کار کمپنی موریسن ، حزبی بنام «ویش زلمیان= جوانان بیدار» یا به اصطلاح بعدی ، «روشن فکران» در قندهار سازمان دهی گردید که تره کی و ببرک نیز درآن عضویت داشتند ۰

تاجر معروف عبدالمجید زابلی که در روسیه تحصیل کرده بود و سالها بمنظور تجارت بین افغانستان و قلمرو روسی آمد و شد داشت محمد داود را در تاسیس این حزب همراهی می کرد و مصارف آنرا تمویل می نمود ۰ حزب مذکور علاوه برولایت قندهار ، در مرکز و بعضی از ولایات هم اثر گذاشت و افراد گونا گونی را بشمول اربابان عمامه و قبا بخود جلب نمود که تعدادی از این افراد تا واپسین روز های حیات محمد داود و حتی در دورهٔ رژیم دست نشاندهٔ روسی در کابل خط فکری خودرا دنبال کردند و از همکاری با قاتلین ملت افغانستان خود داری ننمودند ۰

مع الوصف در بین اعضای آن یک عده افراد بودند که از جریانات پشت پرده و دستی که بصورت مرموز ایشان را بدین صف کشیده بود ، آگاهی نداشتند ولی باگذشت ایام و درک واقعیت ها از «ویش زلمیان» بریدند و از همراهی و همفکری بایشان دوری جستند ۰

شاه محمود خان صدر اعظم روی این تعهد که دیموکراسی و آزادی را در افغانستان تمثیل خواهد کرد ، انتخابات پارلمانی دورهٔ هفتم را در سال ۱۹۴۹م = ۱۳۲۸ ه ش برگزار نمود و بمردم موقع داد تا برای اولین بار بپای صندوق های رای رفتند و به افرادی که خود میخواستند آزادانه رای دادند ۰ در این انتخابات نامزدهای «ویش زلمیان» ، مشروطه خواهان و عناصر چیز فهم و روشن فکر مرکز و ولایات بیشتر کسب موفقیت کردند و شورای دورهٔ هفتم باکیفیت خاصی که تاآنروز در کشور سابقه نداشت شروع بکار نمود ۰ ولی برخلاف آنچه انتظار میرفت این شوری نیز دستخوش دسته بندی ها و تضادها گردید و هدف اصلی و ملی آن قربانی کشمکش های فرعی شد ۰

در خلال این درگیری ها تعدادی از اعضای شورا من جمله «ویش زلمیان» بطرفداری

و تحریک محمد داود خان مساعی شان را وقف تخریب وسقوط حکومت شاه محمود خان کردند ، عده ای به حمایت وجانبداری از دیموکراسی و صدراعظم حالت تدافعی بخود گرفتند و دسته ای هم بهواداری از مشروطه و نظارت بر اعمال دولت پافشاری می نمودند ۰ و به این ترتیب اغلب اوقات کار شورا به مناقشات وجدال هائی صرف می شد که نتایجش بازهم بسود بقای نظام وطبقهٔ حاکم بود ۰ مع هذا مجلس شورای ملی در سال ۱۹۵۰م = ۱۳۲۹ش قانون مطبوعات را به تصویب رسانید و این اقدام موقع را مساعد ساخت تامردم با استفاده از احکام و آزادی های قانونی بیک سلسله فعالیت های سیاسی مانند تشکیل احزاب ، انجمن ها و نشر جراید شخصی دست یازند و آئین دیموکراسی کم کم در کشور باب گردد ۰

درمیان احزاب و گروههائی که دراندوره تبارز کردند ، علاوه بر ویش زلمیان وکلوپ ملی که حدیث آنها در گذشته روایت شد ، دو حزب دیگر نیز بنام های «وطن» و «خلق» از نفوذ و طرفداران بیشتری در جامعه برخوردار بودند که اولی توسط گروهی متشکل از میر غلام محمد غبار ، نورالحق ، میر محمد صدیق فرهنگ ، برات علی تاج ، عبدالحی عزیز فتح محمد خان و سرور جویا بنیان گذاری شده بود ، و دومی بوسیلهٔ دوکتور عبدالرحمن محمودی ۰

غبار و محمودی هر دو در دورهٔ هفتم شوری نمایندگی مردم کابل را بعهده داشتند و مصوونیت پارلمانی به ایشان اجازه میداد تا بیشتر و بهتر فعالیت کنند واز دیگران پر آوازه تر باشند ۰ گرچه از اهداف و چگونگی برنامه های این دو حزب سندی در اختیار نگارنده نیست ، ولی باتوجه به اوصافی که قبلاً دربارهٔ غبار ارائه شد و روایاتی که بعضاً از زبان افراد متلعق به آندوره شنیده می شود ، نظر او و دکتر محمودی قسماً باهم شبیه بوده و هر دو خواهان نوعی سوسیالیزم، عدالت اجتماعی و آزادی و دیموکراسی در کشور بوده اند۰(۱)

همزمان بافعالیت احزاب و گروهها در شوری و اجتماع، هستهٔ دیگری نیز بنام «اتحادیهٔ محصلین» در دانشگاه کابل بنیان گذاری شد و عده ای از دانشجویان را که بمسایل سیاسی علاقه داشتند و یا به گروهها و احزاب مربوط بودند ، در خود جذب نمود ۰

---

۱ ـ نگارنده را سعی بران بود که متن مرام نامه های حزب «وطن» و «خلق» را در کتاب حاضر درج کند و در اختیار هموطنان قرار دهد ، اما باهمه تلاش و جستجو واستفسار و استعلام از بعضی منابع و هموطنان ناظر در صحنه ، چنین توفیقی رفیق نشد و متن مرام نامه های مذکور بدست نیامد ۰ تنها آقای میر محمد صدیق فرهنگ همکار غبار و دوست محمودی ، ضمن یادداشتی که به تقاضای بنده دراین زمیه فرستاده بودند ، دکتر عبدالرحمن محمودی را مردی آزادی خواه ، تندرو وجسور باتمایلات «سوسیالست عاطفی» وصف می کند ، نه مارکسست لیننست پیرو خط مسکو یا پیکنگ ۰ و میر غلام محمد غبار را یک نفر آزادی خواه ناسیونالست باگرایش «سوسیالستی» مینامد و عقیده دارد که فعالیت آندو نفر برای دیموکراسی و رویکار آمدن نظام مشروطه در کشور بوده است ۰

۰ هکذا وی در نوشته اش خاطر نشان کرده است که حزب «خلق» دکتر محمودی و مرام نامهٔ آن که در شمارهٔ اول « ندای خلق» چاپ شده ، معناً و لفضاً هیچگونه شباهت و نسبتی باحزب «خلق» تره کی ندارد ۰

ببرک و حسن شرق که دران ایام اولی محصل حقوق و دومی دانشجوی طب بود ، در اتحادیهٔ مذکور عضویت یافتند واز همان طریق علیه شاه محمود خان و بطرفداری از محمد داود فعالیت می کردند ۰

محمد داود خان می کوشید توأم با جبهه سازی و گروه بازی در شوری ، کانون دانشجوئی را نیز از آن خود کند و از این دوسنگر برای درهم کوبی و از پااندازی حکومت شاه محمود خان حتی المقدور استفاده نماید ۰ حسن شرق و ببرک بحیث دو عنصر ارتباطی ، این ماموریت را بعهده داشتند تا تماس و شناسایی بعضی از محصلان را با محمد داود وسیله شوند و صف خود را تدریجاً وسعت بخشند ۰

در جریان این همه تحریکات و تشبثاتی که اغلب بوسیلهٔ محمد داود تنظیم و رهبری می شد ، بعضاً حوادثی در شوری و جامعه اتفاق افتاد و حکومت را بیش از حد تکان داد ۰ موضع گیری یک جانبه و زیاده روی جراید آزاد در برابر دستگاه حاکم ، برتشویش آن افزود و در اواخر سال ۱۹۵۱ = ۱۳۳۰ هـ ش از نشر آنها جلوگیری بعمل آورد ۰

اخبار و جرایدی که بصورت آزاد و غیر دولتی دراینددوره عرض وجود کردند اکثراً بوسیلهٔ احزاب و گروههای سیاسی انتشار می یافتند و مهم ترین آنها عبارت بودند از : جریدهٔ انگار ، ندای خلق ، وطن ، نیلاب ، ولس و آئینه که همه در کابل به نشر می رسیدند ۰

باپایان یافتن عمر جراید غیر دولتی ، میعاد کار دورهٔ شوری نیز در آخر این سال بسر رسید و مبارزات انتخاباتی برای دورهٔ هشتم شوری آغاز گردید ۰ در این رای گیری که اوایل سال ۱۳۳۱ش = ۱۹۵۲ م صورت گرفت ، دکتر محمودی و غبار به شکست مواجه شدند و این امریاران و هواخواهان شان را بران داشت تا حکومت را بمداخله دررای گیری متهم سازند و دست به مظاهره زنند ۰ در تظاهرات یاد شده انبوهی از مردم که تقاضای الغای انتخابات واز سرگیری آنرا داشتند ، خودرا بدروازهٔ ارگ شاهی رسانیدند ولی محافظین ارگ از ورود آنان بداخل جلوگیری کردند و کار به خشونت کشید ۰

حکومت این حادثه را تحریکات اجنبی خواند و غبار و دکتر محمودی را با جمعی از یاران و همکاران شان زندانی نمود ۰ عکس العمل حکومت نسبت به تظاهرات مذکور تنها در کابل محدود نماند ، بلکه تعداد زیادی از اعضای ویش زلمیان نیز در رابطه باآن در قندهار دستگیر و زندانی شدند و بساط آزادی و احزاب درهم پیچید ۰

غبار تقریباً ٤ سال را در زندان سپری کرد و در زمان صدارت محمد داود رها گردید ۰ ولی دکتر محمودی که از مخالفان سرسخت محمد داود بود و باری در سال ۱۹۵۱م علیه او در شوری بیانیه داده بود ، تقریباً ۹ سال در زندان ماند و بسال ۱۹۶۱م = ۱۳٤۰ ش در حالی رهاگردید که از فرط بیماری چیزی در وجودش باقی نمانده بود و چند هفته بعد در گذشت ۰ سه برادر و پسر کاکایش دکتر هادی محمودی نیز باوی یکجا زندانی شدند

و مدتی بعد رها گردیدند ۰ اما دکتر هادی محمودی درزمان جمهوری محمد داود بار دیگر گرفتار گردید و بدست جلادان خون آشام او کشته شد ۰

هر چند درمیان احزاب و گروههای یاد شده افراد و عناصری چون ببرک ، تره کی و امثال آن بودند که عقاید کمونستی داشتند و از مسکو الهام می گرفتند ، اما تا آنزمان از هر نوع ستیزه علیه دین و جبهه گیری آشکار در برابر اسلام خود داری می کردند و فعالیت های شان اغلب پنهانی و در زیر چتر مشروطه خواهان صورت می گرفت ۰

اشخاص دیگری هم که بعداً معلوم شد با «سوسیالیزم» دل بسته اند واز جنبش مشروطه خواهی و دیموکراسی عهد شاه محمود خان بحیث یک وسیله و شعار استفاده می کرده اند دران اوضاع و احوال و حتی بعد از آن نسبت به ابراز عقاید خویش در جامعه و ضدیت بادین خویشتن دار بودند و در مبارزات خویش باحزم و احتیاط عمل می نمودند ۰

بهرصورت پایان آن همه تلاش ها و فعالیت ها و مشروطه خواهی . منتج به آن شد تا شاه محمود خان صدراعظم از کرسی صدارت بزیر افتد و محمد داود خان براریکه قدرت تکیه زند ۰

جنبش های دیگر

در دوره ای که موضوع بحث مامی باشد ، جنبش های فکری و سیاسی نه تنها به گروه و یا طبقهٔ خاصی اختصاص داشته و تعدادی از جوانان و تجدد خواهان در این راه ایثار کرده اند ، بلکه بعضی از علمای دین و مشایخ افغانستان نیز هر یک بنوبهٔ خویش در رویا روئی باستمگاران داخلی و تجاوز گران خارجی قربانی ها داده اند که مثال و نمونه های آنرا در زیر مطالعه میفرمائید ۰

الف ـ در دورهٔ امیر عبدالرحمن خان

عده ای از روحانیون و علما بشمول ملا عبدالرحیم کاکر ، ملا عبدالواحد پوپلزائی وغیره در گرما گرم جنگ بین سردار محمد ایوب خان و امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۱ م) اعلامیه ای صادر کردند و امیر عبدالرحمن را بجرم دوستی و طرفداری با انگلیس از مقام سلطنت عزل نمودند ۰ امیر موصوف بسوی قندهار و هرات لشکر کشید و اکثر قیام کنندگان را اعدام فرمود و حتی ملا عبدالرحیم و ملاعبدالاحمد و پنج نفر دیگر از علما که در خرقهٔ مبارک قندهار «بست» نشسته بودند ، از غضب امیر امان نیافتند و خلاف عنعنه و رسوم از آنجا خارج کرده شدند و در محضر امیر اعدام گردیدند ۰ (تاریخ غبار صفحهٔ ٦٦٤) ۰

شخص دیگری که دراین دوره بحیث مثال و مظهر مبارزه و فداکاری علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی شناخته شده است ، فقیه عالی مقدار و مجاهد نامدار «ملامشک عالم» می باشد ۰ او بود که در جنگ دوم افغانستان و انگلیس رایت جهاد برافراشت

و گروهها و اقوام مختلف را بدورهم جمع نمود و آنان را برای جهاد ، اعلای کلمة الله و دفاع از آزادی و عقیده و ایمان در یک سطح وسیع بسیج فرمود ۰

هنگامی که قوای متجاوز انگلیس در نبرد باغازیان تاب نیاورد و به ایجاد تولید نفاق و شقاق در بین مردم افغانستان دست یازید ، این عالم مجاهد از کابل بغزنه رفت و اختلافاتی را که دشمن دامن زده بود از میان برد ۰

در سال ١٨٨٤م = ١٢٦٣ ش ، پس از آنکه امیر عبدالرحمن خان اغلب رهبران جهاد را زندانی و متواری کرد و در صدد شد تا از نفرین و نارضائی مردم بکاهد ، به سردار محمد حسن خان حاکم غزنه هدایت داد تا قوم «اندر» را به محضرش احضار و دلجوئی نماید ۰ اما ملامشک عالم در این مجلس حاضر نشد و بجواب فرستادگان حاکم غزنه نوشت که:

((۳ هزار تن بدون خطا و خیانت و گناه و جنایت از بزرگان افغانی که در وقت استیلای دولت انگلیس بمدافعت گرائیده در حمایت ناموس و مملکت اسلام زحمات شاقه بپای برده اند ، امروز در زندان کابل محبوس و باعث یأس و هراس ناس شده اند ۰ و بنابر این تمامت مردم که یکی از ایشان منم خود را در محل خوف و خطر پنداشته ایم)) ۰

با وصول این نامه خدمت امیر ، آتش کین و انتقام جوئی وی شعله ورتر شد ، لیکن خویشتن داری خود را حفظ نمود و تنها فرمانی عنوانی او و مردم صادر فرمود و کارهایش را موافق به کتاب و شریعت وانمود ساخت ۰

دو سال بعد مشک عالم وفات یافت و پسرش (عبدالکریم) همراه باقوم خویش علیه امیر قیام کرد ۰ امیر عبدالرحمن خان باسوقیات عسکری آنان را سرکوب نمود و در نتیجه از کلهٔ یکهزار مرد شجاع و مسلمان «اندر» ، در کابل مناری برپاساخت که شاید تاکنون هم سرجایش مانده باشد ۰

همچنان حکم فرمود که از هر خانوار «اندر» یک تفنگ و یک شمشیر بزور گرفته شود ، اراضی شان ضبط گردد ، از اسرای آنان فی نفر یکهزار روپیه تحصیل شود و مستمری ۳۰ نفر ملای «اندر» از آغاز مقرری بازگشت گردد ۰(١)

مبارزات عالم مشهور ملانجم الدین معروف به آخوند صاحب «هده» علیه استعمار انگلیس و سلطهٔ آن در افغانستان ، حقایقی می باشد که در تاریخ مبارزات ملت افغانستان جایگاه خاصی دارد ۰ در اثر اعلان این مرد مبارز برای جهاد علیه انگلیس بود که در سال ١٨٨٧م در کابل ، پکتیا ، پروان ، کاپیسا ، لوگر وغیره رستاخیزی برپا شد و جنگ علیه متجاوزین آغاز گردید ۰ امیر عبدالرحمن خان که نمیتوانست نسبت به نفوذ عالم موصوف در جامعه بی اعتنا بماند ، وی را از کابل اخراج نمود ۰ لیکن این مرد مجاهد در «سوات» سنگر گرفت و تا آخرین لحظه بااستعمار جنگید و مردم را هدایت و ارشاد فرمود ۰

در همان سال (١٨٨٧م) عالم دیگری بنام ملا میر محمد ، از «ریزه کوهستان» باجرئت

---

١ ـ افغانستان در مسیر تاریخ صفحهٔ ٦٥٩ـ٦٦٠ ۰

و شهامت کم نظیری علیه امیر عبدالرحمن فتوا صادر کرد و گفت:

((امیر شیران غزات را بکشت و ملا نجم الدین را فرار کرد لهذا او ، اولی لامر نیست و باید چشمانش از کاسهٔ سر کشیده شود)) ۰ در اثر این فتوا جلادان امیر او را گرفتار کردند و با وحشیانه ترین وضعی به قتلش زسانیدند ۰ (۱)

بهمین ترتیب در لشکر کشی امیر عبدالرحمن به هزاره جات (۱۸۹۱ـ۱۸۹۲م مطابق ۱۲۷۰ـ۱۲۷۱ش) وقیام مردم غیور آن علیه امیر ، علما و روحانیون هزاره جات سهم بیشتر و عمده ای داشتند و تلفات و خسارات ایشان نسبت بدیگران زیاد تر بود ، چنانکه دو هزار ویکصد عالم و روحانی در جنگ باقوای امیر کشته شدند، یک هزار خانوار روحانی موفق به فرار گردیدند و یکصد خانوار روحانی از «یکه اولنک» بدست دولت افتاد ۰ در حالی که فیودال های هزاره بعضاً بادولت همکاری کردند وعده ای خود را تسلیم و بقای شان را تضمین نمودند (۲).

ب ـ در دورهٔ امان الله خان .

جانبازی و سهم علما و مشایخ افغاسنتان در جنگ بااستعمار گران برتانوی و حصول آزادی کشور ، حقیقتی است مسلم و روشن که صفحات تاریخ آنرا باخط زرین حفظ کرده است ۰ البتـه این قشـر محترم اجتماع همانطور که باتجاوز خارجی در میهن ما ، سخت حساسیت داشتند و فوراً علیه آن دست بکار می شدند ، در برابر انحرافات و فساد و مظالم داخلی هم از خود عکس العمل نشان میدادند و هرگاه کارها به آئین صواب و صلاح نمی آراست عملاً قیام می کردند ۰

روی این خصلت و خصوصیت دز سال ۱۹۲٤= ۱۳۰۳ ش پس ازانکه امیر امان الله خان رهٔ افراط در پیش گرفت و بساکارهایش به انحراف کشید ، دو نفر عالم بنام های ملا عبدالله خان و ملا عبدالرشید در لوگر و گردیز برضد او و عمالش شوریدند و فرمان جهاد صادر کردند که تعداد زیادی از مردم به ندای ایشان لبیک گفتند و تقریباً یکسال باقوای نظامی شاه امان الله جنگیدند ۰

این آشوب و قیام بحدی دولت را وار خطاساخت که امیر امان الله فرمان بمباری پکتیا را صادر کرد و طیارات روسی و داخلی ده هاتن بم را برفراز خانه ها فروریختند و مردم را قتل عام کردند ۰ (۳) بمباردمان و کشتار مردم پکتیا به قیام شان خاتمه داد و رهبران آن با ۲۵ نفـر دیگـر دستگیر و بتاریخ ٤ جوزای ۱۳۰٤ ش در کابل تیر باران شدند ۰ صدها نفر بولایات شمال کشور تبعید گردید ، ده ها قریه و صدها خانه خراب شد و تعداد کثیری از

---

۱ ـ افغانستان در مسیر تاریخ صفحهٔ ٦۹۷ ۰

۲ ـ راجع به قیام هزاره جات و تفصیل آن رجوع شود به : افغانستان در مسیر تاریخ ، صفحهٔ ٦٦٦ـ٦۷۰ ۰

۳ ـ دربارهٔ بمباران پکتیا بوسیلهٔ روس ها ، رجوع شود به: خاطرات آقابکوف ، صفحهٔ ۹۵ ۰

جوانان قربانی خود خواهی های امان الله خان گردید ۰

در همین سال بود که شاه امـان الله حضـرت نورالمشـائخ فضل عمر مجددی راباعایله اش از افغانستان اخراج نمود و دشمنی اش را با علما وروحانیت بیشتر تبارز داد ۰ قیام قاضی عبدالرحمن پغمانی ویارانش را در مبحث دورهٔ شاه امان الله تذکر داده ایم ۰

بهمین منوال در انقلاب دورهٔ امیر حبیب الله کلکانی ، رهبری مردم و قیام عمدتاً در دست علما و روحانیون بود و در ننگرهار نیز قیام های ضد دولت امانی بوسیلهٔ همین طبقه سازماندهی می شد ۰

اقدام سید اسمعیل بلخی و یارانش جهت از بین بردن شاه محمود خان صدراعظم (حمل ۱۳۲۹) در حد خود مصداق دیگری از مبارزات علما و روحانیون در کشور ما است که تفصیل آن قبلاً در جایش معروض گردید ۰

ج ـ تشکیل حزب الله

از آنچه دربالا بحیث نمونه و مثال تذکار یافت بخوبی معلوم می شود که مبارزات اصلاحی و یا قیام های سیاسی روحانیون و علماء کشور ما اغلب در چوکات مسوولیت های شرعی انجام می شده است و تاآخرین سال های صدارت شاه محمود خان ، تشکیلات و سازمانی بنام « حزب» نداشته اند ۰ دلیل هم شاید این باشد که پایگاه اصلی این طبقه بصورت طبیعی در عمق توده ها و دلهای مردم بود و هروقت کاری میخواستند انجام دهند ، مردم در خدمت شان می استادند و بفرمان آنان گوش فرا میدادند ۰

تاجائی که تاریخ و تجربه نشان میدهد روابط و مناسبات سنتی بین مقتدا و مقتدی و علماء و عامهٔ مردم نسبت به علایق ها و روابطی که بین رهبران احزاب و اعضای آنان وجود دارد ، بمراتب صمیمانه تر، صادقانه تر وطبیعی تر بوده است ۰ زیرا در حالت اول هیچگونه خود خواهی و جاه طلبی و طمع در بین نیست و آنچه دو طرف انجام میدهند محض برای رضای خدا و روی قراردادهائی اتکاء دارد که عقیده و ایمان و معنویت آنرا بهم پیوند زده است و هیچگاه متزلزل نمیشود ۰ لیکن تشکیلات و روابط حزبی که برانگیزه های مادی و منافع شخصی و قدرت جوئی استوار می باشد ، هر آن آسیب پذیراست و بمحض اینکه یکی از آن میان به هدف دست نیافت و طمعش براورده نشد ، از همدگر فاصله می گیرند ۰

بهرحال هنگامی که جنبش های فکری و سیاسی در کشور های همسایه و افغانستان رویکـار آمـد و فعالیت های گوناگونی در جامعه براه افتاد ۰ تعدادی از علما و استادان معارف چون قاضی عبدالظاهر سامی ، یعقوب حسن خان وامثال ایشان ضرورت احیاء فکر دینی و دولت اسلامی را بین شاگردان و دوستان خود کم کم تلقین میکردند و برارزش های

«جمهوری اسلامی» ، عدالت اجتماعی و انتقاد از زور گویان و اصلاح فرمانروایان تاکید می ورزیدند ۰ در نتیجهٔ این آموزش ها و آموختن ها تعدادی از جوانان مربیان باهم گرد آمدند و دید و بازدید هائی را در دوران صدارت محمد هاشم خان بصورت بسیار سری و مخفی آغاز کردند ۰ چون کوس فرمانروائی بنام شاه محمود خان نواخته آمد و بمردم تاحدی فرصت داده شد که مشق آزادی و دیموکراسی کنند و احزاب تشکیل دهند ، این گروه نیز بران شد تا سری پیدا کند و خود را سازماندهی نماید ۰ لذا در سال ۱۳۳۱ ش دست ارادت و تمنا بسوی مرحوم مولوی عبدالغنی مشهور به مولوی صاحب قلعهٔ بلند دراز کردند وازوی خواستند همچو «هسته» ای را رسماً پایه گذاری کند و آنرا شخصاً رهبری فرماید ؛

مولوی صاحب مرحوم که از نام نیک و شهرت کافی برخوردار بود و طالبان و شیفتگان علوم اسلامی از سر تا سر شمال وحومهٔ کابل در مدرسه و حلقهٔ تدریس او زانو می زدند و کسب فیض می کردند ، آرزو های دیرینه اش را برمراد یافت و بسال ۱۳۳۲ ش در مسجد سربازار چهاریکار سازمانی را بنام «حزب الله والرسول» اعلام فرمود ۰ حزب الله در اندک مدت فراگیر شد و هزاران نفراعم از پیرو جوان ، عالم وامی دران ثبت نام کردند و عضویتش را حاصل نمودند ۰ اما دستگاه حاکم بنابر تشویش و اندیشه ای که از این حرکت داشت و یکی از روحانیون وقت آنرا دامن می زد ، از هر جهت برمولوی مرحوم فشار وارد کرد و از بقا و فعالیت حزب الله همانند سایر احزاب جلوگیری فرمود ۰

مع الوصف تعدادی از اعضای آن براه خود مخفیانه ادامه دادند و این حرکت فرود و فرازی را پیمود که شرح آنرا به عهدهٔ خود اعضایش می گذاریم ۰(۱)

صدارت محمد داود و سرکشیدن کمونستان

محمد داود خان هنگامی کرسی صدارت را اشغال کرد که جنگ ویتنام و کشمکش های اعراب و اسرائیل کشور های غربی را بخود مشغول کرده بود و مجال آنرا نداشتند تا باهمتای شرقی خود « روس» برقابت برخیزند و بایاری و کمک به کشور های منطقه جلو نفود و پیشروی اورا بگیرند ۰

روس ها از یکطرف درگیری و مداخلهٔ غرب را در ویتنام و شرق میانه وسیلهٔ تبلیغات خود قرار دادند و اذهان عامه را علیه آن بسیج فرمودند و از سوی دیگر بااستفاده از این خلا و فرصت در اکثر کشورهای آسیائی دست دوستی دراز کردند و با این بهانه جائی که ممکن بود دام گستردند و ملت هارا شکار نمودند ۰

متاءسفانه کشور ماهم از لحاظ مالی و اقتصادی در وضعی قرار داشت که بخوبی آسیب پذیر بود ، زیرا از یکطرف حکومت ناگزیر باید باقافلهٔ زمان همراهی می کرد و از سوی

۱ ـ دراین قسمت علاوه بر متن چاپ اول کتاب حاضر ، از یادداشت های جناب آقای عشرتی نیز استفاده شده است ۰

دیگر چیزی در کیف و کسیه نداشت و مجبور بود دستی به اینسو و آنسو دراز کند و از دیگران وام ستاند ۰

روس ها که از دیر باز درکمین بودند و برای راه یابی و نفوذ بیشتر در افغانستان دقیقه شماری می کردند ، فرصت را مغتنم دانستند و بدون درنگ خود را به محمد داود رسانیدند و پول و امکانات تخنیکی و فنی را به افغانستان پیشکش نمودند ۰ محمد داود خان که در طلب و تقاضای کمک از کشور های دیگر چندان توفیقی احساس نمیکرد ، دست دوستی روس هارا بگرمی فشرد و پیشنهاد همکاری شان را صمیمانه لبیک گفت ۰ ازان تاریخ به بعد روس ها دسته دسته به کشور ماسرا زیر شدند وفتنه ای را که مردم از آن دوری می جستند باخود ارمغان آوردند ۰

پس از تدویر «لویه جرگه» در سال ۱۹۵۵م = ۱۳۳٤ ش دوستی روس و افغانستان از حد روابط عادی و همکاری های معمول فرا ترفت و یک سلسله پیمان ها وقراردادهائی در ساحات نظامی و اقتصادی بین دو طرف به امضاء رسید که نفوذ روس را در افغانستان بصورت طبیعی تضمین و کارسازی نمود ۰

آری ! از همان سال بود که پروژه های روسی در افغانستان رویدست گرفته شد و توأم باآن شبکه های تبلیغاتی وجاسوسی اش نیز بیش از پیش به فعالیت پرداختند و دیری نگذشت که این جرثومه های فساد و تباهی در عمق جامعهٔ ما رخنه کردند و بسا از جوانان را مسموم نمودند ۰ حتی افرادی هم که در گذشته گرایش های مارکسستی داشتند و عقاید خودرا از ترس مردم پنهان می کردند ، نقاب از چهره برگرفتند و آشکارا دست به فعالیت زدند ۰

پرروئی و بی حیائی افراد و عناصر کمونست در اندک مدت بحدی رسید که دیگر باک از میر و محتسب و اندیشه ای از عکس العمل های مردم در خیال شان باقی نماند و در همه جا اعم از صنوف درس ، محیط دانشگاه و صحن مکاتب ، آزاد وبی پروا به جدال ها و مباحثات عقیده وی خود مبادرت می ورزیدند و کمونیزم را آشکارا بین مردم تلقین می نمودند ۰ این وضع تنها در مرکز محدود نماند ، بلکه شبکه های آن بسرعت درولایات و روستاها بکار افتاد و بسا از جوانان خوش قلب روستائی را به بیراهه کشانید ۰

دستگاههای اداری و تعلیمی کشور نسبت به این طاعون فرهنگی که بتازگی در معارف و جامعه شیوع یافته بود ، چندان اعتنائی نداشتند وعده ای هم که احیاناً در اینباره تشویش از خودنشان میدادند باکم لطفی و تهدید مواجه می شدند ۰ محمد داود خان که خواهان تحولات اجتماعی و اقتصادی در کشور بود یا عمداً در برابر چنین وضعی اغماض می کرد یا جریانات و رویدادها بگونهٔ دیگری بوی تعریف می شد و یا فکر آن داشت که در برنامه های بعدی خود از نیروی جوان و اندیشهٔ معاصر بحیث یک پشتوانه استفاده کند

و توجه روسها را در همکاری به خود بیشتر جلب نماید • ولی در هر حال قدر مسلم آن بود که نمایندهٔ روس ها (حسن شرق) از نخستین روز صدارت محمد داود بحیث مدیر قلم مخصوص ، پیوسته در کنار وی قرار داشت و روابط بعضی افراد و جوانان منحرف با محمد داود ، بوسیلهٔ او تنظیم می گردید •

ترویج بی دینی و فساد و موضع گیری کمونستان علیه مذهب و دین بالاخره واکنش هائی را در جامعه برانگیخت و تعدادی از علما و مشایخ بدفاع و مقابله پرداختند • اما رژیم محمد داود بجای آنکه متوجه بدبختی و عواقب کشور شود و جامعه را از پرازیت های بی خدائی پاکسازی نماید، علما را مورد سرزنش و سرکوبی قرارداد و بسیاری را تبعید و زندانی نمود •

متاءسفانه اسماء و اعداد افراد و علمای محترمی که در مرکز و ولایات مورد خشم دستگاه محمد داود قرار گرفتند و رنج و آزار فراوان دیدند تا این لحظه در اختیار من نیست والاحق آنان اداء می شد و احترام شان بجا • تنها ازان جمله احوال دو نفر عالم و مجاهد یعنی جناب صبغت الله خان مجددی و مرحوم مولوی عبدالوهاب پنجشیری به این نگارنده روشن است که اینک من باب مثال و نمونه مختصراً به آن اشاره می شود •

جناب مجددی با اندوخته های سرشاری از علوم و معارف اسلامی که از محیط خانواده و جامع ازهر فراگرفته بود ، نه تنها شاگردانش را درلیسه ها بمسایل دینی و اسلامی آشنا می ساخت و آنان را بمبارزه علیه الحاد و بیدینی تشویق و توصیه می نمود ، بلکه در محافل و مجالس و از طریق مساجد و منابر نیز مردم را تنویر می کرد ، و توجه شان را به جلوگیری از بدعت های رائج در محیط معطوف میداشت •

این روشن گری و افشاء سازی حساسیت دستگاه را تحریک کرد و برای اینکه آنرا خنثی سازد و در انجام برنامه های تقلیدی محمد داود و روابطش با روس ها موانع ایجاد نشود ، امر گرفتاری اش را صادر فرمود • بنابراین جناب مجددی در ماه حوت سال ۱۳۳۸ ه ش زندانی گردید و بعداز ٤ سال و هفت ماه زندان پرمشقت و تحمل پیش آمد های نامردمی ، در نهم میزان سال ۱۳٤۳ه ش همراه باسایر زندانیان رها گردید• (۱) واینک بازهم درسنگر دفاع از اسلام زانوزده است وعلیه کفرو کمونیزم ونجات وطن از الحاد و استعمار می جنگد •

هکذا مرحوم مولوی عبدالوهاب پنجشیری که فکر می کنم بسیاری از مردم کابل و شمال افغانستان اورا بخوبی می شناسند و از شرح حالش کم و بیش خبر دارند ،

---

۱ ـ متاءسفانه در چاپ اول این کتاب ، تاریخ زندانی شدن جناب مجددی صاحب اشتباه شده است ، باعرض معذرت از خوانندگان امیدواریم آنرا تصحیح فرمایند : دربارهٔ زندانی شدن و رهائی حضرت صاحب رجوع شود به رسالهٔ سالار مجاهدین ، صفحه ۵۸ ، ۷۹ •

تحصیلات خودرا در مدارس دینی قارهٔ هند بپایان رسانیده بود و در جریان مبارزات مسلمانان پاکستان علیه سلطهٔ هند و استعمار انگلیس از داعیهٔ آزادی خواهی مسلمانان و ایجاد یک کشور اسلامی بنام «پاکستان» جانبداری می کرد و در درگیری هائی که بین دو طرف بوقوع پیوست با جمعی از همقطاران و شاگرادن خود عملاً بطرفداری از پاکستان می رزمید ٠

پس از برگشت بوطن مدرسهٔ علوم دینی رخهٔ پنجشیر را وسعت بخشید و با اعمار اطاق های الحاقی و اضافی در مدرسهٔ مذکور ، امکانات آنرا فراهم ساخت تاتعدادی از علمای برجسته درانجا گرد آیند و طلابی را که از اکثر نقاط شمال بدانجا رو آورده بودند ، تدریس نمایند ٠ مرحوم مولوی صاحب ماهبابه ولایات شمال سفر می کرد تا افراد خیّر را در این امر خیر تشویق کند و نفقهٔ طلاب و مدرسین را فراهم سازد ٠

او مرد شجاع ، عالم بی ریا و مبلغ فصیح و توانائی بود ، گاهگاهی که بکابل می رفت خودرا به مسجد پل خشتی میرساند و بااستفاده از انبوه نماز گزاران و مرکزیت آن ، گفتنی ها ، پیام ها و انتقاداتش را بافصاحت و جرئت از فراز منبر بیان می داشت و جز خدا از کس بیم نداشت ٠

در یکی از جمعه های سال ۱۳۳۷ هـ ش بازهم به مسجد پل خشتی رفت و از حکومت محمد داود و بی مبالاتی اش نسبت به امور دین و عدم جلوگیری از فساد و بی بندوباری و انحرافات فکری به شدت انتقاد نمود ٠ جاسوسان ضبط احوالات که از دیر باز قصد گرفتاری او را داشتند ؛ اینبار امانش ندادند و به مجردی که از مسجد خارج شد او را گرفتار گردند و به ضبط احوالات صدارت بردند و پس از اطلاع به محمد داود و کسب هدایت ، وی را تحت الحفظ به چهاریکار انتقال دادند و به اصطلاح «تبعید و نظر بندش» ساختند ٠

او در حالی که از رفتن به کابل و پنجشیر منع بود و اجازه نداشت بامردم در تماس شود ، سالی چند را در چاریکار سپری کرد و بعد از آنکه محمد داود از کرسی صدارت بزیر افتاد ، در زمرهٔ سایر زندانیان و تبعیدیان آزاد گردید و به شهر پلخمری مهاجرت نمود ٠ اتفاقاً دران ایام پلخمری یکی از مراکز عمدهٔ پرچمی ها بود و مرحوم مولوی صاحب باایمان قوی و شهامتی که داشت عرصهٔ فعالیت را برای شان تنگ ساخت و تاروزی که حیات داشت سرسختانه علیه کمونیزم و کمونستان مبارزه کرد و از نفوذ بیشتر آنان دربین مردم و جوانان جلوگیری نمود ٠

بی خدایان کمونست به حدی از وی دل پرخون داشتند که حتی بعد از مرگش هم آنرا فراموش نکردند و سلیمان لایق در اولین شعری که پس از کودتای ۷ ثور ، علیه مبارزین مسلمان نوشتٔ و مجلهٔ «پشتون ژغ = صدای مردم» آنرا نشر نمود ، از مولوی مرحوم در کمال

بی حیائی نکوهش بعمل آورد ٠

سعد یا مردنکو نام نمیرد هرگز
مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند

البته تعداد زیادی از علما و روحانیون و منورین (اعم از برادران اهل تشیع و تسنن) ، در چند دههٔ اخیر وجود داشته اند که در هر دوره ومن جمله در زمان صدارت محمد داود و آغاز بی دینی والحاد و استبداد در کشور ، علم مبارزه برافراشته اند و هریک فراخور حال و امکانات خویش قربانی هاداده اند و رنجها کشیده اند ٠ اما نام و خدمات شان یا اصلاً هنوز در مطبوعات جهاد ذکر نشده ویابه نام و اشاره ای اکتفا گردیده است ، واینکار بعقیدهٔ بنده نه بدان معنی است که نویسندگان دورهٔ جهاد عمداً ازان اغماض کرده اند ویاتعصبی درکار بوده است ، بلکه این کوتاهی اغلب بدلیل آنست که در شرایط مهاجرت و آوارگی گردآوری مجموعه ای کافی و شافی از آنهمه رویدادها و مبارزات و رجال و کارنامه های شان در سرتاسر افغانستان ، برای یک فرد عقلاً و عملاً محال و ناممکن است ٠ لذا این کار مقتضی آنست تا هرهموطنی که حرفی ، یادداشتی ، معلوماتی ، اطلاعی و اسنادی در اختیار دارد و از کارنامه های این راهیان راه خدا چیزی می داند ، بدون تعصب و کور دلی و زشت گوئی و نفی دیگران ، خود آنرا بنویسند و بگویند و دین خویش را اداء فرمایند ٠ تاهم خرما بدست آرند و هم صواب !!

بخش دوم یا گفتار دوم

جنبش های فکری و سیاسی «راست و چپ»

از آغاز دههٔ دیموکراسی تا ۷ ثور ۱۳۵۷ ﻫ ش

استعفای محمد داود خان از عهدهٔ صدارت (حوت ۱۳۴۱ش) و اعلام دیموکراسی و تجدید قانون اساسی ، بمردم افغانستان موقع داد تا باردیگر سر از تهٔ بال برون کشند و انجمن آرائی ها و فعالیت های سیاسی را از سر گیرند ۰ اما جز کمونستان وابسته بمسکو که در زمان صدارت محمد داود رشد کرده بودند و برای هر نوع حرکت و تحولی آماده بودند ، دیگر هیچ فرد و گروهی جهت تبارز و تشکل یک هستهٔ فوری سیاسی آمادگی قبلی ولازم نداشتند ۰ احزابی هم که در زمان صدارت شاه محمود خان روی صحنه سیاسی آمدند ، اینبار اقدامی نکردند و این خلاء سیاسی مایهٔ همه مصیبت ها و بدبختی های بعدی گردید ۰

علی ای حال گرچه قانون احزاب وجود نداشت و مردم جرئت نمیکردند در تاریکی گام بردارند و خودرا به چاه اندازند ، باآنهم جامعه و جریانات بنابر خصلت طبیعی اش احزاب راست و چپ و یا «تزها» و «انتی تزها» ئی را بوجود آورد که خلاصهٔ آنها بدین شرح است ۰

حزب کمونست «خلق»

کمونستان مسکو گرا که مقدمات کارخودرا قبلاً فراهم کرده بودند ، اولتر از همه دست بکارشدند و به تشکیل «حزب خلق» که تاآنوقت پنهانی و شفائی بود ، علناً مبادرت ورزیدند ۰ چنانچه خود می نویسند که:

((۰۰۰ با استعفای محمد داود و اعلان دیموکراسی ، نور محمد تره کی به تشکیل حزب طبقهٔ کارگر افغانستان اقدام نمود۰)) (۱)

این سازمان کمونستی اولین کنگرهٔ حزبی خود را بتاریخ ۱۱ جدی ۱۳۴۳ش مطابق با اول جنوری ۱۹۶۵م در کابل و در منزل تره کی برگزارنمود تا تشکیلات حزبی و برنامه های آنرا طرح و تنظیم کرده ، خودرا برای شرکت در انتخابات دورهٔ دوازدهم شوری آماده سازند ۰ کنگرهٔ مذکور نور محمد تره کی را بحیث منشی عمومی و تعدادی را به صفت اعضای کمیتهٔ مرکزی و اعضای علی البدل انتخاب نمود که عبارت بودند از:

ببرک کارمل ، سلطان علی کشتمند ، صالح محمد زیری ، غلام دستگیر پنجشیری ، محمد طاهر بدخشی ، نور محمد نور ، دکتر شاه ولی ، عبدالکریم میثاق ، سلیمان لایق ،

---

۱ ـ تاریخ مختصر حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ، چاپ کابل ۱۳۵۷ش ، ص ۸ ۰

بارق شفیعی ، حفیظ الله امین ، اسمعیل دانش ، عبدالحکیم شرعی جوزجانی ، عبدالمجید و ظاهر افق قندهاری ۰

به این ترتیب اولین حزب کمونست در افغانستان با تشکیلات منظم و علنی رویکار آمد و شبکه هاوسازمان های آن در سرتاسر کشور گسترش یافت ۰ تره کی قبل از انتخابات سال ۱۳٤٤ش از مسکو دیدن نمود و دراین سفر که بوسیلهٔ روس ها کارسازی شده بود از وی بگرمی پذیرائی بعمل آمد و از آن تاریخ به بعد چهرهٔ ایشان آشکارتر و دخالت روس ها در افغانستان وسیع تر گردید ۰

در انتخابات دورهٔ دوازدهم شورای ملی (سال ۱۳٤٤ش) تره کی از مقر، حفیظ الله از پغمان ، ببرک و اناهیتا از کابل ،نور احمد نور از پنجوائی قندهار ، فیضان الحق از رودات ننگرهار ، خودرا کاندید کردند که جز تره کی وامین ، بقیه موفق گردیدند و باییش از دوازده نمایندهٔ دیگر از جناح لیبرال و تند رو علیه حکومات به همکاری پرداختند ۰

بتاریخ ۲۲ حمل ۱۳٤٥ ش = ۱۱ اپریل ۱۹٦٦م ، شماره های اول و دوم جریدهٔ خلق که درآن تره کی بحیث موسس و بارق شفیعی به نام مدیر مسؤول معرفی شده بودند ، یکجا نشر گردید و مرام نامهٔ حزب را در سطح وسیعی منعکس ساخت ۰ این جریده هر دوشنبه یکبار انتشار می یافت ولی بعد از شمارهٔ ششم بعلت نشرات ایدیولوژی کمونیزم و انعکاس منفی آن درجامعه ، سنا و شوری ، حکومت طی ابلاغیه ای که بتاریخ دوم جوزای ۱۳٤٥= ۱۲ می ۱۹٦٦ منتشرشد ، آنرا مصادره کرد ۰ اما جریدهٔ مذکور در سفارت روسیه چاپ می شد و بصورت مخفی توزیع می گردید ۰

اعضای حزب خلق تا آن ایام صف متحد و یکپارچه ای داشتند و برای پیشبرد اهداف خویش باهم اشتراک مساعی می نمودند ۰ لیکن روس ها که مراقب اوضاع بودند و برای برنامه های آینده شان زمینه سازی می کردند ، درپی آن شدند تا حزب کمونست افغانستان را به گروهها و دسته بندی های مختلف تقسیم کنند و هریک را به سازماندهی جداگانه ای تشویق نمایند و بدین ترتیب قسمت زیاد مردم و اقوام مختلف را تحت شعارها و عناوین و انگیزه های متفاوت بسوی خویش جلب نمایند ۰

بنابراین می کوشیدند بطرق مختلف احساس خودی و تضادهارا در درون سازمان و بین اعضای حزب «خلق» برانگیزند واز این «تخم گندیده» چوچه های مصنوعی برون آرند ۰

انشعاب حزب خلق

ببرک در یکی از جلسات پارلمانی سال ۱۳٤٥ ش شاه افغانستان راحین ارزیابی بودجهٔ وزارت دربار ستود و آنرا مترقی ترین پادشاه درمیان ممالک آسیائی خواند و احترامش را واجب شمرد ۰ حتی آن را باصدر اسلام و عهد خلفای راشدین و هزینه مقامات

عالیهٔ دولت مقاسیه کرد ۰(۱)

اودربیانات خود راجع به اصطلاحات کهن اداری وزارت دربار اظهار داشت که:

((۰۰۰ این اصطلاحات همه کهنه شده و بهتر خواهد بود که بیک انجمن محترم سپرده شود تا از طریق تماس با وزارت دربار و وزارت مالیه ، اصطلاحات جدیدی وضع گردد و حیثیت پادشاهی ما حفظ شود۰)) (۲)

روس ها در قبال بیانیهٔ ببرک که خود آنرا دکته کرده بودند دوهدف را دنبال کردند ۰ نخست خوش نگه داشتن و اغفال شاه و جلب حمایت او از ببرک ، دو دیگر بهانه برای انشعاب حزب خلق که بهر دوهم موفق گردیدند ۰ زیرا بیانات ببرک در پارلمان و ستایش و تمجید وی از دربار ، بطرفداران تره کی در حزب بهانه ای فراهم ساخت تا او را مورد نکوهش و مواخذه قرار دهند ۰ در رابطه با این موضوع کمیتهٔ مرکزی حزب بتاریخ ۲ میزان ۱۳۴۵ ش جلسه ای تشکیل داد و از ببرک خواست از عضویت در کمیتهٔ اجرائیه استعفا دهد ۰ همچنان پیشنهاد ببرک جهت شمول میراکبرخیبر در کمیتهٔ مرکزی رد گردیدوتره کی اظهار داشت که موصوف قبل از پذیرفته شدن به حزب ، باید از وظیفه اش استعفا دهد ۰

بالاخره ببرک در تحت فشار کمیتهٔ مرکزی از عضویت درآن استعفا کرد وازمیر اکبر خیبر «افسر پولیس در خوست» تقاضا نمود تا وظیفه اش را ترک کند و در تشکیل حزب دیگری با وی همکاری نماید ۰ بعضی از اعضای حزب کوشیدند تا از اختلاف و تفرقه جلوگیری کنند ، اما این کوشش بجائی نرسید و سرانجام در ماه ثور ۱۳۴۶ هجری شمسی از هم جدا گردیدند ۰

انشعاب مذکور در همین جا خاتمه نیافت و جدال های پیگیر دیگری نیز در جریان بود ۰ از جمله در یکی از جلسات حزبی بین حفیظ الله امین و طاهر بدخشی برخوردی صورت گرفت که درآن ، طاهر بدخشی حفیظ الله را به فاشستی و او طاهر را به ناسیونالستی و سکتریستی متهم کردند ۰

این نزاع باعث شد تا حزب هر دو را به اساس دسپلین حزبی به دو درجه (برطبق معیاری که خود داشتند) تنزیل دهد که حفیظ الله آنرا پذیرفت و بکار خویش ادامه داد ، ولی طاهر از قبول آن سرباز زد و به سازماندهی حزب جداگانه ای پرداخت که بعداً به «ستم ملی» شهرت یافت ۰ این دسته بندی ها که بدستور روس ها و بطور مصنوعی ایجاد شده بود ، تدریجاً به کین توزی ها مبدل شد و رقابت هائی را ببار آورد که تا امروز نیز ادامه دارد و روس ها در حل آن ناتوان مانده اند ۰

---

۱ ـ تاریخ مختصر حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ، صفحهٔ ۲۱ ـ ۲۲ ۰

۲ ـ تاریخ مخضر حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ، صفحه ۲۳ ۰

در آخر سال ۱۳۴۶ش ببرک کارمل به سفارش و کمک نوراحمد خان اعتمادی صدراعظم اجازهٔ نشر جریده ای را بنام «پرچم» دریافت نمود واولین شماره اش بتاریخ ۱۴ مارچ ۱۹۶۸= ۲۴ حوت ۱۳۴۶ ، انتشاریافت ۰ جریدهٔ مذکور که توسط سلیمان لایق و میر اکبر خیبر طبع و نشرمی شد ، در نخستین شمارهٔ اش از «حزب دیموکراتیک خلق» نام برد و ببرک را بانی وموسس آن نامید ۰ اما تره کی بدون درنگ عکس العمل نشان داد و در جریدهٔ افغان ملت (شمارهٔ ۵۰) اعلایمه ای انتشار داد که «پرچم» هیچگونه ارتباط سازمانی باحزب دیموکراتیک خلق افغانستان ندارد ۰ از آن تاریخ به بعد بین دو جناح درگیری های لفظی شدیدی بمیان آمد و یکی بنام «پرچم» و دیگری بنام «خلق» از هم تفکیک شدند و تا اکنون به همین نام یاد می شوند ۰

در واقع روسها از یک هستهٔ کوچکی که در ابتداء بنام حزب «طبقهٔ کارگر» یا «دیموکراتیک خلق» بنانهادند ، سه حزب جداگانه رابوجود آوردند که هریک دارای ممیزات و ترکیب خاصی بود ۰

ماهیت و ترکیب این سازمان ها

۱ ـ دار و دستهٔ تره کی «خلق» : تره کی قبل از آنکه فضای باز سیاسی بوجود آید با تعدادی از جوانان و تحصیل کردگان قبایل پشتون و مناطق مرزی تحت نام و شعار «پشتون خواهی» تماس هائی داشت و به این بهانه آنان را که از نظر فکری تقریباً در مراحل ابتدائی قرارداشتند ، مسموم واغوا می کرد ۰

هنگامی که زمینه برای پخش و نشر اندیشهٔ کمونیزم کاملاً مساعد گردید و جوانان تحصیل کردهٔ پشتون در داخل و خارج افزایش یافت ، تره کی مافی الضمیرش را بمرحلهٔ عمل در آورد وعده ای از جوانان مذکور رابه انحراف کشانید ۰ بهمین دلیل بود که شمار افراد غیر پشتون در حزب خلق بسیار اندک وبی اثر محسوب می شد ۰

البته گرایش دوستان تره کی واعضای خلق به کمونیزم علاوه برآنچه گفته آمد ، عوامل دیگری هم داشت که بحث دربارهٔ آن سخن را بدرازا می کشد ۰

۲ ـ گروه پرچم: فعالیت این سازمان در ابتدا بیشتر متوجه قشر فرهنگی و شهری بود که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در سطح بالاتری قرار داشتند ۰ درباریان ، جنرال زاده ها ، ملاکان ، فیودال هاو خورده بورژواها و قشرمرفه ، بیش از هر طبقهٔ دیگر جامعه ، عضو این سازمان بودند و بهیمن سبب بود که توانستند در مطبوعات و معارف و سایرارگان های دولتی به آسانی رخنه کنند و عدهٔ زیادی از معلمان ، شاگردان مکاتب ، نویسندگان و کارمندان ادارت را بطرفداری خود جلب نمایند۰

گرایش افراد و گروههای یاد شده به حزب «پرچم» انگیزه های مختلف و متفاوتی داشت که اغلب با طبیعت آنان وفق میکرد ۰ بعضاً بفکر حفظ آبرو بااین بی آبروئی همنوا شدند و پرچم را باپول کمک کردند ، عده ای در آرزوی کسب احتمالی قدرت و تاءمین منافع شان در آینده با این حزب کله جنبانیدند و آنچه از دست شان ساخته آمد ، دریاری اش بکار بردند ۰ یک عده هم همگامی دراین صف را وسیله ای برای عیاشی و خوش گذرانی خودمی انگاشتند و فقط با اشتراک در فریاد «هورا» آنچه میخواستند بدست می آوردند ۰

شعارهای مزورانه و تبلیغات فرینبدهٔ ببرک و رفقایش درحد خود این انگیزه ها را دامن می زد و شبکه های شان بسرعت درمیان مردم گسترش می یافت ۰ روابط ببرک با دربار و محمد داود برآزادی «پرچم» و جلب افراد افزوده بود و عناصر فرصت طلب و سود جو را بیشتر بسوی خودمی کشانید ۰ چنانچه در کوتاه مدتی تعداد اعضای آن فزونی گرفت واز نیرومندی چشمگیری برخوردار گردید ۰

ستم ملی

این حلقه چنانکه گفته آمد به اثر برخورد حزبی بین حفیظ الله امین و طاهر بدخشی در سال ۱۳٤٥ ش از حزب «خلق» منشعب گردید و بحیث یک سازمان مستقل و آزاد به فعالیت پرداخت۰ مرکز عمدهٔ فعالیت های این «حزب» در ولایات بدخشان و حوزه شمال قرارداشت واهم مساعی اش آن بود تا احساسات جوانان تاجک ، ازبک ، ترکمن و هزاره را بدلیل آنکه حقوق ملی و مدنی ایشان بوسیلهٔ دیگران سلب شده است ، برانگیزد و آنان را بسوی خود جلب کند و تحت این تلقین و شعار که ملیت های نامبرده پیوسته محکوم بوده اند و قربانی ظلم و ستم و بی عدالتی شده اند ، ذهن شان را مسموم سازد ۰

در واقع شعاری که «ستم ملی» جهت اغوا گری جوانان بکار می برد ، درست در نقطهٔ متقابل حرفهائی بود که تره کی آنرا به جوانان پشتون القاء می کرد ۰ در حالی که از نظر ایدیولوژی هر سه گروه مذکور (خلق ، پرچم و ستم ملی) از یک منبع الهام می گرفتند ، از یک کشور تمویل می شدند و هدف واحدی را دنبال می کردند ۰ فقط آنچه روس ها از این دسته بندی های متضاد میخواستند آن بود که افراد متعدد و اقوام مختلف را بنام های این و آن و شعار های متفاوت به پیمانهٔ وسیعی جلب کنند تا مقدمات کارشان زود تر و به آسانی فراهم شود ۰ البته غرایز خودی و جاه طلبی این افراد بعداً و بتدریج فزونی یافت واین وضع نیز بسود روس ها بود ، زیرا هر یک می کوشید تا بااثبات وفاداری و پابندی به اوامر مسکو ، نظر لطف و توجه اربابان کرملن را بیشتر بخود معطوف دارند ۰

بهر حال «ستم ملی» در آغاز مارکسیزم لینینزم را بحیث یگانه عامل از بین بردن امتیازات و ستمگری ها بر پیروان خویش تدریس و تلقین می کرد و بدین ترتیب در بعضی

از نقاط بدخشان چون درواز ، شهر بزرگ ، زردیو ، و سرغیلان «مربوط بهارک» فیض آباد وغیره نفوذ نمود وعده ای از جوانان را به بیراهه کشید ۰ ولی مردم مسلمان و متدین این ولایت پس از آنکه اهداف اصلی «ستم ملی» را درک کردند باخشم و نفرت علیه شان موضع گیری نمودند واز بسط نفوذ آن در بین مردم جلوگیری فرمودند ۰ چنانچه ده ملا عبدالحیکم خان از فیض آباد ، طاهر را تکفیر کرد و او دیگر جرئت نداشت تابه بدخشان برود و درآنجا فعالیت کند ۰

مدتی بعد این «حزب» نیز دوچار اختلافات گردید و بحرالدین باعث معاون طاهر بدخشی در امور حزب ازوی فاصله گرفت و برای خود حلقهٔ جداگانه ای تشکیل داد ۰ طاهر تحصیل کردهٔ فاکولتهٔ حقوق و رهبر گروه مذکور خواهان (به اصطلاح) روش های علمی ، مسالمت آمیز و طرفدار مسکو بود ، ولی «باعث»(۱) به مبارزات مسلحانه ، جنگهای چریکی و ماجرا جوئی اصرار می کرد و به پیروی از افکار «مائو» تمایل داشت و به همین اساس در سال ۱۳۵۵ش جنگهای چریکی را در درواز بدخشان براه انداخت و تقریباً سه ماه با قوای امنیتی محمد داود خان به زد و خورد پرداخت تاآنکه دستگیر شد و زندانی گردید۰

وی در زمان تره کی خودرا به دیوانگی زد واز زندان به شفاخانه عقلی و عصبی علی آباد انتقال یافت واز آنجا فرار کرد که بازهم در خیرخانهٔ کابل دستگیر و زندانی شد ۰ رفقا و یارانش در ۱۳۵۷ ش جهت کسب قدرت ، در کشم ، شهر بزرگ و بهارک علیه تره کی قیام کردند و حکومت محلی «بهارک» را به تصرف درآوردند ۰ اما بعد از چند هفته درکوهها متواری گردیدند و تعدادی از آنان بدست قوای امنیتی افتاد ۰

باعث و رفقای زندانی اش بگمان اغلب تاجریان گروگان گیری سفیر امریکا بوسیلهٔ گماشتگان کی۰ جی۰ بی و عمال شان درکابل زنده بودند۰ لیکن برای آنکه چنان جنایتی را به ایشان نسبت دهند و برای خود بینی خمیری درست کنند ، همه را کشتند و چنان وانمودند که هنگام تلاش پولیس برای نجات سفیر امریکا در برخورد باقوای امنیتی کشته شده اند ۰

طاهر بدخشی در وقت تره کی بدولت پیوست و بحیث رئیس دارالتالیف مقرر شد ۰ لیکن حفیظ الله امین باخاطر ناشادی که ازوی داشت او را زندانی ساخت و بعداً بقتل رسانید ۰

در هر صورت مدتی بعد از حملهٔ روس به افغانستان ، اعضای «ستم ملی» نیز در پهلوی خلقی ها و پرچمی ها قرار گرفتند و به اقتضای ماهیت خویش بارزمندگان اسلام جنگیدند و هنوز هم تا این تاریخ که آغاز ماه جدی ۱۳۶۷ خورشیدی می باشد در بعضی نقاط شمال با مجاهدین درگیری دارند و درد سر هائی را خلق کرده اند ۰ (درین قسمت از

---

۱ ـ محراب الدین باعث محصل سال سوم فاکولتهٔ شرعیات بود ، ولی به اثر انحراف و انکار از اصول و عقاید اسلامی او را اخراج کردند ۰

معلومات برادران بدخشی استفاده شده است)۰

شعلهٔ جاوید

علاوه برسه گروه فوق الذکر که از مسکو الهام می گرفتند و دل باختهٔ اندیشهٔ کمونیزم بودند ، گروه کمونستی دیگری نیز در سال ۱۹۶۸م= ۱۳۴۷ ش بنام «دیموکرات نوین» در عرصهٔ سیاسی افغانستان تبارز نمود ۰ هدف این گروه هر چند در ظاهر دنبال کردن فعـالیت های دکتر عبدالرحمن محمودی بود ، اما از نظر فکری و عقیده وی گرایش به «مـائـوئیسم» و «مـارکسیزم» داشتنـد و با هر نوع انـدیشـه و حزب دیگـر مخالفت می ورزیدند۰

از نحوهٔ تشکیلات و چگونگی رهبری آن ، هیچگاه معلوماتی در جامعه ارائه نشد ، اما این اقدام را در کابل به خانوادهٔ دکتر محمودی نسبت می دادند و تنی چند از فرهنگیان واساتید دانشگاه راهم در رابطه باآن متهم می کردند ۰ آنچه مسلم می باشد این است که در اوایل سال ۱۳۴۷ش=۱۹۶۸ م دکتر عبدالرحیم محمودی امتیاز جریده ای را تحت عنوان «شعلهٔ جاوید» از وزارت اطلاعات و کلتور حاصل کرد و پسر کاکایش دکتر هادی محمودی را بحیث مدیر مسوول آن معرفی نمود ۰ چون اغلب جراید شخصی به گروهها و احزاب تعلق داشتند و بنام آنها منسوب بودند ، لذا جریدهٔ «شعلهٔ جاوید» هم ممثل و جانشین «دیموکرات نوین» شد وازان تاریخ به بعد حرکت و حزب مذکور به «شعلهٔ جاوید» مسما گردید ۰

این نشریه که معمولاً بصورت نامنظم انتشار می یافت بادولت وسیاست هایش در کلیه موارد اختلاف داشت واز دربار تا بازار را به شدت نکوهش می کرد ۰ بنابراین تقریباً پس از یکسال بحکم تخطی از قانون مطبوعات مصادره گردید و هرچند تلاش کردند دیگر اجازهٔ نشر نیافت ۰

شعلهٔ جاوید درمبارزات و برخوردش بامسایل اجتماعی وسیاسی تند رو و خشن بود و جز پیروی از خط چین همه آراء و افکار را مردود می شمرد ۰ حتی برای تابیعت از چین و تضادهایش بامسکو علیه خلق و پرچم می جنگید و آنهارا بنام « احزاب حکومتی» محکوم می کرد ۰

هرچند این مفکوره به کندی پیش میرفت و قدرت جاذبهٔ آن بین مراکز علمی دردههٔ دیموکراسی کمتر بود ، باآنهم تعدادی از دانشجویان دانشگاه کابل را بخود جذب کرد که شواهدش در تظاهرات و فعالیت های دانشگاهی و در گیری بامحصلان مسلمان آشکار گردید و موجودیت آنرا در پهلوی سایر احزاب مسلم نمود ۰

در زمان جمهوری محمد داود شعلهٔ جاوید از تپش ماند و دم در گلو فروبست ولی با همـه خویشتن داری ، از چنـگ خلق و پرچم امـان نیافتنـد و بعضی از ایشان چون دکتر هادی محمودی گرفتار و نابود گردیدند ۰

این جنبش که فکر می شد توسط چین حمایت و تقویت می شود ، ابتدا درمیان اقوام هزاره و مخصوصاً قشر تحصیل کرده اش بسرعت نفوذ کرد و سپس دامنهٔ آن بوسیلهٔ مجید کلکانی ،(۱) در کلکان و قره باغ کوهدامن کشانیده شد و عده ای از جوانان را منحرف گردانید ۰

هنگامی که رقبای کمونست شان (خلق و پرچم) محمد داود را بیاری روس ها سرنگون کردند و قدرت را مستقیماً دردست گرفتند ، شعلهٔ جاوید در زیر ماسک دیگر و شعار دیگر وارد صحنه شد و بنام «سازمان آزادی بخش ملی افغانستان» یا «ساما» علیه تره کی به فعالیت پرداخت : اما این اقدام شان بازهم خیلی ماهرانه و مخفی و توأم با پنهان کاری بود و چنانکه از شب نامه ها و نشریه های شان برمی آمد کوشش می کردند این اوراق را بانام و شعارهای اسلامی ملفوف سازند و حریفان خودرا در دو جبهه اغفال نمایند ۰

پس از هجوم روس به افغانستان ، شعله ئی ها در نیمروز و کوهدامن مسلح شدند و بجای آنکه باروس ها بجنگند علیه مجاهدین صف آرائی کردند ۰ درگیری ایشان با رزمندگان اسلام روس هارا یاری کرد تا در مراحل اول به هدف های خود در مناطق یاد شده دست رسی یابند و جهاد را ضربه زنند ۰

چون جهاد نیرو گرفت و بسیاری از آنان در رویا روئی با مجاهدین کشته شدند ، وآنگاه رهٔ خدعه در پیش گرفتند و باتغییر قیافه و لباس خود را به صفوف مسلمان جا زدند و شعار اسلامی سردادند ۰

به تاءسف باید گفت که اینک در بعضی از تنظیم های جهادی (اعم از شیعه و سنی) شعله ئی ها تاعمق جاگرفته اند و باتظاهر به اسلام و جهاد هدف های خودرا دنبال می کنند۰ بعضی از این چهره ها آنقدر رسوا و شناخته شده است که حتی رهبران جهاد آنانرا می شناسند و یاتوسط دیگران معرفی می شوند ، لیکن خوشباوری ها ، ساده دلی ها ، ناآگاهی ها واحیاناً خریطه های دالر و مارک و فرانک ، به همهٔ این حرفها خط بطلان کشیده است و هرقدر در کاهش قرب و منزلت آنان سعی شود ، براعتبارشان می افزاید و بازار ایشان پر رونق تر میگردد ۰ تادیده شود که فرجام این بازی ها از آنِ کیست و سرافگندگی و ندامت نصیب

---

۱ ـ عبدالمجید کلکانی در دورهٔ صدارت محمد داود محصل مدرسهٔ شرعیات پغمان بود و پس از آنکه در قتل مولوی عبدالحق رئیس آن موسسه متهم گردید از مدرسه فرار کرد و در کوهها وروستاهای کوهدامن متواری شد ۰ چندین بار شایع گردید که او را گرفتار کرده اند اما موصوف همچنان در خفا بسرمی برد و گاهگاهی هم به افراد و دهات آنجا مزاحمت هائی ایجاد می نمود ۰

در دورهٔ دیموکراسی به شعلهٔ جاوید پیوست و گفته می شد که چندین بار به چین رفته و درس هائی فراگرفته است ۰ خلقی ها و پرچمی ها در جستجوی آن بیدار خوابی ها کشیدند تا آنکه این صید زیرک در ماه ثور ۱۳۵۹ ش در یکی از اپارتمان های مکروریان غافلگیر شد و بدام پولیس افتاد۰

بتاریخ ۱۸ جوزای ۱۳۵۹ ش = ۸ جون ۱۹۸۰ م رادیو کابل اعدام یازده نفررا اعلام کرد که عبدالله امین ، دکتر اسد الله امین ، اقبال وزیری و عبدالمجید کلکانی جزء این محکومان بمرگ بودند ۰

کدام!!

برعلاوهٔ آنچه شعله ئی ها در تنظیم ها انجام میدهند و مازاد بر تعدادی که در صفوف جهـاد رخنـه کرده اند ، اکنون در پشاور و کویته و اسلام آباد دفترها دارند ، نشریه ها واطلاعیه ها پخش می کنند ، آزادانه آمد و شد دارند و از هر مسلمان و مجاهدی هم مصوون تراند ٠

در خارج و مخصوصاً اروپا فعالیت و موجودیت شعله ئی ها بیشتر محسوس است ٠ از یکطرف بوسیلهٔ کمونستان و سوسیالستان فرانسه والمان و سویس تقویت ویاری می شوند واز سوی دیگر کمک های چین را از طریق دولت البانی و سفارت خانه های این کشور در خارج دریافت میدارند و حالاتوانسته اند حلقه های فعالی را درالمان بنام های «فازا» ، «گوافز» وغیره سازماندهی کنند و شبکه های آنرا در سر تا سر اروپا گسترش دهند ٠ گرچه در سال های اخیر بین شعله ئی ها نیز در داخل و خارج اختلافاتی رخ داده است و بنام ها و گروه های متعددی انشعاب کرده اند ، مع هذا همه از یک هدف پیروی می نمایند و مردم آنان را به همان اسم و رسم اول یعنی «شعله ئی» ها یاد می کنند٠

هدف اصلی و مساعی عمدهٔ شعله ئی ها چه در صفوف جهاد و چه در خارج از آن ، این است تا روزی جانشین خلق و پرچم گردند و گلهائی را که رفقای مسکو گرای شان در افغانستان چیده اند ، ایشان دسته بندی کنند و سبدهای چینی را از آن آذین بندند ٠

کاش روزی این فرزندان افغانستان بخود آیند واز تجارب تلخی که کمونیزم در کشور ما اندوخت ، درس عبرت گیرند و از گمراه ساختن و به بیراهه کشیدن نوجوانان بی تجربه و خوش قلب وطن که در گوشه و کنار جهان به یمن و همت کمونیزم آواره شده اند ، دست بردارند و از شرمساری و خجلتی که در تاریخ نصیب پرچمی ها و خلقی ها شد ، چیزها بیاموزند ٠

ممکن است این گروه ها درد سرهائی در آینده افغانستان ایجاد کنند ، لیکن فرجام کارشان همان خواهد بود که پرچمی ها و خلقی ها آنرا دیدند و لمس کردند ٠ چه بهتر کاری که از این سودای بی سود دست بر دارند و براهی روند که پایانش روشنائی و رستگاری باشد ٠

«وحدت ملی» یا «جبههٔ ملی» (۱)

سال تاسیس ۱۹۶۳م = ۱۳۴۲ ش

همزمان با تشکیل احزاب کمونست در افغانستان ، جنبش های اسلامی ، ملی وضد کمونستی وغیره نیز عرض وجود نمودند که بزرگترین و نیرومند ترین آن حزب «وحدت ملی» تحت رهبری استاد خلیل الله خلیلی بود ۰ این حزب بنابر ماهیت مردمی و خصوصیت های اسلامی و ملی اش بسرعت دربین اقشار مختلف جامعه نفوذ کرد و صدها دانشمند ، استاد ، عالم ، طبیب ، موی سفیدان قوم و جوانان تحصیل کرده و وطن دوست را بخود جلب نمود ۰

هدف کلی و نهائی حزب مذکور آن بود تا مردم را نسبت به آنچه که در کشور می گذشت آگاه سازد و آنان را از طریق مبارزات و روش های علمی علیه نفوذ کمونیزم بسیج کند و باخطراتی که هستی و آزادی افغانستان را تهدید می کرد مقابله نماید ۰

به اساس این آرزومندی تعدادی از اعضای آن خود را در انتخابات سال ۱۳۴۴ ش (دورهٔ دوازدهم شوری) کاندید کردند و در اکثر حوزه ها (بشمول استاد خلیلی) برنده شدند و به شورای ملی افغانستان راه یافتند ۰ لیکن از پیروزی کاندیداهای این حزب در حوزه های کابل و حومهٔ آن جلوگیری شد و بجای ایشان افرادی انتخاب گردید که مقامات ذی صلاح میخواستند و ببرک یکی از آنها بود ۰

اتفاقاً به اثر تضاد های شخصی و مخالفت هائی که دکتر محمد یوسف خان صدراعظم و آقای رشتیا وزیر مالیه با استاد خلیلی داشتند ، حزب «وحدت ملی» باتخریب و عکس العمل های منفی مواجه شد و کارتابدانجا کشید که شاه را از نیرویابی این حزب و موضع گیری اش در آینده ، ذهناً مشوش ساختند و زمینه را برای اضمحلال آن فراهم نمودند ۰ این بر خورد ها و سوء تفاهمات که اثراتش شخص دکتر محمد یوسف خان راهم بی گزند نماند ، نتایج نامطلوبی برجاگذاشت و قدرت و اعتبار روز افزون «وحدت ملی» در جامعه و پارلمان ، روس ها وایادی شان را واداشت تا علیه آن بمبارزه برخیزند وبه انواع دسایس وحیل تضعیفش نمایند ۰

نخستین اقدام در این راه آن بود که ذهن دربار را مشوش ساختند و استاد خلیلی را در سال اول پارلمانی به سفارت برگزیدند و در واقع از افغانستان اخراجش کردند و متعاقب آن تعدادی از افراد بی ماهیت وابن الوقت که بعضاً هیچگونه ارتباطی باسازمان «وحدت

---

۱ ـ متاءسفانه در چاپ اول این کتاب بجای «وحدت ملی» ، «جبههٔ ملی» نوشته شده و استاد خلیلی هم به تبعیت ازآن در بعضی نوشته هایش که بعداً بچاپ رسیده است از حزب مذکور بنام «جبههٔ ملی» یاد می کند ۰ این خطاناشی ازان بوده است که بعد از انحلال «وحدت ملی» و متوقف شدن اخبار «وحدت» مربوط به آن ، جریدهٔ دیگری در کابل بنام «جبههٔ ملی» منتشر می شد که در ظاهر شخصی بود ولی فی الواقع به «حزب وحدت ملی» ارتباط داشت وبوسیلهٔ بعضی از اعضای آن تمویل می شد۰

ملی» نداشتند، بعنوان «ائتلاف» باميوندوال پيوستند و از اين طريق کرسی های رياست و ولايت را بدست آوردند ۰

در عوض ، گردانندگان اصلی اين حزب يا در خارج بودند و يادرزمان خليلی و بعد از آن به انواع تهديد و تخويف مواجه شدند و دست از مبارزه کشيدند ۰

تشکيلات و برنامه های وحدت ملی

وحدت ملی اگرچه يک نهضت نوپابود واز تجارب کافی بهرهٔ چندانی نداشت، بآنهم از لحاظ چوکات بندی و تشکيلات و سازمان دهی ، بسيار ماهر و مجرب به نظر می رسيد ۰ تشکيلات و برنامه اش طوری تنظيم و عيارشده بود که ميتوانست خيلی زود و آسان در روستا ها و شهرهای کشور مراکز عمده ای تاسيس نمايد و نفوذ و تلاش کمونست هارا در نطفه خنثی سازد و زمينهٔ رشد يک جامعهٔ سالم ، آزاد و خدا پرست و پيشرفته را فراهم نمايد ۰ همچنان اين حزب کميته های متعددی داشت که در هر کدام آن تعدادی از دانشمندان و متخصصان مشغول بکار بودند و وظيفه داشتند تا در امور سياسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی ، صحی ، زراعی ، آبياری ، معادن و صنايع ، معارف ، مطبوعات ، اسلام شناسی وغيره مطالعات عميق و موثری انجام دهند و نتايج کار خويش را از طريق «دارالانشاء» حزب به کميتهٔ مرکزی ارائه دهند ۰ مقصود از اين تلاش ها و مطالعات طرح يک زندگی نو برای فردای افغانستان برموازين اسلامی و علمی بود که باهر نوع افراط و تفريط تضاد داشت واز نفوذ کمونيزم جلوگيری می کرد ۰

تحديد ملکيت ، ملی کردن طبابت ، سهيم ساختن کارگران در سود و سرمايهٔ کارخانه ها ، بيمه های تعاونی و صحی برای کشاورزان وکارگران ، از بين بردن تضاد های طبقاتی و اجتماعی ، بوجود آوردن معارف و مطبوعات هدفمند و متوازن ، جلوگيری از هرنوع تبعيض وبی عدالتی و امتياز طلبی و خلاصه تاءمين عدالت اجتماعی و برابری وبرادری عمده ترين هدف «وحدت ملی» را احتوامی کرد ۰ که متاءسفانه روس ها و مقامات عاليه ، هر دو آنرا تخريب کردند وراه رابرای يکه تازی کمونست ها در ميدان سياست و عمل هموار نمودند ۰

اشتباهات «وحدت ملی»

اين حزب که کمونستان او را بنام های «زرنگار» و «حزب شاه» ياد می کردند ، باهمه توانائی و کار آگاهی ، در آغاز کار متوجه جوانان معارف و افسران اردو و جلب وجذب ايشان نشد و بااصرار و پيشنهاد بعضی اعضای حزب در زمينه وقعی نگذاشت ۰ البته اين عدم التفات به جذب جوانان معارف هم ناشی از يک انگيزهٔ انسانی بود که حزب «وحدت ملی» تشبث دربين شاگردان مکتب و کشيدن آنان را از صحن درس و مدرسه به خيابان ها ،

گناه اجتماعی و سیاسی می پنداشت ۰ ولی اینکار بهترین فرصتی برای کمونستان بود تا از احساسات پاک نوباوگان معارف سوء استفاده کنند و ایشان را به کجراهه کشند و ازآن بحیث یک قدرت نمایشی و خیابانی در تظاهرات ضد دولتی کاربگیرند ۰

واکنش کمونستان در برابر «وحدت ملی» (۱)

گرچه قانون احزاب توشیع نشده بود و تمام سازمان ها و گروههای سیاسی که بعد از انفاذ قانون اساسی (سال ۱۳۴۳ ه‍ ۰ش) بوجود آمده بودند، بصورت غیر قانونی فعالیت می کردند، مع الوصف فعالیت های ایشان تا حدودی آزاد بود و هر کدام اعم از کمونست و غیر کمونست، میتوانستند خودرا سروسامان بخشند و برای جلب و جذب مردم جدوجهد کنند ۰

«وحدت ملی» هم که دران ایام تقریباً ده هزار عضو داشت ، بااغتنام از فرصت جریده ای را بنام «وحدت» انتشار می داد که نگارندگی آن به عهدهٔ یکی از علمای جید، باتقوا و مبارز افغانستان و عضو حزب «مولوی خال محمد خسته» بود ۰ ولی این نشریه دیری دوام نکرد و بنابر فشار دولت ، از هم پاشی حزب و عدم توان مالی از نشرباز ماند۰

کمونستان از انجا که این نهضت رایگانه حریف و رقیب غیر کمونستی خود میدانستند و ازوی سخت می هراسیدند ، تبلیغات بی شرمانه و ابلهانه ای را علیه آن آغاز کردند و آنرا به «شاه» منسوب نمودند ۰ هدف از این اتهامات دروغین و نامردانه آن بود تا از یکسو بعلت حساسیتی که آنروز ها در برابر دربار وجود داشت ، از مراجعهٔ بیشتر مردم به «وحدت ملی» جلوگیری شود و از سوی دیگر قدرت و نفوذ مردمی این سازمان را در جامعه ناشی از حمایت شاه معرفی کنند۰

متاءسفانه چیز نویسان خارجی هم باتقلید و اقتباس از شعار های پرچم و خلق ، حزب «وحدت ملی» را به شاه نسبت داده اند و بعضی از هموطنان ماهم که نقل قول از خارجی هارا مایهٔ فخر و فضیلت می دانند بی آنکه تحقیقی کنند و خودرا درجریان قرار دهند ، آنرا کاپی کرده اند ۰ درحالی که حقیقت غیر از این بود و در اساس نامه و مرام نامهٔ «وحدت ملی» واقعیت ها و مسایلی وجود داشت که هر نوع ادعائی را در زمینه نفی می نمود ۰ و چنانچه عملاً معلوم گردید ، شاه نه تنها از این حرکت دل خوشی نداشت ، بلکه آنرا باتبعید سیاسی استاد خلیلی بکلی ازهم پاشید ۰

---

۱ ـ متاءسفانه در بعضی نوشته های دورهٔ جهاد قصداً ویاناآگاهانه ، حزب «وحدت ملی» یا «جبههٔ ملی» ، با حزب «اتحاد ملی» که هر کدام احزاب جداگانه ای بودند و یکی با دیگری ربطی نداشتند ، اشتباه شده و درهم مزج گردیده است ۰ حتی این اشتباه بزرگ در رسالهٔ «دههٔ قانون اساسی» نیز بچشم می خورد که امید است خوانندگان و هموطنان ما متوجه این اشتباه باشند و حزب «وحدت ملی» را با حزب «اتحاد ملی» که درهمین مبحث معرفی می شود ، مغالطه نفرمایند ۰

آری! دران ایام خشنودی روس ها و گماشتگان شان در افغانستان بالاتر از هر نوع مصلحت ملی ودستورات اسلامی تلقی می شد و هیچکس به اندازهٔ ببرک خان قرب و منزلتی در دربار نداشت ۰

این درست است که استاد خلیلی بحیث مشاورمطبوعاتی شاه در دربار آمد و شد داشت ، اما ماموریت وی هیچ ربطی به حزب «وحدت ملی» نداشت وازهمه مهمتر آنکه امور اجرائی این حزب کلاً در دست اعضای برجستهٔ آن بود ، و استاد خلیلی تنها بحیث وجیه و سرشناس در سطح رهبری آن گماشته شده بود که آن هم جنبهٔ افتخاری و موقتی داشت ۰و هرگاه از بالا تخریب نمی.شد و سیر طبیعی اش ادامه می یافت ، ده ها افراد برجستهٔ دیگر در حزب مذکور بودند که امور رهبری آنرا بعهده می گرفتند و آنرا به نحو احسن پیش می بردند و چنین امری در راس برنامه های بعدی حزب در نظر گرفته شده بود ۰

حزب دیموکرات مترقی

یا

مترقی دیموکرات

مرحوم میوندوال در دومین سال صدارتش حزبی را پایه گذاری کرد و آنرا بنام «دیموکرات مترقی» مسمانمود ۰ هدف از این تشکیل مبارزه در راه استقرار مشروطه ، نظام پارلمانی ، دیموکراسی واقعی و ملیت خواهی (وطن دوستی) بود ۰ زیرا میوندوال عقیده داشت که احزاب میتوانند در تطبیق دیموکراسی و اصلاحات اقتصادی و اجتماعی وثبات حاکمیت ملی نقش مهم بازی کنند ، مشروط براینکه چنین احزابی آلهٔ دست بیگانگان نباشند و بنام پیروی از «ایده های مترقی» کشور را بازیچهٔ امیال و منافع خارجی نسازند ۰

مرحوم میوندوال این مسلمان آگاه ، وطن دوست و خدا پرست ، دین را بافطرت بشری نزدیک و توأم می دانست و در بیاناتش می گفت که : ((انهماک بدین ، عقاید اجتماعی را از بغض و تعصب مبرامی سازد و به آن یک جهان بینی و وسعت نظر می بخشد ۰ از این جهت است که دین را پشتوانهٔ لاینفک عقاید خود قبول می کنیم و دیانت اسلامی را بحیث رهنمای خود در عقیده بخدا ، در معاملات به خلق و در اخلاق فردی و اجتماعی میدانیم۰))

همچنان میوندوال اساس عدالت را در اجتماع یک اصل خدائی و یک اساس اخلاقی می خواند و بران بود که : ((اسلام یک جهاد است بانفس و بامعایب اجتماعی و یک جهاد دوام دار است که جامعه را بطرف تکامل رهنمائی می کند۰۰۰)) موصوف با هرگونه نفوذ

و تسلط اجنبی مخالف بود و هرنوع حرکتی را دور از چوکات و شئون اسلامی و افغانی مردود می شمرد ۰ (۱) وی از نیازمندی های کشور به ساینس و تکنالوجی و علوم جدید کاملاً آگاهی داشت وفراگیری آنرا باحفظ هویت و اصالت فرهنگی مان ، به نسل جوان توصیه می کرد ۰

میوندوال ، خود شخصاً طرفدار اقتصاد «مختلط و رهبری شده» بود و ازان حمایت می کرد ۰ اما بعضی از رفقای حزبی اش بخصوص جناح «ویش زلمیان» کلمهٔ سوسیالیزم را بعداً در مرام نامهٔ حزب افزودند و برای او درد سر و جنجال خلق کردند و بمجردی هم که او را بیمار و در معرض سقوط یافتند ، ترکش گفتند و بدولت پیوستند ۰

برنامه های این حزب در بعضی موارد مانند مسایل زراعی ، اصلاحات ارضی ، تحدید ملکیت ، ملی کردن طبابت وغیره ، تا حدودی با «وحدت ملی» شباهت هائی داشت ۰ مخصوصاً دربارهٔ مسایل اجتماعی ، فرهنگی و برخورد باکمونیزم ، هر دو یکنوع می اندیشیدند واز یک آرمان (اسلام و بقای افغانستان) پشتیبانی میکردند ۰

در هر حال میوندوال هم بفکر اینکه موجودیت استاد خلیلی در شوری و نفوذ «وحدت ملی» در اجتماع شاید برای اومشکل ایجاد کند ، شاه را در تصمیمش نسبت بدور ساختن خلیلی از صحنهٔ سیاست وحزب بازی تشویق کرد و این آشکار ترین اشتباه بود که مرتکب گردید۰ او فکر میکرد بااز بین رفتن خلیلی سازمانش نیز ازهم می پاشد و او در میدان سیاست بی رقیب می ماند ۰ ولی باوجود زیرکی و هوشیاری فراموش کرده بود که کار دو دست هیچ گاه از یکی ساخته نیست و او بااین کار تنها و بی یاور می ماند و خیلی زود از پامی افتد ۰ شاید فشار و تشویق افراد نزدیک به میوندوال او را به چنان تصمیم و اقدامی وا داشته بود ، که در هر صورت بامصالح ملی و مبارزات آنروزی سازگار نبود ۰ گرچه بعضی افراد از «وحدت ملی» بامیوندوال پیوستند و گمان میرفت که بقدرت آن افزوده باشند ، لیکن ایشان از کسانی بودند که پایهٔ مردمی نداشتند ولذا عدم و موجودیت آنان درکنار میوندوال کوچکترین تاثیری نداشت ۰

دیموکرات مترقی همانند «وحدت ملی» درمیان جوانان معارف و دانشگاه کمتر نفوذ داشت ، بدلیل آنکه اوهم میخواست تا قدرت را از طریق مبارزات مسالمت آمیز سیاسی بدست آرد ونه ازراه زور و تخریب و تظاهرات خیابانی ۰ لذا ترجیح میداد تا در سطوح بالا و در جمع افرادی به فعالیت بپردازد که مسایل را آگاهانه و شعوری درک کرده بتوانند ۰

گرچه میوندوال دوستانی در قشر بالائی اردو داشت و در مباحث قبلی اشاره کردیم ، اما موصوف برای جلب و جذب ایشان جهت اشتراک در فعالیت های سیاسی اقدامی نکرده

---

۱ ـ دربارهٔ تفصیل دکتورین شهید میوندوال و برنامه هایش رجوع شود به رسالهٔ : «محمد هاشم میوندوال» نوشتهٔ آقای محمد نجیم آریا ، چاپ سال ۱۳٦۳ هـ ش = ۱۹۸٤ میلادی ۰

بود • زیرا او باهرنوع خشونت و ترور و کودتامخالف بود و آنرا نوعی «دزدی سیاسی» مینامید•

میوندوال جهت پخش و نشر برنامه ها و اندیشه هایش جریده ای را بنام «مساوات» نشر می نمود که از نظرمتن و محتوا بسیار عالی بود و تبصره ها و مضامین آن که بعضاً بوسیلهٔ خود او نوشته می شد ، خوانندگان و علاقه مندان زیادی داشت •

مسـولیت نشـر جریدهٔ مسـاوات که در واقـع ارگان نشراتی حزب دیموکرات مترقی محسوب می شد ، ابتدا بعهدهٔ محمد رحیم الهام استاد زبان شناسی فاکولتهٔ ادبیات بود و پس از آنکه او امتیازاتی بدست آورد و میوندوال را بامخاصمت ها مواجه دید و استعفا داد ، محمد شریف ایوبی عهده دار این رسالت شد و تاآخر به اینکار ادامه داد •(۱)

در دورهٔ نور احمد خان اعتمادی صدراعظم از نشر جریدهٔ «مساوات» جلوگیری بعمل آمد و حوصلهٔ سیاسی دستگاه حاکم و رقابت های شخصی حتی تحمل این راهم نداشت تا در برابـر انتقادات معقول و منطقی یک جریدهٔ شخصی هم توانائی از خود نشان دهد و به اعتراضات او پاسخ گوید • ولی در دورهٔ صدارت دکتر عبدالظاهر خان جریدهٔ مذکور مجدداً اجازهٔ نشریافت و تا کودتای سرطان ۱۳۵۲ش بصورت غیر منظم به نشرات خود ادامه میداد •

افغان ملت

در جریان آنهمه تمرینات سیاسی و شور و شوقی که مردم برای حزب سازی و سهم گیری درسـر نوشت افغـانسـتـان داشتنـد ، انجینـر غلام محمـد فرهـاد نیز در ۱۷ حوت ۱۳٤٤ش = ۱۹٦٥ م حزبی را بنام «افغان ملت» پایه گذاری کرد و توانست تعدادی از مردم را بدور خود جمع کند • اکثریت اعضای افغان ملت را برادران پشتون تشکیل میداد و اقوام دیگر کمتر دران عضویت داشتند •

این حزب در آغاز کدام برنامه و مرام نامهٔ کتبی نداشت و تمام اهداف و مرامش دراین جمله و شعار خلاصه گردیده بود که؛

((مایک ملت واحد ، آزاد ، پیشرفته و افغانستان کبیر میخواهیم •)) (۲)

بعداً برنامهٔ «سوسیال دیموکراسی» هم براهداف بالا علاوه گردید و مرام نامهٔ حزب از

---

۱ ـ در چاپ اول این کتاب بجای « محمد شریف ایوبی» آقای محمد نجیم آریا همکار و دوست دیگر میوندوال بحیث مدیر مسوول جریدهٔ «مساوات» معرفی شده است که مسلماً اشتباه می باشد و تصحیح شود •

۲ ـ افغانستان کبیر ، از نظر «افغان ملت» شامل آن محدودهٔ جغرافیائی می باشد که در زمان احمد شاه بابا وجود داشت ولی بعداً در دوره های مختلف به اثر لشکر کشی ها و برخورد ها وياقراردادهای حد بخشی و بین المللی از خاک افغانستان جدا و به کشور های همسایه ملحق گردیده است •

البته این احساس خوبی بود، اما با معیارها و واقعیت های عصر حاضر جور در نمی آید •

قرارداد شفائی بروی کاغذ کشیده شد ۰ گرچه دربرنامۀ عمومی «افغان ملت» همۀ مردم افغانستان برادر خوانده شده بود و هرنوع امتیاز و تبعیض رد گردیده بود ، مع هذا در اندرون حزب تشتت فکری وجود داشت وعده ای از اعضای آن بطرفداری از نژاد سالاری و پشتون خواهی فعالیت می کردند و تعصبات قومی و زبانی را در حد اعلی و افراط دامن میزدند ۰ مثلاً در شمارۀ اول جریدۀ «افغان ملت» ارگان نشراتی حزب ، مقاله ای زیر عنوان: «دپښتون تذکره» به نشر رسیده بود که جز تعصب و برانگیختن احساسات خشک و منفی نژادی ، اصلاً حرف و مضمونی نداشت و بهمین سبب بود که از همان آغاز به «نژاد پرستی» متهم گردید و تا امروز هم مردم دربارۀ این حزب همان نظر را دارند که در مراحل اول داشتند ۰

افغان ملت، حکومات دورۀ دیموکراسی را اشرافی وغیر ملی مینامید و از تائید آنها اباء می ورزید ، امّا وقتیکه انجنیر فرهاد رهبر حزب در سال ۱۳۴۸ش از کابل بحیث وکیل در شورای ملی انتخاب شد ، برخلاف نظریات خود و حزبش ، به نوراحمد خان اعتمادی صدراعظم رای اعتماد داد ۰ این اقدام او رفقایش را به شدت عصبانی ساخت و در نتیجه حزب مذکور به سه دسته انشعاب نمود ۰ عدۀ زیادی با فرهاد مقاطعه کرد ، تعدادی با او باقی ماند و دسته ای هم از سیاست کنار گرفت ۰

یکسال بعد انجنیر فرهاد از وکالت در شوری استعفا داد و گروهی که از «افغان ملت» جدا شده بود تحت رهبری فدا محمد فدائی حزب دیگری را بنام «ملت» سازماندهی نمود و به این ترتیب ، فدائی که مدت ها مدیر تحریرات و مامورین شرکت برق و همکار اداری و حزبی انجنیر فرهاد بود ، از وی برید و به سوسیالیزم چینی متمایل گردید ۰ وی در سنبله ۱۳۵۰ ش = ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۱ م جریدۀ «ملت » ارگان نشراتی حزبش را منتشر نمود ، لیکن بعد از چند شماره بنابر انحراف از قانون اساسی و مطبوعات ، اخبارش مصادره و خودش زندانی شد ۰

در دورۀ جمهوری محمد داود حزب «افغان ملت» نیز چون سایر احزاب از فعالیت بازماند ۰ ولی بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ش باردیگر به فعالیت آغاز کرد و تاز مستان سنه ۱۳۶۱ ش مخفیانه بکار خود ادامه داد ۰

در سال ۱۳۶۲ش = ۱۹۸۳ م تعدادی از افراد این حزب در کابل به دولت دست نشاندۀ روسی پیوستند و حزب را منحل اعلان کردند۰ هر چند این حرکت از طرف صلاحیت داران حزب در خارج رد گردید ، باآنهم اقدام مذکور به حیثیت و اعتبارآن لطمه وارد ساخت و خاطرات ناخوش آیندی را در اذهان بجا گذاشت۰

همچنان محمد امین واکمن یکی دیگر از اعضای افغان ملت در دوران اشغال افغانستان توسط قوای روسی ، خودرا منشی «افغان ملت» معرفی نمود و درهند بیانیه ای ایراد کرد و تمام برنامه های تره کی و روس هارا در افغانستان مورد تائید قرارداد و این امر باعث شد تا

حساسیت مردم در برابر افغان ملت بیشتر گردد و صدمات قابل ملاحظه ای برآن وارد آید ۰

بعضی از اعضای افغان ملت بشمول قدرت الله حداد برادر انجنیر فرهاد ، بعد از هجوم روس ها به افغانستان وارد پشاور شدند و موضع گیری خودرا علیه روس و تجاوزش از طریق جرایدی بنام های «افغان ملت»و «استقلال» منعکس نمودند ۰ اما حکومت پاکستان ایشان را برسمیت نشناخت و مساعی شان در این راه بجائی نرسید ۰

در سال ۱۳٦۵ ش = ۱۹۸٦ م افغان ملت بازهم به سه بخش انشعاب نمود ۰ دسته ای به آقای شمس الهدی «شمس» پیوست ، گروهی به آقای محمد امین واکمن ، وعده ای هم با«حداد» برادر انجینیر فرهاد ۰

آنانی که باآقای واکمن در خارج همراه شدند ، در سال ۱۳٦٦ ش= ۱۹۸۷ م هیئتی را به المان فرستادند و با سوسیال دیموکرات های این کشور علناً روابط برقرار کردند که در نتیجهٔ آن ، گروه مذکور از سوی دیگران محکوم و وابسته بخارج نامیده شد ۰

حزب اتحاد ملی

این حزب هم ظاهراً در سال ۱۳٤۸ ش توسط عده ای چون محمد اسحاق عثمان ، دکتر امان الله رسول حبیب الله فاروقی و امثالهم پا بعرصهٔ بازار سیاست نهاد و جریده ای راهم در ماه اسد ۱۳٤۸ ش = ۳۰ جولائی ۱۹٦۹م تحت نام «اتحاد ملی» به نشر رسانید که مدیر مسوول آن شاعر خوش کلام آقای عبدالحکیم مژده بود ۰ ولی آقای مژده بعد از نشر چند شماره بدلایلی که برمن روشن نیست ، استعفا کرد و مسوولیت نشر آن به عهدهٔ شخص دیگری گذاشته شد که اسمش را بندهٔ الله فراموش کرده است ۰(۱)

حزب مذکور تاجائی که ظاهر امرنشان میداد چندان توفیقی در جلب و جذب مردم نداشت و جز عدهٔ محدودی از برادران محمد زائی کسی به آن علاقه نشان نداد ۰ خود آقای محمد اسحاق عثمان هم پس از انتخاب شدن در جملهٔ اعضای شورای ملی ، بنابر اختلافات و تضادهای فکری از عضویت در حزب مذکور استعفا داد ۰ و بدین ترتیب کار این حزب بجائی نرسید ۰

جمعیت عوام

جمعیت نام برده توسط آقای دکتر عبدالکریم فرزان در کابل تشکیل گردید ۰ گرچه تاریخ تاسیس و اعضای موسس آن روشن نیست ، مع الوصف ذبیح الله عصمتی و خواهرش معصومه وردک که یکدوره در شوری وکیل بود ، از اعضای برجستهٔ آن محسوب می شدند ۰

---

۱ ـ بتاریخ ۱۷ جنوری ۱۹۸۹ م نام این شخص را تیلیفونی از آقای محمد اسحاق عثمان جویا شدم ، مگر متاءسفانه او نیز چون من فراموش کرده بود ۰

جمعیت مذکور چون سایر احزاب جریده ای داشت بنام «صدای عوام» که از ۲۷ مارچ الی ۲۰ جون سال ۱۹٦۸م = ۱۳٤۷ ش به نشر رسید و سپس متوقف گردید ۰

آقای دکتر فرزان از تحصیل یافتگان ترکیه در رشتهٔ طب و صاحب منصب بود ۰ اما بعلتی که در عسکری فعالیت های سیاسی مجاز نبود ، وی از عهده اش استعفاداد و در دورهٔ دوازدهم شورای ملی از حکومت محلی زنده جان هرات بحیث وکیل انتخاب شد و به شوری راه یافت ۰ در آغاز دورهٔ وکالت باجناح چپ و مخالفین حکومت همکاری و همنوائی داشت و سپس به اثر اختلافات فکری و یا انگیزه های خودی رهٔ مستقل در پیش گرفت و به تشکیل «جمعیت عوام» پرداخت ۰

جمعیت عوام ، خط ثابت و مشی مشخصی را دنبال نمیکرد ولی از متن حرفها و مقالاتی که در جریدهٔ «صدای عوام» به نشر می رسید چنین استنباط می شد که جمعیت مذکور به نوعی از سوسیالیزم دلبستگی دارد و از آن حمایت می کند ۰

بهرصورت این حرکت در کابل طرف توجه قرار نگرفت و ساحهٔ فعالیت آن تنها در هرات محدود ماند و آنهم بتدریج از بین رفت و بعد از کودتای محمد داود خان در ۲٦ سرطان ۱۳۵۲ دیگر نامی از آن شنیده نشد ۰

علاوه براخراب وگروههائی که در بالا تذکار رفت ، بعضی حلقه های کوچک دیگر نیز در جامعه وجود داشت که موجودیت و فعالیت ایشان چندان محسوس و آشکار نبود ۰

فصل شانزدهم
نگاهی به نهضت اسلامی در افغانستان

از حدود نیمهٔ دوم قرن سیزدهم اسلامی و پس از قرنها رکود ، یک جنبش اصلاحی در جهان اسلام پدیدار گشت که اثرات آن ، ترکیه ، افغانستان ، ایران ، هند ، سوریه ، مصر و لبنـان را فراگـرفت ۰ عده ای طرفدار نظام اسلام به شیوهٔ خلفای عباسی بودند ، بعضاً جمهوری اسلامی میخواستند و افرادی هم استقرار حکومت الهی را در کشورهای مسلمان موجب رستگاری و خیر و مصلحت بشری می دانستند ۰

اندر این میان شخصی که بیش از همه دردهای مسلمین را با واقع بینی خاص درک و بیان می نمود و میخواست در اندیشه و نظام زندگی مسلمین رستاخیزی بوجود آرد ، سید جمال الدین افغانی بود ۰ و به جرئت میتوان گفت که نهضت های اصلاحی صد سالهٔ اخیر در جهان اسلام ناشی از افکار علمی و انقلابی اوست ۰ او مهم ترین و مزمن ترین مشکلات و گرفتاری های جوامع اسلامی را در استبداد داخلی و استعمار خارجی میدانست و علیه آن مبارزه می کرد ۰ علاوه برآن سید از بی خبری و جهل و جدائی و تفرقهٔ مسلمین رنج می برد و نفوذ استعمار و عقاید خرافی را در جامعه و اندیشهٔ آنان ، دردهائی می دانست که برای از بین بردن شان آگاهی و بصیرت و شرکت فعالانهٔ مسلمین در سیاست و امور کشورها لازم و واجب محسوب می شد ۰

نهضت سید هم فکری بود و هم اجتماعی ۰ او می کوشید تا جهان اسلام اختلافات فرقه ئی، منـطقـه ئی ، زبـانی و نژادی را که زادهٔ وسـوسه های اهریمنی و استعماری است، از میان بردارند و همه براساس اخوت اسلامی صف واحدی را علیه استعمارچیان و غارتگران تشکیل دهند ۰ تا بار ظلم و استبداد از دوش شان برداشته آید و روح جهاد و جهاد گری به اسـلام باز گردد ۰ سید اقتباس و استفاده از ساینس و تکنالوجی جدید را با حفظ هویت و اصالت اسلامی ، مجاز و ضروری می دانست و از هرگونه تقلید و غرب گرائی مسلمین را برحـذر میداشت ۰ وی در جستجوی اسلام راستین و اصیلی بود که گرد غبار بدعت و خرافات از چهره اش بدور باشد و از هر نوع پیرایه بندی ها و خرافه که دست های مرئی و نامرئی دشمنان اسلام برآن افزوده باشند ، همانند صدر اسلام پاک و منزه باشد ۰

نهضتی که سید جمال الـدین آغاز کرده بود بامرگش خاتمه نیافت، بلکه شاگردان و پیروانش آنرا دنبال کردند ۰ ازجمله شیخ محمد عبده در مصر شمع پرفروغ اندیشه و افکار سید را روشن نگه داشت و راه او را دنبال نمود که در نتیجه ، شاگردان زیادی از آن مکتب فکری برخوردار شدند و نهضت مذکور توسعه و ادامه یافت ۰ اما از انجا که حرکت و فعالیت اصلاحی اینگونه افراد منافع زمام داران و فرمانروایان رابخطر مواجه می ساخت و با هر نوع استبداد برخورد اصولی داشت ، در همه جا سعی می شد تا از رشد و باروری آن جلوگیری شود ۰ و بنا براین علماء و دانشمندانی که دراین خط فکری مبارزه می کردند ، خارچشم حکام و روزگار بودند و روزهای سخت و دشواری را می پیمودند ۰

مبارزات و اندیشه های ضد استعماری سید ، بر همه جهانیان و مخصوصاً دنیای اسلام اثرات عمیق و بنیادی بر جا گذاشت و جنبش های آزادی خواهی را در شرق و غرب تحریک نمود که نمونه های آنرا در نهضت های آزادی خواهی شبه قارهٔ هند و افغانستان بخوبی میتوان مطالعه نمود ۰

و اما در کشور ما ، ادامهٔ کار و برنامه های سید تادیرزمانی از خصوصیت انقلابی اش بی بهره بود و در اثر محیط نامساعد و شرایط استبدادی از رشد و نموباز ماند ۰ مدارس دینی ، حلقه های روحانیت و علمای مذهبی که پاسداری نهضت سید را به عهده داشتند ، پیوسته در معرض آزار و اذیت بودند و گاهگاهی خساراتی را هم متحمل می شدند ۰ لیکن باوجود آنهمه اختناق و اسلام دشمنی ها ، امواج فکری و ذهنی نهضت آهسته آهسته در جامعه راه می یافت و جهش هائی را ببار می آورد ۰ گرچه این نهضت ها به گونهٔ جنبش های امروزی ، سازمان یافته و متشکل نبودند ، با آنهم برانگیختن احساسات مردم علیه استعمار و استبداد ، اغلب توسط رهبران مذهبی و روحانیت انجام می یافت و همان ها بودند که در جنگ های آزادی خواهی افغانستان از سلطهٔ انگلیس و مبارزه علیه فساد و بیداد حکام ، قربانی ها دادند و کارنامه هائی از خود بیادگار گذاشتند ۰ چنانچه امروز نیز بعضی از علمای کشور دوشا دوش جوانان مسلمان درسنگرها بسر می برند و عرصه را بر دشمن تنگ کرده اند ۰ و باید اعتراف کرد که سهم این طبقه در جهاد افغانستان بیشتر و موثرتر از گروهها و افرادی است که سالها دارای منافع و امتیازاتی بوده اند ۰ البته افرادی هم وجود دارند که لکهٔ ننگی برای جهاد و مایهٔ خجلتی برای علمای کشور اند ۰ و باعث شده اند تا دشمنان اسلام و بی خدایان معلوم الحال در زیر نام و قبای آنان و در بدل پرداخت مارک و دالر، به ضد اسلام کارکنند و از ایشان بحیث روپوش و سپر استفاده نمایند ۰

بهرحال از مطلب بدورنرویم که در ادامهٔ تلاش ها و تپیدن ها برای احیاء مجد و عظمت سیاسی و فرهنگی اسلام ، علما و مدارس دینی و روحانیون مبارز و متعهد افغانستان نقش پیشگام داشتند و این رسالت را در حد ممکن یکی بعد دیگر انجام می دادند ۰

امـا به اساس درک این واقعیت ها و بیم و هراسی که زمام داران جبار و خود کامهٔ افغانستان از مدارس و مدرسین حوزه های دینی داشتند ، در فکر آن شدند تا از نقش آن در جامعه تدریجاً بکاهند و مراکز تحصیلات دینی وعلوم شرعی را تحت نظارت و تفتیش خود در آورند ۰ تا بزعم خود شان از هر نوع تبلور فکری در جامعه جلوگیری کنند ۰ تاسیس مدرسهٔ امام ابو حنیفه و فاکولتهٔ شرعیات کابل با همه ضروری بودن و محاسنش جزئی از این برنامه ها بشمار میرفت ۰ و اما این اقدامات هنگامی صورت گرفت که اندیشه های بی دینی و کمونیزم همچون سرطانی در اعماق اجتماع ریشه دوانیده بود و عدهٔ زیادی از جوانان نا آگاه را به انحراف کشانیده بود ۰ تعدادی از این منحرفین که الفبائی از دبستان کمونیزم اندوخته بودند ، بدستور باداران خود روزها به پغمان می رفتند و با شاگردان مدرسهٔ امام ابوحنیفه بحث و مذاکره می کردند و بدین سان میخواستند آئین بی خدائی و راه و رسم بی وطنی و بردگی را کم کم در گوش شاگردان آنجا زمزمه کنند و آنانرا به بیراهه کشند ۰

گرچه همینطور هم شد و تعدادی از طلاب در تحت تلقینات کمونستان منحرف گردیدند و بعـداً در جملهٔ اعضـای برجستـهٔ باندهای خلق و پرچم عرض وجود نمودند ، لیکن اکثر جوانانی که نور ایمان و فروغ اسلام در دل و دماغ شان می درخشید ، از آن خطرگاه لغزش هیدند و چون سدی محکم و استوار در برابر کمونستان تبارز کردند ۰

جنبش ها و قیام های اسلامی در شبه قارهٔ هند و نهضت انقلابی و ضد استعماری اخوان المسلمین در مصر ، بذات خود عامل دیگری بودند که جهان خفتهٔ اسلام را قمچین زدند و آنرا برای حرکت و پویائی و خود سازی بسیج نمودند ۰

استخـدام استـادان از کشور های مسلمان و پیشرفته در فاکولتهٔ شرعیات و مدرسهٔ ابوحنیفه ، و تماس و تفاهم ایشان با شاگردان و جوانان محصل ، بر سطح آگاهی و بیداری آنان می افزود و عکس العمل های شان در برابر بی دینی و بی دینان استوارتر می گردید ۰ اما طرفداری محمد داود خان از انحرافیون وضدیت او با روحانیت و علمای دینی ، از جرئت مبارزین مسلمان میکاست و برگستاخی و بی حیائی کمونستان می افزود ۰

میگویند ، یکی از صدراعظمان انگلستان ، هنگام مبارزات اخوان المسلمین علیه سلطهٔ آن کشور در مصر ، روزی قرآنی را بدست گرفت و به اعضای پارلمان لندن گفت: «تا وقتی که این کتاب در دست مسلمانان باشد ، ما نمیتوانیم کاری علیه شان انجام دهیم و باید کوشید تا رابطهٔ آنان را با این کتاب قطع نمائیم ۰»

محمد داود خان هم در دورهٔ اول صدارتش به فاکولتهٔ حقوق واقع در جوار زیارَت «شاه دو شمشیره» رفت وحین صحبت با شاگـردان ، دستش را بسـوی «قلعهٔ جواد» دراز کرد و گفت: «تـا زمانی که این سنگر ارتجاع بر جاست ، مملکت ترقی نخواهد کرد» ۰ او هرگز نمیدانست و یانمی خواست بداند که آنجا سنگر ارتجاع نی ، بلکه پایگاه مبارزه علیه الحاد

و بی دینی و تربیت گاه علمی و روحی تعدادی از مسلمانان است ۰

آن ایماء و اشارهٔ محمد داود خان که در نزد بعضی افراد مبهم می نمود ، بعد از سالیان دراز آشکارا گردید و همه دیدیم که تره کی بفرمان باداران روسی اش پیش از هرجائی آن قلعه را مورد حمله قرار داد و جناب محمد ابراهیم مجددی ضیاءالمشایخ را با ۹۳ نفرازاعضای محترم خانواده و ارادتمندان شان در ۲۹ جدی سال ۱۳۵۷ش به شهادت رسانید ۰ تا باشد که افغانستان ترقی کند ۰ ولی چنانکه همه دیدیم و مشاهده کردیم نه تنها افغانستان با از بین بردن حضرت صاحب وسایر مسلمانان و انهدام قلعهٔ جواد ترقی نکرد ، بلکه زندگی ، ثروت و هستی طبیعی اش نیز با خاک و خون یکسان گردید ، و معلوم شد که بی دینی و بی خدائی مانع خوشبختی و ترقی و پیشرفت جوامع بشری است ، و نه دین!!

تداوم نهضت

پس از انفاذ قانون اساسی جدید و اعلام دیموکراسی در سال ۱۳۴۳هـ ش کار و پیکار تحریک اسلامی ادامه یافت و بعضی از اعضای آن به تلاش های جدیدی در دانشگاه کابل و خارج از آن دست یا زیدند ۰ هنگامی که استاد نیازی تحصیلاتش را در مصر بپایان رسانید و بوطن بازگشت ، این فعالیت ها جدی تر گردید وساحهٔ آن در دانشگاه و بین محصلان و استادان تدریجاً وسعت یافت ۰ تعدادی از استادان جوان ، چون استاد ربانی ، استاد توانا ، وفی الله سمیعی و استاد سیاف نیز پس از تحصیلات عالی در ازهر و مراجعت بوطن ، بار دیگر استاد نیازی را همراهی کردند و فعالیت هائی را که قبلاً براه انداخته بودند از سرگرفتند ۰ تعدادی از دانشجویان مبارز و مسلمان هم بدور ایشان حلقه زدند و در نتیجه نخستین هستهٔ نهضت بنام «جمعیت اسلامی افغانستان»(۱) در دانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل پا بعرصهٔ وجودنهاد و بسرعت در سایر دانشکده ها مانند انجنیری ، طب و علوم نیز راه یافت و بسا از جوانان مومن و انقلابی را بخود جلب نمود ۰ و به این ترتیب آنهمه مبارزاتی که قبلاً براه افتاده بود و بصورت انفرادی و یا حلقه های پراگنده و کوچک ، در جامعه و دانشگاه ادامه داشت ، بشکل هستهٔ بزرگ و اصولی تبارز نمود ، چنانکه دیگر میتوانستند در صحنه آرائی های دانشگاهی و تظاهرات خیابانی تا حدی نقش مثبت و فعال داشته باشند ۰

بعد از سال ۱۳۴۶ش فعالیت کمونستان در جامعه و محیط دانشگاه رو به افزایش نهاد و کاربجائی کشید که در سال ۱۳۴۹ش قرآن کریم را در لیلیهٔ دانشگاه آتش زدند و در نشریهٔ «پرچم» از لینن ستایش کردند و بروی «درود» فرستادند ۰

---

۱ ـ استاد ربانی ضمن مقالهٔ ای که در ضمیمهٔ شماره یکم مجلهٔ میثاق خون مورخ حمل ۱۳۶۶هـ ش (صفحهٔ دهم) نوشته است ، می گوید که اولین هستهٔ تحریک و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۳۶هـ ش توسط استاد غلام محمد نیازی و یک تعداد جوانان دردمند و مومن به انقلاب اسلامی ، پایه گذاری شد ، ولی فعالیت های آن اغلب در خفا صورت می گرفت ۰

نهضت هم که تا آنروز خیلی جان گرفته بود و جوانان پیکارجوئی باخود همراه داشت ، در برابـر این عمـل قیام کرد و تظاهـرات بسیار شدیدی را براه انـداخت که تقریباً ۴۳ روز بدرازاکشید عکس العمل محصلان مسلمان و علمای مبارز کشور علیه کمونستان و نظام حاکم بر کشور ، بحدی چشمگیر و کوبنده بود که برای مهار کردن آن از پولیس و قوای امنیتی کار گرفتند و بر دفتر گناهان خود صفحهٔ دیگری افزودند ٠

استاد محمد موسی توانا عضو برجستهٔ نهضت ضمن مقالهٔ مفصلی که پیرامون تاسیس و چگـونگی نهضت اسـلامی افغـانستان نوشته است ، از نقش موثر و سازندهٔ محصلان مسلمان دانشگاه کابل در رویا روئی و مبارزه باکمونستان یاد کرده می گوید که چهره هائی چون:

برادر شهید انجنیر حبیب الرحمن از دانشکدهٔ انجنیری (پولی تخنیک) ، برادر عبدالرحیم نیازی از دانشکدهٔ شرعیات ، برادر مولوی حبیب الرحمن از دانشکدهٔ شرعیات ، برادر سیف الدین نصرت یار ، برادر عنایت الله شاداب از شرعیات ، برادر سید نور الله عماد از ساینس ، برادر گلبدین حکمتیار از انجنیری ، برادر محمد جان احمدزی از شرعیات ، برادر عبدالباری از شرعیات ، برادر شهید عبدالقادر از شرعیات ، برادر شهید سید عبدالرحمن از شرعیات و برادر شهید دکـتر عمـر از طب ، درمیان محصلان مسلمان و عضو نهضت از درخشش و تحرک بیشتری برخوردار بودند ٠(۱)

البته این بدان معنانیست که دیگران درکار نهضت نقش موثر نداشته اند ، بلکه بودند بسیار جوانان عزیز و مسلمانی که در جریان مبارزات دههٔ دیموکراسی چه در دانشگاه و چه در خارج از آن ، علیه کمونستان رزمیدند ، زحمت ها کشیدند ، قربانی ها دادند ، زندانی شدند ، و سپس عده ای اندرین راه به شهادت رسیدند و تعدادی هم هنوز دست بر تفنگ و قلم دارنـد و علیه دشمنان خدا و افغانستان می جنگند که ذکر اسامی همهٔ آنان ، خود مستلزم کتاب و نوشتهٔ جداگانه ای است ٠ خداوند به همهٔ آنانی که انگیزهٔ جان نثاری ها و فداکاری های شان محض بخاطر رضای خدا ، اعلای کلمة الله و خدمت بخلق خدا بوده است ، اجر و پاداش بیکران نصیب فرماید ٠

رهبری نهضت

خوش بختانه چنانچه گفته آمد ، رهبری نهضت را افرادی بعهده داشتند که در متن فرهنگ اسلامی پرورش یافته بودند و قرآن و سنت و معارف اسلام را بخوبی می دانستند ٠ ایشان دران هنگام این توانائی را داشتند تا تشخیص دهند که چه راهی را انتخاب کنند ، چگونه حرکت نمایند و باچه چیزهائی برخورد صورت گیرد ٠

شهید استاد نیازی که با جمعی از همفکران خویش چون استاد ربانی ، استاد توانا ،

---

۱ ـ مجلهٔ المجاهدون ، شمارهٔ (۳ ، ٤) جنوری ، فبروری ۱۹۸۷م صحفات (۵ ، ٦ ، ۷) سنه ۱۳٦٦هـ٠ش ٠

استاد سیاف وغیره نهضت را بنیاد نهاده بودند و آنرا رهبری می کردند ، از جهان بینی ، فلسفهٔ اخلاقی ، سیاسی ، اجتماعی و ارزش های معنوی اسلام کاملا آگاه بودند و میتوانستند عهدهٔ شان را به نیکی انجام دهند ۰ و هرگاه بهمان منوال ادامه می یافت و دست ستمگران داخلی و استعمار خارجی و حوادث بعدی در ماهیت نهضت خللی وارد نمیکرد و اشتراک مساعی جایش را به دوئی و خود خواهی نمیگذاشت ، بدون تردید یکی از پر نفوذ ترین و نیرو مندترین نهضت جهان می شد و میتوانست ملت افغانستان را در یک صف اسلامی واحد بسیج کند ۰

تشکیلات جمعیت اسلامی افغانستان

واقعات سال ۱۳۵۹هـ۰ش نهضت را عمیقاً تکان داد و بران شد تاگامی به پیش بردارد و برای فعالیت بیشتر و سازنده تر و مقابله با حوادث بعدی و مبارزه با ملحدان ، خود را آماده تر سازد ۰ لذا تشکیلات ، سازماندهی و نحوهٔ کار خویش را مورد تجدید نظر قرارداد و در اوایل سال ۱۳۵۱هـ ش در سطح رهبری و هیئت اجرائی آن تحولاتی بمیان آمد که بهتر خواهد بود آنرا از زبان افراد مسوول ، حاضر در صحنه و شامل در قضیه بشنویم ۰

جناب استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان طی مقالهٔ مبسوطی که زیر عنوان «استاد نیازی بنیاد گذار نهضت اسلامی کشور» در مجلهٔ میثاق خون نوشته است ، می گوید که:

«۰۰۰۰ وچون جناح جوان در داخل پوهنتون ومدارس بقوت و قدرت هرچه تمام تر بکار آغاز کرد و بصورت سازنده و انقلابی علناً وارد صحنه شدند و برخورد ها و کشمکش ها جدی ترشد ، استاد که تنها در راه پیمائی ها حضور نداشت دیگر در هر فیصله و تصمیمی شریک بود ، به علت تراکم کارهای اداری و انجام مسوولیت های عمده به نفع انقلاب فیصله نمود که رهبری مستقیم جمعیت را بدوش یکتن از همسنگران و شاگردان خویش بگذارد وهمان بود که در بهار سال ۱۳۵۱هـ۰ش شورای اجرائیهٔ جدیدی تشکیل و یک تن را از میان خویش بعنوان امیر مسوول جمعیت برگزیدند ۰ اعضای این شوری برعلاوه از استاد و پیشگامان نهضت اسلامی ، عناصر جوان و انقلابی ذیل بودند : انجنیر حبیب الرحمن شهید ، مولوی حبیب الرحمن شهید ، سیف الدین نصرت یار ، استاد سید محمد موسی توانا ، (دکتر عمر شهید و انجنیر حکمتیار در دوران تشکیل شوری در زندان بودند) ، عبدالقادر توانا ، قاضی عبدالباری ، سید نور الله عماد ، استاد عبدالرسول سیاف ، عبدالرحمن شهید ، استاد احمدزی ، غلام ربانی عطیش و نویسنده ۰

شوری به اتفاق ، نویسنده را بحیث امیر پیشنهاد کرد و به پیشنهاد امیر استاد سیاف بحیث معاون ، انجنیر حبیب الرحمن بعنوان منشی پیشنهاد و تصویب شد ۰

البته با تشکیل جدید مسوولیت استاد نیازی خاتمه نیافت ٠ او بعنوان مسوول پشت پرده در همه امور شریک بود ٠»(١)

استاد دکتر توانا دراینباره تفصیلات بیشتری ارائه داده و نوشته است که:

«٠٠٠ بعضی از استادان دانشکدهٔ شرعیات و تعدادی از سران محصلان که سایرین به پیشگا می و فضیلت شان درکار نهضت ، معترف بودند و در امور مربوط به آن ، به ایشان مراجعه می کردند ، در خانهٔ استاد ربانی گردهم آمدند ٠ این اشخاص عبارت بودند از:

١ ـ استاد برهان الدین ربانی ٠

٢ ـ برادر شهید انجنیر حبیب الرحمن ٠

٣ ـ برادر عبدالرسول سیاف ٠

٤ ـ شهید مولوی حبیب الرحمن ٠

٥ ـ شهید انجنیر سیف الدین نصرت یار ٠

٦ ـ شهید سید عبدالرحمن ٠

٧ ـ شهید عبدالقادر توانا ٠

٨ ـ برادر مولوی عبدالباری ٠

٩ ـ برادر سید نور الله عماد ٠

١٠ ـ برادر محمد جان احمدزی ٠

١١ ـ برادر عنایت الله شاداب ٠

١٢ ـ نویسندهٔ این سطور (شخص دکتر محمد موسیٰ توانا) ٠

حضار این مجلس موضوعات آتی را فیصله نمودند:

الف ـ تشکیل مجلس قیادی (شورای اجرائیه) ٠ پیش از این کارها بشکل طبیعی بدون کدام انتخابات تحت نظر عده ای از استادان دانشکدهٔ شرعیات و شاگردان مبارز و در راس غلام محمد نیازی رئیس دانشکدهٔ شرعیات پیش برده می شد ٠

ب ـ تعیین و تقسیم وظایف بین اعضای نهضت حسب ذیل صورت گرفت:

برادر استاد برهان الذین ربانی بحیث امیر عمومی و رئیس شورای اجرائیه ٠

برادر عبدالرسول سیاف بحیث معاون امیر عمومی ٠

انجنیر حبیب الرحمن بحیث سکرتر (منشی) و مسوول تنظیم امور صاحب منصبان اعضای نهضت ٠ (نفرسوم در تنظیم) ٠

برادر سیف الدین نصرت یار بحیث مسوول تنظیم جوانان ٠

برادر مولوی حبیب الرحمن بحیث مسوول تنظیم علما و اتصال با ایشان ٠

برادر سید عبدالرحمن بحیث مسوول امور مالی ٠

١ ـ ضمیمهٔ شماره یکم مجلهٔ میثاق خون ، مورخ حمل ١٣٦٦هـ ش (صفحه ١٠ ، ١١) ٠

برادر عبدالقادر توانا بحیث مسوول تنظیم در ولایت مزار شریف ۰

برادر مولوی عدالباری بحیث مسوول ارتباط با کارگران و دهقانان و تنظیم کارهای ایشان ۰

برادر سید نور الله عماد بحیث مسوول تنظیم در ولایت هرات ۰

و نظارت بر امور فرهنگی ، بدوش بنده (استاد توانا) واگذار شد که دو برادر دیگر هر یک سید عنایت الله شاداب و استاد احمدزی بحیث همکارانم تعیین شده بودند ۰

قابل تذکر است که برادر گلبدین حکمتیار و دکتر عمر در این وقت محبوس بودند و مجلس فیصله کرد که بعد از رهائی شان امور سیاسی بر عهدهٔ آنان باشد ۰ ولی در مجلس بعدی که به اشتراک استاد ربانی ، نویسندهٔ این سطور (توانا) ، انجنیر حبیب الرحمن ، استاد نیازی و افراد دیگری خارج از دانشگاه ۰۰۰ صورت گرفت ؛ وظیفهٔ نظارت بر امـور سیاسی نیز به استاد غلام محمد نیازی سپرده شد ۰ گرچه برادران فیصله کردند که استاد نیازی در همه مجالس حاضر نشود و بحیث یک حامی نهضت هدایاتش را از طریق استاد ربانی و تعداد محدود از اعضای نهضت بدیگران برساند ۰

عبدالرحیم نیازی که از چهره های معروف محصلان نهضت و در زمرهٔ پیشگامان آن محسوب می شد و خدمات زیادی برای پیشبرد امور نهضت انجام داده بود ، قبل از تدویر این مجلس وفات کرده بود ۰۰۰»(۱)

گرچه هستهٔ مرکزی سازمان در دانشگاه کابل بود ، اما افراد و اشخاص دیگری بشمول بعضی از مامورین دولت و علما و روحانیون و دانشمندان وجود داشتند که در رابطه با نهضت کار می کردند و کمیته هائی را در خارج از دانشگاه نیز تشکیل داده بودند و با هستهٔ اصلی مخفیانه همکاری می کردند ۰ تماس این حلقه با استاد ربانی بود و کارهای مربوط به نهضت را از طریق او انجام میدادند ۰

جنـاب انجنیر احمـد شاه رئیس حکـومت موقت مجاهدین در پشاور نیز ضمن بیان خاطراتش در مجلهٔ عربی «الجهاد» سخنانی در بارهٔ نهضت و چگونگی سیر و رهبری آن دارد که مویدّ حقایق و حرفهای بالا است ۰ و در عین حال جملاتی را از آخرین دقایق حیات مرحوم عبدالرحیم نیازی نقل می کند که اینک میخوانید:

«۰۰۰ درینجا سخنان برادر عبدالرحیم نیازی را که در بستر مرگ و در خاک غربت هند قرار داشت و من پهلویش بودم تحریر میدارم ، وی لحظه ای قبل از تسلیم روحش برایم چنین گفت: ای انجنیر! شما را زیاد تکلیف دادم ، ببخش و سلامم را به همه برادران برسان! و آنها را وصیت کن تا استاد غلام محمد نیازی را مانند پدر شان احترام کنند!

---

۱ ـ مجلهٔ المجاهدون ، شمارهٔ ششم ، شوال ۱۴۰۷ق = جوزای ۱۳۶۶هـ ش = جون ۱۹۸۷م صفحهٔ ۸ ، ۹ ۰

ملتفت باش (بدان) اگر غلام محمد نیازی دز کابل وجود نمی داشت ، مانمیتوانستیم حرکت اسلامی را آغاز نمائیم ٠»(١)

هدف نهضت

بوجود آوردن یک نظام کاملاً اسلامی و جلوگیری از خطرات حتمی کمونیزم وفساد و بی خدائی که هستی و آزادی جامعه را تهدید میکرد ، هدف اساسی نهضت مذکور را احتـواء می نمود ٠ زیرا در روزگاری که ما ازان صحبت می کنیم ، انحطاط اخلاقی ، فرهنگی ، و انحراف فکری و عقیده وی سر تا سر اجتماع را فراگرفته بود و مملکت در حال زوال و نابودی احساس می شد ٠ چنانچه شد و اینک همهٔ مان تلخی هایش را می چشیم و نتایجش را تماشا می کنیم ٠ البته اهداف نهضت در همین جاخلاصه نمی شد و در فرجام خواهان جامعه ای بود که از هر لحاظ ایده آل باشد و مردم ما بتوانند با حفظ سنن و معتقدات و اسلام راستین ، کاروان مدنیت را نیز همراهی کنند و از فراورده های دانش و فنون جدید ، عاری از سرخوردگی و لغزش و در چوکات روحیه و موازین اسلام استفاده نمایند ٠

ماهیت نهضت

در این نهضت بنا بر خصوصیت اسلامی بودنش هیچ آثاری از برتری جوئی و تعصبات قومی ، نژادی ، صنفی ،سمتی ، زبانی و طبقاتی دیده نمی شد و هیچ انگیزه ای جز نجات کشور از چنگ کمونیزم و استعمار درآن وجود نداشت ٠ هر مسلمانی که میخواست دران صف قرار گیرد ، باب رحمت برویش باز بود و میتوانست عضویت نهضت را بدست آرد ٠ آنچـه این نهضت را از بعضی گروههای دیگر امتیاز می بخشید عدم وابستگی اش به استبداد داخلی و استعمارخارجی و مبارزه علیه آنها بود ٠ از عوام فریبی و ریا منزه می نمود و معیاری جز فضیلت و تقوا در جمع شان راه نداشت ٠ نه جنرال زاده ای درآن سرنوشت سازی می کرد ، نه گماشته ای مردم را بسود باداران خود استعمال می نمود ، و نه تعصب و تبعیض و قوم پرستی آنانرا بدور یک محور جمع کرده بود ، و نه هم فیودالان وهوسبازان حرفه ای واستفاده جودرصف ایشان جاه و مقامی داشت ٠

در این نهضت دو طرز فکر جلب توجه می کرد : تخست آنکه سعی می کردند تا تمام حرکات و سازمان دهی و برنامه های شان سری و مخفی باشد ٠ دو دیگر آنکه پشتوانه ای از نیروی فکـری و فرهنگی داشتـه باشند و مبارزه را نه از طریق خشونت ، بلکه ازراه مسالمت آمیز و تجهیزات علمی براه اندازند ٠ بنا براین می کوشیدند تا قبل ازهر اقدامی ، اعضای خود را از نظر فکری و آموزش ارزش ها و تعالیم اسلام ، در برابر پاسخ دهی به ایدیولوژی بی محتوای کمونیزم ، مجهز و آماده نمایند ٠

١ ـ مجلهٔ الجهاد ، شمارهٔ ٤٨ ، صفحهٔ ٢٦ ، ٢٧ مورخ اکتوبر ١٩٨٨ = میزان ١٣٦٧ هـ٠ش ٠

برنامهٔ تشویق جوانان مسلمان برای مطالعه و خواندن آثار و جستجوی امکان یابی تهیه و چاپ کتاب ، از جمله کارهائی بود که بر ارزش و ماهیت این سازمان می افزود ، و به آن حیثیت و اعتبار علمی و منطقی می بخشید ٠

حلقه ها و سازمان های خارج از دانشگاه

مرحوم منهاج الدین گهیځ

با آغاز نهضت اسلامی در پوهنتون کابل و فعالیت های آزاد و گستردهٔ کموتستان در کشور ، مرحوم منهاج الدین گهیځ پیکار جوی شجاع و مسلمان ، حلقهٔ دیگری را در خارج بوجود آورد که تعدادی از علما ، مسلمانان مخلص و نویسندگان با درد و با ایمان ، مانند مرحوم مولوی عبدالرب ، مولوی خالص ، آقای عشرتی ، آقای سید احمد خان ترجمان و امثال آن ، او را یاری میدادند ٠ آقای سید احمد خان ترجمان و آقای عشرتی با نهضت اسلامی نیز از آغاز همکاری و همراهی داشتند و بعضی از رهبران جهاد ایشان رامی شناسند و به آن اعتراف دارند ٠

مرحوم گهیځ با روحیهٔ سرشار از ایمان و عشق بخدا و توسط جریده ای که بعد از میزان ۱۳٤۷ش = اکتوبر ۱۹٦۸ بنام «گهیځ» انتشار میداد ، در برابر کمونیزم وفساد مردانه می رزمید و از جنایات روس ها و مزدوران شان در افغانستان پرده بر می داشت ٠ آزار و اذیت دستگاه حاکم و تهدید پولیس کی٠ جی٠ بی ، هیچکدام برعزم استوار او خللی وارد نمی کرد و باکمال شهامت و پایداری مبارزاتش را ادامه میداد ٠ تا آنکه در برج سنبله ۱۳٥۱ش بوسیلهٔ کی٠ جی٠ بی و همکاری شبکه های مزدورش به شهادت رسید که ماجرایش را در مباحث قبلی بیان داشته ایم ٠

این گروه به اساس تقریرات شفاهی مولوی یونس خالص ، علاوه بر مبارزات قلمی و مطبوعاتی که مرحوم گهیځ علم بردارآن بود ، سعی داشتند تا مبارزه را از داخل مدارس و مساجد براه اندازند و باتنویر و ارشاد طلاب علوم دینی و مدرسین ، صف مبارزه و اثرات آنرا وسعت بخشند ٠ ولی باترور این مرد مبارز توسط کی٠ جی٠ بی ، ضربهٔ شدیدی بر آن وارد شد و فعالیت شان قسماً بطی گردید ٠ بگفتهٔ مولوی خالص این حلقه بنام «توابین» یاد می شد ٠

بعد از شهادت مرحوم گهیځ به اثر موافقت ورثه اش ، امتیاز جریدهٔ گهیځ از طرف وزارت اطلاعات و کلتور در خزان همان سال به مرحوم مولوی عبدالرب انتقال یافت و تا کودتای ۲٦ سرطان ۱۳٥۲ه٠ش به نشرات خود ادامه داد ٠

شخص مولوی صاحب نیز بعد از کودتای ننگین هفت ثور ۱۳۵۷ش توسط ملحدان کمونست به شهادت رسید خدایش بیامرزاد!

مولوی فیضانی

مرحوم فیضانی آنطور که خودش می گفت یکتن از باشندگان هرات و سر معلم بود ، که بعد از اوج گیری مبارزات فکری و فعالیت و نفوذ کمونستان در مدارس و اجتماع ترک وظیفه گفت و بفکر ایجاد یک حرکت اسلامی شد ۰ او در شهرها و روستاهای افغانستان به مسافرت می پرداخت و توانست عده ای را به طرفداری از عقیدهٔ خود جلب کند ۰ وی در کابل کنار مسجد پل خشتی یک کتابخانهٔ کوچکی دایر نمود و مردم را به مطالعهٔ کتب دینی و اسلامی ارشاد میفرمود ۰ ریش انبوه ، قامت رسا ، چشمان نافذ و زبان فصیح و پیکار جویش او را در زمینهٔ جلب و جذب افراد و اشخاص کمک می کرد ۰ او چند اثر کوچک نوشت و مسایل اسلامی را دران مطرح ساخت و درهمه جا آنها را توزیع کرد ۰ همسنگران و همفکران او بیشتر از طبقهٔ ملایان ، امامان مساجد ومردمان پیشه ور و اهل بازاربود ۰

ولی در سال های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱هـ۰ش عده ای از مامـورین دولت و جوانان مکاتب و پوهنتون نیز با او در تماس بودند و بوی اخلاص داشتند و او را در راهی که انتخاب کرده بود یاری و تشویق می کردند ۰ او قبل از کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ش و بصورت یقین بعد از نیمهٔ دوم سال ۱۳۵۱ش سعی می کرد تا اجازهٔ تورید مطبعه ای را از وزارت اطلاعات وکلتور دریافت نماید و به نشر کتب و رسالات دینی اقدام کند ۰ اماکودتای ۲۶ سرطان محمد داود به آن همه فعالیت ها خاتمه بخشید و آنهمه شور و مستی به سردی و خاموشی گرائید ۰ زیرا دژخیمان محمد داود او را نیز در جملهٔ بسیار مسلمانان دیگر زندانی کردند و مدتی بعـد در زندان ذهمزنگ شهیدش نمودند ۰ خداوند به همهٔ جانبازان اسلام غفران و رحمت عنایت فرمایاد!

جمعیت العلمای محمدی

در اوج تضادها و برخوردهای فکری و عقیده وی که بین سال های ۱۳۴۳ و ۱۳۵۲هـش جامعـهٔ افغـانستـان را به بحـران کشیده بود ، بعض از علمای با احساس و مبلغین ، دانشمندان اسلامی (شیعه و سنی) در مساجد و تکایا فکر احیاء تعالیم دینی و مبارزه باالحاد و بی خدائی را بمردم تلقین می کردند و توجه آنان را به وظایف شرعی شان معطوف می داشتند ۰

واقعات ننگین سال ۱۳۴۹هـ۰ ش = ۱۹۷۰م در کابل ، هتک حرمت به علما در مسجد پل خشتی ، تشویش و نگرانی از پیشرفت فساد و کمونیزم در جامعه ، بالآخره یک عده علما را بران داشت تا خود را سازماندهی کنند و به فعالیت های مقتضی و اصولی و دسته جمعی

دست یازند ۰

این افـراد که تعـداد شان تقـریبـاً به چهار صد نفر می رسید بار اول در ماه جوزای ۱۳۵۰هـ ۰ ش = ۱۹۷۱م بمنزل جناب صبغت الله مجددی واقع «قرغه» گرد آمدند و سازمانی را بنام «جمعیت العلمای محمدی» تاسیس نمودند ۰

در این گردهم آئی جناب صبغت الله مجددی بحیث رئیس شورای مرکزی و رئیس جمعیت موصوف انتخاب گردید و تعدادی از علما به صفت عضو شورای مرکزی از ولایات مختلف برگزیده شدند که عبارت بودند از: مولوی سید شاه از ولایت پروان ، مولوی دین محمد از لوگر مشهور بمولوی چرخ ، مولوی فضل هادی شنواری شیخ الحدیث از ولایت ننگرهار ، مولوی فضل حق از ولایت لغمان ، نور محمد صاحبزاده صاحب موسهی از ولایت کابل ، مولوی نعمت الله فراهی از ولایت فراه ، مولوی شمس الله ، مولوی عبدالواحد و میا صاحب عبدالحکیم ازولایت غزنی، مولوی جمعه الدین ازخان آباد، مولوی عبدالله ازولایت بلخ، مولوی عبدالغفور سنانی از ولایت زابل، وغیره ۰

سازمان مذکور در مدت کوتاهی یک سلسله کارهائی انجام داد که گزارشات آن در رسالهٔ «جمعیت العلمای محمدی» چاپ سال ۱۳۶۵هـ ۰ ش و رساله «سالار مجاهدان» چاپ سال ۱۳۶۶هـ ۰ ش (نشرات جبهه ملی نجات افغانستان) به تفصیل درج است و علاقه مندان میتوانند به آن ها مراجعه کنند ۰

این جمعیت بعد از کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲هـ ۰ ش تاحوت سال ۱۳٦٤ ش = ۱۹۸۵م به رکود مواجه شدودر ماه حوت ۱۳٦٤ش بار دیگر طی مراسم باشکوهی در دفتر مرکزی جبههٔ ملی نجات افغانستان واقع پشاور گشایش یافت و فعالیت های خویش را از سرگرفت و یکی از کارهای آن ، اکنون نشر مجله ای است بنام «عروة الوثقی» که هر ماه باکیفیت اعلی و صحافت زیبا طبع و توزیع می شود ۰

جمعیت جمال مینه

در جریان این تلاش ها و جمعیت سازی ها و انجمن آرائی ، مسلماً برادران اهل تشیع ما نیز موازی با دیگران فعالیت هائی داشته اند که متأسفانه از چگونگی آنها معلوماتی در اختیار نگارنده نیست ۰ تنها همینقدر می دانم و مسلم است که در سال ۱۳۵۱هـ ۰ ش = ۱۹۷۲ سازمان و جمعیتی از این برادران در جمال مینه وجود داشت و در همین سال امتیاز نشر جریده ای را بنام «برهان» از وزارت اطلاعات وکلتور بدست آوردند که مدیر و صاحب امتیاز این مجلهٔ علمی و دینی ، مرحوم سید عالمشاهی نقطه بود وبصورت موقوت به نشر میرسید ۰

بهمین ترتیب بعضی حلقه های نسبتاً کوچک دیگری هم ، مانند «خُدّام الفرقان» وغیره

دران ایام وجود داشتند که فعالیت آنها خیلی محدود بود و ظاهراً پس از مدتی متوقف گردیدند ۰

کودتای محمد داود و اثراتش بر نهضت اسلامی

باروی‌کار آمدن محمد داود که مسلماً روس ها دران نقش اساسی داشتند ، نهضت اسلامی افغانستان در وضع بدی قرار گرفت ۰ زیرا ادارات پولیس و استخبارات همه در دست کمونستان بود و آنان با استفاده از فرصت و شناخت قبلی تا آنجا که اعضای نهضت بچنگ شان افتاد ، بردند و زندانی کردند و کشتند ۰ و بدون مبالغه نیمی از زندان دهمزنگ مملو از مسلمانان بود که یک تعداد ایشان را بشمول دکتر محمد عمر و انجنیر حبیب الرحمن ، در همانجا شهید کردند و بقیه در زمان تره کی به پلچرخی انتقال داده شدند ۰

مرحوم استاد نیازی رئیس فاکولتهٔ شرعیات و موسس نهضت اسلامی دانشگاه کابل ، از نخستین روزهای کودتا تحت تعقیب و نظارت قرار داده شد و سرانجام شب جمعه ۱۴ ثور ۱۳۵۳ش شب هنگام او را مورد حمله قرار دادند و با تعدادی از همسنگرانش زندانی کردند ۰ محکمهٔ فرمایشی رژیم محمد داود پس از شکنجه هائی که در قاموس انسانیت سابقه ندارد او را به اعدام محکوم نمود ، اما محمد داود خان دستور داد تا حکمش به زندان ابد تعدیل گردد و تدریجاً بمرگ رسد ۰

روس ها وایادی شان که از همان آغاز نیروی مسلمانان را درک می کردند ، پیش از هر اقدام دیگر سعی داشتند تا جامعه را از تحریک اسلامی و پاسداران آن پاکسازی کنند و راه رابرای برنامه های بعدی خود هموار نمایند ۰ روی این هدف ، هر هفته ای که می گذشت توسط دستگاهای استخباراتی ، راپورهای جعلی ترتیب می دادند و مسلمانان را به خرابکاری و توطئهٔ و کودتا علیه دولت متهم می کردند ۰ و به این حقه و نیرنگ خشم محمد داود را علیه آنان بر می افروختند ، و او هم بدون آنکه به واقعیت موضوع متوجه شود ، به تصمیم و اقدام آنان صحه می گذاشت و دیگر از ماجرا و آنچه که کمونستان انجام می دادند اطلاعی نداشت ۰

این خود کامگی کمونستان برجنبش های اسلامی و مسلمانان در افغانستان لطمهٔ بزرگی وارد کرد وبسیاری از آنان زندانی و یا متواری گردیدند ۰ در جریان آن بیداد گری ها و گرفتار کردن ها و پس از زندانی شدن استاد نیازی ، خنجر بدستان محمد داود بسراغ استاد ربانی رفتند و در حالی که او را از خیر خانه تا دانشکدهٔ شرعیات دنبال کرده بودند ، قصد گرفتاری اش کردند ۰ استاد ربانی که درک کرده بود ، جلادان کمونست او را به کجا می برند و چه میخواهند ، خیلی خون سرد و آرام به ادارهٔ فاکولته داخل شد و بعد از وداع با

استادان و همکاران خود ، همراه با پولیسان بسوی «جیپی» که در خارج از فاکولته در انتظار شان بود بحرکت افتاد ۰

بچه های مسلمان و محصلانی که ناظر اوضاع بودند ، افسران پولیس را در محاصره قرار داد و با سوگند و التماس از استاد خواستند تا از تسلیم شدن به پولیس خود داری کند و بامحصلان به عقب برگردد ۰ استاد ربانی درمیان انبوهی از محصلان باایمان دانشگاه از دروازهٔ غربی فاکولته خارج گردید وبوسیلهٔ تکسی «ولگائی» که قبلاً شاگردان و همسنگرانش آماده کرده بودند فرار نمود و بدین ترتیب از چنگ آدم کشان کمونست نجات یافت و از راه و بیراهه خود رابه پاکستان رسانید ۰

در پاکستان نیز باوجود انبوهی از مشکلات و تنگدستی و پریشانی به رهش ادامه داد و از مبارزه دلسرد و مایوس نشد ۰ شاگردان و همسنگرانش که عرصهٔ زندگی و فعالیت را در افغانستان تنگ یافتند ، یکی بعد دیگر از مخفی گاههای خود فرار کردند و با او در پشاور پیوستند و اند کی بعد همه باهم بکارهای شاقه پرداختند و از اجرت و عواید آن یک هستهٔ اسلامی را جهت تداوم مبارزه علیه کمونستان در افغانستان ، سازماندهی نمودند ۰ داستان و سرگذشت این سازمان و احزاب دیگری که بعداً بوجود آمد ، بسیار طولانی است و نگارنده اجمالی از آن را در کتاب «تحولات سیاسی جهاد ، جلد اول» بیان داشته است ۰

بهرحال همین هسته و جوانان باایمان بودند که پس از کودتای روس ها و بقدرت رسیدن مزدوران شان ، دست به جهاد و قیام مسلحانه زدند که تا امروز ادامه دارد ۰ و هرگاه چنین سنگری و چنان جوانمردانی وجود نمیداشت ، افغانستان عزیز در آغاز کار تحت سلطهٔ روس ها در می آمد و کار جهاد محتملاً به گونهٔ دیگر می بود ۰

بارویکار آمدن تره کی ، وضع مبارزین مسلمان کاملاً روشن بود و جز قیام و نبرد ، راه دیگری وجود نداشت ۰ تره کی و همکاران و همفکرانش ، هر جا اثری از عقیده و ایمان یافتند ، بدانجا تاختند و در هر کله ای که فکر و اندیشهٔ اسلامی سراغ می شد نابودش کردند ۰ زندانیان مسلمانی که از دورهٔ محمد داود ، در زندان ها باقی مانده بودند ، همه توسط دار و دستهٔ تره کی از بین برده شدند ۰

چنانچه به سلسلهٔ همین برنامه ها و کشتارها ، استاد غلام محمد نیازی با «۱۸۰» تن از بهترین و شایسته ترین فرزندان اسلام شب ۸ جوزای ۱۳۵۸ش بدست سفاکان روسی و چاکران خود فروختهٔ شان ، جام شهادت نوشیدند ۰ روح شان شاد و یادشان گرامی باد ۰

تنها کسی که ازان معرکهٔ آدم کشی معجزه آساجان به سلامت برد ، استاد سیاف بود که با تعداد محدودی از دیگر زندانیان مسلمان ، بعد از کودتای پرچمی ها علیه حفیظ الله امین (٦ جدی ۱۳۵۸ش) و اعلان عفو عمومی از زندان پلچرخی رها گردید و در پشاور با مجاهدین پیوست ۰

فصل هفدهم

عواملی که راه را برای نفوذ کمونیزم

در

افغانستان هموار نمود

در فصـول گذشته مطالعه کردیم که کمونیزم چگونه در کشور مانطفه گذاری شد وچـطور بارور گردید، واینـک دراین مبـحـث عوامـلی که نفـوذ و سیر کمـونـیزم را در افغانستان یاری کرد و روس ها از آنها بهره برداری و استفاده کردند ، به اجمال و شرح زیر بیان می کنیم ٠ ولی قبل از آغاز مطالب ، مفید خواهد بود تا گفتنی های لازم را درزمینه نیز یاد آوری نمائیم و برای نسل های آینده معلوماتی را به ارمغان گذاریم ٠

حدودسی وانـد سال پیش از امـروز سفـارت روسیه در کابل بطرف جنوب مسجد و زیارت «شـاه دو شمشیره» ، در کنار دریای کابل و در یک سراچه و باغ کوچکی قرار داشت که از جملهٔ ملکیت های ضبط شده و متعلق به مرحوم محمد حسین خان مستوفی الممالک بود ٠ این سراچه یک دروازهٔ چوبی وکوچکی داشت که پیوسته قفل می بود و رفت و آمد در آن قطعاً بمشاهده نمیرسید ٠ گاهگاهی یک دو تا روس به عجله و شتاب از دروازه خارج می شدند و مواد مورد نیاز سفارت را از دوکانی که در جوار سفارت و دردهانهٔ کوچهٔ «باغبان کوچه» قرار داشت خریداری می کردند و به سرعت داخل سفارت می شدند و دروازه را می بستند ٠(۱) هیچکس از رهروان به سمتی که سفارت قرار داشت نمی رفتند و بسا از موسفیدان بسوی در و دیوارآن «تُف» می انداختند ٠

نگـارنده دران وقت به مفهوم نفرت مردم در برابر روس ، چنانکه می بایست آگاهی نداشتم و فکر می کردم شاید اشغال ترکستان و بخارا ، احساسات مذهبی ایشان را علیه

۱ ـ این محل در سال ۱۳۵۶هـ ش تخریب گردید و به ایستگاه «موتر» های برقی مبدل شد ٠ اما روس ها در سال های اخیر صدارت محمد داود خان آنجا را ترک گفته و به سفارت جدید این کشور در دارالامان انتقال کرده بودند ٠

روس ها برانگیخته باشد ، ولی حالا میدانم که این قوم «روس» واقعاً دراصل و ماهیت قابل نفرین است!

اما همینکه محمد داود خان به صدارت برگزیده شد (۱۳۳۲ش) باب سفارت روس باز شد و روس ها سراز لانــه برون کشیدنـد و کم کم درمیان مردم راه پیدا کردند و بکارها و تشبثاتی دست یازیدند که اوضاع جاری و بدبختی امروز افغانستان حاصل و نتیجهٔ آن است و اینک به ترتیب همهٔ آنرا مطالعه میفرمائید ۰

اول ـ نفوذ روس از طریق تجارت و شبکه های جاسوسی

در مباحث گذشته بیان داشتیم که روس ها پس از تلاش و فعالیت های زیاد توانستند باب تجارت را در زمان امیر حبیب الله خان بگشایند و از آنطریق و تحت این نام با دولت مردان وقت و مردم ارتباطی برقرار نمایند ۰ البته این کار یک شبکهٔ آشکار جاسوسی روس هابـود ، ورنــه در نهـان و از طرق دیگر به گونه های مختلف وارد افغانستان می شدند و فعالیت می کردند ، چنانکه شواهد و نمونه هایش را قبلاً گفته ایم ۰

فعالیت در این دو ساحه (جاسوسی و تجارت) روس ها را امکان می بخشید تا قبل از هر چیز افراد و اشخاصی را شناسایی کنند و سپس به تطبیق نقشه های دیگر خود بپردازند ۰ روس ها همانند مرغان صحرائی نخست در فکر امن گاهی میشوند که فارغ از تشویش گزند ، درآن تخم گذاری کنند وچوچه پرورش دهند و سپس آن چوچه ها را به صحراها و وادی های دیگر متواری میسازند ، و جاسوسی و تجارت بهترین وسیلهٔ مهیا ساختن این آشیانه و چوچه پروری می باشد که در کشور ما ازآن استفاده کردند و شبکه های خود را گسترش دادند ۰ پیشکش کردن رشوه ها و هدایا بسا افراد بی ماهیت و ضعیف النفس را در اختیار روس ها قرارداد و بوسیلهٔ آنان توانستند در اجتماع و ادارات ما راه یابند و از همه چیز و همه کس آگاهی کسب کنند ۰

با توسعــه و پیشـرفت روابط و گسترش این شبکه ها ، دیگر روس ها در شیوه های جاسوسی خویش در چهرهٔ ملنگ و گدا و پیر کفن پوش ، تجدید نظر کردند و بجای آنان از جاسوسان نکتائی دار و سگرت بدهن استفاده میکردند و همانها بودند که بعد از کودتای ۷ ثور در راس قدرت های نظامی و ملکی قرار گرفتند ۰ البته عده ای خارج از این حلقه ها و از لحاظ اعتماد و اعتبار در سطح پائین قرار داشتند که تا حال هم به حال خود شان نگه داشته شده اند ۰ این گروه از افرادی اند که سالها بدون اجرت و مزد در خدمت روس ها بوده اند ۰

در سال های اخیر (قبل از کودتای محمد داود و بعد ازآن) روس ها دیگر نقاب از چهره برافگنده بودند و آشکارا و بی پروا در وزارت خانه ها و موسسات دولتی با افراد مورد نظر

خویش تماس داشتند و توسط آنان ، افراد روس گرا و ضد روسی را تشخیص و شناسائی می نمودند و سعی میکردند تا نحوۀ فکر و نظر مخالفان را درک و ارزیابی نمایند و بهر وسیلۀ ممکن از تضاد آنان بکاهند • مخصوصاً افرادی که در ارتباط بین روس ها و افغانستان به نحوی مؤثر بودند ، پیوسته طرف توجه روس ها قرار داشتند و می کوشیدند همکاری آنانرا بخود جلب کنند •

این طرز عمل روس ها را بسیار یاری کرد و تا بدانجا پیش رفتند که مخالفت وضدیت عده ای از ماموران با ایمان و وطن دوست را ، مخصوصاً دربارۀ قرار دادهای یک جانبه و استعماری خود توسط بالادستان شان خنثی میکردند و هر چه خود میخواستند انجام می دادند • همین آشنائی ها و همکاری ها با روس بود که بعد از کودتای هفتم ثور عده ای از افراد سرشناس و حتي متهم به خیانت و جنایت ، کوچکترین آسیبی ندیدند و در شرایطی که بر شاگرد نانوا و مستخدم ادارات نیز ترحم نمی شد و اکثر آنان رابیرحمانه به کشتارگاهها بردند و شهید کردند ، ایشان از هر نوع گزند و آسیبی مصوون ماندند •

البته بعضی افراد که سالها با روس و مزدورانش در جدال بودند ، بصورت تصادفی و آنی از دم تیغ جلادان کمونست رهائی یافتند و یا نوبت به ایشان نرسید و هر کدام از کشور فرار کردند • ولی عده ای حساب شده و در رابطه با همکاری های مداوم با روس ها موقعیت خود را حفظ کردند و گردی بر چهرۀ شان نه نشست •

خلاصه اینکه فعالیت های جاسوسی بنام تجارت ، عمده ترین بخش فراهم آوری مقدمات برنامه های روس در افغانستان محسوب می شد • زیرا از این راه و تحت این نام آزادانه آمد و شد می کردند و با برخی ادارات و افراد دولتی و نیز اهل بازار و حرفه مستقیماً تماس برقرار می نمودند • و به این ترتیب توفیق یافتند تا عده ای را جذب و استخدام نمایند •

پس از آنکه افراد شناسائی می گردید و روس ها در می یافتند که انحراف و تطمیع آن به هیچصورت امکان پذیر نیست و یا در آینده شخصیت موثر و بزرگی خواهدشد ، آنگاه یکی از جواسیس خود را که وابسته به سازمان اطلاعاتی روس (کی• جی• بی) می بود ، وظیفه میدادند تا کارهای او را قدم به قدم تعقیب کنند و روابط و پیوند و نقاط ضعف و طرز تفکرش را در مراحل مختلف راپور دهند وجهت عملی شدن این آرزو چنان ماهرانه وزیر کانه گام بر می داشتند و جواسیس خود را در خانه و یا در دفتر کار افراد مورد نظر خویش جاسازی می کردند که اندیشۀ انسانی از درک آن عاجز است • چنانکه یکی دو مثال آنرا در زیر مطالعه میفرمائید:

الف ـ حسن شرق در خوان و خانۀ محمد داود

به اساس روایات و داستان هائی که بین مردم در کابل شایع بود و نگارنده در چاپ اول این کتاب به آن اشاره کرده است ، روس ها از کودکی حسن شرق را تحت نظر داشتند

و همینکه پابسن رشد نهاد و راهی دبستان شد ، بصورت غیر مستقیم یاری اش می کردند ۰

وی پس از ختم تحصیل دورهٔ ابتدائی در فراه بکابل آورده شد و شامل مکتب خورد ظابطان گردید ۰ دو سال دورهٔ مکتب را در رشتهٔ «صحیّه» بپایان رسانید و باید به اساس قانون عسکری در یکی از قطعات اردو ، انجام وظیفه می کرد ۰ اما از اینکه این دورهٔ تحصیل و مشغول شدن او در یک گوشهٔ بی هدف و غیر مؤثر ، تمنیات روس ها را بر آورده نمی ساخت ، بار دیگر همان دستی که او را یاری میکرد ، از آستین محمد داود بدرشد و به امر او که دران عهد وزیر دفاع بود ، بصورت استثنائی و غیر قانونی شامل فاکولتهٔ طب گردید ۰ در آنجا بود که روس ها او را با دیگر شبکه های خود ، چون ببرک وغیره معرفی کردند و همه باهم از طریق اتحادیهٔ محصلان پوهنتون جهت تخریبات و تحریکات علیه شاه محمود خان و بطرفداری از محمد داود ، اشتراک مساعی میکردند ۰

موصوف در سال ۱۹۵۳م = ۱۳۳۲ خورشیدی از فاکولتهٔ طب فارغ شد و بحیث دکتر به شفاخانهٔ عسکری «پل محمود خان» معرفی گردید ۰ هنوز پایش به شفاخانه نرسیده بود که محمد داود بحیث صدراعظم اعلان شد و فردای آن اولین مکتوبی که وی صادر کرد ، تقرر حسن شرق بحیث مدیر قلم مخصوص صدارت بود ۰

آری! روس ها اینگونه آرام و آسان نوکر شناخته شدهٔ خود را به راحتی درکنار محمد داود خان قراردادند و او را محرم لسرار و خاصهٔ بارگاه و دومین فرد قدرت مند افغانستان ساختند ۰ و او بود که افراد و عناصر مورد نظر خود را به محمد داود خان معرفی می کرد و با حلقه های کمونستی که در حال تشکیل و سازماندهی بودند ، آشکارا همکاری می نمود ۰

یکی از خانه های او «در جمال مینه» به اختیار روس ها بود و از آن بحیث مراکز تربیهٔ جاسوسی و اطلاعاتی خود استفاده میکردند و در مقابل ماهانه سی هزار افغانی به او تادیه می نمودند و به آن «کرایه» نام نهاده بودند ۰ در خالی که مدرن ترین خانه در جمال مینه و آنهم حدودسی سال قبل بیش از دو هزار افغانی کرایه نداشت ۰

حسن شرق از این پول و سایر مدارک و عایداتی که در دفتر قلم مخصوص صدارت داشت ، با همکاری گروهی از عناصر فاسد و بی شخصیت ، شبکه های فساد را در مرکز و ولایات براه انداخت و فساد و عیاشی و بی بند و باری را در جامعه ترویج نمود ۰

افرادی که دراین حلقه شامل بودند ، از هیچ نوع جنایتی مضایقه نمیکردند ، ظلم ، بی عدالتی ، رشوه ، اختلاس ، دست برداز دارائی های عامه و برهائی بزم شبانه ، شغل عادی شان وباب روز بود ۰ وجز این شبکه ، دیگران در حال عسرت و نگرانی بسر می بردند وحتی برامنیت و مصوونیت جان و مال و آبروی خود هم اطمینان نداشتند ۰

وی در پهلوی این کارها و نظایر آن ، وظیفه داشت تا حرکات و اقدامات و طرز فکر و اندیشهٔ محمد داود خان را در منزل و دفتر ، تعقیب کند و چگونگی آنرا هفته وار به روس

ها گزارش دهد ۰

باستعفای محمد داود خان در ماه حوت ۱۳۴۱ شمسی ، مردم فکر می کردند که حسن شرق بجرم آنهمه جنایات و مظالمی که انجام داده است ، محاکمه گردیده و انتقام مردم مظلوم و ستمدیده از وی گرفته خواهدشد ۰ اما کسی این جرئت را نکرد و او بدون اندک تشویشی بحیث دکتر «بیمهٔ نساجی افغان» متعلق به عبدالمجید خان زابلی ، کار می کرد و روزگار خوشی را دنبال می نمود ۰

او آرام آرام بکارهای خویش ادامه میداد تا بار دیگر محمد داود بقدرت رسید ۰ اینبار باز هم مرد شماره دوم قدرت بود و بحیث معاون محمد داود خان ایفای وظیفه می نمود ۰ وی در اولین کابینهٔ محمد داود تعدادی از پرچمیان شناخته شده و معلوم الحال را وارد کابینه ساخت و با سر سختی تمام از کمونستان حمایت می کرد ۰

هنوز دیری از عهدهٔ جدیدش نگذشته بود که حسب «ماهیت» و روش کمونیزم ، همه محبت ها ، کمک ها ، مهربانی ها و حرمت نان و نمک خوان محمد داود را فراموش کرد و مطابق برنامهٔ روس ها جهت برانداختن او ، با سایر کمونستان وابسته بمسکو ، به تخریب و توطهٔ پرداخت ۰ اکثر مردم از جریان آگاهی داشتند و موضوع را از طریق برادرش محمد نعیم به اطلاع میرسانیدند ۰ مخصوصاً بعضی از محمد زائی های نزدیک به محمد داود خان بارها او را از این مار آستین پرورده اش بر حذر می داشتند ۰ ولی محمد داود خان هرگز بحرف کسی گوش نمیداد و همه را نادیده می انگاشت ۰ تا آنکه غوث الدین خان فایق وزیر فواید عامه ویکی از اعضای کودتا ، موفق گردید آواز حسن شرق را در جریان صحبت وطرح کودتا علیه محمد داود ، بوسیلهٔ همکاران خود ثبت کند و آنرا به محمد داود خان بشنواند ۰ گفته می شد که محمد داود خان از شنیدن آواز حسن شرق قلباً تکان خورد ، ولی از اینکه خجلت انتخاب خود را نکشیده باشد ، تظاهر به نا باوری کرد و فایق راگفت : مردم امروز بسیار کارها می کنند و آوازها را هم بسیار شبیه میسازند ، این آواز هرگز آواز حسن شرق نیست!

اما پس از رخصت کردن «فایق» حسن شرق را خواست و گفتارش را که روی نوار ثبت شده بود ، بوی شنوانید و گفت: من هرگز چنین گمانی نداشتم! عکس العمل محمد داود ، در برابر حسن شرق ظاهراً همین بود و بس ۰ ولی حوادث بعدی محمد داود را واداشت تا جهت بقای خویش دست به تصفیهٔ مهمی بزند و از نفوذ و سهم کمونستان در امور سیاسی و اجتماعی و نظامی تا حدودی بکاهد ۰ بنا براین او را بحیث سفیر به جاپان فرستاد ۰ نامبرده بعد از کودتای هفت ثور بحیث سفیر افغانستان در هند مقرر شد و سپس در ماه جوزای سال ۱۳۶۷ش = ۱۹۸۸ توسط روس ها به صدارت رژیم دست نشاندهٔ شان در کابل برگزیده شد و از آن تاریخ تا فبروری ۱۹۸۹ به این وظیفه اشتغال داشت ۰

ملاحظه می کنید که کی· جی· بی چگونه کودکی را از روستا ها پیدا می کند و آنرا بمدارج عالی میرساند · چنانکه این جاسوس خویش را رسانید و بوسیلهٔ او یک سلسله کارها و برنامه هایش را عملی نمود · این موضوع بزرگترین درس عبرتی است که باید کشورهای خورد و بزرگ از آن انتباه گیرند و بهوش باشند که روس ها افراد مورد نظر خویش را حتی بر بالای خوان سران و بزرگان آن جامیدهند و از آن استفاده می کنند ·

ب ـ شاه محمد دوست در کنار میوندوال

روس ها را ره و رسم براین است که عده ای از جاسوسان خود را در جریان کارها به منابع و مراکز قدرت نزدیک می سازند و کم کم رشد میدهند ، چنانکه حسن شرق و جلالر را رسانیدند · ولی بعضی از آنان را تا آخرین مرحله در گمنامی و تاریکی نگاه می کنند و از ظاهر شدن روی صحنه باز میدارند · بدانسان که شاه محمد دوست را نگاهداشتند و تا کودتای ۷ ثور جز تعداد محدودی از همکاران اداری اش کسی او را نمی شناخت و یا حداقل شناخت آن در جامعه چشمگیر نبود ·

وی بار اول بهمین شیوه و از طریق شبکه های روسی ، در وزارت خارجه ماموریت یافت و هنگامی که میوند وال بحیث معین سیاسی وزارت امور خارجه مقرر شد ، شاه محمد بی مایه و کم پایه توانست در شعبات نزدیک به میوندوال و در اداره ای که بیشتر با او تماس داشته باشد ، خود را مقرر کند · او از سوی روس ها ماموریت داشت تا میوندوال و ارتباطاتش را تحت نظر گیرد و احیاناً اگر خلاهائیَ هم داشته باشد ، روس ها را از چگونگی آن در جریان گذارد · زیرا روس ها می دانستند و او را شناخته بودند که روزی رهبری جامعهٔ افغانستان را بدوش خواهد گرفت ·

البته آن شناخت ابتدائی برای روس ها کافی نبود و آرزو داشتند تا از طریق دوست شان کنه فکر و اندیشه و جهت گیری های سیاسی و ذهنی او را دریابند و به اندازهٔ قدش قبابِبرند · شاه محمد جاسوس آنروز ، و وزیر خارجهٔ دیروز و نمایندهٔ فوق العادهٔ کنونی رژیم روسی کابل در ملل متحد ، هنگامی که میوندوال در سال ۱۳۳۵ش = ۱۹۵۶م بحیث سفیر افغانستان در کراچی مقرر شد ، در جملهٔ سایر اعضای سفارت ، با او همکار بود ، وقتی ماموریت میوندوال پایان یافت و بکابل برگشت ، او نیز وارد کابل شد · حینیکه میوندوال به صفت سفیر افغانستان عازم امریکا شد ، شاه محمد دوست بازهم او را تنها نگذاشت و در جملهٔ یکی از اعضای سفارت به امریکا رفت · او نه تنها در سفارت با میوندوال می بود ، بلکه در خانه اش هم او را تنها نمیگذاشت و به بهانهٔ تربیت گل و باغبانی گلهای منزل وی ، آمد و شد افراد و تماس هایش را مراقبت میکرد ·

وقتی که میوندوال در کابینهٔ دکتر محمد یوسف وزیر اطلاعات مقرر گردید،

شاه محمد دوست از یاران قدیمی و نزدیکش بود ۰ همینکه موصوف برمسند صدارت افغانستان تکیه زد ، شاه محمد دوست از جملهٔ خاصان او محسوب می شد و بحیث رئیس دفترش کار می کرد ۰ و به این ترتیب همانطور که حسن شرق محرم اسرار و راز دار محمد داود بود و نقش قدم های او را در دفتر جاسوسی روس ها تصویر می کرد ، شاه محمد دوست نیز کارها و تماس ها و برنامه های میوندوال را به روس ها گزارش میداد و ایشان به اساس آن راپورها ، برنامه های خود را عیار می کردند و او را تخریب می نمودند ۰ چنانچه صدارت میوندوال با همه خوش بینی و توقعی که مردم داشت ، دیری دوام نکرد و او را بحدی بیچاره کردند که مجبور به استعفا گردید ۰

ج ـ محمد خان جلالر

جلالر تحصیلات ابتدائی و ثانوی را در مکتب تجارت بپایان رسانید و شامل دانشگاه کابل شد ۰ در سال ۱۳۳۷ شمسی تحصیلات فاکولته را در رشتهٔ اقتصاد بپایان رسانید و در ریاست پلان صدارت بحیث عضو مقرر گردید ۰ در سال ۱۳۳۹ش یک هیئت اقتصادی و پلان گذاری روس وارد کابل شد و جلالر را به صفت کارشناس ماهر و متخصص ، شخصاً به محمد داود معرفی کردند ۰ او در آن وقت سمت مدیر مالی وزارت پلان را به عهده داشت ، ولی پس از معرفی شدن توسط روس ها کارش بالا گرفت و بسرعت ارتقاء نمود ۰ در سال ۱۳٤۵شمسی هنگام صدارت میوندوال بحیث رئیس مالی وزارت پلان و در سال ۱۳۵۰ش معین وزارت مالیات مقرر کردید ، و یکسال بعد از آن در برج جدی ۱۳۵۱ش بمقام وزارت مالیه رسید ، و در سال ۱۳۵۲ش در کابینهٔ محمد داود به وزارت تجارت منصوب گردید ۰ او هنوز دران مقام قرار داشت که علیه محمد داود کودتا صورت گرفت و تره کی بقدرت رسید و در هفتهٔ اول تمام وزراء و مامورین عالی رتبه زندانی گردیدند که بعضی از آنان مدت ها در زندان ماندند و برخی پس از چند هفته رها شدند ۰ اما جلالر فقط برای سه روز از خانه اش دور بود و آنهم روی ملاحظات امنیتی ۰

برای اینکه پرده از چهرهٔ جلالر نیفتد و مردم فوراً متوجه نشوند ، روس ها مدتی او را از کارهای رسمی دور نگاه داشتند ، ولی در حوت ۱۳۵۷ش بار دیگر موصوف را روی صحنه آوردند و مشاور حفیظ الله امین مقرر گردید و در برج عقرب ۱۳۵۸ رئیس عمومی واردات و صادرات شد و پس از رویکار شدن ببرک بار دیگر بر مسند وزارت تجارت تکیه زد و تاکنون به این پست ادامه میدهد ۰

سیر ارتقائی جلالر و تقویت و معرفی او توسط روس ها به محمد داود و مقامات عالیه ، بحدی چشمگیر و استثنائی بود که دست روس در آستین او بخوبی مشاهده می شد ۰ او در روزگاری شاهد ریاست و وزارت را به آن سرعت و سهولت در آغوش کشید که بزرگترین

استعدادها از بیکاری و یا عدم دریافت کار مناسب رنج می بردند ۰

البته مدت های دراز کار او در خفا و نهانی صورت میگرفت ولی همینکه مرحلهٔ اول کار روس ها در افغانستان انجام یافت و کودتای محمد داود خان به ثمر رسید ، دیگر نقاب از چهره اش بر افتاد و همه کس از ارتباط او با روس ها اطلاع داشتند ۰

جلالر در اغلب سفرها با محمد داود همراه می بود و مسلماً تمام جریانات مذاکرات او را با رهبران کشورهای میزبان ، به روس ها گزارش میداد ۰ در آخرین سفر محمد داود به کشور های مصر ، لیبی و سعودی نیز وی راهمراهی کرد و آنچه را از مذاکره و مفاهمهٔ محمد داود خان با سران ممالک مذکور دید و شنید ، همه را به مسکو انتقال داد و این امر روس ها را بران داشت تا در تطبیق نقشه های خویش عجله کنند و برای سرنگونی محمد داود شتاب نمایند ۰

جلالر ظاهراً در وضع ساده ای جلوه می کند ، اما از مرموز ترین چهره ها و خطرناکترین عنصریست که بعقیدهٔ بعضی از افراد چیز فهم و آگاه با کی۰ جی۰ بی و «سیا» هر دو همکاری دارد ۰ او همیشه با همکاران خود می گفته است که باید آدم بهر دو طرف رابطه داشته باشد و خودش در عمل آنرا انجام میداد ، چنانچه یکی از کارشناسان امریکائی در وزارت پلان و دفتر کارش بوی درس انگلیسی می آموخت ۰

پسر او در سال اول کودتا به امریکا رفت و تا حال هم درانجا زندگی می کند و خانمش نیز همه ساله یکبار یا دو بار به امریکا میرود و هفته ای چند به سیاحت می پردازد و اینکار با داشتن روابط یکجانبه امکان پذیر نیست ۰

موصوف علاوه بر آنچه گفته آمد ، بعضاً تحایف و هدایای جالبی نیز بوسیلهٔ بعضی آشنایان تجار خویش ، چون «آق مراد» تهیه میکرد و آنهارا به خانواده های سر شناس و مربوط به مقامات عالیه میفرستاد و به این ترتیب در محافل و مجالس فامیل های با نفوذ هم نقل مجلس بود و با خیال راحت و مطمئن کارهایش را به پیش میبرد ۰(۱)

همچنان معارف و مطبوعات افغانستان از جمله اداراتی بودند که پیشتر و بیشتر از سایر ادارات دولتی ، آسیب پذیر شدند و شبکه های جاسوسی روس و نفوذ کمونیزم در انها سریع تر ریشه دوانید و در تخدیر افکار عامه و گمراه سازی جوانان نقش مهمی ایفاء نمود ۰

پروژه های صنعتی ، تفحصات نفت ، آبیاری و زراعت و فواید عامه و همانند آن ، هر یک برای روس ها مأمنی بود که توانستند به سادگی درانها راه یابند و عده ای را به هواداری خود استخدام نمایند ۰

---

۱ ـ اغلب معلوماتی که دربارهٔ جلالر ارائه گردیده است ، مأخوذ از گفتار و شهادت افراد آگاه و برجستهٔ وزارت پلان ، مالیه و کسانی می باشد که با او در ادارات همکار بوده اند و از نزدیک جریانات را می دیده اند و احساس می کرده اند ۰ ولی مصلحتاً از ذکر نام آنان خود داری میشود ۰

دوم ـ تبلیغات و رشوه دهی

برای روس ها که ایدیولوژی شان اصلاً روی پایه های دروغ و تزویر و تبلیغ استوار است ، استفـاده از این وسایل درمیان توده های مردم و جوامع بسیار مهم و اساسی می باشـد ۰ روی همین اصل از همان آغازکار با تشخیص و شناسائی نقاط و مراکز حساس و افراد و عناصر مؤثر ، دست به تبلیغات و توزیع مواد نشراتی و دادن رشوه زدند و کارهای زیادی درزمینـــه انجـام دادنـد، کارخـانـه ها و فابـریکـات و معـارف و مطبـوعـات، مهم‌ترین و اساسی ترین مراجعی بودند که تحت تأثیر این تلقینات سوء قرار گرفتند و به آسانی صدمه دیدند ۰ تا بدانجا که عدهٔ زیادی از معلمان مکاتب نیز در اثر اینگونه فعالیت ها راه خطا در پیش گرفتنـد و از جادهٔ صواب انحراف ورزیدند و این عمل خطرناکترین وضعی بود که کانـون های علمی و فکری جامعه را مسموم ساخت و اکثریت جوانان و نوجوانان معارف رابصورت نا خودآگاهانه و غیر شعوری در دام کمونستان افگند ۰ مخصوصاً از سال ۱۳۳۲ ش = ۱۹۵۳م به بعـد که قدرت اداری و سیاسی کشور در دست محمد داود خان قرار گرفت ، تبلیغات کمونیزم و پخش آثار این ایدیولوژی بی محتوا ، بصورت علنی و آشکار انجام می شد و کسی مانع آن نمیگردید و چنین فرصتی برای روس ها امکان بخشید تا بحد اعظم استفاده نمایند و هدفهای خویش را به پیش برند ۰

همزمان با این فعالیت ها رهٔ رشوه دهی را نیز در کشور ما گشودند و آنرا تحت عنوان هدیه و تحفه ، بمقامات و ادارات مورد علاقهٔ خود پیشکش کردند ۰ برپا کردن مجالس شبانه و میگساری ، دعوت برای باز دید از مسکو ، دریافت بورس «بورس های تحصیلی» برای نورچشمی ها و ارجمندی ها ، همه از نوع رشوت هائی بود که دولت مردان افغانستان را بی اختیار بسوی روس ها کشانیده بود و در تمام روابط ذات البینی میان روسیه و کشور ما ، اثرات آن بملاحظه میرسید ۰

همچنان روس ها اوراق تبلیغاتی و رسالات و کتب به پیمانهٔ وسیع در بین مردم توزیع می کردند و گماشتگان شان از آن همه زهر کشنده و دردناک برای مسموم ساختن اذهان و افکار عامه ، بخصوص نسل جوان و خون گرم استفاده می نمودند ۰ وچنان می نمودند که همه دردهای اجتماعی و اقتصادی و تمام تضادها و بی عدالتی ها و بیداد گری ها فقط میتواند با داس و چکش کمونیزم درمان پذیرد و بس ۰ وبدین ترتیب ساحهٔ نفوذ شان در بین اقشار وتوده ها رویهمرفته وسعت می یافت و هر کس به نوعی از آن متأثر میگردید ۰

در عین حال می کوشیدند بوسیلهٔ یک سلسله نشرات غیر علمی و غیر مستند ، خود شان بین مردم و اقوام مختلف کشور تحت عناوین مختلف ، تضاد و دوئی خلق کنند و از

آن بهره برداری نمایند ۰(۱)

خلاصه در دورۀ سیاه و تاریکی که ما از آن گفتگو می کنیم ، همه چیز و تمام جریان بسود روس ها بود و آنان میتوانستند آزاد و بی پروا در تمام افغانستان فعالیت کنند ۰

سوم ـ ظلم و فساد دستگاههای اداری

تاریخ کشور ما گویای آنست که در فراز و فرود ، دوره های مختلف زندگانی سیاسی و اجتماعی ، مردم ما پیوسته با نامرادی ها و دشواری ها و ظلم و زور مواجه بوده ، همیشه رنج کشیده اند و مصیبت دیده اند ۰ شرایط محیطی و جغرافیائی و ساختمان اجتماعی و تشکیلات اداری افغانستان ، درد سرهائی را در جریان تاریخ به همراه داشته است و دشمنان و یغماگران از این اوضاع سود فراوان برده اند ۰

بارها این سرزمین بخون بیگناهان ترشده و مکرر در برابر تاراج گران زمان قربانی داده است ، بگونه ای که پنداری تاریخ ما را با اشک و خون رقم زده اند ۰ متهاجمان وحشی ، فرمان روایان ستمگر و امرای بیدادگر ، هر یک بنوبۀ خویش بر ملت افغانستان ستم روا داشته اند و ظلم کرده اند ۰ چه ظلم هائی که خامه از بیان آن میلرزد و قلب آدمی تکان میخورد ۰ برادرکشی ها ، خانه جنگی ها ، سمت پرستی هاو قوم گرائی ها ، همه بدبختی ها و بلاهائی بوده که خود در آتش آن سوخته ایم و هنوز هم شعله های آن از کانون اجتماع و هستی ما زبانه می کشد ۰ هرگاه سخن را در زمینه اختصار کنیم و دوره های دور را کنار گذاشته و جریان امور را از یکقرن به اینسو دنبال نمائیم ، بخوبی پیداست که این ملت مظلوم یک لحظه هم نفسی براحت نکشیده و پیوسته در کشاکش ایام رنج برده است ۰ حملات بیرحمانه و جابرانه برهزاره جات و بدخشان و حمله بر شنوار و «کله منارساختن» از کشتگان جوانان آن که هنوز هم بقایای آن در ریگ شامرد خان وجود دارد ، و نیز قتل و کشتار قوم اندر و ترک و هزاران افراد بیگناه دیگر ، و به اسارت گرفتن و خوار شمردن این اقوام یکی از سیاه ترین فجایع تاریخ ما است که اثرات آن تا امروز هم در جامعه پیداست ۰ سرکوبی این اقوام که تحت نام «ایل ساختن» و «منقاد گردانیدن» صورت گرفت ، نظام برده گری قرون وسطائی را در افغانستان بوجود آورد و میلیون ها مرد و زن در مدتی حدود یک قرن از همه حقوق و مزایای ملی و مدنی و حیثیت انسانی بی بهره بودند ۰ تحقیر و توهین ، کارهای شاقه و سنگین و صدها جفای دیگر بر این مردم روامیداشتند و به آنان بدیدۀ برده مینگریستند ۰ شاید بعضی از هموطنان ما بران باشند که برای شیرازه بندی جامعه و کشوری مثل صد سال پیش افغانستان ، جز اقداماتی که به آن اشاره شد رۀ دیگری وجود

---

۱ ـ برای معلومات در اینباره رجوع شود به رسالۀ : «نظام اقتصادی و اجتماعی افغانستان» اثر ، ۱ ـ اهلیاک ، چاپ انتشارات علمی مسکو ، سال ۱۹۴۶م شمارۀ (۷۳) ۰

نداشت و فرمانروایان وقت ناگزیر بودند به چنان روشی دست یازند ۰

امانگارنده بران است که زندگی سنتی و فرهنگی مردم افغانستان ، با نرمش و سازش بیشتر سازگار است تا با زور و سرنیزه ، و راههای زیادی وجود داشت که میتوانست بدون جور و خونریزی ، درپایه گذاری یک ملت واحد و بدون تبعیض وفشار مساعدت کند ۰ بفرض اینکه همه اقدامات و بدست آوردن هدف از طریق خشونت ، یک مصلحت تاریخی و کاملاً برحق بود ، اما پی آمدها وره آوردش جنبه های مثبت نداشت و کاری صورت نگرفت تا آن همه زخم ها و درد ها التیام می یافت ۰

سلاطین و امرای بعدی هم کم و بیش به آن راه و رسم ادامه دادند و به این اقوام شریف و زحمت کش افغانستان کوچکترین اعتنائی نکردند ۰ حتی سالیان دراز باب مدارس و مکاتب بروی شان بسته بود و در ادارات مهم دولتی اثری از آنان دیده نمی شد ۰ تنها افراد محدودی جلب نظر می کرد که در دربارها بودند و با دربارها ارتباط داشتند و بس ، آنهم از راهها و وسائلی که شرح آن دراین رساله مقدور نیست ۰

بهرحال این طبقه بندی و تبعیض اجتماعی که آگاهانه و قصدی در کشور مارشد می یافت و بعضاً دربارها ازآن حمایت می نمودند ، هر روز عقده می آفرید و این عقده ها چون رشته های سرطان در پیکر جامعه ریشه میدوانید و عواقب دردناک را هسته گذاری میکرد ۰

با انکشاف معارف و تکنالوجی و توسعهٔ شبکه های ارتباطی و برون شدن افغانستان از انزوای سیاسی و تبارز نسل نو در صحنهٔ حیات سیاسی و اجتماعی افغانستان ، حس نفرت و انتقام جوئی و کین توزی درنهاد مردم بار ور می شد و بتدریج فزونی می یافت ۰ گرچه این احساس در ابتدا بسیار نرم و آرام و خموش و همانند توده های آتش در زیر خاکستر نا محسوس بود ، اما طبیعتاً و در نفس خویش وجود داشت و بنابر عواملی که هر روز آنرا شدت می بخشید ، عمق و بعدش گسترش می یافت و چنانکه بارها اشاره کردیم ، همین وضع باعث شد تا عده ای از جوانان رهٔ انحراف در پیش گیرند و راه نجات و زمینهٔ انتقام جوئی را در کردار و اندیشه هائی جستجو کنند که هم برای خود شان و هم برای مملکت بسیار خطرناک بود، که جنبش های زیر زمینی دورهٔ امیر حبیب الله خان را میتوان مولود آن عکس العمل ها دانست ۰

در هر صورت آن بر خورد و جریانی که تا زمان امیر حبیب الله خان و شاه امان الله ادامه داشت ، با موضع گیری منفی وغیر عادلانهٔ محمد نادر شاه در برابر مردم شمال کشور شدت یافت ، و گرهی برگره های دیگر افزود ۰

در دورهٔ محمد ظاهر شاه و با رویکار ساختن پروژه هائی که قبلاً ازان ها یاد کردیم ،

نظام قبیلوی و فیودالیزم و خان سالاری و تبعیض به اوجش رسید و پدیده های جدید ظلم و بی عدالتی ، عکس العمل های تازه ای را برانگیخت ۰ مخصوصاً در زمان صدارت سردار محمد هاشم خان و برادر زاده هایش محمد داود و محمد نعیم ، روحیهٔ فاشستی برسنن و فرهنگ ملی خط بطلان کشید و معیارهای فضیلت و مردمی جای خویش را به تبعیض وسیه اندیشی مبدل ساخت ، و مظاهر این سوءنیات و سوء اداره همه روزه در گوشه و کنار کشور بملاحظه میرسید ۰ مثلاً محمد هاشم خان بجای آنکه به معارف کشور توجه کند و توازن سواد آموزی و معارف را از طریق گسترش و تعمیم مکاتب و مدارس عملی سازد ، توسط فرامین جداگانه ای عنوانی نایب الحکومهٔ هرات ، از پیشرفت معارف و مطبوعات در آن شهر جلوگیری می کند ۰ او نه تنها به این کار اکتفا نکرد بلکه به والی ها و حکامش دستور داده بود تاهر خرابی که درجهت رکود فرهنگ و دانش از دست آنان ساخته آید مضایقه نکنند ۰ برمبنای همین پالیسی نایب الحکومهٔ وقت هرات ، مراکز دینی هرات و از جمله مدرسهٔ معروف «پای حصار» را که یکی از مراکز علمی و اسلامی بود ویران کرد و خانه های مدرسین و منازل اطراف آنرا هم از میان برد و آنانرا پراگنده ساخت ؛ محترم مولوی عصمت الله یکی از مدرسین آنرا تحت عنوان بندی سیاسی بکابل فرستاد ، و دو نفر مدرس عالیقدر و محترم دیگر را بنام های مولوی نعمت اللهسلجوقی و مولوی عبدالوهاب سلجوقی ، به جرم تدریس علوم اسلامی در خود هرات زندانی ساخت ، و بمردم اخطار داد که از آن منطقه خارج شوند و بدور آن مسجد خانه و سرائی نباشد ۰ و عجب آن بود که ترویج عیاشی و فحاشی و باده گساری هر روز وسعت می یافت و در مقابل از هر نوع جریانات سالم فکری و علمی جلوگیری بعمل می آمد ۰(۱)

چنان وضعی حتی در دورهٔ دوم بقدرت رسیدن محمد داود خان نیز ادامه داشت ۰ وزارت خانه ها و ادارات دولتی بعضاً به فساد گرائیده بودند و حیا و آزرم آهسته آهسته از اجتماع برچیده می شد ۰ بزم های شبانه و برپا کردن محافل و مجالس شب نشینی در سال های اخیر از هر کشور آزاد جهان هم یک گام جلوتر بود ، و اینکار که بافرهنگ و سنن ملی ما عمیقاً تضاد داشت ، جزء مفاخر خانواده های اشرافی و نشان روشن فکری محسوب می شد ، و کسانی را که با تعمیم و ترویج فساد و بی بند باری ها مخالف بودند و آنرا مایهٔ تباهی و هلاکت می دانستند ، «مرتجع» مینامیدند و بنام کهنه فکر و عقب مانده نکوهش می کردند ۰ این شیوه از یکطرف بصورت محسوس و تدریجی ، انگیزه ها وگرایش تقلید را درمیان مردم بر می انگیخت ، و از سوی دیگر تضادهای اجتماعی را هر روز وسیع تر می ساخت و آهسته آهسته گروههای مختلف اجتماع از هم فاصله میگرفت و نظام طبقاتی ما بدتر می شد ۰ پول ، رشوت ، رابطه و وسائل عشرت و خوش گذرانی ، معیار همه ارزشها

۱ ـ به نقل ازگفتار و یا دداشت های ذهنی و چشم دید آقای راشد سلجوقی ۰

بود و جز این ، از حق و قانون و عدالت اثری وجود نداشت •

اکثـر افراد حین مراجعه و داد خواهی و بازگوئی مشکلات خویش ، و یا تلاش برای کشیدگی ها و کدورت های ذات البینی در یک قریه و روستا و ناحیه ، نه تنها از توجه و مروتی بر خوردار نمی شدند ، بلکه از نخستین مرجع یعنی قریه دار ، علاقه دار ، حاکم و کلانتر محل تا آخرین مرجع که وزارت خانه ها و صدارت بود ، به انواع بی دردی ها ، ظلم ها ، کار شکنی ها ، حق تلفی ها ، رشوه ستانی ها ، وغیره وغیره مواجه می شدند و هر آنچه در هستی و توان داشتند از دست میدادند • وچه بسا که بجای مجرم و متجاوز وجانی و آدم کش و دزد ، شخص عارض و مظلوم و صاحب ادعا ، خود زندانی می شد و بر گلیم سیه روزی می نشست •

من شخصاً بیاد دارم که در سال ۱۳٥٤ شمسی باری غرض دنبال کردن عریضهٔ سرقت منزل خود که آنهم توسط خود پولیس و بدستور دولت انجام شده بود (و داستانی طولانی دارد) بولایت کابل و دفتر تحریرات والی رفتم ، ناگهان فریاد حزین و دردناکی دراتاق والی بلندشد و بنده باسایر مراجعین در اطاق انتظار می شنیدیم که پیهم دستور داده می شد که: «بزن!» • و مردی فریاد کنان می گفت: «بزن عدالت ،بزن قانون ، بزن دیموکراسی ، بزن باز خواست!» • من که از شنیدن آن آواز ها چون مار در خود می پیچیدم ، بدنبال مردی که از اتاق والی خارج شد ، رفتم و از وی به نرمی و گرمی التماس کردم تا جریان آن صحنه را بمن تعـریف کنـد • او در حالی که سخت متأثر به نظر میرسید گفت: «آقا! برادر آن شخـصـی که فریـادمی کرد دولـت و کوب می شد، کشتـه شده اسـت واو قاتلین برادرخود را میخواهد ولی برایش می گویند که تو خود اینکار را کرده ای واوهم از درد بسیار در برابر والی سخنان تند گفت و والی صاحب هم امر کرد تا او را سیلی کاری کنند» •

برای من که آن وضع غیر قابل تحمل بود ، سر خود را گرفتم و رفتم و تا وقتی که در کابل بودم از اطراف ولایت هم عبور نمیکردم ، تا مبادا بجای دزد پای صاحب خانه را به بندند •

زمانی که محمد داود خان عهده دار وزارت داخلهٔ افغانستان بود ، یکی از عارضین نسبت به عدم وارسی و توجه به شکایات او ، و ظلم حکام و ماموران داخله ، بر سر تا پای خویش نفت ریخت و خود را آتش زد و درباغ وزارت داخله سوخت و خاکستر شد • ولی محمد داود خان سرش را از میز بلند نکرد تا به بیند و بپرسد چه اتفاقی افتاده است •

در دورهٔ ریاست جمهوری او بار دیگر این صحنه تکرار شد و شخص دیگری اینبار خود را در مقر وزارت عدلیه به آتش کشید • این وقایع چون در مرکز قدرت و تصمیم و عدالت اتفاق افتاد ، همه کس از آن آگاهی یافتند • لیکن هر روز ده ها نفر در گوشه و کنار وطن از فرط ظلم و بی عدالتی و بی توجهی حکـام و ادارات دولتی ، خامـوشانه می سوختند

و نابود می شدند ، اما فریاد آنها بگوش کس نمیرسید ٠

مقرری ها و اشغال پست های مهم و بزرگ دولتی جز واسطه ، همبستگی ها ، پیوند های خانوادگی و خوش بینی های شخصی ، ملاک و معیاری نداشت و افراد شایسته و مستحق به ندرت میتوانستند خود را بجائی برسانند ٠

دارائی های عامه ، عواید مالیات و محصولات گمرکی ، اغلب از طریق جعل کاری ها ، سازش ها ، وتقلب ، حیف و میل می شد ، بحدی که یک تحویلدار یا کاتب گمرک در کمترین فرصت صاحب خانه و باغ و اپارتمان میگردید ٠ چه رسد بمقامات بالاتر و بالاتر ازان ٠

دزدی و یغماگری از عواید دولت رسم شده بود و هر که جرئت و بی حیائی بیشتر وهم بستگی محکمتر می داشت ، میتوانست ثروت بیشتر بدست آرد ٠ واینکار نه تنها در ادارات مالی و گمرکی محسوس بود ، بلکه در اکثر دوایر کشور کم و بیش بمشاهده میرسید ٠ منتها راه و رسم آنها تاحدودی از هم متفاوت بود ٠ اینجا مستقیم از خزینهٔ دولت دزدی می شد و درجای دیگر بصورت غیر مستقیم و از جیب مردم ٠

البته استثناآتی وجود داشت و بودند افرادی که در کمال پاکی و صداقت و مردمی ، انجام وظیفه میکردند و از هر نوع مردم آزاری و استفاده جوئی و کار شکنی دوری می جستند ، اما چون جامعه مسموم شده بود، خدمات و زحمات ایشان هم بجائی نمیرسید و از مشکلات کاسته نمی شد ٠

آن عده افرادی که از قدرت های قانونی برخوردار بودند ، به انواع استفاده جوئی ها و قانون شکنی ها دست می یازیدند و بعضاً کارهائی میکردند که خامهٔ از بیان آن احساس خجلت می کند ٠

خلاصه آنکه جامعهٔ افغانستان به حصارکهن و فرسوده ای همانند بود که خشت و سنگش هر روز از در و دیوار آن فرو میریخت و از بنیادسست ولرزان می نمود ٠ روکش کردن دیوار های آن بنای فرسوده و برپا کردن پایه های فرعی بعنوان «خام کوب» هرگز نمیتوانست آنرا استواری بخشد و از انهدامش جلوگیری کند ٠ آری بگفتهٔ ملک الشعراء بهار:

گر شد از جورشما خانهٔ موری ویران
خانهٔ خویش محال است که آباد کنید

آنهمه شکنجهٔ های افسانوی وسیه چاههای اسطوره ای و به اسپ بستن ها و بدرخت آویزان کردن ها و از کوه غلطاندن ها و به توپ پراندن های انسان های بیگناه و صدها جفا و بیداد دیگر که قلم از نوشتنِ آنها اشک خجلت میریزد ، سرانجام جامعهٔ افغانستان را به معجونی

از تضادها ، عصبانیت ها و انحرافات مبدل ساخت و زمینه را برای اشتیاق دانه و افتادن بدام کمونیزم فراهم نمود ۰ البته جنگهای افغانستان و انگلیس و اثرات ناگواری که طبیعتاً چنین حوادثی در پی دارد ، در دگرگونی احوال جامعهٔ ما بی تاثیر نبود ۰ و اما بی میلی مسوولان امور عمده ترین عواملی است که تاریخ و مردم افغانستان آنرا فراموش نخواهند کرد ۰

چهارم ـ بی عدالتی ها و تضاد های اجتماعی

چنانچه جای جای اشاره کردیم ، اوضاع اجتماعی و سیاسی افغانستان در طول یکقرن اخیر هرگز مورد توجه امراء و فرمانروایان قرار نگرفت و برای از میان بردن اضداد و نابسامانی ها ، و اصولاً جهت بنیان گذاری یک ملت واحد گامی برداشته نشد ۰ در این مدت دراز که دیگران بکارهای بزرگی اقدام کردند و مردم و کشور خویش را از دست آوردهای دانش و تکنالوجی و اقتصاد بهره مند ساختند ، در افغانستان خاموشی و کرختی مرگباری حکمفرما بود ۰ عده ای از زمینداران بزرگ و خداوندان جاه و زر و محدودی از ساکنان مراکز شهر ها ، میتوانستند از پدیده های تازه ئی که در زندگی روزمره اتفاق می افتاد ، سود برند و متباقی افراد کشور ، از همه نیازمندی های زندگی بی بهره بودند ۰ چنان پنداشته می شد که جز همان طبقهٔ محدود ، دیگران حق زندگی ندارند ۰ مخصوصاً در نیم قرن اخیر که خود در جریان قرار داشته ایم ، دیدنی ها و شنیدنی هائی بیاد می آید که ذکر آنها مورا بر اندام راست می کند و هر صاحب وجدانی را تکان میدهد ۰ ولی ناگزیریم مواردی را برسبیل نمونه تذکر دهیم تا باشد که نسل های آیندهٔ وطن از آن انتباهی گیرند و آنچه ما کردیم و به این روز رسیدیم ، ایشان نکنند و سلامت بمانند ۰

آری! در روزگاری که ما از آن گفتگو می کنیم جز در موارد استثنائی ، اصلاً عدالتی وجود نداشت ، فقط زور ، واسطه ، پول و نفوذ و زسوخ و همبستگی ها ۰ بانی و مجری قانون و عدالت بودند ۰ چه بسا که شرف و ناموس و جان مردم قربانی گرگ صفتان آزمند و بی عاطفه می شد ، و چه بساکه زمین و خانه و باغ صدها انسان شریف ، ولی بی واسطه و بی سواد ، توسط زورمندان محلی اخذ و ضبط می گردید ۰ و چه بسا جوانان دختر و پسر که قربانی توطئهٔ ها ، دسیسه ها ، وسیه کاری های هوسبازان قدرتمند و بی عاطفه می شدند ۰ اما گوشی ، اداره ای ، قانونی و مرجعی وجود نداشت تا بفریاد مظلومان وارسی کند ، و از آنهمه نا ملایمات جلوگیری نماید ۰ مردم جز سوختن و ساختن چاره ای نداشتند ، همینکه حاکمی ، فرمانروائی وحتی مامور پائین رتبه ای دستور می داد تا عارض مظلومی را از نزدش دورکنند ، یا به اصطلاح آنروز «او را بشانند» ، آن بیچاره بزندان برده می شد و سالها زندانی بود ۰ در این باب داستانهائی است که ذکر آنها سخن را بدرازا می کشد ۰

ظلم و بی عدالتی در کشور تنها در محدودهٔ آنچه تذکار رفت خلاصه نمی شد بلکه انواع گوناگونی داشت که اینک مواردی از آن برسبیل نمونه در زیر ارائه می شود ۰

در عهد محمد هاشم خان و در دوره ای که محمد داود خان قوماندان قوایمرکز بود ، مردم بیچاره و بینوای کنرها و علی زائی قنْدهار و سلیمان خیل ، نسبت ناتوانی پرداخت مالیات بار بار به دولت عرض حال کردند ۰ ولی در جواب بجای آنکه به احوال آنان رسیدگی شود ، خانه ها واولادهای شان را به توپ بستند و قریه های شان را بمبار دمان کردند ۰ وبسا بی رسمی ها و نامردی های دیگر که ذکر آن بر هر مسلمانی کشنده است ۰

همچنان ، زمانی که مردم صافی را به همین جرم مورد حمله قرار دادند و مجلس وزراء آنروز تحت ادارهٔ محمد هاشم خان دستور بمباردمان و قتل آنان را صادر کرد ، نایب سالار عبدالرحیم خان کوهستانی که سمت وزارت فواید عامه و معاونیت صدارت رابعهده داشت ، بر آن فیصله ها اعتراض کرد و گفت اجازه دهید آنان را نصیحت کنیم و از طریق برادری قضیه را حل نمائیم ، سردار محمد هاشم خان بر آشفت و گفت : بلی! ما از بسیار چیز ها خبرداریم! و دو روز بعد از آن نایب سالار موصوف را فقط به همین جرم (خیر خواهی) با چهل و سه نفر اعضای خانواده اش گرفتار و زندانی کردند که استاد خلیلی خواهر زاده و دامادش نیز در آن میانه بود ، و دو سال را در زندان سپری کرد ۰(۱)

در دورهٔ دیموکراسی تاجدار که بعد از قانون اساسی سال (۱۳٤۳ش) بوجود آمد ، یکی از ناقلین سمت شمال «کمال الدین اسحق زی» ، که رنجهای بینوائی و بیچارگی اش دراندک زمانی التیام یافت و از خیر و برکت زمین های بدست آوردهٔ خود به نواها رسید و از جملهٔ ملاکان و فیودال های بزرگ بحساب می آمد و از روستاهای ترکمن و ازبک نشین ، بقوت پول و قدرت دولت ، خلعت وکالت شوری راهم در برکشید ، نه تنها به پامال کردن وغصب حقوق قانونی و مشروع باشندگان اصلی منطقه اکتفا نکرد ، بلکه در دوران وکالتش چندین نفر از ترکمن هارا کشت و اجساد ایشان را به آتش کشید ۰ باز ماندگان کشتگان توانستند شب هنگام چند پارچه استخوانی را که از گزند آتش در امان مانده بود ، با خود بکابل آوردند تا بمقام دارالتحریر شاهی و صدارت و وزارت عدلیه عرض حال کنند ۰ صدای این واقعهٔ دلخراش و غیر انسانی چنان به سرعت جامعه را فراگرفت که خبر آن در جراید ملی نیز انعکاس یافت و حکومت نمیتوانست آشکارا در برابر آن بی اعتنائی نشان دهد ۰ لذا استخوان هارا به طب عدلی کابل فرستادند تا تازگی و کهنگی آنرا تشخیص کنند ۰ دستگاه حاکم میخواست از اینطریق و با وارد کردن فشار بر دکتوران طب عدلی قضیه را وارونه سازند ۰ ولی طبیبان با وجدان و خداترس آن تحت تاثیر هیچ چیز قرار نگرفته

---

۱ ـ به نقل از روایات و یاد داشت های استاد خلیلی ۰

و به صراحت از تازگی استخوان ها تائید کردند ۰ اما زور و زر دستگاه حاکم را بر آن داشت تا به عمل ننگینی دست زند که تا آنوقت در کشور ما سابقه نداشت ۰

بلی! به توصیهٔ مقام صدارت (سال ۱۳۴۹ش) و فشار و پایمردی مرد قدرتمند ستره محکمه «=دادگاه عالی» ، جناب دکتر حقوقی ، آن استخوان ها از بین برده شد و بجای آن استخوان های پوسیدهٔ چندین ساله را از گورستان جمع کرده و به المان یا فرانسه فرستادند تا طبیبان آنجا دربارهٔ تازگی و کهنه گی استخوان ها نظر بدهند ۰

دوکتور طب عدلی کابل که از دوستان نگارنده بود ، وقتی این حکایت را بیان می کرد بزاری زار می گریست و از عواقب دردناکی که هستی افغانستان را تهدید میکرد اظهار نگرانی مینمود ۰

به ترتیبی که گفته آمد خون آن مظلومان بی گناه ارزش قانونی پیدا نکرد و زور و زر و واسطه بر همه چیز و همه حقایق پرده افگند ۰ و در نتیجه چندین خانواده در آتش و خون نشتند وهزاران نفر عشیرهٔ آنان از مشاهدهٔ چنان بیداد پیدا و پنهان متأثر شدند و احساس و عواطف شان جریحه دارگردید ۰

این واقعه و نظایر آن چیزی بود که هر انسانی را خواه نا خواه به انحراف و پذیرش افکار انحرافی میکشانید و بر آن می شد تا بهر وسیله ای که امکان تغییر و دگرگونی اوضاع و شرایط میسر آید متوسل گردد ۰

آری! کمال الدین اسحق زی در منطقه ای که زیست می کرد ، خود حاکم بود و خود فرمانروا ۰ هر چه دلش میخواست انجام میداد و هیچکس در مملکت ما وجود نداشت تاحد اقل بپرسد که این همه امتیاز و ملوک الطوایفی برای چی ؟؟

هر حاکمی هم که از مرکز بدانجا میرفت ، محکوم او بود و مجبور می شد تن به اطاعت در دهد و با وی کنار آید ۰ امّا بدبختانه در برابر آن همه امتیازات ، هنگامی که روس ها بر کشور ما حمله کردند ، کمال الدین خان اسحق زی بجای آنکه در برابر روس ها سنگرگیرد و ازان همه اسلحه و قدرت خود علیه دشمنان وطن و متجاوزین روسی استفاده کند ، فرار را برقرار ترجیح داد و با اندوخته های بی حساب به پاکستان عزیمت نمود و اکنون با تمام اعضای خانوادهٔ خویش ، دور از هرگزند و آسیبی در کویته زندگی می کند ۰ ولی همان قشر مظلوم و جفا دیده این نهمین سال است که علیه روس ها می جنگند ، مقاومت می کنند و در راه پاسداری میهن و دفاع از حق و آزادی و شرافت خویش مال و اولاد خود را قربان نموده اند ۰ به بین تفاوت راه از کجاست تا بکجا!

در سال ۱۳۴۳ش یکسال قبل از انتخابات شوری ، وزارت امور داخله ، تحت عنوان تجدید نظر در تشکیلات اداری ، دست به اقداماتی زد که نفرت دو ثلث نفوس افغانستان را برانگیخت و برهیچ معیاری سازگار و منطقی نبود ۰ در این تشکیلات یک تعداد ولایات

خاصی را دکتر عبدالقیوم خان وزیر داخله به چند ولایت مستقل و مجزا تقسیم نمود و به اساس آن در هر منطقه ای که گنجایش «علاقه داری» نبود یک حکومت محلی تشکیل کرد ۰ و بدین ترتیب زمینه ای را مساعد ساخت که در مناطق مورد نظرشان به تناسب هرشش هزار نفر ، یک حوزهٔ انتخابی معین شد و یک نفر وکیل بشوری آمد ۰ و اما در سایر نقاط وضع بگونه ای بود که از صد هزار نفر فقط یک نماینده انتخاب می شد ۰

هدف کلی از اینکار در اصل و اساس برهم زدن تعادل و توازن نصاب و آراء در شوری بود ۰ زیرا دران ایام منافع شخصی و محلی و نژادی ، بر مصالح ملی و منافع عمومی رجحان داشت و کسی جز برخود و اقران و اقوام خویش نمی اندیشید و وطن و سرنوشت آن اصلاً نزدشان مفهومی نداشت ۰ همچنان اکثر نام های باستانی و اماکن تاریخی کشور در همین سال عوض گردید و بجای اسامی کهن نام های دیگری گذاشته شد ۰ گرچه از نظر تقسیمات وظایف این موضوعات بوزارت اطلاعات وکلتور تعلق داشت ، ولی تاجائی که بنده شخصاً مشاهده می کرد ، همه روزه مکتوبی از وزارت داخله به انجمن تاریخ مربوط وزارت اطلاعات وکلتور مواصلت میکرد و تقاضا می شد تا «فلان» نام کهن و تاریخی عوض گردد و بجایش «فلان» کلمه ای بکار برده شود ۰

این مسایل که اصلاً خیلی کوچک و مضحک بود ، عمداً و برمبنای تعصب مطرح می شد و از همان آغاز به اعتراض و انتقاد مواجه گردید ۰ لیکن آواز مردم بگوشی نمیرسید و بر عقده های گره خورده می افزود ۰

شاید بعضاً این پدیده های اجتماعی و سیاسی را امر عادی پندارند و اثرات آنرا نادیده انگارند ، اما موضوع در ماهیت خویش عمق و بعدی داشت که برای کمونستان بزرگترین حربه بود و از آن بحیث یک وسیلهٔ محرک و فریبنده استفاده میکردند ۰

بین ارگ شاهی و مراد خانی ، بین کارتهٔ ۳ و چهاردهی ، بین شاه شهید و بینی حصار و میان کارتهٔ وزیر اکبر خان و بی بی مهرو ، یک یک کیلومترهم از نظر بعد و مسافت جغرافیائی فاصله نبود ، اما از لحاظ تفاوت های اجتماعی و فرهنگی ، شرایط زندگی ، آداب و رسوم و حقوق فردی و اجتماعی ،چندین سال ازهم فاصله داشتند ، و مجموع این و صله های ناجور و تضادهای آشکار ، پیکر اجتماعی و سیاسی افغانستان را بگونه ای آراسته بود که سخت زشت و نازیبا می نمود ۰

در مرکز کابل هوتلی بنام «سپین زر = زر سفید» بنانهاده شد و تشناب های آن به سنگ رخام مزین گردید و میلیون ها افغانی صرف ساختمان آن شد که از آن جز عدهٔ محدود و انگشت شمار کسی نمیتوانست استفاده کند ۰ و اما آنسو ترک در بیست متری اش ، مردم در کابل و در شدت سرما و زمستان یخ را می شکستند و غسل می کردند ۰ و چه

بساکه از اثر سردی هوا جان خود را از دست میدادند ۰ ولی هیچکس به این امر توجهی نمیکرد و مردم عام در نظرشان شبیه حشراتی بودند که هیچ ارزش و حقی برای آنان قایل نبودند ۰ حتی در شهر بزرگ کابل ، در همین مدت طولانی ، بیت الخلائی وجود نداشت تا مردم بتوانند رفع حاجت کنند و ناگزیر هر جا میرسیدند پیرهن به بالا می کشیدند و شهر پر از کثافت و آلودگی بود ۰ بخصوص کنار دریای کابل منظرهٔ عجیبی داشت و بیش از هر جا و هر چیز دیگر میتوانست جلب توجه سیاحان خارجی را فراهم نماید ۰

پنجم ـ فقر و بیسوادی

عامل دیگری که زمینهٔ اثر پذیری فلسفهٔ های انحرافی و کمونیزم را در افغانستان فراهم ساخت و مردم را بی اختیار در اختیار کمونستان قرار داد ، فقر و بیسوادی بود ۰ دربارهٔ این موضوع و عدم توجه آگاهانهٔ حکام ، در مباحث گذشته اشاراتی کرده ایم و اینک جای آنست که روی این موضوع اندکی بیشتر روشنی افگنیم ۰

حقیقت این است که از مدت زمان دراز به اینسوبدانگونه که در سایر امور توجهاتی صورت نمیگرفت و مردم در وضع قرون وسطائی بسر می بردند ، مسئلهٔ سواد آموزی و تعمیم دانش و آگاهی نیز ، عمداً از نظرها بدور مانده بود و کوشش می شد تا مردم بهمان حالات ابتدائی نگاهداشته شوند ۰ حتی حدود سی سال قبل در روستاها خط وسواد ابتدائی وجود نداشت و تنها بعضی از آخوندهای محل میتوانستند به همان شیوه های قدیمی و در حد خود شان داد و ستد مردم را از سواد به بیاض آرند و بس ۰

تعلیم و تربیت درمساجد که فی الواقع اساس آموزش های دینی محسوب می شد ، تدریجاً از بین رفت و جای آنرا مکتب و آموزش رسمی و سرکاری گرفت ۰ این مراکز تربیوی جدید هم تا مدت های طولانی در هر حکومت محلی ، یک باب بود و قراء دور دست نمیتوانستند ازان استفاده کنند و سپس در تعداد مکاتب ولیسه ها افزونی بعمل آمد ۰ ولی آن فزونی و رونق دهی نیز بنا بر کثرت مراجعین ، سیر پیشرفت و انکشاف علوم در جهان و نداشتن برنامه های مثمر و مثبت و عدم وسایل و امکانات ، پاسخ گوی نیازمندی های روز نبود ۰ مهم تر آنکه معارف افغانستان از همان آغاز اهداف مشخص تربیوی و پرورشی نداشت و فقط بحیث یک وسیلهٔ آموزش خواندن و نوشتن و بدست آوردن کار و ماموریت در جامعه نقش بازی می کرد ۰

گرچه آموزش های جدید در مکاتب همان معلوماتی بود که عصر و زمان اقتضا میکرد و باتعالیم اسلام منافات نداشت ، اما نظام تعلیمی کشور به گونه ای عیار شده بود که بین مکتب و مسجد تضادهائی را بوجود آورد ۰ و در نتیجه مراکز پرورشی فرزندان افغانستان

بجای آنکه ممدهم گردند ، بحیث کانون های متضاد فکری در برابر هم قرار گرفتند ۰ در نتیجهٔ این بی توجهی ها تعلیمات دینی و علوم اسلامی کم کم متروک شد و مکاتب نیز آنگونه بر نامه هائی نداشت تا این خلاء را پرکند و شاگردان را جهت دفاع از عقیدهٔ شان مجهز سازد ۰ بنابراین فراموش کردن تعلیمات مساجد و مدارس ، و بیگانه شدن کودکان و نوجوانان مسلمان از تعالیم و مبادی اسلام ، بذات خود بهترین زمینه ای را برای انحرافات فکری و بهره برداری کمونستان فراهم ساخت و به آسانی توانستند در قلمرو اندیشه های جوانان ما راه یابند و آنان را به بیراهه کشند ۰ زیرا اکثریت جامعهٔ افغانستان که خود از نعمت سواد بی بهره بودند ، نمیتوانستند سوال ها و مشکلاتی را که از محیط و مضامین مکتب در ذهن فرزندان شان خلق می شد و یا کمونستان عمداً مفکوره هائی را در مغز شان جای میدادند ، پاسخ گویند و آنان را از تاریکی و ابهام نجات دهند ۰

برداشت نا درست و تقلید کورکورانه از تمدن و فرهنگ بیگانه و اثر پذیری و اقتباس از جلوه های طاؤسی دیگران توسط رادیو وجراید ، همه از جملهٔ عوامل بدبختی های مردم ما بود که بیسوادی و دوری از فرهنگ وارزش های اسلامی و ملی آنرا ببار آورد ۰ ارباب و رجال کشور حتی در مسابقات سگ بازی اشتراک می کردند ، ولی یکروز سری به مکاتب نمیزدند ۰

فقر و تنگدستی مردم نیز چون بیسوادی بدترین و مدهش ترین دشمن انسانّ ها است و هر جا که سایه گسترد اهریمن الحاد و کفر در کمین اوست ۰ و بنا براین اکثریت جامعهٔ افغانستان که سالها از فقر و محرومیت و تنگدستی رنج می کشیدند ، نتوانستند از آموزش سالم ، سواد لازم و تربیت و آگاهی کافی برخوردار شوند ۰ لذا مستعد آن بودند تا زمزمه های فریبندهٔ کمونستان در گوش ایشان آهنگی خوش داشته باشد و بدعوت ایشان لبیک گویند ۰

زندگی در روستاها و دهکده ها واقعا رنج آور و دردناک و بگونه ای بود که باور نکردنی و توصیف نشدنیست ۰ میلیون ها انسان در عصر کیهانی از فقر و بیکاری رنج می بردند و بجای نان و غذا از علف های صحرائی استفاده میکردند ۰ وبسا از این افراد ازخوردن گوشت و نان گندم جز در مرگ عزیزان شان و آنهم به رسم «سیالداری» و هم چشمی ، محروم بودند ۰ پیراهن و تنبانی برای شان اگر از کرباس میسر می شد ، ده سال آنرا می پوشیدند ۰ بحدی که پینه و وصلهٔ آنها قشر دیگری را بر روی لباس های شان تشکیل میداد ۰ ممکن سالی چند بار در فکرشستن جامه های خود می شدند و آنگاه بنابر نبودن وسایل از قبیل صابون و پودر رخت شوئی ، از خاکستر و گیاهان کوهی استفاده می کردند ۰

من خوب بیاد دارم که هر گاه کسی قدرت می یافت تا یک دست لباس نو در یک دهکده و روستا ، و آنهم در روز عروسی خویش بتن می کرد ، همه افراد محل حین برگزاری

مراسم ازدواج آنرا بعاریت میخواستند و زیب تن میکردند و نصیبهٔ عروس و داماد روستائی در زندگی همین بود و بس • و به این ترتیب یک جوره لباس چندین سال و پیکر چندین عروس و داماد را می آراست و توانائی آنرا نداشتند تا حتی در روز عروسی خویش یک جوره لباس نو فراهم سازند •

کلبه و کاشانهٔ اکثریت روستائیان و دهقانان نیز بدین منوال بود • بدین معنی که مردم در مغاره ها و در زیر چپری ها و خس پوش ها زندگی میکردند • و بسیاری از ایشان در محوطه ای که خود از سنگ درست می نمودند ، با حیوانات خویش یکجا بسر می بردند •

خلاصه آنکه در اغلب نقاط دور افتاده و حتی نزدیک به شهر ها و حتی در چهاردهی و بینی حصار ، زندگی و حیات ، عهد قبل التاریخ را بخاطر می آورد ، در حالی که دو کیلومتر هم از پایتخت فاصله نداشتند • ولی دولت مردان و شهر نشینان ثروتمند روزگاری چنان خوش و رنگین داشتند که پنداشتی حداقل دو قرن از زمان و مکان خویش پیش رفته اند •

زمین و زمینداری هم در روستاها به پیمانه ای نبود که حداقل بیست در صد مردم را مشغول بکار می کرد • لذا روستا های کشور حیثیت بیمارستان های روانی را داشت که روستائیان مستمند و بیکار ما در آن امرار حیات می کردند و بجای مجادله با فقر وگرسنگی ، اغلب اوقات شان به جنگ و نزاع و جدال های ذات البینی سپری می شد و جز این سرگرمی ای برای آنان وجود نداشت •

فرمانروایان افغانستان پیوسته در برابر پیشنهادات و یا انتقادات اغلب ممالک ذی علاقه و سران جهان جهت پیدا کردن کار برای مردم ، عاجزی و قناعت ملت افغانستان را پیشکش می کردند • بدین معنی که مردم به آنچه دارند و برایشان میگذرد قانع و راضی اند و بکار نیازی ندارند • آن یک نان شان میدهد و این یک مکان و لباس برای شان تهیه می کند •

به این ترتیب روس ها توسط مزدوران خود که حیثیت مبلغان کمونیزم را داشتند ، و در پرتو شناسائی دردها و مشکلات مردم ، نیازمندی های اولی وحالات اجتماعی و اقتصادی آنان را شعار خود قرار داده و با وعده های فریبندهٔ خویش مبنی بر تهیهٔ لباس ، مسکن و غذا ، بسرعت درمیان توده ها نفوذ کردند و از احساسات پاک روستا زادگان رنج کشیده سوء استفاده نمودند •

ششم ـ بهداشت و امور پزشکی

عدم توجه به امور بهداشتی و مسایل صحت و سلامتی مردم بگونه ای بود که سالانه چندین صد کودک قربانی بیماری های چیچک و سرخکان می شدند • امور بهداشت در روستا ها بدست سلمانی های محل انجام می شد و ایشان بودند که در یک کشور دارای

تشکیلات نظامی و اداری وسیع و درقرن بیستم ، هم بحیث متخصص بیماری های داخلی و بطریقهٔ رگ زدن و خون کشیدن از شرائین بیماران ، بیماری های معده و گرده وشش وقلب و جگر وسوداء وصفرا را مداوا می کردند و هم به صفت دکتر جراح دندان ، کشیدن و تداوی کردن دندان ها را بعهده داشتند ۰ حتی در همین ایامی که این کتاب بدسترس شما قرار میگیرد ، درنود و پنج در صد از شهرها و روستا های افغانستان یک قابله وجود ندارد ۰ و چه بسا خانم هائی که در اثر مشکلات وضع حمل ، جان خود را از دست داده اند ۰ اما اربابان جاه و قدرت برای ولادت خانم های خود از بیمارستانهای مسکو و اروپا استفاده میکردند ۰ همچنان تا امروز هم اکثر ولایات کشور از آب صحی نوشیدنی که یک مسئلهٔ پیش پا افتاده ولی بسیار ضروری و مهم است ، محروم اند و از آب چاه و حوض هائی استفاده می کنند که به هیچوجه قابل نوشیدن نیست و اکثر امراض ساری هم درمیان مردم از همین جا شیوع می یابد ۰

مسلماً پیاده کردن نظام طب و قابوی و حفر چاهای صحی و تربیهٔ افراد کافی ، آنقدر مشکل و دشوار نبود و بسیاری از کشور ها مایل بودند تا اینکار را انجام دهند ۰ لیکن حکمروایان بی درد بپاس خاطر داشت دوستان روسی خود ، برای رفع اینگونه نیازمندی های اولی مردم ، اقدام و توجهی نمیکردند ۰ و گناه میدانستند که غیر از روس ها به کشور و مردم دیگری اجازه دهند تا در وطن ما خدمت کنند ۰

حتی در مراکز شهرها خدمات بهداشتی بسیار ابتدائی و محدود بود و حکام افغانستان جز فکر اندوختن ثروت و مکنت و خریداری باغ و زمین و سرای جهت تضمین و تأمین زندگی آیندهٔ نورچشمی ها ، به چیز دیگری نمی اندیشیدند ۰

در جاهائی که مراکز صحی و شفاخانه ای هم وجود می داشت ، امکانات استفاده اش برای مردم فقیر و مستمند کمتر میسر بود ۰ علاوه بران این مراکز وسایل درمانی کافی نداشتند و نمیتوانستند به نیازمندی های مردم رسیدگی کنند ۰

این موضوع در حد خود عامل دیگری محسوب می شد که کمونستان از آن بحیث یک وسیلهٔ تبلیغاتی استفاده می کردند و بسیاری از مردم را ذهناً مسموم مینمودند ۰

هفتم ـ اشتباه و بی اعتنائی مردم

اغلب فکر میکردند که دین و پاسداری و حراست از آن متعلق به جامعهٔ ملاها و قشر روحانیت است ، و دیگران جز روزه و نماز ، مکلفیت و مسوولیت دیگری در برابر دین و اسلام ندارند ۰ بعضاً در تاریکی این اوهام و ابهام حتی از تاکید و توصیهٔ آموزش و اندوختن تعلیمات دینی بر پسران خویش ، خود داری میکردند ، و چنان می پنداشتند که فرزندان شان همه چیز را در مکتب فرامیگرند و آنچه در

آنجا می آموزند کافی و بر حق خواهد بود ٠

البته در روستا ها تا مدت زمانی اوضاع بدین منوال نبود و مردم سعی میکردند تا فرزندان شان اساس های تعالیم اسلام و شیوه های آموزش علوم متداول را در مساجد و مدارس فراگیرند ، و همین امر باعث شده بود تا دانشجویان روستا ها و ولایات در فاکولته های کابل از درخشش خاصی بر خوردار باشند ٠ ولی بعداً در روستا ها و مساجد هم این سنت حسنه متروک شد و روستا زادگان نیز از دوستان و زندگی شهری تقلید کردند و هر آنچه خود داشتند ، بفراموشی سپردند ٠

از سوی دیگر عکس العمل مردم در برابر شیوع کمونیزم و فعالیت کمونستان در آغاز چندان جدی و عمومی نبود و بجز تعدادی از علما ، اعضای «نهضت اسلامی» و «وحدت ملی» ، سایرین آنرا نادیده گرفتند ٠ آنانی که میدانستند سرنخ در کجاست ، از ترس و یا بخاطر حفظ منافع خود خاموش بودند ، و افرادی که نمیدانستند جریان از چه قرار است ، خیلی زود و ساده تحت تاثیر تلقینات کمونستان قرار میگرفتند و فکرمیکردند ، ایشان افرادی اند که از دردهای شان سخن می گویند و اینکار درخور تشویش نیست ٠

عده ای هم فعالیت آنان را بی اهمیت و مسخره تلقی میکردند و عقیده داشتند که در جامعهٔ مسلمانی چون افغانستان ، از دست آنان کاری بر نمی آید ٠ البته این پندار تاحدودی درست بود و هرگاه روس های جنایتکار ، دست در کار حمایت و سازماندهی و رهبری و تقویت آنان نمی داشتند ، هیچکاری از دست شان بر نمی آمد : ولی در هر صورت اینهم یک غفلت بود که نسبت بروس ها انجام شد و عواقب آن کشور را بخاک و خون کشید ٠

هشتم ـ نقش حکومت یا عاملی که برهمه موثریت داشت

پس از راه یابی روس ها به افغانستان و آشکار شدن نقشه ها و اهداف شیطانی شان، نفرت و انزجار و عکس العمل در برابر آنان نیز بوجود آمد و هرگاه ادامه می یافت ، حیثیت قوای پاسداری راکسب میکرد که بیگمان از نفوذ و پیشروی روس ها میکاست و اینچنین مفت و آسان برهستی و آزادی ما چیره نمی شدند ٠ امّا متأسفانه مقامات حاکم به شدت و سر سختی احساسات مردم را سرکوب می کردند و یک نگاه خشم آلود و یک حرف درداندود علیه روس ها حکم گناهی را داشت که کیفر آن زندان بود و بدبختی ٠ و این روش جرئت هر نوع اقدام و حرکتی را برضد روس ها و پیروان شان سلب کرده بود ، و چنانچه شاهد بودیم به کمونستان بیش از حد موقع داده شد تا هر کاری دل شان خواست انجام دهند ٠

نهم ـ ناتوانی در گفتار و ضعف در عمل

انکشاف ساینس و تکنالوجی و پیشرفت علوم در نیم قرن اخیر، اکثر شناخت ها و معیار های علمی و ذهنی را دگرگونه ساخت و احساس کنجکاوی و جستجوی حقایق بر خوشباوری ها خاتمه بخشید • این تغییر و تحول که واقعاً اندیشه های بشری را زیر و رو کرد و انقلابی در جهان دانش و افکار پدید آورد، بر جامعه ما نیز اثر گذاشت و شیوع کمونیزم نیز بر آن ممد شد و منجر به برخورد های فکری، فرهنگی و عقیده وی گردید •

متأسفانه در برابر این جهش های عقلانی و علمی، مدعیان و وارثان و پاسداران اسلام در کشور ما، بنابر عدم مساعدت شرایط زندگی و مشکلات اقتصادی و یا نبودن امکاناتی چون مدرسه و کتاب و امثالهم، در نیمه راه آگاهی و در نیمه راه تحصیل و در نیمه راه تفکر و تعقل بازماندند و به آن بسنده کردند و نتوانستند در مقابله با پرسش های روز و مشکلاتی که ذهن و اندیشهٔ نسل نو را فراگرفته بود، باشیوه های علمی و استدلال و براهین منطقی برخورد نمایند • بنابراین یگانه سلاحی که فکر می کردند در برابر هجوم اندیشه ها مؤثر است و آنرامهار می کند، تکفیر و تعزیر و خشونت بود • در حالی که چنین سلاحی نه در آن روز میتوانست مؤثر باشد و نه امروز این توانائی را دارد و نه فردا خواهد داشت •

عدم استعداد و محیط نامساعد، ما را در یک زاویهٔ کوچک فکری و تنگناه دانش منزوی ساخت و اسلام عزیز را باهمه ارزش ها، حکمت ها، قدسیت ها، عظمت ها و اندیشه های انسانی اش که در آفاق و انفس نمی گنجد، گهی در یک «قطی نصوار» و زمانی در یک «آفتابه» آب، خلاصه کردیم، و این بزرگترین دشمنی بود که در لباس دوستی صورت گرفت و همه چیز را بخواری کشید • اسلام شناسی ما در یک چوکات محدود حرف و صوت محصورماند و مانتوانستیم ویا نخواستیم که از آن همه گنجینه های علمی و فراورده های فکری که در نفس قرآن و احادیث نبوی (ص) و آثار بزرگان اسلام مضمراست، چیزی بیاموزیم وچیزکی بیندوزیم • ورنه آنچه دیگران در قرن بیست و باکمک کامپیوتر و مغزهای الکترونیکی درک کردند، دانشمندان اسلام قرنها پیش با نیروی عقل وصفای باطن و فکر سلیم خویش به کنه آن پی برده بودند و در باره اش کتاب ها نوشته اند • نه در دانش نجوم و مسایل کیهانی کمبودی داشتیم، نه در طب و فلسفه و حکمت و عرفان نیازمند دیگران بودیم و نه در مسایل و مباحث ماورای طبیعت ضعف و ناتوانی در ما وجود داشت!

و امـا بدبختانه به استثناء چند کتاب محدود هر نوع مطالعه را گناه انگاشتیم و آن اندوخته هم به تنهائی کافی نبود و نمیتوانستیم در برابر هجوم پرسش های روز پاسخی داشته باشیم ٠ ما اصلاً فراموش کرده بودیم که دشمنی با علم فضیلت نیست و علم ابدان لازمهٔ علم ادیان است ٠ و این را هم نمیدانستیم که هر جا مغزی وجود دارد ، دانش آنجا راهی دارد ، اگر برهنه سر باشد یا عمامه پوش ٠ لذا آن وظیفه و مسوولیت را که بایستی شمعی از منطق و استدلال و برهان فراراه سرگشتگان وادی حیرت و گمراهی بر می افروختیم و آنان را در فروغ ارزش ها وجهان بینی اسلام رهنمونی میکردیم ، بدرستی انجام داده نتوانستیم و بجای آن ، جهت گیری های منفی و برخوردهای خصمانه و روش تکفیر را شعار خود قرار دادیم ، و با این وضـع ، مردم و مخصـوصاً طبقهٔ جوان را علیه اسلام برافروختیم وزمینهٔ انحراف ورزی شان را خود بدست خود فراهم کردیم ٠

هر جا برهنه سری دیدیم کافرش خواندیم و هرکس خارج از محدودهٔ فکری ما صحبت کرد ، گمراهش نامیدیم ، غافل از آنکه بی کلاهی عارنیست ، اما بی دانشی و بی خردی عار است ٠ چنانچه حتی امروزهم ازآنهمه تجارب تلخ و دردناک انتباهی نگرفته ایم و همان روش های کهن و پارینه را با افزودن اتهام و افتراء بدیگران ، دنبال می کنیم و در نتیجه مردم را بعد از اینهمه ایثار و قربانی به سرحدی از یأس و نومیدی و انزجار خاطر کشانیده ایم که باهمه احساس درد و رنج از گذشته ها و کارنامه های شان ، بازهم بیاد کفن کشان قدیم افتاده اند و ممکن روزی همه چیز را از یاد ببرند و پیوند خویش را از هر که هست ببرند ٠

هرگاه ما از تاریخ صفحه ای میخواندیم و سطری می آموختیم ، حتماً بر مسوولیت های خویش در برابر داوری زمان می اندیشیدیم و بکارهائی دست نمی یازیدیم که خسرانش ثبت دفتر ایام می شد و سود آنی سر افگندنی دائمی درپی میداشت ٠

آنروزها هم ما از اسلام و مسلمانی برداشت خاصی داشتیم و فکر می کردیم میتوانیم فقط با عصا و رداء جلو کاروان مدنیت و هستی و افکار را بگیریم و سیر زمان را متوقف سازیم ٠ ولی هرگز در کلهٔ مان نمی گنجید که اینکار امکان پذیرنیست و بایدزاد و راحله ای از علم و آگاهی و بصیرت فراهم سازیم تا بتوانیم با قافله همراهی کنیم و دوشادوش آن به پیش برویم ٠

امروزهم تشخیص وقضاوت و بینش ما دربارهٔ اسلام همانست و گمان می کنیم که پول و «کلاشنکوف» میتواند بر زمان و مردم و جریانات فکری ، برای همیش حاکمیت داشته باشد و سیر زمان را به سود افراد محدودی متوقف سازد ٠ ولی این بار نیز اشتباه می کنیم و در تاریکی این اوهام کارهائی انجام میدهیم که مردم عمداً و عملاً از ما دوری می جویند و بر آنچه ادعاء می کنیم مشکوک می شوند و به این ترتیب اعتماد و اعتباری اگر باشد ،از

بین میرود و غرور و خود نگری و دور ماندن از واقعیت ها و عدم شناخت حقایق ، درفرجام بلا می آفریند و مصیبت ببار می آورد ۰ بگفتهٔ مولینا جلال الدین بلخی که:

هر هلاک امت پیشن که بود
زانکه بر صندل گمان بردند عود

در گذشته هم متأسفانه همینطور بود ، آنچه برفراز منبر گفته می شد و هر آنچه برمسند داوری صورت میگرفت ، باگفتار و کرداری که در خارج انجام می یافت تباین داشت ۰ و همین تضاد میان قول و عمل دشمنان اسلام را امکان می بخشید تا بحیث نقطهٔ بارزی ، بر آن انگشت گذارند و از آن در جهت فریفتن جوانان بحیث مثال و نمونه استفاده کنند ۰ زیرا بسیار کسان از حقیقت و اساس اسلام چنانکه بایستی آگاهی نداشتند و خیلی زود و آسان به بیراهه کشیده می شدند ۰

دران ایام هم کلیات و اصول را از یاد برده بودیم و بجای آنکه متوجه مسایل اساسی ، بنیادی و آموزشی شویم و در برابر ترویج فساد و بی دینی و تخریب کنندگان جامعهٔ اسلامی خود را آگاهانه بسیج کنیم و با سلاح حکمت و ارزش های اسلام به جنگ شرک والحاد رویم ، متأسفانه در چوکات فروعات باز ماندیم و نتوانستیم از محدودهٔ کوچک فکری و تنگ نظری گامی فراتر نهیم ۰ و همین ضعف و ناتوانی بر حریفان فرصت می داد تا آنچه میخواستند انجام دهند ۰

اینک که در بحرانی ترین ، حساس ترین ، مهم ترین و بزرگترین مرحلهٔ ابتلای تاریخی قرار گرفته ایم ، باز هم همان اشتباهات پارینه را تکرار می کنیم و فراموش کرده ایم که هر نوع حرکت و اندیشهٔ ما در نجات و دوری از اسلام اثرات مستقیم خواهد داشت ۰ و این بر ما است که از چنین آزمونگاهی ، افتخار ابدی کسب می کنیم یا خسران و سرافگندگی ۰

آری! در این ایام که مردم ما درمیان آتش و خون بسر می برند و همه جا فریاد وا مصیبتا بگوش میرسد و بعضاً با گلوله هائی که باید سینهٔ دشمن را آماج قرار میدادند ، قلب همدگر را می شگافند ، سخت مسوولیت داریم تا روزها و ماههای خود را به بحث و جر دربارهٔ موضوعات بی ارزش و مسایلی که هرگز با جهاد افغانستان رابطه ندارد ، سپری نکنیم و اهمّ توجه و انرژی خود را صرف گره گشائی مشکلاتی نمائیم تا بتواند دلگرمی و اطمینان مردم را فراهم کند و آنان را در پیکار شان یاری دهد ۰

فکر می کنم عمل واهی خواهد بود که ما از همین اکنون برای مردم سرنوشت سازی کنیم ۰ زیرا هیچکس چنین قباله ای را در اختیار ما نگذاشته است و هر گاه آنروز فرارسد مردم حق دارند خود برای خویش راه و رسم زندگی را مشخص کنند ۰ آنچه ما در حال حاضر

باید انجام دهیم ، کار جهاد و سازندگی آنست که باهمه تلاش آنچه بایست انجام می شد ، نشده است ٠ هر گاه در این زمینه تکانی بخود ندهیم و روش فکری و عملی و تشکیلاتی خویش را حسب نیازمندی های جهـاد و توقعات مردم عیار نسازیم ، فرجام مطلوبی در انتظار ما نخواهد بود ، و خدا و مردم افغانستان ما را نخواهند بخشید ٠

التبه شنیدن حرف حق بسیار تلخ است ، لیکن گردن نهادن در برابر حق و اعتراف به حقیقت جوانمردی است و بزرگواری!!

دهم ـ قضیهٔ پشتونستان یا کلید نفوذ روس در افغانستان

برای اینکه قضیه روشنتر گردد و ریشه های تاریخی آن شناخته آید ، ایجاب می کند تا به جنبش های شبه قاره درسه قرن اخیر نظری بیفگنیم و دریابیم که ماجرا چگونه آغاز شد ، چگونه تحول یافت و به کجا منتهی گردید! ولی از آنجا که موضوع خیلی طولانی و از حدود کار ما خارج می باشد ، لذا در زمینه به ایماء و اشاره ای اکتفا می کنیم و امیدواریم که حدیث مفصل آن در این مجمل تصویر شود و برای خوانندگان عزیز کمک کند ٠

در آغاز قرن هفدهم میلادی کشور های استعماری آنروز ، چون انگلیس ، فرانسه ، هالند و پرتگال ، دست و آستین برزدند تا بعنوان تجارت پا بسرزمین هند گذارند و زمینه را برای نفوذ وسلطهٔ خویش فراهم سازند ٠

پس از در گذشت اورنـگ زیب امپـر اطور بزرگ و مقتدر مغولی هند (۱۷۰۷م = ۱۰۸۶ش) حکومت اسلامی شبه قارهٔ هند که تقریباً هشت قرن دران کشور بدرازا کشیده بود، تدریجـاً به ضعف و زبـونی گرائید و هنـد دستخـوش تفرقـه ، تضـادهـا و رقابت های امرای محلی شد ٠

امرای سکـه و هنـدو که سر درتـهٔ بال داشتنـد ، بار دیگـر جان گرفتند و بفکر آن شدند تا با مسلمانان بجنگند و قطعاتی از خاک هند را برای خود جدا سازند ٠ انگلیسان هم به ایشان کمک می کردند و به اختلافات و بدامنی های داخلی دامن میزدند ٠

همزمان با این اوضاع و احوال کمپنی انگلیسی «هند شرقی» بر رقبای فرانسوی ، هالندی و پرتگالی خود غلبه حاصل کرد و راه را برای تسلط خود درهند هموار نمود ٠ کمپنی مذکور درچه ظاهراً بنام تجارت در هند مشغول بکار بود ، اما اهمّ مساعی وی صرف آن می شد تا اختلافات و تضادها را بین امیران هند وسعت بخشد و نفوذ خویش را دران کشور گسترش دهد ٠ متأسفانه که توفیق با ایشان بود و توانستند براین قارهٔ بزرگ استیلا یابند و آزادی و هستی اش را به یغما ببرند ٠

عده ای از مسلمانان باهمت و غیور که هدف اصلی انگلیسان را درک می کردند ، در برابـر او قد علم کردنـد و نخستین حمله را در سال ۱۷۵۷م=۱۱۳۵شمسی) برمـرکـز انگلیسـان

در بنگال انجام دادند و از آن تاریخ به بعد بین کمپنی هند شرقی و مسلمانان در گیری آغاز یافت و یکی بعد دیگر در شهرهای مختلف هند علیه انگلیسان دست به شورش زدند ٠

هندوها هم با انتباه از مسلمانان ، در برابر کمپنی مذکور و فعالیت و موجودیت انگلیسان در هند عکس العمل نشان دادند و ناآرامی ها و کشمکش ها کم کم اوج گرفت ٠

در سال ۱۸۰۳م (= ۱۱۸۲ش) مولانا شاه عبدالعزیز دهلوی رئیس محدثان هند و فرزند شاه ولی الله دهلوی ، فتوای تاریخی و معروفش را بر ضد سیطرهٔ انگلیس درهند به این شرح صادر فرمود :

«کشور اسلامی هندوستان ، با تسلط و سیطرهٔ انگلیس ها به (دارالحرب) تبدیل یافته ، لهذا بر همهٔ مردان و زنان مسلمان واجب است که آنقدر با آنها بجنگند و آنچنان روابط دوستانهٔ خود را با آنها قطع کنند که ناگزیر از هندوستان خارج شوند ٠ زیرا انگلیس ها دشمن محارب مسلمانند ٠»(۱)

این فتوا در واقع اساس مبارزات آزادی خواهی و ضد استعماری را در شبه قارهٔ هند برانگیخت و آنان را وا داشت تا با انگلیسان قطع رابطه کنند و حتی مدارس آنان را تحریم نمایند ٠ انگلیس ها هم از هیچ نوع جنایت و انتقام جوئی مضایقه نمیکردند و از طریق متعدد می کوشیدند تا جنبش های قومی ، مذهبی و ضد استعماری را در نطفه خنثی کنند ٠

حساسیت و تداوم مبارزه علیه انگلیس بالاخره منجر به انقلاب گردید و ملت هند برهبری امرای مسلمان در سال ۱۸۵۷م = ۱۲۳۶ش ، دست به قیام و شورش زد ٠ نظامیان بومی هند عده ای از افسران انگلیسی خود را کشتند و از اطراف کشور بسوی دهلی رهسپارشدند ٠ در نتیجهٔ این قیام که تقریباً چهار ماه به شدت ادامه داشت ، دهلی پایتخت هند به تصرف انقلابیون درامد و سراج الدین مظفر شاه باز ماندهٔ شاهان مغلی هند را به امپراطوری آن کشور منصوب فرمودند ٠ ولی این مرد نودساله با دوپسر جوانش در میدان جنگ کشته شد(۲) و انقلاب لطمه دید ٠

این انقلاب که از معروف ترین قیام های ضد استعماری قرن نوزدهم بحساب می آید ، تا اواخر سال ۱۸۵۸م = ۱۲۳۷ش ادامه داشت ، و انگلیسان در وضع فوق العاده بحرانی قرار داشتند ٠ اما با ختم موسم گرما و رسیدن عساکر تازه نفس از انگلستان ، نظامیان هند به شکست مواجه شدند و در فبروری ۱۸۵۹م بار دیگر دهلی بدست سپاهیان انگلیسی افتاد٠

پس از نافرجامی انقلاب ، مساجد و مدارس مذهبی یگانه کانون هائی بودند که روحیهٔ انقلاب وجهاد را زنده نگهداشتند و بمبارزات خود در برابر انگلیس ادامه دادند ٠ انگلیسان از یکطرف برای خنثی کردن مفکوره های جهاد و نقش مدارس ، و از سوی دیگر

۱ ـ مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان تالیف سید علی خامنه ئی ، صفحه ۱۵۶ ٠ چاپ ایران ٠

۲ ـ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد ۲ ٠

جهت ایجاد فتنه در اندرون نظام اسلام و تخریب آن در نفس خودش ، نقشه های وسیعی را طرح کردند که ظهور اندیشه ها و مذاهب بی محتوای جدیدی چون «قادیانی» و «بهائی» ، «نیچریه» وغیره یکی از این اقدامات بود ۰

در همین ایام بود که سید جمال الدین افغانی از مصر تبعیدشد و به هندوستان آمد (۱۸۷۹م = ۱۲۵۹ش) و در آنجا با صف آرائی ها و مخالفت های انگلیس و هوا خواهانش مواجه گردید ۰ او بنا بدرخواست یکی از مدرسین حیدرآباد رساله ای بنام «نیچریه» نوشت و در آن ریشه های این بدعت و سیر تاریخی آنرا از قدیم تا آنروز بر شمرد و آنرا منافی با اسلام دانست و به این وسیله ذهن بسیاری را که به آن گرایش پیدا کرده بودند ، روشن نمود ۰

تشکیل حزب کنگرهٔ هند

انگلیسان که انزجار و نفرت مردم را نسبت به خود هر روز در حال توسعه و ازدیاد می دیدند ، درپی آن شدند تا بازیچه ای را براه اندازند و ملت هند را سرگرم نگهدارند ۰ این بازیچه تشکیل کانگرس هند بود که در سال ۱۸۸۵م رویکار آمد و وظیفه داشت تا شکایات مردم را جمع آوری و تنظیم کرده ، آنرا به حکمرانان انگلیسی هند گزارش دهد ۰

چون مفکورهٔ تاسیس این حزب در اصل توسط «لارددوفرین» نایب السلطنهٔ انگلیسی آنروز هند بوجود آمده بود ، احساسات میهن دوستی کمتر دران دخالت داشت و از همین سبب در آغاز امر نسبت به انگلیسان خوش بینی نشان میداد و فرمانروای انگلیس میتوانست از همین مرکز ، مخالفان اصلی حکومت انگلیس را تشخیص و شناسائی نماید ۰

گردانندگان کنگره از رهبران مسلمان نیز خواستند تا در آن شرکت کنند و بدین ترتیب در دومین و سومین جلسهٔ عمومی حزب که به سال ۱۸۸٦م دایر گردید ، از جملهٔ ٦۰٤ تن اعضای شرکت کننده فقط ۸۳ نفر آن مسلمان بودند ۰

با اشتراک مسلمانان در کنگره و راه یابی افراد و عناصر آزادی خواه و ملی در آن ، سازمان مذکور تا حدی رنگ ملی بخود گرفت و برای انگلیسان تشویش ایجاد کرد ۰ و از همین جابود که بفکر ادامهٔ حکومت خود از طریق نفاق افگنی شدند و جامعهٔ مسلمان و هندو را بجان هم انداختند و هر کدام را بگونه ای علیه همدگر تحریک کردند ۰

تاسیس مسلم لیگ

چون کار کنگره به خیانت کشید و مسلمانان در یافتند که گاندی و نهرو میخواهند جانشین انگلیس در قارهٔ هند شوند و موجودیت میلیون ها مسلمان را نادیده گیرند از عضویت در آن دوری جستند و برای حمایت از حقوق خویش در سال ۱۹۰٦م تشکیل «مسلم لیگ» را رویدست گرفتند ۰ رویکار آمدن این سازمان اسلامی ، هم به انگلیس و هم به

کنگرس بسیار ناگوار بود و از همان آغاز با آن جبهه گیری کردند و تصادمات و تضادها بیش از پیش شدت گرفت ٠

در داخل حزب کنگره نیز تدریجاً دو دستگی هائی بروز کرد و نهرو گردانندهٔ اصلی آن بعد از انقلاب اکتوبر و فعالیت بلشویک ها در منطقه ، آهنگ سوسیالیزم سرداد و بمسکومتمایل گردید ٠ از همان تاریخ بود که کنگرس ملی هند حیثیت ملعبهٔ روسی را بخود گرفت و سیاست های توسعه جوئی آنرا در پاکستان و افغانستان یاری نمود ٠

بهرحال اختلافات قومی و مذهبی هند در مرور ایام بجائی رسید که در سال ۱۹۲۷م = ۱۳۰۶شمسی بیش از ۲۵ بار نزاع و برخورد بین مسلمانان و هندوها در گرفت و در هر بار چندین صد نفر بهلاکت رسید و مصیبت های زیادی را ببار آورد ٠ گرچه رهبران دو طرف جهت رفع منازعات کنفرانس هائی دایر کردند ، اما این تلاش ها بجائی نرسید و انگلیسان آنقدر به اختلافات دامن می زدند که هر روز حوادث تازه ای اتفاق می افتاد ٠

در سال ۱۹۳۰م = ۱۳۰۹ش حزب مسلم لیگ مجمع عمومی سالانهٔ خود را در الله آباد برگزار کرد و علامه اقبال را بحیث رئیس انتخاب نمود ٠ در همین کنفرانس بود که برای بار اول علامه اقبال پیشنهاد نمود تا برای احیای حقوق مسلمین و فرهنگ اسلامی ، دولت آزاد و مستقل اسلامی در قاره بوجود آید و این پیشنهاد ضمن قطع نامه ای تصویب گردید و از همان روز به بعد بحیث شعار مسلمانان شبه قاره تجلی نمود و اساس مذاکرات مسلم لیگ با انگلیس و کنگرهٔ هند قرارگرفت ٠

فعالیت کنگرس هند در بین قبایل

هنگامی که کنگرس هند به فعالیت های ضد انگلیسی آغاز کرد ، خان عبدالغفار خان ارادتمند گاندی و دوست نهرو نیز به فعالیت های مشابهی دست یازید و کار تقلید و تابعیت از گاندی و برنامه های کنگرس هند را بین قبایل پشتون بجائی رسانید که او را «گاندی سرحد» لقب دادند ٠

چون حزب مسلم لیگ در سرحد شمال غرب نفوذ کرد و نیرو گرفت ، خان عبدالغفار خان تشکیلاتی را در سال ۱۹۲۹م بنام «خدائی خدمتگار» بوجود آورد و بحیث یک رقیب در برابر مسلم لیگ تبارز کرد ٠ او و پیروانش لباس خرمائی کم رنگی بتن می کردند تا زود چرک نشود و تکلیف شان درشستن و تبدیلی آن کمتر باشد ٠ اما این لباس تدریجاً بحیث یونیفورم حزبی درآمد و غفار خان و یارانش بنام «سرخ جامگان» موسوم گردیدند ٠

در سال ۱۹۳۱م = ۱۳۱۰ش یعنی یکسال بعد ازآنکه حزب مسلم لیگ در مجمع سالانهٔ خود تشکیل یک دولت مستقل اسلامی را در قاره عنوان کرد ، خان عبدالغفار خان با

کنگـرس هند اتحاد نمود(۱) و ازان تاریخ به بعد تمام مصارف «خدائی خدمتگار» بوسیلهٔ کنگرس تمویل و رهنمائی می شد ۰

در سال ۱۹۳۷م = ۱۳۱٦ش خان عبدالغفار خان از نهرو رئیس کنگرهٔ هند دعوت کرد تا از سرحد دیدن کند ۰ او در بیانیه اش غفار خان را شخصیت بزرگ و افتخار هند نامید و از مساعی اش در جهت جنبش های آزادی خواهی و اتحاد مسلمان و هندو در قاره تقدیر کرد ۰ در سال ۱۹۳۸م بار دیگر نهرو از سرحد شمال غرب دیدن نمود ۰ آمد و شد نهرو و تلاش دستـه جمعی اش با گروه «خـدائی خدمتگار» آن بود تا مردم را بطرفداری از هند و سیادت او در آینده جلب کنند و از پیوستن به مسلم لیگ و تقویت آن باز دارند ۰

قطع نامهٔ تاریخی مسلم لیگ و مخالفت کنگرس

در ۲۳ مارچ ۱۹٤۰م مطابق ۱۳۱۹ش مجمـع عمومی مسلم لیگ بریاست محمد علی جناح در لاهور برگزار گردید و قطع نامه ای را مبنی بر تائید از نظریهٔ اقبال و ایجاد دولت مستقل اسلامی به نشرسپرد ۰ در این قطع نامهٔ مهم و تاریخی صریحاً تذکر رفته بود که: «هر گونه نقشه و طرح و یا راه حلی که مربوط به تنظیم قانون اساسی در این کشور باشد ، فقط در صورتی برای مسلمانان عملی و قابل قبول خواهد بود که بر اساس ایجاد حکومت اسلامی و دیموکراسی مشتمل برهمه ایالاتی که مسلمانان درآن اکثریت دارند بوجود آمده باشد ۰»

قطعـه نامـهٔ مذکور که مبیّن اهداف اصلی مسلم لیگ بود ، نهرو را وارخطا ساخت و «خدائی خدمتگار» را برانگیخت تا به مخالفت علیه آن جدی تر عمل کند و اذهان عامه را در برابـر مسلم لیگ مغشـوش سازد ۰ خدمتگاران هند هم فرمایش باداران خود را عملی کردنـد ، اما تبلیغ ضد مسلم لیگ بین قبایل مسلمان پشتون ، نفوذ کنگرس را در سرحد کاهش داد و در سال ۱۹٤۳م تعدادی از طرفدارنش آنرا ترک گفتند ۰ زیرا مسلم لیگ تا آنوقت در سرحد بخوبی نفوذ کرده بود و قبایلی ها اکثراً محمد علی جناح را بر نهرو ترجیح میدادند ۰

در نهم سپتامبر ۱۹٤٤م = ۱۳۲۳ش هنگامی که گاندی از زندان آزاد شده بود ، بار دیگر از جناح خواست تا باوی مذاکره کند ۰ در این مذاکرات که تقریباً بیست روز طول کشید ، معضلهٔ جانبین حل نشد و گاندی طرح جناح را برای تشکیل دولت مستقل پاکستان رد کرد ۰

در پایان جنگ عمومی دوم (۱۹٤۵م) انگلیسان در هند انتخابات عمومی اعلام کردند

---

۱ ـ رجوع شود به کتاب : Every Rock Every Hill نوشته: Victoria Schofield ، چاپ لندن ۱۹۸٤م ۰ صفحهٔ ۲۲۲ ـ ۲۲٦ و بعد ازان ۰

و مسلم لیگ موفق شد تمام کرسی های اختصاصی را در پارلمان مرکزی و ٤٤٦ کرسی از ٤٩٥ کرسی خاص مسلمانان را در شوراهای ایالتی بدست آورد ٠

حزب محافظه کار انگلیس که قدرت را درآن کشور بدست آورده بود ، تصمیم گرفت تا به هند آزادی بدهد واداره آنرا به هندوها وا گذارد ٠ نهرو در سال ١٩٤٦م باز هم به سرحد رفت و نخست در «میران شاه» جرگه ای ترتیب داد و گفت: من شما را از غلامی آزاد می کنم ٠ لیکن از بین مردم پاسخی بزبان اردو شنید که : «ما غلام انگلیس نیستیم و مطمئناً غلامی شما را هم قبول نخواهیم کرد وهرگاه قرار شود که با هندی ها معامله کنیم ، طرف معاملهٔ ما جناح خواهد بود و نه نهرو ٠»

قبایل احمدزی و وزیر از ملاقات با نهرو خود داری کردند ٠ در تورخم نیز کسی او را ندید و افریدی ها هم حاضر نشدند با او ملاقات کنند ٠ تنها غفار خان و برادرش بودند که او را در همه جا همراهی و پذیرائی میکردند ٠ روز دیگر به «مالا کند» رفت و در بر گشت از آنجا هزاران نفر جلو راه او را گرفته بودند و به سنگش میزدند و سرانجام برایش معلوم شد که دربین قبایل جز اقلیت «خدائی خدمتگار» طرفدارندارد و همه جناح را میخواهند ٠

در ٤ اگست ١٩٤٦م نایب السلطنهٔ هند برتانوی ، نهرو را برای نیابت ریاست دولت انتخاب کرد و پیروزی مسلمانان را در انتخابات نادیده گرفت و از مسلم لیگ و رئیس آن نامی نبرد ٠ جناح مردم را به عکس العمل در برابر این تصمیم دعوت کرد و میلیون ها پرچم سیاه بعنوان اعتراض در هر گوشه و کنار برافراشته شد و بار دیگر قتل و کشتار بین دو طرف شروع گردید ٠

بالاخره حکومت انگلیس و کنگرس هند در برابر حوادث و قیام و ثبات مردم مسلمان هند تسلیم شدند و بتاریخ ٣ جون ١٩٤٧م موافقت خود را با قطع نامهٔ تقسیم هند اعلام فرمودند ٠ و به این ترتیب در نیمه شب ١٤ اگست ١٩٤٧م پاکستان از پیکر هند جداشد و بحیث یک کشور مستقل و آزاد در منطقه عرض وجود نمود ٠

کنگره باز هم در آخرین لحظات ، تقسیمات بنگال و پنجاب را مطرح کرد و جناح بخاطر پایان دادن به منازعات و خونریزی آنرا پذیرفت و اینهم مصیبتی بود که اثرات آن بعداً پاکستان را لطمه زد وتا امروز هم بااین مشکل بشمول مسئلهٔ کشمیر دست و گریبان است ٠(١)

---

١ ـ برای آگاهی از تفصیلات موارد بالا رجوع شود به کتاب: «آزادی هند» از مهندس مهدی بازرگان ، کتاب «مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان» ، نوشتهٔ خامنه ای ٠ همچنان دربارهٔ سوابق خدائی خدمتگار و روابطه آن با نهرو و کنگرس ، رجوع شود به: Every Rock Every Hill

ادامهٔ مخالفت غفار خان با مسلم لیگ

خان عبدالغفار خان که از آغاز در خدمت کنگرس بود و بارویکار شدن کشور مستقل اسلامی درقاره شدیداً مخالفت میکرد ، در جشن آزادی و تشکیل دولت.پاکستان شرکت نکرد و کماکان به مخالفت با مسلم لیگ ادامه داد ·

نهرو که قمار را در عرصهٔ سیاست باخته بود ، نیرنگ دیگری را طرح کرد و غفار خان را وا داشت تا مسئلهٔ سرنوشت قبایل پشتون را مطرح سازد و یک غدّهٔ سرطانی را در پیکر پاکستان القاء کند · غفار خان باالهام از.کنگرس و نهرو ، از حکومت برتانوی هند خواست تا بمردم پشتون قبایل نیز موقع داده شود تا خود دربارهٔ سرنوشت شان تصمیم بگیرند · انگلیسان به این تقاضا موافقت کردند و به پشتون های قبایل حق دادند تا در یک همه پرسی عمومی والحاق به پاکستان و هند ، یکی را انتخاب نمایند ·

جرگهٔ بزرگ و قومی قبایلی ها در خزان ۱۹۴۷م پیوند خویش را به کشور پاکستان مجدداً تائید کرد و موضوع به نفع مسلم لیگ خاتمه یافت · اما خان عبدالغفار خان که وظایفی داشت و برنامه های طولانی بوی سفارش شده بود ، از این فیصله و نتایج رای گیری سرباز زد و بنام اینکه حق رأی دهی مقید به «پاکستان و هند» بوده و راه سوم باز گذاشته نشده است ، از قبول نتایج «ریفراندام» خود داری کرد ·

جبهه گیری افغانستان علیه پاکستان

جریانات رویکار آمدن پاکستان بحیث یک کشور مستقل و موضع گیری حکومت افغانستان را در مبحث دورهٔ شاه محمود خان صدر اعظم بیلن داشتیم و تا اینجا رسیده بودیم که محمد ظاهر شاه حین افتتاح پارلمان ، موضع گیری افغانستان را دربارهٔ پشتونستان مجدداً مطرح ساخت و اظهار داشت که به افغانهای آنسوی دیورند نیز همانند هندی ها و پاکستانی ها حق آزادی و خود ارادیت داده شود و مقدرات آنان بخود شان واگذار شود ·

این بیانیه تعبیرات و حساسیت های مختلفی را در پاکستان بر انگیخت و حکومت کابل مجبور شد تا دکتر نجیب الله خان را بحیث نمایندهٔ خود به کراچی بفرستند و رفع سوء تفاهم نماید · لیکن خاموش شدن این فتنه دیگر کار آسانی نبود · زیرا کرملن و کنگرس باتمام دلچسپی و امکانات شان آنرا دامن میزدند و عناصری هم در افغانستان و پاکستان وجود داشتند که بخاطر منافع خود ، از این داعیه جانبداری می کردند · بنابراین موضوع در مطبوعات ورادیوهای دو کشور انعکاس یافت وتخریبات وتحریکات به شدت اوج گرفت ·

در حمل ۱۳۲۸ش = مارچ ۱۹۴۹ حکومت پاکستان مناطق قبائل سرحد را جزء خاک پاکستان خواند که در اثر آن کشیدگی بین دو طرف بیشتر گردید و حکومت افغانستان بر

تصمیم پاکستان اعتراض نمود ۰ متعاقب آن شاه محمود خان صدراعظم به جلال آباد رفت و ضمن خطابه ای که درمیان شهریان آنجا ایراد فرمود ، حق خود ارادیت اقوام قبایل آنسوی دیورند را مجدداً مطرح بحث قرارداد،(۱) و از پاکستان مطالبه کرد تا به آن گردن نهد ۰

به ادامهٔ این عکس العمل ها و با الهام از بیانات شاه محمود خان ، در بعضی ولایات کشـور تظاهـراتی علیه پاکستان براه افتاد و تحریکات و تخریبات در دوسوی سرحد نیز افزایش یافت ۰ هوا پیماهای پاکستان به دنبال بحرانی شدن اوضاع ، در جوزای همان سال (= جون ۱۹٤۹) به دو سوی سرحد شدیداً بمباری کردند که در اثر آن بیش از بیست نفر به هلاکت رسید و حکومت افغانستان در رابطه با آن بحکومت پاکستان شدیداً پروتست داد ۰(۲).

بمباری پاکستان بر نواحی مرزی اوضاع را بدتر ساخت و جنگ سرد تبلیغاتی را بین دو طرف ازدیاد بخشید ۰ شورای ملی افغـانستـان در ۲٦ جولائی ۱۹٤۹ = یا زدهم اسد ۱۳۲۸ش فیصله ای صادر کرد و معاهدات قبلی افغانستان من جمله معاهدهٔ دیورند را با حکومت هند برتانوی ملغی قلمداد نمود ۰ ولی دریغ که با این فیصله ها کاری انجام نشد و دیا لوگ های رادیوئی در فضای دو کشور همسایه و مسلمان با حدت و شدت بگوش میرسید ۰

بتاریخ ۲۹ سنبله ۱۳۳۰ش = سپتامبر ۱۹۵۱ دورهٔ هفتم شواری ملی افغانستان ، روزی را بنام «روز پشتونستان» به تصویب رسانید و از آن تاریخ به بعد نام «پشتونستان» بحیث یک پدیدهٔ جدید و صفحهٔ جدید در تاریخ سیاسی کشور ما منعکس گردید و همه ساله تجلیل می شد ۰

به تأسف باید گفت که در پشت پردهٔ این درامهٔ خود کشی ، شخص محمد.داود خان قرار داشت و به شدت شعله افروزی میکرد : بحدی که مسئلهٔ نام نهاد «پشتونستان» اساس سیاست داخلی و خارجی افغانستان را بخود متمرکز ساخت و روس ها که سالها در کمین بودند تاجای پائی برای خود در کشور ما فراهم سازند ، دست در دست نهرو گذاشتند و به همکاری کنگرس هند ۰ از موضوع «پشتونستان» برای پخش نفوذ و سلطهٔ خود بحیث یک وسیله استفاده کردند ۰

هدف روس وهند

از جریانات صد سال اخیر در قارهٔ هند که ما آنرا در بالا خلاصه کردیم ، چنین استنباط می شود که کنگرس هند در آغاز از خان‌عبدالغفار خان و تحریکات در سرحد شمال غرب بحیث وسیلهٔ فشـار علیه انگلیس استفـاده می کرد ، و همینکـه این مرحله پایان یافت

۱ـ روزنامهٔ اصلاح ، سال ۲۰ شمارهٔ ۱۹٤ ، صفحه اول ۱۳۲۸ش = ۳۰ مارچ ۱۹٤۹ ۰

۲ ـ روزنامهٔ اصلاح ، مورخ ۲۹ جوزای ۱۳۲۸ش ، صفحهٔ اول ۰

و مبارزات آزادی خواهی مردم قاره به نقطهٔ پیروزی رسید و امکان آزادی هند محتمل گردید ، و آنگاه کوشید تا از «خدائی خدمتگار» که در راس آن خان عبدالغفار خان قرار داشت ، به صفت رقیب علیه «مسلم لیگ» و نهضت مفکورهٔ تشکیل یک کشور اسلامی مستقل در قاره کار بگیرد و بیاری ایشان از نفوذ مسلم لیگ در قبایل بکاهد و سیادت هندو را جای حکومت انگلیس بر تمام شبه قاره تثبیت کند ۰

چون طرح کنگرس و تلاش آن در این مورد بناکامی انجامید و حکومت اسلامی پاکستان بر خلاف میل و رضای آن تشکیل گردید و فکر سیادت هندو بر مسلمانان خنثی شد ، آنوقت عبدالغفار خان و جنبش «خدائی خدمتگار» موظف گردید تا کشور نو پای اسلامی پاکستان را پیوسته مشغول نگهدارند و از رشد و باروری اش مانع شوند ۰ زیرا نهرو و کنگرس هند از تشکیل دولت اسلامی پاکستان و موجودیت کشور های مسلمانی چون ایران و افغانستان در همسایگی آن نگران بودند و از اتحاد احتمالی آنها علیه هند به شدت می هراسیدند ۰ لذا در یک طرح مشترک با روس ها موضوع پشتونستان را بهانه قرار دادند و دو کشور همسایه را چنان باهم در گیرساختند که هر دو درکار خود فرو ماندند و دهلی و مسکو فرصت یافت تا به آسانی وراحت نقشه های خود را در افغانستان و پاکستان عملی کنند ۰

کانگرس و کرملن هر دو بران بودند تا روزی در اثر مساعی مشترک و دوام دار شان افغانستان و پاکستان را به بلعند و یا احیاناً آنها را تجزیه نمایند و بین خود تقسیم کنند و مسلمانان را به بندگی و بردگی بکشانند ۰ اما بر آورده شدن این مامول در حال عادی و اوضاع و احوالی که در افغانستان جریان داشت ناممکن و دشوار بود و باید کار را از تهداب پخته کاری میکردند ۰ بنابر این سعی کردند تا از طریق فشار بر دربار و توطه هائی که مظاهر آن در جامعه پیدا و محسوس بود ، شاه محمود خان را از صدارت بر اندازند و زمینه را برای فرد مورد نظرشان محمد داود خان مساعد سازند ۰

بعد از تقرر محمد داود بحیث صدراعظم (سنبله ۱۳۳۲ش) قضیهٔ پشتونستان در سر فصل سیاست های افغانستان قرار گرفت و محمد داود در اولین بیانیه اش که از رادیو پخش شد ، از آزادی پشتون ها و بلوچ ها نام برد و آنرا حق مسلم شان نامید و ازان روز به بعد این موضوع بشدت دنبال شد و چندین بار سخن به لشکر کشی ورزم آرائی و قطع روابط و انسداد مرز ها کشید و مناسبات دو کشور همسایه و مسلمان توأم باخشونت و خصومت بود ۰

خکومت پاکستان در آغاز سال ۱۳۳۴ش = مارچ ۱۹۵۵، تمام مناطق قبایل را جزء تشکیلات جدید اداری خود ساخت و آنرا بنام «یونت غربی» اعلان نمود ۰ محمد داود نسبت به این طرح پاکستان عکس العمل نشان داد و دریک بیانیهٔ رادیوئی که شام حمل ۱۳۳۴ش

= ۲۸ مارچ ۱۹۵۵، ایراد فرمود ، شدیداً بر پاکستان اعتراض کرد و اقدام آنرا غصب حقوق پشتون ها خواند ۰

در اثر این موضع گیری روابط بین پاکستان و افغانستان بیش از حد تیره شد و کار به سفر بری و احضارات عسکری و حمله بر سفارت خانه ها و قونسلگری های همدگر کشید، که همهٔ این جریانات در فصل های قبلی به تفصیل تذکر رفته است ۰

روس ها که خود در این ماجراها و صحنه سازی ها عمیقاً دخالت داشتند و طبع و مزاج و تقاضاها و کمبود های محمد داود را درک میکردند ، موقع را غنیمت شمرده و او را بهزار حیله و نیرنگ وا داشتند تا دست به تهیّهٔ سلاح زند و خود را در برابر پاکستان مجهز سازد.

محمد داود هم بدون تأمل و عاقبت نگری ، دست در دامن روس ها زد و پس از «لویه جرگهٔ» فرمایشی اش که در ماه عقرب همان سال برگزار گردید ، پیمان هائی را با روس ها امضاء نمود که به اساس آن سیل سلاح های زنگ زده و فرسوده و از کار افتادهٔ روسی به افغانستان سر ازیرشد و بدنبال آن صدها جاسوس و کار شناس نظامی روس به عناوین مختلف وارد افغانستان شدند و نتیجه اش آن شد که همه آنرا دیدیم ۰

خلاصه اینکه موضوع پشتونستان بیش از سی سال در افغانستان با جدیت و حرارت دنبال شد و میلیاردها دولار قرضه های خارجی و عواید داخلی در این راه مصرف گردید و سرانجام کشور ما را بیک ورشکست کم نظیر سیاسی و اقتصادی و تاریخی مواجه ساخت و با لشکر کشی و غارتگری روس ها در افغانستان پایان پذیرفت ۰ اما متاءسفانه آنهمه غوغاها و غریدن ها بر سر هیچ بود ، حتی خود محمد داود خان هم ذهناً و معناً نمی دانست، پشتونستان یعنی نچی؟؟ چنانچه یکی از روزنامه نگاران پاکستان در سال اول جمهوری حین مصاحبه اش با محمد داود خان روی این مطلب تماس گرفت و از وی پرسید: «پشتونستان چه است؟» ، محمد داود در جواب حاشیه رفت و گفت:

«دربارهٔ پشتونستان فیصله های «لوی جرگه» و شوری و بیانیه های رسمی حکومات افغانستان در هر موقع و هرزمان داده شده و درآن موقف ما توضیح گردیده است ۰ شما بحیث روزنامه نگار اگر میخواهید دربارهٔ پشتونستان معلومات بگیرید ، میتوانید از وزارت خارجهٔ خود این معلومات راحاصل نمائید ۰ علاوتاً اگر تاریخ افغانستان و نیم قارهٔ هند مطالعه شود و واقعاتی که در این منطقه خاصه در دورهٔ استعمار انگلیس صورت گرفته ، خود جوابگوی سوال شما است و هم میتوانید این سوال را از خود لیدران پشتون و بلوچ نمائد ۰»(۱)

روس های غدار در طول سی سال از مسئلهٔ پشتونستان به صفت یک مرغ طلائی

۱ ـ رک: مصاحبهٔ میر جمیل الرحمن مدیر روز نامهٔ نیو تایمز راولپنڈی ۰ کتاب : بیانیه ها و مصاحبه های محمد داود خان جلد اول

استفاده می کردند بدین معنی که هر وقت منافع و سیاست شان ایجاب می کرد و یا هر زمانی که میخواستند بر پاکستان فشار وارد کنند و افغانستان را در تنگنای سیاسی و اقتصادی قرار دهند تا نتوانند از زیر بار روس گردن بر افرازد ، این تخم را از خریطهٔ سیاسی خویش برون می آوردند ٠ ولی هر گاه لازم نمی دیدند و کار بر وفق میل شان در هر دو طرف جریان میداشت ، آنرا در شیطان خانهٔ کرملن و در صندوقچهٔ اسرار می گذاشتند و در موضوع سکوت می کردند ، چنانچه جریانات آنرا در فصول مختلف این کتاب مطالعه کرده اید ٠

حتی خود محمد داود خان که افغانستان را قربانی پشتونستان و هوسبازی های سیاسی خویش کرد ، در سال های اخیر ریاست جمهوری خود عملاً به آن خط بطلان کشید و دیگر از آن همه تحریکات و تلاش هایش در زمینه اثری دیده نمی شد ٠ و در واقع پس از سالیان دراز ، این حقیقت به صراحت آشکار گردید که مسئلهٔ پشتونستان همانطور که برای نفوذ و بر آورده شدن مرام استعماری روسیه و هند یک وسیله بود ، به همانگونه برای حکمروایان افغانستان نیز دستاویزی محسوب می شد تا تمام بی کفایتی ها ، بی عدالتی ها ، بی توجهی ها و بی اعتنائی های شان را در برابر مردم مظلوم افغانستان موجه جلوه دهند و به این بهانه و تحت این شعار برسیه کاری های خود پرده بگذارند ٠

هر گاه کسی در برابر این پالیسی زعمای افغانستان و غیر منطقی بودن آن حرفی برلب می آورد ، زبانش بریده می شد و خانمانش تاراج میگردید ، و بنام عنصر ضدملی از تمام حقوق و مزایای قانونی و اجتماعی خود محروم می شد ٠ خلاصه مصارفی که در تحت این نام در کشور ما بعمل آمد بار سنگینی بود که هر روز پیکر اقتصادی جامعه را خم تر می ساخت و بر گراف قرضه های خارجی و فقر و بیکاری در افغانستان می افزود ، و مردم افغانستان در برابر آن همه تلخی ها و دردها و ظلم و بی عدالتی هائی که در برابر این قضیه عاید حال شان می شد ، صبورانه و جوانمردانه تحمل می کردند و از جناب خان عبدالغفار خان و اعضای خانواده اش در هر کجای افغانستان با جبین باز و گرمی استقبال می نمودند و از داعیهٔ آنان حمایت می ورزیدند ٠

روس ها و اجیران شان فرصت مساعدی برای خود فراهم کرده بودند تا در ارتباط با مسئلهٔ پشتونستان شبکه های خویش را در آنسوی مرزهای افغانستان نیز گسترش دهند و همزمان با فعالیت های شان در افغانستان ، پاکستان را نیز مسموم سازند و همینطور هم کردند ٠

خاتمهٔ قضیهٔ پشتونستان

چنانچه گفته آمد مسوولین امور در کشور ما بشمول دربار ، بعد از تحمل خسارات جانکاه و کمر شکن در جهات اقتصادی و سیاسی ، به این نتیجه رسیده بودند که روس ها بیش از سی سال در افغانستان خیانت کرده اند و قضیهٔ پشتونستان اصولاً و در ماهیت

خویش جز وسیله ای برای نفوذ و بهره بردای روس ها در افغانستان بیش نیست ۰ لذا در جستجوی آن بودند تا به این ما جرای تصنعی پایان بخشند ۰ البته شفیق نخستین کسی بود که میخواست در دنبال مسئلهٔ آب هیرمند ، موضوع پشتونستان را نیز خاتمه دهد ۰ ولی کودتای محمد داود خان مجال چنان اقدامی را از وی سلب کرد ۰

شخص محمد داود خان که خود از این مسئله خسته شده بود و ضربات آنرا مستقیم و محسوس لمس می کرد ، از شدت عمل در زمینه کاست و قضیهٔ مذکور جز جنبهٔ تشریفاتی ارزشی نداشت ۰ اما بعد از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ش حتی ترانهٔ بسیار کهن و ذهن آشنای «دا پشتونستان زمونبز» را که سالها از طریق امواج رادیو در هواطنین می افگند ، از بر نامه های را دیوئی حذف کردند و پروگرام پشتونستان در آرشیف رادیو زندانی گردید ۰ زیرا روس ها دیگر به هدف رسیده بودند و ذکر پشتونستان لزومی نداشت ۰ در حالی که همین خلقی ها و پرچمی ها در طول فعالیت های خود در افغانستان ، بحیث یک شعار سیاسی و به صفت یک هدف کلی برنامه های خویش ، موضوع پشتونستان را دامن می زدند و روز ها در جشن پشتونستان و در لباس آنان اتن می کردند و می رقصیدند و بمردم پشتونستان همنوائی نشان میدادند ۰ اما همینکه زمام امور را خود بدست گرفتند ، دیگر نه از آن حرفی بود و نه جشنی و نه نشانی ۰

آری! آنروز که روس ها به ایشان دستور میدادند که بنام پشتونستان بیرق بر افرازید و پایکوبی کنید ، چنان میکردند ، و اینک که نمیخواهند دیگر آن سازهای ریاء و ترانه های تزویر شنیده آید ، در برابر آن مهر سکوت بر لب نهاده اند ۰ و همین است راه و رسم برده سازان و روش بردگان ۰

پیش رو آئینه طوطی صفتم داشته اند
آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم

و بر همین منوال است همه سیاست ها و کارنامه های استعماری که آنچه زمان و مصلحت شان اقتضاء کند ، همان حق است و صواب ، و هر آنچه منافی با مفاد شان باشد زشت است و خطا ۰

عکس العمل خان عبدالغفار خان

در برابر قضیهٔ پشتونستان

پس از لشکر کشی روس به افغانستان مردم ما چنین احساس میکردند که شاید آن عده از برادران ما که سالها بنام «قبایل» مهمان افغانستان بودند و نیز بپاس محبت ها و پذیرش خسارات اقتصادی و سیاسی ای که مردم ما در مدت زمان دراز در زیر این نام انجام داده اند و از همه مهمتر بخاطر اشتراک خون و نژاد و دین و فرهنگ و دفاع از ناموس اسلام و آیین قرآن ، رایت جهاد بر خواهند افراشت ، و در برابر کشتار و قتل عام و جنایات و وحشی گری های روس در افغانستان بی تفاوت نخواهند ماند ۰ اما متاءسفانه چنین امیدی خطا بود و عملاً مشاهده گردید که ملت نجیب و قهرمان افغانستان در جهاد مقدس و پیکار انسانی خویش تنها اند ، و گاهگاهی هم دشنه هائی از پشت بر سینهٔ شان فرود می آید ۰

جناب خان عبدالغفار خان رهبر «خدائی خدمتگار» و سخنگوی داعیهٔ پشتونستان ، در جریان حملات و بیداد روس ها در افغانستان چندین بار بکابل و مسکو سفر کرد و از دوستان قدیمی خود دیدن نمود ۰ اما یکبار هم بر یکی از کمپ های آوارگان افغانی که همه قربانی او شده اند ، قدم رنجه نفرمود و یک لحظه هم بریاد خونین کفنان کشوری که سی سال میزبانش بود قطره اشکی نریخت ، وچنان وانمود که پنداری اصلاً اتفاقی رخ نداده است ۰ حتی از قضیهٔ پشتونستان که سالها پرچمش را بدوش می کشید و فریادش به کهکشان ها می رسید ، به یکبارگی انکار کرد و گفت:

«۰۰۰ پشتونستان یک نمایش محض بود که بوسیلهٔ افغانستان و هند ایجاد شد و آنها از این مسئله بحیث وسیلهٔ نفوذ در مبارزهٔ پروپاگندی خود علیه پاکستان بهره برداری کردند ۰»

ملاحظه می کنید که باز هم نامی از روس نمی برد و ایکاش بیست سال قبل این حرفها را می گفت تا زعمای ناعاقبت اندیش افغانستان بخود می آمدند و ملت مظلوم افغانستان از آفتی که در کمینش بود رهائی می یافت و به این مصیبت وبلا وسیه روزی مبتلا نمیگردید ۰

خان موصوف همچنان در مصاحبهٔ خود با روز نامهٔ مسلم گفت:

«۰۰۰ ما با پشتونستان کاری نداریم بعضی اشخاص از پنجاب آنرا بخاطر منافع دست داشتهٔ شان علیه ما بکار می بردند ۰» فاعتبر و یا اولی الابصار!!

اما آنچه مردم می دیدند و می شنیدند و از جریان آ گهی داشتند ، قضیه غیر از این بود و هیچ دستی جز بازوان توانای خان و حنجرهٔ گرم ورسای او ، نمیتوانست آن بارگران را سالها حمل کند و زمزمه اش را به اقصای جهان برساند ۰ زیرانه از آن استفادهٔ سیاسی میتوانستند

کرد و نه فراهم آوری نان و آبی ۰

هکذا وی در جواب این سوال که آیا در گذشته در روزهای برگزاری پشتونستان در کابل اشتراک کرده بودید یا خیر؟ گفت:

«۰۰۰ در مواقع معین در بعضی از محافل اشتراک کرده بودم ۰ اما قبل از اینکه بدانیم این محافل چه مفهومی دارند ، ولی بمجردی که هدف آنها را در می یافتم از اشتراک خود داری می کردم ۰»

والله ، بنده از هر نوع تبصره در برابر این حیاء و صداقت و راست گوئی خان بزرگ ، احساس شرمندگی می کنم و آنرا حق مسلم خود شان می دانم ۰ و اما آنچه من و امثال من و اکثریت ملت افغانستان بچشم خویش می دیدند ، آن بود که همه ساله در روز های جشن آزادی افغانستان و در روزی که بنام «پشتونستان» اختصاص یافته بود ، جناب خان عبدالغفار خان و جمعی دیگر از یاران او اشتراک می کردند و پرچم «پشتونستان» اغلب بدست او برافراشته می شد و بیانیه های پر طمطراقی از را دیو کابل ایراد میفرمود ، و حدود سی سال این صحنه تکرار گردید و مردم تماشا می کردند ۰ و تمام این بر نامه ها و سر وصداها آگاهانه و شعوری انجام می شد ۰

مسئلهٔ بسیار مهم و مرموزی که سالها مردم بر آن شک داشتند ولی جناب خان جوانمردانه ازان پرده برداشت و مردانه اعتراف کرد ، موضوع روابطش با کنگرس هندو رهبران این کشور بود ۰ موصوف در برابر این سوال گفت:

«۰۰۰ در حقیقت بعضی مردمانی در مسلم لیگ هستند که او و دیگر رهبران نهضت خدائی خدمتگار را مجبور ساختند که از کانگرس کمک دریافت کنند ۰»

مردم ما فکر می کردند که خان موصوف بحیث یک نفر پشتونی که روح آزادگی در خونش عجین است و سالها طبل آزادی خواهی رابصدا در آورده و از استعمار نکوهش می کند ، شاید حد اقل ببرک و تره کی را بخاطر قبول بردگی و بندگی و فراهم ساختن زمینه برای لشکر کشی روس به افغانستان و به مخاطره افگندن آزادی آن کشور و مردمان منطقه ، مذمت کند و در برابر آنان اظهار خشم و نفرین نماید ۰ اما برعکس وی از تره کی و ببرک بعنوان رفقای خوب یاد کرد و جهاد ملت افغانستان و حملات روس را بکلی نادیده انگاشت و آنرا مقابلهٔ پاکستان با افغانستان و جنگ بین روس و امریکا دانست،(۱) و به این ترتیب یکبار دیگر بر زخم های ناسور مردم نمک پاشید و قهرمانی های ملت افغانستان را به هیچ انگاشت و بازهم خواست ، حقائقی را بزعم خودش و بر منافع روس ها تحریف کند که از طلیعهٔ خورشید روشن تر است ۰

خان عبدالولی خان و خانمش یعنی پسر و عروس خان بزرگ ، نیز مردم و ملتی را که

۱ ـ رک : مصاحبهٔ خان عبدالغفار خان با روز نامهٔ مسلم ، چاپ پاکستان ، مورخ ۳۰ می ۱۹۸۲ ۰

سالها میزبان ایشان بودند و چون سرمه بردیدهٔ شان جا داشتند ، از خوان احسان و کرم و پشتونوالی بی نصیب نگذاشتند و در ایام بدبختی و آوارگی و مهاجرت همه جا و همه را بنام مهمانان نا خوانده یاد کردند و تقاضای اخراج شان را نمودند و با این نوع حرکات و بیانات خویش برسم و آئین پشتونوالی نیز پشت پازدند و تمام حقوق و روابط و پیوند ها را فراموش کردند . حق بزرگان را است که می گفتند : روز بد برادر ندارد!

اما بر عکس در تمام مدت آوارگی و مهاجرت مردم افغانستان هیچگاه چنین حرفهائی که بوی دوئی و خصومت و خاطر داشت استعمار از آن بمشام آید ، از زبان یک نفر مرد یا زن پنجابی و سندی و گجراتی شنیده نشد و غبار ملالی بر چهره های ما نه نشست . یقین دارم که خداوند هیچگاه اجر نیکو کاران را ضایع نمی کند .

آری! داستان «پشتونستان» و درامهٔ سی سالهٔ آن با آغاز صحنهٔ تراژیدی افغانستان پایان یافت ،ولی دیده شود که دست استعمار و گذشت روزگار چه حوادثی را در پی خواهد داشت و صحنه سازان سلطه جو چه نیرنگ هائی در منطقه بازی خواهند کرد .

البته بعضی افراد هنوز هم برآنند که موضع گیری و حمایت دولت افغانستان از قضیهٔ «پشتونستان» یک امر ضروری بود ، زیرا خطراتی که از جانب ایران و پاکستان افغانستان را تهدید می کرد ، این موضوع مردم را در برابر هر نوع حوادث احتمالی آماده نگه میداشت . برای اینکه چنین اشتباهی از ذهن دوستان ما بدور افتد باید گفت که: این عقیده با واقعیت های زمان و اوضاع منطقه سازگار نیست . بدلیل آنکه ایران و پاکستان هر دو درآن ایام در وضعی قرار داشتند که امکان چنین فکری هم در تصور شان نمی گنجید . مخصوصاً پاکستان که تازه از زیر یوغ استعمار نجات یافته بود ، بیش از حد مشکلات و پرابلم های داخلی داشت و پیش از هر کاری نیازمند آن بود تا به آنهمه گرفتاری های درونی جامعه خاتمه بخشد و نظم و امنیت را در کشورش مستقر سازد ، و آنقدر ضعف و ناتوانی احساس می کرد که هرگز ضرورت و جرئت تعرض بخاک دیگری را نداشت . مخصوصاً که بوسیلهٔ هند همیشه تحت تهدید و فشار قرار داشت و فرصت و امکان برایش میسر نبود تا بفکر افغانستان شود .

بهمین منوال ایران نیز درآن ایام به کشور بیمارگونه ای مانستی که مشکلات و خسارات ناشی از جنگ دوم جهانی پیکرش را تا زانوخم کرده بود و به سختی تلاش میکرد تا نفس های خویش را راست کند و برآن همه ویرانی ها و خرابی ها سرو سامانی بخشد . لذا هیچ اندیشه و انگیزه ای که افغانستان را وادار به ایجاد یک غوغای مصنوعی و برهم زدن اوضاع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی اش کند وجود نداشت . فقط اقدامات بیپایه و نابجائی محسوب می شد که در یک پهلو ، خود خواهی ها و عوام غریبی ها قرار داشت ، و در پهلوی دیگرش عفریت استعمار و اجرای برنامه های تخریبی و سلطه جوئی . و به این

ترتیب یکی از موثر ترین و مهم ترین و اساسی ترین عاملی که زمینهٔ سرازیر شدن روس و نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی او را در افغانستان فراهم ساخت و منجر به اشغال آن گردید ، همین قضیهٔ بی محتوای پشتونستان بود که هیچ برهان و منطقی نمیتوانداز آن انکار کند و یا آنرا نادیده گیرد ۰

واقعاً «خدائی خدمتگار» در فرجام خدمت خود را به استعمار انجام داد ، امانه «خدای په جهت» بلکه در بدل انداختن افغانستان بکام روس و بدست آوردن پول و افزودن سرمایه های خود ، در بانک های سویس و لندن و پاکستان و کابل ۰

قرار یک منبع موثق پشتنی تجارتی بانک در سال ۱۳٦٤ش ، خان عبدالغفار خان پس ازآنکه خلاف تعامل بانک و به اثر فشار نجیب ، بجای نه در صد ، دوازده در صد مفاد از پول پس انداز خود دریافت کرد ، مبلغ ۹۵۰ میلیون افغانی پول خود را به دالر تسعیر کرد و به بانکی که خودش در لندن معرفی نمود ، انتقال داد ۰

این بود فلسفهٔ پشتونستان ، و خیانتی که حدود سی سال در حق افغانستان و پشتونهای غیور قبایل و آرمان ایشان بعمل آمد و سرانجام به بدبختی و بربادی کشورما ، منتهی گردید ۰

یازدهم ـ ضعف جهان در برابر روس

علل دیگری که روس ها توانستند به آسانی و سادگی در افغانستان نفوذ کنند و یکه تاز میدان باشند ، بی توجهی و اهمال ممالک ثروت مند اسلامی و کشور های غربی بود ، بخصوص ایالات متحدهٔ امریکا بجای آنکه با افغانستان کمک می کرد و مانع ازان می شد که روس هایکه تاز و بی رقیب در کشور ما نفوذ کنند ، دست به اقداماتی زد که خود راه را برای روس ها هموار نمود ۰

بدین معنی که پس از رویکار آمدن پاکستان و بروز کشیدگی ها بین پاکستان و افغانستان ، حکومت امریکا روی این برداشت و ارزیابی که ساخت اجتماعی ورکود فکری در افغانستان ممکن تا دو دههٔ دیگر قابل اشتعال نباشد و روس ها نخواهند توانست کاری از پیش برند ، کشور مارا فراموش کرد و خطراتی را که از نفوذ روسیه متوجهٔ آن بود ، نادیده انگاشت و بصورت یک جانبه متوجه پاکستان گردید ۰

البته پیمان های نظامی و اقتصادی محمد داود خان با روس ، پیوند نیم بندی را هم که ایالات متحده و سایر ممالک جهان با افغانستان داشتند ، بمرور زمان از هم گسیخت و در روابط ایشان با کشور ما نوعی بی اعتمادی بوجود آمد ۰ روس ها هم هر چند ماه بعد شایعاتی را پخش می کردند و یا به تشبثاتی دست می یازیدند که نگرانی محمد داود خان از پاکستان بیشتر می شد و تمایلاتش بدوستی روس ها افزونتر ۰ در حالی که آن صحنه سازی ها ماهیتاً قابل نگرانی نبود و برای افغانستان کوچکترین تأثیری نداشت ۰ مثلاً در

ماه دسمبر ۱۹۵۳ = ۱۳۳۲ش ، شایعاتی در جراید و روزنامه ها انتشار یافت مبنی براینکه حکومت امریکا با پاکستان پیمان نظامی بسته است و متعاقب آن روس ها از پاکستان در زمینه توضیحات خواستند تا موضوع را خیلی مهم و حقیقت جلوه دهند • حالانکه چنین چیزی وجود نداشت و تصورات واهی و کوچکی بود که روس ها میخواستند از آن کوهی درست کنند و محمد داود را به اقدام مشابهی وا دارند •

همچنان در ماه می ۱۹۵٤ ، اعلان گردید که حکومت امریکا بنا برقرار دادی که با پاکستان بسته است ، این کشور را در جهت تربیهٔ افسران نظامی و تهیهٔ سامان آلات حربی مساعدت می کند • این خبرها و نظایر آن بالاخره محمدداود را جنون زده ساخت و به عکس العمل هائی متوسل گردید که همه منفی ، همه احساساتی و همه ناعاقبت اندیشانه بود و سرانجام او را بدامن روس ها افگند و مجبور شد قرار دادهائی را با روس ها به بندد و تمام امور نظامی و برنامه های اقتصادی را در اختیار ایشان بگذارد • روس ها نیز که برای تطبیق نخستین مراحل نقشه های استعماری شان در افغانستان فرصت خوبی بدست آورده بودند ، می کوشیدند تا آرام آرام گام بردارند و زمینه را برای بهره برداری بیشتر در کشور ما و منطقه مساعد سازند •

چون کار به اینجا رسید پاکستان نیز به پیمان «سنتو» روی آورد که در فبروری ۱۹۵۵ بین عراق و ترکیه منعقد شده بود و بنام پیمان «بغداد» یاد می شد • البته ایران و انگلستان و امریکا بعداً دران سهم گرفتند و مرکز آن در سال ۱۹۵۹م از بغداد به انقره انتقال یافت و بنام «سازمان مرکزی» مسما گردید •

یکی از نویسندگان متمایل به روس می نویسد که: درآن هنگام بعضی از اعضای دولت افغانستان سعی کردند تا کمک های نظامی مشابهی از امریکا دریافت نمایند ، اما ایالات متحده پذیرش این درخواست را مشروط به پیوستن افغانستان در پیمان بغداد وانمود ساخت و در مقابل ، حکومت افغانستان از امریکا خواهان تضمین گردید تا در صورت حملهٔ روس. کشور ما را یاری دهد • ولی این درخواست رد گردید و غیر عملی تلقی شد •(۱)

اما اسناد نشان میدهد که این خبر صحت ندارد ، زیرا امریکا در سال ۱۹۵٦م عضویت کمیتهٔ اقتصادی این پیمان را پذیرفت و در سال ۱۹۵۷م به کمیتهٔ نظامی ان شامل شد و دران ایام نزدیکی محمد داود با روس ها از ان مرحله گذشته بود که خود و یا همکارانش از امریکا کمک نظامی درخواست می کردند •

در هر صورت هر گاه امریکا و بعضی کشور های دیگر غربی در جنگهای ویتنام گرفتار نمی شدند و توازن قوا و تعادل سیاسی را در منطقه حفظ می کردند و روس ها را در عرصهٔ

---

۱ ـ «انقلاب افغانستان» نوشتهٔ هالیدی ، صفحه ۲۹ ، چاپ ایران •

رقابت های اینسوی جهان تنها نمیگذاشتند و باعث نمی شدند تا انگیزهٔ روس گرائی بیشتر گردد ، شاید وضع بگونهٔ دیگر می بود ۰

کشور های ثروتمند مسلمان نیز دربارهٔ افغانستان کم لطفی کردند و در کمال بی دردی به روس هافرصت دادند تا از بیچارگی ملت افغانستان سوء استفاده کند و بنام کمک های اقتصادی و تخنیکی و مالی و نظامی ، در کانون های فکری و عقیده وی ما سم پاشی نماید و هستی ما را به یغمابرد ۰ ایشان ملیاردها دولار را در بانکهای امریکا و سویس و لندن به امانت گذاردند ، ولی هیچکدام حاضر نشد که مقداری از آن سرمایه های هنگفت را در افغانستان بکار اندازند و برادران مسلمان خود را از دست درازی بسوی روس بی نیاز سازند ۰

دوازدهم تبعیض و تعصب

آنچه در نیم قرن اخیر بیش از هر پدیده ای مردم را رنج می داد و به انحراف می کشانید ، برانگیختن روحیهٔ تبعیض و تعصب بود که اغلب توسط دستگاه حاکم بر سر نوشت ملت افغانستان خلق و عملی می شد ، و اثرات آن در تمام شئون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی عملاً بمشاهده می رسید ۰ اینگونه اعمال و بی عدالتی ها و زور گوئی ها مسلماً خشم و نفرت مردم را بر می انگیخت و بصورت عقده های کشنده ای در مغز و فکر آنان متراکم می گردید ، و ناگزیر بر آن می شدند تا در برابر نجات و رهائی از این بیداد گری ها بهر وسیله ای که ممکن باشد متوسل شوند و از هر تحریک و تلقینی آسیب پذیر گردند ۰ مثلاً وقتی جوانی از هرات یا بدخشان یا تخار یا کوهستان یا بلخ و امثالهم بحیث فردی آگاه و تحصیل کرده بچشم خود می دید که مرد ناشناخته ای با فامیلش از فراسوی مرزها ، بروستای شان انتقال داده می شود و در حالی که صدها خانواده در همان محل از بی زمینی و یا کم زمینی در مضیقه بسر می برند ، او صاحب چندین جریب زمین میگردد و زمین های دیگران را بعنوان پلوان شریک به گروگان می گیرند و بعداً دهقانان رالت و کوب می کنند و خود را حاکم و آقای منطقه میشمارند ، مسلماً احساسات شان جریحه دار می شد و همهٔ آن پدیده ها را زادهٔ نظام شاهی ، سرمایه داری و نژاد سالاری تلقی میکردند و برای مبارزه با چنان وضعی به اضدادش روی می آوردند ۰ چنانچه روی آوردند و فکر می کردند کمونیزم یگانه راه حل این مشکل می باشد و بس ۰

داستان های مظالم محمد گل خان مومند در شمال ، و چگونگی تطبیق پروژه های ناقلین اصلاً باور نکردنی است ۰ می گویند ، اوحتی لوحه سنگ های مزارات و اماکن تاریخی را در بلخ شکست و همه را از بین برد ۰ همسالانش در هرات نیز چنین کردند و سالن «زرنگار» قلعهٔ تاریخی «اختیارالدین» را که از شاهکارهای کم نظیر تاریخ بود ، با «مارش» موزیک

و باجه خانه ، بخاک هموار نمودند تا آثار فرهنگی را از بین برده باشند ۰

در ساحهٔ تعلیم و تربیت نیز وضع بدین منوال بود و کارهائی که سردار محمد نعیم خان عمداً و بر اساس تعصب و تخریب در قسمت معارف و فرهنگ انجام داد ، دو ثلث مردم افغانستان و بخصوص نسل جوان را به عصیان و انحراف واداشت ، و بهر وسیله ای که فکر می کردند راه نجات و انتقام جوئی درآن مضمر است ، متوسل می شدند ۰

واقعاً اوضاع در بسا از نقاط کشور بگونه ای بود که از لحاظ تعصب و تحمیل زور ، با کارنامه های روس ها در قلمرو فرهنگی آسیای میانه شباهت داشت ، و درچنان شرایطی چگونه ممکن است که کمونیزم نمونکند و گروهای منحرف بوجود نیاید؟ آیا آن بی عدالتی ها که نمونه های کوچکش تذکر رفت ، مردم را بی اعتنا می گذاشت؟ و آیا برداشت کودک تخاری و بغلانی و کوهدامنی و هراتی و هزاره جات و غزنه و بلخ وغیره ، از آن بیدادگری ها ، جز ستم و تبعیض چه میتوانست باشد ؟ و مسوول آنهمه بدبختی ها و این همه مصیبت هاکیست ؟؟

البته آن همه ظلم و بیداد گری هائی که در بالا بدان اشاره کردیم ، تنها به نقاط یاد شده اختصاص نداشت ، بلکه در تمام ولایات افغانستان و در هر جا به کمیت و کیفیت خاصی دیده می شد که گفتنی های بی حساب و شواهد بیشماری در زمینه موجود است و بیان آنها واقعاً تصویر سیاهی از آن دوره ها در انظار مجسم می کند و احوال درونی جامعهٔ افغانستان را بخوبی تمثیل مینماید ۰

اما در شرایط کنونی و به اقتضای نیازمندی های جهاد و وحدت ملی مردم ما که سخت بدان محتاجیم ، از بیان و تفصیل این مبحث ، به اشاره ای که شد اکتفاء می کنیم و آنرا در واقع سفید می گذاریم تا سیاهی ایام بسرآید و زمانِ شرح آن فرارسد ۰

آری!

مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز
ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست

فصل هجدهم

افغانستان بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ش

آنطور که بیان داشتیم کودتای کمونستی در افغانستان و یا به عبارت دیگر مداخلهٔ مستقیم روس در کشور ما بتاریخ ۹ صبح هفتم ثور ۱۳۵۷ش آغاز گردید و بتاریخ ۸ ثور قدرت عملاً در دست کمونستان بود · بتاریخ ۱۰ ثور اعضای شورای انقلاب و کابینهٔ رژیم کمونست اعلان شد و در آن نور محمد تره کی بحیث رئیس شورای انقلاب و صدراعظم ، ببرک بحیث معاون رئیس جمهور و حفیظ الله به صفت معاون صدراعظم و وزیر امور خارجه معرفی گردیدند · شورای انقلابی ۳۵ و کابینهٔ ۲۱ نفر عضو داشتند که از جمله پنج نفر در شورای انقلاب و سه نفر در کابینه از افراد نظامی انتخاب شده بودند که اکثریت مناصب را خلقی ها در دست داشتند ·

روس ها پس ازآن تاریخ مورچه وار بر افغانستان ریختند و مقدرات امور را در دست گرفتند · به استثنای یکی یا دو نفر جنرال سابقه دار که در وظایف خود باقی ماندند ، بقیهٔ جنرالان اردو و افسران عالی رتبهٔ نظامی بسرعت از کار برکنار گردیدند · ادارات ملکی نیز هر روز از وجود کارمندان سابقه و مجرب تخلیه می شد و بجای آنان افراد حزبی تقرر می یافت · همه چیز روبه ویرانی نهاد و طرز نظام معارف و اجتماع به شیوهٔ روسی مبدل گردید و از محمد زائی ها که در کودتا کشته نشده بودند سلب تابعیت شد ·

در روز های اول کودتا کمونستان دروازه های ارگ شاهی را بروی مردم باز کردند و چنان نمودند که دیگر برای همیش مردم میتوانند در خیابان های آن به تفریح و گردش بپردازند · مردم ساده لوح کشور ما مخصوصاً آنانی که از ماهیت نظام جدید اطلاعی نداشتند ، جوقه جوقه ازارگ دیدن می کردند و ساعت ها بدر و دیوار نه چندان جالب آن خیره می شدند و فکر میکردند دیگر دروازه های رحمت و زندگی و آزادی بروی شان باز شده است · ولی دیری نگذشت که درب آن برای همیش بروی مردم بسته شد و حتی اکنون از خیابان های اطرافش نیز هیچ فردی جز افسران و نظامیان روس عبور کرده نمیتواند · همچنان دوسیه های بسا از زندانیان جنائی را در چهار راهی دهمزنگ کابل بالای هم انباشتند و به آن آتش زدند و چنان وانمودند که گوئی دیگر زندان و زندانی ای پس از این وجود نخواهد داشت ، وبساط آن از دفتر سیاسی و اجتماعی افغانستان برچیده خواهدشد ·

این عمل در واقع از یکطرف اهانتی بود که کمونستان نو بدولت رسیده بر اجراآت محاکم و احکام شرعی انجام دادند و از همان آغاز تعدادی از وثایق شرعی را طعمهٔ آتش کردند ، از سوی دیگر با این حرکت میخواستند یک تعداد مردم و بخصوص گروهی دزدان و رهزنان و اراذل و اوباش را بطرفداری خویش جلب نمایند ۰

هنوز دیری نگذشته بود که سامان ولوازم خانه های افراد مربوط به خانوادهٔ سلطنت را به نمایش گذاشتند ، و حتی بر خلاف آیین و مروت افغانی از نمایش لباس های مخصوص زنان هم عار نکردند و آن عمل ننگین را نوعی شهامت و مردانگی پنداشتند ۰

بازارها و خیابان های کابل و مراکز و اطراف ولایات کشور برسم و شیوهٔ کمونستان پر ازغوغا و تظاهرات و شعارهای بلند بالای هوا داران پرچم و خلق بود و تا بلوی فریبندهٔ: «کور ـ کالی ـ دودی = خانه ، لباس ، نان» پیشاپیش شعار ها حمل می شد و مردم بینوا و فقیر کشور که سالها رنج بی خانگی و غربت و فقر را کشیده بودند ، از دیدن و شنیدن چنان شعارهائی نیرو می یافتند و گمان می بردند که در اندک زمانی نیازمندی های شان پایان خواهد یافت ۰

فرامین الغای سود و سود خواری ، تقسیم اراضی ، ازدواج و اقدامات دیگری نظیر آن ، خوشباوران روستائی و شهری را فریفتهٔ خود ساخت و مخصوصاً اکثریت مردم پریشان و مستمند ما در مدت زمان کوتاهی تحت تأثیر قرار گرفتند ، ولی خوشبختانه تنک مایگی و بی دانشی مزدوران روس بسیار زود و سریع نقاب از چهرهٔ آنان بر افگند و مردم دریافتند که آنچه تره کی و اطرافیانش میخواهند ، حرکت و اقدامی مزوّرانه و قبای نا میمونی است که بر پیکر ملت افغانستان نازیبا است ، و با فرهنگ و ارزش های سنتی و ملی ما منافات دارد ۰ رقص و پایکوبی دختران و پسران در جاده ها و مکاتب و آغاز فعالیت های نشر و اشاعهٔ برنامه های کمونیزم در مطبوعات و معارف و شناخت وتشخیص چهره های کودتا و دست اندر کاران رژیم ، نفرت و انزجار مردم را علیه آنان برانگیخت و عکس العمل هائی در گوشه و کنار کشور تبارز نمود ۰

تره کی و یارانش حسب دستورات کرملن میخواستند تخم تضاد و نفاق را درمیان مردم بر افشانند و از طریق گسیختن ریشه های روابط اجتماعی و بهم اندازی افراد و اقوام علیه همدیگر ، جامعه را برای بهره برداری آیندهٔ خویش آماده سازند و زندگی سنتی و داد و ستد طبعی و مانوس را در بین روستائیان عوض نمایند ۰ ولی چنانکه گفتیم ماهیت آنان بزودی و خوبی شناخته گردید و کید و افسون شان کارگرنیفتاد ۰

امـا باهمـهٔ این ریاکاری ها و تزویر و حقه بازی و تبلیغات ، خلاف آنچه رژیم توقع داشت ، نتـوانست مردم را قانع و راضی کند ۰ لذا دست به کشتن و بستن زدند و چنان بیرحمانه و وحشیانه عمل کردند که تاریخ افغانستان هرگز چنان احوالی را بیادندارد ۰ بی

رسمی ها ، نامردی ها ، بی مروتی ها و تاراجگری و چپاول به گونه ای بود که هیچکس و در هیچ احوال احساس مصوونیت نمیکرد • افسر و کارگر و مامور و دوکاندار و حمال و سقاء هیچ یک امان نداشت و بهر که می رسیدند می بستند و می بردند و می کشتند ، چنان پنداشتی که گله گرگان وحشی و آدم خوار از قله های کوها بزیر آمده اند و میخواهند نسل آدمی را در افغانستان زنده نگذارند •

رعب و ترس در اندک مدتی همه جا را فرا گرفت و کابوس وحشتناک مرگ و نیستی بر هوا و فضای کشور سایه افگند • دژخیمان بی خدا همه جا نیزه بر دست و ضبط صوت در زیر بغل جلوه نمائی می کردند و همینکه قد و قامت کسی هم در نگاه شان مطلوب نمی نمود می گرفتندش و به شکنجه گاهش می بردند و می کشتند • عمارت صدارت ، زیر خانه های وزارت دفاع ، وزارت داخله ، وزارت مالیه و چندین خانه و سرای دیگر همه برای شکنجه و نگهداشت زندانیان اختصاص یافته بود و شب ها تا سحر انسان های بیگناه ولی مسلمان و وطن دوست در آنها تعذیب می شدند • انواع شکنجه و وسایلی که از آن در این زمینه استفاده می شد ، چنان زیاد و ننگین و دور از کرامت و شرف انسانی بود که من نمیتوانم از آنها ذکری بمیان آورم •

بهر حال افرادی که توسط رژیم گرفتار می شد ماه ها از سرنوشت او وابستگانش بی خبر می ماندند و در این مدت بسا اشخاص در زیر ضربات حیوانی و حین بکاربستن آلات شکنجه جان می سپردند و عده ای که چون روزگار سخت جان بودند ، راهی زندان پلچرخی می شدند • شکنجه د معمولاً در حضور افسران روسی و نمایندگان کی• جی• بی صورت می گرفت و شکنجه گران مزدور را رسم بر آن بود که از مدیر عمومی به بالا همه بعد از انجام کارهای ادارات مربوطه ، به زندان ها می رفتند و پس ازآنکه با ودکای روسی خود را مست و گرم می کردند ، قصد آزار زندانیان می نمودند و از ضرب و ضجه و فریاد آنان برکیف و نشهٔ خویش می افزودند • پلچرخی یاکشتارگاه انسانهای بیگناه هر شب شاهد جنایات تازه ئی بود و زندانیان بچشم خویش تماشا میکردند که شب ها تعدادی از برادران شان فرا خوانده می شوند ولی هرگز برنمیگردند •

تراکتورها و ماشین های زمین کنی از صبح تا شام در حومهٔ پلچرخی فعالیت می کردند تا برای قربانیان شب آینده ، گودالی حفر و آماده نمایند ، و همینکه سیاهی شب بر چشم رهروان پرده می افگند ، لاری های مملو از زندانیان زنده و مرده و نیمه جان می رسیدند و محمولهٔ خویش را در آن گودال ها فرو می افگندند و توسط تراکتورها بر روی ایشان خاک می ریختند !

آری! کمونستان بجای زرع گندم ، تخم آدم بر زمین میکاشتند و خود را از تهیهٔ (کور

ـ کالی ـ دودی) فارغ میکردند و حقا که این مسلک را بهتر از این ارمغانی نیست ۰اما اینهمه جنایات و آدم کشی و اختناق هرگز نتوانست روح خشمگین و انتقام جوی ملت را مهارکند و آرامش و نرمش را در کشور باز گرداند ۰ هر گوشه و کنار وطن آبستن حوادث بود و آوازخشونت و قیام از چهار طرف بگوش میرسید ۰

جدال بر سر قدرت

خود خواهی ها و جاه طلبی های افراد پرچم و خلق از همان آغاز محسوس بود و هر یک می کوشید تا کارهای حساس اداری و مقامات مهم و عالی نظامی را به افراد وابسته به حزب خودش ، واسپارد ، هنوز سه ماه نگذشته بود که اقتدار روز افزون تره کی و حفیظ الله و مؤثریت اعضای خلق در کابینه و شورای انقلاب ، ببرک و یارانش را بر آشفت و برآن شدند تا بجای همکاری برقابت و کسب قدرت برخیزند ۰ این وضع که طبیعتاً در نهاد هر کودتائی نهفته است ، منجر به آن شد تا تره کی روس ها را از عواقب کار بر حذر دارد و ایشان را راضی و متقاعد سازد تا پیشگامان گروه پرچم را از صحنه برون کشند ۰ اینکار عملی شد و در اوایل اسد اعلام گرڈید که تعدادی از رهبران پرچم بعنوان سفیر بخارج از کشور فرستاده شده اند و به این ترتیب ببرک در پراگ ، برادرش محمود بریالی در پاکستان ، اناهیتا در بلگراد ، نور احمد نور در واشنگتن ، عبدالوکیل در لندن و نجیب در ایران ، بحیث سفرای رژیم تره کی مقرر گردیدند و از کشور خارج شدند ۰ ولی بقیه اعضای حزب پرچم همچنان به فعالیت علیه حزب خلق ادامه دادند ، تا آنکه تره کی در فکر توطهٔ دیگری شد و خواست همه اعضای پرچم را خلع سلاح کند و از کار بر کنار شان سازد ۰

طرح مذکور را بسرعت عملی کردند و در میزان همان سال اعلام گردید که عده ای از افراد ضد انقلاب بشمول عبدالقادر وزیر دفاع ، جنرال شاهپور خان احمد زی لوی درستیز (= رئیس عمومی اُرکان حرب) ، دکتر میر علی اکبر رئیس بیمارستان جمهوریت ، میخواستند به کمک یک کشور خارجی کودتا کنند ، و این توطهٔ قبل از عمل خنثی گردید و توطهٔ گران گرفتار شدند ۰ هدف دولت تره کی از این اعلامیه بخوبی پیدا بود که میخواست بهانه ای درست کند و افراد متعلق به پرچم را تصفیه نماید ۰ و نیز بعضی از افراد دیگر را که با تره کی و کمونیزم مخالف بودند ، بوسیلهٔ این توطهٔ ها از بین بردارند ۰ چنانچه همه کس میدانست که شاهپور خان احمدزی یک افسر غیر کمونست و مسلمان بود و عبدالقادر وزیر دفاع یک کمونست پرچمی و مزدور و این دو وصلهٔ ناجور هیچگاه بهم پیوند نمی شدند و باهم جور در نمی آمدند ۰ فقط پای او را بعلتی در این دام بستند که وقتی از معتمدان محمد داود خان بود و در جملهٔ هیئتی قرار داشت که از متهمین آندوره باز رسی می کردند و محمد داود خان را از تحریک و دسایس اطرافیان کمونستش بر حذر

می داشت ٠

کمی بعد تر سلطان علی کشتمند و جگرن محمد رفیع دو نفر از اعضای دیگر پرچم نیز به اتهام دست داشتن در این توطهٔ باز داشت شدند و تصفیهٔ گروه پرچم در دستگاه رهبری جدی تر شد ٠ در ماه اکتوبر (= میزان ۱۳۵۷ش) رادیو کابل اعلام نمود که عبدالقادر به گناه خویش اعتراف کرده است ٠ روزکی بعد روزنامه های رژیم صفحات خویش را به انتشار پرسش ها و پاسخ ها از عبدالقادر و کشتمند اختصاص داده بودند و معلوم می شد که همه ساختگی و جعلی و تحت فشار نوشته شده است ٠

پس از نشر آنها تمام اعضای پرچم به استثنای بارق شفیعی و سلیمان لایق ، از کار بر کنار شدند و تره کی از همه افراد پرچم که سفیر شده بودند خواست تا وظایف شان را ترک گفته و بوطن باز گردند ٠ اما ایشان که می دانستند چه بلائی بر سر شان می آید ، از بازگشت به افغانستان خود داری کردند ٠

ببرک پس از آن ماجرا وارد مسکوشد و چون سیه مار زخم خورده ای بفکر انتقام جوئی افتاد ٠ او با نیرنگ و مهارتی که در اغواء گری داشت کوشید تا همه بی امنیتی ها و قیام مردم افغانستان را علیه رژیم کمونستی در افغانستان ناشی از بی کفایتی و عدم اهلیت و استعداد تره کی و حفیظ الله وانمود سازد و زمینهٔ برکناری ایشان و بقدرت رسیدن خود را فراهم نماید ٠ ببرک و هوادارانش پیوسته تره کی را به نژاد پرستی و حفیظ الله را به نوکری (سی٠ آی٠ ای) متهم می کردند و این حربه ای بود که می توانست نظر اربابان خود را مخصوصاً دربارهٔ حفیظ الله امین تغییر دهد و چنان شد ٠

معاهدهٔ نوکر و بادار

روس ها که از آغاز مراقب اوضاع بودند و پی آمدهای بعدی کودتا را بدقت دنبال می کردند ، در فکر آن شدند تا خود را برای آینده ای که پیش بین آن بودند ، عیار سازند و مقدمات کار مداخلهٔ مستقیم و نظامی شان را فراهم نمایند ٠ زیرا اوضاع بخوبی نشان میداد که تره کی و حفیظ الله از عهدهٔ وظیفه ای که به ایشان سپرده شده بود ناتوان اند و ملت افغانستان را نمیتوانند وادار به اطاعت و پذیرش کمونیزم نمایند ٠

به اساس این ارزیابی و اندیشه ، روس ها تره کی و حفیظ الله وسایر افراد و مقامات عالی حزب را بمسکو فراخواندند و مذاکرات دلخواهی با ایشان انجام دادند ٠ در دیدار و ملاقات روس ها با گماشته های شان ، که از ٤ تا ٦ دسمبر ۱۹۷۸ (=قوس ۱۳۵۷ش) ادامه یافت ، دو طرف معاهده ای را امضاء کردند که در مادهٔ (٤) آن چنین تذکر رفته بود:

«مقامات عالی طرف قرارداد در رابطه با سابقه و روحیهٔ دوستی و همجواری و طبق موازین اساس نامهٔ ملل متحد همبستگی خود را اعلام کرده و در صورت لزوم از نظریات

همدگر استفاده می کنند ۰ همچنین طبق قرارداد ، در رابطه با حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال طرفین تدابیر مقتضی اتخاذ می گردد ۰ در رابطه و علاقهٔ طرفین به گسترش زمینه ها و گنجایش دفاعی ، مقامات عالی طرف قرارداد بدینوسیله همکاری های نظامی خود را تا آنجا که قرارداد اجازه دهد توسعه خواهندداد ۰»(۱)

مادهٔ مذکـور گرچه مانند سایر پیمان ها و قرارداد های روس ها گنگ و مبهم به نظر میرسد ، لیکن با توجه به عباراتی چون: «گسترش زمینه های دفاعی» و «همکاری نظامی» که در این بند از معاهدهٔ مذکور بکار رفته است ، پیش بینی ها و نقشه های شیطانی روس کاملاً محسوس می باشد و در ارادهٔ مسکو جهت لشکر کشی به افغانستان تردیدی باقی نمی ماند ۰ زیرا اگر چنین قصدی درمیان نمی بود ، روس ها پیش از آن هم قرار دادهائی با افغانستان داشتند که به اساس آن میتوانستند به معاملات خود ادامه دهند ۰

قتل سفیر امریکا
یا
تراژیدی ننگین و بی سابقه

روس ها از همان آغاز سعی می کردند تا نفرت مردم را در برابر رژیم دست نشاندهٔ شان در کابـل ناشی از مداخـلات و تحـریکـات خارجی و مخصـوصاً امریکا و چین و مصر و پاکستان وانمود سازند ۰ بنابر این طرح یک تراژیدی ننگین و یا جنایتی را که تا آنوقت در تاریخ دپلوماسی افغانستان بی سابقه بود ، رویدست گرفتند و بران شدندن تا «آدولف دابز» سفیر امـریکـا را که یکی از شخصیت های برجستـهٔ امـریکـا و متخصص امور منطقه و افغانستان بود ، از بین ببرند ۰ زیرا تاجائی که شنیده می شد سفیر مذکور احتمال مداخلهٔ نظامی روس را در افغانستان پیش بینی می کرد و از کشورش تقاضا داشت تا دراینباره جدی عمل کند ۰

تقریباً یکماه بعد از سفر تره کی به مسکو ، چهار نفر عضو کی۰ جی۰ بی که برای انجام چنین مامـوریتی تربیت شده بودنـد ، وارد کابـل شدنـد و بتاریخ ۱۴ فبروری ۱۹۷۹ = دلو ۱۳۵۷ش ، موتر سفیر امریکا را در حصهٔ چهار راهی صدارت امر توقف دادند و بلا درنـگ دروازهٔ آنرا باز کرده خود را بداخل آن جازدند ۰ افراد مذکور در حالی که لباس ترافیک کابـل را بتن داشتنـد ، به دریور «موتر» سفیر دستور دادند تا راه قصر ریاست جمهوری را در پیش گیرد ۰

---

۱ ـ گذرگاه افغانستان ، نوشتهٔ ویلهلم دیتل ترجمهٔ محسن محسنیان ، چاپ ایران ۱۳۶۵ش ۰ صفحهٔ ۶۶ ۰

موتر در حالی که توسط «جیپ» پولیس مخفی دنبال می شد ، در جلو درب ورودی هوتل کابل متوقف گردید و پولیسانی که درآن سوار بودند ، دست و بازوی سفیر امریکا را گرفته و اورابه سرعت و شدت داخل سالون هوتل کردند • همه کارها قبلاً آماده شده بود و در آنجا جز پولیسان مخفی و موظف کسی وجود نداشت : نیم ساعت بعد سرکهای اطراف هوتل مسدود گردید و درشهر ندا هم دادند که سفیر امریکا توسط افراد ضد انقلاب ربوده شده است • متعاقب آن تپش ها و تلاش هائی جهت نجات وی آغاز گردید که همهٔ آن نمایشی ، مصنوعی وساختگی بود و هر رهگذری هم میدانست که جریان از چه قرار است •

چهار نفر اعضای کی• جی• بی و محمد داود «ترون» قوماندان امنیهٔ رژیم دست نشاندهٔ تره کی ، گردانندگان اصلی این درامه بودند و به کارمند سفارت امریکا اجازه ندادند تا جریان را از نزدیک مشاهده کرده با سفیر امریکا و یا بقول تره کی ربایندگان آن تماس برقرار نمایند •

خلاصه آنکه یکی دو ساعت این تراژیدی ادامه داشت و «ترون» قوماندان ژاندارم و پولیس و اربابان روسی اش گهی از درب ورودی و زمانی هم توسط پلکان آهنی از پنجره های هوتل بالا و پائین می رفتند و فرصت را مساعد می کردند تا افراد موظف روسی از وی معلومات و اطلاعاتی بدست آرند • اینکه موفق به اینکار شدند یا خیر خدا می داند ، ولی در حوالی ساعت یک بعد از ظهر به یکی از اطاق های هوتل فیرهای متعددی صورت گرفت و سپس جسد سفیر امریکا و سه نفر مرده ای را که قبلاً از شکنجه گاها به هوتل انتقال داده بودند از هوتل خارج نمودند • سپس داستان را بگونهٔ دیگر آراستند و از طریق رادیو و جراید چنان وانمودند که ربایندگان جزء گروه چریکی «مائوئست» ها بودند و مطالبه داشتند که در مقابل آزادی سفیر امریکا تعدادی از رفقای زندانی شان آزاد گردد ، ولی چنین افرادی در نزد مقامات زندان وجود نداشته است • چه دلاور است دزدی که بکف چراغ دارد!

اما مردم افغانستان و ملت وحکومت امریکا و جهان بخوبی میدانستند که چه دستی او را کشت و از کجا دستور یافت؟؟ و این دزدان آدم کش وجانی چه کسانی بودند!

آغاز قیام عمومی در مراکز شهرها

روزهای سیاه وخونین یکی بعد دیگر سپری می شد وخشم و نفرت مردم در برابر کمونستان فزونی می یافت • افسران مسلمان در قرار گاهای عسکری و روستائیان و شهریان در دهات و خیابان ها به عکس العمل های علنی دست یازیدند که دربسا موارد ، به در گیری های مسلحانه می انجامید و کمونستان آدم کش بر روی هموطنان خویش بیرحمانه آتش می گشودند و با تمام قدرت و امکانات می کوشیدند هر حرکتی را در نطفه خاموش سازند •

اولـین بار پس از کودتـای هفـتـم ثور مردم باشـهـامـت و بهـادر و مسلمان خدران علیه تره کی رایت جهاد برافـراشتنـد و با وسایل محدود و دست داشتهٔ خود وارد معرکهٔ کار زار شدند که تره کی و بادارانش را سخت تکان داد ۰ بدنبال آن بتاریخ اول جوزای ۱۳۵۷ش مردمان خدا پرست و با ایمان درهٔ ویگل و کنرها قیام کردند و سپس سر تا سر درهٔ نورستان بحرکت درآمد و مبارزه علیه ملحدان آغاز گردید۰

بتـاریخ ٦ حوت ۱۳۵۷ فریاد الله اکـبر و شیپور انقلاب و انتقام سر تا سر درهٔ صوف را فراگرفت و مردمان شجاع و با ایمان آن علیه سالاری بی خدایان بپا خواستند و پیکار خونینی بین ایشان و قوای اعزامی تره کی در گرفت که تا آن تاریخ سابقه نداشت ۰ اما دشمن با تمام امکانات هوائی و زمینی وارد کارزار شد و جنبش قهرمانانهٔ مردان و زنان شیر صولت و تهی دست درهٔ صوف را درهم شکست ۰ بی رسمی ها و جنایاتی که اجیران روس در درهٔ مذکور انجام دادند ، از جمله کارهای ننگینی است که شرح آن نگفته به ۰

آوازهٔ این قیام ها و مردانگی ها به سرعت در گوشه و کنار وطن طنین افگند و مردم یکی بعد دیگر برای بلند کردن درفش جهاد آماده می شدند ۰ چنانچه هنوز فریاد جهاد ، در درهٔ صوف کاملاً خاموش نشده بود که بتاریخ ۲۱ حوت ۱۳۵۷ مردمان غیور و دلیر فراه و ارزگان کمر جهاد بربستند و الله اکبر گویان بر بی دینان مزدور حمله کردند و قربانی ها دادند ۰

قیام قهرمانانهٔ مردم هرات

۳ روز بعد از واقعهٔ درهٔ صوف یعنی بتاریخ ۲٤ حوت ۱۹۵۷، مردم خدا پرست و آزاد و با ایمان هرات ، قهرمانانه قیام کردند و در حالی که اکثر افسران و افراد قشلهٔ عسکری هرات با ایشان همراه و همنوا بودند ، عدهٔ زیادی از روس ها و کمونستان اجیر را کشتند و هرات را کاملاً در تصرف خود در آوردند ۰ دلیر مردان و شیر زنان هرات با شیر بچه های آن سر زمین ، با چوب و کلوخ به جنگ تانک وتوپ و ماشیندار رفتند و بار دیگر تاریخ کشـور را باخـون خویش رنگین کردند ۰ دو روز بعد در حالی که مردم سر شار از بادهٔ پیروزی و غـافـل از دشمن مکـار و نامرد ، در خیابان ها و پارک ها اجتماع کرده بودند ، طیارات جت روسی که از تاشکند پرواز می کردند ، صدها تن بم را بر فراز قشلهٔ عسکری و بازارها و خیابان های شهر بر انبوه مردم ریختند و با این عمل وحشیانه و ضد انسانی تقریباً ۲۵ هزار مرد و زن و کودک را به شهادت رسانیدند ۰

قیام و قربانی هرات با همه تلخی هایش الهام بخش شهرهای دیگر افغانستان بود که یکی بعد دیگر رزمیدند و حماسه آفریدند ۰ چنانچه با فرارسیدن سال ۱۳۵۸ش ، دو مین سال حکومت دست نشاندهٔ روس در کابل ، ساحهٔ رستاخیز عمومی و جهت گیری مردم در برابر

کمونستان گسترش یافت و تضاهرات ضد روسی و ضد رژیم روس در همه جا ، بخصوص در مکـاتب و پوهنتـون براه افتـاد ۰ در برج حمـل این سال مردمان بادغیس و جوزجان و سمنگان ، در ۵اثور ۱۳۵۸ مردم غور ، و در ۱۹ ثور ولایت لوگر ، یکی بعد دیگر قیام کردند و با نیروی ایمان و خدا پرستی و سلحشوری ، نفرت خود را در برابر کمونستان عملاً نشان دادند و قربانی ها و خسارات زیادی را متحمل شدند ۰

تره کی و رفقای او در حالی که از دیدن و شنیدن قیام های پی در پی مردم به لرزه درآمده بودند ، بلا درنگ و بعنوان انتقام گیری و ابراز عکس العمل در برابر مسلمانان ، شب ۸ جوزای ۱۳۵۸، استاد غلام محمد نیازی را با ۱۸۰ تن از جوانان مبارز و مومن در زندان پلچرخی به شهادت رسانیدند و صفحهٔ دیگری بر جنایات وسیه کاری های خود افزودند ۰

شهادت این برادران حق پرست و وطن دوست ، ملت افغانستان را بیشتر تکان داد ، و مخصوصاً همسنگران شان در پیٔ آن شدند تا هرچه زودتر ، دست به اقدامات مسلحانه زنند و انتقام جوانان مسلمان را از مزدوران روس باز ستانند۰

قیام چنداول ۳ سرطان ۱۳۵۸ه ش

محمد عمر جوان سرو قد و خوش سیمائی که از جبین پاک و نورانی اش فروغ ایمان و شهامت ساطع می شد ، مردانه و مطمئن تلاش میکرد تا پیام آماده باش و تاریخ حرکت و آغاز انقلاب را به برادران مسلمان و همرزمش در گوشه و کنار کابل برساند ۰ او بدستور برادر مبارز و رهبرش ، استاد ربانی و سایر همسنگران مومنش ماموریت داشت تا شبکه های ارتباطی جوانان مسلمان را باهم پیوند دهد و با افسران خدا پرست و ماموران و محصلان ارتباط بر قرار نماید ۰

او که درآن ایام بیستمین بهـار عمرش را در زادگاهش گذارنیده بود و با سختی ها وصخـره ها آشنائی داشت ، بعد از هجرت به پاکستان ، جهت انجام وظیفه و رسالتش ، پیوسته بکابل درآمد و شد بود و از هیچ نوع گرفتاری و خطر نمی اندیشید ۰ حتی بداخل ارگ و قطعات عسکری می رفت و باافرادی که میخواست دید و باز دید می نمود ۰

او ، شب سوم سرطان ۱۳۵۸ش بیش از هر وقت دیگری آرام ولی جدی به نظر میرسید ۰ از صبح روز پیش تا ساعتی که قیود شبگردی در شهر نافذ می شد ، کابل و حومه اش را سیر کرد و با افرادی که میخواست در جریان انقلاب قرار گیرند ، تماس برقرار نمود ۰ آنانکه از این راز آگاهی داشتند ، شبِ نا آرام و درازی را به روز آوردند ، شبی که فردایش آبستن حوادث خونین بود و انجام کار ناپیدا ۰ پیکار جویان مسلمان آمادگی میگرفتند تا در لحظهٔ موعود وارد صحنهٔ نبرد شوند و رفقای شان را یاری دهند ۰

ساعت ده روز فردا (سوم سرطان) شلیک گلوله ها و فریاد الله اکبر کابل را به لرزه در

آورد ۰ ماموریت پولیس باغ علیمردان و ماموریت پولیس چنداول با یک حملهٔ برق آسادر اختیار مجاهدین قرار گرفت ، مردم و اهل بازار که از مدت ها در انتظار چنین روزی بودند ، در صفوف قیام کنندگان قرار گرفتند و چنداول و باغ عمومی و جادهٔ میوند صحنه های خونین نبرد و پیکار گردید ۰ جنگ ساعت ها ادامه یافت و تعدادی از مجاهدین وافراد عادی به شهادت رسیدند ۰ اما فرجام کار از آنِ کمونستان بود ۰

چرا حمله به ناکامی انجامید

برنامهٔ انقلاب به نحوی ترتیب شده بود که در یکروز و یکساعت معین بایستی شبکه های جهاد اعم از نظامی و ملکی در سر تا سر افغانستان قیام کنند و با همکاری و همراهی مردم ، تره کی و رفقایش را از اریکهٔ قدرت براندازند ۰ امایکی از همراهان نامرد که در جریان کار قرار داشت ، به خصلت نامردمی خویش ، دشمن را از نقشه آگاه کرد و آنهمه آمادگی و ترتیبات بهم خورد ۰

مرکز فرماندهی انقلاب با کسب اطلاع از چنان خیانتی ، فوراً دستور حمله را به تعویق انداخت و به تمام مراکز ارتباطی هدایت داده شد تا در تاریخ موعود اقدامی نکنند ۰ اندر این میان شخصی که وظیفه داشت جریان به تعویق افتادن حمله را به هستهٔ ارتباطی چنداول گزارش دهد ، مأسفانه اهمال می کند و ماموریتش را بوقت لازم انجام نمیدهد ۰

کمونستان که قبلاً از نقشهٔ حمله و چگونگی آن اطلاع داشتند ، شب هنگام تعدادی از عساکر و اعضای حزب را در پشت بام های اپارتمان های جادهٔ میوند ، جابجا کرده بودند و ماشیندارهای ثقیل و سبک برفراز عمارات و تانکها جلب توجه میکرد ۰ هنگامی که مسوولین حرکت در حوزهٔ چنداول شروع به حمله نمودند ، تانکهاو ماشیندارهای مذکور به غرش در آمد و از زمین و هوا مردم را زیر آتش گرفتند ، هیچ کس دران لحظات نمی دانست که گلولهٔ مرگ از کجا می آید ، در هر دقیقه انسان بیگناهی کشته می شد و انسانی زخم بر می داشت ۰ آنان که توانستند از معرکه فرار کنند جان به سلامت بردند و بقیه همه نقش زمین گردید، آنروز و روز های دیگرآن، خانه های چنداول تاراج گردید و هزاران مرد و زن چنداولی را به کشتارگاه ها بردند ، و چنانکه بعداً شایع گردید بیش از بیست هزار برادر و خواهر چند اولی ما به اتهام دست داشتن در این حادثه بدست جلادان کمونست و بی خدایان وطن فروش به شهادت رسیدند ۰

در بدخشان و سایر نقاطی که از معطل شدن برنامهٔ قیام آگاهی نیافته بودند ، حرکت های مشابهی صورت گرفت ، ولی بعلت نبودن وسایل لازم ، کار موثری انجام نیافت ۰

در هر حال قیام شجاعانهٔ چنداول با همه ناکامی ها و تلفاتش ، سر آغاز یک حرکت دیگر بود و منجر به آن شد تا بتاریخ ۱۷ سرطان ۱۳۵۸ش یعنی درست پانزده روز بعد ، مردم

پنجشیر علم جهاد بر افرازند ۰ در واقع جنگ و جهاد پنجشیر علیه رژیم کمونست بصورت پی در پی از همین تاریخ آغـاز گردید که تا امـروز ادامـه دارد و مردم دلیر و حق پرست و ازاد منش این درهٔ کوچک و زیبا ، تحت فرماندهی انجنیر مسعود ، جوان مسلمان و با استعداد و با ایمان و با تقوی و کار آگاه ، با تحمل انواع خسارات و تلفات ، چون سدّی پولادین و استوار ، دشمن را بزانو در آورده اند و صدای جهاد بر حق ما را به کرانه های دور رسانیده اند ۰ خداوند به همهٔ مردم ما در راه پاسداری میهن و اسلام توفیق عنایت فرماید ۰

این جهش و حرکت مسلمانان در گوشه و کنار وطن ، تنها درمیان اهل کسبه و روستائیان محدود نماند ، بلکه بسرعت در صف افسران اردو نیز راه یافت و بتاریخ ۱۷ اسد همان سال ، صاحب منصبان و عساکر مسلمان بالا حصار کابل دست به شورش زدند و تعدادی از خلقی ها و پرچمی هارا در دم کشتند و تانک های شان بسوی شهر در حرکت افتاد ۰ اما روس ها که مراقب اوضـاع بودنـد فوراً وارد عمـل شدند و با بمباری بر تانکهای افسران مسلمان و محاصرهٔ بالاحصار ، از سقوط تره کی جلوگیری کردند ۰ گرچه قیام بالاحصار به ناکامی انجامید ، لیکن اثرات قابل ملاحظه ای بر قطعات دیگر اردو نیز وارد نمود ۰ بارز ترین نمـونه اش پیوستن غندکوهی اسمار با مجاهدین و مردم بود که در اوایل میزان ۱۳۵۸ش صورت گرفت و یکی از شریف ترین و بارز ترین قوماندانان آن ، جناب دگروال عبدالروف خان نجرابی تمام وسائل و تجهیزات غند را که از لحاظ کمی و کیفی در درجهٔ اول اهمیت قرار داشت ، به اختیار مجاهدین گذاشت ۰ ولی عدم تجربه و شناخت کافی در زمینه ، باعث شد تا مهمات مذکور بصورت درست و مطمئن توزیع نشود ۰(۱)

بهمین ترتیب در اواسط سنبلهٔ همان سال مردم با ایمان غزنـه رایت جهـاد افـراشتنـد وعملیات مسلحـانـه راعلیه نوکـران روسی انجـام دادنـد ۰ بدنبـال آن دربرج عقـرب مسلمانان تره خیل با شجاعتی کم نظیر بر میدان هوائی کابل حمله نمودند و تلفات و خسارات زیادی را متحمل شدند ۰ قندز و بغلان نیز در همین ماه شاهد صحنه های خونین بود و سفاکان کمونست از استعمال هیچ نوع سلاح و شکنجه در برابر مردم خود داری نمیکردند ۰

این جریانات هر قدر وسعت می یافت بر اضطراب و نگرانی دست نشاندگان روس در کابـل می افـزود و شدت خشـونت و کشتـاردوبالا می شد ۰ عبـدالله امین برادر حفیظ الله والی خود کامهٔ سمت شمال بازور سر نیزه و تانک مردم را برلاری ها سوار می کرد و غرض جنگ با برادران مسلمان شان به منطقـهٔ دیگـر میفرستاد ، وبدین ترتیب هزاران نفر را به قتل رسانید ۰ ولی دیری نگذشت که خداوند بفریاد مظلومان ترحم کرد و آن تصویر های جنایت و آدم کشی سرنگون گردیدند ۰

---

۱ ـ پیوستن قوماندان خدا پرست غند اسمار در صف مجاهدین و جریان بعدی آن داستان دراز و جالبی دارد که شاید خود قوماندان موصوف روزی شرح آنرا خود برای مردم کشور باز گوید ۰

قتل تره کی

کشتار و بیرحمی و جنایت بحدی رسید که آه مظلومان و فریاد یتیمان کارگر افتاد و زمینهٔ مرگ و نابودی تره کی و حفیظ الله ، دو خونخوار ظالم و بی خدا بدست خود شان فراهم گردید ٠

آری! آشوب و قیام های پی در پی علیه حکومت روسی در کابل و اختلافات روز افزون و ذات البینی باندهای خلق و پرچم ، اربابان کرملن را به این اندیشه واداشت تا در مهره های خود تجدید نظر کنند و حفیظ الله امین را قربانی قدرت یابی ببرک نمایند ٠ زیرا او پس ازآنکه از سفارت بر کنارشد در مسکوبسر می برد و با شناخت و سابقه اش در کی٠ جی٠ بی (١) در تحریک بریژنیف علیه امین نقش اغواگرانه ئی داشت٠

در جریان این بندوبست ها تره کی به هاوانارفت و پس از اشتراک در کنفرانس سران کشور های غیر منسلک ، بتاریخ دهم سپتامبر ۱۹۷۹ مطابق سنبلهٔ ۱۳۵۸ش وارد مسکو شد٠

بریژنیف در میدان هوائی مسکو از تره کی استقبال کرد و بوی دستور داد تا در نخستین روز عزیمتش بکابل کار حفیظ الله را یکسره کند ٠

حفیظ الله امین که از موجودیت ببرک در مسکو نگران بود و به روس هاهم چندان اطمینانی نداشت ، یکی از دوستان قدیم و نزدیک خود (محمد داود ترون) یاور تره کی را باوی همراه فرستاده بود تا مراقب اوضاع باشد و جریانات را بوی اطلاع دهد ٠

توطئهٔ قتل امین طوری تنظیم گردیده بود تا در جریان مراسم پذیرائی تره کی در میدان هوائی کابل بوسیلهٔ افرادی که لباس نظامیان گارد رابتن داشته باشند بقتل رسد ٠ ولی این قصد و نیت توسط شفر مخصوصی که بین «ترون» و حفیظ الله بود ، بوی اطلاع داده شد ، و او در آخرین لحظات تمام گارد تشریفاتی تره کی را که در میدان هوائی آمده بودند ، عوض کرد و توطئهٔ آنروز خنثی شد ٠ بر خورد سرد تره کی با حفیظ الله در میدان هوائی کابل گویای رازی بود که بزودی افشاء شد ٠ یکروز بعد حفیظ الله بدیدن تره کی در اطاق کارش رفت و در اثنائی که هر دو گرم صحبت بودند ، پازانوف سفیر روس توسط تیلفون به تره کی اطلاع داد که بدیدنش می آید ٠ تره کی حفیظ الله امین را رخصت کرد و خلاف روزهای دیگر او را نگذاشت که در جریان ملاقات بین او و سفیر روس حاضر باشد ٠ این پیش آمد حفیظ الله را شدیداً بر آشفت و کاملاً مطمئن گردید که توطه ای علیه او در جریان است ٠ او علاوه بر عکس العمل تره کی ، از تمام جریانات توسط معاون سازمان جاسوسی

١ ـ یکی از افسران روسی و عضو کی٠ جی٠ بی (کرولا دیمیر کو زیچ کین) که در ایران ماموریت داشت و در اکتوبر سال ۱۹۸۲م به لندن پناهنده شد در مصاحبهٔ خود با بی بی سی و رادیو صدای امریکا که در شب های ۲۵ و ۲٦ عقرب ۱۳٦۱ = ۱٦ ـ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۲، از آن دستگاها پخش شد ، روی بسیار مسایل روشنی افگند و ببرک را یکی از عمال کی٠ جی٠ بی خواند ٠

شان (اکسا) آگاهی داشت و اوضاع را بدقت مراقبت می کرد ۰

سفیر روس وظیفه داشت تا جریان عملیات کشتن امین را خود تحت نظارت داشته باشد ، بنابراین فردای آنروز بار دیگر به دیدن تره کی رفت و به او دستور داد تا نقشه را عملی کند ۰

تره کی مجدداً دست بکار شد و افرادی را موظف ساخت که بمجرد ورود حفیظ الله امین ، او را به ضرب گلوله از پادر آورند ۰ سپس بوی تیلفون کرد و تقاضا نمود تا هرچه زودتر بخانهٔ «خلق» حاضر شود ۰

حفیظ الله امین که می دانست بلائی بر سرش می آورند ، از رفتن نزد تره کی خود داری کرد ، و به تیلفون سفیر روس نیز در این زمینه پاسخ منفی داد ۰

چون مدعای شان از طریق تیلفون بر آورده نشد ، محمد داود ترون دوست حفیظ الله امین و یاور تره کی را نزد او فرستادند تا وی را راضی سازد و به اطاق تره کی بیاورد ۰ ترون ، همه جریان را به حفیظ الله باز گفت و او را به خویشتن داری و رفتن نزد تره کی فراخواند و اطمینانش داد که از وی حفاظت خواهد کرد ۰ بمجردی که حفیظ الله پا به درب ورودی سالون دفتر تره کی نهاد ، با فیرهای مسلسل گلو له مواجه شد و یک مرمی به شانهٔ راست او اصابت نمود ۰ اما او خود را با مهارت و سرعتی عجیب از پله های قصر غلطان غلطان بزیرکشید ۰ محمد داود ترون ، «نواب» معاون «اکسا» و خیر محمد یاور امین ، بطرفداری او با افراد تره کی بمقابله پرداختند و همه کشته شدند ۰ ولی خود باشتاب و عجله در جریان آن زد و خوردها از صحنه خارج شد و توسط موترش بقصر صدارت بازگشت و دستور داد تا قصر ریاست جمهوری «خانهٔ خلق» را محاصره کنند و شهر کابل را تحت مراقبت جدی قرار دهند ۰ تانک ها و طیارات بحرکت درآمدند ، ولی جز کسانی که صدای فیرهای گلوله را در درون خانهٔ خلق شنیده بودند ، دیگر کسی نمیدانست چه اتفاقی افتاده است ۰ شام آنروز تره کی توسط افسران طرفدار حفیظ الله گرفتار و زندانی گردید ، و افراد خانوادهٔ او را نیز تحت نظارت قرار دادند ۰ اما دربارهٔ رویداد های آنروز اعلامیه ای پخش نشد ۰

روز دیگر ساعت ۸ صبح (۲۶ سنبلهٔ ۱۳۵۸ش) حفیظ الله بیروی سیاسی و کمیتهٔ مرکزی را به خانهٔ خلق فراخواند و جریان را گزارش داد و در ضمن گفت که تره کی بعلت کسالت مزاج و خرابی صحت استعفاء کرده و آنرا به حزب خلق و شورای انقلاب تقدیم داشته است ۰ ساعت هشت و نیم شام همان روز چنین خبری از رادیو نیز انتشار یافت و گفته شد که شورای انقلاب و کیمتهٔ مرکزی استعفای تره کی را پذیرفت و حفیظ الله امین را بحیث منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی و رئیس شورای انقلابی و رئیس جمهور دیموکراتیک

خلق افغانستان به اکثریت آراء انتخاب نمود ۰(۱)

شب دوم گماشته های حفیظ الله امین ، تره کی را توسط «متکا» بشکل بسیار فجیعی خفه کردند ، ولی تا ماه میزان مرگ او را پنهان داشتند و سپس اعلام نمودند که در اثر «بیماری» در گذشت ۰ جسد تره کی را کسی ندید و تنها قبری را در «قول آبچکان» به او منسوب نمودند که آنهم از طرف مردم به آتش کشیده شد ۰

سروری رئیس سازمان جاسوسی وآدم کشی «اکسا» ، اسلم وطن جار ، گلاب زوی و شیرجان مزدور یار ، که از طرفداران خاص تره کی بودند ، در همان لحظات اول واقعه و ناکامی توطۀ قتل حفیظ الله ، به سفارت روسیه پناه بردند و درآنجا پنهان شدند ۰ امین هر چند کوشید تا آنان را بدست آرد و انتقام گیرد ، توفیق نیافت و روس ها از موجودیت ایشان در سفارت خانۀ این کشور انکار ورزیدند ۰

حفیظ الله که در برابر توطۀ روس هاسخت خشمگین و عصبانی بود ، درخواست پازانوف سفیر روس را جهت ملاقات باخوه رد کرد و فرمان داد تا «اوبلوف» سکرتر اول سفارت روسیه را که بیش از پانزده سال در افغانستان اقامت داشت ، از کابل اخراج کنند ، و به تعقیب آن اختیارات و نظارت مشاورین و افسران روسی را از ادارۀ جاسوسی «اکسا» و وزارت دفاع سلب کرد و آنرا بعهدۀ برادر زاده اش «اسد الله امین» گذاشت ۰

پوزانوف سفیر روس در افغانستان عضو خطرناک سازمان آدم کشی و جاسوسی روس «چکا» بود که درسال ۱۹۱۷ یا ۱۹۱۸ میلادی در روسیه بوجود آمد ۰ و تقریباً سه سال بحیث سفیر در افغانستان بسر می برد ۰

او از پیش آمد و رفتارخشن حفیظ الله در برابر خود احساس اهانت و حقارت میکرد و جریان را همه روزه بمسکو گزارش میداد ۰ اربابان کرملن که از کشته شدن تره کی و ناکامی نقشۀ خویش به شدت خجل و عصبانی بودند ، ظاهراً تجاهل آگاهانه کردند و بقدرت رسیدن امین را تبریک گفتند ۰ ولی آتش کین و انتقام جوئی از نهاد شان زبانه می کشید و درپئ آن بودند تا تمهید کار را فراهم سازند و او را از قدرت براندازند ۰

حفیظ الله امین در ماه اول از روس ها خواست تا پوزانوف را تبدیل کنند و روس ها هم که از واژگون شدن نقشۀ شان در محضر او ناراض بودند ، فوراً به تقاضای امین لبیک گفتند و سفیر خود را از افغانستان فرا خواندند و با این کار نرمک نرمک خشم امین را فرونشاندند ۰

امین در برابر نرمش و کرنش روس ها ، خطر را فراموش کرد و بمنظور دلجوئی و استمالت از آنان ، روس دوستی را مظهر وطن دوستی نامید و آنرا شعار خود قرار داد ۰

---

۱ ـ روزنامۀ «جمهوریت» ، چاپ کابل ۲۷ ، ۲۸ سنبلۀ ۱۳۵۸ش ۰

روس هااز غفلت امین استفاده کردند و آهسته آهسته او را تشویق نمودند تا محل اقامت و دفتر کار خود را از «خانهٔ خلق» به قصر تپهٔ تاج بیگ انتقال دهد ۰ حفیظ الله هم قبول کرد و قصر دارالامان و خانه ها و مزارع اطراف آن را همه از مردم گرفتند و قطعات نظامی روس در آنها جابجا گردید ۰ موصوف فکر می کرد که دیگر در حصار ارتش سرخ و قلعهٔ آهنینی قرار دارد و هیچ نیروئی نخواهد توانست بر حریم اورخنه کند ۰ اما غافل ازآن بود که او را در قلعهٔ مرگ به محاصره در آورده اند و کارش را زار می سازند ۰

او یک سلسله تبلیغات وسیعی را از طریق را دیو و جراید براه انداخت و تمام کشتارها ، شکنجه ها و غارتگری هارا در افغانستان به تره کی نسبت داد و برای اینکه حرفهایش را به کرسی نشاند ، لست دوازده هزار مقتول را بدیوار های وزارت داخله آویخت و آنرا زادهٔ اعمال او وانمود ۰ در حالی که شمار گشتگان تا آنروز بیش از این بود و امین در تمام آن جنایات شخصاً دست داشت ۰

همچنان وی سخنانی چون: «قانونیت ، مصوونیت و عدالت» را در مطبوعات و شعارهای خود باب ساخت و هیئتی را موظف نمود تا قانون اساسی جدید را تدوین کنند و تکلیف دولت و مردم را مشخص نمایند ۰ اما اینکارها جز عوام فریبی و ریاکاری مفهومی نداشت ۰ زیرا بجز تره کی همه چیز پابرجا بود و آدم کشان کمونست مثل همیش مال و جان و ناموس مردم را به یغما می بردند، همینکه روس ها عساکر خود را در قصر دارالامان وتپهٔ تاج بیگ و اطراف آن مستقر کردند و حفیظ الله از «خانهٔ خلق» بار و بنهٔ خود را انتقال داد ، مهم ترین مرحلهٔ کار روس ها پایان یافت و دور تطبیق مرحلهٔ بعدی فرارسید ۰

قتل امین و آمدن ببرک

روس ها در تابستان ۱۳۵۸ش تصمیم گرفتند تا حفیظ الله را از بین ببرند و بجای آن ببرک را رویکار آرند ۰ اما این مطلب برای شان روشن بود که چنین کاری مشکل را حل نخواهد کرد و مردم آرام نخواهند نشست ۰ لذا طبق بر نامه های قبلی و حساب شده از موقع استفاده کردند و طرح اشغال افغانستان را بمرحلهٔ اجرا و عمل در آوردند ۰

در آغاز دسمبر ۱۹۷۹ = قوس ، نقل و انتقالات سلاح و مهمات ارتش سرخ شروع گردید و قطعات مختلف عساکر روسی در آنسوی آموتمرکز یافتند ۰ مارشال سوکولوف پیرمرد ٦٨ ساله همراه بافرماندهان لشکر «چهلم» روس در ترمذ ، طرح ها و نقشه های هجوم خود را به افغانستان ارزیابی می کردند و متخصصان و کارشناسان روسی که قبلاً به افغانستان آمده بودند ، در حال ترتیبات پذیرائی و فراهم ساختن مقدمات کار دیده می شدند ۰ ایشان تقریباً دو هزار تانک را از قوای ٤ و ١٥ زرهدار در پلچرخی جمع کردند و بنام اینکه از سرما آسیب نه بینند ، همه را از منطقه دور نمودند ۰ اکثر دستگاههای مخابره را

در میدان های هوائی از کار انداختند و بنام ترمیم کاری با خود بردند ۰

امریکائی ها که سوقیات عسکری روس را بوسیلهٔ اقمار مصنوعی خویش مشاهده کرده بودند ، یک هفته قبل از هجوم ایشان به افغانستان ، نگرانی شان را نسبت به تجمع روس در مرزهـای افغانستان اظهار داشتند ، ولی سفیر روس در امریکا از آن انکار کرد و به امریکائی ها اطمینان داد که هیچگونه قصدی در کارنیست ۰

یکهفته پیش از قتل امین و هجوم پیاده نظام ارتش سرخ به افغانستان ، بین تاشکند و کابل ، پل هوائی برقرار گردید و طیارات غول پیکر روسی از شب تا سحر افراد و مهمات نظامی را از آنسوی آمو بکابل انتقال می دادند و هیچکس نمیدانست آنهمه سوقیات عاجل هوائی و آنهم در شرایط صلح چه مفهومی دارد ۰ عجیب آن بود که در جریان چنین فعالیت هائی ، رادیو کابل از ساکنان شهر تقاضا می کرد تا پرده های پنجره های منازل و اطاق های خود را پائین کشند و به زنگ خطر گوش فرادهند ۰ بعداً معلوم شد که اینکار هم توسط روس ها انجام شده است تا مردم در جریان قرار نگیرند و نشست و پرواز طیارات شان از انظار پوشیده ماند ۰

پس از اکمال فعالیت ها و برنامه های هوائی ، بتاریخ ۵ جدی ۱۳۵۸ش = ۲۶ دسمبر ۱۹۷۹، قوای زمینی شان با تانک ها و زره پوش ها و مهمات از سمت شمال بطرف پایتخت حرکت کردنـد و بمجرد وصول بکابل نقاط حساس و مهم ، چون ریشخور ، قرغه ، قوای زرهدار پلچرخی ، قصر دارالامان ، تپهٔ تاج بیگ و سایر نقاط سوق الجیشی را در محاصرهٔ خود در آوردند ۰

حفیظ الله امین در دنیائی از غفلت و بی خبری مشغول تهیّهٔ یک فلم سینمائی بود که درآن جریان کودتای ۷ ثور را به نمایش گذارد و خود بحیث هیروی فلم و قهرمان کودتا بروی پرده آید ۰ اوبدان حد غافل و نا آگاه بود که حتی در روز عملی شدن نقشهٔ روس ها «روز مرگش» که بتاریخ یوم پنجشنبه ، ۵ جدی ۱۳۵۸ش صورت گرفت ، دسته ای از فلم برداران رادیو کابل را در قصر خواسته بود تا در مورد فلم یاد شده با آنان مذاکره کند و به ایشان سفارش نماید که جریان سخن رانی ها و بازدیدهایش را با مردم نیز جزء فلم سازند ۰ اما ساعت ۲ بعد از ظهر همانروز همینکه فلم برداران بار دیگر وارد قصر شدند تا بقیه کارهای خود را انجام دهند ، به ایشان گفته شد که هرچه زودتر قصر را ترک گویند و کالاهای خود را جمع نمایند ۰ عکاسی که خود دران صحنه حضور داشت به نگارنده گفت : یاور حفیظ الله امین پس ازآنکه به ایشان دستور داد از قصر خارج شوند ، خود از حال رفت و بر زمین افتاد و بخوبی معلوم می شد که شدیداً مسموم شده است ۰

ر ازهائی که بعداً افشاء گردید حاکی ازان بود که روس ها تقریباً یکماه بعد از قتل تره کی ، نقشهٔ نابودی حفیظ الله امین را در کرملن طرح کردند و بدین منظور میکائیل طالب

اوف یکی از مامـوران سازمـان جاسـوسی «اس» را که مامـور جمـع آوری اطـلاعات و جاسوسی در کشورهای بیگانه است بکابل فرستادند ۰

او که اصلاً آذر بایجانی بود و زبان فارسی را خوب می دانست ، توسط شبکه های کی۰ جی۰ بی ، بحیث آشپزکاخ ریاست جمهوری مقررشد و موظف گردید تا بوسیلهٔ «سمّ» بی بوورنگی که در اختیارش گذاشته بودند ، حفیظ الله را از بین ببرد ۰

طالب اوف در اثر آخرین هدایتی که به اوداده می شود ، ظهر روز پنجشنبه ۵ جدی غذای امین و نزدیکانش را مسموم می کند و تقریباً دو ساعت بعد یاور و نگهبانان امین همه نقش زمین می شوند ۰

ساعت ٦ بعد از ظهر همان روز هنگامی که خیابان های اطراف دارالامان خلوت شد ، بین طرفداران امین که از جریان اطلاع یافته بودند و افراد روسی زد و خوردی در قصر صورت گرفت که بسیاری از ایشان کشته شدند ۰ وآنگاه «جنرال پاپوتین» که قبلاً به همین منظور وارد کابل شده بود ، بسوی حفیظ الله رفت و او را که در بستر افتاده بود و با چشمان نیمه بازش پیک مرگ را استقبال می کرد ، با ضربات گلوله از پا در آورد ۰

روایت دیگر که بگمان اغلب ساخته و پرداختهٔ طرفداران حفیظ الله امین می باشد ، حاکی از آن است که جنرال «ویکتوریا پاپوتین» از امین خواست تا از کارکنار گیرد و تقاضا نامه ای را مبنی بر ورود ارتش سرخ به افغانستان امضاء کند ۰ اما او زیر بار نرفت و بنابر این به سفارت شوروی برده شد و ساعت ٤ و ۱۰ دقیقهٔ روز بعد تیرباران گردید ۰

عصرهمان روز (۵ جدی) حسب نقشه های قبلی رادیو کابل نیز محاصره شد و کارکنان آن در اثر اصابت گلوله ای به ساختمان رادیو ، اکثراً در زیر خانه های آن پنهان شده بودند و هیچکس از ماجـرا اطلاعی نداشت ۰ ساعت ۷ شام اسلم وطن جار در حالی که لباس افسران روسی بتن داشت و ریش مصنوعی بروی خود کشیده بود ، همراه با یک جنرال کهن سال روسیه که لباس ملکی بتن و کله شنکوفی در دست داشت وارد محوطهٔ رادیو شد و با صدای بلند فریاد کرد که:

رفقـای کارگـر! از زیر خانـه ها و مخفی گاها خارج شوید و بسرکار خویش برگردید و منتظر بیانیهٔ رهبر قیام باشید که همهٔ شما آنرا می شناسید ۰ ساعت ۹ شب بوقت کابل (ساعت ۱۱ بوقت تاجکستان) رادیو افغانستان خبری را به نشر سپرد که: «ببرک کارمل معاون اسبق دبیر کل فراکسیون حزب دیموکراتیک خلق به کشور بازگشته است» ۰

پس از نشر خبر مذکور بلا فاصله پیام ببرک از رادیو پخش شد و اغلب گمان بردند که راستی هم او در کابل است ۰ در حالی که او هنوز در راه بود و پیامش روی نوار پلاستیکی سفید رنگ در تاشکند ثبت شده بود و در اختیار اسلم وطن جار قرار داشت ۰ ببرک در این پیام از نیروهای محدود شوروی نام برد و اظهار داشت که ایشان راجهت همکاری نظامی

به افغانستان دعوت کرده است٠

تقریباً ساعت دونیم بامداد ببرک وارد کابل شد و بلا فاصله جلسهٔ شورای انقلاب را در تالار عمارت رادیو کابل برگزار نمود که پرچمیان آزاد شده از زندان نیز جزء این مجلس بودند ٠(١)

ساعت ۷ و ١٠ دقیقهٔ بامداد پس از ختم اجلاس شبانهٔ شورای انقلاب ، اعلامیه ای بدین شرح انتشار یافت که:

«در جلسهٔ شورای انقلاب ، امین بمرگ محکوم شد و حکم اعدام دربارهٔ وی به اجرا درآمد ورژیم جدید پیرو مناسبات دوستانه بین افغانستان و شوروی ، اعلام میدارد که کمک های سیاسی و نظامی کشور دوست شوروی پیرو تقاضای عاجلانهٔ ما بوده است ٠»

به این ترتیب درامهٔ شاگرد «وفادار» و استاد «بیوفا» پایان یافت و ببرک در پاداش سی سال جاسوسی و خدمتگزاری ، بر نعش هر دو پا گذاشت و روی مسند قدرت تکیه زد ٠ قدرتی که به بهای وطن فروشی کسب کرد و به افتضاح و رسوائی از دستش رفت ٠

---

١ ـ حقایق مذکور از گفتار افراد مورد اطمینانی نقل شده است که خود از کارمندان رادیو بودند و در جریان قضیه قرار داشتند ٠ اما نظر بملاحظات امنیتی و سیاسی از ذکر نام ایشان خود داری می شود ٠

ششم جدی ۱۳۵۸ش

یا

روز سیاه و ننگین در تاریخ افغانستان

بسیاری از شهریان کابل از آنچه روز پنجشنبه در قصر تاج بیگ اتفاق افتاده بود ، بخوبی آگاهی نداشتند و اما فضای نا آرام کابل و گشت و گذار غیر عادی تانک ها و چهره های عبوس و کلفت اندود خلقی ها ، سوال هائی را در ذهن مردم بر می انگیخت و حس کنجکا وی آنان را تحریک می نمود ۰ ترس وتشویش از قیودات شبگردی و شب زنده داران کمونست که با ماشیندارها در کوچه ها و پس کوچه ها کشیک می دادند و هر جا شمعی افروخته می دیدند ، آنرا تاراج می کردند ، مردم را بران معتاد کرده بود تا معمولاً بعد از ساعت ۱۰ شب ، چراغ خانه را خاموش کنند و در تاریکی باهم درد دل نمایند ۰ زیرا هیچکس از شهریان کابل در شب خواب نداشت و همه گوش به آواز صدای زنگ خانه و یا شرفۀ پای نظامیانی می داشتند که معمولاً شبانگاه بخانه ها هجوم می بردند و مردم را به کشتارگاه ها انتقال می دادند و یا مال و دارائی شان را غارت می کردند ۰

ولی آن شب ، هراس انگیز تر از هر شب دیگر بود و زنان و مردان داغدیده ای که بیاد شوهران و فرزندان خویش از این پهلو به آن پهلو می غلتیدند ، صدای هولناک تانک ها وزره پوش ها را بیشتر احساس می کردند و ضربان قلب شان بیش از هر وقت دیگر تندتر می زد ۰ فردای آن شب ، (جمعه ٦ جدی ۱۳۵۸ش مطابق ۲۷ دسمبر ۱۹۸۹) همینکه ساعت قیود شبگردی بپایان رسید و مردم از خانه های خویش خارج شدند، همه چیز در نگاه شان رنگ دیگر داشت ۰ آسمانش قطره قطره اشک می ریخت و نسیمش نرم نرم بوی خون می آورد

صبح نحس و غم انگیزی بود که تا آنوقت در کشور ما سابقه نداشت ، در کوچه و خیابان ها جز تانک ها و عساکر روسی چیزی دیده نمی شذ و مردم خیره خیره بدان ها می نگریستند و بعضاً فکر می کردند بازهم در خواب اند و تصویر همان رویاهائی را می بینند که آگاهان امورگاهگاه آنرا پیش بینی می کردند ۰

گل افشانی و پذیرائی دختران و پسران باند پرچم از سلطه گران روسی ، تدریجاً به مبهم بودن اوضاع و سوال هائی که در ذهن مردم وجود داشت ، پاسخ می داد و همه چیز آهسته آهسته روشن می شد ۰

تعدادی از عساکر افغانی که در ساختمان مسکونی امین سنگر بندی کرده بودند تاآخرین ساعـات روز جمعـه مقـاومت نمودند و جنرال «پاپوتین» را که هنوز هم در قصر ریاست

جمهـوری بود با خود گروگـان بردند و بنام انتقام «امین» او را کشتند ۰ روس ها مرگ «پاپوتین» را خود کشی اعلان کردند و جسدش را به مسکو انتقال دادند ۰

شام آنروز آواز ثبت شدهٔ ببرک از رادیو کابل پخش گردید که دران همه خرابی اوضاع و کشتارها و غارتگری های گذشته را به حفیظ الله و باند او نسبت داد و چنان وانمود که بعد از این ازآن همه اعمال غیر انسانی اثری نخواهد بود ۰

یک هفتـه بعـد دروازهٔ زنـدان پلچـرخی توسط نماینـدگـان سفـارت روس در کابـل باز شدو تعدادی از زندانیان آزاد گردید ۰ در جریان این امر عدهٔ دیگری هم که هنوز زنده بودند و از طرف روس ها نا مطلوب تشخیص می شدند ، بقتل رسیدند ، و همه را به حفیظ الله امین نسبت دادند ۰ ولی دیری نگذشت که بازهم زندان پلچرخی از افراد مسلمان و بی گناه انباشته شد و در اطاق های یک نفری شش نفر را روی هم انبار کردند ۰

به ترتیبی که تذکار رفت ، ببرک با سر پرکین و دل آگنده از عقده و انتقام براریکهٔ قدرت نشست و در هفتهٔ اول تمام خلقی های طرفدار امین را بزندان افگند ۰ ازان جمله عبدالله امین برادر حفیظ الله امین و اسد الله امین برادر زاده اش را در همان آغاز تیر باران کرد و تعدادی از خلقی های دیگر بشمول عالمیار وزیر پلان ، ویسا وزیر تعلیمات عالی ، جلیلی وزیر معارف ، صحرائی وزیر سرحدات ، اقبال وزیری رئیس امور سیاسی وزارت دفاع ، اسد الله پیمان قوماندان ژاندارم و پولیس ، در برج جوزای ۱۳۵۹ش اعدام گردیدند ۰ تنها کسی که از این معرکه جان بسلامت برد و روس ها از وی حمایت کردند ، سروری جلاد و رئیس سازمـــان جاسـوسی و آدم کشی «اکســا» بود که باهمـه کین و عداوت ، پرچمی هانتوانستند از وی انتقام بگیرند ۰

دکتر شاه ولی وزیر خارجه ، عبدالحکیم شرعی جوز جانی وزیر عدلیه ، عبدالقدوس غور بندی وزیر تجارت و عدّهٔ دیگر نیز از مرگ رهیدند و تا ختم روزگار ببرک و رویکار آمدن نجیب ، در زنـدان پلچـرخی مانـدند ۰ بارق شفیعی ، عبدالکریم میثاق ، غلام دستگیر پنجشیری و سلیمان لایق باوجود آنکه در بر خورد خلق و پرچم جانب تره کی را گرفته بودند و ببرک را در بیانیه ها و نوشته های خود نا سزا می گفتند ، از آزار و اذیت مصوون ماندند و مقرب تر از پیش شدند ۰

پس از این تصفیه کاری ها و انتقام گیری ها ، ببرک و مسکوسعی خود را معطوف بر آن داشتند تا فاصله ها و دوری ها و تضاد ها را از میان پرچم و خلق بردارند و آنان را بهم نزدیک سازند ۰ چنانچه اسلم وطن جار ، گلاب زوی و دکتر زیری که از جملهٔ خلقی های شناخته شده بودند در کابینهٔ ببرک عضویت داشتند و با او همکاری می کردند ۰اما علی الرغم این کوشش ها اختلافات آنان شدید تر و ژرف تر گردید که تااکنون هم ادامه دارد و شرح آن سخن را بدراز می کشد ۰

قیام مردم کابل

سوم حوت ۱۳۵۸ش

در گرما گرم جنایات مزدوران روس در افغانستان و قیام و پیکار مردم علیه آنان که هر روز در روستاها و شهرهای کشور اتفاق می افتاد ، بتاریخ سوم حوت ۱۳۵۸ش ، آهنگ خوش صدا و دشمن شکن «الله اکبر» بر فضای کابل و حومه اش نیز طنین افگند و عامهٔ مردم اعم از زن و مرد ، مامور و مغازه دار ، دانشجو و دهقان برجاده ها و مراکز حکومتی سرا زیر شدند و باسنگ و چوب ، بر پاسداران رژیم الحادی و نوکران سوسیال امپر یالست روسی حمله کردند • در این حملات که تمام نواحی شهر کابل و حومه اش دران اشتراک داشتند ، تعدادی از خواهران و برادران مسلمان ما جام شهادت نوشیدند و عده ای هم زندانی گردیدند • در آن روز روس های وحشی و خونخوار از هوا و چاکران خود فروختهٔ شان از زمین ، با هلیکوپترها و تانکها مردمان بی دفاع کابل را مورد حمله قرار دادند و در چهار دهی ، ده دانا ، قلعهٔ قاضی ، ده بوری ، پای منار ، بینی حصار ، بگرامی ، جمال مینه ، شهر آرا ، قلعهٔ فتح الله ، جادهٔ میوند ، شهر کهنه ، کارتهٔ پروان وغیره ، ده ها نفر را به گلوله بستند و بار دیگر خاطرات لشکریان چنگیز را زنده نمودند • خیابان ها و کوچه های مرکز کابل نیز رنگ خون گرفته بود ، و بخصوص پارک زرنگار و اطراف آن صحنه های خونین و رقت باری داشت • مردم آزادهٔ کابل سرشار از بادهٔ میهن دوستی و عشق بخدا و آزادی ، در برابر زره پوش های دشمن سینه سپر می کردند و بیباک و دلیر با آنان می جنگیدند و این کارزار تاشامگاه آنروز ادامه یافت و بسیار کسان جان خود را از دست دادند و برحمت ایزدی پیوستند •

قیام و قربانی مردم کابل با همه تلفاتی که بر ایشان وارد آمد ، حیثیت صاعقه ای را داشت که کاخ و کاخ نشینان کرملن را به لرزه در آورد و از آن به بعد بر تدابیر امنیتی و سازمان های جاسوسی خویش افزودند • به نحوی که در هر چند قدم یک جاسوس وجود داشت و هر کوچه را یکی دوتا ازان چهره های کثیف مراقبت می نمود •

اما آن آتش خشم و نفرین مردم دیگر خاموش نشد ، بلکه نور و حرارت آن بر دلهای جوانان اثرات مثبتی بر جا گذاشت و همینکه پوهنتون و مکاتب شروع بدرس کردند ، بار دیگر دانشجویان دختر و پسر رایت جهاد بر افراشتند و درس میهن دوستی و آزادی خواهی را بر کوی و ایوان شهر و در و دیوار مکاتب و مدارس ، با خون خویش نقش کردند و چنان دلاوری و شهامت از خود نشان دادند که نظیر آنرا در تاریخ کمتر ملتی میتوان یافت • مخصوصاً مبارزات و تظاهرات ضد روسی ، ضد استعماری و ضد الحادی دختران دانشگاه

ولیسه های کابل ، بزرگترین و ارجمند ترین درس ایثار و فداکاری بود که اکثر افراد بی خصلت را غیرت و همت می بخشید و آنـــانـرا جهت دفـاع از ایمان و آزادی شان بر می انگیخت • چنانچه بتاریخ اول ثور ۱۳۵۹ ش تعدادی از لیسه های دختران مانند ، لسیه های سوریا ،عایشهٔ درانی ، ملالی ، زرغونه و آریانا قیام کردند و دست به تظاهرات شدیدی زدند و بادادن شعار های اسلامی و ضد سلطه جویان روسی ، ضربات کوبنده ای بر دشمن وارد کردند • بدنبال آن بتاریخ نهم ثور دختران و پسران دانشجو در پوهنتون کابل فریاد حق خواهی و آزادی را هر چه رساتر و پر توان تر بلند کردند و روس های حیوان صفت و وحشی اعتراض و اجتماع آنان را با تانک و ماشیندار پاسخ دادند و تعدادی از خواهران و برادران ما را به شهادت رسانیدند و از آن به بعد هرشب بخانه ها می ریختند و هر که بچنگ شان می افتاد راهی زندان می نمودند •

ایشان گمان می کردند کشتن و بستن میتواند احساس پاک جوانان را مهار کند و فریاد شان را در گلو خفه سازد • اما هر قطره خونی که بر زمین می ریخت نهال انقلاب و قیام اسلامی را برومند تر میساخت و حس انتقام جوئی را بیشتر میکرد • چنانکه بتاریخ بیست و نهم ثور باز هم لیسه های سوریا و عایشهٔ درانی ، آشوب ها و تظاهراتی بر پاداشتند که بسرعت در معارف اثر افگند و متعاقب آن لیسه های دیگر نیز تظاهرات را از سر گرفتند و جریان فعالیت های کمونستان را در مکاتب بکلی خنثی نمودند •

در اواخر جوزای ۱۳۵۹ش بار دیگر بازارهای کابل بعنوان اعتراض و اعتصاب مسدود گردید و با این عمل نفرت خویش را علیه موجودیت روس ها در افغانستان آشکار نمودند • روس های زبون فطرت و نوکران جبون شان که حتی از رویا روئی با نوجوانان و کودکان معصوم معارف هم ، احساس ناتوانی می کردند ، بعد از پانزدهم جوزای همان سال ، ذخایر آب آشامیدنی مکاتب را همه روزه مسموم می نمودند تا بدان وسیله ایشان را از ادامهٔ مبارزه باز دارند • ولی هیچ حیله ئی کارگرنیفتاد ، و محصلان معارف رهٔ خود را ادامه دادند •

عروسک کوکی در صحنهٔ سیاست

از سالیان دراز به اینسو ببرک را در کابل بحیث یک چهرهٔ مزوّر و مزدور می شناختند و از نقش او در اجرای نقشه های روس آگاهی داشتند • گرچه هر روز برنگی در می آمد و در هر جا به طرزی می خرامید ، اما نقاب از چهره اش بر افتاده بود و جلوه های طاووسی اش ، دیگر چنگی بر دلها نمیزد • لیکن دستگاه کی• جی• بی بحدی او را در فنون و رموز حقه بازی و مردم فریبی ماهر کرده بود که حتی خود روس ها را هم بازی داد و در اثر گزارش راپور های بی اساس به کرملن ولاف و گزاف پوچ ، فرمانروایان مسکو را تشویق و تحریص کرد تا به افغانستان لشکر کشی کنند و روی خود را برای همیش در تاریخ انسانیت سیاه

سازند ۰

اما حمله و هجوم عساکر روسی به افغانستان و رویکار آمدن ببرک نه تنها گرهی را نگشود و نتوانست خشم مردم را مهارکند و آنان را به تسلیم و انقیاد وا دارد ، بلکه اوضاع بیش از پیش بدتر شد و آهنگ قیام و جهاد سر تا سر افغانستان را فرا گرفت ۰ زیرا لشکر کشی روس به کشـور ما پردهٔ تزویر و حقـه بازی مسکو را از هم درید و ملت مسلمان افغانستان بخوبی درک کرد که سررشته در کجا است وقصدِ نوکر و بادار چیست ؟

ببرک که ادعا هایش پوچ از آب درآمده بود و جز خجلت و سرافگندگی برهان و حجتی در برابر روس هانداشت ، به غوغا و تبلیغ توسل جست و فکر می کرد توسط دروغ و شعار میتواند روی جریانات وحقایق پرده بکشد و پایه های سست ولرزانش را نزد باداران خود استحکام بخشد ۰

او در کمال وقاحت و بی شرمی بر ملت مجاهد افغانستان و آنانی که از حیثیت و شرف و آزادی و حاکمیت ملی کشور دفاع می کردند «اشرار» نام نهاد و بار بار فریاد کشید که همـه رانیست ونابـود خواهـد کرد ۰ امـا هرروزی که می گذشت،پایداری ومقـاومت مردم در برابر روس و اجیرانش بیشتر می شد و چهرهٔ رسوای ببرک رسواتر ۰

این نوکر بی عار و حقیر به عروسک های «کوکی» شباهت داشت که کلیدش را روس ها بدست داشتنـد و بهـررنگی که میخـواستند او را برقص در می آوردند ۰ حتی خفتن وخوردن و تشناب رفتنش هم به اختیار عساکر روسی بود و بدون دستور آنان نمیتوانست نفس بکشد ۰

وی در نخستین طرح دکته شده توسط روس ها ، تاسیس یک شبکهٔ وسیع جاسوسی را تحت نام «جبههٔ ملی پدر وطن» رویدست گرفت تا بدین وسیله تعدادی از مردم سرشناس و مسلمان افغـانستـان را بزور و تهدید روی پردهٔ تلویزیون آورد و چنان نماید که طبقات واقشار مختلف مردم همه از وی پیشتیبانی می کنند و مقدم روس ها را گرامی میدارند ۰ لیکن جز اندک تعدادی از افراد اپرچونست و ابن الوقت و بی خاصیت ، کسی به این صدای شیطانی گوش نداد و اکثـر افـراد چیز فهم و روشنفکر و با احساس و آنانی که توان زاد وراحله را داشتند ، از وطنی که پدرش روس بود ، فرار کردند ۰

بعضی از افراد مظلوم هم که به جبر و اکراه در آنجا کشانیده شده بودند ، عملاً با این «جبهه» همکاری نکردند و سرانجام آنچه ببرک میخواست برآورده نشد ۰

همـزمان با این اقدام دست به جنایت دیگری زد ویک تعداد دختران و پسران جوان و نورس را بنام ها و عناوین مختلف بروسیه فرستاد تا با فرهنگ و زندگی حیوانی روس هاخو پذیر شوند و خصلت وماهیت اسلامی و افغانی خود را فراموش نمایند ۰

از همه بدتر آنکه ببرک جهت خشنودی روس ها وابقای خود در مقام چاکری ، برشوه

دهی پرداخت و آنهم چه رشوه ای که روس ها بیش از یکقرن در طمعش بودند و برای دست یابی به آن دیوانه وار تلاش میکردند ۰ این رشوهٔ واگذاری تنگهٔ واخان بود که ببرک قبالهٔ آنرا دو دسته بالای میز بریژنیف گذاشت و بر وطن فروشی خود یکبار دیگر مهر تائید بر نهاد ۰ این همان جائی است که بر یکی از مراکز اتومی چین و نقاط حساس و سوق الجیشی پاکستان مشرف می باشد و بارها بین بریتانیا و روس و بین عساکر و عشایر افغانی و افراد روسی روی اشغال و تصرف آن جنگ ها صورت گرفته است ۰

خوب بیاد دارم که وقتی موسی شفیق صدراعظم وقت افغانستان کشیدگی بین ایران و افغانستان را برسر آب هیرمند از میان برد و ضمن قراردادی این مشکل دیرینه را حل کرد و امتیازاتی هم از آن کشور بدست آورد ، ببرک و باندش بشمول سایر کمونستان و افراد ذی غرض ، در کوچه هاو خیابان های کابل داد و فریاد بر آوردند و «شفیق» را بنام «آبفروش» مذمت و محکوم کردند ۰ ولی اینک که خود شان گوشه ای از خاک وطن را قباله می دهند و هیچ امتیازی هم جز تبسم برژنیف و بخون خفتن مردم و ویرانی کشور بدست نمی آرند ، از عمل خویش خجالت نمی کشند و از عار و ننگ نمی میرند ۰ گوئی که در مکتب کمونیزم خاک فروشی فضیلت است و آبفروشی معصیت!!

کمی بعد تر گام دیگری برداشت و هزاران جوان و نوجوان را از خانه و خیابان ها و مکاتب بزور سر نیزه و تانک جمع آوری کرد و در اختیار روس ها قرارداد تا بحیث پیش مرگان عساکر روسی به صحنه های نبرد برده شوند و با برادران مسلمان و هموطن شان بجنگند ۰

صدها کودک و نوجوان را در بدل یک مشت پول به سازمان های حزبی و نظامی و اطلاعاتی کشانید و هزاران انسان بیچاره و مستمند را که فقر و بیکاری آنانرا زمینگیر کرده بود ، در شبکه های همکاری با دولت استخدام نمود ۰ این اقدامات در حد خود سیاه ترین وزشت ترین جنایت و خیانت بود که ببرک و رفقایش انجام دادند و خصوصیت افغانی و ماهیت اسلامی و ملی بسیاری از مردم بیچارهٔ ما را عوض کردند ۰

در ثور ۱۳٦۴ هجری شمسی غوغای دیگری را براه انداخت و برای اینکه ماسک مردمی بروی خود کشد تعدادی از مستخدمین ادارات را با سازمان های حزبی در کابل بدورهم جمع نمود و آنرا «لوی جرگه = جرگهٔ بزرگ» نامید ۰ در این جرگهٔ مضحک و بی محتوا بازهم بهمان حرفها و شعار های همیشگی پرداخت ، وآن سال را آخرین سال مقاومت عناصر «ضد انقلاب» خواند ۰ اما سیر زمان ثابت ساخت که مقاومت و موجودیت او و بادارانش به پایان رسید ، لیکن مردمی که علیه آنان قیام کرده بودند به هستی و مبارزهٔ خویش ادامه دادند و بقای خود و کشور را تضمین و تثبیت کردند ۰

همچنان در ۲۲ اسد همان سال (= ۱۳ جولائی ۱۹۸۵) ابلاغیه ها و اعلامیه هائی را به

نشر رسانیدند و ادعا نمودند که در افغانستان انتخابات بلدیاتی انجام می شود ۰ این طرح بی شرمانه و تبلیغاتی نیز چون سایر تشبثات محیلانهٔ شان بجائی نرسید و بقول رادیو کابل جز در ده «ولایت» که آنهم بمراکز حزبی تعلق داشت ، کاری صورت نگرفت ۰

چون این حقه بازی ها بجائی نرسید و مساعی بادار و نوکر در پنهان کاری اوضاع و فریفتن اذهان عامه به نتیجه ای نه انجامید ، و آنگاه به حیلهٔ دیگری متوسل شدند و در طلیعهٔ سال نو عیسوی (۱۹۸۶) اعلان کردند که ۱۳ عضو کابینه و معاون صدر اعظم از افراد غیر کمونست انتخاب شده است و اصلاحاتی نیز در امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بمرحلهٔ اجرا قرار خواهد گرفت ۰

باتمام این شعبده بازی ها اندک درنگ و تاخیری در پیکار مردم علیه اشغالگران و ایادی آنان اتفاق نیفتاد و روس هانتوانستند کشتار و فجایع خود را از دید و قضاوت جهان مستور دارند و از نفرین و نارضائی مردم بکاهند ۰ بنابر این طشت بدنامی و رسوائی ببرک نیز چون اسلافش از بام فروافتاد و روس ها باز هم بفکر مهرهٔ دیگری شدند و نجیب رئیس سازمان جاسوسی و آدم کشی «خاد» را بجا نشینی او منصوب فرمودند ۰

آستان بوسی ببرک از کرملن

ببرک که در زیر چتر میگ ها و حصار و حمایت تانک های روسی برسریر قدرت تکیه زده بود و دو حریف و رقیب نیرومندش نیز در صحنهٔ وجود نداشت، فکر می کرد که دیگر همهٔ چیز خاتمه یافته و مهارزمان و عنان ملت افغانستان در دست او است ۰ اما از آنجاکه محاسبه در ظلمت و اتکاء بر عصای اهریمنی، جز لغزیدن و بر پانخاستن مثمر ثمری نیست، اوهم از این جنایت و روسیهی طرفه ای نه بست و خود را چون خسی یافت که در برابر آتش انتقام مردم یک لحظه هم توان و ثباتی نداشت۰ حتی باوجود ازبین رفتن تره کی و امین و تلاش و حمایت روس ها بازهم موفق نگردید تا خلقی هارا به اطاعت و احترام خویش وادارد و بارها در مجالس کمیتهٔ مرکزی و شورای وزیران به تحقیر وتوهین مواجه گردید ۰ لذا یگانه وسیله ای که فکر می کرد اورا در راس قدرت و حزب کمونست افغانستان ابقاء خواهد کرد، پذیرش اجرای اوامر و دستورات بی قید و شرط کرملن و آستان بوسی سردمداران آن بود که گوشه هائی از آنرا قبلاً تذکر دادیم ۰ و اینک سفر هائی را که او بار بار به مسکو انجام داد، با اهداف و چگونگی اش در زیر خلاصه می کنیم:

اول: سفر نخستین ببرک به مسکو پس از کسب قدرت، در ۲۳ میزان ۱۳۵۹ش = ۱۵ اکتوبر ۱۹۸۰ صورت گرفت که هدف آن دیدار از بریژنیف وجلب حمایت بیشتر اربابان کرملن بود ۰ این دیدار وقتی صورت گرفت که فرمان روایان کرملن در سطح ملی و بین المللی با افتضاح و اعتراض شدید مواجه بودند و هجوم ارتش سرخ به افغانستان در سر تا سر جهان

محکوم و تقبیح می شد۰

در داخل قلمرو روس نیز ناآرامی ها و نارضائی ها تعمیم می یافت و مخصوصاً پدران و مادران که پسران شان غرض جنگ به افغانستان اعزام می شدند و مرده بر می گشتند، سرو صدای زیادی براه انداخته بودند، و این همه انتقادات و عکس العمل ها، موقعیت «بریژنیف» را تهدید می کرد و احتمال آن وجود داشت که روی آن بحث شود و از کارکنار رود۰

اما ببرک ضمن سخن رانی و مصاحبه هایش که در تلویزیون و مطبوعات مسکو انتشاریافت، از بادار خود «بریژنیف» تقدیر و ستایش کرد و اظهار داشت که هجوم لشکر سرخ به افغانستان بنابدرخواست و موافقت او صورت گرفته است ۰ او که برهان و دلیلی در برابر این عمل ضد ملی و ضد انسانی خود و باداران خود نداشت، حرفهای مکرر و همیشگی شان را تکرار کرد و علّت آنرا موجودیت عساکر امریکائی، چینی، مصری و پاکستانی در افغانستان وانمود ساخت۰

این مطلب عین جملات و تلقینات و تبلیغاتی بود که روس ها در گوش عساکر خود زمزمه می کردند و مدتی را دربرگرفت تا آنان فهمیدند که در افغانستان جز روس و لشکر روسی، خارجی دیگری وجود ندارد۰ بریژنیف هم برای آنکه ببرک را شخصیت دهد و به موجودیت آن درراس یک کشور تظاهر کند، اعلامیهٔ مشترکی باوی امضاء کرد و همه تلاش های بین المللی را دربارهٔ بوجود آوردن یک حکومت آزاد و دلخواه مردم به صراحت رد نمود ۰

وی که بادلگرمی و دستورات تازه از مسکو برگشته بود، روز اول جنوری سال ۱۹۸۰م (=۱۱ جدی۱۳۵۹ ش) برای اولین بار در برابر مردم ظاهر شد و بامکارگی خاص و همیشگی که جزء عادت و فطرت او بود، تهاجم روس هارا به کشور ما جزء مشیّت و تقدیر الهی خواند۰ به امید آنکه مردم را اغوا کند و تجاوز و آدم کشی و غارت گری و جنایات اربابان خودرا توجیه نماید ۰ اما دیگر برای غداری و حقه بازی او مجالی نبود و افسون این مار هفت رنگ کارگر واقع نمی شد ۰

دومین سفر ببرک: او در ۲۹ دلو ۱۳۵۹= ۱۸ فبروری ۱۹۸۱ بار دیگر به مسکو رفت تا در بیست و ششمین کنگرهٔ حزب کمونست شوروی که بتاریخ ۴ حوت دایر می گردید اشتراک کند۰ وی در این سفر که نور احمد نور، جگرن رفیع و «زیری» آنرا همراهی می کردند، مجدداً از توجهات و مساعی بریژنیف درراه تقویت بلاک سوسیالیزم و کمک به افغانستان، ستود و چنان وانمود ساخت که مردم افغانستان همه در اداء آن سپاس باببرک شریک اند و هیچ حادثهٔ سوئی در اینسوی مرزهای روس اتفاق نیفتاده است۰

کرنش و پابوسی ببرک از رهبر خونخوار کرملن، اینبار بیشتر مورد توجه قرار گرفت ۰

مخصوصاً ستایش او از کارنامه های ننگین بریژنیف در کنگرهٔ حزبی و حزب کمونست، و اغفال نمودن اذهان ملتی که هیچ وسیلهٔ آگاهی و معلومات و دانش را در اختیار ندارند، بهترین خدمتی محسوب می شد که بریژنیف انتظار آن را داشت. و بهمین سبب بود که مدالی برسینهٔ ببرک آویخت و اورا نوازش فرمود. او همچنان برحرفهای قبلی خود اصرار کرد و گفت تاوقتی که عملیات چریک ها از داخل و خارج قطع نشود، نیروهای روس در افغانستان باقی خواهد ماند.

سومین سفر ببرک: نامبرده بتاریخ ۲۴ قوس ۱۳۶۰ش در راس هیئتی عازم بلغاریا شد (۱۵ دسمبر ۱۹۸۱) و روز بعد یعنی بتاریخ ۲۵ قوس در کرملن باریافت تا مراتب چاکری و تبریکاتش را نسبت به «سالگرد» بریژنیف حضور وی تقدیم کند . او در این سفر مقداری از طلای ناب را که میلیون ها افغانی ارزش داشت و سالها بحیث پشتوانهٔ مالی افغانستان در بانک ذخیره بود، نشان درست کرد و آنرا بنام «نشان آفتاب آزادی» مسما ساخت و بعنوان تحفه به ولی نعمتش «بریژنیف» پیشکش نمود و از او و مردم روسیه بپاس کمک ها و پشتیبانی آنان از نوکران شان ستایش کرد.

بریژنیف هم سری به علامت خوشحالی تکان داد و گفت: «در افغانستان آفتاب آزادی طلوع کرده و هیچ نیروئی آنرا خاموش نخواهد کر.» این بی حیاء تاریخ که از مشاهدهٔ آفتاب طلائی عقل و حافظهٔ خودرا از دست داده بود، در ادامهٔ گفتارش بلادرنگ به مشکلات داخلی و خارجی مزدوران دست نشاندهٔ خود در کابل اشاره کرد و بازهم خواهان حل مسلهٔ افغانستان از راه مذاکره گردید (۱) البته دروغ و تضاد گوئی چیزی است که در قاموس روسی و آئین سردمداران شان هنرپنداشته می شود و از انجام آن عارو ننگی ندارند.

چهارمین سفر ببرک: بتاریخ ۲۱ ثور ۱۳۶۱ ببرک و سلطان علی کشتمند مزدور شناخته شدهٔ دیگر روس، توسط هوا پیما به ترمزرفتند تاپلی را که باداران شان به هزینهٔ افغانستان بالای دریای آمو اعمار کرده بودند و افغانستان را توسط آن بخاک خود وصل نموده بودند افتتاح فرمایند. افتتاح این پل بنام افغانستان (ولی در خاک روس) حاکی از آن بود که ببرک نمیتوانست حتی در زیر چترمگ های روسی ودرمیان تانک ها وزره پوش های آن، احساس مصوونیت کند و بادارانش نیز چنین اعتمادی برخود نداشتند .

چه فراز و فرودها که روزگار راهست!! روزگاری فرمان روایان و سپاهیان بلخ و غزنه و هرات بعزم سمرقند و بخارا کاروان حُلّه می بستند و ریگ آمو در زیر سُمِ ستوران شان چون پرنیان می نمود، اما امروز تاراج گران وحشی روس، سوار برتانک ها وزره

---

۱ ـ روسها بتاریخ ۲۴ ثور ۱۳۵۹ ه.ش = ۱۴ می ۱۹۸۰م به ببرک دستور داده بودند تا از طریق رادیو کابل به ایران و پاکستان پیشنهاد مذاکره کند. از آن تاریخ ببعد این پیشنهاد اساس کار روسها و مزدوران شان قرار گرفت .

پوش ها از آمو عبور می کنند و غزنه و بلخ و هری را لگدمال مینمایند ۰ مردم ما تمدن و فرهنگ و انسان دوستی و نیک زیستن را باخود به ارمغان می بردند، اما روس ها انسان کشی و یغما گری و وحشت و بی فرهنگی را به همراه دارند۰

مسعود غزنوی میخواست پلی بالای آمودرست کند تاکاروان های دوستی و تجارت و مدنیت بر بالای آن آمد و شد کنند، اما آدم کشان کرملن چنان پلی را اعمار کردند تا وسایل دشمنی و مهمات جنگی خودرا از آن عبور دهند و کشور مارا به حمام خون مبدل سازند۰

بهرحال! اینهم میگذرد و مامطمئنیم که روس هادر فرجام جز سیه روئی نصیبه ای نخواهندداشت ۰

پنجمین سفر ببرک: او در اواخر برج ثور ۱۳۶۱ ش به المان شرقی سفر کرد و پس از امضاء معاهده ای که متن آن افشاء نگردید، در ۴ جوزا وارد مسکو شد۰ در روسیه تقریباً یکماه را بنام تداوی و معالجه سپری کرد و بتاریخ ۲ سرطان بکابل باز گشت ۰

این سفر که باشد بدترین بحرانات داخلی و شدت عملیات مجاهدین و برخورد و کشمکش های خلق و پرچم توأم بود، شایعات گوناگونی را در جامعه برانگیخت۰ بعضی برآن بودند که ببرک در اثر بی کفایتی و ناکامی درکار هماهنگ کردن گروههای خلق و پرچم، شاید به سرنوشت اسلافش مواجه شود، و بعضاً افواهاتی را باور می کردند که حاکی از مبتلا شدن ببرک به بیماری سرطان بود۰ در هر صورت او در برگشت از این سفر، عربده و مستی های قبلی را نداشت و معلوم می شد که روی خوش برای وی نشان نداده اند۰

ششمین سفر ببرک: موصوف در نیمهٔ برج میزان ۱۳۶۱ در راس هیئتی عازم مجارستان شد واز آنجا بروسیه رفت۰ ولی از دید و بازدیدش بامقامات کرملن خبری انتشار نیافت۰

هفتمین دیدار او از مسکو: در ماه عقرب ۱۳۶۱= نوامبر ۱۹۸۲ وحشی ترین جنایتکار تاریخ (بریژنیف) را عمر بپایان رسید و طومارننگین هجده سال آدم کشی و فرمانروائی اش درهم نوردید ۰ ببرک نوحه کنان به مسکو شتافت و برتابوت یار و مددگار دیرین خود بوسه ها نثار نمود۰ در این سفر با اندروپوف جانشین بریژنیف نیز دیدار کرد و دستورات تازه بدست آورد۰ البته شناخت و مذاکره اش با رهبر جدید کرملن امر تازه وفوق العاده ای نبود، زیرا ببرک سالیان دراز باکی۰ جی۰ بی همکاری داشت ورئیس آنرا بخوبی میشناخت۰

نهمین سفر: ببرک در حالی که کشتمند اورا همراهی می کرد بار دیگر در ماه قوس ۱۳۶۱ غرض اشتراک در شصت و سومین سالگرد انقلاب روسیه عازم مسکو گردید و به آستان بوسی اربابان خود نایل شد:

دهمین سفر: به ادامهٔ تضادها و مخالفت ها بین خلق و پرچم که هر روز وسعت می یافت، در اواسط سرطان ۱۳۶۳ ش = جولائی ۱۹۸۴، بین دو جناح برخوردهائي صورت گرفت و

شایع شد که «قادر» اسلم وطن جاررا به تفنگچه زده، «وکیل» وزیر مالیه در جریان زدوخورد کشته شده و شخص ببرک نیز زخمی گردیده است ۰ همزمان با این آوازه ها، ببرک به مسکو فراخوانده شد و طرفدارانش اعلام داشتند که وی جهت معالجه و تداوی شش ماهه بمسکو رفته است۰ لیکن او پس از مدتی بازهم به افغانستان برگشت و احساس می شد که «چرنین کو» رهبر جدید کرملن را نیز فریفته است۰

یازدهمین سفر: در ماه مارچ ۱۹۸۵م چرنین کو در گذشت و ببرک غرض اشتراک در مراسم تدفین او به مسکو رفت و بامیخائیل گوربه چوف جانشین چرنینکو دیدار و مذاکره نمود ۰ در این ملاقات گوربه چوف را هم اغفال کرد و شکست و رسوائی خودرا در مقابله علیه مجاهدین، کلاً به گردن پاکستان افگند۰ اتهام و ادعایش آن بود که این کشور در امور افغانستان مداخله می کند و عناصر ضد انقلاب از آنجا به افغانستان فرستاده میشوند، ورنه کوه های هندوکش و بابارا بایک عربده از جامیکند و عناصر مخالف را در دم نابود می سازد۰

وی با اطمینانی که از حمایت «گوربه» دریافت کرده بود، در برگشت از مسکو مصاحبهٔ پر طمطراقی را ازرادیوپخش کرد و ضمن سایر حرفها ادعا نمود که دو نفر جاسوس سی آی ای توسط مقامات امنیتی گرفتار گردیده و جریان فعالیت های ایشان بضدرژیم ، افشاء خواهد شد۰

دوازدهمین یا آخرین سفر رسمی ببرک: در اواخر سال ۱۳٦٤ ش بازهم ببرک بنام تداوی بروسیه رفت و تا ۱۱ ثور ۱۳٦٤ ش در مسکو باقی ماند۰ اما اینبار بختش برگشته بود وهمینکه وارد کابل گردید، مسوولیت حزب و ریاست دولت به «نجیب» سپرده شد و اوتنها در مقام صدر هیئت رئیسهٔ شورای انقلاب یا رئیس جمهور باقی ماند که جز نام هیچگونه صلاحیتی نداشت ۰ این تغییر و تبدیل وقتی صورت گرفت که روس ها شدید ترین عملیات خودرا در پکتیا، قندهار و شرق و شمال انجام می دادند و تعداد زیادی از مجاهدین به شهادت رسیده بودند ۰

برکناری ببرک از سمت دبیری حزب و سلب صلاحیت های وی، نارضائی و عکس العمل هائی را درمیان طرفدارانش بار آورد و حزب پرچم را که «نجیب» نیز یکی از اعضای آن بود، در درون خودش به بحران مواجه ساخت۰ کشمکش های حزبی که بعضاً به نمایش ها و تظاهرات خیابانی انجامید تا ماه عقرب ۱۳٦۵ ش ادامه یافت۰ ولی در ۲۹ عقرب ۱۳٦۵ ش (=نوامبر ۱۹۸٦م) رادیو کابل اعلان کرد که ببرک از وظیفهٔ حزبی و دولتی استعفاء داد و شاید بیکی از کشور های اروپائی سفیر مقرر شود۰ اندکی بعد از اعلان مذکور روس ها اورا به مسکو بردند و دیگر خبری از وی شنیده نشد که بدارش زدند و یادرگوشه ای افتاده است و رنج بردگی می کشد۰

نمونه ای از وحشت و غارتگری روس در افغانستان

اردوی وحشی و غارتگر روس همینکه وارد کابل شدند، بیش از هر چیزی توجهٔ شان را کالا ها وامتعهٔ گونا گون بازارها و مغازه های شهر بخود معطوف نمود وازاینکه در عمر خویش برای بار اول به چنان وفرت و نعمت و آزادی، دست یافته بودند، خوشحال و شادمان معلوم می شدند٠ در هفته های اول هر آنچه در جیب و کسیهٔ شان بود، صرف خریداری ساجق و امثال آن کردند و اما همینکه دانستند، بجز از عسکر روس، عسس و پاسبانی در شهر وجود ندارد، دست بغارت ودزدی و چپاول زدند و هر شب یکی دو تا مغازهٔ بزرگ را در گوشه و کنار شهر به یغما بردند٠

هنوز یکماه و اند روز از حملهٔ شان بکابل سپری شده بود که شب ۱۳ دلو ۱۳۵۸ ش مطابق ۲ فبروری ۱۹۸۰، یکی از مارکیت های جدید را در مرکز شهر متصل فروشگاه بزرک قاری امان نوائی غارت کردند وتمام سامان و اسباب و کالاهای آنرا در موترها انداختند وبمراکز خویش انتقال دادند٠ وسپس برای اینکه بر رسوائی خود پرده افگنند، مغازه های خالی را پطرول زدند و آنهارا به آتش کشیدند که در اثر آن ۱۷۰ مغازه طعمهٔ آتش گردید٠ مع هذا شواهد و آثاری از غارتگری و چپاول روس ها برجا مانده بود که عمل ننگین ایشان را تمثیل می کرد و همه مردم آنهارا بچشم خویش ملاحظه می فرمودند٠ مهمتر از همه آنکه چوکی دار محل تمام اعمال وجنایات عساکر روسی را شب هنگام دیده بود وبرآن گواهی میداد و در برابر این افشاء گری، اورا بردند و کشتند ٠

برای اینکه جنایت کاران کرملن، آن همه سیه کاری ها و وحشی گری های اردوی سرخ را وارونه جلوه دهند و بزعم خود شان آنرا کتمان کنند، دو روز بعد از حادثه یعنی بتاریخ ۱۵ دلو = ٤ فبروری خبر مذکوررا در ایزو پستیا نشر کردند و آنرا به خرابکارانی نسبت دادند که بقول ایشان در چین تربیت میشوند٠ روس ها که با دروغ و بی حیائی خوی کرده اند، خیلی برای شان سهل بود تا آن عمل ننگین و شرم آور را بگونه ای تحریف کنند ٠ ولی از آنجا که دروغگو حافظه ندارد، اندکی بعد آتش سوزی مارکیت مذکور را از طریق رادیو وجراید کابل، ناشی از شارتی برق وانمود کردند٠ در هر صورت حقیقت پیدا بود و مردم می دانستند که چه دست های کثیفی برهستی شان آتش زده است وچه افرادی حاکمیت شهر را برعهده داشتند٠

این عمـل فرمانروایان مسکو را تشویق کرد تا به دزدی ها و غارتگری های خویش

رسمیت بخشند و بجای شب، آنرا در روز روشن انجام دهند۰ زیرا دیگر برهمه چیز حاکم بودند و غلامان شان جرأت آنرا نداشتند تا در برابر اعمال روس ها ابروخم کنند، لذا همه ثروت های ارگ شاهی اعم از طلا ولاجورد و آثار عتیقه و سامان و لوازم گران بهارا باخودبردند و نیز کتاب خانهٔ سلطنتی را که نفیس ترین و پربها ترین کتب خطی و چاپی دران وجود داشت واز گنجینه های بزرگ فرهنگی در شرق محسوب می شد، همه را تاراج کردند و بروسیه انتقال دادند، وبدنبال آن موزیم کابل را که غنی ترین و گران بهاترین آثار تاریخی دران جمع آوری شده بود، به یغمابردند و جز خذف پاره ای چند، چیزی برجانگذاشتند۰

بهمین ترتیب روس ها «طلاتپه» را برای مدت زیادی محاصره کردند و تمام آثار مطلا و گنجینه های نهفته درآن را ازتهٔ خاک کشیدند و بمسکو انتقال دادند۰ جائی که ازان نام بردیم درزمان محمد داود کشف گردید و چندین سکهٔ طلا از آن بدست آمد۰ اما روس ها به همانقدر بسنده کردند و آن ذخایر طلا را در دل خاک پنهان نگه داشتند، تاآنکه نقشهٔ شان عملی شد و همه را غارت نمودند۰

افرادی که از طلاتپه دیدن کرده بودند و نیز شایعاتی که بعداً بوسیلهٔ منابع افغانی پخش گردید، مویّد این حقیقت بود که عظیم ترین ثروت درآنجا وجود داشت و کوچکترین نمونه هایش، مجسمه های حیواناتی بود که همه از طلای ناب ساخته شده بودند۰

همچنان روس ها ذخایر یورانیم افغانستان را طی ده سال گذشته تاراج کردند که بهای مجموعی آن به اساس گزارش های منابع موثق، بیش از پنجاه بیلیون دالر تخمین زده شد است۰

هکذابیش از ۳۰ چاه گاز درین مدت مورد بهره برداری بود و همه را روس ها به یغمابردند که از جمله تقریباً ۱۵ چاه گاز بکلی غارت گردیده است۰

دزدیدن بیرایت هرات، لاجورد بدخشان، دالر های «دافغانستان بانک» و محصولات فابریکه های افغانستان، از جملهٔ سایر کارنامه ها و چپاول گری هائی محسوب می شود که روس ها در کشور ما انجام داده اند و مسلماً قیمت آنها صد چند هزینه ای می باشد که صرف هجوم ارتش سرخ در افغانستان شده است۰

این بود محصول و نتایج شعارهای «همزیستی مسالمت آمیز»، دوستی عنعنوی، عدم مداخله در امور یکدیگر و احترام به حاکمیت ملی که سالها ورد زبان زمام داران کابل و مسکو بود۰ واین است ثمرهٔ ناعاقبت اندیشی ها وبی مبالاتی ها که اینک می بینیم و می شنویم ۰

آری!

هر که در پایان کاری ننگرد
عاقبت روزی پشیمانی خورد

انتقال کودکان بروسیه

سوسیال امپریالیزم روس برآن است تا فکر و اندیشهٔ انسانی را از آدمی زادگان بزدایند و بهر قیمتی که تمام شود برروی کرهٔ خاکی، یک جامعهٔ حیوانی وفاقد از هر نوع درک و فضیلت و آگاهی بوجود آرند تا خود حاکمیت جهان را بدست داشته باشند، واز توده های اسیر و محروم به گونه ای که مطلوب شان باشد استفاده نمایند. تجاربی که رژیم حیوانی و فاسد بلشویزم در مدت شصت و اند سال تجاوز گری وسلطه جوئی اش اندوخته است، گویای آنست که استعمار گران ددمنش روس، رمز پیروزی را بزعم خودشان دران تشخیص داده اند تاحین دست یابی و نفوذ در یک کشور، پیش از هر اقدامی جوانان پخته و بزرگ سالان را بکشند و نوجوانان و کودکان را به پرورشگاه های خود انتقال دهند و آنانرا شست وشوی مغزی کنند. تا باشد که اثرات فرهنگی وارزش های دینی و ملی خود را همه ازیاد ببرند و جز شکم و فرمان بری از فرمانروایان شکم پرست خود برچیزی نه اندیشند.

روی این مفکوره وهدف از همان آغاز حمله به افغانستان برنامه های وسیعی را در این زمینه روی دست گرفتند و باتولید ترس ووحشت و گرسنگی و آزار، عده ای را واداشتند تا پسران کوچک و نوجوان خود را در اختیار دولت دست نشانده قرار دهند واز معاش آنان سدجوع نمایند. روس ها عده ای از آنان را پس از یک دوره آموزش نظامی کلاه افسری برسرنهادند و بحیث پیش مرگان افراد روسی وارد معرکه کردند، و برخی را بروسیه بردند و بعد از تربیه در حرفهٔ جاسوسی بار دیگر به افغانستان فرستادند. بهمین ترتیب شاگردان معارف را دسته دسته از صنوف ابتدائی بروسیه بردند و خواستند بانشان دادن باغ های سبز و سرخ و اعطای هدیه و تحف، حداقل از احساس ضد روسی بودن شان بکاهند.

واما جنایت بارتر از این، آنکه تعداد بی حسابی از کودکان را پس از محاصرهٔ شهرها وروستاها، اسیر کرده و آنان را بروسیه انتقال دادند و در پرورش گاههای مخصوص فکری تحت تربیه گرفتند تا کلیه خصوصیت های اسلامی و افغانی آنان را مسخ کنند و بحیث سربازان وداعیان وفادار بار دیگر به افغانستان بفرستند. چنانکه همین اکنون حدودسی هزار از این جوانان افغانی تربیت کردهٔ خود را به افغانستان برگردانده اند و وظیفهٔ عساکر روسی را به ایشان سپرده اند.

یکی از اهداف اهریمنی و جنایتکارانهٔ روس ها و مهم ترین آن همین است تا پیوند ها و روابط کودکان را بافامیل ها ووطن شان قطع کنند و آنانرا باروحیهٔ روسی ببار آرند. و این پست ترین خصلت و جنایتی است که روس ها در بسا نقاط جهان انجام میدهند و بشریت خیره خیره بدانها می نگرد و می خندد.

آری! قصد روس ها از حمله به افغانستان، دست یابی به ثروت های بیکران طبیعی،

حاکمیت براراضی وسیع و حاصل خیز و باغهای پر میوه و نعمت های فروان می باشد که میتواند نیمه ای از نفوس گرسنهٔ روس را اعاشه کند ۰ لذا دیوانه وار می کوشند تا بهروسیله ای که فراهم گردد، زنده جانی در افغانستان باقی نگذارند و راه راجهت رسیدن به آبهای گرم برخود هموار سازند ۰ گرچه این آرمان شان علی العجاله بخاک یکسان گردید و باشکست و رسوائی از کشور ما خارج شدند، اما شواهدی وجود دارد که این قوم خاین از افغانستان دست بردار نیستند و بهر وسیله که بتوانند در کشتار و نابودی مردم و ابقای نفوذ خود صرف مساعي خواهند کرد ۰

نتیجه

چنانچه در مباحث مختلف این کتاب بیان گردید، بیش از نیم قرن مرزهای افغانستان بروی روس ها باز بود و کلید سیاست و ثروت ما در دست ایشان قرار داشت. هر کجا خواستند رفتند و هر آنچه اراده فرمودند انجام دادند. در این مدت طولانی بیک نفر روسی آسیبی نرسید و یکروزهم در برابر کارنامه های ننگین آنان فریاد اعتراض بلند نشد. گرچه باگذشت زمان خیانت و جنایت روس کم کم آشکار می گردید واز دربار تابازارهمه کس میدانست، اما بازهم از آن اغماض کردند. از آمو تا خیبر و از اسلام قلعه تا واخان همه جا کاروانی از روس ها در آمد و شد بودند و مردم در کمال صمیمیت و اخلاص از آنان پذیرائی می کردند و یکبارهم اتفاق نیفتاد تا بینی یکی از آنان خون شود، و کودکی در روستائی سنگی بسوی شان پرتاب نماید. اما این برده های شکم و ستم، بحکم فطرت خویش، آنهمه اخلاص و محبت مردم افغانستان را پاس نداشتند و همینکه مقدمات نقشه های استعماری شان فراهم گردید، از زمین و هوا برکشور ما حمله کردند و چون سگان دیوانه و گرسنه هر چه دیدند و با هر که رسیدند، گزیدند و آسیب رسانیدند. نه برزنان و کودکان ترحم کردند و نه از سالخوردگان وضعیفان شرم داشتند ونه آنهمه بزرگواری ها و پیش آمد مردم را بیاد آوردند.

چنانچه صفحات این کتاب گواهی میدهد و جریانات عملی نیم قرن اخیر مویّد آنست، هیچگونه انگیزهٔ انسانی و حقوقی که بتواند منطق استعماری روس را، درجنون و لشکر کشی اش به افغانستان توجیه کند، وجودندارد. این حقیقت روشنتر از خورشید می باشد که ادعای دوستی و همکاری روس ها باافغانستان، جز اغفال و بدام افگندن حکام و مردم ما، مفهومی نداشته است. گرچه بارها در تاریخ تجربه شده بود و اینک بار دیگر حمله و هجوم و حشیانهٔ روس بر افغانستان، ثابت ساخت که روس ها جز به خود و منافع خود نمی اندیشند و هیچگاه و به هیچ ملتی و فانکرده اند . پنداری که فطرت «استر» دارند و همینکه دستی از مهر بدوش شان کشیده آید، به لگدمی زنند.

آری! جنایات و کشتار وحشیانهٔ روس در افغانستان و تلاش های دیوانه وار آن برای نابودی و اسارت ملت آزادهٔ افغانستان و استقرار یک رژیم الحادی و مزدور در کشور ما، همه گویای آنست که روس ها میخواهند رویا های «پطر» را جنبهٔ عملی بخشند و بساط سلطه جوئی خودرا تا کنارهٔ بحر هند و آبهای گرم جنوب گسترش دهند و برگنج ها و گنجینه های

منطقه چون اژدهای هفت سر پهلو زنند٠

در مدتی که بیش از نیم قرن ادامـه یافت، روس ها بنـام تجارت و تفحصات نفت و همکاری های تخنیکی و اقتصادی، عملاً اقتصاد و تجارت افغانستان را در دست داشتند و در این مدت صدها چاه حفر کردند تا مردم افغانستان را در آنها دفن نمایند، ولی مجال آنرا ندادند و این مهارت را برمردم مانیاموختند تا حداقل یک لیتر آب آشامیدنی از آنها بدست آرند و یابتوانند سنجاق و سوزنی درست کنند واز نیاز به روس ها بی نیاز شوند٠ در این مدت زمان کشور های دیگری که نسبت به افغانستان در وضع بدی قرار داشتند، و اما از سلطهٔ روس و دخالت آن درامان بودند، موفق شدند تا درجهات مختلف زندگی خویش، پیروزی هائی کسب کننـد و برای رشـد اقتصادی و سیاسی کشور و مردم خود کارهای چشمگیری انجام دهند٠

در عصـری که جهش های علمی و فکـری انسان، برنسا از دشواری ها غلبه یافت و هریک از ملت ها توانستنـد از پیشرفت ساینس و تکنالوجی در حد خود بهره ای برند، متاءسفانه دست و پای مردم افغانستان بصورت مرموزی در زنجیر استعمار و استثمار روس بسته ماند و یک گام هم نتوانست از آنچه بود، فراتر رود٠

آنچه روس ها در بیش از نیم قرن در کشور ما انجام دادند، این بود که خون ملت افغانستان را مکیدند و بجای آن بعضی سر کهارا که جهت عبور و مرور تانک های خود، پیش بینی کرده بودنـد، بمصـرف خود افغـانستـان قیرانـدود نمـودند وآنراهم پس ازلشکر کشی بار دیگر توسط زره دارهای فولا دین خویش به خاک توده ها مبدل ساختند و میلیاردها دولار خسارت برجای گذاشتند٠

مطالعهٔ روابط روس و افغانستان در یک قرن اخیر، بهترین و بارزترین گواهی است که روس ها، کشور هارا نخست از طریق تجارت و همکاری های تخنیکی واقتصادی بخود جلب می کننـد و همینکه پای شان وارد خاک دیگری شد، فوراً مزدورانی از قماش های مختلف، برای خود استخدام مینمایند، و سپس توسط سازمان های جاسوسی و اغلب از طریق همین مزدروان شان سعی در بدام کشیدن افسران پائین رتبهٔ ارتش بعمل می آرند و همینکه مقدمات کار خودرا فراهم کردند همه پیمان ها و تعهدات وروابط و دوستی را از یاد می برند و فوراً دست به کودتامیزنند و چند نفر از گماشتگان خودرا عامل کودتا معرفی مینمایند و خود از درون تانک ها بر مردم نظارت می کنند تا به عمال شان آسیبی نرسد ٠ و بدین ترتیب می کُشند و می سوزانند و می بندند تا همه ارزش ها و سنت های دینی و ملی مردم را از بین ببرند ورژیم الحـادی و مزدور خودرا درانجـا مستقـر سازند٠ سپس آنرا قیام توده ئی میخوانند و جمهوریت «دیموکراتیکش» مینهاند و جهانیان هم باور می کنند و بلند گوهای صیهونستی و کمونستی در تائید آن غوغا براه می اندازند، و ملل متحد نیز نماینده اش را در صدر محفل

می نشاند و ملت هارا فراموش می کند٠ و بدین گونه هر سالی که می گذرد، پای ملتی در زنجیر استعمار روس دربند می افتد و میلیون ها انسان بسمل واردر خون می تپند و فریاد می کشند، اما انسان های روی زمین از خواب غفلت و بی خودی بیدار نمیشوند و بر این تراژیدی ننگین که روزی جامعهٔ انسانی راحتماً به پرتگاه نابودی خواهد کشانید، خاتمه نمیدهند٠

تجارب افغانستان در رابطه باروس، آموزنده ترین درسی است که باید جهانیان، بخصوص کشور های کوچک از آن انتباه گیرند و از نزدیکی با این افسونگر عصر که جز معصیت و ندامت فرجامی ندارد، دوری جویند٠ ورنه همان آتش بیدادی که خانه و کاشانهٔ مارا سوخت، از روزنه های کوی و ایوان ایشان نیز زبانه خواهد کشید، و آنگاه جز سوختن و خود کشی، چاره ای نخواهند داشت٠

اما متاءسفانه هستند کسانی که هنوزهم به آن همه خون و آتشی که افغانستان را فراگرفته است، بدیدهٔ بی اعتنائی می نگرند و می کوشند تا بزعم خود شان روی سیاست های دفع الوقت اتکاء کنند و همان زنجیر هائی را که روس ها برپای فکر و عقل فرمانروایان افغانستان بسته بودند، زیب پای خود نمایند٠

اوضاع افغانستان مدهش ترین زنگ خطری است که هستی و آزادی جهان و جهانیان را تهدید می کند و عملاً می آموزاند که هر زعیم و مسوولی مخصوصاً در کشور های کوچک باید از جزئی ترین تشبث روس در کشورش برحذر باشد و آنرا چون جرقه ئی پندارد که آهسته آهسته خرمن سوز می شود و تباهی ببارمی آورد٠ بازی با بازیچه های روسی آتش ردامن انباشتن است و تار و پود خودرا سوختن٠ راز سلامت ماندن و سالم زیستن هر جامعه ای درآن است تا جرثومه های روسی در نطفه خنثی گردد واز نشو و نمای آنان جلوگیری شود٠ ورنه حدیث سعدی دربارهٔ شان صدق خواهد کرد و ندامت سودی نخواهد داشت٠

سرچشمه باید گرفتن به بیل
چو پرگشت نتوان گرفتن به پیل

چنانکه در افغانستان به این نکته اهتمامی نشد و دیدیم که مشتی اوباش و بی خدا وبازاری، فقط باحربهٔ شعار برهمه چیز دست یافتند و یک ملت را باتاریخ و فرهنگ پنجهزار رساله اش زیرورکردند٠

جریان افغانستان نشان داد که لیاقت وکاردانی لازمهٔ زمام داری است و مادامی که سرنوشت ملت ها بدست افراد لجوج، خیره سر و خودرای افتد، از زوال و نابودی گزیری نیست٠ چنانچه ناآگاهی و یا بی اعتنائی زعمای افغانستان در امور کشور داری و عدم

درک و تشخیص منافع و مصالح ملی، باعث شد تاباگزینش سیاست های یک جانبه واتکاء و اعتماد بیک قدرت استعماری وسیه کار، ملت سرافراز و آزاده ای را به بدبختی وسیه روزی وبردگی و آوارگی کشند و برهستی اش خاتمه بخشند. مخصوصاً محمد داود و برادرش که سرنوشت مردم را بازیچه وبی ارزش می پنداشتند و پیوسته درجهت مخالف آرای مردم و خواسته های آنان عمل می نمودند، سرانجام افغانستان را قربانی خود خواهی ها و غرور بیجای خود کردند و در آتشی که افروختند خود نیز در گرفتند.

جنایات روس ها در ترکستان و خیانت ها ودسایس آنان علیه مردم و سرزمین پاک بخارا، آموزنده ترین درسی بود که باید زعمای افغانستان از آن انتباه می گرفتند و در روابط خود با روس باحزم و احتیاط گام برمی داشتند. ولی اوراق این کتاب مبیّن آنست که مسوولین امور، همه چیز وحتی سرگذشت دردناک برادران عزیز مسلمان مارا در آنسوی آمودر مرزهای شمالی کشور، ازیاد برده بودند و دست اهریمنی روس هارا باچنان گرمی و حرارت می فشردند که پنداشتی فرشته ای از آنسوی کیهان آمده است و یاحوری از رضوان.

واقعیت این است که آنچه در چهل سال اخیر انجام یافت و نتایجش مصیبت جبران ناپذیر امروزی را ببارآورد، یک اشتباه سیاسی نبود، بلکه انگیزه اش لجاجت و عقده هائی بود که در نتیجهٔ آن، همه اقدامات شعوری و عمدی صورت می گرفت و آینده نگری و مصلحتی وجود نداشت. حتیٰ در دورهٔ اخیر زمام داری محمد داود بارها از زبان او و برادرش محمد نعیم خان شنیده شده بود که افغانستان را تخم میسازیم وبدیوارش می زنیم. اما غافل ازان بودند که ضربت آن خود ایشان را نیز ضربه میزند.

تراژیدی خونین افغانستان بار دیگر ثابت ساخت که در جوامع انسانی هنوزهم قانون جنگل حکمفرمااست وهرکه را سرپنجه قوی ترباشد، باید دیگران را براند و بکشد تا آشیانهٔ آنان را تصاحب کند. آنانکه دم از صلح میزنند، خودشر می انگیزند و نظام هائی که خودرا حامی حقوق توده ها قلمداد می کنند، خود برتوده ها می تازند و هستی وآزادی آنان را به یغمامی برند. بویژه روس! این فتنه ایجاد برده ساز که یک لحظه هم از ستمگری واذیت انسان ها و برپائی آشوب وناآرامی در اینجا و آنجای جهان، اهمال نمی کند، برهیچ نوع موازین انسانی و معیار های حقوقی و اخلاقی که جوامع بشری آنرا پذیرفته وبه آن ارج می نهند، پابندی و احترام نداشته و هروقت و هرجا که امکانات و فرصتش دست دهد، درنده خوئی و ددمنشی را برهمه ارزش های عصر ترجیح میدهد و برملت ها وسرزمین ها میتازد. واین شیوه ای است که بحیث اصول و پرنسیپ درقاموس سیاسی روس باخون نقش یافته است و مدنیت و گذشت زمان هرگز و هرگز تغییری برآن وارد نخواهد کرد.

لذا بشریت باید در برابر این سرطان خبیث و کشنده رهٔ مبارزه در پیش گیرد و تمام امکانات مادی و فکری خودرا درخنثی کردن واز بین بردن ریشه های آن از جوامع انسانی بسیج نماید، تا درد و داغی که قلب میلیون ها مرد و زن را در افغانستان از تپش بازمانده است، دیگران را نصیب نگردد٠

توضیح مختصر بعضی نام ها و اعلام

آقابکوف

ژرژیویچ آقابکوف در سال ۱۸۹٦م در یک خانوادۀ ارمنی ترکستان پا بعرصۀ هستی نهاد و پس از تحصیلات متداول ، در سال ۱۹۲۰ م به سازمان جاسوسی «چکا» استخدام شد که بعداً سازمان مذکور به «گ ، پ ، ئو» موسوم گردید ۰ وی در سال ۱۹۲۲م به ادارۀ «چکا» در تاشکند موظف می گردد و رئیس سازمان «چکا» در منطقه ، او را به بخارا می فرستد ۰

موصوف در سال ۱۹۲٤م بحیث معاون ادارۀ اطلاعات و مطبوعات سفارت روسیه در افغانستان ، مقرر می شود و با «ستارک» سفیر آن کشور یکجا بکابل می آید و تا آخر نوامبر ۱۹۲۵م درآنجا میماند ۰ در دسمبر ۱۹۲۵م برای چند روزی مسکومی رود و باردیگر به افغانستان برمی گردد و تامارچ ۱۹۲٦م در کشور ما فعالیت می کند ۰

آقابکوف بعد از ختم ماموریتش در افغانستان ، به ادارۀ اطلاعاتی مسکو در ایران مقرر می شود و از آنجا به ترکیه میرود ۰ درهمین دوره ها است که جنایت روس ها کم کم وجدانش را تازیانه می زند و در جنوری ۱۹۳۵م ماموریتش را ترک می گوید و بفرانسه فرار می کند ۰

او ابتدا گوشه ای از خاطراتش را در اخبار فرانسوی «لوماتن» بچاپ رسانید و سپس مجموعۀ یادداشت هایش را بشکل کتابی در آورد و دران کشور طبع نمود ۰ این کتاب درکوتاه مدتی بزبان انگلیسی ترجمه شد و در امریکا بچاپ رسید ۰ چاپ کتاب مذکور گوشه ای از اسرار و جنایات روس هارا افشاء نمود و جهان مخصوصاً اروپای غربی را به شدت تکان داد ۰ بهمین علت بود که روس ها اورا بسن ٤۱ سالگی در پاریس ترور کردند ولکۀ دیگری برداماں سیاه و ننگین خود افزودند ۰

متن انگلیسی کتاب مذکور که اصلاً بنام «وحشت اسرار آمیز روسیه» بود ، در ایران بفارسی ترجمه شد ۰ ولی عنوانش تغییریافت و به اسم: «خاطرات آقابکوف» منتشر گردید ۰

نشر کتاب مذکور از فعالیت های مخفی و جاسوسی روس در ایران پرده برداشت و تقریباً ٤۳۰ نفر بشمول «۵۰ نفر کمونست» گرفتار و تحت بازپرس قانونی قرار داده شدند ۰ از جملۀ افرادی که دراین رابطه زندانی و محاکمه شدند ، چهار نفر اعدام و بقیه تا ۵ سال زندان محکوم گردیدند و رضا شاه پهلوی از آن تاریخ به بعد در روابط ایران باروس ها محتاط بود و همکاری این کشور را در برنامه های عمرانی و اقتصادی کشورش کاهش داد ۰

ابراهیم بیگ

ابراهیم بیگ یکی از مقربان سید عالم شاه خان پادشاه بخارا بود که پس از حملهٔ روس بربخارا رهبری مجاهدین بخارا را بدوش گرفت و علیه تجاوز گران بمبارزه پرداخت ٠ او پس از آنکه پادشاه بخارا عازم افغانستان گردید ، در شرق بخارا باقی ماند و دوشادوش انور پاشا با روس ها جنگید ٠

بعد از شهادت انور پاشا ، ابراهیم بیگ بازهم سلاح برزمین نگذاشت و سالیان دیگر نیز بمبارزات ضد روسی و آزادی خواهی ادامه داد ٠ بالاخره بعلت کمبود سلاح و مهمات در سال ۱۹۲۶م = ۱۳۰۵ ش وارد افغانستان شد و در کابل بماند تاآنکه عساکر روس همراه باغلام نبی خان چرخی بمزار شریف حمله کردند و ابراهیم بیگ نیز در معیّت عساکر امیر حبیب الله کلکانی به شمال افغانستان رفت و باردیگر جنگ های چریکی را علیه روس ها براه انداخت ٠

در ماه جون ۱۹۳۰م = سرطان ۱۳۰۹ ش محمد نادر شاه بنابر تهدید نظامی روس و جلب خشنودی ایشان ، برادرش شاه محمودخان وزیر حرب را به شمال کشور فرستاد تا ابراهیم بیگ و یارانش را سرکوب نماید ٠

این مرد مجاهد و همسنگرانش در اثرفشار عسکری خاک افغانستان را ترک گفت و به آنسوی آمو رفت و سرانجام بدست روس ها افتاد و به شهادت رسید ٠

الکساندربرنس

برنس بتاریخ ۱۶ می ۱۸۰۵م بدنیا آمد و پس از تحصیل در اکادمی مانتروس بسن ۱۶ سالگی در سلک خدمات نظامی کمپنی هند شرقی داخل گشت ٠ در سال ۱۸۲۳م به «سورت» هند موظف گردید و در ۱۸۲۵ م به «کهچه» تبدیل شد ٠ در سنهٔ ۱۸۳۰م به لاهور فرستاده شد و دو سال بعد برای انجام تحقیقات و مطالعات اراضی سند ماموریت یافت ، و از آنجا بدستور حکومت هند برتانوی به سفر افغانستان و ایران و بخارا اقدام نمود و تقریباً یکسال را به سیاحت گذرانید ٠ از سال ۱۸۳۳ تا ۱۸۳۵ م در انگلستان بسربرد و درسال ۱۸۳۶م ظاهراً بنام رئیس هیئت تجاری ولی در واقع جهت کشف دسایس روس ها ، بدربار امیر دوست محمد خان اعزام گردید ٠ او بعد از مطالعه و مشاهدهٔ اوضاع بحکومت خود پیشنهاد کرد تا امیر دوست محمد خان را یاری و کمک کنند ، اما حرفهایش در انگلستان ناشنیده ماند و سعی کردند تا شاه شجاع را جانشین امیر دوست محمد خان سازند ٠ درجریان این ماجرا برنس را به سند و بلوچستان فرستادند تا راه رابرای هجوم عساکر انگلیس هموار سازد و پس از آن بحیث نمایندهٔ سیاسی انگلیس در کابل مقرر گردید تا بامکناتن همکاری کند ٠

برنس مدت دو سال در کابل ماند تا آنکه در دوم نومبر ۱۸۴۱م مردم بروی شوریدند واو را بقتل رسانیدند • موصوف آثار زیادی نوشته است که «سفرنامهٔ بخارا» و «یادداشت های کابل» ازان جمله اند •

منشی و رفیق راه او در سفر بکابل و بخارا «موهن لال» بود • او تحصیلاتش را در کالج انگلیسی دهلی بپایان رسانید و برای انگلیسان خدمات زیادی انجام داد • موهن لال اصلاً هندو بود که بعداً مسلمان شد و به «میرزا قلی کشمیری» موسوم گردید ، لیکن او بهمان نام هندوئی شهرت داشت و تا اخر بابرنس و در خدمت انگلیسان قرار داشت •

می گویند شخص مذکور در رشوه دادن به «اکبر خان» و نجات اسیران انگلیس از بامیان نیز نقش عمده ای ایفا کرد و عنایت انگلیسان را بیشتر بخود جلب نمود •

انور پاشا

انور پاشا در جریان جنگ اول جهانی وزیر جنگ و فرمانده کل قوای عثمانی و عضو کمیتهٔ اتحاد و ترقی ترکیه بود • پس از انکه ترکیه در جنگ شکست خورد و تسلیم قوای متفقین گردید ، انور پاشا به برلین رفت واز آنجا عازم مسکو شد تا از این کشور کمک دریافت نماید •

لینن قبلاً باوی توافق کرده بود که بعد از ختم کنگرهٔ باکو به ترکستان رود و پس از خاموش ساختن قیام مسلمانان علیه انقلاب کمونستی روسیه ، آنان را بدور خود جمع کرده و باشعار «آزادی ملل شرق» از راه افغانستان به هند حمله برد • اما او در همان کنگره که حدود ۱۸۹۰ نفر عضو داشت ، از طرح وبرنامه های شیطانی لینن نسبت به ملل شرق و مسلمانان آگاه گردید و تصمیم گرفت تاچه کاری انجام دهد • بنابراین پس از پایان کنگره عازم بخارا شد و به تشکیل و تقویت گروههای ضد بلشویک پرداخت •

مسلمانان و مبارزان بخارا مقدم او را گرامی داشتند و دیری نگذشت که ۲۰ هزار نفر به او پیوست و عرصه را براشغالگران روسی تنگ کردند • مردم علاوه برامداد مواد خوراکی ، حرکات و مواضع ارتش سرخ را نیز به او گزارش میدادند ، حتی وزیر جنگ بخارا «عارف اوف» باآنکه عضویت حزب کمونست را پذیرفته بود ، در خفا با انور پاشا رابطه داشت و مرتباً با او مکاتبه می کرد •

انور پاشا بعد از مقابلهٔ زیاد با اردوی سرخ در حومهٔ بخارا ، بطرف شرق آن کشور سنگر گرفت و کار روس هارا زار ساخت • روس ها باوجود تراکم عساکر شان به قسمت شرقی بخارا هرگز جرأت نداشتند تا یک گام به پیش روند و باانور پاشا بجنگند • روحیهٔ آنان فوق العاده ضعیف و تدارکات شان غیر کافی بود • (ص ۴۲-۴۵ آقابکوف) •

چون روس ها از رویا روئی و مقابله باانور پاشا عاجز گردیدند ، در صدد شدند تاحیله و تلبیس بکار برند و او را غافلگیر سازند • روی این قصد و نیت آقابکوف مامور سازمان

جاسوسی «چکا» یا «گ ، پ ، ئو» ماموریت می یابد تا بصورت دست فروش دوره گرد همراه بایک نفر دیگر از سمت شرقی بخارا بطرف جبهۀ انور پاشا حرکت کند و مخفی گاه او را کشف نماید ۰ او باز رنگی و مهارتی که در ادارۀ جاسوسی کسب کرده بود ، بعد از طی منازل و مراحل ، دوره گردی را از مردم محل پیدا می کند و با او طرح دوستی می افگند ۰ این مرد ساده لوح دهاتی او را به دامنۀ کوهی رهنمون می شود که مسافر خانه ای درآنجا وجود داشت و مجاهدین انور پاشا معمولاً درآنجا آمد و شد میکردند ۰

آقابکوف ۳ روز دراین مسافر خانه توقف می کند وبا اغلب مجاهدین (بقول روس ها بسمه چی ها) هم صحبت و دوست میشود ، بحدی که دیگر رازی پوشیده نمی ماند و به آنچه آرزو داشت دست می یابد ۰ بعد از جمع آوری معلومات خودرا به لشکر سواره نظام روسی میرساند و ایشان را از آنچه دیده و شنیده بود ، در جریان میگذارد ۰

عساکر روسی بانشانه هائی که از آقابکوف دریافت می کنند ، شبانگاه بسوی اقامتگاه انور پاشا حرکت می نمایند و صبح وقت خود را بدان محل میرسانند و تمام اطراف آنرا محاصره می کنند ۰ انور پاشا هنگام نماز بامداد متوجه می شود که محاصره شده است ، لذا باهمسنگران خویش آمادۀ پیکار میشوند و جنگ خونینی بین دوطرف آغاز میگردد ۰ انور پاشا تلاش می کند که با ۳۰ نفر همراهان خود به سمت عقب جبهۀ هجوم برند تا راه رابرای یاران خود بگشایند ۰ اما درآنجا باسربازانی که جهت جلوگیری از فرار ایشان قبلاً جابجا شده بودند برخورد می کنند ۰ انور پاشا برقلب سربازان سواره نظام روس حمله می برد و در جنگ خونین و کوتاهی که بین آنان در میگیرد ، بجز دو نفر از افسران او که موفق به فرار میشوند ، دیگران بشمول خود وی جام شهادت می نوشند ۰ جسد انور پاشا را درمیان کشته شدگان پیدا می کنند و بلافاصله یکی از افسران سوار شمشیر می کشد و سراو را از تن جدا میکند ۰ (ص ٤٥ـ٤٩ ، خاطرات آقابکوف)

اما شاه بخارا در یادداشت های خود به سربریدن انور پاشا دراین نبرد ، اشاره ای نمی کند و می گوید که وی شهید شد و درروز عید قربان در موضع «چکن» بزیارت حضرت سلطان دفن نموده شد ۰ دهم ذی الحجه ١٣٤٥ ﻫ ق ۰ (خاطرات شاه بخارا صفحۀ ٦٥ نسخۀ خطی) ۰

جنرال سیل

سررابرت هنری سیل در ۱۹ سپتامبر ۱۷۸۲م متولد گردید و پس از پایان تحصیل به سلک عسکری درامد ۰ بین سالهای ۱۷۹۸ـ۱۷۹۹م در جنگ «میسور» و سایر جنگهای هند شرکت داشت و مهارت هائی از خود نشان داد که به اثر آن در سنۀ ۱۸۱۳م برتبۀ «میجر» ترفیع کرد ۰ از ١٨٢٤ تا ١٨٢٦ میلادی باتعدادی از عساکر و افسران انگلیس در محاذ «برما» بود و سپس به انگلستان برگشت ۰

جنرال سیل لشکرکشی انگلیس را در سال ۱۸۳۸م به افغانستان قیادت کرد و در ۱۸۳۹م بر قندهار و گرشک و غزنه و کابل حمله نمود و بپاس این خدمات برتبهٔ «میجر جنرال» ارتقایافت ۰

بتاریخ ۲ نوامبر ۱۸۴۰م ، امیر دوست محمد خان را در پروان به شکست مواجه ساخت ، اما به اثر قیام ها و مقاومت سرسختانهٔ مردم آن ولایت ، مجبور بفرار گردید واز راه خورد کابل به جلال آباد رفت ۰ در جلال آباد قوای تازه دم انگلیس به کمک او رسید و در نتیجهٔ آن جنرال مذکور قوای افغانی را بتاریخ ۷ ، اپریل ۱۸۴۲م پراگنده ساخت و برتبهٔ (G.C.B) ترفیع نمود ، واز آنجا همراه باجنرال پالک بار دیگر بکابل آمد و اسیران انگلیس را نجات داد و بعد از ۱۸ سپتامبر ۱۸۴۲م به هند عزیمت فرمود و در دسمبر ۱۸۴۵ م در گذشت ۰

خانم وی «فلورینتا» نیز در جنگ اول افغان انگلیس ، همراه با شوهرش بود که در جملهٔ اسیران جنگی بدست افغان ها افتاد و بتاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۸۴۲م نجات یافت ۰ این خانم مشاهدات روزانه اش را بنام «تذکرهٔ مصایب در افغانستان» در سال ۱۸۴۳م نشر کرده که ترجمهٔ فارسی آن در سنهٔ ۱۳۲۹ هـ ش = ۱۹۵۰ م بنام «شبخون افغان» در کابل طبع گردیده است ۰

چکا

اندکی بعد از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷م ، بلشویک ها در نخستین اقدام شان بفکر تاسیس سازمانی شدند تا از طریق او بتوانند ناراضیان و حریفان خود را سرکوب کنند و حکومت نوپای خود را بازور سرنیزه مستحکم نمایند ۰ روی این هدف بتاریخ ۲۵ دسمبر ۱۹۱۷م شورای وزیران روسیه ، سازمانی را بنام «چکا» طرح و منظور نمود و بااعطای صلاحیت فوق العاده به کارکنان آن تعدادی از بلشویک هارا به گوشه و کنار کشور اعزام داشت تا دست به تصفیه زنند و عناصر مخالف را نابود سازند ۰

کلمهٔ «چکا» از دو حرف روسی «چ» و «کا» ترکیب شده که حروف اول دو کلمهٔ «چرز ویچانیا» و «کومیسیا» می باشد و معنی آن «کمیسیون فوق العاده» است ۰

این کمیسیون فوق العاده یا سازمان جاسوسی بحدی در کشتار و غارتگری افراط نمود که بحیث یک دستگاه مخوف و ضد مردمی معرفی گردید و لینن مجبور شد در نام و تشکیلات آن تجدید نظر کند ۰ بنابر این در ۶ فبروری ۱۹۲۲ م نام «چکا» را به «گ ۰پ ۰ ئوG.P.O » یعنی ادارهٔ سیاسی کل کشور ، تبدیل کردند و آنرا تحت اثر وزارت داخله در آوردند ۰ اما از لحاظ ماهیت و طرز کار فرقی دران وارد نشد ، بلکه رئیس و اغلب کارمندان «چکا» در «گ ۰ پ ۰ ئو» ابقا گردید و بربریت و وحشت قبلی ادامه یافت ۰

در سال ۱۹۲۶م بار دیگر بشکل ادارهٔ مستقلی درامد و به «اگپو» یا «او ۰ گ پ ۰ ئو

O.G.P.U » تغییر نام یافت ۰

در سال ۱۹۳٤م = ۱۳۱۳ هـ ش ، ستالین اکثر روبسا و کارمندان آنرا کشت و سازمان مذکور را بنام «گ ۰ ئو ۰ گ ۰ ب » بمسمانمود و مجدداً زیر ادارهٔ وزارت داخله قرار گرفت ۰

پس از مرگ ستالین بتاریخ ۱۳ مارچ ۱۹۵٤م = ۱۳۳۳ هـ ش ، نام این سازمان جاسوسی و ترور به «کا ۰ جی ۰ بی K.G.B » یا کمیتهٔ امنیت کشوری تبدیل شد و تا امروز تحت همین نام به جنایات خود ادامه میدهد و یکی از دوسازمان بزرگ جاسوسی درجهان بشمار می رود ۰

کمیسر (=کمیسار)

کمیسر در تشکیلات شوروی بعد از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷م مفهوم وزیر را داشت ۰ کمیساریا بمعنی وزارت خانه ها بود ، وشورای کمیساریا ، به هیئت دولت یا کابینه اطلاق می شد که ادارات دولتی را ، سرپرستی واداره می کردند ۰

کنگرهٔ هند

چون نارضائی و نفرت در هند علیه سلطهٔ بریتانیا شدت یافت ، «لارددوفرین» نایب السلطنهٔ هند دستور داد تاجمعیتی از مردم هند تشکیل شود و اعضای آن شکایات مردم راجمع آوری و تنظیم کرده به نظر حکمروایان انگلیسی برسانند تا در اطراف آنها بحث و مذاکره صورت گیرد و شکایات مرفوع گردد ۰ این جمعیت که در واقع نخستین بنای «کنگرهٔ ملی» هند بود ، حیثیت بازیچه ای را داشت که انگلیسان میخواستند مردم را بوسیلهٔ آن سرگرم سازند و توجهٔ ایشان را به امور جزئی و مسایل پیش پاافتاده معطوف دارند و از اینطریق انگیزه های دوئی و اختلافات را در جامعهٔ هند دامن زنند و مخالفان خود را شناسایی نمایند ۰

مجمع مذکور که اولین جلسه اش بسال ۱۸۸۵م در بمبئی برگزار گردید از کارنامه های بریتانیا در هند ستایش کرد و ادامهٔ حفظ روابط با انگلیس را به سود هند خواند واز همین جاپیدا بود که عنصر انگلیس وایدهٔ آن در کنگره دخیل است و از منافع برتانیا حمایت می کند ۰

نمایندگان کنگره سرسختانه می کوشیدند تاپای مسلمانان را هم درآن بکشانند و رنگ ملی و عمومی اش بخشند ۰ اما بین مسلمانان برسر اشتراک در کنگره اختلاف وجود داشت ، بعضاً طرفدار عضویت درآن بودند وعده ای مخالفت میکردند ۰

بهرحال در جلسهٔ اول کنگره جز ۷۸ نفر کسی اشتراک نکرد ولی پس از آنکه دیدند دولت نسبت به آن عکس العمل نشان نداد و بعضی اقدامات عام المنفعه نیز صورت گرفت

برتعداد مراجعینش افزود و در دومین جلسهٔ آن که بسال ۱۸۸٦م تشکیل یافت ، عدد اعضاء به ٤۳٦ نفر رسید که از جمله ۸۳ نفر آن مسلمان بودند ۰ در سومین جلسه تعداد اعضاء به ٦۰٤ نفر بالغ گردید ولی عدد مسلمانان از میزان قبلی بالانرفت ۰

در ۳۰ دسمبر سال ۱۹۰٦م اکثریت مسلمانان از حزب کنگره دوری جستند و برای دفاع از حقوق و احیاء شخصیت حکمی و قانونی خویش ، «مسلم لیگ» را بوجود آوردند ، وازان تاریخ ، به بعد اختلافات بین دو گروه بیشتر شد و به آزادی پاکستان منتهی گردید ۰

در سال ۱۹۰۷م کنگره در درون خودش به دو جناح تقسیم شد ۰ عده ای خواهان اصلاحات تدریجی و اعتدالی بودند و به تحت الحمایه بودن هند موافقت داشتندو گروهی استقلال و آزادی کامل هند را تقاضا میکردند و بنام تند رو هایاد می شدند ۰

در سال ۱۹۱۷م گروه استقلال طلب ، قدرت را از گروه معتدل گرفت و نخستین اقدام شان علیه رفتار انگلیس و قوانین آن ، اعلام مقاومت منفی بود که گاندی آنرا عنوان کرد و در نتیجه رهبران کنگره چند بار زندانی شدند ۰ همچنان جناح راست محافظه کار در کنگره خواستار اصلاحات تدریجی بود ، اما جناح چپ برهبری نهرو از سوسیالیزم دفاع میکرد ۰ در سال ۱۹٤۲م حکومت برتانیه کنگره را غیرقانونی اعلام کرد و رهبرانش را زندانی ساخت ۰ در ۱۹٤۵م تجدید سازمان یافت و دستهٔ کمونست را که خواهان اشتراک در جنگ دوم بود ، از کنگره خارج ساخت ۰

در انتخابات سال ۱۹٤٦م هندو هابه کنگره و مسلمانان به مسلم لیگ رای دادند ۰ پس از این جریان و مبارزات قاطع و پیگر مسلمانان ، کنگره بااکراه به تقسیم شبه قاره رضائیت داد و در ۱٤ اگست ۱۹٤۷م = ۱۳۲٦ ه ۰ ش پاکستان عملاً بحیث یک کشور مستقل مسلمان عرض وجود نمود ۰ ازان تاریخ به بعد به استثناء یکی دو سال که حزب «جنتا» در این کشور قدرت رابدست گرفت ، بقیهٔ سالها نهرو و خانواده اش بر کنگره و سرنوشت هند حاکم بوده است ۰

کنگرهٔ هند و خانوادهٔ نهرو چنانچه از آغاز علیه مسلمانان جبهه گیری و توطهٔ کرد ، در طول هستی خود نیز پیوسته بااسلام و مسلمین در تضاد بود و تقریباً ۳۰ سال به کمک و یاری روس ها ، در پاکستان و افغانستان دسیسه آفرید و دو کشور را در برابرهم قرارداد ۰ حتی همین اکنون هم آرام نه نشسته است و راجیو نواسهٔ نهرو میخواهد نقش هند را در منطقه ابقا کند و از اوضاع بهره برداری نماید ۰

لارد آکلند (۱۷۸٤ـ۱۸٤۹م)

وی در ۲۵ اگست ۱۷۸٤م متولد گردید و تحصیلاتش را در کرائست چرچ آکسفورد بپایان رسانید ۰ در ۱۸۰۹م شامل جمعیت وکلای عدلیه شد و سپس بحیث رئیس هیئت مدیرهٔ معادن مشغول بکار گشت ۰ در ۱۸۳٤م به صفت لارد بحریهٔ انگلیس و بتاریخ

چهارم اپریل ۱۸۳٦م گورنر جنرال هندوستان شد ٠

او بود که «برنس» را در ۱۸۳٦ـ1937م در راس هیئتی بکابل فرستاد تا از چگونگی سفر ویتکوویچ نماینده روسیه بدربار امیر دوست محمد خان ، تحقیق نماید و گورنر جنرال را در جریان گذارد ٠ سپس به اثر فشار حکومت انگلیس در اول اکتوبر ۱۸۳۸م به افغانستان لشکرکشی کرد و شاه شجاع را جانشین امیر دوست محمد خان ساخت و بپاداش آن لقب «ارل Earl » را از حکومت انگلیس دریافت نمود ٠

اما مردم افغانستان در قیام تاریخی ۲ نوامبر ۱۸٤۱ م برنس نمایندهٔ سیاسی و بتاریخ ۲۳ دسمبر 1841 سرکردهٔ قوای انگلیس «مکناتن» را کشتند و عساکر انگلیسی تباه گردید و بسوی «خیبر» عقب نیشنی کرد ٠ اکثر عمر او در هند به جنگ افغان و انگلیس سپری شد ، ولی در ۱۲ مارچ ۱۸٤۲م از هند خارج گردید و در اول جنوری ۱۸٤۹م در انگلستان در گذشت ٠

مدرسه دیوبند

دیوبند اصلاً نام شهر کوچکی است از مربوطات ایالت «سهارانپور» در ۹۰ میلی شمال دهلی که جمعیت آن بین ۳۰ تا ٤۰ هزار نفر می باشد و مناصفه اش مسلمان است ٠

هنگامی که قیام مسلمانان علیه استعمار و سلطهٔ انگلیس در قارهٔ هند به اوجش رسید و مساجد و مدارس دینی بحیث کانون های فکری و ضد استعماری در صحنهٔ سیاسی تبارز کردند و شعار «جهاد» همه جا فراگیز شد ، خشونت حکمرانان انگلیس در برابر مسلمانان بیشتر گردید و طرح های انتقام جویانه اي را نسبت به اسلام و مسلمین رویدست گرفتند ٠

ایشـان علاوه برآنکه با استخدام و رویکار آوردن افراد و عناصری،، کوشش کردند روحیهٔ جهـاد و مبارزهٔ ضد انگلیسی را دربین مسلمانان خنثی سازند ، موقوفات مساجد و مدارس رانیز از بین بردند و سعی نمودند با وارد کردن فشار برمتصدیان آنها کانون های علمی و فرهنگی را به بندند و بساط فکر و اندیشهٔ اسلامی را برچینند ٠ اما مسلمانان دست از طلب برنداشتند و تصمیم گرفتند تابه همت و اعانهٔ مردم ، مساجد و مدارس دیگری بنا کنند ٠

یکی از علمای مسلمان بنام مولانا محمد قاسم نانوتوی (منسوب به قریهٔ نانوتا از توابع سهارنپور) بیاری و کمک بعضی از همفکرانش ، اولین مدرسه ئی را که خارج از موقوفات و سلطهٔ انگلیس بود ، در شهر دیوبند پایه گذاری کرد ، واز همین سبب مدرسهٔ مذکور به «دیوبند» شهرت یافت ٠

مولانا محمد قاسم در سال ۱۸۳۲م تولد یافته و تحصیلات علوم دینی را در مدارس هند فرا گرفته بود ٠ در انقلاب معروف هند که بسال ۱۸۵۷ م اتفاق افتاد ، او ۲۵ سال عمر داشت و در همین سن و سال بفرماندهی سپاهی منصوب گردید که توسط علما جمع آوری

شده بود ۰ هنگامی که عساکر تازه دم انگلیسی بر انقلابیون یورش بردند و دهلی را مجدداً بدست آوردند ، مولانا محمد قاسم بخانهٔ یکی از اقاربش در شهر «دیوبند» پنهان شد و تازمان اعلان عفو عمومی همدرانجا بسر برد ۰ پس از اعلان عفو عمومی ، مولانا دوباره در اجتماع ظاهر شد و شهر «دیوبند» را مرکز فعالیت های خویش قرارداد که آغاز آن بنای همین «مدرسه» بود ۰ موصوف در سال ۱۸۷۹م بعمر ۵۰ سالگی وفات کرد و در محوطهٔ مدرسهٔ مذکور دفن گردید ۰

او آئین نامه ئی تدوین کرد و دریکی از فقره های آن تذکر داد که: ((باید کوچکترین کمک و اعانه ای از دستگاه حکومت یا کسانی که به این دستگاه ارتباط دارند ، پذیرفته نشود و برای تامین هزینهٔ مدرسه فقط از کمک های مالی و انفاقات عامهٔ مردم مورد استفاده قرار گیرد)) ۰

کار تدریس مدرسهٔ دیوبند ابتدا در مسجد کوچکی بنام مسجد «تشتی» که هم اکنون نیز موجود است ، آغاز گردید و بتدریج انکشاف یافت و چنان مشهور شد که در شمار بزرگترین مدارس آسیائی قرار گرفت و بعضاً بخاطر شهرتش او را «ازهر آسیا» نامیدند ۰ (این روش تا هنوز هم در پاکستان زنده است و اکثر مساجد کوچک بوسیلهٔ کمک واعانهٔ مردم تدریجاً بزرگ می شوند ۰)

مدرسهٔ مذکور که بسال ۱۸۶۷م آغاز بکار کرد ، در نخستین روز هایش یک شاگرد داشت بنام «محمود حسن» ویک استاد بنام «مولوی قاری محمود» ۰ این استاد و شاگرد روزها در سایهٔ درخت اناری که در محوطهٔ مسجد بود ، می نشستند و علوم و اندیشهٔ اسلامی را ارزیابی و مطالعه میفرمودند و مولانا رشید احمد گنگوئی هم برامور مسجد نظارت میکرد ۰ بعد ها همین «محمود حسن» در شمار یکی از رهبران مبارزات آزادی خواهی و ضد انگلیس درآمد و بنام «شیخ الهند = پدرهند» لقب یافت ۰ او زندگی پر ماجرائی را در تاریخ مسلمانان و علمای هند بیادگار گذاشت که شرح و تفصیل آن از حوصلهٔ این گفتار خارج است ۰

بهرحال ، «مدرسهٔ دیوبند» و مدارس مشابه آن عمدتاً دو هدف را دنبال می کردند: یکی حفظ و نگاهداری فرهنگ و اخلاق اسلامی ، و دیگری مبارزه بافرهنگ انگلیسی و جلوگیری از نفوذ آن در افکار و اخلاقیات مردم مسلمان هند ۰

تلاش علما و مدرسین این مدارس مردم را بخود جلب کرد وباعث شد تا روحیهٔ ضد انگلیسی بین مسلمانان تقویت گردد و از رفتن بمدارس و آموزش فرهنگ انگلیسی خودداری شود ۰ بنابراین انگلیسان باتمام امکانات و شبکه های خود درپئ تخریب این مدرسه شدند و شعار «معکوسی» را در دنیای اسلام شایع کردند که «مدرسهٔ دیوبند» متعلق به انگلیس است و علما وفارغان آن حامی انگلیس اند ۰

این تبلیغات و شعار معکوس ، متاءسفانه در افغانستان هم راه یافت و امیرامان الله خان درتحت تاثیرآن فرمـان صادر کرد تا از موجودیت و تبلیغ فارغان مدرسهٔ دیوبند ، در محیط و مدارس جلوگیری شود ۰

فهرست اعلام

«آ»

«الف»

«ب»

((پ))

((ت))

«ث»

«ج»

«چ»

«ح»

«خ»

«حْ»

«د»

«ذ»

«ش»

«ص»

«ض»

«ط»

«ظ»

«ع»

«غ»

«ف»

«ق»

«ک»

«گ»

«ل»

«ن»

((و))

((ه))

«ی»

فهرست ماخذ

در تدوین کتاب حاضر علاوه بر چشمدیدها و یادداشت های روزانه و شخصی ، از کتب و منابع زیر نیز استفاده شده است:

۱ ـ آتش در افغانستان نوشتهٔ رئاتالی ستیوارت ، چاپ نیویارک ، ۱۹۷۳م ٠

۲ ـ آزادی هند اثر مهندس مهدی بازرگان ، چاپ ایران ٠

۳ ـ اسناد و سیاست خارجی اتحاد شوروی چاپ مسکو ٠

٤ ـ اصلاح (جریده) کلکسیون سال های ۱۳۱۰ ، ۱۳۱۱ هجری شمسی ٠

٥ ـ اصـلاح (روزنـامه) کلکسیون سال های ۱۳۱٦ ، ۱۳۱۷ ، ۱۳۲٥ ، ۱۳۲۸ ، ۱۳۲۹ ، ۱۳۳۰ تا سال ۱۳٥۲ هـ ،ش ٠

٦ ـ افغان (جریده) شماره های سال های ۱۳٥۰ ـ ۱۳٥۲ هـ ش ٠

۷ ـ افغانستان ، (۱۹۰۰ ـ ۱۹۲۳) تالیف ادمک ، متن انگلیسی چاپ کلیفورنیا ، ۱۹٦۷م ٠

۸ ـ افغانستان ، نوشتهٔ فریزر تتلر ، چاپ لندن ، ۱۹٥۰م ، متن انگلیسی ٠

۹ ـ افغانستان از داریوش تا امان الله ، تالیف جورج مکمن ، چاپ لندن ، ۱۹۲۹م ٠

۱۰ ـ افغانستان در دورهٔ حکومت انتقالی (حوت ۱۳٤۱ ـ میزان ۱۳٤٤) چاپ کابل ، ۱۳٤٤ش ٠

۱۱ ـ افغانستان در قرن ۱۹ نوشتهٔ سید قاسم رشتیا ، چاپ دوم ، کابل ۱۳۳٦ هـ ،ش ٠

۱۲ ـ افغانستان در مسیر تاریخ اثر میر غلام محمد غبار ، چاپ دوم ایران ۱۳٥۹ ش ٠

۱۳ ـ افغانستان ، نوشتهٔ سته ساروف ، چاپ مسکو ، ۱۹۲۱م ٠

۱٤ ـ افغانستان معاصر ، نوشتهٔ اقبال علی شاه ، طبع لندن ، ۱۹۳۸م (متن انگلیسی) ٠

۱٥ ـ افغانستان و روسیه ، متن فارسی ، چاپ کابل ، دلو ۱۳٤۹ ٠

۱٦ ـ افکارنو (جریده) شماره های مختلف سالهای ۱۳٥۰ ـ ۱۳٥۲ هـ ،ش ٠

۱۷ ـ افغان ملت (جریده) شماره های سال ۱۳٤٥ ـ ۱۳٤٦ هـ ،ش ٠

۱۸ ـ الجهاد (مجلهٔ عربی) چاپ پاکستان ، شمارهٔ (٤۸) ، اکتوبر ۱۹۸۸ مطابق میزان ۱۳٦۷ش ٠

۱۹ ـ المجاهدون شمارهٔ (٤،۳) جنوری ، فبروی ۱۹۸۷م =۱۳٦٦ ش ، نشریه عربی ، چاپ پاکستان ٠

۲۰ ـ المجاهدون (مجلهٔ عربی) ، شمارهٔ ششم ، شوال ۱٤۰۷ق مطابق جوزای ۱۳٦٦ش ، چاپ پاکستان ٠

۲۱ ـ امان افغان (جریده) مجموعه سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹م مطابق ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۸ کابل

۲۲ ـ امیر حبیب الله خادم دین رسول الله ، نوشتهٔ شاه آغا مجددی ، چاپ پاکستان ٠

۲۳ ـ انقلاب افغانستان نوشتهٔ هالیدی ، چاپ ایران ٠ (تاریخ چاپ ندارد) ٠

۲٤ ـ انیس (روزنامه) کلکسیون یا مجموع سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳٥۲ هـ ،ش ، کابل ٠

۲۵ ـ انیس (جریده) مجموعه سال های ۱۹۲۷ ـ ۱۹۲۹م = ۱۳۰۶ ـ ۱۳۰۸ ﻫ ، ش ، کابل ۰

۲٦ ـ ایوری هل ایوری راک ، نوشتهٔ وکتوریا شوفیلد ، چاپ لندن ۱۹۸٤م ، متن انگلیسی ۰

۲۷ ـ بحران و نجات تالیف غلام محی الدین انیس ، چاپ کابل ، ۱۳۱۰ ﻫ ، ش ۰

۲۸ ـ پادشاهان متأخر افغانستان تالیف میرزا یعقوب علی خان خافی در ۲ جلد، چاپ کابل ۱۳۳٤ ـ ۱۳۳٦ش ۰

۲۹ ـ پیام وجدان (جریده) شماره های سالهای ۱۳٤۵ ـ ۱۳۵۲ ش ، کابل ۰

۳۰ ـ پرچم (جریده) مارچ ۱۹٦۸ ـ جولائی ۱۹۷۰ = حمل۱۳٤۷ ـ سرطان ۱۳٤۹ش ۰

۳۱ ـ پلان پنجسالهٔ دوم ، سال ۱۳٤۱ ـ ۱۳٤۵ش ، نشریهٔ وزارت پلان ، کابل ، ۱۳٤۳ش ۰

۳۲ ـ پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی ۱۳۳۵ ـ ۱۳۳۷ش ۰

۳۳ ـ پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی ، سال ۱۳۳۵ ـ ۱۳٤۰ش ، نشریهٔ ریاست احصائیهٔ وزارت پلان ۰

۳٤ ـ پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی سال ۱۳٤٦ ـ ۱۳۵۰ش ، نشریهٔ ریاست احصائیهٔ وزارت پلان ۰

۳۵ ـ پیر کرم شاه (نسخهٔ خطی) نوشتهٔ محمد صدیق طرزی ۰

۳٦ ـ تاج التواریخ جلد اول و دوم ، چاپ بمبئ و مطبعهٔ اسلامیهٔ لاهور ۰

۳۷ ـ تاریخ افغانستان از «ملسن» چاپ لندن ، ۱۸۷۸م «متن انگلیسی» ۰

۳۸ ـ تاریخ ایران تالیف جنرال سرپرسی سایکس ترجمهٔ فخر داعی گیلانی ، چاپ ایران ، ۱۳۳۰ﻫ ،ش جلد ۲ ۰

۳۹ ـ تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن تا استقلال ، نوشتهٔ لودویک ادمک ترجمهٔ علی محمد زهما ، چاپ کابل ، ۱۳٤۹ش ۰

٤۰ ـ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس تالیف محمود محمود ، چاپ تهران ، ۱۳۳٦ش ، در ۸ جلد ۰

٤۱ ـ تاریخ سیاسی افغانستان نوشتهٔ سید مهدی فرخ ، چاپ تهران ، ۱۳۱٤ش ۰

٤۲ ـ تاریخ سیاسی و اجتماعی آسیای مرکزی تالیف بارتولد ترجمهٔ علی محمد زهما ، چاپ کابل ۱۳٤٤ش ۰

٤۳ ـ تاریخ گلشن امارت تالیف نور محمد نوری ، چاپ کابل ، ۱۳۳۵ ش ۰

٤٤ ـ تاریخ مختصر افغانستان نوشتهٔ عبدالحی حبیبی جلد ۲ ، چاپ کابل ، ۱۳٤۹ش ۰

٤۵ ـ تاریخ مختصر حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ، چاپ کابل ۱۳۵۷ش ۰

٤٦ ـ تصویر روس در آئینهٔ تاریخ ، نوشتهٔ دکتر حق شناس ، چاپ المان ۱۳٦٦ش ۰

٤۷ ـ جمهوریت (روزنامه) ، سال ۱۳۵۸ش ، کابل ۰

٤٨ ـ جنبش اسلامی و مسلمانان آسیای میانه در مقابل کمونیزم ، اثر فضل الرحیم مروت ، ترجمهٔ عبدالجبار ثابت ، چاپ پاکستان ۰

٤٩ ـ جنبش مشروطیت در افغانستان ، نوشتهٔ پوهاند عبدالحی حبیبی ، چاپ کابل ۱۳٦۲ش ۰

۵۰ ـ چهل و یکسال در هندوستان ، اثر لارد رابرتس در ۲ جلد متن انگلیسی ، چاپ لندن ۰

۵۱ ـ حبیب الاسلام (جریده) ، سال اول (دورهٔ امیر حبیب الله کلکانی) ۰

۵۲ ـ خاطرات آقابکوف ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان ، چاپ ایران ، ۱۳۵۷ش ۰

۵۳ ـ خاطرات شاه بخارا (نسخهٔ خطی) و نیز چاپ شده در مجلهٔ میثاق خون ، شماره های سال ۱۳٦۵ش ۰

۵٤ ـ خلق (جریده) شمارهٔ (۱+۲) حمل ۱۳٤۵هـ.ش ۰

۵۵ ـ خیبر (جریده) شماره های سال ۱۳٤۷ ـ ۱۳۵۲ش ۰

۵٦ ـ دایرة المعارف فارسی بخش اول از جلد ۲ (تحت سرپرستی دکتر مصاحب) چاپ ایران ۱۳۵٦ش ۰

۵۷ ـ در زوایای تاریخ معاصر افغانستان ، تالیف احمد علی کهزاد ، کابل ۱۳۳۱ش ۰

۵۸ ـ دههٔ قانون اساسی نوشتهٔ آقای کشککی ، چاپ پاکستان ، ۱۳٦۵هـ ، ش ۰

۵۹ ـ رجال و رویداد های تاریخی نوشتهٔ علی احمد خان کهزاد ، طبع انجمن تاریخ ، کابل (سال چاپ ندارد) ۰

٦۰ ـ رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان ترجمهٔ دکتر عباس آذرین ، چاپ ایران ۱۳۵۹ش ۰

٦۱ ـ زندگی امیر دوست محمد خان از موهن لال (متن انگلیسی) چاپ لندن ، ۱۸٤٦م ۰

٦۲ ـ زندگی من ، از نهرو ترجمهٔ محمود تفضلی ، چاپ ایران ، ۱۳۳۵ش ۰

٦۳ ـ سالار مجاهدین نشریهٔ جبههٔ ملی نجات افغانستان ، چاپ پاکستان ، ۱۳٦٦ش ۰

٦٤ ـ سراج الاخبار ، سالهای ۱۲۹۱ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹٤ ، ۱۲۹٦ هـ ، ش ۰

٦۵ ـ سراج التواریخ تالیف میرزا فیض محمد کاتب ، جلد ۱ ـ ۳ چاپ کابل ۱۳۳۳ هـ ق ۰

٦٦ ـ سفارت روسیهٔ تزاری بدربار امیر شیر علی خان ، ترجمهٔ برشنا ، چاپ کابل ۰

٦۷ ـ سوسیال امپریالیزم روس درصحنهٔ اقتصادی افغانستان ، نوشتهٔ ابوالمجید ، نشر کردهٔ انجمن علمی جمعیت اسلامی افغانستان ، اسلام آباد ، ۱۳٦۲ش ۰

٦۸ ـ سیاست خارجی افغانستان درنیمهٔ اول قرن ۲۰ ، نوشتهٔ لودویک ادمک ، ترجمهٔ پوهاند محمد فاضل خان (نسخهٔ خطی) ۰

٦۹ ـ شناسائی جمیعت العلمای محمدی نشر کردهٔ جبههٔ ملی نجات افغانستان ، ۱۳٦٦

۷۰ ـ شبخون افغان نوشتهٔ «لیدی سیل» ترجمهٔ فارسی ، چاپ کابل ۱۳۲۹ش ۰

۷۱ ـ عروج بارکزائی ها تالیف «ادوارد لایسسس پیرس» ترجمهٔ آقای عبدالرحمن پژواک و

آقای محمد عثمان صدقی ، چاپ کابل ، ۱۳۳۳ ﻫ ،ش ۰
۷۲ ـ عیاری از خراسان نوشتهٔ استاد خلیلی ، چاپ پاکستان ، ۱۳۶۳ش ۰
۷۳ ـ کابل تایمز (روزنامهٔ انگلیسی) شماره های سال های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۲ﻫ ،ش ۰
۷۴ ـ کاروان (روزنامه) شماره های سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۲ ﻫ ،ش ۰
۷۵ ـ گذرگاه افغانستان نوشتهٔ ویلهلم دیتل ترجمهٔ محسن محسنیان ، چاپ ایران ۱۳۶۵ش ۰
۷۶ ـ گهیځ (جریده) مجموعه سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۸ ﻫ ،ش ۰
۷۷ ـ لویه جرگه ها (= جرگه های کبیر) نوشتهٔ م ـ ع ـ ف (نسخهٔ خطی) ۰
۷۸ ـ مجلهٔ اردو (شمارهٔ ۱۳) برج اسد ۱۳۶۳ ﻫ ،ش ۰
۷۹ ـ مجموعهٔ احصایوی (معلومات وارقام دربارهٔ رویداد های اقتصادی و اجتماعی افغانستان) چاپ کابل ، ۱۳۶۰ ﻫ ش ۰
۸۰ ـ محمد هاشم میوندوال نوشتهٔ آقای محمد نجیم آریا چاپ سال ۱۳۶۳ ش امریکا ۰
۸۱ ـ مساوات (جریده) شماره های مختلف سالهای ۱۳۴۶ش تا ۱۳۵۱ ش ۰
۸۲ ـ مسلم (روزنامه) ماه می سال ۱۹۸۲م ۰
۸۳ ـ مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان ، اثر سید علی خامنه ئی ، چاپ ایران ، ۱۳۴۷ش ۰
۸۴ ـ معرکة الاسلام والالحاد فی افغانستان نوشتهٔ استاد سیرت ، چاپ مکه مکرمه ، ۱۳۶۰ش = ۱۹۸۱م ۰
۸۵ ـ میثاق خون (ضمیمهٔ شماره یکم) مورخ حمل ۱۳۶۶ﻫ ،ش ، چاپ پاکستان ۰
۸۶ ـ مناسبات افغانستان و شوروی در سال های ۱۹۱۹ ـ ۱۹۶۹م نشرکردهٔ وزارت خارجهٔ افغانستان و روسیه ، متن فارسی ، چاپ کابل ، دلو ۱۳۴۹ش ۰
۸۷ ـ مصاحبه ها و بیانات محمد داود ، نشر کردهٔ وزارت اطلاعات و کلتور ، کابل ، ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ش ۰
۸۸ ـ نخستین تجاوز روسیه در افغانستان ، نوشتهٔ استاد خلیلی ، چاپ پاکستان ، ۱۳۶۳ش ۰
۸۹ ـ نظام اقتصادی و اجتماعی افغانستان نوشتهٔ: ۱ ـ اپلیاک ، چاپ انتشارات علمی مسکو ، ۱۳۴۶م (شمارهٔ ۷۳) ۰
۹۰ ـ واقعات شاه شجاع الملک ابدالی ، چاپ انجمن تاریخ ، کابل ، ۱۳۳۳ش ۰
۹۱ ـ نوای معارک تالیف میرزا عطامحمد شکارپوری به تصحیح و تحشیهٔ عبدالحی حبیبی ، طبع کراچی ۱۹۵۹م = ۱۳۳۸ش ۰
۹۲ ـ یادداشت های کابل ، نوشتهٔ الکسا ندر برنس چاپ لندن ، ۱۸۴۲م ، متن انگلیسی ۰

بها : در داخل پاکستان ۳۰۰ روپیه

در خارج ۲۵ دالر باپوست هوائی